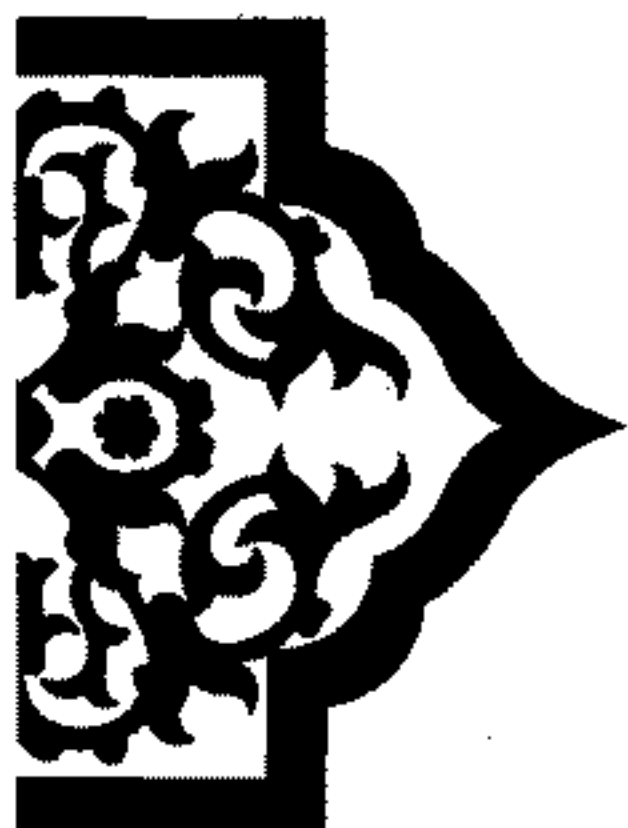


یوم الخیر
در پناہ حضرت قائم
عجلتہ فرجہ
دوران

کامل سلیمان

ترجمہ و تحقیق: استاد محمد رحمتی شہرہ



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾
حساب مردمان نزدیک شد، ولی آن‌ها از روی غفلت روی می‌گردانند! سُورَةُ الْاِنْبِيَاءِ

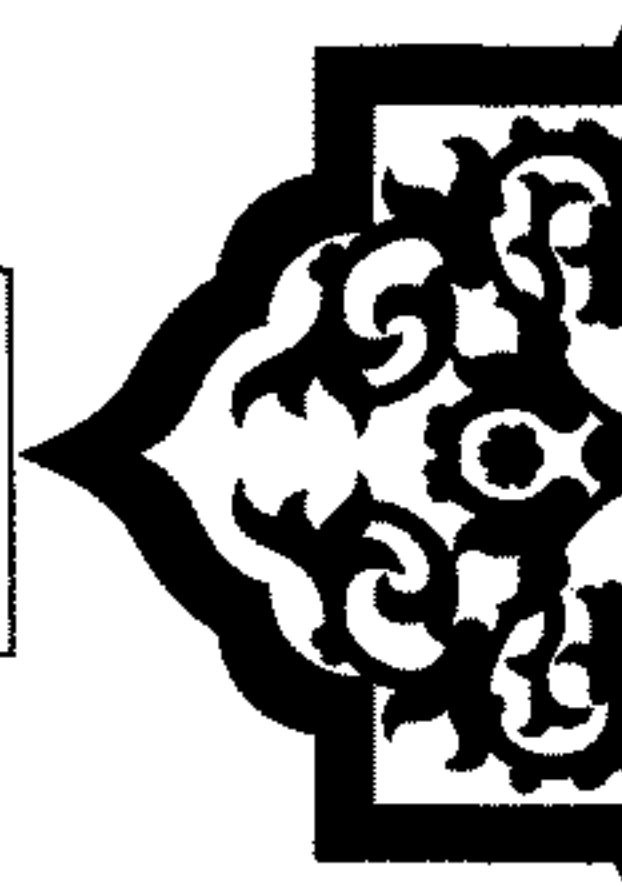
امام صادق علیه السلام به یار وفادارش مفضل بن عمر
در باره مسائل حضرت مهدی علیه السلام و داستان
ظهور این بزرگوار، فرمودند:

«ای مفضل! اخبار مهدی را به شیعیان ما بگو،
تا در دین خود دچار شک و تردید نشوند.»

بشاره الاسلام : ۲۶۷.

امام سجّاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام، آیه شریفه
فَوَرِّبِ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ رَا بِه قیام قائم تاویل نمودند:
«راسخون در علم» در آیه شریفه وَمَا يَسْأَلُكُمْ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ
وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ پیامبر و پیشوایان معصوم می‌باشند!

۱. سوره مبارکه طه، آیه ۲۴.
۲. العیبه للطوسی: ۱۱۰، تنبیح الموءنه: ۸۱.
۳. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۷.
۴. التکفیر: ۱، ۱۸۶.



اهداء

تقدیم به پیشگاه قائم منتظر؛

که گر گهای چویان نما و گمراهان هادی نما را

از ریشه و بن برکنده، انسانیت را از تیرگی گمراهی برهاند،
ز مامداران ستمگر را نابود سازد، جاهلان عنادگر را ریشه کن نماید و
زمین را پُر از عدل و داد کند، بعد از آنکه پُر از ظلم و ستم شده باشد.
تقدیم به یکه تاز پیروز؛ که امر او روشنتر از خورشید خواهد بود.

تقدیم به حامل موارث پیامبران؛

که زبان من و هر گوینده دیگر از وصف او ناتوان است و ثنا گویان
هر چه گویند، پایین تر از شأن او گفته اند.

به پیشگاه سرور، رهبر، مولا و پیشوایم؛

این قطرات ناچیز از اقیانوس بیکران سخنان گهربار جد بزرگوار و
پدران والامقامش را تقدیم می نمایم به امید اینکه توشه ای باشد
برای روزی که مال و اولاد سودی نبخشد.

کامل سلیمان

دورانِ رہا ہے

درپناہ حضرت مہدی قائم علیہ السلام

ترجمہ و تحقیق:
محمد رحمتی شہر ضا

ترجمہ کتاب
یوم الخلاص فی ظل القائم المہدی علیہ السلام

مؤلف:
کامل سلیمان

سرشناسه	: سلیمان ، کامل
عنوان قراردادی	: یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی (عج) . فارسی
عنوان و پدینا اور	: دوران رهایی در پناه حضرت قائم (عج) / تالیف کامل سلیمان ، ترجمه محمد رحمتی شهرضا
مشخصات نشر	: قم : صبح پیروزی ، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	: ۶۴۰ ص .
۱۸۵۰۰۰ ریال	978-964-7810-25-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا .
موضوع	: مهنویت
موضوع	: محمد بن حسن (عج) ، امام دوازدهم ، ۲۵۵ ق . -
موضوع	: فتن و ملاحم
موضوع	: آخرالزمان
شناسه افزوده (شخص)	: رحمتی شهرضا ، محمد ، ۱۳۵۸ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۹۰۴۱ ی ۸ س / ۴ / ۲۲۴ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲



نام کتاب : دوران رهایی در پناه حضرت مهدی قائم (عج)

مؤلف : کامل سلیمان

مترجم : استاد محمد رحمتی شهرضا

ناشر : صبح پیروزی

لینوگرافی : نویس

چاپ : افق

نوبت چاپ : اول / بهار ۱۳۹۲

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

مدیر اجرایی : علی محمدی

قیمت : ۱۸۵۰۰ تومان

Alimohammadi53@yahoo.com

حق چاپ محفوظ

مرکز پخش :

قم / خیابان معلم / روبروی بیت امام خمینی (ره) / انتشارات صبح پیروزی

تلفن : ۷۷۴۸۲۳۳ - ۲۵۱ - همراه : ۰۹۱۹۸۵۰۷۵۸۸

فهرست مندرجات

۷	پیشگفتار.....
۷	مقدمه مترجم.....
۱۲	مقدمه مؤلف.....
	فصل اول
۳۱	معرفی حضرت مهدی منتظر.....
	فصل دوم
۶۰	سیمای حضرت مهدی علیه السلام.....
	فصل سوم
۶۸	ستاره‌های بدرخشید و.....
	فصل چهارم
۹۴	راز غیبت حضرت مهدی علیه السلام.....
	فصل پنجم
۱۱۴	نحوه بهره‌مندی از امام مهدی «علیه السلام» در زمان غیبت.....
	فصل ششم
۱۲۵	مسئله طول عمر حضرت مهدی «علیه السلام».....

فصلِ هفتم	
۱۳۶	غیبتِ صغری و نایبانِ حضرتِ مهدی علیه السلام
فصلِ هشتم	
۱۶۴	غیبتِ کبری
فصلِ نهم	
۱۷۳	تخیر و سرگردانیِ مردم و انتظارِ فرج
فصلِ دهم	
۱۸۱	مسئلهٔ انتظار
فصلِ یازدهم	
۲۱۱	یارانِ امامِ زمانِ علیه السلام
فصلِ دوازدهم	
۲۳۶	دورانِ نجات و پیروزی
فصلِ سیزدهم	
۲۹۶	مقتدایِ مسیح
فصلِ چهاردهم	
۳۰۵	دولتِ حق
فصلِ پانزدهم	
۳۶۳	علائم و نشانه‌ها
فصلِ شانزدهم	
۳۷۵	مردمِ آخر الزمان





پیشگفتار

مقدمه مترجم

با نگاهی به ادیان آسمانی خصوصاً در همهٔ فِرَق و مذاهب اسلامی آیندهٔ بشر آیندهٔ تاریخ و مبهم و ناشناخته‌ای نیست. اندیشهٔ پیروزیِ نهاییِ نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، فراگیر شدنِ ایمان و ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینهٔ فاضله و جامعهٔ مطلوب به دستِ شخصیتی مقدّس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی علیه السلام» تعبیر شده است، اندیشه‌ای است که کم و بیش همهٔ فرق و مذاهب اسلامی با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی بدان مؤمن و معتقدند.

اصولاً اعتقاد به مهدی علیه السلام یک الهامِ فطریِ انسانی است که در برابر بینش متفکران جهان، روزگار درخشانی را مجسم می‌سازد. این الهام طبیعی و این شعور باطنی که در افراد همه جوامع و ملل موجود است، از گسترده‌ترین و روشن‌ترین الهامات بشری است. قرآن مجید با قاطعیّت تمام، پیروزیِ نهاییِ ایمان اسلامی، غلبهٔ قطعی صالحان و مستقیان، کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت را نوید داده است که همگان باید منتظرِ چنین روزی باشیم. نکتهٔ مهم و اساسی آن است که در آموزه‌های دینی و سیرهٔ امامان معصوم علیهم السلام دستور به انتظارِ مقدّسی داده شده که کاملاً سازنده و تعهد آور و محرّک است. از جملهٔ مشخصاتِ این انتظار بزرگ می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. خوشبینی به آینده بشریت؛ ۲. پیروزیِ نهاییِ صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استعباد و ظلم و اختناق؛ ۳. حکومت واحد جهانی؛ ۴. عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آباد نشده باقی‌نماند؛ ۵. بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی؛ ۶. حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین؛ ۷. برقراری مساوات

کامل میان انسانها در امر ثروت؛ ۸. منتفی شدن کامل مفاسد اخلاقی از قبیل دزدی، ربا، شراب خواری، خیانت، آدمکشی و غیره و خالی شدن روانها از عقدهها و کینهها؛ ۹. منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون؛ ۱۰. سازگاری انسان و طبیعت.

تصویر غلط و اشتباهی نیز وجود دارد که برخی فکر می‌کنند تا فساد شایع نشود امر فرج صورت نمی‌گیرد. این حرف غلط است چون آموزه‌های دینی ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام را چونان حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود می‌داند؛ مبارزه‌ای که قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارد. اگر قرار است صبح صادق بدمد و همه از روشنایی خورشید بهره بگیریم، معنایش آن نیست که در تاریکی بنشینیم و بر آن لعنت بفرستیم! باید چراغ و شمع روشن کرد و مقدمات آن اتفاق بزرگ را مهیا نمود. سهیم بودن یک فرد در سعادت بودن در رکاب مهدی موعود علیه السلام موقوف به آن است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد و در حکومت‌ها و مجامعی شبیه آن دوران رهایی بشر، خودی نشان داده باشد. علاوه بر آن که تعبیر تمامی روایات برای وقت ظهور آن است که «کَمَا مُلِئْتُ...» آن‌چنانکه زمین پر از جور و ستم شود...» نه آن که فرموده باشند: «بَعْدَ مَا مُلِئْتُ؛ پس از آن‌که...» بنابراین اگر کسی معتقد بود که باید امور جهان را آشفته نمود تا امر ظهور انجام پذیرد، راهی به خطا و اشتباه را می‌پیماید که باید او را از این غلفت باخبر نمود.

در یک کلام ایمان به مهدی علیه السلام عامل نیروبخشی است که امید به حاکمیت کامل عدل و داد در آینده و حس مقاومت و جنبش را در افراد به وجود می‌آورد و از خاموش شدن مشعل انتقام در سینه مظلومان جلوگیری می‌نماید.

همه ما منتظر انتهای تجلی خداوند و حسن ختام عالم و همه ادیان هستیم. گوهری که در میان مظاهر تجلی حق تعالی مظهر همه صفات و اسمای الهی است. وجود شریفی که عهده‌دار منصبی از سوی خداوند است که بالاترین منصب عالم وجود بوده و آن قیام برای اجرای کامل دین خدا و رفع ظلم و ستم و برخورد با هرگونه بدعت و انحرافی است که در جامعه مسلمین و میان انسانها به وجود آمده است.

مهدی اسلام، انسان معینی است که در کنار ما با تمام وجودش زندگی می‌کند و برای ما در همه دردها، غصه‌ها و آتش تاخت و تازهای ستمگران و سوز و گداز رنجش



دردمندان می‌سوزد و خود او هم در انتظار لحظه‌ای است که بتواند دستش را به سوی ستم‌دیده محروم دراز کند و ریشه ستمگران را از بن بکند.

و اما این کتاب...

برای این که مردم درباره مسئله غیبت آخرین وصی پیامبر ﷺ و منجی عالم بشریت و شخص این امام بزرگوار و خصوصیاتش دچار خطا نشوند، مشخصات و صفات او و شروط ظهور و دوران حیات، تولد و غیبتش در منابع روایی ذکر شده است. روایات اسلامی حتی گفته‌اند که او از کجا ظهور می‌کند، خبر ظهورش چگونه منتشر می‌شود، و نخستین جمله دعوت او چیست. حتی روایات گفته‌اند او از نسل پیامبر، فرزند فاطمه و علی، دوازدهمین جانشین محمد ﷺ، نهمین فرزند امام حسین و تنها فرزند امام عسکری است و... بحمدالله کتاب‌های بسیار و مفصلی در این باره نوشته شده و این‌گونه روایات در کنار هم جمع آوری و تدوین و تألیف شده است. از جمله این کتاب‌ها، کتاب پیش رو یعنی «یَوْمُ الْخَلَاصِ فِي ظِلِّ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» که این حقیر آن را به نام «دوران‌رهایی در پناه حضرت مهدی قائم ﷺ» ترجمه نمودم. کتاب یوم‌الخلاص سال ۱۳۹۹ هجری قمری توسط کامل سلیمان تألیف شده است. ایشان از نویسندگان و علمای سرزمین عالم پرور جبل عامل در جنوب لبنان هستند که علاوه بر این کتاب آثار پر ارج دیگری همچون الحسن بن علی، شرح دیوان شریف رضی، التریة، سلسلة تربوثة، ادب الائمة لشیعتهم^۱ و... نیز از ایشان به چاپ رسیده است. کتاب حاضر با دقت نظر و شیوه جالب نویسنده محترم آن مورد استقبال و توجه قرار گرفت. هر چند در این کتاب همانگونه که مشاهده خواهید نمود ذیل برخی از روایات پیش بینی‌ها و تطابق‌هایی از سوی نویسنده صورت گرفته است که روا یا ناروا بودن این امر مورد تأمل است. چرا که ما معتقدیم تطابق آیات و روایات با حوادث زمانه و اتفاقات در پیش رو زمانی می‌توانند حجیت داشته باشند و مورد استفاده قرار گیرند که قطعی شده باشد و از حیث سند و دلالت وجهی دیگر متصور نشود. چرا که وجوه گوناگون بسیاری از مسائل علمی و حتی حوادث زمانه گاهی دچار تغییر شده و به

۱. علاوه بر این کتاب‌ها دیوان اشعار ایشان به نام‌های اشراق، من قلبی، سیل نیز به زیور طبع آراسته شده است. این بزرگوار آثار ارزشمندی را از بهترین آثار جهان غرب برای غنی‌تر ساختن فرهنگ عربی به زبان عربی برگردانده است که از آن جمله است: الاتجاهات الحديث فی الإسلام، الحب و الطیبة، مروضة الرجال، کن رئیساً، المانیا القریه. همچنین ایشان کتاب‌های درسی و کمک درسی فراوانی در رشته‌های ریاضیات، علوم طبیعی، تاریخ و ادبیات عربی، با همکاری تنی چند از دانشمندان لبنان نوشته و منتشر کرده است.

ثبوت و حتمیت نیز نرسیده‌اند و تطابق متون روایی و یا تأویل آیات الهی در ذهن خوانندگان دچار تغایر و تضاد خواهد شد. به عنوان نمونه اگر بخواهیم برای سید حسنی و یا شعیب بن صالح و دیگر نشانه‌های ظهور مصداقی تعیین نماییم و یا از حادثه‌ای به عنوان نشانه قطعی ظهور یاد کنیم، نیاز به هزار و یک امّا و اگر و شاید و... داریم که بدون آن‌ها و صرف تطابق از روی حدس و گمان، اعتقاد برخی نسبت به اصل این متون نیز متزلزل خواهد شد.

امّا از این مسئله که بگذریم از محاسن کتاب حاضر بیان بیشترین احادیث مربوط به نشانه‌های ظهور - در حدود ششصد حدیث - است که نشان از وسعت آگاهی و مطالعه و تحقیق و تفحص مؤلف محترم دارد. این کتاب در بیست بخش تنظیم شده که ولادت، غیبت، طول عمر، نواب اربعه، نقش انتظار، ویژگی یاران، روزگار رهائی، نزول حضرت عیسی، نشانه‌های ظهور، آزمون‌های عمومی، انقلابات، دجال، سفیانی، سید خراسانی و ده‌ها مباحث دیگر از جمله آن‌هاست. روش ایشان در بیان روایات این‌گونه بوده که ابتدا روایاتی که از لسان مبارک پیامبر ﷺ بیان شده، آورده‌اند و سپس احادیث وارده از دیگر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به ترتیب نقل شده است. در پایان برخی از فصول کتاب گاهی به فراخور مطلب، اعترافات از بزرگان اهل تسنن و یا جملاتی از متن تورات و انجیل آورده شده است. نکته قابل ذکر آن‌که مؤلف محترم گاهی برای حفظ موضوع مورد نظرش احادیث را بطور کامل نیاورده و هر قسمت را در بخش مربوط به آن بیان کرده است. در پاورقی‌ها نیز معمولاً برای یک حدیث بیش از یک منبع آورده شده است که طبعاً متن حدیث در همه منابع یکسان نیست و ما نیز اختلاف متون را به جهت اختصار ذکر نکرده‌ایم که پژوهشگران برای نقل احادیث این کتاب حتماً می‌بایست به اصل منابع رجوع نمایند و ملاکشان نشانی منابع ذکر شده در پاورقی این کتاب نباشد.

سعی و تلاش این حقیر آن بود که این کتاب با ترجمه‌ای روان و گویا و اعراب‌گذاری روایات و درج اصل متون عربی روایات به بهترین وجه خدمت شما خواننده عزیز عرضه شود که بضاعت کمتر از اندک حقیر و وسعت کار، ناخواسته موجب پدید آمدن اشتباهاتی خواهد بود که با تذکرات شما عزیزان در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار خواهد گرفت. در این کتاب از زحمات استاد بزرگوار علی‌اکبر مهدی پور حفظه‌الله که در ترجمه و تحقیق این کتاب انصافاً زحمت بسیار کشیده‌اند نیز بهره برده‌ام.



در پایان با تشکر و سپاس از همه عزیزانی که در آماده شدن این اثر یاری‌ام نمودند، خصوصاً همسر بزرگوار، متدین و مهربانم، با سلام و درود به ارواح پاک انبیاء و اولیاء الهی، شهدای عزیز راه حق، اموات مؤمنین و مؤمنات، عاجزانه همچون موری جسور، این خدمت ناچیز را به آستان سلیمانی حضرت بقیة الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء تقدیم می‌کنم؛ امید است با دعای خیر شما عزیزان، گوشه چشمی شود و نام ما نیز در طومار ارادتمندان حضرتش ثبت و ضبط گردد و در آن قیام شکوهمند و رهایی بخش ما نیز سهمی داشته باشیم... ان شاء الله

آشیانه آل محمد ﷺ، قم مقدسه
کمترین: محمّد رحمتی شهرضا
۱۳۹۱/۲/۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف

بیش از آنکه خواننده گرامی تعجبِ خویش را از انتخابِ موضوعِ این کتاب از سوی من ابراز کند، من پاسخ آن را در اینجا خواهم گفت که چرا در این زمانه دست به نوشتن چنین کتابی زده‌ام.

بدون شک چنانچه همه مردم منکرِ آفریدگارِ خویش شوند، باز هم وجودِ اقدسِ الهی به قوتِ خویش باقی است، و اگر همه جهانیان منکرِ روزِ رستاخیز و قیامت شوند، حقیقتِ روزِ قیامت در واقعیت خود ماندگار است، و چنانچه تمامی مردم منکرِ حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - شوند، هیچ شک و تردیدی دربارهٔ آن وجودِ مقدس و آن مهربانان بر نخواهد تابید. شرائط خاصی پدید آمد که سبب شد من «آخرالزمان» و اهل آن را بشناسم. و پس از تحقیق و آشنایی با اوصافِ آخرالزمان به این نتیجه رسیدم که من و شما از مردمِ آخرالزمان هستیم و اوصافِ مردمِ آخرالزمان که در روایات آمده است دقیقاً منطبق بر ماست.

زندگی با مردمِ آخرالزمان مرا بر آن داشت که در این موضوع کتابی فراهم آورم و از این رهگذر، به صراحت به آنان اعلام کنم که: آخرالزمان بر ما سایه افکنده و ما همچون قوم عاد و ثمود و برادرانِ لوط هستیم!

من یقین دارم که اهلِ آخرالزمان هستیم، چنانکه دربارهٔ وجودِ مردمانی چون قوم عاد و ثمود تردید نداشتیم. از این رو راه‌هایِ رهایی را جستجو کرده، در برابر شما قرار می‌دهم و در حال حاضر مخاطبین من دو گروهند:

۱- گروه کتاب‌نخوانده‌ای که از این موضوع هیچ آگاهی نداشته، از ابعاد گسترده مسئله حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مطلع نیستند و می‌ترسند اگر به تحقیق در این زمینه بپردازند، در ابعاد گوناگون و گستردهٔ آن گم شده و بر همه اطراف و جوانب آن مسئله احاطه پیدا نمی‌کنند.

۲- گروه دانشمند و کتابخوان که به مسائلِ دیگر آگاهی گسترده‌ای دارند ولی آگاهانه و یا بطور ناخودآگاه در این زمینه وارد نشده و مطالعه و تحقیق نکرده‌اند که اگر اراده



می‌کردند از حجم کار باکی نداشته و توانایی احاطه بر ابعاد موضوع را داشتند. اما چیزی که آن‌ها را از تحقیق در این موضوع باز می‌دارد آن است که نمی‌دانند چگونه حقایق و نظرات را آشکارا بیان کنند و نتیجه این می‌شود که وارد چنین بحثی نمی‌شوند. پس می‌توان آن‌ها را تشویق و تشجیع نمود که نظرات خودشان را بطور آشکار مطرح ساخته و با صراحت، کلمه حق را علیرغم داوری‌های عجولانه و بی‌غرضانه مردم بیان کنند که مردم هر چه می‌خواهند بگویند.

با این هدف، خطابم به هر دو گروه است و خلاصه مطالعات چندین ساله‌ام را به هر دو گروه تقدیم می‌دارم و حق انتخاب و آزاد اندیشی را از آن‌ها می‌دانم. من در این کتاب با کسانی که در برابر حق، مغرض و ستیزه‌جو هستند؛ سخنی نمی‌گویم و در مقابل افراد لجوج و سرسخت نخواهم ایستاد و برای آنانی که نسبت به آنچه از جانب پروردگار فرود آمده تردید دارند - بطوریکه حتی در مورد باران نیز به علت آنکه از آسمان فرود آمده شک می‌کنند - ؛ دلیل اقامه نمی‌کنم، و نیز با کسانی که در برابر بدیهیات عقل خود را به خواب و نادانی می‌زنند؛ آنانکه در حین ولادت بیش از سه وجب و در هنگام مرگ بیش از شش وجب را اشغال نمی‌کنند و با همه حقارت در برابر عظمت هستی، خالق جهان را منکر می‌شوند؛ بحثی ندارم.

من نمی‌خواهم با روشنفکر و تحصیل کرده‌ای که برای معنویات ارزشی قائل نیست و معیارها را نادیده می‌گیرد؛ گفتگو کنم. و نمی‌خواهم با کسانی که در یک رشته تخصص یافته، همه چیز را با معلومات ناقص خود می‌سنجند و به هر چه با معلومات ناقصشان سازگار نباشد به دیده تردید و انکار می‌نگرند؛ مواجه شوم. و یا با کسانی که خود را از ایده و عقیده رها ساخته، به شکل جنس مخالف درآمده، از پذیرش مکتبی چون هیپیسیم و نیهیلیسم باکی نداشته و از مراحل عالی تمدن و انسانیت به مرحله حیوانی سقوط کرده‌اند؛ روبرو شوم. و یا برعکس، زنانی که کرامت خود را فراموش کرده و برخلاف خوی و طبیعت خویش و برای جلب نظر چند ولگرد هوسران فاصله‌ای تا عربان شدن کامل ندارند؛ مخاطب این کتاب نیستند. نسل عصیانگری که خود را از دیدن حق، کور و از شنیدن سخن حق، کر ساخته، و تصمیم خود را بر نشنیدن حق و نپذیرفتن بند، گرفته است، از این کتاب بهره نخواهد داشت. اگر چه دوست داشتم حقیقت بر همه روشن شود و کسی بی‌گدار به آب نزند و در آن روز پشیمانی نبرد؛

﴿يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَسْأَلُنِي أَلْتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾^۱؛ روزی که
ستمگر دست‌های خود را به ندامت می‌گزد و می‌گوید: ای کاش همراه پیامبر راهی بر
می‌گزیدم.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«هر کس در بندگی و اطاعت خدا، خود را به زحمت اندازد، ولی امام و پیشوایی از سوی
خدا نداشته باشد، تلاشش بیهوده و خودش در مسیر گمراهی است، و خداوند عبادت
او را نمی‌پذیرد و اگر در همین حال از دنیا برود، کافر و منافق از دنیا رفته است.»^۲
تحصیل کرده‌های از خود راضی، که خیال می‌کنند دانشنامه‌هایشان از حق و حقیقت
بالتر است، با تکیه بر تخصص خویش و بدون توجه به دلایل و براهینی که بیانگر حقیقت
است با سرعت به پیش می‌رانند؛ مخاطب این کتاب نیستند.

بلکه مخاطب ما در این کتاب آزاد اندیشان با انصافی هستند، که از شنیدن حق و
پذیرفتن آن سر، باز نمی‌زنند و شجاعت آن را دارند که در هر زمینه به تحقیق پرداخته،
سرانجام پذیرای حق شوند و جرأت فکری آن را دارند که چیزی را به عنوان اصل مسلم
نپذیرند بلکه به عنوان آن که حقیقت است به تجزیه و تحلیل آن پردازند. و شهادت آن
را دارند که اگر از چیزی بی‌اطلاع هستند، صرفاً به همین دلیل به انکار آن برنخیزند.
این کتاب برای کسانی است که به دنبال حقیقت بوده و در کنار آن هدفی ارزشمند و
والا داشته و تلاش می‌کنند که در هر موضوعی نقاب جهالت را کنار زده، چهره حقیقت را
با اندیشه تیز بین خود بشناسند.

مخاطب ما اندیشمندانی هستند که برای فکر و اندیشه ارزش قائلند، و در مقابل
برهان و استدلال محکم، حرفی برای گفتن ندارند و ایمان سطحی و تقلیدی را شایسته
خویش نمی‌بینند. این کتاب برای چنین مردمی و درباره حادته‌ای که به طور حتم وقوع
خواهد یافت؛ نوشته شده است. این واقعه مهم - چه مردم همگی بخواهند و بپذیرند یا
عده‌ای در پذیرفتن آن لجاجت و سرسختی از خود نشان دهند - بدون تردید واقع
خواهد شد. زیرا او همچون خورشید فروزان و مهر تابانی است که به هر خانه‌ای خواهد
تابید و از هر روزنه‌ای خواهد درخشید اگر چه صاحب خانه بدان راضی نباشد. و هرگز
تیرگی‌های اندیشه جاهلان و یا تنگ نظری خفاشان، مانع از پرتو افکنی‌های آن نخواهد شد.

۱. سوره مبارکه فرقان، آیه ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱

مردم باید این حادثه و امر مهمی را که وقوعش حتمی است به خوبی بشناسند که بدون شک با تصدیق و تکذیب افراد این واقعیت تغییر نمی‌یابد. از این رهگذر باید آن را با ابعاد گسترده‌اش فراگیرند که اگر باورکردنی است باور کنند و اگر قدرت تکذیب دارند از روی آگاهی تکذیب نمایند.

این کتاب برای کاوشگری است که در آن به دنبال یافتن حق بوده و اهل پیروی از حق است؛ برای پژوهشگری است که می‌اندیشد و در عواقب امور تدبیر می‌نماید. عواقب امور را می‌سنجد و راه خود را بر می‌گزیند.

برای پویندگان حقیقت و آزاد اندیشان جهان از هر سرزمین و دین و آئین است. کسی که به قدری سعه صدر ندارد تا حقیقت را در آن جای دهد و یا استعداد پذیرش و فهم حقیقت را ندارد، ما با او کاری نداریم، زیرا در هیچ دورانی همه مردم، حق را نپذیرفتند. آن همه سخنان حق در تورات و انجیل و قرآن، بر قلب پیامبران والا مقام فرود آمد ولی همگان پذیرای آن نبودند، بلکه گروهی به مبارزه با آن برخاستند و جان خویش را در این راه از دست دادند، در حالی که در آن کتب آسمانی چیزی جز سپاس و شکر مخلوق در برابر آنهمه نعمت و احسان خالق، مطرح نبود.

من این کتاب را می‌نویسم تا مردم را از واقعه‌ای آگاه سازم که همه مقدماتش به وقوع پیوسته است، و آنچه در آستانه وقوعش باید انجام پذیرد، در شرف وقوع است. و نمی‌خواهم کسی را به زور قانع کنم، که هنوز هم در میان ما کسانی هستند که سفرهای فضائی را باور نکرده‌اند و پیاده شدن انسان را بر کره ما و مریخ چیزی جز هیاهوی خبرگزاری‌ها نمی‌پندارند!

پیش به سوی حوادث مسلمی که بر منکران و باورداران همزمان روی خواهد داد، پیش به سوی واقعه حتمی که انکار منکران و تکذیب کافران را در آن بی اثر خواهد بود. هرگز در پذیرش عقیده تحمیل روا نیست که اعتقاد به چیزی از شناخت آن سرچشمه می‌گیرد نه از راه اجبار و نه از راه جهالت. بر حذر باش که از چنین حادثه جهانی در غفلت نباشی.

راه را از چاه جدا می‌سازم و ظهور مصلح غیبی را که بی‌هیچ تردید ظاهر خواهد شد، بازگو می‌کنم تا همگان از آگاهی کامل برخوردار باشند و راه خود را آگاهانه انتخاب کنند. در برابر خواننده گرامی بر خود وظیفه می‌دانم که آنچه می‌نویسم به دور از هر گونه

تعصب و هوای نفس باشد، و در آنچه نقل می‌کنم امانت را رعایت می‌کنم و آنچه شرح می‌دهم مطالب پیچیده‌ای را که نیازمند شرح است تشریح نمایم، و آنچه پاورقی می‌زنم و یا اظهار نظر می‌کنم بیان چیزهایی باشد که باور دارم و در نظرم تردید ناپذیر است. من به افکار خود آنچنان خوشبین نیستم که نظر خود را به دور از هر خطا پنداشته، همگان را از پذیرش آن ناگزیر بدانم، بلکه آنچه در این کتاب آورده‌ام از سرچشمه زلالی است که انکار منکران به آن آسیبی نخواهد رسانید، ولی باور باورداران مرا خشنود خواهد ساخت که من متن اعتقاد قلبی و ایمان درونی‌ام را در اینجا به نمایش گذاشته‌ام و همگان را برای مطالعه و اندیشه و سرانجام پذیرش آن فرامی‌خوانم که خداوند می‌فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما باد نفسهای خودتان، گمراهی گمراهان شما را آسیب نمی‌رساند.

در گذشته مردم پیامبران را تکذیب کرده‌اند، و خدا و فرشتگان را انکار نموده‌اند و روز رستاخیز را به استهزاء گرفته‌اند؛ آن روزی که خداوند منان با بکارگیری الفاظ و حروف تأکید همچون حروف جواب، ان، لام و نون، به حقیقت و حتمیت آن سوگند یاد کرده و می‌فرماید:

﴿وَيَسْتَنْسِبُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ رَٰحِقٌ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ؛^۲ از تو می‌پرسند: آیا به راستی آن حق است؟ بگو: آری، به پروردگارم سوگند، که آن حق است و شما هرگز راه فراری ندارید.»

در عین حال، منکرین معاد و قیامت، بسیار و معتقدین به آن اندکند. بنابراین وقتی بیشتر مردم گفتار خداوند را تکذیب می‌نمایند، نپذیرفتن سخنان من نیز، دلیل بی‌اعتباری آنان و بی‌احترامی و اسائه ادب به من نیست. زیرا انسان به طبیعت حال در مسائل مربوط به ماوراء طبیعت زود قضاوت می‌کند. بسیار مشاهده می‌شود افرادی که از درک مسائل بسیار ساده ناتوان هستند، در مسائل بسیار پیچیده جهان متافیزیک اظهار نظر می‌کنند و طبق رأی خود، آن‌ها را انکار و تکذیب می‌کنند. حتی طبق فلسفه خود، درباره شگفتی‌های جهان آفرینش فلسفه نظر می‌دهند. چه بسیارند افراد بی‌سواد و یا کم‌سواد، که حتی فرمول یک مولکول آب را نمی‌دانند،



ولی درباره مسایل ماورای طبیعت و آفریدگار جهان، به تجزیه و تحلیل می پردازند. چه بگویم درباره جامعه‌ای که کسی را روشنفکر می دانند که اعتقاد دینی ندارد و از نیاکان خود پیروی نمی کند و از غرایز حیوانی خود اطاعت می کند؟!

من این کتاب را برای این گونه افراد که از تاریخ نیاکان خود دور شده اند، و عقاید دینی را کنار گذاشته اند و بحث درباره «مصلح غیبی» را افسانه می دانند، نوشتم تا حجت برای آنها تمام شود و با دیدن نشانه‌های حقیقت، غرور را کنار گذاشته و تابع حقیقت شوند. من راضی نیستم که حتی یک نفر از برادران انسانی من، با نادانی بمیرد. بلکه می خواهم همه انسان‌ها بدانند که حضرت مهدی علیه السلام در پاسخ یکی از سفیران خود که درباره منکران آن حضرت سؤال کرده بود، نوشته اند:

«کسی که مرا انکار کند، از من نیست: راه او، راه فرزند حضرت نوح علیه السلام است.»^۱

آیا کسی می خواهد که از پسر نوح اطاعت کند و عاقبت هم به خاطر لجاجت، در امواج دریا غرق شود؟!

نه، هرگز. انقلاب بزرگ آن انقلاب کننده پیروز بسیار نزدیک است ... و قطعاً کسی نمی تواند در برابر آن بایستد. مگر کسی می تواند در برابر امواج خروشان دریا بایستد؟ مگر کسی می تواند در برابر طوفان، تند باد، زلزله و اتفاقاتی شبیه این‌ها بایستد؟ کسی نمی تواند در یک زمان، دو مسیر را طی کند. پس کسی که از هوای نفسش پیروی می کند، نمی تواند راه حقیقت را طی کند، و هر کس که عاقل باشد و خوب بیندیشد، در برابر حق تسلیم خواهد شد.

ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام مانند مرگ، خواه ناخواه برای همه اتفاق می افتد. کسی که مرگ را باور کند، با آن روبرو خواهد شد؛ هر کس مرگ را انکار کند و آن را فقط برای دیگران بداند، باز هم گرفتار آن خواهد شد. ظهور مهدی علیه السلام هم حتماً اتفاق می افتد. هر کس می خواهد باور کند و هر کس می خواهد انکار نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اگر یکی از شما دو جان داشت، می توانست با یکی از آنها تجربه پیامورد و با جان دیگر، زندگی جدی نماید. ولی همه شما یک جان دارید که وقتی آن را از دست می دهید، توبه سودی ندارد. بنابراین وقتی کسی به نام ما به سراغ شما می آید، خوب



۱. غیبت شیخ طوسی: ۱۱۷۶؛ اعلام الوری: ۲۲۳؛ بحار الانوار: ۵۳: ۸۰؛ بشاره الاسلام: ۳۰۰؛ الامام المهدی: ۲۵۳؛ الزام الناصب: ۱۲۹.

فکر کنید که چرا و در چه راهی شما را دعوت می‌کند؟ سپس قیام کنید.^۱

در این روایت، امام صادق علیه السلام از ما می‌خواهد که درباره زندگی خود که سرمایه‌ای بالارزش است، بیشتر دقت کنیم.

عده‌ای با اعتراض می‌گویند: این عقیده کهنه‌ای است که برای مردم روشنفکر امروزی بیان می‌کنید.

در پاسخ آن‌ها باید بگوییم: آری، این عقیده کهنه و باسابقه است و چهارده قرن از آن می‌گذرد، ولی عقیده‌ای است که با گذشت زمان هرگز کهنه و فرسوده نمی‌شود. زیرا کهنه بودن یک عقیده، دلیل بر نادرست بودن آن نیست و انسان با ایمان حق دارد که عقیده حقیقی خود را با جرأت بیان کند، حتی اگر تعداد کمی او را یاری کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره تعداد کم اهل حق در برابر اهل باطل می‌فرماید:

«أَنَّهُمْ (اهل حق) در میان امت من، مانند یک تار موی سفید در بدن گاو سیاه در شب پلدا هستند.»^۲

خدا را بسیار شکر می‌کنم که در این دوران که اهل باطل قدرت زیادی دارند، می‌توانم حقیقت را بگویم.

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - از ضروریات مذهب است و روایات حضرت مهدی علیه السلام از طریق شیعه و سنی به حد تواتر رسیده است. اعتقاد به ظهور یک مصلح غیبی که در آخرالزمان ظهور کرده و جنایت‌ها را پایان می‌بخشد، فقط در دین اسلام نیست؛ بلکه یهود و مسیحیت نیز بر این عقیده پابرجا هستند. این عقیده میان همه قبایله‌های یهودی و مسیحیت، قطعی است و فرقه‌های مختلف یهود و نصاری، درباره این عقیده اختلاف ندارند.

همه پیامبران و سفیران الهی در گوشه‌ای از رسالت خود به مردم وعده داده‌اند که در آخرالزمان یک مصلح غیبی ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. سپس وضعیت آن زمان را توصیف کرده‌اند و نشانه‌هایش را بیان کرده‌اند. هرگاه پیامبری رحلت فرمود، پیامبر دیگری آمده که مانند پیامبر قبلی درباره ظهور مصلح غیبی در آخرالزمان سخن گفته است.

تحقق یافتن علایم آخرالزمان یکی پس از دیگری در هر دوره زمانی، انسان‌ها را به



فکر می‌اندازد که درباره خبرهای غیبی که هزاران سال قبل، سفیران الهی وعده داده‌اند، بیندیشد.

تا کنون بعضی از این نشانه‌ها تحقق یافته و در زمان ما نیز بعضی دیگر از این نشانه‌ها در حال تحقق یافتن است که طبق آن چه پیامبران گفته‌اند، اتفاق می‌افتد که این یک دلیل عقلی بر درستی ظهور مهدی علیه السلام است. زیرا صدها نشانه از نشانه‌های آخرالزمان به عنوان مقدمه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - و نشانه حقانیت این اعتقاد به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبران گذشته، بیان شده و امروز می‌بینیم که بسیاری از این نشانه‌ها طبق وعده آن‌ها تحقق یافته است. درباره وجود حضرت مهدی علیه السلام، غیبت ایشان و نشانه‌های ظهورش روایات زیادی به ما رسیده است که در زمان محدود ما بعضی از آن‌ها را می‌بینیم که دلیلی برای اثبات مسئله مهدویت می‌باشد که یک دلیل قطعی عقلی است و اگر کسی آن را انکار کند، به خاطر دشمنی با معارف آسمانی است که عده‌ای از مردم زمان ما تصمیم گرفته‌اند هر مطلبی را به عنوان مطالب معنوی و الهی بشنوند، به همین دلیل رد کنند و زیر بار نروند!

تحقق این نشانه‌ها یکی پس از دیگری، دلیل قطعی برای حقانیت پیامبرانی است که این نشانه‌ها را از طریق وحی دریافت کرده‌اند و انکار منکران به خاطر دشمنی با وحی، اصل قضیه را پاک نمی‌کند. ما معتقدیم هر کسی حق دارد آن چه را می‌شنود، دلایل وجودی آن را با دقت تجزیه و تحلیل نماید تا حقیقت آن را از روی منطق عقل بفهمد. ولی کسی حق ندارد هر جا سخن از وحی شنید، سریع آن را انکار کند که منطق عقل این را نمی‌پذیرد.

پیامبران اولوالعزم درباره مصلح غیبی نویدهای بسیاری به ما داده‌اند و حداقل بعد از ۶۰ قرن این نویدها به ما رسیده است. این که با گذشت این مدت طولانی، این نویدها سالم مانده‌اند، دلیلی بر اهمیت موضوع می‌باشد.

باید از امت‌های قبلی تشکر کنیم که در طول زمان، این نویدها را برای ما حفظ کرده‌اند و امانت را خوب نگه داشته‌اند. اگر چه ناقلان این نویدها نتوانسته‌اند در مقطع تاریخی خود، آنها را شرح کنند.

ولی به دلیل کم بودن امکانات در گذشته برای تحقیق، گاهی در تطبیق این نویدها با حوادث آن زمان اشتباه کرده‌اند و گاهی نتوانستند مسایل منطبق با آن نویدها را بیان

کنند و ناچار آن‌ها را پنهان کرده‌اند. بنابراین لازم دانستم که در این دوران پیشرفت علم که امکانات بسیاری برای تحقیق وجود دارد، بار دیگر درباره این نشانه‌ها تحقیق کنم و در نقل و تطبیق آنها امانت دار باشم.

علمای امامیه درباره این نشانه‌ها فهم عمیق و محافظت دقیق داشته‌اند که بیش از هر طایفه دیگری مسایل مربوط به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را درک نموده و آن‌ها را حفظ و حل کرده‌اند.

اگر چه شیعه و سنی اعتقاد قطعی به حضرت مهدی علیه السلام دارند، ولی آنها با افتخار آن را در قرن‌های متمادی شعار خود قرار داده‌اند و به همین خاطر، جا کمان ظالم آن‌ها را آزار می‌دادند و افراد نادان هم آن‌ها را مسخره می‌کردند. زیرا آنها بیش از هر مذهب دیگری از این عقیده محکم اسلامی دفاع کرده‌اند و بسیار فداکاری نشان داده‌اند. آن‌ها افتخار می‌کردند که این مصلح غیبی، آخرین پیشوای آن‌ها و دوازدهمین امام معصوم است.

خداوند می‌خواست که آن موعود را دوازدهمین خورشید از امامان معصوم علیهم السلام قرار دهد، بر این اساس است که آن قبله خوبان بیش از هر ملت دیگری با شیعیان امامیه مربوط می‌شود و به همین دلیل آنها بیش از هر آیین دیگری از حریم آن حضرت دفاع کرده‌اند و تیرهای حوادث را به جان خریده‌اند.

علمای امامیه بیش از هر ملت دیگر، احادیث حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از زبان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر امامان معصوم علیهم السلام را جمع کرده‌اند. زیرا این احادیث با مبانی عقیدتی آنها بیش از طوایف دیگر ارتباط دارد. بنابراین میان همه مذاهب، بیش از همه با این عقیده شناخته شده‌اند و در تدوین و تألیف احادیث حضرت مهدی علیه السلام تلاش کرده‌اند و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان یکی از محکم‌ترین و روشن‌ترین عقاید مذهبی آنهاست. آنها جزء کسانی نیستند که به بعضی از کتاب‌های دینی ایمان آورده و بعضی دیگر را انکار می‌کنند.

ما در این کتاب هرگز با مخالفان احادیث حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بحث جدلی نخواهیم کرد که جدل درباره مسایل اعتقادی، باعث اختلاف کلمه، تضعیف امت و تحقیر دیگران است که ما آن را نمی‌پسندیم. بلکه بدون اهانت به شخصی در یک راه درست و مستقیم گام برداشته، زنده و موجود بودن حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را با دلایل قطعی اثبات خواهیم کرد و به روشنی ثابت خواهیم نمود که همه ادیان ظهور



حضرت مهدی علیه السلام را نوید داده‌اند. اگر چه عده‌ای در آن ادیان هستند که دچار شک شده‌اند. در این کتاب روایات فراوانی وجود دارد که گذشت زمان آنها را معنی کرده است و ما تفسیر صحیح آنها را آورده‌ایم که برخی از آنها در گذشته قابل فهم نبوده است و به همین خاطر عده‌ای از گذشتگان، آنها را خرافه و افسانه می‌دانستند. ولی امروز با تفسیر صحیح آنها درستی و قاطعیت آنها روشن شده است که این حقایق به زبان ما مربوط می‌شود و به زبان ما گفته شده است و در گذشته قابل فهم نبود و حتی آنها را غیر ممکن می‌دانستند که گذشت زمان آنها را ممکن ساخت. اما ما بر کسانی که اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام را یک عیب برای شیعه می‌دانند، ایراد نمی‌گیریم، جز همان ایرادی را که بر احبار یهود گرفته می‌شود که آنها همه ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را در کتاب‌های خود خوانده بودند و او را مانند فرزندان خود می‌شناختند، و سال‌ها منتظر ظهورش بودند و وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد، به او کفر ورزیدند، زیرا از میان عرب برانگیخته شد و آنها آرزو می‌کردند که از میان بنی‌اسرائیل برانگیخته شود.

کسانی که درباره مهدی علیه السلام اعتراض می‌کنند، زمانی رضایت دارند که وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - بدون اوصاف: «قرشی»، «هاشمی»، «فاطمی»، «علوی»، «حسینی» مطرح شود. ولی چه کنیم که سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله منطبق بر وحی می‌باشد و ایشان حضرت مهدی علیه السلام را با این اوصاف معرفی نموده است که در روایات شیعه و سنی به تواتر آمده است:

«اگر فقط یک روز از دنیا باقی بماند، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند که در آن روز مردی را از اهل بیت من برمی‌انگیزد که هم نام من است، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده است.»^۱

بنابراین ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - از نشانه‌های نبوت است، و من به همین دلیل اقدام به نگارش این کتاب نمودم، که بسیاری از نشانه‌های ظهورش تحقق یافته است و بحث از آن، دلیل حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله است که هزار و چهارصد سال قبل اینها را پیشگویی فرموده است.

با توجه به این مطالب، هرگز نمی‌توان شیعه را به جرم پایداری در عقیده و ایمان به

۱. ارشاد مفید: ۳۲۶؛ مجمع البیان ۳: ۱۵۲؛ البیان: ۵۹؛ کشف الغمبه ۳: ۲۶۴؛ منتخب الاثر: ۱۶۲، ۱۵۳، ۲۴۷؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۱؛ منابع الموده ۳: ۸۶، ۸۱ و ۱۶۵؛ بشارة الاسلام: ۲۸۲ و ۲۸۷؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۵؛ بحار الانوار: ۵۱، ۷۴ و ۵۲؛ ذخائر العقبی: ۱۳۶؛ اعلام الوری: ۴۰۲؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۱۲.

دوراندیشان هاب
 مهدی قائم علیه السلام
 در رسانه حضرت

ظهور حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سرزنش کرد، بلکه باید این ثبات و پایداری را تحسین کرد که در برابر افراد بی‌دین و فشار شدید حاکمان ظالم و تمسخر افراد نادان، این چنین ثابت و پابرجا در عقیده خود مانده‌اند. چنانکه رسول اکرم ﷺ این پایداری را ستوده و فرموده است:

«... آنها به سیاهی بر سفیدی ایمان آورده‌اند.»^۱

یعنی به احادیث معصومین علیهم‌السلام که به صورت مرکب سیاه روی کاغذ سفید به ما رسیده است، ایمان آورده‌اند. شیعیان نیز باید هم صدا با امیر مؤمنان علیه‌السلام بگویند:

«هر صاحب مغز، عاقل نیست، هر صاحب گوش، شنو نیست، و هر صاحب دیده، بینا نیست.»^۲

قضا و قدر الهی مطابق خواست مردم نیست که پدیده‌ها با مشورت مردم صورت گیرد؛ حتی سرما و گرما و باد و باران هم بدون مشورت مردم و فقط با خواست خدا انجام می‌گیرد تا کسی ادعای ربوبیت و علم غیب نکند، وگرنه مردم ساده‌لوح آنها را اختیاردار جهان می‌دانند و از خدا دور می‌شوند و سخنان پوچ فضانورد روسی را باور می‌کردند که با چند متر هوا پریدن، خدا را انکار کرد: «من آسمان را زیر و رو کردم، از خدا و فرشته نشانی پیدا نکردم.»

این فضانورد روسی با سفر فضایی چند هزار میلی خود که از همسایه دیوار به دیوار زمین (ماه) دیدن کرد، صانع را انکار کرد، نظام و کرات شگفت‌آور جهان را نادیده می‌گیرد، این جهان پهناور را که صدها میلیون کهکشان را در نقاط دور دست که برخی از آنها میلیون‌ها سال نوری از ما فاصله دارد، در بر گرفته، هیچ می‌داند و با گردش به دور کره ماه، فضا را تسخیر شده می‌پندارد. او خود را به فراموشی می‌زند تا فراموش کند که چه کسی این جهان بیکران را با این نظام عجیب آفریده است؟ چه کسی این نیروی جاذبه و دافعه را پدید آورده است؟ چه کسی میان نیروی جاذبه و گریز از مرکز تعادل برقرار نموده است؟ و ... او که برای یافتن راهی به سوی ماه میلیاردها دلار خرج نموده، تا بتواند جاذبه زمین را بشکند و از اشعه‌های خطرناک خورشید خودش را حفظ کند تا کره ماه را ببیند، چگونه غفلت می‌کند که این، تازه یکی از اسرار جهان هستی است که تا اندازه‌ای برای او آشکار می‌شود ولی اکنون هزاران هزار راز پیچیده هست که تا کنون

۱. وسائل ۱۸: ۶۵، حدیث ۵۱، بحار ۵۲: ۱۲۵، الملاحم والفتن: ۱۱۴، اسعاف الراغبین: ۱۴۷، نور الابصار: ۲۲۹، ۲۳۰، الزام الناصب: ۱۷۸، منابع الموده ۳: ۱۷۰. ۲. بشارة الاسلام: ۶۰.



دانش بشری نتوانسته آن را بفهمد. او چگونه به خود اجازه می‌دهد که پدید آورنده این نظام و آفریننده این جهان را فقط به خاطر این که میان زمین و ماه دیده نشده، انکار نماید!

او نمی‌فهمد که آفریدگار این جهان، در گوشه این جهان جا و در دل زمان جای نمی‌گیرد، و زمان و مکان او را احاطه نمی‌کند. او آفریدگاری است که زمین و زمان را آفریده، و آنچه در این جهان است، از وجود اقدس او سرچشمه گرفته است. او دیگر در محدوده زمان و مکان محدود نمی‌شود و در دل آفریده خود نمی‌گنجد. فضاورد بی‌فرهنگ روسی اگر انتظار دارد که با چشم سر، او را ببیند، او را نشناخته است. خداوندی که خالق این جهان است، اگر طبق آرزوی آن فضاورد با چشم سر دیده شود، دیگر به درد خدایی نمی‌خورد و باید به دنبال خدای دیگری باشیم که زمان و مکان او را احاطه نکند. باید خدایی را پیدا کنیم که در جهان خلقت، شبیه نداشته نباشد و از هر موجودی در جهان و از فهم انس و جن برتر باشد.

خداوندی که پدیده آورنده این جهان و آفریننده مخترعان این سفینه‌هاست، هرگز در مردمک چشم یک فضاورد نمی‌گنجد:

﴿چشم‌ها او را درک نمی‌کند، ولی او چشم‌ها را درک می‌کند که او لطیف و آگاه است.﴾^۱

اما به کسانی که می‌خواهند با امامان معصوم علیهم‌السلام ما از نزدیک آشنا شوند، و سخنان باارزش آنها را تحلیل کنند، توصیه می‌کنم که روایات مربوط به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف - را مطالعه کنند. در این احادیث که قسمتی از آنها را در این کتاب می‌خوانید، تمدن امروز ما به طور دقیق توصیف شده است، و همه شئون زندگی ما آنچنان تشریح شده که عقل انسان مبهوت می‌شود. در آن احادیث، ابزار جنگی، وسایل ارتباط جمعی، وضع خانه و تجارت‌خانه و دیگر ابعاد زندگی ما آنچنان دقیق ترسیم شده، که گویی امامان علیهم‌السلام در میان ما زندگی کرده‌اند و آن تعبیرهای اعجاز‌انگیز را بیان فرموده‌اند. این سخنان، غیب‌گویی و حدس نیست، بلکه سخنان باارزشی است که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آموخته‌اند. و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنها را از وحی فرا گرفته است.

در میان این احادیث اعجاب‌انگیز، مطالبی هست که در گذشته قابل فهم نبود، بلکه گاهی بیهوده شمرده می‌شد. ولی امروز جزء حقایق تردیدناپذیر علمی می‌باشد. ما امروز

با هواپیما مسافت‌های طولانی را در مدت کوتاه سیر می‌کنیم و نزدیک شدن راه‌ها را با چشم خود می‌بینیم. ما امروز با تلفن از شرق دنیا با غرب دنیا سخن می‌گوییم و صدای انسانی دیگر را از آن سوی دنیا می‌شنویم. امروزه به وسیله تلویزیون در شرقی‌ترین نقطه دنیا، در کنج خانه نشسته و در تلویزیون کسی را می‌بینیم که در غربی‌ترین نقطه جهان برنامه اجرا می‌کند. امروزه سفر به کره ماه یک امر عادی است، ولی فرعون آن روز نتوانست خدای موسی را درک کند و خواست وسیله‌ای بسازد تا با آن چند متر بالاتر برود و خدای موسی را پیدا کند و با او بجنگد.

موسی هر چه می‌گفت، راست می‌گفت، ولی فرعون با دیدن آن نشانه‌های روشن او را درک نمی‌کرد، در حالی که با کمک عقل باید فهمید که هرگز انسان قدرت ندارد که به چیزی بگوید: «موجود شو» و آن چیز هم به سرعت موجود شود! ولی فرعون ازدها شدن عصا را با چشم خود دید و درک نکرد و خد را انکار کرد.

امروزه با پیشرفت سریع و روزافزون علم، دانشمندان حتی نمی‌توانند مشکلات ساده سیاسی را حل کنند و در همه جهان، جنگ و تبعیضات نژادی دیده می‌شود. ولی مراکز علمی جهان به جای این که این گرفتاری‌ها را تمام کنند، با آفریدگار جهان تصفیه حساب می‌کنند! چگونه قبل از حل مشکلات روی زمین، به حل مشکلات آسمان‌ها پرداخته‌اند و انکار خالق را اولین قدم برای حل مشکل می‌دانند؟!

چگونه انسان مغرور امروزی خود را محور و معیار عدل آسمان‌ها قرار داده، در صورتی که هنوز نتوانسته محور عدل کره خاکی باشد؟!

و ما چرا حقایق را درک نمی‌کنیم و با فرضیه‌های بوج آن‌ها خود را دل‌خوش می‌کنیم و با این همه ادعا و بلندپروازی به دنبال پول، شهوت و هوای نفس هستیم؟!

اگر واقعاً دانش، انسان را به این گمراهی می‌کشاند، چه دانش زشتی است؟! و اگر بینش و فرهنگ، انسان را به این انحراف اخلاقی و فرهنگی می‌کشاند، چه فرهنگ پست و بیماری است؟!

خیال نمی‌کنم انسانی که ذات پاک دارد، از این دانش و فرهنگ زشت بیزار نباشد و نخواهد که در جستجوی یک مصلح غیبی و نجات‌بخش آسمانی قدم بردارد. بلکه هر کس با فطرت سالم، بر اساس نهاد پاک خود، منتظر نجات‌بخشی است که برای مظلومان، مرحمت و برای ظالمان، تازیانه عذاب می‌باشد، و نمونه عدل و داد در جهان باشد.



بنابراین در این کتاب از مرز اعتقادی خود بیرون رفته، این مسئله را در میان همه ادیان آسمانی مطالعه کردیم و از همه پرچم‌داران عدل و آزادی و مشعل‌داران استیفای حقوق انسانی بهره‌مند شدیم، و این کتاب را برای کسانی که وجدان آزاد در همه جهان دارند، به نگارش درآوردیم:

یهودی، از همه فرقه‌هایش، در انتظار ظهور مسیح موعود است که عدالت واقعی را در آخرالزمان در همه جهان برقرار نماید.

مسیحی، از همه گروه‌هایش، در انتظار بازگشت مسیح پاک است که عدالت را در آخرالزمان در جهان استوار سازد.

مسلمان، در همه مذاهب در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام و بازگشت حضرت عیسی علیه السلام است، که حکومت عدل واقعی را در آخرالزمان در جهان اجرا کند.

به همین خاطر، پیروان همه ادیان آسمانی در انتظار حکومت عدل الهی در آخرالزمان هستند و والاترین ارزش‌ها را در این حکومت می‌دانند. پیروان هر آیینی از عمق تعالیم عالیة آیین خود، نشانه‌های ظهور آن حکومت عادلانه را دریافت نموده‌اند و در انتظار تحقق آن نشانه‌ها تائیه شماری می‌کنند... و این مطلبی است که ما در این کتاب آن را تشریح و تفسیر کرده‌ایم. از پیروان ادیان که بگذریم، انسان‌های لجباز هستند که ارزش بحث را ندارند. ولی آنها هم اعتراف می‌کنند که این جهان با این رژیم‌های موجود و نظام‌های حاکم، پایدار نمی‌ماند و باید حکومت‌های فعلی در روش خود تجدیدنظر کرده، به جای تسلیحات نظامی و اختلافات جغرافیایی، به سوی حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی قدم بردارند.

بنابراین ما آن‌ها را هم مخاطب قرار دادیم که ما نوید آن حکومت واحد جهانی را همراه با نشانه‌های فراوانی که قسمتی از آنها تحقق یافته، و قسمتی دیگر در حال وقوع است، تقدیم می‌داریم و نوید تأسیس آن حکومت را با ویژگی‌هایش در آینده‌ای نه چندان دور، عرضه می‌نماییم.

شاید سؤال شود: «چرا حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در صحنه حوادث ظاهر نمی‌شود و نهضت جهانی خود را آغاز نمی‌کند، در حالی که زنده است و برای این قیام بزرگ، آماده است؟!»

در پاسخ می‌گوییم: خداوند برای هر چیزی حدودی تعیین نموده است و هر چه بر

دودانده‌ها
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 محمد الحافظ خاکی
 قم

اساس حکمت خدا باشد، اتفاق می‌افتد. او هرگز از گذر وقت نمی‌ترسد و عجله نمی‌کند. اگر قرار بود که کارهای خدا به خواست مردم باشد، نظام آفرینش به هم می‌خورد و می‌بایست طبق خواسته عده‌ای، قیامت قبل از زمان مشخص شده، شروع شود و خورشید به خاطر مسافری که سرمای بیابان او را می‌کشد، قبل از وقت مشخص شده، طلوع کند و باران به خاطر کشاورزی که محصولش نابود می‌شود، قبل از زمان مشخص شده، ببارد و... و خدا شریک داشته باشد!

پس ظهور حضرت مهدی علیه السلام حکمت‌هایی دارد که هنوز به حد کمال نرسیده است و علایم و نشانه‌هایی که خداوند به زبان پیامبرانش وعده داده به پایان نرسیده است. هرگز بنا نیست که کارهای خدا به خواست مردم و مطابق میل آن‌ها انجام شود. اگر قرار باشد این گونه سؤالات مطرح شود، یکی می‌پرسد: چرا عیسی قبل از محمد صلی الله علیه و آله برانگیخته شد؟ چرا مردم در این دنیا به سزای عمل خود نمی‌رسند؟ چرا و چرا؟

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿کسی که امید دیدار خدا را داشته باشد، اجل خدا فرا خواهد رسید.﴾^۱

و می‌فرماید:

﴿پیامبران قبل از تو را هم مسخره می‌کردند، مسخره‌کنندگان گرفتار آنچه که مسخره می‌کردند، می‌شوند.﴾^۲

گاهی معترضان می‌پرسند: «چرا حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - غایب شده؟ چگونه از امام غایب استفاده می‌شود؟!»

در صورتی که سؤال کننده می‌داند که انقلابگران قبل از آغاز نهضت خود، مدتی غایب می‌شوند تا مقدمات نهضت خود را فراهم کنند. این مطلب درباره انقلابگرانی است که در محدوده کوچکی از جهان گام اصلاحی بردارند، نه درباره اصلاحگری که برنامه‌ای برای کل جهان دارد و می‌خواهد سراسر جهان را اصلاح کند. حضرت مهدی علیه السلام می‌خواهد در برابر سلاح‌های پیشرفته امروزی بایستد البته با این تفاوت که ظهور و برنامه‌های اصلاحی او به فرمان خداست که او می‌تواند در یک لحظه مقدمات ظهور را فراهم نماید. اما درباره پنهان شدن مهدی علیه السلام از چشم‌ها باید گفت به این معنی نیست که از چشم دوستان خاصش هم پوشیده باشد، چنانکه خدمتگزاران او ایشان را می‌دیدند و آنها در

دوردان جهان
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 یوم الخلاص في ظلال القادس المهدی علیه السلام

۱. سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۵. ۲. سوره مبارکه انعام، آیه ۱۰.

محضر حضرت مهدی علیه السلام تعالیم و اسرار الهی را فرا می‌گرفتند. همه باید ویژگیهای این تنها رهبر و مصلح را بخوانند و بدانند: شخص متدین، به عنوان یک مبنای عقیدتی بنیادی روشن و آشکار باید این را بداند. انسان منکر، به عنوان یک داستان شیرین و شیوا و زیبای آسمانی باید بداند. شخص بی‌هدف و بی‌دین، به عنوان یک داستان علمی، که دانستن آن بهتر از ندانستن است، باید این را بداند.

و من این کتاب را برای هر سه گروه نوشتم که آنها نیز فشرده مطالعات مرا بخوانند و حجت برایشان تمام شود، همان طور که بر من تمام شده است. بار دیگر به صراحت اعلام می‌کنم که من در این کتاب از یک شخص خیالی و یا قهرمان داستان عادی سخن نمی‌گویم، بلکه از یک مرد آسمانی که به فرمان خداوند، آماده انقلابی بزرگ در جهان است، سخن می‌گویم که پذیرش و انکار خواننده از اهمیت این موضوع کم نمی‌کند.

شب پره‌گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد

داستان‌های زیادی در تاریخ داریم که مردم در برابر حوادث سخت آسمانی مقاومت کردند ولی سرسختی آنها مشکلی را حل نکرد و حادثه‌ای را بازنگردانید؛ مانند سرسختی قوم نوح برای جلوگیری از طوفان که خواست خدا انجام شد و حتی لجاجت پسرش او را نجات نداد.

لجاجت قوم حضرت لوط آنها را از عذاب آسمانی نجات نداد، بلکه شهرهایشان نابود شد و همه در زمین فرو رفتند. لجاجت فرعون و فرعونیان آنها را از خشم الهی نجات نداد و همه در امواج رود نیل غرق شدند.

ولی اراده خدا حضرت ابراهیم علیه السلام را میان شعله‌های آتش حفظ کرد و آتش نمرودیان نتوانست ذره‌ای از ایمان ابراهیم را بسوزاند.

امروز هم در برابر لجاجت منکران با حضرت مهدی علیه السلام هم صدا شده، پاسخ آن حضرت به وسیله یکی از سفیرانش را به گوش منکران می‌رسانیم:

«دربارۀ کار خدا نمی‌اندیشید و از اولیای او نمی‌پذیرید؛ خداوند حکمت بالفه‌ای دارد که تحقق خواهد یافت، ولی هشدار بیم‌دهندگان، برای افراد نادان کافی نیست.»^۱

دوران هدایت
در پناه حضرت
مهدی قائم علیه السلام
بسم الله الرحمن الرحیم

ما خوشحالیم که به او ایمان داریم، اگر چه همهٔ جهانیان به او کافر شوند! و از سخن او که مطابق قرآن است، اطاعت می‌کنیم، او خود می‌فرماید:

«خدا با ماست، ما دیگر نیازی به غیر او نداریم. حق با ماست، سرپیچی مخالفان ما را نمی‌ترساند.»^۱

انها یک سلسله امور قطعی است که خواهی نخواهی تحقق خواهد یافت و هیچ نیازی به ایمان و اعتقاد ما ندارد. آنها مانند سرما و گرماست که وقتی زمان آن برسد، اتفاق می‌افتد و از ارادهٔ خداوند اطاعت می‌کند. از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا در امور حتمیه نیز ممکن است برای خدا «بدا» حاصل شود؟ فرمود: آری. گفته شد: می‌ترسیم که دربارهٔ ظهور قائم آل محمد علیه السلام نیز بدا حاصل شود! فرمود: نه، ظهور قائم از «میعاد» است.^۲

یعنی ظهور قائم یکی از وعده‌های حتمی پروردگار است که وعده‌های خداوند تخلف‌ناپذیر است. امام علیه السلام به آیه شریفه اشاره می‌کند که می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾^۳ خدا هرگز در وعده‌های خود تخلف نمی‌کند.

ما در این کتاب از یک قضای مبرم و حتمی سخن می‌گوییم که بی‌شک اتفاق می‌افتد، و از حرکتی سخن می‌گوییم که بی‌شک تحقق خواهد یافت، و از یک سلسله حوادث سخن می‌گوییم که بی‌شک روی خواهد داد. آری ظهور مهدی علیه السلام از امور حتمیه‌ای است که لجاجت و غفلت و و دیگر واکنش‌های ما حتی یک روز هم آن را به تأخیر نخواهد انداخت. او خورشید روشنی است که بر همهٔ جهان خواهد تابید و خفاشان نمی‌توانند مانع نورافشانی او شوند.

من نمی‌دانم که انسان با عقل ناقص خود چگونه در صدد تغییر و تبدیل حوادث و رویدادهایی برمی‌آید که نمی‌تواند بر آنها اثر کند. وقتی زندگی تاریک شود، مگر انسان می‌تواند در برابر آن مقاومت نماید.

این عقل که باارزش‌ترین عنصر انسانی است و او را از دیگر جانداران جدا می‌سازد، بعد از آنکه در مغز انسانی قرار گرفت و او را برترین مخلوقات قرار داد، اولین کاری که کرد، آفریدگار خود را انکار کرد، و اولین اندیشه‌ای که بر مغز او گذشت، قیاس‌هایی بود که شیطان انجام داد و از سجده بر آدم خودداری کرد. و وقتی بخواهد از تن جدا شود، ناراحت شد و شانه‌ها را بالا انداخت و با غرور گفت: «آنچه آسمانی باشد، خرافه است!»

۱. بحار: ۵۳: ۱۷۸؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۷۲؛ الامام المهدی: ۲۵۱ و ۲۵۵؛ منتخب الاثر: ۳۸۲؛ الزام الناصب: ۱۲۹.

۲. بحار الانوار: ۵۲: ۲۵۰ و ۲۵۱؛ غیبت نعمانی: ۱۶۲؛ بشاره الاسلام: ۱۶۶. ۳. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۹.



خدا او را برترین موجود جهان آفرید و او خود را به پست‌ترین سطح ممکن پایین کشید. او مشکلات روزمره زندگی را کنار گذاشت و به تحلیل مسایل آسمانی پرداخت و در برابر آفریدگار، لجاجت و سرسختی نمود.

امام صادق علیه السلام درباره سرسختی انسان‌های لجوج می‌فرماید:

«حدیث ما بسیار دشوار است، حدیث ما را فقط دل‌های پاک و قلب‌های نورانی و سرشت‌های نیکو می‌پذیرند. خداوند از شیعیان (برای ولایت ما) پیمان گرفته، همان‌طور که از انسان‌ها (برای الوهیت خود) پیمان گرفته است. کسی که به پیمان خود درباره ما وفا کند، خداوند به او بهشت را پاداش می‌دهد و هر کس با ما دشمن باشد و حقوق ما را ادا نکند، با آتش سوزان در جهنم جاویدان او را عذاب می‌کند.»^۱

و ایسنگ نشانه‌های نزدیک شدن ظهور آخرین حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - یکی پس از دیگری به سرعت تحقق می‌یابد و آنچنان با احادیث امامان علیهم السلام مطابقت می‌نماید که انسان از توصیف دقیق آنها در هزار و چند سال قبل، متعجب می‌شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام چهارده قرن قبل، مردم این زمان را به طور دقیق توصیف نموده‌اند، حتی از شکل موهای زنان و بیتل‌ها و هیپی‌ها و چهره انسان‌ها از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، مرد و زن، به دقت سخن گفته‌اند. و در کنار آنها از ابزار پیشرفته امروزی، وسایل رفاه زندگی، و غرور و طغیان مردم خبر داده‌اند که این سخن‌ها در گذشته معنی نداشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«خداوند، کسی را که سخنان مرا با گوش جان بشنود و درک نماید و آن را حفظ کرده به نسل‌های بعدی برساند، خوشحال کند. چه بسا او فقهی را با خود می‌برد که خود فقیه نیست و چه بسا حامل فقهی است به کسانی که از او فقیه‌تر می‌باشند.»^۲

و آخرین جانشین او حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌فرماید:

«و اما پشیمانی مردمی که مقام والای ما را تحمل نکرده، در دین خدا دچار شک و تردید شدند، هر کس با ما «اقاله» کند ما اقاله او را می‌پذیریم و ما نیازی به دلجویی از صاحبان شک و تردید نداریم.»^۳

دودان در هاب
 در پستگاه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 حضرت الخاقانی رحمته الله علیه

۱. اصول کافی ۱: ۴۰۱؛ الزام الناصب: ۱۲؛ بنایع الموده: ۲۰۴. ۲. وسائل: ۱۸: ۶۳؛ حدیث ۴۳؛ اصول کافی ۱: ۴۰۳. ۳. اعلام الوری: ۲۲۴.

من درباره تلاش‌هایی که در تهیه و تنظیم این کتاب تحمل نموده‌ام، بر خواننده منت نمی‌گذارم، بلکه از خواننده گرامی منت می‌پذیرم و از او تشکر می‌کنم که حوصله به خرج داد و این مقدمه طولانی را تا آخر دنبال نموده است و از گفتار طولانی خود معذرت می‌خواهم. همین جا سخنان خود را قطع نموده، تا دنباله برنامه را دیگران اجرا کنند.

برنامه پردازان صفحات بعدی: خدا، رسول ﷺ، امامان علیهم‌السلام، دانشمندان، تاریخ نویسان و دیگر طبقات مردم هستند و من فقط در تهیه و تنظیم و شرح کوتاه جملات پیچیده نقش دارم. سخنان خود را با جمله زیبا و باارزش امام باقر علیه‌السلام تمام می‌کنم که از ایشان درباره حضرت مهدی علیه‌السلام سؤال کردند، فرمود:

«کسی که او را بپذیرد، بر او بیفزاید (بیش از پیش در نزد او از کعبه مقصود سخن بگوید) و کسی که او را انکار کند، از او دریغ کنید.»^۱

و خدا پشت و پناو ماست.
الیاض (از توابع صور): جنوب لبنان
کامل سلیمان





فصل اول

معرفی حضرت مهدی منتظر

﴿وَيَسْتَنبِشُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قَوْلُ أَيْ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾؛^۱ [ای محمدا] از تو می پرسند: آیا او بر حق است؟ بگو: آری! به پروردگارم سوگند که او بر حق است و شماره فراری ندارد.»

این آیه درباره تمام شده عمر مردم و تکذیب پیامبران از طرف مردم، و نزول عذاب بر آنها می باشد. در این آیه قیام مهدی علیه السلام را هنگام گمراهی امت اسلامی، مژده می دهد.^۲

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ لِنَلَا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛^۳ زمین هرگز از حجت خالی نخواهد بود چه ظاهر و آشکار، و چه ترسان و پنهان باشد، تا حجت ها و نشانه های خداوند از بین نرود.»

همچنین مانند این روایت از امیر مؤمنان، امام باقر و امام صادق علیه السلام آمده است.

«الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا؛^۴ مهدی قائم، از فرزندان من است، نام او نام من، کنیه اش کنیه من، و از نظر سیرت و صورت شبیه ترین مردم به من است.»

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا، وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذَنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ. وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ. اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ، فَأَتَوْهُ وَ لَوْ حَبَبًا عَلَى التَّلَجِّ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ

۱. سوره مبارکه یونس، آیه ۵۳. ۲. غیبت شیخ طوسی: ۱۱۰.

۳. الزام الناصب: ۴؛ منتخب الاثر: ۲۷۰؛ غیبت نعمانی: ۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۳۲؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۹۲؛ منابع الموده: ۳؛ ۱۴۸؛ نهج البلاغه: ۴؛ ۳۷.

۴. بحار الانوار: ۵۱؛ ۷۲؛ اعلام الوری: ۳۹۹؛ منابع الموده: ۳؛ ۱۶۳ و ۱۶۸؛ المهدی: ۱۴۸ و ۲۰۶؛ کشف الغممه: ۳؛ ۲۶۱ و ۲۶۹؛ البیان: ۵۷؛ حقایق الايمان: ۱۶۲.

عَزَّوَجَلَّ وَ خَلِيفَتِي!؛ قیامت برپا نمی شود مگر این که قائمی از ما بر حق قیام کند و این زمانی است که خداوند به او اجازه داده است، کسی که از او پیروی کند، نجات می یابد، و کسی که از او نافرمانی کند هلاک می شود. ای بندگان خدا! شما را به خدا سوگند می دهم که او را دریابید، اگر چه مجبور شوید که از روی برفها سینه خیز عبور کنید، چرا که او جانشین خداوند و جانشین من است.»

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ السَّوْحِيَّ؛^۲ مهدی از خانواده من و از فرزندان فاطمه است، او طبق سنت من مبارزه می کند، همان طور که من طبق وحی مبارزه می کردم.»

پیامبر ﷺ در آخرین روزهای عمر مبارکش، با دست به شانه امام حسین علیه السلام زد و خطاب به حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

«مِنْ هَذَا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةُ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْنَا ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^۳ مهدی امت از نسل اوست؛ دنیا به پایان نمی رسد مگر این که مردی از فرزندان حسین علیه السلام قیام کند و جهان را پر از عدل کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد.»

و در حالی که به امام حسن و امام حسین علیهم السلام اشاره می کردند، فرمودند:

«مِنْهُمَا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةُ؛^۴ مهدی امت از فرزندان ایشان است.»

با توجه به این که مادر امام باقر علیه السلام دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است، بعد از امام سجاد علیه السلام، امامان، حسنی و حسینی هستند و حضرت مهدی علیه السلام نوه پسر امام حسین علیه السلام و نوه دختری امام حسن مجتبی علیه السلام است.^۵

بار دیگر، پیامبر ﷺ به امام حسن و امام حسین علیهم السلام نگاه کرده و فرمود:

«وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةُ إِذَا ضَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرْجًا وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ انْقَطَعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهُمَا مَنْ يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غُلْفًا يَقُومُ

۱. عیون الاخبار ۲: ۶۰؛ منتخب الاثر: ۱۴۳.

۲. البیان: ۱۶۳؛ عیون الاخبار ۲: ۱۳۰؛ کشف الغمہ ۳: ۲۶۷؛ منتخب الاثر: ۱۴۳ و ۱۷۹؛ الامام المهدی: ۶۹ و ۱۰۶ و ۲۹۶؛ الزام الناصب: ۵۳؛ اسعاف الراغبین: ۱۳۳ و ۱۴۲؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۴ و ۱۴۸ و ۱۵۵؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۱۴؛ بحار الانوار ۵۱: ۷۵؛ الملاحم و الفتن: ۶۰ و ۶۸؛ المهدی المنتظر: ۴۳؛ ینابیع المودہ ۳: ۸۶ و ۸۸؛ المهدی: ۷۳.

۳. الاختصاص: ۲۰۸؛ البیان: ۸۰؛ منتخب الاثر: ۱۹۹؛ المهدی: ۵۸؛ بشارة الاسلام: ۲۸۲ و ۲۹۲؛ الزام الناصب: ۵۲؛ بحار الانوار ۵۱: ۹۱؛ عیون الاخبار ۲: ۱۳۰؛ کشف الغمہ ۳: ۲۶۱ و ۲۷۲؛ ینابیع المودہ ۳: ۹۳ و ۱۶۳؛ المهدی: ۵۱.

۴. بحار الانوار ۵۱: ۷۸؛ بشارة الاسلام: ۲۸۰ و ۲۹۲. ۵. نور الابصار: ۱۴۳.



بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ؛^۱ سوگند به پروردگاری که مرا به حق مبعوث کرده است، مهدی امت از نسل ایشان است. هنگامی که دنیا پر از هرج و مرج شود و فتنه‌ها ظاهر شود، و راه‌ها امن نباشد و مردم یکدیگر را غارت کنند، و بزرگ‌ترها بر کوچک‌ترها رحم نکنند و کوچک‌ترها به بزرگ‌ترها احترام نگذارند، خداوند از نسل این دو (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) کسی را برمی‌انگیزد که بر دژهای گمراهی غلبه می‌کند و قلب‌های سخت را نرم می‌کند. برای زنده کردن دین در آخر الزمان قیام می‌کند، همان طور که من در اول زمان قیام کردم.»

در این حدیث منظور از «اول و آخر الزمان»، اول و آخر زمان دعوت به اسلام است؛ و منظور از «دژهای گمراهی»، مکان‌های کفر و نفاق در جهان است؛ و منظور از «قلب‌های سخت» قلب یهودیان است. اگر چه در زمان ما قلب‌های بیشتر مردم این گونه است و حق را نمی‌پذیرند.

«مِنْ وَوَلَدِي اثْنَا عَشَرَ نَقِيًّا نَجْبَاءً مُحَدَّثُونَ مُفَهَّمُونَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؛^۲ دوازده نفر از فرزندان من، نجیب، سخن‌ور و تعلیم یافته و فهیم هستند، که آخرین نفر آن‌ها قائم به حق است.»

«الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَ التَّاسِعُ قَائِمُهُمْ. وَ هُمْ أَهْلُ بَيْتِي وَ عَشْرَتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي؛^۳ بعد از من، دوازده امام هستند که نه نفر از آن‌ها از نسل حسین علیه السلام هستند، و نهمین نفر، قائم آن‌هاست. آن‌ها اهل بیت و عترت من می‌باشند. گوشت آن‌ها گوشت من، و خون آن‌ها خون من است.»

«نَحْنُ سَبْعَةٌ مِنْ وَوَلَدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ الْجَنَّةِ أَنَا وَ حَمْزَةُ وَ جَعْفَرُ وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ؛^۴ ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سرور اهل بهشت هستیم: من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی.»

«وَإِنَّ لِدَٰلِكَ الْأَمْرِ وِلَاةً مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وَوَلَدِهِ؛^۵ برای هدایت مردم، بعد از من رهبرانی هستند که علی بن ابی طالب و یازده تن از فرزندان او می‌باشند.»

۱. منتخب الاثر: ۸۵ بحار الانوار: ۵۱: ۷۸ و ۵۲: ۲۶۶ و ۲۸۰: ۲۸۰؛ البيان: ۵۶ ذخائر العقبی: ۱۳۶؛ المهدی: ۵۶ و ۱۸۸؛ بشارة الاسلام: ۲۴، ۲۱۸، ۲۱۹ و ۲۸۹؛ الامام المهدی: ۷۷ و ۲۱۵؛ بنایح الموده: ۳: ۱۶۵؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۷.
 ۲. اصول کافی: ۱: ۵۳۴؛ منتخب الاثر: ۳۳؛ غیبت شیخ طوسی: ۹۳؛ بحار الانوار: ۵۳: ۱۴۲؛ بنایح الموده: ۳: ۱۶۲.
 ۳. المهدی: ۱۰۴؛ کشف الغمه: ۳: ۲۹۴؛ بنایح الموده: ۳: ۱۶۷؛ صحیح مسلم: ۶: ۳؛ منتخب الاثر: ۵۱ و ۵۲؛ الامام المهدی: ۲۸، ۲۲ و ۱۰۵؛ الزام الناصب: ۶۴.
 ۴. البيان: ۶۶؛ منتخب الاثر: ۸۱ و ۱۲۵؛ کشف الغمه: ۳: ۲۶۳ و ۲۶۷؛ المحجة البيضاء: ۴: ۳۴۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۱۳؛ بحار الانوار: ۵۱: ۶۵؛ بنایح الموده: ۳: ۹۱؛ الصواعق المحرقة: ۱۵۸ و ۱۸۵؛ بشارة الاسلام: ۲۸۶ و ۲۹۰؛ الامام المهدی: ۶۵؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۲۴.
 ۵. ارشاد مفید: ۳۲۸.

دوران ده‌ها پ
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 نور محمد صلی الله علیه و آله
 و آله علیهم السلام
 و اهل بیت علیهم السلام

بار دیگر پیامبر ﷺ در حضور اصحاب به علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي، وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي، الْإِثْنَا عَشَرَ. أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ، وَآخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ؛^۱ بعد از من، دوازده نفر جانشینان من و حجت‌های خدا بر مردم می‌باشند اولین آن‌ها علی و آخرین آن‌ها مهدی است.»

طبق فرموده پیامبر ﷺ، دوازدهمین امام از معصومین و جانشینان پیامبر ﷺ، حضرت مهدی علیه السلام است که حضرت ﷺ می‌فرمود: «امامان بعد از من، دوازده نفر امام می‌باشند که اولین نفر آن‌ها علی و آخرینشان مهدی است و او همان قائم است که خداوند، شرق و غرب جهان را به دست او فتح می‌نماید.»

«الْمُقِرُّ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَالْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ؛ کسانی که به حقیقت آن‌ها اعتراف کنند، با ایمان هستند و کسانی که منکر حق آن‌ها شوند، کافرند.»

«الْأَيُّمَةُ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ، بَعْدَ نُبِيَّائِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَبَعْدَ الْأَشْيَاطِ، وَبَعْدَ حَوَارِيِّ عِيسَى. مَنْ خَالَفَهُمْ فَقَدْ خَالَفَنِي، وَمَنْ رَدَّهُمْ وَأَنْكَرَهُمْ فَقَدْ رَدَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّهُمْ وَأَقْتَدَى بِهِمْ فَازَ وَنَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ ضَلَّ وَهَوَى. فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، وَالْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ؛^۲ بعد از من، دوازده امام به تعداد نبیای بنی اسرائیل و اشیاط و حواریون حضرت عیسی علیه السلام می‌باشند. هر کس با آن‌ها مخالفت کند با من مخالفت کرده است، و هر کس آن‌ها را قبول نداشته باشد، مرا نپذیرفته است. هر کس با آن‌ها دوست باشد و از آن‌ها اطاعت کند، نجات پیدا می‌کند و سعادت‌مند می‌شود؛ و هر کس از آن‌ها اطاعت نکند، گمراه می‌شود و سقوط می‌کند. خوشا به حال کسانی که آن‌ها را دوست داشته باشند؛ وای به حال کسانی که با آن‌ها دشمن باشند.»

«إِثْنَا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أُعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِي وَعِلْمِي وَحِكْمَتِي وَخَلَقَهُمْ مِنْ طِينَتِي فَوَيْلٌ لِلْمُتَكَبِّرِينَ عَلَيْهِمْ بَعْدِي الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صَلَاتِي مَا لَهُمْ لَأَنَا اللَّهُ شَفَاعَتِي! مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي بِهِمْ يُنْسِكُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛^۳ خداوند، علم و فهم و حکمت مرا به دوازده نفر از اهل بیت من داده است، و آن‌ها را از خاک و گِل من آفریده است. وای به حال کسانی که بعد از من بر آن‌ها فخر



۱. ینابیع الموده ۳: ۱۰۸.
 ۲. کشف الغمه ۳: ۲۹۷؛ الامام المهدی: ۲۳؛ الزام الناصب: ۶۲؛ منتخب الاثر: ۵۸؛ معانی الاخبار: ۳۷۰؛ ینابیع الموده ۳: ۱۶۸؛ المهدی: ۱۰۱؛ اعلام الوری: ۳۷۰؛ وسائل الشیعه ۱۸: ۵۶۲؛ حدیث ۲۷.
 ۳. بحار الانوار ۵۲: ۳۷۸؛ غیبت نعمانی: ۵۸؛ منتخب الاثر: ۵۳؛ الملاحم والفتن: ۲۷.
 ۴. منتخب الاثر: ۳۲؛ الزام الناصب: ۶۳ و ۱۲۲۷؛ بحار الانوار ۵۱: ۷۳؛ کشف الغمه ۳: ۲۶۷؛ الامام المهدی: ۱۰۸؛ اعلام الوری: ۳۷۰؛ اصول کافی ۱: ۲۰۹؛ المحجة البیضاء ۱: ۲۴۳؛ عیون الاخبار ۱: ۵۳.

می‌فروشد و در برابر آنها تکبر می‌کنند و رابطه خویشاوندی را با آنها قطع می‌کنند. به آنها چه می‌رسد؟! خداوند آنها را از شفاعت من محروم می‌کند. ایشان جانشینان و اوصیای من، فرزندان و خانواده من هستند. هر کس از آنها اطاعت کند، از من اطاعت کرده است، و هر کس از آنها سرپیچی کند و یا یکی از آنها را انکار نماید، مرا انکار نموده است. خداوند به واسطه آنها، آسمان را برپا نگه داشته است که فقط با اجازه او فرو می‌ریزد، و به وسیله آنها زمین را نگه می‌دارد که ساکنان خود را در کام خود فرو نبرد.»

«أَلَا إِنَّ أُبْرَارَ عِزَّتِي وَأَطْيَابَ أُرُومَتِي أَحْلَمَ النَّاسِ صِغَارًا وَأَعْلَمَ النَّاسِ كِبَارًا أَلَا وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلَّمْنَا وَبِحُكْمِ اللَّهِ حَكَّمْنَا وَمِنْ قَوْلِ صَادِقٍ سَمِعْنَا فَإِنْ تَتَّبِعُوا آثَارَنَا تَهْتَدُوا وَيَبْصُرْنَا وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا يَهْلِكْكُمْ اللَّهُ بِأَيْدِينَا مَعْنَا رَأَيْتُ الْحَقَّ مَنْ تَبِعَهَا لِحَقٍّ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ أَلَا وَإِنَّا يُدْرِكُ تَرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ وَإِنَّا نُخْلَعُ رِبْقَةَ الذُّلِّ عَنْ أَعْنَاقِكُمْ وَإِنَّا نُفْتَحُ لَكُمْ وَبِنَا يُخْتَمُ لَكُمْ؛ خویان خانواده من و پاکان خویشان من، در کودکی از همه مردم حکیم‌تر، و در بزرگسالی از همه داناتر هستند. بدانید دانش‌های خداوندی به ما آموخته شده و حکمت خدا به ما عطا شده، و از راستگو سخن درست را آموختیم. اگر از خاندان ما اطاعت کنید بارانمایی ما هدایت می‌شوید و اگر از ما پیروی نکنید، به دست ما هلاک می‌شوید. پرچم حق به دست ماست، کسی که با آن همراه باشد، به حقیقت می‌رسد و کسی که با آن همراه نباشد، نابود می‌شود. به وسیله ما از مؤمنان انتقام گرفته می‌شود، و ما شمارا از خواری و ذلت نجات می‌دهیم. هر خیری به وسیله ما شروع می‌شود و پایان می‌یابد.»

سپس پیامبر ﷺ برای روشن شدن مطلب، فرمود: او فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام است و برخلاف نظر گمراهان، او در آخر الزمان به دنیا نمی‌آید.

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ (أَيِ الْعَسْكَرِيِّ) نُطْقَةَ مُبَارَكَةَ زَكِيَّةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ مِمَّنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِيثَاقَهُ فِي الْوَلَايَةِ وَ يَكْفُرُ بِهَا كُفْلٌ جَاحِدٌ فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ نَقِيٌّ بَارٌّ مَرْضِيٌّ هَادٍ مَهْدِيٌّ أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرُهُ يُصَدِّقُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ فِي قَوْلِهِ يَكُونُ مَعَهُ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ فِيهَا عِدَّةُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ صَنَائِعِهِمْ وَ كَلَامِهِمْ وَ كُنَاهُمْ؛ خداوند بلند مرتبه در صلب حسن (عسکری علیه السلام) نطقه‌ای مبارک، پاک و پاکیزه قرار داد که مؤمنانی که ولایت را پذیرفته‌اند، از تولد او خوشحال می‌شوند، و هر کسانی که ولایت را انکار می‌کنند، به او

دودان رهاب
 مهدی قائم
 در پستانه حضرت
 نور الخاقان المهدی

کفر می‌ورزند. او رهبری نیکوکار، پاکیزه، هدایت‌کننده و هدایت‌شده است، همه کارهایش با عدالت آغاز و پایان می‌یابد. او خدا را تصدیق می‌کند و خداوند هم در قرآن او را تصدیق می‌نماید. او نوشته‌ای مهر شده با خود دارد که تعداد و خصوصیات بارانش با اسم، نسب، شهر، شغل، زبان و القاب در آن بیان شده است.»

پیامبر ﷺ به جابر بن عبدالله انصاری فرمود:

«إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ عَلَيْهِ مَطْوِيَّةٌ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ فَإِنَّ الشَّكَّ فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ كُفْرٌ! این امر، از امور خداوند و رازی از اسرار الهی است، حکمت آن از بندگان خدا پنهان است. هرگز درباره این امر، شک و تردید نداشته باش که اگر شک کنی، کافر می‌باشی.»

روزی جابر انصاری به حضور حضرت زهرا علیها السلام رفت و لوحی را مقابل حضرت علیها السلام دید^۱ که در آن نام مبارک امامان از نسل آن حضرت نوشته شده بود. جابر می‌گوید: من آن‌ها را شمردم، دوازده نفر بودند که آخرین نفر آن‌ها «قائم» بود و فهمیدم که این امر قطعی است. از جمله مطالبی که جابر در آن لوح خوانده بود، این است:

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَعْطَيْتَكَ يَا مُحَمَّدٌ مَنْ أَخْرَجَ مِنْ صُلْبِهِ (يَعْنِي عَلِيًّا) أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلُّهُمْ مِنْ دُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبِكْرِ السُّوْلِ آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ أُهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أُبْرِئُ بِهِ مِنَ الْعَمَى وَ أَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ لَأَطْهَرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لَأَمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لَأَسْخَرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ لَأَذْلَنَّ لَهُ السَّحَابَ وَ لَأُرْقِيَنَّ فِي الْأَنْسَابِ وَ لَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمِدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَ يَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَيَّ تَوْحِيدِي! خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: ای محمد! به تو کسی (علی) را بخشیدم که یازده رهبر از نسل او خارج می‌شود که همه آن‌ها از نسل تو و زهرای بتول است. آخرین نفر آن‌ها مردی است که به وسیله او هدایت می‌شوند و از گمراهی نجات می‌یابند. او کور را بینا و بیمار را شفا می‌دهد. زمین را از دشمنان پاک می‌کند. مالک شرق و غرب جهان می‌شود، باده‌ها در تسخیر اوست، ابرها زیر پای اوست. بهترین وسیله‌ها در اختیار اوست، با سپاه خود او را یاری می‌کنم و با فرشتگانم او را تأیید می‌نمایم تا دعوت مرا آشکار سازد و همه آفریده‌ها را به توحید دعوت می‌کند.»

جابر انصاری می‌گوید:

۱. اعلام الوری: ۳۹۹؛ الزام الناصب: ۱۲۶؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۹۱؛ بشارة الاسلام: ۱۸؛ المهدي: ۱۴۶؛ بتایب الموده: ۳؛ ۱۰۹؛ ۱۶۴؛ ۱۶۸؛ المحجة البيضاء: ۴؛ ۳۳۷. ۲. غیبت شیخ طوسی: ۹۲؛ مجمع البحرين: ۵؛ ۷۸. ۳. بحار الانوار: ۵۱؛ ۷۷؛ ۵۲؛ ۲۷۷؛ ۳۱۱؛ بتایب الموده: ۳؛ ۱۶۰؛ المهدي: ۲۲۹؛ بشارة الاسلام: ۱۳؛ ۱۲۵؛ ۲۴۴؛ الامام المهدي: ۲۱۶؛ منتخب الاثر: ۴۲۳؛ ۱۳۵؛ عبون الاخبار: ۱؛ ۲۰۶؛ ۳۶؛ غیبت شیخ طوسی: ۹۵؛ الزام الناصب: ۶۴؛ ۲۵۱؛ ۶۶.



«دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَبَيْنَ يَدَيْهَا أَلْوَاحٌ فِيهَا أَسْمَاءُ مِنْ وَلَدِهَا
فَعَدَدْتُ أَحَدَ عَشَرَ إِسْمًا، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ ﷺ؛^۱ به حضور مبارک فاطمه علیها السلام شرفیاب
شدم. در مقابل حضرت علیها السلام لوحی بود که در آن نام فرزندانش نوشته شده بود. آن‌ها را
شمردم، یازده نفر بودند که آخرین آن‌ها قائم علیه السلام بود.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری درباره طول عمر امام زمان علیه السلام به روشنی سخن
گفته است. حدیث قبلی نیز در این باره می‌باشد که درباره تسخیر باد و ابر و بهترین
وسیله‌ها در جهان سخن گفته است ولی در حدیث بعدی درباره غیبت طولانی آن
حضرت سخن گفته است:

«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ إِسْمَهُ إِسْمِي وَتُؤَيِّي فِي
غَيْبِي مَا بَقِيَ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَطْهَرَ قَيْمًا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا
كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛^۲ دنیا به پایان نمی‌رسد مگر این که مردی از اهل بیت من و هم‌نام
من، بر عرب مالک می‌شود. اگر غیبت او به اندازه عمر نوح در میان قوم خود، طول
بکشد، باز هم ظهور می‌کند و از دنیا نمی‌رود مگر این که زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و
ستم شد، پر از عدل و داد کند.»

در قرآن به روشنی بیان شده که حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال قوم خود را دعوت نمود.
اما درباره مدت عمر کامل او (پیش از نبوت و بعد از طوفان) اختلاف است و در منابع
تاریخی از ۱۷۵۰ تا ۲۷۵۰ سال بیان شده است.

یکی از مسائل مهم در دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مهدویت می‌باشد که قطعی بودن آن
را این گونه بیان می‌کند:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي
تَجْرِي الْمَلَأِجِمُ عَلَى يَدَيْهِ وَ يُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ؛^۳ اگر فقط یک روز از
دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن روز را به اندازه‌ای طولانی می‌سازد که مردی از اهل
بیت من، فرمانروای جهان می‌شود، معجزات به دست او آشکار می‌شود و اسلام به
وسیله او ظاهر می‌گردد. خداوند هرگز در وعده خود تخلف نمی‌کند.»

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله که با بینش خود از غیب خبر داشت، وضع مردم را در نسل‌های

۱. الامام المهدی: ۳۳۳، البرهان: ۱۷۵، الزام الناصب: ۲۲۷.

۲. منتخب الاثر: ۲۱۵، ۱۲۱؛ عيون الاخبار: ۲: ۶۵؛ المهدی: ۲۰۶؛ بشارة الاسلام: ۲۸۴؛ نور الابصار: ۱۷۱، ۲۳۱؛ كشف الغممة: ۳: ۲۶۱،
۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶؛ المحجة البيضاء: ۴: ۳۳۵؛ ينابيع الموده: ۳: ۱۶۴، ۱۸۶.

۳. بشارة الاسلام: ۲۸۶، ۳۵، ۵۹؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۳؛ الزام الناصب: ۲۵۱؛ اسعاف الراغبین: ۱۳۳؛ ينابيع الموده: ۳: ۱۰۹، ۱۰۶؛ المهدی:
۲۳۰؛ كشف الغممة: ۳: ۲۶۴؛ البيان: ۹۰.

مختلف بررسی کرد، آهی از دل کشید و فرمود:

«إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَالْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَالْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَيَفْتَحُ فُتُوْحًا فَلَا يَبْقَى عَلَيَّ وَجْهٌ إِلَّا مَنْ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛»^۱ به خدا شکایت می‌کنم از کسانی که امر مرا درباره مهدویت دروغ می‌پندارند و سخن مرا درباره او انکار می‌نمایند و امت مرا منحرف می‌کنند. در میان رکن و مقام با او بیعت می‌شود و سرزمین‌های زیادی به دست او فتح می‌شود. در روی زمین کسی باقی نمی‌ماند مگر این‌که توحید را بپذیرد و بگوید: خدایی جز پروردگار جهان نیست.»

این فصل را با روایت دیگری از پیامبر ﷺ در این باره تمام می‌کنیم:

«يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً؛^۲ برای این امت دوازده جانشین می‌آید.»
«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا إِلَيَّ اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛^۳ این دین عزت و بزرگ است تا روزی که دوازده جانشین، رهبر آن‌ها باشد که همه آن‌ها از طایفه قریش هستند.»
«لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ فِي قُرَيْشٍ مَا بَقِيَ مِنْهُمْ اثْنَانِ؛^۴ این امر همواره در میان قریش خواهد بود، تا وقتی که دو نفر از آن‌ها روی زمین باقی است.»

«بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا. تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ. أُمَّنَاءُ مَقْصُومُونَ. وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ. إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي وَعِزَّتِي مِنْ لَحْمِي وَدَمِي. مَا بَالُ قَوْمٍ يُؤْذُونَنِي فِيهِمْ؟ لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي؛^۵ بعد از من دوازده امام هست که نه نفر از آن‌ها از فرزندان حسین است، که همه آن‌ها امانتدار و پاکیزه هستند. مهدی این امت نیز از خاندان ماست. بدانید اهل بیت و عترت من از گوشت و خون من هستند. آن‌ها که مراد حق عترتم اذیت می‌کنند، از من چه می‌خواهند؟! خداوند شفاعت مرا به آن‌ها نمی‌رساند.»

«مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ ﷺ؛^۶ هر کس ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه محمد ﷺ آورده، کافر شده است.»

«مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبِيهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛^۷ هر کس قائم را که از فرزندان من است، در دوران غیبتش انکار کند، با گمراهی از دنیا می‌رود.»

چه کسی دعوت پیامبری که مزد رسالتش را نمی‌خواهد، نمی‌پذیرد؟!^۸

روایات امیرالمؤمنین علیؑ

۱. اعلام الوری: ۴۰۰؛ منتخب الاثر: ۱۵۸. ۲. مسند احمد: ۵/۱۰۶؛ الامام المهدی: ۱۵.
۳. الحاوی للفتاوی: ۲/۱۶۵؛ الامام المهدی: ۱۸؛ صحیح بخاری: ۴/۱۸۵؛ الملاحم و الفتن: ۱۳۲؛ صحیح مسلم: ۲/۱۹۱؛ مسند احمد: ۵/۱۰۶. ۴. صحیح بخاری: ۹/۶۲؛ ذخائر العقبی: ۱۲. ۵. منتخب الاثر: ۶۵؛ الامام المهدی: ۳۰.
۶. بتایب الموده: ۳/۱۰۸، ۱۶۲؛ منتخب الاثر: ۱۴۹؛ الزام الناصب: ۵۹؛ الامام المهدی: ۲۹۹.
۷. منتخب الاثر: ۴۹۲؛ اختصاص مفید: ۲۶۸؛ بحار الانوار: ۷/۲۰.



حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسین علیه السلام فرمود:

«التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْمُظَهَّرُ لِلدِّينِ وَالْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ إِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَاهُ عَلَيَّ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ؛^۱ ای حسین انهمین فرزند تو، قائم به حق است. او دین را آشکار می‌کند و همه جای زمین را پر از عدل می‌کند. سوگند به خدایی که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به پیامبری برگزید، او را بر همه آفریده‌ها برگزید.»

«هُوَ فِي الذُّرْوَةِ مِنْ قُرَيْشٍ وَ الشَّرَفِ مِنْ هَاشِمٍ وَ الْبَيْتَةِ مِنْ إِبْرَاهِيمَ؛^۲ او برگزیده قریش و گرامی‌ترین فرد بنی‌هاشم و تنها بازمانده ابراهیم خلیل علیه السلام است.»

«وَهُمْ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَجُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ وَ أَمَنَؤُهُ عَلَيَّ وَ حِيَّهُ وَ هُمْ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَ قَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَادَةُ الْمُتَّقِينَ وَ تَاسِعُهُمُ الْقَائِمُ؛^۳ بعد از حسین، نه نفر از نسل او ولی خدا در روی زمین و حجت خدا بر بندگان و امانتدار وحی الهی هستند. آن‌ها رهبر مسلمانان و برگزیده پرهیزگاران می‌باشند. نهمین نفر آن‌ها قائم است.»

روزی عثمان از امیر مؤمنان علیه السلام درباره حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سؤال

کرد. امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ فرمود:

«أَمَّا اسْمُهُ فَلَا إِنْ حَبِيبِي وَ خَلِيلِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُحَدِّثَ بِاسْمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُوَ مَعًا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ فِي عَلَيْهِ؛^۴ اما نام او، هرگز (نمی‌گویم)... من با محبوب و دوستم عهد بسته‌ام که تا زمان ظهورش، هرگز نام او را به زبان نیاورم و به کسی نگویم. و آن از امانت‌های خداوند و اسرار علوم پروردگار است.»

در این حدیث دلیلی است بر این که نباید در زمان غیبت، نام آن حضرت برده شود و در میان هزاران حدیثی که در طول دو قرن و نیم، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم علیهم السلام درباره حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فرموده‌اند، هرگز نام مقدس او را به زبان نیاورده‌اند، بلکه با اشاره و کنایه نام او را بیان کرده‌اند.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ إِلَّا كَافِرًا؛^۵ تنها کافران، اسم صاحب این امر را به زبان می‌گویند.»

حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در این باره می‌فرماید:

۱. بشارة الاسلام: ۵۲، الامام المهدی: ۱۷۹، اعلام الوری: ۴۰۰، المعجزة البيضاء: ۴، ۱۳۳۷، منتخب الاثر: ۲۶۷.

۲. الزام الناصب: ۱۱، ۳. اعلام الوری: ۳۷۸.

۴. بحار الانوار: ۵۱، ۱۳۴، ارشاد مفید: ۱۳۴۲، اعلام الوری: ۴۳۴، غیث شیخ طوسی: ۱۲۸۱، المعجزة البيضاء: ۴، ۳۴۱.

۵. الزام الناصب: ۸۲.

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي؛ کسی که مرا در اجتماع مردم نام ببرد، ملعون و از رحمت خدا به دور است.»

و در توفیق مبارکی که از ناحیه مقدسه به دست عمروی صادر شده است، می فرماید:
«مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي فَقَلْبِي لَعْنَةُ اللَّهِ؛ لعنت خدا بر کسی که نام مرا در جمع مردم به زبان آورد.»

روزی عمر بن خطاب وارد کعبه شد. وقتی خزانه بیت المال را دید، گفت: به خدا قسم، نمی دانم با بیت المال چه کنم؟ سلاح و اموال را بی مصرف، رها کنم یا آن ها را در راه خدا تقسیم نمایم؟ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«إِمضِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَسْتُ بِصَاحِبِهِ! إِنَّمَا صَاحِبُهُ مِنَّا، شَابٌ مِّنْ قَرَيْشٍ، يَتَّبِعُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۱ ای خلیفه! به این ها کاری نداشته باش، تو صاحب آن ها نیستی، جوانی از طایفه قریش از فرزندان ما، صاحب این هاست که در آخر الزمان در راه خدا تقسیم می کند.»

امیر مؤمنان علیه السلام درباره اصالت و بزرگواری حضرت مهدی می فرماید:

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ وُلْدِي ... هُوَ مِنْ ذُرْوَةِ طُودِ الْعَرَبِ وَ بَحْرِ مَغِيضِهَا إِذَا وَرَدَتْ وَ مَجْفُو أَهْلِهَا إِذَا أَتَتْ وَ مَعْدِنِ صَفْوَتِهَا إِذَا ائْتَدَرَتْ لَا يَجِينُ إِذَا الْمَنَايَا هَلَعَتْ وَ لَا يَحُورُ إِذَا الْمُؤْمِنُونَ ائْتَنَفَتْ وَ لَا يَنْكَلُ إِذَا الْكُفَّاءُ اضْطَرَعَتْ مُشَمَّرٌ مُغْلَوْلِبٌ ظَفِيرٌ ضِرْغَامَةٌ حَصْدٌ مُخَدَّشٌ ذَكَرَ سَيْفٌ مِنْ سَيْوفِ اللَّهِ رَأْسٌ قَتَمَ نَشِيقُ رَأْسُهُ فِي بَاذِخِ السُّوْدَةِ وَ غَارِزٌ مَجْدَةٌ فِي أَكْرَمِ الْمُخْتَدِ أَوْ سَعَكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرَكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلَكُمْ رَحِمًا اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَنِيَّتَهُ خُرُوجًا مِنَ الْغَمَّةِ وَ اجْمَعْ بِهِ سَمَلَ الْأُمَّةِ فَلَا يَضُرُّ فَتَكَ عَنْهُ ضَارِفٌ غَارِضٌ يَتَوَصُّ إِلَيَّ الْفِتْنَةَ كُلَّ مَنَاصٍ إِنْ قَالَ فَشَرُّ قَائِلٍ وَ إِنْ سَكَتَ قَدُو دَعَايَرًا؛^۲ صاحب این امر از فرزندان من است. او شرافتمندترین عرب، اقیانوس بی کران کرامت بشر، برگزیده طایفه و تبار خویش می باشد. اگر مرگ فراگیر شود، نمی ترسد، و اگر مؤمنان محصور شوند، ضعیف و خوار نمی شود. در مبارزه با شجاعان و دلیران عقب نمی نشیند، جنگاوری همیشه پیروز است. شیر خشمگینی است که دشمن را دور می کند و از پایه برمی اندازد. شمشیر تیزی از شمشیرهای خداوند و دست بخشنده خداوند است. بلندترین قله جهان در برابر بزرگواری او پایین است. کوه های بلند و مرتفع در برابر اصالت و کرامت او سست می باشند. قلعه ای محکم و پناهگاهی مستحکم است. دانش او از همه بیشتر و مهربانی

دوره ادب و هادب
 مهدی قائم علیه السلام
 تربیتگاه حضرت مهدی
 محمد باقر خاوری
 مؤسس و ناشر

۱. بحار الانوار: ۵۱: ۳۳ و ۵۳: ۱۸۴؛ الزام الناصب: ۸۲. ۲. الزام الناصب: ۸۲؛ اعلام الوری: ۴۲۳.
 ۳. منتخب الاثر: ۱۶۲؛ الملاحم و الفتن: ۵۸؛ الحاوی للفتاوی: ۱۳۴: ۲؛ المهدی: ۲۰۷.
 ۴. غیبت نعمانی: ۱۱۴؛ بشارة الاسلام: ۵۴؛ بحار الانوار: ۵۱: ۱۱۵؛ منتخب الاثر: ۳۰۹.

او از همه وسیع تر است. خدایا بیعت او را پایان غم و اندوه قرار بده، و به وسیله او جدایی و تفاق را از امت دور کن. هرگز گمراهان فتنه جوی شما را از راه او گمراه نکنند، که هر کس در برابر او اعتراض کند، دچار بدترین فتنه ها شده است، و هر کس ساکت باشد، از یاری حق دور شده است.»

علی علیه السلام درباره سنت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ضمن خطبه شیوایی که از سرچشمه وحی نشأت گرفته، فرموده است:

«قَدْ لَيْسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتُهَا وَأَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْأَقْبَالِ عَلَيْهَا وَالْمَعْرِفَةُ بِهَا وَالتَّفَرُّغُ لَهَا وَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَحَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا فَهَوَ مُغْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ وَضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ وَالْصَّقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ؛ بسیار حکیم است، و حکمت را با همه آداب و شرایطش، از توجه و شناخت و اتصال با او و گسستن از غیر او، آموخته است. پس حکمت برای حضرت گمشده ای می باشد که آن را جستجو می کند و این آرزویی است که امیدوار است برآورده شود. زمانی که فتنه ها ظاهر شوند، اسلام تنها می ماند و او در گوشه ای خلوت می کند و غریب می ماند. سختی ها را تحمل می کند و از خلوت گاه خود بیرون نمی آید. او تنها بازمانده حجت های خداوند و آخرین جانشین از خاندان پیامبران است.»

ابن ابی الحدید و دیگران به روشنی بیان کرده اند که این خطبه درباره قائم آل محمد - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می باشد.^۱

و در خطبه شفشقیه در این باره می فرماید:

«أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْلَا حُضُورُ النَّاصِرِ وَكُزُومُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَوْلِيَاءِ الْأَمْرِ إِلَّا يَقْرَءُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ أَوْ سَعَبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسٍ أَوْلَهَا وَلَأَلْقُوا دُنْيَاهُمْ أَرْهَادًا عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنزٍ؛^۲ سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر بیعت کنندگان حاضر نبودند و با وجود یاران، حجت تمام نمی شد، و اگر دانا یان امت با خدا عهد نمی کردند که در برابر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم صبر نکنند، ریسمان شتر خلافت را بر کوهانش می انداختم، و آخر خلافت را با ظرف اولش آب می دادم؛ و می دیدید که ظواهر دنیایی، نزد من بی ارزش تر از عطسه بز ماده است.»

امیر مؤمنان علیه السلام در این خطبه یکی از دلایل پذیرش بیعت را پس از ۲۵ سال سکوت،

۱. نهج البلاغه عبده ۲: ۱۰۸؛ شرح ابن ابی الحدید ۲: ۴۳۵؛ منتخب الاثر: ۱۵۰؛ منابع الموده ۳: ۹۲؛ المهدی: ۸۴.
۲. شرح ابن ابی الحدید ۴: ۳۳۶. ۳. نهج البلاغه عبده ۱: ۳۶.

حضور مردم و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی و قیام قائم آل محمد در زمان جمع شدن یاران آن حضرت بیان می‌کند.

روایات امام حسن علیه السلام

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛^۱ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، با جهل و نادانی از دنیا رفته است.»

امام کاظم علیه السلام تعبیر «حَقٌّ يَعْرِفُهُ» دارد، یعنی: کسی که بمیرد و امام زمان زنده‌اش را نشناسد، جاهل و نادان از دنیا رفته است.^۲

امام صادق علیه السلام چنین می‌فرماید:

«مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که شب را به صبح برساند در حالی که امام زمانش را نمی‌شناسد، با جهل و نادانی مرده است.»^۳

از این سخن امام صادق علیه السلام، اهمیت ولایت اهل بیت علیهم السلام به طور دقیق روشن می‌شود.

روایات امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُخَيِّبُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ الدِّينَ يُحِقُّ الْحَقَّ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛^۴ همین فرزند من، قائم به حق است. خداوند به وسیله او زمین مرده را زنده می‌کند و دین را به وسیله او ظاهر می‌نماید، و برخلاف خواسته مشرکان، حق را بازپس می‌گیرد.»

روایات امام سجاد علیه السلام

«لَا تَخْلُو الْأَرْضَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبِدِ اللَّهُ؛^۵ تا وقتی که قیامت برسد، هرگز زمین خالی از حجت نمی‌ماند، و اگر حجت خدا روی زمین نباشد، خدا ستایش نمی‌شود.»

امام سجاد علیه السلام در سخن کوتاه و محکم، نقش اساسی امام و حجت خدا را بیان می‌کنند. سپس نکته مهمی فرموده است:

«الْإِمَامُ مِمَّا لَا يَكُونُ إِلَّا مَغْضُومًا وَ لَيْسَتْ الْعِصْمَةُ فِي ظَاهِرِ الْخَلْقَةِ فَيُعْرَفُ بِهَا فَلِذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَنْصُوصًا؛^۶ تنها امام معصوم، امامت و رهبری مردم را بر عهده می‌گیرد، و

۱. منابع الموده: ۳، ۲۰۶؛ الملاحم و الفتن: ۱۳۸؛ كشف الغممة: ۳، ۳۱۸؛ اصول کافی: ۱، ۳۷۱ و ۳۷۷؛ الزام الناصب: ۲۷ و ۲۷۵؛ عيون الأخبار: ۳، ۵۸
 ۲. اختصاص مفید: ۲۶۸. ۳. غیبت نعمانی: ۶۲؛ الزام الناصب: ۱۲۷. ۴. اعلام الوری: ۳۸۴.
 ۵. منتخب الاثر: ۲۷۱؛ بحار الانوار: ۵۲، ۹۲. ۶. معانی الاخبار: ۱۳۲.

دوراد، رهاب
 مهدی قائم علیه السلام
 در پستانه حضرت
 نور الحادش ظل القادر المهدی علیه السلام

چون عصمت یک علامت ظاهری نیست که همه آن را بشناسند، باید امام از طرف خدا تعیین و معرفی شود.»

و این احادیث نشان می‌دهد که این احادیث از طرف خداوند و به وسیله پیامبر ﷺ و جانشینان پاک او روایت شده است، امامت مهدی ﷺ را بیان می‌کند.

«أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالشَّجَاعَةَ وَالسَّخَاوَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ - مِنَّا النَّبِيُّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا وَمِنَّا وَصِيُّهُ وَ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ جَعْفَرُ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَّةِ وَ سِبْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ الْمَهْدِيُّ؛^۱ خداوند بلندمرتبه دانش، صبر، شجاعت، بخشش و مهربانی در دل‌های مؤمنان قرار داده است. پیامبر اکرم ﷺ از ماست؛ جانشین او علی، حمزه، جعفر طیار، حسن و حسین و مهدی ﷺ از ما هستند.»

این قسمت از خطبه معروف امام سجاد ﷺ که در مسجد جامع شام و در حضور یزید بن معاویه بیان شده، درباره نعمت‌های پروردگار و جنگ در برابر ستمگران است. روایات امام باقر ﷺ

«إِيَّاكَ وَ شُذَّاذًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَإِنَّ لَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ رَايَةً وَ لِعَیْرِهِمْ رَايَاتٍ فَالزِّمِ الْأَرْضَ وَ لَا تَتَّبِعْ مِنْهُمْ رَجُلًا أَبَدًا حَتَّى تَرَى رَجُلًا مِنْ وَ لَدِ الْحُسَيْنِ مَعَهُ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ وَ رَايَتُهُ وَ سِلَاحُهُ؛^۲ از کسانی که راه خود را از خاندان محمد ﷺ جدا می‌کنند، کناره‌گیری کن. خاندان پیامبر ﷺ و علی ﷺ پرچمی دارند، و دیگران هم پرچم‌هایی دارند. هرگز از خانه‌ات خارج نشو و با هیچ یک از آن‌ها قیام نکن، تا زمانی که مردی از فرزندان حسین ﷺ ظهور کند که پیمان پیامبر ﷺ بر او، پرچم پیامبر ﷺ در دست او، و سلاح پیامبر ﷺ همراه او است.»

امام باقر ﷺ در دوره‌ای زندگی می‌کرد که هر یک از فرزندان امام حسین و فرزندان یزید می‌خواستند خلافت کنند و برای رسیدن به رهبری امت خروج می‌کردند. امام ﷺ شیعیان خود را آگاه می‌کرد که فریب صحبت‌های جذاب آن‌ها را نخورند و تا زمان ظهور قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از این کار خودداری کنند.

آنگاه با بیان روشن‌تر، حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را معرفی کرده و می‌فرماید:

«مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مُخَدَّثًا السَّابِعُ مِنْ بَعْدِي وَ لَدِي الْقَائِمُ؛^۳ دوازده نفر محدث از خاندان ما

۱. منتخب الاثر: ۱۷۲.

۲. بحار الانوار: ۵۲: ۲۲۴؛ الزام الناصب: ۱۷۶؛ اعلام الوری: ۴۲۷؛ الملاحم و الفتن: ۹۹؛ بشارة الاسلام: ۱۰۳.

۳. کشف الغمّه: ۳: ۲۷۹.

می باشند که هفتمین فرزندم، قائم است.»
 «يَكُونُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعَةَ أَتَمَّةٍ تَسْبِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛ بعد از امام سجاد عليه السلام، نه امام خواهد بود که نهمین نفر آنها قائم است.»
 «أَنْظُرُ مَنْ لَا يَذْرِي النَّاسُ أَنَّهُ وُلْدٌ أُمَّ لَا قَدَاكَ ضَاغِبُكُمْ؛^۱ به مردمی توجه کن که نمی دانند آیا قائم متولد شده یا نه؟ او صاحب توست.»
 «هُوَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ؛^۲ او پسر سرور کنیزان است.»

در بخش ولادت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - درباره منزلتِ مادر بزرگوارشان سخن خواهیم گفت.

«إِنَّ الْأَرْضَ لَنْ تَخْلُوَ إِلَّا وَفِيهَا عَالِمٌ مِمَّا فَانَ زَادَ النَّاسُ قَالَ قَدْ زَادُوا وَإِنْ نَقَصُوا قَالَ قَدْ نَقَصُوا وَ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ ذَلِكَ الْعَالِمَ حَتَّى يَرَى فِي وَوَلَدِهِ مَنْ يَعْلَمُ مِثْلَ عِلْمِهِ؛^۳ هرگز زمین خالی از عالمی از خاندان ما نخواهد بود. مردم را راهنمایی می کند، اگر مردم زیاده روی کنند، به آنها می گوید که زیاده روی نکنید، و اگر مردم کوتاهی کردند، به آنها می گوید که کوتاهی کرده اند. این عالم، زنده می ماند تا آن که خداوند به او فرزندی عطا کند که علم خودش را دارد.»

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِمَامٍ مِمَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلْنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛^۴ اگر زمین خالی از امام بماند، ساکنانش را در کام خود فرو می برد. خداوند بلند مرتبه ما را حجت خود در روی زمین قرار داده تا مردم روی زمین در امنیت باشند.»

بعید نیست که اگر زمین خالی از حجت خدا باشد، ساکنانش را در کام خود فرو می برد. قبلاً هم پیامبر صلی الله علیه و آله از آن خبر داده و می فرماید:

«لَنْ يَزَالَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ قُرَيْشٍ فَإِذَا مَضَوْا سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛^۵ تا وقتی که دوازده نفر از طایفه قریش هستند، این دین پابرجاست، هنگامی که زمین از آنها خالی شود، ساکنان خود را در کامش فرو می برد.»

«مِنَ الْمُخْتَوَمِ الَّذِي لَا تَبْدِيلَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ قِيَامٌ قَائِمًا فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ هُوَ بِهِ كَافِرٌ وَ لَهُ جَاحِدٌ؛^۶ قیام قائم ما، یکی از وعده های قطعی خداوند است؛ هر کس در این مسأله شک و تردید داشته باشد، کافر از دنیا می رود و در همین حال خدا را

۱. غیبت نعمانی: ۴۶، ۷؛ ارشاد مفید: ۳۲۸. ۲. بحار الانوار: ۵۱، ۱۳۹؛ غیبت نعمانی: ۸۷؛ منتخب الاثر: ۲۸۸؛ اصول کافی: ۱، ۳۴۲.
 ۳. کشف الغم: ۳، ۳۱۴؛ بتایب الموده: ۳، ۱۰۹، ۱۶۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۷۹، ۲۸۳؛ اختصاص مفید: ۲۸۹؛ اعلام الوری: ۴۰۸؛ الزام الناصب: ۵۳؛ الامام المهدی: ۸۰. ۴. غیبت شیخ طوسی: ۱۳۴؛ الزام الناصب: ۴؛ اصول کافی: ۱، ۱۷۸ و ۱۷۹.
 ۵. الزام الناصب: ۲۴۵، ۴؛ غیبت نعمانی: ۶۹؛ بتایب الموده: ۳، ۱۴۸؛ عیون الاخبار: ۱، ۲۱۲؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۳۲؛ اصول کافی: ۱، ۷۹.
 ۶. الزام الناصب: ۷۸. ۷. بحار الانوار: ۵۱، ۴۰؛ غیبت نعمانی: ۴۱؛ الامام المهدی: ۹۰؛ وسائل: ۱۸، ۵۶۴؛ حدیث: ۳۲.

دوراندیشان
 مهدی قائم
 در پناه حضرت
 نورالحاضر
 ظل القادر المهدی

ملاقات می‌کند.»

«مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَصْبَحَ تَائِبًا مُتَحَيِّرًا ضَالًّا إِنْ مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَاتَ مَيِّتَةً كُفْرٍ وَنِفَاقٍ؛ کسی که شب را صبح کند در حالی که امامی از طرف خداوند نداشته باشد، سرگشته و گمراه است؛ و اگر با این حال از دنیا برود، کافر و منافق از دنیا رفته است.»

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: «آیا همه آفریده‌ها باید امام را بشناسند؟» حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا وَحُجَّةً لِلَّهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ فَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَاتَّبَعَهُ وَصَدَّقَهُ فَإِنَّ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ مِنَّا وَاجِبَةٌ عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَمْ يَتَّبِعْهُ وَلَمْ يُصَدِّقْهُ وَيَعْرِفْ حَقَّهُمَا فَكَيْفَ يَجِبُ عَلَيْهِ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَهُوَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَعْرِفُ حَقَّهُمَا قَالَ قُلْتُ فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيُصَدِّقُ رَسُولَهُ فِي جَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ يَجِبُ عَلَى أَوْلِيكَ حَقُّ مَعْرِفَتِكُمْ قَالَ نَعَمْ أَلَيْسَ هَؤُلَاءِ يَعْرِفُونَ قُلَانَا وَقُلَانَا قُلْتُ بَلَى قَالَ أَتَرَى أَنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي أَوْقَعَ فِي قُلُوبِهِمْ مَعْرِفَةَ هَؤُلَاءِ وَاللَّهِ مَا أَوْقَعَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا الشَّيْطَانُ لَا وَاللَّهِ مَا أَلْهَمَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا إِلَّا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛ خداوند بلندمرتبه، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به سوی همه جهانیان فرستاد. کسی که به خدا و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان بیاورد و او را پیامبر خدا بداند و از او اطاعت کند، بر او واجب است که امام را بشناسد. ولی اگر کسی به خدا و پیامبر خدا ایمان نیاورده باشد، چگونه ممکن است که قبل از شناخت خدا و رسول، شناخت امام بر او واجب باشد؟ به خدا سوگند، حقوق ما را خداوند به مؤمنان الهام کرده است.» سپس درباره آیه شریفه ﴿يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾^۳ فرمود: «یعنی وقتی پیامبر و جانشین او و قائم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قیام کند آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.»

به امام باقر علیه السلام گفتند:

«إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ رَحْمَةِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهَا فَقَالَ لَهُ كَذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا نَدْخِلُ أَحَدًا فِي ضَلَالَةٍ وَلَا نُخْرِجُهُ مِنْ هُدًى إِنْ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ لَا يَرَى مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛^۴ شما اهل بیت رحمت هستید، خداوند این مقام را به شما اختصاص داده است. فرمود: آری، همین طور است. خدا را شکر، ما هرگز کسی را گمراه نمی‌کنیم و همه را هدایت می‌کنیم. دنیا نمی‌گذرد مگر این‌که خداوند یکی از ما را برانگیزد که به کتاب خدا عمل کند و هر کجا منکری را

۱. وسائل، ج ۳۷: ۵۶۵. ۲. اصول کافی ۱: ۴۲۹-۱۸۱. ۳. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۵۷.

۴. بحار الانوار ۵۱: ۳۷۸، ۱۴۱؛ بشارة الاسلام: ۲۴۶.

بینند، آن را انکار نماید.»

«وَمَنْ أَبْغَضَنَا وَرَدَّنَا أَوْ رَدَّ وَاحِدًا مِنَّا، فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ وَبِآيَاتِهِ؛^۱ هر کس با ما دشمن باشد، ما را نمی‌پذیرد، یا اگر یکی از ما را نپذیرد، خدا و آیات خدا را نپذیرفته است.»
عده‌ای شیعیان، تصور می‌کردند که امام باقر علیه السلام «قائم» است، امام باقر علیه السلام به آن‌ها فرمود:

«يَزْعَمُونَ أَنِّي الْمَهْدِيُّ، وَإِنِّي إِلَىٰ أَجَلِي أَدْنَىٰ مِنِّي إِلَىٰ مَا تَدْعُونَ؛^۲ با تصور بیهوده خود، فکر می‌کنید که من مهدی هستم، در حالی که من به مرگ نزدیک‌تر از آنم که آن‌ها تصور می‌کنند.»

امام با این جمله بیان می‌کند که هنگام ظهور، حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - جوان است در حالی که من پیر شده‌ام.

دوباره از امام باقر علیه السلام پرسیدند: «آیا شما قائم آل محمد هستید؟» در پاسخ فرمود: «كَيْفَ أَكُونُ أَنَا وَقَدْ بَلَغْتُ خَمْسًا وَأَرْبَعِينَ سَنَةً وَإِنِّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ أَقْرَبُ عَهْدًا بِاللَّبَنِ مِنِّي وَأَخْفُ عَلَىٰ ظَهْرِ الدَّابَّةِ؛^۳ چگونه ممکن است من مهدی باشم در حالی که من چهل و پنج سال دارم؟ صاحب این امر از من جوان‌تر است، و بر پشت مرکب، از من سبک‌بارتر است.»

به زبان ساده‌تر، مهدی از من جوان‌تر، و روی اسب و شتر از من چابک‌تر است.
از نظر سن، حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به هنگام ظهور، بسیار جوان‌تر از امام باقر علیه السلام می‌باشد. اما از نظر چابک بودن روی مرکب، منظور این است که وسایل حمل و نقل در زمان حضرت مهدی علیه السلام همچون هواپیماها و سفینه‌های فضایی خواهد بود، و وزن انسان در این وسایل نقلیه، بسیار ناچیز است و با دور شدن آن‌ها از زمین، جاذبه زمین کم‌تر می‌شود و وزن مسافران کمتر خواهد بود. و منظور از «دابه» در این حدیث، جنبندگانی از این نوع می‌باشد.

اگر چه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام مردم آن زمان را با زبان خودشان مخاطب قرار داده‌اند، ولی هرگز سخنانشان مربوط به آن زمان نیست، بلکه مانند آیات قرآن به گونه‌ای است که هم مردم آن زمان بفهمند و هم مردم زمان‌های بعد آن را درک کنند. همین لفظ «دابه» در قرآن کریم نیز آمده است و مردم آن زمان منظور از آن را حیواناتی مانند شتر و اسب و گاو و گوسفند می‌دانند. ولی قرآن کریم برای این که به مردم



۱. وسائل: ۱۸: ۵۶۳، حدیث ۲۹. ۲. الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۵۸. ۳. اصول کافی: ۱: ۵۳۶، الزام الناصب: ۲۲۹.

بفهماند که «دابه» فقط این‌ها نیست، بلکه در آخرالزمان جنبندگان دیگری به وجود خواهد آمد، چنین فرموده است:

﴿وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ * وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدْنَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾^۱؛ خداوند برای شما اسب‌ها، استرها و الاغ‌ها را آفرید که بر آن‌ها سوار شوید و برای شما زینت باشد و آنچه را که نمی‌دانید، می‌آفریند. و راه راست برای خداست و برخی از آن راه‌ها کج است، و اگر خداوند می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد.

در این آیه چهار نکته مهم وجود دارد:

۱- خداوند آنچه را که نمی‌دانید، می‌آفریند.

۲- راه راست برای خداست.

۳- برخی از راه‌ها کج هستند.

۴- اگر خداوند می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد.

در گذشته، امکان تفسیر وجود نداشت، پس مفسران نتوانستند این آیه را تفسیر کنند. ولی در زمان ما این جمله‌ها به طور دقیق روشن شده است:

۱- منظور از جمله اول: ماشین، قطار، هواپیما و سفینه‌های فضایی است که در گذشته وجود نداشتند و مخاطبین قرآن در گذشته چیزی از آن‌ها نمی‌دانستند. و شاید چیزهای دیگری هم در آینده به وجود بیاید که ما از آن‌ها بی‌خبر هستیم.

۲- منظور از جمله دوم: راه‌های امروزی است که شهرها به یکدیگر نزدیک شده، دشت‌ها هموار شده و راه‌ها صاف و راحت شده است. واژه «قصد» که در این آیه به کار رفته، در قرآن به معنای نزدیکی و هموار بودن راه است:

﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ السُّبُحَةُ﴾^۲؛ اگر چیزی در دسترس، و راهی نزدیک و آسان بود، منافقان نیز از تو پیروی می‌کردند، ولی راه برای آن‌ها دور شد.

در این آیه «قاصد» به معنی نزدیک و آسان است. منظور از «قصد» نزدیکی و راحتی راه‌هاست که باید وسایل نقلیه امروزی اختراع شود.

۳- در جمله سوم: برخی از مرکب‌ها را با لفظ «جائر» بیان کرده است. «جائر» در لغت به معنای صدای خشن و بلند است که اکثر وسایل نقلیه امروزی این صدای دلخراش را

۱. سوره مبارکه نحل، آیات ۸ و ۹. ۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۴۲.

دارند. معنای دیگر «جائر»، بزرگ است که بیشتر وسایل نقلیه امروزی بسیار بزرگ هستند.

۴- در جمله چهارم: منظور این است که این وسایل را در زمان شما نخواهم آفرید، بلکه در زمان‌های بعدی به وجود می‌آورم. قضای الهی بر آن است که فکر آن‌ها را به اختراع این وسایل هدایت نکند، بلکه افکار نسل‌های بعدی را به اختراع آن‌ها هدایت نماید.

وقتی به این چهار نکته توجه کنیم، می‌بینیم منظور از جملات یاد شده، همین معناست. ولی مفسران در زمان‌های گذشته نمی‌توانند این طور تفسیر کنند و گذشت زمان و تحقق بشارت آیات قرآن، ما را به تفسیر آن هدایت کرد.

روایات امام صادق علیه السلام

«إِذَا تَوَالَتْ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ كَانَ رَايِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛^۱ هنگامی که سه نام

مقدس محمد، علی و حسن پشت سر هم قرار بگیرد، نام چهارم «قائم» خواهد بود.»

در این حدیث، نام سه امام معصوم (امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام)

پشت سر هم قرار گرفت و چهارمی، حضرت مهدی می‌باشد.

مانند این روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بیان شده است:

«إِذَا تَوَالَتْ أَرْبَعَةُ أَسْمَاءٍ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنْ وَوَلَدِي: مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ، وَالْحَسَنُ، فَزَابِعُهَا هُوَ

الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ؛^۲ هنگامی که در نام‌های امامان از فرزندان من، نام‌های محمد، علی و

حسن پشت سر هم قرار بگیرد، چهارمین نفر آن‌ها قائم است.»

«هُوَ مِنْ وَوَلَدِي، وَوَلَدُهُ يَزِدُّ دِرْهُمًا بَيْنَ شَهْرِيَّارَ؛^۳ او از نسل من و از طایفه یزدجرد بن شهریار

است.»

و این از طرف مادر امام سجاده علیه السلام، جناب شهربانو دختر یزدجرد پادشاه ایران بود که

از بین خواستگاران، او را انتخاب کرد. او امام حسین علیه السلام را برگزید.^۴

«هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ هُوَ حَمَلٌ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ هُوَ غَائِبٌ وَ

مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَا وُلِدَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ قَدْ وُلِدَ قَبْلَ وَوَلَدِهِ بِسِتِّينَ؛^۵ مردم درباره تولد

او شک و تردید دارند، برخی می‌گویند: او به آسمان‌ها برده شده؛ برخی می‌گویند: او از

دنیا رفته است؛ برخی می‌گویند: پدرش از دنیا رفت و فرزندی نداشت. و برخی

۱. منتخب الاثر: ۲۴۲؛ بحار الانوار: ۵۱؛ اعلام الوری: ۴۰۳؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۴۹؛ الزام الناصب: ۶۷. ۲. همان.

۳. الملاحم و الفتن: ۱۶۶؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۱۶۴. ۴. منابع الموده: ۳-۲۵.

۵. منتخب الاثر: ۵۰۱؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۹۳؛ اعلام الوری: ۴۰۵؛ الزام الناصب: ۸۰.



می‌گویند: چندین سال قبل از فوت پدرش، به دنیا آمد.»

قطعاً حدیث قبلی درست است.

«إِنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ عِمْرَانَ أَنِّي وَاهِبٌ لَكَ ذَكَرًا سَوِيًّا مُّبَارَكًا كَأَيُّبِرِي الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَ يُخَيِّي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ جَاعِلُهُ رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَحَدَّثَ عِمْرَانُ امْرَأَتَهُ حَتَّىٰ بِذَلِكَ وَ هِيَ أُمُّ مَرْيَمَ فَلَمَّا حَمَلَتْ كَانَ حَمْلُهَا بِهَا عِنْدَ نَفْسِهَا غَلَامٌ (غلاماً قَلَمًا وَضَعْتُهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ... وَ لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ أَيْ لَا تَكُونُ الْبِنْتُ رَسُولًا يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ فَلَمَّا وَهَبَ اللَّهُ لِمَرْيَمَ عِيسَىٰ كَانَ هُوَ الَّذِي بَشَّرَ بِهِ عِمْرَانَ وَ وَعْدَهُ إِتْيَاهُ فَإِذَا قُلْنَا فِي الرَّجُلِ مِثًا شَيْئًا فَكَانَ فِي وَ لَدِهِ أَوْ وَلَدٍ وَ لَدِهِ فَلَا تُشْكِرُوا ذَلِكَ؛ خداوند به عمران وحی کرد که من به تو پسر مبارک و پاکیزه‌ای خواهم داد، که کور و کور را شفا می‌دهد و مرده را به اذن خدا زنده می‌کند. و او فرستاده من به سوی بنی اسرائیل خواهد بود. عمران این مژده الهی را به همسر خود (مادر مریم) گفت. هنگامی که همسرش به مریم باردار شد، او گمان کرد که این همان مژده خداوند و پسر است. پس هنگامی که مریم به دنیا آمد، گفت: خدایا! او دختر است و پسر مانند دختر نیست. یعنی دختر به پیامبری برانگیخته نخواهد شد. خداوند می‌فرماید: ﴿خداوند به آنچه آفریده، داناتر است﴾»

هنگامی که خداوند عیسی را به مریم داد، وعده الهی تحقق یافت و او همان مژده الهی به عمران بود. پس اگر ما در مورد کسی وعده‌ای دادیم، ممکن است این وعده در حق پسر او، یا نوه او تحقق یابد. پس هرگز آن را انکار نکنید.»^۱

از این حدیث استفاده می‌شود اگر درباره پیامبران و جانشینان آن‌ها مطلبی بیان شد که در ظاهر طبق وعده آن‌ها نباشد، نباید در قضاوت عجله کرد، شاید معنای دیگری دارد که آن مورد نظر است.

«الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْمَهْدِيُّ؛^۲ خلف صالح از فرزندان من همان مهدی است.»

شاید بعضی گمان کنند که منظور امام صادق علیه السلام، فرزند بلافصل خردش باشد. ولی در روایات دیگر از آن حضرت و امامان قبلی، آن را روشن کرده است که منظور، نواده ششم آن حضرت است.

«مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنَ الْأَخْيَاءِ فَقَدْ أَنْكَرَ الْأَمْوَاتِ؛^۳ کسی که یکی از امامان زنده را انکار

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۳۶. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۱۱۹، الزام الناصب: ۲۰. ۳. منتخب الاثر: ۲۱۴، المهدی: ۶۱.

۴. غیبت نعمانی: ۶۳، اصول کافی: ۱: ۳۷۳.

کند، امامان قبلی را نیز انکار کرده است.»

یعنی اگر کسی امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را انکار کند، امامان قبلی را هم انکار کرده است، زیرا با این کار خود، دستورات آن‌ها را قبول نکرده است.

«مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا ﷺ نُبُوَّتَهُ الْمَهْدِيَّ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ؛ کسی که همه امامان را قبول داشته باشد، ولی حضرت مهدی علیه السلام را انکار کند، مانند کسی است همه پیامبران را قبول دارد، ولی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار می‌کند. مهدی علیه السلام از دیده‌ها غایب می‌شود و شما نباید نام او را بر زبان بیاورید.»

طبق این حدیث، کسی که مهدی علیه السلام را انکار کند، همه امامان و پیامبر صلی الله علیه و آله را تکذیب کرده است.

روایات امام کاظم علیه السلام

«يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ ولادت او پنهانی است. و جایز نیست کسی نام او را به زبان بیاورد، تا روزی که خداوند فرمان دهد که ظهور کند.»

روایات امام رضا علیه السلام

«يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَذَا الْأَمْرِ رَجُلًا خَفِيَّ الْمَوْلِدِ وَالْمُنْشَأِ غَيْرِ خَفِيٍّ فِي نَسَبِهِ وَنَفْسِهِ؛ خداوند برای این امر، مردی را برمی‌انگیزد که ولادتش پنهانی است ولی شخصیت و نسبش پنهان نیست.»

«الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ يُظْهِرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرِ وَ يَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ؛ چهارمین فرزند من، پسر بانوی کنیزان است، که خداوند به وسیله او زمین را از ظلم و ستم پاک می‌کند. در مورد ولادت او دچار شک و تردید می‌شوند. او پیش از ظهور، از دیده‌ها غایب می‌شود و هنگام ظهورش، جهان با نور پروردگارش می‌درخشد. او عدالت را در میان مردم رواج می‌دهد. دیگر کسی به کسی ستم نمی‌کند. زمین را طی می‌کند و سایه‌اش بر زمین نمی‌افتد.»

۱. اعلام الوری: ۴۰۳؛ کشف الغمہ: ۳؛ بحار الأنوار: ۵۱؛ الزام الناصب: ۶۷. ۲. الزام الناصب: ۸۲؛ بحار الأنوار: ۵۱؛ ۳۲.
 ۳. منتخب الاثر: ۲۸۸؛ کشف الغمہ: ۳؛ غیبت نعمانی: ۸۸.
 ۴. اعلام الوری: ۴۰۸؛ بشارة الاسلام: ۱۶۱؛ منتخب الاثر: ۲۲۰؛ الزام الناصب: ۵۳؛ المهدي: ۹۸؛ بحار الأنوار: ۵۲؛ ۳۲۱؛ الامام المهدي: ۹۲؛ منابع الموده: ۳؛ ۱۶۴، ۱۰۹؛ اختصاص مفید: ۳۱۶؛ غایة المرام: ۶۶۶.



زمین را طی می‌کند، زیرا زمین در برابر وسایل نقلیهٔ پرسرعت طی می‌شود، چنان‌که در عصر ما نیز زمین زیر بال‌های هواپیما و سفینه‌های فضایی طی می‌شود. و ممکن است منظور این باشد که خداوند به حجت خود، طی الارض را عطا خواهد فرمود.

اما سایه‌اش بر زمین نمی‌افتد؛ ۱. برای اینکه مانند پیامبر ﷺ ابری بالای سرش حرکت می‌کند؛ ۲. یا به خاطر سرعت زیاد وسایل نقلیه، سایه‌اش بر زمین نمی‌افتد. هر کدام از این دو معنی که باشد، عجیب نیست و شاید معنای دیگری هم داشته باشد که برای ما قابل درک نیست.

این روایات چهارده قرن پیش و حتی مدت‌های طولانی قبل از ولادت حضرت نرجس خاتون در «روم» بیان شده است. به این روایات توجه کن که چگونه از مادر بزرگوار و ولادت پنهانی آن حضرت و غیبت و سیرت ایشان صحبت شده است.

وقتی دعبل خزاعی، شاعر معروف اهل بیت، قصیدهٔ تائیه خود را در محضر امام رضا علیه السلام خواند، امام رضا علیه السلام چنین فرمود:

«الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبِهِ الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ وَأَمَّا مَتَى يَقُومُ فَأَخْبَارُ بِالْوَقْتِ لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسْمَى بِاسْمِهِ؛^۱ امام بعد از من، پسر محمد، و بعد از او پسرش علی، و بعد از او پسرش حسن، و بعد از او پسرش «قائم» است که در زمان غیبتش در انتظار او می‌نشینند و هنگام ظهورش از او اطاعت می‌کنند. اما اینکه چه وقت ظهور می‌کند؟ آن اخبار به وقت است (که جز خدا کسی آن را نمی‌داند)، کسی او را نمی‌بیند و نام او به زبان نمی‌آید.»

روایات امام جوان علیه السلام

«إِنَّ الْقَائِمَ مِثْلَهُ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي؛^۲ قائم ما همان مهدی منتظر است که باید در زمان غیبتش، منتظر او بود، و هنگام ظهورش از او اطاعت کنند. او سومین فرزند من است.»

از امامان معصوم علیهم السلام، تنها او برای تأسیس خلافت اسلامی شمشیر می‌کشد، همه از او که عظمت و شکوه الهی دارد و شمشیر تیزی در دست مبارکش است، اطاعت می‌کنند. «إِذَا مَاتَ ابْنِي عَلِيٌّ - أَيِ الْإِمَامِ الْهَادِي - بَدَأَ سِرَاجٌ بَعْدَهُ ثُمَّ خَفِيَ فَوَيْلٌ لِمَنْ تَابَ وَ

دوران هدایت در پستان حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱. الامام المهدي: ۲۷۹، ۹۲؛ الفصول المهمة: ۲۲۳؛ بتایع الموده: ۳، ۱۱۵، ۱۲۸؛ الزام الناصب: ۶۱؛ كشف الغممه: ۳، ۳۱۵؛ اصول کافی: ۱، ۳۳۳؛ منتخب الاثر: ۲۶۲. ۲. اعلام الوری: ۴۰۸؛ الزام الناصب: ۶۸.

طُوبَى لِلْغَرِيبِ الْفَارِّ بِدِينِهِ؛^۱ هنگامی که پسر علی (امام هادی علیه السلام) از دنیا برود، چراغی بعد از او روشن می شود و سپس مخفی می گردد. وای بر کسی که درباره او شک کند. خوشا به حال کسی که با دینش از شهری به شهر دیگر فرار می کند.»

منظور از چراغ روشن، امام حسن عسکری علیه السلام و منظور از چراغ پنهان، حضرت مهدی علیه السلام می باشد. که در حدیث دیگری می فرماید:

«هُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنْيَتُهُ وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يُذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ؛^۲ او هم نام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله است. زمین را طی می کند و همه مشکلات برای او آسان می گردد.»

طی الارض و آسان شدن مشکلها، در زمان ما به خاطر وسایل نقلیه امروزی امکان پذیر است. پس توجه در این روایت که هزار و دویست سال پیش، امام جواد علیه السلام فرموده اند، شگفت آور است.

روزی یکی از شیعیان خدمت امام جواد علیه السلام رسید و گفت: امیدوارم که شما امام قائم از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله باشید. امام جواد علیه السلام فرمود:

«مَا مِنَّا إِلَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، أَوْ هَادٍ إِلَى دِينِهِ. وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَ لَادَتُهُ، وَ لَا يَغِيبُ شَخْصُهُ؛^۳ هر یک از اهل بیت ما، قائم به امر خدا و هدایت گریه سوی دستورات الهی است. ولی آن «قائم» کسی است که ولادتش پنهان است، ولی شخصیت او پنهان نیست.»

یعنی او همه جا حاضر خواهد بود گرچه از دیده ها پنهان می باشد.

روایات امام هادی علیه السلام

«الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ بِكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ؟ قِيلَ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ فَقِيلَ لَهُ فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ قَالَ قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛^۴ جانشین و خلف بعد از من پسر حسن می باشد، ولی شما با جانشین او چگونه رفتار می کنید؟ پرسیدند: جان ما فدای تو باد! از چه نظر؟ فرمود: زیرا او را نخواهید دید و بر شما جایز نیست که نام او را بر زبان بیاورید. گفتند: پس چگونه به یاد او باشیم؟ فرمود: بگوئید حجت خدا از آل محمد صلی الله علیه و آله.»

روایات امام عسکری علیه السلام

۱. غیبت نعمانی: ۹۸؛ بحار الانوار: ۵۱: ۱۵۷؛ بشارة الاسلام: ۱۶۴. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۲۸۳؛ تنبیح الموده: ۳: ۱۶۴.

۳. بحار الانوار: ۵۱: ۲۳؛ الزام الناصب: ۶۸.

۴. منتخب الاثر: ۲۲۶؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۲۲؛ اعلام الوری: ۴۱۰؛ بحار الانوار: ۵۱: ۱۵۸؛ الزام الناصب: ۹۲؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۲؛ الامام المهدي: ۹۳.



«كَانَ بِيكُمْ وَقَدْ اخْتَلَفْتُمْ بَعْدِي فِي الْخَلْفِ مِنِّي أَمَا إِنَّ الْمُقَرَّ بِالْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْمُتَكِرَ لِرَسُولِهِ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْمُتَكِرَ لِرَسُولِ اللَّهِ كَمَنْ أَنْكَرَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةَ أَوْلَانَا وَ الْمُتَكِرَ لِآخِرِنَا كَالْمُتَكِرِ لِأَوْلَانَا؛ گویا با چشم خود می بینم که بعد از من، درباره جانشین من دچار اختلاف می شوید؛ بدانید کسی که همه امامان بعد از پیامبر ﷺ را قبول داشته باشد، ولی پسر من را انکار کند، مانند کسی است که همه پیامبران را قبول دارد، ولی رسالت پیامبر ﷺ را قبول ندارد. زیرا اطاعت از آخرین نفر ما، اطاعت از اولین نفر ماست. و انکار آخرین نفر ما، انکار اولین نفر ماست.»

مانند این روایت از پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام هم بیان شده است. وقتی امام حسن عسکری علیه السلام در زندان معتضد عباسی بودند، قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام به یکی از زندانیان فرمود:

«إِي وَاللَّهِ سَيَكُونُ لِي وَلَدٌ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا؛^۱ به خدا سوگند، به زودی خداوند به من پسری عنایت خواهد فرمود، که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.»

امام حسن عسکری علیه السلام این سخن را برای وقت گذرانی با رفیق زندانی خود فرمود، بلکه برای اینکه حجت برای یک نفر تمام شود و او به موقع برای دوست و دشمن نقل کند.

روایت امام زمان علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام در یکی از نامه هایش به نائب اولش فرموده است:

«وَلْيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُفْتَرٍ وَلَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ فَلْيَتَصَرُّوا مِنَّا عَلَى هَذِهِ الْجُمْلَةِ دُونَ التَّفْسِيرِ وَ يَقْتَعُوا مِنْ ذَلِكَ بِالتَّغْرِيبِ دُونَ التَّضْرِيحِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛^۲ شیعیان ما باید بدانند که حق با ما و میان ماست. هر کس جز ما، این ادعا را داشته باشد، دروغ گفته است. و هر کس جز ما، این ادعا را داشته باشد، گمراه است. شیعیان ما باید این را از ما بپذیرند و آن را تفسیر نکنند. فرمان ما را بپذیرند و توضیح نخواهند.»

به زودی این جملات، تفسیر می شود و درستی آن را در برق شمشیر مولا خواهیم

دید.

۱. منتخب الاثر: ۲۲۶؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۱۶۰؛ اعلام الوری: ۴۱۲.

۲. نور الابصار: ۱۶۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۲۳؛ کشف الغممه: ۳؛ ۲۹۳؛ الامام المهدی: ۲۷۸.

۳. بحار الانوار: ۵۳؛ ۱۹۱؛ الامام المهدی: ۲۵۸.

روایات ابن عباس

ابن عباس می گوید:

«شب و روز نمی گذرد مگر این که جوانی از ما اهل بیت، رهبر جهانیان می گردد و گرفتار فتنه نمی شود و فتنه ایجاد نمی کند. پرسیدند: چرا این امر به پیر مردان شما نمی رسد و به جوانان شما می رسد؟ گفت: آری، این امانت خداست، به هر کس بخواهد عطا می فرماید.»^۱

پیامبر ﷺ فرمود: من، علی، حسن، حسین و نه نفر از فرزندان حسین، پاک و پاکیزه و معصوم هستیم.»^۲

سخنان کعب الاحبار

کعبُ الأحبار می گوید:

«من مهدی را در کتب پیامبران دیدم بیان شده که در قضاوت او ستم و نابودی وجود ندارد.»^۳

«در تورات و انجیل از مهدی یاد شده، همه امت ها بر این عقیده هم نظر هستند که نجات دهنده ای ظهور خواهد کرد و انسان ها را از ظلم و ستم نجات خواهد داد. کسی که در ظهور این نجات دهنده شک کند، کافر است. اسم و صفات او در همه کتاب های پیامبران نوشته شده است. در این امر شکی وجود ندارد که او فرزند پیامبر ﷺ و وارث علوم امامان معصوم ﷺ پیشین است.»^۴

سخنان بخاری

بخاری می گوید:

«در باره حضرت مهدی ﷺ که از دیده ها غایب و در هر زمانی حاضر است، روایات فراوانی ذکر شده است. کسانی که به امامت او معتقد باشند، سرزنش نمی شوند که راه حق را پذیرفته اند و هدایت یافته اند. امامت و رهبری امت اسلامی به وسیله او پایان می یابد. او از روز وفات پدر بزرگوارش تا زمان ظهورش، امام است. او مردم را به دین خود که همان دین محمدی است دعوت می کند.»^۵

سخنان محی الدین بن عربی

«مهدی ﷺ از خاندان پیامبر ﷺ و از فرزندان حضرت فاطمه ﷺ است. جدّ

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۸، ۱۴۸؛ الملاحم و الفتن: ۱۴۷؛ منتخب الاثر: ۱۶۳. ۲. بیابح الموده ۳: ۱۰۱. ۳. کشف الغمہ ۳: ۲۹۹؛ الملاحم و الفتن: ۹۶؛ المهدی: ۲۲۵، ۷۵؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۳؛ الامام المهدی: ۹۷. ۴. بشارة الاسلام: ۱۰۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۹؛ غیبت نعمانی: ۱۵۱؛ المهدی: ۲۲۶. ۵. الامام المهدی: ۳۴۹.



شک نداریم که مهدی علیه السلام در خانه امام حسن عسکری علیه السلام به دنیا آمد، که اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان آسمان از امامت او خوشحال هستند. و نیز روایات بسیاری از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام بیان شده که زمین خالی از حجت نمی ماند. هم چنین دوست و دشمن، شیعه و سنی^۱ اعتراف می کنند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - حجت خداست و ولادت او را قبول دارند و اکنون زنده و موجود است. همه فرقه های اسلامی (به جز تعداد کمی از نویسندگان مزدور یا گمراه) هم عقیده هستند در این که که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف - در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، و همه قبول دارند که او از فرزندان حضرت فاطمه است و هرگز کسی درباره اسم و صفت او دچار اختلاف نشده است.

بعضی می گویند از کجا معلوم که فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام باشد؟ شاید از دیگر فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام باشد!

به آن ها باید گفت: علاوه بر این که ویژگی هایی که در احادیث گفته شده با او تطبیق می کند، روایاتی که درباره نسب او می باشد، این مطلب را ثابت می کند، زیرا در این احادیث به روشنی گفته شده که او از نسل عبدالمطلب است. سپس گفته شده که او از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام است، همین طور ادامه پیدا کرده تا تا به امام حسن عسکری علیه السلام رسیده است. سپس با توجه به روایات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اسم و کنیه و نسب و دیگر صفات او، ممکن نیست که این صفات در شخص دیگری وجود داشته باشد.

در صورتی که همه اوصاف در یک فرد جمع شود و او زنده و موجود باشد، دیگر مفهومی ندارد که این اوصاف در فرد دیگری باشد، و یا نمی توان درباره تولد او دچار اختلاف شویم؟ اگر چه تولد حضرت مهدی علیه السلام پنهان بود، ولی خواص شیعه از این مطلب باخبرند.^۲ او غایب است تا زمانی ظهور کند که بیعت هیچ ستمگری بر گردن او نباشد. حضرت مهدی علیه السلام در نامه شریفش به «احمد بن اسحاق» چنین می نویسد:

«... ثُمَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ تَمَّ بِهِ نِعْمَتُهُ وَ خَتَمَ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ إِلَيَّ

۱. آقای علی دوانی نام بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت که ولادت حضرت مهدی را قبول دارند، در کتاب «دانشمندان عامه و مهدی موعود» آورده است.

۲. نام بیش از چهل نفر از شیعیان امام حسن عسکری که از تولد مهدی آگاه بودند و در دوران کودکی او را دیده اند، در مقدمه کتاب «جزیره خضراء» آمده است.

دورادان دهاب
 مهدی قائم علیه السلام
 در پستان حضرت
 نور الحادش ظل القادر المهدی علیه السلام

النَّاسِ كَافَّةً وَأَظْهَرَ مِنْ صِدْقِهِ مَا ظَهَرَ وَبَيَّنَّ مِنْ آيَاتِهِ وَعَلَامَاتِهِ مَا بَيَّنَّ ثُمَّ قَبَضَهُ حَمِيداً
 قَلِيداً سَعِيداً وَجَعَلَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ إِلَىٰ أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَوَصِيهِ وَوَارِثِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ ثُمَّ إِلَىٰ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ أَخِيّاً بِهِمْ دِينَهُ وَأَتَمَّ بِهِمْ نُورَهُ وَجَعَلَ
 بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ إِخْوَتِهِمْ وَبَنِي عَمِّهِمْ وَالْأَذْنَيْنِ فَأَلْأَذْنَيْنِ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهِمْ فَرَقاً بَيْنَنَا تُعْرَفُ
 بِهِ الْحُجَّةُ مِنَ الْمَخْجُوجِ وَالْإِمَامُ مِنَ الْمَأْمُومِ بِأَنْ عَصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأَهُمْ مِنَ
 الْعُيُوبِ وَطَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَنَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ وَجَعَلَهُمْ خُرَّانَ عَلَيْهِ وَمُسْتَوْدَعَ حِكْمَتِهِ
 وَمَوْضِعَ سِرِّهِ وَأَيَّدَهُم بِالذَّلِيلِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَكَانَ النَّاسُ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَلَا دَعَىٰ أَمْرَ اللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ كُلُّ وَاحِدٍ وَلَمَّا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا الْعِلْمُ مِنَ الْجَهْلِ حَفِظَ اللَّهُ الْحَقَّ عَلَىٰ
 أَهْلِهِ وَأَقْرَهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ وَإِذَا أَدَانَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْطَحَلَ الْبَاطِلُ وَانْحَسَرَ
 عَنْكُمْ وَإِلَى اللَّهِ أَرْغَبُ فِي الْكِفَايَةِ وَجَمِيلِ الصَّنْعِ وَالْوِلَايَةِ؛^۱ خداوند حضرت
 محمد ﷺ را به مردم مهربانی می‌کرد برانگیخت، و نعمتش را به وسیله او کامل کرد، و
 او را آخرین پیامبر قرار داد. او را برای همه مردم برانگیخت و معجزه‌های فراوان و
 نشانه‌های روشن به وسیله او آشکار کرد. سپس او را پاک و پاکیزه، ستوده و پسندیده از
 این جهان بیرون برد و امور مردم را به برادر و پسرعمویش علی بن ابی‌طالب علیه السلام و
 فرزندان او یکی پس از دیگری سپرد و به وسیله آنها دین خود را زنده کرد و نورش را
 کامل کرد. سپس بین آنها (امامان) و برادران و پسرعموها و دیگر خویشاوندان، تفاوت
 آشکار قرار داد تا حجت خدا از دیگران شناخته شود. آنها را از گناهان دور کرد و
 عیب‌ها را از آنها پاک کرد. آنها را معدن علوم خود قرار داد. حکمت خود را به آنها
 آموخت و اسرار خود را نزد آنها به امانت گذاشت و آنها را با دلایل روشن یاری کرد و
 اگر این دلایل روشن نبود، همه در آن برابر بودند و هر کس که ادعای امامت و رهبری
 می‌کرد، حق و باطل تشخیص داده نمی‌شد، عالم و نادان از یکدیگر تشخیص داده
 نمی‌شدند. خداوند، حق را برای اهلس و در جایگاهش حفظ کرد... وقتی که به ما
 اجازه ظهور داده شود، حق، آشکار و باطل، نابود خواهد شد. از خدا می‌خواهم که این
 کار مهم را به وسیله ما انجام دهد و به ما عمل و ولایتی زیبا عنایت فرماید.»

این نامه که از ناحیه مقدسه حضرت مهدی علیه السلام رسیده است، برای شناخت معصوم از
 غیر معصوم، امام از غیر امام، حجت از غیر حجت کافی است.
 آری، او زنده و موجود است و هنگام فوت پدر بزرگوارش، پنج سال و چند ماه سن
 داشت^۲ که پدرش میراث نبوت و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله را به او تقدیم کرد.

۱. غیبت شیخ طوسی: ۱۷۵؛ بحار الانوار: ۵۳؛ ۱۹۴؛ الامام المهدی: ۲۶۰؛ الزام الناصب: ۱۲۸.

۲. حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در صبح گاه جمعه ۱۵ شعبان المعظم ۲۵۵ هجری به دنیا آمد، و پدر بزرگوارش

ولادت باسعادت او با نشانه‌های روشن و قطعی، و غیبت شکوهمند او با مشاهده‌ده نفر از شیعیان و خواص آن حضرت که او را در شب میلاد، روز اول، سوم و هفتم تولدش دیده‌اند، و در طول پنج سالی که با پدر بزرگوارش زندگی کرده، به حضور آن موعود شرفیاب شده و پرسش‌ها و پاسخ‌هایی صورت گرفته، ثابت و قطعی است. و با دیدار ده‌ها نفر دیگر در طول غیبت صغری و مشاهده‌صدها معجزه از آن حجت پروردگار، و دیدار صدها نفر دیگر در طول غیبت کبری به اثبات رسیده است.^۱

باید دقت کرد که عمویش جعفر کذاب با این که از وجود حضرت مهدی علیه السلام مطمئن بود، میراث مخصوص امام حسن عسکری علیه السلام را تقسیم نمود تا بگوید که امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی ندارد و با این کار، خود را امام معرفی کند. ولی به زودی حیلۀ او آشکار شد و همه فهمیدند که او دروغ‌گوست.

پدر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - امام حسن عسکری علیه السلام و مادر بزرگوارش نرجس خاتون علیها السلام بانوی کنیزان عالم، از یک خانواده بزرگ و خاندان اصیل است، که از امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی جز حضرت بقیت الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از همین بانوی بزرگوار نمانده است که برای پنهان کردن ایشان از چشم ظالمان بسیار تلاش کرده‌اند. ستمگران تلاش می‌کردند به کمک جاسوس‌های خود، از تولد حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باخبر شود. ولی خواست خدا این بود که حجت خود را در برابر حوادث حفظ کند.

«می‌خواهند نور خدا را با سخنان خود خاموش کنند، ولی خداوند نمی‌گذارد نورش کامل شود، هر چند کافران خوش حال نشوند.»^۲

آیا با بیان این اوصاف، باز هم درباره حضرت مهدی علیه السلام شکی وجود دارد؟ القاب آن حضرت در روایات معصومین علیهم السلام این است: حجت خدا، آخرین امام، نجات‌دهنده امت، مهدی، منتظر، باعث، وارث، جانشین شایسته، قیام‌کننده برای حق، آشکارکننده دین، عدالت‌گستر، بقیت الله، صاحب الزمان، صاحب شمشیر، امام منتظر برای تأسیس حکومت عدل الهی.^۳

این القاب تنها شایسته اوست و نمی‌توان آن‌ها را برای شخص دیگری به کار برد. کنیه‌های آن حضرت: ابوالقاسم، ابو عبدالله و ابوجعفر است. او میوه درخت پیامبری و عصا دودمان امامت است. جانشین شایسته محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است. پرچم حق در

امام حسن عسکری علیه السلام در شب هشتم ربیع‌الاول ۲۶۰ هجری از دنیا رفت. بحار الانوار ۵۱: ۲۳؛ محجة البیضاء ۴: ۳۳۵.
 ۱. نام بیش از صد نفر از کسانی که به به محضر ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در غیبت صغری و کبری شرفیاب شدند، در کتاب جزیره خضر آمده است. ۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۳۳.
 ۳. اعلام الوری: ۳۹۳؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۳؛ کشف الغمہ ۳: ۳۰۹، ۲۶۵؛ المحجة البیضاء ۴: ۳۳۷؛ منتخب الاثر: ۳۳۵، ۲۵۶؛ الامام المهدی: ۳۲۵۸؛ نور الابصار: ۱۶۸؛ الزام الناصب: ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲.



دست اوست، که هر کس به آن چنگ بزند نجات می‌یابد و هر کس با آن مخالفت کند، نابود می‌شود.^۱

او دوازدهمین ستاره درخشان آسمان امامت و آخرین ستاره درخشان ولایت است، که پیامبر ﷺ همه صفات او را بیان کرده است. کسی نمی‌تواند او را انکار کند، مگر این که درباره اصل وحی شک داشته باشد، و رسالت و پیامبری را انکار کند. پیامبر ﷺ در حق او فرموده است:

«سَمِيتُ اللَّهَ بِه كُلِّ بَدْعَةٍ، وَ يَمْحُوا كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَ يُخَيِّ كُلَّ سُنَّةٍ؛^۲ خداوند به وسیله او بدعت‌ها را نابود می‌کند و گمراهی‌ها را از بین می‌برد و سنت‌ها را زنده می‌کند.»

لقب‌های دیگر ایشان: منصور، صاحب، حجت، خالص، صاحب خانه، صاحب الامر، آرزوی همه، بعدی، نایب، دلیل، گسترش دهنده، انقلاب کننده، انتقام گیرنده، آقا، جبران کننده، خزینه دار و ...

پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ نام‌های دیگری برای آن حضرت بیان کرده‌اند: فرمانروای فرمانروایان، نابود کننده ظالمان، سرور دو جهان و ...^۳

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توانیم به حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با لقب «امیرالمؤمنین» درود بفرستیم؟ حضرت فرمود: نه، آن اسم، مخصوص امیرمؤمنان علی بین ابی طالب علیه السلام است که خداوند او را به این نام، نامیده است. فقط انسان کافر، شخص دیگری را به این نام می‌خواند.

گفتند: پس او را با چه نامی بخوانیم؟ حضرت فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ»^۴

سپس این آیه را تلاوت فرمود:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۵

و در روایت دیگر آمده است:

«هر کس قائم ما را درک کند، هر وقت او را ببیند بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعِ الرُّسَالَةِ.»^۶

دوران هدایت
تربیت‌نامه حضرت
مهدی قائم علیه السلام
تتمت الحاشية في هذا المقام

۱. اصول کافی ۱: ۴۱۱؛ بحار الانوار ۵۱: ۲۴؛ منتخب الاثر: ۲۱۴؛ كشف الغممة ۳: ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۶۹؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۶۴؛ ینابیع الموده ۳: ۱۶۶؛ الامام المهدی: ۳۶۶، ۸؛ الزام الناصب: ۱۴۰، ۱۴۲. ۲. اصول کافی ۱: ۴۱۲. ۳. ینابیع الموده ۳: ۱۱۲؛ الزام الناصب: ۱۴۰-۱۴۲. ۴. بحار الانوار ۵۲: ۳۷۳؛ منتخب الاثر: ۵۱۷. ۵. سورة مبارکه هود، آیه ۸۶، غیبت شیخ طوسی: ۲۸۲.



فصل دوم

سیمای حضرت مهدی علیه السلام

روایات پیامبر ﷺ

«الْمَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلَى الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ: ۱ مهدی از من است. پیشانی وسیع و درخشان، بینی کشیده و باریک دارد.»

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَ الْجِسْمُ جِسْمٌ إِسْرَائِيلِي: ۲ مهدی از فرزندان من است. چهره اش مانند ماه درخشان و صورتش گرد و نورانی است. رنگش گندمگون و جسمش راست قامت و تا حدی بلند قد است.»

«وَجْهُهُ كَالدِّينَارِ وَأَسْنَانُهُ كَالْمِنْشَارِ وَسَيْفُهُ كَحَرِيْقِ النَّارِ: ۳ چهره اش مانند دینار گرد و گلگون است، دندان هایش مانند شانه (منظم و جدا از هم)، و شمشیرش مانند شعله آتش است.»

«الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ، عَلَيْهِ جَلَابِيبُ التَّوْرِ: ۴ مهدی طاوس اهل بهشت است که اطراف او را نور گرفته است.»

پیامبر ﷺ چهره نورانی آن حضرت را در روز ظهورش این گونه بیان می کند:

«كَأَنَّهُ رَجُلٌ مِنْ شَنْوَةَ، عَلَيْهِ عَبَاءَةٌ تَنْ قَطُورَاتِيَّانٍ: ۵ گویا مردی از «شنوئه» و بر دوش او دو عبا از «قطوان» است.»

۱. كشف الغممة ۳: ۲۵۹، ۲۶۹؛ بحار الانوار ۵۱: ۸۰، ۹۰؛ بشارة الاسلام: ۲۸۲؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۴؛ نور الابصار: ۱۶۸؛ الامام المهدي: ۳۳۷؛ البيان: ۹۶، ۸۰؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۰؛ منتخب الاثر: ۱۲۳.
۲. منتخب الاثر: ۱۸۵؛ بحار الانوار ۵۰: ۷۸؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۶، ۱۶۰؛ بشارة السلام: ۲۹۴، ۲۸۲؛ نور الابصار: ۱۷۰؛ الامام المهدي: ۶۸؛ الفصول المهمة: ۲۷۶؛ اسعاف الراغبين: ۱۳۴؛ بتایع الموده ۳: ۹۰؛ كشف الغممة ۳: ۲۵۹، ۲۶۹، ۲۷۶؛ البيان: ۹۶؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۰؛ الزام الناصب: ۱۳۸، ۲۵۶.
۳. بحار الانوار ۵۱: ۷۷؛ البيان: ۹۶؛ كشف الغممة ۳: ۲۶۰، ۲۷۷؛ الملاحم و الفتن: ۱۱۵؛ نور الابصار: ۲۳۰؛ بتایع الموده ۳: ۱۲۵؛ الزام الناصب: ۱۳۹.
۴. كشف الغممة ۳: ۲۵۹، ۲۶۹؛ منتخب الاثر: ۱۴۷؛ بتایع الموده ۳: ۱۶۴؛ نور الابصار: ۱۷۰؛ المهدي: ۹۴؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۶؛ الزام الناصب: ۱۳۹، ۲۵۶؛ غاية المرام: ۶۶۸.
۵. اختصاص مفید: ۲۰۸؛ البيان: ۹۵؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۰؛ بحار الانوار ۵۱: ۸۰ و ۵۲: ۳۰۴؛ بتایع الموده ۳: ۱۰۸، ۱۶۲؛ بشارة الاسلام: ۲۸۳؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۰. ۶. منطقه ای در یمن که قبیله آزد آن جا زندگی می کنند و مردم آن جا خوش سیما هستند.
۷. منطقه ای در کوفه و نیز در سمرقند است.



در پناه حضرت
مهدی قائم علیه السلام
بسم الله الرحمن الرحيم
يوم الحاخاش ظالم القار المهادي

«أَكْحَلُ الْعَيْنَيْنِ، كَثُّ اللَّحْيَةِ، عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ؛^۱ اچشمانش سرمه کشیده، محاسن مبارکش پر پشت است، و روی گونه راستش خال زیبایی دارد.»

روایات امیر مؤمنان علیه السلام

«الْمَهْدِيُّ أَقْبَلُ أَجْعَدُ، هُوَ ضَاحِبُ الْوَجْهِ الْأَقْمَرِ، وَ الْجَبِينِ الْأَزْهَرِ، ضَاحِبُ الشَّامَةِ وَ الْعَلَامَةِ. الْعَالِمُ الْغَيُورُ الْمُعَلَّمُ الْمُخْبِرُ بِالْآثَارِ؛^۲ مهدی چشمانی سیاه، موهای پر پشت، چهره‌ای درخشان، پیشانی نورانی، خالی روی گونه راست و نشانی مانند مهر نبوت میان دو کتف دارد.»

«ضَخْمُ الْبَطْنِ أَرْزِيلُ الْفَخِذَيْنِ بَرَّاقُ الثَّنَائِيَا عَرِيضُ مَا بَيْنَ الْمَنْكِبَيْنِ؛^۳ شکمی چاق، اندامی متناسب، دندانهای شفاف، و شانه‌هایی پهن دارد.»

«حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ وَ يَغْلُو نُورُ وَجْهِهِ سَوَادَ شَعْرِ لِحْيَتِهِ؛^۴ چهره‌ای زیبا و موهای پر پشت دارد که بر شانه‌هایش ریخته، و درخشش چهره‌اش نسبت سیاهی موهایش برتری دارد.»

«يَوْمِيءٌ لِلطَّيْرِ فَيَسْقُطُ عَلَى يَدِهِ، وَ يَغْرَسُ قَضِيْبًا فِي الْأَرْضِ فَيَخْضَرُّ وَ يُوْرِقُ؛^۵ وقتی به پرنده‌ای نگاه می‌کند، روی دست مبارکش می‌افتد، چوب را در زمین فرو می‌کند، سبز می‌شود و برگ می‌دهد.»

«سَيَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ وَ يَمْلِكُ بَيْنَهُمْ مَنْ هُوَ غَرِيبٌ، وَ هُوَ الْمَهْدِيُّ، أَحْمَرُ الْوَجْهِ، بِشَعْرِهِ صُهُوبَةٌ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بِلا صُعُوبَةٍ، يُنْقِزِلُ فِي صِغَرِهِ عَن أُمِّهِ وَ أَبِيهِ؛^۶ خداوند، کسانی که او را دوست دارند و آن‌ها خدا را دوست دارند، کسی بر آن‌ها رهبری می‌کند که از نژاد آن‌ها نیست، و او مهدی است که چهره‌ای گلگون و موهای طلایی دارد. بدون مشکل، عدالت را در جهان رایج می‌دهد. در خردسالی از پدر و مادرش جدا می‌شود.»

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَيْضُ مُشْرَبٌ حُمْرَةً مُنْدَحُ الْبَطْنِ عَرِيضُ الْفَخِذَيْنِ عَظِيمُ مُشَاشِ الْمَنْكِبَيْنِ بِظَهْرِهِ شَامَتَانِ شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ شَامَةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله؛^۷ مردی از فرزندان من در آخر الزمان ظهور می‌کند که صورتی نقره‌ای و چهره‌ای گلگون دارد، شکمش چاق، ران‌هایش پرگوش و شانه‌هایش پهن است. در

۱. کشف الغمه ۳: ۲۷۶، ۲۶۰؛ منتخب الاثر: ۱۶۶؛ الملاحم و الفتن: ۵۸؛ بنایع الموده ۳: ۳۵؛ اسعاف الراغبین: ۱۴۹؛ بشارة السلام: ۲۸۲؛ الزام الناصب: ۱۳۸، ۱۰۴.
 ۲. بحار الانوار ۵۲: ۵۱؛ بشارة الاسلام: ۲۲۰؛ المهدی: ۵۳؛ اعلام الوری: ۴۳۴؛ البیان: ۹۵؛ منتخب الاثر: ۱۸۶.
 ۳. غیبت نعمانی: ۱۱۴؛ منتخب الاثر: ۱۵۰؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۳۱؛ اعلام الوری: ۴۳۴؛ الزام الناصب: ۱۳۸؛ بنایع الموده ۳: ۱۷۴؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۵.
 ۴. بحار الانوار ۵۱: ۳۶؛ الزام الناصب: ۱۷۸، ۱۳۸؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۸۱.
 ۵. الملاحم و الفتن: ۱۲۳؛ منتخب الاثر: ۱۵۴. ۶. منتخب الاثر: ۱۵۷؛ بنایع الموده ۳: ۱۳۱.
 ۷. بحار الانوار ۵۱: ۳۵؛ منتخب الاثر: ۱۸۵؛ الزام الناصب: ۱۳۸؛ الملاحم و الفتن: ۵۸.

دوران دهب
 تریسده حضرت
 مهدی قائم یاق
 نور الحادش غل القان المهاد
 نور الحادش غل القان المهاد

پشت او دو علامت وجود دارد که یکی به رنگ پوست و دیگری شبیه مهر نبوت است.»

روایات امام حسین علیه السلام

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِأَيِّ شَيْءٍ يُعْرَفُ الْإِمَامُ قَالَ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ قُلْتُ وَبِأَيِّ شَيْءٍ قَالَ وَتَعْرِفُهُ بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلَا يَخْتِاجُ إِلَى أَحَدٍ؛ رَأَوِي گويد از امام حسين علیه السلام پرسيدم، چگونه امام مهدی علیه السلام شناخته می شود، امام علیه السلام فرمود: مهدی به وسیله آرامش و وقار، شناخت حلال و حرام، مورد نیاز همه، و بی نیازی او از همه، شناخته می شود.»

با نشانه های ظاهر، امامان دین شناخته می شوند و ما نمی دانیم امام حسین علیه السلام این سخنان را چه موقع بیان کرده است؟!

خداوند به امامان معصوم علیهم السلام بسیار توجه داشت تا جایی که عده زیادی قدرت تحمل آن را نداشتند و در نتیجه به اشتباه، آن ها را خدای خویش می دانستند.

علی بن قدامه به امیرمؤمنان علیه السلام گفت: خوب شد که سخن خود را روشن کردی، وگرنه ما می گفتیم که جز تو خدایی نیست!»

امیرمؤمنان علیه السلام در پاسخ فرمود:

«لَا تَعْجَبْ تَهْلِكُ بِمَا تَسْمَعُ. نَحْنُ مَرْبُوبُونَ لَا أَرْبَابَ، نَكُونُ النَّسَاءَ، وَحَمَتْنَا الْأَرْحَامُ، وَحَمَلَتْنَا الْأَصْلَابُ. وَ عَلِمْنَا مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَيْنِ بِعِلْمِ رَبِّنَا... فَتَحْنُ بِذَلِكَ إِخْتِصَاصًا مَخْصُوصُونَ ... نَحْنُ وَ إِبْنَانِي شُبْرًا وَ شُبَيْرًا وَ أُمَّهُمَا الزَّهْرَاءُ، وَ الْأَيْمَةُ فِيهَا وَاحِدًا وَاحِدًا إِلَى الْقَائِمِ، مِنْ عَيْنِ شَرِينَا وَ إِلَيْهَا وَرَدْنَا... إِسْأَلُونِي وَ إِسْأَلُوا الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِي، فَلَمْ يَخُلْ مِنْهُمْ عَضْرٌ مِّنَ الْأَعْضَارِ حَتَّى قِيَامِ الْقَائِمِ ... فَاشْهَدُوا شَهَادَةً أَسْأَلُكُمْ عِنْدَ الْحَاجَةِ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ نَوْرٌ مَخْلُوقٌ، وَ عَبْدٌ مَرْزُوقٌ، مَنْ قَالَ غَيْرَ هَذَا لَعْنَةُ اللَّهِ! ۲ دربارۀ چیزهایی که می شنوی، تعجب نکن که هلاک شوی. ما مانند شما بنده خدا هستیم، ازدواج می کنیم، در رحم مادر و صلب پدر قرار می گیریم، با این تفاوت که هر چه در آسمان ها و زمین اتفاق می افتد و یا خواهد افتاد، خدا به ما موخته است، این دانش ها مخصوص ماست: من، حسن، حسین، مادرشان زهرا و امامان بعدی، یکی پس از دیگری تا مهدی، همه از یک جا آب خورده ایم و اگر از من یا از امامان بعدی برسید، علوم همه ما به یک نقطه بر می گردد. هیچ دوره ای تا قیام قائم، از وجود ما خالی نخواهد بود. این خبر را از من بشنوید و بدانید که روزی شما را گواه می گیرم: علی بن ابیطالب نوری آفریده شده و بنده ای روزی خوار است، هر کس

دوران رهبان
 مهدی قائم
 در پناه حضرت
 نور الحاقی ظل القادر المهدی علیه السلام

۱. غیبت نعمانی: ۱۲۷؛ منتخب الاثر: ۳۰۹؛ المهدی: ۲۲۶، ۷۴. ۲. الزام الناصب: ۲۱۴.

جز این را بگوید، لعنت خدا بر او باد.»

بار دیگر فرمود:

«قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ، وَاجْعَلُونَا مَرْبُوبِينَ؛^۱ ما را بنده خدا بدانید و سپس در حق ما هر چه خواستید بگویید.»

و درباره کسانی که بیش از حد، درباره ایشان غلو می کردند، فرمود:

«تَغْلُوا طَائِفَةً مِنْ شِيعَتِي حَتَّى يَتَّخِذُونِي رَبًّا.. وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا يَقُولُونَ؛^۲ بعضی از شیعیان در حق من غلو می کنند و من را خدا می پندارند، من از سخن آنها بیزارم.»

این بیزاری، مانند بیزاری خدا و پیامبر ﷺ از مشرکان است و همین اندازه برای کسانی که به دنبال حق و حقیقت باشند، کافی است. و این حقیقت، واقعیت امامان معصوم علیهم السلام و حجّت های خداوند و چراغ هدایت هستند.

روایات امام باقر علیه السلام

«وَجْهَهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ مُشْرَبٌ بِحُمْرَةِ؛^۳ چهره او گلگون و مانند ستاره ای درخشان است.»
«بِالْقَائِمِ عَلَامَاتٌ: دَاءُ الْحَزَازِ بِرَأْسِهِ وَ شَامَةٌ تَحْتَ كِتْفِهِ الْأَيْسَرِ، تَحْتَ كِتْفِهِ وَرَقَةٌ مِثْلُ الْأَسِّ؛^۴ قائم نشانه هایی دارد: نشانه ای مانند کلاله روی موی سرش، و نشانه ای شبیه مهر نبوت زیر شانه چپش، و نشانه ای مانند برگ آس زیر هر دو کتفش می باشد.»

«فِي شَعْرِهِ قَطَطٌ أَفْرَقُ الثَّنَائَا، أَبْلَجُهَا، وَأَضِحُ الْجَبِينِ؛^۵ موهای پر پشت، دندانهای ثناییش براق و از هم جدا، پیشانی مبارکش باز و درخشان»
«مُشْرِفٌ الْحَاجِبِينَ، غَائِرُ الْعَيْنَيْنِ مِنْ سَهَرِ اللَّيَالِي، بِوَجْهِهِ أَثَرٌ؛^۶ ابروهای بلند و پر پشت دارد به اندازه ای که روی چشم های مبارک ایشان را هم پوشانده است، چشم هایش به خاطر شب زنده داری گود افتاده، روی گونه اش یک خال وجود دارد.»

روایات امام صادق علیه السلام

«إِنَّهُ مِنْ أَكْثَرِ النَّبِيِّ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًّا، وَ هُمْ يَحْسِبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا؛^۷ یکی از آزمایشات خداوند این است که صاحب آنها به صورت جوانی ظهور می کند، در حالی که آنها گمان می کنند که او پیر مرد است.»

«إِنَّ فِي صَاحِبِ الزَّمَانِ شَبْهًا مِنْ يُونُسَ: رُجُوعُهُ فِي غَيْبَتِهِ بِشَرِّحِ الشَّبَابِ؛^۸ نشانی از حضرت یونس علیه السلام دارد و آن این است که بعد از غیبتش به صورت جوانی نوری

۱. همان: ۱۹۷. ۲. الزام الناصب: ۱۹۸. ۳. الزام الناصب: ۱۳۸، ۱۰۴.

۴. غیبت نعمانی: ۱۱۵؛ بحار الانوار: ۵۱؛ الزام الناصب: ۱۳۹؛ منتخب الاثر: ۲۴۱.

۵. منتخب الاثر: ۱۶۵؛ الزام الناصب: ۱۰۸، ۱۰۴. ۶. الزام الناصب: ۱۳۸. ۷. منتخب الاثر: ۲۵۸؛ اعلام الوری: ۴۰۷.

۸. غیبت شیخ طوسی: ۲۵۹؛ اعلام الوری: ۴۰۳؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۸۷.

دودان دهب
 در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 محمد الحارثی فی ظلال التمهید علیه السلام

ظهور می کند.»

«حَسَنُ الْوَجْهِ، آدَمُ، أَسْمَرٌ، مُشْرَبٌ بِخُمْرَةٍ؛ صورتی زیبا، گندمگون، و چهره‌ای گلگون دارد.»

«أَرْجٌ، أَبْلَجٌ، أَدْعَجٌ، أَعْيُنٌ، أَشَمُّ الْأَنْفِ، أَقْنَى أَجْلَى؛^۱ ابروهای کشیده، صورتی زیبا، چشمانی سیاه، بینی باریک و زیبا، و پیشانی بلند و درخشان دارد.»
«الْمَهْدِيُّ خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخُشُوعِ الرَّجُلِ الْخَاجِجِ؛^۲ مهدی در برابر خداوند، مانند شیشه متواضع است.»

«إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّانِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَسَدَّ كُنُودَكَتْ صُخُورُهَا لَا يَضَعُ يَدَهُ عَلَى عَبْدٍ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ؛^۳ وقتی مهدی عليه السلام ظهور کند، در سن پیری خواهد بود ولی دارای چهره‌ای جوان و نیروی فراوان می باشد که اگر قوی ترین درخت روی زمین را با دست مبارکش بکشد، از ریشه درمی آید. و اگر بر کوه‌ها فریاد بزند، سنگ‌هایش می‌ریزد. اگر بنده‌ای را با دست مبارکش نوازش کند، قلبش مانند قطعه آهن محکم و استوار می‌شود.»

زیرا دعایش مستجاب است و ولایت تکوینی دارد. پس هر چه از خداوند بخواهد، برآورده می‌شود.

«لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّازِقِ بَلْ مَرْبُوعُ الْقَامَةِ مُدَوَّرُ الْهَامَةِ صَلَتْ الْجَبِينِ أَرْجٌ الْخَاجِجِينَ أَقْنَى الْأَنْفِ سَهْلُ الْخَدَّيْنِ عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ فُتَاتٌ مِسْكِ عَلَى رَضْرَاضَةٍ عَنَبْرٍ؛^۴ قد بلند ولی نه دراز قد، چهارشانه ولی نه کوتوله است، چهره‌ای گرد، سینه‌ای وسیع، پیشانی بلند، ابروهای پیوسته و یک خال روی گونه راست خود دارد، مانند دانه مشک که روی عنبر ساییده شده باشد.»

«إِنَّ أَبِي - أَيْ الْبَاقِرَ - لَيْسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ كَانَتْ تُسْحَبُ عَلَى الْأَرْضِ وَ إِنِّي لِبِسْتُهَا فَكَانَتْ وَ كَانَتْ وَ إِنَّمَا تَكُونُ مِنَ الْقَائِمِ كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُشَمَّرَةً كَأَنَّهُ تُرْفَعُ نَطَاقُهَا بِخَلْقَتَيْنِ؛^۵ پدرم (امام باقر عليه السلام) زره او را پوشید، روی زمین کشیده شد، من نیز آن را پوشیدم، روی زمین کشیده شد؛ ولی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آن را می‌پوشد، برای او اندازه خواهد بود و مانند پیامبر عليه السلام راحت و سبک خواهد بود،

۱. ارشاد مفید: ۳۴۲؛ الزام الناصب: ۱۳۸.

۲. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۷؛ الملاحم و الفتن: ۵۸؛ نور الابصار: ۱۷۰؛ الزام الناصب: ۱۳۸.

۳. الملاحم و الفتن: ۵۸؛ الامام المهدی: ۹۷.

۴. اعلام الوری: ۴۰۷؛ منتخب الاثر: ۲۲۱؛ كشف الغممه ۳: ۳۱۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۲۲.

۵. الزام الناصب: ۱۳۸؛ الامام المهدی: ۳۳۷. ۶. بحار الانوار ۵۲: ۳۱۹؛ اصول کافی ۱: ۲۳۳؛ الزام الناصب: ۷.



گویی به وسیله دو حلقه از کمرش به بالا کشیده می شود.»

روایات امام رضا علیه السلام

«هُوَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام عَلَيْهِ جَلَابِيبُ التَّوْرِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ الْقُدْسِ. مَوْصُوفٌ بِإِعْتِدَالِ الْخَلْقِ وَ تَضَارَةِ اللَّوْنِ. يُشَبِّهُ رَسُولَ اللَّهِ فِي الْخَلْقِ؛^۱ چهره او مانند من و مانند چهره موسی بن عمران است؛ هاله‌ای از نور او را فرا گرفته و نور الهی از چهره‌اش بالا می‌رود. با جسمی متعادل و چهره‌ای درخشان شناخته می‌شود. اخلاق خوب او مانند جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله است.»

از بین امامان علیهم السلام، امام رضا علیه السلام از همه زیباتر بود و وقتی از بین مردم عبور می‌کرد، صورت مبارکش را می‌پوشاند که نور امامت از زیر نقاب می‌درخشید.

«عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّىٰ إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ يَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَجِيءَ أَجَلُهُ؛^۲ از نشانه‌های او، داشتن چهره‌ای جوان در سن پیری است که هر کس او را ببیند، گمان می‌کند که او چهل سال یا کمتر دارد. و از نشانه‌های او این است که گذشت زمان در او اثر نمی‌کند و تا زمان مرگش آثار پیری در او دیده نمی‌شود.»

«الْمَهْدِيُّ خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخُشُوعِ النَّسْرِ لِجَنَاحِهِ؛^۳ مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در برابر خداوند متواضع است، مانند کرکس که در مقابل بال‌هایش متواضع می‌کند.»

«يَكُونُ أَوْلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَكُونُ آخَذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَ أَكْفَى النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ؛^۴ او برای مردم، نسبت به خودشان، شایسته‌تر است و از پدر و مادرشان مهربان‌تر، و در برابر خداوند از همه متواضع‌تر است. هر چه به مردم فرمان می‌دهد، خودش بیشتر از دیگران به آن عمل می‌کند، و هر چه مردم را از آن نهی می‌کند، خودش بیشتر از همه از آن پرهیز می‌کند.»

«دَلَالَتُهُ فِي خَصْلَتَيْنِ فِي الْعِلْمِ وَ اسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ وَ كَلَّمَا أَخْبَرَ بِهِ مِنَ السَّحَوَاتِ الَّتِي تَخْدُثُ قَبْلَ كَوْنِهَا كَذَلِكَ بِعَهْدِ مَعْهُدِ إِلَيْهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَوَارَثَهُ مِنْ آبَائِهِ علیهم السلام؛^۵ دو نشانه آشکار دارد که به وسیله آن‌ها شناخته می‌شود: یکی علم فراوان و دیگری استجابت دعاست. درباره حوادثی که هنوز اتفاق نیفتاده، سخن می‌گوید. این خصلت‌ها را از پدران خود و از پیامبر صلی الله علیه و آله به ارث برده است.»

۱. منتخب الاثر: ۴۲۲؛ بشارة الاسلام: ۱۶۴؛ الزام الناصب: ۱۴۸، ۶۸.

۲. منتخب الاثر: ۴۲۱، ۲۸۵؛ اعلام الوری: ۴۳۵؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۲۲، ۲۸۵؛ كشف الغممة: ۳: ۳۱۴.

۳. المهدي: ۲۶۶؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۲۷. ۴. الزام الناصب: ۱۰. ۵. عیون الاخبار: ۱: ۱۷۰؛ الزام الناصب: ۱۰.

سخن کعب الاحبار

«قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام است که در اخلاق و صفات، ظاهر و چهره، بزرگی و عظمت، مانند عیسی بن مریم علیه السلام است. هر چه خداوند به همه پیامبران داده، به او بیشتر از آن را داده است.»^۱

سخن ابن عربی

«شکل و ظاهر قائم، مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و اخلاقشان یک درجه پایین تر از اوست. زیرا کسی نمی تواند با پیامبر صلی الله علیه و آله در یک سطح باشد.»^۲

با این همه صفات پسندیده و زیبا و نشانه های روشنی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام درباره روش و شکل حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است، بدون شک، هنگام دیدن آن حضرت، او را خواهیم شناخت و کم ترین شکی نمی کنیم که همه نشانه های آن حضرت، در احادیث شریفه بیان شده است و کسانی که در زمان غیبت صغری ایشان را دیدار کرده اند، همین نشانه ها را یافته اند.

ابن حجر می گوید:

«مهدی منتظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - یکی است و چند نفر نیست.»^۳

و نیز گفته است:

«اگر در میان انسان های آینده که از فرزندان علی و فاطمه علیها السلام هستند، کسی جز مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نبود، برای مردم کافی بود.»^۴

علاوه بر این احادیث، نشانه های فراوان دیگری که در احادیث امامان معصوم علیهم السلام می باشد، در بخش های بعد خواهیم خواند که هر نوع شک و تردید درباره آن حضرت را از بین می برد. هم چنین روایات زیادی درباره نشانه های ظهور و چگونگی بیعت و تعداد یاران و مکان ظهور و دیگر ابعاد مربوط به ظهور آن حضرت وجود دارد.

و نیز نام پدر، مادر، نسب، قبیله، خاندان و دیگر ویژگی های نسبی آن حضرت در روایات بی شماری به روشنی بیان شده است.

از همه مهم تر، هنگام ظهور آن حضرت، ندایی آمدن آن حضرت را مژده می دهد و همه مردم جهان بدون استفاده از دستگاه هایی مانند تلویزیون و غیره آن ندا را خواهند شنید و هیچ شکی باقی نمی ماند. بنابراین امام باقر و امام صادق علیهما السلام می فرمایند:

۱. غیبت نعمانی: ۱۷۴، بشارة الاسلام: ۱۸۹، بحار الانوار: ۵۲، ۲۶۶. ۲. الزام الناصب: ۹۶، اسعاف الراغبین: ۱۴.

۳. المهدی: ۹۷. ۴. الصواعق المحرقة: ۱۶۱.



«إِنَّ أَمْرَنَا أَيْبَنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ!»^۱ امر ما از خورشید درخشان تر و روشن تر است.

آری! این خورشید درخشان، راهنما ندارد و هنگام ظهور، دشت و صحرا را روشن می‌نماید و چشم‌ها را به سوی خود خیره می‌کند. زمانی که غیبت این خورشید فروزان به پایان برسد، جهان را به سوی خود متوجه می‌سازد، زیرا نور چهره‌اش، بهتر از عصای موسی علیه السلام بر نور خورشید غلبه می‌کند. سریع‌تر از عیسی علیه السلام کور مادرزاد را بینا می‌کند و بیماری‌های مزمن را شفا می‌بخشد. عصای موسی، انگشتر سلیمان، تابوت سکینه و هر چه به پیامبران داده شده، را در دست دارد که بمب‌های اتمی و هیدروژنی هرگز اثر آن را ندارد. او بردبارترین و داناترین مردم است.

«امامان علیهم السلام در کودکی، بردبارترین مردم و در بزرگسالی، داناترین آنان هستند.»^۲

و او، وارث صفات زیبا و اخلاق پسندیده و علم زیاد پیامبران است، «که آنچه همه خوبان دارند، او به تنهایی دارد.»^۳

خدایی که می‌تواند همه ویژگی‌های پیامبری را در کودک خردسالی جمع کند، چنانکه در مورد حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهم السلام انجام داد، هم چنین می‌تواند بیشتر از آن را به کسی که برای هدایت جهان مشخص نموده است، عنایت فرماید.

امام رضی علیه السلام درباره سیرت حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمَ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَحْلَمَ النَّاسِ وَأَشْجَعَ النَّاسِ وَأَسْحَى النَّاسِ وَأَعْيَدَ النَّاسِ وَيَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ وَيَنَامُ عَيْنُهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ وَيَكُونُ مُحَدَّثًا وَيَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ وَيَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا حَتَّىٰ إِنَّهُ لَوْ دَعَا عَلَىٰ صَخْرَةٍ لَأَنْشَقَّتْ بِنِصْفَيْنِ؛^۴ او داناترین، حکیم‌ترین، باتقواترین، صبورترین، بخشنده‌ترین و با ایمان‌ترین مردم است که پشت سرش را مانند جلویش می‌بیند و سایه ندارد. خواب به چشم‌هایش می‌آید ولی دلش همیشه بیدار است. فرشتگان با او سخن می‌گویند. عطر وجودش از هر مشکلی خوش‌بوتر است. همیشه دعایش مستجاب می‌شود. اگر دعا سنگی دو نیم شود، می‌شود و ...»

دوران رهاب
در پستانه حضرت
مهدی قائم علیه السلام
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلقنا من طين
الارض و جعلنا من نوره
الهدى و جعلنا من
الهدى الهدى

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۰۵؛ بشاره الاسلام: ۸۸؛ منتخب الاثر: ۲۵۸. ۲. بنایع الموده ۳: ۱۷۰؛ غایة المرام: ۷۰۷. ۳. الزام الناصب: ۷۳؛ المهدي: ۷۲؛ بنایع الموده ۳: ۷۳؛ بشاره الاسلام: ۱۸۹. ۴. الزام الناصب: ۹.



فصل سوم

ستاره‌های بدرخشید و...

از زمان پنهان بودن تا زمان آشکار شدن

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مِمَّا مَيَّتَ حَتَّى يُخَلَّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ وَ يَدْعُو إِلَى مَا دَعَا إِلَيْهِ؛ كَسَىٰ مِنْهُ نَمِي مِيرِد، مِگر این که فرزندى را از خود به يادگار بگذارد، که راه پدرش را ادامه دهد و به آنچه او دعوت کرده، دعوت نماید.»

و نیز می‌فرماید:

«هُوَ خَفِيٌّ الْمَوْلِدِ وَ الْمُنْشَأِ غَيْرِ خَفِيٍّ فِي نَفْسِهِ؛^۲ تولد او پنهانی است ولی شخصیت او برای کسی پنهان نیست.»

آری، او در سامرا، در خاندان عصمت و طهارت و در دودمان امامت به دنیا آمد، به طوری که هیچ کدام از دشمنان از ولادتش باخبر نشدند. او مانند پدران بزرگوارش پاک و پاکیزه، تمیز و ختنه شده به دنیا آمد و سپس با هفت عضو به سجده افتاد و خدا را سجده کرد. ایشان در صبحگاه روز جمعه ۱۵ شعبان المعظم ۲۵۵ هجری متولد شد.^۳ او قبل از آفتاب دیده به جهان باز کرد که همیشه آفتاب را پشت سر گذارد.

حکیمه، عمه امام حسن عسکری علیه السلام و دختر امام جواد علیه السلام او را بغل کرد و نزد پدر بزرگوارش بُرد. حکیمه متوجه شد که با نور روی بازوی مبارکش نوشته شده:^۴

﴿جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ﴾^۵

با انقلاب جهانی او کاخ ظلم و ستم نابود می‌شود، حکومت واحد جهانی طبق عدالت و آزادی برقرار خواهد شد. و می‌بایست روی بازوی مبارکش نوشته شود:

دوره ادب و هدایت
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 سید الخصال
 ظل القادر المهدی علیه السلام

۱. اصول کافی ۱: ۳۹۷. ۲. غیبت نعمانی: ۸۸ منتخب الاثر: ۲۸۸؛ کشف الغمبه ۳: ۳۱۴.

۳. بحار الانوار ۵۱: ۲۳؛ محجة البيضاء ۴: ۳۳۵. ۴. مثير الاحزان: ۲۹۶؛ کشف الغمبه ۳: ۳۱۰. ۵. سورة مباركة اسراء، آیه ۸۱.

«وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا»^۱ که وعده‌های الهی با تولد او تحقق یافت و مزده پیامبران را انجام داد.^۲

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«سَقَطَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ، رَافِعًا سَبَابَتَهُ نَحْوَ السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، عَبْدٌ ذَاكِرٌ لِلَّهِ، غَيْرٌ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ. زَعَمَتِ الظُّلَمَةُ أَنْ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ. وَلَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ»^۳ وقتی از شکم مادرش بیرون می‌آید، بازانوهاش روی زمین قرار می‌گیرد و با انگشت سبابه به سوی آسمان اشاره کرده، عطسه می‌کند و می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». او بنده‌ای است که ذکر خدا را بدون غرور و نافرمانی بیان می‌کند. ستمکاران گمان می‌کنند که حجت خدا ناتوان است، ولی اگر به ما اجازه سخن داده شود، هرگونه شک و تردید از بین می‌رود.»

لازم به ذکر است که شبیه این عبارات‌ها را درباره تولد حضرت مهدی علیه السلام حکیمه خاتون نقل کرده است. هنگام تولد حضرت مهدی علیه السلام، احمد بن اسحاق که مردی باعظمت و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم بود، به دیدار یک ستاره‌شناس یهودی و مشهور که در قم ساکن بود، رفت. احمد بن اسحاق به او گفت: مهدی علیه السلام در فلان روز به دنیا آمده است. طالع او را ببین و برای ما بگو. یهودی گفت: طبق محاسبه‌های من، او یا پیامبر است و یا جانشین پیامبر. او بر شرق و غرب جهان حکومت می‌کند و جهان را زیر سلطه خود درمی‌آورد. من این را فهمیدم که هر کس تسلیم او شود، روی زمین باقی می‌ماند.»^۴

دوست و دشمن درباره تولد حضرت مهدی علیه السلام شک ندارند، ولی درباره بقای حضرت، دشمنان دچار اختلاف شده‌اند. و به همین دلیل خلیفه عباسی بسیار تلاش کرد، که آن نوزاد را از بین ببرد تا سلطنت خود را نگه دارد و نشان دهد که وعده پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام درباره مهدی علیه السلام دروغ است.^۵ ولی خداوند آن حضرت را حفظ کرد و خلیفه از دنیا رفت و جعفر کذاب هم بسیار حسادت می‌کرد تا این که مُرد.

بر اساس کتاب‌های تاریخی، امام مهدی علیه السلام در خانه امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا

۱. سوره مبارکه انعام، آیه ۱۱۵. ۲. الزام الناصب: ۱۰.

۳. کشف الغمّه ۳: ۲۸۸؛ منتخب الاثر: ۳۴۱؛ غیبت طوسی: ۱۲۷؛ بحار الانوار ۵: ۴؛ اعلام الوری: ۳۹۵؛ الزام الناصب: ۱۰۰؛ المحجبه البيضاء: ۴: ۲۴۵. ۴. بحار الانوار ۵۱: ۲۳. ۵. غیبت شیخ طوسی: ۱۲۹؛ مهدی: ۱۵۲؛ کشف الغمّه ۳: ۲۸۹.

به دنیا آمد و محل تولد ایشان تا به امروز، زیارتگاه زایران می‌باشد. کسی که امام حسن عسکری علیه السلام را امام بداند، درباره تولد، امامت، غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام هم اعتراف می‌کند. هر کس پس از دیدن آن نشانه‌های روشن و درباره ایشان شک کند، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را نپذیرفته است.

اگر طبق نظر دشمنان، امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشت، چرا یاران خلیفه، خانه آن حضرت را محاصره کردند تا نوزاد را پیدا کنند و از بین ببرند و مادر بزرگوارش را دستگیر و زندانی کردند؟! ولی هرچه جستجو کردند، چیزی نیافتند و هرچه قابله‌ها نرجس خاتون را معاینه کردند، نشانه حاملگی در او پیدا نکردند:

«آن‌ها حيله گری کردند و خدا هم مکر کرد، که خداوند بهترین مکرکنندگان است.»^۱

زبیر که با اهل بیت علیهم السلام بسیار مخالف بود، قصد داشت که امام حسن عسکری علیه السلام را قبل از تولد فرزند بزرگوارش به شهادت برساند تا با این کار، شیعیان را ناامید کند و وعده‌های امامان علیهم السلام را دروغ نشان دهد. ولی قبل از آن که به هدفش برسد، خداوند او را به جهنم فرستاد. وقتی امام حسن عسکری علیه السلام از این موضوع باخبر شد، فرمود:

«این سزای کسی است که به اولیای خدا را قبول نداشته باشد و سخن خدا را دروغ

بشمرد؛ زبیر گمان می‌کرد می‌تواند باکشتن من، مرا از داشتن فرزند محروم کند.»^۲

مهدی علیه السلام متولد شد و مادرش نرجس خاتون^۳ دختر یسوعا پسر قیصر، امپراتور روم، که مادرش از نسل حواریون (یاران حضرت عیسی علیه السلام) بوده، و نَسَب شریفش به شمعون، جانشین حضرت عیسی علیه السلام می‌رسید.

نرجس خاتون به طور پنهانی، در میان زن‌های پرستار که برای مداوای مجروحین همراه سپاه حرکت می‌کردند، همراه لشکر پدرش حرکت کرد.

این لشکر که برای جنگ با سپاه اسلام به طرف جنوب شرقی اروپا حرکت می‌کردند، به وسیله سپاه اسلام شکست خوردند و همه پرستاران به دست مسلمانان اسیر شدند. هنگامی که این اسیران را برای فروش معرفی کردند، دختر قیصر خود را «نرجس» معرفی کرد. نرجس یکی از نام‌های رایج کنیزان بود. نرجس خاتون که در کاخ امپراتوری بزرگ

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۵۲. ۲. بحار الانوار ۵۱: ۴؛ اعلام الوری: ۴۱۴؛ ارشاد مفید: ۳۲۹.

۳. تاریخ نویسان نام‌های زیادی از او بیان کرده‌اند، از جمله: ملیکه، سوسن، حکیمه، حمط، مریم، ریحانه، سبیکه، صقیل و نرجس. شرح ابن ابی‌الحدید ۲: ۱۷۹؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۰-۳۶۱۶؛ الامام المهدی: ۳۴۱۸؛ کشف الغمّه ۳: ۲۶۵؛ منتخب‌الآثر: ۳۲۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۲۸-۱۲۴؛ بتایع الموده ۳: ۶۲، ۱۱۳، ۱۱۶.



شده بود، پدرش به او چند زبان یاد داده بود که یکی از آن‌ها عربی بود. زبان عربی در اروپا جایگاه خاصی داشت، نرجس خاتون با تمرین بسیار آن را خوب یاد گرفته بود و به خوبی می‌توانست به زبان عربی صحبت کند.

اسیران را به بغداد، مرکز خلافت در زمان امام هادی علیه السلام فرستادند. امام هادی علیه السلام که متوجه شد کسی او را نخریده است، بشر بن سلیمان فرزند ابویوب انصاری^۱ را فرستاد تا او را بخرد. بشر او را خرید و نزد امام هادی علیه السلام برد. امام هادی علیه السلام خادمش «کافور» را نزد حکیمه خاتون فرستاد و او را به حضور خود دعوت کرد. وقتی حکیمه خاتون خدمت امام هادی علیه السلام رسید، امام هادی علیه السلام فرمود:

«ها هیه، فخذیها و علمیها القرائض فانها زوجة ابني ابي محمد و أم القائم؛^۲ خواهرها این بانو، همسرِ پسرِ من و مادرِ مهدی خواهد بود. او را به منزلِ پیر و احکام‌دین و علوم اسلامی را به او یاد بده!»

پس معلوم می‌شود نرجس خاتون در خاندان امامت، شناخته شده بود، و آن‌ها منتظر تحقق وعده الهی بوده‌اند. او همان کنیزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام داستانش را نقل کرده‌اند.

شبِی نرجس خاتون، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید که با دخترش فاطمه زهرا علیها السلام به خانه او آمدند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کنار حضرت عیسی علیه السلام نشستند و حضرت زهرا علیها السلام در کنار حضرت مریم علیها السلام نشستند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را از حضرت عیسی علیه السلام برای فرزندش عسکری علیه السلام خواستگاری کرد. آنگاه حضرت زهرا علیها السلام عکس امام حسن عسکری علیه السلام را به او نشان داد و درباره شایستگی او سخن گفت و این که چگونه می‌تواند به امام حسن عسکری علیه السلام نزدیک شود.^۳

نرجس خاتون از این خواب زیبا بیدار شد و احساس کرد که عشق امام حسن عسکری علیه السلام در درونش ایجاد شد و بسیار شاد و خوشحال بود و دلش می‌خواست زودتر به امام حسن عسکری علیه السلام برسد. او همان طور که حضرت زهرا علیها السلام به او یاد داده بود، آماده سفر شد. همراه لشکر راه افتاد و با کنیزان وارد بغداد شد. مشتری‌ها را رد می‌کرد تا یک مشتری با دستخط امام هادی علیه السلام به زبان رومی، نزد او آمد و نرجس خاتون قبول کرد.^۴ نرجس خاتون خریداری شد و به خانه امام هادی علیه السلام آمد. نرجس خاتون، مادر

دوران زهدان
 در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت زین العابدین علیه السلام

۱. مشیرالاحزان: ۲۹۰. ۲. غیبت شیخ طوسی: ۱۲۸؛ الزام الناصب: ۹۲؛ مشیرالاحزان: ۲۹۴-۲۹۰.

۳. بحار الانوار: ۵۱، ۱۰-۱۶؛ جامع الاخبار: ۲۳؛ مشیرالاحزان: ۲۹۵-۲۹۱، ۴. الزام الناصب: ۹۲.

حجت پروردگار، حضرت مهدی علیه السلام شد که کاخ‌های ظلم و ستم را نابود می‌کند و حکومت واحدی را در جهان برقرار می‌کند. دنیا باید رهبری مذهبی داشته باشد تا مردم را به راه راست هدایت کند و و از فساد و نابودی دور کند و با دعای خود، مؤمنان را از بلاها دور کند و نعمت‌ها را برای آن‌ها بخواهد.

امام، رهبر و الگوی مردم است که مردم از او پیروی کرده، راه او را دنبال نموده، به به سوی حقیقت می‌روند تا روز قیامت که خداوند همه مردم را با امامشان محشور می‌کند. امام صادق علیه السلام طبق نوشته‌ای که نزد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود، درباره مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«ثُمَّ أَكْمِلُ دِينِي بِإِيْتِهِ مُحَمَّدٍ - أَيِ بَابِنِ الْعَسْكَرِيِّ الَّذِي كَانَ قَدْ ذَكَرَهُ بَعْدَ آبَائِهِ - رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ؛^۱ به وسیله پسر امام حسن عسکری علیه السلام، امامت پایان می‌یابد که او بر اساس نامش رحمت برای جهانیان است و شایستگی موسی علیه السلام، عظمت عیسی علیه السلام و صبر ایوب علیه السلام در او وجود دارد.»

مهدی علیه السلام آخرین حجت خداست که برای اصلاح جهانیان برگزیده شده است. خدا این او را انتخاب می‌کند و ما حق نداریم چرا و چگونگی آن را پرسیم و این بر اساس قضا و قدر الهی است. حق نداریم درباره علت سیاه یا سفید بودن افراد و یا بلندی و کوتاهی قد آن‌ها سؤال کنیم. نمی‌توانیم بپرسیم که چرا امامان دوازده نفرند و چرا مهدی علیه السلام دوازدهمین امام است و چرا تا آخرالزمان حفظ شده است.

او حجت خداست، و خدا حجت خود را انتخاب می‌کند. جز او امامی بر حق نیست، او راه هدایت است و نور و فرمان به دست اوست. او ولی خدا در روی زمین و امانتدار خدا در میان بندگان است. کسی که مهدی علیه السلام را نپذیرد، پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار کرده است و پیامبران گذشته را قبول نکرده است. و خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿أَيَا قَسْمَتِي أَمْ قَرَأَنَ رَأَيْتَ مَا جَاءَ فِي الْقُرْآنِ مِنْ قِسْمَتِي بِرَبِّكَ؟﴾^۲

مهدی، همان است که در قرآن وعده داده شده است؛ حجت خدا، رهبر انس و جان، روشن‌گر وعده‌های الهی از زبان پیامبران و امامان است کسی درباره او شک نمی‌کند، مگر اینکه شیطان بر قلب او غلبه کرده باشد.

برترین بانوی زمان خود، دختر امام جواد علیه السلام، خواهر امام هادی علیه السلام، عمه امام حسن

دوران رهبر هاب
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 محمد الحارثی ظالم القادر المهدی علیه السلام

۱. عیون اخبار الرضا: ۱، ۳۶. ۲. سوره مبارکه بقره، آیه ۸۵

عسکری علیه السلام، حکیمه خاتون که در شب تولد مبارک آن حضرت حضور داشت و بارها آن نوزاد خجسته را در زمان زنده بودن امام حسن عسکری علیه السلام و بعد از آن هم دیدار کرده است، درباره تولد مهدی علیه السلام چنین می‌گوید:

«آقای ما، ختنه شده به دنیا آمد و مادرش هم دوران نفاس نداشت.»^۱

«مهدی علیه السلام هنگام طلوع فجر به دنیا آمد و خاندان امامت از این مولود بسیار خرسند شدند.»^۲

ماجرای تولد مهدی علیه السلام از زبان حکیمه خاتون

«بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ علیه السلام فَقَالَ يَا عَمَّةُ اجْعَلِي إِفْطَارَكَ اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا فَإِنَّهَا لَيْلَةُ النَّصَبِ مِنْ شُعْبَانَ وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ قَالَتْ فَقُلْتُ لَهُ وَمَنْ أُمُّهُ قَالَ تَرْجِسُ فَقُلْتُ لَهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَا بِهَا أَثَرُ فَقَالَ هُوَ مَا أَقُولُ لَكَ...^۳ امام حسن عسکری علیه السلام توسط شخصی برای من پیغام فرستاد که عمه جان! امشب برای افطار نزد ما بیا که امشب حجت خداوند به دنیا می‌آید. پرسیدم: مادرش کیست؟ حضرت فرمود: نرجس. گفتم: جانم فدایت باد، من نشانه‌ای از بارداری در او نمی‌بینم! حضرت فرمود: همان طور که گفتم می‌شود. (حکیمه خاتون می‌گوید:) وارد خانه شدم، سلام کردم. نرجس خاتون آمد که کفش‌های مرا در بیاورد. در حالی که کفش‌هایم را در می‌آورد، می‌گفت: بانوی من! بانوی خاندانم! حالت چطور است؟

گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی!

نرجس خاتون سخنم را قطع کرد و گفت: عمه جان! این سخن چیست که می‌گویی؟!

گفتم: دخترم! خداوند امشب به تو پسری خواهد داد که آقای هر دو جهان خواهد بود.

نرجس از شنیدن آن خجالت کشید و حیا کرد و سرش را پایین انداخت.

وقتی نماز عشا را خواندم، افطار کرده و خوابیدم. نیمه‌های شب برای نماز شب بیدار شدم. وقتی نماز شب تمام شد، به رختخواب خود برگشتم. در طول این مدت، نرجس استراحت می‌کرد و خبری نبود. مدتی در رختخواب نگران بودم تا خوابم برد. وقتی بیدار شدم دیدم نرجس بیدار شده و مقداری وحشت زده شده است. سپس بلند شد و نماز شب خواند و به رختخواب خود

۱. منتخب الاثر: ۳۴۴؛ بنایع الموده ۳: ۱۱۳؛ مشیر الاحزان: ۲۶۶. ۲. ارشاد مفید: ۳۳۰.

۳. بحار الأنوار ۵۱: ۱۲، ۱۴؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۴۱؛ اعلام الوری: ۳۹۴؛ بنایع الموده ۳: ۱۱۳؛ کشف الغمه ۳: ۲۸۷؛ منتخب الاثر: ۳۲۳؛ المحجة البيضاء ۴: ۲۴۴؛ الامام المهدي: ۱۲۳، ۱۲۵؛ مشیر الاحزان: ۲۹۵.

۴. آن شب، شب ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری بود. غیبت شیخ طوسی: ۱۴۱؛ اعلام الوری: ۳۹۴؛ منتخب الاثر: ۳۴۱؛ بنایع الموده ۳: ۱۱۱، ۳۶؛ المهدي: ۱۰۹؛ مشیر الاحزان: ۲۹۵؛ الامام المهدي: ۱۲۳؛ الزام الناصب: ۹۴.

دوره ده‌ه‌ام
 در پستان حضرت
 مهدی قائم علیه السلام

بازگشت.

از اتاق بیرون آمدم که ببینم که طلوع فجر شده است یا نه. دیدم صبح کاذب دمیده است و نرجس خاتون استراحت می‌کند. در دلم درباره سخن امام حسن عسکری علیه السلام شک کردم، که امام علیه السلام از اتاق کناری با صدای بلند فرمود: «عمه جان! عجله نکن، امر خداوند نزدیک است.»

سپس نشستم و سوره‌های «الم سجده» و «یس» را خواندم. در همین حال نرجس خاتون وحشت زده بیدار شد. به طرف او رفتم و گفتم: «تورا به خدا، چیزی احساس می‌کنی؟»

نرجس خاتون گفت: آری، عمه جان!

گفتم: آرام باش که امر خدا نزدیک است.

سپس لحظه‌ای از او غافل شدم و کمی خوابیدم. بعد از چند لحظه، احساس کردم که حجت خدا به دنیا آمده است. حجت خدا را دیدم که با هفت عضو سجده، به سجده افتاده است. او را بغل کردم و متوجه شدم که پاک و پاکیزه است. در این هنگام، امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به من فرمود: عمه جان! پسرم را نزد من بیاور.

آن نوزاد مبارک را نزد امام حسن عسکری علیه السلام بردم. امام، نور چشمش را بغل کرد و در حالی که با یک دست، پشت نوزاد و با دست دیگر، زیران‌هایش را گرفته بود، کف پاهای نوزاد نازنین را روی سینه خود چسباند و در گوش راست او اذان، و در گوش چپش اقامه خواند. آنگاه زیان مبارک خود را در دهان او گذاشت، گویی می‌خواست به او شیر بدهد. سپس دست مبارکش را روی چشم‌ها، گوش‌ها و دیگر مفاصل بدنش کشید و کامش را برداشت. سپس فرمود: پسر! سخن بگو، حرف بزن! ناگهان حجت خدا سخن گفت: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، و ان محمداً رسول الله...»

سپس به امیر مؤمنان و همه امامان علیهم السلام درود فرستاد تا به پدر بزرگوارش رسید و به او هم سلام گفت و ساکت شد. سپس امام عسکری علیه السلام به من (حکیمه خاتون) فرمود: عمه جان! او را نزد مادرش ببر.

من او را نزد مادرش بردم. سپس امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: عمه جان! هفت روز دیگر نزد ما بیا.

تاریخ می‌نویسد: امام حسن عسکری علیه السلام در شب تولد مهدی علیه السلام، یک نفر قابله، از زنان صالح غیر شیعه دعوت کرده بود تا هنگام تولد آن حضرت حضور داشته باشد و نوزاد را با چشم خود ببیند و افراد مورد اعتماد غیر شیعه را باخبر کند تا اهل سنت درباره



این مسأله شک نداشته باشند.^۱

امام حسن عسکری علیه السلام به این قابله، چند برابر معمول، مزد داد و از او خواهش کرد که تولد مهدی علیه السلام را فاش نکند. البته امام عسکری علیه السلام می‌دانست که آن زن، خبر را آشکار می‌کند و به همین دلیل او را دعوت کرده بود. ولی می‌خواست با اصرار بر پوشیده بودن مطلب، قابله را متوجه اهمیت موضوع کند.

حکیمه خاتون نقل می‌کند: «صبح همان روز تولد، نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفتم. برده را کنار زدم تا نوزاد بار دیگر ببینم. ولی نوزاد در گهواره نبود. گفتم: جانم به فدایت، آقای من کجاست؟! حضرت عسکری علیه السلام فرمود:

«اَسْتَوْدَعُنَاهُ الَّذِي اسْتَوْدَعَتْ اُمُّ مُوسَى وَلَدَهَا؟^۲ او را به کسی سپردم که مادر موسی علیه السلام، موسی علیه السلام را به او سپرد.»

حکیمه خاتون می‌گوید: «سومین روز تولد حضرت مهدی علیه السلام، به دیدن ایشان رفتم. در اتاق نرجس خاتون جستجو کردم ولی نوزاد آن جا نبود و نرجس خاتون در اتاق خود بود در حالی که لباس زرد پوشیده بود و پارچه‌ای روی سرش بسته بود و در کنار گهواره‌ای که پارچه سبز روی آن بود، نشسته بود.

سپس نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفتم. امام علیه السلام فرمود:

«يَا عَمَّةَ فِي كَنَفِ اللَّهِ وَحِرْزِهِ وَشَرِّهِ وَعَيْنِي حَتَّى يَأْتِنَ اللَّهُ لَهُ فَإِذَا غَيَّبَ اللَّهُ شَخْصِي وَتَوَفَّانِي وَرَأَيْتِ شَيْعَتِي قَدْ اِخْتَلَفُوا فَأَخْبِرِي الثَّقَاتَ مِنْهُمْ وَلِيَكُنْ عِنْدَكَ وَعِنْدَهُمْ مَكْتُومًا فَإِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ يُغَيِّبُهُ اللَّهُ عَنْ خَلْقِهِ وَيَخْبِيهِ عَنْ عِبَادِهِ فَلَا يَسْرَاهُ أَحَدٌ حَتَّى يُقَدَّمَ لَهُ جَبْرئِيلُ علیه السلام فَرَسَهُ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا^۳ عمه جان! او تحت حمایت و عنایت پروردگار است تا روزی که خداوند به او اجازه ظهور بدهد. عمه جان! وقتی من از دنیا رفتم و شیعیان درباره امامت اختلاف نظر داشتند، ماجرای تولد این نوزاد را برای شیعیان مورد اعتماد تعریف کن. ولی باید این ماجرا نزد تو و آن‌ها پنهان بماند چرا که ولی خدا از نظرها غایب خواهد بود تا روزی که جبرئیل اسبش را برای او بگیرد؛ و تا خداوند کار انجام شدنی را انجام می‌دهد.»

حکیمه خاتون نقل می‌کند:

«هفتمین روز تولد نوزاد، به خانه امام حسن عسکری علیه السلام رفتم. سلام کردم و نشستم. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: پسر من را نزد من بیاور.

۱. غیبت شیخ طوسی: ۱۴۲؛ بحار الانوار: ۵۱؛ الزام الناصب: ۱۰۱؛ بنایع الموده: ۳؛ ۱۱۳، ۳۶.

۲. منتخب الاثر: ۳۷۴؛ کشف الغممه: ۳؛ ۲۹۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۴۲. ۳. غیبت شیخ طوسی: ۱۴۲؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۱۹.

آقایم در گهواره در پارچه‌ای پوشیده شده بود، او را نزد پدر بزرگوارش آوردم. امام حسن عسکری علیه السلام مانند روز اول تولدش زیانش را در دهان نوزاد گذاشت، گویی شیر و عسل به او می‌دهد و سپس فرمود: پسر ما سخن بگو.

مهدی علیه السلام به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت داد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام درود فرستاد. وقتی به پدر بزرگوارش رسید، ساکت شد.^۱

سپس این آیه شریفه را قرائت فرمود:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۲؛ به نام خداوند بخشنده مهربان، و ما خواستیم بر کسانی که در زمین ضعیف شده بودند، منت گذارده و آن‌ها را رهبر مردم و وارث روی زمین قرار دهیم و آن‌ها امکاناتی داشته باشند، و به فرعون و هامان و سپاهیان آن‌ها، آنچه را که از آن می‌ترسیدند، نشان دهیم.^۳

هرگاه امام صادق علیه السلام این آیه را قرائت می‌کرد، می‌فرمود:

«وَاللَّهِ إِنْ تَنَزَّلَ هَذِهِ الْآيَةُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ تَأْوِيلَهَا فَيَتَأْتِيهِ خَلْقٌ مِثْلِي أَوْ مِثْلِي»^۴؛ به خدا سوگو کند، این آیه درباره بنی اسرائیل نازل شده و درباره ما تفسیر شده است.

آری، خداوند این چنین، به نوزاد مبارک خود حکمت بخشیده و او را یکی از نشانه‌های بزرگ خود برای جهانیان قرار داده است:

﴿يَسِيحِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۵؛ ای یحیی، کتاب را با دست قدرت بگیر، و ما به او در کودکی، پیامبری بخشیدیم.

صیقل، یکی از کنیزان امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌کند که امام حسن عسکری علیه السلام لحظاتی قبل از رحلتش به فرزند بزرگوارش فرمود:

«أَبَشِرْ يَا بُنَيَّ فَأَنْتَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَ أَنْتَ الْمَهْدِيُّ وَ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى أَرْضِهِ وَ أَنْتَ وَ أَدِي وَ وَصِيِّي؛^۶ فرزندم! بشارت می‌دهم که تو صاحب الزمان هستی، تو مهدی هستی، تو حجت خدا روی زمین هستی، تو فرزند و جانشین من هستی.»

حکیمه خاتون می‌گوید: «روزی دلم برای مهدی علیه السلام تنگ شد، به خانه امام

۱. بحار الانوار ۵۱: ۱۹۳؛ منتخب الاثر: ۳۳۵، ۳۳۸؛ غیث شیخ طوسی: ۱۲۳؛ منابع الموده ۳: ۱۱۱؛ مشیرالاحزان: ۲۹۶؛ اعلام الوری: ۳۹۵؛ كشف الغمه ۳: ۲۸۸. ۲. سورة مبارکه قصص، آیات ۵ و ۶. ۳. در مجمع البحرين آمده است که این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده و ابن ابی الحدید می‌نویسد که یاران ما معتقدند که این آیه درباره امامی است که بر همه جهان حکومت خواهد کرد. مجمع البحرين: ۸۵؛ شرح ابن ابی الحدید ۴: ۳۳۶. ۴. الزام الناصب: ۲۲۰؛ بحار الانوار ۵۳: ۲۶؛ منابع الموده ۳: ۱۱۳. ۵. سورة مبارکه مریم، آیه ۱۲. ۶. بحار الانوار ۵۲: ۱۱۷؛ الزام الناصب: ۱۰۴؛ منتخب الاثر: ۳۳۵.



عسگری علیه السلام رفتیم. در اتاق نرجس خاتون کسی نبود. کنار گهواره رفتیم و پارچه روی آن را برداشتم. حجت خدا بدون قنطاق خوابیده بود. چشمانش را باز کرد و با لبخند به من نگاه کرد و با انگشت مبارکش مناجات می‌کرد. او را بغل کردم و صورتش را بوسیدم. بوی خوش او را حس کردم که هرگز چنین بوی خوشی به مشام من نرسیده بود. امام حسن عسگری علیه السلام مرا صدا کرد: عمه جان! پسر من را نزد من بیاور.

نوزاد را نزد امام علیه السلام بردم. امام او را بغل کرد. مانند دفعات قبل با او رفتار کرد. وقتی نوزاد را به من برگرداند فرمود:

«يَا بَنِيَّ اسْتَوْدِعْكَ الَّذِي اسْتَوْدَعْتَهُ أُمُّ مُوسَى كُنْ فِي دَعَاةِ اللَّهِ وَ سَتْرِهِ وَ كَنْفِهِ وَ جِوَارِهِ؛

پسر جان! تو را به خدایی می‌سپارم که مادر موسی علیه السلام، موسی علیه السلام را به او سپرد.

خداوند تو را حفظ کند و به تو عنایت داشته باشد.» سپس به من فرمود:

«رُدِّيهِ إِلَيَّ يَا أُمَّهُ يَا عَمَّةَ وَ اكْتُمِي خَبَرَ هَذَا الْمَوْلُودِ عَلَيْنَا وَ لَا تُخْبِرِي بِهِ أَحَدًا حَتَّى يَبْلُغَ

الْكِتَابُ أَجَلَهُ؛ عمه جان! فرزندم را به مادرش بده و تولد حجت خدا را مخفی کن تا

زمان معین بیاید.»^۱

سپس نوزاد را به مادرش دادم، از امام حسن عسگری علیه السلام خداحافظی کردم.

منظور از سخن امام حسن عسگری علیه السلام این بوده که خبر ولادت حجت خدا را به

اشخاص غیر قابل اعتماد نگوید.

حکیمه خاتون می‌گوید:

«به خانه امام حسن عسگری علیه السلام رفتیم. دیدم مهدی علیه السلام راه می‌رود. چهره‌ای بسیار

زیبا داشت. بسیار شیرین‌زبان بود. وقتی از حکیمه خاتون پرسیدند: آیا برادرزاده‌ات امام

حسن عسگری علیه السلام فرزندی داشت؟ لبخند زد و گفت: اگر فرزندی نداشت، پس چه کسی

حجت خدا روی زمین باشد؟»^۲

حکیمه خاتون از امام حسن عسگری علیه السلام خواست که در حق او دعا کند و از خدا

بخواهد که در زمان زنده بودن امام علیه السلام از دنیا برود و همین‌طور هم شد.

مادر حضرت مهدی علیه السلام هم به خاطر ظلم و سختی که در زندان ظالمان تحمل

می‌کرد، این درخواست را از امام حسن عسگری علیه السلام کرد. دعای امام مستجاب شد و هر

دو بانو در زمان زنده بودن امام حسن عسگری علیه السلام از دنیا رفتند.

دودان در هاب
 در پستانه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 و نور الحاضر في ظلال القادر المهدى علیه السلام

۱. غیبت شیخ طوسی: ۱۴۳؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۸، ۲۹۳؛ منیر الاحزان: ۲۹۶. ۲. الزم الناصب: ۱۰۱، ۹۴.

گواهی عده‌های دیگر بر تولد امام زمان علیه السلام

عثمان بن سعید عمری

او وکیل امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام و اولین نایب امام زمان علیه السلام در غیبت صغری می‌باشد. وقتی امام مهدی علیه السلام به دنیا آمد، امام حسن عسکری علیه السلام فرستاده‌ای به خانه عمری فرستاد و او را فراخواند. وقتی عمری خدمت امام حسن عسکری علیه السلام آمد، امام علیه السلام به او فرمود:

«إِشْتَرِ عَشْرَةَ آلَافِ رِطْلٍ خُبْزٍ وَ عَشْرَةَ آلَافِ رِطْلٍ لَحْمٍ وَ فَرَّقَهُ أُخْسَبُهُ قَالَ عَلِيُّ بَنِي هَاشِمٍ وَ عَقَّ عَنْهُ فَبَعَثَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْ أَصْحَابِهِ بِشَاةٍ مَذْبُوحَةً، وَ أَمَرَ أَخَذَ أَصْحَابِهِ بِتَوْزِيْعِ تِلْكَ الصَّدَقَاتِ؛ ده هزار رطل گوشت بخور و به عنوان عقیقه مهدی علیه السلام، به تعداد افراد بنی هاشم میان آن‌ها تقسیم کن. برای هر کدام از اصحاب یک گوسفند قربانی کن و بفرست.» و یکی از اصحاب را برای تقسیم صدقه‌ها فرستاد.»

یکی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام بیرون از سامرا بود، حضرت چهار رأس گوسفند همراه نامه‌ای برای او فرستاد. در نامه چنین نوشت:

«عُقَّ هَذِهِ عَنِ ابْنِي مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَ كُلِّ هُنَاكَ وَ أُطْعِمُ مَنْ وَجَدْتَ مِنْ شِيعَتِنَا؛^۱ این گوسفندان را که عقیقه پسر مهدی است، قربانی کن و بخور، بر تو گوارا باد. و هر کس از شیعیان ما را که دیدی، به او غذا بده.»

آیا امام این قربانی‌ها را فقط به نیت صدقه و عقیقه می‌دادند و یا هدف دیگری هم داشتند؟ بله، بلکه امام حسن عسکری علیه السلام می‌خواستند به همه شیعیان، ولادت حجت خدا را خبر بدهند و از آن عقیقه بخورند و و به خاطر بسپارند. بعد از تقسیم عقیقه، امام حسن عسکری علیه السلام برای رفع خستگی نشست و نفس عمیقی کشید و به حاضران که شیعیان خالص و مورد اعتماد بودند، با خوشحالی فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَغْدِي يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ زَعَمُوا أَنَّهُمْ يُرِيدُونَ قَتْلِي لِيَقْطَعُوا هَذَا النُّسْلَ وَ قَدْ كَذَّبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَوْلَهُمْ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ابْنِي هَذَا هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَغْدِي؛^۲ خدا را شکر که من زنده بودم و فرزند و جانشینم را دیدم. خداوند در دوران غیبت او را حفظ می‌کند. آن‌ها تصور می‌کردند اگر مرا بکشند، این خاندان قطع می‌شود. خداوند سخن آن‌ها را تکذیب کرد.»

۱. منتخب الاثر: ۳۴۱؛ بحار الانوار ۵۱: ۵۵؛ الامام المهدی: ۱۲۷.

۲. غیبت شیخ طوسی: ۱۴۸؛ الامام المهدی: ۱۲۶؛ بحار الانوار ۵۱: ۲۲؛ منتخب الاثر: ۳۴۳.

۳. بحار الانوار ۵۱: ۱۶۱؛ منتخب الاثر: ۳۴۳؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۳۴ و ۱۳۶.



خدا را شکر می‌کنم که فرزند من بعد از من رهبر و حجت خدا میان شماست.»

امام حسن عسکری علیه السلام قصد داشت که از هر راهی خبر ولادت مهدی علیه السلام به همه شیعیان در داخل و خارج سامرا برسد:

الف) امام حسن عسکری علیه السلام حکیمه خاتون، آن بانوی بزرگووار و راستگو و شریف را به خانه خود دعوت کرد که آن شب شاهد عینی ولادت امام مهدی علیه السلام باشد.

ب) امام حسن عسکری علیه السلام قابله‌ای غیرشیعه دعوت می‌کند که شاهد ولادت آن حجت خدا باشد، تا حجت بر صالحان اهل سنت تمام شود. این قابله تعدادی از افراد خانواده‌اش را شیعه کرد.

ج) این نوزاد مبارک را در مناسبت‌های مختلف به یاران مورد اعتماد نشان می‌داد تا حجت خدا را با چشم خود ببینند و سخن دشمنان را درباره او باور نکنند.^۱

د) حجت خدا را میان شیعیان حاضر می‌کند که در حضور پدر به سؤالات آن‌ها پاسخ بدهد، بین آن‌ها قضاوت کند و سهم خمس و زکات و... را از آن‌ها بگیرد.

ه) نامه‌هایی به شهرستان‌های دوردست مثل مدینه، بصره و قم فرستاد تا شیعیان مخلص را از ولادت حجت خدا باخبر کند.

و) گوشت و نان زیادی خرید و به عنوان عقیقه، میان شیعیان سامرا تقسیم کرد.

ز) گوسفندانی را به شیعیان بیرون سامرا داد تا به عنوان عقیقه فرزندش قربانی کنند و اطعام نمایند.

امام حسن عسکری علیه السلام با انجام این کارها می‌خواست قبل از شهادتش، حجت خدا را به همه معرفی کند.

سنّ کم امام مهدی علیه السلام نباید شکی درباره ولایت ایشان ایجاد کند چرا که معجزات زیادی از ایشان دیده شده و به سؤالات بسیاری پاسخ داده‌اند. نمونه‌های دیگری در این خاندان به چشم می‌خورد:

پیامبر صلی الله علیه و آله از امام حسن و امام حسین علیهما السلام در سنّ کودکی بیعت گرفت. حضرت علی علیه السلام در سن ده سالگی به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد. حضرت یحیی علیه السلام در کودکی به پیامبری رسید. حضرت عیسی علیه السلام در گهواره به پیامبری رسید.

پس نمی‌توان گفت چگونه حجت خدا در کودکی به امامت رسیده است؟

دو دانه از هباب
تربستان حضرت
مهدی قائم علیه السلام
عبدالرحمن بن محمد
مظالم المومنین

۱. غیبت شیخ طوسی: ۱۴۲، منتخب الاثر: ۳۵۵.

عده‌ای از شیعیان مخلص تا سن شش سالگی، به ویژه در سال اول تولد و قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و در مراسم تشییع آن حضرت، امام مهدی علیه السلام را دیده‌اند. از جمله:

ظریف

ابونصر ظریف، خادم امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید:
 «وقتی حجت خدا به دنیا آمد، همهٔ خاندان امامت خوشحال شدند، و وقتی بزرگ شد به من دستور داده شد که هر روز همراه گوشت، یک عدد استخوان مغزدار هم بخرم و گفته می‌شد که مغز استخوان برای مولای کوچک ماست.»^۱

ابوغانم

ابوغانم خادم امام حسن عسکری می‌گوید:
 «مهدی علیه السلام در گهواره بود که به حضورش شرفیاب شدم، فرمود: «صندل^۲ قرمز برایم بیاور.» وقتی آوردم، فرمود: «مرا می‌شناسی؟» گفتم: آری، شما مولای من و فرزند مولای من هستید. فرمود: «منظورم این نبود.» گفتم: منظور خود را بیان فرمایید. فرمود:
 «أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَ شِيعَتِي؛^۳ من آخرین جانشین هستم. خداوند به وسیلهٔ من بلایا را از اهل و شیعیانم برطرف می‌کند.»
 امام مهدی علیه السلام دربارهٔ خود، صمیمانه با خادم صحبت می‌کند تا همه‌جا برای شیعیان آن را نقل کند و آن‌ها را شاد کند.

این خادمان به خاطر خدمت به این خاندان به درجات والایی رسیدند و شیعیان خاص امامان علیهم السلام بودند.

و نیز ابوغانم می‌گوید:

«امام حسن عسکری علیه السلام صاحب فرزندی شد. روز سوم ولادتش او را به یارانش نشان داد و فرمود: «این، بعد از من، امام شما و جانشین من است. این همان «قائم» است که گردن‌ها در انتظار او دراز می‌شود.»^۴

۱. بحار الأنوار ۵۱: ۲۲؛ ارشاد مفید: ۳۳۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۲۸؛ اصول کافی ۱: ۳۳۰.

۲. صندل یک چوب هندی بسیار معطر است که از آن تسبیح درست می‌کنند.

۳. كشف الغممه ۳: ۲۸۹؛ محجة البيضاء ۴: ۳۴۶؛ الزمام الناصب: ۱۰۰ و ۱۰۲؛ منتخب الاثر: ۳۶۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۴۸؛ ینایع الموده ۳

۴. الامام المهدي: ۱۲۶، ۹۳، ۱۳۲.



نسیم

ایشان نیز خادم امام حسن عسکری علیه السلام بود. او می‌گوید:

«ده روز بعد از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خدمت ایشان شرفیاب شدم و در حضورش عطسه کردم. حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «يَزَحْكِبِ اللهُ خَدَاوَنَد تُو رَا بِيَا مَرَزِد». از این سخن امام، بسیار خوشحال شدم. سپس فرمودند:

«أَلَا أُبَشِّرُكَ فِي الْعُطَاسِ قُلْتُ بَلَى قَالَ هُوَ أَمَانٌ مِّنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ؛ آیا به تو درباره عطسه مزده بدهم؟ عطسه تا سه روز تو را از مرگ حفظ می‌کند.»

می‌بینیم که امام مهدی علیه السلام برای هر یک از خادمان این خاندان، نشانه‌هایی بیان می‌کند که او مانند هر مولود دیگری نیست. برای یکی درباره نقش ولی خدا در بقای نظام جهان و برای خادم دیگر درباره تأثیر عطسه صحبت می‌کند.

کامل بن ابراهیم مدنی

او از بزرگان مفوضه بود و حضرت مهدی علیه السلام او را هدایت کرد. او می‌گوید:

«باران امام حسن عسکری علیه السلام مرا به حضور آن حضرت فرستادند تا از ایشان سؤالانی بپرسم و درباره نوزاد جدید بیشتر مطلع شوم. خدمت آن حضرت شرفیاب شدم و سلام کردم و در کنار دری که پرده‌ای روی آن آویزان بود، نشستم. باد آمد و پرده کنار رفت. کودکی را دیدم که تقریباً چهار ساله بود ولی صورتش مثل ماه می‌درخشید. ناگهان فریاد زد: «کامل بن ابراهیم!» مو بر بدنم راست شد و بی اختیار گفتم: بله، سرور و آقای من! فرمود: «به حضور ولی خدا آمده‌ای که از او سؤال کنی؟! آیا فقط افراد معتقد به توبه به بهشت می‌روند؟» گفتم: سوگند به خدا، آری. فرمود: «اهل حق که به بهشت می‌روند، بسیار کم خواهند بود.» گفتم: مولای من! آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: «آن‌ها علاقمند به حضرت علی علیه السلام هستند که به خاطر محبت زیاد به آن حضرت، به حق او سوگند می‌خورند ولی چیزی درباره حق و عظمت او نمی‌دانند.» سپس فرمود: «تو آمده‌ای درباره سخن و اعتقاد مفوضه سؤال کنی؟! بدان که آن‌ها دروغ می‌گویند. بلکه دل‌های ما جایگاه مشیت خداوند است. وقتی خدا بخواهد ما نیز می‌خواهیم. چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللهُ؛ آن‌ها فقط آنچه را که خدا بخواهد، اراده می‌کنند.﴾^۱

سپس پرده به حالت اول برگشت و دیگر نتوانستم آن را کنار بزنم. در آن لحظه امام

در سپاه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 دودان در هاب
 در سپاه حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱. غیث شیخ طوسی: ۱۳۹؛ کشف الغمه ۳: ۱۲۹۰؛ اعلام الوری: ۳۴۵؛ محجة البیضاء ۴: ۲۷۶؛ بحار الانوار ۵۱: ۵۲ و ۵۳؛ الزم الناصب ۱۰۱؛ منتخب الاثر: ۳۴۴؛ بتایع الموده ۳: ۱۱۲؛ مئیر الاحزان: ۲۹۷. ۲. سورة مبارکه انسان، آیه ۳۰.

عسکری علیه السلام با لبخند به من فرمود:

«چرا نشسته‌ای، در حالی که حجت خدا بعد از من به سؤال‌هایت پاسخ داد.»^۱

کامل بن ابراهیم برخاست و بیرون رفت و عقیده‌اش اصلاح شده بود. او عقیده داشت که آفرینش و روزی انسان‌ها به دست امامان است! و می‌خواست درباره عقیده‌اش از امام عسکری علیه السلام سؤال کند، که حضرت مهدی علیه السلام به او پاسخ داد. همچنین درباره ولادت حضرت مهدی علیه السلام سؤالاتی داشت که خود به خود، پاسخ گرفت. آگاهی این کودک چهار ساله از سؤالات او قبل از پرسیدن، نکته قابل توجهی است که فقط مخصوص این خاندان است.

ابوالفضل

او که معروف به حسن بن حسین عسگری است، می‌گوید:

«در سامرا خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و ولادت حضرت صاحب الزمان علیه السلام را به ایشان تبریک و تهنیت گفتم.»^۲

احمد بن اسحاق

فرزند سعد بن مالک بن اشعری قمی و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود که در قسم زندگی می‌کرد. او می‌گوید: «خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رفتم که از ایشان درباره جانشین و امام بعد از خودشان سؤال کنم. قبل از آن که سؤالی بپرسم، امام علیه السلام فرمود: «یا اَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُخْلِ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ وَلَا يُخْلِهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَبِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ؛ ای احمد بن اسحاق از روزی که خداوند آدم علیه السلام را آفرید، تا روزی که قیامت برپا شود، زمین خالی از حجت نبوده و نخواهد ماند. بلکه همواره حجت خدا در روی زمین خواهد بود که خداوند به وسیله او بلاها را از ساکنان زمین دور می‌کند و به برکت او باران را نازل می‌کند و به خاطر او برکات را از زمین بیرون می‌آورد.»

گفتم: امام بعد از شما کیست؟ چه کسی جانشین شماست؟

ایشان با عجله بلند شد و داخل خانه رفت، وقتی برگشت، کودکی سه ساله‌ای را بر دوش خود آورد که صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید. سپس امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمود:

۱. کشف الغمہ ۳: ۲۸۹؛ محجة البيضاء: ۳۲۶؛ منتخب الاثر: ۳۲۸؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۲۸؛ تنبیح الموده ۳: ۱۲۳؛ الزام الناصب: ۱۰۰.

۲. منتخب الاثر: ۳۲۳؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۵۱؛ الامام المهدی: ۱۲۸.

دوران ره‌بان
 مهدی قائم علیه السلام
 تریساده حضرت
 نور الخرافی ظل القائل المهدی علیه السلام

«ای احمد بن اسحاق! اگر تو در نزد خدا مقام و منزلت نداشتی، پسر مرا به تو نشان نمی‌دادم.»

گفتم: آیا نشانه‌ای دارد که من بیشتر مطمئن شوم و دلم آرام گیرد؟
ناگهان حجت خدا با زبان زیبا و آشکار فرمود:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ؛
من تنها بازمانده خدا در روی زمین هستم، از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت. تو ای
احمد بن اسحاق! پس از دیدن، دیگر نشانه‌ای نخواه.»

سپس امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ
وَ اكْتُمْهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ مَعَنَا غَدًا فِي عَلِيِّينَ؛ ای احمد بن اسحاق! این امری از
امور خدا، و یکی از اسرار خدا و غیبی از غیب‌های خداست. آنچه به تو گفتم، به خاطر
داشته باش و آن‌ها مخفی بدار و خدا را شکر کن، تا این که روز قیامت به درجات والایی
برسی و با ما همراه باشی.»

سپس با خوشحالی زیاد از حضور امام علیه السلام مرخص شدم.^۱

قبل از این ملاقات، امام حسن عسکری علیه السلام در نامه‌ای به احمد بن اسحاق چنین
نوشته بود:

«وُلِدْنَا مَوْلُودًا فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتَوْرًا وَ عَنِ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا فَإِنَّا لَمْ نُظْهِرْ عَلَيْهِ إِلَّا
الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَ الْوَلِيَّ لَوْلَايَتِهِ أَخْبَيْنَا إِعْلَامَكَ لَيْسُرَكَ اللَّهُ لَهُ مِثْلَ مَا سَرَّنَا بِهِ وَ السَّلَامُ؛^۲
خداوند به ما فرزندی عنایت فرموده است. این موضوع را پنهان کن و از مردم مخفی
بدار، ما فقط به خویشاوندان نزدیک خود به خاطر حق خویشاوندی، و به شعیمان
خالص، به خاطر ولایتشان خبر دادیم. دوست داشتیم شمارا آگاه کنیم تا خداوند شمارا
در شادی ما سهیم گرداند، والسلام.»

وقتی احمد بن اسحاق برای دیدار امام حسن عسکری علیه السلام به سامرا رفت، امام علیه السلام به

او فرمود: «دربارۀ این موضوع که دیگران شک دارند، شما چگونه هستید؟»

احمد بن اسحاق گفت: «وقتی نامه شما به دستم رسید که در آن دربارۀ ولادت مولای

ما سخن گفته بودید، کسی از ما، از زن و مرد و جوانی باقی نماند مگر این که حق را

شناخت و به آن ایمان آورد.»^۳

دودانده‌ها
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 صلوات الله علیه
 علی بن ابی طالب
 علیه السلام

۱. بشارة الاسلام: ۱۶۷؛ كشف الغمه ۳: ۳۳۹؛ الزم الناصب: ۴۶۹-۱۴۲۰؛ منتخب الاثر: ۱۲۲۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۴۶؛ الامام
 المهدي: ۱۳۴. ۲. بحار الانوار: ۱۶: ۵۱ و ۲۳: ۵۲؛ منتخب الاثر: ۳۴۴؛ الامام المهدي: ۱۲۸. ۳. منتخب الاثر: ۳۴۵.

یعنی همه دانستند که مولای ما به دنیا آمده و به آن اعتقاد پیدا کردند.

یعقوب بن منقوش

او می‌گوید:

«حضور امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم. امام علیه السلام روی بلندی در صحن خانه نشسته بود و از کنار آن حضرت پرده‌ای آویزان بود. عرض کردم: مولای من! صاحب این امر، بعد از شما کیست؟ فرمود: پرده را کنار بزن. پرده را کنار زدم، کودکی بیرون آمد و روی زانوی پدر بزرگوارش نشست. امام علیه السلام فرمود: «این فرزندم، صاحب این امر است.» سپس به فرزند عزیزش فرمود: «تا وقت تعیین شده، داخل خانه باش.»

حجت خدا در برابر چشمانم وارد خانه شد. سپس امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «ای یعقوب! بین چه کسی در خانه هست؟» وارد خانه شدم و کسی را در آنجا نیافتم.^۱ امام حسن عسکری علیه السلام از این طریق، شیعیان را به غیبت حضرت قائم علیه السلام عادت می‌دادند تا با آن انس بگیرند و برایشان توجیه شود.

عیسی بن مهدی جواهری

او می‌گوید:

خدمت امام مهدی علیه السلام شرفیاب شدم. بسیار خوشحال شدم، گویا عقل از سرم پریده است. حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«يا عيسى ما كان لك أن تراني لولا المكذّبون القائلون بأين هو ومتى كان وأين ولد ومن رآه وما الذي خرج إليكم منه وبأي شيء نبتاكم وأي معجزاتناكم يا عيسى فخير أوليائنا ما رأيت وإياك أن تُخبر عدونا فتسلبه؛^۲ ای عیسی! اگر منکران تکذیب نمی‌کردند، تو را مفتخر به دیدار نمی‌کردیم که می‌گویند: او کجاست؟ چه وقت آمده؟ کجا متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ چه نشانه‌هایی از او دیده‌اید؟ چه خبرهایی از او به شما رسیده است؟ چه معجزاتی نشان داده است؟^۱ ای عیسی! آنچه دیدی برای دوستان ما تعریف کن. ولی هرگز به دشمنان ما مگو، که اگر بگویی، از این کرامت‌ها محروم می‌شوی.»

ابراهیم بن محمد تبریزی



۱. کشف الغمّه ۳: ۳۱۷؛ منتخب الاثر: ۳۵۶؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵؛ الزام الناصب: ۱۰۴؛ اعلام الوری: ۴۱۳؛ ینایع الموده ۳: ۱۲۴.

۲. منتخب الاثر: ۳۷۶.

او می‌گوید:

«روز رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا حضور خاندان امامت رسیدم. جنازه آن حضرت را آوردند و ما سی و نه نفر بودیم و یک کودک تقریباً ده ساله بیرون آمد. عباى خود را روی سر مبارکش کشیده بود. وقتی در صحن خانه ظاهر شد، همه ما قبل از شناخت او، در مقابل شوکت و عظمت و وقارش بی اختیار از جا بلند شدیم. در برابر جنازه ایستاده و همه پشت سرش صف کشیدیم و به امامت او بر پدر بزرگوارش نماز خواندیم. وقتی نماز تمام شد، به یکی دیگر از اطاق‌های خانه رفت.»^۱

این موضوع را احمد بن عبدالله هاشمی که آن‌جا حضور داشته، بیان می‌کند.^۲

ابوالادیان

او می‌گوید:

«وارد خانه امام حسن عسکری علیه السلام شدیم و با جنازه آن حضرت روبرو شدیم. برادر امام حسن عسکری علیه السلام (جعفر کذاب) جلو آمد که بر جنازه امام نماز بخواند. وقتی دست‌ها را برای تکبیر بالا برد، کودکی در صحن خانه ظاهر شد و عباى جعفر را کشید و فرمود: «ای عموا برو عقب. من از همه شایسته‌ترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم. جعفر در حالی که رنگ صورتش پریده بود، خود را عقب کشید، و آن کودک بر جنازه پدرش نماز گزارد. سپس جنازه امام علیه السلام در کنار قبر پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام دفن گردید.»^۳

حضرت مهدی علیه السلام بر جنازه پدرش نماز خواند و او را دفن کرد. بر اساس روایات، امام بر جنازه امام نماز می‌خواند و جنازه امام را فقط امام دفن می‌کند.

کسانی که بر جنازه امام حسن عسکری علیه السلام نماز خوانده و در مراسم تشییع جنازه او، حضرت بقية الله علیه السلام را دیده‌اند، سی و نه نفر هستند:

ابراهیم بن محمد تبریزی، احمد بن عبدالله هاشمی، ابوالادیان، ابوسهل، اسماعیل بن علی نوبختی، ابوالحسن، ضراب اصفهانی، راشد اسدآبادی، ابوراجع حمامی، کامل بن ابراهیم، رشیق صاحب المادرای، و سی نفر دیگر از شیعیان خالص و مورد اعتماد شیعیان قم

عده‌ای از شیعیان قم به طرف سامرا حرکت کردند و اموال فراوانی را با خود حمل می‌کردند که به محضر امام حسن عسکری علیه السلام تقدیم نمایند. وقتی وارد سامرا شدند،

۱. بحار الانوار ۵۲: ۵۵ ارشاد مفید: ۳۳۰؛ الامام المهدی: ۱۲۹. ۲. الزام الناصب: ۹۴.

۳. بحار الانوار ۵۲: ۵۷ منتخب الاثر: ۳۶۷؛ الزام الناصب: ۱۰۸؛ وفاة العسکری: ۳۹؛ بنایح الموده: ۳: ۱۲۴.

متوجه شدند که چند روز قبل، امام حسن عسگری علیه السلام رحلت فرموده‌اند. بسیار ناراحت شدند، به خصوص که نتوانستند جانشین آن حضرت را بشناسند.

جعفر کذاب بسیار تلاش کرد تا آن اموال (خمس و زکات و...) را از آن‌ها بگیرد، ولی آن‌ها سؤالاتی از او پرسیدند که نتوانست به آن‌ها پاسخ دهد ولی با زور، آن‌ها را تهدید کرد.^۱

قمی‌ها که خود را در معرض خطر دیدند، نزد خلیفه رفتند و از او کمک خواستند تا آن‌ها را از آنجا بیرون آورد تا از راهی که آمده‌اند، برگردند.

وقتی قمی‌ها ناامید شدند و از سامرا بیرون رفتند، در بیرون شهر خادم حضرت مهدی علیه السلام به آن‌ها نزدیک شد و هر کدام از آن‌ها را با نام خودش صدا کرد، در حالی که تا کنون آن‌ها را ندیده بود و اسامی آن‌ها را امام مهدی علیه السلام به او فرموده بود، تا آن‌ها مطمئن شوند و به شهر برگردند.

قمی‌ها به سامرا برگشتند و با راهنمایی آن خادم، نزد امام مهدی علیه السلام شرفیاب شدند. داستان این دیدار را قمی‌ها این گونه بیان می‌کنند:

«وارد خانه امام حسن عسگری علیه السلام شدیم، حضرت قائم علیه السلام را دیدیم که روی تختی نشسته‌اند. صورت مبارکش مانند ماه می‌درخشید، لباس سبزی پوشیده بود. سلام عرض کردیم و ایشان جواب سلام ما را داد و سپس فرمود: «همه اموالی که همراه خود آورده‌اید این مقدار است؛ فلانی این مقدار با خود آورده، و فلانی این مقدار!» هر چه ایشان می‌گفت درست بود. ما هم از این که حجت خدا را شناخته بودیم، خدا را شکر کردیم و به سجده افتادیم. از محضر مبارکش سؤالاتی پرسیدیم و پاسخ شنیدیم و اموال را به ایشان تقدیم نمودیم.

حضرت قائم علیه السلام به ما دستور داد که دیگر چیزی را به سامرا نیاوریم و ایشان کسی را در بغداد تعیین خواهد فرمود، که دستخط امام (توقیعات شریف) به دست او بیرون خواهد آمد. به ما دستور فرمود که اموال را به او تحویل بدهیم.^۲

جعفر کذاب بعد از رحلت پدرش بیست هزار دینار به خلیفه داد و به او گفت: ای خلیفه مسلمین! مقام برادرم را در عوض این پول، به من بده.

۱. منتخب الاثر: ۳۷۰-۳۶۸، بحار الانوار ۵۲: ۴۹، وقایع العسکری: ۴۴، منابع الموده ۳: ۱۲۵.

۲. الزام الناصب: ۱۰۶؛ ارشاد مفید: ۲۲۰ و ۲۲۵.



خلیفه گفت: مقام برادرت از طرف ما نبود، بلکه از طرف خداوند بلندمرتبه بود و ما همیشه تلاش می‌کردیم که این مقام را از او بگیریم. تو هم اگر بین شیعیان برادرت این مقام را داشته باشی، دیگر به ما نیازی نداری.»^۱

محمد بن ادریس

او می‌گوید:

«حجت خدا را بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام دیدم، بر سر و صورتش بوسه زدم.»^۲

سیماء

او یکی از بزرگان دربار خلیفه بود و منتظر فرصتی بود که به حضرت مهدی علیه السلام آسیب برساند. او می‌گوید:

«در بخت‌خانه امام عسکری علیه السلام را شکستم و به خانه وارد شدم. یک عدد تبرزین در آنجا پیدا کردم و برداشتم. ناگهان با حضرت مهدی علیه السلام روبرو شدم که به من فرمود: در بخت‌خانه من چه می‌کنی؟^۳

گفتم: جعفر تصور می‌کرد که پدرت فرزندی نداشت؛ اگر خانه برای توست، پس من برمی‌گردم.»^۴

سیماء جرأت نمی‌کرد که کسی را از این خیر آگاه کند و به خاطر ترسی که از عظمت حضرت مهدی علیه السلام داشت، نمی‌توانست سخن بگوید. ولی یکی دیگر از سران ارتش که همراه سیماء برای خراب کردن خانه امام علیه السلام آمده بود، متوجه شد که رنگ از صورت سیماء پریده و زاری می‌کند؛ سیماء می‌خواست که این جریان را از او مخفی کند، ولی او گفت: چیزی برای مردم پوشیده نیست.»^۵

یعنی همه مردم از تولد حضرت مهدی علیه السلام آگاهی دارند.

نسیم خادم هم این داستان را تعریف کرده است.

محمد بن اسماعیل

او یکی از نوادگان امام کاظم علیه السلام و از بزرگان اهل بیت بود. او می‌گوید:

«فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را دیدم را دیدم که جوانی نارس بود.»^۵

۱. همان.

۲. ارشاد مفید: ۳۳۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۶۲؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۱؛ اعلام الوری: ۳۹۷؛ منابع الموده: ۳: ۱۲۳؛ الامام المهدی: ۱۲۹.

۳. بحار الأنوار: ۵۲: ۱۳؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۶۲؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۲.

۴. ارشاد مفید: ۳۲۹؛ منتخب الاثر: ۳۵۸؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۰؛ اعلام الوری: ۳۹۶؛ منابع الموده: ۳: ۱۲۳.

۵. ارشاد مفید: ۳۲۹؛ منتخب الاثر: ۳۵۸؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۰؛ اعلام الوری: ۳۹۶؛ منابع الموده: ۳: ۱۲۳.

عبدالله بن صالح

او می‌گوید:

«حضرت مهدی علیه السلام را مقابل حجرالاسود دیدم که مردم به طرف حجرالاسود هجوم می‌بردند و او می‌فرمود: «برای این کار به آن‌ها دستور داده نشده.»^۱

یعنی آن‌ها برای رسیدن به حجرالاسود نباید این کار را بکنند و مزاحم طواف دیگران باشند.

زهری

او می‌گوید:

«حضرت قائم علیه السلام را دیدم که چهره‌ای نیکویی داشت و عطر دلنشین وجود شریفش خوش‌بوترین عطر در جهان بود. چند کلمه مختصر با من صحبت کرد و فرمود: «لعنت بر کسی که نماز عشاء را به تأخیر بیندازد تا وقتی که ستاره‌ها زیاد شود. لعنت بر کسی که نماز صبح را به تأخیر بیندازد تا وقتی که ستاره‌ها ناپدید شوند.»^۲

منظور از این عبارات، کسی است که عادت کرده که نمازش را در آخر وقت بخواند.

علی بن ابراهیم ازدی

او می‌گوید:

«در اطراف خانه خدا طواف می‌کردم. طواف ششم را تمام کرده، خواستم طواف هفتم را انجام دهم که در کنار حلقه‌ای در سمت راست کعبه، جوان زیبا و خوشبو و باشکوهی را دیدم که عده‌ای از مردم اطراف او جمع شده بودند. تاکنون کسی خوش‌بیان‌تر از او ندیده بودم، که با منطقی بسیار شیرین و نیکو با مردم سخن می‌گفت. نزدیک رفتم تا با او صحبت کنم. عده زیادی دور او جمع شده بودند که مانع من شدند. پرسیدم: این جوان کیست؟ گفتند: او فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله است، هر سال در مراسم حج شرکت کرده و یک‌روز برای شیعیان خاصش ظاهر می‌شود و با آن‌ها سخن می‌گوید.»^۳

ابراهیم بن مهزیار

او یکی از بزرگان شیعه و وکیل حضرت مهدی علیه السلام بود. نقل می‌کند:

«حضرت مهدی علیه السلام را در خانه‌اش زیارت کردم و از او سؤالاتی پرسیدم.»^۴

۱. منتخب الاثر: ۴۷۲؛ ارشاد مفید: ۱۳۳۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۶۲؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۱.

۲. بحار الانوار: ۵۲: ۱۵؛ الزام الناصب: ۱۱۳.

۳. بحار الانوار: ۵۲: ۱۱؛ اعلام الوری: ۴۲۱؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۵۲؛ الزام الناصب: ۱۱۲ و ۱۳۱؛ منتخب الاثر: ۳۶۱.

۴. سفینه البحار: ۲: ۷۰۴.



ابراهیم بیست مرتبه به حج رفت و سرانجام توانست مولایش را زیارت کند. او داستان دومین دیدار خود را این گونه تعریف می‌کند:

«وارد مدینه شدم و درباره فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام پرس و جو کردم و خبری پیدا نکردم. به مکه رفتم و در آنجا هم پرس و جو کردم تا این که جوانی نزد من آمد و بعد از سلام، خودش را معرفی کرد و با مهربانی و به صورت پنهانی مرا به سمت طائف راهنمایی کرد. از طائف گذشتم و به دشت وسیعی رسیدیم. از دور خیمه‌ای پشمینه روی تلی از شن مشخص شد که همه دشت را نورانی کرده بود. وقتی به نزدیک خیمه رسیدیم، او وارد خیمه شد و برای من نیز اجازه ورود خواست و اجازه داده شد. وارد خیمه شدم و حجت خدا - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را دیدم که روی فرش از پوست قرمز نشسته و بر بالشی از پوست تکیه نموده است. سلام عرض کردم و ایشان پاسخ فرمود. صورتش مانند ماه می‌درخشید. دو برد یمانی پوشیده بود که یکی را به کمر بسته بود و دیگری را بر شانهاش انداخته بود. اندام مبارکش مانند گل بابونه، لطیف بود و رنگ چهره مبارکش مانند گل ارغوانی که قطرات عرق مانند شبنم روی صورتش نشسته بود. قد مبارکش مانند شاخه درخت بان و یا چوبه ریحان بود؛ جوانی خوش سیما بود، نه بسیار بلندقد و نه بسیار کوتاه‌قد، پیشانی گشاده و ابروانی کمانی داشت...»

سپس قسمتی از صفات آن حضرت را همان طور که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام رسیده است، نقل کرده و ادامه می‌دهد:

«به دست و پای حضرت مهدی علیه السلام افتاده و بوسه زدم، فرمود:

«مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا إِسْحَاقَ حَيَاكَ اللَّهُ مَا فَعَلْتَ بِالْعَلَامَةِ الَّتِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ؛ آفرین بر تو ای ابا اسحاق! خداوند تو را زنده نگه دارد. آن نشانه‌ای که میان تو و پدرم ابو محمد حسن بن علی علیه السلام بود، چه کردی؟»

گفتم: همراه دارم. فرمود: آن را بیاور.

دست در جیب کرده و انگشتر را بیرون آوردم. وقتی چشم مبارکش بر آن افتاد، نتوانست خودش را نگه دارد، اشک در چشمانش حلقه زد و روی صورتش جاری شد و روی لباس‌هایش ریخت. سپس به انگشتر فرمود:

«بِأَبِي يَدَا طَالَمَا جُلْتِ فِيهَا؛ پدرم فدای آن دستی باد که تو مدتی طولانی در آن دست بودی.»

۱. منظور از نشانه، انگشتری است که امام حسن عسکری علیه السلام به او داده بود و روی آن نوشته بود: یا الله، یا محمد یا علی. خبث شیخ طوسی: ۱۶۱-۱۵۹؛ بحار الانوار: ۵۲: ۴۴؛ منتخب الاثر: ۳۶۳ و ۳۷۲؛ بشارة الاسلام: ۱۷۱؛ الزام الناصب: ۱۰۷؛ بتایع الموده: ۳: ۱۲۷.

سپس به من نگاه کرده و فرمود:

«أَذِنَ لَكَ الْآنَ يَا ابْنَ الْمَازِيَارِ صِرْ إِلَى رَحْلِكَ وَكُنْ عَلَيَّ أُهْبِيَةً مِنْ أَمْرِكَ؛ ای پسر

مازیارا به تو اجازه می‌دهم که به وطن خود برگردی و همیشه در کار خود آماده باش.»

علی پسر ابراهیم بن مازیار نیز مانند این داستان را نقل کرده که در محل طواف خانه

خدا آن حضرت را ملاقات کرده و همین علامت را از ایشان خواسته است.

بار دیگر نیز ابراهیم بن مهزیار، امام مهدی علیه السلام را ملاقات کرد که داستانش را این

چنین بیان می‌کند:

«قَلَّمَا أَنْ رَأَيْتُهُ بَدَرْتُهُ بِالسَّلَامِ فَرَدَّ عَلَيَّ أَحْسَنَ مَا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَشَاقَفَنِي وَسَأَلَنِي عَنْ

أَهْلِ الْعِرَاقِ فَقُلْتُ سَيِّدِي قَدْ أَلْبَسُوا جِلْبَابَ الذَّلَّةِ وَهُمْ بَيْنَ الْقَوْمِ أَذِلَّةٌ فَقَالَ لِي يَا ابْنَ

الْمَازِيَارِ لَتَمَلِكُونَهُمْ كَمَا مَلَكْتُمْ وَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَذِلَّةٌ فَقُلْتُ سَيِّدِي لَقَدْ بَعُدَ الْوَطْنُ وَطَالَ

الْمَطْلَبُ فَقَالَ يَا ابْنَ الْمَازِيَارِ أَبِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

وَلَهُمُ الْخِزْيُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَأَمَرَنِي أَنْ لَا أُسْكِنَ مِنَ الْجِبَالِ إِلَّا

وَعَرَهَا وَمِنَ الْبِلَادِ إِلَّا قَفَرَهَا وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ أَظْهَرَ التَّقِيَّةَ قَوْلَهَا بِي فَأَنَا فِي التَّقِيَّةِ إِلَى يَوْمٍ

يُؤَدِّنُ لِي فَأَخْرَجُ؛ وقتی آن مهر تابان را دیدم، سلام کردم و ایشان با بهترین وجه، سلام

را پاسخ فرمود. مرا به حضور پذیرفت و از من درباره مردم عراق سؤال کرد. عرض

کردم: مردم عراق بسیار ذلیل شده‌اند و زیر سلطه عده‌ای ظالم گرفتار شده‌اند. ایشان

فرمود: ای پسر مازیارا شما مالک عراق خواهید شد و آن‌ها به دست تو ذلیل خواهند شد.

عرض کردم: مولای من! راه دور شده و وطن طولانی شده است. حضرت فرمود: ای

پسر مازیارا! پدرم ابو محمد با من عهد کرده که هرگز با کسانی که مورد خشم خداوند قرار

گرفته‌اند، هم نشین نشوم که در دنیا و آخرت ذلیل خواهند شد و عذابی سخت در انتظار

آن‌هاست. و به من دستور داده که از کوه‌ها و دشت‌های بی آب و علف سکونت کنم.

خداوند برای من، تقیه را مقرر کرده است و تا روزی که اجازه ظهور داده شود، من باید

تقیه کنم.»

پسر مهزیار بار دیگر نیز حضرت مهدی علیه السلام را ملاقات کرد. حضرت به او فرموده

است:

«اعْلَمْ يَا أَبَا إِسْحَاقَ أَنَّهُ - أَيَّ الْعَسْكَرِيِّ - قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَمْ

يَكُنْ لِيَخْلِي أَطْبَاقَ أَرْضِهِ وَأَهْلَ الْجِدِّ فِي طَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ بِلَا حُجَّةٍ يُسْتَعْلَى بِهَا وَإِمَامٌ

دوراد، در هاب
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 نورالاحرار و الظالمین مهدی علیه السلام

يُؤْتَمُّ بِهِ وَ يُقْتَدَى بِسُبُلِ سُنَّتِهِ وَ مِنْهَا جَ قَضِيهِ وَ أَزْجُو يَا بَنِيَّ أَنْ تَكُونَ أَحَدَ مَنْ أَعَدَّهُ اللَّهُ
لِنَشْرِ الْحَقِّ وَ طَيِّ الْبَاطِلِ وَ إِعْلَاءِ الدِّينِ وَ إِطْفَاءِ الضَّلَالِ فَعَلَيْكَ يَا بَنِيَّ بَلُزُومِ خَوَافِي
الْأَرْضِ وَ تَتَّبِعِ أَقْصِيهَا فَإِنَّ لِكُلِّ وَ لِيٍّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عُدُوًّا مُقَارِعًا وَ ضِدًّا مُنَازِعًا
اِفْتِرَاضًا لِمُجَاهِدَةِ أَهْلِ نِفَاقِهِ وَ خِلَافِهِ أَوْلِي الْإِلْحَادِ وَ الْعِنَادِ فَلَا يُوحِشَنَّكَ ذَلِكَ يَا أبا
اسحاق! بدان امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمود: ای پسر! خداوند بلند مرتبه هرگز
کسانی را که در اطاعت و عبادت او تلاش می‌کنند، بدون حجت باقی نمی‌گذارد تا به
وسیله آن بتوانند به مقامات بالایی برسند. و امامی دارند که از او اطاعت کنند و به وسیله
او از سنت‌های خداوند و معیارهای عدل الهی آگاه شوند. پسر! امیدوارم تو یکی از
کسانی باشی که خداوند آن‌ها را برای گسترش حق و نابودی باطل و اعلائی کلمه حق و
نابودی نادانی آماده ساخته است. پسر! سرزمین‌های پنهان و دور را انتخاب کن،
چرا که اولیای خدا دشمنانی دارند که شب و روز می‌خواهند با او بجنگند. خداوند این
گونه مقدر کرده تا اولیای خود را به ثواب نبرد با منافقان و کفار برساند. هرگز از این
حالت ترسی نداشته باش.»

محمد بن ابراهیم

محمد بن ابراهیم بن مهزیار که پدرش در اهواز وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود،
می‌گوید: «پدرم بیماری سختی گرفت و مُرد. او ثروت زیادی برای من باقی گذاشت و به
من امر کرد که آن اموال را نزد فرزند امام حسن عسکری علیه السلام ببرم و گفتم: پسر! درباره
این اموال از خدا بترس.»

من با خود گفتم: هرگز پدرم مرا به کار نادرست وصیت نمی‌کند و این اموال را به
عراق می‌بردم و در آنجا خانه‌ای در کنار شط اجاره می‌کنم و مدتی در آنجا می‌مانم و به
کسی چیزی نمی‌گویم. اگر مثل زمان امام حسن عسکری علیه السلام، این موضوع برای من روشن
شود، اموال را تحویل می‌دهم، وگرنه هر گونه خودم بخواهم آن را مصرف می‌کنم.
وارد عراق شدم و کنار شط خانه‌ای اجاره کردم و چند روزی آنجا اقامت نمودم.
نامه‌ای به وسیله بیکی به دستم رسید که در آن نوشته بود: «ای محمد! امالی چنین و
چنان همراه توست...»

در این نامه خصوصیات تمام اموال را دقیق نوشته شده بود، حتی درباره خصوصیات
کالاها در نامه چیزهایی بود که من قبلاً از آن‌ها مطلع نبودم. بنابراین اموال را به حامل

دودان در هاب
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 نور الخاقان علیه السلام

نامه تحویل دادم و چند روزی در آنجا ماندم. ولی در این مدت سرم پایین بود و غمگین بودم و از شدت غصه و غم هجران نمی‌توانستم سرم را بلند کنم. تا این که نامه دیگری به دستم رسید که در آن نوشته شده بود:

«قَدْ أَقْنَاكَ مَقَامَ أَبِيكَ فَأَحْمَدِ اللَّهَ؛ تَوَرَّأَ بِهِ جَايَ بَدْرَتِ مَنْصُوبٍ كَرَدِيمٍ. خَدَارًا شَكَرَ كُن.»

با وجود این نشانه‌ها، هرگز مؤمنین گمراه نمی‌شوند، و نشانه‌ها در زمان غیبت، مثل زمان امامان گذشته پیدا می‌شود.

محمد بن عثمان عمروی

محمد بن عثمان عمروی، دومین سفیر حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغری، دیدارش را این گونه بیان می‌کند:

«آن مهر تابان را دیدم و آخرین دیدار من با او در کنار خانه خدا بود که دیدم ایشان می‌گفت:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي؛ خَدَاوَنَدَا! بِي أَن جِهَ بِهِ مِنْ وَعْدِهِ دَادَهَائِي وَفَاكُن.»

و در سمت مُسْتَجَار، پرده خانه خدا را گرفته و می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ أَنْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِي؛ خَدَايَا! انتقام مرا از دشمنانم بگیر.»

در زمان نوجوانی امام مهدی علیه السلام عده‌ای درباره ولادت ایشان شک داشتند و از محمد بن عثمان پرسیدند: آیا تاکنون ایشان را دیده‌ای؟ او جواب داد: به خدا سوگند، دیده‌ام و گردش این گونه بود.^۳ (با دست به گردن خودش اشاره کرد).

عده‌ای دیگر از شیعیان که چهل نفر بودند، با شنیدن خبر تولد امام زمان علیه السلام به حضور امام حسن عسکری علیه السلام آمدند و ایشان به آن‌ها فرمود:

«هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَغْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ فَلَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَغْدِي أَمَا إِنَّكُمْ لَنْ تَرَوْهُ

بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا؛^۴ این فرزندم، بعد از من، امام شما و جانشین من است. بعد از من، از او

اطاعت کنید و متفرق نشوید و گرنه نابود می‌شوید و از امروز، دیگر فرزندم را

نمی‌بینید.»

یعنی مثل گذشته نمی‌توانید دائم امام زمان علیه السلام را ببینید. علی بن بلال، محمد بن

۱. اصول کافی ۱: ۵۱۸؛ ارشاد مفید: ۳۳۱؛ بحار الأنوار ۵۱: ۳۱۰، ۳۱۴؛ اعلام الوری: ۴۱۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۷۰؛ المحجة البيضاء: ۴: ۳۴۹.
 ۲. بحار الأنوار ۵۱: ۳۵۱ و ۵۲: ۳۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۵۱؛ منابع الموده ۳: ۱۲۶؛ منتخب الاثر: ۳۵۹.
 ۳. ارشاد مفید: ۳۳۰؛ منتخب الاثر: ۳۶۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۲۷؛ الزام الناصب: ۱۰۴.
 ۴. كشف الغممه ۳: ۳۱۷؛ اصول کافی ۱: ۳۲۹؛ بحار الأنوار ۵۱: ۳۴۹ و ۵۲: ۱۲۶؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۱۷؛ الزام الناصب: ۱۰۱؛ منابع الموده ۳: ۱۲۲؛ الامام المهدي: ۱۳۶.

دوراد در هاب
 در پستان حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 نور الحاضر في ظل القادر المهدى علیه السلام

معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب بن نوح، جزء آن چهل نفر بودند.^۱ که همگی از شخصیت‌های برجسته و مورد اعتماد شیعه بودند و همگی می‌گویند:
 «ما چهل تن در محضر امام حسین عسکری علیه السلام بودیم که فرزندش را بر ما عرضه نمود.»^۲

ای کسانی که حقایق متون تاریخ را به انحراف کشانده‌اید، با وجود شهادت و گواهی این همه افراد که خودشان با چشمشان تولّد حضرت مهدی علیه السلام را دیده‌اند، باز هم در این مسئله دچار شک و تردید هستید؟!

ای گویندگان! و ای نویسندگان! که بر فراز منبر و در لا به لای کتاب‌هایتان به جای نقل سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام به تحریف حقایق و انکار ضروریات می‌پردازید و مغرضانه سؤال می‌کنید که آیا حجّت خدا «عج» به دنیا آمده است یا نه؟! آری! به خدا قسم که حق و حقیقت هیچ وقت با جولان دادن چند روزه باطل از بین نخواهد رفت. او متولّد شده است. آن وجود نازنین که تنها بازمانده و ذخیره الهی است، بنیانگزار حکومت واحد جهانی بوده و حکومتش بر اساس عدالت و آزادی واقعی خواهد بود. او کاخ‌های ظلم و استبداد را در هر ظاهر و لباسی که باشد، ویران خواهد کرد. او قلب جهان آفرینش و رمز بقای زمین و آسمان و علّت ادامه زندگی در این عالم پهناور است. به برکت اوست که آسمان پا برجاست و زمین ساکنانش را در کام خود فرو نمی‌برد. او در انتظار فرار رسیدن «روز موعود» است که به فرمان حق، باطل را از بهت گیتی نابود سازد و پرچم حق را در سر تا سر کره خاکی به اهتزاز در آورد. تنگ نظر خفاشان و تردید کوردلان هرگز از پرتوافکنی خورشید فروزان مانع نخواهد شد. و هر کس از در مکر و خدعه و نیرنگ وارد شود، خدا بهترین مکر کنندگان و چاره‌اندیشان است.

دودان ز هاب
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 محمد الحافظ القائل المهدی علیه السلام

۱. اعلام الوری: ۴۱۴؛ منابع الموده: ۳: ۱۲۳. ۲. منابع الموده: ۳: ۱۲۳.



فصل چهارم

راز غیبت حضرت مهدی علیه السلام

در سخنان بعضی از امامان معصوم علیهم السلام آمده است:

«مَا كُلُّ مَا يُعْلَمُ يُقَالُ وَلَا كُلُّ مَا يُقَالُ حَانَ وَقْتُهُ وَلَا كُلُّ مَا حَانَ وَقْتُهُ حَضَرَ أَهْلَهُ؛ هر چه می دانید نباید بگویید و آن چه می گویند، ممکن است وقت آن نشده باشد و هر چه وقتش برسد، شاید اهلش جمع نباشند.»

امید است با این سخنان کوتاه، حقایق زیادی به دست آوریم.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ يَخَافُ فِيهَا الْقَتْلَ؛^۱ مهدی علیه السلام ناچار باید غیبت کند، چرا که ممکن است او را بکشند.»

«إِنَّمَا مَثَلُ قَائِمِنَا - أَهْلِ الْبَيْتِ - كَمَثَلِ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّبُهَا لَوْ قَتَبَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ ... لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛^۲ قائم ما، مانند قیامت است که فقط خداوند زمانش را می داند ... به طور ناگهانی اتفاق می افتد.»

امام رضی علیه السلام هم مانند این روایت را بیان کرده است:

«إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ حَتَّى إِذَا مَدَدْتُمْ إِلَيْهِ حَوَاجِبَكُمْ وَأَشْرَظْتُمْ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ فَذَهَبَ بِهِ ثُمَّ يَقِيمُكُمْ سَبْتًا مِنْ دَهْرِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيَّامَ مِنْ أَيِّ ... فَبَيْنَمَا أَنْتُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَطَّلَعَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ نَجْمَكُمْ فَأَخَمَدُوهُ وَاقْبَلُوهُ؛^۳ اهل بیت، مانند ستارگان هستند، وقتی ستاره ای غروب می کند، ستاره دیگری طلوع می کند. وقتی با یکی از ستارگان همراه باشید و به سوی او بروید، مرگش فرا می رسد. سپس مدت طولانی سرگردان می مانند تا وقتی که خداوند ستاره شما را ظاهر کند. پس خدا را شکر کنید و از امام خود اطاعت کنید.»

۱. بحار الانوار ۵۳: ۱۱۵، الزام الناصب: ۶۱. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۹۰، كشف الغمه ۳: ۲۸۹.

۳. بحار الانوار ۵۱: ۱۵۴، منتخب الاثر: ۲۲۱، منابع الموده ۳: ۱۱۶.

۴. غیبت نعمانی: ۱۷۹، الزام الناصب: ۴، الصواعق المحرقة: ۲۳۳، بحار الانوار ۵۱: ۷۵، اصول کافی ۱: ۳۳۸.



واقعیت این حدیث این است که وقتی عده‌ای از شیعیان به یکی از امامان علیهم‌السلام روی آورند و از علمش استفاده کنند، ظالمان خشمگین می‌شوند و به خاطر حسادت و کینه، تلاش می‌کنند آن چراغ هدایت‌گر را خاموش کنند.

امام صادق علیه‌السلام نیز در این باره فرمود:

«إِيَّاكُمْ وَالتَّوْبَةَ أَمَا وَاللَّهِ لَيُعَيِّنَنَّ إِمَامَكُمْ سَنِينًا مِنْ دَهْرِكُمْ وَ لَتَمَحَّضَنَّ حَتَّى يُقَالَ مَاتَ قَتْلَ هَلَكِ بَائِيٍّ وَإِذْ سَلَكَ وَ لَتَدْمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَتَكْفُونَ كَمَا تُكْفَى السُّقْنُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ فَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛^۱ مدیحه‌گویی نکنید و ثناخوانی نکنید؛ زمانی فرا می‌رسد که امام شما غایب می‌شود و شما امتحان می‌شوید. برخی می‌گویند امام از دنیا رفته، عده‌ای می‌گویند کشته شده، بعضی می‌گویند کجا رفته؟ مؤمنان برای او گریه می‌کنند و مانند کشتی در امواج حوادث گرفتار می‌شوند. تنها کسی از این امواج آسیب نمی‌بیند که خداوند از او پیمان گرفته و ایمان را در دل او قرار داده و با روحی از جانب خود، او را یاری می‌کند.»

روایات امیرالمؤمنین علیه‌السلام

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«إِنَّ أَمْرَنَا صَغْبٌ مُسْتَضْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ افْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ لَا يَعِي حَدِيثَنَا إِلَّا حُصُونٌ حَصِينَةٌ أَوْ صُدُورٌ أَمِينَةٌ أَوْ أَخْلَامٌ رَزِينَةٌ؛^۲ امر ما بسیار سخت است و کسی جز فرشته مقرب یا پیامبر فرستاده شده، و یا بنده‌ای که خداوند دلش را با ایمان امتحان کرده است، نمی‌تواند آن را تحمل کند. و قلب‌های محکم و سینه‌های امانت‌دار و افکار کامل، احادیث ما را یاد می‌گیرند.»

امام صادق علیه‌السلام نیز مانند این روایت را نقل کرده است.

«إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَ لِأَدْتُهُ؛^۳ وقتی مهدی قیام کند، بیعت کسی بر عهده او نیست. به همین دلیل، ولادت او پنهان است و از نظرها هم غایب می‌شود.»

منظور از بیعت از نظر امامان علیهم‌السلام پیمانی است که نمی‌توان به وسیله آن با ظالمان مبارزه کرد که بعد از امام حسین علیه‌السلام همه امامان، به خاطر شرایط دوران خودشان، بیعت به عهده داشتند.

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۴۷؛ غیبت نعمانی: ۷۷؛ بشارة الاسلام: ۱۵۴، ۱۵۱؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۰۵؛ اصول کافی ۱: ۳۳۶؛ منتخب الاثر: ۲۵۷؛ الزام الناصب: ۱۸۹، ۸۰.

۲. بحار الانوار ۵۳: ۸۱، ۷۰ و ۳۱۸: ۵۲؛ الزام الناصب: ۱۲؛ بشارة الاسلام: ۶۷؛ بیان الموده ۳: ۲۰۴؛ اصول کافی ۱: ۴۰۱.

۳. اعلام الوری: ۴۰۰؛ الامام المهدی: ۸۰؛ بشارة الاسلام: ۵۲؛ منتخب الاثر: ۲۵۱.

اما اگر حضرت مهدی علیه السلام غایب نبود، بیعتش به این معنی نبود که با ظالمان مبارزه نکند، بلکه او نابودی ستمگران آفریده شده است. بنابراین خدا خواست که او از نظرها غایب شود تا جانش حفظ شود و سکوتش به معنی تأیید ظالمان نباشد.

روایات امام حسن مجتبی علیه السلام

«أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْخَضِرَ لَمَّا خَرَقَ السَّفِينَةَ وَأَقَامَ الْجِدَارَ وَقَتَلَ الْعُلَامَ كَانَ ذَلِكَ سَخَطًا لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام إِذْ خَفِيَ عَلَيْهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ حِكْمَةً وَصَوَابًا؟ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ؛ مگر نمی دانید که خضر علیه السلام کشتی را سوراخ کرد، جوان را کشت و دیوار را ساخت و این کارها باعث ناراحتی حضرت موسی علیه السلام شد، زیرا موسی علیه السلام حکمت آن‌ها را نمی دانست. ولی روش حضرت خضر علیه السلام در پیشگاه خدا درست بود و با حکمت خداوند مطابقت داشت. به خاطر همین حکمت، ما نیز بیعت با ظالم را بر گردن داریم، ولی مهدی علیه السلام بیعت کسی را به گردن ندارد.»

حضرت موسی علیه السلام که یکی از پیامبران اولوالعزم است، از کارهای حضرت خضر علیه السلام تعجب کرد، چه رسد به ما که از درک حقایق ناتوان هستیم. به خاطر فکر ناقصمان، مجادله می کنیم و حقایق را بر اساس افکار خود تفسیر می کنیم. امام حسن مجتبی علیه السلام با این مثال، حقیقت را برای همه روشن می کند.

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيُعَيِّبُ شَخْصَهُ لِنَلَا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ؛^۱ خداوند، ولادت او را پنهان کرد و او را از نظرها غایب کرد تا وقتی ظهور می کند، بیعت کسی بر عهده او نباشد.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیز این موضوع را بیان کرده اند که مهدی علیه السلام با ظالمان بیعت نمی کند.

روایات امام سجانه علیه السلام

«الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُولَدْ بَعْدُ لِيَخْرُجَ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ؛^۲ ولادت قائم ما، پنهانی است، به طوری که برخی می گویند او به دنیا نیامده است. وقتی ظهور می کند، بیعت کسی بر گردن او نیست.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱. بحار الانوار: ۵۱، ۲۷۹، ۱۳۲، الزام الناصب: ۶۶، منتخب الاثر: ۲۰۶، محجة البيضاء: ۴، ۳۳۸، اعلام الوری: ۴۰۱، الامام المهدي: ۸۸، المهدي: ۱۶۰، ۲، الامام المهدي: ۸۹.
۳. بحار الانوار: ۵۱، ۱۳۵، منتخب الاثر: ۲۸۷، كشف الغمہ: ۳، ۳۱۲، اعلام الوری: ۴۰۲، بشارة الاسلام: ۵۲.



«يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَقْدٌ وَلَا عَهْدٌ وَلَا بَيْعَةٌ؛^۱ و وقتی قائم ظهور می کند، عهد و بیعتی بر گردن او نیست.»

امام سجاده علیه السلام می فرمایند:

«وَاللَّهِ لَا يَخْرُجُ وَاحِدٌ مِّنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام إِلَّا كَانَ مَثَلَهُ مَثَلِ فَرْخِ طَارٍ مِنْ وَكْرِهِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَأَخَذَهُ الصُّيَّانُ فَعَبَثُوا بِهِ؛^۲ به خدا سوگند، قبل از ظهور قائم، هر کس که قیام می کند، مانند جوجه مرغی است که قبل از کامل شدن بال هایش از آشیانه اش خارج شود و کودکان با آن بازی می کنند.»

امام باقر علیه السلام هم مانند این روایت را نقل کرده اند.

امام سجاده علیه السلام درباره ولادت پنهانی مهدی علیه السلام می فرماید:

«كَأَنِّي بِجَعْفَرِ الْكَذَّابِ وَ قَدْ حَمَلَ طَائِعِيَةَ زَمَانِهِ عَلَى تَفْتِيشِ أَمْرِ وَلِيِّ اللَّهِ وَ الْمُغْتِيبِ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَ التَّوَكُّيلِ بِحَرَمِ أَبِيهِ جَهْلًا مِنْهُ بِوِلَادَتِهِ وَ حِرْصًا عَلَى قَتْلِهِ إِنْ ظَفِرَ بِهِ طَمَعًا فِي مِيرَاثِ أَبِيهِ حَتَّى يَأْخُذَ بِغَيْرِ حَقِّهِ؛^۳ گویا با چشم خود می بینم که جعفر کذاب (برادر امام حسن عسکری علیه السلام) ستمگران را مجبور می کند که ولی خدا را بیابند ولی او غایب است و خداوند او را نگه می دارد و خانه پدرش را حفظ می کند. و جعفر به خاطر نادانی و حسادت و کسب میراث پدرش به ناحق می خواهد او را بکشد.»

جعفر کذاب برادر امام حسن عسکری علیه السلام و پسر امام هادی علیه السلام است که امام هادی علیه السلام از تولد او خوشحال نشد. از ایشان پرسیدند: چرا از تولد او شادمان نشده است؟ حضرت فرمود: «او عده زیادی را گمراه خواهد کرد.»^۴

هم چنین امام هادی علیه السلام فرمود:

«تَجَنَّبُوا ابْنِي جَعْفَرَ. فَإِنَّهُ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ نَمْرُودٍ مِنْ نُوحٍ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ: قَالَ نُوحٌ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي قَالَ اللَّهُ: يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ. إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛^۵ از فرزندانم جعفر دوری کنید که او برای من مانند پسر نوح است. در قرآن آمده است: «نوح گفت: پسر من، جزء خویشان من است. خدا فرمود: ای نوح! او از خویشان تو نیست بلکه او عمل نادرست انجام داده است.»^۶

امام حسن عسکری علیه السلام نیز فرمود:

«مَا مَثَلِي وَ مَثَلُهُ إِلَّا مَثَلُ هَابِيلَ وَ قَابِيلَ ابْنَيْ آدَمَ. حَيْثُ حَسَدَ هَابِيلُ قَابِيلَ عَلَى مَا أُعْطَاهُ

دوران در هجاب
 در پستان حضرت مهدی قائم علیه السلام
 نور الانوار في ظلال القام المهدى

۱. اصول کافی ۱: ۳۴۲، غیبت نعمانی: ۱۰۰، ۸۹؛ المهدی: ۱۶۰؛ منتخب الاثر: ۲۸۹، ۲۶۶.

۲. الزام الناصب: ۱۳۷؛ بحار الانوار: ۳۰۳، ۵۲؛ ۳. منتخب الاثر: ۲۴۳؛ اعلام الوری: ۳۸۵؛ الزام الناصب: ۶۷.

۴. محجة البیضاء: ۴، ۳۱۳؛ ۵. الزام الناصب: ۱۱۴؛ ۶. سورة مباركة هود، آیه ۴۵.

الله. وَلَوْ تَهَيَّأَ لَجَعَفَرَ قَتْلِي لَفَعَلَ، وَلَكِنَّ اللَّهَ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ؛^۱ من و او، مانند دو فرزند حضرت آدم عليه السلام، هابیل و قابیل هستیم؛ قابیل به هابیل حسادت می کرد که چرا خداوند به او عنایت کرده است. اگر جعفر بتواند مرا بکشد، هرگز درنگ نمی کند. ولی خدا همیشه در کارهایش پیروز است.»

«کذاب» بودن او یکی از نشانه های پیامبری و دلیلی محکم برای صداقت امامان علیهم السلام است که سالها قبل از ولادت جعفر کذاب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، او را کذاب معرفی کرده بود: امام سجاد علیه السلام دویست سال قبل از تولد جعفر، اسم و لقب او را خبر داده است و دو قرن بعد، این خبر، اتفاق افتاده است. فقط امامان علیهم السلام از وقایع آینده خبر دهند. سخنان آنها، نشانه ایمان محکم به وحی الهی و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله است.

وقتی جعفر فهمید که مهدی علیه السلام متولد شده، طبق اخبار امامان علیهم السلام چنان سرگشته شد که سراسیمه نزد خلیفه رفت و از او خواست که خانه امام حسن عسکری علیه السلام را محاصره کند. سپس از مأموران خلیفه خواست تا به شدت جستجو کنند. همین کارهای زشت جعفر کذاب، اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را تصدیق می کند. خلیفه، خانه امام حسن عسکری علیه السلام را محاصره کرد و اعضای خانه امام حسن عسکری علیه السلام را به زندان برد.^۲ جعفر به خانه آن حضرت هجوم برد و اموال آنها را غارت کرد و زن ها و کنیزان را ترساند. جاسوس های خلیفه به شدت خانه امام حسن عسکری علیه السلام را جستجو می کردند. حتی گروهی از کنیزان را به احتمال حامله بودن به زندان بردند. داستانی از زبان یکی از مأمورانی که خانه امام حسن عسکری علیه السلام را محاصره کرده بودند، نقل شده است: وقتی مأموران وارد خانه عسکری شدند، از سرداب مقدس صدای قرائت قرآن شنیده شد. آنها سرداب را محاصره کردند و جلوی در سرداب جمع شدند و وارد سرداب شدند. در این وقت، مهدی در برابر چشم مأموران از سرداب خارج شد و از مقابل فرمانده سپاه گذشت. وقتی از نظرها غایب شد، فرمانده آنها گفت: همه وارد سرداب شوید. یکی از افراد سپاه گفت: مگر ما دنبال کسی نیستیم که از جلوی ما گذشت؟! فرمانده گفت: پس چرا او را آزاد گذاشتید؟! من که کسی را ندیدم! گفتند: ما دیدیم و گمان کردیم شما هم او را دیدید!!^۳

داستان این مأمور، حقیقت اخبار امامان علیهم السلام را ثابت می کند. مانند روایاتی که دو قرن

۱. الزام الناصب: ۱۱۴. ۲. غیبت شیخ طوسی: ۱۷۴، ارشاد مفید: ۳۲۵.

۳. الامام المهدی: ۱۴۰، غیبت شیخ طوسی: ۱۶۰، سفینه البحار ۲: ۷۰۴.



«فَلَا تَعْجَلُوا فَوَ اللَّهِ لَقَدْ قَرَّبَ هَذَا الْأَمْرَ فَأَذَعْتُمُوهُ فَأَخَّرَهُ اللَّهُ؛^۱ عجله نکنید، به خدا قسم که تحقق امر خدا نزدیک است، شما آن را آشکار کردید، بنابراین خداوند آن را به تأخیر انداخت.»

ابوجارود از امام صادق علیه السلام درباره صاحب امر سؤال کرد. حضرت علیه السلام فرمود:
 «يُخْفَى مِنْ أَخَوَاتِ النَّاسِ وَيُضَيِّحُ مِنْ آمِنِ النَّاسِ يُوحَى إِلَيْهِ هَذَا الْأَمْرُ لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ قَالَ قُلْتُ يُوحَى إِلَيْهِ يَا بَا جَعْفَرٍ قَالَ يَا بَا جَارُودٍ إِنَّهُ لَيْسَ وَخِي نُبُوءَةٌ وَكَئِنَّهُ يُوحَى إِلَيْهِ كَوَخِيهِ إِلَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَإِلَى أُمِّ مُوسَى وَإِلَى النَّحْلِ يَا أَبَا الْجَارُودِ إِنَّ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَأَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ أُمِّ مُوسَى وَ النَّحْلِ؛^۲ وقتی شب می شود، او پیش تر از همه می ترسد؛ و وقتی صبح می شود، او پیش تر از همه در امان است. امر ظهور، شب و روز بر او وحی می شود!

پرسیدند: مگر به او هم وحی می شود؟ حضرت فرمود: مانند وحی پیامبران نیست، همان طور که به مادر مریم و مادر موسی و زنبور عسل وحی شده است، به او هم وحی می شود. به خدا قسم، مهدی علیه السلام نزد خداوند از مادر موسی و مریم و زنبور عسل برتر است.»

در قرآن کریم در هر سه مورد لفظ «وحی» به کار رفته است.^۳

روایات امام صادق علیه السلام

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا لِأَمْرِ لَمْ يُؤَدَّنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ فَوَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ علیه السلام مِنْ خَرْقِ السَّفِينَةِ وَ قَتْلِ الْغُلَامِ وَ إِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى علیه السلام إِلَّا وَقَّتْ افْتِرَاقَهُمَا وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَفْعَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُسْكَشِفٍ لَنَا؛^۴ صاحب امر چاره ای جز غیبت ندارد و به ما اجازه افشای دلایل آن را نداده اند. دلیل غیبت او، همان دلیل غیبت پیامبران قبل است و دلیل اصلی آن بعد از ظهور معلوم می شود، همان طور که حضرت موسی علیه السلام، علت کارهای شگفت انگیز حضرت خضر علیه السلام را نمی دانست تا وقتی که از یکدیگر جدا شدند و سپس معلوم شد که چرا کشتی را سوراخ کرد و جوان را کشت و دیوار را ساخت!!»

۱. بشارة الاسلام: ۲۵۲؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۸۹. ۲. همان.

۳. سورة مباركة قصص، آیه ۷؛ سورة مباركة مریم، آیه ۲۴؛ سورة مباركة نحل، آیه ۶۸.

۴. بحار الانوار ۵۲: ۹۱؛ الزام الناصب: ۱۲۶.



وقتی می‌گوییم خداوند حکیم است، پس قبول داریم که همه کارهای خدا از روی حکمت و مصلحت است، حتی اگر دلیل آن‌ها را ندانیم.»

«إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ ظُهُورِهِ إِنَّهُ يَخَافُ - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ - يَعْنِي الْقَتْلَ -» قائم عجل الله فرجه قبل از این که قیام کند، غایب می‌شود. زیرا می‌ترسد که کشته شود.^۱

اگر ترس از کشته شدن مهدی عجل الله فرجه نبود و دلایل امامان علیهم السلام برای پنهان‌کاری نبود، هرگز مهدی عجل الله فرجه غایب نمی‌شد تا از خداوند نافرمانی شود. و می‌بایست مهدی عجل الله فرجه ظهور کند و سختی‌های زیادی را تحمل کند و حق را اجرا کند و باطل را از بین ببرد و با تحمل این سختی‌ها مقام ایشان بالا می‌رود. روشن است که تحمل این سختی‌ها، برای حجت خدا بسیار سخت‌تر از تحمل سختی‌های قیام و انقلاب است که بیش از یازده قرن آن را تحمل کرده است و حکمت تحمل این سختی‌ها، قبل از ظهورش آشکار نمی‌شود.

«إِنَّ فِرْعَوْنَ لَمَّا وَقَفَ عَلَى أَنَّ زَوْالَ مُلْكِهِ عَلَى يَدِ مَوْلُودِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَمَرَ أَصْحَابَهُ بِسَقِّ بَطُونِ الْحَوَامِلِ مِنْ نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَتَّى قَتَلَ فِي طَلَبِهِ نِيفًا وَعِشْرِينَ أَلْفَ مَوْلُودٍ وَتَعَدَّرَ عَلَيْهِ الْوُصُولُ إِلَى قَتْلِ مُوسَى لِحِفْظِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاهُ كَذَلِكَ بَنُو أُمِّيَّةَ وَبَنُو الْعَبَّاسِ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى أَنَّ زَوْالَ مُلْكِهِمْ وَالْأُمْرَاءُ وَالْجَبَائِرَةُ مِنْهُمْ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا نَاصِبُونَ الْعَدَاوَةَ وَوَضَعُوا سُيُوفَهُمْ فِي قَتْلِ آلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَإِبَادَةَ نَسْلِهِ طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى قَتْلِ الْقَائِمِ عجل الله فرجه وَيَأْتِي اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أُمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنَ الظُّلَمَةِ وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَتُؤَكَّرَ الْكَافِرُونَ؛» وقتی فرعون باخبر شد که کودکی از بنی اسرائیل حکومت او را از بین می‌برد، دستور داد شکم زن‌های حامله بنی اسرائیل را پاره کنند و آن کودک را بیابند. او بیست هزار نوزاد را کشت ولی نتوانست موسی عجل الله فرجه را بکشد و خداوند او را حمایت کرد تا زنده بماند. همچنین بنی امیه و بنی عباس باخبر شدند که حکومت آن‌ها و ظالمان دیگر به وسیله قائم عجل الله فرجه نابود می‌شود. بنابراین دشمن اهل بیت شدند و تصمیم بر قتل اهل بیت گرفتند تا شاید قائم عجل الله فرجه را بکشند ولی خداوند، ظالمان را پیروز نمی‌کند و خداوند جز به تمام شدن نور خود اجازه نمی‌دهد، اگر چه کافران آن را نمی‌پسندند.»

آری، خلفای اموی و عباسی نیز مانند مردم زمان ما، درباره مهدی عجل الله فرجه شک نداشتند و می‌دانستند که در زمان آن‌ها به دنیا خواهد آمد. در نتیجه می‌خواستند پدران او را

۱. الزام الناصب: ۸۰ و ۸۵

۲. اصول کافی: ۱: ۳۳۷؛ بشارة الاسلام: ۱۱۶، ۱۲۶؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۰۲؛ اعلام الوری: ۲۳۷، ۴۰۵؛ منابع الموده: ۳: ۱۱۶؛ المهدی:

۱۶۹؛ منتخب الاثر: ۲۹۵، ۲۰۵؛ بحار الانوار: ۵۲: ۹۱

بکشند، زیرا می‌ترسیدند حکومت آن‌ها را از بین ببرد.

همانند این حدیث از امام حسن عسکری علیه السلام نیز روایت شده است.

«وَكذَلِكَ التَّمْرُودُ، فَإِنَّهُ لَمَّا عَلِمَ أَنَّ زَوَالَ مُلْكِهِ يَكُونُ عَلَى يَدِ النَّبِيِّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَكُلَّ نِسَاءِ قَوْمِهِ بِالْحَيَالِي مِنَ النَّاسِ، وَعَزَلَ الرَّجَالَ عَنِ النِّسَاءِ حَتَّى يَقْتُلَ كُلَّ مَوْلُودٍ ذَكَرَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ؛^۱ نمرود هم وقتی باخبر شد که حکومت او به وسیله حضرت ابراهیم علیه السلام از بین خواهد رفت، همه زنان حامله را تحت نظر گرفت تا هر کودک پسری در آن سال به دنیا آمد، بکشند. مردان را از زنان جدا کرد تا از نطفه ابراهیم درست نشود.»

إِنَّ الْقَائِمَ عليه السلام تَمَّتْ أَيَّامُ غَيْبِهِ لِيُصْرَحَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ وَيَضْفُو الْإِيمَانُ مِنَ الْكَدْرِ بِأَرْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طَبِئَتُهُ خَبِيثَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يُخْشَى عَلَيْهِمُ النِّفَاقُ إِذَا أَحْسَوْا بِالِاسْتِخْلَافِ وَالتَّمَكِينِ وَالأَمْنِ الْمُنتَشِرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ ثُمَّ تَلَا الصَّادِقُ عليه السلام : «حَتَّى إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَسَاءَهُمْ نَصَرْنَا»^۲ غیبت قائم علیه السلام طولانی می‌شود تا حق آشکار شود و ایمان حقیقی از تاریکی بیرون بیاید و شیعیانی که ذات پاکی ندارند، ممکن است اگر از امکانات و امنیت زیاد در زمان قائم علیه السلام باخبر شوند، منافق شوند. سپس این آیه را قرائت فرمود: «وقتی پیامبران ناامید شدند و مردم گمان کردند آن‌ها دروغ می‌گویند، ما آن‌ها را کمک می‌کنیم.»^۳

پیامبران هرگز ناامید نمی‌شوند و از قضا و قدر الهی ناراحت نمی‌شوند، درباره وعده‌های خداوند شک نمی‌کنند، نمی‌ترسند که مردم آن‌ها را دروغگو بدانند. بلکه تحمل مؤمنان تمام می‌شود و ناامید می‌شوند. و شاید منظور از پیامبران در این آیه، پیروان پیامبران می‌باشند که ناامید شدند و ... عده‌ای درباره عقیده خود ناامید می‌شوند و می‌گویند: تا وقتی ما چیزی را امتحان نکرده‌ایم، نمی‌پذیریم.

علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَيَغِيْبَنَّ عَنْهُمْ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ خَاصَّةٍ!»^۴ به خدا قسم، مهدی علیه السلام پنهان می‌شود تا نادان‌ها بگویند: خداوند به خانواده محمد علیه السلام احتیاج ندارد!»

امام صادق علیه السلام، کم بودن یاران مهدی علیه السلام را، یکی دیگر از دلایل غیبت ایشان می‌داند و می‌فرماید:



۱. اعلام الوری: ۲۲۷.

۲. منتخب الاثر: ۲۶۱؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۰۸؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۲۲۲؛ بشارة الاسلام: ۱۱۴۷؛ المهدي المنتظر: ۳۰؛ المهدي: ۱۷۱؛ نتائج الموده: ۳؛ ۱۱۷، ۷۹. ۳. سورة مباركة يوسف، آية ۱۱۰. ۴. بحار الانوار: ۵۲؛ ۱۰۱.

«وَلَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَغْدُو صَوْتَهُ سَمْعَهُ وَلَا شَحْنَاؤُهُ بَدَنَهُ وَلَا يُخَاصِمُ فِينَا وَالِيًا وَلَا يُجَالِسُ لَنَا غَائِبًا وَلَا يُحَدِّثُ لَنَا ثَالِيًا وَلَا يُحِبُّ لَنَا مُنْفِضًا وَلَا يُنْفِضُ لَنَا مُحِبًّا؛ ولى بعضی از شیعیان ما، صدای ناله‌شان از گوششان بالاتر نمی‌رود و هرگز با دوستان ما دشمن نمی‌شوند و هرگز با دشمن ما دوست نمی‌شوند، خوبی‌های ما را به دشمنان ما نمی‌گویند، دشمنان ما را دوست ندارند، از دوست ما کینه‌ای ندارند.»

اخلاق شیعه واقعی، مانند اخلاق رهبران است، خشمگین نمی‌شود، شکایت خود را فقط به خدا می‌گوید، وقتی کمی یاران را می‌بیند صبر می‌کند، غم خود را در دلش پنهان می‌کند، به تولی و تبری عمل می‌کند تا خداوند یاورانی برساند که عدالت را در همه جهان گسترش دهد و در مبارزه حق و باطل، مقابل باطل بایستد تا امر خدا را زنده کند و یا در این راه بمیرد.

روایات امام کاظم علیه السلام

«لَهُ غَنِيَّةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَزْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا آخِرُونَ؛ او غیبتی طولانی دارد تا کشته نشود. در زمان غیبت او، گروهی مرتد می‌شوند و گروهی دیگر بر عقیده خود مقاومت می‌کنند.»

در اینجا «ترس» ترسی نیست که افراد معمولی در نظر دارند، منظور این است که مسئولان همیشه باید مسائل را پیش‌بینی کنند و مواظب باشند که کشته نشوند. کشته شدن در راه هدف، برای اولیای خدا بسیار شیرین است ولی باید مراقب باشند که هلاک نشوند که نوعی نافرمانی است و آن‌ها به فرمان خدا باید از خطر دوری کنند، حتی اگر از کشته شدن نمی‌ترسند. همان طور که ما نباید قبل از وقت، نماز بخوانیم و یا قبل از ماه رمضان روزه بگیریم. آن‌ها هم نباید جانشان را قبل از زمان تعیین شده فدا کنند.

مسئولیت امام مانند مسئولیت پیامبر بسیار سنگین است. امام نمی‌تواند حتی یک لحظه قبل از وقت معین، قیام کند، او نمی‌تواند برای خشنودی بعضی از شیعیان یا پاسخ به افراد نادان، عجله کند. کسانی که می‌گویند: «وقتی امام ظهور کند، ما از یاران او می‌شویم!»، اگر امام ظهور کند، بیشتر آن‌ها علیه مهدی علیه السلام دشمنی می‌کنند یا این که او را یاری نمی‌کنند. نابودی ظالمان و ستمگران کار راحتی نیست!

روایات امام رضا علیه السلام

«ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُغَيِّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ؛^۱ (مهدی علیه السلام) چهارمین فرزند من است که به فرمان خدا از نظرها غایب می شود تا زمانی که خدا بخواهد (او ظهور کند).»
 «الْقَائِمُ لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسْمَى بِاسْمِهِ؛^۲ جسم قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دیده نمی شود و هیچ کس اسم او را به زبان نمی آورد.»
 «كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ قَدِيمِ النَّالِثِ مِنْ وُلْدِي - أَيِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيْبُ عَنْهُمْ لِثَلَا يَكُونُ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ؛^۳ گویا وقتی سومین فرزندم امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا می رود، شیعیان پناهگاهی می خواهند ولی آن را نمی یابند. زیرا امامشان از نظرها پنهان می شود تا بیعت کسی بر عهده او نباشد و روزی با شمشیر قیام کند.»

علی علیه السلام نیز می فرماید:

«لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةٌ أَمَدُهَا طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانَ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ! أَلَا قَمَنْ ثَبِتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ [وَلَمْ يُقَسِّ قَلْبُهُ لَطَوِيلِ أَمَدِ غَيْبَتِهِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۴ قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مدتی بسیار طولانی غیبت می کند. گویا می بینم که شیعیان مانند گوسفند بی صاحب به دنبال چراگاه می گردند ولی پیدا نمی کنند. بدانید که اگر کسی در آن روز بر دین خود ثابت قدم باشد، به خاطر طولانی شدن غیبت امامش، از عقیده خود دست بر نمی دارد و روز قیامت در بهشت با من و در مقام من می باشد.»

خوشنا به حال کسی که در راه درست، پابرجا باشد و شک نکند، همان طور که علی علیه السلام وعده داده است، او با علی علیه السلام در مقامات بهشتی هم نشین می شود.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«جَمِيعُ الْأَيْمَةِ قُتِلُوا مِنْهُمْ بِالسَّيْفِ وَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحُسَيْنِ ع وَ الْبَاقُونَ قُتِلُوا بِالسَّمِّ قَتَلَ كُلٌّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ طَاغِيَةً زَمَانِهِ وَ جَرَى ذَلِكَ عَلَيْهِمْ عَلَى الْحَقِيقَةِ وَ الصَّحَّةِ؛^۵ همه امامان به وسیله ظالمان زمانشان کشته شدند، عده ای مانند علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام با شمشیر کشته شدند و عده ای دیگر با سم کشته شدند. در حقیقت این ظلم ها صورت گرفته است در حالی که آن ها سالم و تندرست بودند.»

روایات امام حسن عسکری علیه السلام

«وَضَعَ بَنُو أُمَيَّةَ وَ بَنُو الْعَبَّاسِ سِيوفَهُمْ عَلَيْنَا، لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُمْ فِي

دوازدهمین شماره
 مهدی قائم علیه السلام
 در پستانه حضرت
 یوم الحلاوة في ظلال القرآن
 محمد باقر
 باقر

۱. بشارة الاسلام: ۲۲۱، ۵۱، ۳۰۰، اعلام الوری: ۴۰۰، منتخب الاثر: ۵۵، بحار الانوار: ۵۱، ۱۰۹، الامام المهدی: ۷۹.
 ۲. الزام الناصب: ۸۲، همان: ۳، همان: ۴، بحار الانوار: ۵۲، ۹۶، منتخب الاثر: ۲۶۹، عیون الاخبار: ۱، ۲۱۳، الزام الناصب: ۱۰.

الْخَلَافَةُ حَقٌّ، فَيَخَافُونَ مِنْ أَنْ تَسْتَقِرَّ فِي مَرْكَزِهَا، وَسَعُوا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَإِبَادَةِ نَسْلِهِ طَمَعًا فِي الْوُصُولِ إِلَى مَنْعِ تَوْلُدِ الْقَائِمِ ﷺ أَوْ قَتْلِهِ، فَأَبَى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ، إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛^۱ بنی امیه و بنی عباس شمشیرهای خود علیه ما برافراشتند، زیرا می دانستند که در خلافت حقی ندارند. آن ها می ترسیدند که خلافت به مرکز خود برگردد و به صاحبان اصلی اش برسد و اهل بیت پیامبر ﷺ و فرزندان آن حضرت را کشتند تا شاید از تولد قائم ﷺ کنند و یا او را به بکشند. ولی به خواست خدا، ولادت او پنهان ماند و دشمنان متوجه نشدند و خداوند نور خود را کامل کرد، هر چند که مشرکان خشنود نشدند.»

یکی از حکمت های غیبت، همین است زیرا ستمگران برای به دست آوردن او بسیار تلاش می کردند. زیرا دشمنان امامت مهدی ﷺ و ظهور آن نجات بخش و نابودی پایه های ظلم و ستم به دست او را باور کرده بودند. پس می بایست تولد او از چشم دشمنان پنهان باشد. امامان ﷺ ده ها و یا صدها سال قبل از تولد مهدی ﷺ، می دانستند که تولد پنهانی دارد و مادرش سرور کنیزان است و پدرش ماجرای تولد پنهانی او را به همسرش نمی گوید تا مادرش کسی را باخبر نکند.

امام حسن عسکری ﷺ برای ایجاد آمادگی برای غیبت مهدی ﷺ، از شیعیان دوری می کرد. احکام دین را از پشت پرده برای شیعیان بیان می فرمود و آن ها را به این کار آموخته می کرد. حقوق واجب مردم را به وسیله واسطه از آن ها می گرفت و یا بیت المال را به کمک آن ها بین مردم تقسیم می کرد.^۲ این کارها را برای آمادگی غیبت انجام می داد. مهدی ﷺ نیز در زمان غیبت صغری، این گونه با شیعیان رابطه برقرار می کرد. روایات امام زمان ﷺ

حضرت مهدی ﷺ به نائب دوم خود، محمد بن عثمان می نویسد:

«... وَأَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْتَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْؤُكُمْ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَةِ فِي عُنُقِي وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَشِيَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَغْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُنَيْتُمْ وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ

دودان در هاب
 در پناه حضرت
 مهدی قائم ﷺ
 نور الحلال فی ظل القادر المهدی ﷺ

مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى؛^۱ ... اما در مورد علت غیبت؛ خداوند می فرماید: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگز درباره موضوعی که اگر فاش شود، شما را ناراحت می‌کند، سؤال نکنید﴾^۲ هر کدام از پدران من، با ظالمان زمان خود بیعت داشتند، ولی موقع ظهور، بیعت هیچ یک از ظالمان به عهده من نیست. و اما چگونه مردم از وجود من بهره‌مند شوند؛ در زمان غیبت، مانند خورشید پشت ابر، شیعیان از وجود من بهره‌مند می‌شوند و من در زمین امنیت ایجاد می‌کنم، به طوری که ستارگان برای اهل آسمان امنیت ایجاد می‌کنند.»

درباره چیزهایی که برای شما سودی ندارد سؤال نکنید، و درباره آنچه برای شما گفته می‌شود، خود را به سختی نیندازید. و برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که آسایش شما هم به فرج مربوط است. و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند.»

تشبیه غیبت حضرت مهدی علیه السلام به خورشید پشت ابر، معنای دقیقی دارد که فواید آن خورشید درخشان در دوران غیبت را بیان می‌کند، زیرا حتی اگر خورشید پشت ابرهای تیره باشد، باز هم برای ما و همه جانداران فایده دارد و همه موجودات زنده جهان به نور و حرارت آن نیاز دارند، حتی اگر پشت ابر باشد. اگر نور و حرارت خورشید نبود، در نظام طبیعت و ناموس فطرت، اختلال ایجاد می‌شد و موجودات زنده به خطر می‌افتادند. مهدی علیه السلام نیز در پشت پرده غیبت پنهان است ولی در بین ما حاضر و ناظر است. برای لغزش‌های ما طلب آمرزش می‌کند، از خدا می‌خواهد که مشکلات را برطرف کند و به برکت دعا‌های او بسیاری از بلاها دور می‌شود و عنایات و رحمت خداوند شامل ما می‌شود.

فایده دیگر آن وجود مقدس این است که او الگوی ماست و ما همیشه تلاش می‌کنیم که از او پیروی کنیم و از راه او که راه مستقیم و فرمان خداست منحرف نشویم. آن‌ها که راه او را در پیش گرفته‌اند: امر به معروف، نهی از منکر می‌کنند، به سوی حق و صبر دعوت می‌کنند، در امور دینی خود بسیار بیدار و هوشیار هستند و در برابر ظالمان ستمگر می‌ایستند. حضرت مهدی علیه السلام در پاسخ یکی از سفیرانش نوشت:

«إِنْ دَلَّتْهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَدَاعُوهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ»^۳ اگر اسم مرا به آن‌ها بگویی، آن را آشکار می‌کنند، و اگر اقامتگاه من را بدانند، آن را برای دشمنان فاش

۱. بحار الانوار: ۵۲: ۹۲ و ۵۳: ۱۱۸۱، الزام الناصب: ۱۳۰، منتخب الاثر: ۲۶۷، غیبت شیخ طوسی: ۱۷۷، اعلام الوری: ۴۲۴، کشف الغمّه: ۳: ۳۲۳، الامام المهدی: ۲۵۲. ۲. سوره مبارکه مائده، آیه ۱۰۱. ۳. اصول کافی: ۱: ۳۳۳.



می‌کنند.»

و در نامه‌ای که به حسین بن روح نوبختی سومین نائب خود نوشته است، چنین بیان شده است:

«مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ وَ مَنْ طَلَبَ فَقَدْ دَلَّ وَ مَنْ دَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ؛ کسی که از من صحبت کند، بازخواست می‌شود و کسی که بازخواست شود، آشکار می‌کند و کسی که آشکار کند، خون می‌ریزد.»

هر طاغوتی دوست دارد که پابرجا باشد، و هر طاغوتی می‌داند که مهدی علیه السلام او را نابود می‌کند. وقتی کسی از مهدی علیه السلام صحبت می‌کند، حکومت او را دستگیر و زندانی می‌کند و با شکنجه می‌خواهد اطلاعات را از او بگیرد. و بسیاری از مردم در مقابل شکنجه، ضعیف هستند و مکان امام را فاش می‌کنند. پس در شهادت امام بزرگوار شریک هستند. ولی خواست خدا در این است که هیچ ظالمی به مهدی علیه السلام دست نیابد.

آنچه گفته شد، روایات امامان علیهم السلام درباره غیبت حضرت مهدی علیه السلام بود و هر کس در این باره حرفی بزند، بر اساس عقل و درک او می‌باشد و نظر او پایه و اساس ندارد.

حکمت غیبت

غیبت حضرت مهدی علیه السلام بر اساس تقدیر الهی است و خداوند در کارهای خود یا کسی مشورت نمی‌کند چرا که خود، حکیم است و همه کارهایش مطابق حکمت است و بازخواست نمی‌شود؛ ولی مردم مسئول کارهای خود هستند.^۲

ما نمی‌توانیم دلیل غیبت حضرت مهدی علیه السلام را بفهمیم و دانش ما نمی‌تواند آن را درک کند و راز غیبت، هنگام ظهور آن حضرت بر ملا می‌شود. به مؤمن واقعی که ایمان حقیقی دارد و احکام دین را پذیرفته است می‌گوییم: غیبت حضرت مهدی علیه السلام را مانند احکام دین بپذیر، حتی اگر راز غیبت را ندانی. همان طور که حکمت مسح سر و پا را در وضو نمی‌دانی ولی آن را پذیرفته‌ای. پس به آن چه از طریق وحی رسیده، معتقد باش که فرمان خداست و حکمتی ندارد و کسی در علم خدا شریک نیست.

اما به کسی که سعی می‌کند راز غیبت و اسرار آن را بداند، می‌گوییم: به اندازه درک خود، خوب بیندیش و فکر خود را به کار بینداز تا پاسخی پیدا کنی که قلبت را آرام کند و عقلت آن را بپذیرد. ولی آگاه باش که عجله نکنی و چیزی را به طور قطعی بیان نکنی و

تحقیقات گذشتگان را مطالعه کن که بسیار مفید است و کسی که نتیجه تلاش گذشتگان را انکار می‌کند، جاهل است و به تاریکی می‌رود. او مثل شتری است که در شب تاریک به بیراهه می‌رود!

محقق واقعی کسی است که اندیشه‌های امروز و دیروزش را در کنار یکدیگر قرار دهد و با تفکر دقیق درباره تجربیات گذشتگان، از کسی که به راه درست رفته، عبرت بگیرد و از کسی که به بیراهه رفته و هلاک شده، تجربه‌ای بگیرد و افکار جدید خود را به آن‌ها اضافه کند. گفته‌اند: «داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود اضافه کند.» اما کسی که دنبال غیبت دیگری، مانند غیبت حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، می‌گوییم: ۱. مگر پیامبر صلی الله علیه و آله از ترس جان خود، با مراقبت عموی بزرگوارش حضرت ابوطالب، در شعب ابوطالب مخفی نشد؟^۱

۲. مگر پیامبر صلی الله علیه و آله مدت طولانی، برای حفظ جان و حفاظت از رسالت خود و فرار از کسانی که او را آزار می‌دادند و مانع عبادت و خودسازی او می‌شدند و در برابر آن‌ها یار و یآوری نداشت، در غار حرا مخفی نشد؟^۲

۳. مگر ادریس علیه السلام ۲۰ سال برای ترس از امت خود که دعوت او را قبول نمی‌کردند و با او مبارزه می‌کردند، غیبت نکرد؟^۳

۴. حضرت موسی علیه السلام به قوم خود فرمود: «من به خاطر ترس از شما، فرار کردم. سپس پروردگام پیامبری را به من عنایت کرد و مرا در زمرة پیامبران قرار داد»^۴ موسی علیه السلام می‌خواست حق را اجرا کند و باطل را نابود کند.^۵

بنابراین این غیبت‌ها، به خاطر ترس می‌باشد. ولی ترس شخصی و ترس از کشته شدن نبوده است. بلکه مهدی علیه السلام از این می‌ترسد که در برنامه‌اش خللی ایجاد شود. بنابراین او منتظر فرا رسیدن زمان معین است تا روزی که خداوند فرمان ظهور بدهد، ظهور کند و ستم و ستمگران را نابود کند و طاغوت‌ها را از بین ببرد و حق را اجرا کند و باطل را نابود سازد.

در نتیجه پیامبر صلی الله علیه و آله صفات و نشانه‌های فراوانی از حضرت مهدی علیه السلام بیان کرده است تا حجت برای همه تمام شود و فرموده است که روز ظهور او معلوم نیست تا هر کس

۱. بحار الانوار: ۵۱، ۱۷۶؛ کامل ابن اثیر ۲: ۱۸. ۲. الزام الناصب: ۸۴. ۳. همان مدرک: ۸۲. ۴. سوره مبارکه شعرا، آیه ۲۱. ۵. الزام الناصب: ۸۳.



ایمان بیاورد از روی دلیل قطعی و عقلی ایمان بیاورد و هر کس نابود می‌شود، حجت برای او تمام شده باشد.

احادیث حضرت مهدی علیه السلام زیاد است و هر ستمگر و ظالمی هم آن را شنیده است و از او می‌ترسد، و هر مظلومی به او پناه می‌برد. هر کس امر خدا را بپذیرد و فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله را با گوش جان بشنود و به امام غائب ایمان بیاورد، پاداش مؤمنان به غیبت را به دست می‌آورد؛ و هر کس کافر شود، خداوند از ایمان او نیاز ندارد همان طور که از ایمان گذشتگان بی‌نیاز بود. در طول تاریخ، بسیاری از گذشتگان به خدا کافر شدند و کیفر کفر خود چشیده‌اند. امت اسلامی هم مانند گذشتگان است. در گذشته هر جا مصلحت بود، پیامبران در مدت کوتاه یا طولانی غیبت می‌کردند: حضرت ابراهیم، ادریس، صالح، یوسف، موسی، عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله غیبت کرده‌اند. پس چه اشکالی دارد که حضرت مهدی علیه السلام که حجت خدا در روی زمین، و وارث پیامبران و پیام رسان آزادی است، مدتی غیبت کند؟!

تاریخ به ما می‌گوید: هر یک از امامان معصوم علیهم السلام که در زمان حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس زندگی می‌کردند، در طول عمر خود در زندان و تبعید و زیر فشار بوده‌اند و در نهایت هم به دست ستمگران کشته شده‌اند، یا زیر شکنجه آنان در زندان و با سم به شهادت رسیده‌اند.

همه می‌دانند که امام کاظم علیه السلام در زندان‌های هارون الرشید با سختی به سر می‌برد و با زحمت شیعیان را می‌دید و احکام دین را به آنها می‌آموخت. همین امام کاظم علیه السلام، به یتیمان و نیازمندان کمک می‌کرد و هدیه هایش از پاداش حاکمان بهتر بود.

حتی در سخت‌ترین شرایط هم امامان معصوم علیهم السلام فتوا می‌دادند، زیرا حکومت با این که به آنها سخت‌گیری می‌کرد، تا حدودی هم از شیعیان می‌ترسید تا شورش نکنند. بنابراین با وجود این آزادی محدود، از اعتراض شیعیان جلوگیری می‌کردند. به همین دلیل عده‌ای به بهانه داد و ستد وارد زندان می‌شدند و از امام کاظم علیه السلام سؤالات دینی می‌پرسیدند و دستگاہ خلافت این را نادیده می‌گرفت.

ولی در دوران حکومت مهدی علیه السلام اوضاع خیلی بهتر می‌شود و با هیچ ظالمی بیعت نمی‌کند که او شمشیر بُرنده خداست و برای نابود کردن ستمگران آفریده شده است.

امامان دیگر سعی می‌کردند تا اعتقادات مردم را پابرجا کنند و آنها را با تفسیر قرآن

و سنت پیامبر ﷺ آشنا کنند. ولی هنگام ظهور، حضرت مهدی علیه السلام شمشیری در دست دارد که با آن سنت پیامبر ﷺ را زنده می‌کند و انحرافات را از بین می‌برد، احکام فراموش شده را زنده می‌کند. همه ستمگران را با آن شمشیر نابود می‌کند. هر ستمگری که این را بداند، به او رحم نمی‌کند و او نیز به هیچ ستمگری رحم نخواهد کرد.

وقتی حضرت نرجس خاتون به مهدی علیه السلام باردار بود، دستگاه خلافت با تلاش می‌کرد که به ایشان دست پیدا کند و جاسوسان خود را اطراف خانه امام حسن عسکری علیه السلام قرار داده بود تا از زنان آن‌ها مراقبت کنند. وقتی دستگاه خلافت نتوانست به هدف خود برسد و آن نوزاد مبارک را نیافت، همه همسران و کنیزان امام حسن عسکری علیه السلام را به زندان انداخت و همه آن‌ها بیشتر از یک سال در زندان بودند، تا اگر یکی از آن‌ها باردار باشد در زندان وضع حمل کند. حتی بعضی از زنان را دو سال کامل در زندان نگه داشتند، زیرا یکی از بزرگان دستگاه خلافت خبر داده بود که مادر مهدی علیه السلام حاملگی غیرعادی دارد و مدت حملش نیز غیرعادی می‌باشد.

نقل می‌کنند: یکی از همسران امام حسن عسکری علیه السلام برای فریب دادن ستمگران، ادعای بارداری کرد. در نتیجه او را دو سال کامل زندانی کردند تا در زندان وضع حمل کند. ولی وقتی دستگاه خلافت سرگرم انقلاب بصره و شورش صاحب زنج شد، آن بانو را رها کردند. این بانوی بزرگوار در زندان به دیدار حق شتافت.^۱

امامان پیشین در برابر دستگاه خلافت قیام نمی‌کردند. پس از داستان کربلا، همه امامان معصوم علیهم السلام امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و احکام دین را بیان می‌کردند و قرآن را تفسیر می‌کردند و سنت پیامبر ﷺ را زنده می‌کردند. ولی همیشه طاغوت‌های زمان، آن‌ها را تعقیب و شکنجه و تبعید و زندان می‌کردند؛ اگر امامان علیهم السلام با آن‌ها مبارزه می‌کردند، دستگاه خلافت آن‌ها را می‌کشتند. بنابراین مهدی علیه السلام چاره‌ای ندارد که غایب باشد تا وقتی که شرایط ظهور آماده شد، به اذن خدا قیام کند و ظالمان را نابود کند. ستمگران مانع به وجود آمدن آن حکومت جهانی می‌شوند ولی با ظهور حجت خدا، این ظالمان نابود خواهند شد و سنگرهای ظلم و ستم سقوط می‌کنند.

اگر غیبت حضرت مهدی علیه السلام به خاطر حفظ جانش باشد، و برای ظهورش منتظر



۱. غیبت شیخ طوسی: ۷۲؛ الزام الناصب: ۱۰۴؛ الامام المهدی: ۱۵۰؛ وفاة العسکری: ۳۷؛ اعلام الوری: ۲۳۷؛ ارشاد مفید: ۳۲۵؛ المهدی: ۱۵۴-۱۵۶، ۵۲.

فرمان خدا باشد، پس چرا این غیبت طولانی شده است؟! در پاسخ این پرسش، روایات پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام را بیان می‌کنیم که با این غیبت، مؤمنان امتحان می‌شوند و منکران شناخته می‌شوند. بعضی می‌گویند: اکنون خداوند مهدی علیه السلام را حفاظت می‌کند و دشمنان نمی‌توانند به ایشان آسیب برسانند؛ پس چرا حضرت ظهور نمی‌کند؟! آیا این غیبت حجت خدا را باطل نمی‌کند؟!

از طرف دیگر، وقتی مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، قدرت فراوانی دارد. آیا در حکومت مهدی علیه السلام اجبار وجود دارد در حالی که مؤمن می‌توند با آزادی ایمان بیاورد و هرگز مجبور به این کار نشود؟! آیا در میان ما افراد شایسته‌ای هستند که آن حضرت را یاری کنند؟ یا ما هم مانند بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام می‌گوییم: «تو و پروردگارت بروید و با فرعونیان بجنگید، ما اینجا نشسته‌ایم»^۱.

آیا برای نابودی ستمگران، خداوند از مهدی علیه السلام تواناتر نیست؟! پس چرا به آنها مهلت می‌دهد و آنها را در انتخاب راه تباهی آزاد می‌گذارد؟! چرا از آنها انتقام نمی‌گیرد؟! ولی خداوند عجله نمی‌کند، زیرا کسی که عجله می‌کند، می‌ترسد به هدفش نرسد. ولی خداوند مهربان، به بندگان مهلت می‌دهد، برای آنها پیامبران را می‌فرستد، و راه‌های هدایت را برای آنها روشن می‌کند تا هدایت شوند و از گمراهی نجات یابند. در نتیجه اگر خدا خواسته که مهدی علیه السلام غیبت کند، به خاطر دلایلی است که ما ایجاد کرده‌ایم و گرنه خداوند بسیار مهربان است و مردم تحت اختیار او هستند و نمی‌توانند از انتقام او نجات یابند و هرگز قدرت آن را ندارند که از زیر آسمان و یا روی زمین او بیرون بروند؛ پس به کافران مهلت بده و مدتی کوتاه به آنها مهلت بده»^۲.

گاهی می‌پرسند: چرا مهدی علیه السلام مانند پدران بزرگوارش به صورت ظاهر در میان مردم زندگی نمی‌کند و مانند آنها از مسائل سیاسی دور باشد و امر به معروف و نهی از منکر نموده و در حد امکانات خود، امور مردم را اصلاح کند؟!

در پاسخ می‌گوییم: برنامه حضرت مهدی علیه السلام با امامان دیگر فرق دارد. دشمنان پدران او، آنها را یکی پس از دیگری به شهادت رساندند و حتی یک نفر از آنها به مرگ طبیعی از دنیا نرفت، بلکه در سلامتی کامل، با تیغ شمشیر و یا سم به شهادت

دوره دوازدهم
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 تفسیر الحاشیة فی الظاهر والباطن

۱. سوره مبارکه مائده، آیه ۲۴. ۲. سوره مبارکه طارق، آیه ۱۷.

رسیدند. اما مهدی علیه السلام آخرین حجت خداست که برای نابودی کساح‌های ظلم و ستم می‌آید و نباید کشته شود تا با انقلاب جهانی، پرچم عدالت را در جهان برافراشته کند. اما امامان دیگر هم مانند مهدی علیه السلام روی زمین بودند ولی حکومت تشکیل نمی‌دادند، زیرا امامان قبلی ظاهراً زندگی می‌کردند ولی باز هم چنین اقدامی نکردند، حتی وقتی امام رضا علیه السلام وقتی فرصت تشکیل حکومت برایش پیدا شد، خودداری کرد، حتی اگر تهدید به قتل نبود، ولایتعهدی را هم نمی‌پذیرفت. در صورتی که همه شیعیان یار و یاور آن حضرت بودند و مأمون برای خشنودی شیعیان و جلوگیری از شورش آنان دست به این کار زد. سپس امام را وادار کرد تا به مرو (خراسان) مسافرت نماید و خودش هم به آن جا رفت و در آنجا با نیرنگ، آن حضرت را به شهادت رسانید و همه جا عزای عمومی اعلام کرد.^۱

پدران بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام به خاطر که خداوند برایشان تعیین فرموده بود، از سیاست دور بودند ولی هرگز برای به دست آوردن آن شمشیر نکشیدند و هرگز به دست آن‌ها نرسید، فقط امیرمؤمنان علیه السلام مدت کوتاهی حاکم بودند و این دوران با جنگ‌های داخلی با ناکثین و قاسطین و مارقین و جنگ‌های جمل، صفین و نهروان گذشت. ولی در عصر ما هم، انسان‌های دیگری با این گرایش وجود دارند و اگر مهدی علیه السلام روش امامان دیگر را داشته باشد، شکست می‌خورد.

چرا مهدی علیه السلام برای دوستان مورد اعتماد خود ظاهر نمی‌شود؟! برای این که مکان ایشان فاش نشود و تا وقت ظهور، با دوستان خاص خود دیدار کند.

با این غیبت، دوست و دشمن امتحان می‌شوند، و دوست پاداش صبر و شکیبایی و تحمل درد هجران و سرزنش دشمن را خواهد دید و دشمن به کیفر انکار و ستم خود می‌رسد. انتظار، زمینه مساعد و فرصت مناسبی است که اگر چه این انتظار برخی از احکام شریعت را تعطیل می‌کند ولی دل‌ها آماده پذیرش سخن آن نجات بخش مهربان می‌شود. پس مردم به او اعتماد می‌کنند و تا وقتی انسان سختی نکشیده باشد، نمی‌تواند راحتی و آسایش را درک کند.

یکی از مسلمانان نادان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر! عدالت را پیشه کن!!

پیامبر صلی الله علیه و آله با اخلاق پسندیده خود، او را نوازش کرد و فرمود: «وای بر تو، اگر من هم با



عدالت رفتار نکنم، پس چه کسی با عدالت رفتار خواهد کرد؟!»^۱

حضرت مهدی علیه السلام مانند داود علیه السلام حکومت می‌کند، منافقان در زمان او روزگار سختی خواهند داشت، زیرا او باطن آن‌ها را می‌شناسد و آن‌ها را به کیفر خواهد رسانید. پذیرش این رهبر برای همه خوشایند نیست، بلکه لازم است وعده خدا فرا برسد و حق ظاهر شود و باطل نابود گردد، تا همه چنین نظامی را بپذیرند. اما این‌که چه وقت این زمینه فراهم می‌شود، به خواست خدا بستگی دارد و خدا از آن آگاه است.

فرعون مدت بیست و چند سال حضرت موسی علیه السلام را در کاخ خود پرورش داد، بدون اینکه او را بشناسد و بداند که او همان موسای موعود است و در تمام این مدت شکم زن‌های حامله را می‌شکافت و نوزادشان را می‌کشت و حضرت موسی علیه السلام این جنایات را با چشم خود می‌دید ولی فرعون او را نمی‌شناخت. و اکنون مدت یازده قرن و نیم است که حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در میان ماست و اعمال نادرست ما را می‌بیند، ولی ما او را نمی‌بینیم و نمی‌شناسیم.

همان طور که ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آن روز، یکی از الطاف خداوند است، اکنون غیبت او نیز یکی از الطاف خداوند است.



فصل پنجم

نحوه بهره‌مندی از امام مهدی «علیه السلام» در زمان غیبت

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر ﷺ پرسید: آیا شیعیان در زمان غیبت از قائم

-عجل الله تعالی فرجه الشریف- بهره‌مند می‌شوند؟ حضرت فرمود:

«إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّتْهَا السَّحَابُ؛ آری، سوگند به خداوندی که مرا به پیامبری برگزید، مردم از او بهره‌مند می‌شوند و از نور ولایت او بهره می‌گیرند، همان طور که مردم از خورشید پشت ابر استفاده می‌کنند.»

اگر پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام مرا را راهنمایی نمی‌کردند، ما نیز گمراه می‌شدیم و دچار شک و تردید می‌شدیم. خدا را شکر می‌کنیم که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را شناختیم و ولایت را پذیرفتیم و اکنون هم به آن حضرت اعتقاد داریم و شب و روز در انتظار مقدم شریفش می‌باشیم. به خدا پناه می‌بریم از اینکه هنگام ظهور آن حضرت، در راهی جز راه او قدم بگذاریم و از سنت پیامبر ﷺ و پدران بزرگوار آن حضرت، منحرف شویم. خود را آماده می‌کنیم که در روز موعود، از جمله یاران آن حضرت باشیم و با ظلم و ستم مبارزه کنیم و با این که مدت طولانی در غیبت است، در اعتقاد به وجود مبارک آن حضرت، ثابت قدم باشیم و به آنچه از پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام به ما رسیده، اعتقاد قوی داشته باشیم.

شب و روز در انتظار مقدم او، و به آرزوی دیدار او زندگی می‌کنیم. عدالت را دوست داریم و برای پیاده کردن آن می‌کوشیم. از ستم دوری می‌کنیم و برای نابودی آن تلاش می‌کنیم. در جامعه ما پدران به فرزندان این روش را می‌آموزند و دانایان به نادان‌ها توصیه می‌کنند.

۱. بحار الانوار ۵۲: ۹۳؛ الزام الناصب: ۱۲۸، ۱۲۶، ۱۲۲؛ الامام المهدی: ۱۵۷، ۳۷، ۲۰؛ اعلام الوری: ۳۷۶؛ منابع الموده ۳: ۱۷۰، ۱۲۸، ۷۸؛

منتخب الاثر: ۲۷۱؛ بحار الانوار ۵۲: ۹۲.



و ما این گونه از نور ولایت آن خورشید فروزان در زمان غیبت بهره‌مند می‌شویم، همان طور که از آفتاب پشت ابر بهره‌مند می‌شویم که نور و حرارت آن از لابه‌لای ابرها نفوذ کرده، به همه جانداران فایده می‌رساند. هم چنین، تعالیم گرانبهای مهدی علیه السلام به وسیله افرادی که گاهی آن وجود مبارک را درک کرده‌اند به ما می‌رسد و از نور ولایتش بهره می‌بریم. اگر چه در لحظه تشریف آن حضرت را نشناخته‌اند، ولی بعداً با نشانه‌های قطعی متوجه شده‌اند که او امام زمان علیه السلام بوده است.

روایات امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام

«أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَشْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَحْذُو فِيهَا عَلَيَّ مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رَبْقًا وَيُغْتَقَ رِقًا وَيَضَعَّ شَعْبًا وَيَشْعَبَ صَدْعًا فِي سُتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِمُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ»^۱ بدانید که هر کس مهدی علیه السلام را درک کند، متوجه می‌شود که او چراغ هدایت‌گر صالحان است، بندها را پاره می‌کند، بردگی و بهره‌کشی را باطل می‌کند، عده‌ای را پراکنده می‌کند، عده‌ای را جمع می‌کند. او در زمان غیبت در بین مردم و پنهان از دیده‌ها زندگی می‌کند و حتی انسان دقیق نمی‌تواند او را بشناسد.

چگونه او را نمی‌بینیم؟! این معجزه الهی است که او از نظرها غایب است و نشانی از قدرت خداوند است. خدایی که حضرت خضر علیه السلام را شش هزار سال از نظرها غایب کرد و ادیان آسمانی در این باره هم نظر هستند. خداوندی که ابری را به عنوان سایبان بالای سر پیامبر صلی الله علیه و آله در طول مسیر به حرکت درمی‌آورد. پروردگاری که حضرت عیسی علیه السلام را به آسمان‌ها برد، بدون اینکه از امکانات فضایی استفاده کند. خداوندی که آتش نمرود را برای حضرت ابراهیم علیه السلام سرد کرد.

افکار کوچک ما نمی‌تواند این‌ها را درک کند، ولی مؤمنان که قدرت خداوند را می‌شناسند، می‌دانند که این‌ها در برابر قدرت خداوندی بسیار آسان می‌باشد.

«إِذَا غَابَ الْمُتَغَيَّبُ مِنْ وَدْيِ عَنْ عِيُونِ النَّاسِ وَ مَاجَ النَّاسُ بِفَقْدِهِ وَ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ أَنَّ الْحُجَّةَ ذَاهِبَةٌ وَ الْإِمَامَةَ بَاطِلَةٌ فَوَرَبِّ عَلَيَّ إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ مَاشِيَةٌ فِي طُرُقِهَا دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَ قُصُورِهَا جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ هَذِهِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تُسَلِّمُ عَلَيَّ الْجَمَاعَةَ تَرَى وَ لَا تُرَى إِلَى الْوَقْتِ وَ الْوَعْدِ وَ نِدَاءِ الْمُتَنَادِي مِنَ السَّمَاءِ»^۲ وقتی قائم ما از نظرها غایب شود، مردم از حدود شرع بیرون می‌روند و عده‌ای گمان می‌کنند که حجت

دوران رهبان
 در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت

۱. نهج البلاغه ۲: ۳۵، منتخب الاثر: ۲۷۰، تنبیح الموده ۳: ۹۴، المهدي: ۱۸، الامام المهدي: ۸۳.

۲. بشارة الاسلام: ۳۷، غیبت نعمانی: ۷۲.

خدا از بین رفته و امامت باطل شده است! سوگند به خدای علی علیه السلام در چنین روزی حجت خدا در میان آنهاست، در کوچه و بازار آنها راه می‌رود و بر خانه‌های آنها وارد می‌شود و در شرق و غرب جهان می‌گردد و سخن مردم را می‌شنود و در جمع آنها وارد شده و سلام می‌کند. او مردم را می‌بیند ولی مردم تا روز موعود او را نمی‌بینند، تا جبرئیل بانگ زند و ظهور او را اعلام کند.»

علی علیه السلام این موضوع را از پیامبر صلی الله علیه و آله آموخته است. گویا فرزند دل‌بندش را که بیش از دو قرن بعد از شهادت او به دنیا خواهد آمد، با چشم خود می‌بیند و با سوگند به خداوند، با قاطعیت سخن می‌گوید تا مردم دچار شک نشوند.

پس بر اساس این روایت علی علیه السلام، مهدی علیه السلام در مسافرت‌ها با ماست، در مجالس ما به طور ناشناس حضور دارد، در مراسم حج شرکت می‌کند و با حجاج خانه خدا همراهی می‌کند. او اگر چه مکان خاصی ندارد ولی در شرق و غرب جهان گردش می‌کند و نیازمندان را برآورده می‌کند. ولی به خاطر بدی‌های ماست که او از نظرها غایب شده است؟!

روایات امام سجاد علیه السلام

«لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ؛^۱ هیچ کدام از دوستان و دیگران از مکان او آگاه نیستند، مگر خدمتگزار او.»

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هیچ یک از دوست و دشمن، مکان او را نمی‌داند، مگر خدمتگزار او.» بنابراین هر کس مکان او را جستجو کند، شکست می‌خورد.

روایات امام باقر علیه السلام

«لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزَلَةٍ وَلَا بُدَّ فِي عَزَلَتِهِ مِنْ قُوَّةٍ وَمَا بِتَلَايِينٍ مِنْ وَخْشَةٍ وَ نِعْمَ الْمَنْزِلُ طَيِّبَةٌ؛^۲ صاحب امر، گوشه نشینی دارد و در این دوران، قدرتی لازم دارد، با سی نفر، ترسی وجود ندارد؛ مدینه مکان خوبی است.»

این حدیث را امام صادق علیه السلام نیز روایت کرده است. از این حدیث معلوم می‌شود که حضرت مهدی علیه السلام مدت زیادی از عمر شریف خود را در کنار حرم جد بزرگوارش در مدینه می‌گذراند. همواره سی نفر از یاران نزدیک و خدمتگزاران درستکار در خدمت آن حضرت هستند، که هرگاه یکی از آنها از دنیا برود یکی دیگر جانشین او می‌شود. این سی

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۵۳ و ۵۳: ۳۲۴؛ الزام الناصب: ۱۷۴، ۹۸؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۰۴؛ منتخب الاثر: ۲۵۱، ۲۵۲؛ بشارة الاسلام: ۸۶.
۲. غیبت شیخ طوسی: ۱۰۲؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۵۷، ۱۵۳؛ اصول کافی ۱: ۳۴۰.



نفر، لیاقت آن را دارند و سر الهی را فاش نمی‌کنند.

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يُطْفَأُ؛ أَصَاحِبِ أَمْرٍ، خَاطَمِ دَارِ بِنَامِ «بَيْتِ الْحَمْدِ»، وَدَرِ أَنْجَا چِراغی هست که از روز ولادت آن حضرت روشن است. این چراغ هرگز خاموش نمی‌شود تا روزی که حجت خدا با شمشیر قیام کند.»

این حدیث از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.

این خانه و چراغش از نظرها پنهان است و یا جایی است که کسی خبر ندارد. شبیه این چراغ نیز توسط انسان ساخته شده است، مانند شمعی که مرحوم شیخ بهائی رحمته الله در حمام اصفهان روشن کرد و صدها سال باقی بود و حمام را گرم می‌کرد و اروپایی‌ها آن را خاموش کردند تا سر آن را بفهمند و اگر این کار را نمی‌کردند، هزاران سال دیگر نیز روشن می‌ماند.

روایات امام صادق علیه السلام

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِأَمَامِ هُدًى وَ لَا عَلمَ يُرَى؛^۱ وقتی امامی ندارید و یا علامت آشکاری از او نمی‌بینید، حال شما چگونه است؟»

«لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْعَيْنَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ وَ الْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ فِي دِينِهِ؛^۲ قائم ما دو غیبت دارد: یکی غیبت کوتاه و دیگری غیبت طولانی است. در غیبت کوتاه، شیعیان نزدیک، مکان حضرت را می‌دانند ولی در غیبت طولانی، فقط خدمتگزاران او، جایگاه او را می‌دانند.»

«لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَهُ فِيهِ؛^۳ قائم ما دو غیبت دارد که در زمان غیبت کبری، هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند، او مردم را می‌بیند و مردم او را نمی‌بینند.»

«يَقْدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ قَيْشَهُدُ الْمَوَاسِمَ فَيَرَاهُمْ وَ لَا يَرَوْنَهُ؛^۴ مردم امام خود را نمی‌بینند و غایب می‌شود، ولی در مراسم حج شرکت می‌کند، مردم را می‌بیند و مردم او را نمی‌بینند.»

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۸۰؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۵۸؛ اعلام الوری: ۲۳۱؛ الزام الناصب: ۱۳۹؛ غیبت نعمانی: ۱۲۶.

۲. بشارة الاسلام: ۵۶ و ۱۵۰.

۳. غیبت نعمانی: ۱۹۹؛ منتخب الاثر: ۲۵۱؛ اصول کافی ۱: ۳۴۰؛ الزام الناصب: ۱۱؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۵۵ و ۵۳: ۳۲۴؛ منابع الموده ۳: ۸۲.

۴. اصول کافی ۱: ۳۳۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۵۶.

۵. بحار الانوار ۵۲: ۱۵۱؛ اصول کافی ۱: ۳۳۸؛ غیبت طوسی: ۱۰۲؛ منتخب الاثر: ۲۵۲؛ الزام الناصب: ۸۰.

«إِنَّ اللَّهَ أَحْكَمُ وَأَكْرَمُ وَأَجَلُّ وَأَعْلَمُ مِنْ أَنْ يَكُونَ أَحْتَجَّ عَلَى عِبَادِهِ بِحُجَّةٍ ثُمَّ يُعَيِّبُ عَنْهُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِهِمْ؛^۱ خداوند حکیم‌تر، مهربان‌تر، بزرگوارتر و داناتر از آن است که با حجتی از حجّت‌های خود به مردم احتجاج کند و چیزی را از امر او بر مردم پوشیده بدارد.»
پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام ویژگی‌های قائم را خبر داده‌اند و نشانه‌های دیگری برای ما مشخص کرده‌اند که هر روز یکی از آنها اتفاق می‌افتد و مسأله ظهور مهدی علیه‌السلام را روشن می‌کند که در آینده در این باره سخن خواهیم گفت.

«إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فِيهِ شَبَهٌ مِنْ يُوسُفَ . فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ تَعَالَى فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ يُرِيدُ أَنْ يَسْتَرْحِطَهُ لَقَدْ كَانَ يُوسُفُ لَهُ مُلْكٌ مِصْرَ وَكَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ وَالِدِهِ مَسِيرَةَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعْرِفَهُ مَكَانَهُ لَقَدَرَ عَلَى ذَلِكَ وَ اللَّهُ لَقَدْ سَارَ يَعْقُوبُ وَ وُلْدُهُ عِنْدَ الْبِشَارَةِ تِسْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ بَلَدِهِمْ إِلَى مِصْرَ فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بِسَاطِحِهِمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ أَنْ يُعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أُذِنَ لِيُوسُفَ حَتَّى قَالَ لَهُمْ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي؛^۲ صاحب امر به حضرت یوسف علیه‌السلام شباهت دارد، زیرا مردم در غایب بودن مهدی علیه‌السلام شک می‌کنند؛ حضرت یوسف علیه‌السلام فرمانروای مصر بود و با پدرش هجده روز فاصله داشت. اگر خدا می‌خواست، می‌توانست جای او را به پدرش نشان دهد. به خدا سوگند، وقتی حضرت یعقوب علیه‌السلام و فرزندان‌ش جای او را فهمیدند، این مسافت را در نه روز طی کردند! چرا این امت انکار می‌کنند که خداوند همان کار را که با حضرت یوسف علیه‌السلام کرد، با مهدی علیه‌السلام نیز بکند؟ حضرت یوسف علیه‌السلام در بازار راه می‌رفت و کنار سفره آن‌ها می‌نشست ولی او را نمی‌شناختند. تا وقتی که به اذن خدا مهدی علیه‌السلام خود را معرفی کند، همان طور که حضرت یوسف علیه‌السلام خود را معرفی کرد. «آیا می‌دانید که با یوسف و برادرش چه کردید؟ در حالی که نادان بودید؟ گفتند: به راستی تو یوسف هستی؟ گفت: آری، من یوسف هستم و این برادر من است»^۳.

«فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَمَّا سُنَّةُ مُوسَى فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ وَ أَمَّا سُنَّةُ يُوسُفَ فَإِنَّ إِخْوَتَهُ كَانُوا يُبَايِعُونَهُ - أَيْ يَبِيعُونَ وَ يَشْتَرُونَ مِنْهُ - وَ يُخَاطَبُونَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ وَ أَمَّا سُنَّةُ عِيسَى فَالسِّيَاحَةُ وَ أَمَّا سُنَّةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَالسَّيْفُ؛^۴ قائم علیه‌السلام سنتی از موسی علیه‌السلام، سنتی از یوسف علیه‌السلام، سنتی از عیسی علیه‌السلام، و سنتی از حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را با خود می‌آورد. اما سنت او از

در پستگاه حضرت
 مهدی قائم علیه‌السلام
 دوازدهمین باب
 یوم الحلاوة في ظالمات الهدى علیه‌السلام

۱. الزام الناصب: ۴ و ۶. ۲. منتخب الاثر: ۲۵۵ و ۳۰۰، اصول کافی: ۱، بحار الانوار: ۵۱، ۱۲۲ و ۵۲، ۱۵۴، اعلام الوری: ۴۰۵.

۳. سورة مبارکه یوسف، آیه ۸۹. ۴. الزام الناصب: ۵۵ و ۶۷.

موسی علیه السلام، ترس و وحشت اوست؛ سنت او از یوسف علیه السلام، این است که برادران یوسف با او داد و ستد می‌کردند و سخن می‌گفتند و او را نمی‌شناختند؛ سنت او از عیسی علیه السلام، جهانگردی اوست؛ سنت او از پیامبر صلی الله علیه و آله این است که شمشیر به دست دارد.»

«ما يُنكِرُ هذا الخلق الملعونُ أشباهُ الخنازيرِ من ذلك! إن إخوة يوسف كانوا عُقلاء ألباءً أسباطاً أولاداً أنبياءً دخلوا عليه فكلَّموه و خاطبوه و تاجرّوه و زادوه و كانوا إخوته و هو أخوهم لم يعرفوه حتى عرفهم نفسه و قال لهم أنا يوسف فعرفوه حينئذ فما ينكِرُ هذه الأمة المتحيرة أن يكون صاحبكم المظلوم المَجْهُودُ حقُّه صاحب هذا الأمرِ يتردد بينهم و يمشي في أسواقهم و يطأ فرشهم و لا يعرفونه؛ چرا این مردم خوک صفت انکار می‌کنند که قائم علیه السلام در میان مردم باشد و مردم او را نشناسند؟! مگر نه این است که برادران حضرت یوسف علیه السلام، عاقل و هوشیار و فرزندان یعقوب پیامبر بودند؛ حضور حضرت یوسف علیه السلام رفتند و با او سخن گفتند و خرید و فروش کردند و از همه جا سخن گفتند، ولی او را نشناختند؛ وقتی یوسف علیه السلام خودش را معرفی کرد، او را شناختند! این مردم سرگردان چگونه انکار می‌کنند؟! چرا قبول نمی‌کنند که صاحب آنها همان مظلومی است که حقش را انکار می‌کنند، میان امت راه می‌رود و در بازارشان رفت و آمد می‌کند، روی فرش‌هایشان قدم می‌گذارد ولی او را نمی‌شناسند.»

چه قدر سخت است که او را ببینیم و با او سخن بگوییم ولی او را نشناسیم؟! برادران یوسف علیه السلام هم که به او بسیار نزدیک بودند، او را نشناختند. پس نمی‌توانیم انکار کنیم که حضرت حجت را نیز در کوچه و بازار می‌بینیم ولی او را نمی‌شناسیم؟! ما که همه مردم اطراف خود را نمی‌شناسیم، ممکن نیست که مهدی علیه السلام را در کوچه و بازار ببینیم و بشناسیم!

«لا تراه عين في وقت ظهوره إلا رآته كل عين فمن قال لكم غير هذا فكذبوه؛ هنگام ظهور، یک انسان او را می‌بیند و بقیه انسان‌ها هم او را خواهند دید و هر کس جز این را بگوید، دروغ‌گو است.»

طبق این حدیث، اگر هنگام ظهور، همه انسان‌ها با هم می‌توانند امام زمان علیه السلام را ببینند، حتی اگر معجزه هم نباشد، از طریق تلویزیون امکان‌پذیر است. ولی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام که تلویزیون اختراع نشده بود، کسی این موضوع را باور نمی‌کرد.

در بیان در باب مهدی قائم علیه السلام در پستگاه حضرت

۱. غیبت نعمانی: ۸۴، اصول کافی: ۱، ۳۳۶؛ بحار الانوار: ۵۱، ۱۴۲ و ۱۵۲، ۵۲.

۲. الزام الناصب: ۲۱۵؛ بحار الانوار: ۵۳، ۶؛ بشارة الاسلام: ۲۶۷.

علی‌علیه السلام نیز این حدیث را روایت کرده است. گویا ایشان با چشم خود می‌دید که مردم از طریق تلویزیون حتی در دورترین نقطه جهان هم می‌توانند مهدی‌علیه السلام را ببینند. راویانی که این روایات را برای ما نقل کرده‌اند، اگر چه این روایات برای آن‌ها قابل فهم نبود، ولی چون به طور دقیق و بدون تحریف نقل کرده‌اند، امروز برای ما قابل نقل و استناد است. آن‌ها امانت‌داری و تقوا را در نقل این احادیث رعایت کرده‌اند، که هزاران حدیث در موضوعات علمی برای آن‌ها توجیه نداشت، ولی آن‌ها را به طور دقیق همان طور که شنیده‌اند نقل کرده‌اند، و امروزه برای ما مثل معجزه است. امروز کسی شک ندارد که این‌ها سخنان امامان‌علیهم‌السلام است، زیرا این معانی برای مردم عادی اگر چه نابغه جهان باشند قابل درک نبود. خدا به آن‌ها خیر دهد و به ما کمک کند تا به این احادیث عمل کنیم.

روایات امام رضا‌علیه السلام

«إِنَّ الْخَضِرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ وَإِنَّهُ لَيَأْتِينَا فَيَسَلُّمُ عَلَيْنَا فَتَسْمَعُ صَوْتَهُ وَلَا تَرَى شَخْصَهُ وَإِنَّهُ لَيَخْضُرُ حَيْثُ ذُكِرَ فَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْكُمْ فَلْيَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَخْضُرُ الْمَوَاسِمَ فَيَقْضِي جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ وَيَقِفُ بِعَرَقَةِ قِيَوْمٍ مِنْ عَلِيٍّ دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيُؤَنِّسُ اللَّهُ بِهِ وَخَشَةَ قَائِمِنَا‌علیه السلام فِي غَيْبَتِهِ وَيَصِلُ بِهِ وَخَدَّتَهُ؛ حضرت خضر‌علیه السلام از آب حیات خورد. پس او تاروزی که در صور دمیده شود، زنده است و نمی‌میرد. او پیش ما می‌آید و برای ما سخن می‌گوید. صدایش را می‌شنویم و خودش را نمی‌بینیم. هر کجا از او یاد شود، آنجا حضور دارد. جواب سلام کسی که او را یاد کند، می‌دهد. هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند. در عرفات می‌ایستد و به دعای مؤمنان آمین می‌گوید. خداوند او را همدم مهدی‌علیه السلام قرار می‌دهد و به وسیله او ترس و غربت از مهدی‌علیه السلام ما دور می‌شود.»

حضرت مهدی‌علیه السلام بین ما حضور دارد، اگر چه ما او را نمی‌بینیم. او تنها موجودی نیست که از چشم ما پنهان است. او تنها موجودی نیست که غایب شده است و ما به وجودش ایمان داشته باشیم، بلکه موجودات نامرئی فراوانی داریم که در وجودشان کوچک‌ترین شکی نداریم:

الف. اعتقاد به خدای نامرئی در رأس عقاید ما قرار دارد. او را تنها آفریدگار و تنها نگهدارنده آسمان و زمین می‌دانیم و هیچ شکی در وجود مقدسش نداریم، در حالی که او



را نمی‌بینیم و در محدوده افکار بشری نمی‌گنجد.

ب. روح که حرکت بدن ما به خاطر آن است، به خاطر آثار و نشانه‌هایش آن را قبول داریم، با حضور آن در بدن زنده هستیم و وقتی از بدن جدا شود، می‌میریم. در وجود روح، شک نداریم در حالی که آن را نمی‌بینیم.

ج. هوایی را که روزانه بیش از چهل هزار بار تنفس می‌کنیم و در وجود آن شک نداریم، ولی آن را نمی‌بینیم.

د. گازهای مختلف سمی و غیرسمی که می‌دانیم وجود دارد ولی آن‌ها را نمی‌بینیم.

و. صدایی که از تارهای صوتی ما بیرون می‌آید و با گوش شنیده می‌شود، شک نداریم که هست ولی امواج صدا را نمی‌بینیم. می‌توانیم بفهمیم که این صدای کودک است یا انسان بزرگسال، مرد یا زن، و حتی گاهی صاحب صدا را هم تشخیص می‌دهیم!!
ه. امواج الکتریسیته که دیده نمی‌شوند ولی از خطرات آن می‌ترسیم و در وجود آن شک نداریم.

ف. عناصری که در آب یا دیگر مایعات حل می‌شود، بعد از حل شدن در مایع دیده نمی‌شود، ولی شک نداریم که وجود دارد.

ی. اعمال فیزیکی بدنمان، افکار مغزی، دستورات عصبی بدن، همه و همه شک نداریم که وجود دارند ولی هیچ کدام دیده نمی‌شوند. این‌ها نمونه‌های ساده‌ای از چیزهایی می‌باشند که دیده نمی‌شوند، ولی شک نداریم که وجود دارند. پس چگونه می‌توانیم غیبت امام زمان علیه‌السلام را انکار کنیم؟! در حالی که خدا، پیامبر، فرشتگان، پیامبران پیشین، امامان معصوم، کتاب‌های آسمانی و همه ادیان الهی نوید ظهور او را به امت خود داده‌اند. ولی گروهی از ما به بهانه اینکه او را با چشم خود نمی‌بینیم، انکارش می‌کنیم.

لِلّٰهِ تَحْتَ قُبَابِ الْاَرْضِ طَائِفَةٌ اَخْفَاهُمْ عَنْ عِيُنِ النَّاسِ اِجْلَالًا

خداوند زیر آسمان، بندگانی دارد؛ که آن‌ها را برای تعظیم و تکریم پنهان کرده است.

خداوند، حجت خود را پنهان کرده تا نامحرم او را نبینند، چرا که چشم عده‌ای از مردم، به قلب‌های پلید و مغزهای پوسیده آن‌ها راه دارد و فقط خواهش‌های نفسانی را قبول دارند و لذت‌های شهوانی را می‌پرستند.

اگر نشانه‌های روشن و قطعی، وجود شریف آن حجت خدا را اثبات می‌کند و هر کس بر اساس این نشانه‌ها حجت خدا را قبول داشته باشد، نگرانی ندارد و کسی نمی‌تواند او را

سرزنش کند.

تو که می‌گویی کسی را که با چشم خود ندیده‌ام، قبول ندارم، شاید او را دیده باشی! شاید در مراسم حج با یکدیگر گفتگو کرده باشید! یا در محل کار و هنگام عبادت، او را زیارت کرده باشی اما نشناخته باشی! شاید هنگام کار، تو را به انصاف دعوت کند و مقابل ستم تو بایستد! از کجا که در محل کارت تو را از کم فروشی، تقلب، فریب نهی نمی‌کند و به راه راست هدایت نمی‌کند؟!^۱

فقط به خاطر این که او را نمی‌بینیم، نمی‌توان او را انکار کرد. فقط افراد نادان و لجوج این گونه هستند، پس این‌ها باید هر چه را با چشم خود نمی‌بینند انکار کنند، باید خدا و عقل و روح و نفس خود را که ندیده‌اند، انکار کنند. عده‌ای از روشنفکرانها به سیاستمداران، فیلسوفان که هرگز آن‌ها را ندیده‌اند، اعتقاد دارند ولی معاد و قیامت و یا امام زمان علیه السلام را به خاطر ندیدن آن‌ها، قبول ندارند.

امامت خیلی فراتر از این موضوعات است. امامت مخصوص هر کسی نیست و کسی حق انتخاب و یا برکناری امام را ندارد. فقط خدا می‌تواند برای خود حجت انتخاب کند.^۱

﴿پروردگار تو آنچه بخواهد می‌آفریند و انتخاب می‌کند، آنان حق انتخاب ندارند. خداوند از آنچه شرک می‌ورزند پاک و منزّه است.﴾^۲

هر کس دلش می‌خواهد کافر شود. خداوند برای انتخاب امام و یا برکناری او با کسی مشورت نمی‌کند و فقط کسی را انتخاب می‌کند که که شایسته آن مقام باشد و خداوند به آن‌ها ویژگی‌های جسمی و فکری والایی داده است. خداوند حضرت موسی علیه السلام را به کاخ فرعون فرستاد و و محبت او را در دل فرعون می‌اندازد تا در کاخ فرعون از پرورش ویژه‌ای برخوردار باشد، و در این زمینه می‌فرماید:

﴿تا تحت عنایت من ساخته شوی﴾^۳

و می‌فرماید:

﴿من تورا برگزیدم، پس به آنچه به تو وحی می‌شود، گوش بده.﴾^۴

منکران امامت در روز رستاخیز به شدت عذاب می‌شوند، زیرا حجت بر آن‌ها تمام شده است و آن‌ها باید دلیلی برای این انکارشان داشته باشند و راهی را بدون دلیل انتخاب نکنند. منکران بیش از آنچه مورد نفرت هستند، باید مورد سرزنش شوند که

۱. اصول کافی ۱: ۲۰۱؛ غیبت نعمانی: ۴. ۲. سوره مبارکه قصص، آیه ۶۸. ۳. سوره مبارکه طه، آیه ۲۹.

۴. سوره مبارکه طه، آیه ۱۳.



خود را برای همیشه بدبخت کرده‌اند:

﴿اگر خداوند در آن‌ها خیری سراغ داشت، آن‌ها را شنوا می‌ساخت، ولی اگر شنوا بودند، روی برتافته، اعراض می‌نمودند.﴾^۱

چطور آن‌ها وزیر و وکیل و رئیس انتخاب می‌کنند ولی خدا اجازه ندارد که برای خود جانشین و حجتی انتخاب کند؟!

﴿آیا به مردم حسادت می‌کنند که خدا از فضل خود به آن‌ها عطا فرموده است؟﴾^۲
 «وَالْأَيْمَةُ هُمُ الْمُحْسُدُونَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ؟﴾^۳ امامان، مورد حسادت هستند و خداوند درباره آن‌ها می‌فرماید: ﴿آیا به مردمی حسادت می‌کنند که خدا از فضلش به آن‌ها عطا فرموده است؟﴾

و منظور از «ناس»، امامان عليهم السلام هستند، چنانکه امام باقر عليه السلام می‌فرماید:

«نَحْنُ وَاللَّهُ النَّاسُ؛ به خدا سوگند، مقصود از «ناس» در این آیه ما هستیم.»^۴

مردم نمی‌توانند پیامبر و امام را انتخاب کنند؛ انتخابات زمان ما در مجلس‌هایی صورت می‌گیرد که کارهای ناشایست و غیرشرعی مثل ربا را حلال می‌کنند و روابط نامشروع مثل زنا را آزاد اعلام می‌کنند!

عقل در انتخاب پیامبران و امامان دخالت ندارد؛ حضرت موسی عليه السلام را بنی اسرائیل انتخاب نکرده‌اند، و هارون را حضرت موسی عليه السلام انتخاب نکرده است. حضرت عیسی عليه السلام حواریون را انتخاب نکرد و امامان معصوم عليهم السلام را نیز پیامبر عليه السلام انتخاب نکرد. بلکه همه این انتخاب‌ها به فرمان خدا انجام شده است و هر کس که امامت آن‌ها را قبول نداشته باشد، خدا را نپذیرفته است. درباره امامت و یا غیبت حضرت مهدی عليه السلام تعجب نمی‌کنیم، بلکه درباره رسالت پیامبر عليه السلام تعجب می‌کنیم و سخنان پیامبر عليه السلام پس از گذشت چهارده قرن شگفت آور است، حتی یک کلمه از سخنان او باطل نشده است، بلکه با گذشت زمان، نشانه‌های جدیدی در درستی سخنان او پیدا می‌شود، هر روز یکی دیگر از پیشگویی‌های او تحقق می‌یابد و دلیل تازه‌ای از ارتباط او با عالم ماوراء طبیعت کشف می‌شود. به ویژه خبرهای غیبی آن حضرت در مورد نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از روز ولادت تا پایان غیبت، که همه اتفاقات غیبت کبری را خبر داده است.

دوران زهاب
 تریبانه حضرت
 مهدی قائم عليه السلام
 تبت الخاضع للقائم عليه السلام

۱. سوره مبارکه انفال، آیه ۲۳. ۲. سوره مبارکه نساء، آیه ۵۴. ۳. اصول کافی ۱: ۱۸۶. ۴. نور الأبصار: ۱۱۲؛ الصواعق المحرقة: ۱۰۵.

ما منتظران ظهور، این افتخار را خواهیم داشت که به فرمان پیامبر ﷺ و امامان الهی و فادار باشیم و در انتظار رسیدن روز موعود لحظه‌شماری خواهیم کرد و معتقدیم که غیبت مهدی ﷺ به خاطر اعمال مردم می‌باشد نه برای عقیده آن‌ها.

امام زمان علیه السلام طی نامه‌ای به شیخ مفید می‌نویسد:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّسَاءُ وَ اضْطَلَمْتُمْ الْأَعْدَاءُ؛ ما شمارا رها نکرده‌ایم و از یاد نمی‌بریم و اگر ما به شما توجه نداشتیم، بلاها بر شما نازل می‌شد، دشمنان شما را سرکوب می‌کردند.»

و نیز در نامه‌ای به محمد بن عثمان می‌نویسد:

«أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ؛ برای تمجیل فرج بسیار دعا کنید که گشایش و آسایش شما در این است.»

ای غایب منتظرا خداوند فرج تو را نزدیک کند و آن روز موعود را هر چه زودتر برساند، که فرج ما و فرج همه مظلومان جهان به فرج تو بستگی دارد. از خدا می‌خواهیم که در انجام وظیفه سنگین خود در زمان غیبت و سرگردانی موفق باشیم و آن روز موعود را ببینیم و توفیق خدمت در حکومت عدل الهی را داشته باشیم که صبح امید نزدیک است، ان شاء الله.



۱. احتجاج طبرسی ۲: ۴۹۷.

۲. منتخب الاثر: ۲۶۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۷۷؛ اعلام الوری: ۴۲۴؛ بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱؛ الامام المهدی: ۲۵۴؛ الزام الناصب: ۱۳۰.



فصل ششم

مسئله طول عمر حضرت مهدی «علیه السلام»

امام صادق علیه السلام یکی از اصحاب خود را دید که به خاطر طولانی شدن غیبت مهدی علیه السلام تعجب کرده است. امام علیه السلام به او فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَارَ فِي الْقَائِمِ مِثْلًا ثَلَاثَةً أَدَارَهَا فِي ثَلَاثَةٍ مِنَ الرُّسُلِ: قَدَّرَ مَوْلِدَهُ تَقْدِيرَ مَوْلِدِ مُوسَى علیه السلام وَ قَدَّرَ غَيْبَتَهُ تَقْدِيرَ غَيْبَةِ عِيسَى علیه السلام وَ قَدَّرَ إِطَاعَةَ تَقْدِيرَ إِطَاعَةِ نُوحٍ علیه السلام وَ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عُمَرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ دَلِيلًا عَلَى عُمُرِهِ؛ ا خداوند سه ویژگی از سه پیامبر را به قائم ما داده است: ولادت او را مانند ولادت حضرت موسی علیه السلام، غیبت او را مانند غیبت حضرت عیسی علیه السلام، و عمر او را مانند عمر حضرت نوح علیه السلام طولانی کرده است. سپس به بنده صالح خود حضرت خضر علیه السلام عمر طولانی داده تا دلیلی برای طولانی شدن عمر قائم علیه السلام باشد.»

و در حدیث دیگری در این باره می فرماید:

«أَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ أَغْنَى الْخَضِرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوَّةٍ قَدَّرَهَا لَهُ وَلَا لِكِتَابٍ يَنْزِلُ عَلَيْهِ وَلَا لِشَرِيعَةٍ يَنْسَخُ بِهَا شَرِيعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَلَا لِإِمَامَةٍ يُلْزِمُ عِبَادَةَ الْإِقْتِدَاءِ بِهَا وَلَا لِطَاعَةٍ فَرَضَهَا لَهُ بَلْ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سَابِقِ عَلَيْهِ أَنْ يَقْدَرَ مِنْ عُمُرِ الْقَائِمِ فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ مَا يَقْدَرُ وَ عَلِمَ مَا يَكُونُ مِنْ إِنْكَارِ الْأُمَّةِ لَهُ أَرَادَ أَنْ يُطَوِّلَ عُمُرَهُ ذَلِكَ الطَّوِيلَ طَوَّلَ عُمُرَ عَبْدِهِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ أَوْجَبَ ذَلِكَ إِلَّا لِأَجْلِ الْإِسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ وَ لِيَقْطَعَ بِذَلِكَ حُجَّةَ الْمُغَانِدِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ؛ اما بنده صالح، حضرت خضر علیه السلام که خداوند بلندمرتبه به او عمر طولانی داده است، به این دلیل نیست که در آینده به پیامبری برگزیده شود، یا کتابی بر او نازل شود، یا دین جدیدی بیاورد تا به وسیله آن ادیان گذشته را باطل کند، یا رهبر امتی شود و اطاعتش واجب گردد؛ بلکه فقط به این دلیل است که بر اساس علم خداوند بلندمرتبه

در پیگاه حضرت مهدی قائم علیه السلام در پیگاه حضرت خضر علیه السلام

۱. بشارة الاسلام: ۱۴۶، منتخب الاثر: ۲۵۹، غیبت شیخ طوسی: ۱۰۵، بحار الانوار (۵): ۲۲۰، بتایع الموده ۳: ۱۱۶، المهدي: ۱۶۸، الزام الناصب: ۸۵. ۲. منتخب الاثر: ۲۶۱، غیبت شیخ طوسی: ۱۰۸، اعلام الوری: ۴۰۶، بشارة الاسلام: ۱۴۸.

عمر قائم ما در زمان غیبت بسیار طولانی می باشد و می دانست که بسیاری از مردم، این عمر بسیار طولانی او را انکار خواهند کرد، خداوند به خضر علیه السلام نیز عمر بسیار طولانی داد تا با عمر طولانی او دلیلی برای عمر طولانی حضرت قائم علیه السلام باشد. با این کار حجت برای دشمنان سرکش تمام شود، تا مردم نزد خدا حجتی نداشته باشد.»

در روایات بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده که قائم علیه السلام سنتی از حضرت نوح علیه السلام دارد و آن عمر طولانی آن حضرت است. در همه این روایات این نکته به صورت قطعی بیان شده است. حتی امام صادق علیه السلام سخن منکران را زشت شمرد و فرمود:

«مَا تَنْكُرُونَ أَنْ يُعِدَّ اللَّهُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ فِي الْعُمْرِ كَمَا مَدَّ نُوحٌ علیه السلام فِي الْعُمْرِ؟!؛ چرا قبول نمی کنید که خداوند عمر صاحب این امر را طولانی گرداند، همان طور که عمر حضرت نوح علیه السلام را طولانی نموده بود؟!»

و نیز چنین فرمود:

«إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ يُعَمَّرُ عُمُرَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عِشْرِينَ وَمِائَةَ سَنَةٍ وَكَانَ يَطْهَرُ فِي صُورَةِ قَتِي مُوَفَّقٍ ابْنِ ثَلَاثِينَ سَنَةً لَوْ خَرَجَ الْقَائِمُ لَقَدْ أَنْكَرَهُ النَّاسُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا مُوَفَّقًا؛ ولی خدا عمر طولانی دارد. حضرت ابراهیم علیه السلام صد و بیست سال عمر کرد، ولی به صورت جوان نیرومند سی ساله میان مردم ظاهر می شد. قائم مانیز به صورت جوانی نیرومند ظهور می کند، که مردم او را انکار می کنند.»

ما که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام اطاعت می کنیم، تعجب نمی کنیم. اما بندگان صالح خدا مانند خضر و عیسی علیهم السلام و بندگان ناصالح مانند شیطان و دجال عمر طولانی دارند. اما درباره جوان و نیرومند بودن قائم علیه السلام، با وجود عمر طولانی، عده دیگری هم به این صورت بوده اند:

عزیر با خانواده خود به مسافرت رفت و همسرش حامله بود. عزیر در آن موقع پنجاه ساله بود. او مُرد و بعد از صد سال زنده شد و به صورت فرد پنجاه ساله به خانواده خود برگشت. پسرش که صد ساله بود، به استقبال او رفت!

نصر بن دهمان، از قبیله غطفان: ۱۹۰ سال زندگی کرد، سپس به صورت جوان شاداب بازگشت و باعث تعجب هم سالان خود شد.^۳

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۵۹. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۲۸۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۵۹؛ منتخب الاثر: ۲۵۸. ۳. غیبت شیخ طوسی: ۲۵۹.



زلیخا نیز جوانی و زیبایی اش برگشت و حضرت یوسف علیه السلام با او ازدواج کرد! در برابر شگفتی‌های جهان آفرینش، آیا عمر طولانی حضرت مهدی (عج) شگفت آور نخواهد بود؟ او که حجت خداست، خدا او را سالم و نیرومند و قوی آفریده است و ستم یا شمشیر، باعث مرگ او می‌شود، چنانکه امامان دیگر نیز چنین بودند. حتی انسان عادی نیز قبل از آنکه قسمتی از اندام‌هایش دچار اشکال شود و یا بیماری سختی بگیرد، از دنیا نمی‌رود. ما این موضوع را از نظر دین و طبیعت و زیست شناسی بررسی می‌کنیم.

دیدگاه دین

خداوندی که انسان را آفریده، می‌تواند عمر او را طولانی کند!

قرآن کریم درباره آفرینش انسان می‌فرماید:

﴿ ما انسان را از مُشتی گِل آفریدیم، سپس او را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی محکم قرار دادیم، آنگاه نطفه را به صورت خون پسته درآوردیم، و سپس تبدیل به گوشت جویده نمودیم و سپس به صورت استخوان درآوردیم. آنگاه روی استخوان‌ها را با گوشت پوشانیدیم، سپس او را به گونه‌ای دیگر آفریدیم. پس آفرین بر خداوندی که بهترین آفریدگار است. ^۱﴾

و نیز می‌فرماید:

﴿ ما انسان را به بهترین معیارها آفریدیم. ^۲﴾

خداوند بلندمرتبه که انسان را به عنوان بهترین الگو آفریده، و او را به صورت قطره‌ای آب از صلب پدران به رحم مادران انتقال داده، نه ماه در شکم مادر او را به هر شکلی که بخواهد درمی‌آورد، آنگاه همه اعضای او را به کار انداخته که اگر یکی از این‌ها ناقص باشد، پزشکان جهان نمی‌توانند آن را کامل کنند، چگونه ممکن است نتواند عمر طولانی به یکی از بندگانش بدهد؟! ^۳

قرآن کریم درباره آفرینش انسان از قطره‌ای آب گنبدیده چنین می‌فرماید:

﴿ مگر او از قطره‌ای منی نمی‌باشد؟! ^۳﴾

و نیز می‌فرماید:

﴿ مگر شما را از آبی بی‌ارزش نیافریدیم و سپس آن را در جایگاهی محکم قرار

دوران رها ب
در سوره حضرت
مهدی قائم
و نور الحاد فی ظلال القادر المهدی

دادیم ۱۹

آری، خداوند توانا، انسان را از چند مولکول آب بی ارزش آفریده و آن را در جایگاهی محکم قرار داده تا از حالت نطفه به حالات علقه، مضغه، استخوان، عضلات، خون و رگ و دیگر اندام‌های زندگی تبدیل شود.

ولی همین انسان بیچاره که این مراحل مختلف را پشت سر نهاده و توانسته روی پای خود بایستد، همه این‌ها را فراموش می‌کند و آفریننده خود را انکار می‌کند.

«انسان را از نطفه‌ای آفرید، پس او سرکشی کرد.»^۱

وای بر انسان که گذشته خود را فراموش کرده، آینده خود را هم نمی‌بیند و متوجه نیست که به زودی از این جهان به جهان باقی می‌رود و نزدیک‌ترین اشخاص به او به سرعت او را زیر خاک‌ها مدفون خواهند کرد تا بوی تعفن جنازه‌اش زیر خاک پنهان شود! ولی او بین این دو جهان، برای آفریدگار جهان سرکشی می‌کند.

ولی جهان و آفریننده آن، در محدوده مردمک چشم نیست.

«چشم او را درک نمی‌کند، ولی او چشم‌ها را درک می‌کند.»^۲

انسان امروز که با دانش خود توانسته به کره ماه برود و در صدد تسخیر کره مریخ می‌باشد، هنوز هم آنچه را می‌فهمد می‌بیند و با آنچه در مغز کوچک او جای نمی‌گیرد، دشمنی می‌کند و آن را انکار می‌کند.

هر کس که عمر طولانی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را درک نمی‌کند، آن را انکار می‌کند. طولانی شدن عمر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در یازده قرن و نیم، با خواست خدا بوده است. ما اگر بخواهیم فقط یک لحظه بیشتر در این جهان زندگی کنیم، قدرت نداریم، ولی اگر خدا بخواهد به کسی عمر طولانی بدهد برای او بسیار ساده است. همان طور که به حضرت نوح علیه السلام عمر چند هزار ساله داده است که طبق قرآن کریم بعد از بعثت و قبل از طوفان، ۹۵۰ سال میان قوم خود زندگی کرد و آن‌ها را به سوی خدا دعوت نمود.^۳ اما تمام عمر شریفش خیلی بیشتر بود که تا ۲۷۰۰ سال نوشته‌اند. طولانی شدن عمر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - حکمت‌هایی دارد که خدای حکیم آن‌ها را مقدر کرده است، همان طور که برای طول عمر حضرت عیسی علیه السلام و بالارفتن به

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 نور الخافض ظل القادر المهدی علیه السلام

۱. سوره مبارکه مرسلات، آیه ۲۰ و ۲۱. ۲. سوره مبارکه نحل، آیه ۴. ۳. سوره مبارکه انعام، آیه ۱۰۳. ۴. سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۱۴.

آسمان‌ها حکمت‌هایی هست که یک حکمت آن، ایمان آوردن اهل کتاب به هنگام نزول اوست، که همه اهل کتاب در روی زمین به او ایمان می‌آورد^۱ و به کمک دولت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌شتابد.

این نکته را نباید فراموش کرد که عمر طولانی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در مقایسه با عمرهای کوتاه زمان ما، طولانی می‌باشد وگرنه در برابر عمرهای چند هزار ساله حضرت نوح و لقمان بسیار ناچیز است! ما اگر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را یکی از فرزندان حضرت نوح علیه السلام در نظر بگیریم، پس از هزار و چند سال، اول جوانی او به شمار خواهد آمد و وقت ازدواج او می‌باشد، همان طور که در زمان حضرت نوح علیه السلام افراد بسیاری در هشتصد و نهصد سالگی برای اولین بار ازدواج می‌کردند.

هم‌چنین توجه داریم که حضرت مهدی علیه السلام به آخرالزمان بستگی دارد و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد تا خبرهای جدّ بزرگوارش اثبات شود.

پزشکان و زیست‌شناسان تلاش کرده‌اند که طولانی شدن عمر حضرت مهدی علیه السلام از نظر علمی را بررسی کنند و به وسیله پیوند اعضا، سرویس بافت‌های بدن و ترمیم پوسیده‌های آن‌ها، عمر طولانی و شادابی جوانی را به انسان قرن ۲۱ بدهند. اینان بسیار کوتاه فکر هستند. ویکتور هوگو، فیلسوف معروف فرانسوی که فلسفه کفر و الحاد را تدریس می‌کرد، در ۸۶ سالگی مشغول تدریس فلسفه خود بود که ناگهان رعد و برق شروع شد و شاگردانش بسیار ترسیدند. ویکتور هوگو که خود بیش از شاگردان ترسیده بود، فریاد زد: خدایا! ما را از این بلا نجات ده!!

همین فریاد استاد که ناخودآگاه از فطرت او برآمد و شاگردان شنیدند، فطرت شاگردان را بیدار کرد و گفتند: چه شد استاد؟! چگونه از خدا کمک می‌خواهی؟! تو که یک عمر به ما گفتی خدایی وجود ندارد!

استاد نیز پس از مطالعه فراوان به این نتیجه رسید که خداشناسی فطری است و هنگامی که انسان از همه علل طبیعی ناامید می‌شود، فطرتش بیدار می‌شود و انسان ناخودآگاه به سوی او می‌شتابد و از او کمک می‌خواهد.

یکی از حکمت‌های طول عمر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - این است که دور از فکر خوراک و پوشاک و مسکن و تجارت و چک و سفته و غیره، گوشه‌ای آرام به

دوران در هاب
ترپسناه حضرت
مهدی قائم
ظلال القامر المهدی

عبادت و اطاعت خدا مشغول بوده، از هر اندیشه‌ای فارغ و از هر غم و اندوهی آسوده خاطر است. کسی که با عنایت خدا از هر اندیشه‌ای فارغ است و در برابر هیچ اتفاق نامطلوبی مسئولیتی ندارد و شب و روز هدفی جز اطاعت خدا ندارد، همواره از سلامت مزاج برخوردار بوده و هیچ خطری سلامتی او را تهدید نمی‌کند.

بر اساس روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام طولانی شدن عمر حضرت مهدی علیه السلام ثابت شده است و غیبت او امتحان الهی است. هیچ تفکر و عقیده‌ای نمی‌تواند عمر طولانی او را انکار کند، زیرا پیروان همه ادیان پذیرفته‌اند که حضرت عیسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام و شیطان عمر طولانی داشته‌اند.^۱

اگر عمر حضرت خضر علیه السلام را از زمان حضرت موسی علیه السلام حساب کنیم، او هم اکنون حدود شش هزار سال دارد که بعد از این هم تا پایان جهان زنده خواهد بود. بنابراین حضرت مهدی علیه السلام هر قدر عمر طولانی داشته باشد، همواره بیش از چهار هزار و پانصد سال کوچک‌تر از حضرت خضر علیه السلام خواهد بود! پس هر کس در مورد عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام شک دارد، باید درباره عمر حضرت خضر علیه السلام نیز شک داشته باشد! به هر حال همه ادیان آسمانی پذیرفته‌اند که او زنده است و جاوید. چگونه عمر شش هزار ساله یکی از بندگان صالح خدا را می‌پذیرید ولی عمر یک هزار ساله یکی دیگر از بندگان صالح خدا را انکار می‌کنند؟! حال آن که قدرت خدا بر همه احاطه دارد.

اگر حضرت نوح علیه السلام در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله به دنیا آمده بود، اکنون اوایل جوانی او بود و ما تعجب می‌کردیم. اگر ایمان و اعتقاد ما درباره مبدأ و معاد سست نبود، کسی عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام را تکذیب نمی‌کرد. زیرا خدایی که انسان را از مشتی خاک (حضرت آدم) و چند قطره آب بی‌ارزش (بنی آدم) آفریده است، هرگز از بقای آن بعد از آفرینش ناتوان نخواهد بود. قرآن کریم ما را راهنمایی می‌کند که برای انسان و دیگر جانداران عمری بسیار دراز، از زمان حضرت یونس علیه السلام تا روز رستاخیز امکان پذیر است! آنجا که می‌فرماید:

﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسْتَجِيبِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^۲ اگر حضرت

یونس علیه السلام از تسبیح‌گویان نبود، هر آینه تا روز رستاخیز در شکم ماهی باقی می‌ماند.

از این آیه استفاده می‌شود که اگر حضرت یونس علیه السلام در شکم ماهی خدا را تسبیح



۱. ینابیع الموده ۳: ۱۳۶، نورالابصار: ۱۶۸. ۲. سوره مبارکه صافات، آیات ۱۲۳-۱۲۴.

نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی باقی می‌ماند و انسان و ماهی باید عمر طولانی داشته باشند تا این اتفاق بیفتد. عمر طولانی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در برابر آن بسیار ناچیز است.

چنین عمری برای حضرت یونس علیه السلام آن هم در شرایط بسیار نامساعد شکم ماهی، از نظر قرآن ممکن می‌باشد، پس عمر بسیار کوتاه حضرت مهدی علیه السلام در مقایسه با چنین عمر طولانی، آن هم در بهترین شرایط که خداوند برای زندگی آن حضرت ایجاد کرده است، ناچیز است.

دیدگاه زیست‌شناسان

پزشکان معاصر و زیست‌شناسان بعد از دهها سال تجربه و آزمایش، به این نتیجه رسیده‌اند که همه بافت‌های مهم بدن انسان، عمر طولانی دارند و اگر عاملی زندگی آنها را قطع نکند، همیشه زنده می‌مانند. پزشکان و زیست‌شناسان معاصر، عمر بسیار طولانی را برای انسان در شرایط مناسب، غیر ممکن نمی‌دانند و از نظر آنها اگر به بافت‌های اولیه بدن انسان غذای لازم برسد و شرایط مناسب فراهم باشد و عاملی زندگی آنها را قطع نکند، این بافت‌ها همیشه زنده خواهند بود، بنابراین مانعی برای زندگی هزار ساله افراد وجود ندارد. اگر خواست خدا هم در کار باشد، دیگر زندگی بافت‌های بدنش با هیچ عاملی به خطر نمی‌افتد.

زیست‌شناسان با مطالعه درباره «بیولوژی» به این نتیجه رسیده‌اند که تعجب‌آور است انسان می‌میرد، ولی بافت‌ها و سلول‌های بدن او مدت نامحدودی زندگی می‌کنند! زیست‌شناسان دلیلی برای زندگی در نظر ندارند، بلکه مرگ دلیل می‌خواهد! آنها عقیده دارند که هر موجود زنده می‌تواند مدت طولانی زنده بماند، همان طور که در همه دنیا مرگ و میر اطفال کم شده است. آنها معتقدند اگر انسانی با مراقبت درست پزشکان و در شرایط مناسب، طبق برنامه بهداشتی زندگی کند، مدت بسیار طولانی می‌تواند با شادابی جوانی زنده بماند.

این که مردم از طول عمر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تعجب می‌کنند به این دلیل است که افراد دیگری در زمان ما این عمر طولانی را نداشته‌اند. و اگر در زمان ما نیز مانند روزگار باستان در هر منطقه‌ای دهها نفر عمر چندین هزار ساله داشتند، دیگر کسی تعجب نمی‌کرد.

در زمان ما افراد کمی چنین عمر طولانی داشته‌اند، بنابراین عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام برای ما عجیب است. زیست شناسان عمر طولانی را برخلاف عقل و قانون طبیعت نمی‌دانند. آن‌ها می‌گویند: آنچه برخلاف طبیعت است، مرگ است که زندگی را از هم می‌پاشد. ما نمی‌دانیم چگونه باید بر موانع خارجی غلبه کنیم؟! اما حضرت مهدی علیه السلام - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به خواست خدا تا هر وقت که بخواهد عمر می‌کند. خدا در قرآن کریم درباره قدرت آفرینش بشر فرموده است: ﴿ما می‌توانیم و به خوبی می‌توانیم﴾^۱

رعایت بهداشت و پاکیزگی در زندگی، باعث سلامتی جسم و روح می‌گردد و در طولانی شدن عمر هم اثر دارد. در عصر ما بسیاری از بیماری‌ها ریشه کن شده و عمر انسان‌ها دو برابر قرن نوزدهم افزایش یافته است. وقتی از هوای سالم تنفس کنیم و از آلودگی دور شویم، عمر بسیار طولانی و بانشاط خواهیم داشت. خوردن غذاهای ساده بدون افراط و تفریط، در افزایش طول عمر و جوانی اثر دارد و اگر هوای سالم، استراحت کامل و تلاش متناسب، و جسم سالم نیز با آن همراه باشد، تأثیرش چند برابر خواهد شد.

دیدگاه علوم طبیعی

عده‌ای عقیده دارند که جهان طبیعت به طور تصادفی به وجود آمده است و خالق ندارد. حتماً این افراد قبول دارند که در جهان طبیعت، اتفاقات تصادفی دیگری هم رخ داده است و تصادف در تصادف پدید آمده است، مثل نوزادهای دوقلو یا سه قلو و یا بیشتر؛ یا نوزادی که به شکل بره به دنیا آمد؛ یا کودکی که دم حیوان دارد.

شما که این تصادفات را می‌دانید، پس مانعی ندارد که طول عمر حضرت مهدی علیه السلام نیز یکی از همین تصادف‌ها باشد! کودکانی بوده‌اند که چندروز و یا چندماه بیشتر عمر نکرده‌اند و یا کسانی که در جوانی و یا در میانسالی از دنیا رفته‌اند، چه مانعی دارد که یکی هم هزار سال زندگی کند و ده برابر صد ساله‌ها زندگی کرده باشد؟! افراد بسیاری در طول تاریخ عمر طولانی داشته‌اند که از لحاظ عقلی هم ثابت شده است. این افراد فقط به خاطر لجبازی و سرکشی این گونه رفتار می‌کنند و عقیده‌ای باطل دارند. ﴿قلب آن‌ها این مطلب را درک نمی‌کند، چشم‌های آن‌ها نمی‌بیند، و گوش‌هایشان نمی‌شنود﴾^۲

پس از نظر دین و از نظر زیست‌شناسی و از دیدگاه علوم طبیعی، مهدی علیه السلام متولد شده و وجود دارد و عمری طولانی دارد. از نظر خداشناسان، داشتن عمر طولانی

۱. سوره مبارکه مرسلات، آیه ۲۳. ۲. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۷۹.



امکان پذیر است و در گذشته هم اتفاق افتاده است و هم اکنون نیز حضرت عیسی و خضر علیهم السلام و نیز شیطان و دجال زنده‌اند. از دیدگاه علوم طبیعی، هزاران نفر در تاریخ به طور تصادفی، عمر چند هزار ساله داشته‌اند، در زمان ما هم از نظر علمی و عقلی این تصادف اتفاق افتاده است.

در همه ادیان آسمانی، بهشت و جهنم را جاویدان می‌دانند و عقیده دارند که اهل بهشت در بهشت جاوید، و اهل دوزخ در دوزخ ابدی می‌باشند و هرگز پیر نمی‌شوند و نمی‌میرند. پس چه مانعی دارد که برخی از اولیای خدا، در دنیا از این ویژگی برخوردار باشند؟!

از نظر عقلی، کوچک‌ترین مانع علمی و عقلی وجود ندارد و به زودی با ظهور قائم علیه السلام، همه مردم این را مشاهده می‌کنند.

عده‌ای عقیده دارند که تا وقتی چیزی را نبینند، قبول نمی‌کنند! آن‌ها واقعیت‌های زیادی را که طی هزاران سال شکل گرفته، قبول دارند، ولی چیزی را قبل از شکل گرفتن آن، بدون دلیل رد می‌کنند! آن‌ها می‌دانند زغال سنگ در طول هزاران سال به این شکل درمی‌آید و یا نفت طی هزاران سال به دست ما رسیده است؛ و یا ستارگانی هستند که میلیون‌ها بار از خورشید بزرگترند و در طول میلیون‌ها سال، نور آن‌ها به ما می‌رسد. این عمرهای دراز را در جهان طبیعت قبول دارند ولی عمر هزار ساله حضرت مهدی علیه السلام را انکار می‌کنند! همه شگفتی‌های جهان را می‌پذیریم و عقیده داریم که قدرت خداوندی این‌ها را به وجود آورده است؛ این منظومه‌های شمسی، گوشه‌ای ناچیز از میلیون‌ها منظومه موجود در آسمان اول است که هنوز دانش بشری آن‌ها را کشف نکرده است! پس خداوند با این قدرت عظیم می‌تواند یک انسان ناتوان را هزاران سال حفظ کند.

شما که قبول دارید خیلی چیزها در طبیعت عمر هزار ساله داشته‌اند، پس چرا عمر هزار ساله مهدی علیه السلام را قبول ندارید؟! طول عمر حضرت عیسی علیه السلام می‌پذیری ولی درباره عمر حضرت مهدی علیه السلام شک داری؟!!

﴿همانا قرآن را از حکیمی دانا دریافت می‌کنی﴾^۱

﴿چگونه به برخی از آیات ایمان دارید و برخی دیگر را رد می‌کنید؟﴾^۲

کسانی که درباره طول عمر و غیبت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - شک دارند، به

زودی با دیدن برق شمشیرش، شک آن‌ها برطرف می‌شود. خداوندی که موسی علیه السلام را در تابوتی روی آب نیل با شرایط سخت حکومت آن زمان، حفظ کرد و خداوندی که حضرت خضر علیه السلام را از زمان حضرت موسی علیه السلام تا به حال حفظ کرده است، و خداوندی که حضرت عیسی علیه السلام را حدود دو هزار سال است نگه داشته است، می‌تواند حضرت مهدی علیه السلام را تا زمان ظهورش از خطرات حفظ کند.

در این جا نام عده‌ای که در تاریخ عمر طولانی داشته‌اند را ذکر می‌کنیم.

۱. عوج بن عناق، ۳۶۰۰ سال و مادرش بیش از ۳۰۰۰ سال عمر کرده بود.
۲. ذوالقرنین، که ۳۰۰۰ سال عمر کرد.
۳. ضحاک (بیوراسب)، ۱۲۰۰ سال عمر کرد.
۴. حضرت نوح علیه السلام که بین ۱۷۵۰ تا ۲۷۵۰ سال عمر کرده است.
۵. فریدون پسر آبتین، که هزار سال عمر کرد و ۵۰۰ سال فرمانروایی نمود.
۶. ضحاک دوم، ۱۰۰۰ سال عمر کرد.
۷. یکی از پادشاهان ایرانی که عید نوروز را برپا کرد، ۲۵۰۰ سال عمر کرد.
۸. لقام حکیم، ۳۵۰۰ سال عمر کرد.
۹. ریان بن دومغ، پدر عزیز مصر که با حضرت یوسف علیه السلام معاصر بود، ۱۷۰۰ سال عمر کرد.

۱۰. دومغ، پدر ریان بن دومغ، سه هزار و پانصد سال عمر کرد.

۱۱. اروی بن شلم، هزار سال عمر کرد.^۱

کسانی که هزاران سال عمر کرده‌اند، به خاطر این است که انسان برای ۸۰-۷۰ سال آفریده نشده است، بلکه با آزمایش‌هایی که بر بافت‌های بدن انسان انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که انسان حداقل برای ده هزار سال آفریده شده است. چگونه است که درباره عمر امام زمان علیه السلام که هنوز به هزار و دویست سال نرسیده، شک می‌کنند؟! در روایات اهل بیت درباره جاهلان و منکران در زمان غیبت، سخن فراوانی آمده است. امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

«لَوْ قَدَّ قَامَ الْقَائِمُ لَأُنْكِرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا؛^۲ وقتی

۱. غیبت شیخ طوسی: ۷۹ و ۸۵ بحار الانوار: ۵۱؛ ۲۸۸، ۲۴۳ و ۲۹۰؛ تاریخ سنی ملوک الارض: ۲۷، ۱۷؛ حقایق الایمان: ۱۷۵، ۱۷۳؛ الزام الناصب: ۹۲، ۸۶؛ المهدي: ۱۲۷؛ البرهان: ۲۸، ۱۱؛ اعلام الوری: ۴۴۲؛ کشف الغممه: ۳؛ الامام المهدي: ۱۶۷، ۲۱۴.
۲. ینابيع الموده: ۳؛ ۱۶۷؛ منتخب الاثر: ۲۸۵؛ المهدي: ۲۰۶.

مهدی علیه السلام قیام کند، مردم او را انکار می کنند، زیرا او به صورت جوان باز می گردد، در حالی که آن ها گمان می کنند او پیر می باشد.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ قَالَ النَّاسُ أَنِّي يَكُونُ هَذَا وَ قَدْ بَلَيْتَ عِظَامُهُ مُنْذُ دَهْرٍ طَوِيلٍ؛^۱ وقتی مهدی علیه السلام قیام می کند، مردم می گویند: چگونه ممکن است که این او باشد، او باید قرن ها پیش استخوان هایش پوسیده باشد.»

او ظهور می کند و شادابی و طراوت جوانی اش باعث تعجب همه می شود، «منتظر باشید که من هم همراه شما از منتظران هستم.»^۲

و هرگز درباره عمر طولانی مهدی علیه السلام تعجب نکنید چرا که در گذشته عمرها طولانی بوده و در آینده هم طولانی خواهد شد، از عمرهای کوتاه خود تعجب کنید.

۱. بحار الانوار (۵۱: ۱۴۸، ۲۲۵ و ۵۲: ۲۹۱) الزام الناصب: ۸۹، ۸۰ غیبت شیخ طوسی: ۲۶؛ منتخب الاثر: ۲۷۶؛ بشارة الاسلام: ۹۹.
۲. سورة مباركة اعراف، آية ۷۱.



فصل هفتم

غیبت صغری و نایبان حضرت مهدی علیه السلام

اولین بخش غیبت حضرت مهدی علیه السلام، غیبت کوتاه او می باشد که به وسیله نایبان چهارگانه اش با مردم ارتباط داشت. در غیبت کبری، نائب خاصی ندارد.

غیبت صغری از زمان تولد مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری آغاز می شود و تا روز وفات چهارمین نائبش در نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری یعنی ۷۴ سال ادامه می یابد. مهدی علیه السلام از هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری که امام حسن عسکری علیه السلام رحلت فرمود، به مدت ۶۹ سال و شش ماه و پانزده روز با نایبان ارتباط داشت.^۱

مشیت الهی در این بود که قبل از غیبت کبری، غیبت صغری صورت گیرد و مهدی علیه السلام از نظرها پنهان شود و با مردم ارتباط غیرمستقیم داشته باشد. در طول غیبت صغری، نامه هایی از طرف آن حضرت به دست چهار نائب خاص می رسید تا کسی در وجود ایشان شک نکند و مردم برای غیبت کبری آماده شوند.

باید توجه داشت که بعد از امام رضا علیه السلام، دیگر امامان علیهم السلام، برای همه ظاهر نمی شدند، بلکه فقط برای شیعیان خاص، آن هم در موارد خاص ظاهر می شدند. حتی بیشتر پاسخ سوالات و رفع نیازهای آنها از پشت پرده صورت می گرفت تا شیعیان برای غیبت کبری آماده شوند.

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«ثُمَّ يَغِيْبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ مَا شَاءَ اللهُ وَ يَكُونُ لَهُ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى الْحَدْرَ الْحَدْرَ إِذَا قَعِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ مِنْ وُلْدِي! ^۲ سپس امامشان غایب می شود و تا مدتی که خدا بخواهد از نظرها پنهان می شود و او دو غیبت خواهد داشت که یکی از آنها طولانی تر از دیگری است. هنگامی که پنجمین فرزند امام کاظم علیه السلام غایب شود،



۱. کشف الغممه ۳: ۳۲۰، بحار الانوار ۵۱: ۲۶۶ و ۵۳: ۵۶، جامع الاخبار: ۳۹، وفاة العسكري: ۳۴. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۲۸۰.

هشیار باشید، آگاه باشید.»

وقتی جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر ﷺ سؤال کرد آیا یکی از فرزندان تو غیبت می‌کند؟ حضرت ﷺ فرمود:

«إِي وَرَبِّي ﴿وَلِيَمْحِصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ﴾؛ آری، به خدا سوگند، خداوند مؤمنان را امتحان می‌کند و کافران را نابود می‌سازد.»^۱

و نیز به یکی از یارانش فرمود:

«كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اسْتِيَأَسْتِ أُمَّتِي مِنَ الْمَهْدِيِّ فَيَأْتِيهَا مِثْلُ قَرْنِ الشَّمْسِ يَسْتَبْشِرُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ؛^۲ وقتی امت من از مهدی ناامید می‌شوند، حالشان چگونه است؟ سپس مهدی مانند خورشید ظهور می‌کند و اهل زمین و آسمان به یکدیگر بشارت می‌دهند.»

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَخْمَرِ؛^۳ سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، آنان که در زمان غیبت بر ایمان و اعتقاد به او ثابت می‌مانند، از هر چیز نایاب، گرانقدرتر است.»

«يَزْتَابُ فِي غَيْبَتِهِ كُلُّ مُبْطِلٍ؛^۴ کسانی که در راه باطل قدم گذاشته‌اند، در زمان غیبت، دچار شک می‌شوند.»

طبق روایت امام باقر علیه السلام، پیامبر ﷺ فرموده است:

«مَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَدِيثِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَلَا تَنْتَ لَهُ قُلُوبُكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ فَاقْبَلُوهُ وَمَا اشْتَارَتْ قُلُوبُكُمْ وَأَنْكَرْتُمُوهُ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى الْعَالَمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَإِنَّمَا الْهَالِكُ أَنْ يُحَدِّثَ بِشَيْءٍ مِنْهُ لَا يَحْتَمِلُهُ قَيْقُولٌ وَاللَّهُ مَا كَانَ هَذَا وَاللَّهُ مَا كَانَ هَذَا وَالْإِنْكَارُ هُوَ الْكُفْرُ؛^۵ هر یک از روایاتی که از آل محمد علیهم السلام برای شما نقل می‌شود، اگر بر دل شما بنشیند و آن را بپذیرید و برای شما روشن باشد، آن را به خدا و پیامبر و عالم آل محمد علیهم السلام بازگردانید. اما کسی که احادیث ما را بشنود و نتواند تحمل کند، بگوید: به خدا چنین نیست، به خدا چنین نیست، او هلاک می‌شود و انکار احادیث ماکفر است.»

پیامبر ﷺ در این حدیث به ما می‌آموزد که اگر حدیثی را درک نکردیم، فوراً آن را

دوران دهباب
 در پستانه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 نور الحادوث في ظلال القام المهدوي علیه السلام

۱. سورة مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۱.

۲. بشارة الاسلام: ۱۸؛ الزام الناصب: ۵۳؛ المهدي: ۱۲۶؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۷۳؛ بنایع الموده: ۳؛ ۱۰۹؛ ۱۶۴؛ ۱۶۹.

۳. بحار الانوار: ۵۳؛ ۶۵.

۴. بحار الانوار: ۵۱؛ ۷۳؛ اعلام الوری: ۳۹۹؛ المهدي: ۱۰۵؛ الزام الناصب: ۵۳؛ كشف الغمه: ۳؛ ۳۱۱؛ المحجة البيضاء: ۲؛ ۳۳۷؛

بشارة الاسلام: ۱۸؛ منتخب الاثر: ۱۸۸؛ بنایع الموده: ۳؛ ۱۰۹؛ ۱۶۹؛ ۱۶۰؛ ۱۶۰؛ اصول کافی: ۱؛ ۴۰۱.

رد نکنیم، بلکه تفسیر آن را به خدا، رسول و امامان بسپاریم.

روایات علی علیه السلام

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِرُضِيكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَيُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ وَلَا يَضِيعُ أَوْلِيَانِكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ إِمَّا ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ مُكْتَبِمٍ مُتَرَقِّبٍ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ لَمْ يَغِبْ عَنْهُمْ ثُبُوتَ عِلْمِهِ فَإِذَا قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ؛^۱ خدا یا! همیشه باید حجتی روی زمین باشد تا مردم را به سوی دین تو راهنمایی کند و احکام تو را به آن‌ها بیاموزد تا گمراه نشوند. حجت تو، یا ظاهر و آشکار خواهد بود که از او اطاعت نمی‌کنند، و یا از دیده‌ها پنهان بوده که منتظر او هستند؛ اگر جسم او از ترس مخفی باشد، اثبات وجودش مخفی نخواهد بود، زیرا در دل مؤمنان ثابت و استوار خواهد بود.»

«أَنَا سَيِّدُ الشَّيْبِ وَفِيَّ سُنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ وَ سَيَجْمَعُ اللَّهُ لِي أَهْلِي كَمَا جَمَعَ لِيَعْقُوبَ سَمَلَهُ وَ ذَلِكَ إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكَ وَ قَلْتُمْ مَاتَ أَوْ هَلَكَ؛^۲ من سرور پیرانم، و در من سنتی از حضرت ایوب علیه السلام است و خداوند اهل بیت مرا جمع خواهد کرد، همان طور که اهل بیت حضرت یعقوب علیه السلام را جمع کرد. و آن زمانی است که فضا تسخیر شود و شما بگویند مُرده و یا کشته شده.»

در زمان ما، فضا تسخیر شده و سفینه‌های فضایی ساخته شده است و به وسیله آن‌ها بر جاذبه زمین غلبه کرده‌ایم، از اشعه‌های خطرناک و موانع سفر فضایی جلوگیری شده، انسان خارج از کره خاکی در اطراف زمین سیاحت می‌کند. پس از سفر انسان به کره ماه، شک و تردید درباره مکان حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بیشتر شده است که همه کره زمین شناسایی شده است!

«وَ كَتَبَتْهُنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا وَ كَيِّفِيْنَ عَنْهُمْ تَمْيِيزًا لِأَهْلِ الضَّلَالَةِ؛^۳ خداوند مردی را از فرزندان من برمی‌انگیزد که انتقام خون ما را می‌گیرد. او از چشم‌ها پنهان خواهد شد تا گمراهان شناخته شوند.»

روایات امام حسن مجتبی علیه السلام

«التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبِهِ ثُمَّ يُسْطَهْرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابٍ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِئَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛^۴ نهمین

۱. غیبت نعمانی: ۱۶۸، الامام المهدی: ۸۵.

۲. غیبت شیخ طوسی: ۲۶۱، بحار الانوار: ۵۱، ۱۱۱ و ۱۵۶: ۵۲ و ۱۵۹: ۷۶، غیبت نعمانی: ۸۰، بشارة الاسلام: ۹۹، ۸۷.

۳. الامام المهدی: ۸۰.

۴. منتخب الاثر: ۲۰۶، الزام الناصب: ۶۶، كشف الغممة: ۳، ۳۱۲، بحار الانوار: ۵۲، ۲۷۹، الامام المهدی: ۸۹، بشارة الاسلام: ۵۲.



برادرزاده امام علیه السلام پسر بانوی کنیزان است که خداوند عمر او را در دوران غیبت طولانی می‌کند، سپس با قدرت خود او را به صورت جوان چهل ساله‌ای ظاهر می‌نماید تا همه بفهمند که خداوند می‌تواند هر کاری را انجام دهد.»

کسی که قدرت خداوند را باور داشته باشد، درباره این موضوع شک و تردیدی نخواهد داشت. شک و تردید ما به خاطر عدم ایمان به قدرت خدا می‌باشد.

روایات امام حسین علیه السلام

«قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي صَاحِبُ الْأَمْرِ وَهُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَهُوَ حَيٌّ؛ قائم این امت، نهمین فرزند من است. او غیبت می‌کند، و وقتی زنده است، میراث او را تقسیم می‌کنند.»

«لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ؛ او غیبتی دارد که عده‌ای در زمان غیبت از دین بر می‌گردند و عده‌ای دیگر ثابت قدم می‌مانند.»

ای سرور شهیدان! طبق فرموده شما، عده زیادی از دین خدا برگشتند و عده کمی بر اعتقاد درست خود ثابت ماندند، تو بهتر می‌دانی که چه کسانی هدایت می‌شوند و گفتار درست شما را نادیده گرفتند، در صورتی که هر انسان عاقلی اگر عقل خود را به کار ببندد، شک نمی‌کند که شما حق را می‌گویید.

«فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِزْرَانَ وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصْلِحُ اللَّهُ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ؛ آن نهمین فرزند من سنتی از حضرت یوسف علیه السلام و سنتی از حضرت موسی علیه السلام دارد، او قائم ما اهل بیت است. خداوند در یک شب کار او را فراهم می‌آورد.»

روایات امام سجاد علیه السلام

«إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى أَمَّا الْأُولَى فَمِثْلَةُ أَيَّامٍ وَ سِتَّةُ أَشْهُرٍ وَ سِتُّ سِنِينَ وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمْدُهَا حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مَعًا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ قائم ما دو غیبت دارد که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است؛ غیبت اول او شش روز و شش ماه و شش سال طول می‌کشد و غیبت دوم او طولانی می‌شود به

۱. الزام الناصب: ۶۷.

۲. منتخب الاثر: ۲۰۵؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۰۴؛ غیبت نعمانی: ۲۹؛ الزام الناصب: ۶۷؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۱۳۳؛ الامام المهدی: ۸۹.

۳. كشف الغممة: ۳؛ ۳۱۲؛ المحجة البيضاء: ۴؛ ۳۳۸؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۱۳۳؛ منتخب الاثر: ۲۰۶؛ الزام الناصب: ۶۷.

۴. بحار الانوار: ۵۱؛ ۱۳۴؛ منتخب الاثر: ۲۵۱؛ الزام الناصب: ۱۷۳؛ ۸۱، ۷۹، ۲۹؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۱؛ اعلام الوری: ۴۱۶؛ بشارة الاسلام: ۳۹.

و راحتی بعد از گرفتاری است. نشانه‌اش از پیامبر ﷺ این است که وقتی ظهور می‌کند شمشیر در دست دارد و دشمنان از او می‌ترسند و دشمنان خدا را می‌کشد و ظالمان را نابود می‌کند و پرچم او برافراشته می‌ماند.»

«فِيهِ سُنَّةٌ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى، رُجُوعُهُ مِنْ غَيْبَتِهِ وَهُوَ شَابٌّ بَعْدَ كِبَرِ السَّنِّ. وَفِيهِ سُنَّةٌ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى، وَهِيَ غَيْبَتُهُ عَنْ خَاصَّتِهِ وَغَامَّتِهِ، وَاخْتِفَاؤُهُ عَنْ أَبِيهِ وَإِخْوَتِهِ مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَةِ؛^۱ او نشانه‌ای از یونس عليه السلام دارد و آن نشانه این است که بعد از غیبت در سن جوانی ظهور می‌کند در حالی که سن او زیاد است. و او نشانه‌ای از حضرت یوسف عليه السلام دارد و آن پنهان بودن او از دور و نزدیک، حتی از پدر و برادران است با این که فاصله آن‌ها کم است.»

«غَيْبَتُهُ كَغَيْبَتِ يُونُسَ، وَرَجْعَتُهُ كَرَجْعَةِ عِيسَى الَّذِي أَنْكَرَ الْكَثِيرُونَ كَوْنَهُ حَيًّا. وَاخْتِلَافُ الْأُمَّةِ فِي وَلَاذِيهِ كَاخْتِلَافِ النَّاسِ فِي مَوْتِ عِيسَى عليه السلام؛^۲ غیبت او مانند غیبت یوسف عليه السلام، و بازگشت او مانند بازگشت عیسی عليه السلام است، که بسیاری از مردم زنده بودن او را انکار کرده‌اند و امت درباره تولد اختلاف نظر دارند همان طور که درباره مرگ عیسی عليه السلام اختلاف دارند.»

روایات امام باقر علیه السلام

«إِسْأَلُونَا فَإِنْ صَدَقْنَاكُمْ فَأَقْرُوا وَ مَا أَنْتُمْ بِفَاعِلِينَ أَمَا عَلِمْنَا فِظَاهِرُهُ وَ أَمَا إِبَانُ أَجَلِنَا الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ الدِّينُ مِنَّا حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَ النَّاسِ اخْتِلَافٌ فَإِنَّ لَهُ أَجَلًا مِنْ مَسَرِّ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ إِذَا أَتَى ظَهَرَ الدِّينُ وَ كَانَ الْأَمْرُ وَاحِدًا؛^۳ از ما سؤال کنید که هر چه به شما گفتیم، راست می‌باشد و به آن اعتراف کنید، که می‌دانیم چنین نخواهید کردا دانش ما بسیار روشن و آشکار است و اما برای این که دولت ما که در آن دین آشکار خواهد شد و اختلافی بین مردم نخواهد بود، بعد از طی شدن مدت تعیین شده فرا می‌رسد و باید شب‌ها و روزها بگذرد تا صبح امید برسد و حق آشکار و امر، یکی شود.»

در این حدیث، حکومت واحد جهانی معرفی می‌شود که در همه جهان فقط یک دین اسلام حکومت خواهد کرد و فقط پرچم توحید برافراشته خواهد بود و قانون اساسی قرآن حاکم خواهد شد.

روایات امام صادق علیه السلام

«الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِي

در بیان حضرت مهدی قائم عليه السلام در بیان حضرت مهدی قائم عليه السلام در بیان حضرت مهدی قائم عليه السلام

وَالْأَبْصَارُ! امام، مانند خورشید درخشان، با نور خود جهان را روشن می‌کند و خودش در افق است که دست‌ها به او نمی‌رسد و چشم‌ها نمی‌تواند او را ببیند.»

ای امام صادق علیه السلام! فرزند تو مانند خورشید درخشانی است که جهان را شکوه می‌دهد و خودش از دسترس مردم دور است. هنگامی که چشمان ما آن مهر تابان را می‌بیند، فقط نور و درخشندگی می‌بیند، درست همان مقدار که در نیمروز از خورشید می‌توان دید. امیدواریم که هجران به سر آید و وصال فرا رسد و چشم‌های ما به جمال آن خورشید، روشن شود. خداوند دستی را که به تو نیکی نکند، کوتاه کند و چشمی را که دیده ارادت به تو نداشته باشد، کور کند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا قائم علیه السلام هنگام تولد دیده می‌شود؟ حضرت علیه السلام فرمود:

«بَلَىٰ وَ اللَّهُ لَيَرَىٰ مِنْ سَاعَةٍ وَلَا دَيْتِهِ إِلَىٰ سَاعَةٍ وَفَاةٌ أَبِيهِ سَتَيْنِ وَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ أَوَّلَ وَلَا دَيْتِهِ وَ قَتُّ الْفَجْرِ مِنْ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ لِثَمَانِ خَلْوَنَ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةَ سَبْعِ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ إِلَىٰ يَوْمِ الْجُمُعَةِ لِثَمَانِ خَلْوَنَ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ؛ آری، به خدا سوگند که از روز تولدش تا روز وفات پدرش دیده می‌شود، سپس از آخرین ساعات روز جمعه، هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری غایب می‌شود.»

کجا دیده شده که یک انسان از یک اتفاقی که بیش از صد سال بعد رخ می‌دهد، این چنین قاطعانه خبر بدهد و سپس سال، ماه، روز و حتی ساعت آن را به روشنی اعلام کند؟! فقط کسی که با وحی الهام ارتباط داشته باشد و از خاندان عصمت و طهارت باشد، این گونه است. امام صادق علیه السلام به قدری صریح سخن می‌گوید که انگار خودشان روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا بوده و اتفاقات را با چشم خود دیده است، در حالی که هنگام نقل این روایات، پدر و پدر بزرگ آن حضرت به دنیا نیامده بود.

«إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَدْلٍ؛^۱ خدا بزرگتر و بزرگوارتر از آن است که زمین را بدون امام عادل بگذارد.»

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدَعْ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْرِفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ؛^۲ به راستی خدا زمین را بدون عالم نمی‌گذارد، وگرنه حق از باطل شناخته نمی‌شد.»

«لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ؛^۳ اگر روی زمین فقط دو نفر باقی باشد، یکی از آن‌ها امام است.»

۱. بحار الانوار: ۵۱، ۳۶۶؛ اصول کافی: ۱، ۲۰۰؛ الزام الناصب: ۱۰. ۲. بحار الانوار: ۵۳، ۶؛ بشارة الاسلام: ۲۶۷؛ الزام الناصب: ۲۱۵.

۳. اصول کافی: ۱، ۱۷۸؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۶۹ و ۵۳، ۶؛ الزام الناصب: ۴، ۱۴۱؛ بشارة الاسلام: ۱۴۱.

۴. الزام الناصب: ۴، بحار الانوار: ۵۲، ۹۲. ۵. اصول کافی: ۱، ۱۷۹؛ غیبت نعمانی: ۶۹؛ الزام الناصب: ۲۴۵، ۲.



«لَوْ بَقِيَ فِي الْأَرْضِ اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ عَلَى صَاحِبِهِ؛^۱ إِنْ فَطِقَ دُونَكَ بَسْمَانِدًا، يَكِي أَوْ أَنْهَا حَجَّتِ دَيْغِرِي أَسْت.»
 «إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ؛ إِمَامٌ خُودِرَابَشَنَاسِ، إِنْ إِمَامٌ خُودِرَابَشَنَاسِي، دِيرِ يَزُودُ شَدَنَ أَنْ بَه تَوْ ضَرَّرَ نَمِي رَسَانِد.»
 «إِنَّمَا هِيَ مِخْتَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ؛^۲ إِيْنِ اتِّفَاقِ، امْتَحَانِي أَسْت كِه خَدَاوَنَد بِأَنْ بَنَدِگَانِ خُودِرَا أَرْمَيشِ مِي كَنَد.»

«إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَخَافُ فِيهَا عَلَى نَفْسِهِ. فَهُوَ الْمُنْتَظَرُ وَهُوَ الَّذِي شَكَّ فِي وِلَادَتِهِ، فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ: مَا وُلِدَ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: وُلِدَ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: وُلِدَ قَبْلَ وَفَاةِ أَبِيهِ بِسِنِينَ. غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ قُلُوبَ الشَّيْعَةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَزْتَابُ الْمُبْطِلُونَ؛^۳ أَوْ غَيْبَتِي دَارِدَكِه دَرِ أَنْ بَه خَاطِرِ جَانِ خُودِ مِي تَرَسَدِ، وَ هَمِه دَرِ اِنْتِظَارِ اَوْ هَسْتَنَدِ اَوْ اِمَامِي أَسْت كِه دَرِ بَارَةِ تُولَدِ اَوْ شَكِي نِيَسْتِ، عَدِهَای مَسِي گُوبِنَد بَه دُنْيَا نِيَا مَدِه، عَدِهَ دِيگَرِ مِي گُوبِنَد بَه دُنْيَا آمَدِه. خَدَا فِقْطِ مِي خُوَاهَدِ بَنَدِگَانِ خُودِرَا اِمْتَحَانِ كَنَدِ وَ گَرُوهِ بَاطِلِ دَرِ أَنْ زَمَانِ دِجَارِ شَكِ مِي شُوبِنَد.»

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدُهُ، وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ صَاحِبِكُمْ غَيْبَةً فَلَا تُنْكِرُوهَا. إِذَا أَدِنَ اللَّهُ فِي الْخُرُوجِ خَرَجَ؛^۴ صَاحِبِ إِيْنِ اِمْرِ غَيْبَتِي دَارِدِ، پَسِ هَرِ بَنَدِهَای كِه تَقْوَايِ اِلَهِي دَاشْتِه بَاشَدِ وَ بَه دِينِ خَدَا چَنگِ بَرَزَنَدِ. وَ قَتِي بَه شَمَا بَگُوبِنَد كِه اِمَامَتَانِ غَايِبِ شُدِه، أَنْ رَا تَكْذِيبِ نَكْنِيَدِ. وَ قَتِي خَدَا اِحْزَاةِ بَدِهَدِ، ظُهُورِ مِي كَنَد.»

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبِي إِلَّا أَنْ يُجْرِي فِيهِ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي غَيْبَاتِهِمْ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ اسْتِيْفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ إِنْ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْغَيْبَاتِ الْجَارِيَةِ فِي الْقَائِمِ مِنَّا أَهْلَ النَّبِيِّتِ حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ؛^۵ خَدَاوَنَدِ مِي خُوَاهَدِ سَنَتِ پِيَا مِيرَانِ رَا دَرِ غَيْبَتِ هَايشَانِ دَرِ بَارَةِ اَوْ اِحْرَا كَنَدِ. وَ نَآچَارِ بَايَدِ مَدَتِ غَيْبَتِ هَايِ پِيَا مِيرَانِ بَه پَايَانِ بَرَسَدِ تَا هَمِه سَنَتِ هَايِ پِيَا مِيرَانِ دَرِ قَائِمِ مَا نِيَزِ اِحْرَا شُود.»

«إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِمَّنَا يُشَارُ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَ يُمَضَّعُ بِالْأَلْسُنِ إِلَّا مَاتَ غَيْظًا أَوْ حَتَفَ أَنْفِهِ لِذَلِكَ كَانَتْ الْغَيْبَةُ؛ كَسِي كِه بَا اِنگِشْتِ بَه سُوِيِ اَوْ اِشَارِه شُودِ وَ زِيَا نَزِدِ مَرْدِمِ گَرَدَدِ، اَزِ مَا نِيَسْتِ مَگَرِ اِيْنَكِه كَشْتِه شُودِ يَا دَقِّ مَرگِ شُودِ. وَ بَه هَمِينِ دَلِيلِ غَيْبَتِ بَرَايِ اَوْ مَقْدَرِ شُدِه اَسْت.»

امام صادق عليه السلام در تفسیر این آیه: «بگو: نمی دانم آنچه به آن وعده داده شده‌اید،

دوره‌ان در هاب
 مهدی قائم عليه السلام
 شریسته حضرت

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۴۱. ۲. بحار الانوار ۵۱: ۱۵۰ و ۵۲: ۱۱۳. ۳. اصول کافی ۱: ۳۳۷. ۴. بحار الانوار ۵۱: ۱۴۵ و ۵۲: ۱۱۱. ۵. معانی الاخبار ۳۹: ۳۹. ۶. بحار الانوار ۵۱: ۱۲۶. غیبت شیخ طوسی: ۱۰۶. ۷. معنی ۵: ۲۶۳، ۲۳۹. ۸. بحار الانوار ۵۱: ۱۴۲. ۹. غیبت نعمانی: ۸۷. ۱۰. اصول کافی ۱: ۳۴۲. ۱۱. بحار الانوار ۵۱: ۱۳۸، ۳۶.

نزدیک است یا خداوند برای آن زمانی مقرر کرده است؟ خداوند بر پنهان‌ها داناست و کسی از راز غیبت او آگاه نیست، جز پیامبری که از او خشنود باشد.^۱ فرمود:

«يُخْبِرُ اللَّهُ رَسُولَهُ الَّذِي يَرْتَضِيهِ بِمَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ وَمَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنْ أَخْبَارِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَغَيْرِهِ؛^۲ پیامبری که مورد رضایت او باشد، او را از اخبار گذشتگان و اتفاقات آیندگان، از اخبار قائم ما و غیره باخبر می‌کند.»

و در تفسیر آیه «نه، سوگند به ستارگان گردون که از دیده‌ها پنهان می‌شوند و دوباره طلوع می‌کنند»^۳ فرمود:

«إِنَّهُ إِمَامٌ يَخْسِفُ فِي زَمَانِهِ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنْ عَلَيْهِ عِنْدَ النَّاسِ سِتَّةَ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَاقِدِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ قَرَّتْ عَيْنُهُ؛^۴ این آیه درباره اسامی است که در زمان خود از دیده‌ها پنهان می‌شود و از سال دویست و شصت هجری مردم از او اطلاعی ندارند، سپس مانند ستاره‌ای درخشان ظهور می‌کند و شب تاریک را بانور خود روشن می‌سازد. هر کس زمان او را درک کند، چشمش روشن می‌شود.»

«ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلِ الظُّلْمَاءِ، مَعَهُ ذَخَائِرُ الْأَنْبِيَاءِ؛^۵ سپس مانند ستاره درخشان ظاهر می‌شود که شب تاریک را روشن کند، و میراث پیامبران در دست اوست.»

در روایات پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام، ستاره درخشان درباره مهدی ﷺ به کار رفته است و شاید این تعبیر اشاره به این است که ظهور آن حضرت در عصر فضا خواهد بود که هر سفینه و هواپیمایی مانند ستاره درخشان به سوی زمین فرود می‌آید. این تعبیر درباره جنگ‌های آن حضرت نیز به کار رفته است.

تفکر درباره احادیث، معانی آن‌ها را روشن می‌کند. در روایات امامان علیهم السلام، سال و ماه و روز وفات امام حسن عسکری علیهم السلام به طور دقیق بیان شده است و پس از گذشت صد سال، درست در همان تاریخ از دنیا رفت.

این دانش بالارزش را خداوند به اولیای خود آموخته تا با آن شیعیان را از خطر دور کنند. سپس با قاطعیت فرموده‌اند که وقت ظهور آن حضرت را کسی نمی‌داند و هر کس

۱. سوره مبارکه جن، آیات ۲۵-۲۷. إن أَدْرَى أَقْرَبَ مَا تَوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ وَرَثًا * غَلِيْمٌ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَيَّ غَيْبِي أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِن رَّسُولٍ... ۲. بحار الانوار ۵۳: ۵۸ و ۵۱: ۱۳۹.
 ۳. سوره مبارکه تکویر، آیه ۱۵-۱۶. فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ .
 ۴. غیبت نعمانی: ۱۷۵؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۰۱؛ منتخب الاثر: ۲۵۶؛ اصول کافی: ۱: ۳۴۱؛ بحار الانوار ۵۱: ۵۱؛ الزم الناصب: ۱۴۱، ۳۲؛ بتایع الموده: ۳: ۸۵.
 ۵. غیبت نعمانی: ۱۷۵؛ بحار الانوار ۵۱: ۷۲؛ کشف الغممه: ۳: ۳۱۱؛ منتخب الاثر: ۱۸۳؛ بتایع الموده: ۳: ۱۶۳، ۱۶۸؛ بشارة الاسلام: ۱۱۷.

دوراد در هجاب
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 بشارة الخلافة في ظل القائم المهدي

برای آن وقتی تعیین کند، سخن بیهوده گفته است:

«مَنْ وَقَّتْ لِمَهْدِيْنَا وَقْتًا فَقَدْ شَارَكَ اللَّهَ تَعَالَى فِي عِلْمِهِ وَادَّعَى أَنَّهُ ظَهَرَ عَلَي سِرِّهِ؛^۱ هر کس برای ظهور مهدی ما وقتی تعیین کند، خود را شریک علم خدا کرده و خود را آگاه از اسرار الهی می داند.»

روایات امام کاظم علیه السلام

«لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ يُمْتَحِنُ اللَّهُ بِهَا خَلْقَهُ وَ لَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَأَجْدَادُكُمْ دِينَنَا أَصَحَّ مِنْ هَذَا الدِّينِ لَا تَتَّبِعُوهُ؛^۲ ناچار، صاحب این امر، غیبتی دارد که اکثر معتقدان به او، از اعتقاد خود برمی گردند. آن امتحان بزرگی است که خداوند بندگان خود را با آن می آزمايد. اگر پدران شمارا می درست تر سراغ داشتند، از آن پیروی می کردند.»

به خدا سوگند، نیاکان ما از روزی که خداوند نعمت رسالت و ولایت را به مردم زمین داده است، هرگز سخنانی درست تر از سخنان پیامبر ﷺ و مردمی راستگوتر از اهل بیت آن حضرت ﷺ نیافته اند که حقایق وحی را بدون کوچک ترین تغییر و تحریف به دست ما رسانیده اند، حتی بعضی از راویان حدیث، معنای کامل روایتی را که نقل کرده اند، نفهمیده اند، زیرا بسیاری از آن ها با گذشت زمان معنی شده اند.

سپس درباره آیه «نعمت های ظاهری و باطنی خود را بر شما عرضه داشت»^۳ فرمود:

«النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْأَمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْأَمَامُ الْغَائِبُ يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَةً وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهَا يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَيَذَلُّ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَيُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَيَقْرِبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ؛^۴ نعمت ظاهری، امام آشکار است، و نعمت باطنی، امامی است که از نظرها پنهان می باشد و جسم او دیده نمی شود ولی یاد او در دل ها زنده خواهد بود. و او امام دوازدهم است، که خداوند هر مشکلی را برای او آسان می کند و گنج های زمین را برای او فاش می کند، راه دور برای او نزدیک می گردد.»

روایات امام هادی علیه السلام

«إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ؛^۵ وقتی صاحب شما از سرزمین ظالمان غایب شود، منتظر فرج او باشید.»

دوازدهمین باب
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱. بحار الانوار ۵۳: ۳. ۲. منتخب الاثر: ۲۷۴، ۲۱۸؛ الزام الناصب: ۶۹؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۰۴؛ بشارة الاسلام: ۱۵۷، ۴۰.
 ۳. سورة مباركة لقمان، آیه ۲۰. ۴. بحار الانوار ۵۱: ۵۱، ۶۴؛ ۱۵۰؛ منتخب الاثر: ۴۷۲؛ الزام الناصب: ۲۷ و ۱۴۰.
 ۵. الزام الناصب: ۶۹.

روایات امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق، نماینده خود در قم فرمود:
 «إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الَّذِي تَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ بِالتَّغْيِيرِ وَالْغَيْبَةِ حَتَّى
 تَقْسُو قُلُوبَ لِطُولِ الْأَمَدِ فَقَالَ صَاحِبُهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنْ غَيْبَتَهُ لَتَطُولُ قَالَ إِي وَرَبِّي
 حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ الْقَائِلِينَ بِهِ وَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَهُ لَوْلَا بَيْنَا
 وَكَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدُهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛^۱ پسر من بعد از من قائم به حق است.
 سنت‌های پیامبران از عمر طولانی و غیبت، در او می‌باشد. غیبت او به قدری طول
 می‌کشد که دل‌ها سخت و تاریک می‌گردد.»

احمد بن اسحاق گفت: آیا غیبت او این همه طول می‌کشد؟ امام حسن عسکری علیه السلام
 فرمود: «آری، به خدا سوگند، آنقدر طولانی می‌شود که بیشتر معتقدان به امامت او، از
 اعتقاد خود برمی‌گردند و از ایمان خود دست برمی‌دارند، به جز کسی که خداوند از او
 برای ولایت ما پیمان گرفته است و در دل او ایمان واقعی وجود دارد و او را با روح مقدس
 خود تأیید کرده است.»

قلب مردم تاریک شده و بسیاری از جوانان شیعه از اعتقاد خود برگشته‌اند، مشغول
 مادیات دنیا شده‌اند. جای امیدواری است که اخیراً جوان‌ها به معنویات روی آورده‌اند و
 از غرب ناامید شده‌اند و به تدریج حق و باطل را از یکدیگر تشخیص می‌دهند و زمینه
 ظهور آن منجی عالم را فراهم می‌کنند.

یکی از یاران نزدیک امام حسن عسکری علیه السلام خدمت ایشان آمد و ایشان حجت خدا
 را به او نشان داد و فرمود:

«أَكْتُمُ مَا رَأَيْتَ وَ مَا سَمِعْتَ مِنَّا الْيَوْمَ إِلَّا عَن أَهْلِهِ؛^۲ آنچه امروز از ما دیدی و یا شنیدی
 مخفی کن، فقط برای اهلش بیان کن.»

یکی دیگر از اصحاب امام عسکری علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام سؤال کرد. حضرت
 فرمود:

«إِسْتَوْدَعْنَاهُ الَّذِي اسْتَوْدَعَتْ أُمُّ مُوسَى وَ لَدَّهَا؛^۳ او را به خدایسی سپردیم که مادر
 موسی علیه السلام، فرزندش را به او سپرد.»

این روایات برای این است که شیعیان را برای غیبت حضرت ولی

۱. بحار الانوار ۵۱: ۲۴۴؛ منتخب الاثر: ۲۲۹-۲۲۷؛ المهدی المنتظر: ۲۷. ۲. منتخب الاثر: ۳۵۴؛ کشف الغم ۳: ۳۱۶.
 ۳. کشف الغم ۳: ۲۵۹؛ غیبت طوسی: ۱۴۲؛ اعلام الوری: ۴۱۲؛ تنبیح الموده ۳: ۲۷ و ۱۱۳.



عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آماده کنند وگرنه سخن امام برای اصحابش مانند سخن پیامبر ﷺ، حجت بود.

روایات امام زمان علیه السلام

حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در نامه‌ای به یکی از نایبانش می‌نویسد:

«إِنَّ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُزِنَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَخْفَاهَا وَأَقْضَاهَا إِسْرَاراً لِأَمْرِي وَتَخَصِيناً لِمَحَلِّي مِنْ مَكَايِدِ أَهْلِ الضَّلَالِ وَالْمَرَدَةِ مِنْ أَحْدَاثِ الْأُمَمِ الضَّوَالِّ فَتَبَدَّنِي إِلَى عَالِيَةِ الرُّمَالِ وَجُبْتُ صَرَائِمَ الْأَرْضِ تُنظِرُنِي الْغَايَةَ الَّتِي عِنْدَهَا يَحُلُّ الْأَمْرُ وَيُنْجَلِي الْهَلْعُ؛ ا پدرم ﷺ با من پیمان بسته که دورترین و مخفی‌ترین نقطه زمین را برای اقامت خود انتخاب کنم تا امر من پوشیده بماند و محل زندگی‌ام از ستم ظالمان و گمراهان در امان باشد. پس به کوه‌های بلند رفته‌ام و از دشت‌ها و بیابان‌ها دور هستم تا روز موعود برسد و فرمان حق صادر شود و ترس از بین برود.»

غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مانند طول عمر آن حضرت عجیب است، ولی در جهان چیزهای عجیب زیاد است که بعضی از آن‌ها را با چشم خود می‌بینیم و درباره آن سخن می‌گوییم ولی تکذیب نمی‌کنیم؛ زیرا با حواس ظاهری خود آن‌ها را احساس می‌کنیم و یا چون از زبان دانشمندان بوده قبول داریم. چرا سخن دانشمندان زمینی را می‌پذیریم و سخن دانشمندان آسمانی را انکار می‌کنیم؟!

به هر حال ما و دشمنان ما، حتی آن‌ها که برای کشتن قائم به خانه امام حسن عسکری علیه السلام حمله کردند، شک نداریم که حضرت ولی عصر متولد شده است. ما و دشمنان ما در این باره هم عقیده هستیم که او از نظر تاریخ وفات نکرده است. یعنی از نظر تاریخ او زنده است و مانند بسیاری از بندگان صالح و غیر صالح، عمر طولانی دارد و از چشم ما پنهان است همان طور که یاد او در دل دشمنان نمی‌گنجد.

مادر حضرت ابراهیم علیه السلام او را مخفیانه به دنیا آورد و در غاری مخفی کرد تا آن وقایع اتفاق افتاد. مادر حضرت موسی علیه السلام نیز او را مخفیانه به دنیا آورد و طبق فرمان خدا او را در تابوتی از پوست خرما قرار داد و به امواج آب نیل سپرد تا فرعون آن را بگیرد و در آغوش مادرش پرورش دهد. سپس به خواست خداوند، او فقط از پستان مادرش شیر خورد و فرعون او را به مادر خودش سپرد تا آن که آن وقایع اتفاق افتاد.

آیا داستان ولادت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - شگفت‌آورتر از داستان

دوران در هجاب
 تریبستان حضرت مهدی قائم علیه السلام
 حضرت الخضر علیه السلام ظل القادر المهدی علیه السلام

ولادت ابراهیم و موسی علیهم السلام است؟! چرا درباره ولادت آنها شک نمی‌کنند ولی درباره ولادت حجت خدا تردید می‌کنند؟!

وقتی داستان حضرت ادریس علیه السلام را مطالعه می‌کنیم، با شگفتی‌های زیادی مواجه می‌شویم که مدت طولانی از قوم خود غایب می‌شود، به گرسنگی و انواع گرفتاری‌ها دچار می‌شوند و سپس ظهور می‌کند و با عده کمی که بر پیمان او ثابت مانده‌اند، همه گرفتاری‌ها را برطرف می‌کنند.^۱

حضرت صالح علیه السلام نیز در پیری از قوم خود غایب شد و سال‌ها بعد به سوی آنها بازگشت که به خاطر طول عمرش او را نشناختند و با حیله شیطان، او را انکار کردند. با وجود این داستان‌های شگفت درباره غیبت پیامبران، چگونه درباره غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تعجب می‌کنیم. چگونه می‌توان درباره موضوعی که هزاران حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام قبل از وقوع آن رسیده و یکی پس از دیگری انجام یافته است، شک کرد؟!

غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - یکی از دلایل قطعی بر درستی این احادیث است و حقیقت این احادیث دلیلی محکم برای صحت امامت اوست، و دلیل روشنی بر این که مهدی منتظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هم اوست و جز او نیست، زیرا چنین ویژگی‌ها در غیر او دیده نشده است. اما به خاطر طولانی شدن غیبت او، درباره‌اش شک کرده‌اند و در احادیث زیادی هم این موضوع بیان شده است.

کسی که غیبت و طولانی شدن عمر آن حضرت را انکار کند، روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را انکار کرده است. آیا این شخص معتقد است که خداوند چنین قدرتی ندارد؟! ما به این شخص می‌گوییم ی را مخاطب قرار نمی‌دهیم، و اگر معتقد است که خداوند چنین قدرتی دارد، پس حق اعتراض ندارد که پس از امکان عقلی آن، وجود هزاران حدیث، وقوع و ثبوت آن را اثبات می‌کند. در چنین مسئله‌ای اعتراف و یا انکار کسی ارزش ندارد، زیرا آن یک مسئله قطعی و یک تقدیر حتمی است که قبول و یا انکار آن، تأثیری ندارد. داستان حضرت ولی عصر (عج) مانند یک حادثه آسمانی است که اتفاق افتاده و برای من و تو اثبات و نفی لازم ندارد. انسان عاقل درباره چنین واقعه‌ای به درگاه خداوند عرضه می‌دارد: خدایا! به من توفیق بده که از معتقدین باشم و در چنین

دورادان دهب
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 محمد صلی الله علیه و آله
 محمد الحارثی ظل القادر المهدی علیه السلام

حقیقتی شک نکنم و توفیق درک آن روز موعود را داشته باشم. خدایا! هر مؤمنی چنین توفیقی را از تو می‌خواهد، به ما نیز این توفیق را عطا کن.

جریان زنده شدن شخصی به نام عَزَبِر در قرآن کریم آمده است^۱ و بیان شده که صد سال بعد از مرگش، خدا او را زنده می‌کند. وقتی چشم به جهان باز می‌کند، مرکبش مرده بود و مقابل چشم او زنده می‌شود تا ماجرای رستاخیز را به چشم خود ببیند. خوراک و نوشیدنی او بعد از گذشت صد سال، سالم بود. عزیز بعد از یک قرن باز می‌گردد، چرا غایب زنده باز نگردد؟!

داستان ذی القرنین که یکی از بندگان صالح خداست نیز همین طور است. او قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد، به جبین راست او زدند و از بین آن‌ها رفت و غایب شد و همه گمان کردند که مرده است. سپس بازگشت و قوم خود را به سوی خدا دعوت نمود و به جبین چپ او زدند.^۲

وقتی پیامبر ﷺ داستان ذوالقرنین را برای قوم خود تعریف کرد، فرمود: «أَنْ فَيْكُمْ مَنْ هُوَ عَلَيَّ سُنِّيهِ»^۳ در میان امت اسلامی نیز کسی هست که این جریان برایش اتفاق می‌افتد.

«خداوند سنت او را در قائم ما قرار داده است و او را به شرق و غرب زمین می‌رساند. او مانند ذی القرنین، در همه جای زمین قدم می‌گذارد.»^۴
اکنون که غیبت طولانی او باعث انکار او می‌شود، پس چرا او ظهور نمی‌کند؟! او که سرانجام شمشیر خواهد کشید، چرا حالا این کار را نمی‌کند؟!

در پاسخ این پرسش باید گفت: هزار سال قبل از این «سید مرتضی علم‌الهدی» این پرسش را پاسخ داده است:^۵ «امام معصوم هرگز نباید از حوادث دور باشد، مگر خدا این طور خواسته باشد، شاید خود او نیز دلیل آن را نداند، مانند آیات متشابه قرآن که منظور واقعی آن را نمی‌دانیم ولی در برابر مشیت الهی تسلیم هستیم و ما حق نداریم که برای احکام و دستورات خدا فلسفه بیافیم. اگر تاکنون علمای شیعه درباره غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - حکمت‌هایی گفته‌اند، مطالبی است که از معصومین علیهم‌السلام نقل

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۹. ۲. الزام الناصب: ۲۲۲ و ۲۲۵.

۳. منظور از این شخص، امیرمؤمنان علیه‌السلام است که این ملجم بر پیشانی مبارک او در محراب عبادت زد و این یکی از معجزات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که سی سال قبل از شهادت امیرمؤمنان علیه‌السلام از آن خبر داده است: کشف الغمّه ۳: ۳۱۷، منتخب الاثر: ۲۹۳، اعلام الوری: ۴۱۳، بحار الانوار: ۵۲: ۲۲۲ و ۵۳: ۱۰۷، اصول کافی: ۱: ۲۶۹. ۴. همان. ۵. بحار الانوار: ۵۳: ۲۲۲.

شده است وگرنه ما چنین تکلیفی نداریم، اگر چه ما از عقاید خود آگاهانه دفاع می‌کنیم ولی حق فلسفه باقی نداریم، چه به سود ما باشد یا به ضرر ما».

غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به این معنی نیست که شیعیان خاص با او ارتباط ندارند. طبق روایات، سی نفر از خدمتگزاران و اولیا همیشه در خدمت حجت خدا هستند و وقتی یکی از آنها بمیرد، دیگری به جای او انتخاب می‌شود.

حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به خاطر ترس از دشمنان از چشم آنها پنهان شده است، و از چشم دوستان هم به خاطر ترس بر آنها غایب شده است تا جان آنها را حفظ کند. حکومت، زندگی امام حسن عسکری علیه السلام و امام هادی علیه السلام را شب و روز زیر نظر داشت و وقتی شیعیان خاص به محضر آنها می‌آمدند، آنها از پشت پرده با شیعیان خود صحبت می‌کردند، گاهی روز اول اصلاً ملاقات نمی‌کردند، به هر حال طوری رفتار می‌نمودند که شیعیان را برای غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آماده کنند، هر چه دوران غیبت نزدیک‌تر می‌شد، امام عسکری علیه السلام بیشتر خود را پنهان می‌کرد و فقط برای کارهای مهم ظاهر می‌شد تا این که دوران غیبت رسید.

سرداب

حضرت مهدی علیه السلام کجا و چگونه غایب شد؟ دشمنان اهل بیت، تهمت‌های فراوانی در این باره به شیعیان زده‌اند. آخرین دیدار عمومی حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با شیعیان، روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری بود که در مراسم تشییع جنازه پدرش برای آنان ظاهر شد و بر جنازه پدر بزرگوارش نماز خواند و سپس ناپدید شد. این دیدار در «سامرا» و در خانه پدرش امام حسن عسکری علیه السلام صورت گرفت. خانه امام حسن عسکری علیه السلام مانند دیگر خانه‌های اشراف عراق، اتاقی برای مردان و اتاقی برای زنان و یک سرداب داشت. سرداب هم اتاق‌هایی برای مردان و زنان داشت و در تابستان از شدت گرما به این سرداب پناه می‌بردند. این سرداب محل زندگی و عبادت امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بود و دیدار با حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در زمان پدرش، در همین منزل و در همین سرداب انجام می‌گرفت. بنابراین شیعیانی که بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام برای زیارت قبر عسگریین علیهم السلام وارد سامرا می‌شدند، بعد از زیارت قبر آن بزرگواران، در محل عبادت سه امام بزرگوار هم نماز می‌خواندند و آنجا را زیارت می‌کردند. دشمنان اهل



بیت، شیعیان را متهم کردند که می‌گویند امام زمان علیه السلام در سرداب مخفی شده است و تا روز ظهور آن جا می‌ماند!

ولی شیعیان چنین اعتقادی نداشتند، آن‌ها سرداب را به این دلیل مقدس می‌شمارند که محل زندگی و پرستش و نیایش سه امام معصوم بوده است؛ محل زندگی حضرت حکیمه و جناب نرجس خاتون بوده است، و به خصوص محل ملاقات حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در زمان پدر بزرگوارش می‌باشد. ما مثل همه شیعیان در طول تاریخ معتقدیم که حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با عنایت خاص پروردگار، در همه جهان گردش می‌کند، هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند و قبر پدران بزرگوارش را در مدینه، عراق و طوس زیارت می‌کند و با خدمتگزارانش که سی نفر هستند، به اقامتگاه خود در نقاط دوردست جهان و دور از دسترس دشمنان بازمی‌گردد.^۱

ما فقط به همین خاطر، سرداب را مقدس می‌شماریم. ما هر کجا که معلوم باشد که محل عبادت یکی از امامان معصوم بوده است، از آنجا تبرک می‌جوئیم و هر کجا بدانیم که حتی یک بار و یک لحظه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دیده شده، آنجا را هم زیارت می‌کنیم، مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم.

ما اگر زادگاه حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را زیارت می‌کنیم، در مکه نیز زادگاه پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت می‌کنیم؛ چرا که محبت پیامبر و آتش صلوات الله علیه در وجود ماست و چون اکنون به امام خود دسترسی نداریم، هر کجا بدانیم که ایشان قدم گذاشته، آنجا را زیارت می‌کنیم و هر کجا بدانیم که از هوای آنجا تنفس نموده، از آنجا نیز تبرک می‌جوئیم.

پس علت این که سرداب را مقدس می‌دانیم این است که قطعاً سه نفر از امامان معصوم در آن جا زندگی کرده‌اند و شب‌ها را تا سحر به عبادت خداوند مشغول بوده‌اند و حجت خدا در آنجا به دنیا آمده و هر سال برای زیارت قبور پدر و جد و مادر و عمه‌اش به آنجا تشریف می‌آورند.

چگونه زیارت قبور امامان معصوم، خرافه می‌باشد ولی ایستادن در مقابل تابلوهای یادبود رهبران، مجسمه جنایتکاران، نشانه روشنفکری و تمدن است! ما روشنفکران را سرزنش نمی‌کنیم که چرا به دیدن بناهای فرسوده به عنوان آثار باستانی می‌روند ولی

۱. در مورد اقامتگاه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به کتاب جزیره خضراء مراجعه کنید.

آنان ما را به خاطر دیدن سرزمین‌های مقدس سرزنش می‌کنند!

سفیران چهارگانه

نواب خاص امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به نمایندگان امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام شباهت دارند که آن‌ها نیز برای آماده کردن مردم به غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - کمتر با مردم تماس می‌گرفتند و نمایندگان داشتند که مردم به وسیله آن‌ها با امام علیه السلام تماس برقرار می‌کردند. سفیران حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نیز با پنهان کردن اسرار امامت و راز مهدویت، شیعیان را از نظر احکام و عقاید و دریافت آن‌ها به خط شریف حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بی‌نیاز می‌کردند و آن‌ها را برای پوشیده نگه داشتن راز، آماده می‌کردند.

سفیران طوری تربیت شده بودند که هرگز این اسرار فاش نشود و کسی به دست حکومت نیفتد. در عین حال همه شیعیان مورد اعتماد در همه جهان، نائب امامشان را می‌شناختند و به آسانی با آن‌ها تماس می‌گرفتند و پرسش‌های خود را به آن‌ها می‌دادند و پاسخ‌های لازم را به دستخط حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دریافت می‌کردند. یکی از معاصرین نواب خاص، در مدح یکی از سفیران چنین می‌گوید: «اگر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - زیر عبای او باشد و او را با قیچی قطعه قطعه کنند تا امام را پیدا کنند، چنین کار را نمی‌کنند!

سفیران و شیعیان خاص هرگز اسم مبارک امام علیه السلام را به زبان نمی‌آوردند تا دیگران را از تفکر درباره او باز دارند.

عثمان بن سعید عمروی

عثمان بن سعید عمروی اسدی، قبل از ولادت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - پنج سال از طرف امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام وکیل و نماینده بود و میان شیعیان روغن می‌فروخت تا به وسیله سربازان حکومت شناخته نشود.^۱

امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق، نماینده خود در قم فرمود:

«الْعَمْرِيُّ يَنْتِي فَمَا أَدَى إِلَيْكَ فَعَنِّي يُؤَدِّي وَمَا قَالَ لَكَ فَعَنِّي يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَأَطِعْ فَإِنَّهُ

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۱۴، بحار الانوار: ۵۱، ۲۴۴، الکنی و الالقاب: ۳، ۲۲۷.



الثِّقَةُ الْمَأْمُونُ؛^۱ عمری، مورد اعتماد من است، هر چه از جانب من نقل کند، بدون شک از من شنیده است و هر چه بگوید، از زبان من می‌گوید؛ از او بشنو و از وی اطاعت کن که او امانت‌دار و مورد اعتماد است.»

وقتی عمروی این لطف امام علیه السلام را در حق خود شنید، سجده شکر به جا آورد و از شادی گریه کرد. بر این اساس قبل از آن که امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به دنیا بیاید، عمروی مورد اعتماد شیعیان بود و همه شیعیان او را نماینده امام می‌دانستند و در این باره شک نداشتند. عمروی در زمان کودکی حجت خدا، نائب و سفیر آن حضرت شد. وقتی امام حسن عسکری علیه السلام وفات نمود، از عمروی پرسیدند: آیا امام حسن عسکری علیه السلام وفات کرده است؟ گفت: آری، او درگذشت ولی میان شما جانشینی گذاشت که گردنش این چنین است (با دست به غده گردن خود اشاره کرد). با این گفتار به آن‌ها فهماند که جانشین امام حسن عسکری علیه السلام با این که کم سن و سال است ولی به دوران بلوغ رسیده و جوانی رشید می‌باشد.^۲

این تعبیر را پسرش «محمد بن عثمان» نیز نقل کرده است.

عمرویی جزء کسانی است که در مراسم غسل و کفن و نماز و دفن امام حسن عسکری علیه السلام شرکت نمود.

یکی از نامه‌هایی که به خط حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به دست عمروی رسیده، نامه‌ای است که قسمتی از آن چنین است:

«... غافانا الله وإياكم من الفتن وهب لنا ولكم روح اليقين وأجازنا وإياكم من سوء المنقلب إنه أنهى إليّ ازتياب جماعة منكم في الدين وما دخلهم من الشك والخيرة في ولاية أمرهم فقمنا ذلك لكم لأننا وساءنا فيكم لا فينا لأن الله معنا فلا فاقة بنا إلى غيره والحق معنا فلن يوحشنا من قعد عنا ونحن صنائع ربنا والخلق بغد صنائعنا؛ خداوند ما و شمارا از فتنه‌ها حفظ کند، به ما و شمارو روح یقین عنایت فرماید، ما و شمارا از عاقبت و بازگشت بد محافظت نماید. به ما خبر داده‌اند که عده‌ای در دین خود شک کرده‌اند و درباره امامان خود شک کرده‌اند، این خبر ما را ناراحت کرده است و ما به خاطر شما غمگین شده‌ایم نه برای خودمان، زیرا خداوند با ماست و نیازی به کس دیگری نداریم. حق با ماست، هر کس از ما دور شود، ما را نمی‌ترساند. خداوند ما را

۱. اصول کافی ۱: ۳۳۰؛ اعلام الوری: ۳۹۶؛ منتخب الاثر: ۳۹۴؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۱۷.

۲. ارشاد مفید: ۳۳۰؛ اعلام الوری: ۳۹۶.

پرورش داده و ما دیگران را پرورش می دهیم.»

از این جا سخن علی علیه السلام معنا می شود که «هر کس کلمه ای به من بیاموزد، من را بنده خود کرده است.»

حضرت حجّت علیه السلام می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛ ای کسانی که

ایمان آورده اید، از خدا و از پیامبر و صاحبان امر خود اطاعت کنید.

مگر نمی دانید که درباره امامان علیهم السلام چه احادیثی به شما رسیده است؟ مگر نمی دانید چه سرنوشتی برای امامان تعیین شده و قبلاً به شما رسیده است؟! مگر نمی بینید که خداوند چه چراغ های روشنی برای هدایت شما فرستاده است و چه پناهگاه هایی برای شما تأمین ساخته است؟ از روزگار آدم علیه السلام تا زمان امام حسن عسکری علیه السلام هرگاه پرچمی بر زمین می افتد، پرچم دیگری ظاهر می شود و هرگاه ستاره ای غروب کرده، ستاره ای طلوع نموده است. هنگامی که پدرم درگذشت، گمان کردید خدا دین خود را باطل خواهد ساخت و رابطه خود را با بندگانش قطع خواهد کرد؟! چنین چیزی امکان ندارد و تا روز رستاخیز چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد.

روش پدرم مانند روش پدران بزرگوارش بود و سرانجام سعادت مند از دنیا رفت، اما دانش او و وصیت او نزد ماست. فقط کافران در این باره با ما می جنگند! اگر خواست خدا نبود، فرمانش باطل نمی شد و راز او آشکار نمی شد، حق ما را آشکار می ساخت و دل های شما را روشن می کرد و شک و تردید را از دل شما پاک می کرد. ولی آنچه او بخواهد همان خواهد شد و برای هر زمانی کتابی هست.

از خدا بترسید و تسلیم ما شوید، امر را به ما واگذار کنید و به ما بازگردانید، تا آنچنان که به ما دستور داده شده به شما دستور بدهیم؛ در جستجوی آنچه از شما پنهان شده نباشید. از راه راست منحرف نشوید و به راه چپ نروید. میانه روی را در محبت به ما بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهید. من شما را نصیحت کردم و خیرخواه شما هستم، خداوند برای من و شما شاهد است.

اگر علاقه ما به راهنمایی و اصلاح و محبت به شما نبود، به نبرد با ستمگران گمراه می پرداختیم. ظالم طغیانگری که با خدای خود می جنگد، ادعای ناروا دارد و حق امام را



انکار کرده و حق مرا غصب نموده‌اند، در صورتی که من با پیامبر ﷺ شباهت دارم و الگوی خوبی هستم. نادان به خاطر جهالتش سقوط می‌کند، کافران به زودی می‌فهمند که عاقبت این جهان چیست؟ خداوند ما و شما را به وسیله رحمت خود از خطرها و بلاها حفظ کند. خداوند، ولی رحمت و نگهدار من و شماست و سلام و رحمت و برکات خدا بر همه اوصیاء و مؤمنان باد.»^۱

در این نامه که از ناحیه مقدسه صادر شده است، چیز مبهمی نیست که نیاز به توضیح داشته باشد، جز اینکه بسیاری از ما به چپ و راست منحرف شده‌ایم و گرفتار فرهنگ بیگانگان شده‌ایم. پیروان این فرهنگها به خوبی می‌دانند که به هدف خود نمی‌رسند. زیرا اصول چپی، آن‌ها را به سقوط می‌کشد و مبانی راستی، آنان را به راه راست هدایت می‌کند. بنابراین چپگرایان و راست گرایان خود را از رسیدن به هدف مطلوب ناتوان می‌بینند. معیارهایی که برخلاف فرهنگ اسلام باشد، معیار حقیقی نیست، بلکه «مانند شوره‌زار و سراب در دشت پهناور است که تشنه گمان می‌کند آب است»^۲.
جوانان ما پوچ بودن تفکر غربی و شرقی را درک کرده‌اند ولی به آن روی آورده‌اند و به گمراهی رفته‌اند.

حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در نامه دیگری که به سفیر اول خود نوشته و درباره امر خدا و ثبات قدم در راه، فرموده‌اند:

«كَيْفَ يَتَساقَطُونَ فِي الْفِتْنَةِ وَيَتَرَدُّونَ فِي الْحَيْرَةِ وَيَأْخُذُونَ يَمِينًا وَشِمَالًا فَارْقُوا دِينَهُمْ أَمْ اِرْتَابُوا أَمْ غَانَدُوا الْحَقَّ أَمْ جَهِلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّوَايَاتُ الصَّادِقَةُ وَالْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ أَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ فَتَنَسَوْا مَا يَعْلَمُونَ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا وَإِمَّا مَغْمُورًا أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا انْتِظَامَ أُنْمَتِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ ﷺ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ أَفْضَى الْأَمْرُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْمَاضِي يَغْنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ قِمَامَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ كَانُوا نُورًا سَاطِعًا وَشَهَابًا لَامِعًا وَقَمَرًا زَاهِرًا ثُمَّ اخْتَارَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مَا عِنْدَهُ فَمَضَى عَلَى مِنْهَاجِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ عَلَى عَهْدِ عَهْدِهِ وَوَصِيَّةِ أَوْصِيَّ بِهَا إِلَى وَصِيِّ سَتَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَمْرِهِ إِلَى غَايَةِ وَأَخْفَى مَكَانَهُ بِمَشِيئَتِهِ لِلْقَضَاءِ السَّابِقِ وَالْقَدَرِ النَّاقِذِ وَفِيْنَا مَوْضِعُهُ وَلَنَا فَضْلُهُ وَلَوْ قَدْ أَدَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا قَدْ مَنَعَهُ عَنْهُ وَأَزَالَ عَنْهُ مَا قَدْ جَرَى بِهِ مِنْ حُكْمِهِ لِأَرَاهُمْ الْحَقَّ ظَاهِرًا بِأَحْسَنِ حِلْيَةٍ وَأَبْيَنِ

دودان در هاب
 در سیاه حضرت
 مهدی قائم
 محمد الحارثي
 ظل القادر المهدوي

۱. بحار الانوار: ۵۳، ۱۷۸ و ۱۵۸؛ منتخب الاثر: ۳۸۶، غیبت شیخ طوسی: ۱۷۲، الکنی و الالقاب ۲: ۱۰۱، الزم الناصب: ۱۲۹، الامام المهدی: ۲۵۱ و ۲۵۵؛ ینایح الموده ۳: ۱۹۳. ۲. سوره مبارکه نور، آیه ۳۹.

دَلَالَةٍ وَأَوْضَحَ عَلَامَةٍ وَلَأَبَانَ عَنِ نَفْسِهِ وَقَامَ بِحُجَّتِهِ وَلَكِنَّ أَقْدَارَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا تُغَالَبُ وَ إِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ وَ تَوْفِيقُهُ لَا يُسْبَقُ فَلْيَدْعُوا عَنْهُمْ أَتْبَاعَ الْهَوَىٰ وَ لِيُقِيمُوا عَلَىٰ أَصْلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِ وَ لَا يَبْتَخْتُوا عَمَّا سَتَرَ عَنْهُمْ قِيَامُوا وَ لَا يَكْشِفُوا سَتَرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ قِيَامِهِ! چگونه است که دچار فتنه شده‌اند و سرگردان گشته‌اند و به چپ و راست منحرف می‌شوند؟ از دین خود دوری می‌شوند یا درباره دین خود شک می‌کنند؟ با حق دشمنی می‌کنند یا از روایات صحیح بی‌خبرند؟ یا خود را به فراموشکاری می‌زنند؟! مگر نمی‌دانند که زمین از حجت خالی نمی‌ماند؟ چه این که حجت ظاهر و آشکار باشد و یا غایب و پنهان! مگر نمی‌دانند که امامان علیهم‌السلام بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی پس از دیگری آمده و رفته‌اند تا این که نوبت به امام حسن عسکری علیه‌السلام رسید، که به فرمان خدا به این مقام منصوب شد و جانشین پدر بزرگوارش شد و مردم را به راه راست هدایت می‌کرد و راه پدرانش را ادامه داد و سرانجام امامت را به جانشین خود سپرد. خداوند جانشین او را از نظرها پنهان کرد و مکان او مخفی است، و این‌ها بر اساس خواست و تقدیر خداوند قطعی شده است. موقعیت او با ما و دانش و فضیلت او در اختیار ماست. اگر خداوند فرمان بدهد موانع ظهور برطرف شود و آن چه که باعث غیبت شده رفع گردد، حق را در بهترین شکل و روشن‌ترین قالب عرضه می‌نمایم و از پشت پرده غیبت بیرون می‌آیم و حجت را اقامه می‌کردم. ولی خواست خدا تغییرناپذیر است و شکی در اراده او نداریم و نمی‌توان از آن سبقت گرفت.

از هوای نفس پیروی نکنید، بر اعتقاد خود محکم باشید و دنبال آن چه که پنهان شده، نباشید تا گناه نکنید و آنچه خداوند پنهان کرده، فاش نکنید تا پشیمان نشوید.» حضرت مهدی علیه‌السلام از هر موقعیتی استفاده می‌کرد تا اعتقاد شیعیان را تقویت کند و شک و تردید را از دل آن‌ها دور کند و آن‌ها را از انحراف و لغزش بازدارد و به راه راست هدایت کند تا گمراه نشوند.

وقتی سنیر اول حضرت ولی عصر - عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف - از دنیا رفت، شیعیان بسیار اندوهگین شدند. حضرت ولی عصر - عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف - نیز در غم او ناراحت بود و طی نامه شریفی که به افتخار فرزند بزرگوارش «محمد بن عثمان» از ناحیه مقدسه صادر شد، به فرزندش تسلیت فرمودند. در این نامه آمده است:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَرِضَاءً بِقَضَائِهِ غَاشٍ أَبُوكَ سَعِيدًا وَمَاتَ حَمِيدًا فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَالْحَقُّ بِأَوْلِيَائِهِ وَمَوَالِيهِ علیهم‌السلام قَلَّمَ يَزُلُّ مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِهِمْ سَاعِيًا فِيمَا يَقْرَبُهُ

إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَيْهِمْ نَضَّرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَقَالَهُ عَشْرَتَهُ؛^۱ همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم. تسلیم فرمان خدا و راضی به خواست خدا هستیم. پدرت زندگی سعادت مندانه داشت و بسیار نیکو از این جهان رفت. خداوند او را رحمت کند و او را با اولیای خود هم نشین کند، که همواره در راه آن ها تلاش می کرد و بسیار می کوشید تا به خدا نزدیک شود. خداوند رویش را سفید و درخشانده گرداند و خطاهای او را ببخشد.»
در نامه دیگری که برای تسلیت از ناحیه مقدسه صادر شده است و حزن و اندوه زیاد حضرتش در سوگ سفیر گرامیش و نیز موقعیت او نزد امامش را مطرح می کند، جانشینی او به جای پدر را خبر می دهد و می فرماید:

«أَجْزَلَ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابَ وَأَحْسَنَ لَكَ الْعَزَاءَ رُزِثَتْ وَرُزِينَا وَأَوْحَشَكَ فِرَاقَهُ وَأَوْحَشَنَا فَسَرَّهُ اللَّهُ فِي مُنْقَلَبِهِ وَكَانَ مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَدًا مِثْلَكَ يَخْلُقُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَيَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَيَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ؛^۲ خداوند به تو پاداش فراوان و صبر عنایت کند. ما و شما در این حادثه، غمگین هستیم. به خاطر جدایی و فراق او، ما همانند تو وحشت کردیم، خدا او را شاد و مسرور گرداند. از کمال سعادت او این بود که خداوند تو را به او عنایت فرموده است که جانشین او باشی و سفارت را به عهده بگیری و از خدا برای او رحمت و مغفرت طلب کنی.»

از این توفیق شریف، مقام والای سفیر اول و دوم به روشنی معلوم می شود.

محمد بن عثمان

سفیر دوم حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در غیبت صغری، ابو جعفر محمد بن عثمان، ملقب به «عمری دوم» است که دوران سفارت او با ایام خلافت معتمد عباسی، معتضد عباسی، مکتفی عباسی و ده سال هم با مقتدر عباسی هم زمان شد. او حدود چهل سال سفیر مخصوص حضرت مهدی علیه السلام بود و در سال ۳۰۵ هجری از دنیا رفت.

محمد بن عثمان که بعد از درگذشت پدرش به مقام سفارت رسید، قبلاً وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود. سپس از طرف پدرش به عنوان جانشین او معرفی شد و رسماً از طرف حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به این مقام منصوب گردید. امام حسن عسکری علیه السلام درباره او به یکی از یاران خود می فرماید:

«الْعَمْرِيُّ وَابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدْيَا إِلَيْكَ فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعُ

۱. بحار الانوار ۵۱: ۳۴۹، منتخب الاثر: ۳۹۵، غیبت شیخ طوسی: ۲۱۹، الامام المهدی: ۲۵۲، الزام الناصب: ۱۲۵ و ۱۳۰.

۲. بحار الانوار ۵۱: ۳۴۹، منتخب الاثر: ۳۹۵، غیبت شیخ طوسی: ۲۲۰، الامام المهدی: ۲۵۲، الزام الناصب: ۱۲۵ و ۱۳۱.

دوران در هاب
 مهدي قائم
 در پناه حضرت
 نور الخاقانی
 نور الخاقانی

لَهُمَا وَأَطْفُهُمَا فَإِنَّهُمَا التَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ؛^۱ عمری و پسرش محمد بن عثمان، مورد اعتماد و اطمینان من هستند، هر چه بگویند از جانب من گفته اند و هر چه روایت کنند، از من روایت کرده اند. سخن آن‌ها را گوش کن و از آن‌ها اطاعت کن. هر دو امین و مورد اعتماد هستند.»

حضرت حجت‌الاسلام^{علیه السلام} در نامه دیگری می‌فرماید:

«وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعَمْرِيُّ فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ فَإِنَّهُ ثِقْتِي وَكِتَابُهُ كِتَابِي؛^۲ اما محمد بن عثمان عمری که خدا از او و از پدرش راضی باشد، مورد اطمینان من است، نوشته او نوشته من است.»

حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در یکی از توقیعات شریفه که از ناحیه

مقدسه به محمد بن عثمان صادر شده است، چنین می‌نویسد:

«أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرَشَدَكَ اللَّهُ وَثَبَّتَكَ وَوَقَاكَ مِنْ أَمْرِ الْمُنْكَرِينَ لِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِنَا وَبَنِي عَمَّنَا فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ وَأَمَّا سَبِيلُ ابْنِ عَمِّي جَعْفَرٍ وَوَلَدِهِ فَسَبِيلُ إِخْوَةِ يُوسُفَ... أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا تَقْبَلُهَا إِلَّا لِتُظْهِرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ وَمَا آتَانَا اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ الْوَقَاتُونَ؛^۳ اما درباره آنچه از ما پرسیده‌ای، خداوند تو را در راه راست ثابت قدم نماید و از انکار و انحرافی که عده‌ای از خویشاوندان و عموزادگانم گرفتار شده‌اند، حفظ کند. آگاه باش که میان خدا و بنده، نسبت خویشاوندی نیست. هر کس مرا انکار کند، از من نیست و با پسر نوح^{علیه السلام} همراه شده است. اما عمویم جعفر و پسرانش، راه برادران یوسف^{علیه السلام} را رفته‌اند. و اما اموال شما فقط برای این می‌پذیریم که شما پاکیزه شوید، هر کس بخواهد آن را می‌دهد و هر کس بخواهد آن را نمی‌دهد و آنچه خدا به ما عطا فرموده است بهتر و برتر از آن است که به شما داده است. اما ظهور فرج مربوط به خداست، و هر کس وقت آن را تعیین کند، دروغ گفته است.»

و در نامه دیگری درباره «محمد بن عثمان» چنین می‌فرماید:

«هُوَ ثِقْتُنَا بِمَا هُوَ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ عِنْدَنَا بِالْمَنْزِلَةِ وَ الْمَحَلِّ الَّذِينَ يَسْرَانِهِ زَادَ اللَّهُ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْهِ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

۱. غیبت طوسی: ۱۴۶؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۰؛ بحار الانوار: ۵۱: ۳۴۸؛ اعلام الوری: ۳۹۶.

۲. الامام المهدی: ۲۵۳؛ الزام الناصب: ۱۲۹؛ بحار الانوار: ۵۳: ۱۸۱.

۳. بحار الانوار: ۵۱: ۳۵۶ و ۵۳: ۱۸۰ و ۱۸۴؛ كشف الغممه: ۳: ۳۲۱؛ اعلام الوری: ۴۲۳؛ غیبت طوسی: ۱۷۶؛ بشارة الاسلام: ۳۰۰؛ الامام

المهدی: ۲۵۳؛ الزام الناصب: ۱۲۹.



تَسْلِيمًا كَثِيرًا؛^۱ او در همین حال مورد اعتماد ماست و او نزد ما مقام و منزلتی دارد که او را شاد می‌کند. خداوند شامل حالش کند که خداوند مولای تواناست و همه ستایش‌ها مخصوص اوست و شریکی ندارد. و صلوات و سلام و درودهای فراوان بر پیامبرش حضرت محمد ﷺ و اهل بیت او باد.»

محمد بن عثمان پس از چهل سال سفارت حضرت حجّت، سرانجام در سال ۳۰۵ هجری از دنیا رفت. خدا او را رحمت کند و ما را از شفاعت او محروم سازد.

حسین بن روح نوبختی

ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی، سومین نایب خاص حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که حدود ۲۱ سال سفیر حضرت حجّت بود و دوران سفارتش با دو خلیفه عباسی (مقتدر و راضی) هم زمان شد و در سال ۳۲۶ هجری درگذشت.

محمد بن عثمان که در سال‌های آخر عمرش بسیار پیر و ناتوان شده بود، در دو سال آخر زندگی خود، گرفتن اموال شیعیان را به «حسین بن روح» واگذار کرد و در آخرین لحظات زندگی خود به شیعیان حاضر در مجلس فرمود: «به من فرمان داده شده که به ابوالقاسم، حسین بن روح وصیت کنم.»^۲

حسین بن روح برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نامه نوشت و اجازه خواست تا به حج برود. از ناحیه مقدسه چنین پاسخی صادر شد:

«لَا تَخْرُجْ هَذِهِ السَّنَةَ؛^۳ امسال نرو.»

حسین بن روح بسیار غمگین شد و بار دیگر اجازه خواست. حضرت حجّت در پاسخ چنین نوشت:

«إِذَا كَانَ لِأَبَدٍ، فَكُنْ فِي الْقَافِلَةِ الْأَخِيرَةِ؛^۴ اگر ناچار هستی که بروی، با آخرین کاروان حرکت کن.»

حسین بن روح با آخرین کاروان حرکت کرد. بعدها معلوم شد که قافله‌های قبلی با قرامطه روبرو شدند و فقط قافله آخر توانسته فرار کند. آن سال که به «تَسَائُرِ كَوَاكِبٍ» معروف شد، صدها نفر از حاجیان در میان عراق و حجاز به دست قرامطه کشته شدند و

۱. بحار الانوار ۵۱: ۳۵۶.

۲. الزام الناصب: ۱۲۵؛ کشف الغمّه ۳: ۳۲۱؛ منتخب الاثر: ۲۷۲؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۷۶؛ بشارة الاسلام: ۳۰۰؛ بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱.

المهدی: ۲۵۳. ۳. بحار الانوار ۵۱: ۲۹۳؛ منتخب الاثر: ۳۹۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۹۶. ۴. همان.

فقط قافله آخر از قتل و غارت در امان ماند. حسین بن روح نوبختی مدت ۲۱ سال سفیر امام زمان علیه السلام بود و با محاسبه دو سال آخر محمد بن عثمان، او ۲۳ سال سفیر حضرت بوده است و سرانجام در شعبان ۳۲۶ هجری از دنیا رفت.

علی بن محمد سمّری

ابوالحسن، علی بن محمد سمّری، چهارمین و آخرین سفیر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بعد از وفات حسین بن روح، مدت سه سال سفیر حضرت حجت علیه السلام بود تا در نیمه شعبان ۳۲۹ هجری از دنیا رفت.^۱ با وفات او دوره سفارت نواب تمام شد و دیگر کسی ادعای نیابت نمی‌کند، مگر اینکه دروغگو باشد.

سمّری که از یاران نزدیک امام حسن عسکری علیه السلام بود، دوران سفارتش با دو خلیفه عباسی (راضی و متقی) هم‌زمان شد.

از توقیع معروفی در اواخر سفارت او به دست او از ناحیه مقدسه صادر شد:
 «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۲ اما درباره حوادثی که رخ می‌دهد، به روایان احادیث ما رجوع کنید، که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنها هستم.»

به این ترتیب، مرجعیت در زمان غیبت کبری ثابت شد و شیعیان در این دوران حساس از نظر احکام اسلام بی‌سرپرست نمی‌مانند و با مراجعه به مراجع عالی‌قدر تقلید، وظایف شرعی خود را می‌آموزند.^۳

علی بن محمد سمّری در شعبان ۳۲۹ هجری بیمار شد و با همین بیماری از دنیا رفت. در روزهای بیماری‌اش از او پرسیدند که چه کسی جانشین توست که بعد از تو در مسایل شرعی و حقوقی به او مراجعه کنیم؟ در پاسخ فرمود:
 «خواست خدا انجام خواهد شد.»

آنگاه نامه‌ای را که از ناحیه مقدسه رسیده بود، بیرون آورد و مهر آن را شکافت و برای حاضران خواند. متن توقیع شریف به دستخط حضرت مهدی علیه السلام، چنین بود:

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۴۲؛ کشف الغمّه ۳: ۳۲۰.

۲. کشف الغمّه ۳: ۳۲۱؛ اعلام الوری: ۴۲۴؛ الزام الناصب: ۶۲۹؛ بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱؛ المهدی: ۱۸۲؛ الامام المهدی: ۲۵۳؛ منتخب الاثر: ۲۷۲.

۳. در زمان غیبت کبری که امام معصوم در دسترس نیست، باید یکی از سه راه را انتخاب کنیم: اجتهاد، عمل به احتیاط، تقلید.



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أُجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظَهْوَرَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَسَيِّئَاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ إِلَّا فَمَنْ يَدَّعِ الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ! به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، خداوند پاداش برادرانت را در عزای تو زیاد کند، توشش روز دیگر از این جهان می‌روی. کارهایت را آماده کن و کسی را جانشین خود انتخاب نکن و به کسی وصیت نکن، که غیبت کبری فرارسیده است، دیگر تا روزی که خدا بخواهد ظهوری نخواهد بود، و مدت آن بسیار طولانی است و دل‌ها سخت و تاریک می‌شود و زمین پر از ظلم و ستم خواهد شد. عده‌ای از شیعیان در این دوران ادعا می‌کنند که تو را می‌بینند. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و شنیدن صیحه، این ادعا را داشته باشد، دروغ گفته است که همه چیز حرکت و نیروی جز با قدرت خداوند نیست.»

آخرین سفیر حضرت حجت، شش روز پس از صدور توقیع شریف، دیده از جهان فرو بست و با رحلت او غیبت صغری پایان یافت و غیبت کبری آغاز شد. تعیین روز وفات سمري در توقیع شریف و خواندن آن در جمع شیعیان، ثابت می‌کند آن نامه به دستخط شریف حضرت بقية الله نوشته شده است که در آستانه غیبت کبری معجزه‌ای دیگر از خود نشان داده و ایمان و اخلاص شیعیان را افزایش دهد. از ۱۵ شعبان سال ۳۲۹ هجری غیبت کبری آغاز شد و تا امروز ادامه دارد و هنوز شرایط فراهم نشده و زمینه ظهور آماده نشده است. سیصد و سیزده یار آن حضرت هنوز جمع نشده‌اند و اراده خدا صورت نگرفته است. در روزگار غیبت صغری که بیشتر شیعیان بر ایمان خود استوار ماندند و برای خوشحال کردن امام خود تلاش کردند، امام علیه السلام از اعمال برخی از آن‌ها دلگیر می‌شد، ولی اکنون که اکثر شیعیان از راه او منحرف شده و هر یک راهی جداگانه برای برگزیده‌ایم، نمی‌دانیم که ایشان چقدر از اعمال ما راضی است؟! ما که امام معصوم علیه السلام را فراموش کرده و رهبران غیر معصوم را برای خود انتخاب کرده‌ایم، چگونه می‌خواهیم جمال دلربای آن خورشید فروزان را ببینیم؟!

دوازدهم در پستانه حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱. بحار الانوار: ۵۱، ۳۶۱ و ۵۲: ۱۵۱ و ۵۳: ۳۱۸؛ کشف الغمّه: ۳، ۳۲۰؛ المهدی: ۱۸۱؛ بشارة الاسلام: ۱۶۹؛ الزام الناصب: ۱۲۵؛ منتخب الاثر: ۳۹۹؛ غیبت طوسی: ۲۴۲؛ اعلام الوری: ۴۱۷؛ بنایع الموده: ۳: ۱۲۱.

حضرت مهدی علیه السلام در نامه‌ای به جناب شیخ مفید رحمته الله علیه فرموده‌اند:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا قَمَا يَخْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا تُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛^۱ اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را به اطاعتش موفق بدارد، دل‌هایشان در وفا کردن به پیمان قدیم یکی شود، هرگز سعادت دیدار ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتد، و حمایت ما از آن‌ها برای رسیدن به حقیقت شناخت و درستی آن، زودتر صورت می‌گیرد. اعمال ناپسند آن‌ها غیبت ما را طولانی می‌کند و اعمال آن‌ها به ما می‌رسد و ما را ناراحت می‌کند، ما چنین انتظاری از آن‌ها نداشتیم. از خداوند کمک می‌خواهیم و او بهترین وکیل است.»



فصل هشتم

غیبت کبری

با شروع غیبت کبری، نامه‌ها و ملاقات‌ها هم تمام شد و تا به امروز ادامه داشته و تا روز موعود و آمدن مهدی علیه السلام با شمشیر، ادامه خواهد داشت.

اگر چه غیبت کبری عجیب است ولی اتفاق افتاده و از نظر عقلی محال نیست و از نظر نقلی هم احادیث فراوانی در این باره وارد شده است و برخی از اخبار و احادیث به شرح زیر است:

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ فِي إِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ ائْتَمَرَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ هَذَا مِنْ مَكْتُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْرُوفِ عِلْمِ اللَّهِ فَارْتَمَتْهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ؛ ا مدتی از شیعیان خود غایب می‌شود که در آن مدت، فقط کسی بر اعتقاد خود در ولایت باقی می‌ماند که خداوند دلش را با ایمان امتحان کند. این یکی از اسرار الهی است، که آن را از نااهلان پنهان می‌کند.»

«و الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيِّبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدِ مَعَهُودِ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ وَ يَشْكُ آخَرُونَ فِي وِلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ رَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيُزِيلَهُ عَنِّي وَ يُخْرِجَهُ مِنِّي دِينِي فَقَدْ أَخْرَجَ أَبُوئِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلُ وَ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، قائم ما بر اساس پیمانی که خدا به وسیله من با او بسته، از چشم‌ها پنهان می‌شود و بیشتر مردم می‌گویند: خدا نیازی به آل محمد علیهم السلام ندارد، و گروهی در نشانه‌های او شک می‌کنند. هر کس او را درک کند و در دین خود محکم باشد و با فریب شیطان دچار شک نشود، از دین و آیین من خارج شده

۱. الزام الناصب: ۱۹؛ تنبیح الموده: ۳: ۱۷۰.

۲. الزام الناصب: ۱۰۴، ۱۰۶۹؛ الامام المهدي: ۶۲؛ سفينة البحار ۲: ۷۰۲؛ منتخب الاثر: ۲۶۲؛ بحار الانوار ۵۱: ۲۵۸۶؛ اعلام الوری:

۴۰۰؛ غیبت نعمانی: ۷۰.



است. همان طور که حضرت آدم و حواریان از بهشت بیرون کرد. خداوند شیطان را دوست کسانی قرار داده است که به خدا ایمان نمی آورند.»
 ای پیامبر ﷺ! همان طور که خبر دادی، با این همه هشدار، بعضی گمراه شده اند و حرف هایی می زنند که تو آگاه هستی. ما از شر شیطان، به خدا پناه می بریم.
 روایات علی علیه السلام

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ بِيَدِهِ فَأَيُّكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ؟» صاحب امر غیبتی دارد که در آن زمان کسی که در دین خود پابرجا باشد، مانند کسی است که بخواهد خارهای گون را با دست بگیرد و تمیز کند آیا یکی از شما می تواند این کار را انجام دهد؟^۱

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عِبْدُ اللَّهِ وَ لِيَتَمَسَّكُ بِدِينِهِ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؟» صاحب امر غیبتی دارد که باید مردم پرهیزگار باشند و در دین خود پابرجا باشند. سپس این آیه را قرائت فرمود: ﴿مگر گمان کردید که وارد بهشت می شوید قبل از آنکه مثل گذشتگان برای شما هم اتفاق بیفتد؟﴾ به آن ها سختی ها و بلاها رسید و مضطرب شدند، تا جایی که پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند، گفتند: چه وقت خدا ما را یاری خواهد کرد؟ بدانید که یاری خدا بسیار نزدیک است.^۲

امام صادق علیه السلام هم شبیه این حدیث را روایت کرده است.

طبق این روایت، همه انسان ها مورد امتحان الهی قرار می گیرند و مردم بر اساس اعتقادشان امتحان خواهند شد، تا کسانی که بر عقیده خود پایدار هستند، شناخته شوند.
 «كَيْفِيْنٌ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ؟» از نظرها غایب می شود تا جاهلان بگویند: خداوند نیازی به آل محمد ﷺ ندارد.^۳

روایات امام باقر علیه السلام

«وَذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةِ طَوِيلَةٍ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَيُؤْمِنُ بِهِ؟» و بعد از غیبت طولانی، ظهور خواهد کرد تا خداوند بداند که چه کسی در زمان غیبت، از او اطاعت می کند و به او ایمان می آورد.»

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۵؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۳۵، ۱۱۱؛ الزم الناصب: ۱۳۷؛ بشارة الاسلام: ۱۲۶؛ غیبت نعمانی: ۸۸؛ منتخب الاثر: ۲۵۷؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۵.
 ۲. منتخب الاثر: ۲۵۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۵؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۵؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۳۵؛ الزم الناصب: ۱۳۷.
 ۳. سورة مبارکه بقره، آیه ۲۱۴. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۱۰۱. ۵. الامام المهدي: ۲۲۷.

دوراندیشان
 در پستانه حضرت
 مهدی قائم
 در سال ۱۳۸۳
 خورشیدی
 چاپ اول

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «آیا می بینید اگر آب‌ها در زمین فرورود، چه کسی برای شما آب گوارا خواهد آورد؟» فرمود:

«هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَقُولُ إِنَّ أَصْبَحَ إِمَامَكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَحَلَالِ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا وَحَرَامِهِ ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ وَلَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا؛^۱ این آیه درباره امام علیه السلام نازل شده است، یعنی اگر امام شما غایب شود، چه کسی برای شما امام آشکار خواهد آورد که احکام حلال و حرام، و اخبار آسمان و زمین را برای شما بیان کند؟^۲»

پیامبر صلی الله علیه و آله هم در این رابطه می فرماید:

«الْمَهْدِيُّ يَغِيبُ عَنِ النَّاسِ غَيْبَةً طَوِيلَةً، يَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَيَثْبُتُ آخَرُونَ؛^۳ مهدی علیه السلام مدتی طولانی از چشم مردم پنهان می شود، وقتی ظهور می کند، عده‌ای او را انکار کرده‌اند و عده‌ای بر اعتقاد خود پابرجا مانده‌اند. و منظور از آیه شریفه «آیا می بینید اگر آب‌ها در زمین فرورود، چه کسی برای شما آب گوارا خواهد آورد؟» همین است.»

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«كَأَنِّي بِكُمْ إِذَا صَعِدْتُمْ فَلَمْ تَجِدُوا أَحَدًا وَرَجَعْتُمْ فَلَمْ تَجِدُوا أَحَدًا؛ گویا با چشم خود می بینم که بالا می روید و قائم را نمی یابید، باز می گردید و او را پیدا نمی کنید.»

برای یافتن امام زمان علیه السلام از کوه‌ها بالا می رویم و به مقصد نمی رسیم، باز می گردیم و محبوب را پیدا نمی کنیم، تنها نام و یاد او دل ما را روشن می کند، اما دوری از او زندگی را برای ما سخت کرده است. روایات امامان علیهم السلام درباره او و ظهورش به ما امید می دهد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَاللَّهِ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نَوْحٌ فِي قَوْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ؛^۴ به خدا سوگند، اگر غیبت او طول بکشد به اندازه‌ای که حضرت نوح علیه السلام از قوم خود پنهان شده بود، از دنیا نمی رود تا این که ظهور کند.»

او مانند حضرت خضر علیه السلام عمری طولانی دارد، همان طور که ذی القرنین عمری طولانی داشت و همه جهان را به حکومت خود درآورد و خداوند همه امکانات روی زمین را در اختیار او قرار داد.

دوراد دوراد
 مهدی قائم علیه السلام
 تربت حیدرآباد
 دفتر انتشارات
 دفتر انتشارات
 دفتر انتشارات

۱. سوره مبارکه ملک، آیه ۳۰. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ
 ۲. بحار الانوار ۵۱: ۵۲؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۰۱؛ تنبیح الموده ۳: ۸۴؛ الزام الناصب: ۳۱ و ۱۴۲.
 ۳. منتخب الاثر: ۲۰۵؛ الامام المهدی: ۵۹، ۵۸، ۲۱. ۴. سوره مبارکه ملک، آیه ۳۰.
 ۵. بحار الانوار ۵۱: ۱۳۹؛ غیبت نعمانی: ۱۰۱. ۶. منتخب الاثر: ۲۱۵؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۲۵؛ اعلام الوری: ۳۸۶؛ الزام الناصب: ۶۷.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«إِذَا دَارَ الْفَلَکُ وَ قَالَ النَّاسُ مَاتَ الْقَائِمُ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ وَ قَالَ الطَّالِبُ - ای عدوه - أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَ قَدْ بَلَّيْتُ عِظَامَهُ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَارِجُوهُ فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَاتَّوَهُ وَ لَوْ حَبْرًا عَلَى الثَّلْجِ؛^۱ چرخ گردون آنقدر می گردد که می گویند: او یا مرده و یا کشته شده است! کجا رفته؟ کسی که او را جستجو می کند، می گوید استخوان هایش هم پوسیده است، چگونه ممکن است بازگردد؟! در این زمان، منتظر او باشید، وقتی خبر ظهورش به گوش شما رسید، به سوی او بشتابید حتی اگر باید از روی برفها عبور کنید.»

امام صادق علیه السلام نیز مانند این حدیث را روایت کرده است.

روشن شدن نشانه های ظهورش، مزده روز موعود را می دهد.

روایات امام صادق علیه السلام

«لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْعَنِيبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ وَ الْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ فِي دِينِهِ؛^۲ قائم ما دو غیبت دارد، یکی کوتاه و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه، شیعیان خاص، مکان او را می شناسند ولی در غیبت طولانی، فقط نزدیک ترین خواص او که خدمتگزار او هستند، مکان او را می دانند.»

«إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ يُقَالُ فِي إِحْدَاهُمَا هَلَكَ وَ لَا يُدْرَى فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ؛^۳ قائم ما دو غیبت دارد که در زمان یکی از آنها (غیبت طولانی) برخی می گویند: او از دنیا رفته است، چون نمی دانند جایگاه او کجاست.»

و درباره آیه شریفه «نباید مانند کسانی باشند که در گذشته به آنها کتاب داده شد،

ولی وقتی مدت طولانی گذشت، دل هایشان سخت شد و بیشتر آنها نافرمانی کردند.»^۴

فرمود: «این آیه درباره قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و مردم در دوران غیبت او نازل شده

که غیبت او طولانی خواهد شد.»^۵

آری هر روز که می گذرد، قساوت و سیاهی دلها بیشتر می شود تا آن مهر تابان ظهور

کند و دلها را صیقل داده و قساوتها را پاک کند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا روز ظهور مهدی موعود، مشخص شده است؟

۱. بحار الانوار ۵۱: ۱۳۶؛ بشارة الاسلام: ۹۹، ۸۷؛ اعلام الوری: ۴۰۲.

۲. منتخب الاثر: ۲۵۱؛ بشارة الاسلام: ۱۶؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۵۳ و ۵۳: ۲۲۴. ۳. منتخب الاثر: ۲۵۲؛ غیبت طوسی: ۲۶۰.

۴. سورة مبارکه حدید، آیه ۱۶.

۵. غیبت نعمانی: ۷؛ بحار الانوار ۵۱: ۵۴ و ۵۳: ۱-۳؛ بنایح الموده ۳: ۸۳؛ المهدی: ۲۰۴؛ الزام الناصب: ۱۴۱، ۳۱-۲۷؛ بشارة الاسلام:

حضرت علیه السلام فرمود:

«خَاشَ لِلَّهِ أَنْ يُوقَّتَ ظُهُورُهُ بِوَقْتِ يَعْلمُهُ شَيْعَتُنَا قُلْتُ يَا سَيِّدِي وَلِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّهُ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مَرُساها قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»^۱ خداوند پاکیزه، وقت ظهور را مشخص نکرده است که شیعیان ما از آن آگاه شوند. او همان «السَّاعَةُ» است که قرآن کریم درباره او می فرماید: «بگو علم او نزد خداوند است، فقط خداوند زمان آن را می داند! هیچ کس در آسمان ها و زمین، وقت آن را نمی داند! او ظهور نمی کند مگر به صورت ناگهانی!»^۲

او همان «السَّاعَةُ» است که خداوند بلندمرتبه می فرماید:

﴿أَزْ تَوْ دَرِبَارَةُ رَسْتَاخِيزِ سَوَالِ مِی کَنْتَنْدِ کِه چِه مَوْعِ اسْتِ؟﴾^۳

و فرموده است:

﴿عِلْمِ رَسْتَاخِيزِ، نَزْدِ خِداوندِ اسْتِ.﴾^۴

و فرموده است:

﴿أَيَا مَتَنْظَرَنْدِ کِه رَسْتَاخِيزِ بِه طَوْرِ نَاگَهَانِیِ بَرِ آن هَا فَرُودِ آیدِ، بِه دَرَسْتِیِ کِه نَشَانِه هَا بَیشِ ظَاهِرِ شُدِه اسْتِ.﴾^۵

ظهور حضرت مهدی علیه السلام زمان مشخصی ندارد، او مانند قیامت، ناگهان می آید و زمان آمدن او را فقط خدا می داند.

﴿کَسَانِیِ کِه بَرایِ آمَدَنْشِ عَجَلِه دَارَنْدِ، بِه آن اِیْمَانِ نِدَارَنْدِ، اِمَا کَسَانِیِ کِه اِیْمَانِ آورده اند، از آن می ترسند و می دانند که بر حق است. بدان کسانی که درباره قیامت، مجادله می کنند، گمراه شده اند.﴾^۶

مجادله درباره او این است که بگویند: چه وقت به دنیا آمده است؟ چه کسی او را دیده است؟ چگونه ممکن است؟ چه وقت ظهور می کند؟ و ... که این ها به خاطر سستی در ایمان و عقیده به خدا و قدرت بیکران او می باشد.

﴿اِیْمَانِ خُودِ رَا بِه ضَرَرِ وَ نَابُودِیِ دِچارِ کرده اند.﴾^۷

﴿و سَرکَشَانِ، بَد تَرِینِ بازگشت را دارند.﴾^۸

﴿رُوزِ رَسْتَاخِيزِ نَزْدِیکِ اسْتِ وَ مَاهِ دُو تَگَه شُدِه اسْتِ.﴾^۹

۱. غیبت نعمانی: ۷؛ بحار الانوار: ۵۱: ۵۴ و ۱: ۵۳-۳. ۲. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۸۶. ۳. سوره مبارکه نازعات، آیه ۲۲.
۴. سوره مبارکه لقمان، آیه ۳۴. ۵. سوره مبارکه محمد، آیه ۱۸. ۶. سوره مبارکه شوری، آیه ۱۸.
۷. سوره مبارکه اعراف، آیه ۹. ۸. سوره مبارکه ص، آیه ۵۵. ۹. سوره مبارکه قمر، آیه ۱.



دلم سنگینی می‌کند که دیگر اشک چشم و فریادهای سینه‌ام را احساس نمی‌کنم؛ هر چه بر اشک چشم و فریاد سینه‌ام نگاه می‌کنم، این مصیبت برایم شدیدتر و سخت‌تر می‌شود و از مصیبت‌های قبلی سخت‌تر و شدیدتر است.»

یکی از یاران ایشان گفت: ای مولای من! چشمانت گریان نباشد، چه شده که این طور اشک می‌ریزی؟ چه چیز قلب شما را اندوهگین کرده و ماتم گرفته‌اید؟ امام صادق علیه السلام آهی کشید که قفسه‌های سینه‌اش باز شد و لرزه بر اندامش افتاد و فرمود:

«وَيَلْكُمُ نَظْرَتُ فِي كِتَابِ الْجَفْرِ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ تَأَمَّلْتُ مِنْهُ مَوْلِدَ قَائِمِنَا وَ غَيْبَتَهُ وَ إِنْطَاءَهُ وَ طُولَ عُمُرِهِ وَ بَلَوَى الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَ تَوَلَّدَ الشُّكُوكَ فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ طُولِ غَيْبَتِهِ وَ از تَدَادِ أَكْثَرِهِمْ عَنْ دِينِهِمْ - وَ خَلَعَهُمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَ كُلِّ إِنْسَانٍ الزَّمَانُ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ فَأَخَذَتْني الرَّقَّةُ وَ اسْتَوْلَتْ عَلَيَّ الْأَحْزَانُ! وای بر شما! من امروز صبح کتاب جفر^۱ را مطالعه می‌کردم، درباره مولودی می‌اندیشیدم که از نظرها غایب می‌شود و غیبتش طولانی می‌شود و عمرش بسیار طولانی است و مؤمنین در آن زمان با سختی‌ها آزمایش می‌شوند و به خاطر طولانی شدن غیبتش، دچار شک و تردید شده و بیشتر آن‌ها از دین خود برمی‌گردند و اسلام را رها می‌کنند، از ولایت دور می‌شوند در حالی که خداوند می‌فرماید: ﴿مَا تَقْدِيرُ هَرِ انْسَانِي رَا مَانِدَ گَرْدَنِ بِنْدِي بِرِ گَرْدَنِش قَرَارِ مِي دِهِيْمَ﴾^۲. با مطالعه وضع آن‌ها فکرم بر آشفته و غم و اندوه بر من چیره گشت.»

روایات امام جواد علیه السلام

«إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي عَلَيَّ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ قَوْلُهُ قَوْلِي وَ طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَ الْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ وَ قَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ وَ طَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ فَبَكَى شَدِيداً ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْإِمَامَ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لِمَ سُمِّيَ الْقَائِمُ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَ از تَدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ سُمِّيَ الْمُنْتَظَرُ قَالَ لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَامُهَا وَ يَطُولُ أَمْدُهَا فَيُنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ السُّمْرَتَاوُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهِ الْوَقَاتُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهِ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو

بحار الانوار ۵۱: ۲۱۹؛ بشارة الاسلام: ۱۲۶-۱۴۲؛ الزام الناصب: ۱۹۱ و ۸۵؛ نور الابصار: ۱۲۵؛ منتخب الاثر: ۲۵۹؛ غیبت طوسی: ۱۰۵؛ المهدي المنتظر: ۲۳.

۲. جفر، کتابی است که علم منایا و بلایا و آنچه در جهان اتفاق افتاده و آنچه اتفاق خواهد افتاد، در این کتاب آمده است. خداوند این کتاب را به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام عطا فرموده، و اکنون نزد حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد. در این زمینه به منابع زیر مراجعه شود: اصول کافی ۱: ۲۳۹؛ الزام الناصب: ۷۲-۹-۷؛ بنایع الموده ۳: ۵۲، ۷۵۶ و ۱۱۶؛ المهدي: ۱۶۷. ۳. سوره مبارکه اسراء، آیه ۱۳.



فِيهِ الْمُسْلِمُونَ؛ بعد از من، پسر م هادی، امام شماست که فرمان او فرمان من و سخن او سخن من و اطاعت از او اطاعت از من است. بعد از او پسرش حسن (عسکری) امام است، که فرمائش، فرمان پدرش، سخنش سخن پدرش و اطاعت از او اطاعت از پدرش می باشد.» سپس امام جواد علیه السلام ساکت شد. پرسیدند: ای فرزند پیامبر! امام بعد از حسن کیست؟ امام جواد علیه السلام به شدت گریه کرد و فرمود: «بعد از حسن، پسر او قائم به حق و منتظر است.» پرسیدند: چرا به او «قائم» گفته می شود؟ امام جواد علیه السلام فرمود: «زیرا او بعد از آنکه فراموش می شود، قیام می کند، و پس از آنکه اکثر معتقدان به او، از اعتقاد خود برگردند او ظهور می کند.» پرسیدند: چرا به او «منتظر» می گویند؟ امام جواد علیه السلام فرمود: «زیرا او غیبتی طولانی دارد که مؤمنین مخلص، منتظر ظهور او هستند، و کسانی که شک دارند، او را انکار می کنند و منکران، او را مسخره می کنند. هر کس وقت ظهور او را مشخص کند، دروغگوست و هر کس عجله کند، هلاک می شود و هر کس راضی به اراده خدا باشد، نجات می یابد.»

امام جواد علیه السلام به گونه ای سخن گفته است که گویا زمان ما را با چشم خود مشاهده فرموده و وضع دوست و دشمن را از نزدیک دیده و تشریح فرموده است.

روایات امام زمان علیه السلام

وقتی علی بن ابراهیم آزدی نزد امام زمان علیه السلام مشرف شد، حضرت به او فرمود:

«إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَلَا يَتَّقَى النَّاسُ فِي قَتْرَةٍ أَكْثَرَ مِنْ تَيْبِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَقَدْ ظَهَرَ أَيَّامٌ خُرُوجِي فَهَذِهِ أَمَانَةٌ فِي رَقَبَتِكَ فَحَدِّثْ بِهَا إِخْوَانَكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ؛ زمین هرگز خالی از حجت نمی ماند و مردم بیشتر از دوران سرگردانی بنی اسرائیل، سرگردان نمی مانند. این امانتی است در گردن تو، آن را به برادرانت حقیقی ات بگو.»

این حدیث مربوط به زمان سرگردانی می باشد که غضب خدا بر بندگان به صورت جنگ ها و فتنه ها نازل می شود، مانند زمان ما. سپس خداوند بلند مرتبه با ظهور مهدی علیه السلام بر مردم منت می گذارد و آن ها را از هر مکروهی نجات می دهد. در این زمان، اسرائیل به مردم مسلمان و بی گناه ظلم می کند که با ظهور مهدی علیه السلام، مسلمانان از این بلا نجات می یابند.

ابراهیم بن مهزیار نزد امام زمان علیه السلام می رود و ایشان می فرماید:

«ای اباسحاق! پدرم - صلوات خدا بر او باد - به من فرمود: پسر م! امیدوارم تو از

۱. منتخب الاثر: ۲۲۳؛ بحار الانوار: ۵۱، ۳۰ و ۱۵۸؛ اعلام الوری: ۲۰۹؛ بشارة الاسلام: ۱۶۵؛ الزام الناصب: ۶۸ و ۷۸.

۲. الزام الناصب: ۱۱۲.

کسانی باشی که خداوند برای برپایی حق و نابودی باطل آماده کرده است و به دست تو دین ظاهر و باطل نابود شود. پسرم! تو باید به سرزمین های دوردست بروی چرا که اولیای خدا دشمنان زیادی دارند که با آنها می‌جنگند؛ از چیزی نترس. ای ابا اسحاق! درباره این ملاقات با ما، برای کسی سخنی نگو و فقط به یاران دینی و حقیقی خودت بگو. وقتی نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور فراهم شود، درنگ نکن و با برادران دینی خود به سوی ما بشتاب تا هدایت شوی و به راه راست و محکم راه یابی.»^۱

حضرت مهدی علیه السلام به وسیله ابراهیم بن مهزیار، نشانه‌های ظهور را برای شیعیان روشن می‌کند، که با مشاهده آنها برای یاری حق به سوی او بشتابند.





فصل نهم

تحیر و سرگردانی مردم و انتظار فرج

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله

«تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهِ الْأُمَّمُ؛ او غایب می شود و مردم سرگردان می گردند و
عده زیادی در آن دوران، گمراه خواهند شد.»

مانند این روایت از علی علیه السلام نیز نقل شده که اضافه می کند:

«در زمان غیبت، عده ای گمراه شده و عده ای هدایت می شوند.»

«كَانَتْ فِي أُمَّتِي مَا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ. وَإِنَّ الثَّانِي
عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى؛ آنچه بین قوم بنی اسرائیل اتفاق افتاده، میان امت
من نیز اتفاق می افتد. دوازدهمین فرزند من از نظرها غایب می گردد و دیده نمی شود.»

میان قوم بنی اسرائیل، نخستین فرزند اول آنها «لاوی بن برخیا» غیبت طولانی
داشت و آنها دچار سرگردانی شدند و سپس به سوی قوم خود بازگشت و دین خدا را
زنده کرد. با پادشاه ستمگر به نام «قرسیطا» جنگید و بر او پیروز شد. اتفاقاتی در آن
دوران رخ داد که با شبیه حوادث امت اسلامی است. یکی از آن حوادث، انتظار ظهور
حضرت مسیح علیه السلام است که از روز شنیدن نوید آن تا امروز انتظار می کشند.

روایات امام علی علیه السلام

«تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ أَوْلَيْكَ خِيَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ
مَعَ خِيَارِ أُبْرَارِ هَذِهِ الْعِثْرَةِ؛ در زمان غیبت او مردم سرگردان می شوند، عده ای گمراه
می شوند، و عده ای هدایت می یابند که آنها بهترین امت هستند که با بزرگان عترت
همراه می شوند.»

امروزه جهان اسلام با افکار جاهلیت روبرو هستند و حتی از جاهلیت پیش از اسلام

۱. کشف الغمہ: ۳، ۳۱۱؛ بحار الانوار: ۵۱، ۷۲؛ اعلام الوری: ۳۹۹؛ الملاحم و الفتن: ۱۵۳؛ منابع الموده: ۳، ۱۶۸، ۱۶۳؛ المهدي: ۱۴۷؛
الامام المهدي: ۶۸. ۲. منتخب الاثر: ۹۸؛ بحار الانوار: ۵۳، ۱۲۷، ۱۳۹؛ منابع الموده: ۳، ۱۰۰.
۳. الزام الناصب: ۱۱، ۵۵؛ اعلام الوری: ۴۰۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۰۴.

دوران رها ب
در پناه حضرت
مهدی قائم علیه السلام
میراث جلالی نظام عالم علیه السلام

هم بدتر است؛ امروزه عده زیادی از قرآن و سنت پیامبر ﷺ دور شده‌اند و احکام اسلام را رها کرده‌اند و اگر می‌بینند که در ایران مشروبات الکلی و برخی دیگر از مفاسد اخلاقی به شدت ممنوع شده، تعجب می‌کنند، زیرا این مسائل برای کسانی که گمراه و سرگردان شده‌اند، تعجب آور است.

«تِهْتُمْ كَمَا تَاهَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ عَهْدِ مُوسَىٰ وَبِحَقِّ أَقْوَلُ لِيُضَعَّفَنَّ عَلَيْكُمُ التِّيهُ مِنْ بَعْدِي بِأَضْطِهَادِكُمْ وَوَلَدِي ضِعْفَ مَا تَاهَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ!؛ آن‌گونه که بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی ﷺ سرگردان شدند، شما هم سرگردان می‌شوید. به حق می‌گویم که سرگردانی شما چند برابر سرگردانی آن‌ها خواهد بود و دلیلش ظلمی است که به فرزندان من می‌کنید.»

در این حدیث، تعبیر «ضعف» به کار رفته که به معنای چند برابر است که حداقل آن دو برابر است و گرنه «ضعف» به معنای دوبرابر نیست. بنابراین، معنای حدیث این نیست که سرگردانی بنی اسرائیل چهل سال بود و سرگردانی امت اسلامی هشتاد سال خواهد بود. بلکه معنایش این است که این امت چند برابر بیشتر، سرگردان خواهند شد. روایات امام باقر علیه السلام

«يَخْرُجُ بَعْدَ غَيْبَةِ وَحَيْرَةٍ لَا يَثْبُتُ فِيهِمَا عَلَىٰ دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَكَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ بعد از غیبت و سرگردانی، امام ظهور می‌کند؛ در دوران غیبت، کسانی که ایمان خالص داشته باشند، بر دین خود استوار می‌مانند، و آن‌ها کسانی هستند که بر ولایت ما با خداوند عهد بسته‌اند و در دل آن‌ها ایمان قرار داده است و با روح خود آن‌ها را تأیید نموده است.»

در این رابطه از امیر مؤمنان ﷺ و امام صادق ﷺ و امام رضا ﷺ نیز احادیثی روایت شده است.

فضل بن یسار از امام باقر ﷺ پرسید: آیا وقت ظهور تعیین شده است؟ حضرت فرمود:

«أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ إِنَّ مُوسَىٰ ﷺ لَمَّا خَرَجَ وَافِدًا إِلَىٰ رَبِّهِ وَاعَدَّهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ لَهُ قَوْمُهُ قَدْ أَخْلَفْنَا

۱. بشارة الاسلام: ۶۳.

۲. كشف الغمه ۳: ۳۱۱، بحار الانوار ۵۱: ۱۱۰، اعلام الوری: ۴۰۱، بشارة الاسلام: ۵۳، منتخب الاثر: ۲۲۹، الامام المهدي: ۱۳۵، ۷۹.

الزام الناصب: ۶۹.



مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا قَالَ - فَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ بِحَدِيثِ قَبْجَاءِ عَلِيٍّ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ وَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ بِحَدِيثِ قَبْجَاءِ عَلِيٍّ خِلَافِ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ تَوَجَّرُوا مَرَّتَيْنِ؛^۱ اما ظهور فرج طبق خواست خدا انجام می پذیرد، و هر کس وقت آن را تعیین کند، دروغ گفته است. وقتی حضرت موسی عليه السلام به سوی پروردگارش رفت، سی روز نزد خداوند ماند و خداونده ده روز به آن اضافه کرد. قوم او گفتند: موسی به وعده خود عمل نکرده است. سپس هر چه خواستند انجام دادند، از پرستش گوساله و غیره. در نتیجه وقتی برای شما حدیثی را بیان می کنیم و آن حدیث اتفاق افتاد، بگویید خدا راست گفته است. و اگر حدیثی گفتیم و اتفاق نیفتاد، بگویید خدا راست گفته است، تا پاداش بیشتری بگیرید.»

هر چه پیامبران و امامان روایت کرده اند، حتماً اتفاق می افتد، مگر اینکه خدا نخواسته باشد که اتفاق بیفتد و آن هم به صلاح مردم است. راضی شدن به خواست خدا پاداش زیادی دارد.

روایات امام صادق علیه السلام

«يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى يَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَذْيَانِهِمْ؛^۲ قائم عليه السلام غیبی دارد که در این دوران مردم از دین خود برمی گردند و گمراه می شوند.»

در عصر ما هم عده ای از دین خود برگشته اند و ما به خاطر این امتحان الهی به خدا پناه می بریم و از او می خواهیم که ما را در دین و عقیده خود ثابت قدم کند.

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ دَهْرًا مِنْ عُمْرِكُمْ لَا تَرَوْنَ إِمَامًا؟! إِنْ تَوْتُمْ أَقْدَامُ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلَبِ كَأَسْنَانِ الْمُشْطِ فَيُنَا أَنْتُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَطْلَعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ فَأَخَذُوا اللَّهَ وَ اشْكُرُوهُ؛^۳ وقتی مدتی از دیدار امام خود محروم باشید، چگونه می شوید؟ قدم های فرزندان عبدالمطلب مانند دندان های شانه با یکدیگر برابر است، در چنین موقعیتی ستاره شما طلوع می کند. خدا را شکر کنید.»

طبق این حدیث، فرزندان عبدالمطلب با هم مساوی هستند و هرگاه برای ایجاد عدالت، یکی از بنی عباس قیام کند، باز هم مانند خلفای قبلی ستم می کند. بنابراین تو فریب هر کس قیام کند و ادعای عدالت خواهی کند، نخور.

«إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ يَوْمًا لَا تَرَى فِيهِ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَأُخِيبَ مَنْ كُنْتَ تُحِبُّ وَ

۱. بشارة الاسلام: ۱۰۷، ۱۸۰، ۱۸۲؛ منتخب الاثر: ۴۶۳؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۲؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۸۵، ۲۷۰؛ غیبت نعمانی: ۱۵۸؛ الزام الناصب: ۸۰ و ۱۷۵. ۲. بحار الانوار: ۵۱، ۷۲. ۳. الملاحم و الفتن: ۱۵۲؛ بحار الانوار: ۵۱، ۱۳۸.

أَبْغِضْ مَنْ كُنْتَ تُبْغِضُ وَ وَالٍ مَنْ كُنْتَ تُوَالِي وَ اَنْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛^۱ اگر در دورانی بودی که امامی از آل محمد علیهم السلام در دسترس نبود، هر کس را خواستی دوست داشته باش، و با هر کس می خواهی دشمن باش و از هر کس خواستی پیروی کن ولی هر صبح و شام در انتظار فرج باش.»

انتظار فرج در زمان غیبت، مرز بین انحراف از دین و استواری در دین است، پس با دوستان خدا دوست، و با دشمنان او دشمن باشید.

«إِذَا كَانَ ذَلِكَ وَ لَنْ تُدْرِكَهُ فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَصِحَّ لَكُمْ الْأَمْرُ؛^۲ وقتی قائم غیبت می کند، بر عقاید خود استوار باشید تا موضوع برای شمار روشن شود و فرمان خدا فرارسد.»

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهَا سَبْطَةٌ يَأْرِزُ الْعِلْمُ فِيهَا كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا فَيَتَنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْهِمْ نَجْمٌ قُلْتُ فَمَا السَّبْطَةُ فَقَالَ فَتْرَةُ النَّعَاسِ وَ الضَّعْفُ كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ؛^۳ روزگاری می رسد که همه سرگردان می شوند، علم و دانش در آن دوران درهم پیچیده شود، همان طور که مار در لانه خود به دور خود می پیچد. در آن زمان، ستاره آن ها طلوع می کند.» پرسیدند: منظور از سرگردانی چیست؟ فرمود: روزهایی که همه دچار ضعف و سستی می شوند. در آن دوران بر عقاید خود استوار باشید تا خداوند ستاره شمار روشن کند.»

«كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ وَ إِلَيْنَا يَصِيرُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيهَا مَضَى وَ لَا نُوقَّتُ فِيهَا يَسْتَقْبِلُ؛^۴ هر کس وقت ظهور را تعیین کند، دروغ گفته است و هر کس عجله کند، نابود می شود؛ هر کس تسلیم رضای خدا باشد نجات می یابد و به سوی ما می آید. ما در گذشته برای ظهور وقت تعیین نکردیم و در آینده هم هرگز وقتی برای آن تعیین نخواهیم کرد.»

وقتی ابوبصیر درباره زمان ظهور از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، حضرت فرمود: «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُخَالِفَ وَ قَتَّ الْمُوقَّتِينَ؛^۵ کسانی که وقت تعیین کردند، دروغ گفته اند، ما اهل بیتی هستیم که وقت تعیین نمی کنیم. خداوند اراده کرده است که با هر وقتی که تعیین کنند، مخالفت کند.»

یکی دیگر از یاران پرسید: این دوران چه وقت تمام می شود که ما آسوده شویم؟

۱. بحار الانوار: ۵۲، ۱۳۳؛ اصول کافی: ۱، ۳۴۲؛ الزام الناصب: ۱۳۸. ۲. بحار الانوار: ۵۲، ۱۳۳. ۳. بشاره الاسلام: ۱۵۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۳۴؛ غیبت نعمانی: ۸۲. ۴. منتخب الاثر: ۴۴۲؛ اصول کافی: ۱، ۳۶۸؛ غیبت نعمانی: ۱۰۴، ۱۵۷؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۰۳؛ بشاره الاسلام: ۲۸۹؛ الزام الناصب: ۷۸. ۵. غیبت نعمانی: ۱۵۵، ۱۳۲؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۳؛ اصول کافی: ۱، ۳۶۸؛ الزام الناصب: ۷۸؛ بشاره الاسلام: ۲۹۸؛ بحار الانوار: ۵۲.



حضرت فرمود:

«بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ أَذَعْتُمْ فَأَخَّرَهُ اللَّهُ؛ أَرَىٰ، وَلِي شِمَا أَنْ رَأَىٰ شَكَارَ مِي كَنِيْد، خِدَاوَنْد أَنْ رَا بَه تَاخِيْر اِنْدَاخْت.»

«إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ لِهَذَا الْأَمْرِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةَ يُنْتَهَىٰ إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا؛ عَسَدَ اِي عَجَلَه مِي كَنِنْد و هَلَاك مِي شَوْنْد. خِدَاوَنْد عَجَلَه نَمِي كَنْد. مَدْت غِيْبْت بَايْد تَمَام شَوْد. اِكْر مَدْت أَنْ تَمَام شَوْد، حَتَّى لِحِظَه اِي هَم جَلُو و عَقَب نَمِي اِفْتَد.»

امام صادق عليه السلام به یار وفادارش «محمد بن مسلم» فرمود:

«إِنَّ قُدَامَ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ فَمَا هِيَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَنْبَلُونَكُمْ يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّمَرَاتِ وَ بَشَرِ الصَّابِرِينَ قَالَ يَبْلُوهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ وَ الْجُوعِ بِغَلَاءِ الْأَسْغَارِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ بِكَسَادِ التِّجَارَاتِ وَ قِلَّةِ الْمُعَامَلَاتِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَنْفُسِ بِالْمَوْتِ الذَّرِيعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الشَّمَرَاتِ قِلَّةِ رَيْعٍ مَا يُزْرَعُ وَ قِلَّةِ بَرَكَاتِ الشَّمَرَاتِ وَ بَشَرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ وَ ذَلِكَ بَعْدَ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلَمَ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَ وِلِيَجَةٍ فَيَسْبُ الْجَارُ عَلَى جَارِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَالزُّمُوا الْأَرْضَ وَ لَا تُحَرِّكُوا يَدًا وَ لَا رِجْلًا؛ أَقْبَلْ اِز قِيَامِ قَائِمِ - عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَىٰ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ - نَشَانَه اِي اسْتِ كِه خِدَاوَنْد أَنْ هَا رَا ظَاَهْر خَوَاَهْد كَرْد. مَحْمَد

بن مسلم پرسید: آن‌ها چیست؟ حضرت فرمود: خداوند آن‌ها را این گونه بیان فرموده است: «هو شمارا با سختی‌هایی مانند ترس و گرسنگی و کاهش اموال و مرگ و آفات زراعت آزمایش می‌کنیم و مزده باد به صبرکنندگان.»^۱ یعنی خداوند مؤمنان را به وسیله پادشاهان بنی فلان، باگرانی اجناس، کاهش درآمد‌ها، مرگ‌های ناگهانی و کاهش زراعت امتحان می‌کند. به صبرکنندگان، ظهور قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را بشارت می‌دهیم. ظهور بعد از فتنه سخت رخ می‌دهد و هر دوستی و خویشی را به هم می‌ریزد. همسایه به همسایه‌اش حمله می‌کند. در این زمان، به زمین بچسبید و دست و پای خود را تکان ندهید.»

«وَ خَوْفٌ يَشْمَلُ أَهْلَ الْعِرَاقِ وَ بَغْدَادَ وَ مَوْتٌ ذَرِيعٌ فِيهِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّمَرَاتِ وَ قِلَّةٌ رَيْعٍ لِمَا يُزْرَعُ النَّاسِ؛ اِهْلِ عِرَاقِ وَ بَغْدَادِ دِجَارِ تَرَسِ مِي شَوْنْد و مَرِك

۱. غیبت نعمانی: ۱۵۷، ۱۵۴؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۳؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۰۵، ۳۶۰، ۱۰۵؛ الزام الناصب: ۱۸۶، ۷۸؛ بشارة الاسلام: ۲۹۹ و ۳۰۱.
 ۲. اصول کافی: ۱، ۳۶۹؛ غیبت نعمانی: ۱۵۸؛ الزام الناصب: ۷۸.
 ۳. غیبت نعمانی: ۱۳۲؛ اعلام الوری: ۴۲۷؛ الزام الناصب: ۱۸۵، ۱۷۵، ۱۸؛ ارشاد مفید: ۳۴۰؛ منتخب الاثر: ۴۴۰؛ بیابح الموده: ۳، ۷۶؛ المهدی: ۱۹۷؛ بشارة الاسلام: ۱۷۶؛ الامام المهدی: ۳۳، ۴. سورة مباركة بقره، آیه ۱۵۵. ۵. الامام المهدی: ۲۳۴.

دوران ره‌آب
 در پستانه حضرت مهدی قائم عجل الله فرجه
 در پستانه حضرت مهدی قائم عجل الله فرجه

ناگهانی و پیاپی در آنجا شایع می‌شود و گرفتار کمی اموال و اشخاص و خوراک‌ها می‌شوند و زراعت مردم کمتر رشد می‌کند.»

هم چنین امام صادق علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود:
 «يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوَقَّيْتَا فَلَا تَهَابُهُ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُوقَّتُ وَقْتًا؛ ای محمد بن مسلم! هر کس از ما بگوید که ما وقت ظهور را مشخص کرده‌ایم، بدان که او دروغ می‌گوید و ما هرگز وقتی را تعیین نمی‌کنیم.»

بعد از وقوع نشانه‌های آشکار مثل ندای آسمانی، خروج سفیانی و خسف بیداء و... تعیین وقت ظهور مشکل نیست. بلکه اگر قبل از وقوع این نشانه‌ها، وقتی تعیین شود باید آن را نپذیرفت. وقتی می‌گوییم در آستانه ظهور هستیم، به دلیل ظهور پیاپی نشانه‌های ظهور می‌باشد و این ربطی به تعیین وقت ندارد.

روایات امام کاظم علیه السلام

«إِذَا فَقَدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ اللَّهُ وَعَلَيْكُمْ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلُكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا يَا أَخِي إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ؛^۱ وقتی پنجمین فرزند ما از چشم‌ها پنهان شود، درباره دین و عقاید خود، از خدا بترسید و به خدا پناه ببرید تا از دینتان منحرف نشوید. صاحب این امر غیبتی دارد و عده‌ای که به او عقیده دارند از اعتقاد خود برمی‌گردند.»

امام کاظم علیه السلام مانند پدران بزرگوارش به شیعیان کمک می‌کند تا به مقام بالایی برسند.

روایات امام رضا علیه السلام

«لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلَمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةِ وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ الرَّابِعِ مِنْ وُلْدِي؛^۲ فتنه‌ای کوبنده و سرگردانی سختی مردم را گرفتار می‌کند که پرده‌ها برداشته می‌شود، دوستی‌ها و خویشاوندی‌ها از بین می‌رود. و آن وقتی است که چهارمین فرزند من از نظرها غایب شود.»

روایات امام جواد علیه السلام

«إِنَّهَا سَتَكُونُ حَيْرَةً. لَوْ عَيْنَ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ لَقَسَّتِ الْقُلُوبُ. وَلَرَجَعَ عَائِمَةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ، وَلَكِنْ قَالُوا: مَا أَسْرَعَهُ! وَمَا أَقْرَبَهُ! تَأَلَّفَا لِقُلُوبِ النَّاسِ، وَتَقْرِيْبًا لِسَفْرَجٍ؛^۳ در

۱. غیبت نعمانی: ۱۵۵؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۲؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۰۴؛ بشاره الاسلام: ۱۱۸ و ۲۹۸.
 ۲. بحار الانوار ۵۱: ۱۵۰ و ۵۲: ۱۱۳؛ غیبت نعمانی: ۷۸؛ بشاره الاسلام: ۱۵۷، ۴۰؛ اعلام الوری: ۴۰۶؛ المهدي: ۱۷۲؛ الزام الناصب: ۱۶۸؛ منتخب الاثر: ۲۱۸؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۰۴، ۱۰۴؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۶.
 ۳. غیبت نعمانی: ۹۴؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۵۵ و ۵۲: ۲۸۹؛ الملاحم و الفتن: ۱۵۳؛ بشاره الاسلام: ۱۶۳، ۱۶۰؛ عیون الاخبار: ۲: ۱۶؛ منتخب الاثر: ۲۲۱... ۴. غیبت نعمانی: ۱۵۸.

دور جدید احزاب
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 زین العابدین علیه السلام
 ظهور خواهد کرد

زمان غیبت، مردم سرگردان می شوند. اگر وقت ظهور، مشخص شود، دلها سخت می شود و عده ای از اسلام برمی گردند. ولی گفته اند: چه زود است؟! چقدر نزدیک است؟! تا دل مردم آرام بگیرد و فرج نزدیک شود.»

اگر بگویند مهدی علیه السلام بعد از هزار سال ظهور می کند، مردم ناامید می شدند و نسل های بعد بیشتر ناامید می شدند. ولی اکنون بعد از گذشت بیش از هزار سال، امید نسل ها بیشتر می شود که دولت مبارک او را درک کنند. به همین خاطر سعی می کنند تا با خداوند و امام زمان علیه السلام رابطه بهتری داشته باشند.

یکی از یاران امام جواد علیه السلام از آن حضرت پرسید: امام بعد از شما کیست؟ حضرت فرمود:

«إِنِّي عَلِيٌّ، وَإِنَّا عَلِيُّ؛ پسر من علی (امام هادی علیه السلام) و دو فرزندش (امام حسن عسکری و حضرت مهدی علیه السلام)»

سپس مدتی سرش را پایین انداخت و بعد از آن سرش را بلند کرد و فرمود:

«دوران سرگردانی خواهد بود.»

گفتند: در این دوران به کجا پناه ببریم؟ حضرت مدتی سکوت کرد و سپس فرمود:

«به هیچ طرف، نه هرگز.» این جمله را سه بار تکرار کرد.

بار دیگر پرسیدند به کجا روی بیاوریم؟ حضرت فرمود:

«به سوی مدینه.»

گفتند: کدام مدینه؟ حضرت فرمود:

«همین مدینه؛ مگر مدینه دیگری هم هست؟!»^۱

طبق سخن امام جواد علیه السلام، در روزگار غیبت، سختی و دشواری بسیاری فراگیر می شود. همان طور که امروزه فتنه ها، قتل، تجاوز و... همه جا را فرا گرفته است و این روایات نشان می دهد که امام زمان علیه السلام به مدینه پناه می برد.

روایات امام حسن عسکری علیه السلام

«وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو مِنْ الْهَلَكَةِ فِيهَا إِلَّا مَنْ تَبَتَّ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِمْ وَوَقَّعَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛ به خدا سوگند آنچه آنچنان از نظرها پنهان می شود که فقط کسی که خدا او را در اعتقاد بر امامت، ثابت نگه دارد، نجات می یابد و به او توفیق می دهد که برای تعجیل فرجش دعا کند.»

۱. غیبت نعمانی: ۹۷، بشارة الاسلام: ۱۶۵، بحار الانوار: ۵۱: ۱۵۶.

وقتی امام حسن عسکری علیه السلام، امام زمان علیه السلام را به احمد بن اسحاق نشان داد و از دوران غیبت او سخن گفت، عرض نمود:

ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله! آیا غیبت او طولانی می شود؟
حضرت فرمود:

«إِي وَرَبِّي حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ وَلَا يَتَّقِي إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَهُ لَوْلَا يَتَنَا وَكَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ آری، سوگند به خدا، غیبتش بسیار طولانی می شود و بیشتر معتقدان به امامت او، از اعتقاد خود برمی گردند و بر اعتقاد خود استوار نمی مانند و فقط کسی که خداوند از او بر ولایت ما پیمان گرفته است، بر عقیده خود استوار می ماند و خداوند او را با روح خود تأیید فرموده است.»

«أَمَّا إِنْ لَوْلَا لَوْ كُنْتُ غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمَّا إِنْ لَهُ غَيْبَةٌ يَسْحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ؛^۱ فرزند من غیبتی دارد که مردم در آن دچار شک و تردید می شوند، به جز کسی که خدا او را از لغزش و انحراف حفظ کند. آگاه باشید که او غیبتی دارد که نادانها در دوران غیبت، سرگردان می شوند و باطلان هلاک می شوند و کسانی که وقت ظهور را تعیین کنند، دروغ می گویند.»

«ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ؛^۲ سپس ظهور می کند، گویا با چشم خود می بینم که پرچم های سفید در نجف بالای سرش برافراشته می شود.»

خوشا به حال کسانی که این روز مبارک را درک کنند و زیر پرچم حق قرار گرفته، همواره با باطل مبارزه کنند و زمین را از ظلم و ستم پاک کنند.
ابن عباس می گوید:

«يُظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَةِ طَوِيلَةٍ وَ حَيْرَةٍ مُظْلِمَةٍ فَيُعْلَنُ أَمْرُ اللَّهِ وَ يُظْهَرُ دِينَ اللَّهِ وَ يُؤَيَّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَ يُنْصَرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ؛^۳ پس از یک غیبت طولانی و سرگردانی، ظهور می کند. فرمان خدا را آشکار می کند و دین خدا را ظاهر می سازد و با یاری خدا و فرشتگان پیروز می شوند.»



۱. بشارة الاسلام: ۱۶۸؛ الامام المهدي: ۱۳۵.

۲. الزام الناصب: ۱۰۴؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۱۶۰؛ اعلام الوری: ۴۱۵؛ منتخب الاثر: ۲۲۷. ۳. اعلام الوری: ۴۱۵.

۴. الزام الناصب: ۶۲.



فصل دهم

مسئله انتظار

مؤمنان منتظر

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وَادِيٍّ الَّذِي يَفْتَحُ اللهُ بِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ ائْتَمَرَ اللهُ قَلْبَهُ لِإِيْمَانِهِ؛ مَهْدِيٌّ مِنْ فِرْزَنْدَانِ مَنْ اسْت، خدایوند به وسیله شرق و غرب جهان را فتح می کند. همان کسی که از دوستان خود پنهان می شود، در دوران غیبت او کسی در اعتقاد خود استوار نمی ماند مگر کسی که خدایوند دل او را با ایمان، آزموده باشد.»

«أَنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ يَقِينًا - قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَآمَنُوا بِسَوَادٍ فِي بَيَاضٍ؛^۱ در آخر الزمان، بهترین مردم از نظر یقین، گروهی هستند که پیامبر ﷺ را درک نکرده اند و حجت خدا از آن ها پنهان شده، آن ها به نوشته ای روی کاغذ سفید ایمان آورده اند.»

این بهترین ایمان و عالی ترین یقین است است، زیرا آن ها معجزات پیامبر ﷺ را ندیده اند، معجزات امامان ﷺ را با چشم خود ندیده اند، ولی آنچنان باور کرده اند که هرگز دچار شک و تردید نمی شوند، حتی اگر کوه از جای خود کنده شود، در اعتقاد خود شک نمی کنند.

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛^۲ بهترین عبادت ها انتظار فرج است.»

انتظار فرج که ایمان محکم به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است، همه اعتقادهای اساسی مثل یکتایی خدا، رسالت پیامبر ﷺ، پیشوایی امامان معصوم و دیگر عقاید اسلامی را در

دوران زهد
شریک حضرت
مهدی قائم
تقریباً
ظلال القادر المهدی

۱. بتایع الموده ۳: ۷۷؛ الزام الناصب: ۱۲۷؛ الامام المهدی: ۷۵؛ المهدی: ۱۰۶.
۲. وسائل الشیعه ۱۲: ۶۵؛ حدیث ۵۱ بحار الانوار ۵۲: ۱۲۵؛ الزام الناصب: ۱۳۷، ۷۸؛ بتایع الموده ۳: ۱۶۹.
۳. نهج الفصاحه ۱: ۷۸ و ۲: ۳۷۰؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵؛ بتایع الموده ۳: ۱۶۹؛ المهدی: ۲۰۱؛ تحف العقول: ۳۳؛ منتخب الاثر: ۴۹۹، ۴۹۵؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۵۶.

بر می‌گیرد. ایمان به امامت حضرت مهدی علیه السلام که شرط قبولی دیگر اعمال شایسته است، در روایت امام صادق علیه السلام آمده است:

«بُيِّنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ؛^۱ اسلام بر اساس پنج چیز استوار شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. به هیچ چیز دیگر این قدر سفارش نکرده که به ولایت سفارش کرده است.»

سپس امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ولی مردم چهار پایه آن‌ها را پذیرفتند و ولایت را ترک کردند. به خدا قسم، اگر کسی تمام شب را نماز و عبادت به جا آورند و همه روزها را روزه بگیرد و بدون ولایت از دنیا برود، نماز و روزه او پذیرفته نمی‌شود.»^۲

«إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ عِبَادَةٌ أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۳ انتظار فرج عبادت است و بهترین عمل امت من، انتظار فرج از خداوند بلند مرتبه است.»

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الصَّمْتُ وَإِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین عبادت، سکوت و انتظار فرج است.»^۴

انتظار فرج، ایمان به غیب است که انسان را به سوی عمل شایسته هدایت می‌کند و او را در اعتقادش استوار می‌کند. انتظار فرج، انتظار ظهور امامی است که جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود و ظلم و ستم را در جهان نابود می‌کند. انتظار فرج، از همه عبادت‌های فردی و اجتماعی برتر خواهد بود. پاداش عبادت‌های فردی به خود شخص می‌رسد و عبادت‌های اجتماعی دیگر به پایه عبادت فردی نمی‌رسد و در حکومت‌های باطل کار آسانی نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره منتظران واقعی می‌فرماید:

«سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَأُحُدٍ وَ حُنَيْنٍ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَضْبِرُوا صَبْرَهُمْ!؛^۵ گروهی بعد از شما خواهد آمد که پاداش هر یک از آن‌ها برابر پاداش پنجاه نفر از شماست. گفتند: ای پیامبر ما در حضور شما در جنگ‌های بدر و احد و حنین شرکت کردیم و قرآن در میان ما نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر آنچه برای آن‌ها اتفاق افتاده، برای شما هم اتفاق می‌افتاد، شما نمی‌توانستید مانند آن‌ها صبر کنید.»

پیامبر صلی الله علیه و آله با شناخت عمیق از دوران ما می‌فرماید:

۱. وسائل الشیعه ۱: ۱۰، حدیث ۱۰ و ۱۸: ۲۶، حدیث ۱۴ و صفحه ۲۴، حدیث ۱۱: اصول کافی ۲: ۱۸. ۲. همان.
۳. بحار الانوار ۵۲: ۱۲۲؛ الزام الناصب: ۱۳۷. ۴. کشکول شیخ بهائی: ۱۵۱. ۵. منتخب الاثر: ۱۵؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۵.

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، الْمُؤْمِنُ فِيهِ أَذْلُ مَنْ شَاتِه؛^۱ دورانی می آید که مؤمن در آن زمان از گوسفند پست تر خواهد بود.»

پیامبر ﷺ مؤمن را در زمان غیبت که ظلم و ستم همه جا را فرا می گیرد، به گوسفند تشبیه کرده که مفید و رام است، ولی ستمگران آن‌ها را در جامعه به حساب نمی آورند و در مراسم‌های خود آن‌ها را سر می برند. ولی مؤمن برای حفظ عقیده خود تلاش می کند تا وقت ظهور برسد و حق گسترش یابد.

پیامبر ﷺ به حضرت علی عليه السلام چنین فرمود:

«يَا عَلِيُّ لَا يَحْفَظُنِي فِيكَ إِلَّا الْأَتْقِيَاءُ الْأَتْقِيَاءُ الْأَبْرَارُ الْأَصْفِيَاءُ وَمَا هُمْ فِي أُمَّتِي إِلَّا كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي الثُّورِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلِ الْغَائِبِ؛^۲ یا علی اکسی سفارش‌های من را درباره تو رعایت نمی کند مگر مؤمنان پرهیزگار، پاک و پاکیزه، برگزیده و پاک سرشت. آن‌ها در میان امت من، به تعداد یک تار موی سفید در بدن گاو سیاه در تاریکی شب می باشد.»

و بار دیگر درباره عصر غیبت و حال منتظران آن زمان، فرمود:

«يَا أَبَا الْحَسَنِ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخَلَ أَهْلَ الضَّلَالِ الْجَنَّةَ؛^۳ ای ابوالحسن اشایسته است که خدا گمراهان را وارد بهشت کند.»

منظور از گمراهان، یاران امام غایب است. «ضلالت» یعنی امام از چشم آن‌ها مخفی شده است. این‌ها از راه راست منحرف نشده‌اند بلکه امام خود را گم کرده‌اند. آن‌ها نمی توانند حق را برپا دارند و باطل را نابود کنند و به همین خاطر، اذیت می شوند. پیامبر ﷺ در روایتی آن‌ها را این چنین توصیف می فرماید:

«يَأْتِي زَمَانٌ يَذُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ لَا يَسْتَطِيعُ تَغْيِيرَهُ! الْمُؤْمِنُ يَمْشِي بَيْنَهُمْ بِالْمَخَافَةِ فَإِنْ تَكَلَّمَ أَكَلُوهُ وَإِنْ سَكَتَ مَاتَ بِغَيْظِهِ؛^۴ در آن دوران، قلب مؤمن در درون خود مانند نمک در آب ذوب می شود، زیرا زشتی‌ها را می بینند و قدرت جلوگیری و تغییر آن را ندارند. مؤمن در میان آن‌ها با ترس و لرز راه می رود، که اگر حرف بزند او را می خورند، و اگر ساکت شود، دق مرگ می شود.»

«لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ وَصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَسْمَعُونَ مِنَ الْأَدَى لَقَرَّتْ أَعْيُنُكُمْ؛^۵ اگر می دانستید که زندگی شما بین دشمنان و صبر شما مقابل آزار آن‌ها چه

دوره‌اند در هاب
 مهدي قائم
 در پناه حضرت
 نور الهدى
 نور الهدى
 نور الهدى

۱. نهج الفصاحة ۲: ۶۴۵. ۲. عبون الاخبار ۲: ۱۲۳. ۳. بحار الأنوار ۵۲: ۱۲۳. ۴. بشارة الاسلام: ۲۵؛ منتخب الاثر: ۴۳۲؛ الزام الناصب: ۱۸۲. ۵. منتخب الاثر: ۲۷۴.

ارزشی برای شما دارد، چشم هایتان روشن می‌شد.»

و نیز پیامبر ﷺ درباره احوال شیعیانِ آخر الزمان دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:

«اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرَوْنِي لَقَدْ عَرَفْتَنِيهِمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لَأَحَدُهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَيَّ دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَيَّ جَسْرِ الْغُضَا أَوْ لَيْسَ بِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنَجِّيهِمْ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ عَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ؛^۱ خداوند! من را به برادرانم ملحق کن ای یکی از یاران ایشان گفت: ای فرستاده خدا! مگر ما برادران شما نیستیم؟ حضرت ﷺ فرمود: نه، شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخر الزمان می‌آیند، و با این که مرا ندیده‌اند، به من ایمان می‌آورند. خداوند آن‌ها را قبل از این که از صلب پدران به رحم مادران وارد شوند، با نام خود و پدرانشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آن‌ها در دین خود، سخت‌تر از کندن خارهای گون در شب تاریک است. آن‌ها چراغ هدایت هستند که خداوند آن‌ها را از فتنه‌های تاریک نجات می‌دهد.»

و نیز پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَيَّ مَحَبَّتِهِمْ أَوْلِيكَ وَصَفَّهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ؛^۲ خوشا به حال کسانی که در غیبت او صبر می‌کنند و در محبت او استوار هستند و خداوند آن‌ها را در قرآن این گونه توصیف فرموده است: ﴿این قرآن برای پرهیزگاران و کسانی که به غیب ایمان می‌آورند، هدایت است﴾^۳»

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرموده است:

«الْمُتَّقُونَ شِيعَةٌ عَلَيَّ عليه السلام وَأَمَّا الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ؛^۴ پرهیزگاران، شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام هستند و غیب، حجت غالب است.»

و در حدیث دیگری فرموده است:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ قَالَ مَنْ أَقْرَبَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام أَنَّهُ حَقٌّ؛^۵ کسانی که به غیب ایمان می‌آورند، به قیام قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ایمان دارند و آن را حق می‌دانند.»

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۲۴؛ منتخب الاثر: ۵۱۵؛ الزام الناصب: ۱۳۷؛ مستند احمد ۲: ۴۰۸.

۲. بتایع الموده ۳: ۱۰۱؛ الزام الناصب: ۱۸؛ الامام المهدي: ۵۸. ۳. سورة مباركة بقره، آیه ۲ و ۳. ۴. الزام الناصب: ۱۳۷.

۵. بحار الانوار ۵۱: ۵۲ و ۵۲: ۱۲۴؛ نور الابصار: ۲۱؛ اختصاص مفید: ۱۰۱.



پیامبر ﷺ درباره یاران مهدی ﷺ فرموده است:

«لَا يَزَالُونَ قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ طَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۱ عَدَايَ مِنْ أُمَّتٍ هَسْتَنْدَ كَه تَارُوزِ قِيَامَتِ پَرُوزِ مَنَدَانِه دَر رَاهِ حَقِّ مَبَارَزِه مِي كَنْنَد.»

و نیز فرموده است:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ طَاهِرِينَ، حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ؛^۲ عَدَايَ مِنْ أُمَّتٍ مِنْ هَمُورِه حَقِّ رَا أَشْكَارِ مِي كَنْنَد تَا فَرْمَانِ خُدا بَرای ظُهُورِ قَائِمِ فَرَا بَرَسَد.»

این روایات درباره ی کسانی است که قبل از ظهور حضرت مهدی ﷺ پرچم حق را برافراشته می کنند و سعی می کنند به سوی اسلام دعوت کنند، که علی ﷺ شهر مقدس قم را مرکز آن ها می داند و می فرماید:

«قُمْ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَ شَفَاعَتَهُ لِقِيَامَةِ وَ الْحِسَابِ يَجْرِي عَلَيْهِمُ النِّعَمُ وَ الْهَمُّ وَ الْأَخْزَانُ وَ الْمَكَارِهِ؛^۳ بَنَدِگَانِ مَوْمِنِ خُدا دَر شَهْرِ قَمِ جَمْعِ مِي شُونَد وَ مَنْتَظَرِ شَفَاعَتِ پِيَامِبَرِ ﷺ دَر رُوزِ قِيَامَتِ وَ رُوزِ حِسَابِ مِي بَاشَنَد، غَمِ وَ اَنَدُوه زِيَادِي رَا تَحْمَلِ مِي كَنْنَد وَ اَنْوَاعِ بَلَاهَا بَرِ اَن هَا غَلِبِه مِي كَنْنَد.»

امام صادق ﷺ در این باره می فرماید:

«فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهَا قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ؛^۴ خُداوَنَد، قَمِ وَ اَهْلِ قَمِ رَا قَائِمِ مَقَامِ حُجَّتِ خُودِ قَرَارِ مِي دَهَد.»

مراجع عالیقدر تقلید، عالم و عالم به دین هستند و اخبار آل محمد ﷺ را روایت می کنند و حضرت مهدی ﷺ آن ها را به طور عموم، جانشین خود قرار داده است.

امام صادق ﷺ نیز فرموده است:

«إِنَّمَا سُمِّيَتْ قُمْ فَكَذَا لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَى نُصْرَتِهِ؛^۵ قَمِ رَا «قَم» نَامِيدَنَد چَرَاكِه مَرْدَمِ اَن دُورِ قَائِمِ ﷺ جَمْعِ مِي شُونَد وَ هَمْرَاهِ اَوْ قِيَامِ مِي كَنْنَد وَ اَز رَاهِ اَوْ وَ كَمَكِ بِه اَوْ كَمْرَاهِ نَمِي شُونَد.»

هم چنین امام صادق ﷺ فرمود:

«جَرَى ذِكْرُ أَهْلِ قُمْ أَمَامَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَتَرَحَّمَ عَلَيْهِمْ وَ قَالَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ وَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمْ وَ هُمْ خِيَارُ شِيَعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ خَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا يَتَنَا فِي طِينَتِهِمْ؛^۶ نَزْدِ حَضْرَتِ عَلِيِّ ﷺ دَر بَارِه مَرْدَمِ قَمِ سَخَنِ كُفْتِه شُد، اَن

۱. نهج الفصاحة: ۲، ۵۱۶؛ منتخب الاثر: ۵۱۴؛ صحيح مسلم: ۶، ۵۲؛ الامام المهدي: ۱۲۵؛ اختصاص مفيد: ۱۰۱؛ بحار الانوار: ۵۱، ۸۸، ۵۲ و ۱۲۴؛ نور الابصار: ۲۱؛ المهدي: ۱۹۱. ۲. همان. ۳. اختصاص مفيد: ۱۰۱. ۴. منتخب الاثر: ۲۲۳. ۵. همان: ۲۸۵. ۶. منتخب الاثر: ۵۱۶.

حضرت بر آنها رحمت فرستاد و فرمود: خداوند از آنها خشنود باشد؛ بهشت هشت در دارد، یکی از آنها برای اهل قم است و آنها برترین شیعیان از هر سرزمینی می‌باشند که خداوند ولایت ما را با آب و گِل آنها آمیخته است.»

امام صادق علیه السلام بار دیگر درباره اهل قم فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ اخْتَجَّ بِبَلَدَةِ قَمٍّ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْبَشَرِ وَ لَمْ يَدْعِ اللَّهُ قَمًّا وَ أَهْلَهُ مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَقَّعَهُمْ وَ أَيْدَهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الدِّينَ وَ أَهْلَهُ بِقَمٍّ دَلِيلٌ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَخَرِبَ قَمٌّ وَ بَطَلَ أَهْلُهُ فَلَمْ يَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ لَمْ يُنْظَرُوا طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قَمٍّ وَ أَهْلِهِ وَ سَيَّأَتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةُ قَمٍّ وَ أَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبِيَّةٍ قَائِمِنَا عليه السلام إِلَى ظُهُورِهِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قَمٍّ وَ أَهْلِهِ وَ مَا قَصَدَهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ سَفَلَهُ عَنْهُمْ بِدَاهِيَةٍ أَوْ مُصِيبَةٍ أَوْ عَذَابٍ وَ يُنْسِي اللَّهُ الْجَبَّارِينَ فِي ذَوَلَّتِهِمْ ذِكْرَ قَمٍّ وَ أَهْلِهِ كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ؛ خُدا به وسیله کوفه، حجت را برای مردم شهرها تمام کرد و با مؤمنین آن شهر حجت را برای شهرهای دیگر تمام کرد به وسیله «قم» بر همه شهرهای جهان و با مؤمنین شهر قم، بر همه مردم جهان از جن و انس حجت را تمام کرد. خدا هرگز قم و اهل قم را ذلیل و خوار نمی‌کند، بلکه به آنها توفیق می‌دهد و تأیید می‌کند. ولی همواره دین و اهل دین در قم خوار هستند و اگر چنین نمی‌شد مردم به سوی آن حمله می‌کردند و آنجا را خراب می‌کردند و دیگر حجتی بر دیگر شهرها باقی نمی‌ماند. در این صورت آسمان و زمین بر جای خود ثابت و استوار نمی‌ماند و به ساکنان زمین مهلت داده نمی‌شد. بلاها از قم و اهل قم دور شده و زمانی می‌رسد که قم و اهل قم بر همه خلائق حجت می‌باشد. این شرایط در زمان غیبت قائم ما تا موعد ظهور او می‌باشد؛ اگر قم نبود، زمین ساکنان خود را در خود فرو می‌برد. فرشتگان بلاها را از قم و اهل قم دور می‌کنند و هیچ ظالمی نمی‌تواند به آنها ظلم کند که اگر چنین کند، خداوند او را نابود می‌کند، یا به بلایی سخت گرفتار می‌کند و یا او را با جنگ و دشمن مشغول می‌سازد. خداوند قم و اهل قم را از خاطر ظالمان دور می‌کند، همان طور که یاد خدا را فراموش کرده‌اند.»

اکنون که این حدیث را می‌نویسیم، همه جهانیان به قم توجه دارند، انقلاب بزرگ



ایران از حوزه علمیه قم شروع شد و هنگامی که رژیم طاغوت به قم تجاوز کرد و حرمت علمای قم را شکست، خداوند او را نابود کرد. مردم قم به رهبری علمای دینی قم، رژیم غاصب شاه را وادار به فرار نمودند و تخت چند هزار ساله پادشاهی را سرنگون کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، شهرستان قم را به چشم یک آبادی کوچک ندیده‌اند، بلکه قم را همان گونه که هست، با چشم خود دیده‌اند.

امروزه حوزه علمیه قم، از حوزه علمیه نجف، مهم‌تر و پربارتر است و در آن صدها نفر دانشمند مجتهد پرورش می‌یابند و این حوزه از نظر نشاط علمی، تعداد دانشجویان، انواع علوم متداول از حوزه هزار ساله نجف اشرف مقدم است.

زمانی قم یک آبادی کوچک با آب‌های شور و گندیده، محل زندگی بت‌پرستان و آتش‌پرستان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه وضع امروزی آن را با چشم خود دیده و درباره آن سخن گفته است. بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، این مطالب را از وحی آموخته‌اند و وقتی درباره وضع امروزی آن سخن گفته‌اند، هنوز ایران فتح نشده بود و مردم قم بت‌پرست بودند ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام با قاطعیت درباره وضع امروز آن سخن گفته‌اند.

امام صادق علیه السلام وضع هزار و دویست سال بعد را با چشم خود دیده و رهبری دانشگاه بزرگ علوم آل محمد صلی الله علیه و آله را رهبری کرده است و در این باره سخن گفته است.

انشاء الله خداوند به ما توفیق بدهد تا از دستورات آن بزرگواران پیروی کنیم و از آن پیشوایان بزرگ جدا نشویم.

پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از ناامیدی نجات می‌دهد و درباره قضا و قدر الهی می‌فرماید:

«أَخْبَرَنِي جِبْرَائِيلُ أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَ بَغْدِي، وَأَنَّ ذَلِكَ الظُّلْمَ يَبْقَى، حَتَّى إِذَا قَامَ قَسَائِمُهُمْ وَعَلَتْ كَلِمَتُهُمْ، وَاجْتَمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مُحَبَّتِهِمْ، وَكَانَ الثَّانِيَةُ لَهُمْ قَلِيلًا، وَالْكَارِهُ لَهُمْ ذَلِيلًا، وَكَثُرَ الْمَادِحُ لَهُمْ. وَذَلِكَ عِنْدَ تَغْيِيرِ الْبِلَادِ وَضَعْفِ الْعِبَادِ وَالْيَأْسِ مِنَ الْفَرَجِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي بِقَوْمٍ يُظْهِرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ، وَيُخَمِّدُ الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ! مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ، فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلَفُ، وَقَضَاءُهُ لَا يُرَدُّ، وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ، وَإِنْ فَتَحَ اللَّهُ قَرِيبًا، جِبْرَائِيلُ بِهِ مِنْ خَيْرِ دَادِكُمْ أَنْهَا مَوْرِدُ ظَلَمِ قَرَارٍ مِي گيرند و این ظلم همچنان باقی می‌ماند تا روزی که قائم آنها قیام کند و سخنشان پیروز شود و امت اسلامی اطراف او جمع شوند. سپس دشمن آنها بسیار کم می‌شود و بدخواهان، ذلیل می‌گردند و همه مدح و ثنای آنها را می‌گویند. و آن زمان کشورها

دگرگون می شود و مردم از ظهور او ناامید می شوند و بندگان خدا ضعیف می شوند. در این هنگام قائم علیه السلام ظهور می کند و یارانی دارد که خداوند حق را به وسیله آنها ظاهر می کند و باطل را با شمشیر آنها نابود می سازد. ای مردم! به شما مرده می دهم که با فرج او وعده الهی تحقق می یابد و قضای الهی اجرا می گردد. او حکیم و آگاه است و به راستی فتح و گشایش خداوند نزدیک است.»

روایات حضرت علی علیه السلام

«الْأَخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ؛ أَنْ هَاكِهِ أَمْرٌ مَارَا مَسِي بِذِيرِنْد، فَرْدَا دَر «حَظِيرَةِ الْقُدْسِ» بَا مَا هَمْرَاه هَسْتَنْد.»

شبهه این حدیث از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است:

«إِنْتِظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ الْأَخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ وَ الْمُنتَظِرُ لِلْفَرَجِ كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱ منتظر فرج باشید و از روح خدا ناامید نشوید که بهترین اعمال نزد خدا، انتظار فرج است. هر کس امر ما را قبول کند، فردا در «حظیره القدس» همراه ماست و کسی که منتظر فرج باشد، مانند کسی است که در راه خدا شهید شود.»

«إِتْخِذُوا صَوَامِعَكُمْ بِيَوْمِكُمْ وَ عَضُوا عَلَى مِثْلِ جَمْرِ الْغَضَا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا فَذِكْرُهُ أَكْبَرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛^۲ عبادتگاه های خود را خانه خود قرار دهید؛ دندان روی جگر بگذارید مانند کسی که در آتش می سوزد؛ صبور باشید و خدا را بسیار یاد کنید، یاد خدا بزرگترین پناهگاه است اگر بدانید.»

«الزُّمُوا الْأَرْضَ وَ اصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سُيُوفِكُمْ فِي هَوَى السِّنْتِكُمْ وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يُعَجِّلْهُ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيدًا وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لَسِنْفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجَلًا؛^۳ به زمین بچسبید و در بلاها صبور باشید، دست ها و شمشیرها را برای خواهش زبان هایتان به کار نبرید؛ درباره چیزی که خدا عجله ندارد، عجله نکنید؛ هر کس با شناخت درست خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام در رختخواب بمیرد، شهید می باشد و پاداش شهید را می برد و به ثواب کارهای خوبی که نیت داشته، می رسد و نیت درست او ثواب شمشیر زدن او می باشد، و هر چیزی وقت معینی دارد.»

۱. منتخب الاثر: ۴۹۸، بحار الانوار: ۵۲: ۱۲۳.

۲. بشارة الاسلام: ۶۰، الزام الناصب: ۱۸۹، الامام المهدي: ۸۲.

۳. منتخب الاثر: ۵۱۵، بحار الانوار: ۵۲: ۱۴۴، الزام الناصب: ۱۲۸، ينابيع الموده: ۳: ۹۴ و ۲۰۴.



«وَذَلِكَ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ نُومَةٍ إِنْ شَهِدَ لَمْ يُعْرِفْ وَإِنْ غَابَ لَمْ يُسْتَقَدَّ أَوْلِيكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَأَعْلَامُ السَّرَى لَيْسُوا بِالْمَسَابِيحِ وَلَا الْمَذَابِيحِ الْبُذُرِ أَوْلِيكَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمُ أَبْوَابَ رَحْمَتِهِ وَيَكْشِفُ عَنْهُمْ ضُرَاءَ نِقْمَتِهِ؛ وَأَنْ زَمَانَ فَقَطْ مُؤْمِنٌ كَمَنَامٍ كَهَ حَضُورٍ دَارِدٍ وَشَنَاخْتِهِ نَمِي شُود، نَجَاتِ مِي يَابَدُ وَ اِگَرِ غَايِبِ بَاشَد، كَسِي بِهَ دَنِبَالِ اَوْ نَمِي بَاشَد؛ اَن هَا چَرَاغِ هِدَايَتِ وَ سَتَارِگَانِ رُوی زَمینِ هَسْتَنَدِ كِه سَخَنِ چینی، جاسوسی وَ تَفَرُّقِه اَفْکَنی نَمی کَنند؛ اَن هَا شَامِلِ رَحْمَتِ خَدَاوَنَدِ مِي شُونَدِ وَ غَمِ عَذَابِ رَا اَز اَن هَا دُورِ مِي کَنَد.»

سرور من! با مردم این زمان چه کنیم، که یکدیگر را به تفرقه می کشانند و در جامعه جاسوسی می کنند و از غیبت و سخن چینی و تهمت لذت می برند؟! فقط مؤمن گمنام نجات می یابد.

حضرت علی علیه السلام درباره حال مؤمنین در زمان غیبت می فرماید:

«وَاللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تَأْمَلُونَ حَتَّى يَهْلِكَ السُّبُطِلُونَ، وَ يَضْمَحَلُّ الْجَاهِلُونَ، وَ يَأْمَنُ الْمُتَّقُونَ، وَ قَلِيلٌ مَا يَكُونُ. حَتَّى لَا يَكُونَ لِأَحَدِكُمْ مَوْطِنٌ قَدَمِهِ، وَ حَتَّى تَكُونُوا أَهْوَنَ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْمَيْتَةِ عِنْدَ صَاحِبِهَا! فَيُنَا أَنْتُمْ كَذَلِكَ إِذْ جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ؛^۱ بِهَ خَدَا سَوَگَنَد، اَنچِه مِي خَوَاهِيد، بِه دَسْتِ نَمِي اُورِيدِ مِگَرِ وَ قَتِي كِه بَاطِلِ اَز بَينِ بَرُودِ وَ جِهَالَتِ نَابُودِ شُودِ وَ پَرهیزکارانِ اَرَامَشِ بِيَابَنَد. و لِي تَا اِينِ شَرَايِطِ اَبْجَادِ شُود، كَمْتَرينِ چيزِي كِه اِتْفَاقِ مِي اَفْتَدِ اِينِ اَسْتِ كِه هِيچِ كَسِ اَز شَمَا جَايِ پَايِي پِيدَا نَمي كَنندِ وَ هَر يَكِ اَز شَمَا اَز يَكِ اِنْسَانِ مَرْدِه بِي اَرزِشْتَرِ مِي شُويد. دَر چنينِ شَرَايِطِي يَارِي وَ پِيرُوزِي خَدَاوَنَدِ فَرَا مِي رَسَد.»

هم چنین امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَا يَجِيءُ أَمْرُ اللَّهِ حَتَّى تَكُونُوا أَهْوَنَ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْمَيْتَةِ! الْأَفْتَوْقَعُوا مَا يَكُونُ مِنْ إِذْبَارِ أُمُورِكُمْ وَ انْقِطَاعِ وَصْلِكُمْ وَ اسْتِغْنَالِ صِغَارِكُمْ ذَاكَ حَيْثُ تَكُونُ ضَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنَ مِنَ الدَّرْهِمِ مِنْ جِلِّهِ ذَاكَ حَيْثُ يَكُونُ الْمُغْطَى أَعْظَمَ أَجْرًا مِنَ الْمُغْطَى ذَاكَ حَيْثُ تَشْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنَ النِّعْمَةِ وَ النَّعِيمِ وَ تَخْلُقُونَ مِنْ غَيْرِ اضْطِرَارٍ وَ تَكْذِبُونَ مِنْ غَيْرِ إِخْرَاجِ ذَاكَ إِذَا عَضَّكُمْ الْبَلَاءُ كَمَا يَعْضُ الْقَتَبُ غَارِبَ الْبَعِيرِ مَا أَطْوَلَ هَذَا الْعَثَاءَ وَ أَبْعَدَ هَذَا الرَّجَاءَ؛^۲ زَمَانِي اَمْرِ خَدَا وَاقِعِ مِي شُودِ كِه شَمَا مُؤْمِنَانِ مِيانِ مَرْدَمِ اَز مَرْدَارِ هَمِ پَسْتِ تَرِ بَاشِيد. دَر اِينِ هَنگَامِ، اَمُورِ طَبَقِ خَوَاسْتِه شَمَا نَمي بَاشَدِ وَ رَابِطَه

دودان در هاب
 در پستگاه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 حضرت خاتمه الانبیا
 صلوات الله عليهم اجمعين

۱. نهج البلاغه ۱: ۱۹۸؛ غیبت طوسی: ۲۷۹؛ معانی الاخبار: ۱۶۶؛ شرح ابن ابی الحدید ۲: ۱۹۷؛ بشارة الاسلام: ۵۵؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۱۲. ۲. الزام الناصب: ۲۲؛ الامام المهدی: ۴۴. ۳. نهج البلاغه ۲: ۱۲۶؛ بشارة الاسلام: ۸۳؛ منتخب الاثر: ۳۱۴؛ بتایج الموده: ۳: ۹۴.

خویشاوندی قطع می‌گردد و کودکان به کار گرفته می‌شوند. و در این هنگام، ضربت شمشیر برای مؤمن از به دست آوردن یک درهم مال حلال آسان‌تر است؛ در آن هنگام، از ناز و نعمت مست می‌شوید نه از شراب؛ در آن زمان، از روی ناچاری سوگند می‌گویید و بدون ضرورت، دروغ می‌گویید، بلاها مانند جهاز شتر، روی دوش شما سنگینی می‌کند؛ وای از این سختی و رنج زیاد و وای از آرزوهای طولانی!»

امام صادق علیه السلام هم شبیه این روایت را نقل کرده‌اند.

حضرت علی علیه السلام چه تعبیر زیبایی برای وضع زمان ما به کار برده است؟ بسیاری از افراد ثروتمند، از پول و جاه و مقام لذت می‌برند و اگر چیزی به افراد نیازمند بدهند برای ریا و خودنمایی می‌باشد و پاداشی نمی‌برند. ولی افراد نیازمند خدا را شکر می‌گویند و پاداش می‌گیرند.

«مُرَاوَلَةُ قَلْعِ الْجِبَالِ أَيْسَرُ مِنْ مُرَاوَلَةِ مُلْكٍ مُوجَلٍ وَ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اضْبِرُّوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدَمُوا وَ لَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَتَنْسُوا قُلُوبَكُمْ؛^۱ نابود کردن کوه‌ها، آسان‌تر از تأسیس حکومتی قبل از زمان معین است. «از خدا کمک بخواهید و صبر کنید که زمین برای پرهیزگاران است.»^۲ در این امر عجله نکنید که پشیمان می‌شوید و فکر نکنید زمانش دور است چرا که قلب شما تاریک می‌شود.»

از این حدیث می‌فهمیم که نباید بدون دلیل، زمان ظهور را نزدیک بدانیم که پس از مدتی، دچار ناامیدی و پشیمانی می‌شویم؛ هم چنین نباید زمان ظهور را بسیار دور بدانیم چرا که ناامیدی باعث تاریکی قلب می‌شود.

«كُونُوا كَالنَّحْلِ فِي الطَّيْرِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا وَهُوَ يَسْتَضِعُّهَا وَ لَوْ عَلِمَتِ الطَّيْرُ مَا فِي أَجْوَاهِهَا مِنَ الْبَرَكَاتِ لَمْ يَفْعَلْ بِهَا ذَلِكَ خَالَطُوا النَّاسَ بِالسِّتِّكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ زَايَلُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا تَرَوْنَ مَا تُحِبُّونَ حَتَّى يَتَقَلَّ بَغْضُكُمْ فِي وَجْهِهِ بَغْضٌ وَ حَتَّى يُسَمِّيَ بَغْضُكُمْ بَغْضًا كَذَّابِينَ وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ أَوْ قَالَ مِنْ شِيْعَتِي إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ وَ الْمِلْحِ فِي الطَّعَامِ وَ سَأَضْرِبُ لَكُمْ مَثَلًا وَهُوَ مَثَلُ رَجُلٍ كَانَ لَهُ طَعَامٌ فَتَقَاهُ وَ طَيَّبَهُ ثُمَّ أَدْخَلَهُ بَيْتًا وَ تَرَكَهُ فِيهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ أَصَابَهُ السُّوسُ فَأَخْرَجَهُ وَ نَقَّاهُ وَ طَيَّبَهُ ثُمَّ أَعَادَهُ إِلَى الْبَيْتِ فَتَرَكَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ أَصَابَ طَائِفَةٌ مِنْهُ السُّوسُ فَأَخْرَجَهُ وَ نَقَّاهُ وَ طَيَّبَهُ وَ أَعَادَهُ وَ لَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى بَقِيَ مِنْهُ رِزْمَةٌ كَرِزْمَةِ الْأَنْدَرِ لَا يَضُرُّهُ السُّوسُ شَيْئًا وَ كَذَلِكَ أَنْتُمْ تُمَيِّزُونَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا

دوران در هجاب
 مهدی قائم
 تربستان حضرت
 نور الخلاص ظل القادر المهدی

عَضَابَةٌ لَا تَضُرُّهَا الْفِتْنَةُ شَيْئًا؛^۱ مانند زنبور عسل باشید که هر پرنده‌ای او را ضعیف می‌داند ولی اگر پرندگان بدانند که چه برکتی در او هست، هرگز او را ضعیف نمی‌دانند. با زبان و جسم خود میان مردم باشید ولی دل و عمل خود را از آن‌ها جدا و پنهان کنید. سوگند به خداوندی که جان در دست اوست، نعمت ظهور را به دست نمی‌آورید مگر بعد از آنکه برخی از شما بر صورت برخی دیگر آب دهان بیندازند و برخی از شما برخی دیگر را دروغگو بدانند؛ و به اندازه سرمه در چشم و نمک در غذا از شما باقی می‌مانند! مثلی بیان می‌کنم: اگر شخصی مقداری گندم داشته باشد، آن را پاک و پاکیزه کند و در انباری نگه دارد، بعد از مدتی بیاید و ببیند که کرم به گندم‌ها افتاده است، آن را بیرون بیاورد و بار دیگر پاک کند؛ بعد از مدتی باز هم کرم بر آن بیفتد و او باز هم پاک کند؛ این کار ادامه پیدا کند، تا وقتی که فقط تکه‌های کوچکی از گندم‌ها باقی بماند که کرم‌ها بر آن‌ها اثری نداشته باشند. شما هم آنقدر آزمایش می‌شوید که از شما فقط تعداد کمی باقی می‌ماند که فتنه‌ها بر آن‌ها اثری ندارد.»

امام باقر علیه السلام نیز شبیه این روایت را نقل کرده‌اند:

«وَاللّٰهُ لَتَمَيِّزُنَّ وَاَللّٰهُ لَتَمَحَّصُنَّ وَاَللّٰهُ لَيُعْرَبِلُنَّ كَمَا يُعْرَبِلُ الزُّوْاٰنُ مِنَ الْقَمْحِ؛^۲ سوگند به خدا، امتحان می‌شوید، غربال می‌شوید، همان گونه که گندم را از اضافات آن غربال می‌کنند.»

امام صادق علیه السلام نیز شبیه این حدیث را روایت کرده‌اند و اضافه می‌کنند: «تعداد کمی از شما باقی می‌ماند.» سپس دست مبارکش را به نشانه کم بودن تعداد آن‌ها فشرد. پرسیدند: چند نفر از عرب همراه قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خواهد بود؟ حضرت فرمود: «تعداد بسیار کم.»

پرسیدند: به خدا سوگند، کسانی که منتظر این روز هستند، بیشتر عرب هستند. حضرت فرمود: «ناچار باید امتحان شوند، امتحان شوند، غربال شوند، عده زیادی از غربال جدا می‌شوند و تعداد بسیار کمی از عرب همراه قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باقی می‌ماند.»^۳

این که مانند زنبور عسل باشیم، یعنی خیر و برکت داشته باشیم و به آداب باارزش انسانی و اسلامی رفتار کنیم و ریا و تظاهر پرهیزیم. مانند زنبور عسل، پرفایده و بابرکت

۱. بحار الانوار: ۵۲، ۱۱۵؛ غیبت نعمانی: ۸ و ۱۱۲، بشارة الاسلام: ۵۲، الزام الناصب: ۸۰.

۲. غیبت نعمانی: ۱۰۹، بحار الانوار: ۵۲، ۱۱۴؛ بشارة الاسلام: ۱۲۹، ۹۰؛ الزام الناصب: ۲۹.

۳. اصول کافی: ۱، ۳۷۰؛ غیبت نعمانی: ۱۰۸؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۱۴ و ۳۴۸؛ بشارة الاسلام: ۲۰۵؛ الزام الناصب: ۷۸.

باشیم و در دل شهد گل‌ها را داشته باشیم در حالی که دیگران ما را ضعیف می‌شمارند.

«اللَّهُمَّ وَ إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَأْرِزُ كَلَّهُ وَ لَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ وَ أَنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ - ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ كَيْلًا تَبْطُلُ حُجْبُكَ وَ لَا يَضِلُّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بَلْ أَيْنَ هُمْ وَ كَمْ أَوْلِيَاؤُكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ قَدْرًا الْمُتَّبِعُونَ لِقَادَةِ الدِّينِ - الْأَيْمَّةِ السَّاهِدِينَ الَّذِينَ يَتَأَدَّبُونَ بِآدَابِهِمْ وَ يَنْهَجُونَ نَهَجَهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْجُمُ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ فَتَسْتَجِيبُ أَرْوَاحُهُمْ لِقَادَةِ الْعِلْمِ وَ يَسْتَلِيثُونَ مِنْ حَدِيثِهِمْ مَا اسْتَوْعَرَ عَلَى غَيْرِهِمْ وَ يَأْتُسُونَ بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْمُكَذِّبُونَ وَ أَبَاءُ الْمُسْرِفُونَ أَوْلِيَاؤُكَ أَتْبَاعُ الْعُلَمَاءِ صَحِبُوا أَهْلَ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَوْلِيَاؤُهُ وَ دَانُوا بِالتَّقِيَّةِ عَنِ دِينِهِمْ وَ الْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَأَرْوَاحُهُمْ مُعَلِّقَةٌ بِالمَحَلِّ الْأَعْلَى فَعَلِمَاؤُهُمْ وَ أَتْبَاعُهُمْ خُرُسٌ صُمْتُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ وَ سَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَمْحَقُ الْبَاطِلَ هَا هَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي خَالِ هُدْيَتِهِمْ وَ يَا شَوْفَاءَ إِلَى رُؤْيَتِهِمْ فِي خَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ وَ سَيَجْمَعُنَا اللَّهُ وَ إِيَّاهُمْ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَرْوَاحِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ؛ اِخْدَايَا! مِنْ مِي دَانِمُ كِه دَانِش وَ فِرِهِنِگِ مَرْدَمِ اَز بِيِنِ نَمِي رُودُ مَوَادِّ اَن نَابُودِ نَمِي شُود. تُو هِرگَز مِيِنِ رَا خَالِي اَز حِجَّتِ نَمِي گِذَارِي دَر حَالِي كِه يَا بَه صُورَتِ ظَاهِرِ وَ آشْكَارِ كِه اَز او اِطَاعَتِ نَمِي شُود، وَ يَا بَه صُورَتِ مَخْفِي وَ پَنِهَانِ، كِه غَايِبِ اسْتِ تَابِه وَ سِيْلَةُ او حِجَّتِ هَايِ تُو نَابُودِ نَشُود، وَ اَوْلِيَايِ تُو پَسِ اَز هِدَايَتِ، گِمِرَاهِ نَشُوند. اَن اَوْلِيَايِ تُو كِجَا هِسْتِنْد؟ چِه تَعْدَادِ هِسْتِنْد؟ اَبِه خِدا سُوگِنْد، تَعْدَادِ اَن هَا كِمِ اسْتِ و لِي نَزْدِ خِدا مَقَامِي وَا لا دَارِنْد. اَن هَا پِيرو رِهْبِرَانِ دِيْنِي وَ اِمَامَانِ هِدَايَتِگِرِ هِسْتِنْد كِه بَا آدَابِ اَن هَا تَرِيْبِتِ شُدِه اِنْدُو دَر رَاهِ اَن هَا قَدَمِ مِي گِذَارِنْد. دَر چِنِيْنِ مَوْقِعِي عِلْمِ اَن هَا رَا بَه حَقِيقَتِ اِيْمَانِ مِي رَسَانْد، وَ رُوحِ اَن هَا بَه پِيشَوَايِيَانِ دَانِشِ اِجَابَتِ مِي كِنْدِ وَ حَدِيثِ اَن هَا رَا مِي پَذِيْرِنْد. دَر حَالِي كِه اَن حَدِيثِ هَا بَرَايِ دِيگِرَانِ سَخْتِ اسْتِ وَ بَه اَن اِنْسِ مِي گِيْرِنْدِ وَ تَكْذِيْبِ كِنْدِگَانِ اَز اَن مِي تَرَسِنْدِ وَ اسْرَافِ كِنْدِگَانِ اَن رَا رَدِ مِي كِنْدِنْد. اَن هَا دَر مِيَانِ مَرْدَمِ دُنْيَا پَرَسْتِ زَنْدِگِيِ مِي كِنْدِنْدِ و لِي اَز دَسْتُورَاتِ خِدا و اَوْلِيَايِ او سَرِپِيچِيِ نَمِي كِنْدِنْد. اَن هَا بَرَايِ حِفْظِ دِيْنِ وَ تَرَسِ اَز دَشْمَنِ، تَقِيَه مِي كِنْدِنْد. رُوحِ اَن هَا مَتَمَلِّقِ بَه مَلَأِ اَعْلَى وَ اِمَامَانِ هِدَايَتِگِرِ اسْتِ. اَن هَا دَر حُكُومَتِ هَايِ بَاطِلِ سَاكْتِ هِسْتِنْد اِ خُوشَا بَه حَالِ اَن هَا كِه دَر طُولِ غِيْبِتِ، صَبْرِ مِي كِنْدِنْد. مَنِ مَشْتَاقِمُ كِه اَن هَا رَا دَر هِنْگَامِ ظُهُورِ بِيْسِنِم. ﴿ خِداوند بَه زُودِيِ مَارَا دَر بَهْشْتِ بَرِيْنِ بَا اَن هَا و اِفْرَادِ صَالِحِ اَز پِدْرَانِشَانِ، هِمَسْرَانِشَانِ وَ فِرْزَنْدَانِشَانِ جَمْعِ مِي كِنْدِ. ﴾

حضرت علی عليه السلام در حدیث دیگری در ادامه می‌فرماید:

دوران در هجاب
 تریسناه حضرت
 مهدی قائم عجله
 نور الخاقانی
 ظل القادر المهدی عجله

«... آن‌ها در حکومت‌های باطل ساکت هستند و منتظر ظهور دولت حق می‌باشند، و خدا به زودی حق را با کلمات خود زنده می‌کند، و باطل را نابود می‌سازد. آری، خوشا به حال آن‌ها...»^۱

ای سرور ما! از شنیدن سخنان دلنشین تو سیر نمی‌شویم؛ حال ما را بسیار زیبا بیان کرده‌ای! ما هم مشتاقیم که آن دولت موعود را درک کنیم و یاران حق را ببینیم و با آن‌ها همراه شویم و برای برپایی حق و نابودی باطل شمشیر بزنیم. اگر در جنگ‌های بدر و احد نبودیم که در رکاب تو با قریش بجنگیم، حال مشتاقیم که دولت حق را درک کنیم و نزد فرزند بزرگوار تو با طاغوت‌های زمان نبرد کنیم.

«شِيعَتُنَا وَ مُجِبُّونَا عِنْدَ النَّاسِ كُفَّارٌ، وَ عِنْدَ النَّاسِ خَاسِرُونَ، وَ عِنْدَ اللَّهِ رَاحُونَ، فَارُوا بِالْإِيمَانِ وَ خَيْرَ الْمُنَاقِقُونَ»^۲ مردم، دوستان و شیعیان ما را کافر می‌دانند ولی یاران ما نزد خدا پاداش بزرگی دارند و به وسیله ایمان، رستگار شده‌اند، و منافقان نابود می‌شوند.

ای سرور ما! تو اوضاع شیعیان را خوب می‌دانی؛ دیگران شیعیان را کافر و مشرک می‌دانند ولی شک نداریم که هر کس پیرو تو باشد، خوشبخت و سعادت‌مند است. خداوند ما را به راه راست که راه تو و فرزندان بزرگوار توست، پابرجا و استوار سازد.

روایات امام حسین علیه السلام

«لَهُ غَيْبَةٌ يَزْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَنْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنْ الصَّابِرِ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ قائم عليه السلام غیبتی دارد که عده‌ای در زمان غیبت از عقیده خود برمی‌گردند و عده‌ای دیگر در عقیده خود پابرجا می‌مانند؛ دسته دوم سرزنش می‌شوند که اگر راست می‌گویید، این وعده چه وقت تحقق می‌یابد؟ کسانی که در زمان غیبت او بر آزار و تکذیب، صبر می‌کنند مانند کسانی هستند که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر زده‌اند.»

امام حسین عليه السلام پاداش صابران در زمان غیبت را با مجاهدان راه حق مقایسه می‌کند، زیرا او رهبر مجاهدان و سرور شهیدان است.

روایات امام سجاد علیه السلام

«إِنْتَظِرُ الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْعَمَلِ؛^۳ انتظار فرج، برترین اعمال است.»

۱. منتخب الاثر: ۲۷۰؛ اصول کافی ۱: ۳۳۵. ۲. الزام الناصب: ۱۹۷.

۳. بحار الانوار ۵۱: ۱۱۳۳؛ اعلام الوری: ۳۸۴؛ الزام الناصب: ۶۷؛ غیبت طوسی: ۲۰۴؛ بشارة الاسلام: ۳۹؛ الامام المهدي: ۸۹.

۴. منتخب الاثر: ۲۴۴.

طبق روایات پیامبر ﷺ، شرط قبولی اعمال، قبول ولایت معصومین علیهم السلام است که معاویه و جانشینان او از بنی امیه و بنی عباس تا به امروز تلاش کرده‌اند تا آن را از بین ببرند. به همین دلیل، پذیرفتن ولایت اهل بیت، پیروی از حق و اطاعت از فرمان پیامبر ﷺ و پاداش رسالت آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌باشد که بدون آن هیچ عملی پذیرفته نیست. منتظر می‌بایست طبق دستورات الهی عمل کند وگرنه منتظر واقعی نیست.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الْبِقَاعِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَّرَ مَا عَمَّرَ نُوْحُ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ غَامًا يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ وَلَايَتِنَا لَمْ يَنْفَعَهُ ذَلِكَ شَيْئًا؛^۱ برترین نقطه روی زمین میان رکن و مقام در مسجد الحرام است. اگر کسی به اندازه عمر نوح علیه السلام در میان مردم، یعنی نهصد و پنجاه سال زندگی کند و همه این مدت را کنار کعبه و میان رکن و مقام عبادت کند، شب‌ها را با نماز و دعا شب زنده‌داری کند و روزها را روزه بگیرد ولی ولایت ما را قبول نداشته باشد، این عبادت‌ها برای او فایده‌ای ندارد.»

امام سجاده علیه السلام نیز می‌فرماید:

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أُعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَائِهِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ؛^۲ کسی که در زمان غیبت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد عطا می‌فرماید.»

خداوند درباره کسانی که به غیب ایمان دارد می‌فرماید:

«وَكَسَانِي كَمَا بِهِ خَدَاوِ بِأَمْرَانِ إِيْمَانِ بِيَاوْرِنْدِ، نَزْدِ پَرُوْرْدِگَارِشَانِ رَاسْتِگُو و شَهِيدِ مِي بَاشَنْد.»^۳

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أُعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ فَصَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ أَوْ لَيْكِ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيَعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا؛ کسانی که در زمان غیبت، به امامت مهدی علیه السلام ایمان داشته باشند و منتظر ظهور او باشند، برتر از انسان‌های زمان دیگر می‌باشند، زیرا خداوند به آن‌ها عقل، فهم و شناخت عطا فرموده است که غیبت امام نزد آن‌ها مانند زمان حضور باشد. آنان مانند مجاهدانی هستند که

۱. وسائل الشیعه ۱: ۹۳ و ۹۴؛ جامع احادیث الشیعه ۱: ۱۲۴.

۲. کشف الغمہ ۳: ۳۱۲؛ بحار الأنوار ۵۲: ۱۲۵؛ منتخب الاثر ۵۱۳؛ تنبیح الموده ۳: ۱۶۴؛ اعلام الوری: ۴۰۲؛ الزام الناصب: ۱۲۷.

۳. سورة مبارکة حدید، آیه ۱۹. ۴. بحار الأنوار ۵۲: ۱۲۲؛ منتخب الاثر: ۲۴۴؛ اعلام الوری: ۳۸۵؛ الزام الناصب: ۶۷.



در حضور پیامبر ﷺ شمشیر بزنند. آن‌ها مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در ظاهر و پنهان می‌باشند.»

آن‌ها شایسته این مقام هستند، زیرا با گذشت چهارده قرن هنوز هم در راه پیامبر ﷺ استوار مانده‌اند و هر نسلی پیام پیامبر ﷺ را به نسل بعدی منتقل نموده است.

سپس امام سجادت علیه السلام درباره بلاهایی که به مردم می‌رسد می‌فرماید:

«لَتَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ؛^۱ فتنه‌هایی مانند قطعه‌های تاریک شب بر آن‌ها حمله می‌آورد و کسی از آن‌ها نجات نمی‌یابد مگر کسانی که خداوند از آن‌ها پیمان گرفته است. آن‌ها چراغ هدایت و سرچشمه دانش و فضیلت هستند، که خداوند آن‌ها را از هر فتنه تاریکی نجات می‌دهد.»

کسانی که با خدا این پیمان را بسته‌اند، از روزی که پیامبر ﷺ خبر داده تا امروز بر عقیده خود استوار هستند و با منکران و دشمنان نبرد سختی دارند، همان طور که در تاریخ هم ذکر شده است.

روایات امام باقر علیه السلام

«مَا يُبَالِي مَنْ عَرَفَهُ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَلْبِ جَبَلٍ يَأْكُلُ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ؛^۲ کسی که خداوند او را با امامت در زمان غیبت آشنا کرده، ترسی ندارد که در قله کوهی زندگی کند و از گیاه زمین روزی بگیرد تا مرگش فرا برسد.»

بنا بر این حدیث، اعتقاد به امامت و انتظار فرج که شرط قبولی اعمال دیگر است، از زینت‌های دنیایی بهتر است.

امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید»^۳ فرمود:

«إصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا فَقَالَ اصْبِرُوا عَلَى أَذَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرَّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ وَ لَا يُعَدَّرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَا يَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ مَاتَ عَارِفًا لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ؛^۴ در انجام واجبات و برداشت دشمنان صبر کنید. با امام خود رابطه‌ای محکم داشته باشید؛ هر کس امامت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را کامل بشناسد و از دنیا برود، زود یا دیر بودن ظهورش، برای او ضرری ندارد. کسی که از دنیا برود در حالی که امام خود را کامل بشناسد، مانند کسی

دوران دهباب
 در پستان حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 نور الخلق في الظلمة المهدية

۱. بحار الأنوار: ۵۱: ۱۲۵؛ منتخب الأثر: ۳۱۲؛ الامام المهدي: ۹۰. ۲. اصول کافی: ۲: ۲۴۵. ۳. سورة مباركة آل عمران، آية ۲۰۰. ۴. منتخب الأثر: ۴۹۸-۵۱۵؛ اصول کافی: ۱: ۳۷۲؛ غيبت نعماني: ۱۰۵ و ۱۸۰.

است که همراه قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در محل فرماندهی او باشد.»
 «مَا ضَرَّ مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا أَلَّا يَمُوتَ فِي وَسْطِ فُسْطَاطِ الْمَهْدِيِّ وَعَشْكَرِهِ!؟» کسی
 که منتظر امر ما باشد و بمیرد، گویا همراه مهدی علیه السلام و در میان لشکر او جان داده است.»
 امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:
 «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمُنتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ؛^۲ بدانید که منتظر امر ما
 پاداش کسی را دارد که شبها شب زنده دار و روزها روزه دار باشد.»
 کسی که منتظر است، دستورات خدا را اطاعت خواهد نمود و واجبات را ترک نخواهد
 کرد.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:
 «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَخِيَا أَمْرِنَا؛^۳ خدا رحمت کند بنده ای را
 که به خاطر ما نفسش را حبس کند و امر ما را زنده نگه دارد.»
 یکی از یاران امام باقر علیه السلام به آن حضرت گفت: اگر من قبل از آن که قائم آل
 محمد صلی الله علیه و آله را درک کنم، از دنیا بروم، وضع چگونه است؟! حضرت فرمود:
 «الْقَائِلُ مِنْكُمْ إِنْ أَدْرَكَتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتُهُ كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَ الشَّهِيدُ مَعَهُ
 لَهُ شَهَادَتَانِ؛^۴ کسی که نیت حقیقی دارد که اگر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درک کند، او را
 یاری کند، مانند کسی است که نزد او شمشیر بزند و به شهادت برسد. و برای او دو
 شهادت است.»

«لَا تَزَالُونَ تَنْتَظِرُونَ حَتَّى تَكُونُوا كَالْمَعْرِزِ الْمَهُولَةِ الَّتِي لَا يُبَالِي الْجَارِزُ أَيْنَ يَضَعُ يَدَهُ
 مِنْهَا لَيْسَ لَكُمْ شَرَفٌ تُشْرِفُونَهُ وَلَا سَنَدٌ تُسْنِدُونَ إِلَيْهِ أُمُورَكُمْ؛^۵ فرجی که شما انتظار
 می کشید اتفاق نمی افتد، مگر بعد از آنکه شما مانند بز ذبح شده باشید که دیگر قصاب
 به شما اعتنا نمی کند که دست به کدام عضو آن بزند! ستمگران هم برای شما ارزشی
 قائل نیستند و شما پناهگاهی پیدا نمی کنید که سندی برای امر خود ندارید.»
 «أَكْتُمُوا أَسْرَارَنَا وَلَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى أَعْنَاقِنَا وَانظُرُوا أَمْرَنَا وَ مَا جَاءَكُمْ عَنَّا فَبَانٍ
 وَجَدْتُمُوهُ لِلْقُرْآنِ مُوَافِقًا فَخُذُوا بِهِ وَإِنْ لَمْ تَجِدُوهُ مُوَافِقًا فَرُدُّوهُ وَإِنْ اشْتَبَهَ الْأَمْرُ عَلَيْكُمْ
 فَتَقَفُوا عِنْدَهُ؛^۶ اسرار ما را فاش نکنید، مردم و اداری به کشتن ما نکنید، منتظر امر ما و فرمان
 ما باشید، آنچه برای شما از جانب ما نقل می شود، اگر مطابق قرآن باشد آن را قبول کنید
 و اگر با قرآن منافات داشته باشد آن را قبول نکنید، و اگر در امر ما شک کردید، دست نگه

۱. اصول کافی ۱: ۳۷۲؛ منتخب الاثر: ۴۹۸؛ الزام الناصب: ۱۸. ۲. اصول کافی ۲: ۲۲۲. ۳. بحار الانوار ۵۲: ۱۲۶.
 ۴. منتخب الاثر: ۴۹۵؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۲۶. ۵. بحار الانوار ۵۲: ۱۱۰ و ۲۶۲؛ غیبت نعمانی: ۱۰۱؛ بشارة الاسلام: ۵۳ و ۸۹.
 ۶. بحار الانوار ۵۲: ۱۲۳؛ منتخب الاثر: ۵۱۲.



دارید.»

روزی یکی از یاران امام باقر علیه السلام برای قانع کردن دیگری، حدیثی از امام باقر علیه السلام برای او نقل کرد. امام باقر علیه السلام ناراحت شد و فرمود:

«إِنَّ حَدِيثَكُمْ هَذَا تَشْمِزُ مِنْهُ الْقُلُوبُ الرِّجَالِ فَأَنْبِذُوا إِلَيْهِمْ تَبْدَأَ قَسَمَنَ أَقْرَبِهِ فَرِيدُوهُ وَمَنْ أَنْكَرَهُ قَدَّرُوهُ إِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ تَكُونَ فِتْنَةٌ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةِ حَتَّى يَسْقُطَ فِيهَا مَنْ يَشُقُّ الشَّعْرَةَ بِشَعْرَتَيْنِ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا نَحْنُ وَشِيعَتُنَا؛ این سخنان شما قلب مردم را ناراحت می‌کند، و مردم از این حرف‌ها دلتنگ می‌شوند، شما عین سخن ما را برای آن‌ها نقل کنید، هر کس آن‌ها را بپذیرد، برای او بیشتر نقل کنید و هر کس رد کند، دیگر برایش نگویند. فتنه‌ای برپا خواهد شد که هر گونه دوستی و خویشی از بین خواهد رفت و در آن فتنه بزرگ همه سقوط می‌کنند، حتی فرد باهوش که می‌تواند یک تار مورا دو نیم کند، در این امتحان الهی رد می‌شود، و فقط ما و شیعیان خالص ما باقی می‌مانند.»

«وَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِيَّاسِ وَ الْقُنُوطِ فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ كَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ! لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنَّهُمْ؛^۱ وقتی مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، همه مردم دچار ناامیدی شده‌اند و کسی امید فرج ندارد. خوشا به حال کسی که زمان او را درک کند و از یاران او باشد، و وای به حال کسی که با او مخالفت کند و دستورات او را نپذیرد و با او دشمنی کند! وای به حالشان! او در راه خدا از سرزنش سرزنش کنندگان نمی‌ترسد.»

روایات امام صادق علیه السلام

«مِنْ دِينِ الْأَيْمَةِ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّلَاحُ إِلَى قَوْلِهِ وَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ؛^۲ پرهیزگاری، پاکدامنی، صالح بودن و انتظار فرج همراه با صبر و شکیبایی، از دین امامان علیهم السلام است.»

طبق این حدیث، انتظار، نیازمند تحمل سختی‌ها و صبر در مقابل مشکلات است.

امام صادق علیه السلام برای ابی الجارود خلاصه‌ای از عقاید اسلامی را بیان فرمود:

«دِينِي وَ دِينِ آبَائِي الَّذِي نَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ الْوَلَايَةَ لَوْلِيِّنَا وَ الْبِرَّاءَةَ مِنْ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمَ

۱. غیبت نعمانی: ۱۰۷؛ اصول کافی: ۱: ۳۷۰؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۱۵؛ الزام الناصب: ۸۱، ۷۹ و ۲۲۹.

۲. الزام الناصب: ۱۸۸؛ بشاره الاسلام: ۹۲، ۱۱۰، ۱۱۵؛ منتخب الاثر: ۴۳۴؛ الامام المهدي: ۲۲۹؛ غیبت نعمانی: ۱۲۳، ۱۳۵؛ المهدي:

۱۸۹؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۱ و ۲۴۸. ۳. منتخب الاثر: ۴۹۸؛ بشاره الاسلام: ۹۰.

لَأْمُرُنَا؛ دین من و پدران من، که تو هم باید به آن معتقد شوی، اعتقاد به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر ﷺ و اعتراف به آنچه او از جانب خدا آورده و دوستی دوستان ما و دشمنی دشمنان ما و تسلیم در برابر فرمان پروردگار ماست.»

«وَاللّٰهُ لَوْ لَأَنَّ اللَّهَ فَرَضَ وَلَا يَتَنَا وَمَوَدَّتَنَا وَقَرَابَتَنَا مَا أَدْخَلْنَاكُمْ يَبُوتَنَا وَلَا أَوْقَفْنَاكُمْ عَلَىٰ آبَائِنَا وَاللّٰهُ مَا نَقُولُ بِأَهْوَانِنَا وَلَا نَقُولُ بِرَأْيِنَا وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا قَالَ رَبُّنَا؛^۲ به خدا سوگند، اگر خداوند ولایت ما را واجب نمی‌کرد، ما شما را به خانه‌های خود راه نمی‌دادیم، و شما را به در خانه خود نمی‌خواندیم. به خدا سوگند، ما چیزی را طبق نظر خود نمی‌گوییم و چیزی را از جانب خود نمی‌گوییم، و فقط آنچه خدا فرموده، به زبان می‌آوریم.»

«وَاللّٰهُ لَوْ قَدْ خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ أَنْكَرَهُ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ؛^۳ پس از آنکه بیشتر مردم قائم -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را انکار کنند، او به صورت جوان ظاهر می‌شود، هیچ کس بر اعتقاد او در زمان غیبت باقی نمی‌ماند، مگر مؤمنی که خداوند در عالم ذر از او پیمان گرفته است.»

پس فقط کسی که در اعتقاد خود ثابت باشد و وجود او با ولایت اهل بیت آمیخته باشد، شیعه واقعی و منتظر حقیقی است.

«إِنَّ أَهْلَ الْحَقِّ لَمْ يَزَالُوا مُنذِرًا فِي شِدَّةِ أَمَانٍ ذَلِكَ إِلَىٰ مُدَّةٍ قَرِيبَةٍ وَغَاقِبَةٍ طَوِيلَةٍ؛^۴ اهل حق تا به امروز همواره در سختی و گرفتاری بوده‌اند، این بلاها و سختی‌ها را در مدت کوتاه این جهان با آنهاست ولی آنها به سرای جاویدان خواهند رفت.»

ابوبصیر از امام صادق عليه السلام پرسید: چرا حضرت علی عليه السلام در آغاز کار با مخالفین خود نجنگید؟ امام صادق عليه السلام فرمود:

«لَا يَتِي فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَوْ تَزَيَّلُوا أَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا قَالَ قُلْتُ وَمَا يَعْني بِتَزَايَلِهِمْ قَالَ وَدَائِعُ مُؤْمِنُونَ فِي أَصْلَابِ قَوْمِ كَافِرِينَ فَكَذَلِكَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ لَنْ يَظْهَرَ أَبَدًا حَتَّىٰ تَخْرُجَ وَدَائِعُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا خَرَجَتْ ظَهَرَ عَلِيٌّ مِنْ ظَهَرٍ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَلَّالَهُ فَتَقْتَلُهُمْ؛^۵ به خاطر این آیه: ﴿اگر نابود می‌شدند، کافران را با عذابی دردناک عذاب می‌کردیم﴾^۶ ابوبصیر گفت: منظور از نابود شدن چیست؟ امام صادق عليه السلام فرمود:

۱. غیبت نعمانی: ۱۰۶؛ جامع احادیث الشیعه ۱: ۱۲۵؛ منتخب الاثر: ۴۹۷ و ۴۹۹. ۲. جامع احادیث الشیعه ۱: ۱۷.
 ۳. غیبت نعمانی: ۱۱۳، ۹۹؛ غیبت طوسی: ۲۵۹؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۸۵، ۳۸۷؛ الزام الناصب: ۶۰؛ بشارة الاسلام: ۲۴۹؛ المهدي: ۲۰۶.
 ۴. وسائل: ۲: ۹۰۷؛ حدیث ۳؛ غیبت نعمانی: ۱۵۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۵۸.
 ۵. بحار الانوار: ۵۲: ۹۷؛ بنایع الموده ۳: ۸۴؛ الامام المهدي: ۵۶؛ الزام الناصب: ۱۲۷، ۳۰؛ بشارة الاسلام: ۲۵۶؛ منتخب الاثر: ۲۹۰.
 ۶. سورة مباركة فتح، آیه ۲۵.

دورادگان هاب
 مهدی قائم علیه السلام
 در پستان حضرت
 محمد الحارثی ظل القائل الهدی - علیه السلام

«نطفه‌های مؤمنان که در صلب پدران کافر آن‌ها، امانت می‌باشد؛ قائم ما نیز وقتی ظهور می‌کند امانت‌های خدا بیرون می‌آیند و وقتی همه امانت‌های خدا خارج شدند، او ظهور می‌کند؛ هر کس در برابر او شمشیر بکشد، او را می‌کشد.»

بر اساس این حدیث، حضرت علی علیه السلام، کافری را که مقدر بود از نسل او مؤمن به دنیا بیاید، نمی‌کشت. هم‌چنین وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، در نسل کفار نطفه مؤمنی مقدر نمی‌باشد، با امانت‌های خدا که همان یاران مهدی علیه السلام هستند با دشمنان خدا می‌جنگد.

«هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَآ وَٱللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أُعْيُنِكُمْ حَتَّىٰ تُغْرِبُوا لَآ وَٱللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أُعْيُنِكُمْ حَتَّىٰ تَمَحَّصُوا لَآ وَٱللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أُعْيُنِكُمْ حَتَّىٰ يَشْقَىٰ مَنْ يَشْقَىٰ وَ يَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ؛^۱ به خدا سوگند، هرگز چنین نیست، آنچه چشم انتظارش هستید، هرگز اتفاق نمی‌افتد تا غربال شوید و امتحان شوید. نه، به خدا قسم، آنچه چشم انتظارش هستید، اتفاق نمی‌افتد تا زمانی که انسان بدکار، زشتی خود را نشان دهد و انسان سعادت‌مند، سعادتش آشکار شود.»

و نیز می‌فرماید:

«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّرُوا وَ يُغْرِبُوا إِنْ هَذَا الْأَمْرُ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَآ وَٱللَّهِ حَتَّىٰ يَشْقَىٰ مَنْ يَشْقَىٰ وَ يَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ؛^۲ ناچار مردم باید امتحان شوند و غربال گردند و از یکدیگر جدا شوند؛ زمانی امر ما اجرا می‌شود که ناامیدی همه جا را فرا بگیرد. به خدا سوگند، وقتی قائم می‌آید که انسان بدکار، زشتی خود را نشان دهد و انسان نیکوکار، خوبی خود را آشکار سازند.»

«وَٱللَّهُ لَتُكْسِرَنَّ كَسْرَ الرُّجَاجِ وَإِنَّ الرُّجَاجَ يُعَادُ فَيَعُودُ كَمَا كَانَ وَٱللَّهُ لَتُكْسِرَنَّ كَسْرَ الْفَخَّارِ وَإِنَّ الْفَخَّارَ لَا يَعُودُ كَمَا كَانَ؛^۳ به خدا سوگند، مانند شیشه می‌شکنید، با این تفاوت که شیشه شکسته شده به حالت اولیه برمی‌گردد، ولی شما وقتی می‌شکنید مانند سفال شکسته دیگر به حالت اولیه بر نمی‌گردید.»

«لَا يَثْبُتُ عَلَيَّ إِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ؛^۴ بر امامت او پابرجا نمی‌ماند مگر کسی که یقین بسیار قوی و شناخت بسیار درست داشته باشد.»

۱. الزام الناصب: ۷۹.

۲. بحار الانوار: ۵۲: ۱۱۱؛ بشارة الاسلام: ۴۰، ۱۰۰، ۱۱۷؛ الزام الناصب: ۷۹؛ اصول کافی: ۱: ۳۷۰؛ غیبت نعمانی: ۱۱۱؛ غیبت طوسی:

۲۰۴؛ منتخب الاثر: ۳۱۴.

۳. غیبت نعمانی: ۱۱۰؛ بشارة الاسلام: ۴۰، ۱۲۹؛ الزام الناصب: ۷۹؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۰۱؛ منتخب الاثر: ۳۱۵؛ غیبت طوسی: ۲۰۶.

۴. بنایح الموده: ۳: ۸۲؛ منتخب الاثر: ۲۱۵.

«رَحِمَكُمُ اللَّهُ بِمَا يُبْدَأُ الْبَلَاءَ ثُمَّ بِكُمْ وَبِمَا يُبْدَأُ الرَّخَاءَ ثُمَّ بِكُمْ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ حَبَّبَنَا إِلَى النَّاسِ وَلَمْ يُكْرِهْنَا إِلَيْهِمْ؛ رَحِمَتِ خِدَاوَنَد شَامِل حَالِ شَمَا شُود، بِبَلَاهَا اِبْتِدَا بَه مَارُوي مِي آوَرْد، سِيس بَه شَمَا؛ رَا حَتِي اِبْتِدَا بَه مَا مِي رَسْد و سِيس بَه شَمَا. خِدَاوَنَد كُسي رَا كَه مَحَبَّت مَارَا دَر دَل مَرْدَم جَاي مِي دَهْد و مَارَا اَز چَشْم مَرْدَم نَمِي اِنْدَا زْد، بِيَا مَر زْد.»

سپس فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فُسْطَاطِ الْمُنتَظِرِ؛^۲ خِدَاوَنَد مِي فَر مَائِد: «رُوزِي كَه هَر اِنْسَانِي رَا بَا اِمَامِش مِي خَوَانِيم»^۳ پس هر کس امامش را بشناسد، مانند کسی است که در خیمه مهدی منتظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باشد.»

«اعْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَمَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ قُتِلَ مَعَهُ؛^۴ اِمَامِ خُود رَا بَشْنَس، كَه دَر اَن زَمَان تَرُسي اَز جَلُو يَا تَاخِير اِفْتَادَن اِبْنِ اِمْرِ نَدَا شْتَه بَاشِي. كُسي كَه اِمَامِش رَا بَشْنَسْد و پِيش اَز فَرَا رَسِيدَن اِبْنِ اِمْرِ اَز دُنْيَا بَرُود، مَانَد كُسي اِسْت كَه دَر مَحْضَر قَائِم عَلَيْهِ بِه شَهَادَت رَسِيدَه بَاشْد.»

«مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَنَا عَجَلَ اللَّهُ فَرَجَهُ فَقُتِلَ مَعَهُ كَانَ لَهُ أَجْرُ شَهِيدَيْنِ وَمَنْ قَتَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَدُوًّا لَنَا كَانَ لَهُ أَجْرُ عِشْرِينَ شَهِيدًا؛^۵ كُسي كَه قَائِم مَارَا دَر كُند و دَر رَكَابِ او بَه شَهَادَت بَرُود، پَادَاش دُو شَهِيد رَا خُوَاهْد دَا شْت. و اِگَر دَر حَضُور قَائِمِ دَشْمَن مَارَا كُشْتَه بَاشْد، ثُواب بِيَسْت شَهِيد رَا خُوَاهْد دَا شْت.»

«مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَ رَاحَةَ الْجَنَّةِ؛^۶ كُسي كَه بَا مَحَبَّتِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَز دُنْيَا بَرُود، پَادَاش شَهِيدِ خُوَاهْد دَا شْت، و كُسي كَه بَا دَشْمَنِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيرِد، عَطْر بَهْشْت بَه مَشَامِ او نَخُوَاهْد رَسِيد.»

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا لَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ أَلْمِيتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ! الْمُتَظَرُّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ يَذُبُّ عَنْهُ؛^۷ كُسي كَه مَنْتَظَرِ اِبْنِ اِمْرِ بَاشْد و دَر حَالِ اِنْتَظَارِ بِسَمِيرِد، مَسَانَد كُسي اِسْت كَه دَر مَكَانِ فَر مَانَد هِي حَضْرَتِ قَائِم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مِي بَاشْد. كُسي كَه بَا اِبْنِ اِعْتِقَادِ بِمِيرِد، مَانَد كُسي اِسْت كَه دَر رَا هِ خِدا شَمَشِيرِ بَزْنَد. مَنْتَظَرِ اِمَامِ دُواز دَهْمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مَانَد كُسي اِسْت كَه دَر رَكَابِ پِيَا مِيرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دورادان هاب
 مهدی قائم علیه السلام
 تریسناه حضرت
 محمد الحارثي ظل القائل الهدى

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۳۴۷. ۲. غیبت نعمانی: ۱۸۰. ۳. سورة مبارکه اسراء، آیه ۷۱.
 ۴. منتخب الاثر: ۵۱۵؛ غیبت طوسی: ۲۷۶؛ اصول کافی: ۱: ۳۷۱. ۵. بحار الأنوار ۵۲: ۳۱۷. ۶. نور الابصار: ۱۱۴.
 ۷. منتخب الاثر: ۴۸۵؛ غیبت نعمانی: ۱۷۹، ۴۱؛ الزام الناصب: ۱۷۳؛ بحار الأنوار ۵۲: ۱۲۵.

شمشیر کشیده و از آن حضرت دفاع نموده است.»

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ؛^۱ هر کس از شما در حالی بمیرد که امامش را شناخته است، جلوی عقب افتادن این امر به او ضرری نمی رساند. کسی که امامش را بشناسد و از دنیا برود، مانند کسی است که تحت فرماندهی حضرت قائم باشد.»

یعنی در جایگاه فرماندهی حضرت مهدی علیه السلام می باشد و فرمان جهاد داده می شود.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت پرسید: آیا ما بر یاران

قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برتری داریم؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ وَذَلِكَ أَنَّكُمْ تُنْسُونَ وَتُضِيحُونَ خَائِفِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَعَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَيْمَةِ الْجَوْرِ إِنْ صَلَّيْتُمْ فَصَلَّاتِكُمْ فِي تَقِيَّةٍ وَإِنْ صُنِمْتُمْ فَصِيَامُكُمْ فِي تَقِيَّةٍ وَإِنْ حَبَجْتُمْ فَحَبَجُكُمْ فِي تَقِيَّةٍ وَإِنْ شَهِدْتُمْ لَمْ تُقْبَلْ شَهَادَتُكُمْ فَقَالَ لَهُ وَاحِدٌ مِنْهُمْ فَمَا تَتَمَنَّى الْقَائِمَ علیه السلام إِذَا كَانَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ لَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّ أَنْ يَظْهَرَ الْعَدْلُ وَيَأْمَنَ السَّبِيلُ وَيُنْصَفَ الْمَظْلُومُ؟^۲ شما برتر از یاران قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هستید، زیرا شما صبح و شام در حال ترس و نگرانی بر خود و امام خود می باشید و همواره از حاکمان ظالم می ترسید. اگر نماز بخوانید، در حال تقیه می خوانید، اگر روزه بگیرید، در حال تقیه می گیرید، اگر دلیل بیاورید، با تقیه این کار را می کنید، اگر شهادت بدهید، کسی شهادت شما را نمی پذیرد.»

یکی از یاران گفت: حالا که چنین است، پس چرا باید در آرزوی ظهور قائم علیه السلام

باشیم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «مگر دوست ندارید که عدالت ظاهر شود، راهها امن شود

و حق مظلوم از ظالم گرفته شود؟!»

«هُوَ الْمَفْرَجُ لِلْكَرْبِ مِنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكِ شَدِيدٍ وَبَلَاءٍ طَوِيلٍ وَجَزَعٍ وَخُرْقٍ فَطَوْبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ؛^۳ قائم علیه السلام بعد از غمی سنگین، بلایی طولانی و ظلمی سنگین، رنج ها و سختی های شیعیان را برطرف می کند. خوشا به حال کسانی که آن زمان را درک کنند.»

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا فَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ

دوراندیشان
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 قائم علیه السلام

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۴۲؛ غیبت نعمانی: ۱۸۰؛ الزام الناصب: ۱۳۷.

۲. اختصاص مفید: ۲۱؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۴۴؛ اصول کافی ۱: ۳۳۳. ۳. الزام الناصب: ۱۳۸.

يُظَهِّرُ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَنْ تَبْطُلَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ لَا مِيثَاقُهُ فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ إِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ اللَّهُ تَعَالَى إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّتَهُ فَلَمْ يَظْهَرِ لَهُمْ وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا يَزْتَابُونَ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَزْتَابُونَ مَا غَيَّبَ عَنْهُمْ حُجَّتَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ سِرَّارِ النَّاسِ؛^۱ نزدیک ترین بندگان به خدا، که خدا هم بسیار از آن‌ها خشنود است، بندگانانی هستند که حجت خدا از چشم آن‌ها پنهان می‌شود و آن‌ها حجت خدا را نمی‌بینند و مکان او را نمی‌شناسند، ولی یقین دارند که حجت خدا میان آن‌هاست و حجت‌های خدا باطل نشده است. در زمان غیبت حجت خدا، هر صبح و شام منتظر فرج باشید که در این زمان خشم خدا بر دشمنان بسیار شدید است. خدا می‌داند که دوستانش در وجود حجت شک نمی‌کنند. اگر می‌دانست که امر او شک می‌کنند، حتی یک لحظه هم حجت خودش را پنهان نمی‌کرد. این در دوران بدترین مردم اتفاق می‌افتد.

«أَنْ مَنْ أَنْتَظِرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَ الْخَوْفِ هُوَ غَدَا فِي زُمْرَتِنَا؛^۲ کسی که منتظر امر ما باشد و در این راه بر آزار و ترس و وحشت، صبر کند، روز قیامت همراه ما خواهد بود.»

«رَأَيْتَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ بَلَغَ الْمُؤْمِنُ عَنْهُمْ كُلِّ هَوَانٍ؛^۳ مومن در عصر غیبت، اندوهگین و تحقیر می‌شود. او زشتی‌ها را در دلش انکار می‌کند و هر نوع تحقیری را تحمل می‌کند.»

«الْمُؤْمِنُونَ يُبْتَلُونَ ثُمَّ يُمَيِّرُهُمُ اللَّهُ عِنْدَهُ إِنْ أَرَادَ أَنْ يَنْزِلَ فِي الْأَرْضِ كَانُوا خَالِفِينَ لَمْ يُنَالُوا فِيهَا الْمَالَ الْغَيْرَ الْمُنْعَمَ بِهَا وَ لَكِنِ أَمَنَهُمْ فِيهَا مِنَ الْعَمَى وَ الشَّقَاءِ فِي الْآخِرَةِ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضَعُ قِتْلَاهُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ يَقُولُ قِتْلَانَا قَتَلَى النَّبِيِّينَ؛^۴ مومنان به سختی‌ها گرفتار می‌شوند تا خداوند آن‌ها را مورد آزمایش قرار دهد؛ خداوند آن‌ها را از بلاها و تلخی‌های دنیا در امان نمی‌دارد، بلکه آن‌ها را از کوری و سختی آخرت حفظ می‌کند. حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا کشته‌های خود را روی یکدیگر قرار می‌داد و می‌گفت: کشته‌های ما کشته‌های پیامبران و خانواده پیامبران هستند.»

در این حدیث آمده که امام حسین علیه السلام به خاطر عاقبت به خیری خود و یارانش، اظهار خوشحالی می‌کرد.

«سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ - إِلَّا مَنْ ظَنَّنَا أَنَّهُ أَبْلَهُ - وَ صَبَرَ نَفْسَهُ»

۱. غیبت طوسی: ۲۷۶؛ غیبت نعمانی: ۱۸۳؛ الزام الناصب: ۱۳۸؛ اصول کافی: ۱: ۳۳۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۲۵؛ اعلام الوری: ۴۰۴.

۲. بحار الانوار: ۵۲: ۲۵۶؛ بشارة الاسلام: ۱۳۱؛ الزام الناصب: ۱۸۳.

۳. بشارة الاسلام: ۱۳۲؛ الزام الناصب: ۱۸۳؛ منتخب الاثر: ۴۲۹. ۴. بحار الانوار: ۵۲: ۱۱۷.



عَلَى أَنْ يُقَالَ أَنَّهُ أَبْلَهُ لَأَعْقَلَ لَهُ؛^۱ زمانی خواهد آمد که دینداران نجات نمی یابند، مگر افرادی که مردم آنها را نادان می دانند و آنها بر این موضوع صبر می کنند.»

هم چنین امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَسْتَدِرِ الْفُلُكُ قَبِيلَ لَهُ وَمَا اسْتِدَارَةُ الْفُلُكِ؟ فَقَالَ اخْتِلَافُ الشَّيْعَةِ بَيْنَهُمْ؛^۲ این امر (ظهور مهدی علیه السلام) زمانی اتفاق می افتد که فلک دگرگون شود.»

پرسیدند: منظور از دگرگونی فلک چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«اختلاف شیعیان با یکدیگر.»

«كَيْفَ أَنْتَ إِذَا وَقَعَتِ الْبَطْشَةُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ - فَيَأْرِزُ الْعِلْمُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا وَ اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ وَ سَمَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ وَ تَقَلَّ بَعْضُهُمْ فِي وَجْهِ بَعْضٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ فَقَالَ لِي الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ؛^۳ وقتی که دو مسجد اختلاف پیدا می کنند (لشکر سفیانی در مسجد النبی و لشکر امام زمان علیه السلام در مسجد الحرام) چه حالی دارید؟ آنگاه که دانش و فرهنگ به دور خود می پیچد، همان طور که مار در آشیانه خود به دور خود می پیچد و میان شیعه اختلاف می افتد، و عده ای از آنها عده ای دیگر را دروغگو می نامند، و عده ای از آنها بر عده ای دیگر آب دهان می اندازند!»

یکی از یاران گفت: جانم فدایت باد! این زمان دیگر فایده ای وجود ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «همه فایده ها در این زمان است.»

اختلاف شیعه که در زمان ما بسیار شدت یافته و در همه گروه ها وجود دارد، تا زمان ظهور مهدی علیه السلام شدیدتر می شود و آن زمان درباره حضرت مهدی علیه السلام اختلاف پیدا می کنند، عده ای او را تصدیق می کنند و عده ای دیگر او را دروغگو می خوانند.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ هَكَذَا؟ وَتَمَى شِيعِيَانِ دَجَارِ اخْتِلَافٍ مَي شُونِد، حَال شَمَا چگونه است؟»

سپس انگشتان مبارکش را در هم فرو برد. یکی از یاران گفت: ای امیرمؤمنان! در آن زمان چه خیری وجود دارد؟! امام علی علیه السلام فرمود:

«الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمُنَا فَيُقَدِّمُ سَبْعِينَ رَجُلًا يَكْذِبُونَ عَلَى

دوداندها بچه
 فریاد حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 در زمان غیبت
 حضرت امام رضا علیه السلام

۱. اصول کافی ۲: ۱۱۷. ۲. غیبت نعمانی: ۹۰ بحار الانوار ۵۲: ۲۲۸ الزام الناصب: ۸۸
 ۳. اصول کافی ۱: ۳۴۰ بحار الانوار ۵۲: ۱۲۴. بشاره الاسلام: ۱۵۲ و ۱۵۵.

الله و على رسوله ﷺ فَيَقْتُلُهُمْ ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللهُ عَلَىٰ أَمْرٍ وَاحِدٍ؛ همه خیرها در آن زمان است. قائم ما در آن زمان قیام می‌کند، هفتاد نفر جلو می‌آیند و خدا و پیامبرش را تکذیب می‌کنند و قائم آن‌ها را می‌کشد. سپس خداوند آن‌ها را بر یک امر جمع می‌کند.» شیعیان دچار اختلاف می‌شوند تا زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور کند و همه آن‌ها را بر یک امر جمع می‌کند، همان طور که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام به یک صورت نقل شده است که فرموده‌اند: «... يَوْمَ يَقُومُ قَائِمُنَا فَيَرْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ؛^۱ ... وقتی قائم ما قیام می‌کند و همه این اختلافات برداشته می‌شود.»

حضرت علی علیه السلام اضافه می‌کند:

«... وَ حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مِنْكُمْ عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ إِلَّا كَالْكُخْلِ فِي الْعَيْنِ! هَيْهَاتَ! هَيْهَاتَ! لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّىٰ يَذْهَبَ الْكَدِرُ وَ يَبْقَىٰ الصَّفْوُ!؛^۲ ... تا از شما به مقدار سرمه در چشم باقی نماند! هیهات، هیهات، که فرج ما اتفاق نمی‌افتد مگر بعد از آنکه تاریکی‌ها از بین بروند و فقط روشنی‌ها بمانند.»

و امام صادق علیه السلام می‌افزاید:

«لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّىٰ تُغْرَبُوا ثُمَّ تُغْرَبُوا حَتَّىٰ يَذْهَبَ الْكَدِرُ وَ يَبْقَىٰ الصَّفْوُ؛^۳ فرج ما اتفاق نمی‌افتد مگر بعد از آنکه امتحان شوید و غربال شوید، تا تاریکی‌ها از بین بروند و روشنی‌ها بمانند.»

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا عبادت پنهانی با امام معصوم که در زمان ستمگری مخفی باشد، برتر است یا عبادت آشکار در زمان دولت حق با امام ظاهر؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«الْصَّدَقَةُ فِي السِّرِّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ كَذَلِكَ عِبَادَتُكُمْ فِي السِّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَرِي فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَفْضَلُ لِخَوْفِكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ خَالِ الْهُدْنَةِ أَفْضَلُ مِمَّنْ يَغْبُدُ اللهُ فِي ظَهْرِ الْحَقِّ مَعَ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ لَيْسَ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ مَعَ الْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ؛ به خدا سوگند، صدقه پنهانی برتر از صدقه آشکار است. همچنین به خدا سوگند، عبادت پنهانی با امام مخفی در حکومت ظالمان و در حال صلح، برتر از کسی است که هنگام ظهور دولت

۱. بشارة الاسلام: ۵۰. بحار الأنوار ۵۲: ۲۱۱، ۱۱۵؛ غیبت نعمانی: ۸۲ و ۱۰۹.

۲. بشارة الاسلام: ۸۶، ۸۴؛ غیبت طوسی: ۲۶۷، ۲۰۶؛ الزام الناصب: ۱۸۱، ۷۹؛ الامام المهدي: ۹۴؛ منتخب الاثر: ۴۲۶؛ المهدي: ۱۸۷؛ غیبت نعمانی: ۱۰۹؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۱۱؛ بشارة الاسلام: ۱۲۹؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۹.

۳. بحار الأنوار ۵۲: ۲۱۱؛ غیبت طوسی: ۲۶۷. ۴. بحار الأنوار ۵۲: ۱۱۳؛ المهدي: ۱۷۲؛ منتخب الاثر: ۳۱۵.



حق در محضر امام ظاهر، عبادت کند. هرگز عبادتی که همراه با ترس و وحشت در دولت باطل باشد با عبادت همراه با امنیت در دولت حق قابل مقایسه نیست...»
این حدیث بسیار طولانی است. در پایان، یکی از یاران پرسید: چگونه ممکن است ما که زیر ستم دولت باطل زندگی می‌کنیم، از کسانی که در دولت مقتدر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - زندگی خواهند کرد، برتر باشیم؟! امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ وَإِلَى الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَإِلَى كُلِّ فِعْلٍ وَ خَيْرٍ وَإِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ مَعَ الْإِمَامِ الْمُسْتَبَرِّ مُطِيعُونَ لَهُ ضَائِرُونَ مَسْعُهُ مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ خَائِفُونَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَعَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ تَنْظُرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَحَقِّكُمْ فِي أَيْدِي الظُّلْمَةِ قَدْ مَنَعُوكُمْ ذَلِكَ وَاضْطَرُّوَكُمْ إِلَى جَذْبِ الدُّنْيَا وَطَلَبِ الْمَعَاشِ مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَعِبَادَتِكُمْ وَطَاعَةِ رَبِّكُمْ وَالْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ أَعْمَالَكُمْ فَهَيِّنًا لَكُمْ هَيِّنًا قَالَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا نَتَمَنَّى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَنَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَطَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَعْمَالِ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظَهَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَقِّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيُحْسِنَ خَالَ عَامَّةِ النَّاسِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ وَلَا يُغْصَى اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَيُقَامَ حُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَيُرَدَّ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرُوهُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا وَاللَّهِ يَا عَمَّارُ لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ كَثِيرٍ مِمَّنْ شَهِدَ بَدْرًا وَأَحَدًا فَأَبْشِرُوا! أَوْقَتِي شَمَا إِيْمَانٍ دَارِيْدٍ وَنَمَازٍ، رَوْزَةٍ، حَجِّ، وَفَقْهِ وَ عِبَادَتِ خَدَارَا انْعَجَامٍ مِي دَهِيْدِ، اَز دَشْمَنٍ مِي تَرْسِيْدِ وَ اِمَامِ شَمَا مَخْفِي اسْتِ وَ شَمَا اَز اَوْ اطَاعَتِ مِي كَنِيْدِ وَ كَنَارِ اَوْ صَبْرِ مِي كَنِيْدِ وَ مُنْتَظَرِ ظُهُورِ دَوْلَتِ حَقِّ هَسْتِيْدِ وَ بَرَايِ خُودِ وَ اِمَامَتَانِ بِي خَاطِرِ ظَلَمِ ظَالِمَانِ نَغْرَانِ هَسْتِيْدِ، مِي بِيْنِيْدِ كِه حَقِّ اِمَامَتَانِ وَ حَقِّ خُودَتَانِ زِيْرِ پَايِ ظَالِمَانِ اَز بِيْنِ رَفْتِه اسْتِ، وَ شَمَا رَا اَز حَقُوقِ خُودِ مَحْرُومِ كُورْدِه اَنْدِ. شَمَا رَا مُجْبُورِ كُورْدِه اَنْدِ كِه بَا تَرْسِ وَ نَغْرَانِي بَرِ جَانِ وَ دِيْنِ خُودِ، بِي دُنْيَالِ دُنْيَا وَ كَسْبِ رُوزِي بَرُويْدِ وَ زِيْرِ سْتَمِ اَنْ هَا اَز اِمَامِ خُودِ اطَاعَتِ كَنِيْدِ وَ اَز دَشْمَنِ خُودِ دَرِ اِمَانِ نَبَاشِيْدِ. بِنَابَرَايِنِ خُدَاوَنْدِ پَادَاشِ اَعْمَالِ شَمَا رَا چَنْدِ بَرَا بَرِ مِي دَهْدِ. بَرِ شَمَا گُورَا اِبَادِ.» يَكِي اَز يَارَانِ گُفْتِ: اَكُنُونِ كِه مَا دَرِ زَمَانِ اِمَامَتِ تُو بَرْتَرِ اَز اَصْحَابِ قَائِمِ هَسْتِيْمِ پَسِ حَقِّ وَ عَدَالَتِ اسْتِ؟! حَضْرَتِ صَادِقِ عليه السلام فَرْمُودِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ! مِگَرِ نَمِي خُواهِيْدِ كِه خُدَاوَنْدِ حَقِّ وَ حَقِيْقَتِ وَ عَدَالَتِ رَا دَرِ شَهْرَهَا ظَاهَرِ كَنْدِ وَ هَمِه رَا بَرِ يَكِ كَلِمِه جَمْعِ كَنْدِ وَ بِيْنِ دِلْهَائِي پَرَا كَنْدِه وَ پَرِيْشَانِ

دوران هدایت
در پستانه حضرت
مهدی قائم
عجل الله تعالی فرجه الشریف
بیت الخلافة في ظل القائم المهدي

انس ایجاد کند؟ که دیگر روی زمین خدا معصیت نکنند و حدود الهی در همه جا اجرا شود و حق به صاحب حق بازگردد و حقیقت برای همه آشکار شود و دیگر کسی از کسی وحشت نکند؟! به خدا سوگند، هر کدام از شما در این حال از دنیا برود، نزد خداوند از شهدای بدر و احد برتر و باارزش تر خواهد بود. بشارت باد بر شما.»

امام صادق علیه السلام در نوشته مادرش حضرت زهرا علیها السلام یک حدیث طولانی مشاهده نمود که خداوند، احوال مؤمنین را در دوران غیبت مهدی علیه السلام توصیف نموده است که قسمتی از آن نوشته این است:

«سَيَذِلُّ أَوْلِيَانَهُ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَتَهَادُونَ رُءُوسَهُمْ كَمَا تَتَهَادَى رُءُوسُ الشُّرَكَ وَ الدَّيْسَلِمِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُحْرَقُونَ وَ يَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَ وَجِلِينَ تُضَيِّعُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ وَ يَقْسُو الْوَيْلُ وَ الْأَيْنُ فِي نِسَائِهِمْ أَوْلِيَاكَ أَوْلِيَانِي حَقًّا بِهِمْ أَذْفَعُ كُلَّ فَتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ وَ بِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَ أَرْفَعُ الْأَصَارَ وَ الْأَغْلَالَ - أَوْلِيَاكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أَوْلِيَاكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ؛ ... دوستان او در زمان غیبتش ذلیل و خوار می شوند، سرهای آنها مانند سرهای ترک و دیلم هدیه فرستاده می شود، آنها کشته می شوند، سوزانده می شوند، و تا زنده هستند با ترس و وحشت و اضطراب زندگی می کنند. زمین از خون آنها سرخ می شود، ناله و فریاد میان زنهای آنها ظاهر می شود، آنها دوستان واقعی من هستند. من به وسیله آنها فتنه هایی که زندگی آنها را تاریک کرده است، از بین می برم و به وسیله آنها اضطراب را رفع می کنم و سختی ها و گرفتاری ها را کشف می کنم. ^۱ «صلوات و رحمت خداوند بر آنها باد که هدایت شده اند.» ^۲

«طُوبَى لَشَيْعَةٍ قَائِمِينَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ؛ ^۳ خوشا به حال شیعیان قائم ماکه در زمان غیبت، منتظر ظهور او هستند و زمان ظهور از او اطاعت می کنند. آنها هیچ ترس و اندوهی ندارند و اولیای خدا هستند.»

«فَإِنْ مَاتَ الْمُنتَظِرُ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَتَيْتَهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةَ؛ ^۴ وقتی شخص منتظر از دنیا برود و قائم علیه السلام بعد از او ظهور کند، او پاداش کسی را می برد که دوران ظهور را درک کرده، پس تلاش کنید و منتظر باشید. ای گروه مؤمنان! رحمت حق شمارا فرا گرفته است.»

«طُوبَى لِمُحِبِّي قَائِمِينَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ؛ ^۵ خوشا

۱. عبود الاخبار: ۱، ۳۵؛ معانی الاخبار: ۳۷۳؛ بشارة الاسلام: ۱۲-۱۳؛ منتخب الاثر: ۱۲۵؛ جامع الاخبار: ۲۳.

۲. سورة مباركة بقره، آیه ۱۵۷. ۳. منتخب الاثر: ۱۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۲۳؛ الزام الناصب: ۵۷ و ۱۳۷.

۴. غیبت نعمانی: ۱۰۶. ۵. منابع الموده: ۳، ۷۷.



به حال دوستان قائم ماکه در زمان غیبتش، منتظر ظهور او هستند و وقت ظهور از او اطاعت می‌کنند.»

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: اگر یک روز عذاب نازل شود، آیا مؤمنین نیز دچار عذاب می‌شوند؟! حضرت علیه السلام فرمود:

«نَعَمْ وَلَكِنْ يَخْلُصُونَ بَعْدَهُ؛ آری، ولی بعد مؤمنین نجات می‌یابند.»
 «أَمْأَلُوا كَمَلَتِ الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ؛^۱ هنگامی که تعداد آنها کامل شود و سیصد و چند نفر جمع شوند، آنچه دوست دارید انجام می‌شود.»

سیصد و سیزده نفر، تعداد یاران حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشد که هنگام ظهور از اطراف جهان به محضر آن حضرت می‌شتابند و کنار کعبه جمع می‌شوند و میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت می‌کنند. یازده قرن و نیم که از آغاز بیعت می‌گذرد، ولی هنوز این عده کامل نشده است!

روایات امام کاظم علیه السلام

«طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبَّتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۲ خوشا به حال شیعیان ماکه در دوران غیبت قائم، با ما دوست هستند و در ولایت ما ثابت و پابرجا می‌مانند و از دشمنان ما دوری می‌کنند. آنان از ما هستند و ما هم از آنها هستیم، آنها امامت ما را پذیرفته‌اند و ما آنها را به عنوان «شیعه» قبول داریم. خوشا به حال آنها، خوشا به حال آنها. به خدا سوگند، آنها در روز قیامت با ما و همراه ما هستند.»

روایات امام رضا علیه السلام

«مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ وَ فَاانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ وَ قَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ؛^۳ صبر و انتظار فرج بسیار خوب است، مگر نشنیده‌اید خداوند فرموده است: «منتظر باشید که من نیز همراه شما منتظر هستم»^۴ پس صبر داشته باشید که فرج بعد از ناامیدی خواهد آمد. گروهی که پیش از شما بودند،

۱. اصول کافی ۲: ۲۴۷؛ غیبت نعمانی: ۳۱. ۲. غیبت نعمانی: ۱۰۸؛ الزام الناصب: ۸۱.

۳. بحار الأنوار ۵۱: ۱۵۱؛ اعلام الوری: ۴۰۷؛ الزام الناصب: ۶۸؛ كشف الغممه ۳: ۳۱۴؛ منتخب الاثر: ۲۱۹؛ الامام المهدي: ۹۵، ۹۱.

۴. بحار الأنوار ۵۲: ۵۲؛ منتخب الاثر: ۴۹۶؛ غیبت نعمانی: ۱۸۰. ۵. سورة مباركة يونس، آية ۲۰ و ۱۰۲.

دوران رها ب
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 نور الخلاص في ظلال القادر المهدي

از شما صبورتر بودند.»

«وَاللّٰهُ مَا يَكُوْنُ مَا تَمُدُّوْنَ اِلَيْهِ اُعِيْنَكُمْ حَتّٰى تَمَحَّصُوْا وَلَا يَبْقٰى مِنْكُمْ اِلَّا الْاَنْدَرُ الْاَنْدَرُ ثُمَّ تَلٰٓءُ اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تُتْرَكُوْا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جَاهَدُوْا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصّٰبِرِيْنَ»^۱ به خدا قسم، آنچه انتظار می کشید و گردن هایتان را به سوی آن دراز می کنید اتفاق نمی افتد مگر بعد از آنکه امتحان شوید و از شما چیز کمی باقی بماند: «آیا گمان کرده اید که شما را بدون امتحان رها می کنند»^۲ «در حالی که هنوز خدا معلوم نکرده که کدام یک از شما جهاد می کنند»^۳.

«لَا يَكُوْنُ مَا تَمُدُّوْنَ اِلَيْهِ اُعْنَاقَكُمْ حَتّٰى تُمَيِّزُوْا وَ تَمَحَّصُوْا فَلَا يَبْقٰى مِنْكُمْ اِلَّا الْقَلِيْلُ ثُمَّ قَرَأَ الْم أَحْسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُوْنَ ثُمَّ قَالَ لِصَاحِبِهِ الْمَذْكُوْر مَا الْفِتْنَةُ؟ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ الَّذِيْ عِنْدَنَا اَنْ الْفِتْنَةُ فِي الدِّيْنِ ثُمَّ قَالَ يُفْتَنُوْنَ كَمَا يُفْتَنُ الذَّهَبُ ثُمَّ قَالَ يُخْلَصُوْنَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ»^۴ آنچه گردن هایتان را در انتظار آن دراز می کنید اتفاق نمی افتد، مگر بعد از آنکه امتحان شوید و تعداد کمی در این امتحان پیروز می شوند، چنانکه خداوند می فرماید: «الف، لام، میم. آیا مردم گمان کرده اند که با گفتن اینکه ایمان آورده ایم، رها می شوند و مورد فتنه و آزمایش قرار نمی گیرند؟»^۵ سپس به یکی از یارانش «معمربن خلاد» فرمود: «فتنه چیست؟» گفت: جانم فدایت باد، ما می دانیم که درباره دین امتحان می شویم. حضرت فرمود: «مانند طلا گذاخته می شوید و مانند طلای ناب از ناخالصی ها پاک می شوید.»

شیعیان مخلص مانند طلای ناب که روی آتش ذوب می شود تا از ناخالصی پاک شود، با تحمل و صبر در برابر سختی ها، دل هایشان آب می شود تا فقط افراد خالص باقی بماند.

«اِنَّ اللّٰهَ جَلَّ ذِكْرُهُ اَخَذَ مِيْثَاقَ اَوْلِيَآئِنَا عَلٰى الصَّبْرِ فِيْ دَوْلَةِ الْبَاطِلِ فَاَضِيْرٌ لِحُكْمِ رَبِّكَ»^۶ خداوند از شیعیان ما پیمان گرفته است که در برابر دولت های باطل صبر کنند. تو هم به فرمان پروردگارت صبر کن.

«لَا دِيْنَ لِمَنْ لَا وِرْعَ لَهُ وَلَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَاِنْ اٰكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰكُمْ وَاَعْمَلَكُمْ بِالتَّقِيَّةِ فَقِيْلَ لَهُ يَا اِبْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اِلٰى مَتٰى قَالَ اِلٰى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوْمِ * وَهُوَ يَوْمَ خُرُوْجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوْجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّنَا»^۷ کسی که تقوی ندارد، دین ندارد.

۱. غیبت طوسی: ۲۰۴؛ الزام الناصب: ۲۷؛ اصول کافی ۱: ۳۷۰؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۱۳؛ غیبت نعمانی: ۱۱۱؛ بشاره الاسلام: ۱۰۰، ۴۰ و ۱۵۹. ۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۱۶. ۳. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۲. ۴. غیبت نعمانی: ۱۰۷؛ ارشاد مفید: ۳۳۹؛ الزام الناصب: ۷۹ و ۱۷۷ و ۱۸۴؛ بشاره الاسلام: ۱۵۹؛ اصول کافی ۱: ۳۷۰؛ منتخب الاثر: ۳۱۵. ۵. سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۱. ۶. بحار الانوار ۵۳: ۸۷. ۷. بشاره الاسلام: ۱۶۱.



کسی که تقیه نکند، ایمان ندارد. گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که بیش از دیگران تقیه را رعایت کند.» سؤال شد: ای فرزند پیامبر! تا چه وقت باید این طور باشیم؟ حضرت فرمود: «تا روز زمانی که تمیین شده است، که آن هم روز قیام قائم ماست. هر کس قبل از قیام قائم ما تقیه نکند از ما نیست.»

روایات امام جواد علیه السلام

«أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِحَ عَنْهُ بِأَنْتِظَارِهِ؛^۱ برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است، هر کس این امر را بداند و آن را بشناسد، خداوند به خاطر این انتظار، فرج را برای او محقق می‌کند.»

شبهه این روایت از امام صادق علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام هادی علیه السلام نیز بیان شده است.

روایات امام هادی علیه السلام

«لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ علیه السلام مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَّقِدِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَالِكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا أُرْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْ لَيْتَكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۲ اگر دانشمندی که بعد از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت می‌کنند و به سوی او راهنمایی می‌کنند و از دین او دفاع می‌کنند و بندگان ناتوان را از دام شیطان و یاران شیطان نجات می‌دهند، نبودند، همه از دین خدا خارج می‌شدند. ولی این دانشمندان، دل ضعیفان را به دست می‌آورند، همان طور که ملوان کشتی را مهار می‌کند و مسافری کشتی را از خطر مرگ حفظ می‌کند. این ها نزد خداوند، برترین هستند.»

همین علمای اعلام هستند که در طول چهارده قرن، دین مقدس اسلام را از انحراف حفظ نموده، مسائل مبهم و پیچیده را برای مسلمانان روشن کرده‌اند و دل شیعیان را بر عقاید صحیح استوار نموده‌اند.

روایات امام حسن عسکری علیه السلام

پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام در یک حدیث طولانی، به احمد بن اسحاق فرمود: «مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ علیه السلام وَ مَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛^۳ قائم علیه السلام در این امت مانند حضرت خضر علیه السلام و ذی القرنین است. به خدا

دوازدهمین شماره
 تریپناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 محمد باقر
 صاحب
 المصاب
 فی
 مناقب
 آل
 محمد
 و
 آل
 ابی
 طالب
 علیهم
 السلام

۱. الزام الناصب: ۶۸؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۱۰؛ غیبت نعمانی: ۱۸۰.
 ۲. منتخب الاثر: ۲۲۳؛ بحار الانوار: ۵۱: ۱۵۶؛ المحجة البيضاء: ۱: ۳۲.
 ۳. بشارة الاسلام: ۱۶۸؛ الامام المهدی: ۱۲۴.

سوگند از نظرها پنهان می‌شود، غیبت طولانی دارد که در دوران غیبت، فقط کسی که در اعتقاد بر امامت قائم، ثابت و استوار باشد، نجات می‌یابد و خداوند به او توفیق دعا برای تمجیل فرج عطا می‌نماید.»

«لَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ؛ شیعیان ما دچار غم همیشگی هستند تا زمانی که فرزندم که پیامبر ﷺ مزده ظهورش را داده، ظهور کند.»

خدایا! این غم را با ظهور او از این امت دور کن و توفیق صبر در زمان غیبت را به ما بده و ما را از منتظران حقیقی و شیعیان واقعی او قرار بده.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونُوا مُؤْتَمِنِينَ وَ حَتَّى تَعُدُّوا نِعْمَةَ الرَّحَاءِ مُصِيبَةً وَ ذَلِكَ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى الْبَلَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ عِنْدَ الرَّحَاءِ؛ شما هرگز مؤمن نمی‌شوید مگر اینکه امانتدار باشید و نعمت و رفاه را هم نوعی مصیبت بدانید، زیرا صبر در برابر بلاها و گرفتاری‌ها برتر از راحتی هنگام آسایش است.»

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْفَائِلِينَ بِهِ فَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَهْدَهُ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحِ مِنْهُ؛ تا بیشتر آن‌ها که به این امر اعتقاد داشتند، از اعتقاد خود دست بردارند و دیگر کسی بر این امر استوار نمی‌ماند. فقط کسی که خدا از او برای ولایت ما پیمان گرفته و دل او با ایمان روشن شده و با روح خدا تأیید شده است، باقی می‌ماند.»





فصل یازدهم

یاران امام زمان علیه السلام

شعار یاران امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بمیران، بمیران.^۱

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي كَيْلَةِ: ^۲ مهدی از ما اهل بیت است، خداوند

کار او را در یک شب فراهم می آورد.»

«يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ فَيَأْتِيهِ

نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَيَخْرِجُونَهُ وَهُوَ كَارِهِ فَيُنَاقِشُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ: ^۳ زمان مرگ

خلیفه ای بین مردم اختلاف می افتد، سپس مردی از مدینه به مکه می آید و عده ای از

اهل مکه به سوی او می آیند و او را دعوت به قیام می کنند، در حالی که او نمی خواهد.

سپس میان رکن و مقام با او بیعت می کنند.»

در بخش هیجدهم درباره مرگ خلیفه صحبت می کنیم. منظور از اهل مکه در این

حدیث، یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند که خوشبخت ترین مردم می باشند و پیامبر صلی الله علیه و آله

به آنها تهنیت فرموده است:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَ يَتَّبِعُهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَ

يَتَوَلَّى الْأَنْتَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أَوْ لَيْكِ رُفْقَانِي وَ ذُو وَدِّي وَ مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ: ^۴ خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و قبل از قیام او به او اقتدا

کند، دوستان او را دوست داشته باشد و با دشمنان او دشمن باشد و امامت امامان قبل از

۱. منتخب الاثر: ۴۸۶؛ الملاحم و الفتن: ۵۲؛ الامام المهدي: ۲۲۶.

۲. منتخب الاثر: ۱۲۴ و ۳۰۰؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۱؛ بحار الانوار: ۵۲؛ الزام الناصب: ۵۳، ۱۰۰، ۱۵۲؛ منابع الموده: ۳، ۱۶۳؛ الملاحم و الفتن: ۵۷ و ۱۲۴؛ بشارة الاسلام: ۱۰۳؛ الامام المهدي: ۶۳؛ الحاوي للفتاوى: ۲، ۱۲۴ و ۱۲۴.

۳. الامام المهدي: ۷۱؛ المهدي: ۱۵۲؛ بشارة الاسلام: ۱۳۴؛ اسعاف الراغبين: ۱۳۵؛ الحاوي للفتاوى: ۲، ۱۲۶، ۱۴۴، ۱۶۱؛ الزام الناصب: ۲۵۲، ۵۲؛ البيان: ۲۱۰ و ۲۱۸.

۴. غيبة شيخ طوسي: ۲۷۵؛ منتخب الاثر: ۵۱۱؛ بحار الانوار: ۵۲؛ الزام الناصب: ۵۴؛ منابع الموده: ۳، ۱۶۸؛ المهدي: ۱۰۵، ۱۴۷؛ الامام المهدي: ۶۵.

اورا قبول داشته باشد. آن‌ها دوستان من هستند که من به آن‌ها علاقه دارم و آن‌ها تا روز قیامت نزد من گرامی‌ترین افراد امت هستند.»

«طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ وَ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ يُسْجِدُهُمُ اللَّهُ مِنْ السَّهْلَةِ وَ بِالْإِقْرَارِ بِهِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ بِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ تُفْتَحُ لَهُمُ الْجَنَّةُ مِثْلُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمِثْلِ الْمِسْكِ الَّذِي تَسْطَعُ رِيحُهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا وَ مِثْلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمِثْلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ أَبَدًا نُورُهُ؛^۱ خوشا به حال کسی که قائم را ببیند، خوشا به حال کسی که او را دوست داشته باشد و خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد. خداوند آن‌ها را از هلاکت نجات می‌بخشد و به خاطر پرستش خدا و ایمان به پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام، خداوند درهای بهشت را برای آن‌ها باز می‌کند. آن‌ها روی زمین مانند مشک هستند که همه جا را خوشبو می‌کنند و هرگز تغییر نمی‌کنند. آن‌ها در آسمان‌ها مانند ماه تابان هستند که نور و روشنایی آن‌ها تمام نمی‌شود و خاموش نمی‌شوند.»

«يَخْرُجُ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَ الْأُبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ رُهْبَانٌ بِالسَّلِيلِ لُيُوثُ بِالنَّهَارِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْعَقَامِ؛^۲ افراد نجیب مصر، ابدال^۳ شام و عده‌ای عراقی خارج می‌شوند که راهبان شب و شیران روز هستند، دل‌هایشان مانند فولاد سخت است. میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.»

در گذشته به سوریه، جنوب ترکیه، لبنان و قسمتی از شمال حجاز، شامات می‌گفتند که همه این منطقه بر کرانه دریای مدیترانه قرار داشت.

امام باقر علیهما السلام در این باره می‌فرماید:

«يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْعَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نَيْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأُبْدَالُ مِنَ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنَ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛^۴ سیصد و چند نفر، به تعداد اهل بدر (سیصد و سیزده نفر) میان رکن و مقام با قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بیعت می‌کنند که نجیبان مصر، ابدال شام و بهترین اهل عراق جزء آن‌ها هستند.»

پیامبر ﷺ هم فرموده‌اند:

«يَخْرُجُ إِلَيْهِ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ، وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الْمَشْرِقِ، حَتَّى يَأْتُوا مَكَّةَ فَيُبَايِعُونَهُ؛^۵ نجیبان مصر و دانشمندان مشرق زمین به سوی او می‌شتابند تا به مکه آمده و با او بیعت

۱. بشارة الاسلام: ۹؛ بحار الانوار: ۵۲؛ الزام الناصب: ۶۳.

۲. اختصاص مفید: ۲۰۸؛ بحار الانوار: ۵۲؛ الملاحم والفتن: ۵۰ و ۵۲.

۳. ابدال بندگان شایسته خدا هستند که همیشه روی زمین وجود دارند. وقتی یکی از آن‌ها بمیرد، خداوند یکی دیگر را جانشین او می‌کند. مجمع البحرين: ۴۲۵؛ تاج العروس: ۷؛ ۲۲۳.

۴. بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۳۴؛ كشف الغمہ: ۳؛ ۲۶۹؛ غیبت طوسی: ۲۸۴؛ بشارة الاسلام: ۲۰۴.

۵. كشف الغمہ: ۳؛ ۲۶۹؛ المهدي: ۲۱۷؛ الحاوی للفتاوی: ۲؛ ۱۳۷ و ۱۴۵.



کنند.»

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ أَهْلَ الْمَشْرِقِ وَأَهْلَ الْمَغْرِبِ، فَيَجْمَعُونَ لَهُ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ. فَأَمَّا الرَّفَقَاءُ فَمِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، وَأَمَّا الْإِبْدَالِ فَمِنْ أَهْلِ الشَّامِ؛ وَوَقْتِي قَائِمٌ مَا قِيَامُ كُنْدٍ، خَدَاوَنَدُ أَهْلِ مَشْرِقٍ وَ مَغْرِبٍ رَا كَرْدٍ أَوْ جَمْعٍ مِي كُنْدٍ، هَمَانِ طَوْرِكِه اِبْرَهَائِي پاييزي جمع مي شوند، اما ياران از اهل كوفه هستند و ابدال از اهل شام هستند.»

در زمان ما با امکاناتی مثل هواپیما به سوی او خواهند شتافت، و وقتی همه یک جا جمع شدند، باران رحمت الهی در دشت و صحرا می بارد و زمین مرده زنده می شود و برکات خود را ظاهر می کند.

«جَيْشُ الْقَضَبِ قَوْمٌ يَأْتُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَرْعُ الْخَرِيفِ: الرَّجُلُ وَالرَّجُلَانِ وَالْثَلَاثَةُ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ حَتَّى يَبْلُغَ تِسْعَةَ أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ أَمِيرَهُمْ وَاسْمَهُ وَ مَسَاخَ رِكَابِهِمْ؛^۱ لشگری که خدا بر آنها خشم گرفته در آخر الزمان می آیند که از هر قبیله ای چند نفر می آیند تا نه نفر شوند و مانند ابر پاییزی جمع می شوند. به خدا سوگند، من فرماتده آنهارا می شناسم و اسمش را می دانم، و می دانم که هر گروهی کجا ساکن می شوند.»

در اینجا نکته که با چه وسیله ای می آیند ولی از سخن پیامبر ﷺ معلوم می شوند که با وسیله ای پرسرعت نزد حضرت ولی عصر می شتابند. پیامبر ﷺ فرموده است:

«يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا فِي أَقَلِّ مِمَّا يُتَمُّ الرَّجُلُ عَيْنِيهِ، عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، قَبِيلِنَا أَهْلُ مَكَّةَ كَذَلِكَ يَقُولُونَ: كَبَسْنَا السُّفْيَانِي، ثُمَّ يُشْرِفُونَ فَيَنْظُرُونَ إِلَى قَوْمٍ حَوْلَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَقَدْ انْجَلَى عَنْهُمْ الظُّلَامُ، وَ لَاحَ لَهُمُ الصُّبْحُ، وَ صَاحَ بِسَفْهُمُ بَسْفُضٍ: النَّجَاةُ وَأَشْرَفَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ وَأَمْرًاؤُهُمْ يُفَكِّرُونَ؛^۲ خداوند آنهارا در کمتر از چشم به هم زدن، در کنار خانه خدا جمع می کند. مردم مکه هم جمعه می شوند و از لشکر سفیانی سخن می گویند که چگونه آنهارا محاصره کرده و سرکوب کرده اند. ناگهان می بینند که عده ای اطراف کعبه جمع شده اند و لشکر سفیانی از بالای سرشان دور شده اند و صبح پیروزی آمده است. سپس یکدیگر را صدا می کنند و می گویند: نجات، نجات. مردم جمع شده و تماشا می کنند و می بینند که فرمانروای آنها تلاش می کنند تا مردم را نجات دهند.»

شبهه این روایت را حضرت علی عليه السلام و امام صادق عليه السلام هم نقل کرده اند.

۱. منتخب الاثر: ۴۷۷؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۳؛ غیبت نعمانی: ۱۵۰؛ المهدي: ۲۱۶؛ تنبیح الموده ۳: ۹۰؛ بشارة الاسلام: ۲۰۴، ۶۳؛ الزام الناصب: ۱۷۶ و ۲۲۶. ۲. غیبت نعمانی: ۱۶۸؛ بشارة الاسلام: ۴۲؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۶۸، ۳۲۶؛ تنبیح الموده ۳: ۹۲. ۳. الملاحم و الفتن: ۱۲۱؛ الزام الناصب: ۲۰۰.

تعبیر «کمتر از چشم به هم زدن» سرعت فوق‌العاده را بیان می‌کند. منظور این تعبیر یا مانند «برخیا» که تخت بلقیس را در کمتر از یک چشم به هم زدن بدون استفاده از وسایل طبیعی از صدها کیلومتر نزد حضرت سلیمان علیه السلام آورد، و یا به وسیله هواپیما و یا سفینه فضایی و یا موشک می‌باشد که صدها کیلومتر را در مدت بسیار کوتاه طی می‌کند.

آیا شگفت آور است که چهارده قرن قبل، وسایل پرسرعت امروزی به تکه‌های ابر پاییزی تشبیه شده است؟ نه هرگز، بلکه خداوند سریع‌تر از آن را در وجود انسان آفریده است و آن دوربین مجهزی است که خداوند در وجود انسان قرار داده که از همه دوربین‌های ساخته بشری کوچکتر و مجهزتر است و آن چشم انسان است که نور وارد در آن در یک لحظه میلیون‌ها کیلومتر را طی می‌کند و تصویر اشیای مرئی را در عدسی چشم منعکس می‌کند. گوش انسان هم از فاصله هزارها کیلومتر، صدا را به وسیله تلفن و بی‌سیم در کمتر از یک ثانیه می‌شنود!

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله مسیر حرکت یاران حضرت مهدی علیه السلام را بیان می‌فرماید:

«أُولَئِكَ مِنَ الْبَصْرَةِ وَ آخِرُهُمْ مِنَ الْيَمَامَةِ؛ اولین نفر آن‌ها از بصره و آخرین نفر آن‌ها از یمامه خواهد بود.»

«مَا مِنْ بَلَدَةٍ إِلَّا يَخْرُجُ مَعَهُ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ إِلَّا أَهْلَ الْبَصْرَةِ فَإِنَّهُ لَا يَخْرُجُ مَعَهُ مِنْهَا أَحَدٌ؛^۲ شهری باقی نمی‌ماند مگر این که عده‌ای از آن شهر همراه او قیام کنند. به جز بصره، که حتی یک نفر هم از آنجا با آن حضرت همراه نمی‌شود.»

این دو حدیث مخالف یکدیگر نیستند، زیرا در این حدیث گفته می‌شود که هیچ یک از مردم بصره با حضرت مهدی علیه السلام همراه نمی‌شود و در حدیث قبلی گفته شد که اولین کسی که به امام زمان علیه السلام ملحق می‌شود، از بصره حرکت می‌کند.

روایات حضرت علی علیه السلام

«لَا تَتَّبِعْنِي عَنْهُ إِنْ وَقَّعْتَ لَهُ وَلَا تُجِيزَنَّ عَنْهُ إِذَا هُدِيتَ إِلَيْهِ؛^۳ اگر او را درک کردی، از او سرپیچی نکن. اگر به سوی او هدایت شدی، او را رد نکن.»

حضرت علی علیه السلام روز پیروزی سپاه اسلام در جنگ جمل فرمود:

«... لَقَدْ شَهِدْنَا وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَشْرِنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَزْخَامِ النِّسَاءِ سَيَزَعُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ؛^۴ ... در این جنگ، میان سپاه ما افرادی حضور

۱. الملاحم والفتن: ۱۱۹؛ بشارة الاسلام: ۲۲۱؛ الزام الناصب: ۱۹۹. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۳۰۷؛ الزام الناصب: ۲۲۶.

۳. بشارة الاسلام: ۵۴. ۴. نهج البلاغه: ۱: ۴۴.

داشتند که در صلب‌های پدران و رحم‌های مادران هستند و بعد از مدت زمانی آن‌ها را بیرون می‌آیند و به وسیله آن‌ها ایمان قوی می‌شود.»
 حضرت علی علیه السلام در این حدیث از یاران حضرت مهدی علیه السلام سخن می‌گوید که خداوند آن‌ها را برای تقویت اسلام و ایمان در آخرالزمان نگه داشته است. و باز در جنگ نهروان در این باره فرموده است:

«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأ النَّسَمَةَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي هَذَا الْمَوْقِفِ أَنَّا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ آبَاءَهُمْ وَ لَا أجدَادَهُمْ قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَشْرِكُونَنَا فِيمَا نَحْنُ فِيهِ وَ يُسَلِّمُونَ لَنَا فَأُولَئِكَ شَرَكَاؤُنَا فِيمَا كُنَّا فِيهِ حَقًّا حَقًّا؛ اقسام به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، امروز در نبرد بی‌امان ما انسان‌هایی شرکت کردند که هنوز خداوند پدران و اجداد آن‌ها را نیافریده است. آن‌ها در آخرالزمان می‌آیند و در کار ما شریک هستند و به ما درود می‌فرستند. آن‌ها به راستی در جهاد ما شریک هستند.»

حضرت علی علیه السلام سوگند می‌خورد که یاران مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در جنگ جمل و نهروان شرکت کردند. آن‌ها هم در آخرالزمان می‌آیند و با باطل می‌جنگند و به دستور حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با کفار می‌جنگند و آن‌ها نیز آرزو می‌کنند که عصر حضرت علی علیه السلام را درک می‌کردند و او را یاری می‌کردند. و در حدیث دیگری می‌فرماید:

«إِذَا هَلَكَ الْخَاطِبُ وَ زَعَّ صَاحِبُ الْعَصْرِ وَ بَقِيَتْ قُلُوبٌ تَتَقَلَّبُ فِيمَنْ مُخَصَّبٍ وَ مُجَدَّبٍ هَلَكَ الْمُتَمَنُّونَ وَ اضْمَحَلَّ الْمُضْمَحِلُّونَ وَ بَقِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ قَلِيلٌ مَا يَكُونُونَ ثَلَاثِمِائَةٍ أَوْ يَزِيدُونَ تُجَاهِدُ مَعَهُمْ عِصَابَةُ جَاهِدَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ لَمْ تُقْتَلْ وَ لَمْ تُمَتَّ؛^۱ وقتی جاه‌طلبان بمیرند، حاکمان منحرف می‌شوند، و دلها دگرگون می‌شوند، آن‌ها که با حق مبارزه می‌کنند، نابود می‌شوند و فقط مؤمنان باقی می‌مانند که تعداد آن‌ها حدود سیصد و سیزده نفر است و عده‌ای همراه آن‌ها جهاد می‌کنند که در جنگ بدر همراه پیامبر صلی الله علیه و آله جنگیدند و کشته نشدند و به مرگ طبیعی هم نمردند.»

حضرت علی علیه السلام درباره کسانی سخن می‌گوید که در جنگ بدر از پیامبر صلی الله علیه و آله حمایت کردند و در دولت حق از سپاه حق حمایت خواهند کرد.

«يُؤَلَّفُ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ، وَ لَا يَسْتَوْجِسُونَ إِلَى أَحَدٍ، وَ لَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ دَخَلَ فِيهِمْ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ، لَمْ يَسْبِقَهُمُ الْأَوْلُونَ وَ لَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ، وَ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ طَلُوتَ

دودان دهاب
 در سپاه حضرت
 مهدی قائم
 علیه السلام
 در جنگ بدر

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۳۱، الزام الناصب: ۱۳۸. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۱۳۷، غیبت نعمانی: ۱۰۳، بشارة الاسلام: ۵۳.

الَّذِينَ جَاوَزُوا النَّهْرَ؛^۱ خداوند دل های آنها را به هم نزدیک می کند و آنها از رفتن کسی نمی ترسند و از آمدن کسی هم خوشحال نمی شود. آنها به تعداد اصحاب بدر، سیصد و سیزده نفر هستند که در گذشته، همانند آنها نبوده است و در آینده هم نخواهد بود. و اصحاب طالوت هم سیصد و سیزده نفر بودند که از آب رودخانه گذشتند.»

«الْمَقْفُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»؛^۲ یاران قائم در رختخواب هایشان ناپدید می شوند، که خداوند درباره آنها فرموده است: «هر کجا باشید خداوند همه شما را می آورد.»^۳

امام صادق علیه السلام هم می فرماید:

«إِذَا أُذِنَ لِإِمَامٍ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ - أَي بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ - فَأُتِيَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ الثَّلَاثُمِائَةِ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ قَرَعُ كَقَرَعِ الْخَرِيفِ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ مِنْهُمْ مَنْ يُفْقَدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُضِيحُ بِمَكَّةَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُرَى يَسِيرًا فِي السَّحَابِ نَهَارًا؛^۴ وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می کند، خدا را با اسم اعظمش می خواند و همه یارانش از همه جهان جمع می شوند، که آنها یاران پرچمدار او هستند. عده ای از آنها شبانه از رختخوابشان ناپدید می شوند و صبح در مکه حاضر می شوند و عده ای از آنها آشکارا دیده می شوند که روی ابرها راه می روند.»

مسافرت هوایی و راه رفتن روی ابرها، در تورات و انجیل هم آمده و در عصر ما که عصر فضاست، این کار انجام شده است، پس قدرت بیکران خداوند هم می تواند یاران حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را بدون استفاده از وسایل روی ابرها سوار می شوند و در روز روشن در برابر چشم مردم در فضا قدم می گذارند.

امام صادق علیه السلام هم در تفسیر آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»^۵ فرموده است:

«نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ يَجْمَعُونَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ؛ این آیه درباره حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و یاران او نازل شده که بدون وعده قبلی جمع می شوند.»^۶

و در حدیث دیگر می فرماید:

«يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ التَّسِيرَ سَارَ، وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَقَدَ عَنْ فِرَاشِهِ؛^۷ خداوند آنها را در یک شب جمع می کند، هر کس بتواند به سوی او می شتابد، و هر کس

۱. بشاره الاسلام: ۸۰ و ۲۰۰؛ منتخب الاثر: ۱۶۶؛ المهدی: ۲۱۷. ۲. سورة مبارکه بقره، آیه ۱۲۸. ۳. سورة مبارکه بقره، آیه ۱۴۸. غیبت نعمانی: ۱۶۸؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۳۹، ۲۸۶، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۶۸، ۳۷۶ و ۴۲۲. ۴. غیبت نعمانی: ۱۶۸؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۸۶ و ۳۶۸؛ بشاره الاسلام: ۲۰۳. ۵. سورة مبارکه بقره، آیه ۱۴۸. ۶. غیبت نعمانی: ۱۲۸؛ الامام المهدی: ۳۲. ۷. بحار الانوار: ۵۲، ۳۱۶ و ۳۴۱؛ بشاره الاسلام: ۲۲۷.

دوستان ابرها
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 یوم الحادس في ظلال القام والمهدى علیه السلام

تواند شبانه در رختخوابش ناپدید می شود.»

حضرت علی علیه السلام با تأکید بیشتر می فرماید:

«إِنَّهُمْ لَمُفْتَقِدُونَ عَنْ قُرَشِهِمْ لَيْلًا فَيُضْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً يُعْرِفُ اسْمَهُ وَاسْمَ أَبِيهِ وَحَلِيَّتَهُ وَنَسَبَهُ؛^۱ آن‌ها شبانه از رختخواب‌هایشان ناپدید می شوند و صبح در مکه حاضر می شوند و برخی از آن‌ها در روز روشن روی ابرها راه می روند، آن‌ها با نام، نام پدر، لقب و دیگر خصوصیات آن‌ها شناخته می شوند.»

«وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ قَبَائِلِهِمْ وَ حُلَاهُمْ وَ مَوَاقِعُ مَنَازِلِهِمْ وَ مَرَاتِبِهِمْ. وَ هُمُ الْمُفْتَقِدُونَ عَنْ قُرَشِهِمْ وَ قَبَائِلِهِمْ الشَّائِرُونَ فِي لَيْلِهِمْ وَ نَهَارِهِمْ إِلَى مَكَّةَ، وَ ذَلِكَ عِنْدَ اسْتِمَاعِ الصَّوْتِ فِي السَّنَةِ الَّتِي يَظْهَرُ فِيهَا أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمُ الْقَضَاءُ وَ الْحُكَامُ عَلَى النَّاسِ!»^۲ به خدا سوگند من آن‌ها را با نام، نام پدر، طایفه، لباس، اسلحه، محل زندگی و مراتب علمی و عملی آن‌ها می شناسم. آن‌ها از میان رختخواب و خانواده‌هایشان ناپدید می شوند و به سوی مکه برده می شوند. در آن زمان ندای جبرئیل شنیده می شود و آن‌ها از جانب حضرت مهدی علیه السلام، حاکم شرع و قاضی مردم می باشند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«إِنِّي لَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ، وَ أَسْمَاءَ خِيُولِهِمْ. وَ هُمْ خَيْرُ قَوَارِسِ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ. أَوْ مِنْ خَيْرِ قَوَارِسِ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ؛^۳ من آن‌ها را با نام، نام پدران و نام مرکبشان می شناسم، آن‌ها بهترین اسب‌سوارهای روی زمین می باشند.»

وقتی امام صادق علیه السلام حدیث علی علیه السلام را روایت می فرمود، ابوبصیر پرسید: جانم فدای تو، آیا علی علیه السلام نام یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف - را هم مثل تعدادشان، می دانست؟! حضرت فرمود:

«لَقَدْ كَانَ يَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ؛^۴ آری، آن‌ها را با نام و نام پدرانشان می شناخت.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَ كُلُّ مَا عَرَفَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَدْ عَرَفَهُ الْحَسَنُ، وَ كُلُّ مَا عَرَفَهُ الْحَسَنُ فَقَدْ عَرَفَهُ الْحُسَيْنُ، وَ كُلُّ مَا عَرَفَهُ الْحُسَيْنُ فَقَدْ عَلِمَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ كُلُّ مَا عَلِمَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَقَدْ عَلِمَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ كُلُّ مَا عَرَفَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ فَقَدْ عَرَفَهُ وَ عَلِمَهُ

۱. غیبت نعمانی: ۱۶۸؛ بحار الأنوار: ۵۲: ۲۸۶.

۲. بشارة الاسلام: ۲۰۸؛ الزام الناصب: ۱۹۹؛ منتخب الاثر: ۱۶۲، ۲۷۶؛ الملاحم و الفتن: ۱۶۸. ۳. الزام الناصب: ۱۷۸.

۴. بشارة السلام: ۲۰۸؛ الزام الناصب: ۱۹۹؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۸۵.

صَاحِبُكُمْ (یعنی نفسه...) قال صاحبه: مکتوب؟ فَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: مَكْتُوبٌ فِي كِتَابٍ مَحْفُوظٍ فِي الْقَلْبِ، مُثَبَّتٌ فِي الذِّكْرِ لَا يُنْسَى؛ أَنْجِهَ عَلِيٌّ عليه السلام مِي دَانَسْت، اِمَامَ حَسَنِ مَجْتَبِي عليه السلام هُم مِي دَانَسْت، أَنْجِهَ اِمَامَ حَسَنِ مَجْتَبِي عليه السلام مِي دَانَسْت، حَسِينَ عليه السلام هُم مِي دَانَسْت، أَنْجِهَ اِمَامَ حَسِينَ عليه السلام مِي دَانَسْت، اِمَامَ سَجَادِ عليه السلام هُم مِي دَانَسْت، أَنْجِهَ اِمَامَ سَجَادِ عليه السلام مِي دَانَسْت، اِمَامَ بَاقِرِ عليه السلام هُم مِي دَانَسْت وَ أَنْجِهَ اِمَامَ بَاقِرِ عليه السلام مِي دَانَسْت، مَن هُم (صاحب شما) مِي دَانَسْت.»

ابوبصیر پرسید: آیا در کتابی نوشته شده است؟ حضرت فرمود:

«آری، در کتابی که در اعماق دل محفوظ است، نوشته شده است و هرگز فراموش نمی شود.»

امام جواد عليه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند:

«مَعَهُ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ فِيهَا عَدَدُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أُنْسَابِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ طَبَائِعِهِمْ وَ كَلَامِهِمْ وَ كُنَاهُمْ كَرَارُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ؛^۱ قَانِمِ عليه السلام نَامَهُ مَهْرٌ شَدِيدٌ رَا هَمْرَاهُ دَارِدُكَه نَام، خُصُوصِيَّات، شَهْر، زِينَت وَ كُنْيَةُ يَارَانِش دَرِ اَن نُوْشْتَه شَدِيدَه اِسْت. اَن هَا سَلْحُشُورَانِي هَسْتَنْدَكِه بَرَايِ اطَاعَتِ خُدَا وَ پِيَا مَبْرِ عليه السلام بَسِيَّار تَلَاش مِي كَنْنَنْد.»

حضرت علی عليه السلام درباره آن ها می فرماید:

«الْأَبَايِ وَأُمِّي هُم مِّنْ عِدَّةِ أَسْمَاؤُهُمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُوْلَةٌ؛^۲ اِبْدِرُو مَادِرْم فِدَايِ كَسَانِي كِه نَام اَن هَا دَرِ اَسْمَان، شَنَاخْتَه شَدِيدَه وَ دَرِ زَمِين، نَا شَنَاخْتَه هَسْتَنْد.»
«يُجَاهِدُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَوْمٌ أَدْلَةٌ عِنْدَ الْمُتَكَبِّرِينَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُوْلُونَ وَ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفُونَ؛^۳ اَكَسَانِي بَا كَا فِرَان مِي جَنْگَنْدَكِه اَز نَظَرِ ظَالِمَان، ذَلِيل وَ پَسْت مِي بَاشَنْد وَ دَرِ اَسْمَان، شَنَاخْتَه وَ دَرِ زَمِين، نَا شَنَاخْتَه هَسْتَنْد.»

«قَوْمٌ لَمْ يَمُنُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ وَ لَمْ يَسْتَعِظُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ حَتَّى إِذَا وَافَقَ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مَدَّةِ الْبَلَاءِ حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ وَ دَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرِ وَاعِظِهِمْ. كَلَّمَهُمْ لَيْوْثٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ، لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لِأَزَالِهَا مِنْ مَوَاضِعِهَا! فَهَمُّ الَّذِينَ وَحَدُوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ. لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ حَزْنًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، قَوَامٌ بِاللَّيْلِ صَوَامٌ بِالنَّهَارِ، كَأَنَّهَا دَأْبُهُمْ دَابٌّ وَاحِدٌ. قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَ النَّصِيحَةِ؛^۴ اَن هَا بَا صَبْر وَ شَكِيَّايِي خُود بَرِ خُدَا مَن ت نَمِي كَذَارَنْد، وَ فِدَا كَارِي خُود دَرِ رَا ه حَق رَا بَزْرگ نَمِي دَانَنْد. وَ قَتِي اِتْفَا قِي مِي اِفْتَد وَ نَا اَمِيد مِي شُونَد، چَشْم هَا يَشَان رَا بَا بَرِق

۱. بشارة الاسلام: ۲۰۸. ۲. بشارة الاسلام: ۹؛ الزام الناصب: ۶۳.

۳. نهج البلاغه: ۲؛ ۱۲۶؛ بشارة السلام: ۸۳؛ منتخب الاثر: ۳۱۴، ۲۳۹؛ بتایع الموده: ۳؛ ۹۴.

۴. نهج البلاغه: ۱؛ ۱۹۶؛ بتایع الموده: ۳؛ ۹۵. ۵. بشارة الاسلام: ۲۲۰؛ الزام الناصب: ۱۹۹؛ بتایع الموده: ۳؛ ۹۵.



شمشیر زینت می دهند و به فرمان امام شان به خدا نزدیک می شوند. آنها شیرهای خشمگین هستند که از جنگل های خود بیرون آمده اند، اگر بخواهند کوه ها را از جای خود در آورند، می توانند. آنها خداشناسی حقیقی را درک کرده اند. آنها در تاریکی شب از ترس خدا ناله می کنند مانند مادرانی که پسر از دست داده اند و روزها روزه می گیرند. رفتار همه آنها یکسان است. دل های آنها پر از محبت و مهربانی و نیکی است.»

این حدیث به صورت دیگر هم روایت شده است:

«إِذَا قَامَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ وَأَصْحَابِ طَالُوتَ، وَهُمْ ثَلَاثُمِئَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا، كُلُّهُمْ لِيُوثٍ؛ أَوْ قَتِي قَائِمِ قِيَامِ كَنْدٍ، يَارَانِ أَوْ كَهْ بِه تَعْدَادِ يَارَانِ بَدْرٍ وَ يَارَانِ طَالُوتَ يَعْنِي سَيْصِدٍ وَ سَيْزِدَةٍ نَفَرٍ هَسْتَنْدِ، اطْرَافِ او جَمْعِ مِی شُونَدِ. اَن هَا شِیرِ خَشْمِگِینِ هَسْتَنْدِ کِه اَز بِیشِه هَا یِ خود خَارِجِ شُدِه اَنَد...»

«إِنَّهُمْ يَجْتَمِعُونَ مِنْ مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَمَغْرِبِهَا فِي نِصْفِ لَيْلَةٍ إِلَى مَكَّةَ؛^۱ اَن هَا نِیمِه شَبِی اَز شَرْقِ وَ غَرْبِ دُنْیا بِه سَوِیِ مِکِه مِی شَتَابَنْدِ وَ دَر اَنجَا جَمْعِ مِی شُونَدِ.»

این تعبیر بسیار درست است.

«إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كَهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُخْلِ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَأَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ؛^۲ یَارَانِ قَائِمِ هَمِه جَوَانِ هَسْتَنْدِ، مِیَانِ اَن هَا پِیرِ مَرْدِ نِیستِ، فَقطِ تَعْدَادِ کَمِیِ مَانَدِ سَرْمِه دَر چَشْمِ وَ نَمِکِ دَر غِذَا جَوَانِ نِیستَنْدِ.»

«لَا يَزَالُ النَّاسُ يَنْقُصُونَ حَتَّى لَا يُقَالَ اللَّهُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْشُوبُ الدِّينِ بِذَنبِهِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ قَوْمًا مِنْ أَطْرَافِهَا وَ يَجِيئُونَ قَرْعًا كَقَرْعِ الْخَرِيفِ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُهُمْ وَ أَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَ قَبَائِلَهُمْ وَ أَسْمَ أُمِيرِهِمْ وَ هُمْ قَوْمٌ يَحْمِلُهُمُ اللَّهُ كَيْفَ شَاءَ مِنَ الْقَبِيلَةِ الرَّجُلِ وَ الرَّجُلَيْنِ حَتَّى بَلَغَ تِسْعَةَ فَيَتَوَاقُونَ مِنَ الْأَفَاقِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - حَتَّى إِنْ الرَّجُلَ لِيُخْتَبِي فَلَا يَحُلُّ جَبُوتَهُ حَتَّى يُبَلِّغَهُ اللَّهُ ذَلِكَ؛^۳ هَر رُوزِی کِه مِی گِذَرَدِ، دِینِ مَرْدِ کَمِ مِی شُودِ تا جایی کِه کَلِمَةُ «لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ» فَقطِ دَر پَنهانی گِفتِه مِی شُودِ. سِپِسِ خِداوندِ گِروهِی شایِستِه وَ نیکُوراکِه بَهِترینِ اَمْتِ هَسْتَنْدِ وَ هَمِراهِ بَا نِیکانِ اهلِ بَیتِ مِی باشَنْدِ، مِی آوَرَدِ... سِپِسِ رَهِبرِ دِینِ وَ اِمَامِ مَسْلَمِینِ، اَن هَا رَا بِه سَوِیِ خودِ دِصُوتِ مِی کُنَدِ، وَ

دودان در هاب
 مهدی قائم
 تریستنه حضرت
 حضرت الخضر
 خضر القادر الهادي

۱. الزام الناصب: ۱۹۹. ۲. بشارة الاسلام: ۲۲۳.

۳. غیبت نعمانی: ۱۷۰؛ منتخب الاثر: ۴۸۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۳۴، ۳۳۳؛ بشارة الاسلام: ۲۰۶ و ۲۰۷؛ ینابیع الموده: ۳: ۶۶؛ الملاحم و الفتن: ۱۱۸.

۴. منتخب الاثر: ۱۶۲، ۴۷۶؛ بشارة الاسلام: ۲۰۶، ۴۱، ۳۹-۲۰۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۳۴؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۲۸۵؛ غیبت نعمانی: ۲۹؛ الملاحم و الفتن: ۶۴ و ۱۴۵؛ ینابیع الموده: ۳: ۹۲؛ الزام الناصب: ۵۵؛ المهدی: ۲۱۶.

خداوند آن‌ها را جمع می‌کند. سپس سیصد و سیزده نفر از شرق و غرب جهان به سوی او می‌شتابند، آنقدر با عجله می‌آیند که عده‌ای از آن‌ها لباسشان را به خود می‌پیچند تا آن‌که خداوند آن‌ها را به مکه برساند.»

گویی حضرت علی علیه السلام با چشم خود دیده که مردم با وسایل نقلیه امروزی، به سرعت به مقصد می‌رسند که حتی فرصت نمی‌کنند لباس خود را درست کنند. حضرت علی علیه السلام درباره مسافرت در چهارده قرن بعد صحبت می‌کند و درباره زمان خود سخن نمی‌گوید.

حضرت علی علیه السلام درباره جمع شدن یاران مهدی علیه السلام کنار کعبه می‌فرماید:

«كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِمْ، وَالزُّيُّ وَاحِدٌ، وَالْقَدُّ وَاحِدٌ، وَالْجِمَالُ وَاحِدٌ، وَاللَّبَاسُ وَاحِدًا. كَأَنَّمَا يَطْلُبُونَ شَيْئًا ضَاعَ مِنْهُمْ. فَهُمْ مُتَخَيِّرُونَ فِي أَمْرِهِمْ، حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ مِنْ تَحْتِ بَيْتِ الْكَعْبَةِ فِي آخِرِهَا، رَجُلٌ أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُلُقًا وَخُلُقًا وَحُسْنًا وَجَمَالًا، فَيَقُولُونَ: أَنْتَ الْمَهْدِيُّ؟! فَيَجِيبُهُمْ وَيَقُولُ: أَنَا الْمَهْدِيُّ، بَايَعُوا! گویا آن‌ها را با چشم خود می‌بینم که همه از نظر رنگ پوست و قد و چهره و لباس، یکسان هستند. همه یکدل و یک جهت، دنبال گمشده‌ای می‌گردند و سرگردان و شتابان هستند که ناگهان مردی از آخر دیوار کعبه ظاهر می‌شود که از زیر پرده کعبه بیرون می‌آید، که چهره و رفتار و اخلاق او به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسیار شبیه است. از او می‌پرسند: آیا تو مهدی هستی؟ می‌فرماید: آری، من مهدی هستم. سپس همه با او بیعت می‌کنند.»

حضرت علی علیه السلام درباره آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از دین خود بازگردد، خداوند به زودی عده‌ای دیگر می‌آورد که او را دوست دارند، و او نیز آن‌ها را دوست دارد، که در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سخت، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنش‌کنندگان نمی‌ترسند.» فرمود:

«هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ؛^۳ آن‌ها یاران قائم هستند.»

از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره این آیه سؤال کردند. حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دست مبارک بر پشت سلمان زد و فرمود:

«هَذَا وَذَوُوهُ! ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعْلَقًا بِالشَّرِيَّةِ لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أُمَّةٍ فَارِسٍ؛ منظور، او و خویشان او هستند.» سپس فرمود: «اگر علم در ثریا باشد، مردانی از فارس به آن

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 حضرت علی علیه السلام
 در پناه حضرت علی علیه السلام

۱. الملاحم و الفتن: ۱۲۲. ۲. سوره مبارکه مائده، آیه ۵۲. ۳. منتخب الاثر: ۴۷۵؛ بتایع الموده ۳: ۷۷.

دسترسی پیدا می‌کنند.»^۱

زمانی که پیامبر ﷺ این خبر غیبی را فرمود، مردم ایران، مجوسی بودند و آتش می‌پرستیدند. ولی پیامبر ﷺ از ایمان قوی و وفاداری مردم خبر داشت و این یکی از نشانه‌های پیامبری است.

حضرت علی علیه السلام درباره اصحاب کهف می‌فرماید:

«إِنَّ أَهْلَ الْكَهْفِ كُلَّهُمْ أَعْجَامٌ، وَلَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ؛^۲ اصحاب کهف، عجم هستند ولی فقط با زبان عربی سخن می‌گویند.»

مردم نیکوکار که به بهشت می‌روند، با زبان عربی سخن می‌گویند. خداوند به اهل بهشت این زبان را الهام کرده است. آن‌ها با فصاحت، عربی صحبت می‌کنند.

در روایات درباره روش حضرت مهدی علیه السلام آمده است:

«يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ فَيُخَيِّبُهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ ثُمَّ يَرْجِعُونَ إِلَى رَقَدَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۳ به آن‌ها سلام می‌کند، و خداوند آن‌ها را زنده می‌کند، سپس تا روز قیامت به خواب خود برمی‌گردد.»

در این زمان، مهدی علیه السلام به غار نزدیک عکا می‌رسد تا معجزه‌ای برای یهودیان ساکن فلسطین باشد.

سپس حضرت علی علیه السلام درباره یاران مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«لَيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَخَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تُجَلَّى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَيُغَبِّقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ لَهُ رِجَالُ السَّهْيُونَ يُقِيمُونَ دَعْوَتَهُ وَ يَنْصُرُونَهُ هُمْ الْوُزَرَاءُ لَهُ يَتَحَمَّلُونَ أَثْقَالَ الْمَمْلَكَةِ عَنْهُ وَيُعِينُونَهُ عَلَى مَا قَلَدَهُ اللَّهُ؛^۴ در آن زمان عده‌ای صیقل داده می‌شوند، همان طور که آهنگر، کمان را صیقل می‌دهد، به وسیله قرآن چشم آن‌ها نورانی می‌شود و تفسیر آن در دلشان جا می‌گیرد و هنگام صبح، حکمت را در می‌یابند. عده‌ای از مردان الهی اطراف او جمع می‌شوند، دعوت او پایدار می‌ماند، او را یاری می‌کنند، آن‌ها وزیران او هستند که مسئولیت سنگین مسائل کشوری را به عهده می‌گیرند و او را در مسئولیت بزرگی که خداوند به او داده، یاری می‌کنند.»

«وَاللَّهُ سَيَجْمَعُهُمْ هَوْلًا لِشَرِّ يَوْمٍ لِبَنِي أُمِّيَّةٍ كَمَا يَجْمَعُ قَرْعَ الْخَرِيفِ ثُمَّ يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَهُمْ؛^۵ به خدا سوگند، آن‌ها مانند تکه‌های ابر پاییزی برای بدترین روز بنی‌امیه جمع شده‌اند،

۱. همان. ۲. منتخب الاثر: ۴۸۵. ۳. منتخب الاثر: ۱۶۵؛ الزام الناصب: ۱۷۷؛ ارشاد مفید: ۳۴۴.

۴. بتایب الموده: ۳، ۳۷، ۹۵؛ الزام الناصب: ۱۹۲؛ بشارة الاسلام: ۲۹۷؛ الامام المهدي: ۳۴۳؛ اسعاف الراغبين: ۱۴۳؛ نور الابصار: ۱۷۰.

۵. بشارة الاسلام: ۶۲.

سپس خدا دل‌های آن‌ها را به هم مانوس می‌کند.»

روایات امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام درباره آیه «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَعْطَىٰ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَاوَةً؛ تَأَنُّنًا بِأَنَّهُمْ يُوعَدُونَ» بیان کرده است. آن گاه می‌فهمند که یاران چه کسی ضعیف‌تر است و یاران چه کسی کمتر است» فرمود:

«يَعْنِي الْقَائِمَ وَ أَنْصَارِهِ بِالنَّسَبِ لِأَعْدَائِهِ؛^۱ منظور از «کسانی که وعده داده شده‌اند»،

قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و یاران او در مقایسه با دشمنان او هستند.»

شبهه این روایت از امام صادق علیه السلام هم نقل شده است. سپس خطبه حضرت ولی عصر

- عجل الله تعالی فرجه الشریف - را در روز ظهور بیان کرده و می‌فرماید:

«فَيَقُومُ رَجُلٌ مِنْهُ فَيُنَادِي أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا طَلِبَتُكُمْ قَدْ جَاءَكُمْ يَدْعُوكُمْ إِلَىٰ مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَيَقُومُونَ إِلَيْهِ لِيَقْتُلُوهُ فَيَقُومُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَيُنِيفُ عَلَى الثَّلَاثِمِائَةِ فَيَسْتَنْعُونَهُ مِنْهُ خَمْسُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ سَائِرُهُمْ مِنْ أَقْنَاءِ النَّاسِ لَا يَعْرِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا اجْتَمَعُوا عَلَىٰ غَيْرِ مِيعَادٍ؛^۲ سپس مردی از خاندان او قیام می‌کند و این طور سخن می‌گوید: ای مردم! او گمشده شماست و به سوی شما آمده و شما را به سوی آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کرده، دعوت می‌کند. عده‌ای از حاضران قصد می‌کنند که او را بکشند، که سیصد و چند نفر از او دفاع می‌کنند و پنجاه نفرشان اهل کوفه و بقیه از اطراف جهان هستند که همدیگر را نمی‌شناسند و بدون قرار قبلی دور هم جمع می‌شوند.»

روایات امام باقر علیه السلام

«يُظْهَرُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ عَلَىٰ غَيْرِ مِيعَادٍ قَزَاعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ؛^۳ قائم علیه السلام با سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر، مانند تکه‌های ابر پاییزی با عجله ظهور می‌کند.»

«بَيْنَمَا شَبَابُ الشَّيْعَةِ عَلَى ظُهُورِ سُطُوحِهِمْ نِيَامٌ إِذَا تَوَافَوْا إِلَىٰ صَاحِبِهِمْ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ عَلَىٰ غَيْرِ مِيعَادٍ فَيُضْبِحُونَ بِمَكَّةَ يَجْتَمِعُونَ قَزَاعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ مِنَ الْقَبَائِلِ؛^۴ در حالی که جوانان شیعه در پشت خانه‌هایشان خوابیده‌اند، ناگهان مانند تکه‌های ابر پاییزی در یک شب تاریک بدون قرار قبلی به سوی صاحبشان می‌روند. همه آن‌ها صبح در مکه هستند و دور او جمع می‌شوند.»

۱. سوره مبارکه جن، آیه ۲۲. ۲. منابع الموده ۳: ۸۴، بشاره الاسلام: ۶۲، الزام الناصب: ۲۲ و ۲۴۲.

۳. الزام الناصب: ۲۲۶، بحار الانوار ۵۲: ۳۰۶. ۴. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۵، الزام الناصب: ۲۲۶.

۵. غیبت نعمانی: ۱۷۰، بحار الانوار ۵۲: ۳۰۶، ۲۸۸، ۲۳۹. ۳۷۰، الزام الناصب: ۲۲۳، منابع الموده ۳: ۷۹، بشاره الاسلام: ۱۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، الامام المهدی: ۲۲۶.



طبق این روایت، هنگام ظهور امام زمان علیه السلام، بعضی از مناطق هوا گرم خواهد بود و مردم روی پشت بام‌ها می‌خوابند.

«لَا بُدَّ لَنَا مِنْ أَدْرِ بَيْجَانَ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاسَ يُبُوتِكُمْ وَالْبِدُوءَ مَا أَلْبَدْنَا وَانْتَظِرُوا الْخَسْفَ بِالْبَيْدَاءِ فَإِذَا تَحَرَّكَ كُنَّا فَاسْعَوْا إِلَيْهِ وَكُونُوا حَبِوًّا^۱ بِهِ نَاجِحًا بَايِدَ فِي أَدْرِ بَيْجَانَ انْقِلَابِي شُودَ كِه هِيَجِ قَدْرَتِي نَتَوَانِدُ بَا آن مَقَابِلَه كِنْد. وَقَسِي آن شُورَش بَه پَا شُود، گَلِيم خَانَه خُود بَاشِيد وَ تَا وَقْتِي كِه مَا حَرَكَت نَكْرَدَه اِيْم، اَز جَاي خُود تَكَان نَخُورِيد. مَنْتَظَر نَدَاي آسْمَانِي وَ خَسْف سِرْزَمِين بَسِيدَا بَاشِيد. پَس هَنگَامِي كِه قِيَام كِنْنِدَه مَا قِيَام كَرْد بَه سُوِي او بَشْتَايِيد حَتِي اِگَر رُوِي زَمِين كَشِيدَه شُويِد.»

یعنی اگر هیچ نیرویی نداشتید جز اینکه خود را روی زمین بکشید و به سوی او بشتابید، آن را انجام دهید...

«أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يُحْمَلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيُؤَافِيهِ فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ^۲ يَارَان قَائِمِ سِيْصِد وَ سِيْزْدَه نَفَر هَسْتَنْد، كِه بَر خِي اَز فِرْزَنْدَانِ غَيْرِ عَرَبِ دَر رُوز رُوشَن سِوَار بَر اَسْب آورده مي‌شوند و برخی از آن‌ها در حالی که در رختخواب خود خوابیده‌اند، از رختخواب برده می‌شوند و در مکه بدون وعده قبلی، حضور آن حضرت می‌آیند.»

شاید منظور این باشد که وقتی در رختخواب خوابیده‌اند، راحت و آسوده سوار چیزی مانند هواپیما می‌شوند و در زمان کوتاهی به مکه می‌روند؛ مانند کسی که در هواپیما مسافرت می‌کند و در حالی که خواب است، ناگهان چشم باز کرده و دست خود را در دست حضرت مهدی علیه السلام می‌بیند.

امامان علیهم السلام چهارده قرن قبل، درباره مسافرت روی ابرها سخن می‌گویند. نسل‌های گذشته این معنی را درک نمی‌کردند ولی نسل امروز، با اختراع هواپیما و سفینه‌های فضایی، این سخن را درک می‌کنند و ایمانشان افزوده می‌گردد.

«مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرٍّ أَوْ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ^۳ هَر كَس قَائِمِ مَارَا دَر كِنْد، اِگَر بِيْمَار بَاشَد، شَفَا مِي يَابَد، وَ اِگَر ضَعِيْف بَاشَد، قَوْمِي مِي كَرْدَد.»

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«وَ تَزُولُ بَعْدَ ذَلِكَ كُلِّ عَاهَةٍ عَنِ مُعْتَقِدِي الْحَقِّ مِنْ شِيعَةِ الْمَهْدِيِّ فَيَعْرِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ

در سینه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 حور و ابناء هاب
 تَمَّتْ السَّلَامَةُ عَلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ علیه السلام

۱. غیبت نعمانی: ۱۴۰، ۱۰۲؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۳۵، ۲۹۲؛ الزام الناصب: ۱۷۵، ۱۳۷؛ الملاحم و الفتن: ۱۶۴؛ بشاره الاسلام: ۱۲۱.
 ۲. غیبت نعمانی: ۱۷۰؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۷۰؛ الزام الناصب: ۲۲۳؛ بشاره الاسلام: ۲۰۵. ۳. المهدي: ۱۹۷؛ بشاره الاسلام: ۲۲۳.

ظُهُورَهُ بِمَكَّةَ فَيَتَوَجَّهُونَ نَحْوَهُ لِنُصْرَتِهِ تَطْوِي لَهُمُ الْأَرْضَ يُذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ؛ کسی که به امامت مهدی علیه السلام معتقد باشد، اگر بیمار باشد، بهبود می یابد و زمان ظهور، در مکه به حضور ایشان می شتابد تا او را یاری کند. آن ها زمین را طی می کنند و همه سختی ها برای آن ها آسان می شود.»

امام سجاد علیه السلام هم فرموده است:
 «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْغَاهَةَ وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ؛^۱ وقتی قائم علیه السلام قیام کند، خداوند غم و بیماری مؤمن را درمان می کند و به هر مؤمنی نیرو می دهد.»

و در حدیث دیگر می فرماید:

«إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ، أُعْطِيَ الرَّجُلُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَجُعِلَتْ قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ. لَوْ قَذَفَ بِهَا الْجِبَالَ لَقَلَعَهَا، وَكُنْتُمْ قُوَّامَ الْأَرْضِ وَخَزَائِنَهَا؛^۲ وقتی قائم علیه السلام قیام کند، هر انسان به اندازه چهل مرد، نیرو می گیرد و دل هایشان مانند فولاد می شود که اگر با آن دل، خود را به کوه بزند، کوه از جا کنده می شود. شما پایه های زمین و خزانه دار آن هستید.»
 «إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا إِلَّا يَكْفُونَ سُبُوقَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛^۳ زمان ظهور، هر نفر به اندازه چهل مرد نیرو دارد و دل او از فولاد سخت تر می شود؛ اگر به کوه آهنی برخورد کند، آن ها را قطعه قطعه می کند. شمشیرهای خود را کنار نمی گذارند تا خداوند از آن ها خشنود باشد.»

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

«فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تَطْوِي لَهُمْ طَبَقًا حَتَّى يُسْبِغُوهُ؛^۴ شیعیان او از اطراف جهان به سوی او می شتابند و زمین زیر پای آن ها طی می شود تا به محضر او رسیده و با او بیعت نمایند.»

در بخش دوازدهم، درباره طی الارض بیشتر صحبت می کنیم. امروزه با وجود وسایل فضا نوردی، این مسأله تعجب آور نیست. بلکه تعجب آور این است که پدران ما از هواپیماهای امروزی خبر داده اند. امروزه ما هواپیما را می بینیم و برای ما عادی است، اگر یکی از پدران ما امروز زنده شود با دیدن همین هواپیما تعجب می کنند.

۱. منتخب الاثر: ۴۸۶؛ المحجة البيضاء: ۴؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ بشارة الاسلام: ۱۷۶؛ الامام المهدی: ۲۳۵.
 ۲. غیبت نعمانی: ۱۷۱؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۴۴ و ۳۱۷؛ الزام الناصب: ۱۳۹ و ۲۴۰.
 ۳. بشارة الاسلام: ۲۴۰؛ الزام الناصب: ۲۲۷؛ غیبت نعمانی: ۱۶۶؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۷۲؛ بتایع الموده: ۳؛ ۷۹.
 ۴. الزام الناصب: ۲۲ و ۱۳۹؛ منتخب الاثر: ۴۸۶؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۲۷.
 ۵. منتخب الاثر: ۴۶۵؛ ارشاد مفید: ۳۴۱؛ کشف الغمه: ۳؛ ۳۲۴؛ المهدی: ۱۹۸؛ الامام المهدی: ۹۵.

دوراندیشان
 مهدی قائم علیه السلام
 در پستانه حضرت
 سیدنا محمد صلی الله علیه و آله و سلم
 و آله علیهم السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«يَبْعَثُ اللَّهُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي عُصْبَةِ لَهُمْ أَدَقُّ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ مِنَ الْكُحْلِ قَادًا خَسِرَ جُؤَا بَكَى لَهُمُ النَّاسُ لَا يَرَوْنَ إِلَّا أَنَّهُمْ يُخْتَطِفُونَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الْأَوْ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا إِلَّا إِنَّ الْجِهَادَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۱ خداوند قائم علیه السلام را برای مردمی که کمتر از سرمه در چشم هستند، برمی انگیزد. وقتی آنها قیام کنند، مردم برای آنها گریه می کنند. مردم چیزی نمی بینند جز اینکه کشته می شوند. خداوند به وسیله آنها جهان را فتح می کند. آگاه باشید که آنها مؤمنان واقعی هستند و جهاد واقعی در آخر الزمان است.»

و درباره یاران آن حضرت فرمود:

«وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُمِئَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، مِنْهُمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً، يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ؛^۲ به خدا سوگند، سیصد و سیزده نفر می آیند که میان آنها پنجاه زن می باشد و در مکه جمع می شوند.»

فقط در این حدیث آمده است که بین یاران حضرت مهدی علیه السلام، زن می باشد. در جنگ های اسلامی، بانوان خدمات پشت جبهه را انجام می دادند. درباره جنگ های حضرت مهدی علیه السلام در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «سیزده زن همراه قائم علیه السلام خواهند بود که مجروحین را پانسمان می کنند و از بیماران پرستاری می کنند.»
در جنگ ها از زن ها برای پرستاری مجروحین استفاده می شود. ولی در بیعت اول هیچ زنی شرکت نمی کند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَنُنَازِلُنَّ آخِرَنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ؛^۳ اگر عذاب آنها به تأخیر بیفتد»، فرموده است:

«منظور از «أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ»، یاران قائم علیه السلام در آخر الزمان است. به خدا سوگند، آنها امت معدوده هستند.»^۴ می گویند: چه چیز مانع ظهور او می شود؟ و عذاب خدا را بر ما نازل می کند؟ قرآن در پاسخ آنها می فرماید: «بدانید وقتی عذاب آنها برسد، آن را بر نمی گردانند و آن چه را مسخره می کردند، به آنها خواهد رسید.»^۵

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

۱. منتخب الاثر: ۴۵۵؛ غیبت طوسی: ۲۷۹؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۱۷؛ بشارة الاسلام: ۱۷۸.
۲. بحار الانوار: ۵۲، ۲۲۳؛ الزام الناصب: ۱۷۶؛ غیبت نعمانی: ۱۵۰. ۳. سورة مبارکه هود، آیه ۸.
۴. بحار الانوار: ۵۲، ۲۸۱ و ۳۲۲ و ۵۱؛ ۴۴، ۵۸، ۵۵؛ الزام الناصب: ۲۴۰؛ غیبت نعمانی: ۱۲۷؛ ینابیع الموده: ۳، ۱۷۸؛ بشارة الاسلام: ۲۲۷؛ الامام المهدی: ۴۳؛ منتخب الاثر: ۲۷۵.

«هُمُ وَاللَّهِ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعٌ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ فَيُنَابِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَمَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَدْ تَوَارَثَهُ الْأَبْنَاءُ عَنِ الْأَبَاءِ؛^۱ به خدا سوگند، آنها «امت معدوده» هستند که در یک ساعت مانند تکه‌های ابر پاییزی جمع می‌شوند و میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. او پیمان نامه‌ای از پیامبر ﷺ دارد که به امامان علیهم السلام یکی پس از دیگری به ارث می‌رسد.»

امام باقر علیهما السلام در تفسیر آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ... يَأْتِ بِكُمْ»^۲ فرموده است: «الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ وَقَوْلُهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً يُغْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ؛^۳ منظور از «خیرات»، ولایت اهل بیت است و منظور از «یأت بکم»، یاران قائم علیهما السلام هستند.»

روایات امام صادق علیه السلام

«أَمَا إِنِّي لَوَأْدُرُّكَتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقِيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛^۴ به خدا سوگند، من اگر آن روز را درک می‌کردم، جانم را برای حضرت صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فدا می‌کردم.»

حضرت صادق علیهما السلام در این حدیث، انسان را برای انتظار و جان نثاری برای مهدی علیهما السلام تشویق می‌کند.

«يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَيَصْرُخُ صَرْخَةً فَيَقُولُ يَا مَعْاشِرَ نَقْبَائِي وَأَهْلَ خَاصَّتِي وَمَنْ ذَخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ اثْنُونِي طَائِعِينَ فَتَرَدُ صِيحَتُهُمْ عَلَيْهِمْ وَهُمْ عَلَى مَحَارِبِهِمْ وَعَلَى قُرُوشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَعَرَبِهَا فَيَسْمَعُونَهُ فِي صِيحَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ فَيَجِئُونَ نَحْوَهَا؛^۵ میان رکن و مقام می‌ایستد، سپس فریاد می‌زند: ای فرماندهان من! ای نزدیکان من! ای کسانی که خداوند قبل از ظهور من، آنها را برای یاری من روی زمین ذخیره کرده است! به سوی من بشتابید و از فرمان من اطاعت کنید. صدای آن حضرت همه جای جهان به گوش یارانش می‌رسد و آنها که در محراب‌های خود و یا در رختخواب‌های خود هستند، در یک لحظه صدای امام را می‌شنوند و به سوی او می‌شتابند.»

امروزه تلویزیون صدای گوینده را در یک لحظه به گوش همه جهانیان می‌رساند، پس حتماً خداوند می‌تواند برای انجام آن بدون وسایلی مثل تلویزیون، این کار را انجام دهد. «يُضْبِحُ أَحَدُكُمْ وَتَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ؛^۶ عده‌ای صبح از

۱. الزام الناصب: ۱۸؛ بشارة الاسلام: ۱۰۳. ۲. سورة مباركة بقره، آیه ۱۴۸. ۳. بحار الانوار ۵۲: ۲۸۸؛ الامام المهدي: ۳۲. ۴. غیبت نعمانی: ۱۲۵. ۵. بشارة الاسلام: ۲۰۶؛ غیبت طوسی: ۲۸۴؛ الزام الناصب: ۱۸۸؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۳۳. ۶. منتخب الاثر: ۴۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۰۵، ۳۲۴.



خواب بیدار می شوند و می بینند که زیر سرشان کاغذی است که روی آن نوشته است: اطاعت درست.»

اینها سحر و طالع بینی نیست بلکه احادیث روشنی است که با اراده خداوند بیان شده و با قدرت خود روی لوح محفوظ نوشته است. جبرئیل علیه السلام آن‌ها را به قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام الهام کرده و روایان اخبار، آن‌ها را به طور کامل نقل کرده‌اند که ظهور نشانه‌های آن دلیلی برای درستی این مدعاست.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر در حضور فردی خراسانی فرمود:

«أزكض برجلک الأرض - فإذا نحن ببتک الأرض علی حافتیها فزسان - قد وضعوا رقابهم علی قرابیس سروجهم - فقال أبو عبد الله علیه السلام هؤلاء من أصحاب القائم علیه السلام؛ با پای خود به زمین بزن، ناگهان می بینی که این زمین دریایی است که بر ساحل آن سوارانی هستند که گردن‌های خود را بالای زین اسب‌هایشان گذاشته‌اند، آن‌ها یاران قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هستند.»

این‌ها لشکر خراسانی هستند که وقتی با لشکر قائم علیه السلام دیدار می‌کنند، به سپاه آن حضرت می‌پیوندند که بیشتر سپاه آن حضرت عجم هستند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چند نفر از یاران قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - عرب هستند؟ حضرت فرمود:

«أتق العرب فإن لهم خبر سوء أما إنه لم يخرج مع القائم منهم واحد؛ از عرب دوری کن که درباره آن‌ها خبر بدی نقل شده است. خبر این است که حتی یک نفر از یاران قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف -، عرب نیستند.»

طبق این حدیث، سیصد و سیزده یاران قائم علیه السلام که قبل از دیگران با آن حضرت بیعت می‌کنند، هیچ کدام عرب نیستند، و بعد از این بیعت، هزاران نفر از مصر و شام و حجاز و ... قائم علیه السلام را یاری می‌کنند و با سپاه بزرگی شامل ده هزار نفر سلحشور، قیام می‌کند که تعداد زیادی از آن‌ها عرب هستند و از مکه حرکت می‌کنند.

«إن صاحب هذا الأمر محفوظ له لو ذهب الناس جميعاً أتى الله له بأصحابه وهم الذين قال لهم الله عز وجل ﴿فإن يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوماً ليسوا بها بكافرين﴾^۱ و هم الذين قال الله فيهم ﴿فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه أذلة على المؤمنين أعزّة على الكافرين﴾^۲؛ قائم علیه السلام با عنایت خداوند از هر خطری حفظ می‌شود، حتی

۱. اختصاص مفید: ۳۲۵. ۲. همان. ۳. سوره مبارکه انعام، آیه ۸۹.

۴. سوره مبارکه مائده، آیه ۵۴. بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۷۰؛ الزام الناصب: ۱۹؛ منابع الموده: ۳؛ ۷۷؛ بشارة الاسلام: ۲۰۷؛ الامام المهدي:

در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام
 دوران رها بپای
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام

اگر همه مردم هم از بین بروند، خداوند او و یارانش را می آورد. خداوند درباره آنها فرموده است: «اگر اینها با تعالیم پیامبران کافر شوند، ما عده‌ای دیگر را برای آنها می فرستیم که او را انکار نمی کنند» و درباره آنها فرموده است: «پس به زودی خداوند عده‌ای دیگر را می آورد که آنها را دوست دارد و آنها هم او را دوست دارند، آنها در برابر مؤمنان، متواضع و در برابر کافران، متکبر هستند.»

آنها که رسالت پیامبر ﷺ را انکار کردند، قریش و عرب بودند و آنها بودند که حضرت مهدی ﷺ را انکار کردند.

از امام صادق ﷺ پرسیدند: آیا غیر از یاران قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - روی زمین اشخاص مؤمن دیگری وجود دارند؟! حضرت فرمود:

«بَلَى فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنُونَ غَيْرُهُمْ. وَلَكِنَّهُمْ الْعِدَّةُ الَّتِي يَخْرُجُ فِيهَا الْقَائِمُ ﷺ. وَهُمْ الثَّجَابِءُ وَالْقَضَاءُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ. يَمْسَحُ اللَّهُ بَطُونَهُمْ وَظُهُورَهُمْ فَلَا يُشْكَلُ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ؛ أَرَى، مُؤْمِنَانِ دِيْغَرِي هَمْ هَسْتَنْد، وَلِيْ اَنهَا گروهي هستند که همراه قائم ﷺ قیام می کنند و آنها فرماندهان، قاضیان، حاکمان شرع و فقیهان دین هستند که خداوند با قدرت خود بر شکم و پشت آنها می کشد، دیگر هیچ حکمی برای آنها مشکل نیست.»

طبق این حدیث، خداوند آنها را پاک و پاکیزه کرده است و با عنایت خاص خود آنها را از هر گونه اشتباهی حفظ می کند. آنها در حکومت قائم ﷺ، قاضی، حاکم شرع و فرمانده می باشند.

«هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ آنها پرچمدارانی هستند که از سوی خدا در روی زمین بر بندگان او حکومت می کنند.»

«لَهُ كُنْزٌ بِالطَّلَاقِ مَا هُوَ بِذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَلَا رَايَةٌ لَمْ تُنْشَرْ مُنْذُ طُوَيْتَ وَرِجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنْ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرَايَاتِهِمْ بَلْدَةً إِلَّا خَرَبُوهَا كَانَتْ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعِجَابَانِ يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْأِمَامِ ﷺ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَيَحْفُونَ بِهِ بَقْوَتَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّخْلِ يَبِيْتُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَيُضَبِّحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنْ الْأَمَةِ لَسِيْدَهَا كَالْمَصَابِيحِ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ الْقَنَادِيلُ وَهُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ



۱. منتخب الاثر: ۴۸۵؛ الملاحم والفتن: ۱۷۱؛ بشارة الاسلام: ۲۱۱.

۲. بحار الانوار: ۵۲، ۳۰۸؛ بشارة الاسلام: ۲۲۵؛ الزام الناصب: ۲۲۷.

يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّغْبُ
 أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْلَى إِزْسَالًا بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ؛^۱ او گنج‌هایی
 در طالقان دارد که طلا و نقره نیست، بلکه مردانی هستند که دل‌های آهنین دارند و هرگز
 دچار شک و تردید نمی‌شوند. آن‌ها در اعتقاد به خدا از سنگ، سخت‌تر هستند، اگر به
 کوه‌ها حمله کنند، آن‌ها را از جا می‌کنند، با پرچم‌های خود به هیچ کشوری نمی‌روند
 مگر آن کشور را فتح کنند. سوار بر اسب‌های نجیب خود زین اسب امام علیه السلام را می‌گیرند
 و تبرک می‌کنند. موقع جنگ گرد امام علیه السلام جمع می‌شوند و از او محافظت می‌کنند و از
 فرمان امام اطاعت می‌کنند و برای آن‌ها همین بس است. شب زنده دارند و نماز
 می‌خوانند و نجوایشان مانند صدای زنبور به گوش می‌رسد و سوار بر اسب‌هایشان ذکر
 خدا را می‌گویند. آن‌ها مطیع‌ترین افراد در برابر امامشان هستند. گویا دل‌های
 آن‌ها چراغی نورانی است و آن‌ها از ترس خداوند، نگرانند. شعار آن‌ها، ای خونخواهان
 حسینی است. ترس از هیبت آن‌ها، یک ماه جلوتر از خودشان به مقصد می‌رسد. آن‌ها
 دسته دسته به سوی امام خود حرکت می‌کنند. خداوند به وسیله آن‌ها امام حق را یاری
 می‌نماید.»

مانند این روایت از حضرت علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز روایت شده
 است.

«وَيْحَا لِلطَّالِقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ
 مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَيْضًا أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۲ خوشا به حال
 طالقان!^۳ خداوند در این شهر گنج‌هایی دارد که طلا و نقره نیست، بلکه مردانی هستند که
 خدا را به درستی شناخته‌اند، آن‌ها یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان می‌باشند.»
 از امام صادق علیه السلام نیز شبیه این روایت نقل شده است.^۴

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید:

«وَلَهُ بِالطَّالِقَانِ كُنُوزٌ لَا ذَهَبَ وَلَا فِضَّةَ إِلَّا خَيُْولٌ مُطَهَّمَةٌ وَرِجَالٌ مُسَوِّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ مِنْ
 أَقْصَى الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا؛^۵ خداوند در طالقان گنج
 هایی دارد که طلا و نقره نیست، بلکه اسب‌هایی بسیار زیبا و مردانی شجاع هستند که

۱. همان.

۲. بحار الأنوار ۵۱: ۱۷، منتخب الآثار: ۴۸۴، الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۱، الزام الناصب: ۲۵۴، كشف الغممة ۳: ۴۶۸، بنایح الموده ۳: ۱۱۰ و ۱۶۷.

۳. یک شهر طالقان در خراسان میان بلخ و مرو است و یک طالقان دیگر میان قزوین و ابهر است که در روایات یکی از این دو بیان شده است. ۴. المهدي: ۲۱۷، بنایح الموده: ۴۴۹، غایة الغرام: ۷۰۰.

۵. بحار الأنوار ۵۲: ۳۱۰، بشارة الاسلام: ۹، الملاحم والفتن: ۵۰، الزام الناصب: ۶۳.

دودان دهاب در پستانه حضرت مهدي قائم
 در پستانه حضرت مهدي قائم
 در پستانه حضرت مهدي قائم

خداوند سیصد و سیزده نفر را به تعداد یاران بدر از دورترین شهرهای دنیا جمع کرده است.»

جالب این است که پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام، زمانی درباره طالقان سخن گفته‌اند که هنوز مردم طالقان آتش پرست بودند و ایران فتح نشده بود! امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام نَزَلَتْ سَيْفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفِ اسْمِ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ؛ وَ قَتَى قَاتِمَ - عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فِرَجَةَ الشَّرِيفِ - قِيَامَ كُنْدًا، شَمَشِيرَ هَيْ جَنْجِي پَایین می‌آیند و روی هر شمشیری نام یک مرد و نام پدرش نوشته شده است.»

امام صادق علیه السلام در مراسم حج در مسجد الحرام فرمود:

«سَيَاتِي اللَّهُ بِثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا فِي مَسْجِدِكُمْ هَذَا يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يُخْلَقْ آبَاؤُهُمْ وَ لَا أجدَادُهُمْ بَعْدُ عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ سَيْفِ اسْمِ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ وَ نَسَبُهُ؛^۱ خداوند سیصد و سیزده نفر را در این مسجد جمع می‌کند که مردم مکه می‌دانند که از اجداد آنها متولد نشده‌اند؛ هر کدام از آنها شمشیری دارند که روی آن اسم یک نفر و نام پدر و نسب او نوشته شده است.»

شاید منظور این حدیث این باشد که یاران حضرت مهدی علیه السلام عرب نیستند. در حدیث دیگر می‌فرماید:

«لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ بِمَنْ لَا خَلْقَ لَهُ وَ لَوْ قَدْ جَاءَ أَمْرُنَا لَقَدْ خَرَجَ مِنْهُ مَنْ هُوَ الْيَوْمَ مُقِيمٌ عَلَى عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ؛^۲ خداوند این امر را به وسیله افراد گمنام تحقق می‌بخشد، وقتی امر ما واقع شود، افرادی به آن کمک می‌کنند که امروز بت پرست هستند.»

طبق این حدیث اکثر افرادی که باایمان شناخته می‌شوند، امام زمان علیه السلام را یاری نمی‌کنند ولی افراد گمنامی که امروز بت پرست هستند، هدایت می‌شوند و اطراف امام زمان علیه السلام جمع می‌گردند و از او دفاع می‌کنند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لِأَنِّي تُنْسَى فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛^۳ شما باید خود را برای قیام قائم - عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فِرَجَةَ الشَّرِيفِ - آماده کنید حتی اگر این کار با تهیه کردن یک تیر باشد. اگر

۱. غیبت نعمانی: ۱۲۸؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۵۶.

۲. الزام الناصب: ۲۲۶، ۵۶؛ غیبت نعمانی: ۱۶۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۶۹، ۲۶۸؛ بشارة الاسلام: ۲۲۹، ۲۲۵، ۲۰۴.

۳. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۳؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۲۹؛ بشارة الاسلام: ۲۴۱؛ غیبت نعمانی: ۱۷۱.

۴. بحار الانوار ۵۲: ۳۶۶؛ غیبت نعمانی: ۱۷۳.



خداوند بداند که شما این آمادگی را دارید، امیدوارم که مرگ شما به تأخیر بیفتد تا ظهور او را درک کرده و از یاران آن بزرگوار باشید.»

امام صادق علیه السلام در یک حدیث طولانی درباره یاران حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «خداوند آن‌ها را در یک شب جمعه در مکه معظمه و اطراف خانه خدا جمع می کند و حتی یک نفر از آن‌ها سربلندی نمی کند. سپس در کوچه های مکه جستجو می کنند تا جایگاهی برای خود پیدا کنند. مردم مکه افراد ناشناسی را میان خود می بینند، در حالی که هیچ قافله ای برای حج تمتع یا عمره، تجارت و غیره وارد مکه نشده است. مردم مکه می گویند: افراد غریبی در این شهر می بینیم! این‌ها اهل یک شهر و یک قبیله و یک نژاد نیستند و اهل و عیال و وسیله و مرکبی همراه خود ندارند!

در این هنگام، مردی از قبیله مخزوم وارد می شود و می گوید: من خوابی دیده ام که بسیار نگران شدم. مردم می گویند: بیا به نزد فلان ثقفی برویم. وقتی نزد ثقفی می روند، مرد مخزومی می گوید: من در خواب ابری را دیدم که از اعماق آسمان ظاهر شد و کم کم پایین آمد تا نزدیک کعبه رسید و دور کعبه طواف کرد. روی این ابر ملخ هایی با بال های سبز بودند که مدت طولانی اطراف کعبه طواف می کردند. سپس به اطراف پراکنده شدند، به هر آبادی که می رسیدند، آن جا را آتش می زدند و هر قلعه ای می رسیدند، آن جا را خراب می کردند. سپس از خواب بیدار شدم و مانند بید می لرزیدم و اکنون هم ترس و وحشت دارم. مرد ثقفی می گوید: امشب سپاهی از سپاهیان خداوند به شهر شما وارد می شود که شما نمی توانید مقابل آن‌ها بایستید.

مردم مکه می ترسند و با یکدیگر می گویند: چه اتفاق عجیبی است! سپس در حالی که درباره این سپاه سخن می گویند، از نزد مرد ثقفی بیرون می آیند و به دنبال آن لشکر می گردند در حالی که بسیار می ترسند و با یکدیگر مشورت می کنند و می گویند: درباره این سپاه عجولانه فکر نکنید، آن‌ها در شهر شما کار خلافتی انجام نداده اند و به روی کسی شمشیر نکشیده اند و کار نادرستی نکرده اند و شاید میان آن‌ها از طایفه شما هم باشد، اگر بخواهید درباره آن‌ها تصمیمی بگیرید، باید بدانید که آن‌ها مشغول عبادت هستند و چهره صالحان را دارند و در حریم خانه خدا هستند و هر کس داخل آن شود، تا وقتی که خلافتی انجام ندهد، جانش در امان است و تاکنون خلافتی نداشته اند و ستیزه جویی نکرده اند. بزرگ مردم مکه که مخزومی است، می گوید: من مطمئن نیستم که نیرویی

دوستان در راهاب
 در پستانه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 و در خلافتی ظالم را ملامت

آن‌ها را حمایت نکنند، شاید نیروی بزرگ‌تری آن‌ها را همراهی می‌کند که در این صورت، موضوع مهم می‌شود. پس مصلحت آن است که تا آن نیرو نرسیده، آن‌ها را نابود کنیم چرا که تعدادشان کم است و شهر را نمی‌شناسند و خواب دوست شما درست است. عده‌ای می‌گویند: اگر نیرویی که آن‌ها را همراهی می‌کند، مانند این‌ها اسب و اسلحه و پناهگاهی نداشته باشند و این شهر را نشناسند، پس نباید از آن‌ها بترسیم و شما به راحتی می‌توانید آن‌ها را نابود کنید.

مدتی از شب می‌گذرد و آن‌ها به خواب می‌روند و تاریکی شب و سنگینی خواب، باعث می‌شود که صدایی نشوند و پراکنده می‌شوند. در این هنگام، یاران حضرت مهدی علیه السلام جمع می‌شوند و یکدیگر را دیدار می‌کنند، گویا از یک پدر و یک مادر متولد شده‌اند و صبح از خانه بیرون آمده و پراکنده می‌شوند ولی هنگام شب، در خانه‌ای جمع می‌شوند.^۱ در چنین شبی، بیعت گرفته می‌شود و ظلم و ستم نابود می‌شود و مردم مکه هم بیعت می‌کنند و خواب مخزومی و تعبیر ثقیفی تحقق می‌یابد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يَدْعُونَ وَتُرَا لَيْلٍ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَخَذُوهُ؛^۲ از هیچ ظلمی درباره آل محمد علیهم السلام نمی‌گذرند مگر این که انتقام آن را می‌گیرند.»

روایات امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى؛^۳ به زودی خواهید فهمید که اصحاب صراط مستقیم و هدایت شوندگان چه کسانی هستند؟» فرمود:

«سَأَلْتُ أَبِي عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ قَالَ: هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام وَمَنِ اهْتَدَى إِلَى طَاعَتِهِ؛^۴ از پدرم (امام صادق علیه السلام) درباره این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: آن‌ها قائم و یاران او هستند که با اطاعت از او هدایت می‌شوند.»

روایات امام رضا علیه السلام

«وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ قَائِمَنَا قَامَ، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ؛^۵ به خدا سوگند، اگر قائم ما قیام کند، خداوند شیعیانش را از همه شهرهای جهان اطراف او جمع می‌کند.»

در اینجا درباره یاران حضرت مهدی علیه السلام و یاران و یا شهر و دیار آن‌ها به اختصار

۱. الملاحم والفتن: ۱۷۱-۱۶۹؛ بشارة الاسلام: ۲۱۱-۲۱۰. ۲. الزام الناصب: ۲۳. ۳. سورة مباركة طه، آیه ۱۳۵.

۴. الزام الناصب: ۲۳. ۵. بحار الانوار: ۵۲: ۲۹۱؛ الزام الناصب: ۱۸؛ الامام المهدي: ۳۳.



سخن گفته شد. برای اطلاع بیشتر می‌توان به منابع دیگر مراجعه کرد.^۱

آیا با این تعداد کم یار، پیروز خواهد شد؟

آیا این سیصد و سیزده نفر که از شهرهای دور در مکه جمع می‌شوند و در آنجا غریب هستند باشند و با اوضاع آن آشنایی ندارند و سلاح پیشرفته هم ندارند، می‌توانند همه کشورهای را فتح کنند و همه ملت‌ها را فرمانبردار خود کنند؟!

در فصل دوازدهم در این باره به طور مفصل صحبت خواهیم کرد. اینجا فقط به طور مختصر به نکاتی اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت مهدی علیه السلام فقط به خاطر عقیده مبارزه می‌کند.

۲. باران امام زمان علیه السلام کسانی هستند که این عقیده را به خوبی درک نموده و طبق آن زندگی می‌کنند. این عقیده در اعماق روح و دلشان جای گرفته است و با این عقیده از شهرهای خود به سوی مکه شتافته‌اند و رنج سفر را احساس نکرده‌اند و با همین عقیده قوی برای پیروزی بر کفر می‌جنگند تا به پیروزی و یا شهادت برسند.

۳. قبل از خروج از مکه، در شهر مکه بیش از ۹۰۰۰ نفر با آن حضرت بیعت خواهند نمود.

۴. حضرت مهدی علیه السلام برای اثبات حقانیت خود میراث پیامبران را از عهد یهود و مسیح و اسلام همراه دارد. این میراث باارزش به ابزارهای جنگی مربوط نیست، بلکه وسایلی برای برگرداندن عقاید مردم است.

۵. حضرت مهدی علیه السلام با وسایل پیشرفته قیام می‌کنند که اگر چه این سلاح‌ها در برابر سلاح ایمان ناچیز است ولی در مقایسه با سلاح‌های امروزی، تازگی دارد.

۶. حضرت مهدی علیه السلام نیز وسایلی دارد که برای زندگی مادی و معنوی بشریت بسیار باارزش خواهد بود و با همین وسایل، برای زندگی آرام مزده می‌دهد.

ما منتظر موعود هستیم ولی فقط به دعا کردن اکتفا نمی‌کنیم و مقابل دشمنان و سلاح آن‌ها ساکت نمی‌شینیم و برای روز موعود آماده می‌شویم. نمونه این سخن، انقلاب اسلامی ایران است که سرانجام با وحدت مردم و رهبری مراجع تقلید پیروز شدیم. این انقلاب اسلامی ایران دلیلی است بر این که اگر انقلابی برای خدا و در راه عقیده باشد، سرانجام پیروز می‌شود.

انقلاب امام زمان علیه السلام که رهبری آن با امام معصوم است و حضرت عیسی علیه السلام آن را همراهی می‌کند، حتماً پیروز خواهد شد. در آغاز این انقلاب، جبرئیل میان آسمان و زمین صدا می‌زند که ای اهل عالم! بشارت، بشارت! مهدی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور کرد.

همه انسان‌ها این بانگ را می‌شنوند و تصور می‌کنند که ندای آسمانی است و از همه طرف شنیده می‌شود.^۱

در اینجا نکاتی را بیان می‌کنیم:

۱. صبح روز موعود، شنبه دهم محرم الحرام، سیصد و سیزده نفر از یاران نخستین حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با آن حضرت بیعت می‌کنند.

۲. روز قیام قائم علیه السلام همه مردم مکه از سپاه سفیانی به شدت نگران می‌باشند و در جستجوی رهبری هستند که آن‌ها را نجات دهد. پس دعوت بزرگ حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آغاز می‌شود و همه نجات می‌یابند و به سوی آن حضرت می‌شتابند و با او بیعت می‌کنند. به این ترتیب، تعداد لشکر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قبل از حرکت از مکه، ده هزار نفر می‌باشد.

۳. با سپاهی قوی که تعداد آن‌ها حدود ده هزار نفر است، از مکه به قصد مدینه می‌روند و در طول دو ماه بین مکه، مدینه، بیت المقدس، شام و کوفه در حرکت هستند و همه عرب خواه ناخواه در برابرش تسلیم می‌شوند و همه افراد باایمان به اطاعت او درمی‌آیند. تعداد کمی که پس از شناخت حق، در مقابل آن حضرت می‌ایستند، که از بین می‌روند.

۴. وجدان جهانی بیدار می‌شود و مردم با توجه به تجربیات تلخ که از جنگ‌های بین المللی دارند، خواهان عدالت و آزادی می‌شوند و رهبری می‌خواهند که به آزادی آن‌ها کمک کند.

۵. مهدی علیه السلام در مکه سخنرانی می‌کند، قانون اساسی دولت حق را بیان می‌کند، یک انقلاب فکری و عقیدتی ایجاد می‌شود که هزاران نفر به سوی او می‌شتابند و یار او می‌شوند.

۶. در آستانه ظهور حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فتنه‌ها و شورش‌ها و



۱. الملاحم و الفتن: ۲۱، ینایح الموده ۳: ۸۴، بشارة الاسلام: ۹۹.

انقلاب‌های نظامی اتفاق می‌افتد و با شورش سفیانی هرج و مرج ایجاد می‌شود و همه انسان‌ها با نگرانی به دنبال نجات دهنده‌ای هستند.

۷. قبل از ظهور او در یک جنگ جهانی، یک سوم جمعیت روی زمین نابود می‌شوند؛ بیماری طاعون شایع می‌شود و یک سوم دیگر از جمعیت روی زمین نابود می‌شود.^۱
 ۸. مردم گرفتار جنگ و فتنه می‌شوند مثل لبنان و خاور دور. این جنگ‌ها روز به روز زیاد می‌شود و ثروت‌ها و صنعت‌ها را از بین می‌برد. همه نگران می‌شوند و زمینه ظهور مهدی علیه السلام فراهم می‌شود. آن گاه قائم قیام می‌کند و امنیت و آرامش و آزادی را برای مردم به ارمغان می‌آورد.

۹. مردم زمین که بسیار ستم و تحقیر دیده‌اند، با ظهور قائم، به سوی آن منجی می‌شتابند و با او بیعت می‌کنند که برای آن‌ها خیر دنیا و آخرت را فراهم می‌سازد و آن‌ها را از بلاها نجات می‌دهد و با شمشیرش، عدالت را روی زمین حاکم می‌کند.

۱۰. امروزه در هر نقطه‌ای از جهان، شورش و جنگ می‌باشد و مردم به دنبال رهبری هستند که امور را به دست بگیرد و با همه ظالمان را نابود کند. یکی از رمزهای سقوط رژیم‌ها و تسلیم توده‌ها در برابر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - همین خواهد بود. هیچ نیرویی نمی‌تواند در برابر لشکر الهی بایستد، در حدیثی درباره نیروهایی که در برابر سپاه قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مقاومت کند، آمده است:

«وَمَا هُوَ - وَاللَّهِ - إِلَّا الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ الْأُسْتِنَةِ؛^۲ به خدا سوگند، چاره‌ای جز مرگ در زیر تیربارها ندارند.»

همه در برابر پرچم حق تسلیم می‌شوند و از حق دفاع می‌کنند، ستم و ستمگر را تحمل نخواهند کرد. هنگام ظهور، مظلومان آسایش می‌یابند.

لشکر حق که از نظر جاهلان بسیار کم هستند، پیروز می‌شود و مظلومان از دست ظالمان نجات می‌دهند و لشکر باطل نابود می‌گردد. پرچم عدالت در جهان برافراشته می‌شود. عصای موسی علیه السلام در دست مهدی علیه السلام خواهد بود تا آن ستمگران را بیلعد.

سلاح ایمان و تابوت سکینه^۳ که همراه امام زمان علیه السلام است، بر سلاح‌های اتمی و هیدروژنی و نیتروژنی غلبه می‌کند. زمین آباد می‌شود و عدالت همه جا را فرا می‌گیرد. خدایا! به ما توفیق بده که زیر پرچم آن منجی باشیم و از او اطاعت کنیم. سعادت زندگی در دولت حق و یاری آن موعود را به ما عنایت کن.

۱. همه این نشانه‌ها قطعی نیست، بلکه چند نشانه مثل ندای آسمانی، خروج سفیانی قطعی است.

۲. غیبت نعمانی: ۱۲۲؛ غیبت طوسی: ۲۷۷؛ منتخب الاثر: ۴۸۹؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۵۴.

۳. تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء: ۷۹؛ بحار الانوار: ۵۳: ۸۵.



فصل دوازدهم

دوران نجات و پیروزی

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱؛
و ما اراده کرده ایم بر کسانی که روی زمین مورد ستم قرار گرفته اند، مَنّت بگذاریم و آنها
را رهبر مردم و وارث زمین قرار دهیم.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «آنها، آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که خداوند مهدی
آنها را پس از تلاش فراوان مبعوث می کند و آنها را عزیز، و دشمنانشان را ذلیل
می سازد.»^۲

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ سَنَةً إِخْدَى أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ خَمْسٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ
تِسْعٍ»^۳ قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فقط در سال های فرد، مثل یک، سه، پنج، هفت و
نه ظهور می کند.»

«إِذَا كَانَتِ الصَّيْحَةُ فِي رَمَضَانَ، فَإِنَّهَا تَكُونُ مَغْمَعَةً فِي سُؤَالٍ وَ تَمِيرُ الْقِبَابِلُ وَ تَتَحَارَبُ
فِي ذِي الْقَعْدَةِ وَ يُسَلَّبُ الْحَاجُّ وَ تُسْفَكُ الدَّمَاءُ فِي ذِي الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمِ، وَ مَا الْمُحَرَّمُ؟^۱.
هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ. يُقْتَلُ النَّاسُ هَرْجًا هَرْجًا! ثُمَّ يُنَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَلَا إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانَ
هُوَ الْمَهْدِيُّ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا! وَ ذَلِكَ الصَّوْتُ صَوْتُ جَبْرَائِيلَ حِينَ
يَدْعُو لِلْبَيْعَةِ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِ الْخَلَاصِ»^۲ صبحه ای در ماه رمضان شنیده می شود؛ در ماه
شوال، طایفه ها مقابل یکدیگر می ایستند؛ در ماه ذیقعد جنگ اتفاق می افتد؛ در ماه
ذیحجه حاجیان خانه خدا کشته و غارت می شوند؛ در ماه محرم، خون ها ریخته
می شود؛ تو چه می دانی که چه محرمی است! هرگز نمی توانی درک کنی! نه هرگز!
محرمی که شورش می شود و مردم دسته دسته کشته می شوند. سپس منادی از آسمان

۱. سوره مبارکه قصص، آیه ۵. ۲. الامام المهدي: ۲۶۷.

۳. اعلام الوری: ۴۳۰؛ منتخب الاثر: ۴۶۴؛ كشف الغمه ۳: ۳۲۴؛ المهدي: ۱۹۸؛ بشارة الاسلام: ۱۹۴.

۴. كشف الغمه ۳: ۲۶۰، ۲۷۷؛ بحار الانوار ۵۱: ۵۱؛ البيان: ۱۰۰؛ الملاحم والفتن: ۳.

دوران نجات و پیروزی
 مکتب مهدی قائم علیه السلام
 تبریز - پستخانه حضرت
 یوم الخلاص في ظل القائم المهدي عليه السلام

ندا می‌کند که فلاتی، پسر فلاتی، مهدی و قائم آل محمد علیهم‌السلام است، فرمان او را گوش کنید و از او اطاعت کنید. این صدا، صدای جبرئیل خواهد بود که در صبح روز موعود، میان آسمان و زمین این طور ندا خواهد کرد.»

از این حدیث و احادیثی دیگر معلوم می‌شود که ظهور قائم در روز عاشورا خواهد بود تا خداوند به این وسیله دلهای مؤمنان را شفا دهد و انتقام خون امام حسین علیه‌السلام گرفته شود. در این حدیث درباره جنگ‌ها و فتنه‌ها صحبت شده، مثل خونریزی در خانه خدا و مدینه و منی، و کشتن سفیانی.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ام شریک فرمود:

«وَيُدْعَى ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ الْخَلَاصِ فَقَالَتْ أُمُّ شَرِيكِ فَأَيُّنَ الْعَرَبِ يَوْمَئِذٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمْ يَوْمَئِذٍ قَلِيلٌ وَجُلُّهُمْ بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَإِمَامُهُمُ الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ صَالِحٌ. قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ: أُنْهَلِكُمْ وَفِينَا الصَّالِحُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَثُرَ الْخَبَثُ؛^۱ به آن روز، روز رهایی می‌گویند.» ام شریک پرسید: پس در آن روز عرب‌ها کجا هستند؟ حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «در آن روز عرب‌ها کمتر هستند و بیشتر آن‌ها در بیت المقدس زیر پرچم مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که مرد شایسته‌ای است، خواهند بود.» ام شریک گفت: ای پیامبر خدا! مگر ممکن است ما نابود شویم، در حالی که اشخاص صالح و شایسته‌ای در میان ما هست؟ حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «آری، وقتی فساد و تباهی زیاد شود.»

همان طور که در احادیث می‌بینیم درباره عرب سؤال شده است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از عرب تمجید نکرده است، گویا موقعیت امروز عرب را با چشم خود می‌دیدند که نژاد پرست هستند و مسلمانان را کوچک می‌شمارند. امام زمان علیه‌السلام در برابر این‌ها می‌جنگد.

«الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي، يُقَاتِلُ عَلَيَّ سُنَّتِي، كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلَيَّ الْوَحْيِ؛^۲ مهدی از خاندان من است، طبق سنت من می‌جنگد، همان طور که من بر اساس وحی جنگیدم.»

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَذَلِكَ حِينَ يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ. اللَّهُ! اللَّهُ! عِبَادَ اللَّهِ! فَأَتَوْهُ وَ لَوْ عَلَى السَّلْبِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ خَلِيفَتِي؛^۳ قیامت برپا نمی‌شود تا قائم ما قیام کند و زمانی قیام می‌کند که خداوند به او اجازه دهد. هر کس از او پیروی کند، نجات می‌یابد و هر کس از او اطاعت

۱. بحار الانوار ۵۱: ۸۱، منتخب الاثر: ۴۶۱؛ منابع الموده ۳: ۱۶۵، ۱۴۶؛ شرح ابن ابی الحدید ۲: ۴۹۰؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۵؛ صحیح بخاری ۹: ۶۱، ۴۸؛ كشف الغمه ۳: ۲۶۰؛ الملاحم والفتن: ۶۶؛ البيان: ۱۰۰؛ صحیح مسلم ۸: ۲۰۷؛ بشارة الاسلام: ۱۱۱؛ الزام الناصب: ۴۰ و ۴۳. ۲. منابع الموده ۳: ۹۰؛ المهدي: ۲۲۴؛ الصواعق المحرقة: ۹۸. ۳. منتخب الاثر: ۱۷۰ و ۲۰۴؛ الزام الناصب: ۵۴؛ منابع الموده ۳: ۱۶۳؛ بشارة الاسلام: ۱۰.

نکند، هلاک می شود. ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی قائم بشتابید، حتی اگر ناچار باشید روی برف ها راه بروید؛ او جانشین خدا و جانشین من است.»

بار دیگر به فرزند بزرگوارش امام حسین علیه السلام فرمود:

«ثُمَّ يَظْهَرُ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ، وَقَاتِلَ الْكُفْرَةَ، السُّلْطَانَ الْمَأْمُولُ الَّذِي تَتَحَيَّرُ فِي غَيْبِهِ الْعُقُولُ، وَهُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ. يَظْهَرُ بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ يَظْهَرُ عَلَى الثَّقَلَيْنِ وَلَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ الْأَذْنَيْنِ طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ أُدْرِكُوا زَمَانَهُ، وَلَحِقُوا أَوَانَهُ، وَشَهِدُوا أَيَّامَهُ، وَ لَاقُوا أَقْوَامَهُ! آنگاه سرور امیران، قاتل کافران، پادشاه منتظر، که در زمان غیبتش همه سرگردان می شوند، ظهور می کند. ای حسین! او نهمین فرزند توست، میان رکن و مقام ظاهر می شود و بر انس و جن پیروز می شود، بدی و انحراف را روی زمین نابود می کند. خوشا به حال مؤمنانی که او را درک کنند و دولت حق را ببینند و آن روزگار خوشبختی را ببینند و یاران باوفای او را ملاقات کنند.»

«يُرْسِلُ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الشَّامِ مَنْ يُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ، حَتَّى لَوْ قَاتَلَتْهُمْ الثَّعَالِبُ لَسَقَتَتْهُمْ!»^۱ خداوند به سوی شام کسی را می فرستد که جماعت آنها را پراکنده می کند. طوری پراکنده می شوند که اگر روباهان با آنها بجنگند، آنها را می کُشدند!

در گذشته از جنوب ترکیه تا جنوب لبنان را جزء شام می گفتند. امروزه می بینیم که رژیم قدس، مسلمانان خاورمیانه را پراکنده کرده و عرب در جنگال اسرائیل اسیر است.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

«تَكُونُ قَبْلَ الْمَهْدِيِّ فِتْنَةٌ تَخْضُرُ النَّاسَ خَضْرَاءً. فَلَا تَسُبُّوا أَهْلَ الشَّامِ بَلْ ظَلَمْتَهُمْ، فَإِنَّ الْأَبْدَالَ مِنْهُمْ. وَ سَيُرْسِلُ اللَّهُ سَبِيًّا مِنَ السَّمَاءِ فَيَفَرِّقُهُمْ حَتَّى لَوْ قَاتَلَتْهُمْ الثَّعَالِبُ غَلَبَتْهُمْ. ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ فِي إِثْنَيْ عَشَرَ أَلْفًا إِنْ قَلُوا وَ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفًا إِنْ كَثُرُوا. وَ عَلَامَتُهُمْ أَنَّهُمْ إِذَا هَجَمُوا صَرَخُوا: أَمِيتْ أَمِيتْ، ثُمَّ يَظْهَرُ فَيَرُدُّ إِلَى الْمُسْلِمِينَ أَلْفَتَهُمْ وَ نِعْمَتَهُمْ؛ أَقْبَلْ مِنْ ظُهُورِ الْمَهْدِيِّ فَتَنَةُ صَوْرَتِ مَنْ يَأْتِيهِمْ مِنْهُمْ بِسَخْتِ مَنْ أَفْتَنَهُمْ. أَهْلُ شَامٍ رَأَى نَفْرِينَ نَكَنِيذَ بَلَكَةَ سَتْمِغْرَانَ أَنْهَا رَأَى بِهَ كَمْرَاهِي كَشَانِدَهُنَّ. خَدَاوَنَدُ مِنْ أَسْمَانِ كَسِي رَأَى مِنْ فَرَسْتَدِ كَهْ مَرْدَمِ شَامٍ رَأَى پَرَاكَنَدَهْ مَسِي كَنَدِ كَهْ أَكْغَرِ بَا رُوبَاهَانَ بِجَنَگَنَدِ، شَكْتِ مَسِي خُورَنَدِ. سَبَسِ خَدَاوَنَدِ مَهْدِي رَا بِا سَبَاهِ ۱۲ يَا ۱۵ هَزَارِ نَفْرِي مَسِي فَرَسْتَدِ كَهْ رَمَزِ حَمَلَةِ أَنْهَا «بَمِيرَانَ، بِمِيرَانَ» اسْتِ. أَنْگَاهِ پِيرُوزِ مَسِي شُونَدِ وَ مَهْرَبَانِي وَ دُوسْتِي وَ نَعْمَتِ وَ آسَائِشِ مَسْلِمَاتَانِ بِرِ مَسِي گَرَدَدِ.»

۱. بشارة الاسلام: ۴۹ و ۶۶؛ منتخب الاثر: ۴۶۷؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۳۶؛ الامام المهدي: ۲۲۰؛ الزم الناصب: ۱۴۰ و ۱۸۱.

۲. بشارة الاسلام: ۱۸۳؛ للحاوي للفتاوى: ۲؛ الملاح و الفتن: ۵۲؛ منتخب الاثر: ۴۸۶. ۳. همان.

دوران دوازدهم
 مهدی قائم علیه السلام
 در سینه حضرت
 یحییٰ بن اسماعیل
 صاحب الجلال فی ظل القادر المهدی علیه السلام

اسرائیل یک بلای آسمانی است که به ملت عرب به خصوص شام (سوریه، لبنان و فلسطین) ظلم می‌کند و اموال آن‌ها را غارت می‌کند و مهربانی میان آن‌ها از بین رفته است. پیامبر ﷺ فرمود:

«يَسْتَخْرِجُ الزُّبُورَ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيةَ، فِيهَا مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ هَارُونَ، تَحْمِلُهُ الثَّلَاثُكَةُ وَ فِيهَا الْأَلْوَاخُ وَ عَصَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ زبور را از دریاچه طبریه بیرون می‌آورد که میراث آل موسی و آل هارون در آن است و فرشتگان آن را حمل می‌کنند. الواح و عصای حضرت موسی ﷺ نیز آنجا است.»

و به این ترتیب، یهودیان آن سرزمین ایمان می‌آورند.

حضرت علی ﷺ نیز می‌فرماید:

«يَسْتَخْرِجُ الْكُتُوبَ وَ يَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرُكِ؛ گنج‌ها را بیرون می‌آورد و سرزمین‌های کفر را فتح می‌کند.»

«وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ وَ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا أَنْطَاكِيَّةٌ؛^۱ به او مهدی گفته می‌شود، زیرا او به امر پنهان، هدایت می‌کند، تورات و انجیل را از سرزمین انطاکیه بیرون می‌آورد.»

امام صادق ﷺ می‌فرماید:

«وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدِي إِلَى أَمْرِ مَضْلُوقٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ؛^۲ او را مهدی قائم می‌گویند. «مهدی» از این جهت که به امر پنهانی هدایت می‌کند و «قائم» از این جهت که به حق قیام می‌کند.»

امام باقر ﷺ می‌فرماید:

«يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةَ؛^۳ تورات و کتاب‌های آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد.»

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَسْتَخْرِجُ تَابُوتَ السَّكِينَةِ مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةَ، وَ أَشْفَارَ التَّوْرَةِ مِنْ جَبَلٍ بِالشَّامِ، يُحَاجُّ بِهِ الْيَهُودَ فَيَسْلِمُ كَثِيرٌ مِنْهُمْ؛^۴ مهدی ﷺ تابوت سکینه را از غاری در انطاکیه و اشفار تورات را از کوهی در شام بیرون می‌آورد. با یهودیان اتمام حجت می‌کند

۱. ینابیع الموده ۳: ۵۳.

۲. بحار الانوار ۵۱: ۷۸؛ بشارة الاسلام: ۲۸۳؛ الزام الناصب: ۵۲؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۱۳۶؛ المهدی: ۲۳۳؛ ینابیع الموده ۳: ۱۰۸، ۱۰۸؛ کشف الغمہ ۳: ۲۶۰؛ البیان: ۹۵؛ الملاحم و الفتن: ۱۱۶.

۳. بشارة الاسلام: ۲۴۲؛ الملاحم و الفتن: ۵۴؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۹؛ بحار الانوار ۵۱: ۲۵ و ۵۲؛ غیبت نعمانی: ۱۲۴؛ المهدی: ۲۲۷؛ ینابیع الموده ۳: ۱۳۶. ۴. الامام المهدی: ۲۷۳؛ بشارة الاسلام: ۲۵۳، ۲۳۲؛ الزام الناصب: ۱۴۲.

۵. الزام الناصب: ۱۴۲، ۵۵؛ بشارة الاسلام: ۲۴۲؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۰.

۶. منتخب الاثر: ۳۰۹؛ المهدی: ۲۲۸؛ اسعاف الراغبین: ۱۳۸.

و عدة زیادی به اسلام می پیوندند.»

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ فِي غَارِ ثَوْرٍ، فِي جَبَلِهَا، رَضْرَاضاً مِنْ أَلْوَابِ مُوسَى وَ كِسْرٍ عَصَاهُ، وَ رَضْرَاضاً فِيهِ تَابُوتُ السَّكِينَةِ، فَلَيْسَ تَمْرٌ سَحَابَةٌ شَرْقِيَّةٌ وَ لَا غَرْبِيَّةٌ وَ لَا كُوفِيَّةٌ وَ لَا قَبْلِيَّةٌ إِلَّا أَحَبَّتْ أَنْ تُلْقَى بِرَكَّتِهَا. وَ لَا تَمُضِي الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَسْتَخْرِجَهَا الْمَهْدِيُّ؛^۱ ا در غار ثور تکه هایی از الواح موسی و شکسته های عصای موسی و تابوت سکینه می باشد، هیچ ابری از شرق و غرب و کوفه و قبله عبور نمی کند، مگر این که دوست دارد از آن ها تبرک بجوید و شب ها و روزها می گذرد تا مهدی آن ها را بیرون آورد.»

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ الْقَائِمُ علیه السلام بِأَنْطَاكِيَّةَ فَيَسْتَخْرِجُ مِنْهَا التُّورَةَ مِنْ غَارٍ فِيهِ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ؛^۲ نخستین کاری که قائم علیه السلام در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی و انگشتر سلیمان در آن است.»

«وَ فِي بَيْتِ الْمُقَدَّسِ يَسْتَخْرِجُ تَابُوتَ السَّكِينَةِ وَ خَاتَمَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ الْأَلْوَابَ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى مُوسَى؛^۳ او در بیت المقدس، تابوت سکینه، انگشتر سلیمان، و الواحی را که بر موسی نازل شده، بیرون می آورد.»

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می فرماید:

«يُظْهَرُ عَلَى يَدَيْهِ تَابُوتُ السَّكِينَةِ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، يُحْمَلُ فَيُوضَعُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِسَيْتِ الْمُقَدَّسِ، فَإِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِ الْيَهُودُ أَسْلَمَتْ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ؛^۴ قائم علیه السلام تابوت سکینه را از دریاچه طبریه بیرون می آورد و همراه خود به بیت المقدس می آورد. وقتی یهودیان آن را ببینند، همه آن ها به جز تعداد کمی، اسلام را می پذیرند.»

امام صادق علیه السلام فرموده است:

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى قَضِيبَ آسٍ مِنْ غَرَسِ الْجَنَّةِ أَتَاهُ بِهَا جِبْرِئِيلُ علیه السلام لَمَّا تَوَجَّهَ تَسْلُفًا مَدِينٍ وَ هِيَ وَ تَابُوتُ آدَمَ فِي بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ وَ لَنْ يَبْلُغَا وَ لَنْ يَتَغَيَّرَا حَتَّى يُخْرِجَهَا الْقَائِمُ إِذَا قَامَ علیه السلام؛^۵ عصای موسی از چوب آس، از درختان بهشتی بود که هنگام سفر به مدین، جبرئیل آن را به او داده بود. عصای موسی و تابوت آدم در دریاچه طبریه می باشد، آن ها پوسیده نمی شوند و رنگشان تغییر نمی یابد تا قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هنگام ظهورش آن ها را بیرون آورد.»



۱. الملاحم والفتن: ۱۱۶؛ ينابيع الموده: ۳: ۱۳۶ و ۱۶۷. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۳۹۰؛ بشارة الاسلام: ۲۵۳.
 ۳. الزام الناصب: ۲۰۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۵۱ و ۳۹۰. ۴. المهدي: ۲۲۷، ۲۴؛ الملاحم والفتن: ۵۷؛ الحاوي للفتاوى: ۲: ۳۵۱.
 ۵. غيب نعماني: ۱۲۵؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۵۱.

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَسْتَخْرِجُ كُتُبًا مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةَ، وَيَسْتَخْرِجُ الزَّبُورَ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، فِيهَا مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَفِيهَا الْأَلْوَاحُ وَعَصَا مُوسَى؛^۱ مهدي - عجل الله تعالی فرجه الشریف - کتاب‌هایی را از غار انطاکیه، و زیور را از دریاچه طبریه در فلسطین بیرون می‌آورد؛ میراث آل موسی و آل هارون و الواح و عصای موسی در آنجاست که آن‌ها را فرشتگان حمل می‌کنند.»

به این ترتیب مهدی علیه السلام یهود را در خاورمیانه نابود می‌کند. کسانی که حقیقت را درک می‌کنند و به اسلام ایمان می‌آورند. کسانی که از او سرپیچی می‌کنند، به کیفر خود می‌رسند و این نزدیک شدن ظهور را بشارت می‌دهد، زیرا قرآن کریم می‌فرماید: ﴿او خداوندی است که کافران اهل کتاب را از دیارشان بیرون کرد.﴾^۲

یعنی آن‌ها پس از حمله بخت‌النصر از دیار خود بیرون کرد، سپس با آن‌ها جنگید و آن‌ها را از وطنشان دور کرد. داستان «بالفور» اتفاق افتاد و این نشانه نزدیک شدن ظهور است که طبق وعده بالفور^۳ در سرزمین موعود جمع می‌شوند و این واقعه نزدیک قیامت تحقق خواهد یافت.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هنگامی که وعده آخر فرارسید، شما را یکجا جمع می‌کنیم.﴾^۴ یعنی وقتی ضربه نهایی به یهود زده شد، آن‌ها را از همه جای جهان در یک نقطه جمع می‌کنیم تا یهود را نابود کند.

قبل از وعده بالفور، پیامبر صلی الله علیه و آله این حقیقت را هزار و چهار صد سال پیش بیان فرموده و امامان علیهم السلام آن را نقل کرده‌اند. ما در بخش دیگری درباره این آیه و آیه قبل سخن خواهیم گفت و اشتباهات مفسرین را بیان می‌کنیم و توضیح خواهیم داد که اشتباه مفسران به خاطر کمبود وسایل تحقیق و نرسیدن زمان تحقق می‌باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ؛ عصای موسی و انگشتر سلیمان در دست او

خواهد بود.»

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

۱. الزام الناصب: ۷۲. ۲. سوره مبارکه حشر، آیه ۲.

۳. بالفور، یکی از مردان سیاسی انگلیس بود که در جنگ جهانی اول وزیر نیروی دریایی انگلیس شد، و بعد وزیر امور خارجه شد و در دوم نوامبر ۱۹۱۷ به عنوان وزیر امور خارجه پیمانی امضا کرد که براساس آن دولت بریتانیا متعهد شد که پس از جنگ، کشوری را یهودیان در سرزمین فلسطین ایجاد کند. این قرارداد به عنوان «وعده بالفور» شناخته شد. الموسوعه العربيه الميسره: ۳۹۹.

۴. سوره مبارکه اسراء، آیه ۱۰۴. ۵. منتخب الاثر: ۲۲۱.

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِأَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَإِنَّهَا لَعِنْدَنَا وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا أَنْفَاءٌ وَهِيَ خَضْرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَزَعَتْ مِنْ شَجَرَتِهَا وَإِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقَتْ أُعِدَّتْ لِقَائِمِنَا عَلَيْهِ يَضْنَعُ بِهَا مَا كَانَ يَضْنَعُ مُوسَى وَإِنَّهَا لَتُرْوَعُ وَتَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ* وَتَضْنَعُ مَا تَوْمَرُ يُفْتَحُ لَهَا شُعْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا فِي الْأَرْضِ وَالْأُخْرَى فِي السَّقْفِ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا! عَصَايَ مُوسَى ابْتَدَأَ فِي دَسْتِ آدَمَ بُوْد، سَبَسَ بِه دَسْتِ شَعِيبَ رَسِيدِ وَ سِرَانَجَامَ بِه دَسْتِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ رَسِيدِ وَ اَكْنُونَ فِي دَسْتِ مَاسْتِ. وَ اَنَ دَرِخْتِ مَآنَنَدِ رُوزِي كِه اَز دَرِخْتِ بَرِيدِه شُد، سَبَزِ اسْتِ. بِا اَيْنِ عَصَا هِر وَقْتِ سَخْنِ بَكُويِمِ سَخْنِ مِي كُويِد، اَيْنِ عَصَا بِرَايِ قَائِمِ مَا آمَادِه شُدِه كِه مَآنَنَدِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ اَنَ رَا بِه كَارِ مِي بِرِدَا اَيْنِ عَصَا اَهْلِ بَاطِلِ رَا مِي تَرَسَانَدِ وَ هِر چِه بِيِنْدَا زَنَدِ مِي بِلَعْدِ وَ اَنچِه حَجْتِ خُدَا فَرْمَانَ بَدِهَد، اطَاعَتِ مِي كِنَد. وَ قَتِي دِهَانَ بَكُشَايِد، فَاصِلَةُ دُ وَفَكِ اَنَ اَز زَمِينِ تَا سَقْفِ مِي بَاشَد كِه هِر چِه بِيِنْدَا زَنَدِ بَا زَبَانِشِ مِي بِلَعْدَا»

امام صادق عليه السلام نیز می فرماید:

«الْوَا حُ مُوسَى عِنْدَنَا - وَ عَصَا مُوسَى عِنْدَنَا وَ نَحْنُ وَرَثَةُ النَّبِيِّينَ؛ الْوَا حُ مُوسَى نَزْدِ مَاسْتِ، عَصَايَ مُوسَى نَزْدِ مَاسْتِ وَ مَا وَارِثِ بِبِامِيرَانَ هَسْتِيم.»

این حدیث با احادیث قبلی فرقی ندارد، ممکن است برخی از میراث پیامبران نزد امامان علیهم السلام باشد و برخی دیگر در غارها و کوههایی باشد که آن‌ها را حضرت مهدی علیه السلام بیرون بیاورد و به چیزهای دیگر که در نزدش هست اضافه نماید. و ممکن است آنچه نزد امامان علیهم السلام بود در زمان غیبت در برخی از مناطق زمین مدفون باشد که پس از ظهور قائم بیرون آورده شود.

هنگام ظهور، قائم علیه السلام، روز جمعه نهم محرم الحرام، خطیب آن‌ها را به قتل می‌رساند و از دیده‌ها مخفی می‌شود و وقتی پاسی از شب گذشت، به پشت بام کعبه رفته، یاران خود را از مشرق و مغرب جهان دعوت می‌کند؛ آن‌ها به او لبیک گفته و صبح شنبه در مسجد الحرام جمع می‌شوند و در روز شنبه دهم محرم الحرام مردم را به بیعت آن حضرت دعوت می‌کنند.^۳

حضرت علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«وَ اَللّٰهُ كَانِي اَنْظُرُ اِلَيْهِ دَخَلَ مَكَّةَ وَ عَلَيْهِ بُرْدَةٌ رَسُوْلِ اَللّٰهِ ﷺ وَ عَلَيَّ رَاسُهُ عِمَامَةٌ صَفْرَاءُ وَ فِي رِجْلَيْهِ نَعْلَا رَسُوْلِ اَللّٰهِ ﷺ الْمَخْصُوفَةُ وَ فِي يَدِهِ هِرَاوَتُهُ يَسُوقُ بَيْنَ يَدَيْهِ عَسَاوًا

۱. اصول کافی ۱: ۲۳۱؛ اختصاص مفید: ۲۶۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۱۸؛ بشارة الاسلام: ۲۶۰؛ الزام الناصب: ۲۲۴. اوصاف عصای موسی را در مجمع البحرین ۲: ۶؛ اصول کافی ۱: ۲۲۵ و ۲۳۱ بخوانید. ۲. الزام الناصب: ۷. ۳. همان: ۱۹۰.

دوران نجات
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 یوم الحرام فی ظالم القادر المهدی علیه السلام

عِجَافًا حَتَّى يَصِلَ بِهَا نَحْوَ الْبَيْتِ لَيْسَ ثُمَّ أَحَدٌ يَعْرِفُهُ؛^۱ به خدا سوگند، گویا او را با چشم خود می بینم که وارد مکه شده در حالی که بُرد پیامبر ﷺ را بر تن و عمامه ای زرد بر سر دارد، کفش های پیامبر ﷺ را پوشیده و نیزه پیامبر ﷺ در دست اوست. جلوی او بزهای لاغری حرکت می کنند، و او آنها را به سوی کعبه می برد که آنجا کسی او را نمی شناسد.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَيُضِيحُ النَّاسُ بِمَكَّةَ فَيَقُولُونَ مَنْ هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بِجَانِبِ الْكَعْبَةِ وَمَا هَذَا الْخَلْقُ الَّذِينَ مَعَهُ وَمَا هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي رَأَيْنَاهَا اللَّيْلَةَ وَ لَمْ تَرِ مِثْلَهَا فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ هَذَا الرَّجُلُ هُوَ صَاحِبُ الْعَنِيزَاتِ؛^۲ هنگام صبح، مردم مکه می گویند: مردی که کنار کعبه ایستاده، کیست؟ و این مردمی که دور او جمع شده اند چه کسانی هستند؟! و این نشانه ای که امشب دیدیم و تاکنون شبیه آن را ندیده بودیم، چیست؟! برخی به برخی دیگر می گویند: او صاحب بزهاست که دیروز با بزهایش وارد مکه شد.»

روایات حضرت علی علیه السلام

يُظْهِرُ فِي شُبْهَةِ لَيْسْتَيْنِ فَيَعْلَمُو ذِكْرَهُ وَيُظْهِرُ أَمْرَهُ وَيُنَادِي بِاسْمِهِ وَ كُنْيَتِهِ وَ نَسَبِهِ وَ يَكْثُرُ ذَلِكَ عَلَى أَقْوَامِ الْمُحِقِّينَ وَ الْمُبْطِلِينَ وَ الْمُوَافِقِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ لِتَلَزَمَهُمُ الْحُجَّةُ بِمَعْرِفَتِهِمْ بِهِ عَلَى أَنَّهُ قَدْ قَضَيْنَا وَ دَلَّلْنَا عَلَيْهِ وَ نَسَبْنَاهُ وَ سَمَّيْنَاهُ وَ كُنْيْنَاهُ وَ قُلْنَا سَمِيَّ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ كُنْيَتُهُ لَيْسًا يَقُولُ النَّاسُ مَا عَرَفْنَا لَهُ اسْمًا وَ لَا كُنْيَةً وَ لَا نَسَبًا وَ اللَّهُ لَيَسْتَحَقُّ الْإِيضَاحُ بِهِ وَ بِاسْمِهِ وَ نَسَبِهِ وَ كُنْيَتِهِ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ حَتَّى لَيْسَمِيَهُمْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كُلُّ ذَلِكَ لِلزُّومِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ كَمَا وَعَدَ بِهِ جَدُّهُ ﷺ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛^۳ قائم علیه السلام هنگام شبیه و فتنه ظهور می کند تا آشکار گردد و نامش بلند شود و کارش روشن گردد و او را با نام و کنیه و نسبش میان آسمان و زمین صدا بزنند و اهل حق و اهل باطل، دوست و دشمن، نام او را به زبان می آورند تا حجت تمام شود و همه او را بشناسند. و مانیز همواره نام و نشان او را گفته ایم و از نام و نسب و کنیه او سخن گفته ایم و توضیحی داده ایم که او هم نام جدش پیامبر ﷺ و هم کنیه با اوست، تا کسی نگوید که من نسب و کنیه و نام و نشان او را نشناختم. به خدا سوگند، آنقدر نام و نسب و کنیه او بر زبان ها جاری خواهد شد تا کسی دچار شک نشود. این ها باعث می شود که حجت برای

دوران رها ب
مهدی قائم علیه السلام
در پستانه حضرت
تو نور الحادش ظل القادر المهدی علیه السلام

۱. بحار الانوار ۵۳: ۶؛ بشاره الاسلام: ۲۶۹؛ غیبت نعمانی: ۱۲۰؛ بحار الانوار ۵۳: ۴۰۳؛ نور الابصار: ۲۲۸؛ بشاره الاسلام: ۹۹، ۲۶۵.

۲. بشاره الاسلام: ۲۶۹؛ الزام الناصب: ۲۱۶.

۳. الزام الناصب: ۲۱۵؛ شرح ابن حدید ۲: ۱۷۹؛ غیبت نعمانی: ۱۲۰؛ بحار الانوار ۵۳: ۴۰۳؛ نور الابصار: ۲۲۸؛ بشاره الاسلام: ۹۹، ۲۶۵.

همه تمام شود. سپس همان طور که جدش پیامبر ﷺ وعده داده است، به اذن خداوند ظهور می‌کند. طبق این آیه: ﴿او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه ادیان پیروز شود، اگر چه مشرکان از این خوشحال نیستند﴾^۱.

و پس از قرائت این آیه فرمود:

«هُوَ الْإِمَامُ الَّذِي يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ هَذَا مِنَ الَّذِي تَأْوِيلُهُ بَعْدَ تَنْزِيلِهِ؛ او امامی است که به وسیله او دین اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد و این از آیاتی است که تفسیر آن بعد از نزول آن تحقق خواهد یافت.»

سعید بن جبیر هم درباره این آیه می‌گوید: او مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است.^۲

حضرت علی علیه السلام وقتی درباره بنی امیه سخن می‌گفت، فرمود:

«وَ اَيْمُ اللَّهِ لَوْ فَرَّقْتُكُمْ تَحْتَ كُلِّ حَجَرٍ لَجَمَعَكُمْ اللَّهُ لِشَرِّ يَوْمٍ لَهُمْ فَاَنْظُرُوا اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَاِنْ كَبَدُوا فَالْبَدُوا وَاِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فَانصُرُوهُمْ لَيَفْرَجَنَّ اللَّهُ بِرَجُلٍ مِّنْ اَهْلِ الْبَيْتِ بِأَبِي اَبْنِ خَيْرَةِ الْاِمَاءِ لَا يُعْطِيهِمْ اِلَّا السَّيْفَ هَرْجاً هَرْجاً مَوْضِعاً عَلَيَّ عَائِقِهِ ثَمَانِيَةَ حَتَّى تَقُولَ قُرَيْشُ لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَحِمْنَا يُغْرِيهِ اللَّهُ بِبَنِي اُمِّيَّةَ فَيَجْعَلُهُمْ تَحْتَ قَدَمَيْهِ وَ يَطْحَنُهُمْ طَحْنَ الرَّحَى - مَلْعُونِينَ اَيْنَمَا ثَقِفُوا اخِذُوا وَ قَتَلُوا تَقْتِيلاً سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِيْنَ خَلَقُوا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ؛ به خدا سوگند، اگر شمارا زیر سنگ‌ها پراکنده کنند، خداوند در روزی که برای آن‌ها بدترین روزهاست، شمارا جمع می‌کند. شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید، اگر آن‌ها ساکت شدند و در خانه نشستند، شما نیز سکوت کرده به زمین بچسبید، و اگر از شما کمک خواستند، آن‌ها را یاری کنید. البته خداوند به وسیله مردی از ما اهل بیت، ناگهان گشایشی می‌آورد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است، هشت ماه شمشیر بر دوش خواهد گذاشت و بنی امیه را می‌کشد. قریش اعتراض می‌کنند و می‌گویند: اگر او از فرزندان فاطمه بود به ما رحم می‌کرد!»

خداوند او را بر بنی امیه مسلط خواهد نمود تا آن‌ها را زیر پاهایش پایمال سازد و با آن‌ها مانند سنگ آسیاب رفتار کند: ﴿آن‌ها لعنت شده‌ها هستند، هر کجا باشند، دستگیر شده و کشته می‌شوند، چه کشته شدنی؟! این سنت خدا درباره کسانی است که قبلاً آمدند و رفتند. سنت خدا هرگز تغییر و تبدیل نخواهد داشت﴾^۳.

در این حدیث، امیر مؤمنان علیه السلام، به پایمردان و ثابت قدمان مزده می‌دهد که در چنین

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۳۴. ۲. الزام الناصب: ۳۰. ۳. همان: ۱۷۳.

۴. منتخب الاثر: ۱۷۲، ۲۳۸؛ اصول کافی: ۲: ۳۲۳؛ شرح ابن ابی الحدید: ۲: ۱۷۸؛ الزام الناصب: ۲۷؛ بتایبع الموده: ۳: ۱۹۲، ۱۷۵؛ غیبت نعمانی: ۱۶۵؛ بشارة الاسلام: ۱۹۹؛ الملاحم والفتن: ۵۳؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۴۶؛ نهج البلاغه: ۱: ۲۰۵.

۵. سوره مبارکه احزاب، آیه ۶۳-۶۱.

روز مبارکی زیر پرچم حق جمع می‌شوند و روز بسیار سختی برای دشمنان است.
 «إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَايَةً مَنْ تَقَدَّمَهَا سُرِقَ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَهَقَ وَمَنْ تَبِعَهَا لِحِقَ يَكُونُ مَكْتُوبًا فِي رَايَتِهِ: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ!»^۱ ما اهل بیت پرچمی داریم که هر کس از آن جلوتر برود، کشته می‌شود و هر کس از آن عقب بماند، هلاک می‌گردد، و هر کس از آن پیروی کند به آن می‌پیوندد. روی آن پرچم نوشته می‌شود: «بیعت مخصوص خداست.»

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَيْعَتَهُ خُرُوجًا مِنَ الْعُقَّةِ وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ؛ خدایا! غم و اندوه را از کسی که با او بیعت می‌کند، دور کن و به وسیله او امت را از گسستگی نجات بده تا با هم متحد بشوند.»

«إِذَا هَزَّ رَايَتُهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا ضَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛^۲ وقتی پرچم او برافراشته می‌شود، مشرق و مغرب با نور آن روشن می‌شود و خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد؛ دل مؤمنان روی زمین، سخت‌تر و نیرومندتر از آهن می‌شود و هر مؤمنی به اندازه چهل مرد نیرو پیدا می‌کند.»

امام باقر علیه السلام نیز مانند این روایت را بیان کرده‌اند و اضافه کرده‌اند:

«هیچ مؤمنی نیست مگر این که دلش شاد و مسرور شود.»^۳

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«رَايَتُهُ مِرْطٌ مُخْتَلِةٌ سَوْدَاءٌ، مُرَبَّعَةٌ فِيهَا جَمَمٌ، لَمْ تُنْشَرْ مِنْذُ تُوَفِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَلَا تُنْشَرُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ. يُمِدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَضْرِبُونَ وَجُوهُ أَعْدَائِهِ وَأَذْبَارَهُمْ؛^۴ پرچم او مخمل مشکی، چهارگوش و کرک دار است که درازی آن کمی بیشتر از پهنای آن است. از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمود، این پرچم باز نشده و باز نخواهد شد تا روزی که مهدی ظهور کند. خداوند او را با سه هزار فرشته یاری می‌کند که به سر و صورت دشمنانش می‌زنند.»

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز مانند این روایت را بیان کرده‌اند.

«يُنْشَرُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّوْدَاءُ فَيَسِيرُ الرَّعْبُ قَدَّامَهَا شَهْرًا وَعَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا وَعَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا وَيَكُونُ عَلَيْهِ قَمِيصٌ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الَّذِي كَانَ يَرْتَدِيهِ فِي يَوْمِ أُحُدٍ وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَتُهُ السَّخَابُ وَبِيَدِهِ سَيْفُهُ ذُو الْفَقَارِ يُجَرِّدُهُ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ؛^۵ پرچم سیاه

۱. الملاحم والفتن: ۱۳۵، ۵۵؛ بتابع الموده: ۳، ۹۲؛ المهدي: ۹۷؛ الحاوي للفتاوى: ۲، ۱۵۰؛ بشارة الاسلام: ۲۰۲؛ منتخب الاثر: ۳۱۹.
 ۲. منتخب الاثر: ۱۸۶؛ اعلام الوری: ۴۳۵؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۹۱، ۳۲۸؛ بشارة الاسلام: ۲۰۱، ۱۹۹؛ الزام الناصب: ۱۳۹، ۳. ممان.
 ۳. الحاوي للفتاوى: ۲، ۱۴۷؛ عيون الاخبار: ۱، ۲۳۳؛ الملاحم والفتن: ۵۸؛ الزام الناصب: ۲۵۹.
 ۴. بشارة الاسلام: ۱۹۹؛ غيب نعماني: ۱۶۵؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۹۱؛ الزام الناصب: ۱۳۹، ۱۸۹.

پیامبر ﷺ را به اهتزاز در می آورد، ترس از او از جلو، راست و چپ تا مسافت یکماه را فرا می گیرد. پیراهنی را که پیامبر ﷺ در روز احد پوشیده بود می پوشد، زره بزرگ پیامبر ﷺ را می پوشد و عمامه سحاب آن حضرت را به سر می گذارد و ذوالفقار را به دست می گیرد و هشت ماه آن را بدون غلاف در دست نگه می دارد.»

طبق این حدیث، ترس از قیام مهدی علیه السلام در همه جهان منتشر می شود و هیچ کس نمی تواند در برابر او مقاومت کند و هر کس مقابل او بایستد، شکست می خورد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْتُورًا غَضْبَانًا أَسْفًا لِقَضَبِ اللَّهِ عَلَىٰ هَذَا الْخَلْقِ عَلَيْهِ قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ وَعِمَامَتُهُ السَّحَابُ وَدِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّابِقَةُ وَسَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ذُو الْفَقَارِ يُجْرَدُ السَّيْفَ عَلَىٰ عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرْجَاءً؛ دست انتقام الهی به خاطر خشم خداوند، غضبناک ظهور می کند، پیراهن پیامبر ﷺ را که در روز احد پوشیده بود به تن می کند، و عمامه سحابش را بر سر می گذارد، زره بزرگ پیامبر ﷺ را می پوشد و شمشیر پیامبر ﷺ، ذوالفقار را به دست می گیرد، هشت ماه شمشیر می کشد و دشمنان خدا را بدون ترس می کشد.»

امیر مؤمنان علیه السلام درباره جنگ های حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«بَعْدَ أَنْ يَخْرُجُ، يَخْرُجُ إِلَيْهِ سَبْعُ رَايَاتٍ مِنَ الشَّامِ قَبْلَهُنَّ مَهْمٌ؛ بعد از ظهور او، هفت گروه با پرچم از شامات به سوی او حرکت می کنند که مهدی علیه السلام آن ها را شکست می دهد.»

سپس درباره تفاوت جنگ های خود با جنگ های حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«كَانَ لِي أَنْ أَقْتَلَ الْمُؤْمِنِيَّ وَأَجْهَزَ عَلَى الْجَرِيحِ وَلَكِنْ تَرَكْتُ ذَلِكَ لِلْعَاقِبَةِ مِنْ أَصْحَابِي إِنْ جُرِحُوا لَمْ يُقْتَلُوا وَالْقَائِمُ لَهُ أَنْ يَقْتَلَ الْمُؤْمِنِيَّ وَيُجْهَزَ عَلَى الْجَرِيحِ؛ من حق داشتم که فراری را بجویم و مجروح را بکشم، ولی به خاطر حال یارانم، این کار را انجام ندادم تا زخمی های آن ها کشته نشوند، اما قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - این حق را دارد که فراری و زخمی را بکشد.»

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ؛ به روش پیامبر ﷺ میان آن ها رفتار می کند و راه و روش آن حضرت علیه السلام را انجام می دهد.»

معلی بن خنیس پرسید: آیا هنگام ظهور، مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برخلاف روش

۱. الزام الناصب: ۱۸۹؛ غیبت نعمانی: ۱۶۵؛ بحار الأنوار ۵۲: ۳۶۱. ۲. الملاحم والفتن: ۵۲.

۳. غیبت نعمانی: ۱۲۱؛ بحار الأنوار ۵۲: ۳۵۳؛ بشارة الاسلام: ۱۹۸.

۴. الامام المهدي: ۲۷۲؛ سفينة البحار ۲: ۷۰۵؛ ارشاد مقید: ۳۹۱.



حضرت علی علیه السلام رفتار می‌کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«نَعَمْ وَ ذَاكَ أَنَّ عَلِيًّا سَارَ بِالْمَنْ وَ الْكُفَّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِيعَتَهُ سَيُظْهِرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَ السَّنْبِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهِرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا؛ آری، زیرا علی علیه السلام با منت و کرامت با آن‌ها رفتار می‌کرد، چون او می‌دانست که شیعیان او بعد از او، به دست ستمگران پست گرفتار می‌شوند؛ ولی هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، با زبان شمشیر با آن‌ها سخن می‌گوید، زیرا می‌داند که شیعیان او هرگز به دست دشمنان شکست نخواهند خورد.»

بار دیگر از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت قائم علیه السلام - عجل الله تعالی فرجه الشریف - میان

مردم طبق سیره حضرت علی علیه السلام رفتار می‌کند؟ حضرت فرمود:

«لَا وَ أَمْرٌ إِضْبَعُهُ عَلِيٌّ حَلَقَهُ فَقَالَ هَكَذَا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِكُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ نَجِيًّا شَاهِدًا عَلَيْهِمْ شَافِعًا لِأُمَّتِهِمْ؛^۱ «نه!» آنگاه با انگشت خود به گردش اشاره کرد و فرمود: «این چنین.» یعنی با منطق شمشیر. و سپس فرمود: «هر اهل بیتی نجیبی دارد که شاهد و شفاعت کننده نجیبان قوم خود باشد.»

حضرت علی علیه السلام در یک حدیث طولانی درباره بیعت یاران حضرت مهدی

عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌فرماید:

«... با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، به مسلمان دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی حمله نکنند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، درباره چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، لباس حریر و خز نپوشند، مقابل طلا و نقره سر فرود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، همجنس بازی نکنند، مواد غذایی و گندم و جو انبار نکنند، به کم قانع باشند، طرفدار پاکی باشند، از ناپاکی دوری کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، لباس‌های خشن نپوشند، بالش خود را از خاک قرار دهند، در راه خدا جهاد کنند، و ...»

او نیز در حق خود تعهد می‌کند که: در مسیر آن‌ها حرکت کند، مانند آن‌ها لباس بپوشد، مرکبی مانند مرکب آن‌ها سوار شود، همان طور که آن‌ها می‌خواهند باشد، به کم راضی و قانع شود، زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند همان طور که از ستم پر شده

۱. غیبت نعمانی: ۱۲۱؛ بحار الانوار: ۲: ۳۱۸، ۳۵۳؛ بشارة الاسلام: ۲۷۷، ۲۵۶؛ الزام الناصب: ۲۲۹.

۲. بحار الانوار: ۵۲: ۳۱۳؛ بشارة الاسلام: ۲۴۷.

است، خدا را آنچنانکه شایسته است بپرستد، نگهبانی برای خود انتخاب نکند، و ...»^۱
پیامبر ﷺ درباره سپاه سفیانی که مدینه را خراب کرده و برای مقابله با حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به مکه می آید، می فرماید:

«يَبْعَثُ اللَّهُ جِبْرَائِيلَ فَيَقُولُ يَا جِبْرَائِيلُ اذْهَبْ فَأَبْدِهِمْ فَيَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ ضَرْبَةً يَخْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ عِنْدَهَا وَلَا يُقَلَّتْ مِنْهَا إِلَّا رَجُلَانِ مِنْ جُهَيْنَةَ؛^۲ خداوند جبرئیل را می فرستد و به او می فرماید: برو آن‌ها را نابود کن. پس با پای خود بر زمین می زند و خداوند همه آن‌ها را در زمین فرو می برد و جز دو نفر از اهل جهینه، کسی از آن‌ها زنده نمی ماند.»

یعنی جبرئیل در سرزمین پیدا با پای خود به زمین می زند، و زمین سپاه سفیانی را به استثنای دو نفر، در خود فرو می برد.

حضرت علی عليه السلام درباره سپاه سفیانی می فرماید:

«و يُخْرِجُ رَجُلٌ مِّنَ الْجَيْشِ فِي طَلَبِ نَاقَةٍ لَهُ، ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ فَلَا يَجِدُ مِنْهُمْ أَحَدًا وَ لَا يُحِسُّ بِهِمْ. وَ هُوَ الَّذِي يُحَدِّثُ النَّاسَ بِخَبَرِهِمْ؛^۳ یکی از سپاهیان، به دنبال شتری از سپاه جدا می شود و وقتی باز می گردد، سپاه را پیدا نمی کند. او زنده می ماند تا خبر سپاه را برای مردم بازگو کند.»

و نیز می فرماید:

«ثُمَّ يَقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ عليه السلام رَجُلٌ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاهُ وَ يَقِفُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ يَا سَيِّدِي أَنَا بَشِيرٌ أَمَرَنِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ الْحَقَّ بِكَ وَ أَبَشَّرَكَ بِهَلَاكِ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ بِالْبَيْدَاءِ فَيَقُولُ لَهُ الْقَائِمُ عليه السلام بَيْنَ قِصَّتِكَ وَ قِصَّةِ أَخِيكَ فَيَقُولُ الرَّجُلُ كُنْتُ وَ أَخِي فِي جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ وَ خَرَّبْنَا الدُّنْيَا مِنْ دِمَشْقَ إِلَى الزُّوْرَاءِ وَ تَرَكْنَاهَا جَمَاءً وَ خَرَّبْنَا الْكُوفَةَ وَ خَرَّبْنَا الْمَدِينَةَ وَ كَسَرْنَا الْمِثْبَرَةَ فِي حَضْرَةِ الرَّسُولِ وَ رَأَيْتُ بَعَالَنَا فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ خَرَجْنَا مِنْهَا وَ عَدَدْنَا ثَلَاثِمِائَةَ أَلْفٍ رَجُلٍ نُرِيدُ إِخْرَابَ الْبَيْتِ وَ قَتْلَ أَهْلِهِ فَلَمَّا صِرْنَا فِي الْبَيْدَاءِ عَرَّسْنَا فِيهَا فَصَاحَ بِنَا صَاحٌ يَا بَيْدَاءُ أَيُّدِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فَانْفَجَرَتِ الْأَرْضُ وَ ابْتَلَعَتْ كُلَّ الْجَيْشِ فَوَ اللَّهُ مَا بَقِيَ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ عِقَالُ نَاقَةٍ فَمَا سِوَاهُ غَيْرِي وَ غَيْرُ أَخِي فَإِذَا نَحْنُ بِمَلِكٍ قَدْ ضَرَبَ وَجُوهَنَا فَصَارَتْ إِلَيَّ وَ رَأَيْتُنَا كَمَا تَرَى فَقَالَ لِأَخِي وَ يَلِكُ يَا تَذِيرُ امْضِ إِلَى الْمَلْعُونِ السُّفْيَانِيِّ بِدِمَشْقَ فَأَنْذِرْهُ بِظُهُورِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ عَرَّفْهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ جَيْشَهُ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَالَ لِي يَا بَشِيرُ الْحَقُّ بِالْمَهْدِيِّ بِمَكَّةَ وَ بَشَّرَهُ بِهَلَاكِ الظَّالِمِينَ وَ تَبَّ عَلَى يَدِهِ فَإِنَّهُ يَقْبَلُ تَوْبَتَكَ فَيَمُرُّ الْقَائِمُ عليه السلام يَدُهُ عَلَى وَجْهِهِ فَيَرُدُّهُ سَوِيًّا كَمَا كَانَ وَ

دوره نجات
 مهدی قائم علیه السلام
 در سپاه حضرت
 نور الخاقانی
 ظل القادر الهادي علیه السلام

۱. منتخب الاثر: ۴۶۹؛ الملاحم والفتن: ۲۲، ۲۹؛ الزام الناصب: ۲۰۱.

۲. الامام المهدي: ۵۲، ۵۱؛ الملاحم والفتن: ۴۹؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۶۰. ۳. همان.

يُنَايِعُهُ وَيَكُونُ مَعَهُ؛ سپس مردی که صورتش به طرف پشت سرش قرار دارد، به سوی قائم علیه السلام می شتابد و می گوید: من بشیر هستم و فرشته ای به من دستور داد که نزد تو بیایم و تو را بشارت بدهم که سپاه سفیانی در سرزمین بیدا نابود خواهد شد. قائم علیه السلام می فرماید: داستان خود و برادرت را بیان کن. او می گوید: من و برادرم در سپاه سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) خراب کردیم و به تل خاکی مبدل ساختیم، کوفه را خراب کردیم، مدینه را خراب کردیم و منبر آن را در مسجد النبی شکستیم و مرکب های خود را در مسجد النبی بستیم. از مدینه با سپاه سی هزار نفری برای خراب کردن کعبه و کشتار مردم مکه بیرون آمدیم. وقتی به سرزمین بیدا رسیدیم، مدتی در آنجا ماندیم. ناگهان بانگی برآمد که: ای سرزمین بیدا قوم ستمگر را نابود کن! سپس زمین شکافته شد و همه سپاه را در کام خود فرو برد، به خدا سوگند که به جز من و برادرم چیزی روی زمین باقی نماند. حتی افسار شتری هم نماند. ناگهان فرشته ای ظاهر شد و به صورت ما زد و صورت ما به عقب برگشت این گونه که می بینید. آنگاه به برادرم گفت: ای نذیرا وای بر تو، برو به دمشق و سفیانی را با ظهور مهدی آل رسول بترسان، و به او اطلاع بده که سپاهش در سرزمین بیدا در دل زمین فرو رفته است. و به من گفت: ای بشیرا خود را به مکه بترسان و به مهدی علیه السلام بشارت بده که قوم ستمگر هلاک می شود، و با دست او توبه کن که او توبه ات را می پذیرد.

سپس حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دست مبارکش را به صورت او می کشد و او به حال اول برمی گردد و با آن حضرت بیعت می کند و به سپاه حق می پیوندند.

حضرت علی علیه السلام درباره معجزات امام زمان علیه السلام می فرماید:

«يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَكَلَّمَ مِنَ الدَّهْرِ وَجَهْلٍ مِنَ النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَأَتِكَيْهِ وَ يَغْصِمُ أَنْصَارَهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَ يُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا وَ كَرْهًا يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا يَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا أَمِنَ بِهِ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ؛ در آخر الزمان و سختی روزگار و نادانی مردم، خداوند مردی را برمی انگیزد که او را با فرشتگانش تأیید می کند و یارانش را محافظت می کند و او را با آیات و معجزات باری می کند و بر سر تا سرزمین مسلط می گرداند، تا همه در برابر او تسلیم شوند. زمین را با قسط و عدالت و نور و برهان پر می کند، همه جهان را به تسلط او درمی آورد و روی زمین کافری نمی ماند مگر این که ایمان بیاورد و شخص ناشایستی نمی ماند مگر این که صالح شود.»

دوران رها ب
 در پستانه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 نور الحاضر في الظلمة الملهمة

۱. بحار الأنوار ۵۳: ۱۱۰، الزام الناصب: ۲۱۶، بشارة الاسلام: ۲۷۰.
 ۲. منتخب الاثر: ۴۸۷، بشارة الاسلام: ۱۹۷، ۲۶۰، بحار الأنوار ۵۲: ۲۸۰.

امام صادق علیه السلام درباره خسف بیدا می فرماید:

«إِذَا بَعَثَ الشُّفْيَانِيُّ جَيْشَهُ مِنْ إِثْنَيْ عَشَرَ أَلْفٍ رَجُلٍ يَطْلُبُ الْمَهْدِيَّ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ، تَنَحَّسِفُ بِهِ الْبَيْدَاءُ؛^۱ وقتی سفیانی دوازده هزار از سپاهش را به دنبال حضرت مهدی علیه السلام از مدینه به مکه می فرستد، در سرزمین بیدا، به زمین کشیده می شوند.»

درباره عاقبت سفیانی می فرماید:

«تَفَعُّ حَزْبٌ عَظِيمَةٌ، يَفْنَى بِهَا جَيْشُ الشُّفْيَانِيِّ إِلَّا شِرْذِمَةً يَهْرَبُ هُوَ مَعَهَا، فَيَلْحَقُهُ قَائِدٌ مِنْ قَوَادِمِ الْمَهْدِيِّ اسْمُهُ صِيَّاحٌ فَيَأْسِرُهُ وَيَأْتِي بِهِ إِلَى الْمَهْدِيِّ فِي صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ. فَيَسْتَشِيرُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ بِشَأْنِهِ فَيَرَوْنَ قَتْلَهُ، ثُمَّ يَقُودُونَهُ إِلَى ظِلِّ شَجَرَةٍ مُدَلَّاةِ الْأَغْضَانِ، وَيُذْبِحُ كَمَا تُذْبِحُ الشَّاةُ؛^۲ سپاه سفیانی در جنگ سختی نابود می شود و فقط تعداد کمی باقی می ماند که همراه او فرار می کنند. سپس یکی از فرماندهان مهدی علیه السلام به نام «صیاح» او را دنبال می کند و دستگیر می کند و هنگام نماز عشا نزد حضرت مهدی علیه السلام می آورد. مهدی علیه السلام از یارانش درباره او نظر خواهی می کند. همه به کشتن او نظر می دهند. او را زیر درخت پرباری برده، مانند گوسفند سر می برند.»

و در روایت دیگری درباره این جنگ می فرماید:

«فَيَخْرُجُ بِخَيْلِهِ وَقَوْمِهِ وَرِجَالِهِ وَجَيْشِهِ، وَمَعَهُ مِئَةُ أَلْفٍ وَسَبْعُونَ أَلْفًا، فَيَنْزِلُ بِخَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ. وَيَسِيرُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ فِي اللَّيْلِ وَيَكْمُنُ فِي النَّهَارِ وَالنَّاسُ يَتَّبِعُونَهُ حَتَّى يُوَاقِعَ الشُّفْيَانِيُّ عَلَى خَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، فَيَغْضِبُ اللَّهُ عَلَى الشُّفْيَانِيِّ، وَيَغْضِبُ خَلْقَ اللَّهِ لِغَضَبِ اللَّهِ تَعَالَى فَتَرْتَشُّهُمْ الطَّيْرُ بِأَجْنِحَتِهَا، وَالْجِبَالُ بِصُخُورِهَا، وَالْمَلَائِكَةُ بِأَصْوَاتِهَا، وَلَا تَكُونُ سَاعَةٌ حَتَّى يُهْلِكَ اللَّهُ أَصْحَابَ الشُّفْيَانِيِّ كُلَّهُمْ، وَلَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ غَيْرُهُ وَخُدَّهُ، فَيَأْخُذُهُ الْمَهْدِيُّ علیه السلام فَيَذْبَحُهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْضَانُهَا مُدَلَّاةٌ عَلَى خَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، وَ يَمْلِكُ مَدِينَةَ دِمَشْقَ؛^۳ ... با سپاه و قوم و اسب سوارانش که تعداد آن ها ۱۷۰ هزار نفر است به نزدیکی دریاچه طبریه فلسطین می رود و آنجا فرود می آید و به خاطر آن خشم مخلوقات خدا نیز بر آن ها برانگیخته می شود، پرندگان آن ها را با بال های خود می زنند، کوه ها، سنگ های خود را بر سر آن ها فرو می فرستند، فرشتگان با صدای خود بر آن ها نهب می زنند، یک ساعت نمی گذرد مگر اینکه خداوند همه سپاه سفیانی را نابود می کند، از سپاه او کسی نمی ماند و شخص او تنها می ماند؛ سپس مهدی او را گرفته و زیر درخت پرباری که شاخه هایش به سوی دریاچه طبریه فرو ریخته، سر می برد و شهر دمشق را تصرف می کند.»

۱. الملاحم والفتن: ۵۳ المهدی: ۱۹۲؛ بشارة الاسلام: ۱۳۹، ۱۰۲؛ الزام الناصب: ۲۵۴.

۲. الزام الناصب: ۲۰۱.

۳. الملاحم والفتن: ۱۲۳.



و نیز می فرماید:

«إِذَا اشْتَدَّ الْقَتْلُ قُلْتُمْ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ، ذَلِكَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»؛^۱ چون آتش جنگ شعله ور شود، خواهند گفت: آیا مرده، یا کشته شده، و یا کجا رفته است؟! این است تفسیر آیه شریفه: «سپس نوبت شماست که پیروز شوید، شمارا با اموال و فرزندان یاری کردیم و تعداد شمارا افزایش دادیم».^۲

سپس حضرت علی علیه السلام اقدامات دیگر حضرت مهدی علیه السلام را این طور توصیف می کند: «ثُمَّ يَأْمُرُ الْمَهْدِيَّ بِإِنْشَاءِ مَرَاكِبٍ، يُبْنِي أَوْ يُعَمِّمَةُ سَفِينَةً فِي سَاحِلِ عَكَا وَ يُوَفِّي الْمَهْدِيَّ طَرطُوسَ فَيَفْتَحُهَا، وَ يَتَقَدَّمُ إِلَى أَنْطَاكِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا... وَ يُهَاجِمُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا، وَ يَتَوَجَّهُ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ فَيَفْتَحُ رُومِيَّةَ مَعَ أَصْحَابِهِ؛^۳ سپس مهدی - عجل الله تعالى فرجه الشريف - امر می کند که سوارهایی آماده کنند (فرمان می دهد و سایل نقلیه جدیدی بسازند) و در ساحل عکا، چهارصد کشتی می سازد. در مسیر خود به طرطوس (سوریه) می رسد و آنجا را فتح می کند. به انطاکیه می رود و فتح می کند. به قسطنطنیه (استانبول) حمله می کند و آنجا را فتح می کند و از آنجا با یاران خود به سوی کشورهای رومی (ممالک غرب) می رود و همه آن کشورها را فتح می کند.»

حضرت علی علیه السلام با قاطعیت درباره فتوحات حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«لَأُبَيِّنَنَّ بِمِصْرَ مِنْبَرًا وَ لَأَنْقُضَنَّ دِمَشْقَ حَجْرًا حَجْرًا وَ لَأُخْرِجَنَّ الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى مِنْ كُلِّ كُورِ الْعَرَبِ وَ لَأَسُوقَنَّ الْعَرَبَ بِعَصَائِي يَفْعَلُهُ رَجُلٌ مِنِّي!؛^۴ برای مصر منبری می سازم، دمشق را سنگ به سنگ ویران می کنم و یهود را از همه سرزمین های عربی بیرون می کنم و جامعه عرب را با این عصایم می رانم. همه این ها را مردی از خاندان من انجام می دهد.»

یهود توسعه طلب، در اکثر کشورهای عربی جا باز می کند، سپس با ظهور حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - نقشه های شان نقش بر آب می شود و جای پای آن ها از ممالک اسلامی پاک می شود. همان طور که در کتب مقدسه نیز آمده است و خود آن را می دانند و نگران آن روز هستند.

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید:

دوران دوازدهم
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱. سوره مبارکه اسراء، آیه ۶.

۲. بحار الانوار ۵۳: ۸۶۶۰ و ۵۱: ۲۷۲۵۷؛ الزام الناصب: ۱۷۶؛ بشاره الاسلام: ۹۹، ۱۷، ۶۷، ۵۸؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۶.

۳. الزام الناصب: ۲۲۴؛ بشاره الاسلام: ۲۵۸. ۴. بحار الانوار ۵۳: ۶۰.

«كَانَنِي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسْجِدِ السَّهْلَةِ عَلَى مَقَرَبَةٍ مِنْ نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَزُكُّبُ عَلَيَّ فَرَسٍ مُجَبَّلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ يَزْهَرُ يَنْتَفِضُ بِهِ انْتِفَاضَةً لَا يَبْتَعِي أَهْلُ بِلَادٍ إِلَّا وَهُمْ يَرَوْنَهُ إِنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيمَانًا وَصِدْقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرِقًّا اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَجَبِدٌ وَ مُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عِنْدَ أَنْتَ كُنْفِي حِينَ تُغَيِّبِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَ كُنْتَ غَنِيًّا عَنِّي وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِنِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ مُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِينِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَسَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مُذْعِنُونَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي وَ تُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَ تَكْفِيْتَنِي وَ تَقْضِي حَوَائِجِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ اگویی اورا می بینم که در نزدیکی نجف و کوفه و از وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سهله می رود، در حالی که زره پیامبر ﷺ را پوشیده و بر اسب سبز رنگی سوار است که رنگش سبز متمایل به مشکی است و در پاهای اسب، سفیدی درخشانده‌ای هست که برق می زند و پشانی سفیدی دارد که همه برق آن را می بینند و مردم شهرها گمان می کنند که حضرت قائم در شهر آن‌ها و در میان آن‌هاست و همراه آن‌ها دعا می خواند و می گوید: «خدایا! ای عزت بخش هر مؤمن غریب او ای خوارکننده هر ستمگر سرکش! هنگامی که راه‌ها برایم بسته باشد و زمین گسترده برایم تنگ باشد، تو پناهگاه من هستی. خدایا! تو مرا آفریدی، و از آفرینش من بی نیاز بودی، اگر مرا یاری نکنی، شکست می خورم. ای بخش کننده رحمت از محل آن، و ای بیرون آورنده برکت از معدن‌های آن، ای خداوندی که قله بلند عظمت را به خود اختصاص داده‌ای و دوستانت به عزت تو عزیزند، ای خداوندی که پادشاهان در برابر عظمت تو سر فرود آورده‌اند و تو داغ ذلت بر گردن آن‌ها نهاده‌ای، و آن‌ها از عظمت تو می ترسند! از تو می خواهم به آن نام مقدس که جهان آفرینش را با آن نام مقدس آفریده‌ای و همه در برابرت سر تعظیم فرود آورده‌اند، صلوات بی پایان خود را بر محمد و آل محمد ﷺ نازل فرمایی، و امر خود را در حق من تحقق بخشی، و فرج را نزدیک گردانی، مرا راهنمایی کنی و عافیت دهی، و حاجت‌های مرا برآورده سازی، الان، همین الان، امشب، همین امشب، که تو به هر چیزی توانا هستی.»

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:



«كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ تَقْلِصَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَيْتَفِضُ هُوَ بِهَا فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ فَيَغْشَاهَا بِخِدَاجَةٍ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَيَرْكَبُ فَرَسًا أَذْهَمَ أُنْبَلَقَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخٌ ثُمَّ يَنْتَفِضُ بِهِ انْتِغَاضَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدٍ إِلَّا أَتَاهُمْ نُورٌ ذَلِكَ الشِّمْرَاخُ وَ هُمْ يَظُنُّونَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ حَتَّى يَكُونَ آيَةً لَهُ؛ اگوی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را در پشت نجف به چشم خود می بینم که زره رسول خدا را پوشیده و دامنش را جمع کرده است. از آن نوری می درخشد و اطرافش را فرا می گیرد. و لباسی از دیباج به تن دارد و بر اسب سبز مایل به مشکی، سوار است که در بدنش سفیدی هست و در میان دو چشمش سفیدی خیره کننده ای است که نور آن از شهرهای دوردست دیده می شود و مردم شهرها آن نور را می بینند و گمان می کنند که آن حضرت میان آن هاست و این یکی از معجزات اوست.»

شبهه این روایت از امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ عَلَيْهِ خَوْخَةٌ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ يَلْبَسُ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِذَا لَبَسَهَا انْتَفَضَتْ بِهِ حَتَّى تَسْتَدِيرَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَرْكَبُ فَرَسًا لَهُ أَذْهَمَ أُنْبَلَقَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخٌ بَيْنَ مَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ اگوی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را در نجف و کوفه می بینم که قطعه ای از دیباج پوشیده و زره پیامبر صلی الله علیه و آله را به تن دارد و آن را تکان می دهد تا صاف شود، سپس سوار اسب سبزرنگی مایل به مشکی می شود که در بدن او سفیدی هست و میان دو چشمش سفیدی درخشانده ای دارد. پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را به دست دارد...»

آیا کسی جرأت دارد درباره آینده، این چنین با قاطعیت سخن بگوید؟! آیا جز پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم او علیهم السلام کسی می تواند این تعبیر را به کار ببرد و بیش از هزار سال نامفهوم باشد و بعد از هزار و چهار صد سال تلویزیون اختراع شود و سخن او قابل تصور گردد؟! قبل از اختراع تلویزیون، تصور نمی شد که کسی در شهری باشد و در همه شهرها او را ببینند! آیا جز این خاندان کسی می تواند این چنین قاطعانه از رنگ لباس و اسب و ویژگی های او سخن بگوید و مسیر او را هزار و چهار صد سال پیش قدم به قدم ترسیم کند؟! ترسیم کند؟! حضرت علی علیه السلام جنگ های قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را چنین ترسیم می کند:

۱. غیبت نعمانی: ۱۶۶؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۹۱؛ بشارة الاسلام: ۲۰۱.

۲. بشارة الاسلام: ۲۰۰؛ الزام الناصب: ۲۲۷؛ غیبت نعمانی: ۱۶۶.

«ثُمَّ يَتَوَجَّهُ الْمَهْدِيُّ إِلَى الْقُدْسِ الشَّرِيفِ بِأَلْفِ مَرْكَبٍ، فَيَنْزِلُونَ الشَّامَ وَفِلَسْطِينَ بَيْنَ صُورٍ وَعَكَا وَغَزَّةَ وَعَسْقَلَانَ. وَ يَنْزِلُ الْمَهْدِيُّ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ؛ أَنْغَاةَ مَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَهْزَارِ مَرْكَبٍ بِسُورٍ قُدْسٍ شَرِيفٍ حَرَكْتِ مِي كُنْد، (با سپاه خود) در شام، فلسطین، صور، عکا، غزه و عسقلان منزل می کند، آنگاه مهدی وارد بیت المقدس می شود.»

و نیز می فرماید:

«و يَتَوَجَّهُ إِلَى الْآفَاقِ، فَلَا يَبْقَى مَدِينَةٌ وَطَنُهَا ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا خَلَّهَا وَ أَصْلَحَهَا. وَ لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا هَلَكَ عَلَى يَدَيْهِ، وَ يَشْفِي اللَّهُ قُلُوبَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ؛ أَنْغَاةَ بِه اِقْطَارِ وَ اِكْتِنَافِ جِهَانِ تَوَجَّهُ مِي كُنْد، هِيچ شَهْرِي نَمِي مَانْد از شَهْرهَائِي كِه ذُو الْقَرْنَيْنِ وَارْد شُدِه بُوْد، جِز اَيْنَكِه دَر اَن گَام نِهَادِه، اَن رَا اِصْلَاح مِي كُنْد. وَ هِيچ كَافِرِي بِر كَفْرِ خُود بَاقِي نَمِي مَانْد، جِز اَيْنَكِه بِه دَسْت او هَلَكَ مِي شُوْد، خُداوَنْد بِه دَسْت او دَل هَائِي مُسْلِمِينَ رَا اَرَامَش مِي دِهْد.»

روایات امام سجاد علیه السلام

«كَأَنِّي بِصَاحِبِكُمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بِظَهْرِ كُوفَانَ مَعَهُ اِنصَارِ اِيه تَحْت رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَدْ نَشَرَهَا فَلَا يَهْوِي بِهَا إِلَى قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَكَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ!؛ اِگُوِي صَاحِبِ شَمَارَا بِا چَشْمِ خُود مِي بِيْنِم كِه دَر پِشْتِ كُوفِه وَارْد نَجْفِ شُدِه وَ يَارَانِ پَدْرَشِ هَمْرَاهِ اُو زِيرِ پَرچَمِ پِيَامْبَرِ ﷺ اِسْت كِه اَن رَا بَر اَفْرَاشْتِه وَ بِه دَسْتِ گِرْفْتِه، بِا اَيْنِ پَرچَمِ بِه سُورِي هِيچِ قَوْمِي عَزِيْمَتِ نَمِي كُنْد، مِگَر اَيْنِ كِه خُداوَنْد اَن هَا رَا نَابُوْد كُنْد.»

این پرچم، نشانه برحق بودن آن هاست و هر گروهی که مقابل آن‌ها بایستد، باطل است. این پرچم به یاران آن‌ها نیرو می دهد و دشمنان از آن می ترسند.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

«كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ هَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَإِذَا هُوَ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِذَا هُوَ نَشَرَهَا اِنْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ عَوْدُهَا مِنْ عُمْدِ عَرْشِ اللَّهِ وَ رَحْمَتِهِ وَ سَائِرُهَا مِنْ نَضْرِ اللَّهِ لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ!؛ اِگُوِي قَائِمِ رَا مِي بِيْنِم كِه وَارْد اَيْنِ نَجْفِ شَمَا شُدِه (و بَا دَسْتِ مَبَارَكَشِ بِه مَطْفَعِ اِي از كُوفِه اِشَارِه كُردِه بُوْد) وَ پَرچَمِ رَسُولِ اَكْرَمِ ﷺ رَا بَر اَفْرَاشْتِه، فَرَشْتِكَا نِ پَدْرِ بَرِ اُو نَازِلِ شُدِه اَنْد. چُوبِ اَنِ پَرچَمِ از سْتُونِ عَرْشِ خُدا سْت. رَحْمَتِ وَ نَصْرَتِ خُدا بِرِ حَامِلَانِ اَنِ پَرچَمِ اِسْت، بِا اَنِ پَرچَمِ بِه هِيچِ چِيْزِي حَمْلِه نَمِي شُوْد مِگَر اَيْنِ كِه خُداوَنْد اَن رَا نَابُوْد مِي كُنْد. جِبْرِيْلُ اَن رَا بِه پِشگَاةِ حَضْرَتِ مَهْدِيِّ ﷺ مِي اُورْد.»

دوران دوازدهم
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 نور الحاضر في ظل القادر المهدى

۱. الزام الناصب: ۲۲۸. ۲. بحار الانوار: ۵۱، ۱۳۵؛ منتخب الاثر: ۳۱۲؛ الامام المهدي: ۹۰.
 ۳. غيبت نعماني: ۱۶۵؛ الزام الناصب: ۲۲۷؛ بشارة الاسلام: ۲۵۰، ۲۰۰؛ منتخب الاثر: ۳۱۲؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۸۷.

روشن است که عرش الهی ستون چوبی ندارد، ولی این تعبیر بسیار زیبا نشان می‌دهد که خداوند، توجه خاص به آن دارد.

امام سجاد علیه السلام درباره روز ظهور می‌فرماید:

«أما إنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خُبِرَ بَيْنَ السَّحَابَيْنِ فَاخْتَارَ الذَّلُولَ ذَخِرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّعْبُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الصَّعْبُ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ أَوْ بَرْقٌ فَصَاحِبِكُمْ يَزْكِيهِ؛ أَمَا إِنَّهُ سَيَزْكِبُ السَّحَابَ وَ يَزْقِي فِي الْأَشْبَابِ السَّنَابِ السَّنَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ خَمْسُ عَوَامِرُ وَ اثْنَتَانِ خَرَابَانِ؛^۱ ذوالقرنین می‌تواند دو ابر را انتخاب کند: یکی ابر رام و دیگری ابر ناآرام، او ابر رام را انتخاب می‌کند و ابر ناآرام را برای صاحب شما نگه داشت. گفته شد: ابر ناآرام چیست؟ فرمود: هر ابری که همراه بارعد و برق و صاعقه باشد و هرجا چنین ابری باشد، صاحب شما سوار آن خواهد شد. آری صاحب شما سوار ابر خواهد شد، همه اسباب و ابزار را زیر پا می‌گذارد. اسباب هفت آسمان و هفت زمین را، که پنج زمین آباد و دوزمین دیگر خراب خواهد بود.»

سوار ابر شدن، همین هواپیماهای امروزی است که صدایی مانند رعد و برق دارند. شاید منظور این حدیث قبل از ظهور، جنگ اتمی بین دو قاره از قاره‌های زمین که شاید امریکا و اقیانوسیه باشد، و این دو قاره یکدیگر را نابود خواهند کرد.

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»^۲ فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛^۳ وقتی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند، حکومت باطل نابود می‌شود.»

امام باقر علیه السلام هم مانند امامان دیگر، مورد ظلم حکومت‌های ظالم بوده است، بشارت می‌دهد که روزهایی در پیش است که ستم نابود می‌شود و پرچم حق در سراسر جهان برافراشته می‌شود.

«الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛^۴ قائم ما به وسیله وحشت در دل دشمنان یاری شده، و با یاری الهی تأیید شده است. زمین زیر پایش پیچیده می‌شود و گنج‌های زمین برای او آشکار می‌شود و دولت او در شرق و غرب جهان گسترش می‌یابد.»

۱. اختصاص مفید: ۳۲۶، ۱۶۹؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۲۱؛ الزام الناصب: ۱۳۹. ۲. سوره مبارکه اسراء، آیه ۸۱

۳. منتخب الاثر: ۴۷۱؛ الامام المهدي: ۴۴.

۴. كشف الغممة ۳: ۳۲۴؛ المحجة البيضاء ۳: ۳۴۱؛ منتخب الاثر: ۴۸۲، ۲۹۲؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۱۹۱؛ اعلام الوری: ۴۳۳؛ بشارة الاسلام:

۱۹۹؛ منابع الموده ۳: ۱۳۶؛ اسعاف الراغبین: ۱۵۲؛ المهدي: ۲۳۳، ۱۹۸؛ منیر الاحزان: ۲۹۷؛ الامام المهدي: ۲۲۶، ۹۵.

امروزه زمین زیر چرخ‌های هواپیما درهم پیچیده می‌شود و زیر بال‌های سفینه‌های فضایی با سرعت بیشتری درهم می‌پیچد. موشکی که به فضا پرتاب می‌شود، در یک چشم به هم زدن، کرهٔ خاکی را طی می‌کند. اگر توجه خاص حضرت پروردگار، دربارهٔ حضرت مهدی علیه السلام و یاران بزرگوار او نیز همراه این سفینه‌های فضایی باشد، همهٔ سختی‌ها آسان خواهد شد و درهم پیچیدن زمین زیر پای او، تعجب آور نیست.

«يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجًا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ؛ اَهْتَمَّ مَهْدِي بِرَدِّ دُشْمَانِ خَدَارَا مِي كَشَدَا خَدَا خَشَنُو دَشُو د.»

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ بِالسَّيْرِ بِالْقَتْلِ بِذَلِكَ أَمْرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَيْبِ أَحَدًا وَيَلُ لِمَنْ نَاوَاهُ؛^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله میان امتش با نرمی و ملاحظت رفتار می‌کرد، و با محبت و مهربانی، میان آن‌ها دوستی ایجاد می‌کرد، ولی قائم با ستمگران با منطق شمشیر سخن می‌گوید و از آن‌ها توبه نمی‌خواهد... او در کتابی که همراه دارد مأمور به این کار شده است. وای به حال کسی که با او بجنگد.»

این حدیث هم مانند احادیث دیگر بیان می‌کند که حضرت ولی

عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی می‌کند.

«يُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ يَهْزُ الرَّاْيَةَ الْمُغْلَبَةَ؛^۲ پشتش را به حجر الاسود تکیه می‌دهد و پرچم همیشه پیروز را برافراشته می‌کند.»

«يُظَهِّرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةً يَبْيَضُّ تَطْلُغُهُ مِنَ الشَّمْسِ فِيهَا مَلِكٌ تُنَادِي بِلسانِ عَرَبِيٍّ فَصِيحٌ هُوَ الْمَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ؛^۳ در آخر الزمان ظهور می‌کند، ابر سفیدی بالای سرش حرکت می‌کند و مقابل خورشید بر وجود مقدسش سایه می‌اندازد. از میان ابر فرشته فریاد می‌زند: این مهدی است، از او پیروی کنید.»

«يُظَهِّرُ بِالسَّيْفِ! لَوْ اسْتَقَامَتِ الْأُمُورُ لِأَحَدٍ لَأَسْتَقَامَتِ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ أُدْمِيَتْ رَبَاعِيَّتُهُ وَ شُجَّ فِي وَجْهِهِ كَلًّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى تَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقُ وَ الْعَلَقُ وَ الْقَوْمُ عَلَى السُّرُوجِ؛^۴ با شمشیر ظاهر می‌شود! اگر قرار بود کارها طبق خواسته کسی اتفاق بیفتد، برای پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق می‌افتاد، در حالی که دندان مبارکش خون‌آلود شد و



۱. الزام الناصب: ۱۸۹، غیبت نعمانی: ۱۶۵، بشارة الاسلام: ۱۹۹.
 ۲. غیبت نعمانی: ۱۲۱، منتخب الاثر: ۳۰۲، بحار الانوار: ۵۲: ۳۵۳، ۳. بشارة الاسلام: ۱۹۹، الزام الناصب: ۱۸۹.
 ۴. كشف الغمه: ۳: ۲۶۵، ۲۶۰، البيان: ۹۲، بحار الانوار: ۵۱: ۸۱ و ۵۲: ۳۷۸، غیبت نعمانی: ۱۸۰، بشارة الاسلام: ۲۹۳، ۲۸۳، المهدی: ۹۶، اسعاف الراغبین: ۱۳۷، الحاوی للتفاوی: ۲: ۱۲۷، الامام المهدی: ۳۳۶، الزام الناصب: ۵۲، الفصول المهمة: نور الابصار: ۱۷۱، منابع الموده: ۳: ۱۶۳، ۱۳۶، غایة المرام: ۵. غیبت نعمانی: ۱۵۲، الزام الناصب: ۱۷۹، بحار الانوار: ۵۲: ۳۵۳.

يَنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَيَتَشَدُّ اللَّهُ حَقَّهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ»^۱؛ به مقام ابراهیم (در نزدیکی کعبه) می‌رود و دو رکعت نماز می‌خواند، و با تلاوت این آیات: «ای کسی که هر گاه بیچاره‌ای او را بخواند، پاسخ می‌دهد و رنج او را برطرف می‌کند و شما را در زمین جانشین گذشتگان قرار می‌دهد! آیا با وجود او، پروردگار دیگری هم هست؟ چقدر کم هستند کسانی که عبرت می‌گیرند!» با خدای خود مناجات می‌کند.^۲

مانند این حدیث از امام صادق عليه السلام نیز روایت شده است، و ایشان می‌افزاید: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ. وَاللَّهُ هُوَ الْمُضْطَرُّ، يُجِيبُهُ اللَّهُ وَيَكْشِفُ عَنْهُ السُّوءَ، وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛^۳ این آیه درباره قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نازل شده است، که سوگند به خدا «مضطرب» اوست، که هر وقت دعا کند، خدا دعایش را مستجاب می‌کند و رنج او را برطرف می‌کند و او را در روی زمین جانشین قرار می‌دهد.»

و در حدیث دیگری می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَسْتَقْبِلُ الْكَعْبَةَ وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِسْمَاعِيلَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ عليه السلام ... فَيَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ؛^۴ هنگامی که قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور کند، وارد مسجد الحرام می‌شود و به سوی کعبه و پشت به مقام ابراهیم می‌کند و دو رکعت نماز می‌خواند و سپس می‌فرماید: ای مردم! من به آدم از همه نزدیکترم، به ابراهیم از همه نزدیکترم، به اسماعیل از همه نزدیکترم، به محمد عليه السلام از همه نزدیکترم، ... سپس دعا می‌خواند و با خدای خود مناجات می‌کند.»

امام باقر عليه السلام درباره ظهور می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَشَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ ثُمَّ يَتَشَدُّ اللَّهُ حَقَّهُ فَيَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمْنَا وَ سَلَبَ حَقَّنَا مَنْ يُحَاجُّنَا فِي اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى بِاللَّهِ وَمَنْ يُحَاجُّنَا فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَمَنْ حَاجَّنَا فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَمَنْ حَاجَّنَا فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَمَنْ حَاجَّنَا بِمُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ وَمَنْ حَاجَّنَا فِي النَّبِيِّينَ فَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ وَمَنْ حَاجَّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَحْنُ أَوْلَى

۱. سوره مبارکه نمل، آیه ۶۲.

۲. غیبت نعمانی: ۱۶۹، ۹۵؛ بحار الانوار: ۵۱، ۵۹، ۴۸، ۵۲، ۳۴۱، ۳۱۶؛ بشارة الاسلام: ۲۲۷؛ منتخب الاثر: ۲۹۴، ۴۲۲.

۳. الامام المهدي: ۲۲۶؛ الزام الناصب: ۱۷۲. ۴. الزام الناصب: ۲۶.

دوران دهاج
 مهدی قائم
 در پستان حضرت
 نور الحاضر في ظل القادر المهدى

النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ
وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ
ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ الْأَوْ مَن حَاجَنِي فِي كِتَابِ
اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ الْأَوْ مَن حَاجَنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ
بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنْشُدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ وَأَسْأَلُكُمْ
بِحَقِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أُعْتَمِدْنَا وَ
مَنْعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا فَقَدْ أَخْفَنَا وَظَلَمْنَا وَطَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانِنَا وَبُعِي عَلَيْنَا وَدُفَعْنَا
عَنْ حَقِّنَا فَأَوْتَرَ أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخَذَلُونَا وَانصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ أَنَا
نَسْتَنْصِرُ الْيَوْمَ كُلَّ مُسْلِمٍ! ثم يدعوا الناس الى كتاب الله و سنه نبيه و الولاية و معه
عهد رسول الله ﷺ فَيَقُومُ رَجُلٌ مِنْهُ فَيُنَادِي أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا طَلِبَتُكُمْ قَدْ جَاءَكُمْ يَدْعُوكُمْ
إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ فَيَقُومُونَ قَالَ فَيَقُومُ هُوَ بِنَفْسِهِ فَيَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا
ابْنُ نَبِيِّ اللَّهِ أَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ نَبِيُّ اللَّهِ! به خدا سوگند، گویا قائم را می بینم که
پشت خود را به حجر الاسود تکیه داده، می گوید: ای مردم! ما از همه مردم یاری
می خواهیم تا با ستمگران و کسانی که حق ما را غصب نمودند، مبارزه کنیم. ما اهل بیت
پیامبر شما حضرت محمد ﷺ هستیم، و ما نزدیک ترین مردم به او هستیم، هر کس با ما
درباره خدا بحث کند، ما از همه به او نزدیک تریم. هر کس درباره آدم بحث کند، ما از
همه به او نزدیک تریم. هر کس درباره نوح بحث کند، از همه به او نزدیک تریم. هر کس
درباره ابراهیم بحث کند، از همه به او نزدیک تریم. هر کس درباره محمد ﷺ با ما بحث
کند، ما از همه به او نزدیک تریم. هر کس درباره پیامبران با ما بحث کند، ما از همه به او
نزدیک تریم. هر کس درباره کتاب خدا با ما بحث کند، ما به کتاب خدا از همه
نزدیک تریم. مگر نه این است که خداوند در آیات محکم قرآنش می فرماید: ﴿خدا، آدم
و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد، خاندانی است که بعضی از آنها
از نسل بعضی دیگر است، و خدا شنوا و داناست﴾ من بازمانده آدم، ذخیره نوح،
برگزیده ابراهیم و از خاندان محمد ﷺ هستم. آگاه باشید که هر کس درباره سنت
پیامبر ﷺ با ما بحث کند، من برای زنده کردن سنت پیامبر از همه شایسته ترم. پس
شما را به خدا سوگند می دهم که هر کس امروز سخن مرا می شنود، به آنان که امروز
غایب هستند، سخن مرا برساند. شما را سوگند می دهم به حق خدا و حق رسول خدا و
حق من - که حق خویشاوندی با رسول اکرم را برگردن شما دارم - ما را یاری کنید و از

دوران دوازدهم
 در پناه حضرت
 مهدی قائم ﷺ
 در عصر الحاضر
 ظل القادر المهدی ﷺ

ما در برابر ستمگران حمایت کنید. که ما مورد وحشت و ستم قرار گرفتیم، از خانه و فرزندان خود دور افتادیم، به ما ستم کردند و ما را از حقوق خود محروم کردند و اهل باطل به ما دروغ بستند. درباره ما از خدا بترسید، ما را کوچک نکنید، ما را یاری کنید که خداوند شما را یاری کند، ما امروز از هر مسلمانی کمک می خواهیم.»

سپس مردم را به سوی قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت، دعوت می کند. عهد و پیمان پیامبر ﷺ نیز همراه او خواهد بود. سپس مردی برانگیخته می شود و به مردم می گوید: ای مردم! این درخواست و آرزوی شماست، به سوی شما آمد و شما را به چیزی که پیامبر ﷺ دعوت می کرد، دعوت می کند. سپس قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برمی خیزد و می فرماید: من پسر پیامبر شما هستم. شما را به چیزی دعوت می کنم که پیامبر خدا شما را به سوی آن دعوت می کرد.»^۱

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ ثُمَّ الثَّلَاثِمِائَةِ وَ الثَّلَاثَةَ عَشَرَ؛^۲ نخستین کسی که با او بیعت می کند جبرئیل است، سپس یاران (سیصد و سیزده نفر) با او بیعت می کنند.»

از امام باقر علیه السلام تفسیر آیه شریفه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ»^۳ را پرسیدند، فرمود:

«نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَغْرِبِ وَ مَلَكٌ يَسْأَلُهَا مِنْ خَلْفِهَا حَتَّى يَأْتِيَ مِنْ جِهَةِ دَارِ بَنِي سَعْدِ بْنِ هَمَامٍ عِنْدَ مَسْجِدِهِمْ فَلَا تَدْعُ دَاراً لِبَنِي أُمِّيَّةَ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا وَ أَهْلَهَا وَ لَا تَدْعُ دَاراً فِيهَا وَ تُرَى لَيْلٍ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا وَ ذَلِكَ الْمُهْدِيُّ عليه السلام؛^۴ آتشی است که از مغرب خارج می شود و فرشته ای آن را جلو می برد. همه خانه های بنی امیه با اهل خانه گرفتارش می شود. و هیچ خانه ای نمی ماند که در آن انتقام آل محمد علیهم السلام باشد، مگر این که به خاکستر می نشاند. او مهدی است.»

«ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَكُونَ فِي مِثْلِ الْحَلْقَةِ عَشْرَةَ أَلْفٍ رَجُلٍ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ يَهْزُ الرَّايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ عَلَيْهِ دَرَعَةٌ وَ بِيَدِهِ سَيْفٌ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ذِي الْقَقَارِ؛^۵ سپس از مکه خارج می شود در حالی که ده هزار سرباز مسلحشور مانند نگین انگشتر، او را در میان گرفته اند. جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ او حرکت می کند؛ پرچم پیامبر صلى الله عليه وآله را بالا می برد، زره پیامبر را به تن، شمشیر

۱. همان ۲. غیبت نعمانی: ۱۶۹؛ منتخب الاثر: ۴۶۸؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۰۷. ۳. سورة مبارکه معارج، آیه ۱.

۴. بشارة الاسلام: ۱۰۸؛ غیبت نعمانی: ۱۴۵؛ الزام الناصب: ۳۲ و ۱۷۸.

۵. الزام الناصب: ۲۲۶؛ بحار الانوار: ۵۱: ۱۵۷ و ۵۲: ۲۸۳ و ۳۰۷؛ منتخب الاثر: ۴۶۸؛ المهدي: ۱۹۹؛ بشارة الاسلام: ۱۹۹، ۲۲۴، ۲۳۱ و ۲۴۹.



ذوالفقار آن حضرت را در دست می‌گیرد.»

امام صادق علیه السلام درباره روز موعود می‌فرماید:

أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعِقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَمَّا بَقِيَ فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَغَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَأَخْتَرَقَ^۲؛ ابتدا این آیه شریفه را تلاوت می‌کند: «اگر ایمان آورده‌اید، آنچه خدا برای شما باقی می‌گذارد، برای شما کافی است» سپس می‌فرماید: «بقیه الله» من هستم، حجت خدا و جانشین او در میان شما، من هستم. هیچ مسلمانی در روی زمین نمی‌ماند، مگر این که می‌گوید: سلام بر تو ای تنها بازمانده خدا روی زمین.

سپس یاران مشکل‌گشای او که ده هزار نفر هستند، اطراف او جمع می‌شوند؛ در روی زمین جز خداوند، هیچ معبودی از بت و غیر آن نمی‌ماند، مگر این که آتشی بر آن افتاده، آن را می‌سوزاند.»

شاید منظور از آتش، صاعقه آسمانی باشد که بت‌های چوبی و فلزی و غیره را در آتش خود می‌سوزاند.

امام باقر علیه السلام درباره حرکت سپاه حق از مکه تا کوفه می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ - وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادِيَهُ أَلَا لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَيَحْمِلُ حَجَرَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَهُوَ قَرُبْرٌ بَعِيرٌ فَلَا يَنْزِلُ مَنَزِلًا إِلَّا أَنْبَعَتْ عَيْنٌ مِنْهُ فَمَنْ كَانَ جَانِعًا شَبِيعَ وَمَنْ كَانَ ظَامِنًا رَوِيَ فَهُوَ زَادُهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ فَيَخْرُجُ مِنْهَا بَضْعَةُ عَشَرَ أَلْفًا يَدْعُونَ الثَّبْرَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَاحُ فَيَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَيْثُ جِئْتَ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي بَنِي فَاطِمَةَ فَيَضَعُ فِيهِمُ السَّيْفَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهَا ثُمَّ يَنْزِلُ النَّجْفَ»^۳

وقتی قائم در مکه قیام کرده و به سوی کوفه حرکت کند، منادی ندا می‌دهد که هیچ کس خوردنی و آشامیدنی با خود نیاورد. آنگاه سنگ حضرت موسی علیه السلام را بر شتری حمل کرده با خود می‌برند. هر جا منزل کنند، از آن سنگ چشمه‌ها سرازیر می‌شود و همه افراد سپاه از آن می‌خورند؛ هر کس گرسنه باشد، سیر می‌شود و هر کس تشنه باشد، سیراب

۱. سوره مبارکه هود، آیه ۸۶

۲. منتخب الاثر: ۹۲؛ ارشاد مفید: ۳۴۳؛ نور الابصار: ۱۷۲؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۱۹۲، ۳۱۸، ۳۶۷؛ مشیر الاحزان: ۲۹۸؛ الامام المهدي: ۹۲؛ بشارة الاسلام: ۱۰۰؛ المحجة البيضاء: ۴؛ ۳۴۲؛ المهدي: ۱۹۹؛ الحاوی للفتاوی: ۲؛ الزام الناصب: ۱۷۵ و ۱۴۰؛ اعلام الوری: ۲۳۳.

۳. ارشاد مفید: ۳۴۳؛ اصول کافی: ۱؛ ۲۳۱؛ الزام الناصب: ۷، ۱۴۰، ۲۳۳؛ منتخب الاثر: ۳۱۲؛ غیبت نعمانی: ۱۲۵؛ اعلام الوری: ۱۳۰؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۵۱؛ الامام المهدي: ۲۲۷؛ بشارة الاسلام: ۲۳۱، ۲۴۴، ۲۴۶.

دوران دهاج
 مهدي قائم
 در زمانه حضرت
 خاتم الانبیا
 و المرسلین
 علیه السلام

می شود؛ چارپایان نیز از آن خورده و سیر می شوند. آن توشه آن هاست تا وقتی که از پشت کوفه وارد نجف شوند. در آنجا ده هزار و چند نفر خارج می شوند و از آن حضرت بیزاری می کنند و می گویند: از هر کجا آمده ای برگرد ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم! سپس شمشیر می کشد و همه را با شمشیر می زند، هر کس که بعد از دیدن آن نشانه های روشن، دچار تردید شود می کشد، و هر کس که در برابر آن حضرت شمشیر بکشد، با شمشیرش می زند. سپس در نجف اشرف فرود می آید.»

شاید کسانی که به آن حضرت اعلان برائت می کنند، فقط از اهل نجف و یا کوفه نباشند، بلکه از جاهای دیگر هم از پیشروی سپاه حق، جلوگیری کنند.

«و يَبْعَثُ السُّفْيَانِيَّ بَغْنَاءَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفِرُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَسَيَلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ السُّفْيَانِيَّ أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام قَالَ فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيَّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيَخِيفُ بِهِمْ فَلَا يُقِلُّتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةَ نَفَرٍ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ إِلَى أَقْفَيْتِهِمْ؛ سَفْيَانِي سِپَاهِي رَابِعَهُ سَوِي مَدِينَةٍ مِي فَرَسْتَد، پَس مَهْدِي - عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ - اَزْ اَنْجَا بَه سَوِي مَكَّة فَرَار مِي كَنْد. بَه فَرْمَانْدَه سِپَاهِي خَبَر مِي دَهْدَكِه مَهْدِي - عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ - اَزْ مَدِينَةٍ بَه مَكَّة رَفْتَه اَسْت، پَس سِپَاهِي رَا بَه دَنْبَالِ اَوْ مِي فَرَسْتَد، وَلِي سِپَاهِ سَفْيَانِي بَه اَوْ نَمِي رَسْدِ اَوْ مَانْتَدِ مَوْسَى عليه السلام بَا تَرَسِ وَ نَغْرَانِي وَاَرْدِ مَكَّة مِي شُود. فَرْمَانْدَه سِپَاهِ سَفْيَانِي وَاَرْدِ سَرَزْمِين «بِيدَا» مِي شُود، مَنَادِي اَسْمَانِي نَدَا مِي دَهْد: اِي بِيدَا اَيْنِ سِپَاهِ رَا نَابُودِ كَنْ. هَمَه اَنْ هَا دَر زَمِينِ فَرُو مِي رُوند، فَقط سه نفر باقی می ماند که خداوند صورت آن ها را به پشتشان بر می گرداند.»

«فَإِذَا جَاءَ إِلَى الْبَيْدَاءِ يَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشُ السُّفْيَانِيَّ فَيَأْتُرُ اللَّهُ الْأَرْضَ فَتَأْخُذُ بِأَقْدَامِهِمْ وَهُوَ قَوْلُهُ: «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ؛ وَقَالُوا ءَامَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَادُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ؛ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْقَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ؛ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ» أَفَلَا يَتَّقِي مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلَانِ يُقَالُ لَهُمَا وَثَرٌ وَثِيْرَةٌ مِنْ مُرَادٍ وَجُوهُهُمَا فِي أَقْفَيْتِهِمَا يَمْشِيَانِ الْقَهْقَرَى يُخْبِرَانِ النَّاسَ بِمَا فُعِلَ بِأَصْحَابِهِمَا؛ وَتَمِي وَاَرْدِ بِيدَا شُود، سِپَاهِ سَفْيَانِي بَه سَوِي اَوْ حَرَكْت مِي كَنْد، خُداوَنْد بَه زَمِينِ فَرْمَانِ مِي دَهْدَكِه اَنْ هَا رَا اَزْ زِيْرِ پَايشَانِ بَغِيْرِدِ وَ دَر كَامِ خُودِ فَرُو بِيْرِدِ. وَ اَيْنِ اَسْت مَعْنَايِ اَيَّةِ «اِي كَاشِ بِيْنِي هَنْگَامِي كِه دِچَارِ وَحَشْتِ شُدِه اَنْدِ وَ دِيْگَرِ كَسِي نَمِي بِيْرِدِ وَ اَزْ مَحَلِ نَزْدِيْكِيْ گَرْفْتِه مِي شُوندِ وَ مِي گُويَنْد: مَا بَه اَوْ - مَهْدِي -

دوران نجات
 در سپاه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 یوم الحارثی ظالم الطاهر - علیه السلام

ایمان آورده ایم. چگونه می توانند از جایگاهی دور نجات بیایند؟! در حالی که قبلاً به او کافر شدند و از جای دور، غیب می انداختند! میان آنها و خواسته هایشان جدایی انداخته می شود. چنانکه بیشتر در مورد امثال آنها انجام یافت، که به راستی آنها دچار شک صعبی شده اند^۱. از آنها فقط دو نفر زنده می ماند که «وتر» و «وتیره» از قبیله «مراد» هستند و صورت آنها به عقب برگردانده شده، عقب عقب راه می روند تا آنچه بر سر قومشان آمده، به مردم بگویند.^۲

«لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا بَئَضَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِأَحَبِّ أَكْثَرِهِمْ أَلَّا يَرَوْهُ مِمَّا يَقْتُلُ مِنَ النَّاسِ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْدَأُ إِلَّا بِقُرَيْشٍ فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَجِمَ»^۳ اگر مردم بدانند که مهدی هنگام ظهورش با ستمگران چه می کند، بیشتر مردم دوست دارند که او را درک نکنند و آن کشتار را نبینند! آگاه باشید که او از قریش آغاز می کند و از آنها شمشیر دریافت می کند و به آنها جز شمشیر نمی دهد. بسیاری از مردم می گویند: این از آل محمد نیست، زیرا اگر از آل محمد بود، رحم داشت.

«مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيَّ مِنْهُمْ خَمْسِمِائَةَ رَجُلٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسِمِائَةَ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا ثُمَّ خَمْسِمِائَةَ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا وَإِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ»^۴ بقای قریش دیگر چه فایده ای دارد؟! وقتی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند، پانصد نفر از آنها را می آورد و گردن می زند، سپس پانصد نفر دیگر می آورد و زندانی می کند تا گردن بزند، آنگاه پانصد نفر دیگر که از بزرگان سفیانی نیز در میان آنهاست، می آورد و گردن می زند.

پس طبق این حدیث، سفیانی کشته نمی شود، بلکه زیر درختی سر بریده می شود.

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُؤُودًا»^۵ فرمود:

«أَهْلِكُ الْكَافِرِينَ يَا مُحَمَّدُ رُؤُودًا، لَوْ بَعَثَ الْقَائِمُ فَيَسْتَقِيمُ مِنَ الْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِثِ مِنَ قُرَيْشٍ وَ بَنِي أُمَيَّةَ وَ سَائِرِ النَّاسِ»^۶ ای محمد! به کافران مهلت بده، اگر قائم قیام کند از ستمگران و طاغوتیان قریش و بنی امیه و هر قوم دیگر انتقام خواهد گرفت.
«وَ يَسْتَعْمِلُ عَلَى مَكَّةَ ثُمَّ يَسِيرُ نَحْوَ الْمَدِينَةِ فَيَبْلُغُهُ أَنْ عَامِلُهُ قَتَلَ فَيَرْجِعُ إِلَيْهِمْ فَيَقْتُلُ الْمُقَاتِلَةَ وَ لَا يَزِيدُ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ يَنْطَلِقُ فَيَدْعُو النَّاسَ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ

۱. کشف الغمه ۳: ۳۲۵، الزام الناصب: ۲۸ و ۱۷۷، مشیر الاحزان: ۲۹۸، بحار الانوار ۵۲: ۳۲۲، ۳۱۶، الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۴، ۱۶۰؛ الملاحم والفتن: ۶۰؛ منابع الموده ۳: ۲۸۸۲، بشارة الاسلام: ۱۰۲.
۲. بحار الانوار ۵۱: ۳۵۲، بشارة الاسلام: ۲۷۷، الزام الناصب: ۲۲۳.
۳. ارشاد مفید: ۳۳۳، غیبت نعمانی: ۱۲۳، اعلام الوری: ۴۳۰، بحار الانوار ۵۲: ۳۲۹، بشارة الاسلام: ۲۲۳، ۱۹۹، الزام الناصب: ۲۲۳.
۴. سورة مباركة طارق، آیه ۳۹. ۵. الزام الناصب: ۲۲۳، بحار الانوار ۵۳: ۵۸ و ۱۲۰.

سُنَّةِ رَسُولِهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ حَتَّى يَبْلُغَ الْبَيْدَاءَ فَيَخْرُجُ
إِلَيْهِ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ فَيَخْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ؛^۱ حاکمی برای مکه تعیین می‌کند و از آنجا به سوی
مدینه حرکت می‌کند. به او خبر می‌دهند که آن حاکم کشته شده، به مکه باز می‌گردد و
قاتل او را می‌کشد و به شخص دیگری متعرض نمی‌شود. سپس راه می‌افتد و میان
مسجد الحرام و مسجد النبی، مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و ولایت
علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان علی دعوت می‌کند. وقتی به سرزمین پیدا می‌رسد، سپاه
سفیانی به سوی او حرکت می‌کند و زمین آن‌ها را در خود فرو می‌برد.»

«يَخْرُجُ غَائِبًا إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَمُرَّ بِالْبَيْدَاءِ فَيَقُولُ هَذَا مَكَانُ الْقَوْمِ الَّذِينَ خُسِفَ بِهِمْ وَ
هِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ: ﴿أَقَامِنَ الَّذِينَ مَكْرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ
يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ؛ أَوْ يَأْخُذُهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِسُعْجِزِينَ﴾؛^۲ به
سوی مدینه باز می‌گردد تا به سرزمین پیدا می‌رسد، می‌فرماید: اینجا محل سپاهی
است که زمین آن‌ها را در خود فرو برد. و این است معنای آیه شریفه: ﴿أَيَا كَسَانِي كَمَا
نِيرَنُكَ بَدِي هَارًا أَنْجَامُ دَادَنُكَ، دَرِ اِمَانِ هَسْتَنُكَ مِنْ اِيْنِكُ خَدَاوَنُكَ لِ اِيْنِ اِنْ هَا زَمِيْنِ رَا زِيْرُو
كَنْدُ وَا يَا عَذَابُ اِيْنِ جَايِي كِه نَمِي دَا نَنْدُ بِه سُوِي اِنْ هَا بِيَايِدُ، وَا يَا اِنْ هَا رَا دَر حَا لِ رِفْتِ و
اَمْدَشَا نِ بَغِيْرِدُ، كِه اِنْ هَا عَا جَز كَنْنَدِه نِيْسْتَنْدُ؟﴾^۳»

«ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ وَ تَقَاوُمُهُ قُرَيْشٌ وَ غَيْرُهَا، فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ أَكْثَافَهُمْ وَ يُمَكِّنُهُ مِنْهُمْ؛^۴ سپس
وارد مدینه می‌شود، قریش و دیگران در برابر او مقاومت می‌کنند، خداوند او را پیروز
می‌گرداند و او را بر آن‌ها چیره می‌سازد.»

«يَقُولُ فِي الْمَدِينَةِ خِطَابًا لِبَدِّهِ يَا جَدَّاهُ وَ صَفْتِي وَ دَكَلْتِ عَلَيَّ وَ نَسَبْتِي وَ سَمَّيْتِي وَ
كَنَيْتِي فَجَعَلْتَنِي الْأُمَّةَ وَ تَمَرَّدَتْ وَ قَالَتْ مَا وُلِدَ وَ لَا كَانَ وَ أَيْنَ هُوَ وَ مَتَى كَانَ وَ أَيْنَ
يَكُونُ وَ قَدَمَاتٍ وَ لَمْ يُعْقِبْ (ای ابوه) وَ لَوْ كَانَ صَحِيحًا مَا أَخْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى هَذَا الْوَقْتِ
الْمَعْلُومِ فَصَبْرَتْ مُخْتَسِبًا وَ قَدْ أُذِنَ لِلَّهِ لِي فِيهَا بِإِذْنِهِ؛^۵ در مدینه کنار ضریح مقدس
پیامبر عرضه می‌دارد: ای جد بزرگوار! مرا با نام و نشان معرفی کردی، اسم و کنیه‌ام را
بیان فرمودی، همه را به سوی من راهنمایی کردی، کی و کجا بوده؟ پدرش مُرده و
فرزندش نداشت‌ه‌ا و اگر درست باشد، تاکنون دیر نمی‌کردا من در برابر همه این‌ها صبر
کردم و اینکه خداوند به من اجازه داده است.»

«يَخْرُجُ مِنَ الْحِجَازِ ... حَتَّى يَسْتَوِيَ عَلَى مَنَبَرِ دِمَشْقَ؛^۵ از حجاز ظهور می‌کند... و بالای

۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۴۲، ۳۰۸ و ۵۳: ۱۱؛ بشارة الاسلام: ۲۲۸، ۲۷۱؛ الزام الناصب: ۲۱۶.

۲. سورة مباركة نحل، آيات ۴۵ و ۴۶. بحار الانوار ۵۲: ۳۲۴؛ الزام الناصب: ۱۷۶. ۳. بحار الانوار ۵۲: ۳۴۲.

۴. بحار الانوار ۵۳: ۳۲؛ الزام الناصب: ۲۲۲. ۵. الملاحم والفتن: ۲۳؛ الزام الناصب: ۲۰۱؛ اسعاف الراغبين: ۱۲۸.



منبر دمشق قرار می‌گیرد.»

«فَيَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ مُتَوَجِّهًا إِلَى الشَّامِ، يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ، وَالطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ وَالْخَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ؛^۱ از مکه بیرون آمده، به سوی شام حرکت می‌کند، اهل آسمان خوشحال می‌شوند، اهل زمین خوشحال می‌شوند، پرندگان هوا شادی می‌کنند و ماهیان دریا خوشحالی می‌کنند.»

«منادی در شام ندا می‌دهد که اعراب در حجاز به خاطر شما جمع شده‌اند. سفیانی به یاران خود می‌گوید: آن‌ها چه می‌گویند؟! یارانش به او می‌گویند: آن‌ها فقط شتر و خرما دارند و ما تا به دندان مسلح هستیم، ما را به سوی آن‌ها بفرست. سپس سفیانی با لشکر ۱۷۰ هزار نفری که سلاح‌های گوناگون دارند، قیام می‌کند و در کنار دریاچه طبریه اتراق می‌کند. مهدی علیه السلام نیز همراه لشکریان خود به سوی او حرکت می‌کند، شب‌ها راه می‌رود و روزها کمین می‌کند. وقتی سفیانی به دریاچه طبریه رسید، خشم خدا و بندگان خدا بر او چیره می‌شود، پرندگان با بال‌های خود لشکر او را می‌زنند و کوه‌ها سنگ‌های خود را به سوی آن‌ها می‌ریزند و فرشتگان با صدای خود بر آن‌ها نهب می‌زنند، ساعتی بعد همه سپاه سفیانی نابود می‌شود و فقط سفیانی باقی می‌ماند. مهدی علیه السلام او را گرفته در کنار دریاچه طبریه در نزدیکی دمشق زیر درختی که شاخه‌هایش مُشْرِف بر دریاچه است، سر می‌برد.»^۲

«وَيَبْعَثُ السَّفِيَانِي إِلَيْهِ بَعْثًا فَيُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ وَذَلِكَ بَعَثُ كَلْبٍ وَ الْخَيْبَةِ لِمَنْ لَمْ يَشْهَدْ غَنِيمَةَ كَلْبٍ؛^۳ سفیانی لشکری را به سوی حضرت مهدی می‌فرستد که شکست می‌خورند و آن‌ها لشکر کلب هستند، هر کس پیروزی سپاه اسلام را بر لشکر کلب ندیده باشد، تأسف می‌خورد.»

و نیز می‌فرماید:

«ثُمَّ يَسِيرُ حَتَّى يَأْتِيَ الْعَدْرَاءَ هُوَ وَمَنْ مَعَهُ وَقَدْ أَحَقَّ بِهِ نَاسٌ كَثِيرٌ وَالسَّفِيَانِي يَوْمَئِذٍ يُوَادِي الرَّمْلَةَ حَتَّى إِذَا التَّقَوَّا وَهُمْ يَوْمَ الْإِبْدَالِ يَخْرُجُ نَاسٌ كَانُوا مَعَ السَّفِيَانِي مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ يَخْرُجُ نَاسٌ كَانُوا مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَى السَّفِيَانِي فَهُمْ مِنْ شِيعَتِهِ حَتَّى يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ يَخْرُجُ كُلُّ نَاسٍ إِلَى رَأَيْتِهِمْ وَ هُوَ يَوْمَ الْإِبْدَالِ وَ يَقْتُلُ يَوْمَئِذٍ السَّفِيَانِيَّ وَ مَنْ مَعَهُمْ حَتَّى لَا يُدْرِكَ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ وَ الْخَائِبُ يَوْمَئِذٍ مَنْ خَابَ مِنْ غَنِيمَةِ كَلْبٍ ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ

۱. کشف الغمه ۳: ۲۵۹؛ الملاحم والفتن: ۱۱۶.

۲. بشارة الاسلام: ۱۹۲، ۲۴۹، ۲۷۷؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۰؛ الزام الناصب: ۲۰۱.

۳. الزام الناصب: ۲۵۴، ۵۲؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۶ و ۱۶۰.

فَيَكُونُ مَنزِلُهُ فِيهَا؛^۱ سپس با یاران و سپاه بزرگی که همراه او هستند، حرکت می‌کند تا به سرزمین عذرا^۲ می‌رسد. سفیانی در آن روز در سرزمین «رمله» است. وقتی دو سپاه مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، گروهی از شیعیان اهل بیت که در سپاه سفیانی بودند، به سپاه حضرت مهدی علیه السلام می‌پیوندند و گروهی از شیعیان سفیانی که در میان سپاه اسلام بودند، به سوی سپاه سفیانی می‌روند و به او می‌پیوندند. هرکسی در زیر پرچم خود قرار می‌گیرد که آن روز، روز مبادله سپاهیان است. سفیانی در آن روز کشته می‌شود، دیگر از سپاه سفیانی کسی نمی‌ماند که از آن‌ها خبری نقل کند. هرکس از غنیمت کلب محروم شود، در حقیقت ضرر کرده است.»

و نیز می‌فرماید:

«ثُمَّ يَنْشَأُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخْوَالَهُ مِنْ كَلْبٍ، فَيَبْعَثُ بَعْثًا فَيُظَهَرُونَ عَلَيْهِمْ. وَ ذَلِكَ بَعْثُ كَلْبٍ، وَ الْخَبِيَّةُ لِمَنْ لَمْ يَشْهَدْ غَنِيمَةَ كَلْبٍ؛^۳ سپس مردی از قریش می‌آید که دایی‌هایش از قبیله کلب می‌باشند، سپس سپاهی را به سوی حضرت مهدی علیه السلام می‌فرستد که سپاه اسلام بر آن‌ها پیروز می‌شود. فقط کسی که از غنایم کلب محروم باشد، گرفتار حسرت و پشیمانی می‌شود.»

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام وَ بَعَثَ إِلَى بَنِي أُمَيَّةَ بِالشَّامِ هَزَبُوا إِلَى الرُّومِ فَيَقُولُ لَهُمُ الرُّومُ لَا نَدْخِلُكُمْ حَتَّى تَدْخُلُوا فِي دِينِنَا فَيَفْعَلُونَ وَ يَدْخُلُونَهُمْ فَإِذَا نَزَلَ بِحَضْرَتِهِمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام طَلَبُوا الْأَمَانَ وَ الصَّلْحَ فَيَقُولُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام لَا تَفْعَلْ حَتَّى تَدْفَعُوا إِلَيْنَا مَنْ قَبْلَكُمْ مِمَّا قَبِلْتُمْ مِنْهُمْ إِلَيْهِمْ فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى لَا تَرْكُضُوا وَ أَرْجِعُوا إِلَى مَا أْتَرَفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْتَلُونَ قَالَ يَسْأَلُهُمُ الْكُتُورُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِهَا قَالَ فَيَقُولُونَ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِئِينَ؛^۴ هنگامی که قائم -عجل الله تعالی فرجه الشریف- قیام می‌کند و لشکریان خود را به سوی بنی‌امیه می‌فرستد، آن‌ها به سمت روم فرار می‌کنند و رومی‌ها می‌گویند: ما به شما پناه نمی‌دهیم مگر اینکه دین ما را بپذیرید. آن‌ها می‌پذیرند و به کشور آن‌ها وارد می‌شوند. وقتی یاران مهدی علیه السلام نزدیک کشور روم منزل می‌کنند، رومی‌ها می‌گویند: به ما امان بدهید و با ما فرار صلح امضا کنید. آن‌ها می‌گویند: در صورتی ما صلح را می‌پذیریم که دین و آیین ما را قبول کنید. رومیان می‌پذیرند و بنی‌امیه فراری را به آن‌ها تسلیم می‌کنند. و این است معنای

۱. بحار الانوار: ۵۲، ۲۲۴؛ الزام الناصب: ۱۷۶؛ كشف الغممة: ۳، ۲۶۹؛ البيان: ۷۳؛ الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۴۶.

۲. عذرا دشت وسیعی در نزدیکی دمشق است که معاویه، حجر بن عدی و گروهی دیگر از شیعیان امیرمؤمنان علیه السلام را به خاطر وفاداری به آن حضرت در این سرزمین زنده به گور کرد.

۳. بحار الانوار: ۵۱، ۸۸؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۳؛ منابع الموده: ۳، ۸۷؛ الامام المهدی: ۷۲؛ الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۴۶ و ۱۶۰.

۴. سورة مباركة انبياء، آیات ۱۲-۱۵. بشارة الاسلام: ۷۰، ۲۲۹؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۴۴؛ الزام الناصب: ۲۲.

کلام خدا که می فرماید: «وقتی قدرت عظیم ما را دیدند، ناگهان از آن فرار می کنند. فرار نکنید و به سوی خانه ها و استراحتگاه های خود برگردید تا بازخواست شوید. می گویند: ای وای بر ما! ما ستمگر بودیم. همواره آن ها بر این ادعای خود پابرجا می مانند تا آن ها را با داس مرگ درو کرده و در کام مرگ فرو بریم.»

شبهه این روایت از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده، با این تفاوت که درباره بازخواست، می فرماید: «از آن ها درباره گنج های بنی فلان سؤال می شود.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ؛ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ کسی که انتقام بگیرد پس از آن که مورد ستم واقع شده، راهی بر آن ها نیست. راه برای کسانی هست که به مردم ستم می کنند و در روی زمین به ناحق فساد می کنند، که برای آن ها عذابی دردناک هست»^۱ فرمود:

«وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ يَعْنِي الْقَائِمَ وَأَصْحَابَهُ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ وَالْقَائِمُ إِذَا قَامَ انْتَصَرَ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَمِنَ الْمُكَدَّبِيِّينَ وَالنُّصَابُ هُوَ وَأَصْحَابُهُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ این آیه درباره قائم و یاران او می باشد، که وقتی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند، از بنی امیه و تکذیب کننده ها و ناصبی ها انتقام می گیرد.»^۲

و در تفسیر آیه شریفه «يَنْتَعِشِرَ الْجَنَّةِ وَالْإِنْسِ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ»^۳ فرمود:

«يَنْزِلُ الْقَائِمُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ بِسَبْعِ قِيَابٍ مِنْ نُورٍ وَلَا يُغْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ، حَتَّى يَنْزِلَ ظَهْرُ الْكُوفَةِ؛ روزی که قائم ظهور می کند، هفت خیمه از نور فرود می آید که مشخص نیست قائم در کدام است، و در پشت کوفه فرود می آید.»

در این حدیث روشن است که حضرت مهدی علیه السلام پس از نابودی سپاه سفیانی با هفت هواپیما وارد نجف اشرف می شود که نورافکن های آن ها همه جا را روشن می کند. به این دلیل هواپیما را بیان می کنیم که در احادیث آمده است:

«قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مرکب هایی دارد که با زین و افسار در هوا حرکت می کنند و بال هایی دارند.»

هر انسان عاقلی که این روایات روشن و زیبا را می شنود، در برابر آن ها تسلیم می شود

دوران رهاب
 در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 نور الحاد في الظلمات المهدوية

و هر کس به تناسب فهم خود از این روایات استفاده می‌کند. هرچه دانش بشری پیشرفت می‌کند، مسائل تازه‌ای از عظمت آن‌ها برای انسان امروزی شناخته می‌شود و حقایق بیشتری برای انسان پژوهشگر شناخته می‌شود.

یکی از این هفت فرزند هواپیما همان تخت سلیمان بن داود علیه السلام است که قرآن کریم درباره آن سخن گفته است و حضرت سلیمان علیه السلام بر آن می‌نشست. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«... وَ يَسِيرُ نَحْوَ الْكُوفَةِ، وَ يَنْزِلُ عَلَى سَرِيرِ النَّبِيِّ سُلَيْمَانَ عليه السلام وَ يَمِينِهِ عَصَا مُوسَى، وَ جَلِيسُهُ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، مُتَّشِحًا بِبُرْدِ النَّبِيِّ، مُتَقَلِّدًا بِذِي الْفِقَارِ، وَ وَجْهُهُ كَدَائِرَةِ الْقَمَرِ فِي لَيْالِي كَمَالِهِ، يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ ثَنَائِيَاهُ نُورٌ كَالْبُرْقِ السَّاطِعِ، عَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورٍ؛ ... به سوی کوفه می‌رود و بر تخت سلیمان پیامبر علیه السلام می‌نشیند و عصای موسی علیه السلام را در دست می‌گیرد و جبرئیل و حضرت عیسی علیه السلام همنشین او هستند، جامه پیامبر صلی الله علیه و آله را به تن دارد و ذوالفقار را حمل کرده، و صورتش مانند قرص ماه در شب بدر می‌درخشد، و از میان دندان‌های ثنایایش، نوری مانند برق بیرون می‌آید و بر سر مبارکش تاجی از نور قرار دارد.»

طبق این حدیث، حضرت مهدی علیه السلام تخت حضرت سلیمان علیه السلام را از بیت المقدس خارج کرده و آن را با خود می‌برد. حال باید ببینیم چگونه حضرت مهدی علیه السلام در هوا راه می‌رود؟! ممکن است بر باد سوار باشد که شهری را با تمام ساکنان و وسایلش جا به جا کند! یا ممکن است به تعبیر یکی دیگر از احادیث، اسب‌های زین دار و افساردار و بال‌داری سپاه حق را جا به جا کند! یا ممکن است مانند زمان ما هواپیماهای تیزپرواز سپاه اسلام را با تمام اسلحه و امکانات جا به جا کنند. و یا شاید بشقاب‌های پرنده این کار را می‌کنند.

حضرت علی علیه السلام درباره عظمت سلطنت حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ مُلْكَنَا أَكْبَرُ مِنْ مُلْكِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ سُلْطَانَنَا أَكْبَرُ مِنْ سُلْطَانِهِ؛^۱ حکومت ما از سلطنت سلیمان بن داود بزرگ‌تر است و پادشاهی ما از پادشاهی او وسیع‌تر است.»

گفته‌اند مرکب حضرت سلیمان علیه السلام نیز بال‌هایی داشت که با آن در هوا پرواز می‌کرد.^۲ امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«كَأَنِّي بِالقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ



جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْأَمْصَارِ وَ يَفْتَحُ قُسْطَنْطِينَةً وَ الصِّينَ وَ جِبَالَ الدِّيْلَمِ؛^۱ گویا قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را در نجف کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته از مکه به سوی نجف می رود، جبرئیل از دست راست و میکائیل از دست چپ و شعیب بن صالح در جلوی او و مؤمنان در اطراف او حرکت می کنند. و او سپاهیان را در شهرها پخش می کند، قسطنطنیه، چین و کوه های دیلم را فتح می کند.

«حَتَّى إِذَا صَعِدَ النَّجْفَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ تَعَبَّدُوا لِيَلْتَكُمُ هَذِهِ قَبَائِلُ بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ يَتَضَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ حَتَّى إِذَا أَصْبَحَ قَالَ خُذُوا بِنَا طَرِيقَ النَّخِيلَةِ وَ عَلَى الْكُوفَةِ خَنْدَقٌ مُخَنْدَقٌ قُلْتُ خَنْدَقٌ مُخَنْدَقٌ» حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى مَسْجِدِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بِالنَّخِيلَةِ فَيُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ بِالْكُوفَةِ مِنْ مُزَجِّنِهَا وَ غَيْرِهِمْ مِنْ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ اسْتَطِرِدُّوا لَهُمْ ثُمَّ يَقُولُ كَرُّوا عَلَيْهِمْ فَلَا يَجُوزُ وَاللَّهِ الْخَنْدَقُ مِنْهُمْ مُخَيَّرٌ ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ؛^۲ وقتی وارد نجف اشرف می شود به یاران خود می فرماید: امشب را مشغول عبادت باشید. آن شب به رکوع، سجود، گریه و مناجات با خدا می پردازند. وقتی صبح می شود می فرماید: به سوی نخيله حرکت کنید.

آن روز در اطراف کوفه خندق خواهد بود. به سوی نخيله حرکت می کنند و در نخيله به مسجد حضرت ابراهیم عليه السلام می رسند و در آنجا دو رکعت نماز می گذارد؛ سپس هر چه مرجئه^۳ و غیر آن از سپاه سفیانی باشد به سوی آن حضرت حمله می کنند. امام عليه السلام به یاران خود دستور می دهد که عقب نشینی کنند و به دشمن فرصت می دهد. سپس فرمان حمله صادر می کند، حتی یک نفر هم از آن ها، از خندق نمی گذرد تا گزارش ببرد؛ سپس وارد کوفه می شود.

«إِذَا دَخَلَ الْقَائِمُ الْكُوفَةَ لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ هُوَ بِهَا أَوْ يَجِيءُ إِلَيْهَا فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ سِيرُوا بِنَا إِلَى هَذِهِ الطَّاغِيَةِ فَيَسِيرُ إِلَيْهِ؛^۴ وقتی قائم عليه السلام وارد کوفه می شود مؤمنی در کوفه نمی ماند مگر این که به سوی آن حضرت می شتابد. امام عليه السلام می فرماید: ما را نزد این طغیانگر ببرید. سپس به سوی او به راه می افتند.»

در اینجا منظور از طغیانگر، فرمانده سپاه سفیانی است که از طرف سفیانی برای

۱. اعلام الوری: ۴۳۰؛ ارشاد مفید: ۳۴۱؛ منتخب الاثر: ۳۱۲؛ کشف الغمہ: ۳، ۳۲۴؛ البیان: ۹۷؛ المحجة البضاء: ۴، ۳۲۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۳۷؛ الزام الناصب: ۲۲۵، ۲۲۲، ۶۳؛ اسعاف الراغبین: ۱۴۰-۱۳۵؛ الامام المهدي: ۲۷۳؛ الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۳۴ و ۱۴۵.
 ۲. بحار الانوار: ۵۲، ۳۴۳؛ بشارة الاسلام: ۲۲۹.
 ۳. مرجئه، گروهک هایی از اهل سنت هستند که می گویند: با وجود ایمان، گناه ضرری نمی رساند.
 ۴. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۵؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۳۴، ۳۳۰ و ۳۸۵، ۵۳؛ ۱۱؛ بشارة الاسلام: ۲۲۹؛ الزام الناصب: ۲۲۷.

نابودی مردم عراق مأمور شده است.

«ثُمَّ يَنْطَلِقُ حَتَّى إِذَا بَلَغَ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ صُلْبِ أَبِيهِ وَهُوَ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ بِسِدْنِهِ وَ أَشَجَعِهِمْ بِقَلْبِهِ مَا خَلَا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فَيَقُولُ يَا هَذَا مَا تَصْنَعُ فَوَاللَّهِ إِنَّكَ لَتَجْفِلُ النَّاسَ إِجْفَالَ النَّعَمِ أَفَبِعَهْدِ مَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَمْ بِمَاذَا فَيَقُولُ الْمُتَوَلَّى الَّذِي وَلِيَ الْبَيْعَةَ وَاللَّهِ لَتَسْكُنَنَّ أَوْ لَأُضْرِبَنَّ الَّذِي فِيهِ عَيْنَاكَ فَيَقُولُ لَهُ الْقَائِمُ اسْكُتْ يَا فَلَانُ إِي وَاللَّهِ إِنْ مَعِيَ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ هَاتِ لِي يَا فَلَانُ الْعَيْنَةَ أَوْ الزُّنْفِيلَةَ - فَيَأْتِيهِ بِهَا فَيَقْرُؤُهَا الْعَهْدُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فَيَقُولُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَعْطَيْتَنِي رَأْسَكَ أَقْبَلُهُ فَيُعْطِيهِ رَأْسَهُ فَيَقْبَلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ جَدُّ لَنَا بَيْعَةٌ فَيُجَدِّدُ لَهُمْ بَيْعَةَ؛ سپس جلو می رود تا به ثعلبیه می رسد، آنجا یک نفر از خاندان پدرش به سوی آن حضرت می آید که بعد از حضرت صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از همه مردم نیرومندتر و شجاع تر است؛ می گویند: چه می کنی؟! به خدا سوگند مردم را مانند چارپا روی زمین می ریزی! آیا پیمانی از پیامبر ﷺ در دست داری؟ یا بنا بر چه فرمانی این کارها را انجام می دهی؟! کسی که مسئول بیعت گرفتن است به او می گویند: ساکت باش، وگرنه گردنت را می زنم. حضرت مهدی عجل الله فرجه به او می فرماید: تو ساکت باش!

سپس به مرد پرخاشگر می فرماید: آری، به خدا سوگند که من پیمانی از پیامبر ص دارم. سپس به یکی از لشکریان می فرماید: ای فلانی صندوق را بیاور. او صندوق را می آورد و پیمان پیامبر ص را بیرون آورده و می خواند. آن مرد می گوید: خداوند مرا قربانت گرداند، اجازه بده سر مبارکت را ببوسم. مهدی عجل الله فرجه سر مبارکش را نزدیک می آورد و آن مرد میان دو چشم حضرت را می بوسد. سپس می گوید: خدا مرا فدای تو گرداند، بیعت را برای ما تجدید کن، سپس تجدید بیعت می کند.»

این مرد پرخاشگر، همان سید حسینی خراسانی است که از مدتها پیش، میان کربلا و کوفه در انتظار آن حضرت جهاد می کند و به همین دلیل است که از آن حضرت دلیل می خواهد.

«ثُمَّ يَأْتِي الْكُوفَةَ فَيَطِيلُ بِهَا الْمَكْثَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمْكُثَ حَتَّى يَظْهَرَ عَلَيْهَا؛ سپس به سوی کوفه می شتابد و تا خدا بخواهد در آنجا اقامت می کند تا بر آنجا پیروز شود.»
«يَدْخُلُ الْمَهْدِيُّ الْكُوفَةَ وَبِهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اضْطَرَبَتْ بَيْنَهَا فَتَضْفُو لَهُ فَيَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمِثْبَرُ وَيَخْطُبُ وَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ وَهُوَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ



كَانِي بِالْحَسَنِيِّ وَالْحُسَيْنِيِّ وَقَدْ قَادَاهَا فَيَسْلُمَهَا إِلَيَّ الْحُسَيْنِيُّ فَيُنَايِعُونَهُ؛^۱ مهدی در حالی وارد کوفه می شود که سه پرچم در آن برافراشته شده، و هر سه با یکدیگر اختلاف پیدا کرده اند، سپس راه برای او هموار می شود، او وارد کوفه شده، روی منبر قرار می گیرد و خطبه می خواند؛ مردم از شدت اشک شوق، نمی فهمند که او چه می گوید؟! ... گویی با چشم خود می بینم که سید حسنی خراسانی و حضرت مهدی علیه السلام آن پرچم ها را رهبری می کنند. سپس سید حسنی آن ها را به حضرت مهدی علیه السلام واگذار می کند و همه با او بیعت می کنند.»

سپس سید حسنی زیر پرچم حضرت مهدی علیه السلام قرار می گیرد و از او اطاعت می کند و سپاه خود را به سپاه او ملحق می کند.

«فَإِذَا وَصَلَ إِلَى الْكُوفَةِ يَعْقِدُ بِهَا الْقَائِمُ عليه السلام ثَلَاثَ رَايَاتٍ لَوَاءٍ إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ وَلَوَاءً إِلَى الصَّيْنِ فَيَفْتَحُ لَهُ وَلَوَاءً إِلَى جِبَالِ الدَّيْلَمِ فَيَفْتَحُ لَهُ؛^۲ وقتی به کوفه می رسد، سه لشکر آماده می کند، لشگری به سوی قسطنطنیه می فرستد که آنجا را فتح می کند، و لشگری به سوی چین می فرستد که خداوند آنجا را نیز برای او فتح می کند، و لشگری به کوه های دیلم فرستاد، که خداوند آنجا را نیز برای او فتح می کند.»

«إِذَا فَتَحَ جَيْشُهُ بِلَادَ الرُّومِ، يُسَلِّمُ الرُّومَ عَلَى يَدِهِ، فَيَبْنِي لَهُمْ مَسْجِدًا، وَيَسْتَخْلِفُ عَلَيْهِمْ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ؛^۳ وقتی سپاه او کشور روم را فتح کند، رومی ها به دست او اسلام را می پذیرند و او برای آن ها مسجدی می سازد و مردی از یاران خود را در میان آن ها به عنوان نماینده خود انتخاب می کند.»

«رُومِيَّةٌ الَّتِي يَفْتَحُهَا الْمَهْدِيُّ هِيَ أُمَّةُ بِلَادِ الرُّومِ، الَّتِي مَنْ كَانَ يَمْلِكُهَا كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْخَلِيفَةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ؛^۴ آن شهر روم که به دست مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فتح می شود، پایتخت کشور روم است که هر کس در آنجا حکومت کند، میان مسلمانان مانند خلیفه می باشد.»

این حدیث نیز از احادیث غیبی می باشد، زیرا در آن روز شهر روم مانند امروز پایتخت نداشت.

«ثُمَّ يَسِيرُ الْمَهْدِيُّ وَمَنْ مَعَهُ إِلَى الْبَحْرِ الْمُحِيطِ؛^۵ سپس مهدی علیه السلام با یارانش به سوی اقیانوس حرکت می کند.»

در سپاه حضرت مهدی قائم علیه السلام در سپاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خلاصه فی ظلال القرآن مهدی علیه السلام

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۸۱؛ کشف الغمه ۳: ۳۲۴؛ الزام الناصب: ۲۲۲؛ اعلام الوری: ۴۳۰؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۴.
 ۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۸۸، ۳۳۳، ۳۳۱؛ منتخب الاثر: ۱۵۳؛ الملاحم والفتن: ۱۱۸؛ المهدي: ۲۲۳، ۱۹۸؛ بشارة الاسلام: ۲۵۱، ۲۵۸، ۲۸۷، ۲۵۸؛ نور الابصار: ۱۷۱؛ اسعاف الراغبین: ۱۳۶؛ الزام الناصب: ۲۲۳. ۳. بشارة الاسلام: ۲۵۱.
 ۴. الزام الناصب: ۲۲۴؛ الملاحم والفتن: ۶۴. ۵. نتائج الموده ۳: ۹۲.

«هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَ يُتِمُّ النَّعْمَ، وَ يُحَقِّقُ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَ يُزْهِقُ الْبَاطِلَ. وَ هُوَ مَهْدِيكُمْ الْمُنتَظَرُ؛ قَائِمٌ عَلَيْهِ سَخَنَ هَارًا يَكِي مِي كُنْد، نَعْمَتِ هَارًا كَامِل مِي گِرْدَانْد، خِداوَنْد بَه وَسِيلَة اَوْ حَق رَا تَحَقِّق مِي بَخْشِد وَ بَاطِل رَا نَابُود مِي كُنْد. اَوْ مَهْدِي مُنْتَظَر شِمَاسْت.»

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ؛ اجازة داده شده به آن‌ها که نبرد می‌کنند برای اینکه مورد ستم قرار گرفته‌اند، خداوند در یاری آن‌ها تواناست. آنان که از دیار خود به ناحق بیرون رانده شده‌اند»^۱ فرمود:

«هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْقَائِمِ عليه السلام وَ أَصْحَابِهِ؛^۲ اَيْنَ آيَة دَرْبَارَة قَائِم و يَارَان اَوْ نَازِل شَدَه اسْت.»

و در تفسیر آیه شریفه «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ؛ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ؛ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ؛ وقتی در ناقور دمیده شد، آن روز، روز سختی است، برای کافران آسان نیست»^۳ فرمود:

«إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُظْفَرًا مُسْتَبْرَأً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛^۴ امامی از ما پیروز مندانه غایب خواهد بود، وقتی خداوند اراده کند که امر او را آشکار سازد، نقطه‌ای را در دل او به لرزه درمی‌آورد، پس ظاهر می‌شود و به فرمان خدا قیام می‌کند.»

«يَغِيبُ فَلَا تَرَاهُ عَيْنٌ أَحَدٍ حَتَّى يَرَاهُ كُلُّ أَحَدٍ وَ كُلُّ عَيْنٍ؛^۵ از نظرها غایب می‌شود و هیچ کس او را نمی‌بیند، تا روزی فرارسد که هر چشمی او را ببیند.»

امروزه با وجود تلویزیون این مسأله برای ما روشن و قابل فهم شده است که هنگام ظهور، هر کس می‌تواند او را در خانه خود ببیند، ولی شاید این یکی از معجزات آن حضرت باشد، چرا که در زمان ما خانه‌هایی هست که تلویزیون ندارند ولی هنگام ظهور می‌توانند جمال او را ببینند. امامان معصوم علیهم السلام قرن‌ها پیش از اختراع تلویزیون، این مسأله را بیان کرده‌اند.

«يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطْلُعُ الشَّمْسُ آيَسَ مَا تَكُونُونَ فَإِيَّاكُمْ وَ الشُّكَّ وَ الْإِزْتِيَابَ وَ انْقُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الشُّكُوكَ وَ قَدْ حَذَّرْتُكُمْ فَأَخَذُوا؛^۶ وقتی قائم عليه السلام ظهور می‌کند، هر جا

۱. سوره مبارکه حج، آیات ۳۹ و ۴۰.

۲. بحار الانوار ۵۱: ۵۸ و ۵۳: ۵۵؛ منتخب الاثر: ۱۷۰؛ الامام المهدي: ۴۶؛ الزام الناصب: ۲۳۷، ۲۵؛ غیبت نعمانی: ۱۲۷.

۳. سوره مبارکه مدثر، آیات ۸-۱۰. ۴. اصول کافی ۱: ۳۴۳؛ بحار الانوار ۵۱: ۵۸ و ۵۲: ۲۸۴.

۵. الزام الناصب: ۲۱۵؛ بحار الانوار ۵۳: ۵۶؛ بشارة الاسلام: ۲۶۷. ۶. بشارة الاسلام: ۱۵۳.



باشید مانند خورشید درخشان بر شما طلوع می‌کند، پس هرگز درباره او شک نکنید و شک و تردید را از دل بیرون کنید. من شما را از این کار بر حذر کردم، سخت از آن بپرهیزید.»

«مَا تَسْتَفْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَاللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الشَّعِيرُ الْجَشِيبُ وَمَا هُوَ إِلَّا السِّيفُ يَسِيرُ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَلَا يَعِيشُ إِلَّا عَيْشَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ چرا درباره ظهور قائم این قدر عجله می‌کنید؟ به خدا سوگند که لباس خشن می‌پوشد و غذای بی‌خورشت می‌خورد و شمشیر می‌زند و دشمنان خدا را می‌کشد. از سنت پیامبر ﷺ پیروی می‌کند، ولی روش زندگی او مانند حضرت علی علیه السلام است.»

«إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهْ فِي عَافِيَةٍ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً وَبَيَّعَتْهُ الْقَائِمَ تَقِيَّةً؛^۱ وقتی یکی از شما ظهور قائم - عجل الله تعالى فرجه الشريف - را آرزو کند، آن را همراه با سلامتی آرزو کند که خداوند، حضرت محمد ﷺ را رحمت برای جهانیان فرستاده، ولی قائم را برای انتقام خواهد فرستاد.»

آری، او از کافران و ستمگران انتقام می‌گیرد، ولی برای محرومان و مستضعفان از پدر هم مهربان‌تر است. اما وقتی حدود الهی و احکام دین را دقیقاً اجرا می‌کند، ستمگران و جنایتکاران آن روز مسعود را خوش نخواهند داشت.

و درباره تعیین غیرقطعی روز ظهور می‌فرماید:

«يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ ﷺ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ لَكَانِي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ جَبْرَيْلُ ﷺ عَنْ يَدِهِ الْيَمْنَى يُنَادِي الْبَيْعَةَ الْبَيْعَةَ؛^۲ در شب بیست و سوم رمضان از آسمان به نام قائم - عجل الله تعالى فرجه الشريف - ندا می‌شود و در روز عاشورا به روز شهادت امام حسین علیه السلام قیام می‌کند، گویی او را با چشم خود می‌بینم که در روز شنبه دهم محرم الحرام، میان رکن و مقام ایستاده، و جبرئیل در طرف راست او فریاد می‌زند: بیعت، بیعت!»

«يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ لِثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ ﷺ، يَكُونُ النَّهَارُ نَهَارَ سَبْتٍ حِينَ يَقُومُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَتَصِيرُ إِلَيْهِ الشَّيْعَةُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ؛^۳ در شب جمعه بیست و سوم ماه

۱. غیبت نعمانی: ۱۲۲؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۷؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۵۴؛ منتخب الاثر: ۳۰۷، ۳۱۹؛ الزام الناصب: ۲۲۳؛ الامام المهدي: ۲۷۳؛ غیبت نعمانی: ۲۲۶. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۳۷۶، ۳۱۵؛ الزام الناصب: ۱۴۰؛ منتخب الاثر: ۴۶۵. ۳. ارشاد مفید: ۳۴۱؛ كشف الغممة: ۳: ۳۲۴؛ المحجة البيضاء: ۴: ۳۴۴؛ اعلام الوری: ۴۳۰؛ منتخب الاثر: ۴۴۲، ۴۴۸؛ غیبت طوسی: ۲۷۲؛ الامام المهدي: ۲۲۹، ۹۵؛ بشارة الاسلام: ۱۴۹، ۱۹۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۹۰؛ المهدي: ۱۹۸، ۷۸. ۴. همان.

مبارک رمضان به نام او از آسمان ندا می‌آید و در روز عاشورا که روز شهادت امام حسین علیه السلام است، قیام می‌کند. عاشورای آن سال، روز شنبه خواهد بود، میان رکن و مقام خواهد ایستاد و شیعانش از همه جهان به سوی او خواهند شتافت. «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ قَالَ أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يَوْمُ الْمَوْتِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ أَيَّامِ اللَّهِ، در آیه شریفه ﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾^۱ عبارت است از: روز ظهور قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف -، روز مرگ و روز قیامت.»

در هر سه این روز، بدکاران از نیکوکاران جدا می‌شوند و هر کس به سزای اعمالش می‌رسد. با هشدارهای پیشوایان، دیگر کسی نمی‌تواند عذری بیاورد.

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۲ فی هَذَا الْيَوْمِ هُوَ الْمَهْدِيُّ تَخُنُّ عَلَيَّ مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَنَا فِي إِظْهَارِ دِينِهِ بِالسَّيْفِ وَ نَدْعُو النَّاسَ إِلَيْهِ فَضَرِبَتْهُمْ عَلَيْهِ عَوْدًا كَمَا ضَرَبَتْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِدَوَا؛^۳ «او را بر همه دین‌ها پیروز می‌گرداند» که به دست مهدی صورت می‌گیرد. ما پیرو سنت پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم، تا خداوند به ما اجازه دهد که برای اظهار دین او شمشیر بکشیم و مردم را به سوی او دعوت کنیم، همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز، این کار را کرد.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه ادیان پیروز شود، اگر چه مشرکان از این خوشحال نیستند»^۴ فرمود: وَ اللَّهُ مَا أَنْزَلَ تَأْوِيلَهَا بَعْدُ وَ لَا يُنْزَلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ الْأَكْرَمِ خُرُوجُهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَقْتُلْهُ؛^۵ به خدا سوگند، این آیه تحقق نیافته و تحقق نمی‌یابد تا روزی که قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور کند. ظهور او برای کافران و مشرکان، خوشایند نیست، زیرا اگر کافر و یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ خواهد گفت: ای مؤمن! در دل من کافری هست، آن را به قتل برسان.»

طبق این حدیث، روز ظهور برای کافران روز سختی است و آن‌ها از انتقام الهی در امان نیستند و به هر کجا پناه ببرند، پناهگاهی نخواهند یافت.

يُظْهِرُ وَ خَدَهُ وَ يَأْتِي الْبَيْتَ وَ خَدَهُ وَ يَلِجُ الْكَعْبَةَ وَ خَدَهُ وَ يَجُنُّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ خَدَهُ فَإِذَا نَامَتْ

۱. الزام الناصب: ۲۳، ۲۴؛ بحار الانوار: ۵۱، ۲۵ و ۵۳، ۵۲ معانی الاخبار: ۳۶۶؛ منابع الموده: ۳، ۷۹.

۲. سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۵. ۳. سوره مبارکه نوبه، آیه ۳۳. ۴. الزام الناصب: ۲۳۷. ۵. سوره مبارکه نوبه، آیه ۳۳.

۶. منتخب الاثر: ۲۹۴؛ صحیح مسلم: ۸، ۱۸۸؛ بحار الانوار: ۵۱، ۶۰ و ۵۲؛ ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۸۸، الزام الناصب: ۲۱، ۳۱، ۲۲۲؛ منابع الموده: ۳.

۷۸. بشارة الاسلام: ۲۶۲، ۲۵۱؛ الامام المهدي: ۴۲؛ نور الابصار: ۱۶۹؛ مشير الاحزان: ۲۹۷؛ مسند احمد: ۲، ۵۳۰.

دوران نجات
 مهدی قائم
 حضرت امام
 محمد باقر
 علیه السلام
 نور الاحزان
 في ظلال النور
 في بيان
 يوم الحساب

الْعُيُونُ وَ غَسَقَ اللَّيْلُ نَزَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ الْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا فَيَقُولُ لَهُ جِبْرَائِيلُ يَا سَيِّدِي قَوْلِكَ مَقْبُولٌ وَ أَمْرُكَ جَائِزٌ فَيَمْسَحُ عَلَيْهِمَا يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ يَقُولُ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْزَنَّا الْأَرْضَ نَتَبَوُّا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ﴾^۱ وَ يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ فَيَصْرُخُ صَرْخَةً فَيَقُولُ يَا مَعَاشِرَ ثَقْبَانِي وَ أَهْلَ خَاصَّتِي وَ مَنْ دَخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظَهْورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ اثْنُونِي طَائِعِينَ فَتَرِدُ صَنِيعَتُهُ عَلَيْهِمْ وَ هُمْ عَلَى مَحَارِبِهِمْ وَ عَلَى فُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَيْحَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ فَيَجِيئُونَ نَحْوَهَا وَ لَا يَخْضِي لَهُمْ إِلَّا كَلْمَةٌ بَصَرٍ حَتَّى يَكُونَ كُلُّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ يَكُونُ هَذَا قَبِيلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ؛^۲ به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی به مسجد الحرام می آید، به تنهایی وارد کعبه می شود، در حال تنهایی شب را سپری می کند، وقتی پاسی از شب گذشت و چشم ها در خواب فرو رفت، جبرئیل و میکائیل و فرشتگان در حالی که صف کشیده اند بر او فرود می آیند. جبرئیل می گوید: ای سرور من، فرمان تو را اطاعت می کنم و سخن تو را می پذیرم. امام علیه السلام دستش را به صورت او می کشد و این آیه را تلاوت می فرماید: «ستایش مخصوص خداوندی است که وعده اش تحقق می یابد و ما را وارث زمین گردانید. در بهشت هر جا بخواهیم ساکن می شویم، پاداش عمل کنندگان چقدر خوب است.» سپس میان رکن و مقام می ایستد و با صدای بلند فریاد می زند: ای یاران و نزدیکان من! ای کسانی که خداوند شما را قبل از ظهور من برای یاری من در روی زمین جمع کرده است، در حالی که اطاعت می کنید به سوی من بشتابید. آن ها که در شرق و غرب جهان در محراب و یا در رختخواب خود هستند، بانگ امام را می شنوند. همین یکبار صدا به گوش همه آن ها می رسد و همه به سوی او می شتابند، چیزی نمی گذرد مگر به مقدار یک چشم به هم زدن، که همه نزد او جمع می شوند و این اجتماع پر شکوه قبل از طلوع خورشید اتفاق می افتد.»

امروزه با وسایل پیشرفته ای که اختراع شده است، این گونه شنیدن صدای امام، خیلی عجیب نیست.

﴿إِذَا أذنَ اللهُ تَعَالَى لِلْقَائِمِ بِالْخُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاَهُمْ إِلَى حَقِّهِ عَلَى أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ؛^۳ وقتی خداوند به قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اجازه ظهور می دهد، روی منبر قرار گرفته، مردم را به سوی خود دعوت می کند، آن ها را به خدا سوگند می دهد که دعوت او

۱. سوره مبارکه زمر، آیه ۷۲. ۲. بحار الانوار ۵۳: ۷، بشارة الاسلام: ۲۶۸، الزمام الناصب: ۲۱۵.

۳. الزمام الناصب: ۱۲۲، ارشاد مفید: ۳۲۳، محجة البيضاء ۴: ۳۲۵، منتخب الاثر: ۴۶۸، اعلام الوری: ۴۳۱، بشارة الاسلام: ۲۳۱، الامام المهدي: ۲۷۳، بحار الانوار ۵۲: ۳۳۷.

دوران دوازدهم
 در پیام حضرت
 مهدی قائم علیه السلام

درهم پیچیده و به حضرت علی علیه السلام داد. آن پرچم هم اکنون در نزد ماست، کسی از ما آن را باز نمی‌کند تا قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند. وقتی قیام کرد آن را باز می‌کند، در مشرق و مغرب کسی نمی‌ماند مگر این که آن را لعنت می‌کند»

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید:

«إِذَا ظَهَرَتْ رَايَةُ الْحَقِّ لَعْنَتُهَا أَهْلَ الْمَشْرِقِ وَأَهْلَ الْمَغْرِبِ أَتَذَرِي لِمَ ذَاكَ قُلْتَ لَا قَالَ لِلَّذِي يَلْقَى النَّاسَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ قَبْلَ خُرُوجِهِ لِمَا يَلْقَوْنَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ؛ وقتی پرچم حق برافراشته شود، اهل شرق و غرب آن را لعنت می‌کنند، و این به خاطر مصیبت‌هایی است که قبل از ظهور او، اهل بیت او می‌بینند و به خاطر گرفتاری‌هایی است که از بنی هاشم به آن‌ها می‌رسد»

قبل از ظهور قائم، عده‌ای از سادات بسیار ستم می‌بینند که هنگام ظهور، به پرچم حق شک می‌کنند و آن را لعنت می‌کنند.

«يُقْبَلُ صَاحِبُ الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمُرُ أَهْلَهَا فَيَرْجِعُونَ إِلَيْهَا؛ صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به سوی عراق حرکت می‌کند و سپاهی را به سوی مدینه به راه می‌اندازد، در آنجا امنیت را برقرار می‌کنند و اهل مدینه به سوی شهر خود باز می‌گردند.»

«إِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ، بَعَثَ أَصْحَابَ الرَّايَاتِ السُّودِ لَهُ بِالْبَيْعَةِ، وَهُمْ بِالْكَوْفَةِ؛ وقتی مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور کند، صاحبان پرچم سپاه که آن روز در کوفه هستند، نمایندگان را برای بیعت به حضور آن حضرت می‌فرستند.»

منظور از صاحبان پرچم سپاه، یاران سید حسنی هستند که حضرت مهدی علیه السلام را یاری می‌کنند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: فرج شیعیان شما چه وقت می‌باشد؟ حضرت فرمود:

«إِذَا خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتُرَاتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قُلْتُ وَمَا تُرَاتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ سَيْفُهُ وَدِرْعُهُ وَعِمَامَتُهُ وَبُرْدَةٌ وَرَايَتُهُ وَقَضِيْبُهُ وَفَرَسُهُ وَوَلَامَتُهُ وَسَرْجُهُ حَتَّى يَنْزِلَ مَكَّةَ فَيُخْرِجَ السَّيْفَ مِنْ غَمْدِهِ وَيَلْبَسَ الدِّرْعَ وَيَنْشُرَ الرَّايَةَ وَالْبُرْدَةَ وَالْعِمَامَةَ وَيَتَنَاوَلَ الْقَضِيْبَ بِيَدِهِ وَيَسْتَأْذِنَ اللَّهَ فِي ظُهُورِهِ؛ فرج ما زمانی است که صاحب این امر با میراث پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه خارج شده و به مکه بازگردد. راوی پرسید: میراث پیامبر صلی الله علیه و آله چیست؟ حضرت فرمود: شمشیر، زره، عمامه، بُرد، تازیانه،

دوازدهم: دوران نجات
 در سپاه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 تورات الحارثی ظل القائل المهدی علیه السلام

۱. غیبت نعمانی: ۱۵۹؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۴۳؛ بشارة الاسلام: ۱۹۹. ۲. بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۰۱؛ بشارة الاسلام: ۱۳۹. ۳. غیبت نعمانی: ۱۴۴؛ الملاحم والفتن: ۵۲؛ المهدی: ۲۲۳. ۴. غیبت نعمانی: ۱۴۴؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۰۱؛ بشارة الاسلام: ۱۳۹.

پرچم، کمان و زین اسب آن حضرت؛ وقتی وارد مکه شد، شمشیر را از غلاف درمی آورد، زره، برد و عمامه را می پوشد. پرچم را بالا می برد، تازیانه را به دست می گیرد و از خداوند اجازه ظهور می گیرد.»

این میراث که میراث نبوت نامیده می شود، در دست امامان علیهم السلام دست به دست می گردد تا به دست حضرت صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برسد، چنانکه امام صادق علیه السلام به آن اشاره فرموده است:

«وَإِنَّ عِنْدِي لَسَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ. وَإِنَّ عِنْدِي لِدِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَأُمَّتَهُ وَ مَغْفِرَهُ. وَ عِنْدِي أَلْوَاحُ مُوسَى وَ عَصَاهُ وَ خَاتَمُهُ؛^۱ به راستی شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من است، زره پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من است، تازیانه و کلاهخود پیامبر نزد من است. الواح، انگشتر و عصای موسی علیه السلام نزد من است.»

و درباره شجاعت و دلیری یاران حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ أَعْدَائِنَا وَ أَشَكَّنَهُ قُلُوبَ شِيعَتِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَ أَشَكَّنَهُ قُلُوبَ عَدُوِّنَا فَأَحَدَهُمْ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ وَ أَجْرًا مِنْ لَيْثٍ يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمْحِهِ وَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَ يَدُوسُهُ بِقَدَمِهِ؛^۲ خداوند ترس را از دل شیعیان او بیرون می برد و در دل دشمنانش جای می دهد. وقتی قائم ما قیام کند و مهدی ما ظهور کند، یک مرد مؤمن از نیزه، برنده تر و از شیر، شجاع تر می شود، که با نیزه اش دشمن را از پای درمی آورد، با شمشیرش می کشد و با پایش لگدمال می کند.»

«إِنَّ اللَّهَ يُلْقِي فِي قُلُوبِ مُحِبِّينَا الرَّغْبَ مِنْ عَدُوِّنَا. فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِينَا كَانِ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا أَجْرِي مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ. يَطَأُ عَدُوِّنَا بِرِجْلَيْهِ، وَ يَضْرِبُهُ بِكَفِّهِ. وَ ذَلِكَ عِنْدَ نَزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ خُرُوجِهِ عَلَى الْمِيعَادِ. وَ هَذَا مِصْدَاقُ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾^۳ الْقَائِمُ وَأَصْحَابَهُ؛^۴ خداوند ترس از دشمن را در دل شیعیان ما می اندازد، وقتی امر ما واقع شود و مهدی ما ظهور کند، هر فردی از شیعیان ما از شیر، شجاع تر و از نیزه، برنده تر می شود، دشمنان ما را زیر پا لگدمال می کند و با دو دستش از پای درمی آورد. و این، وقتی است که رحمت خدا نازل می شود و مهدی ما هنگام موعود خارج می شود، و این است مصداق کلام خدا که می فرماید: ﴿بِهِ سَوَى شَمَا، أَنْ بِنْدِگَانِ رَاكِهِ صَاحِبِ قَدْرَتِ زِيَادِي هَسْتَنْدِ، مِي فَرَسْتِيمِ﴾^۵ که مقصود از آن، قائم و یاران اوست.»^۶

دوران ده باب
 در بیان قیام قائم مهدی
 در بیان قیام قائم مهدی
 در بیان قیام قائم مهدی

۱. الزام الناصب: ۷. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۳۳۶؛ بشارة الاسلام: ۲۷۸. ۳. سورة مباركة اسراء، آیه ۵. ۴. بنایع الموده: ۳: ۱۰۹، ۱۶۴؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۱۸؛ منتخب الاثر: ۴۸۶؛ الامام المهدی: ۴۴؛ المهدی: ۲۱۳. ۵. ۶. از آن، قائم و یاران اوست.»

امام صادق علیه السلام بخشی از خطبه حضرت مهدی علیه السلام را این گونه بیان می‌کند:

«إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: أَذْكَرُكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ مَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَدْ أَكْمَلَ الْحُجَّةَ، وَبَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَأَنْزَلَ الْكُتُبَ، وَأَمَرَكُمْ إِلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً، وَأَنْ تُحَافِظُوا عَلَيَّ طَاعَةَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَأَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيَا الْقُرْآنَ، وَتُمِيتُوا مَا أَمَاتَ الْقُرْآنَ، وَتَكُونُوا أَعْرَاناً عَلَيَّ الْهُدَى، فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا قَنَاؤُهَا وَأَذِنَتْ بِوَدَاعِ! وَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْعَمَلِ بِكِتَابِهِ، وَأَمَاتِهِ الْبَاطِلِ، وَإِخْيَاءِ سُنَّتِهِ؛ أَوْقَتِي نَمَازَ عَشَاءٍ بِخَوَانِدِ بَا صِدَائِي بَلَنْدِ نَدَايِ مِي دَهْدِي: أَي مَرْدَم! مَن بِي يَادِ شَمَا مِي أَوْرَمِ أَنْ لِحِظَهَائِي رَاكِه دَر بَرَابِرِ خِدَاوَنْدِ خَوَاهِيدِ اِيسْتَادِ. كِه خِدَا حِجَّتِ رَا كَامَلِ نَمُودِ، پِيَامْبِرَانِ رَا بَرَانْگِيخْتِ، كِتَابِهَارَا فَرَسْتَادِ، وَبِه شَمَا دَسْتُورِ دَادِ كِه چِيْزِي رَا شَرِيكِ اَوْ قَرَارِ نَدِهِيْدِ وَدَر اِطَاعَتِ خِدَا وَرَسُوْلِ خِدَا علیه السلام مَحْكَمِ بَاشِيْدِ، اَنْچِه رَاكِه قُرْآنِ رُوشَن كَرْدِه، زَنْدِه بَدَارِيْدِ، وَ اَنْچِه رَاكِه قُرْآنِ بَاطِلِ كَرْدِه، بَاطِلِ كُنِيْدِ. هِدَايَتِ رَا يَارِي وَ دَنْبَالِ كُنِيْدِ كِه نَابُودِي جِهَانِ نَزْدِيكِ شُدِه وَ اِعْلَامِ وَدَاعِ سَرِ دَادِه اِسْتِ. مَن شَمَا رَا بِه سُوِي خِدَا وَرَسُوْلِ خِدَا علیه السلام وَ عَمَلِ بِه قُرْآنِ دَعُوْتِ مِي كُنْمِ وَ شَمَا رَا بِه زَنْدِه كَرْدَنِ سُنْتِ وَ نَابُودِي بَاطِلِ دَعُوْتِ مِي كُنْمِ.»

«جُمَادِي فِيهَا الْفَتْحُ مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى آخِرِهَا؛ أَيَك «جَمَادِي» هَسْتِ كِه اَز اَوَّلِ نَا اَخْرَ فَتْحِ وَ پِيروزی اِسْت.»

از ابتدای ظهور تا ماه جمادی، حضرت مهدی علیه السلام حجاز، شام و عراق را فتح می‌کند و سپس دیگر کشورها را فتح می‌کند که هشت ماه طول می‌کشد. سپس زمین از عدل پر می‌شود.

امام صادق علیه السلام درباره سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«يَكُونُ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوُ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا؛ أَي بَدَنُش اَنْقَدَرِ قُوِي خَوَاهِدِ بُوْدِ كِه اِگَر دَسْتِش رَا بِه سُوِي بَزْرَگِ تَرِيْنِ دَرخْتِ رُوِي زَمِيْنِ دَر اَز كُنْدِ، اَنْ رَا نَابُودِ مِي كُنْدِ، وَ اِگَر مِيَاْنِ كُوِهَارَا فَرِيَادِ بِيْزَنْدِ، صَخْرَهَارِيْش فَرُو مِي رِيْزْد.»

«يَخْرُجُ بِجَيْشٍ لَوْ اسْتَقْبَلَ بِهِ الْجِبَالُ لَهَدَمَهَا وَ اتَّخَذَ فِيهَا طَرِيقاً؛ أَي بَا سِپَاهِي حَرَكْتِ مِي كُنْدِ كِه اِگَر بَا كُوِهَارَا رُو بَرُو شُوْنْدِ، كُوِهَارَا رَا دَر هَمِ مِي رِيْزَنْدِ وَ اَز دَلِ كُوِهَارَا رَاهِ بَازِ مِي كُنْنْد.»

امروزه با مواد منفجره، کوه‌ها را می‌شکافند و هنگام ظهور ابزارها پیشرفته‌تر می‌شود

۱. منتخب الاثر: ۲۹۰؛ الملاحم والفتن: ۵۱؛ المهدي: ۲۲۳؛ عقد الدرر، باب هفتم؛ الحاوي للفتاوى ۲: ۱۴۴.
 ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۲۷۲. ۳. كشف الغممة ۳: ۳۱۴؛ بشارة الاسلام: ۱۸۳. ۴. همان.

دوره چهارم
 مهدی قائم علیه السلام
 مرتب شده توسط
 محمد الحارثي ظالم المهدوي علیه السلام

که در مدت بسیار کوتاهی کوه‌ها را می‌شکافند، و این کار به سرعت انجام می‌شود تا حرکت سپاه حق متوقف نشود.

امام صادق علیه السلام درباره عدم پذیرش توبه ظالمان می‌فرماید:

«يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قَلِ انتظروا إنا منتظرون»^۱ یعنی خروج القائم علیه السلام فاذا ظهر لم يقبل توبة المخالف؛^۲ در آیه شریفه: «روزی که برخی از آیات پروردگارت بیاید، به کسی که قبلاً ایمان نیاورده، یا در ایمانش خیری به دست نیاورده، ایمان آوردن دیگر فایده‌ای ندارد، بگو شما منتظر باشید که ما نیز منتظر هستیم»، منظور، ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که وقتی ظهور کند توبه مخالف پذیرفته نمی‌شود.»

حضرت علی علیه السلام درباره این آیه می‌فرماید:

«فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرْفَعُ التَّوْبَةُ فَلَا تَوْبَةَ تُقْبَلُ وَلَا عَمَلٌ يُرْفَعُ وَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَّتْ مِنْ قَبْلُ؛^۳ در آن زمان، توبه برداشته می‌شود، دیگر توبه‌ای پذیرفته نخواهد شد و عملی بالا نمی‌رود. کسی که قبل از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمان آوردنش فایده‌ای ندارد.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا؛ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى»^۴ می‌فرماید:

«حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَهُوَ خُرُوجُ الْقَائِمِ وَهُوَ السَّاعَةُ فَسَيَعْلَمُونَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَمَا نَزَلَ بِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى يَدَيِّ قَائِمِهِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا يَعْنِي عِنْدَ الْقَائِمِ وَأَضْعَفُ جُنْدًا قُلْتُ قَوْلُهُ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى قَالَ يَزِيدُهُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ هُدًى عَلَى هُدًى بِاتِّبَاعِهِمُ الْقَائِمَ حَيْثُ لَا يَجْحَدُونَهُ وَلَا يُنْكِرُونَهُ»^۵ «آن چه وعده داده شده می‌بینند» یعنی ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف - را می‌بینند؛ «یا عذاب و یا قیامت» که منظور از قیامت همان قائم است. «پس به زودی می‌فهمند» یعنی در آن روز و در اثر آنچه از قائم می‌بینند که چه کسی در پیشگاه قائم «مقام پست‌تر و قدرت نظامی کمتری دارد»؛ «خداوند کسانی را که هدایت شده‌اند، هدایتشان را اضافه می‌کند» زیرا قائم را پذیرفتند و او را انکار نکردند.»

«خداوند به وسیله او اسلام را عزیز می‌گرداند و از ذلت نجات می‌دهد و زنده می‌کند، جزیه را حذف می‌کند، با شمشیر به سوی خدا دعوت می‌کند، کسی که دعوتش را

دوران دوازدهم
 مهدی قائم
 در پناه حضرت
 خاتم الانبیا
 محمد صالح
 خاتون

۱. سوره مبارکه انعام، آیه ۱۵۸. ۲. بنایح الموده ۳: ۷۷؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۴۹ و ۵۳: ۱۳۳؛ بشارة الاسلام: ۷۱، ۳۲.

۳. الزام الناصب: ۱۸۰. ۴. سوره مبارکه مریم، آیات ۷۵ و ۷۶.

۵. اصول کافی ۱: ۴۳۱؛ بحار الانوار ۵۱: ۶۳؛ الزام الناصب: ۹۶، ۲۴؛ اسعاف الراغبین: ۱۴۳.

نپذیرد، می‌کشد و کسی که با او بجنگد، ذلیل می‌شود. حقایق دین اسلام را آشکار می‌کند، همان دستوراتی را که پیامبر ﷺ می‌داد، او نیز به همان دستور می‌دهد. ادیان دیگر را از بین می‌برد و فقط دین خالص اسلام را در زمین عرضه می‌دارد.^۱

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ ﷺ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَالْفُرْسِ إِلَّا السَّيْفُ لَا يَأْخُذُهَا إِلَّا بِالسَّيْفِ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا بِهِ؛^۲ وقتی قائم - عجل الله تعالى فرجه الشريف - ظهور کند، فقط شمشیر میان او و عرب و فارس می‌باشد، از آن‌ها فقط شمشیر می‌گیرد و به آن‌ها فقط شمشیر می‌دهد.»

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ جُهَاةِ الْجَاهِلِيَّةِ فَقُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَغْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنْحُوتَةَ وَإِنَّا قَائِمْنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذَابُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرَّ وَالْقُرَّ؛^۳ وقتی قائم ما قیام کند، نادانی مردم بیشتر از چیزی است که پیامبر ﷺ در زمان جاهلیت با آن مواجه بود. گفتند: چگونه می‌شود؟! فرمود: وقتی پیامبر ﷺ برانگیخته شد، مردم بت‌های سنگی، صخره‌ها، چوب‌ها و تخته‌های تراشیده شده را می‌پرستیدند، ولی در زمان ظهور قائم، مردم کتاب خدا را تفسیر می‌کنند و از آن دلیل بیان می‌کنند و طبق آن با آن حضرت مبارزه می‌کنند، به خدا سوگند عدالت وارد خانه‌های آن‌ها می‌شود، همان طور که سرما و گرما وارد می‌شود.»

«دشمنان او مقلدین از فقها و مجتهدین هستند و می‌بینند او برخلاف فتوای امامشان داوری می‌کند او اگر شمشیر به همراه نداشت، فقها دستور می‌دادند او را بکشند! ولی وقتی با شمشیر برنده و دست بخشنده ظهور می‌کند، به خاطر ترس و طمع از او اطاعت می‌کنند و بدون یقین قلبی، حکم او را می‌پذیرند و خلاف آن را در دل پنهان می‌کنند! وقتی او ظهور کند، فقها دشمن شناخته شده او هستند. ولی او و شمشیرش همراه هم هستند.»^۴

«او هنگام فترت دین ظهور می‌کند، هر کس سخنش را نپذیرد، کشته می‌شود و هر کس با او بجنگد، ذلیل می‌شود، اصول و حقایق دین را آشکار می‌کند و مانند پیامبر ﷺ در میان مردم قضاوت می‌کند. دشمنان او فقیهان تقلیدگر هستند، که به خاطر ترس از عظمت و شمشیر او، و به طمع مال و مقام، فرمان او را می‌پذیرند؛ از اهل حق آنان که از

۱. بشارة الاسلام: ۲۹۷؛ الامام المهدي: ۳۴۳؛ الزام الناصب: ۱۷۹؛ الملاحم والفتن: ۱۰۸.
 ۲. غیبت نعمانی: ۱۲۲؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۸۹، ۳۵۵؛ المهدي: ۲۲۶؛ عقلا الدرر، باب نهم؛ بشارة الاسلام: ۲۵۲، ۱۶۹.
 ۳. غیبت نعمانی: ۱۵۹؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۶۳-۳۶۱؛ الزام الناصب: ۲۲۳.
 ۴. بنایع الموده: ۳؛ ۶۲؛ الزام الناصب: ۱۷۳، ۱۹۲؛ اسعاف الراغبین: ۱۲۳؛ بشارة الاسلام: ۲۹۷.



روی کشف و شهود ربانی، خدا را شناخته‌اند، با او بیعت می‌کنند»^۱

یعنی از طریق دلایل روشنی که پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام برای ما بیان کرده‌اند، کشف و شهود یافته‌اند.

«إِنَّهُ أَوَّلُ قَائِمٍ يَقُومُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُحَدِّثُكُمْ بِحَدِيثٍ لَا تَحْتَمِلُونَهُ فَتَخْرُجُونَ عَلَيْهِ بِرُمَيْلَةٍ الدَّسَكْرَةِ فَتَقَاتِلُونَهُ فَيَقَاتِلُكُمْ فَيَقْتُلُكُمْ وَهِيَ آخِرُ خَارِجَةٍ تَكُونُ؛^۲ او اولین قائم از ما اهل بیت است که قیام می‌کند و به شما سخنانی می‌گوید که نمی‌توانید آن را تحمل کنید. به همین دلیل در تپه‌های دستگرد^۳ در مقابل او قیام می‌کنید، با او می‌جنگید و با شمشیرش شمارا می‌زند. و آن آخرین گروهی است که با او می‌جنگند.»

روشن است که وقتی آن حضرت حکمی می‌دهد که برخلاف میل ما باشد، تحمل نمی‌کنیم و با ایشان می‌جنگیم.

«ثُمَّ لَا يَلْبِثُ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى يَخْرُجَ عَلَيْهِ مَارِقَةُ الْمَوَالِي بِرُمَيْلَةِ الدَّسَكْرَةِ فَيَدْعُو رَجُلًا مِّنَ الْمَوَالِي فَيَقْلُدُهُ سَيْفَهُ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ؛^۴ مدت کوتاهی می‌گذرد که گروهی از «موالی» در تپه‌های دستگرد علیه او قیام می‌کنند، سپس یک نفر از «موالی» را می‌خواند و شمشیرش را بر گردن او می‌اندازد، سپس او به سوی آن‌ها حمله می‌کند و همه را با شمشیرش می‌کشد.»

امام صادق علیهما السلام در تفسیر آیه شریفه «يُعرفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَنَّهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ؛ مجرمان با چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و از موی سر و پاهایشان گرفته می‌شوند»^۵ فرمود:

«كَيْفَ يَخْتِاجُ الْجَبَّارُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقِ أَنْشَاهُمْ وَهُمْ خَلْقُهُ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَا ذَلِكَ قَالَ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ السِّيْمَاءَ فَيَأْمُرُ بِالْكَافِرِ فَيُؤْخَذُ بِنَوَاصِيهِمْ وَ أَقْدَامِهِمْ ثُمَّ يَخِيطُ بِالسَّيْفِ خَبْطًا؛^۶ خداوند که جهان را آفریده هرگز نیازی به شناخت آن‌ها ندارد، وقتی قائم ما قیام کند، خداوند به او علم چهره‌شناسی می‌دهد، تا بتواند کافران را با شمشیرش بکشد.»

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أُسَاسِهِ وَ حَوَّلَ الْمَقَامَ إِلَى السَّمُوعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَ قَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَ عَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ وَ كَتَبَ عَلَيْهَا هُوْلَاءِ سُرَاقُ

۱. منابع الموده ۳: ۶۲، ۲۷؛ المهدي: ۲۲۸؛ بشارة الاسلام: ۲۹۷؛ الزام الناصب: ۱۹۲.

۲. الزام الناصب: ۲۲۷، ۵۸؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۷۵، ۳۳۳؛ بشارة الاسلام: ۲۳۰.

۳. دستگرد نام آبادی‌هایی اطراف بغداد، مرو، طوس، بلخ، بروجن و فلاورجان است. ۴. بحار الانوار: ۵۳: ۳۷۵.

۵. سورة مباركة رحمان، آیه ۲۱.

۶. اختصاص مفید: ۳۰۴؛ منابع الموده ۳: ۸۴۳؛ الزام الناصب: ۳۱؛ غیبت نعمانی: ۱۲۷؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۲۱.

الْكَفَّةَ؛^۱ وقتی قائم قیام کند، مسجد الحرام را خراب می‌کند و به حالت اول برمی‌گرداند. مقام ابراهیم را به محل سابق خود برمی‌گرداند. و دست‌های بنی‌شیبه را قطع کرده، از در کعبه آویزان می‌کند و بر روی آن می‌نویسد: این‌ها دزدان کعبه هستند»
 «بَعْدَ أَنْ تُغْفَدَ لَهُ الْبَيْعَةُ بِمَكَّةَ، يَسِيرُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَأْتِيَ الْكُوفَةَ، فَيُنزِلُ نَجْفَهَا عَلَى قُرْبٍ مِنْهَا. ثُمَّ يَفْرُقُ الْجُنْدَ فِي الْأَمْصَارِ؛^۲ پس از آنکه در مکه بیعت گرفته شد، از مکه حرکت می‌کند تا به کوفه می‌آید و در نزدیکی کوفه در نجف سکونت می‌کند، سپس سپاهیان را به شهرها می‌فرستد.»

«ثُمَّ يَسِيرُ الْمَهْدِيُّ إِلَى مَدِينَةِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأِذَا وَرَدَهَا كَانَ لَهُ فِيهَا مَقَامٌ عَجِيبٌ يَظْهَرُ فِيهِ سُورُ الْمُؤْمِنِينَ وَخِزْيُ الْكَافِرِينَ؛^۳ سپس مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - وارد مدینه می‌شود و در آنجا مقام بزرگی دارد. در آنجا شادی مؤمنان و ذلت کافران آشکار می‌شود.»

«يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ فَيَغِيبُ عَنْهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ قُرَيْشٌ وَهُوَ قَوْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّهُ لَوَدَّتْ قُرَيْشٌ أَيَّ عِنْدَهَا مَوْقِعًا وَاحِدًا جَزَرَ جَزُورٍ بِكُلِّ مَا مَلَكَتْ وَكُلُّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ؛^۴ وارد مدینه می‌شود و قریش از او پنهان می‌شود، و این است معنی سخن حضرت علی عليه السلام که فرمود: به خدا سوگند قریش آرزو می‌کند که هر آنچه خورشید بر آن طلوع می‌کند و از آن غروب می‌کند، برای او باشد و آن را بدهد تا به اندازه زمان کشتن یک شتر، من در کنار آن‌ها باشم!»

«ثُمَّ يُخْدِثُ حَدِيثًا فَإِذَا هُوَ فَعَلْ قَالَتْ قُرَيْشٌ أَخْرُجُوا بِنَا إِلَى هَذِهِ الطَّاعِيَةِ فَوَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ مُحَمَّدِيًّا مَا فَعَلَ وَ لَوْ كَانَ عَلَوِيًّا مَا فَعَلَ وَ لَوْ كَانَ فَاطِمِيًّا مَا فَعَلَ فَيَمْنَحُهُ اللَّهُ أَكْتَانَهُمْ فَيَقْتُلُ الْمُقَاتِلَةَ وَ يَسْبِي الذَّرِيَّةَ؛^۵ ... سپس حادثه‌ای اتفاق می‌افتد که قریش می‌گویند: ما را نزد این افراط‌گر ببرید که اگر از خاندان محمد عليه السلام و یا از فرزندان علی عليه السلام و فاطمه عليها السلام بود، این کار را نمی‌کردا خداوند او را بر آن‌ها مسلط می‌کند، لشکر آن‌ها را می‌کشد و کودکان آن‌ها را اسیر می‌کند.»

خداوند بهتر می‌داند که چه کسانی او را انکار می‌کنند، در حالی که در روی زمین از نظر نسبت و خویشاوندی، کسی نزدیک‌تر از او به پیامبر عليه السلام و حضرت علی عليه السلام و حضرت فاطمه عليها السلام نیست.

۱. ارشاد مفید: ۳۴۳؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۸۲؛ الزام الناصب: ۲۲۳؛ وسائل الشیعه ۲: ۳۵۶-۳۵۳؛ اعلام الوری: ۴۳۱؛ غیبت نعمانی: ۱۶۵؛ بشارة الاسلام: ۲۴۷، ۲۰۷، ۲۳۳؛ الامام المهدي: ۲۷۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۱۳، ۳۳۲، ۳۳۸.
 ۲. المهدي: ۱۹۹؛ الامام المهدي: ۲۷۴؛ الملاحم والفتن: ۵۲؛ منتخب الاثر: ۴۶۵.
 ۳. الزام الناصب: ۲۱۷؛ بحار الانوار ۵۳: ۱۲؛ بشارة الاسلام: ۲۷۲. ۴. بحار الانوار ۵۲: ۳۴۲؛ بشارة الاسلام: ۲۲۸. ۵. همان



منظور از حادثه، کشتن ظالمان است.

«ثُمَّ يَظْهَرُ بِأَصْحَابِهِ، فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الْبِحَارَ، وَيُخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي السُّجُونِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، وَيَسِيرُ حَتَّى يَنْزِلَ بَيْتَ الْمَقْدِسِ؛ أَسْبَسَ بِأَيَّارَانِ خُودِ ظَاهِرٍ مِي شُود وَ بَا كَمَكِ خُداوند، حجاز را فتح می‌کند، و هر کس از بنی هاشم در زندان باشد بیرون می‌آورد و حرکت می‌کند تا به بیت المقدس می‌رسد.»

«أَوَّلُ لُؤَايَ يَعْقُودُ الْمَهْدِيُّ، يَبْعَثُهُ إِلَى التُّرْكِ فَيَهْرُمُهُمْ، وَيَأْخُذُ مَا مَعَهُمْ مِنَ السَّبْيِ وَالْأَمْوَالِ. ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الشَّامِ فَيَفْتَحُهَا، ثُمَّ يُغْتَبِقُ كُلَّ مَمْلُوكٍ وَيُعَوِّضُ عَلَى أَصْحَابِهِ؛^۱ اولین پرچمی که مهدی علیه السلام برافراشته می‌کند، به سوی ترک‌ها می‌فرستد و آن‌ها را شکست می‌دهد و تمام اسیران و اموال آن‌ها را برمی‌دارد و به سوی شام حرکت می‌کند و آنجا را فتح می‌کند. سپس همه بردگان را آزاد می‌کند و پول آن‌ها را به یارانش می‌دهد.»

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«يُقَاتِلُ الشُّفْيَانِيَّ التُّرْكِيَّ، ثُمَّ يَكُونُ اسْتِثْصَالَهُمْ عَلَى يَدِ الْمَهْدِيِّ. وَأَوَّلُ لُؤَايَ يَعْقُودُ الْمَهْدِيُّ يُسَبِّعُ إِلَى التُّرْكِ؛^۲ سفیانی یا ترک‌ها می‌جنگد، ولی مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آن‌ها را شکست می‌دهد، اولین گروهی که مهدی علیه السلام آماده می‌کند، به سوی ترک‌ها می‌فرستد.»

امام صادق علیه السلام درباره مسیر حرکت حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«... زبوره‌های بیت المقدس را بیرون می‌آورد، تابوت سکینه، سفره آسمانی بنی اسرائیل، تکه‌های بقایای الواح، عصای موسی و منبر سلیمان، یک قفسیر (واحد وزن) از مَنَ (خوراکی مانند عسل) که از شیر سفیدتر است و به بنی اسرائیل رسیده را بیرون می‌آورد»^۳

جواهرات بیت المقدس از بزرگ‌ترین و باارزش‌ترین گنجینه‌های جهان است که در زیر خاک‌ها پنهان است و حضرت مهدی علیه السلام آن را بیرون می‌آورد. تابوت سکینه که یکی از اسرار الهی است و درباره آن گفته‌اند که آن را به هر شهری بفرستند، همه شهر را به آتش می‌کشد، به هر کشوری بفرستند، آن کشور را مانند بمب‌های اتمی و هیدروژنی نابود می‌کنند و در این تفسیر خداوند به حجت خود عصای موسی و تابوت سکینه را

۱. الملاحم و الفتن: ۵۲؛ المهدی: ۲۲۳؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۹.

۲. الملاحم و الفتن: ۵۸؛ بشارة الاسلام: ۱۸۵؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۵۴. ۳. الحاوی للفتاوی: ۲۳: ۱۶۳.

۴. الزام الناصب: ۲۲۷؛ غایة المرام: ۷۰۴.

می‌دهد که دیگر سلاح‌های امروزی در برابر آن‌ها ناتوان است.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَيَسِيرُ إِلَى الْبَصْرَةِ حَتَّى يُشْرِفَ عَلَى بَحْرِهَا وَمَعَهُ التَّابُوتُ وَعَصَا مُوسَى فَيَغْرِمُ عَلَيْهِ فَيَزْفِرُ فِي الْبَصْرَةِ زَفْرَةً فَتَصِيرُ بَحْرًا لُجِّيًّا لَا يَبْتَقَى فِيهَا غَيْرُ مَسْجِدِهَا كَجَوْجُ السَّفِينَةِ عَلَى ظَهْرِ الْمَاءِ!»^۱ به سوی بصره حرکت می‌کند تا به خلیج فارس برسد، در بصره انفجاری صورت می‌گیرد که تبدیل به یک دریای عمیق و بزرگ می‌شود که چیزی از آن به جز مسجدش باقی نمی‌ماند که مانند دکل کشتی، روی آب دیده می‌شود.»

عصایی که رود نیل را شکافت، بعید نیست که به دست حضرت مهدی علیه السلام شهر بصره را به دریایی بزرگ تبدیل کند.

امام صادق علیه السلام درباره آخرین جنگ سپاه حق با یهودیان می‌فرماید:

وَمِنَ الْقَدِّ عِنْدَ الظَّهِرِ تَتَلَوْنَ الشَّمْسُ وَ تَصْفَرُّ سَوْدَاءَ مُظْلِمَةً وَ يَوْمَ الثَّالِثِ يُفَرِّقُ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ تَخْرُجُ دَابَّةُ الْأَرْضِ وَ تُقْبِلُ الرُّومُ إِلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ عِنْدَ كَهْفِ الْفِثِيَّةِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ الْفِثِيَّةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ مِنْهُمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مَلِيحًا وَ آخَرُ حَمَلَاها وَ هُمَا الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ علیه السلام «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»^۲ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ وَ هُوَ لَمْ يَمُوتُوا الْأَشْهَادُ: أَيِ الشُّهُودِ الَّذِينَ يُسَلَّمُونَ عَلَى الْقَائِمِ بِاسْمِهِ؛^۳ خورشید، ظهر روز بعد رنگین و زرد و تیره می‌شود، و در روز سوم خداوند حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌کند. جنبدگان زمین خارج می‌شوند و رومیان در ساحل دریا در نزدیکی غار اصحاب کهف فرود می‌آیند و خداوند اصحاب کهف را همراه با سنگشان زنده می‌کند، یکی از آن‌ها «میلیخاء» نام دارد و یکی دیگر «حملاها». این دو نفر به حضرت مهدی علیه السلام سلام می‌دهند و شهادت می‌دهند، همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند و شاهدانی که به پا می‌ایستند را باری می‌کنیم» این‌ها همان شاهدانی هستند که به حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به اسم سلام می‌دهند.»

حضرت علی علیه السلام نیز مانند این حدیث را روایت کرده با این تفاوت که نام شاهد دوم «کمسلیمان» آمده است. این دو روایت بیان می‌کند که عده‌ای از یهودیان در ساحل غربی فلسطین باقی می‌مانند و در منطقه عکا زندگی می‌کنند که غار اصحاب کهف نیز آنجاست. در روز سوم ورود حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به سرزمین بیت المقدس،

۱. بشارة الاسلام: ۷۱، بحار الانوار: ۵۳، ۵۴، ۵۵، الملاحم والفتن: ۱۰۲، تاریخ سنی ملوک الارض: ۷۹، الزام الناصب: ۱۴، نهج البلاغه: ۲۴، ۲۵.
 ۲. سورة مباركة غافر، آية ۵۱. ۳. بحار الانوار: ۵۲، ۲۷۵، ۵۳، ۵۴، بشارة الاسلام: ۶۹، ۵۹، الزام الناصب: ۱۸۰، ۱۷۷.

دوران دهاپ
 مهدی قائم علیه السلام
 فرستاده حضرت
 نور الخاقی غفر له
 محمد باقر
 صاحب
 المصباح
 المیرزا

یهودیان کشته می‌شوند که آن روز برای دشمنان خدا روز بسیار سختی خواهد بود و خداوند سپاه اسلام را یاری می‌کند.

«مهدی علیه السلام سپاهی را برای مبارزه با رومیان همراه با ده نفر از فرماندهان خود می‌فرستد که تابوت سکینه را از غار انطاکیه در جنوب شرقی ترکیه بیرون می‌آورد. تورات موسی و انجیل عیسی هم در همان غار است. میان یهود با تورات خودشان قضاوت می‌کند و میان مسیحیان نیز با انجیل خودشان حکم می‌دهند و سپس اسلام را می‌پذیرند.»^۱

این گونه حکمیت حضرت مهدی علیه السلام میان یهودیان و مسیحیان به خاطر اتمام حجت و ایجاد زمینه‌ای برای هدایت آنهاست و گرنه با وجود قرآن کریم هیچ نیازی به کتاب‌های آنها نیست.

«وزیران او از همدان، سپاه او از خولان (شمال یمن)، معاونان او از حمیر، و فرماندهان او از مصر می‌باشند. خداوند یاران او را زیاد و پشتش را بسیار محکم می‌کند. سپس با لشکر خود به سوی عراق حرکت می‌کند و مردم از جلو و عقب، او را در میان می‌گیرند.»^۲

«سپس سفیانی و سپاه او حرکت می‌کنند و با آن حضرت می‌جنگند و کشته می‌شوند و شخص سفیانی به دست سپاه امام علیه السلام اسیر می‌شود، سپس او را با دست خود سر می‌برد.»^۳

«كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام وَأَصْحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ كَأَنَّ عَلِيَّ رَأَى وَسِيَهُمُ الطَّيْرَ قَدْ فَنَيْتَ أَرْوَادَهُمْ وَخَلَقْتَ نِيَابَهُمْ قَدْ أَثَرَ السُّجُودُ بِجِبَاهِهِمْ لُيُوثُ بِالنَّهَارِ رُهْبَانًا بِاللَّيْلِ؛ گویی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و یاران او را در نجف کوفه می‌بینم، گویی بر سرشان مرغی نشسته، غذایشان تمام شده و لباسشان پوشیده و اثر سجده طولانی بر پیشانی آنها باقی مانده است. آنها شیران روز و پارسایان شب هستند.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛ با آنها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و تنها دین خدا باقی بماند»^۴ فرمود:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ - قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ يُقَاتِلُونَ وَاللَّهُ حَتَّى يُوحَدَ اللَّهُ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ إِنَّهُ يَقْتُلُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ؛^۵ هنوز تفسیر این آیه بیان

۱. الملاحم و الفتن: ۵۴ بحار الانوار: ۵۳، ۳۵۱، ۳۹۰؛ منتخب الاثر: ۳۰۹. ۲. الزم الناصب: ۲۰۱. ۳. بشارة الاسلام: ۲۲۹.

۴. بحار الانوار: ۵۲، ۳۸۶؛ بشارة الاسلام: ۲۴۹. ۵. سورة مباركة بقره، آیه ۱۹۳.

۶. بحار الانوار: ۵۲، ۳۷۸، ۳۲۵ و ۴: ۵۳؛ بشارة الاسلام: ۲۳۰؛ منتخب الاثر: ۲۹۱؛ الزم الناصب: ۲۱؛ منابع الموده: ۳: ۷۸؛ الامام المهدي:

نشده است، وقتی تفسیر آن روشن شود، کافران کشته می شوند تا به اسلام روی آورند، دیگر کافری نمی ماند. و آن زمان، قائم قیام می کند که کافران و منافقان را نابود کند.»

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛^۱ وقتی قائم قیام کند همه جای زمین ندا داده می شود: «گواهی می دهم که خدایی جز پروردگار نیست و او شریکی ندارد، و گواهی می دهم که محمد فرستاده خداست.»

امام صادق علیه السلام درباره اقدامات دیگر حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ ... فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْكُمُونَ فِيهَا بِمَا يُرِيدُونَ؛^۲ و سپاهی به سوی قسطنطنیه می فرستد. آن ها داخل قسطنطنیه شده و هر گونه که بخواهند در آن حکومت می کنند.»

«يَفْتَحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ وَ الرُّومِيَّةَ وَ بِلَادَ الصِّينِ؛^۳ قسطنطنیه، روم و ایالت های چین را فتح می کند.»

«ارمنستان و قسطنطنیه را فتح کرده، مال را تقسیم می کند و سپس به سوی بیت المقدس بر می گردد و گتیجنه های پیامبران را بیرون می آورد.»^۴

«خضر علیه السلام جلوی او حرکت می کند و او طبق روش پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار می کند. فرشته ای او را از جایی که او متوجه نمی شود، یاری می کند. شهر روم را تکبیرگویان فتح می کنند. هفتاد هزار نفر از مسلمانان این پیروزی باشکوه را می بینند. لطف خداوند در صحرای عکا شامل آن ها می شود که ظالمان را نابود می کند و دین را پایرجا می نماید.»^۵

تکبیر آن ها نشان می دهد که این قیام فقط برای خداست، و این صدا برای دشمنان ناخوشایند است ولی به سپاه اسلام نیرو می دهد.

«ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مِصْرَ فَيَضَعُ مِنْبَرَهُ فَيَخْطُبُ النَّاسَ فَتَسْتَبْشِرُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ وَ تُغْطِي السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ الشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تَتَزَيَّنُ لِأَهْلِهَا ... وَ يَقُولُ الْقَائِمُ كُلُّوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ؛^۶ سپس به سوی مصر حرکت کرده، وارد مصر می شود، روی منبر می نشیند و برای مردم خطبه می خواند. زمین صدای عدالت را می شنود. آسمان، باران رحمتش را نازل می کند. میوه های درختان زیاد می شود. زمین، سرسبز و خرم و زیبا می شود. قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می فرماید: ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا

۱. الامام المهدي: ۲۶۵، ۳۴.

۲. بشارة الاسلام: ۲۷۴، ۲۵۸، ۲۳۸؛ الزام الناصب: ۲۰۲؛ كشف الغمہ: ۳؛ البيان: ۵۷؛ الملاحم الفتن: ۴۴، ۵۲. ۳. همان.

۴. همان.

۵. بشارة الاسلام: ۲۹۷؛ الامام المهدي: ۲۴۳؛ الزام الناصب: ۲۲۷، ۲۰۲، ۹۶؛ اسعاف الراغبين: ۱۴۲، ۱۱۲؛ منتخب الاثر: ۴۹۰؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۸۴. ۶. الزام الناصب: ۲۰۲.



هَنِيئًا بِمَا أَسَلَقْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ؛ بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد، جزای کارهایی است که در گذشته انجام داده‌اید»^۱»
سپس به سوی شهر زنج^۲ حرکت می‌کند و آن جا را فتح می‌کند و به فلسطین برمی‌گردد. از عکا، غزه و عسقلان عبور می‌کند و به قدس نزدیک می‌شود.»

روایات امام کاظم علیه السلام

«يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَأَهْلُ السَّمَاوَاتِ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ وَلَا مُشْرِكٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ»^۳ وقتی قائم^{عجله} ظهور کند، مؤمنان و اهل آسمان ها خوشحال می‌شوند. ولی هیچ کافری باقی نمی‌ماند مگر این که از ظهور او ناراحت شود.»

امام صادق^{عجله} در این باره می‌فرماید:

«الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ، يَفْرَحُ بِهِ جَمِيعُ الْمُسْلِمِينَ خَاصَّتُهُمْ وَعَامَّتُهُمْ؛ وقتی مهدی ظهور کند، همه مسلمانان خاص و عام، از ظهورش شادمان می‌شوند.»
«يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ، وَالطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ، وَالْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ»^۴ با ظهور مهدی^{عجله} اهل آسمان و زمین خوشحال می‌شوند، پرندگان هوا و ماهیان دریا نیز با ظهور او شادی می‌کنند.»

امام کاظم^{عجله} در تفسیر آیه شریفه «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۵ فرمود:

«يَقُولُ اللَّهُ وَاللَّهُ مُتِمُّ وَلَايَةِ الْقَائِمِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ هَذَا تَنْزِيلٌ قَالَ نَعَمْ أَمَّا هَذَا الْحَرْفُ فَسْتَنْزِيلٌ وَأَمَّا غَيْرُهُ فَتَأْوِيلٌ»^۶ خداوند با ولایت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نور خود را کامل می‌کند، اگر چه این اتفاق، برای منکران ولایت علی^{عجله} ناخوشایند است.» پرسیدند: آیا این تنزیل است؟ امام کاظم^{عجله} فرمود: «آری، تنزیل است، و هر چه غیر از این گفته شود، تأویل است.»

و در تفسیر آیه شریفه «قُلْ يَوْمَ الْقِيَامِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ»^۷

فرمود:

«روزی که جهان به دست قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فتح شود، کسی که قبلاً ایمان نداشته است، دیگر ایمان آوردن او فایده‌ای ندارد. اما کسی که قبل از این فتح، ایمان آورده و منتظر قیام قائم بود، ایمانش برای او فایده دارد، و خداوند مقام و منزلت او را زیاد می‌کند. و این پاداش دوستداران اهل بیت است. سپس به اندازه‌ای دشمنان خدا را می‌کشد تا خداوند راضی شود. وقتی در دل خود احساس رحمت کند، می‌فهمد که

۱. سوره مبارکه حاقه، آیه ۲۴. ۲. بشاره الاسلام: ۱۷۱؛ بحار الانوار: ۵۳: ۸۶. ۳. در شمال آفریقا و برخی از مناطق میانه ای آن.

۴. بحار الانوار: ۵۱: ۱۵۰؛ منتخب الاثر: ۲۳۹. ۵. المهدي: ۲۲۱. ۶. سوره مبارکه صفت، آیه ۸.

۷. اصول کافی: ۱: ۴۳۲؛ الزام الناصب: ۳۱. ۸. سوره مبارکه سجده، آیه ۲۹.

خداوند راضی شده است.»^۱

روایات امام رضا علیه السلام

«إِنَّ اللَّهَ لَيُضِلُّحُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَضْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ ذَهَبَ لِيَقْتَسِمَ لِأَهْلِهِ نَاراً هُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ؛^۲ خداوند کار قائم - عجل الله تعالى فرجه الشريف - را در یک شب آماده می‌کند، همان طور که کار موسی عليه السلام را در یک شب فراهم کرد؛ موسی عليه السلام رفت تا برای خانواده‌اش آتش بیاورد، وقتی برگشت به مقام پیامبری رسیده بود.»

«وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ مِثْلَهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بِغَتَّةٍ؛^۳ مهدی عليه السلام غایب است، وقتی ظهور می‌کند، زمین با نور پروردگارش روشن می‌شود. او مانند قیامت است، چرا که به طور ناگهانی خواهد آمد.»

و در تفسیر آیه شریفه ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾، هر چه در آسمان و زمین است، تسلیم فرمان اوست^۴ طبق روایت ابوبکر فرمود:

«أُنزِلَتْ فِي الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ وَ الزَّنَادِقَةَ وَ أَهْلِ الرَّدَّةِ وَ الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا أَمْرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ قَلْبُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ الْخَلْقَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ إِنْ اللَّهُ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلَّلَ الْكَثِيرَ وَ كَثَّرَ الْقَلِيلَ؛^۵ این آیه درباره قائم - عجل الله تعالى فرجه الشريف - نازل شده است. وقتی او ظهور کند، به کافران و مشرکان در شرق و غرب جهان، اسلام را عرضه می‌کند، هر کس با علاقه اسلام را بپذیرد، دیگر احکام اسلام مثل نماز و زکات و واجبات دیگر را به او یاد می‌دهد. و هر کس اسلام را نپذیرد، گردنش را می‌زند، تا در شرق و غرب جهان کسی جز مسلمانان باقی نمانند. ابوبکر گفت: تعداد کسانی که خدا پرست نیستند، بسیار زیاد است. حضرت فرمود: وقتی خدا اراده کند، زیاد را کم می‌کند و کم را زیاد می‌کند.»

امام رضا عليه السلام مانند پدران بزرگوارش درباره سپاه حق می‌فرماید:

«يَكُونُ جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَ شُعَيْبُ وَ صَالِحُ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ؛^۶ وقتی قائم عليه السلام ظهور می‌کند، جبرئیل در سمت راست او، میکائیل در طرف چپ او، و شعیب بن صالح در جلوی او حرکت می‌کند.»

۱. منتخب الاثر: ۴۷۰؛ منابع الموده ۳: ۸۱؛ بشارة الاسلام: ۲۷۶؛ بحار الانوار ۵۱: ۲۱۸؛ الزام الناصب: ۶۸؛ الامام المهدي: ۵۰.
 ۲. الزام الناصب: ۶۸؛ منتخب الاثر: ۴۳۴؛ بحار الانوار ۵۱: ۱۵۶؛ الامام المهدي: ۴۰۸. ۳. منتخب الاثر: ۱۴۹.
 ۴. سورة مباركة آل عمران، آية ۸۳.
 ۵. منتخب الاثر: ۴۷۱؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۴۵، ۳۴۰، ۳۳۸؛ بشارة الاسلام: ۲۳۰؛ الامام المهدي: ۳۵. ۶. همان.

«يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يُذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ؛^۱ خداوند به وسیله او کافران و مشرکان روی زمین را نابود می کند. زمین زیر پایش در هم می پیچد و هر کار سخت و دشواری برای او آسان می شود.»

روایات امام حسن عسکری علیه السلام

«فَكَانِي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ؛^۲ گویی پرچم های سفیدی را با چشم خود می بینم که بالای سر او در نجف کوفه برافراشته می شود.»

هم چنین به فرزند بزرگوارش فرمود:

«فَكَانَكَ يَا بَنِي بَتَائِدِ نَصْرِ اللَّهِ قَدْ أَنْ وَ تَيْسِيرِ الْفَلَحِ وَ عُلُوِّ الْكَعْبِ قَدْ حَانَ وَ كَانَكَ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ وَ الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ عَلَى أَثْنَاءِ أَعْطَافِكَ مَا بَيْنَ الْحَطِيمِ وَ زُمَزَمَ وَ كَانَكَ بِتَرَادُفِ الْبَيْعَةِ وَ تَصَافِي الْوَلَاءِ يَتَنَاطَمُ عَلَيْكَ تَنَاطَمُ الدَّرِّ فِي مَثَانِي الْعُقُودِ وَ تَصَافِقُ الْأَكْفُ عَلَى جَنَابَاتِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ تَلُوذُ بِفِنَائِكَ مِنْ مَلَأَ بَرَاهِمُ اللَّهِ مِنْ طَهَارَةِ الْوَلَاءِ وَ نَفَاسَةِ التَّرْبَةِ مُقَدَّسَةً قُلُوبُهُمْ مِنْ دَسِّ النِّفَاقِ مُهَدَّبَةً أَقْبِدَتْهُمْ مِنْ رِجْسِ الشَّقَاقِ لَيْتَهُ عَزَائِكُمْ لِلدِّينِ خَشِينَةً ضَرَّائِبُهُمْ عَنِ الْعُدُوانِ وَاضِحَةً بِالْقَبُولِ أَوْجُهُهُمْ نَضْرَةً بِالْفَضْلِ عِيدَانُهُمْ يَدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ وَ أَهْلِهِ فَإِذَا اشْتَدَّتْ أَرْكَانُهُمْ وَ تَقَوَّمَتْ أَعْمَادُهُمْ قَدَّتْ بِمَكَائِفِهِمْ طَبَقَاتُ الْأُمَمِ إِذْ تَبَعْتِكَ فِي ظِلَالِ شَجَرَةِ دَوْحَةٍ بَسَقَتْ أَفْئَانُ غُصُونِهَا عَلَى خَافَاتِ بُحَيْرَةِ الطَّبْرِيبَةِ فَعِنْدَهَا يَتَلَأَأُ صُنْحُ الْحَقِّ وَ يَنْجَلِي ظَلَامُ الْبَاطِلِ وَ يَقْصِمُ اللَّهُ بِكَ الطُّغْيَانَ وَ يُعِيدُ مَغَالِمَ الْإِيمَانِ وَ يُطَهِّرُ بِكَ أَسْقَامَ الْأَفَاقِ وَ سَلَامَ الرَّفَاقِ يُوَدُّ الْوَلَدُ فِي الْمَهْدِ لَوْ اسْتَطَاعَ إِلَيْكَ نَهْوضاً وَ نَوَاشِطُ الْوَحْشِ لَوْ تَجِدَ نَحْوَكَ مَجَازاً تَهْتَرُ بِكَ أَطْرَافُ الدُّنْيَا بِنَهْجَةٍ وَ تَهْتَرُ بِكَ أَعْصَانُ الْعِرِّ نَضْرَةً وَ تَسْتَقِرُّ بَوَانِي الْعِرِّ فِي قَرَارِهَا وَ تَتَوَّبُ شَوَارِدُ الدِّينِ إِلَى أَوْكَارِهَا يَتَهَاطَلُ عَلَيْكَ سَخَابُ الطُّفْرِ فَتَخْتَقُ كُلُّ عَدُوٍّ وَ تَنْصُرُ كُلَّ وَلِيٍّ فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ جَبَّارٌ قَاسِطٌ وَ لَا جَاحِدٌ غَاطِطٌ وَ لَا شَانِيٌّ مُبْغِضٌ وَ لَا مُغَانِدٌ كَاشِحٌ^۳ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛^۴ فرزندم! گویا تورا می بینم وقتی که خداوند تورا یاری می کند و فرج هموار شده و شکوه و عظمت تو زیاد می شود، پرچم های سفید و زردی بالای سر تو میان رکن و مقام و زمزم برافراشته می شود، دست ها برای بیعت به سوی تو دراز می شود و دوستان یکی پس از دیگری با تو همراه می شوند و کارها طبق نظم خاصی انجام می شود و دست ها در کنار حجر الاسود به سوی تو می آیند، از جانب کسانی که خداوند آن ها را با نطفه پاک، پاکیزه قرار داده، دل های آن ها از آلودگی نفاق شسته شده است و قلب های

دوران هدایت

ترجمه حضرت مهدی قائم علیه السلام

وَمِنْ خِصَالِهَا أَنْ يَخْطُبَ الْقَائِدَ الْمَهْدِيَّ

۱. الزام الناصب: ۶۸. ۲. بحار الانوار: ۵۱: ۱۶۰؛ منتخب الاثر: ۲۲۷. ۳. سوره مبارکه طلاق، آیه ۳.

آن‌ها از تاریکی تفرقه پاکیزه است و روح و روانشان برای پذیرش احکام دین آماده شده، در مقابل ظالمان مشت‌هایشان گره شده، با روی باز حق را می‌پذیرند، چشم‌هایشان از فضل خدا خیره کننده، به دین حق روی می‌آورند و در راه حق قدم برمی‌دارند. وقتی کارشان محکم شود و پایه‌های دعوت‌شان محکم شود، با کمک آن‌ها همه مردم، از هر قبیله‌ای که باشند با تو بیعت می‌کنند و در زیر درختان سر به فلک کشیده باغی که شاخه‌های درختانش روی دریاچه طبریه سایه انداخته، با تو بیعت می‌کنند. این زمان است که حکومت حق آغاز می‌شود و ظلمت و پلیدی در جهان از بین می‌رود. خداوند به وسیله تو ظالمان را نابود می‌کند و احکام دین را زنده می‌کند، آفاق جهان روشن می‌شود، آرامش و صلح در همه جا برقرار می‌شود، کودکی که در گهواره خوابیده، آرزو می‌کند که بتواند به سوی تو بیاید، حیوانات وحشی صحرا آرزو می‌کنند که بتوانند به سوی تو بیایند. همه جهان سبز و خرم می‌شود، دنیا خندان و قله‌های شرف و عظمت از تو شاداب می‌گردد. حق پایدار می‌گردد و احکامی که از دین دور شده به جای خود برمی‌گردد، ابرهای پیروزی، باران خود را بر تو می‌ریزد. دشمنان تو ذلیل و دوستان تو عزیز و پیروز می‌شوند. ظالمان ستمگ و منکران سرکش و دشمنان تجاوزگر و مخالفان لجوج باقی نمی‌مانند. هر کس به خدا توکل کند، خداوند برای او کافی است. خداوند امر خود را تمام می‌کند، خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای معین کرده است.»^۱

امامان معصوم علیهم‌السلام که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همه چیز را آموخته‌اند، و سخنان آن‌ها از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد، از زبان وحی سخن می‌گویند:

﴿ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؛ مانند درخت پاکیزه‌ای که ریشه آن ثابت و استوار، و شاخه‌های آن سر به فلک کشیده، در هر حالی به خواست پروردگارش میوه می‌دهد. ^۲

عاشقان حق، مشتاقند که از این درخت بهره‌مند شوند، درختی که در محدوده فکر بشری جای نمی‌گیرد و حتی بهترین کلمات نمی‌تواند آن را توصیف کند. فقط می‌توانند در سایه شاخه‌های آن حرکت کنند و بالاتر نمی‌آیند.

«قَدْ صَعِدْنَا ذُرَى الْحَقَائِقِ بِأَقْدَامِ النُّبُوَّةِ وَالْوَلَايَةِ - وَنَوَّرْنَا السَّبْعَ الطَّرَائِقِ بِأَعْلَامِ الْقُدْوَةِ - فَنَحْنُ لِيُوثِ الْوَعْيِ وَغِيُوثِ النَّدَى - وَفِينَا السَّيْفُ وَالْقَلَمُ فِي الْعَاجِلِ - وَلِوَاءِ الْحَمْدِ وَالْعَلَمِ فِي الْأَجْلِ - وَأَسْبَاطُنَا خُلَفَاءُ الدِّينِ وَخُلَفَاءُ الْيَقِينِ - وَمَصَابِيحُ الْأُمَمِ وَمَفَاتِيحُ الْكَرَمِ - فَالْكَلِيمُ الْبَيْسَ خَلَّةَ الْأَضْطِفَاءِ لَمَّا عَهَدْنَا مِنْهُ الْوَفَاءَ - وَرُوحُ الْقُدْسِ فِي

۱. بحار الانوار ۳۵: ۵۲. ۲. سوره مبارکه ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵.



جَنَانِ الصَّاقُورَةِ ذَاقَ مِنْ حَدَائِقِنَا الْبَاكُورَةِ وَ شِيعَتِنَا الْفَيْئَةَ النَّاجِيَةَ وَ الْفِرْقَةَ الرَّاَكِبَةَ -
صَارُوا لَنَا رِذَاءً وَ صَوْنًا وَ عَلَى الظَّلْمَةِ أَلْبًا وَ عَوْنًا وَ سَيَنْفَجِرُ لَهُمْ يَنْابِيعُ الْحَيَوَانِ بَعْدَ
لُظَى النَّيْرَانِ - لِتَمَامِ الطَّوَاوِيَةِ وَ الطَّوَّاسِينِ مِنَ السُّنِينِ؛^۱ با قدم‌های نبوت و ولایت از
قله‌های حقیقت بالا رفتیم، و با چراغ هدایت و جوانمردی از هفت آسمان دفاع کردیم.
ما شیران میدان جنگ و ابرهای باران رحمت هستیم. در این جهان شمشیر و قلم در
دست ما، و در آن جهان، پرچم حمد بالای سر ماست. فرزندان ما جانشینان خدا در
روی زمین، پیشوایان دین، هم‌پیمانان یقین، چراغ‌های هدایت و کلیدهای بخشش و
سخاوت هستند... جبرئیل که لباس شایستگان را به تن کرده و متعهد و وفادار است،
وقتی در گهواره آر می‌ده بودیم با او سخن گفتیم و از میوه‌های تازه بوستان خود به او
دادیم... شیعیان ما رستگار و پاکیزه هستند، که پشتیبان ما و یاور ما در مقابل ظالمان
هستند. به زودی چشمه‌های زندگی برای آن‌ها می‌جوشد، بعد از آن که آتش فتنه‌ها
زندگی را سوزاند. و آن روز پرشکوه پس از گذشت سال‌های روضه و طاسین‌هاست!»

روایات امام زمان علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام به کسانی که ایشان ملاقات کرده‌اند، فرمود:

«عَلَامَةٌ ظُهُورِ أَمْرِي كَثْرَةُ الْهَرَجِ وَالْمَرْجِ وَالْفِتَنِ وَ آتِي مَكَّةَ فَأَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
فَيُقَالُ انْصَبُوا لَنَا إِمَامًا وَ يَكْثُرُ الْكَلَامُ حَتَّى يَقُومَ رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ فَيَنْظُرُ فِي وَجْهِ نَسَمٍ
يَقُولُ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا الْمَهْدِيُّ انظُرُوا إِلَيْهِ؛^۲ نشانه ظهور من، زیاد شدن هرج و مرج و
فتنه است. وارد مکه شده، در مسجد الحرام می‌مانم. مردم به یکدیگر می‌گویند: برای
خود امامی انتخاب کنید. سخن طولانی می‌شود، یکی از مردم در حالی که به من نگاه
می‌کند، می‌گوید: هان، ای مردم این مهدی است، نگاه کنید. سپس دست مرا می‌گیرند
و میان رکن و مقام نگه می‌دارند و پس از این که از من ناامید می‌شوند، با من بیعت
می‌کنند.»

در روایات داریم که جبرئیل مردم را به سوی آن حضرت دعوت می‌کند. و اگر کسی
غیر از جبرئیل باشد، از نشانه‌ها و علامت‌های موجود در اخبار و احادیث، او را می‌شناسد.
مهدی علیه السلام طی نامه‌ای به یکی از نواب بزرگوارش که از ناحیه مقدسه صادر شده،
می‌فرماید:

«إِنَّهُ إِذَا فَقِدَ الصِّينِيَّ فَأَخْرَجُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمُزَوَّةِ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ فَأَجِيءُ إِلَى
الْكُوفَةِ فَأَهْدِمُ مَسْجِدَهَا وَ أُبْنِيهِ عَلَى بَنَاتِهِ الْأَوَّلِ وَ أَهْدِمُ مَا حَوْلَهُ مِنْ بِنَاءِ الْجَبَابِرَةِ وَ أَخْجُ

در بیست‌هفتمین جلسه
 مهدی قائم علیه السلام
 دوران رها ب
 نور الحاضر في ظلال القام المهدى علیه السلام

بِالنَّاسِ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَ أَجِيءُ إِلَى يَثْرِبَ فَأَهْدِمُ مَا حَوْلَهُ مِنْ بِنَاءِ الْجَبَابِرَةِ وَ أَحْجُ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَ أَجِيءُ إِلَى يَثْرِبَ فَيُنَادِي مُنَادٍ الْفِتْنَةَ مِنَ السَّمَاءِ يَا سَمَاءُ انْصِدِي وَ يَا أَرْضُ خُذِي قِيَوْمِي لَأَيَّبَنِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا مُؤْمِنٌ قَدْ أَخْلَصَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛ وقتی آن مرد چینی ناپدید شود... همراه سیصد و سیزده نفر از یارانم میان صفا و مروه ظاهر می‌شوم و به سوی کوفه می‌روم. مسجد کوفه را خراب می‌کنم و طبق پایه‌های اولیه‌اش می‌سازم. ساختمان‌های اطراف آن که برای ظالمان است، خراب می‌کنم. مراسم حج را به جا می‌آورم و سپس به مدینه می‌روم. منادی فتنه در آسمان ندا می‌دهد: «ای آسمان فرو ریز، ای زمین فرو بیا آن روز در روی زمین فقط مؤمنی که خداوند دلش را برای ایمان امتحان کرده است، باقی می‌ماند.»

جریان ناپدید شدن مرد چینی را در بخش فتنه‌های خارجی نقل خواهیم کرد.

امام زمان علیه السلام در نامه شریف خود که برای شیخ مفید رحمته الله چنین فرموده‌اند:

«مِنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِهِ إِلَى مُلْهَمِ الْحَقِّ وَ دَلِيلِهِ وَ بَعْدُ فَقَدْ كُنَّا نَنْظُرُنَا مُنَاجَاتِكَ عَصَمَكَ اللَّهُ بِالسَّبَبِ الَّذِي وَهَبَهُ اللَّهُ لَكَ مِنْ أَوْلِيَانِهِ وَ حَرَسَكَ بِهِ مِنْ كَيْدِ أَعْدَائِهِ ... وَ يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ هُبُوطُنَا إِلَى صَخَصَحٍ مِنْ غَيْرِ بَعْدِ مِنَ الدَّهْرِ - وَ لَا تَطَاوُلُ مِنَ الزَّمَانِ وَ يَأْتِيكَ نَبَأٌ مِنَّا يَتَجَدَّدُ لَنَا مِنْ حَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِكَ مَا نَعْتَمِدُهُ مِنَ الزُّلْفَةِ إِلَيْنَا بِالْأَعْمَالِ وَ اللَّهُ مُوَفِّقُكَ لِذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ وَ نَحْنُ نَعْتَمِدُ إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ الْمُجَاهِدُ فِينَا الظَّالِمِينَ أَيْدِيكَ اللَّهُ بِنَصْرِهِ الَّذِي أُيِّدَ بِهِ السَّلَفَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا الصَّالِحِينَ أَنَّهُ مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجَ مِمَّا عَلَيْهِ إِلَى مُسْتَحِقِّهِ كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُبْطِلَةِ وَ مِحْنَةِ الْمُظْلَمَةِ الْمُضِلَّةِ وَ مَنْ بَخَلَ مِنْهُمْ بِمَا أَعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصَلَاتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهُ وَ آخِرَتِهِ؛^۲ از بنده خدا که نگهبان راه خداست به کسی که حق به او الهام شده و راهنمای حق است... و بعد، ما مناجات تو را دیدیم، خداوند تو را به وسیله اولیای خود از حيلة دشمنان حفظ کند. این نامه را از مخفیگاه خود در قلعه کوهی می‌نویسم و مدت کوتاهی است که از جایگاه قبلی که در جنگل بود، به اینجا آمده‌ایم و به زودی از اینجا نیز به جای دیگر در دشت و صحرا می‌رویم و تو را از حال خود باخبر می‌کنیم. و اعمالی را که باعث نزدیک شدن به ما می‌شود، می‌شناسی. خداوند با رحمت خود تو را در انجام آن اعمال موفق کند...

ای دوست مخلص ما، که همواره در راه ما با ظالمان می‌جنگی، خداوند تو را تأیید کند، همان طور که دوستان شایسته قبلی ما را تأیید کرده است، ما با تو پیمان می‌بندیم که هر کس از برادران دینی تو پرهیزگار شود و از حال فعلی خود بیرون آمده و به حالتی که باید



باشد، در آید، از فتنه آشوبگران و مشکلات ناراحت کننده آن در امان خواهد بود. و هر کس از نعمت هایی که خداوند به عاریت به او داده، به کسانی که خداوند به صله ارحام دستور داده، نبخشد، در دنیا و آخرت زیانکار خواهد بود...»
واضح است که اگر هنگام فتنه ها، تقوی داشته باشیم و آن طور که باید باشیم، از فتنه ها در امان خواهیم بود. در موقع هرج و مرج، باید به نزدیکان و فقیران رسیدگی کنیم تا فتنه ها از بین برود و انسان از بلاها در امان باشد.

کعب الاحبار

کعب الاحبار می گوید:

«قائم، زمین را به زمینی دیگر تبدیل می کند، و عیسی بن مریم به وسیله او بر مسیحیان روم و چین دلیل می آورد.»^۱

انجیل لوقا

در انجیل لوقا بیان شده است:

«پس خود را نگه دارید، مبادا دل های شما از شراب و افکار دنیوی پر شود؛ آن روز به طور ناگهانی می آید، زیرا مانند دمی برای همه اهل زمین است. پس همیشه دعا کرده و آگاه باشید تا از همه این چیزها که قرار است اتفاق بیفتد در امان باشید و مقابل پسر آدم بایستند.»^۲

سخنان حضرت عیسی علیه السلام و روایات امامان علیهم السلام با هم مطابقت دارد و این نشانه درستی سخن و عدم تحریف آن است، زیرا اینها درباره اتفاقات زمان آینده است. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ؛ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ؛ می گویند: اگر راست می گویند، این پیروزی چه موقع اتفاق می افتد؟! بگو: در روز پیروزی، ایمان کافران فایده ای ندارد و به آنها مهلت نمی دهند. از آنها دوری کن و منتظر باش که آنها نیز منتظر هستند»^۳ فرمود:

«روز پیروزی دنیا به دست قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فتح می شود، در آن روز کسی که قبلاً ایمان نیاورده و منتظر ظهور قائم نبوده، ایمان او دیگر فایده ای برای او ندارد، بلکه ایمانی که در گذشته بوده و همراه با انتظار ظهور باشد، فایده دارد و خداوند مقام منزلت آنان را زیاد می کند و آن پاداش دوست داران اهل بیت است.»^۴

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۲۶؛ بشارة الاسلام: ۱۸۹. ۲. انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۳۴-۳۶.

۳. سورة مباركة سجده، آیات ۲۸-۳۰. ۴. منتخب الاثر: ۴۷۰.



فصل سیزدهم مقتدای مسیح

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله

«مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلَقَهُ؛ اَكْسَى كَه حَضْرَت عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ پِشْت سِر او
نماز می خواند از ماست.»

«لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوْلِيَّهَا وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا وَالْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهَا؛^۱ اَمْتِي
که من در آغاز آن، و حضرت عیسی علیه السلام در پایان آن، و مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف -
در وسط آن است، هرگز هلاک نمی شود.»

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؛^۲ وَتَمَّتْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِیَان شَمَا نَازِل
شود و رهبر شما از میان خود شما خواهد بود، حال شما چگونه خواهد بود؟»

«يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ تَعَالَى صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ
عَلَى بَعْضٍ أَمْرًا تَكْرِمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ؛^۳ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ در گردنه اقیق در بیت
المقدس فرود می آید، وارد بیت المقدس می شود، در حالی که مردم نماز صبح
می خوانند. سپس حضرت مهدی علیه السلام عقب می ایستد، ولی عیسی علیه السلام او را جلو
می برد و خودش نیز به او اقتدا کرده، پشت سرش بر اساس دین محمد ﷺ نماز
می خواند و می فرماید: شما اهل بیته هستید که کسی نمی تواند از شما سبقت بگیرد.»

و نیز می فرماید:

۱. كشف الغممة ۳: ۲۶۹، ۲۶۴؛ منتخب الاثر: ۱۰۰، ۳۱۶؛ ینایع الموده ۳: ۱۶۷، ۱۱۰؛ بحار الانوار ۵۱: ۸۴؛ المهدی: ۲۱۸، ۸۸؛
بشارة الاسلام: ۲۹۲، ۲۸۸، ۹۹؛ الامام المهدی: ۹۵؛ الزام الناصب: ۵۲؛ نور الابصار: ۱۷۰، ۲۱؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۳.
۲. كشف الغممة ۳: ۲۶۵؛ البیان: ۸۸؛ منتخب الاثر: ۱۵۵؛ بحار الانوار ۵۱: ۸۵؛ ینایع الموده ۳: ۱۰۹؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۴؛ الملاحم
والفتن: ۱۲۶؛ بشارة الاسلام: ۲۸۸؛ المهدی: ۹۱؛ اسعاف الراجین: ۱۵۱؛ الامام المهدی: ۷۶؛ الزام الناصب: ۱۰۰؛ غایة المراد: ۶۵۷.
۳. بحار الانوار ۵۱: ۱۰۲ و ۵۲؛ ۳۸۳؛ كشف الغممة ۳: ۲۶۹؛ بشارة الاسلام: ۲۹۱، ۲۵۵؛ البیان: ۷۵؛ صحیح البخاری ۲: ۱۵۸ و ۲: ۲۰۵؛
الامام المهدی: ۲۹۵، ۷۲، ۶۴؛ ینایع الموده ۳: ۱۶۷، ۱۱۰، ۸۸؛ الزام الناصب: ۲۵۴.
۴. منتخب الاثر: ۳۱۸، ۳۱۶؛ المهدی: ۲۱۹، ۱۹۹؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۲؛ حقایق الايمان: ۲۰۴؛ صحیح مسلم ۱: ۱۰۸، ۱۰۷ و ۸؛
۱۹۸، ۱۹۷؛ البیان: ۱۰۳، ۷۵؛ البرهان: ۵۱؛ نور الابصار: ۱۶۹؛ كشف الغممة ۳: ۲۷۹؛ الملاحم والفتن: ۷۷، ۶۷؛ الزام الناصب: ۲۵۷، ۱۰۰، ۵۳؛
بشارة الاسلام: ۱۹۲.



«در این موقع، حضرت عیسیٰ علیه السلام در شرق دمشق، کنار مناره سفید، میان دو ابر رنگین و در حالی که دو دست خود را روی بال‌های دو فرشته گذاشته، فرود می‌آید. وقتی سرش را پایین می‌اندازد، آب از آن می‌چکد، و وقتی سرش را بلند می‌کند، عرق مانند دانه‌های مروارید از سر و صورتش می‌ریزد. بوی نفس او به هر کدام از کفار برسد، نابود می‌شود و بوی نفس او تا اندازه دید او پیش می‌رود، دجال را دنبال می‌کند و در باب **«لُد»** او را نابود می‌کند.»^۱

«مهدی علیه السلام متوجه می‌شود که عیسی علیه السلام در بیت المقدس در نزدیکی مناره سفید در حالی که دست‌های خود را روی بال‌های دو فرشته گذاشته، و آب از موهایش می‌ریزد، فرود آمده است. سپس مهدی علیه السلام می‌گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی علیه السلام می‌گوید: نماز برای تو اقامه شده است. عیسی علیه السلام پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند و با او بیعت می‌کند و می‌گوید: من به عنوان وزیر و معاون فرستاده شده‌ام، نه به عنوان امیر و امام.»^۲

«عده‌ای از امت من همیشه برای دفاع از حق می‌جنگند، تا عیسی علیه السلام هنگام طلوع فجر در بیت المقدس فرود آید. سپس نزد مهدی علیه السلام می‌آید. به عیسی علیه السلام گفته می‌شود: ای پیامبر خدا! جلو بایست و برای ما نماز بگذار. عیسی علیه السلام می‌فرماید: این امت امیر یکدیگرند و این لطف خداوند بر این امت است.»^۳

«به خدا سوگند، به یقین پسر مریم علیها السلام به عنوان داور عادل میان شما نازل خواهد شد، در آن روز، مردی شایسته امام مردم خواهد بود. وقتی برای نماز صبح اذان گفته شود و او آماده خواندن نماز گردد، عیسی علیه السلام فرود می‌آید. وقتی عیسی را ببیند او را می‌شناسد و عقب عقب می‌رود تا عیسی علیه السلام جلو بایستد. عیسی علیه السلام دستش را روی شانه او گذاشته، می‌گوید: شما جلو بایستید که نماز برای شما برپا شده است. سپس عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند.»^۴

«عیسی علیه السلام میان امت من حاکم عادل خواهد بود، کینه و دشمنی را از بین می‌برد و آنقدر مال به دیگران می‌دهد که کسی آن را قبول نمی‌کند. حرص و خشونت از همه دور

دوران رهاپ
 مهدی قائم علیه السلام
 در سینه حضرت
 نور الحاقی فی ظل القادر المهدی علیه السلام

۱. همان.
 ۲. الصواعق المحرقة: ۹۸، الامام المهدی: ۳۳۳، اسعاف الراغبین: ۱۲۵، ینایح الموده: ۳، ۱۳۵، ۹۰؛ الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۵۸؛ الزام الناصب: ۲۵۵؛ منتخب الاثر: ۳۱۶.
 ۳. کشف الغمه: ۳، ۲۶۹؛ بحار الانوار: ۵۱، ۸۵ و ۵۲، ۳۸۲؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۲، ینایح الموده: ۳، ۸۸؛ بشارة الاسلام: ۲۸۱؛ نور الابصار: ۱۷۰؛ الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۶۲؛ الزام الناصب: ۲۵۵؛ بیان: ۷۶.
 ۴. الملاحم والفتن: ۶۶؛ کشف الغمه: ۳، ۲۶۹؛ بیان: ۸۷، ینایح الموده: ۳، ۸۸؛ صحیح مسلم: ۱، ۹۳؛ منتخب الاثر: ۲۷۹، ۱۴۶؛ المهدی: ۲۲۸؛ بشارة الاسلام: ۲۹۵، ۲۵۵؛ الامام المهدی: ۳۳۹؛ الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۳۵؛ الزام الناصب: ۱۸۵.

می شود و همه زمین مانند نقره نرم می شود.»^۱

روایات حضرت علی علیه السلام

«آنگاه مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به بیت المقدس بر می گردد و چند روز با مردم نماز می خواند. وقتی روز جمعه شود و وقتی نماز برپا می گردد، عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید که دو لباس سرخ بر تن او خواهد بود و از او قطره های عرق مانند روغن خواهد ریخت. او مردی زیبا و خوش اندام است، به حضرت ابراهیم علیه السلام بسیار شباهت دارد. به سوی مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می آید و با او دست می دهد و به او مژده پیروزی می دهد. در این موقع حضرت مهدی علیه السلام به او می گوید: ای روح خدا! جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی علیه السلام می گوید: ای فرزند پیامبر! نماز برای تو برپا شده است. سپس حضرت عیسی علیه السلام اذان می گوید و پشت سر مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نماز می خواند.»^۲

فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان در روایات بسیار روشن بیان شده است و کسی نمی تواند بگوید او مرده است. ما شیعیان معتقدیم که حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در آسمان است و هنگام ظهور حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - او نیز از آسمان نزول کرده و مهدی علیه السلام را یاری می کند و دجال را نابود می کند. با یاری او، سپاه حق پیروز می شود و حجت بر اهل کتاب تمام خواهد شد. او مانند زمان خودش، مردم را به پذیرش آیین حق و دین محمد ﷺ دعوت خواهد نمود.

روایات امام باقر علیه السلام

«وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ»^۳ حضرت عیسی علیه السلام نازل شده و پشت سر او (مهدی علیه السلام) نماز می خواند.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» هیچ یک از اهل کتاب باقی نمی ماند مگر این که قبل از رحلت او (حضرت عیسی علیه السلام) به او ایمان آورد. سپس او (عیسی علیه السلام) در روز قیامت به آنها گواهی می دهد»^۴ فرمود:

«إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِّلَّةَ يَهُودِيٍّ وَلَا بَغْيَرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ»^۵ قطعاً عیسی علیه السلام قبل از قیامت به این جهان می آید. پیروان ادیان باقی نمی مانند مگر این که قبل از رحلت او به او ایمان آورند و او پشت سر

۱. بشاره الاسلام: ۲۷۹؛ الملاحم و الفتن: ۱۲۵، ۶۶؛ بنایح الموده: ۳، ۸۸. ۲. الزام الناصب: ۲۰۲. ۳. الامام المهدي: ۲۲۶. ۴. سورة مباركة نساء، آیه ۱۵۹. ۵. بحار الانوار: ۵۳، ۵۰؛ الزام الناصب: ۲۳۹، ۱۹؛ بنایح الموده: ۳، ۷۷؛ الامام المهدي: ۳۸.



مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نماز می خواند.»

روایات امام صادق علیه السلام

«قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به بیت المقدس برمی گردد و چند روز با مردم نماز می خواند، روز جمعه که نماز برپا می شود، حضرت عیسیٰ علیه السلام با هفتاد هزار فرشته، در حالی که عمامه سبزی بر سر دارد و شمشیرش را روی دوش گذاشته، و سلاحی در دست گرفته، روی اسبی فرود می آید. منادی ندا می دهد: ای مسلمانان! حق آمد و باطل نابود شد.»^۱

از این روایات روشن می شود که: ۱. وقتی مهدی علیه السلام وارد قدس شود، عیسی علیه السلام فرود می آید، سپاه سفیانی را نابود کرده و با تمام یاران به سرزمین قدس برمی گردد.
۲. حضرت عیسی علیه السلام در بامداد روز جمعه، لحظه ای که مردم برای نماز صبح صف شده اند، فرود خواهد بود. همان طور که امام صادق علیه السلام آن را به روشنی بیان فرموده است. ۳. بیشتر قسمت های تورات و انجیل که درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام می باشد، تحریف نشده است، زیرا دقیقاً با این احادیث منطبق است.

۴. همان طور که در احادیث و در متن اناجیل آمده است، نزول حضرت عیسی علیه السلام برای داوری به حق، و ترساندن دشمنان و اتمام حجت بر پیروان ادیان و به ویژه یهود می باشد. و نزول او با چنان شکوه و عظمتی خواهد بود که دیگر کسی نمی تواند او را انکار کند. امروزه هم افراد عاقل نمی توانند صعود او را انکار کنند. زیرا قرآن کریم به روشنی آن را بیان می کند و دانش بشری آن را امکان پذیر می داند. به خصوص در زمان که به فضا سفر می شود.

انجیل لوقا

در انجیل لوقا آمده است:

«و در آفتاب و ماه و ستارگان نشانه هایی وجود دارد، زمین برای مردم، تنگ می شود، دریا و امواجش می خروشد. دل های مردم از ترس و انتظار آن حوادث، ضعیف می شود، زیرا نیروی آسمان از بین می رود. سپس پسر آدم را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قدرت و شکوه زیادی می آید.»^۲

مگر نه این است که زمین تنگ می شود و مردم سرگردان می گردند و به خاطر وسایل جنگی حیرت زده می شوند! آسمان به خاطر هواپیماهای جنگی امنیت ندارد. این ها نشانه

۱. الزام الناصب: ۲۲۹. ۲. انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۷-۲۵.

نزدیک شدن روز موعود است که مصلح غیبی سوار بر اسب، با قدرت و شکوه بسیار می آید. «این شخص هم پسر ابراهیم است. زیرا پسر آدم آمده است تا گمشده را پیدا کند و نجات دهد... که ملکوت خدا باید در همان زمان ظهور کند... تجارت کنید تا بیایم.»^۱ ای روح خدا! ای یاور مهدی! وعده ما و شما، صبح جمعه، در بیت المقدس! مگر طلوع فجر نزدیک نیست!^۲

انجیل یوحنا

«و به او و قدرت داده می شود که داوری کند زیرا که پسر آدم است. تعجب نکنید زیرا زمانی می آید که در آن کسانی که در قبرها هستند، صدای او را می شنوند و از قبرها بیرون می آیند. بعضی کارهای خوب برای قیامت انجام داده اند، و بعضی دیگر برای قیامت، کارهای زشت و بد انجام می دهند.»^۲

«دیدم آسمان باز شد و ناگهان اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و عادلانه حکم می کند و چشمانش مانند شعله آتش و بر سرش افسرهای فراوان بود و اسمی مرقوم دارد که فقط خودش آن را می داند و لباس خون آلود بر تن دارد و نام او را کلمه خدا می خوانند. و لشکرهایی که در آسمان هستند بر اسب های سفید سوارند و کتان های سفید و پاک پوشیده اند و به دنبال او می آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا مردم را بزند و با عصای آهنین بر آنان حکمرانی کند... و فرشته ای دیدم که در آفتاب ایستاده و با صدای بلند همه مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند صدا می زند و می گوید: بیایید و در مهمانی خدا شرکت کنید تا گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت ظالمان را بخورید...»^۳

«دوباره می آیم و شما را با خود خواهم برد، تا جایی که من می باشم شما نیز باشید.»^۴ اشاره به این است که هنگام نزول به او ایمان می آورند و با او هم عقیده می شوند و در جبهه حق کنار او می مانند.

«ولی می دانیم وقتی او ظاهر شود مانند او خواهیم بود، زیرا او را همان طور که هست خواهیم دید. و هر کس که به او این امید را دارد، خود را پاک می کند، همان طور که او پاک است.»^۵

انجیل متی

«پس شما نیز حاضر باشید، زیرا زمانی که گمان نمی کنید، پسر آدم می آید... خوشا به

۱. انجیل لوقا، باب ۱۹، بندهای ۱۲ و ۱۳. ۲. انجیل یوحنا، باب ۵، بندهای ۲۶-۲۸. ۳. مکاشفه یوحنا، رسول، باب ۱۹، بندهای ۱۱-۱۸. ۴. انجیل یوحنا، باب ۱۴، بندهای ۲ و ۳. ۵. رساله اول یوحنا، رسول، باب ۳، بندهای ۲ و ۳.



حال آن غلامی که وقتی آقایش می‌آید او مشغول چنین کاری می‌بیند.^۱
 «در آن هنگام، ملکوت آسمان مانند ده باکره خواهد بود که با چراغ‌های برافروخته به استقبال داماد بیرون رفتند... نیمه شب صدایی بلند شد که داماد می‌آید، به استقبال او بشتابید... پس بیدار باشید، زیرا روز و ساعت آن مشخص نیست.»^۲

«پس اگر به شما بگویند، او در صحراست بیرون نروید، یا آن‌که در خلوت است، باور نکنید. زیرا همان‌طور که برق از مشرق می‌آید تا در مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر آدم هم این‌گونه است... سپس نشانه پسر آدم در آسمان آشکار می‌شود و در آن وقت همه قبیله‌های روی زمین سینه‌زنی می‌کنند و پسر آدم را می‌بینند که روی ابرهای آسمان با قدرت و شکوه بسیار می‌آید.»^۳

«اما کسی روز و ساعت آن را نمی‌داند، حتی فرشتگان آسمان.»^۴
 «اما وقتی پسر آدم با شکوه و عظمت زیاد همراه فرشتگان مقدس خود می‌آید، در جایگاه باشکوه خود خواهد نشست و مردم اطراف او جمع می‌شوند و آن‌ها را از هم جدا می‌کند، همان‌طور که چوپان، میش‌ها را از یزها جدا می‌کند.»^۵

در روایات اسلامی نیز درباره فرود حضرت عیسی علیه السلام به عنوان حاکم عادل تعبیر شده است.

«و هم اکنون من هر روز تا نابودی جهان همراه شما هستم.»^۶

هوشع نبی

«و من برای آفرایم مانند شیر و برای خاندان یهود مانند شیر خشمگین خواهم بود، من خودم خواهم درید و می‌روم و می‌گیرم و رها نمی‌کنم. من به جایگاه خود بر می‌گردم تا ایشان به سرکشی خود اعتراف نموده و مرا جستجو کنند، در هنگام سختی، صبح زود مرا می‌خوانند.»^۷

رساله به عبرانیان

«همان‌طور که مسیح یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را برطرف کند، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او باشند، برای نجات ظاهر خواهد شد.»^۸
 «آن زمان، وقت مناسبی است، روز نجات است.»^۹

تعبیر «یوم الخلاص» دقیقاً همان تعبیری است که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن روز مسعود تعبیر فرموده است و ما نام کتاب خود را از همان حدیث برگرفته‌ایم.

۱. انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۲۴ و ۲۶. ۲. انجیل متی، باب ۲۵، بندهای ۱ و ۴ و ۵ و ۱۳.

۳. انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۲۶ و ۲۷ و ۳۰. ۴. انجیل متی، باب ۲۴، بند ۳۶. ۵. انجیل متی، باب ۲۵، بندهای ۳۱ و ۳۲.

۶. انجیل متی، باب ۲۸، بند ۲۰. ۷. عهد عتیق، کتاب هوشع نبی، باب ۵، بندهای ۱۴ و ۱۵.

۸. رساله به عبرانیان، باب ۹، بند ۲۸. ۹. رساله به عبرانیان، باب ۱۲، بند ۱۷.

رساله پولس به رومیان

«زیرا یقین دارم که سختی‌های کنونی نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر می‌شود، هیچ است.»^۱

«... و کسی که برای رهبری مردم فرستاده شد، امید مردم به او خواهد بود.»^۲

«و وقتی این را گفت، عده‌ای او را می‌دیدند، بالا برده شد و ابری او را از نظرها پنهان کرد. و وقتی او می‌رفت و به آسمان نگاه می‌کردند، ناگهان دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده و گفتند: ای مردان جلیلی! چرا ایستاده‌اید و به آسمان نگاه می‌کنید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، دوباره برمی‌گردد.»^۳

کتاب زکریای نبی

«و خداوند بیرون آمده و با آن عده می‌جنگد همان طور که در روز جنگ می‌جنگید. و در آن روز پاهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق مقابل اورشلیم است، خواهد ایستاد ... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود ... و یهود بر همه زمین حکومت خواهد کرد...»^۴

«هروقت این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، بالا رفتن حضرت عیسی را می‌بینید تا زمانی که برگردد.»^۵

«اگر کسی عیسی مسیح خداوند را دوست ندارد، لعنت بر او باد.»^۶

عاموس نبی

در کتاب عاموس نبی خطاب به یهودیان درباره بازگشت حضرت عیسی علیه السلام می‌گوید:
«... پس ای اسرائیل! خود را آماده کنید تا خدای خود را ملاقات نمایید.»^۷

رساله پولس

«این سخن، کلام خداوند است که به شما می‌گوییم: ما زنده‌ایم و تا آمدن خداوند زنده می‌مانیم و بر مردگان سیقت نمی‌گیریم. زیرا خداوند با صدای رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. سپس ما که زنده و باقی خواهیم بود در ابرها رفته خواهیم شد تا خداوند را در آسمان استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود.»^۸

«شما به خوبی می‌دانید که روز خداوند مانند دزد در شب می‌آید... ولی شما ای

۱. رساله پولس رسول به رومیان، باب ۸ بند ۱۲. ۲. رساله پولس رسول به رومیان، باب ۱۵ بند ۱۲.
۳. اعمال رسولان، باب ۱، بندهای ۹-۱۱. ۴. عهد عتیق، کتاب زکریای نبی، باب چهاردهم، بندهای ۳، ۷ و ۹.
۵. رساله اول پولس رسول به فرنیان، باب ۱۱ بند ۲۶. ۶. همان، باب ۱۶ بند ۲۲.
۷. عهد عتیق، کتاب عاموس نبی، باب ۴ بند ۱۲. ۸. رساله اول پولس رسول به تسالونیکیان، باب ۴، بندهای ۱۷-۱۵.



برادران! در ظلمت نیستید تا آن روز را درک کنید.»^۱

حجی نبی

«و همه مردم را متزلزل خواهیم کرد و بهترین آن‌ها خواهند آمد... این خانه را از شکوه و عظمت او پر می‌کنیم... آخرین برگزیده این خانه از اولین برگزیده‌اش برتر است.»^۲

مکاشفه یوحنا

«او با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید. و عده‌ای با او می‌جنگند و همه مردم جهان برای او می‌گیرند.»^۳

در احادیث ما نیز آمده است که همه چشم‌ها منتظر ظهور او هستند و همه او را می‌بینند. این جملات دوهزار سال پیش که تلویزیون اختراع نشده بود، قابل فهم نبود. البته شاید آن حضرت از تلویزیون دیده نشود، ولی این که همه جهانیان او را می‌بینند، قابل درک است.

«و حاکمان زمین و بزرگان و فرماندهان و دولتمندان و ستمکاران و هر غلام و آزاد که خود را در مغاره‌ها و صخره‌های کوه‌ها پنهان کردند و به کوه‌ها و صخره‌ها می‌گویند بیفتید و ما را پنهان کنید تا کسی که بر عرش نشسته ما را نبیند، زیرا روز خشم بزرگ رسیده است و چه کسی می‌تواند مقاومت کند؟!»^۴

در باره تعیین وقت هم در اناجیل آمده است:

«اما کسی روز و ساعت دقیق آن را نمی‌داند، حتی فرشتگان آسمان، جز پدر من و بس.»^۵

در روایات اسلامی هم آمده است که فقط خداوند وقت ظهور را می‌داند. عبدالله بن سلیمان می‌گوید:

«من در اناجیل خواندم که خداوند به عیسی علیه السلام فرمود: من تو را به سوی خود بالا می‌برم، سپس تو را در آخر الزمان فرو می‌فرستم تا از امت این پیامبر شگفتی‌ها ببینی، و به آن‌ها برای کشتن دجال کمک کنی، تو را هنگام نماز می‌فرستم، تا با آن‌ها نماز بخوانی که آن‌ها مورد رحمت قرار گرفته‌اند.»^۶

پس می‌بینیم که انتظار ظهور مهدی در همه ادیان و مذاهب مطرح شده است: یهود، در انتظار ظهور حضرت مسیح علیه السلام است.

مسیحیان، در انتظار بازگشت حضرت عیسی علیه السلام می‌باشند.

۱. همان، باب ۵، بندهای ۲-۴. ۲. عهد عتیق، حجی نبی، باب ۲، بندهای ۷-۹. ۳. مکاشفه یوحنا، رسول، باب اول، بند ۷. ۴. مکاشفه یوحنا، رسول، باب ۶، بندهای ۱۷-۱۵. ۵. انجیل متی، باب ۲۴، بند ۲۶. ۶. بحار الانوار ۵۲: ۱۸۱.

در اسلام و به خصوص در میان شیعیان، این انتظار کامل‌تر و دقیق‌تر از اعتقادات اساسی و محکم است و ما با عقیده‌ای محکم در انتظار نزول حضرت عیسی‌علیه‌السلام و ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام هستیم.

در این دوران که همه جا را ظلم و ستم فرا گرفته، ظهور یک مصلح و منجی، یکی از ضروریات است و خداوند به خواست خود او را برانگیزد تا ظالمان را نابود کند و عدالت را گسترش دهد.

وقتی آن منجی ظهور کند، مردم به یکدیگر مزده می‌دهند و دل‌ها آرام می‌گیرد و روزگار عدالت و آزادی فرا می‌رسد که ما آن را «روز رهایی» نام نهادیم. همان طور که پیامبر ﷺ روز ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام را «یوم الخلاص» نامیده است و قبل از ایشان هم حضرت مسیح‌علیه‌السلام در انجیل از آن روز به عنوان «یوم الخلاص» یاد کرده است و بعد از او، نیز امام صادق‌علیه‌السلام آن روز را «یوم الخلاص» نامیده است.

و اما اینکه چرا حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از مکه ظهور می‌کند؟ برای این است که خانه خدا آنجاست، آنجا شهر حرام است، و در آنجا سلاح کشیدن و خون ریختن حرام است و از نظر موقعیت جغرافیایی هم کوه‌های بلند و بالایی آنجا را احاطه کرده، حفاظ طبیعی به وجود آورده، غارها و دره‌های فراوان آن سنگرهای طبیعی است و از حمله دشمن جلوگیری می‌کند. و نیز آنجا و مدینه، معدن وحی و محل نزول فرشتگان است و هیچ مکانی از آنجا برای اعلام نهضت مقدس اسلامی شایسته‌تر نیست. اما قدس و دیگر پایتخت‌های عربی در آن روز، گرفتار جنگ خواهند بود و این انقلاب عظیم نمی‌تواند از آن جا آغاز شود.





فصل چهاردهم

دولت حق

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ گذشته

از ذکر (تورات) در زبور نیز نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث خواهند برد.

امام باقر علیه السلام ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «آنان، یاران حضرت مهدی

- عجل الله تعالی فرجه الشریف - در آخر الزمان می‌باشند.»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«هَذِهِ الْأُمَّةُ مَرْخُومَةٌ. فَمِنْهَا نَبِيُّهَا، وَمِنْهَا مَهْدِيُّهَا، بِنَا فَتَحَ هَذَا الْأَمْرُ وَبِنَا يُخْتَمُ، وَ لَنَا

مُلْكٌ مُوَجَّلٌ، وَ لَيْسَ بَعْدُ مُلْكٌ، لِأَنَّ أَهْلَ الْعَاقِبَةِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛^۲ این امت، امتی

است که رحمت خدا شاملش شده است، پیامبرش از خود او، و مهدی‌اش نیز از خود

اوست. این امر به وسیله ما آغاز شده، و به وسیله ما نیز پایان می‌پذیرد. برای ما دولتی

هست که در آینده مقدر است و پس از دولت ما، دیگر دولتی نخواهد بود. زیرا ما اهل

عاقبت هستیم و عاقبت از آن اهل تقواست.»

یک بار دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام از آن حضرت پرسید: آیا مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف -

از ما اهل بیت است؟ فرمود:

«لَا بَلْ مِمَّا يَخْتَمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَبِنَا يُنْقَدُونَ مِنَ الْفِتَنِ كَمَا أُتْقَدُوا مِنَ الشُّرْكِ وَ

بِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَلَّفَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الشُّرْكِ

إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ؛ آری مهدی از ماست، خداوند به وسیله او دین را به اتمام می‌رساند،

چنانکه به وسیله ما آغاز نمود. به دست ما از فتنه‌ها رهائی می‌یابند، چنانکه به دست ما

از شرک رهائی یافتند. خداوند پس از کینه‌های فتنه‌گری، به دست ما در میان آن‌ها الفت

و صمیمیت ایجاد می‌کند، چنانکه بعد از کینه‌های شرک به دست ما در میانشان

۱. سوره مبارکه انبیاء، آیه ۱۰۵. ۲. ینابیع الموده ۳: ۸۰ الزام الناصب: ۲۵. ۳. الملاحم والفتن: ۹۵، الصواعق المحرقة: ۹۷، نور الأبصار: ۲۳۱.

۴. منتخب الأثر: ۱۵۲ و ۱۸۰؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۹؛ الزام الناصب: ۲۵۷؛ الملاحم والفتن: ۱۳۴ و ۶۷، ینابیع الموده ۳: ۱۶۶؛ نور الأبصار:

۱۷۱ و ۲۳۱؛ بشارة الإسلام: ۲۸۷.

صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیله ما برادری خود را باز یابند، چنانکه بعد از عداوت شرک، به دست ما برادر ایمانی گشتند.»

و یک بار دیگر در همین رابطه فرمود:

«بِنَا فَتَحَ الْأَمْرُ، وَ بِنَا يُخْتَمُ. وَ بِنَا اسْتَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ، وَ بِنَا يَكُونُ الْعَدْلُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ این امر به دست ما آغاز شد و به دست ما پایان می یابد، خداوند به وسیله ما انسان ها را در آغاز زمان، رهائی بخشید و به وسیله ما در پایان جهان، عدالت گسترده می شود.»

قریب به این مضمون از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است و آن هنگامی است که «هشام بن عبدالملک» آن حضرت را به مجلس خود احضار کرده، در سرزنش آن حضرت از حد گذشت و به درباریان دستور داده بود که آن ها نیز از او پیروی کرده در نکوهش و سرزنش امام باقر علیه السلام حد و مرز نشناسند. چون هشام لب به سرزنش گشود همگی با او هم صدا شدند و از حد و مرز گذشتند. امام باقر علیه السلام به چا خاست و در پاسخ نکوهش گران چنین فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ أَيْنَ تَذْهَبُونَ وَ أَيْنَ يُرَادُ بِكُمْ بِنَا هَدَى اللَّهُ أَوْلَكُمْ وَ بِنَا يَخْتَمُ آخِرَكُمْ فَإِنْ يَكُنْ لَكُمْ مُلْكٌ مُعْجَلٌ فَإِنَّ لَنَا مُلْكًا مُوَجَّلًا وَ لَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ لِأَنَّ أَهْلَ الْعَاقِبَةِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ هان ای مردم! کجا می روید؟ کجا برده می شوید؟! خداوند اول شمارا به دست ما هدایت نمود و آخر شمارا به دست ما به انجام می رساند، اگر شما دولت زودگذر دارید، دولت پایدار از آن ماست. پس از دولت ما دیگر دولتی نیست، زیرا ما اهل عاقبت هستیم و خدای تبارک و تعالی می فرماید: عاقبت از آن پرهیزکاران است.»^۱

هشام دستور داد که امام باقر علیه السلام را به زندان ببرند. چون آن حضرت را به زندان افکندند، زندانیان از دانش بیکران، نیروی ایمان، قدرت بیان، تقوی و فضایل برجسته و دیگر صفات شایسته آن حضرت تعجب کردند. چون نفوذ کلمه و محبوبیتی زاید الوصف امام در میان زندانیان به هشام گزارش شد دستور داد که آن حضرت را آزاد کنند و پیش از آنکه با مردم تماس بگیرد و در دل آن ها نفوذ نماید؛ رهسپار مدینه کنند.^۲

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این مورد می فرماید:

«الْمَهْدِيُّ يَقْفُوا أَثْرِي، لَا يُخْطِئُ؛ مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - روش مرا دنبال

۱. کشف الغمّة: ۳، ۲۶۳ و ۲۷۲؛ الملاحم والفتن: ۶۷ و ۱۳۵، ۲. سورة مباركة اعراف، آية ۱۲۸، ۳. الكافي: ۱، ۴، ۴۷۱، ۴. الملاحم والفتن: ۹۵.

مهدی قائم علیه السلام
 فریستاه حضرت
 محمد باقر علیه السلام
 نور الهدی

می‌کند و هرگز از روش من بیرون می‌رود.^۱

«أَنَّهُ مَتَّبِعٌ لَا مُبْتَدِعٌ. وَأَنَّهُ مَعْصُومٌ فِي حُكْمِهِ يَحْرَمُ عَلَيْهِ الْقِيَاسُ مَعَ وَجُودِ التَّصَوُّصِ الَّتِي مَنَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَيَّاهَا؛^۲ أَوْ تَابِعِ سُنَّتِ مَنْ اسْتَوَى وَهَرَكِزِ بَدْعَتِكُزَارِ نَيْسَتِ. أَوْ دَرِ دَاوَرِي هَايِ خُودِزِ لَفُزْشِ وَ اِشْتِبَاهِ مَعْصُونِ اسْتِ. بِأَوْ جُودِ بَرَاهِينِ قَطْعِ هَايِ كِه خُودِ نَدِ بَه أَوْ رِزَانِي دَاشْتِه، هَرَكِزِ نِيَازِي بَه قِيَاسِ پِيدَا نَمِي كَنْدِ وَ قِيَاسِ بَرِ أَوْ حَرَامِ اسْتِ.»

«وَيَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ يَكُونُ عَطَاوُهُ هَنِئِيئًا؛^۳ بَه هِنْكَامِ فِتْرَتِ زَمَانِ وَ فِتْنَه هَايِ دُورَانِ، مَرْدِي بَه نَامِ «مَهْدِي» - عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فِرْجَه الشَّرِيفِ - ظَهُورِ مِي كَنْدِ كِه عَطَايَايِ أَوْ گُورَاوِ دِلْجَسَبِ اسْتِ.»

«فَإِذَا تَبَيَّنَتْ تَطَهَّرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي زِينَتَهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لَصَدَقَتِهِ وَلَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغَنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ؛^۴ دَرِ اَن هِنْكَامِ، زَمِينِ گَنْجِينَه هَايِ خُودِ رَا بَرَايِ أَوْ اَشْكَارِ مِي سَازِدِ وَ بَرَكْتِ هَايِشِ رَا بِيرونِ مِي فَرَسْتِدِ، دِيگَرِ اِنْسَانِ بَرَايِ صَدَقَه وَ بَخْشِشِ جَايْگَاهِي پِيدَا نَمِي كَنْدِ، زِيْرَا بِي نِيَازِي شَامِلِ هَمِهٖ مُؤْمِنَانِ خَوَاهَدِ شُدِ.»

«يَعْمَلُ بِسُنَّتِي وَ يَكُونُ عَطَاوُهُ هَنِئِيئًا وَ يَنْزِلُ بَيْتُ الْمُقَدَّسِ؛^۵ بَه سُنَّتِ مَنْ رِفْتَارِ مِي كَنْدِ، عَطَايَايِشِ گُورَاوِ مِي بَاشَدِ وَ دَرِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ مَنَزَلِ مِي كَنْدِ وَ فِرُودِ مِي آيِدِ.»

«يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ ثَقَفَهُمْ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ؛ دَشْمَنَانِ خُودِ رَا هَر كَجَا پِيدَا كَنْدِ مِي كُشَدِ، حُدُودِ اِلْهِي رَا بَرِ پَا مِي كَنْدِ وَ بَه حُكْمِ خُودِ حُكْمِ مِي كَنْدِ.»^۶

«ثُمَّ يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةً يَخْشِي الْمَالَ خَشْيًا لَا يَعُدُّهُ عَدَاً وَ ذَلِكَ حِينَ يَضْرِبُ الْإِسْلَامُ بِجِرَانِهِ؛^۷ دَرِ پَايَانِ رُوزْگَارِ اِمْتِ مِنْ خَلِيفَه هَايِ مِي آيِدِ كِه هَمْچُونِ سَبِيلِ مِي بَخْشَدِ وَ اَن رَا نَمِي شَمَارِدِ، وَ اَن هِنْكَامِي اسْتِ كِه اِسْلَامِ، بَا تَمَامِ اِبْعَادِشِ پِيدَا مِي شُودِ.»

یعنی بعد از تحکیم پایه‌های حکومت خویش، هر کس هر چه بخواهد بدون حساب به او می‌بخشد و همه ثروتمند می‌شوند و دیگر نیازمندی یافت نمی‌گردد و هرگز کسی برای مادیات مزاحم دیگری نمی‌شود.

«تُنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يُنْعَمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبُرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ وَ الْمَالِ كُدُوسٍ يَأْتِيهِ الرَّجُلُ فَيَخْشُوهُ؛^۸ دَرِ دَوْلَتِ اَوْ مَرْدَمِ اَنچِنَانِ دَرِ رِفَاهِ وَ اَسَايِشِ بَه سَرِ مِي بَرِنْدِ كِه هَرَكِزِ هَمَانَنْدِ اَن دِيده نَشْدِه، مَالِ بَه قَدْرِي فِرَاوَانِ مِي شُودِ كِه هَر كَسِ نَزْدِ اَوْ پِيدَا اِمْوَالِ فِرَاوَانِي

۱. ینابیع المودة ۳: ۱۳۶؛ اسعاف الراغبین: ۲، ۱۴۵. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۳، ۴. الزام الناصب: ۱۳۹ و ۲۲۲.

۵. كشف الغمة ۳: ۲۶۲؛ البیان: ۸۵؛ بشارة الاسلام: ۲۸۵ و ۲۹۶. ۶. بشارة الاسلام: ۹؛ المحجة البيضاء ۳: ۳۴۰.

۷. البیان: ۸۳؛ الملاحم والفتن: ۵۶؛ صحيح مسلم ۸: ۱۸۵.

۸. البیان: ۷۲؛ الملاحم والفتن: ۵۷؛ كشف الغمة ۳: ۲۶۳، ۲۶۸ و ۲۷۷، المحجة البيضاء ۴: ۳۴۱؛ ینابیع المودة ۳: ۸۷، ۹۱؛ مسند احمد ۳: ۴۸.

الزام الناصب: ۵۲؛ الفصول المهمة: ۲۵۶؛ الصواعق المحرقة: ۹۸.

در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام
دوران در هاب
 در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام

زیر پایش می ریزد.»

پیشوای ششم شیعیان امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:
 «يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ اَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ؛ هر کس بلند شود و بگوید: ای مهدی! به من عطا کن، حضرت به او می فرماید: بگیر!»^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله بی نیازی مردم آن زمان را چنین توصیف می کند:
 «يُفِيضُ فِيهِمُ الْمَالَ حَتَّى يَبْهَمَ الرَّجُلُ بِمَالِهِ مَنْ يَقْبَلُهُ مِنْهُ حَتَّى يَسْتَصَدَّقَ فَيَقُولُ الَّذِي يَغْرِضُهُ عَلَيْهِ: لَا أَرَبَ لِي بِهِ؛^۲ ثروت را در میان آن‌ها به فراوانی می بخشد، کسی که در صدد صدقه دادن باشد، اموالی را بر می دارد و به مردم عرضه می کند، به هر کس عرضه کند می گوید: من نیازی ندارم.»

«يَفِيضُ الْمَالَ فَيُضَا وَيَخْتُو الْمَالَ خْتَوًا وَلَا يَعْدُهُ عَدًّا؛^۳ اموال را همچون سیل می ریزد، ثروت را کلان کلان می بخشد و آن را نمی شمارد.»
 «يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا وَيَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله غِنَى وَ يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ؛^۴ مال را عادلانه تقسیم می کند و دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را با بی نیازی پر می کند و عدالتش همه آن‌ها را فرا می گیرد.»

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:
 «الْمَهْدِيُّ سَمْحٌ بِالْمَالِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعُمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ؛^۵ مهدی بخشنده‌ای است که مال را به وفور می بخشد، بر مسئولین کشوری بسیار سخت می گیرد بر بی‌نویان بسیار مهربان است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جایی دیگر وضع مردم را در عصر آن حضرت چنین تشریح می کند:

«يَطْلُبُ الرَّجُلُ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَأْخُذُ ذَلِكَ إِسْتِغْنَاءً بِمَا عِنْدَ النَّاسِ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ؛^۶ مردم دنبال کسی می گردند که از آن‌ها هدیه‌ای بپذیرد، زکات مالشان را جدا می کنند و کسی را نمی یابند که آن را نپذیرد، زیرا همه مردم از فضل خدا بی نیاز می شوند.»

بدیهی است باید هم چنین شود، زیرا با دست قدرت خداوند، مدت‌ها برای پیاده کردن اسلام صحیح و عدالت واقعی در پشت پرده غیبت مانده و انواع رنج‌ها و مشقت‌ها

مهدی قائم عجل الله فرجه
 در پستانه حضرت
 نور محمدی
 ظهور الحاقی در ظل قائم مهدی عجل الله فرجه

۱. همان. ۲. مسند احمد ۲: ۵۳۰، البیان ۸۴: منتخب‌الآثر: ۱۵۹؛ صحیح مسلم ۸: ۱۸۵.
 ۳. الضواغق المحرقة: ۱۶۴؛ الملاحم والفتن: ۵۷؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۱؛ كشف الغمة ۳: ۲۶۱؛ بتایع المودة ۱۲۵۳.
 ۴. الملاحم والفتن: ۱۳۷؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۰، الزام الناصب: ۲۳۰؛ بشارة الإسلام: ۲۵۴.

را تحمّل نموده است، تا روزی ظهور کرده حجّت خدا در روی زمین و امین او در میان بندگان باشد. بنده شایسته‌ای که خداوند برای چنین منظوری انتخاب فرموده است، طبعاً شرح صدر خواهد داشت و قلبش گنجینه حکمت‌های پروردگار و مخزن اسرار الهی خواهد بود، هرگز در سخنی فرو نخواهد ماند و از زبانش فقط حق جاری خواهد شد و کردارش تنها بر اساس عدالت است. چنین است که امام رضا علیه السلام در تعریف امام و پیشوای مردم چنین فرموده است:

«يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمَ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَشْجَعَ النَّاسِ وَأَعْيَدَ النَّاسِ وَيَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ؛^۱ امام باید داناترین، عادل‌ترین، پرهیزکارترین، دلیرترین و عابدترین مردمان باشد، از پشت سر خود همچون پیش رویش آگاه باشد و سایه نداشته باشد.»

مطالب شگفت‌انگیزی در این رابطه در بخش سخنان امام باقر علیه السلام خواهد آمد. رسول

اکرم صلی الله علیه و آله در مورد کابینه دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - چنین می‌فرماید:

«وَزَرَاءُ الْمَهْدِيِّ مِنَ الْأَعَاجِمِ، مَا فِيهِمْ عَرَبِيٌّ! يَتَكَلَّمُونَ الْعَرَبِيَّةَ، وَهُمْ أَخْلَصُ الْوُزَرَاءِ وَأَفْضَلُ الْوُزَرَاءِ؛^۲ وزیران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - همه عجم (غیر عرب) هستند و در میان آنها حتی یک نفر عرب هم نیست ولی به عربی سخن می‌گویند، و آنها خالص‌ترین و برترین وزیران هستند.»

يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ كَمَا تَأْوِي النَّخْلُ إِلَى يَغْسُوبِهَا وَيَسْتَيْطِرُ الْعَدْلَ حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ لَا يَوْقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛^۳ امت اسلامی به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - پناه می‌آورند آنچنانکه زنبور عسل به سمت ملکه خود پناه می‌برند. عدالت را در پهنه گیتی می‌گستراند و صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می‌گرداند. آنکه خوابیده است را (از روی مزاحمت) بیدار نمی‌کند و خونی را (به ناحق) نمی‌ریزد.»

پیشوای ششم شیعیان نیز در این زمینه می‌فرماید:

«يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَلَا يَوْقِظُ نَائِمًا، وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛^۴ در میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند خفته‌ای را بیدار نمی‌کند و خونی را نمی‌ریزد.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف آن روز مسعود می‌فرماید:

«يُبَايِعُ لَهُ النَّاسُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَيُبَسِّرُ اللَّهُ لَهُ الدِّينَ، وَيَفْتَحُ لَهُ الْفَتْوحَ، حَتَّى لَا يَبْتَقَى

۱. عبون أخبار الرضا علیه السلام ۱: ۱۶۹ و ۲: ۱۰۲ و ۲: ۱۳۳؛ اسعاف الراغبین: ۱۴۴. ۳. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۳.

۴. الملاحم والفتن: ۵۱؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۲؛ عقد الدرر: ۲۲۳.

دوران در هابنه
 در پناه حضرت مهدی قائم
 عجل الله تعالی فرجه الشریف
 تقی المصطفی
 خاتمه القادر المهاره

عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ الْأَمَّنُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛^۱ در میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، خداوند دین را برای او آسان گرداند و فتوحات بسیاری به دست او انجام می‌پذیرد تا در روی زمین کسی باقی نباشد جز اینکه بگوید: «لا اله الا الله».

«يَبْلُغُ رَدَّ الْمَهْدِيِّ الْمَظَالِمَ حَتَّىٰ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ ضَرْبِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ أَنْتَزَعَهُ حَتَّىٰ يَرُدَّهُ؛^۲ مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آن چنان رفع ستم از ستم‌دیدگان می‌کند که اگر حق کسی زیر دندان کسی باشد، آن را می‌گیرد و به صاحب حق باز می‌گرداند.»

امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«وَيَذْهَبُ الزُّنَىٰ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ يَذْهَبُ الرِّبَا، وَ يُقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ، وَ تُؤَدَّى الْأَمَانَاتُ، وَ تَهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَ تَبْقَى الْأَخْيَارُ؛^۳ روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین می‌رود، مردم به عبادت و اطاعت روی می‌آورند، امانت‌ها را به خوبی رعایت می‌کنند، اشرار مردم نابود می‌شوند و افراد صالح باقی می‌مانند.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف آن روز مبارک می‌فرماید:

«يُفْرَجُ اللَّهُ بِالْمَهْدِيِّ عَنِ الْأُمَّةِ، يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادِ عِبَادَةً وَ يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ، بِهِ يَسْفَحُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ الزَّمَانُ الْكَلْبَ، وَ يُخْرِجُ ذُلَّ الرَّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ؛^۴ خداوند به وسیله مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از امت رفع گرفتاری می‌کند، دل‌های بسندگان را با عبادت و اطاعت پر می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد. خداوند به وسیله او دروغ و دروغگویی را نابود می‌سازد، روح درندگی و ستیزه‌جویی را از بین می‌برد و ذلت بردگی را از گردن آن‌ها بر می‌دارد.»

«يَسْقِيهِ اللَّهُ الْقَيْثَ، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَاتِهَا وَ تَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ، وَ تَعْظُمُ الْأُمَّةُ، وَ يَعِيشُ سَبْعًا أَوْ ثَمَانِيًا، تَنْعَمُ أُمَّتِي فِيهِ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا؛^۵ خداوند با باران رحمتش او را سیراب می‌سازد، زمین گیاه خود را بیرون می‌فرستد، دام‌ها فراوان می‌شوند و امت اسلامی شکوه و عظمت خاصی پیدا می‌کند. امت اسلامی در عهد او آنچنان از وسعت روزی برخوردار می‌شود که هرگز نظیر چنین نعمت و آسایشی دیده نشده است.»

«فَعِنْدَ ذَلِكَ تُفْرَخُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَ الْحَيْتَانِ فِي بِحَارِهَا وَ تَفِيضُ الْعُيُونُ وَ تُثْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفًا أَكْثَلَهَا؛^۶ در آن هنگام پرندگان در آشیانه‌های خود شادمان می‌شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی می‌کنند و چشمه‌ها سرازیر می‌شوند و از زمین چندین برابر محصول عادی روئیده می‌شود.»

۱. بشارة الاسلام: ۲، ۲۵۶. الملاحم والفتن: ۵۲، الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۱، ۳. الزام الناصب: ۲۲۸، الملاحم والفتن: ۵۴.

۲. الملاحم والفتن: ۵۶ و النبیة: ۵، ۱۱۴. الملاحم والفتن: ۵۷، بشارة الاسلام: ۲۸۶، الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۱.

۳. بنایع المودة: ۳، ۱۳۶؛ مشیر الأحزان: ۲۹۷؛ اسعاف الراغبین: ۱۴۰.

دوران دهان
 مهدی قائم علیه السلام
 در پستان حضرت
 نور الخاقان
 ظل القادر المهدی علیه السلام

«يُحِبُّهُ سَاكِنُ الْأَرْضِ وَ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ تُزِيلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضَ نَبَاتَهَا لَا تُمَسِكُ مِنْهُ شَيْئًا، يَعِيشُ فِيهِمْ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانِيًا أَوْ تِسْعًا، يَتَمَنَّى الْأَخْيَاءُ الْأَمْوَاتَ لِيَرَوْا الْعَدْلَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ مَا صَنَعَ اللَّهُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ؛^۱ ساکنان زمین و آسمان او را دوست خواهند داشت، آسمان بارانش را فرو می‌فرستد، زمین گیاه‌های خود را می‌رویاند. هفت، هشت یا نه سال در میان آن‌ها زندگی می‌کند. زنده‌ها آرزو می‌کنند که ای کاش اجدادشان زنده بودند و آن عدالت و آرامش را مشاهده می‌کردند، و می‌دیدند که خداوند چگونه برکات خود را بر اهل زمین نازل کرده است.»

«تَقَىٰ الْأَرْضُ أَفْلَادَ كَبِدِهَا أَمْثَالَ الْأَسْطُورَانِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَيَجِيءُ السَّارِقُ فَيَقُولُ: فِي مِثْلِ هَذَا قُطِعَتْ يَدِي! وَ يَجِيءُ الْقَاتِلُ فَيَقُولُ: فِي هَذَا قُتِلْتُ! وَ يَجِيءُ الْقَاطِعُ فَيَقُولُ: فِي هَذَا قُطِعَتْ رَجَمِي! ثُمَّ يَدْعُونَهُ فَلَا يَأْخُذُونَ مِنْهُ شَيْئًا؛^۲ زمین جگر پاره‌های خود را همچون قطعات طلا و نقره بیرون می‌ریزد، دزد می‌آید و می‌گوید: برای چنین چیزی دستم بریده شد! قاتل می‌آید و می‌گوید: برای چنین کالایی مرتکب قتل شدم! قاطع رحم آمده می‌گوید: من برای چنین چیزی قطع رحم کردم! آنگاه این اسطواناته‌های طلا و نقره روی زمین می‌ماند و کسی رغبت نمی‌کند که چیزی از آن بردارد.»

گفته می‌شود که حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خطاب به آن‌ها می‌فرماید:

«تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا قُطِعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَحَارِمَ اللَّهِ فَيُعْطِي شَيْئًا لَمْ يُعْطِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ؛^۳ بیایید به سمت آنچه که برای آن قطع رحم کردید، خون‌ها ریختید، و مرتکب گناهان شدید! آنگاه آنچنان عطایابی کلان به آن‌ها می‌دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است.»

رسول گرامی اسلام ﷺ در مورد جهانی شدن اسلام در عصر حضرت مهدی

- عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌فرماید:

«لَيَدْخُلَنَّ هَذَا الدِّينُ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ؛^۴ تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، این آئین مقدس نفوذ خواهد کرد.»

بدیهی است که تاریکی شب تمام نقاط کره زمین را فرا می‌گیرد و قطعاً هیچ نقطه‌ای نمی‌ماند جز اینکه در تاریکی شب فرو می‌رود. طبق این فرموده تمام نقاطی که شب آن را می‌پوشاند، تحت پوشش آئین مقدس اسلام در می‌آید و با نور درخشان این آئین تابناک، روشن می‌شود.

۱. بشارة الإسلام: ۲۸۰ و ۲۸۱؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۱؛ كشف الغمة: ۳؛ ۲۶۸؛ الملاحم والفتن: ۵۵؛ ينابيع المودة: ۳؛ ۶۲؛ الحاوی للفتاوی: ۲؛ ۱۳۷؛ اسعاف الراغبین: ۳۴؛ مسند احمد: ۳؛ ۲۸۱؛ ۲۸۲؛ ينابيع المودة: ۳؛ ۶۶؛ الصواعق المحرقة: ۲۳۵؛ بشارة الإسلام: ۳؛ ۷۱؛ منتخب الأثر: ۳۳۰؛ ۴. منتخب الأثر: ۲۹۴ و ۱۶۰.

از امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر آیه شریفه: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً»^۱ با همه مشرکان بجنگید، چنانکه آنان همگی با شما می جنگند) پرسیدند، فرمود:

«لَمْ يَجِيءْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ. وَإِذَا قَامَ قَائِنَا بَعْدِي. يَزِي مِنْهُ مَنْ يَذْرُكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ. وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينُ مُحَمَّدٍ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ! كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَأَصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسْجِدَهُمْ» وَ تَعَمَّرُ الْأَرْضُ وَ تَصْفُرُ، وَ تَزْهُو بِمَهْدِيَّهَا، وَ تَجْرِي بِهِنَّ أَنْهَارُهَا، وَ تَعْدِمُ الْفِتْنُ وَالْغَارَاتُ، وَ يَكْتُرُ الْخَيْرُ وَ الْبَرَكَاتُ؛ هُنُوزَ تَأْوِيلِ آيَةِ نِيَامده است، هنگامی که قائم ما پس از ما قیام کند، آنانکه زمان او را درک کنند، تأویل این آیه را خواهند دید که بی تردید آئین محمد صلی الله علیه و آله به هر نقطه ای که شب و روز می رسد؛ خواهد رسید و دیگر اثری از شرک روی زمین نمی ماند، چنانکه خدای تبارک و تعالی می فرماید: (دیگر نشانی از آنها به جز اقامتگاه هایشان دیده نمی شود)^۲ زمین به وسیله مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آباد، خرم و سرسبز می شود، و به وسیله او چشمه ها روان می شود، فتنه ها و چپاولگری ها از بین می رود و خیرات و برکات بسیار خواهد شد.»

پیشوای پنجم شیعیان در مقام بیان این مطلب که آئین تابناک اسلام همه نقاط کره زمین را روشن خواهد نمود، از پی در پی آمدن شب و روز گفتگو نموده، می فرماید: «به هر نقطه ای که شب و روز پیایی بر آن جا وارد می شود، آئین مقدس اسلام خواهد تابید»، آیا به جز امام باقر علیه السلام کسی در زمان ایشان از این نکته باخبر بود که شب و روز پی در پی یکدیگر هستند؟ چرا که هنگامی که نیمی از کره زمین در مقابل خورشید قرار گرفته، نیم دیگر آن در تاریکی فرو رفته و هر نقطه ای از کره خاکی به همین ترتیب و به نوبت مشمول نور و ظلمت می باشند. جواب این است که نه! هرگز! جز این خاندان کسی از این مطلب باخبر نبود. در آن دوران هیئت بطلمیوس بر تمام مجامع علمی حکومت می کرد ولی خاندان عصمت و طهارت این هیئت را به رسمیت نمی شناختند و تنها این خاندان بودند که بدون کمک از آزمایشگاه و آزمایش از حقایق علمی امروز و فردا آگاه بودند. «وَلَا يَكُونُ مُلْكٌ إِلَّا لِلْإِسْلَامِ، وَ تَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاتُورِ الْفِئَةِ»^۳ در آن روز حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود و سراسر زمین همانند ورق نقره از هر گونه تیرگی پیراسته خواهد بود.»

آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف زهد حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف -



۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۳۶. ۲. منابع الموده: ۳، ۷۸ و ۱۳۲، الزام الناصب: ۳، ۲۲. سوره مبارکه احقاف، آیه ۲۵، ۴. الملاحم والفتن: ۶۶.

می فرماید:

«يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذْوٍ، لَا يَغْتَرُّ بِقَرَابَةِ، وَلَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ، وَلَا يَقْرَعُ أَحَدًا فِي وَلَا يَتَّبِعُهُ بِسَوْطٍ إِلَّا فِي حَدٍّ. يَنْحُو اللَّهُ بِهِ الْبِدْعَ كُلَّهَا، وَيُمِيتُ الْفِتْنَ: ^۱ همواره مطیع فرمان الهی است، هرگز فریب خویشاوندی را نمی خورد، سنگی روی سنگ نمی گذارد، در تمام دوران حکومتش فقط به خاطر اجرای حدود الهی است که تازیانه می کشد. خداوند همه بدعت‌ها را به وسیله او نابود می سازد، و همه فتنه‌ها را به دست او از میان بر می دارد.»

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ طَالَ عُمْرُهُ أَوْ قَصُرَ، مَلَكَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانٍ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ؛ در میان امت من به طور قطع مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می باشد، خواه عمرش کوتاه و یا دراز باشد، مدت حکومتش: هفت، هشت یا نه سال خواهد بود.»^۲
«يَمُكُّهُ الْمَهْدِيُّ فِيهِمْ تِسْعًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً، يَقُولُ الصَّغِيرُ: يَا لَيْتَنِي كَسِبْتُ! وَيَقُولُ الْكَبِيرُ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ صَغِيرًا؛^۳ مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سی و نه سال در میان آن‌ها زندگی خواهد کرد، کودکان در زمان حکومت او آرزو می کنند که ای کاش بزرگسال بودند، و بزرگسالان آرزو می کنند که ای کاش خردسال بودند.»

(توضیح آن که) اگر کودکان آرزو می کنند که بزرگسال باشند به این خاطر است که بیشتر بتوانند شیرینی و لذت نعمت‌های بی‌کران حق تعالی را درک و لمس کنند، و اگر بزرگسالان آرزو می کنند که خردسال باشند به این سبب است که مدت طولانی‌تری از نعمت‌ها و آسایش‌ها و آرامش‌های آن دوران بابرکت برخوردار شوند.

امام صادق عليه السلام در این مورد می فرماید:

«يَتَمَنَّى فِي زَمَانِهِ الصَّغِيرُ أَنْ يَكُونَ كَبِيرًا، وَالْكَبِيرُ أَنْ يَكُونَ صَغِيرًا؛^۴ خردسالان زمان او آرزو می کنند که بزرگسال باشند و بزرگسالان زمان او آرزو می کنند که خردسال باشند.»

و در مدت حکومت او از رسول اکرم صلى الله عليه وآله روایت شده که فرمود:

«فَيَمُكُّهُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً؛^۵ چهل سال بر روی زمین فرمانروایی می کند.»

و در رابطه با نقش حجت خدا در بقای جهان آفرینش می فرماید:

«إِنِّي، وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي، وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ، زُرَّ الْأَرْضَ، بِنَا أَوْ تَدَّ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهَا! فَإِذَا ذَهَبَ الْإِثْنَا عَشَرَ سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَلَمْ يُنْظَرُوا؛^۶ من و یازده تن از فرزندانم و تو ای علی، رمز بقای این جهان هستیم. خداوند به وسیله ما جهان را استوار

۱. الملاحم والفتن: ۱۰۸، ۲. الحاوی للفتاوی: ۱۵۷؛ الزام الناصب: ۳، ۱۹۲، ۳. الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۵۴؛ الملاحم والفتن: ۵۶.

۴. الملاحم والفتن: ۵۷؛ الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۵۴، ۵. بشارة الاسلام: ۲۵۵؛ الزام الناصب: ۲۰۲.

۶. الکافی: ۱، ۴۳۵؛ بیابح المودة: ۳، ۱۴۸؛ الغیبة للطوسی: ۹۲.

دوران رهاپ
 در پستانه حضرت
 مهدی قائم
 عجل الله تعالی فرجه الشریف

ساخته، که ساکنانش را در کام خود فرو نبرد، چون دوازدهمی آنها از دنیا برود، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می‌برد و دیگر مهلت داده نمی‌شوند.» و این دوران وقتی است که خداوند توانا چهره آن روز را در قرآن کریم چنین ترسیم می‌کند:

(۱) «و از تو درباره کوه‌ها می‌پرسند، بگو: «پروردگارم آنها را (متلاشی کرده) بر باد می‌دهد!»^۱

(۲) «ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! * روزی که آن را می‌بینید، (آن چنان وحشت سراپای همه را فرامی‌گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می‌کند و هر بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد و مردم را مست می‌بینی، در حالی که مست نیستند ولی عذاب خدا شدید است!»^۲

(۳) «در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمانها (به آسمانهای دیگری) مبدل می‌شود، و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می‌گردند!»^۳

(۴) «و جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار می‌گردد»^۴

(۵) «آن روز که زلزله‌های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی‌آورد، * و بدنبال آن، حادثه دومین (صیحه عظیم محشر) رخ می‌دهد، * دل‌هایی در آن روز سخت مضطرب است.»^۵

پیامبر اکرم ﷺ در همین زمینه می‌فرماید:

«أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛^۶ اهل بیت من رمز بقای اهل زمین و موجب امنیت آن هستند، چنانکه ستاره‌ها عامل بقای اهل آسمان‌ها و امنیت آن‌ها می‌باشند.»

از ظاهر احادیث وارد شده استفاده می‌شود که مدّت سلطنت آن امام همام کوتاه خواهد بود.^۷ شاید در ذهن کسی این سؤال بیاید که آیا در چنین مدّت کوتاهی امام می‌تواند همه ابعاد اسلام را در جهان پیاده کند و عدالت سرتاسر جهان را فراگیرد و پایه‌های دولتی مقتدر، نمونه، الگو و بی‌نظیر در چنین مدّت کوتاهی استوار شود و الگویی برای عدل و قسط در تمام دنیا گردد؟

۱. سوره مبارکه طه، آیه ۱۰۵، ۲. سوره مبارکه حج، آیات (۲) و ۳. سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۲۸، ۴. سوره مبارکه نازعات، آیه ۳۶.

۵. سوره مبارکه نازعات، آیات ۸-۶.

۶. ذخائر العقبی: ۱۷، الصواعق المحرقة: ۲۳۴؛ منابع المودّة: ۳: ۱۲۸. البته در برخی از منابع الفاظ با یکدیگر کمی تفاوت دارند ولی معنای

همه یکی است. ۷. در روایات خواندیم که بین هفت تا چهل سال.



جواب این پرسش آن است که مسلماً در مدّت هشت ماه جنگ و ستیزِ امام با معاندین پایان خواهد یافت و بعد از آن هیچ نیازی به اعمال زور نخواهد بود. و در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنیم که رسول گرامی اسلام ﷺ در مدّت هشت سال (دوم تا دهم هجرت) توانست همه احکام اسلام را بیاورد، تعلیم کند و پیاده کند، پیشوایی که با قدرتی بی‌نظیر و برنامه‌ای بی‌بدیل می‌آید و با یک نبرد بی‌امان ریشه کفر و الحاد را سوزانده و دیگر نشانی از فقر و جهل و ستم نمی‌ماند و آرامش و آسایش را در جهان حکمفرما می‌شود و آن‌ها را از جنگالِ ستمگران و زورمندان رهایی می‌بخشد و از مستولانِ کشوری جز تقوی و فضیلت دیده نمی‌شود و ریشه طمع و حسد و کینه‌توزی‌ها خشکیده می‌شود و عدالت بر سر تا سر جهان سایه می‌گستراند و ... بی‌تردید چنین پیشوایی هر مشکلی را حل نموده و در مدّت کوتاهی می‌تواند حکومت نمونه و ایده آل خود را در سر تا سر جهان محکم و مستقر نموده به نحوی که جای کوچکترین اضطراب و تشویق باقی نباشد. و همگان در اطاعت و بندگی خداوند گرد آیند، چنانکه رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«وَتَعَكُّفُ النَّاسِ عَلَى الطَّاعَةِ وَالْخُشُوعِ وَالدِّيَانَةِ؛ همه مردم بر اطاعت و عبادت خداوند گرایش پیدا نموده و در اجرای احکام و دیانت می‌کوشند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي...»^۱ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند... فرمود:

«أَمِينٌ، لَا يَخَافُونَ أَحَدًا فِي عِبَادَتِي، لَيْسَ عِنْدَهُمْ تَقِيَّةٌ؛ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ، وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْأَيْمَةُ؛^۲ در امن و امان مرا پرستند، در پرستش من از کسی ترس و واهمه نداشته باشند، و نیازی به تقيه احساس نکنند: این آیه در باره حضرت قائم علیه السلام - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نازل شده است. و منظور از (کسانی که ایمان آورده اند) در این آیه پیشوایان معصوم علیهم السلام می‌باشند.»

امام زین العابدین علیه السلام پیرامون آنان که در پرتو دولت حق، خدا را در کمال امنیت

دودان دهاب
 در پستگاه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 بوم الحارث في الظل القائم المهدي علیه السلام

۱. الزام الناصب: ۲، ۲۰۲. سورة مباركة نور، آية ۵۵، الزام الناصب: ۳۰، ۲۶ و ۳۳۸؛ بشارة الإسلام: ۱۲۷؛ بتایع المودة: ۳: ۸۱.

پرستش می‌کنند، فرمود:

«هُمُ وَاللَّهِ مُحِبُّونَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِّ رَجُلٍ مِنَّا؛ أَنْ هَا بِهِ خُدا
سوگند دوستداران ما اهل بیت هستند، خداوند این کار را به دست مردی از ما خاندان
تحقق خواهد بخشید.»

امیر مؤمنان علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرماید:

«هُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا يَظْهَرُ عِنْدَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُطَهِّرُ الْأَرْضَ وَيَضَعُ مِيزَانَ
الْعَدْلِ فَلَمَّا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛^۱ او خورشیدی است که از مغرب طلوع خواهد کرد، در میان
رکن و مقام ظهور می‌کند، زمین را (از لوث و جود ناپاکان) پاک می‌کند و میزان عدالت را
می‌گستراند، دیگر کسی به کسی ستم نمی‌کند.»

«الْأَنَّ فِي قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ كِفَايَةً لِمُسْتَبْصِرِينَ، وَ عِبْرَةً لِمُغْتَبِرِينَ، وَ مِخْتَةً
لِلْمُتَكَبِّرِينَ، لِقَوْلِهِ تَعَالَى: وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ: هُوَ ظُهُورُ قَائِمِنَا الْمُغْتَبِرِ،
لَأَنَّ عَذَابَ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَ شِفَاءً وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ؛^۲ آگاه باشید که قائم ما اهل
بیت علیهم السلام برای حقیقت جوینان کفایت می‌کند و او توان ره‌پویان و عذاب سرکشان است،
چرا که او عذاب کافران چنانکه خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿مردم را از روزیکه
عذاب خدا فرا می‌رسد بترسان﴾،^۳ که منظور از آن روز، روز ظهور قائم ما
-عجل الله تعالی فرجه الشریف- از پشت پرده غیبت می‌باشد، که برای مؤمنان نجات و رحمت
و برای کافران عذابی جانکاه است.»

که مقصود حضرت مهدی علیه السلام است. در ادامه حضرت فرمود:

«تَتَغَطَّنُ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَمْسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَكْدِهَا؛^۴ دنیا پس از این گریزو
فرار به سوی ما باز می‌گردد و از ما دلجویی می‌کند، چنانکه شتر بدخوی به سوی بچه
خود باز می‌گردد.»

آنگاه این آیه را تلاوت نمود: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ
الْأُتْمَةَ وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛^۵ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و
وارثان روی زمین قرار دهیم!

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح این فقره از بیان امیر مؤمنان علیه السلام می‌نویسد:

«اصحاب ما (یعنی: معتزله) می‌گویند: این جمله امیر المؤمنین علیه السلام نوید آمدن امامی را
می‌دهد که صاحب اختیار زمین خواهد شد و بر همه جهانیان چیره خواهد گشت.»^۶

۱. الامام المهدی: ۲۶۷ و ۲۶۸. در این منبع روایت از زبان امام صادق علیه السلام بیان شده است. ۲. الزم الناصب: ۱۸۰. ۳. الزم الناصب: ۲۰۹.

۴. سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۲۴. ۵. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۰۵؛ الزم الناصب: ۲۳۸؛ تنبیح المودة ۳: ۹۴.

۶. سوره مبارکه قصص، آیه ۷۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۴: ۳۶؛ الزم الناصب: ۲۳۸.



رفتار نمود. او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده می سازد. «يُظَهِّرُ صَاحِبُ الرَّايَةِ الْمُحَمَّديَّةِ، وَالدَّوْلَةَ الْأَحْمَدِيَّةِ، الْقَائِمُ بِالسَّيْفِ وَالْحَالِ، الصَّادِقُ فِي الْمَقَالِ، يُمَهِّدُ الْأَرْضَ وَيُحْيِي السُّنَّةَ وَالْقُرْضَ؛^۱ صاحب پرچم محمدی عليه السلام و بنیانگذار دولت احمدی عليه السلام ظهور می کند در حالی که شمشیر در دست دارد، در گفتگو صادق و راستگوست، زمین را مهد زندگی سازد، و احکام اسلام (اعم از مستحب و واجب) را زنده می گرداند.»

«لَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَأَعْتَقَهُ وَلَا غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ وَلَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا وَلَا يَقْتُلُ مِنْهُمْ عَبْدًا إِلَّا أَدَّى ثَمَنَهُ دِيَّةً مُسَلَّمَةً إِلَى أَهْلِهِ وَلَا يُقْتَلُ قَتِيلٌ إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَالْحَقَّ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ؛^۲ در روی زمین هر برده مسلمانی که باشد را می خرد و آزاد می سازد، بدهکاری همه بدهکاران را پرداخت می نماید، حق کسی را در دست کسی نمی گذارد و از او باز می ستاند و به صاحب حق باز می گرداند، هر بنده ای که کشته شود قیمت و دیه او را می پذیرد، هر کس کشته شود همه قرض هایش را پرداخت می کند و حق خانواده اش را در عطایايش می پردازد.»

آری! زمین را از لوٹ وجود حاکمان ستمگر و زمامداران جنایت پیشه پاکیزه می سازد و هر دغل بازی را از پهنه گیتی بر می دارد و عدالت را در سراسر جهان می گستراند و ارزش های انسانی را حاکم ساخته، معیارهای واقعی را زنده می گرداند. سپس در حدیثی از جنگ ها و دلاوری هایش آورده:

«حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا؛^۳ دیگر در روی زمین هیچ نقطه ای نمی ماند جز اینکه هر صبح و شام در آن به یکتایی خدا و رسالت پیامبر اکرم عليه السلام ندا سر داده می شود.»

«الْقَائِمُ يَنْقُضُ الْبَيْتَ فَلَا يَدْعُ مِنْهُ إِلَّا الْقَوَاعِدَ، وَاللَّهُ لَيُعَقِّبَنَّ آثَارَ الظَّالِمِينَ بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَالْعِرَاقَ وَسَائِرَ الْأَقَالِيمِ. وَيُكْبِدُ مَنْ مَسَجِدَ الْكُوفَةِ وَكَيْنِيَّتَهُ عَلَى بِنَائِهِ الْأَوَّلِ؛^۴ قائم - عجل الله تعالی فرجه الشريف - دیوارهای کعبه را بر می دارد و فقط پایه های آن را نگه می دارد، به خدا سوگند که او آثار ستمگران در مکه، مدینه، عراق و دیگر سرزمین های اسلامی را از بین می برد. مسجد کوفه را می کوید و بر پایه های اولی بنیان می نهد.»

مضمون این روایت از امام صادق عليه السلام نیز روایت شده، که درباره پایه های کعبه می فرماید:

۱. بشارة الإسلام: ۸۳، الزام الناصب: ۲، ۲۱۱، الزام الناصب: ۳، ۱۷۶، بشارة الإسلام: ۲۶۳، البيان: ۹۰، بنایع المودة: ۳: ۷۶.

۲. الإرشاد للمفيد: ۲۴۴، بشارة الإسلام: ۷۱.

دوران ره‌آب
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 محمد آقا
 صلوات الله علیهم
 و علی آلهم
 و سلم

«الَّتِي هِيَ أَوْلُ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ بَيْتَهُ فِي عَهْدِ آدَمَ ع وَ الَّذِي رَفَعَهُ إِبْرَاهِيمُ وَ إِسْمَاعِيلُ ع مِنْهَا وَ إِنَّ الَّذِي بُنِيَ بَعْدَهُمَا لَمْ يَبْنِيهِ نَبِيٌّ وَ لَا وَصِيٌّ ثُمَّ يَبْنِيهِ كَمَا يَشَاءُ اللَّهُ وَ كَسَيِّدٍ مِنَ الْقَصْرِ الْعَتِيقِ؛ همان پایه‌هایی که در عهد حضرت آدم علیه السلام به عنوان نخستین خانه مردم ساخته شده، و سپس دیوارهای آن توسط حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام بر همان پایه‌ها بالا رفت. اما آنچه بعد از آن‌ها ساخته شده، به دست پیامبر صلی الله علیه و آله یا وصی پیامبر علیه السلام ساخته نشده است، آنگاه آن را آنچنان که خدا می‌خواهد بنیاد می‌نهد. او همچنین قصر عتیق را نیز خراب می‌کند.»

امیر مؤمنان علیه السلام نیز در همین زمینه می‌فرماید:

«طُوبَى لِمَنْ شَهِدَ هَدْمَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مَعَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي! أَوْلَيْكَ خِيَارُ الْأُمَّةِ مَعَ أَبْرَارِ الْعِتْرَةِ!؛^۱ خوشا به حال کسانی که به هنگام تخریب مسجد کوفه در کنار قائم اهلیت ما حضور داشته باشند، آن‌ها بهترین این امت هستند که در کنار بهترین عترت خواهند بود.»

«وَ يَسْكُنُهُ هُوَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ الرَّحْبَةَ وَ الرَّحْبَةَ إِنَّمَا كَانَتْ مَسْكَنَ نُوحٍ وَ هِيَ أَرْضُ طَيْبَةَ وَ لَا يَسْكُنُ رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع وَ لَا يُقْتَلُ إِلَّا بِأَرْضِ طَيْبَةَ زَاكِيَةً فَهُمْ الْأَوْصِيَاءُ الطَّيِّبُونَ!؛^۲ منزلگاه او و اهل بیتش در «رحبه» خواهد بود، که آنجا سرزمین مقدسی است و اقامتگاه حضرت نوح علیه السلام بود. خاندان محمد صلی الله علیه و آله همگی در سرزمین مقدس منزل می‌کنند و در یک سرزمین مقدس به قتل می‌رسند. که آن‌ها اوصیای پاک و پاکیزه می‌باشند.»

سپس آبادانی جهان در عهد حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را چنین تشریح

می‌کند:

«لَيَتَّصِلَنَّ الْكُوفَةُ بِالْحِيرَةِ حَتَّى يُبَاعَ الذَّرَاعُ فِيمَا بَيْنَهُمَا بِدَنَانِيرٍ وَ كَيْبَيْنَيْنِ بِالْحِيرَةِ مَسْجِدًا لَهُ خَمْسُمِائَةِ بَابٍ يُصَلِّي فِيهِ خَلِيفَةُ الْقَائِمِ علیه السلام لِأَنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ لَيَضِيقُ عَلَيْهِمْ؛^۳ قطعاً کوفه به حیره متصل خواهد شد، هر ذراع از سرزمین بین کوفه و حیره به چندین دینار معامله خواهد شد. در حیره مسجدی تأسیس می‌شود که پانصد درب خواهد داشت، نماینده حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در آن اقامه نماز خواهد نمود. زیرا مسجد کوفه برای آن‌ها کوچک خواهد بود.»

از جالب‌ترین اسرار این حدیث این است که امروزه «حیره» که همان «نجف اشرف» است به «کوفه» نزدیک شده و چیزی نمانده که متصل شود و هم‌اکنون که من این سطور را می‌نویسم سرزمین‌های بین نجف و کوفه به ده‌ها دینار خرید و فروش می‌شود و هر

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 دوران رها ب
 نور الحاضر في ظل القائل المهاد علیه السلام

۱. الزام‌النائب: ۲۱۶؛ بشارة الإسلام: ۲۰۷ و ۲۰۸؛ الزام‌النائب: ۲۰۷ و ۲۰۸؛ بشارة الإسلام: ۲۰۶ و ۲۰۸.

روز گران‌تر از روز قبل است. و این مطالب را امیر مؤمنان علیه السلام در زمانی بیان فرموده که یک دشت وسیع را به چندین دینار خرید و فروش می‌کردند، ولی آن حضرت تصریح فرموده که هر «ذراع» آن به چندین دینار معامله خواهد شد! رمز این پیش‌گویی امیر مؤمنان علیه السلام بسیار روشن است، که او در ب‌شهر علوم پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی متأسفانه برخی از مردم، خدا را به صورت یک بُعدی می‌پرستند. و در جایی دیگر درباره آن زمان که فرزند بزرگوارش حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور خواهند کرد چنین فرموده است:

«كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِيطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ لَيْسَ هُوَ كَمَا أُنْزِلَ فَقَالَ لَا مُجِيَّ مِنْهُ سَبْعُونَ مِنْ قُرَيْشٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَمَا تَرَكَ أَبُو لَهَبٍ إِلَّا لِلزُّرَّاءِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَنَّهُ عَمَّهُ! گویی با چشم خود می‌بینم که چادرهای عجم‌ها در مسجد کوفه بر پا شده، قرآن را آنچنانکه نازل شده آموزش می‌دهند. پرسیده شد: مگر قرآنی که در دست داریم آنچنانکه نازل شده، نمی‌باشد؟! فرمود: نه. بلکه اسامی هفتاد تن از قریش که با نام خود و پدر مشخص شده بود از آن محو شده است. و اینکه نام «ابولهب» محو نشده برای ناراحت کردن رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که چون عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برای ایذاء او نامش در قرآن باقی ماند.»^۲

باز امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جایی دیگر می‌فرماید:

«فَوَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ؛^۳ به خدا سوگند، گویی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می‌بینم که از مردم برای امری تازه، کتابی تازه و حکومت آسمانی تازه بیعت می‌گیرد.» واضح است که منظور از «کتاب تازه» که در روایت بیان شده است، همان قرآن کریم است؛ ولی بدین سبب از آن به کتاب تازه تعبیر می‌شود که به مرور زمان، احکام و حدود قرآن تعطیل شده، و به جای اینکه زیر بنای اعتقادات و زندگی مسلمانان باشد کتابی جهت امرار معاش برخی سودجو شده که آن را با صدای رسا در سر قبرها بخوانند! کتاب سراپا منطق و قانون در قبرستان‌ها برای مرده‌ها خوانده می‌شود! در مسافرت‌ها و اسباب

۱. النبیة للتمانی: ۱۷۱؛ الزام‌النائب: ۱۳۹ و ۲۲۳؛ بشارة الإسلام: ۲۲۴.

۲. ناگفته نماند ما معتقدیم قرآن در دست ما به هیچ عنوان تحریف نشده است و این روایت و روایات مشابه قابل توجیه است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب ارزشمند بیان به قلم حضرت آیت الله العظمی خویی رحمته الله مراجعه فرمایید.

۳. بحار الانوار: ۵۲؛ ۹۵ و ۱۲۱؛ الزام‌النائب: ۲۲۳.

دوراد در هاب
 مهدی قائم عجل الله فرجه
 تربستان حضرت
 یوم الحارثی ظل القادر مهدی علیه السلام

کشی‌ها و جهیزیه‌ها به عنوان تبرک با یک آئینه حمل و نقل شود! و کتابی که برای زندگان نازل شده، وقتی از بلندگوی مساجد شنیده شود نشانه مرگ است! و از آن طرف تعالیم حیاتبخش آن زیر پای رژیم‌های به اصطلاح اسلامی لگدمال شود و در کشورهای اسلامی، شراب، قمار، روابط نامشروع، همجنس بازی، سقط جنین، ربا، و دیگر محارم الهی، علنی و قانونی به شمار می‌آید! اینجاست که قرآن کریم با همه شیوع و رواجی که از نظر چاپ و انتشار دارد، از نظر آموزش و عمل، غریب و متروک شده است.

و اگر امروز ولی امر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور کرده، احکام و تعالیم عالیة آن را پیاده کند، خواهند گفت: کتاب تازه آورده، شریعت تازه آورده! و بر مردم به ظاهر مسلمان، که از اسلام فقط به شعار اکتفاء نموده‌اند بسیار سخت خواهد بود، چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا خَرَجَ يَوْمٌ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ لَا يَسْتَبْقِي أَحَدًا وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْ مَآءُ لَأْتَمَّ!؛ چون قیام کند، با امری تازه، کتابی تازه و روشی تازه قیام می‌کند که داوری‌هایش بر عرب بسیار گران خواهد بود، و چاره‌ای جز کشتن ندارد. از آن‌ها که سد راه هستند احدی را باقی نمی‌گذارد و در اجرای احکام الهی از سرزنش نکوهش‌گران باکی ندارد.»

همین مضمون از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز وارد شده است. منظور از قرآن جدید و سنت جدید بی‌تردید همان قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد، که به دلیل خارج شدن آن‌ها از صحنه عمل، تازه خواهند بود.

یکی از معانی «جدید» کهنه و فرسوده است، و لذا ممکن است در حدیث فوق منظور از جدید همان مفهوم «فرسوده» باشد، چنانکه شاعری در یک شعر کهن می‌گوید: «شعلة محبت من به سلیمی هرگز به سردی نمی‌گراید، اگر چه رشته دوستی ما کهنه و فرسوده شده است.»^۲

در اینجا شاعر لفظ «جدید» را به معنای فرسوده به کار برده است و می‌خواهد بگوید: اگر چه رشته محبت در میان ما با گذشت زمان و درگذشت معشوق از بین رفته است ولی محبت معشوق از دلم شسته نمی‌شود.

اگر در حدیث فوق نیز لفظ «جدید» را به معنای فرسوده بگیریم، معنای حدیث چنین

۱. القیبة للتمانی: ۱۳۵ و ۱۳۳؛ بشارة الاسلام صفحه ۹۲، ۱۱۰ و ۲۲۲، و الزام الناصب صفحه ۱۸۹، ۲۰۸ و ۲۲۹

و امسی جملها خلقا جدیدا

۲. ابن حبی سلیمی ان ببیدا

دوران رهبان
 مهدی قائم بالله
 در پناه حضرت
 مهدی قائم بالله
 در پناه حضرت
 مهدی قائم بالله

خواهد بود: «هنگامی که قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند، با امری پوسیده، کتابی فرسوده و روشی متروکه قیام می‌کند.»

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَيَّ كِتَابٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَقَالَ وَيْلٌ لِبَطْغَةِ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ!؛ به خدا سوگند، گویی او را با چشم خود در میان رکن و مقام می‌بینم که از مردم برای کتابی جدید (یعنی: تازه، و یا فرسوده) بیعت می‌گیرد، که برای عرب بسیار گران خواهد بود. وای بر طاغوت‌های عرب از روز بدی که در انتظار آن‌هاست.»

امام صادق علیه السلام همچون جد بزرگوارش فرموده که «بر مسلمانان سخت است»، بلکه فرموده: «بر عرب سخت است.» و منظور از عرب، همین عرب‌های عصر حاضر است که از تعالیم عالیة اسلام دور افتاده، برای احکام دینی ارزشی قائل نیستند، و به مسائل پوچی چون قوم و قبیله‌گرایی مشغول شده‌اند، در صورتی که شرف والای زبان پراچ عربی را نیز حفظ نکرده‌اند. بدیهی است چنین گروه‌هایی با آن‌همه تعصبات خشک جاهلی، در برابر حقایق قرآنی تسلیم نخواهند شد و روح بت پرستی دوران جاهلی در دلشان زنده خواهد شد. امام باقر علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَوْ قَدْ ظَهَرَ لَقِيَّ مِنَ النَّاسِ مِثْلَ مَا لَقِيَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَكْثَرُ!؛ صاحب این امر هنگامی که ظهور می‌کند، از مردم رنج فراوان تحمل می‌کند، نظیر آزار و اذیتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحمل کردند، و شاید بیشتر.»

و به همین دلیل امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید:

«كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ أَمَّا إِنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ كَسَرَهُ وَسَوَّى قَبْلَتَهُ!؛ گویی با چشم خود می‌بینم که شیعیانم در مسجد کوفه خیمه زده، برای مردم قرآن را آنچنانکه نازل شده، آموزش می‌دهند. هنگامی که قائم ما - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور کند، آن را تخریب می‌کند و قبله‌اش را درست می‌کند.»

«إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ فَأَضَعَبُ مَا يَكُونُ عَلَيَّ مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفُ!؛ هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، چادرهایی می‌زند، و قرآن را آنچنانکه خدای تبارک و تعالی



۱. بشارة الإسلام: ۲۰۵؛ الزام‌الناصب: ۱۳۷ و ۱۷۹. ۲. بحار الأنوار جلد ۵۲ صفحه ۳۶۲ و غیبت نعمانی صفحه ۱۵۹
 ۳. النبیة للنعمانی: ۱۷۲؛ بشارة الإسلام: ۲۲۳. ۴. الإرشاد للمفید: ۳۴۴؛ بشارة الإسلام: ۲۲۴.

نازل فرموده؛ آموزش می‌دهد، آنچه برای مردم سخت خواهد بود این است که او بر خلاف نظم فعلی آموزش خواهد داد، و آن برای کسانی که نظم فعلی را حفظ کرده‌اند دشوار خواهد بود.»

امام باقر علیه السلام در همین زمینه چنین فرموده است:

«وَإِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ فَأَضْعَبُ مَا يَكُونُ؛^۱ هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، برای کسانی که قرآن را بر طبق نزول آموزش دهند، چادر می‌زند، آنچه آن روز برای مردمان بسیار سخت خواهد بود، این است که بر خلاف نظم فعلی آموزش خواهند داد.»

این روایات تصریح دارند بر اینکه در عصر ظهور حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف - ترتیب آیة‌ها و سوره‌ها تغییر داده می‌شود و به ترتیب نزول تنظیم می‌گردد، این روایات فقط مربوط به نظم آنست و ربطی به تحریف ندارد، از این روایات فقط همین استفاده می‌شود که حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف - نظم قرآن را به ترتیب نزول قرآن بر می‌گرداند و هرگز از آن‌ها استفاده نمی‌شود که چیز تازه‌ای به آن اضافه می‌کند، بلکه ترتیب آن را به هم می‌زند و به ترتیب نزول تنظیم می‌کند. البته ممکن است که شأن نزول آیات را نیز چون قرآن حضرت علی علیه السلام در کنار آیات قرآن درج کند.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«كَأَنِّي بِشَيْعَةِ عَلِيٍّ فِي أَيْدِيهِمُ الثَّمَانِي يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْمُسْتَأْنَفَ؛^۲ گویی شیعیان علی علیه السلام را می‌بینم که قرآن کریم را در دست گرفته، شیوه جدید آن را به مردم آموزش می‌دهند.»

پیشوای ششم شیعیان یکبار دیگر در این مورد فرمود:

«كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ ضَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام الْفَسَاطِيطَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَيْهِمُ الْمِثَالُ الْمُسْتَأْنَفُ أَمْرٌ جَدِيدٌ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ؛^۳ در چه حالی خواهید بود آن هنگام که یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف - خیمه‌هایی در مسجد کوفه بر پا کنند، چهره جدیدی برای مردم بیرون آورند و امر تازه‌ای ابراز کنند، که پذیرش آن برای عرب‌ها بسیار دشوار خواهد بود.»

بدیهی است که مقصود از چهره جدید، همان نظم جدیدی است که براساس ترتیب

۱. الزام الناصب: ۲۲۳؛ الارشاد للمفید: ۳۲۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۳۹، ۲. الغيبة للثعمانی: ۱۷۲؛ بشارة الإسلام: ۲۳۴.

۳. بشارة الإسلام: ۲۳۴؛ الغيبة للثعمانی: ۱۷۲.

نزول قرآن تنظیم شده است. و ناگفته پیداست که اگر ترتیب آن تغییر یابد، پذیرش آن برای مردم که با شیوه و شکل فعلی انس گرفته‌اند بسیار سخت خواهد بود و اگر شأن نزول آیات نیز در کنار آن درج شود و به عنوان مثال اسامی بزرگان قریش نیز در آن منعکس باشد، برای عرب‌ها بسیار سخت خواهد بود. و به همین دلیل در احادیث فوق لفظ «عرب» به کار رفته، نه «مسلمین» زیرا برای مسلمانی که تسلیم فرمان پروردگار است هرگز پذیرش چنین چیزی سخت نخواهد بود، بلکه برای عرب‌هایی که دچار تعصبات شدید جاهلی و قومی و قبیله‌ای هستند، بسیار دشوار خواهد بود و در برابر فرمان الهی و پیامبران و کتاب‌های آسمانی سر تسلیم فرود نخواهند آورد.

امام صادق علیه السلام در مورد شیوه جدید نظم قرآنی که باعث می‌شود زوایای تاریک این موضوع پیچیده روشن شود، چنین می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى حَدِّهِ وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيُّ عليه السلام؛^۱ وقتی حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند کتاب خدای تبارک و تعالی را آنچنانکه هست، تلاوت می‌کند. و قرآنی را که امیر مؤمنان علیه السلام نوشته بیرون می‌آورد.»

و در مورد قرآن، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَخْرَجَهُ عَلِيُّ عليه السلام إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَعَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا هُوَذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَؤْهُ؛^۲ هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام از نوشتن قرآن کریم فارغ شد، آن را بر مردم عرضه کرد و فرمود: این کتاب خدای تبارک و تعالی است، آن را از دو لوح آنچنانکه خداوند متعال بر محمد صلى الله عليه وآله نازل نموده است؛ گرد آورده‌ام. مردم گفتند: ما مصحفی داریم که همه آیات قرآنی در آن موجود است، دیگر نیازی به قرآن شما نداریم. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، دیگر بعد از امروز آن را نخواهد دیدا من وظیفه داشتم هنگامی که از نوشتن آن فارغ شدم، آن را بر شما عرضه کنم تا شما آنرا بخوانید.»

این مضمون از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است.

این دو روایت، مضمون روایت‌های پیشین را توضیح می‌دهند و مشخص می‌کنند که



۱. بشارة الإسلام: ۲۳۴؛ الغيبة للتمتانی: ۱۷۲، ۲. الکافی: ۲: ۶۳۳.

دست شیعیان باشد، که آن را در دست آن‌ها می‌گذارد و با آن‌ها مقاطعه می‌کند.»

امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید:

«تَضَلَّحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنَزِّلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَوْ بَعِينَ عَامًا؟ فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ!»
 در دولت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - درندگان سازش می‌کنند، زمین نباتات خود را خارج می‌کند، آسمان برکاتش را فرو می‌فرستد، گنج‌های نهفته در دل زمین برای او آشکار می‌شود و بین مشرق و مغرب را مالک می‌شود. خوشا به حال کسی که آن روزگار مسعود را درک کند و دستوراتش را با گوش جان بشنود.»

این‌که درندگان سازش می‌کنند و تعبیراتی نظیر آن از سطح عالی امنیت جهانی و صلح و صفای حاکم بر جهان در عصر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - حکایت می‌کند. چنانکه پیش از اسلام در کتاب‌های مقدس کلیمیان و مسیحیان نیز وارد شده است و نمونه‌هایی از آن در پایان همین بخش از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.
 «أَشْعَدُ النَّاسِ بِأَهْلِ الْكُوفَةِ؛^۱ خوشبخت‌ترین مردم در عهد او اهل کوفه است.»

طبیعی است که مردم کوفه بیش از هر شهر دیگری خوشبخت خواهند بود، زیرا آنجا پایتخت حکومت جهانی حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خواهد بود.

امام حسن مجتبی (ع) در توصیف شکوه و عظمت این تنها پایتخت آینده جهان چنین می‌فرماید:

«لَمْ يَضَعْ الرَّجُلُ فِي الْكُوفَةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ دَارٍ فِي الْمَدِينَةِ؛^۲ جای پایی در کوفه، برای من از خانه‌ای در مدینه برتر است.»

امام باقر (ع) می‌فرماید:

پیشوای پنجم شیعیان در تفسیر آیه شریفه: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ؛^۳ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» * در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان» فرمود:

«الصَّالِحُونَ هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۴ (مقصود از) بندگان شایسته، آل محمد (ص) هستند و قوم عبادت‌کننده، شیعیان ما هستند.»



۱. بشارة الاسلام: ۱۹۷؛ منتخب‌الآثر: ۴۸۷؛ منابع‌المودة: ۳: ۱۳۶؛ الزام‌النائب: ۱۷۹.

۲. بشارة الاسلام: ۱۸۳، ۲۵۳ و ۲۷۸؛ الزام‌النائب: ۱۹۲؛ اسعاف‌الراغبین: ۱۴۲؛ الملاحم‌والفتن: ۱۴۹؛ منابع‌المودة: ۳: ۶۲، ۳۷، ۱۱۰، ۱۳۲.

۳. بحار‌الانوار: ۵۲: ۳۸۶؛ بشارة الاسلام: ۴: ۲۴۹. سورة مباركة انبياء، آية ۱۰۵ و ۱۰۶. الزام‌النائب: ۲۳۷.

و درباره دولت حق و نهضت جهانی حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فرمود: «كَأَنِّي بِيَدَيْكُمْ هَذَا لَا يَزَالُ مُوَلِّياً يَفْحَصُ بِدَمِهِ ثُمَّ لَا يَرُدُّهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ وَيَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَتُوتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ گویی با چشم خود می بینم که این آئین مقدس هر روز کنار گذاشته می شود و به دنبال خونخواهی می گردد، آنگاه کسی آن را باز نمی گرداند به جز مردی از خاندان ما، او هر سال دوبار به شما بخشش می کند و هر ماه دوبار به شما ماهیانه می دهد، در زمان او آنقدر به شما دانش و فرهنگ داده می شود که زن خانه دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ دآوری می کنند.»

دقیقاً ما در آن روزها زندگی می کنیم، هر روز ضربه جدیدی بر پیکر اسلام فرود می آید، این آئین پاک و حیاتبخش به خون خود آغشته شده، همچون محتضر پاهای خود را به زمین می زند، اصول آن فراموش شده و فروع آن در زیر پاها لگدمال گشته، پیش از دشمنان خود مسلمانان کارد بر حلقوم آن نهاده، آن را ذبح شرعی می کنند، دیگر این اندرزگویان پند نگیر، این ارشاد گران هدایت نایافته، این امر به معروف کنندگان و نهی از منکر کنندگان حرفه ای که خود از معروف به دور و در دریای گناهان غوطه وورند، نمی توانند آن را از قوط نجات دهند، تنها چیزی که می تواند با نفس مسیحایی اش این مرده را زنده کند لبه تیز شمشیر الهی در دست ید اللهی حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که تنها بازمانده از حجّت های پروردگار و یکتا موعود منتظر برای اصلاح جهانی و بازگردانیدن گمگشتگان به شاهراه هدایت است.

«ثُمَّ مَدَّ اللَّهُ لِشَيْعَتِنَا فِي أَبْصَارِهِمْ وَأَسْمَاعِهِمْ حَتَّىٰ لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ حِجَابٌ يُرِيدُ - يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ؛^۱ هنگامی که قائم ما - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان می گذارد و عقل های آنها را گرد هم می آورد و رشدهای آنها را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنها می افزاید و در میان قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و آنها مانع و سدّی نمی ماند. هر وقت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بخواهد با آنها سخن بگوید، آنها هر کجا باشند؛ می شنوند، و آنها هر کجا که هستند نگاه می کنند و او را در اقامتگاه خود می بینند.»

۱. الغیبة للنعمانی: ۱۲۵؛ بشارة الاسلام: ۲۲۹، ۲۳۲ و ۲۴۹؛ الزام الناصب: ۲، ۲۳۰. بشارة الاسلام: ۲۵۴؛ غیبت نعمانی: ۴؛ الزام الناصب: ۱۳۹.

دودان در هاب
 مهدی قائم ﷺ
 فرستاده حضرت
 محمد ﷺ

آنان که در عالی‌ترین و بزرگترین مجامع علمی و دانشگاه‌های جهان، سالیانی دراز تحصیل کرده، دانشنامه‌های پر زرق و برقی به دست آورده، با تکبر گام بر می‌دارند و همه جا سخن از وسعت دانش و بینش آن‌هاست، باید دست به دست هم داده این حدیث را برای ما شرح دهند که پیشوای پنجم شیعیان هزار و سیصد سال پیش در حق دولت حق حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بیان فرموده است! که در ضمن آن تشریح می‌کند که برای آن حضرت دربان و نگهبانی نخواهد بود. هر کس هر کجا که باشد او را می‌بیند و صدایش را می‌شنود! این معنی تا چند سال پیش برای ما قابل فهم نبود، و اینک با وجود رادیو و تلویزیون و وسائل مخابراتی تا حدی برای ما قابل تصور شده است، ولی امام باقر (علیه السلام) چهارده قرن پیش آن را با قاطعیت و صراحت بیان کرده است. بزرگترین دانشمندان جهان اگر جمع شوند، توانایی آن را ندارند که در شب بگویند فردا چه خواهد شد؟ و در روز قدرت آن را ندارند که بگویند امشب چه پیش خواهد آمد؟! به شرق و غرب منحرف نشوید که آن‌ها از علوم بیکران خداوندی آموخته‌اند، چه ما به این حقیقت اعتراف بکنیم یا منکر آن شویم. حقوق آن‌ها را ادا کنیم یا خدای ناکرده از آن سر بتاییم؟

و در عین حال آن‌ها این سخنان غیبی خود را به معنای «علم به غیب» نمی‌دانند، بلکه «تعلم من ذی علم» معرفی می‌کنند، و خود را شریک در علم خداوندی نمی‌دانند. از این رهگذر هنگامی که سدید به خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: «گروهی شما را خدا می‌دانند!» امام (علیه السلام) به شدت خشمناک شد و فرمود:

«يَا سَدِيرُ سَمِعِي وَ بَصُرِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي مِنْ هَؤُلَاءِ بِرَاءَ بَرِيٍّ اللَّهُ مِنْهُمْ وَ رَسُولُهُ مَا هَؤُلَاءِ عَلَيَّ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي وَ اللَّهُ لَا يَجْمَعُنِي وَ إِيَّاهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِمْ سَاخِطٌ نَحْنُ خَزَانُ عِلْمِ اللَّهِ نَحْنُ تَرَاجِمَةُ أَمْرِ اللَّهِ نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَيَّ مِنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ فَوْقَ الْأَرْضِ؛ ای سدید! چشم، گوش، پوست، گوشت، خون و موی من از این‌ها بیزار است، خدا و پیامبرش از این‌ها بیزار است. این‌ها از آئین من و آئین پدران من بیرون هستند. هنگامی که خداوند، ما و آن‌ها را در روز ستاخیز گرد آورد بر آن‌ها خشمناک خواهد بود. ما گنجینه‌های علوم خداوندیم، ما مترجمان فرمان‌های پروردگاریم. ما حجّت بالغة خداوند بر همه موجودات در زیر آسمان و روی زمین هستیم.»



امیر مؤمنان علیه السلام در بیان الطاف بیکران پروردگار در حق اهل بیت عصمت و طهارت چنین می فرماید:

«إِنَّا أُعْطِينَا عِلْمَ الْمَنَائِبِ وَالْبَلَايَا، وَالتَّأْوِيلَ وَالتَّنْزِيلَ، وَفَصْلَ الْخِطَابِ، وَعِلْمَ التَّوَازِلِ وَالْوَقَائِعِ، وَلَا يَغْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ؛ أَعْلَمُ مَرْغٍ وَمِيرَهَا بِمَا دَادَهُ شَدَّهُ، عِلْمَ تَأْوِيلِ وَتَنْزِيلِ وَفَصْلَ الْخِطَابِ بِمَا عَطَا شَدَّهُ، عِلْمَ حَوَادِثِ وَوَقَائِعِ بِمَا دَادَهُ شَدَّهُ، وَهَرَكِزِ چِيزِي از مَا پُوشِيدَه نَمِي مَانَد.»

پیشوای ششم شیعیان نیز در این رابطه می فرماید:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ أَشْخِصَ مُؤْمِنٍ فِي زَمَانِ قَائِمِ - عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ - أَمَّا فِي الْمَشْرِقِ أَوْ فِي الْمَغْرِبِ أَوْ فِي بَيْنِهِمَا، وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ، وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ.»

پیشوایان معصوم علیهم السلام چگونه مرزهای زمانی را برداشته، قرن های متمادی را کنار زده، آینده ای بسیار دور را مقابل دیدگان شان به روشنی دیده اند و از آن آگاهانه سخن گفته اند؟! و در هر زمینه ای دانستنی ها و شنیدنی ها را به شیعیان خود آموخته اند، و از نیروی شنوایی و بینایی دوران ظهور حضرت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آنچنان سخن گفته اند که گویا در همین زمان ما زندگی کرده اند و در شرقی ترین نقطه جهان، گزارش های غرب جهان را در صفحات تلویزیون دیده اند و ارسال صدا و تصویر را با مدرن ترین وسایل مخابراتی امروز، با چشم خود دیده و درباره آن سخن گفته اند. اما گوش شنوا که به این حقایق گوش فرا دهد و با نیروی تفکر خویش قله رفیع عظمت این خاندان را تصور کند و به دنیا اعلام کند که اندیشه هرگز به کنه صفات برجسته و کمالات شایسته این خاندان نمی رسد. آنگاه با نویسنده این سطور هم صدا شده بگوید: «برای تباهی این ملت و زبونی این امت همین بس، که اینها را خانه نشین کرده، دیگران را به جای اینها برگزیده اند.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه که می فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ غَنِيٌّ عَنِ الْأُمُورِ»^۳؛ همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست افرمود:

«هَذِهِ لِأَنَّ مُحَمَّدَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ إِلَى آخِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُهَدِيِّ وَأَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللهُ»

دوراندیشان در بیان طهارت
 مهدی قائم علیه السلام
 در بیان عصمت

۱. الزام الناصب: ۲۱۳ و ۲۴۴. ۲. بشارة الاسلام: ۲۵۴؛ منتخب الاثر: ۴۸۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۹۱. ۳. سورة مباركة حج، آیه ۴۱.

مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَيَأْصِحَّاهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السُّفَهَاءَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى اثر من الظُّلْمِ وَالْبِدْعِ؛^۱ این آیه در حق آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ نازل شده است، در حق امامانِ معصوم و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - و یارانِ اوست که خداوند آن‌ها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آئین اسلام را پیروز کرده، بدعت‌ها و باطل‌ها را به دست او و یارانش نابود می‌سازد، چنانکه سفیهان حق را لگدمال کرده باشند. دیگر از ستم‌ها و بدعت‌ها نشانه‌ای نمی‌ماند.»

«إِنَّهَا لَمْ تَرَعْ حَقَّ نَبِيِّهَا وَاللَّهِ لَوْ أَخَذُوا الْحَقَّ عَنْ أَهْلِهِ لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ إِثْنَانِ؛^۲ این آیه، حق و حریم پیامبر اکرم ﷺ را - در مورد اهل بیتش - رعایت نکردند. به خدا سوگند اگر این آیه، حق را از اهلش می‌گرفتند حَتَّى دو نفر هم در مورد پروردگار اختلاف نمی‌کردند.»

خداوند متان از طرف ما، پیشوایانِ معصومین را بهترین پاداش خیر عنایت کند، که هرگاه در زیر ضرباتِ ستمگران قرار می‌گرفتند و حقوقشان در زیر پای جنایتکارانِ زمانه لگدمال می‌شد، شکوه و عظمتشان بیشتر متجلی می‌شد. زورمندانِ تاریخ با استفاده از زر و زور و تزویر تلاش می‌کردند که مسیر تاریخ را منحرف کرده، آثارِ مجد و عظمتِ آن بزرگواران را از دیده‌ها محو کنند، ولی نشانه‌هایِ مجد و عظمتِ آن‌ها پیش از آنکه در دیده‌ها ظاهر شود، در دل‌ها ظاهر می‌شد و آنجا منطقهٔ امن و نفوذ ناپذیری است، که سرنیزه‌ها وقتی به آنجا برسند، کاری از پیش نمی‌برند، ما اگر چه در زمانِ آن‌ها زندگی نکرده‌ایم که معجزاتِ بی‌شمارِ آن‌ها را از نزدیک ببینیم، ولی سخنانِ اعجاز آمیزِ آن‌ها که هر کدام دلیل قاطعی بر عظمتِ آن‌هاست، امروزه در دست ماست. خداوند راویان حدیث را نیز جزای خیر دهد که این احادیث را بدون کوچکترین دخل و تصرف برای ما نقل کرده اند، اگر چه در برخی از آن‌ها مفهوم حدیث برای آن‌ها روشن نبود، ولی با عقیده قاطعی که به امامان معصوم داشتند، از روی ایمان قاطع متن آن‌ها را برای نسل بعدی نقل کرده‌اند و گذشت زمان آن‌ها را تفسیر کرده، و خود به صورت سند زنده‌ای بر عصمت و عظمت امامان معصومین در آمده‌اند.

امام باقر عجل الله فرجه در ضمن روایتی که قسمت اول آن در بخش دوازدهم این کتاب گذشت، چنین می‌فرماید:

۱. الزام‌النائب: ۲۵ و ۲۳۷؛ منابع المودة: ۳، ۲۸۰. الزام‌النائب: ۲۹.

«فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ قَالَ النَّاسُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ: الصَّلَاةُ خَلَقَكَ تُضَاهِي الصَّلَاةَ خَلَفَ رَسُولَ اللَّهِ، وَ الْمَسْجِدُ لَا يَسْعُنَا. فَيَقُولُ: أَنَا مُرْتَادُكُمْ. فَيَخْرُجُ إِلَى الْغُرَى وَيُصَلِّي هُنَاكَ وَيَأْمُرُ أَنْ يُخَطَّ مَسْجِدُهُ أَلْفَ بَابٍ، يَسْعُ النَّاسُ، عَلَى أَصِيصٍ، وَيَأْمُرُ فَيُخْفَرُ خَلْفَ الْقَبْرِ الْحُسَيْنِيِّ نَهْرٌ يَجْرِي إِلَى الْغُرَّيَيْنِ حَتَّى يَنْبِذَ بِالنَّجْفِ. وَيَعْمَلُ عَلَى قَوْهَتِهِ فَنَاطِرٌ وَ أَرْحَاءٌ فِي السَّبِيلِ وَ كَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مِكَتَلٌ فِيهِ بُرٌّ حَتَّى تَطْحَتَهُ بِلَا كِرَاءٍ ثُمَّ تَتَّصِلُ بِيُوتُ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ! ^۱ در هفته دوم (از ورود قائم - عجل الله تعالى فرجه الشريف - به کوفه) مردم می گویند: ای فرزند پیامبر! خواندن نماز پشت سر شما با نماز در پشت سر رسول اکرم ﷺ برابری می کند، و مسجد جوابگوی این همه مردم نمی باشد. به سوی نجف اشرف حرکت می کند و نماز را آنجا اقامه می کند و دستور می دهد که مسجد باشکوهی با هزار درب بنیاد کنند تا گنجایش آن همه جمعیت را داشته باشد. آنگاه دستور می دهد که از پشت حرم امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند که کربلا را به نجف اشرف متصل کند، آنگاه پل هایی روی آن و آسیاب هایی در کنار آن تأسیس می کند. گویی با چشم خود پیر مردانی را می بینم که گندم هایی را روی سرشان حمل کرده، در این آسیاب ها به طور رایگان آرد می کنند. در آن موقع خانه های کوفه به نهر کربلا (فرات) متصل می شود.»

«إِذَا قَامَ مَهْدِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ بِالرَّعِيَّةِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ! ^۲ چون مهدی ما اهل بیت - عجل الله تعالى فرجه الشريف - قیام کند مال را به طور مساوی و عادلانه تقسیم می کند، میان رعیت عادلانه رفتار می کند، هر کس از او اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است، و هر کس او را نافرمانی کند، خدای را نافرمانی کرده است.»

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ هَدَمَ بِهَا أَرْبَعَ مَسَاجِدَ وَ لَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَهُ شَرْفٌ إِلَّا هَدَمَهُ وَ جَعَلَهَا جَمَاءً! ^۳ چون قائم ما قیام کند رهسپار کوفه می شود و در کوفه چهار مسجد را ویران می کند، و در روی زمین هر مسجدی محل مرتفع داشته باشد، آن را خراب می کند و کف مسجد را هموار می سازد.»

«يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ وَ يُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا، فَيَقُولُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا أَلِي مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ، وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ، وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ

دودان رهاب
 مهابد قائم عليه السلام
 مرسداه حضرت
 مهابد قائم عليه السلام
 مهابد قائم عليه السلام

۱. بشارة الإسلام: ۱۲۰۶، اعلام الوری: ۴۳۰، بنایم المودة: ۳، ۶۶، الزام الناصب: ۲۲۲، الارشاد للنفید: ۳۴۱.
 ۲. الغیة للنعمانی: ۱۲۴، بشارة الإسلام: ۲۲۲، الزام الناصب: ۵۵، بنایم المودة: ۳، ۳۷، ۱۲۲، ۶۲.
 ۳. بشارة الإسلام: ۲۳۵، الزام الناصب: ۲۲۳، بحار الانوار: ۵۲، ۳۵۱، اعلام الوری: ۴۲۲، كشف الغمة: ۳، ۲۰۸.

ما حَرَّمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ، فَيُعْطَى شَيْئًا لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ، وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَ نُورًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَ شَرًّا؛^۱ در میان اهل تورات با تورات، در میان اهل انجیل با انجیل، در میان اهل زبور با زبور، و در میان اهل قرآن با قرآن داوری می‌کند، ثروت‌های روی زمین و گنج‌های درون آن از تمام نقاط جهان به سوی او گرد می‌آید. آنگاه خطاب به مردم می‌فرماید: بیایید این همان متاع دنیا است که برای آن با خویشاوندان قطع رحم کردید، خون‌های حرام را ریختید، به حریم گناهان وارد شده، مرتکب محرمات الهی شدید، این ثروت‌ها را کلان‌کلان در اختیار مردم قرار می‌دهند که چنین رقم‌های درشت در تاریخ بخشش‌های جهان بی‌سابقه خواهد بود. زمین را پر از عدل و داد و نور کند، آنچنان که مملو از جور و ستم و شر شده باشد. «و این همان شیوة داوری امیر مؤمنان علیه السلام است که خود می‌فرماید:

«لَوْ تَبَيَّنَتْ لِي وَسَادَةٌ لِحَكْمَتِي بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَيَّ اللهُ وَ لِحَكْمَتِي بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَيَّ اللهُ وَ لِحَكْمَتِي بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَيَّ اللهُ وَ لِحَكْمَتِي بَيْنَ أَهْلِ الزُّبُورِ بِالزُّبُورِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَيَّ اللهُ؛^۲ اگر برای من مسند قضاوت فراهم شود، در میان اهل قرآن با قرآن داوری می‌کنم تا با نور قرآن به سوی خدا هدایت شوند و در میان اهل تورات با تورات داوری می‌کنم تا با نور تورات به سوی خدا راه یابند و در میان اهل انجیل با انجیل داوری می‌کنم تا با نور انجیل به سوی خدا راه یابند و در میان اهل زبور با زبور داوری می‌کنم تا با نور زبور به سوی خدا راه یابند.»

در اینجا یادآوری این نکته لازم است که قضاوت ائمه معصومین علیهم السلام در میان کلیمیان با توراتشان، و در میان مسیحیان با انجیلشان به معنای به رسمیت شناختن یهودیت و مسیحیت پس از آمدن اسلام نمی‌باشد، بلکه از نظر اسلام، دین حق و کامل منحصرأ اسلام است و هر کس با آئینی جز اسلام بخواهد به خداوند نزدیک شود؛ از او پذیرفته نخواهد شد، لکن حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برای اتمام حجت و از بین بردن بهانه، با پیروان همه ادیان با کتاب‌های آسمانی خودشان بحث و احتجاج می‌کند، نویدهای موجود در کتاب‌های هر آئینی را که از آمدن آن مصلح جهانی خبر داده‌اند به آن‌ها یادآوری می‌کند، هر کس ایمان بیاورد از او می‌گذرد و هر کس پس از شناخت حق و اثبات حقیقت بر کفر خود اصرار داشته باشد، به سزای عمل خودش می‌رسد. در این مطلب فقط اهل کتاب اینگونه نیستند، بلکه از فرقه‌های به ظاهر مسلمان که خود را اهل

۱. منتخب الاثر: ۳۱۰، بشارة الإسلام: ۲۲۲، الغيبة للنعمانی: ۱۲۴، الزام الناصب: ۱۲۲، ۱۲۳، ۲۳۰.

۲. الزام الناصب: ۷، شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید: ۳: ۱۴۸.



قرآن می‌دانند، اگر در برابر حق تسلیم نشوند، با شمشیر با آن‌ها برخورد خواهد شد. خداوند تبارک و تعالی به امامان اهل بیت علیهم‌السلام نیرویی عطا فرموده که هر کس را ببینند تشخیص می‌دهند که او مؤمن یا منافق است. چنانکه امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَحَقِيقَةِ النِّفَاقِ؛^۱ ما هنگامی که شخصی را ببینیم، می‌فهمیم که او مؤمن یا منافق است.

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه‌السلام عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَإِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ؛^۲ وقتی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند، ایمان را بر هر ناصبی (دشمن اهل بیت) عرضه می‌کند، اگر به راستی آن را بپذیرد، از او می‌گذرد، و اگر نپذیرد گردنش را می‌زند.»

امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره نیروی تشخیص امامان چنین می‌فرماید:

«السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ عِنْدَ الْإِمَامِ كَيْدِهِ مِنْ رَاحَتِهِ يَعْرِفُ ظَاهِرَهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَيَعْلَمُ بَرَّهَا مِنْ فَاجِرِهَا؛^۳ آسمان‌ها و زمین در نزد امام علیه‌السلام همچون کف دست اوست، ظاهر و باطن آن‌ها را می‌فهمد، نیک و بد آنان را می‌شناسد.»

امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام در این باره می‌فرمایند:

«إِنَّ الدُّنْيَا لَتَمَثَّلُ لِلْإِمَامِ مِثْلَ فَلَقَةِ الْجَوْزِ، فَلَا يَغْرُبُ عَنْهُ مِنْهَا شَيْءٌ. وَإِنَّهُ لَيَسْتَأْوِلُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا كَمَا يَسْتَأْوِلُ أَحَدُكُمْ مِنْ فَوْقِ مَا يَدْتِيهِ مَا يَشَاءُ؛^۴ همه دنیا همانند یک دانه گردو در برابر امام علیه‌السلام نمایان می‌شود و چیزی از آن برای او پوشیده نمی‌باشد، از هر طرف بخواهد در آن تصرف می‌کند، آنچنانکه یکی از شما در سفره‌ای که در برابرتان گسترده است، از هر طرف بخواهد، دست می‌برد و از آن بهره می‌گیرد.»

امام باقر علیه‌السلام در مورد علم حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بطور ویژه می‌فرماید:

«إِنَّ الْعِلْمَ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لَيَنْبُتُ فِي قَلْبِ مَهْدِيْنَا كَمَا يَنْبُتُ الزَّرْعُ عَلَى أَحْسَنِ نَبَاتِهِ؛^۵ علم به کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دل مهدی ما - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ریشه می‌دواند آنچنانکه گیاه در دل مساعدترین سرزمین‌ها ریشه می‌دواند.»

اگر یکی از ما ده‌ها قرن زنده باشد و زندگی کند و در آن مدت در تحصیل علم و دانش بکوشد، طبعاً علم در دلش ریشه خواهد دوانید و شاخه‌های پربارش هر لحظه

دودان دهاب
 در پستان حضرت مهدی قائم علیه‌السلام
 حضرت الحارثی ظل القادر المهدی علیه‌السلام

۱. الکافی ۱: ۳۳۸، ۲. بشارة الإسلام: ۲۳۹ و ۳. ۲۶۱، الزام الناصب: ۱۱، ۴. الاختصاص للمفيد: ۲۱۷.
 ۵. منتخب الأثر: ۳۰۹، بحار الأنوار ۵۲: ۳۱۷.

ثمرات شیرینی از خود ظاهر خواهد نمود، حال چگونه باشد وقتی که این شخص امام، معصوم، صاحب علم لدنی، و مورد خطاب فرشتگان (محدث) باشد. طبیعی است که او علوم پیامبران را به ارث خواهد برد و سینه‌اش گنجینه علوم اولین و آخرین خواهد بود. چنانچه در روایت می‌خوانیم:

«يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ؛ او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ، ولایت علی بن ابی طالب ﷺ، و بیزاری از دشمنان او دعوت می‌کند.»

این حدیث مطابق دهها روایت صحیح‌های است که به طور متواتر از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده، و همه گروه‌های اسلامی آن‌ها را در کتاب‌های معتبر خود بیان کرده‌اند.

امام باقر ﷺ درباره عدالت گستری آن حضرت می‌فرماید:

«إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ وَ دَخَلَ الْكُوفَةَ يَرُدُّ السَّوَادَ إِلَى أَهْلِهِ؛ وقتی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف -

قیام کند و وارد کوفه شود، زمین‌های مصادره شده را به صاحبانش باز می‌گرداند.»

روزی یکی از شیعیان خدمت امام باقر ﷺ عرض کرد: یاران و دوستان ما در کوفه بسیار فراوانند، هر چه شما دستور بدهید بدون چون و چرا اطاعت می‌کنند. امام ﷺ در پاسخ او فرمود:

«يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ لَا قَالَ فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أَنْخَلُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ النَّاسَ فِي هُدْيَةٍ تَنَاقَحُهُمْ وَ نُوَارِئُهُمْ وَ نَقِيمُ عَلَيْهِمُ الْخُدُودَ وَ نُؤَدِّي أَمَانَاتِهِمْ حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمَرْأَمَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ؛ آیا به این حد رسیده‌اند که یکی از آن‌ها دست برده از صندوق دیگری به مقدار نیازش بردارد؟! آن شخص پاسخ داد: نه. حضرت ﷺ به او فرمود: اگر در متاع دنیا بخیل باشند در مورد خورشان حتماً بخیل تر خواهند بود. سپس فرمود: مردم فعلاً در حال سازش هستند، با یکدیگر پیوند زناشویی می‌بندند، از یکدیگر ارث می‌برند، حدود الهی اجراء می‌شود و امانت‌ها ادا می‌شود. ولی هنگامی که قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می‌شود، هر نیازمندی دست می‌برد و از صندوق برادر ایمانی‌اش به مقدار نیاز بر می‌دارد و صاحب صندوق مانع او نمی‌شود.»

«كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَ هُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ يَطْلُبُ رِضَاهُمْ: مِنْ سَبَاعِ الْأَرْضِ وَ سَبَاعِ الطَّيْرِ، تَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْخَرَ



الأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ: مَرَّبِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ! اگویا اصحاب قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را با چشم خود می بینم که بر مشرق و مغرب عالم احاطه دارند، هر چیزی در این عالم تحت فرمان و سیطره آنهاست و تلاش می کنند که خشنودی آنان را جلب کنند، حتی درندگان صحرا و پرندگان آسمان نیز تلاش می کنند که رضایت آنها را به دست آورند. وقتی یکی از یاران قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بر روی زمین قدم بگذارد، آن زمین به سرزمین های دیگر مباحث می کند که امروز فلان یاور قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بر روی من قدم گذاشت.»

حال واقعاً از کجا معلوم که مقصود از درندگان زمین و پرندگان آسمان که در این روایت آمده معنای وسیعتری نداشته باشد که شامل همه تجهیزات نظامی و ادوات جنگی باشد و مقصود از روایت نورانی بالا این باشد که همه وسائل مدرن و مجهز جنگی تابع اراده و فرمان یاران حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خواهد بود و امام که بر همه جهان مسلط است با ولایت تکوینی خود همه تجهیزات جنگی را در راه برقراری عدالت اجتماعی و از بین بردن ستم و ستمگری به کار خواهد انداخت. و شاید مقصود از فخر و مباحث زمین، مباحث اهل زمین باشد که در ادبیات عربی گاهی مضاف (اهل) حذف می شود.

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقْلِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا! هنگامی که قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمانروایی می گمارد و به او می فرماید: دستور العمل تو در کف دست می باشد، هرگاه حادثه ای بر تو روی داد که حکم آن را نمی دانستی و طریقه داوری درباره آن را بلد نبودی، به کف دست نگاه کن و طبق آن عمل کن!»

هر چند ما نمی دانیم که مقصود از آن که حکم رویدادها در کف دست آنهاست چه می باشد، آیا بر اساس معجزه حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که وقتی به کف دستشان نگاه می کنند نوشته ای می بینند، یا کتابی در دست آنها خواهد بود که حکم هر حادثه ای در آن مندرج و مکتوب خواهد بود؟ یا وسیله کوچکی مثل دستگاه بی سیم و یا ظریف تر و مدرن تر از آن در دست آنها خواهد بود و هر کجا حکم حادثه ای را ندانند به وسیله آن با شخص حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تماس خواهند گرفت؟ و یا به

دوران در هاب
 در پناه حضرت مهدی قائم
 نور الخلاقی ظالم المهدی

صورت دیگری که ما از آن آگاهی نداریم؟ خلاصه چیست نمی‌دانیم! این نکته نیز ناگفته نماند که فرمانروایان و حاکمانی که از سوی امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- انتخاب می‌شوند، قطعاً از دانشمندان بزرگ و متخصصان صاحب فضیلت خواهند بود که در دین خود ثابت و استوار بوده، و بر کار خود بصیر و آگاه و توانا خواهند بود، زیرا در یک حکومت مترقی هرگز کار را به دست غیر متخصص نمی‌سپارند، تا چه رسد به حکومت حقه حضرت بقیه الله -عجل الله تعالی فرجه الشریف- که مسئول برقراری عدل واقعی در سطح جهان است. و هرگز امکان ندارد که در چنین حکومتی افرادی بر پست و مقامی گمارده شوند که کوچکترین انتقادی به آنها وارد باشد. و اگر در موردی حادثه‌ای روی دهد که حکم آن بر نماینده منتخب امام علیه السلام معلوم نباشد وسیله‌ای در دست او خواهد بود که حکم آن حادثه را به آسانی به دست خواهد آورد. در اینجا دو روایت از امام صادق علیه السلام هست که تا حدی این مطلب را توضیح می‌دهد:

«وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي فِيهِ خَبْرُ السَّمَاءِ وَخَبْرُ الْأَرْضِ وَخَبْرُ مَا كَانَ وَخَبْرُ مَا هُوَ كَائِنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ﴾؛^۱ به خدا سوگند، من کتاب خدا را از اول تا آخرش می‌دانم، گویا که همه قرآن در کف دست من است. خبرهای مربوط به آسمان و زمین در آن است. و آنچه در گذشته واقع شده، و آنچه در آینده واقع خواهد شد در آن است. چنانکه خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾^۲ ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.»

و در حدیث دیگری با صراحت بیشتری چنین می‌فرماید:

«وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي الْجَنَّةِ وَمَا فِي النَّارِ وَمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ ثُمَّ قَالَ أَعْلَمُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَنْظُرُ إِلَيْهِ هَكَذَا...؛^۳ به خدا سوگند آنچه در آسمان‌ها و زمین روی می‌دهد من از آن آگاهم، آنچه در بهشت و جهنم می‌گذرد، آنچه واقع شده و آنچه در آینده واقع خواهد شد همه را می‌دانم، همه آن‌ها را از کتاب خدا می‌دانم. آنگاه دست خود را باز کرد و فرمود: این چنین به آن نگاه می‌کنم، سپس آیه فوق را تلاوت فرمود.»

این روایت به روشنی بیان می‌کند، که علم امامان به بهشت و دوزخ و حوادث زمین و آسمان، علم به غیب نیست، بلکه به برداشت آن‌ها از قرآن کریم مربوط می‌شود. اگر چه



۱. الکافی ۱: ۲۲۹؛ بنایع المودة ۳: ۱۲۹؛ الزام الناصب: ۲۶. سورة مبارکه نحل، آیه ۳۸۹. الزام الناصب: ۶.

همان قرآن در دست ماست ولی ما توانایی درک این معانی را از آن نداریم. بنابراین نمایندگان انتخاب شده از سوی امام علیه السلام بدون تردید افرادی خواهند بود که آگاهی وسیعی از قرآن و سنت و فتوا خواهند داشت، و از احکام فقهی و مسائل مربوط به حلال و حرام دقیقاً با خبر خواهند بود. و اگر با مشکلاتی روبرو شوند ممکن است طریقه استنباط آن از قرآن کریم را داشته باشند و یا به صورت دیگری بتوانند مسئله را حل و فصل نمایند.

مدت حکومت حضرت

در مورد اینکه حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - چند سال بر روی زمین حکومت می‌کند؟ روایات مختلف است. از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده:

«إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِينَ مِائَةً وَتِسْعَ سِنِينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مدت سیصد و نه سال حکومت می‌کند، به تعداد سال‌هایی که اصحاب کهف در غار ماندند. آنگاه کسانی را که از پذیرفتن آئین حق سر، باز زنند می‌کشد، تا در روی زمین فقط آئین و دین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باقی بماند.»

در مورد سند این روایت باید تحقیق نمود، که این مدت فقط در این روایت آمده است و در روایت‌های دیگر بسیار کمتر از این نقل شده است، مثلاً در روایتی می‌خوانیم که حضرت علیه السلام:

«يَمْلِكُ سَبْعِينَ سَنَةً؛ هفتاد سال حکومت می‌کند.»
«يَمْلِكُ سَبْعاً وَعَشْرًا، وَالسَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ تَكُونُ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ؛ هفده سال حکومت می‌کند، که هر سال آن معادل ده سال از سال‌های عادی است.»

امام صادق علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید:

«يَمْلِكُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ سِنُو مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ؛ هفت سال به همین صورت می‌گذرد، ولی شب‌ها و روزهایش طولانی می‌شود و هر سال آن با ده سال از سال‌های شما برابری می‌کند، و بدینگونه مدت حکومت او با هفتاد سال از سال‌های شما برابر می‌باشد. و آنگاه خداوند هر چه اراده

۱. الغيبة للنعمانی: ۱۸۱؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۵؛ الغيبة للطوسی: ۲۸۳؛ ینایع المودة ۳: ۶۲.

۲. الارشاد للمفید: ۳۴۵؛ اعلام الوری: ۴۲۲؛ الملاحم والفتن: ۶۲ و ۶۶؛ ینایع المودة ۳: ۱۶۳.

۳. بشارة الاسلام: ۱۹۴؛ ینایع المودة ۳: ۱۱۰ و ۱۲۶.

۴. الارشاد للمفید: ۳۴۲؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۳۷؛ بشارة الاسلام: ۲۳۵ و ۲۴۹ و ۲۷۸؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۸.

دورادین هجاب
 شریسته حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 محمد
 خلاصه فی ظلال القام المهدی علیه السلام

کند انجام می دهد.»

درست است که اگر مدّت حکومت حضرت بقیّة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هفت سال از سال‌های عادی باشد باز هم بیش از هفتاد سال ارزش دارد، زیرا سراسر آن آسایش و آرامش خواهد بود، دیگر از این تضادها و تزاخم‌ها خبری نخواهد بود، کسی برای ثروت اندوزی و کینه توزی با دیگری جنگ نخواهد کرد، بلکه همه اوقات زندگی افراد صرف تلاش در عبادت و اطاعت و خدمت به خلق و صفا و صمیمیت خواهد شد که هر ساعت آن بیش از ماه‌ها و سال‌های دیگر زمان‌ها ارزش دارد و اصلاً نمی‌توان این دوران را با زمانی دیگر مقایسه نمود، ولی باید دقت کرد که آنچه در روایات آمده مقصودش این نیست و می‌خواهد بگوید واقعاً این زمان طولانی‌تر از زمان‌های عادی خواهد بود، چرا که در آن‌ها به طولانی شدن شبها و روزها به مقدار ده برابر دیگر سال‌ها صراحتاً تعلیل و اشاره شده است و حتی در برخی از روایات استشهاد شده به روزهای طولانی رستاخیز که در متن قرآن هر روز آن معادل پنجاه هزار سال از سالهای دنیا شمرده شده است.

«يَمْلِكُ الْقَائِمُ عليه السلام تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا؛^۱ حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف -

نوزده سال و چند ماه حکومت می‌کند.»

«أَبْطَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ، وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ؛^۲

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله نشانه‌های جاهلیت را از بین برد و با عدالت در میان مردم رفتار نمود،

قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نیز چنین خواهد کرد.»

«يُنْظِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلُ؛^۳ آنچه در ایام

صلح در دست مردم (به ناحق) مانده باشد، آن را باطل می‌کند و طبق عدالت با آن‌ها

رفتار می‌کند.»

یعنی آنچه مردم به ناحق و از طریق تجاوز به حقوق یکدیگر صاحب شده‌اند را از دست آن‌ها گرفته به صاحبان اصلی‌اش برمی‌گرداند، و بدیهی است که در مدّت بسیار طولانی که بین حکومت عادلانه امیرمؤمنان عليه السلام تا حکومت حضرت بقیّة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فاصله افتاده است، بسیاری از تصرفات ظالمانه بوده، و با گذشت زمان صاحبان اصلی اموال فراموش شده است و غاصبین جای مالکین اصلی را اشغال کرده‌اند.

۱. الغیة للتمتانی: ۱۸۰؛ بشارة الإسلام: ۱۹۵؛ الغیة للطوسی: ۲۸۵؛ البیان: ۹۴؛ الارشاد للمفید: ۲۳۴۵. بحار الانوار ۵۲: ۳۸۲.
۳. بحار الانوار ۵۲: ۳۸۱.



حضرت علیؑ در مورد آبادانی جهان در عصر شکوفایی حکومت حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می فرماید:

«فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ»^۱ در روی زمین، هر نقطه ویران شده‌ای آباد خواهد شد.

امام صادقؑ می فرماید:

«لَا يَبْقَى مَوْضِعٌ قَدَّمَ إِلَّا وَطِئَهُ وَ أَقَامَ فِيهِ الدِّينَ الْوَاجِبَ لِلَّهِ»^۲ جای پائی در روی زمین نمی ماند، جز اینکه به آنجا قدم گذاشته، آئینی را که از سوی خداوند واجب گشته، اقامه و بر پا می کند.

در تفسیر آیه شریفه: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^۳ بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند» فرمود:

«كُفِّرَ أَهْلِهَا فَيُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ»^۴ پس از مرگ زمین به وسیله کافر شدن مردمان، خداوند آن را بوسیله قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - زنده می کند.

امام باقرؑ نیز در تفسیر همین آیه فرمود:

«يُحْيِيهَا بِالْقَائِمِ - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فَيَعْدِلُ فِيهَا، فَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا بِالظُّلْمِ»^۵ خداوند آن را به وسیله قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - زنده می کند، پس عدالت را در آن به اجراء در می آورد و زمین را پس از آنکه به وسیله ستم مُرده باشد، زنده می سازد.

ابن عباس نیز در همین مورد می گوید:

«یعنی خداوند زمین را به وسیله قائم آل محمد ﷺ اصلاح می کند، پس از آنکه مرده باشد، یعنی: بعد از فراگیر شدن ستم در ممالک جهان.»^۶

امام صادقؑ در مورد برنامه جهانی آن حضرت می فرماید:

«لَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَرَاهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا»^۷ هر بدعتی در هر جای دنیا باشد، آن حضرت از بین می برد، و همه سنت‌ها را بر پای می دارد.

روزی در مجلسی صحبت از خانه‌های بنی عباس بود، یکی از اصحاب گفت: خداوند آن‌ها را به دست ما ویران کند. حضرت فرمود:

«لَا تَقُلْ هَكَذَا بَلْ يَكُونُ مَسَاكِينُ الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ وَ سَكَنْتُمْ فِي

۱. ینابیع المودة ۳: ۱۳۶؛ منبر الأحرار: ۲۹۷؛ اسعاف الراغبین: ۱۴۰؛ بشارة الاسلام: ۹۹. ۲. الزام الناصب: ۲۱۸؛ بشارة الاسلام: ۹۹.

۳. سورة مباركة حدید، آیه ۴. ۱۷. الزام الناصب: ۵. ۲۴۲. الغیة للطوسی: ۶. ۱۲۰. الغیة للطوسی: ۱۲۰.

۷. الزام الناصب: ۲۲۳؛ ینابیع المودة ۳: ۶۲؛ بشارة الاسلام: ۲۳۵.

مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ؛^۱ ایستور مگو، که آن‌ها خانه‌های قائم
- عجل الله تعالی فرجه الشریف - و یاران ایشان خواهد بود. مگر نشنیده‌ای که خدای تبارک و
تعالی می‌فرماید: «وَسَكَّتُمْ فِي مَسْكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ»؛^۲ شما در منازل (و
کاخ‌های) کسانی که به خویشان ستم کردند، ساکن شدید.»

و در جایی دیگر فرمود:

«فَإِذَا انْقَرَضَ مُلْكُهُمْ أَتَاكَ اللَّهُ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ بِرَجُلٍ مِمَّنْ أَهْلَ الْبَيْتِ يُشِيرُ بِالسُّنَنِ وَيَسْمَعُ
بِالْهُدَى وَلَا يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرَّشَاءُ؛^۳ وقتی سلطنت آن‌ها به پایان رسد، خداوند با مردی
از ما اهل بیت بر امت محمد ﷺ منت می‌نهد، که تقوی را پیشه خود می‌سازد، از روی
بصیرت و هدایت گام بر می‌دارد و در دستگاه او رشوه راه نمی‌یابد.»
«إِذَا قَامَ صَاحِبُ السِّيفِ جَاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ؛^۴ وقتی صاحب شمشیر قیام کند، امر
تازه‌ای که وجود نداشته، می‌آورد و پیاده می‌کند.»

یعنی بدعت‌ها را ریشه کن ساخته و حقایق تحریف شده از قرآن و سنت را اصلاح
می‌کند و عدالت اجتماعی را که گمشده جهانی است پیاده می‌کند.

«كُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السِّيفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السِّيفِ
جَاءَ أَمْرٌ غَيْرُ هَذَا؛^۵ هر کدام از ما قائم به امر است، یکی پس از دیگری می‌آید تا نوبت به
صاحب شمشیر برسد، وقتی او بیاید، اوضاع را دگرگون می‌سازد و چیزی را که پیش از
او نبود می‌آورد.»

آری! آن شخصیت بزرگوار حقوق از دست رفته همه را باز می‌ستاند و به صاحبانش
باز می‌گرداند و همه را به آئین مقدس اسلام دعوت می‌کند.

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ - عجل الله تعالی فرجه الشریف - جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ، كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي بَدِئِ
الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ؛^۶ زمانی که قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند امری تازه
می‌آورد، چنانکه رسول الله ﷺ در صدر اسلام امری تازه آورد.»

در این زمینه به قدر کافی توضیح دادیم که حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف -
پیامبر نیست تا شریعت تازه بیاورد، بلکه امام معصومی است که از چهره نورانی و حریم
پاک آئین مقدس اسلام، تغییرات و تحریفات را می‌زداید و مردم را به اسلام اصیل و
شریعت ناب محمدی ﷺ دعوت می‌کند، ولی از آن‌جا که در طول زمان احکام شریعت
کهنه شده، هر کسی احکام اسلامی را تفسیر به رأی نموده، و قسمتی از احکام به صورت

۱. الزام الناصب : ۲۲۳. سورة مبارکه ابراهیم، آیه ۳۰۵. بشارة الإسلام : ۴۱۴۱. الکافی : ۱ : ۵۲۶ الغيبة للطوسی : ۲۸۳.

۵. الارشاد للمفيد : ۲۲۳؛ الغيبة للنعمانی : ۱۲۳؛ بشارة الإسلام : ۲۲۳.

مسخ شده عرضه شده است، وقتی آن حضرت، اسلام راستین (به معنای واقعی کلمه) را عرضه می‌نماید در نظر مردم تازه جلوه می‌کند.

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَدَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ! ^۱ وقتی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند، برخی از افرادی که تاکنون اهل این امر بودند از آن بیرون می‌شوند و افرادی دیگر همچون ماه پرستان و خورشید پرستان به آن گرایش پیدا می‌کنند.»

آری! ممکن است برخی از افرادی که شیعه منتظر، - حتی از رجال و رهبران دینی - وقت ظهور آن حضرت در برابر حق تسلیم نشوند و تاب دیدن خورشید فروزان امامت را نداشته باشند ولی در مقابل، جمع کثیری از بت پرستان، ماه پرستان و دیگر گمراهان در راه حق گام نهند و آن را با آغوش باز بپذیرند.

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْتَى الْعِبَادَ: ^۲ وقتی قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن گردد و مردم همگی بی‌نیاز شوند.»
«فَتَسْتَبْشِرُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ وَتُغْطِي السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَالشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَتَتَزَيَّنُّ لِأَهْلِهَا: ^۳ زمین با پیاده شدن عدالت خرم می‌شود، آسمان باران‌هایش را فرو می‌ریزد، درختان میوه‌های خود را آشکار می‌سازد، زمین گیاهان خود را بیرون می‌فرستد و برای ساکنان خود تزیین می‌شود.»

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَازْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْزُ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَغْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ: ^۴ وقتی حضرت عليه السلام قیام کند بر اساس عدالت حکم و داوری می‌کند و در زمان او ستم ریشه کن می‌شود و راه‌ها ایمن شده و زمین برکت‌های خود را ظاهر می‌سازد و هر حقی به صاحب حق بر می‌گردد و پیرو همه آیین‌ها به اسلام گرایش پیدا می‌کنند و به آن ایمان می‌آورند.»

«تَزِيدُ الْمِيَاهُ فِي دَوْلَتِهِ، وَتَمُدُّ الْأَنْهَارُ، وَتُضَاعِفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا لِاتِّدْخَرُ شَيْئًا. وَتَذْهَبُ الشُّخْنَاءُ مِنَ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَتَذْهَبُ الشَّرُّ وَتَبْقَى الْخَيْرُ: ^۵ آب‌ها در عهد او فراوان شود، رودخانه‌ها پر آب گردد، زمین مواد خوراکی‌اش را چند برابر گرداند و چیزی از آن را باقی نگذارد، کینه‌ها از دل مردم بیرون رود و شر از جهان رخت بریندد و تنها خیر باقی بماند.»

۱. الغيبة للنعمانی: ۱۷۱؛ بشارة الإسلام: ۲۳۳. ۲. الزام‌النائب: ۱۳۹ و ۲۲۲؛ بشارة الإسلام: ۲۰۶؛ كشف الغممة: ۳: ۲۹۷. ۳. بشارة الإسلام: ۷۱.

۴. الارشاد للمفيد: ۱۳۲۳؛ اعلام‌الوری: ۴۳۲؛ الزام‌النائب: ۱۳۹، ۲۲۲؛ بشارة الإسلام: ۱۷۱؛ الملاحم والفتن: ۵۵.

۵. منتخب‌الأثر: ۴۷۲؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۶۰؛ الزام‌النائب: ۲۲۸؛ مستدحمت: ۳: ۵۳۰.

نزدیکان خود می دادند در حکومت عادلانه حضرت جایی ندارد، اصولاً در حکومت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با بی نیاز شدن همه افراد جامعه زمینه استثمار و بهره کشی فردی توسط دیگری به کلی از بین خواهد رفت.

«مَوْسَعٌ عَلَيَّ شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَيَّ كُلَّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ قَيْسَتَيْنِ بِهِ؛^۱ به همه شیعیان ما اجازه داده شده، از آنچه در دست دارند به شیوه ای نیکو و حساب شده انفاق کنند، ولی هنگامی که قائم ما - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند بر همه ثروت اندوزان، احتکار و ثروت اندوزی را حرام می کند، بر صاحبان گنج ها لازم است که گنج های خویش را نزد او بیاورند تا در راه بی نیازی عمومی خرج شود.»

پیش از امام صادق علیه السلام جد بزرگوارش امیر مؤمنان علیه السلام در این مورد می فرماید: «... مَا كَانَ فِي أَيْدِي غَيْرِهِمْ فَإِنْ كَسَبْتَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ حَرَامٌ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا فَيَأْخُذَ الْأَرْضَ مِنْ أَيْدِيهِمْ وَيُخْرِجَهُمْ صَغْرَةً؛^۲ زمین هایی که منحصرأ در دست آنهاست ناروا بوده و حقیقتاً نیست چرا که آنها حق بهره کشی از زمین را ندارند تا قائم ما - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند و آنها را با دست خالی از آن بیرون کند.»

امام باقر علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید:

«مَا كَانَ فِي أَيْدِي شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ يُقَاطِعُهُمْ عَلَيَّ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَيَتْرُكُ الْأَرْضَ فِي أَيْدِيهِمْ؛^۳ آنچه در دست شیعیان ماست را منحصرأ به خودشان داده و همان قطعه زمین را در دست آنها باقی می گذارد.»

آنگاه امام صادق علیه السلام بسی نیازی همگانی را در عصر حضرت مهدی

- عجل الله تعالی فرجه الشریف - چنین توصیف می کند:

«يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيَقُولُ: مَنْ كَانَ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَلْيَقُمْ! فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ، فَيَقُولُ: أَنَا. فَيَقُولُ الْقَائِمُ: إِنَّ السَّادِنَ قَتَلَ لَهُ؛^۴ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالاً. فَيَقُولُ السَّادِنُ: أَخْتُ، وَيَخْتُلُو لَهُ فِي ثَوْبِهِ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حِجْرِهِ وَأَبْرَزَهُ نَدِمَ وَ قَالَ: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا! أَوْ عَجَزَ عَنِّي مَا وَسَعَهُمْ؟! ثُمَّ يَرُدُّ الْمَالَ إِلَى الْخَازِنِ فَلَا يُقْبَلُ مِنْهُ، وَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ: إِنَّا لَنَأْخُذُ شَيْئًا أَعْطَيْنَاهُ؛^۵ به منادی دستور می دهد که در میان مردم اعلام کند که هر کس نیازی به مال دنیا دارد بر خیزد. از میان همه مردم فقط یک نفر بر می خیزد و می گوید: من. حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به او

در پستان حضرت مهدی قائم علیه السلام دوران دهاب

۱. الکافی ۳: ۶۱، الزم الناصب: ۲، ۲۲. بشارة الإسلام: ۳، ۲۵۳. الزم الناصب: ۲۱.

۲. کشف الغمّة: ۳، ۲۷۳؛ مستند احمد: ۳، ۳۷؛ الزم الناصب: ۲۵۷؛ الحاروی للفتاوی: ۲، ۲۴ و ۱۵۳؛ نور الابصار: ۱۷۰.

می فرماید: پیش کلیددار برو و بگو: مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به تو دستور می دهد که مالی به من بدهی. کلیددار می گوید: جامه ات را بیاور. جامه اش را پهن می کند و وسط آن را پُر می کند. هنگامی که آن را بردوش گیرد پشیمان می شود که چرا در میان اَمّتِ مُحَمَّدی ﷺ من از همه حریص تر باشم؟، چرا آن عَقَبَتِ نَفْسِ عَمومی را من نداشته باشم؟! آنگاه مال را به کلیددار پس می دهد و پذیرفته نمی شود و حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می فرماید: ما آنچه عطا کردیم هرگز پس نمی گیریم. «أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبَ النَّاسِقَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطَّوَّافِ؛^۱ نخستین چیزی که از عدالت حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بروز می کند و ظاهر می شود این است که منادی اعلام می کند، آنان که طواف مستحبی می کنند، محلّ طواف و حجرالاسود را برای کسانی که طواف واجب می کنند خالی نمایند.»

نهضت جهانی حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به قدری جالب و فوق العاده است که حتی کارهای جزئی و فرعی نیز از چنین اهمیتی برخوردار است و این چنین به امور مردم و اجرای عدالت در استفاده همگان از اماکن مقدسه توجه می شود، که محلّ طواف زائرین و حجرالاسود و مقام ابراهیم برای راحتی کسانی که حجّ تمتع را انجام می دهند خالی شود و با طواف های مستحبی اشغال نشود که موجب اذیاء و اذیت طواف کنندگان گردد.

«يَضَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ، كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَ يَسْتَأْتِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً بَعْدَ أَنْ يَهْدِمَ مَا كَانَ قَبْلَهُ؛^۲ آن چنانکه پیامبر اکرم ﷺ عمل می نمود، رفتار می کند و آنچه از نشانه های جاهلیت باقی باشد از میان بر می دارد و پس از ریشه کن کردن بدعت ها، اسلام را از نو پیاده می کند.»

«دَمَانِ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا يُضْضِي أَحَدٌ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قَادِمًا بَعَثَهُ اللَّهُ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يُرِيدُ بَيْنَةَ الزَّانِي الْمُحْصَنِ بَرَجُهُ^۳ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ؛^۴ دو خون در اسلام از طرف خدای تبارک و تعالی حلال شده، که پیش از قیام قائم اهل بیت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به حکم خدا رفتار نمی شود، هنگامی که او را خداوند برانگیخت، حکم خدا را در آن اجرا می کند و آن را (با علم امامت بدون اینکه شاهد مطالبه کند انجام می دهد: زانی محصن (کسی که با داشتن

۱. الزام الناصب: ۲۲۳؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۳۷۴. غیبت نعمانی: ۱۲۱؛ بحار الأنوار ۵۲: ۱۳۵۲؛ منتخب الأثر: ۳۰۵؛ بشارة الإسلام: ۲۲۷.

۳. بشارة الإسلام: ۲۶۰؛ بحار الأنوار ۵۲: ۳۷۱ و ۳۲۵.

در سوره حضرت
جهد
کتاب

همسر مرتکب فحشاء شده) را سنگسار می‌کند و گردن کسی که زکات نمی‌دهد را می‌زند.»

«إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَخْتِاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وَ لَيْتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»^۱ وقتی قائم آل محمد عليه السلام حاکم شود، در میان مردم به حکم حضرت داوود عليه السلام داورى و قضاوت می‌کند، و نیازی به شاهد و گواه نخواهد داشت. در هر موردی خداوند حکم واقعی را به او الهام می‌کند و او بر اساس علم خود قضاوت می‌نماید. و هر قومى را از اجتهاد و استنباطشان خبر می‌دهد، و دوست و دشمن خود را با نشان الهی می‌شناسد، چنانکه خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»^۲ در این، نشانه‌هایی است برای هوشیاران!»

طبق روایاتی که در دست داریم، منظور از «مُتَوَسِّمِينَ؛ هوشیاران» در این آیه، امامان معصوم عليهم السلام می‌باشند، و مقصود از حکم داودی آن است که قاضی به علم خود قضاوت و حکم کند و شاهد هم طلب نکند، و هنگامی که قاضی از طرف خداوند چنین علم قطعی داشته باشد و مصونیت او از لغزش، از طرف خداوند بیمه شود هیچ مانعی ندارد، و جای هیچ تعجب نیست، آنچه مایه تعجب است، این است که ما ناگزیریم در مقابل کسانی که قدرت تشخیص معصوم از غیر معصوم ندارد، از پیشوایان خود دفاع کنیم که چگونه امامی معصوم بر طبق علم خود بدون نیاز به شاهد و بیینه داورى می‌کند، در حالیکه این انتقادگران، از داورى‌های داوران خود هرگز دچار شکفت نشده‌اند که بدون علم و یقین، و بدون شاهد و گواه، داورى می‌کنند - به شرط اینکه رشوه‌ای که به عنوان حق الزحمه یا هدیه می‌پذیرند قابل توجه باشد!- این دین فروشان از این‌گونه داورى تعجب نمی‌کنند ولی از اینکه تنها بازمانده از حجت‌های پروردگار به اتکاء علم خود داورى کند و گواه مطالبه نکند، تعجب می‌کنند!

«يَأْمُرُ مُنَادِيًا قَيْنَادِي هَذَا الْمَهْدِيُّ يُقْضَى بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ عَلَيَّ ذَلِكَ بَيِّنَةٌ»^۳ به منادی دستور می‌دهد که اعلام کند: این مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که بر اساس داورى‌های حضرت داود و حضرت سلیمان عليهم السلام داورى می‌کند و شاهد و بیینه هم نیاز ندارد.»

۱۰

در پناه حضرت مهدی قائم عليه السلام

عجل الله تعالی فرجه الشریف

طبیعی است هنگامی که حاکم به چیزی یقین پیدا کند بر طبق آن حکم صادر می‌کند و جای انتقادی باقی نمی‌ماند، زیرا اگر از او بپرسند که چرا چنین حکمی صادر کردی؟ در پاسخ می‌گوید: گواهان گواهی دادند، قرائن هم بر صحت این حکم موجود بود، شاهد دیگری هم برخلاف آن نبود، بر من یقین حاصل شد و من طبق یقین خود داوری کردم، و همگی او را معذور می‌دانند. اگر قاضی بگوید که من با چشم خود دیدم و داوری کردم، دیگر کسی اعتراض نمی‌کند، چون فرق بسیار است بین دیدن و شنیدن، که از قدیم گفته‌اند: فاصله حق و باطل چهار انگشت است، یعنی به مقدار فاصله چشم و گوش، اگر با چشم خود دیدی بپذیر، اگر با گوش خود شنیدی توقف کن، تا دلیل قطعی بر نفی یا اثبات آن پیدا کنی. در مورد «دیدن» دیگر فرق نمی‌کند که با دو چشم مادی باشد (نظیر ما) یا با بصیرت باطن باشد مانند امام، که خداوند حقایق جهان را در معرض دید باطنی امام علیه السلام قرار می‌دهد، که هیچ یقینی بالاتر از آن نخواهد بود که حتی خطای باصره نیز آنجا راه ندارد، امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«اللَّهُ أَجَلٌ وَأَعَزُّ وَأَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُفْرَضَ طَاعَةٌ عِنْدَ يَخْجُبُ عَنْهُ عِلْمَ سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ؛^۱
خدای تبارک و تعالی برتر و والاتر از آن است که اطاعت بنده‌ای را بر همگان واجب کند
ولی چیزی از دانش‌های زمین و آسمان‌ها را از او پوشیده بدارد.»

امام صادق علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ يَكُنْ بَيْنَ يَدَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ الرَّحْمَنِ إِلَّا عَرَفَهُ صَالِحٌ هُوَ أَمْ طَالِحٌ لِأَنَّ فِيهِ آيَةً لِلْمُتَوَسِّمِينَ وَ هِيَ بِسَبِيلِ مُقِيمٍ؛^۲ چون قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند،
احدی از بندگان خدا در روبروی او قرار نمی‌گیرد جز اینکه او را طور قطع می‌شناسد که
آیا بنده شایسته است یا بنده نکوهیده؟! آگاه باشید که در او نشانه‌ای است برای
هوشمندان، و او در راهی پابر جاست.»

«بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُ وَيَنْهَى إِذَا أَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا يَنْتَقِي بَيْنَ السَّخَافَيْنِ شَيْءٌ إِلَّا خَافَهُ؛^۳ ناگهان در موقعی که برخی از زورمداران مشغول امر و نهی هستند، قائم
- عجل الله تعالی فرجه الشریف - دستور می‌دهد که او را گردن بزنند. در شرق و غرب جهان کسی
نمی‌ماند جز اینکه دچار رعب و وحشت می‌شود.»

بیشتر از امام باقر علیه السلام نقل کردیم که فرمود:

۱. الکافی ۱: ۲۶۲، بحار الأنوار ۵۲: ۳۲۵ و ۳۸۹؛ بشارة الاسلام: ۲۵۲ و ۲۶۰؛ الاختصاص للمفيد: ۳۰۳.

۲. النبیة للنعمانی: ۱۲۶؛ بحار الأنوار ۵۲: ۳۵۵.

«... (وَ الْاِمَام) يَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ اَمَامِهِ؛^۱ امام عليه السلام کسی را که در پشت سرش قرار دارد، همانند کسی که در پیش رویش قرار دارد؛ می بیند.»

امام صادق عليه السلام نیز در این زمینه می فرماید:

«... يَبْعَثُ اِلَى رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ! حَتَّىٰ اَنْ اَحَدًا يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ اَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ!؛^۲ دستور می دهد کسی را که مردم از جرم او بی خبرند، دستگیر کرده، می آورند و گردن می زنند. کسی که در خانه خود سخن می گوید، بیم آن را دارد که در و دیوار بر او گواهی بدهند.»

چنین آگاهی وسیع از تنها بازمانده از حجت های پروردگار که برای اصلاح جهانی برگزیده شده، جای شگفت نیست که این تعبیر از چند تن از معصومین عليهم السلام رسیده است: «اِنَّ الْاِمَامَ لَيَسْمَعُ فِي بَطْنِ اُمِّهِ فَاِذَا وُلِدَ خُطْبَتَيْنِ كَتَبْتَنِي وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَاِذَا صَارَ الْاَمْرُ اِلَيْهِ جَعَلَ اللهُ لَهُ عَمُودًا مِنْ نُوْرِ يُبْصِرُ بِهٖ مَا يَفْعَلُ اَهْلُ كُلِّ بَلَدَةٍ؛ امام هنگامی که در شکم مادر است می شنود، چون دیده به جهان گشاید، در میان شانه هایش نوشته می شود: ﴿و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد و او شنونده داناست.﴾^۳ چون امامت به او برسد، خداوند برای او عمودی از نور عطا کند که به وسیله آن اعمال مردم هر شهری را می بیند.»^۴

ما از طرز کار این عمود نورانی بی خبریم، نمی دانیم که آیا چون ماهواره کار می کند؟ یا همچون رادار کار می نماید؟! یا همچون آنتن تلویزیون است؟! و یا هیچ شباهتی به آن ها ندارد؟! آنچه مسلم این است که او دقیقاً از اعمال و رفتار سپاهیان، فرماندهان و دیگر مسئولین کشوری آگاه می شود بدون اینکه چون دیگر زمامداران به گزارشگر و دفتردار و سازمان های دفتری نیازمند باشد.

امیرالمؤمنین عليه السلام در این رابطه می فرماید:

«... وَ يُنْصَبُ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُوْرِ مِنَ الْاَرْضِ اِلَى السَّمَاءِ يَرَى فِيْهِ اَعْمَالَ الْعِبَادِ؛^۵ ... برای او عمودی از نور، از زمین تا آسمان نصب می شود، که اعمال بندگان را در آن می بیند.»

و در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَيَسِّرَ اللهُ لَكُمْ وَاَسْوَلَهُ وَ اَلْمُؤْمِنُونَ﴾؛^۶ بگو عمل کنید که خدا و پیامبر و مؤمنان، اعمال شما را می بینند.»، فرمود:

عمودی قائم عليه السلام

و اعمال العباد

۱. الکافی ۱: ۲۳۸، ۲. بشارة الاسلام: ۲۵۳، بحار الانوار ۵۲: ۳۹۰، ۳. سورة مباركة انعام، آیه ۱۱۵.
۴. الکافی ۱: ۲۱۹ و ۳: ۱۲۵، مثير الأحزان: ۲۹۷، عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۱، ۱۶۹، ۵. الزام الناصب: ۶، ۱۰، سورة مباركة توبه، آیه ۱۰۵.

«أَيُّ الْأَيْمَةِ لِلصَّالِحِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، يَرُونَ أَعْمَالَ الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ!؛^۱ مقصود از مؤمنان،

امامان هستند که هر یکی پس از دیگری اعمال دوست و دشمن را می بینند.»

وقتی بشرِ امروزی توسطِ رادارها و دیگر مراکز فضایی در نقطه‌ای نشسته، از جابه‌جا شدن سفینه‌های فضایی در خارج از کره خاکی آگاه می‌شود و به هنگام لزوم دستورات لازم را به فضانوردان صادر می‌کند و یا از مراکز فرماندهی، دشمن را زیر نظر گرفته، از جابه‌جا شدن سپاه دشمن آگاه می‌شود، برای حجّتِ خدا بسیار طبیعی است که خداوند چنین قدرتی عطا فرماید تا از کردار همگان آگاه باشد و هر جرم و جنایتی را با همان قدرت خدادادی ببیند و به موقع مجرم را دستگیر و مجازات کند، اگر چه شاهد و گواهی نباشد، تا هیچ جنایتی در قلمرو حکومت او واقع نشود و هیچ خونی هدر نرود و هیچ حقی پایمال نشود. از این رهگذر به طوریکه در روایت نیز وارد شده، منظور از مؤمنان در این آیه امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشند، و اگر آن‌ها مصداقِ این آیه نباشند پس چه کسی می‌تواند مصداقِ این آیه باشد؟ بدیهی است که در موردِ هیچ شخصِ دیگری چنین ادّعایی نشده است. و لذا تردیدی نمی‌ماند در اینکه مؤمنانی که قرآن صریحاً خبر داده که از اعمالِ ما باخبر هستند و اعمالِ ما را می‌بینند، امامانِ معصوم هستند و بس.

روایاتِ دیگری نیز این معنی را تأیید می‌کنند، که از آن جمله است روایت

امیرمؤمنان علیه‌السلام که می‌فرماید:

«لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا؛^۲ هیچ مؤمنی در شرق و غرب

جهان نیست که اعمالش از ما پوشیده باشد.»

ابوحمزه نصیر، خادمِ امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل می‌کند که امام حسن عسکری علیه‌السلام خادم‌های زیادی از تُرک و رومی و صقلابی (اسلاوها) داشت و بسیار دیده شده که با آن‌ها با زبان خودشان سخن می‌گفته است. ابوحمزه تعجب کرد که امام حسن عسکری علیه‌السلام در مدینه متولد شده، و تا رحلت امام هادی علیه‌السلام او را کسی ندیده، پس چگونه این همه زبان‌های مختلف را یاد گرفته است؟! چون این مطلب در دلِ ابوحمزه خطور کرد، امام حسن عسکری علیه‌السلام به او رو کرد و فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ أَبَانَ حُجَّتَهُ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ وَأَعْطَاهُ مَعْرِفَةَ كُلِّ شَيْءٍ فَهُوَ يَعْرِفُ اللُّغَاتِ وَالْأَسْبَابَ وَالْحَوَادِثَ وَتَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَالْمَخْجُوجِ فَرْقٌ؛^۳ خداوند تبارک

و تعالی حجّت خود را از دیگر مخلوقاتش ممتاز آفریده، شناخت هر چیزی را به او عطا فرموده، او همه زبانها، نَسَبها و رویدادها را می داند، و گرنه میان حجّت خدا و دیگران فرقی نمی بود.»

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید:
 «الْإِمَامُ يُسْأَلُ فَيَجِيبُ وَإِنْ سَكَتَ عَنْهُ ائْتَدَأَ وَيُخْبِرُ بِمَا فِي غَدِّ وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ بِكُلِّ لِسَانٍ؛^۱ از امام علیه السلام پرسیده می شود، ایشان جواب می دهند؛ اگر سؤال نشود، او خود آغاز می کند؛ از آنچه در آینده اتفاق خواهد داد، خبر می دهد؛ و با هر کسی با زبان خودش سخن می گوید.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»^۲ فرمود:
 «الْمَلِكُ لِلَّهِ الْيَوْمِ، وَقَبْلَ الْيَوْمِ، وَ بَعْدَ الْيَوْمِ، وَ لَكِنْ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَمْ يُعْبَدَ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛^۳ حکومت و فرمانروایی در آن روز از آن خداست، حکومت و فرمانروایی دیروز هم از آن خدا بود، حکومت و فرمانروایی فردا هم باز از آن خدا خواهد بود. لکن هنگامی که قائم ماقیام کند، جز خدای تبارک و تعالی پرستیده نمی شود.»

همچنین در روایتی دیگر فرمود:

«يُرْفَعُ الْمَذَاهِبُ، فَلَا يَبْقَى إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ؛^۴ بساط همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می شود و جز دین خالص باقی نمی ماند.»

«الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ يَخْرُجُ بِهِ جَمِيعُ الْمُسْلِمِينَ: خَاصَّتُهُمْ وَ عَامَّتُهُمْ؛^۵ وقتی مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خروج کند، از همه مسلمانان گرفتاری رفع شود و برای همه آنها اعم از خواص (شیعیان) و عامه (سنی ها) فرج حاصل می گردد.»

«يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوْ؛^۶ از خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا خشنود می شوند.»

«يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ، وَ يَأْمُرُهُمُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ، وَ يَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ، وَ يَأْمُرُهُمْ بِعُمُرَانِ الْمُدُنِ؛^۷ حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - یارانش را در همه شهرها پراکنده می کند و به آنها دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه و روش خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان می گرداند و به آنها دستور می دهد که شهرها را آباد سازند.»

مهدی قائم علیه السلام در بیان حضرت

مهدی علیه السلام در بیان خلافت قائم

۱. منتخب الأثر : ۴۷۱ الزام الناصب : ۲۶؛ البيان : ۲۸۴. سورة مباركة حج، آية ۵۶. الزام الناصب : ۲۶؛ البيان : ۸۴؛ منتخب الأثر : ۴۷۱.
 ۲. ينابيع المودة ۳: ۶۲؛ بشارة الإسلام : ۹۹ و ۲۹۷. ۵. الامام المهدي : ۳۴۳؛ اسعاف الراغبين : ۱۴۳؛ الزام الناصب : ۱۹۲.
 ۳. كشف الغمّة ۳: ۲۵۹؛ البيان : ۸۴؛ الصواعق المحرقة : ۱۶۲؛ الملاحم والفتن : ۵۵؛ بشارة الإسلام : ۲۸۴؛ الحاوي للفتاوى ۲: ۱۳۷ و ۱۶۰.
 ۷. الامام المهدي : ۲۷۱.

«يَبْعَثُ إِلَى أُمَّرَائِهِ بِسَائِرِ الْأُمُصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ؛ وَالْيَانِ خُودِ رَا بَه شَهْرَا مِي فَرَسْتَدُو
دستور می دهد که عدالت را در میان مردم پیاده کنند.^۱
«يُلْعَقُ الْمَسَاكِينَ الزُّبْدَا. وَفِي أَيَّامِ ذَوَاتِهِ تَطْيِبُ الدُّنْيَا وَأَهْلُهَا؛^۲ بَه بَيْنُو اِيَان طَعْمِ شِيرِينِي
را می چشانند و در روزگار او دنیا پاکیزه می شود و دنیا و اهل آن نیکو می شوند.»

در این حدیث منظور از بی نوا و مسکین، فقیر نیست، چون بدون شک در زمان او
فقیری نخواهد بود، بلکه منظور از آن پیرمردان، پیرزنان و دیگر افرادی هستند که توانایی
کار و تلاش ندارند، مانند ناقص العضوها، زمین گیرها و امثال آنها. که آنها نیز در
دولت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - محروم نخواهند بود، حتی افرادی با گرفتن
مزد از بیت المال مسئول نگهداری از آنها بوده، با لقمه گذاشتن در دهان آنها، طعم
غذاها را به آنها خواهند چشانید.

و مقصود از پاکیزه شدن دنیا، پاکیزه شدن آن از کینه و خشم و حسد و دیگر صفات
نکوهدیده است، که با وجود آنها زندگی گوارا نیست و پس از کنار رفتن آنها زندگی گوارا
و آرامش بخش می گردد. در عصر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - همگی از
پرستش غیر خدای یافتی یافته بر بندگی و اطاعت حق تعالی گرد می آیند و بدینگونه ریشه
و انگیزه کینه توزی ها از بین می رود.

«قَوْلَ اللَّهِ لِيُزْفَعُ عَنِ الْمَلِكِ وَالْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ
إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛^۳ بَه خُدا سوگند که تا هماهنگی ادیان و مذاهب از بین می رود
و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند، چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده:
«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛^۴ دین، تنها در نزد خدا، اسلام است و پس.»

آری! دین فقط اسلام است و آن تسلیم در برابر ندای فطرت، تسلیم در برابر
وجدانیت، قدرت، عظمت و دیگر صفات جلالی و جمالی خداوند ازلی و سرمدی است. که
همه پیامبران به سوی او دعوت نموده اند و ریشه همه ادیان یکی است و آن همان رشته
گسترده ای است که از زمان آدم ابوالبشر توسط پیک وحی بر دل پیامبران درخشیده و با
خاتم رسل حضرت محمد بن عبدالله ﷺ به اوج کمال رسیده است. از بررسی آیات
قرآنی استفاده می شود که دین همواره یکی بوده و آن اسلام بوده و همه شریعت ها در
زمان صاحب شریعت به نام اسلام تشریح شده، و نام های دیگری چون یهودیت و
مسیحیت و غیر آنها بعداً اختراع شده است و اینکه به چند آیه در این زمینه توجه فرمائید:

۱. الزام الناصب: ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۲۸ و ۲۲۹. بشارة الإسلام: ۲۶۵، الإمام المهدي: ۲۶۶، ۴. سورة مباركة آل عمران، آیه ۱۹.

﴿مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّسَكُمُ الْمُسْلِمِينَ﴾؛ آیین پدرتان حضرت ابراهیم علیه السلام که او شمارا مسلمان نامید.

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾؛ ^۱ (از زبان حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهم السلام): پروردگارا ما را مسلمان و تسلیم اوامر خود قرار بده، از اولاد ما نیز امتی مسلمان و تسلیم فرمان خود قرار بده.

﴿حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْفَرَقُ قَالَ ءَأَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتُ بِهِ، يَتَوَّاسِرَ إِلَيْ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾؛ ^۲ هنگامی که غرقاب دامن او - فرعون - را گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد و من از مسلمین هستم»

﴿وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ﴾؛ ^۳ در حال اسلام به سوی من بشتابید. (از نامه حضرت سلیمان به بلقیس).

﴿وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ ^۴ من نیز همراه سلیمان علیه السلام به خداوندیکه پروردگار عالمیان است اسلام آوردم. (از زبان بلقیس).

﴿نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَأَمْنَا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾؛ ^۵ ما یاوران خداوندیم، به خدا ایمان آوردیم. تو گواه باش که ما اسلام آوردیم.

﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾؛ ^۶ آن‌که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم فرمان او است.

﴿لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾؛ ^۷ در میان هیچکدام از آن‌ها - پیامبران - ما فرق نمی‌گذاریم و ما برای او اسلام آورده‌ایم. (از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله).

﴿فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾؛ ^۸ جز یک خانه در آنجا از مسلمانان نیافتیم. (از زبان فرشتگان در مورد قوم حضرت لوط علیه السلام).

﴿قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَالْإِلَهَ ءَأَبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾؛ ^۹ گفتند: خدای تورا می‌پرستیم که خدای پدرانت ابراهیم، اسماعیل و اسحاق است، که خداوندی یکتاست و ما برای او اسلام آورده‌ایم. (از زبان فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام، خطاب به او هنگام رحلتش).

از بررسی آیات بالا استفاده می‌شود که همه ادیان و شرایع آسمانی در زبان شارع

۱. سوره مبارکه حج، آیه ۲۷۸. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۲۸. سوره مبارکه یونس، آیه ۹۰. سوره مبارکه نمل، آیه ۳۱.

۵. سوره مبارکه نمل، آیه ۶۲۴. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۷۵۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۸۲. آل عمران: ۸۴.

۹. سوره مبارکه ذاریات، آیه ۱۰۳۶. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۳۳.

سهله نماز گزارده است. آنجا منزلگاه حضرت خضر علیه السلام است. کسی که در آنجا اقامت کند همانند کسی است که در خیمه حضرت رسول صلی الله علیه و آله اقامت کند. هر مرد و زن مؤمن دلش به سوی آن مسجد کشیده می شود و مایل است. در هر شب و روز فرشتگان به سوی این مسجد می شتابند و در آنجا به پرستش حق تعالی می پردازند.»

در احادیث ملاحم (نویدهای غیبی مربوط به آینده) بسیار دیده می شود که معصومین علیهم السلام نویدهای خود را با جمله «گویا با چشم خود می بینم» آغاز می کنند. این تعبیر برای اهمیت و قطعیت موضوع است و می خواهند تصریح کنند که این قضیه حتمی است و بی تردید محقق خواهد شد، که همه اینها به صورت عهدهی نوشته شده و در پیش آنها موجود است. و آنها در این امر از پروردگار خود بینه و برهان دارند. و آنچه جد بزرگوارشان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خداوند عالم و قادر آورده، به آن ایمان قطعی دارند. به علاوه آنچه در گذشته انجام شده، و در حال انجام شدن است، و در آینده انجام خواهد شد، به گونه ای که از حیطة فکری ما بیرون است، برای اولیای الهی آشکار است تا دلیل امامت و پیشوایی آنها بر مردمان دیگر باشد و گواه گزینش آنان از طرف خداوند قادر متعال بر این منصب الهی باشد. قرآن کریم در داستان حضرت خضر علیه السلام در مورد شکستن کشتی، کشتن جوان و ساختن دیوار، قسمتی از این مطالب غیبی و کشفی را از زبان حضرت خضر علیه السلام نقل می کند، و حقایق بسیاری از این مطالب از زبان پیشوایان معصوم علیهم السلام درباره قیام و نهضت جهانی مصلح غیبی به ما رسیده است. از جمله این روایت است:

روزی از روزها، امام صادق علیه السلام در نقطه ای در پشت کوفه دو رکعت نماز به جای آورد و به یار باوفایش ابان بن تغلب فرمود:

«هَذَا مَوْضِعُ مَنْزِلِ الْقَائِمِ علیه السلام؛^۱ این جا محل خانه قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است.»
 «دَارُ مَلِكِهِ الْكُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَبَيْتُ مَالِهِ وَمَقَسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَمَوْضِعُ خَلْوَاتِهِ الذَّكْوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْعَرَبِيِّينَ؛^۲ مرکز سلطنت او کوفه است، مرکز قضاوت او مسجد اعظم کوفه است، محل زندگی و مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم جنگی مسجد سهله است، و محل خلوت و استراحت ایشان تپه های سفید و نورانی نجف اشرف می باشد.»

مقصود کنار تربت پاک جد بزرگوارش امیر مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران، علی بن ابی

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 دوراندیشان

یکبار دیگر از امام صادق علیه السلام پیرامون مساجدِ سقف‌دار پرسیدند، که آیا نماز در آنها مکروه هست؟ فرمود:

«نَعَمْ وَلَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ الْيَوْمَ وَلَوْ قَدْ كَانَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَخَلَ الْكُوفَةَ وَأَمَرَ بِهَدْمِ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةِ حَتَّى يَبْلُغَ أَسَاسَهَا وَيُصَيِّرَهَا عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى وَيَكُونَ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَمَّاءَ لَا شُرَفَ لَهَا كَمَا كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ يُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَيَهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَيَكْسِرُ كُلَّ جَنَاحٍ وَيَسُدُّ كُلَّ كُوفَةٍ إِلَى الطَّرِيقِ! وَيَهْدِمُ كُلَّ جَنَاحٍ وَكَيْفِيفٍ وَمِيزَابٍ إِلَى الطَّرِيقِ وَيَأْمُرُ اللَّهُ الْفَلَكَ فِي زَمَانِهِ فَيَبْطِئُ فِي دَوْرِهِ حَتَّى يَكُونَ الْيَوْمُ فِي أَيَّامِهِ كَعَشْرَةِ أَيَّامٍ وَالشَّهْرُ كَعَشْرَةِ أَشْهُرٍ وَالسَّنَةُ كَعَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ: أَرَى، وَلَكِنْ نَمَازُكَرَارِدِنِ دَرِ آنِ جَابِهَ شَمَا آسِيبي نَمِي رَسَانِد، اَمَا هِنِگَامِي كِه عِدَالَتِ پِيَادِه شُود، خَوَاهِيْدِ دِيْدَكِه بَا اَيْنِ مَسَاجِدِ چِگونِه رِفْتَارِ خَوَاهِدِ شُد. چُونِ قَائِمِ - عَجَلِ اللهُ تَعَالَى فِرْجِهَ الشَّرِيفِ - دَرِ كُوفِه فِرُودِ آيِدِ بِه تَخْرِيْبِ چِهَارِ مَسْجِدِ دَرِ آنِ دِسْتُورِ مِي دِهْد، تَا بَرِ پايِه‌هايِ اوْلِي بِنِيَادِ گِرُودِ، وَ اَن‌ها رَا چُونِ خِيْمَةِ اجْتِمَاعِ حَضْرَتِ مُوسَى هِمُوارِ وَ مَرْتَفَعِ مِي سَازِد، هِمَةُ مَسَاجِدِ رَا هِمُوارِ مِي سَازِد تَا مَحَلِّ مَرْتَفَعِي دَرِ اَن‌ها نَباشِد، اَنچِنانِ كِه دَرِ عَهْدِ پِيَا مَبْر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُوْد. جَا دِه‌هايِ اصْلِي رَا تَوْسِعِه مِي دِهْد، هَرِ مَسْجِدِي كِه بَرِ سِرِّ رَاهِ باشِد خِرَابِ مِي كِنْد، بَالِكِنْ هَا رَا مِي شَكِنْد وَ بِنِجْرِه‌هايِي كِه رُو بِه كُوجِهِ بَازِ مِي شُود رَا مِي بِنْدِد. هَرِ بَالِكِنْ، فَاضِلابِ وَ نَاوَدَانِي كِه رُو بِه كُوجِه‌ها باشِد، اَزِ بَيْنِ مِي بَرِد. خِداوَنْدِ دَرِ زَمَانِ او بِه چِرْخِ گِرُودِ زَمَانِه (فَلَك) دِسْتُورِ مِي دِهْد كِه اَرَامِ تَرِ بَگِرُودِ، بِه حَدِي كِه طَوْلِ يَكِ رُوزِ دَرِ اَنِ زَمَانِ، مِعَادِلِ دِه رُوزِ اَزِ رُوزِهايِ عَادِي شَمَا خَوَاهِدِ بُوْد، وَ زَمَانِ هَرِ مَاهِ بِه مِقْدَارِ دِه مَاهِ وَ هَرِ سَالِ بِه مِقْدَارِ دِه سَالِ اَزِ سَالِهايِ عَادِي شَمَا خَوَاهِدِ بُوْد.»

در پستانه حضرت مهدی قائم علیه السلام

«إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُ كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ حَفَضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصِرْهَا؟! أَ هِنِگَامِي كِه كَارِها بِه دِسْتِ بَا كَفَايَتِ حَضْرَتِ صَاحِبِ الْأَمْرِ - عَجَلِ اللهُ تَعَالَى فِرْجِهَ الشَّرِيفِ - مِي اِفْتِنْد، خِداوَنْدِ هِمَةُ نِقَاطِ پَسْتِ زَمِينِ رَا بَرايِ او پُرِ وَ مَسْطَحِ مِي كِنْد وَ هِمَةُ نِقَاطِ مَرْتَفَعِ جِهَانِ رَا بَرايِ او هِمُوارِ مِي سَازِد، تَا هِمَةُ كَرِهِ خَاكِي هِمچُونِ كَفِ دِسْتِ او دَرِ اَفْقِ دِيْدِ او قَرَارِ بَگِرِودِ. اِگِرِ يَكِي اَزِ شَمَا مَوِي دَرِ كَفِ دِسْتِ دَاشْتِه باشِيْد، مَگِرِ مَمْكِنِ اسْتِ كِه اَزِ دِيْدِنِ اَنِ نَاتُوانِ باشِيْد؟! هِمَةُ جِهَانِ بَرايِ او چِنينِ خَوَاهِدِ بُوْد.»

در اين حديث صريحاً اعلام شده كه جهان، تحت فرماندهی و سیطره او همچون كف

عجل الله تعالى فرجه الشريف

۱. الغيبة للطوسي: ۲۸۳، الارشاد للمفيد: ۳۴۴، الكافي: ۳، ۳۶۸، اعلام الوری: ۴۲۲، الزم الناصب: ۲۲۲، بشارة الإسلام: ۲۵۸ و ۲۳۵.
 ۲. بحار الأنوار: ۵۲، ۳۲۸، بشارة الإسلام: ۲۴۳.

دست آن حضرت خواهد بود و هیچ نقطه‌ای از زمین بر آن حضرت پوشیده نخواهد بود. و پس از آن که فراز و نشیب‌های آن هموار گردد با آن عمود نورانی که قبلاً در ضمن احادیث شریفه آورده شد و همواره در اختیار آن حضرت است بر تمام گوشه و کنار زمین مسلط خواهد بود. با تجهیزات نظامی امروز اعم از رادارها، بی سیم‌ها و ابزار دیگر بهره می‌گیرند و بلافاصله از جا به جا شدن دشمن باخبر می‌شوند.

با بررسی روایات مربوط به حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تا حدی روشن می‌گردد، که طبق روایات، یک عمود نورانی به بزرگی فاصله زمین تا آسمان در اختیار آن حضرت است و همه رویدادهای جهان در آن منعکس می‌باشد، و از اعمال مردم به وسیله آن آگاه می‌شود.

از صادق آل محمد علیهم السلام پرسیدند: (در آن دوران) سال‌ها چگونه طولانی می‌شود؟

فرمود:

«يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقَلَّةِ الْحَرَكََةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَالسَّنُونَ...!»
 خداوند تبارک و تعالی به فلک دستور می‌دهد که آرام‌تر گردش کند. باکند شدن گردش چرخ گردون، روزها، ماه‌ها و سال‌ها طولانی می‌شود. عرض کردند: دانشمندان می‌گویند: اگر گردش فلک تغییر یابد تباہ می‌شود! فرمود: آن سخن ملحدان و بی‌دین‌هاست، اما مسلمان‌ها با این حرف‌ها کاری ندارند و به آن اعتنایی نمی‌کنند. خداوند برای رسول گرامی اش ماه را شکافت (اشاره به معجزه شق القمر)، برای او و پیش از او برای یوشع بن نون خورشید را برگردانید (رد الشمس)، و از طولانی شدن مدت زمان روزهای قیامت خبر داد که هر روزش به اندازه هزار سال از سال‌های دنیا است.»

نگارنده هرگاه از این مطالب دچار شگفت شود، با خود می‌گوید: چرا از خود خورشید تعجب نمی‌کنی؟! که میلیون‌ها سال پیش خداوند آن را به صورت یک گلوله آتشین آفریده، در این مدت طولانی نورش کم فروغ نشده، حرارتش به سردی نگرائیده، و نمی‌دانیم که مواد گداخته آن پس از اشتغال چه می‌شود؟! و بدل آن از کجا تأمین می‌شود؟! و چگونه در طول میلیون‌ها سال بدون کم و زیاد شدن نور و حرارتش باقی مانده است؟! و همچنین باقی می‌ماند تا روز موعود فرا رسد که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ * وَخَسَفَ الْقَمَرُ * وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ * يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ

أَيْنَ الْمَفْرُوقِ؛^۱ هنگامی که دیده‌ها خیره شود، ماه خسوف کند، خورشید و ماه در کنار یکدیگر قرار بگیرند، انسان در آن روز می‌گوید: جای فرار کجاست؟!»

به طوری که از مرگ و حساب و برانگیخته شدن روز رستاخیز چاره و فراری نیست، از باور کردن این حقایق نیز چاره‌ای نیست که این‌ها از منابع مورد اعتماد، از پیشوایان معصوم و متکی به مبدأ وحی، سرچشمه گرفته است.

از روایت بالا نتیجه می‌گیریم که روزها، ماه‌ها و سال‌های حکومت حضرت مهدی علیه السلام ده برابر روز، ماه و سال نسبت به زمان‌ها دیگر است و این موضوع علاوه بر آن که بیانگر ارزش معنوی و غیر قابل وصف آن روزهای مسعود است، تا حدی کوتاه بودن مدت زمان این حکومت حقّه را جبران می‌کند. ولی به هر حال، رقم‌هایی همچون هفت، نه، هفده، هفتاد، سیصد و نه سال که در احادیث آمده است، نسبت به عمر طولانی و نویدهای جهانی همه پیامبران و انتظار ده‌ها قرن از طرف همه ملت‌ها و امت‌ها، کوتاه است. که امیدواریم ما نیز برای چنین روزهای میمون و بابرکتی، اهلیت داشته باشیم و شایسته باشیم. ان شاء الله.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آن روزهای مبارک می‌فرماید:

«و تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛^۲ زمین بانور پروردگارش منور می‌شود و سلطنت او همه شرق و غرب جهان را دربر می‌گیرد.»

معلی بن خنیس به محضر امام صادق علیه السلام عرض کرد: جانم فدایت! از خلافت بنی‌فلان (بنی‌عبّاس) و عیش و نوش آنان سخن گفتید، اگر امر در دست شما بود و این قدرت به دست شما می‌رسید، ما نیز روزهای خوش و خرمی تحت عنایت و توجه شما داشتیم. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هَيْهَاتَ يَا مُعَلَّى أَمَا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ ذَلِكَ مَا كَانَ إِلَّا سِيَّاسَةَ اللَّيْلِ وَ سِيَاحَةَ النَّهَارِ وَ بُسِّ الْأَخْشِينِ وَ أَكَلَ الْجَشِيبِ قَرْوِي ذَلِكَ عَنَّا فَهَلْ رَأَيْتَ ظُلَامَةً قَطُّ صَيَّرَهَا اللَّهُ تَعَالَى نِعْمَةً إِلَّا هَذِهِ؛^۳ آنه هرگز چنین نیست، ای معلی! به خدا سوگند اگر قدرت در دست ما بود، شب‌ها به تدبیر امور و روزها به تلاش و کوشش می‌پرداختیم، جامه‌ای خشن بر تن داشتیم و غذای بی‌خورشت می‌خوردیم، ولی از ما گرفته شد و شما زندگی راحتی به دست آوردید، آیا در جهان ستمی دیده‌اید که موجب آسایش مردم باشد جز این؟!»

در حکومت بر اساس حق و عدالت حضرت علی علیه السلام همگان از نعمت عدالت

دوران ده‌ها
در سینه حضرت
مهدی قائم علیه السلام
و نیز الحاضر في القادسية

۱. سوره مبارکه قیامة، آیه ۱۰-۲۷. کشف الغمّة: ۳، ۲۹۷. الکافی: ۱، ۴۱۰؛ الغیبة للنعمانی: ۱۵۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۵۹.

می‌رسیدیم، اینچنین رفتار می‌کردیم، و این است معنای کلام خدا که فرموده: «عاقبت از آن پرهیزکاران است.»^۱

«لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَدَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ»^۲

برای هر عده‌ای دولتی هست که منتظر فرارسیدن آن هستند، ولی دولت ما در آخر الزمان ظاهر می‌شود.»

«لَيْسَ بَعْدَ دَوْلَةِ الْقَائِمِ لِأَحَدٍ دَوْلَةٌ»^۳ بعد از دولت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برای احدی دولتی مقدر نشده است.»

«بَيْنَ وِفَاةِ الْقَائِمِ وَبَيْنَ الْقِيَامَةِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا»^۴ ما بین وفات حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و شروع قیامت چهل روز فاصله هست.»

و در مورد آن روزهای نامبارک (بعد از رحلت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آمده است:

«أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا فَأُولَئِكَ سِزَارٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۵ در توبه بسته می‌شود و به کسی که پیش از آن ایمان نیاورده باشد، و در ایمانش خیری کسب نکرده باشد، دیگر ایمان آوردن سودی نمی‌بخشد. آن‌ها بدترین مردمان هستند.»

«إِنْتِهَاءُ مُلْكِهِ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ، إِذْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: ﴿وَإِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلْسَّاعَةِ﴾^۶ أُنْذَارٌ بِهَا، وَإِشَارَةٌ إِلَيْهَا»^۷ پایان یافتن سلطنت او از نشانه‌های رستاخیز است، چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: «او هشدار و نشانه رستاخیز می‌باشد.»^۷

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه: «وَإِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلْسَّاعَةِ» می‌فرماید: «هُوَ الْمَهْدِيُّ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَبَعْدَ خُرُوجِهِ يَكُونُ قِيَامُ السَّاعَةِ وَأَمَارَاتُهَا وَدِلَالَاتُهَا وَقِيَامُهَا»^۸ مقصود از او مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که در آخر الزمان ظاهر می‌شود و پس از ظهور او زمان قیام قیامت می‌رسد، نشانه‌ها و براهین آن آشکار می‌شود.»

امام صادق علیه السلام درباره پایان حکومت عدل می‌فرماید: «فَإِذَا تَمَّ الْأَمْرُ أَتَى الْحُجَّةَ الْمَوْتُ، فَتَقْتَلُهُ امْرَأَةٌ مِنْ بَنِي تَعِيمٍ إِسْمُهَا سَعِيدَةُ لَهَا لِحْيَةٌ وَ

دوران در هاب
 در پناه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 نور الخالق ظل القائم

۱. سوره‌های مبارکه اعراف، آیه ۱۲۸ و قصص، آیه ۸۳

۲. بحار الأنوار ۵۱: ۱۴۳، الامام المهدی: ۲۷۷، منتخب الأثر: ۱۶۹، الزام الناصب: ۳، ۱۴۰، الارشاد للمفيد: ۳۴۵

۳. الارشاد للمفيد: ۳۴۵، يتابع المودة ۳: ۶۲، بحار الأنوار ۵۲: ۵، ۱۴۵، بحار الأنوار ۵۳: ۱۴۷

۴. يتابع المودة ۳: ۱۳۶، الصواعق المحرقة: ۱۶۰، اسعاف الرماحین: ۷، ۱۵۶، سورة مباركة زخرف، آیه ۶۱

۵. منتخب الأثر: ۱۴۹، الزام الناصب: ۸۵، نور الأبصار: ۱۶۹

سِبَالٌ مِثْلَ الرَّجَالِ، بِجُرْنٍ مِنْ صَخْرٍ تَقْدِفُهُ بِهِ مِنْ فَوْقِ سَطْحٍ وَهُوَ مُتَجَاوِزٌ فِي الطَّرِيقِ؛^۱
 وقتی زمان بر پای دولت حقه به سر بیاید، مرگ حضرت حجت فرا می‌رسد، زنی از
 بنی تمیم ایشان را به شهادت می‌رساند، که نام او «سمیده» است و همانند مردان ریش و
 شارب دارد، او به هنگام عبور حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سنگ آسیابی را
 از پشت بام به سوی او پرتاب می‌کند و او را به شهادت می‌رساند.

«ثُمَّ يُرْسِلُ اللَّهُ رِيحًا بَارِدَةً مِنْ قِبَلِ الشَّامِ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَيْرٍ أَوْ
 إِيمَانٍ إِلَّا قَبَضَهُ اللَّهُ، فَيَبْقَى شِرَارٌ فِي خِفَّةِ الطَّيْرِ وَأَخْلَامِ السَّبَاعِ، لَا يَعْرِفُونَ مَعْرُوفًا وَلَا
 يُنْكِرُونَ مُنْكَرًا؛^۲ آنگاه خداوند باد سردی از طرف شام می‌فرستد که هر کس در دلش
 ذره‌ای از خیر و ایمان باشد به وسیله آن قبض روح می‌شود و بدترین مردم زنده می‌مانند
 که سبکسر و درنده خوی باشند، معروف را نشناسند و از منکر بیزاری نجوبند.»

منزه است خداوندی که هر چه اراده کند انجام می‌دهد و هیچ کس حقّ چون و چرا
 درباره کارهای او را ندارد ولی همه باید در برابر او پاسخگو باشند.
 امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«لَوْ قَدَّ قَامَ الْقَائِمُ لِحَكْمِ بِنَاتٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ وَ يَقْتُلُ مَسَاعِ
 الزَّكَاةِ وَ يُورِثُ الْأَخَ أَخَاهُ فِي الْأُظْلَةِ؛^۳ هنگامی که قائم ما - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام
 کند به سه چیز حکم می‌کند که هیچ کس پیش از او چنین حکمی نکرده است:

۱- پیرمرد زانی را می‌کشد ۲- کسی که زکات نمی‌دهد را به قتل می‌رساند ۳- برادر را
 از برادر اظله ارث می‌دهد.»

شاید منظور از «اظله» برادری باشد که هنوز جنین است و قدم در این دنیا نگذاشته
 است. و شاید منظور از آن دو مؤمن باشد که در عالم ارواح با یکدیگر برادر بودند اگر چه
 در این جهان با یکدیگر خویشاوندی نداشته باشند.

امام هادی علیه السلام می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيُسِمُّ النِّعَمَ، وَيُحِقُّ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ. وَهُوَ مَهْدِيُّكُمْ
 الْمُنْتَظَرُ. ثُمَّ قَرَأَ: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ، وَقَالَ: هُوَ وَاللَّهُ بِبَقِيَّةِ اللَّهِ؛^۴ او کسی است که وحدت
 کلمه ایجاد می‌کند، نعمت‌ها را کامل می‌سازد، خداوند حق را به دست او محقق
 می‌سازد و باطل را نابود می‌کند. او مهدی است که انتظارش را می‌کشید. آنگاه این آیه را
 تلاوت کرد: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ﴾^۵ سپس فرمود: به خدا سوگند بقیه الله (تنها بازمانده از

در سینه حضرت

و

۱۰۰

و

۱. الزام الناصب : ۲. ۱۹۰. الصواعق المحرقة: ۱۵۰؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۷۲؛ صحیح مسلم ۸: ۱۸۲ و ۲۰۱.
 ۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۹؛ بشارة الإسلام: ۲۴۶؛ الزام الناصب: ۴. ۱۴۰. الزام الناصب: ۵. ۵۷. سورة مباركة هود، آیه ۸۶.

حجّت‌های الهی) اوست.»

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ أَمَرَ بِهَذَا الْمَنَابِرِ وَالْمَقَاصِيرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ وَمَعْنَى هَذَا أَنَّهَا مُخَدَّئَةٌ مُبْتَدَعَةٌ لَمْ يَنْبَغِ لَهَا نَبِيٌّ وَلَا حُجَّةٌ؛^۱ وقتی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند دستور می‌دهد که مناره‌های مساجد را خراب کنند و مکان‌های مرتفع مساجد (معروف به شاه‌نشین) را خراب می‌کند، زیرا این‌ها بدعت است، هیچ پیامبر و یا وصی پیامبری آن‌ها را بنا نکرده است.»

در این بخش نویدهایی که در کتاب‌های مقدّسه ادیان دیگر دربارهٔ دولتِ حق آمده است را می‌آوریم. در تورات می‌خوانیم:

«و در ایامِ آخر واقع خواهد شد ... جمیع امت‌ها به سوی آن روان خواهند شد ... او امت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد ... امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.»^۲

«بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود ... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند.»^۳

«طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. و در تمامی کوه مقدّس من ضرر و فساد نخواهند کرد. زیرا که جهان از معرفت خداوند پُر خواهد بود، مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند.»^۴

«آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید. و عمل عدالت سلامتی، و نتیجه عدالت آرامی و اطمینان خواهد بود تا ابدالآباد، و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزل‌های آرامی ساکن خواهند شد.»^۵

«برگزیدگان من از عمل دست‌های خود بهره خواهند برد، زحمت بیجا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زائید. زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریّهٔ ایشان با ایشانند. و قبل از آنکه بخوانند من جواب خواهم داد. و پیش از آنکه

در پناه حضرت
مهدی قائم علیه السلام

محمد الحارثی ظلّ

۱. کشف الغمّة: ۳، ۲۰۸؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۲۲۳. کتاب اشعیاء نبی، باب دوم، بندهای ۴-۲. همان مدرک، باب یازدهم، بندهای ۴-۶.

۲. کتاب اشعیاء نبی، باب یازدهم، بندهای ۹-۵. همان مدرک، باب سی و دوم، بندهای ۱۸-۱۶.

سخن گویند من خواهم شنید. گرگ و بزّه با هم خواهند پرید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و خوراک مار خاک خواهد بود. خداوند می‌گوید که در تمامی کوه مقدّس من ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند کرد.»^۱

(... «امیر بزرگواری که برای پسران قوم تو ایستاده (قائم) است، خواهد برخاست... در آن زمان هر کس از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنائی افلاک خواهند درخشید و آنانکه بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد. اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردّد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید ... خوشا به حال آنانکه انتظار کشند.»^۲

در انجیل می‌خوانیم:

«عیسی به آنان فرمود: هر آینه به شما می‌گویم: شما که مرا از من پیروی کردید، وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت.»^۳

«بنابراین پیش از وقت به چیزی حکم مکنید، تا خداوند بیاید که خفایای ظلمت را روشن خواهد کرد و تپت‌های دل‌ها را به ظهور خواهد آورد، آنگاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود.»^۴

«به جنگ نیکو جنگ کرده‌ام و دوره خود را به کمال رسانیده، ایمان را محفوظ داشته‌ام. بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است، که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می‌دارند.»^۵

«به زودی می‌آیم پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی تاج تو را بگیرد.»^۶

۱. کتاب اشعیا، نبی، باب شصت و پنجم، بندهای ۲۵-۲۳. ۲. کتاب دانیال نبی، باب دوازدهم، بندهای ۱۲-۴-۱.

۳. انجیل متی، باب نوزدهم، بندهای ۲۹-۲۸. ۴. رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب چهارم، بند ۵.

۵. رساله دوم پولس رسول به تیموتاؤس، باب چهارم، بندهای ۸-۶. ۶. مکاشفه یوحنا رسول، باب سوم، بند ۱۱.



فصل پنزدهم

علائم و نشانه‌ها

﴿يَمْنَحُوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾^۱ خداوند آنچه را که بخواهد محو می‌کند و آنچه را که بخواهد ثابت و پابرجا می‌سازد. و امّ الکتاب نزد اوست.

اشاره

نشانه‌ها یکی پس از دیگری نمایان می‌شود، برخی از آن‌ها در زمان ما تحقق یافته، برخی دیگر در زمان نیاکان ما تحقق یافته است. برخی از این نشانه‌ها قطعی و حتمی است و برخی دیگر مشروط. برخی از آن‌ها عام است و برخی دیگر خاص. برخی از آن‌ها به تفصیل بیان شده و برخی دیگر به اجمال. برخی از آن‌ها از نظر زمانی دور از زمان ظهور است و برخی دیگر نزدیک به آن. این نشانه‌ها را همگان می‌بینند ولی این ویژگی‌ها را همگان تشخیص نمی‌دهند، و احیاناً برخی از آن‌ها به یک شرطی متوقف است که اگر تأخیری در آن شرط روی دهد، آن نیز تا روزی که خدا بخواهد به تأخیر می‌افتد.

روایات و احادیثی که این نشانه‌ها را برای ما بیان کرده، گاهی جزئیات آن رویداد را به تفصیل بیان کرده و چیزی از ویژگی‌های آن را ناگفته گذاشته و هنگامی به زبان رمز و اشاره سخن گفته، که چیزی از آن برای ما مفهوم نیست، باید در حدّ اجمال و اعجاز بماند، تا روزی که آن نشانه تحقق یابد، معنای آن حدیث نیز روشن گردد، که بیشتر روایات مربوط به ملاحم و علائم ظهور از این قسم است که برخی از آن‌ها در همین بخش خواهد آمد.

روایاتی که از نشانه‌های ظهور سخن گفته، خرافه نیست، گرافه گویی نیست، رجم به غیب نیست، از آن پیشگویی‌ها نیست که برخی راست و درست در آید و برخی دیگر دروغ، کلی گویی نیست که افراد تیز بین بتوانند شبیه آن‌ها را پیش بینی کنند، بلکه یک

سلسله حقایقی است که دست جعل و تحریف نیز کمتر از هر بخش دیگری با آن ارتباط یافته است. حقایقی است که از مبدأ وحی سرچشمه گرفته، توسط امامان معصوم و راویان مورد وثوق دست به دست گشته و در منابع معتبر درج شده و به دست ما رسیده است. ما هرگز از خرافات و مطالب جعلی و دروغ و نشدنی سخن نمی‌گوئیم، بلکه از اخبار مورد اعتماد سخن می‌گوییم که تحقق یافتن آن‌ها، یکی پس از دیگری، خود بر اعتبار آن‌ها می‌افزاید. اگر چه برخی‌ها در برابر تمام مسائل ماوراء الطبیعی تصمیم قطعی گرفته‌اند که هر چه به نام جهان متافیزیک باشد از آن رویگردان شده و آن را مورد انتقاد و استهزاء قرار دهند، ولی وقوع این نشانه‌ها، یکی پس از دیگری هر گونه شک و تردید را از حریم مسائل مربوط به علائم ظهور برطرف می‌کند. تعداد بی‌شماری از این نشانه‌ها تا عصر ما محقق شده است، و تعداد بسیاری نیز در عصر ما تحقق یافته، که به زودی در ضمن اخبار ملاحم از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت. و تعداد دیگری در شرف وقوع است که به تدریج واقع خواهد شد. پی در هم آمدن و واقع شدن این رخدادها همانند تسلسل طلوع خورشید و غروب آن است. این حوادث نیز همچنان در فواصل مختلف تحقق خواهد یافت. تا سرانجام نشانه‌های بزرگی که در آستانه ظهور تحقق یافتنی است، تحقق پذیرد. به هنگام وقوع آن حوادث، دیگر برای هیچ کس جای شک و تردید باقی نمی‌ماند و هر آدم منصفی یقین پیدا می‌کند که در لحظه وقوع آخرین نشانه، حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور می‌کند. نشانه‌هایی که در آستانه ظهور تحقق خواهد یافت، پنج نشانه است که به آن‌ها علایم حتمی می‌گویند، زیرا در مورد آن‌ها احتمال «بدا» نیست و آن‌ها به طور جزم و یقین واقع شدنی است. این نشانه‌ها از زبان امیر مؤمنان علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام این چنین نقل شده است:

«مِنَ الْمَحْتُمِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خُرُوجُ الشُّقْيَانِيَّ وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْمُتَنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَ خُرُوجُ الْيَمَانِيِّ!»^۱ از نشانه‌هایی که بدون تردید و حتماً پیش از قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - واقع خواهد شد چنین است: ۱- خروج سفیانی ۲- خسف سرزمین بیدا ۳- قتل نفس زکیه ۴- ندای آسمانی ۵- و خروج یمانی.

«الْأَنْدَاءُ مِنَ الْمَحْتُمِ وَ الشُّقْيَانِيُّ مِنَ الْمَحْتُمِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتُمِ وَ كَفُّ

۱. الارشاد للمفيد: ۳۳۶، منتخب الاثر: ۴۵۵، بحار الانوار: ۵۲، ۲۰۶، الزام الناصب: ۱۸۱.

يَطْلُعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَخْتُومِ؛^۱ ندای آسمانی (از نشانه‌های) حتمی (ظهور) است، خروج سفیانی قطعی است، قتل نفس زکیه حتمی است، کف دستی که در آسمان ظاهر خواهد شد حتمی است.^۲

پیشوای ششم نشانه‌های حتمی را چنین می‌شمارد:

«خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَامَاتِ الصَّيْحَةُ وَالْيَمَانِي وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَخُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ»^۳ پنج نشانه پیش از ظهور قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هست: ندای آسمانی، خروج یمانی، خسف سرزمین بیداء، خروج سفیانی، و قتل نفس زکیه.^۴

اینها پنج نشانه‌ای است که نوید دهنده همه خیرها و برکت‌هاست، و در فاصله‌ای کوتاه، در ظرف چند ماه پشت سر هم واقع می‌شود و برای هیچ‌کس جای شک و تردید باقی نمی‌ماند، زیرا فرج بزرگ و شکوهمندی را به دنبال دارد. اما دیگر نشانه‌ها، یک مرتبه، و در فاصله نزدیک به هم واقع نمی‌شود، حتی برخی از آن‌ها در یک قرن واقع نمی‌شوند، بلکه در طول زمان قرن‌های متمادی واقع می‌شوند و به صورت دلایل روشنی بر حقانیت خبرهای ملاحم، یکی پس از دیگری تحقق می‌پذیرند، و از مجموع آن‌ها نزدیک شدن زمان ظهور قطعی می‌شود، ولی نه به آن صورتی که سال و ماه و روز آن مشخص شود، که امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ لَا يَعْجَلُ لِعِجَالَةِ الْعِبَادِ - وَ لَا زَالَهَ جَبَلٍ عَنْ مَوْضِعِهِ أَيْسَرُ مِنْ زَوَالِ مُلْكٍ لَمْ يَنْقُضِ أَجَلُهُ»^۵ خدای تبارک و تعالی برای شتاب بندگان شتاب نمی‌کند، از جای کندن یک کوه آسان‌تر است از ساقط کردن حکومتی که وقت سقوط آن نرسیده است.^۶

طبق این روایت شریف باید مقدرات الهی بر طبق تقدیرات خداوند جاری شود و هر کسی که برای او زمامداری و فرمانروایی مقدر شده باید طبق مشیت حضرت پروردگار دوران حکومتش سپری گردد.

از آن‌جا که روایت مربوط به نشانه‌های ظهور بسیار فراوان و مشابه هم است، تا جایی که برایم ممکن بود روایات مربوطه را دسته‌بندی کرده، هر دسته‌ای را در بخش جداگانه‌ای آورده، تا روایت مربوط به هر حادثه‌ای از روایات حوادث دیگر ممتاز و مشخص گردد و افکار خواننده در تشخیص آن‌ها دچار اضطراب و تشویش نشود، و رنج تحقیق و

دوران ره‌آب
 مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت
 نور الحارثی ظالم القاتل

۱. اعلام‌الوری: ۴۲۶؛ الإرشاد‌للمفید: ۱۳۳۶؛ منتخب‌الآثر: ۴۵۵؛ بحار‌الأنوار: ۵۲، ۲۰۶، ۲۰۷؛ الإرشاد‌للمفید: ۴۳۶؛ منتخب‌الآثر: ۴۵۲ و ۴۵۸.
 ۲. نهج‌الفصاحه: ۲، ۵۲۶؛ بشارة‌الإسلام: ۱۳۹؛ بحار‌الأنوار: ۵۲، ۲۶۶.

تشخیص آن‌ها را نگارنده به قدر امکان متحمل شده، تا خواننده گرامی بدون صرف وقت فراوان، بهره فراوانی ببرد. پیش از آنکه تفصیل و تفسیر مطالب را شروع کنم، نکته‌ای بازگو می‌کنم، و آن اینکه: هنگامی که حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور کند، ظهور او نیازی به نشانه و علامت نخواهد داشت، تشخیص حقیقت او از تشخیص شب و روز آسانتر خواهد بود. نام، نشان، صفات و همه ویژگی‌های او در شرق و غرب جهان همچون نور خورشید خواهد درخشید، افکار همه جهانیان را اعم از زن و مرد، پیر و جوان، سیاه و سفید، عرب و عجم، عامی و باسواد، همه و همه را به خود متوجه خواهد نمود.

ظهور حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هرگز همانند افراد مدعی مهدویت نخواهد بود که در گذشته آمده، ادعا کرده، رسوا شده، کشته شده و فراموش شدند، بلکه ظهور او از طلوع خورشید روشن‌تر خواهد بود، بانگ دعوت او از هر روزنه‌ای همچون تابش نور وارد خواهد شد و به اعماق دل هر انسانی راه خواهد یافت. هر انسانی بدون اینکه نیازی به مبلّغ و مفسر داشته باشد از اعماق دل خود یقین پیدا خواهد کرد که این ندا، ندای روحبخش منجی انسان‌ها، موعود ادیان، هدایت‌گر امت‌ها، نابود کننده ستم‌ها و گستراننده عدالت‌ها، حضرت ولی عصر امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشد.

در اینجا پیش از آنکه به تقسیم بندی بخش‌ها برسم، کلام ارزشمندی را از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کنم که هر فرازی از آن بیانگر آسمانی بودن آن می‌باشد، آنجا که می‌فرماید:

«يُخْرَجُ إِذَا خَفَّتِ الْحَقَائِقُ، وَ لَحِقَ اللَّاحِقُ، وَ ثَقَلَتِ الظُّهُورُ، وَ تَابَعَتِ الْأُمُورُ، وَ اخْتَلَفَتِ الْعَرَبُ، وَ اشْتَدَّ الطَّلَبُ، وَ ذَهَبَ الْعِغَافُ، وَ اسْتَحْوَذَ الشَّيْطَانُ، وَ حَكَمَتِ النُّسُورُ، وَ قَدَحَتِ الْحَوَادِثُ، وَ نَفَثَتِ التَّوَاغِثُ، وَ هَجَمَ الْوَأْيِبُ، وَ عَبَسَ الْعَبُوسُ، وَ أَجْلَبَ النَّامُوسُ، وَ يَفْتَحُونَ الْعِرَاقَ، وَ يُجَمِّمُونَ الشَّقَاقَ بِسَدِّمِ يُسْرَاقُ؛ او هنگامی ظهور می‌کند که حقیقت‌ها کم‌ارج شود و دنباله‌روها از بی‌دین‌ها پیروی کنند، پشت‌ها سنگین شوند (گرفتاری‌ها زیاد شود)، حوادث پیاپی واقع شود، عرب‌ها دچار اختلاف شوند، اشتیاق به ظهور مصلح هر لحظه افزون گردد و خویشتن‌داری از جامعه رخت بریندد و ... شیطان بر همگان مسلط شود، زن‌ها فرمانروایی و سلطنت کنند، حوادث جانکاه و کمرشکنی روی دهد، شکافنده‌ها بشکافند و پیش بتازند، تیرپروازان حمله کنند، دنیا روی ترش کند، رازداران خیانت پیشه هم‌رازان را لو دهند، عراق را فتح کنند و هر نوع

اختلافی را با خونریزی پاسخ گویند.

این روایت به تعبیر دیگری نیز وارد شده است و آن اینکه:

«إِذَا زَهَقَ الزَّاهِقُ، وَ حَقَّتِ الْحَقَائِقُ، وَ لِحِقَ اللَّاحِقُ، وَ تَقَلَّبَتِ الظُّهُورُ، وَ تَفَارَبَتِ الْأُمُورُ، وَ حُجِبَ الْمَشْهُورُ، فَيُفْضَحُونَ الْحَرَائِرَ، وَ يَتَمَلَّكُونَ الْجَزَائِرَ، وَ يَهْدِمُونَ الْحُصُونِ، وَ يَفْتَحُونَ الْعِرَاقَ، وَ يُظْهِرُونَ الشَّقَاقَ بِدَمِ يُرَاقُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرْقُبُوا خُرُوجَ صَاحِبِ الزَّمَانِ!؛^۱ وقتی نابود شدنی‌ها و از بین رفتنی‌ها نابود شوند (باطل از بین برود)، حقیقت‌ها تحقق پیدا کنند، دنباله‌روها از نابخردان پیروی کنند، ظواهر دگرگون شود، کارها به همدیگر نزدیک شود، از سخاوت کریمان جلوگیری شود، آزاد مردان را رسوا و مفتضح کنند، جزیره‌ها را مالک شوند، قلعه‌ها را ویران کنند، عراق را فتح کنند، اختلافات را با خونریزی پاسخ گویند، در چنین زمانی منتظر ظهور صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باشید.»

انسان هنگامی که در برابر سخنان گیرا و شیوای امیر مؤمنان علیه السلام قرار می‌گیرد، اگر اهل فن نباشد ممکن است تصور کند که هر آدم فصیح و بلیغی می‌تواند چنین سخنان مسجع و موزونی را بر زبان بیاورد، اگر اهل فن از دیدگاه رشته تخصصی خود به آن نگاه کنند، در برابر عظمت گوینده آن سر تسلیم فرود آورده آن‌ها را بالاتر از گفتار انسان و پائین‌تر از گفتار خالق متان می‌یابد و هر فرازی را بیانگر حقیقت ارزشمندی می‌یابد که از زبان پیشوای فصیحان و امام بلیغان، مولای پرهیزگاران، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ساطع گشته است، و اینک توضیحی کوتاه در پیرامون فرازهای آن:

«إِذَا حَقَّتِ الْحَقَائِقُ؛ هنگامی که حقیقت‌ها کم ارج شود»

سخن حق، خود والا و پرارج است و به گوینده خود ارزش والایی می‌بخشد، ولی در آستانه ظهور کسی که سخن حق بگوید، نه تنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد، اعتنایی به گفتارش نمی‌شود، بلکه خود نیز به جرم گفتن حق مورد تمسخر و استهزاء قرار می‌گیرد و احیاناً به حبس و شکنجه و تبعید و انزوا محکوم می‌شود و چون دیگر حق‌گویان تاریخ تاوان حق‌گویی‌اش را می‌پردازد.

«وَ لِحِقَ اللَّاحِقُ؛ و دنباله روان از نابخردان پیروی کنند!

منابه و محاکات و تقلید،^۲ مردم را تباه می‌کند، در گمراهی و ضلالت همه از یکدیگر

۱. الزام‌الناصب: ۱۹۴، ۲۰۳ و ۲۰۹؛ بشاره‌الاسلام: ۷۴.

۲. منابه و محاکات همان تقلید است اما بدون توجه. یعنی پذیرفتن چیزی از کسی بدون استدلال و بدون توجه و بدون تنبّه که در واقع این کار بجه‌ها است و اتفاقاً در مورد بجه‌ها یکی از عنایات خاصه پروردگار عالم برای انسان این است که به بجه‌های کوچک قانون

پیروی کرده، اعمال ناروایی یکدیگر را تقلید و محاکات می‌کنند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«حَتَّىٰ لَوْ دَخَلَ أَحَدُهُمْ فِي جُحْرِ ضَبٍّ لَدَخَلْتُمْ فِيهِ!»^۱ اگر یکی از شما در لانه سوسمار وارد شود، همه وارد می‌شوید.»

اگر یکی از آن‌ها به کار خطرناک و جاهلانه‌ای دست بزنند همگان از او تقلید و محاکات می‌کنند، دیگر عواقب شوم و خطرناک آن را نمی‌سنجند و نمی‌اندیشند، پیروی اندیشه و تفکر خود را به کار نمی‌اندازند، و کورکورانه هر یک از آن‌ها به یک حزب و تشکیلاتی می‌پیوندند، زیر یک پرچمی قرار می‌گیرند، بدون تأمل از یک گروه پیروی می‌کنند، هر چه به نام مُد بر آن‌ها عرضه شود می‌پذیرند، روزی از «هیپسیسم»، روزی از «نهیلیسم»، و روز دیگر از یک «ایسم» دیگر پیروی می‌کنند، دیگر احساس وظیفه و مسئولیت از میان آن‌ها رخت بر می‌بندد، اگر یکی آرایش خاصی در مو و لباس داشته باشد بقیه هم از او پیروی می‌کنند و...

«وَتَقَلَّبَتِ الظُّهُورُ؛ پشت‌ها سنگینی‌کنند!»

در آن زمان وضع حیواناتی که پشت آن‌ها برای بارکشی مهیاست، از گردونه خارج می‌شوند، زیرا دیگر سرعت اسب و قاطر در چنین زمانی کند و سنگین به شمار می‌آید و با سرعت الکترونی حاکم بر جهان سازگار نخواهد بود. و اگر جمله فوق به عنوان: «و تقلبت الظهر» خوانده شود، منظور از آن وقوع فتنه‌ها و بروز اختلاف‌ها در میان طوایف مسلمین از عرب و غیر عرب خواهد بود، که هر دو معنی تحقق یافته است.

«وَتَتَابَعَتِ الْأُمُورُ؛ حوادث پیاپی واقع شود!»

وقوع حوادث یکی پس از دیگری، امروزه ملموس‌تر شده، در هر گوشه‌ای از جهان هر روز حادثه‌ای رُخ می‌دهد که موجب از یاد رفتن حوادث قبلی می‌شود، هر روز حادثه‌ای، فاجعه‌ای، انقلابی، سقوطی، عزلی و نصبی واقع می‌شود که حوادث دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، چنانکه در این زمینه آمده است:

«تَوَقَّعُوا آيَاتِ كَنْظِمِ الْخَرَزِ؛^۲ منتظر حوادث پیاپی و به هم پیوسته‌ای همچون دانه‌های

۱. منابه و محاکات داده است. یعنی تابع صددرصد برای مرئی هستند تا مرئی یا پدر و مادر بتوانند خوب بچه را تربیت کنند. معلم بتواند او را تربیت کند.

۲. منابه و محاکات را قرآن شریف مذمت می‌کند؛ و معلوم است کار یک انسان عاقل نیست. تقلید کردن و پذیرفتن چیزی از کسی بدون توجه؛ یا با توجه اما بدون استدلال برای یک عاقل. برای یک مسلمان غلط است. اقتباس از فرمایشات آیت الله مظاهری حفظه الله.

۱. نهج الفصاحة: ۲؛ الملاحم والفتن: ۱۰۷ و ۱۲۲؛ صحیح مسلم: ۵۷: ۸؛ بحار الانوار: ۵۳: ۱۲۷؛ ۲. الملاحم والفتن: ۱۰۲.

گردن بند باشید.»

آری حوادث به یکدیگر مربوط می‌شود، و همچون سرعت برق می‌گذرد.

«وَ اِخْتَلَفَتِ الْعَرَبُ؛ اعراب‌ها دچار اختلاف می‌شوند!»

آری دچار اختلافی شده‌اند که تعبیر بسیار لطیف مرحوم کاشف الغطاء در حق آن‌ها صادق شده، که فرمود: «فَقَدْ اتَّفَقُوا عَلَىٰ أَنْ لَا يَتَّحِدُوا؛ دست اتحاد داده با یکدیگر پیمان بسته‌اند که هرگز در مسئله‌ای اتفاق نکنند! و فرمود: «برای اختلاف و ستیزه‌جویی همه متحد می‌شوند ولی اگر سخن از اتحاد به میان آید همگی اختلاف می‌کنند، گویا اتحاد کرده‌اند که هرگز اتحاد نکنند.»

«وَ اشْتَدَّ الطَّلَبُ؛ اشتیاق به ظهور مصلح هر لحظه افزون می‌شود.

دیگر انسان عاقلی در روی زمین یافت نمی‌شود مگر آن‌که به شدت آرزو می‌کند که آن مصلح غیبی ظهور کرده، جهان بشریت را از چنگال ظلم و ستم رهایی دهد و به جنایت‌ها و خیانت‌ها خاتمه دهد. دیگر همه جا سخن از فراگیر شدن ستم و احساس نیاز به ظهور منجی عالم بشریت می‌شود و همه در انتظار فرا رسیدن روز موعود ثانیه شماری می‌کنند. حتی منکران و ملحدان نیز در راه تأسیس حکومت واحد جهانی و دیگر اهداف آن مصلح الهی، براساس ایده‌ها و اهداف خود تلاش می‌کنند.

«وَ ذَهَبَ الْعَقَابُ؛ خویشتن داری از جامعه رخت بر می‌بندد!

آن عفت و خویشتن‌داری که در شرح زندگانی گذشتگان می‌خوانیم، در جامعه امروزی رخت بر بسته، دیگر نمونه آن یافت نمی‌شود، و کار به جایی رسیده که اگر کسی در موردی عفت به خرج دهد و خویشتن داری کند، به ارتجاع و ضعف فکری متهم می‌شود.

«وَ اشْتَحَوْذَ الشَّيْطَانِ؛ شیطان بر همه چیره می‌شود!

با کمال تأسف بر همگان راه یافته، ریسمانش را محکم به دور گردن‌ها بسته با خود می‌برد. چه کسی از گردونه احاطه او بیرون است تا او را سنگسار کند؟ چه کسی او را در مغز خود جای نداده تا او را لعن کند؟ به جز کسی که خداوند به او عصمت داده و از این ورطه هلاکت او را رهایی بخشیده است.

«وَ حَكَمَتِ النُّشْرَانُ؛ زن‌ها فرمانروایی کنند!

دوران دهان
 در پستان حضرت
 مهدی قائم
 حضرت
 خاتم النبیین
 محمد
 صلی الله علیه و آله
 و آله
 و سلم

پس از آنکه غیرت از میان مردان رخت بربست، زن‌ها همه جا فرمانروا شدند، در خانه‌ها، در وزارتخانه‌ها، در تجارتخانه‌ها، در پارلمان‌ها و در تمام پست‌ها و مقام‌ها، و بر دل و اندیشه اکثریت مطلق انسان‌ها، که در دام شهوت اسیر و مبتلایند.

«وَفَدَحَتِ الْحَوَادِثُ؛ حوادث کمرشکنی روی می‌دهد!

رویدادها بسیار کمرشکن شده و آسایش و آرامش همه ملت‌ها را در شرق و غرب جهان سلب کرده، در سر تا سر جهان ملتی را پیدا نمی‌کنید که در سطح عالی آرامش و آسایش زندگی کنند، بلکه تشویش و نگرانی به همه جا سایه گسترده و دلهره و اضطراب به هر خانه و کاشانه‌ای راه یافته است.

«وَنَفَثَتِ النَّوَافِثُ؛ شکافنده‌ها بشکافند و پیش روند!

چقدر زیباست تعبیر امیر مؤمنان علیه السلام؟! گویا اوضاع جهان قرن بیستم را با دیدگان خود دیده، هواپیماهای کوه پیکر را مشاهده فرموده که چگونه سینه افق را می‌شکافند و پیش می‌تازند، اقطار و اکناف جهان را زیر پَر می‌گیرند و با مواد تخریبی که حمل می‌کنند جهان را در آتش خود می‌سوزانند. خداوند در ظهور فرزندت تعجیل کند و با ظهور او آثار سوء این شکافنده‌ها و پیشتازهای خانمان‌سوز را نابود سازد!

«وَهَجَمَ الْوَأِثِبُ؛ تیرپروازان حمله کنند!»

دشمن صهیونیستی با جنگنده‌های تیز پرواز خود هر روز سرزمین اسلامی ما (جنوب لبنان) را مورد حمله و هجوم قرار داده، آشیانه‌های ما را با بمب‌های خوشه‌ای و شیمیایی ویران می‌کنند، مرگ و فقر و خرابی به ارمغان می‌آورند.

«وَعَبَسَ الْعُبُوسُ؛ دنیا روی ترش کند!»

کابوس یأس و وحشت بر سراسر جهان سنگینی می‌کند، کسی از اعماق دل شادی نمی‌کند، دیگر کسی نفس راحت نمی‌کشد، هر صدایی که از خبر پراکنی‌ها منتشر می‌شود، دل‌ها را می‌فشارد و اعصاب را به هم می‌ریزد و زمین و زمان به روی انسان، روی ترش می‌کند.

«وَأَجْلَبَ التَّامُوسُ؛ رازداران، خیانت ورزیده و موجب دستگیری می‌شوند!»

معتمدین و رازداران به جای امانت خیانت ورزیده، اسرار را فاش ساخته، اخبار را به نفع دیگران فاش کرده، موجبات گرفتاری و دستگیری همراز و هم سنگر خود را فراهم می‌آورند. نزدیکترین دوستان، کاری‌ترین ضربه‌ها را فرود می‌آورند، و بیش از هر دشمن قسم خورده، موجب وحشت و اضطراب می‌شوند.

در پناه حضرت

تقریب

القاء المهرک

در روایت دوم به جای «أَجْلَبَ الثَّامُوشُ» تعبیر: «جَمَسَ الْجَامُوشُ» به کار رفته، که منظور از آن سخن گفتنِ جماد است، که معنای مشخص آن بخش صدا توسطِ رادیو، تلویزیون، ضبط صوت و گرامافون و امثال آنهاست که در همه آنها از یک جماد صدای مورد نظر بر می‌خیزد، و شاید معنای دیگری داشته باشد که گذشتِ زمان آن را معنی کند.

امیرمؤمنان علیه السلام که در آغوش وحی تربیت شده، نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و باب شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله نامیده شده، این سخنان پراچ را چهارده قرن پیش با قاطعیت و صراحت بیان کرده، و ما امروز قسمتی از آنها را درک و لمس می‌کنیم که برای گذشتگان قابل تصور و فهم نبود، بخشی از اخبار ملاحم نیز هنوز کشف نشده، گذشتِ زمان آنها را معنی خواهد کرد.

امیرالمؤمنین در حدیثی دیگر با عبارت زیبا و کوتاهی چنین می‌فرماید:

«...وَأَنْجَدَ الْعَيْصُ، وَأَرَاعَ الْقَنْيِصُ، وَكَثُرَ الْقَمِيصُ؛^۱ هنگامی که جنگل‌ها خشک شود،

شکارچیان همه را به وحشت اندازند، اضطراب، نفرت و مهاجرت زیاد شود، در چنین

زمانی....»

امیرالمؤمنین علیه السلام آن استاد فصاحت و امام بلاغت خبرهای مربوط به آخرالزمان را در این گفتار شیوای خود با الفاظی زیبا و تعبیراتی گیرا، در قالب کلماتی موزون بیان کرده است که در ادامه به شرح فقرات آن می‌پردازیم:

«أَنْجَدَ الْعَيْصُ؛ جنگل‌ها خشک شوند»

در پی مشغول شدن مردم به جنگ‌ها و پیش آمدن فتنه‌ها و رویدادهای گوناگون، و یا در اثر قحطی و کمی باران، جنگل‌ها، مَرغزارها، چمنزارها و باغ‌ها و بستان‌ها خشک و تبدیل به صحرائی سوزان و دشت بی‌آب و علف می‌شوند، و یا در اثر بمب‌های شیمیایی و دیگر مواد تخریبی دچار حریق می‌شوند، و یا در اثر بمب‌های اتمی و هیدروژنی زیر و رو شوند و یا به دلایل دیگری که گذشتِ زمان آن را معنی خواهد کرد.

«وَأَرَاعَ الْقَنْيِصُ؛ شکارچیان به وحشت اندازند»

شکارچیان در سیمای جدیدشان همچون هواپیما ربایی، آدم ربایی و... علاوه بر آن که موجب وحشت و اضطراب همگان می‌شوند، سبب آن شده‌اند که دیگر کسی با خیالی

مهدی قائم علیه السلام

راحت نتواند مسافرتِ هوایی کند، زیرا نمی‌داند که هواپیما پس از فاصله گرفتن از فضای فرودگاه با چه حوادثی روبرو خواهد شد و مسافران در برابر چه درخواست‌هایی به عنوان گروگان در انتظار سرنوشت مبهم قرار خواهند گرفت؟! یا همانند آدم ربایی که در لبنان امروز رواج یافته، و انسان‌های سرشناس دزدیده می‌شوند و در برابر پول‌های گزاف و یا به دنبال یک سری معاملات سیاسی آزاد می‌گردند و یا دیگر شکارچینی که حوادثی جانکاه به وجود آورده، همه را به وحشت و اضطراب وا می‌دارند.

«وَكثُرَ الْقَمِيصُ: اضطراب‌ها و مهاجرت‌ها فراوان شود!»

امروزه نه تنها مهاجرت از کشوری به کشور دیگر، از شهری به شهری دیگر، از روستاها به شهرها فراوان شده، حتی مهاجرت به صورت گریز و فرار از این اطاق به آن اطاق، از این گوشه اطاق به آن گوشه اطاق فراوان شده است، چنانکه در کشور خودمان (لبنان) از ترس حمله‌های هوایی دشمن صهیونیستی، هر لحظه از نقطه‌ای به نقطه‌ای پناه می‌بریم. در این کشور آیا در مدت هفت سال گذشته کسی پیدا می‌شود که خواب راحتی کرده باشد؟! و اینکه در آستانه گذشته کسی پیدا می‌شود که خواب راحتی کرده باشد؟! و اینکه در آستانه هشتمین سال جنگ هستیم و خدا می‌داند که چه سرنوشتی در انتظار ماست؟!

إِذَا ضَاحَ النَّاقُوسُ وَكَبَسَ الْكَابُوسُ وَتَكَلَّمَ الْجَامُوسُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ عَجَائِبٌ، وَآيٌ عَجَائِبٌ؛ هنگامی که ناقوس به صدا در آید، سایه شوم کابوس به همه جا سنگینی کند و جاموس سخن بگوید، در چنین زمانی شگفتی‌ها پدید خواهد آمد، تو چه می‌دانی که چه شگفتی‌هایی روی خواهد داد.»

ناقوس، به معنای زنگ، زنگ خطر، بیدار باش و یا هر صداکننده است که انسان را از چیزی بیم دهد یا از فرا رسیدن وقت چیزی خبر دهد. در اینجا منظور از ناقوس، بانگ جبرئیل امین است که در تمام اقطار و اکناف جهان طنین خواهد انداخت.

کابوس، رؤیاهای وحشت‌انگیز، فاجعه‌های رعب‌انگیز و هر حادثه شوم و تلخی است که سایه سنگین خود را بر افق زندگی بیفکند و زندگی را با وحشت و اضطراب توأم کند، در اینجا خسف سرزمین بیدا و هلاکت سپاه سفیانی در آن سرزمین منظور شده است. جاموس، به معنای هر شیء جامدی است، که در عصر ما سخن گفتن جاموس تحقق

یافته و نمونه های فراوانی همچون رادیو، تلویزیون، تلفن، تلکس، گرامافون، ضبط صوت و امثال آنها از مصادیق آن است.

و در برخی از نقل‌ها این جمله نیز اضافه شده: «وَ إِذَا أُنَارَ النَّارِ قَيَّصَرَ»^۱ یعنی: هنگامی که پادشاه روم آتش جنگ را شعله‌ور سازد، و شاید منظور از پادشاه روم یکی از زمامداران مغرب زمین باشد، که امروزه آثار تلخ این آتش افروزی‌ها در تمام کشورهای اسلامی نمایان است. امروزه آتش افروزان غربی و برادران شرقی آنها تلاش‌های خود را در دو نقطه متمرکز کرده‌اند و همه ابعاد دیگر زندگی را در مرحله بعدی قرار داده‌اند، آن دو نقطه عبارت است از: ۱- تلاش فراوان برای ساختن، توزیع، بازاریابی، بذل و بخشش ابزار و ادوات جنگی. ۲- تلاش بی‌امان برای شعله‌ور ساختن آتش جنگ، دامن زدن به اختلافات نژادی، قبیله‌ای، مرزی، مذهبی، عقیدتی و غیره. در هر منطقه‌ای آشوبی به نام انقلاب، به رنگ‌ها و شکل‌های مختلف بر پا کرده، منابع زیرزمینی آنها را به یغما برده، مرگ و فقر و اختلاف‌های داخلی و خارجی را برای آنها به ارمغان می‌آورند. تا مصلح کل جهان ظهور کرده، به اختلاف‌ها و جنگ‌ها و نابسامانی‌ها خاتمه داده، صلح و صفا و صمیمیت را در سر تا سر گیتی برقرار سازد. در این باره روایتی دیگر نیز از امیرمؤمنان علیه السلام وارد شده است که در ادامه آن را نقل می‌کنیم:

«وَلِذَلِكَ عَلامَاتٌ ... وَ كَشْفُ الْهَيْكَلِ وَ خَفَقُ رَایَاتٍ حَوْلَ الْمَسْجِدِ الْأَكْبَرِ تَهْتَرُ يُشْبِهْنَ بِالْهُدَى ... وَ قَتْلُ سَرِيعٍ وَ مَوْتُ ذَرِيعٍ»^۲ برای این کار نشانه‌هایی است که از آن جمله است: کشف هیکل، به اهتزاز در آمدن سه پرچم برافراشته شده که هر سه مشابه پرچم حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است، کشتارهای بی‌امان و مرگ‌های زودرس و ناگهانی، و ...»

قریب یکهزار و چهار صد سال پیش این کلمات دُرربار از زبان مبارک مولای متقیان، امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده، و اینک ما چنین روزهایی را با چشم خود می‌بینیم و به گوینده آن درود می‌فرستیم و به پیروی او مباحثات می‌کنیم.

منظور از «هیکل» که در روایت آمده حضرت سلیمان علیه السلام است که در عصر آن حضرت در شهر بیت المقدس معبد بسیار باشکوهی قرار داشت که پایه‌های آن بر روی سیصد و شصت ستون از مرمر گرانبها و کمیاب استوار بود و در آن ده‌ها سنگ قیمتی،

۱. بشارة الإسلام: ۷۳، الزام‌الناصب: ۱۹۴، ۲۰۴ و ۲۰۹. ۲. بشارة الإسلام: ۵۸، ۶۷ و ۷۳، الزام‌الناصب: ۱۷۶، بحار الانوار: ۵۲، ۲۷۳.

مهدی قائم علیه السلام

الواح و نوشته‌های شگفت‌انگیز وجود داشت که هر بیننده‌ای را مبهوت می‌ساخت. زمین آن از بلور شفاف مفروش بود و آب‌ها از زیر آن روان بود که بلقیس آن را دریاچه پنداشت و دامنش را بالا زد که از روی آب عبور کند و به بارگاه حضرت سلیمان باریابد. پرده داران به او تذکر دادند که آب‌ها از زیر یک پوشش بلورین روان است!

از دیگر شگفتی‌های آن تخت حضرت سلیمان علیه السلام بود که بر روی چیزی شبیه یک شیر قرار داشت، پلکان آن عبارت از دست‌های پهن شده شیر بود که حضرت سلیمان پا روی آن‌ها نهاده، بر تخت قرار می‌گرفت. هنگامی که حضرت سلیمان اراده می‌کرد بر تخت بنشیند، تخت با سرعت شگرفی نزدیک می‌آمد و حضرت سلیمان بر آن می‌نشست و آنگاه با یک عقب‌گرد جالب به جایگاه اولیه خود باز می‌گشت. و از دیگر عجایب و شگفتی‌هایی که در آن وجود داشت جنبه فنی و معماری و نقش و نگار خارج از وصف آن بود که هر بیننده‌ای را به تعجب و شگفتی وا می‌داشت.

در عصر ما یهود تلاش فراوان دارد که آن را کشف کند، قسمتی از محل آن در زیر مسجد اقصی و قسمتی دیگر در زیر کلیسای قیامت قرار گرفته است. پرچم‌های سه‌گانه در کنار همین مسجد به اهتزاز درخواهد آمد.

اکنون که من این سطور را می‌نویسم، سرخ‌هایی از هیکل به دست آمده است و رژیم اشغالگر قدس با تلاشی بی‌امان برای کشف دقیق آن می‌کوشد.

آنچه در روایت گفته شده که این پرچم‌ها مشابه پرچم‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، به این سبب است که هر یک از صاحبان آن پرچم‌ها ادعای حقانیت و دعوت به حق می‌نمایند، همه آن‌ها ادعای جنگ با رژیم اشغالگر یهود را می‌کنند، و حال آن‌که خودشان به آئین اسلام عمل نمی‌کنند و از انجام اولین و بدیهی‌ترین نشانه‌های اسلام (نماز و روزه) محروم هستند و آنچه برای آن‌ها نقش حیاتی دارد چیزهایی در سطح ناسیونالیسم و تعصبات نژادی است.

جمله «کشتارهای بی‌امان و مرگ‌های زودرس و ناگهانی» دقیقاً امروز تحقق یافته، هر روز صدها و هزارها نفر در زیر توپ‌ها، موشک‌ها، مسلسل‌ها و دیگر ادوات جنگی رژیم اشغالگر یهود و هم‌پیمانان آنان، جان می‌سپارند. و اینک علایم ظهور و نشانه‌های نزدیک شدن نهضت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ضمن چهار بخش، با ترتیب و نظم خاصی به خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود.



فصل شانزدهم

مردم آخرالزمان

قبل از آن که نشانه‌های مردم آخرالزمان را بیان کنیم، نکته‌ای را یادآور می‌شویم و آن اینکه:

ما مردم این عصر ویژه که فضا را مسخر دستان خویش کرده و اتم را شکافتیم و علوم زمان ما به شکوفایی بیش از پیش رسیده‌اند، زمانمان را دوران ایمان به ارزش‌ها و معیارها، و سپری شدن ضد ارزش‌ها می‌دانیم و می‌نامیم. حال با این وضع شایسته است که واقعیت‌ها را بپذیریم و در مقابل حقایق تسلیم باشیم. باید آنچه را که بر سر انسان در این دوران آمده است، بپذیریم و آن را باور کنیم.

تا آنجا که ما می‌دانیم هر امت و ملتی گام در وادی گمراهی گذاشت، با یک فاجعه آسمانی یا زمینی نابود شد و اثری از او باقی نماند.

ما این مطلب را فقط از پیامبران نیاموخته‌ایم، بلکه صفحات تاریخ زندگی انسان‌ها نیز شاهد این گفتار است. اگر صفحات تاریخ را ورق بزنیم با تمدن‌های فراوانی در گذشته آشنا می‌شویم که روزگاری بر منطقه پهناوری درخشیده، ولی هنگامی که از ناموس فطرت و آئین خلقت سربلندی نموده، دچار سوانح شده و در کام طوفان‌ها فرو رفته، و در بوتۀ فراموشی قرار گرفته‌اند. این‌ها اثر وضعی فرورفتن جوامع در طغیان و سرکشی از خداوند است، اگر چه ظاهراً یک سانحه و فاجعه همچون زلزله، طاعون، وبا، جنگ و نظیر آن‌ها، بهانه شده است.

اگر صفحات تاریخ این درس را به ما می‌آموزد، ما چرا به خودمان دروغ بگوییم و خود را گول بزنیم؟! چرا به ندای فطرت گوش ندهیم که از اعماق درون خود در می‌یابیم که به ما می‌گوید:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾؛ آیا خیال می‌کنید که ما شما را

بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نخواهید گشت؟!۱

چه کسی است که این پرسش را از اعماق جان خود نشوند که: از کجا و برای چه آمده‌ام و عاقبت به کجا خواهم رفت؟! آیا این آمدن صرفاً برای خوردن و نوشیدن و بازی کردن در مکانی آزاد، و پشت سر هم آمدن شب و روز، و سپس مردن و نیست شدن و فراموش شدن است؟!۲

عقل سلیم که بر اساس اعتقاد به حقایق استوار باشد آن را نمی‌پذیرد و می‌گوید: من هرگز بیهوده آفریده نشده‌ام! کسی که این پاسخ را از اعماق دلش دریافت می‌کند، باید از قوانین طبیعت سرپیچی نکند، در رفتار خود تجدید نظر نماید، هدف اساسی و علت نهایی جهان آفرینش را مورد مطالعه دقیق قرار دهد، در تعیین سرنوشت خویش و دیگران دقت کند، تا در کشیده شدن انسان‌ها به سمت منجلاّب تباهی و هلاکت سهیم نباشد، و خود در دره گمراهی سقوط نکند، پس از آنکه از مطالعه تاریخ امت‌ها در می‌یابد که طبیعت نسبت به کسی که از آئین فطرت سرپیچی کند، بی رحم است، و از کسی که به حریم قوانین خلقت تجاوز کند، انتقام می‌گیرد، کجا رسد به کسی که به حریم قوانین الهی تجاوز کند. از سوی دیگر طبق نشانه‌هایی که در همین بخش می‌خوانیم، بدون شک ما اهل آخرالزمان هستیم و نشانه‌های آخرالزمان یکی پس از دیگری واقع شده و یا در حال واقع شدن است. و هم اکنون ما منتظر فرا رسیدن همه حوادثی هستیم که برای اهل آخرالزمان وعده داده شده است.

اشکال بزرگ ما این است که از یک سو می‌پذیریم که ما اهل آخرالزمان هستیم، و از سوی دیگر با تمام قدرت به سوی حوادث جانکاهی که برای مردم آخرالزمان نوید داده شده می‌شتابیم، درست مانند کسی که آتش فروزانی را می‌بیند و خود را به درون آن می‌افکند! آری! زمان ما، همان آخرالزمان است که رسول گرامی اسلام ﷺ و جانشینان معصوم آن بزرگوار وعده داده‌اند، و به هنگام ارشاد مردمان و کاشتن درخت ایمان در کشتزار دل آنان، به تناسب‌های مختلف از آخرالزمان و مردمان آن سخن گفته‌اند و صفات آن‌ها را آنچنان دقیق بیان کرده‌اند که امروز با مطالعه آن‌ها هیچ تردیدی نداریم در اینکه ما اهل آخرالزمان هستیم و همه نویدهای معصومان در مورد همین عصر ماست

در پناه حضرت

۵

۶

۷

۸

که در آن زندگی می‌کنیم. و اینک نمونه‌هایی از کلمات گهربارِ معصومین علیهم‌السلام در این زمینه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا أَلَدَى بَعْدَهُ شَرٌّ مِنْهُ!؛ هیچ زمانی پیش نمی‌آید جز اینکه زمان بعدی بدتر از آن است.»

هنگامی که زمان‌ها را در نظر می‌گیریم و دوران‌هایی را که پس از رحلت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر مسلمانان گذشته، مورد مطالعه قرار می‌دهیم، می‌بینیم که گرفتاری‌ها و مشکلات از لحظه رحلت آن حضرت شروع شده است. به دنبال رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از آنکه جسد مبارکش دفن شود، درخت فتنه جوانه زد و هر لحظه رشد و نمو کرد و هر روز و ماه و سال و قرنی که بر امت اسلامی می‌گذرد پایه‌های فتنه‌ها عمیق‌تر و شاخه‌های فتنه پُر بارتر می‌گردد، باری تلخ‌تر از حنظل و سوزاننده‌تر از آتش! و امروز به اوج خود رسیده، ریشه همه نیکی‌ها را می‌سوزاند و در بوستان بشریت، شاخ و برگ باقی نمی‌گذارد. و از اینجا در می‌یابیم که زمان ما بدترین زمان‌هاست، زیرا همه شرها و گرفتاری‌ها به اوج خود رسیده است. و اینک زمانی است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقایسه زمان ما با زمان رسالت فرموده است: «شما در زمانی هستید که اگر کسی یک دهم تکالیفش را انجام ندهد هلاک می‌شود، و به زودی زمانی فرا می‌رسد که اگر کسی یک دهم وظائفش را انجام بدهد نجات می‌یابد.»

۱۰
ها

در سینه حضرت
مهدی قائم علیه السلام

جای بسیار تأسف است که آن یک دهم را نیز انجام ندهیم تا رهایی یابیم. بسیار جای تأسف است که ما مرد عمل نیستیم و فقط حرف می‌زنیم، از زبان‌های ما سخنانی شنیده می‌شود که با رفتارمان تطبیق نمی‌کند و این‌ها همان صفات بارز آخرالزمان است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چهارده قرن پیش فرموده است:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هُمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَ شَرُّهُمْ مَتَاعُهُمْ قَبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ وَ دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَ دَنَائِرُهُمْ أَوْلِيكَ شَرُّ الْخَلْقِ لَا خَلْقَ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ!؛ برای مردم روزگاری فرا می‌رسد که تنها هم و غمشان شکم آن‌ها، شرافت آن‌ها تجملات زندگی آن‌ها و سرمایه‌هایشان خواهد بود، قبله آن‌ها همسرانشان، دین و آئین آن‌ها درهم و دینارشان می‌باشد، آن‌ها بدترین خلایق هستند، آن‌ها نزد خدا ارج و مقامی ندارند.»

و الخلق في ظل
الملك

آری همه صفات یاد شده در این حدیث، در عصر ما محقق شده، و اینکه بزرگترین هم و غم مردم شکم آن‌ها، شرف و آبروی آن‌ها تجملات زندگی آن‌ها، دین و آئین آن‌ها

در هم و دینارشان و بزرگترین آرزوی آنها تأمین خواسته‌های همسرانشان می‌باشد.

«سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يُخَيَّرُ فِيهِ الرَّجُلُ بَيْنَ السُّعْجُرِ وَالْفُجُورِ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَخْتَرْ الْعَجْزَ عَلَى الْفُجُورِ؛^۱ برای مردمان زمانی می‌رسد، که انسان میان ناتوانی و نابکاری معیّر می‌شود، هر کس چنین زمانی را درک کند، ناتوانی را بر فساد و تباهی برگزیند.»

صالحان و خوبانِ زمانِ ما از کارهایی که دیگران انجام می‌دهند ناتوان نیستند، بلکه از فساد و تباهی گریزان هستند و نابخردان، خیال می‌کنند که آنها ناتوان هستند.

«لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَ كُمْ فَيَدْعُو خِيَارَ كُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛^۲ باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه بدکاران بر شما مسلط خواهند شد و خوبان هر چه دعا کنند مستجاب نخواهد شد.»

این نیز محقق شده، امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنیم و بدکاران بر ما مسلط شده اند و دعاهای خوبان مستجاب نمی‌شود. همه این گرفتاری‌ها عکس‌العمل و بازتاب کارهای خودمان است و خداوند به کسی ستم روا نمی‌دارد.

«فَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرَّبَا وَ يَتَعَامَلُونَ بِالرِّشَى وَ يُوَضِّعُ الدِّينُ وَ تَرْفَعُ الدُّنْيَا؛^۳ در آن زمان (آخرالزمان) ربا شایع می‌شود، معامله‌ها و کارها با رشوه صورت می‌پذیرد، مقام و ارزش دین پایین می‌آید و دنیا در نظر آنها ارزش پیدا می‌کند.»

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَا، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ عِبَارُهُ؛^۴ برای مردم زمانی می‌رسد که هیچ‌کس یافت نمی‌شود جز اینکه آلوده به ربا می‌شود، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می‌رسد.»

مگر غیر از این است که سیستم بانکی آغشته به ربا در همه کشورهای اسلامی رائج شده به نحوی که حتی علما و اندیشمندی که با ربا مبارزه می‌کنند، خودشان از رهگذر روابط اجتماعی و اقتصادی با آن آلوده می‌شوند، و اینک اثر وضعی شیوع و همه گیر شدن ربا و رشوه:

«مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرَّبَا، إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنَّةِ وَ مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرِّشَى إِلَّا أَخَذُوا بِالرُّعْبِ؛^۵ هر قومی که ربا در میان آنها شایع شود، دچار غفلت و بی خبری می‌شوند. و هر قومی رشوه در میان آنها رائج شود دچار ترس و وحشت می‌شوند.»

با همه گیر شدن سیستم نحس بانک‌داری مخلوط به ربا، تمام امت‌های اسلامی در

۱. نهج الفصاحة ۲: ۲۷۲، نهج الفصاحة ۲: ۲۷۰؛ بشارة الإسلام: ۳، ۲۷. بشارة الإسلام: ۴، ۲۶. نهج الفصاحة ۲: ۵۰۰.

۵. نهج الفصاحة ۲: ۵۵۷، الزام الناصب: ۱۸۲.

خواب غفلت فرو رفته‌اند، و با شیوع رشوه‌خواری ترس و اضطراب و دلهره و وحشت در گوشه کنار سرزمین‌های اسلامی و غیر اسلامی حاکم گشته است.

«يَكُونُ أَشْعَدَ النَّاسِ بِالدُّنْيَا لِكَعْبِ بْنِ لُكْعٍ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ؛^۱ خوشبخت‌ترین مردم در دنیا افراد پست و نادان خواهند بود، که به خدا و رسول ﷺ ایمان نخواهند داشت.»

آری نابخردان، در ناز و نعمت فرو رفته، در خواب غفلت خرگوشی فرو رفته‌اند ولی اندیشمندانی که اهل یقین هستند هرگز آسایش و آرامشی ندارند. اثر وضعی این نوع زندگی همان است که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ أَشْلَافًا: الْأَوَّلُ فَلِأَوَّلٍ، حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا حُثَالَةٌ كَحُثَالَةِ التَّمْرِ وَالشَّعِيرِ، لَا يُبَالِي اللَّهُ بِهِمْ؛^۲ صالحان یکی پس از دیگری از دنیا می‌روند و دیگر نشانه‌ای از صالحان باقی نخواهد بود جز به اندازه تفاله خرما و نخاله جو که خداوند اعتنایی به آن‌ها نمی‌کند.»

با کمال تأسف این نشانه‌ها نیز تحقق یافته و به اثر وضعی آن دچار شده‌ایم، دیگر خداوند اعتنایی به ما ندارد، و گرنه قسمتی از این گرفتاری‌ها را از ما رفع می‌کرد.

«سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسُنُ فِيهِ عُلَايَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَكُونُ أَمْرُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُ خَوْفٌ يَعْمَهُمُ اللَّهُ مِنْهُ بِعِقَابٍ قَيِّدُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛^۳ زمانی بر امت من می‌آید که در آن زمان درون آن‌ها پلید می‌شود ولی ظواهر آن‌ها به طمع دنیا آراسته می‌شود، به آنچه در پیشگاه خداوندی است دل نمی‌بندند، کارشان ریا و تظاهر است، خوف از خدا به دلشان راه پیدا نمی‌کند و خداوند آن‌ها را به عذابی فراگیر دچار می‌سازد، آن‌ها خداوند را همچون آدم غریق (کسی که در آب غرق می‌شود) می‌خوانند و خداوند دعایشان را مستجاب نمی‌کند.»

«أَوَّلُ مَا يُرْفَعُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْحَيَاءُ وَالْأَمَانَةُ؛^۴ اولین چیزی که از این امت برداشته می‌شود حیا و امانت است.»

سلام بر حیا و امانت آن هنگام که در میان این امت زنده بودند، و درود بر آن‌ها هنگامی که از میان این امت رخت بر بستند.

«إِذَا ظَهَرَتِ الْفَوَاحِشُ كَانَتِ الرَّجْفَةُ وَإِذَا جَارَ الْحُكَامُ قَلَّ الْمَطَرُ وَإِذَا غُرَّرَ بِأَهْلِ الذِّمَّةِ ظَهَرَ الْقَدُوءُ؛^۵ هنگامی که روابط نامشروع شیوع پیدا کند زلزله زیاد می‌شود، هنگامی که

دودان رهاب
 در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 تَمَّتْ خَلْقُ الْعَالَمِ فِي غَلَاةِ الْمَلْأَمَةِ

۱. نهج الفصاحة ۲: ۵۱۷ و ۵۰۰، نهج الفصاحة ۲: ۶۴۶، منتخب الأثر: ۴۲۶؛ بحار الأنوار ۵۲: ۱۹۰؛ بشارة الاسلام: ۷۵.

۲. نهج الفصاحة ۱: ۱۹۷؛ الامام المهدی: ۵، ۲۱۹؛ نهج الفصاحة ۱: ۲۲.

زمامداران ستم پیشه کنند باران کم می بارد، و هنگامی که با اهل ذمه^۱ با مکر و حيله رفتار شود دشمن مسلط می شود.»

«يُضِيحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُغْسِي كَافِرًا، وَيُغْسِي مُؤْمِنًا وَيُضِيحُ كَافِرًا!، يَبِيعُ أَحَدُكُمْ دِينَهُ بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا قَلِيلٍ؛ أَسْبَغَ صَبِيحًا، انْشَأَ مُؤْمِنًا وَشَبَّ كَافِرًا اسْتِ وَكَأْسًا انْشَأَ مُؤْمِنًا وَصَبَّ كَافِرًا اسْتِ دِينَ خُودِ رَابِعًا بِهَائِ انْدَكِي از زيورِ دُنْيَا مِي فَرُوشَد.»

امام صادق عليه السلام نیز در این زمینه می فرماید:

«بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُضِيحُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مُؤْمِنًا وَيُغْسِي كَافِرًا، وَيُغْسِي مُؤْمِنًا وَيُضِيحُ كَافِرًا. يَبِيعُ أَقْوَامٌ دِينَهُمْ بِعَرَضٍ الدُّنْيَا؛ قَبْلَ از ظَهْرٍ، فِتْنَةُ هَائِي هَمَّجُونِ تِيرْگِي هَائِي شَبِّ وَاقِعِ مِي شُود، انْشَأَ، اَوَّلِ صَبِيحِ مُؤْمِنًا وَآخِرِ رُوزِ كَافِرًا اسْتِ وَشَبِّ، مُؤْمِنًا وَصَبَّ، كَافِرًا اسْتِ. عَدَّهَائِي از مَرْدَمِ، دِينَ خُودِ رَابِعًا بِهَائِ انْدَكِي از مَتَاعِ زُودْگَزَرِ دُنْيَا مِي فَرُوشَنَد.»

این حدیث دقیقاً با اوضاع نسل جوان امروزی منطبق است که از دین و آئین روی برتافته، به احزاب و مکتب‌های سیاسی روی آورده، صبح در حزبی و عصر در حزبی دیگر ثبت نام می‌کنند، امروز در یک خط و فردا در خطی دیگر قرار دارند، صبح در مکتبی و عصر در مکتبی دیگر تلاش می‌کنند.

این حدیث از امام باقر عليه السلام نیز به این تعبیر نقل شده است:

«يُضِيحُ أَحَدُكُمْ وَهُوَ يَرِي أَنَّهُ عَلَيَّ شَرِيعَةٌ مِنْ أَمْرِنَا فَيُغْسِي وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا وَيُغْسِي وَ هُوَ عَلَيَّ شَرِيعَةٌ مِنْ أَمْرِنَا فَيُضِيحُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا؛^۲ يَكُونُ از شَمَا صَبِيحِ مِي كُنْدِ در حَالِي كِه پِيرُورِ آئِينِ مَا دِيدِه مِي شُود، وَ شَبِّ مِي كُنْدِ در حَالِي كِه از آئِينِ مَا پِيرُونِ رَفْتِه اسْتِ. يا اَوَّلِ شَبِّ در آئِينِ مَا مِي بَاشَد وَ صَبَّ از آن خَارِجِ مِي شُود.»

از امام جواد عليه السلام نیز این معنا چنین نقل شده است:

«وَقَبْلَ ذَلِكَ فِتْنَةٌ شَرٌّ: يُغْسِي الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُضِيحُ كَافِرًا، وَيُضِيحُ مُؤْمِنًا وَيُغْسِي كَافِرًا. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَكُنْ مِنْ أَخْلَاسِ بَسِيتِه؛^۳ پَسِيشِ از آن رُوزِ مَوْعُودِ، فِتْنَةُ بَدِي وَاقِعِ خُواهد شد كِه انْشَأَ شَبِّ مُؤْمِنًا اسْتِ وَ صَبَّ كَافِرًا و يا يا در حَالِ اِيْمَانِ صَبَّ كَرْدِه، در حَالِ كَفَرِ شَبِّ مِي كُنْدِ. هَر كَسِ چنينِ زَمَانِي را در كِ كُنْدِ تَقُوا پِيشِه كُنْدِ وَ گَلِيمِي از گَلِيمِ هَائِي خَانِه_اش بَاشَد.»

منظور امام عليه السلام این است که در چنین زمانی در خانه‌های خود پابرجا باشید و گرفتار و

در پناه حضرت
فان
في
الفا
المهم
المراد
الله

۱. اهل کتاب که در پناه اسلام هستند؛ اقلیت‌های مذهبی. ۲. نهج الفصاحة ۱: ۲۱۶؛ ۲: ۵۱۰.

۳. الغيبة للطوسي: ۲۰۶؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۰۱؛ الغيبة للتمتعي: ۱۱۰؛ الزم الناصب: ۴۷۹. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۹؛ منتخب الأثر: ۴۳۷.

وارد این فتنه‌ها نشوید.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

«إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ حَتَّى يَظْهَرَ الطَّاهِرُ بْنُ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ ذُو الْغَيْبَةِ الشَّرِيدِ الطَّرِيدِ إِنَّ الْفِتْنَةَ عَلَى مَنْ أَتَارَهَا وَإِنَّهُمْ لَا يُرِيدُونَكُمْ بِحَاجَةٍ إِلَّا أَنَّهُمْ اللَّهُ بِشَاغِلٍ لِأَمْرِ يُعْرَضُ لَهُمْ؛^۱ هنگامی که چنین زمانی فرارسد، گلیم خانه خود باشید تا خداوند ظهور امام غائب، غریب و فراری را که پاکیزه و پسر پاکیزه است، را فراهم سازد. هر کس فتنه‌ای به پا کند، خودش گرفتار همان فتنه خواهد شد. هر وقت برای هدفی شما را مورد هجوم قرار دهند خداوند برای آن‌ها حادثه‌ای پدید خواهد آورد که سرشان آنجا گرم شود و از شما غافل شوند.»

پیشوای ششم شیعیان در حدیث دیگری می‌فرماید:

«كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ الزُّمُّوا بِيُوتِكُمْ فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ تَخْشَوْنَ بِهِ أَبَدًا؛^۲ مواظب زبان‌های خود باشید و هر حرفی را نزنید، از خانه‌های خود بیرون نروید که هرگز حادثه‌ای برای شما پیش نمی‌آید که اختصاص به شما داشته باشد.»

آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ادامه نشانه‌های دوران آخرالزمان می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ يَمْتَنُونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَتَّعُونَ بِرَحْمَتِهِ وَ يَأْمَنُونَ بِسَطْوَتِهِ وَ يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَ الْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ وَ السُّخْتِ بِالْهَدْيَةِ وَ الرَّبَا بِالنَّبِيذِ؛^۳ قطعاً این امت به اموال خود آزمایش می‌شوند، با دین خود بر پروردگارشان منت نهاده، به رحمت او امیدوار و از خشم او در امان بوده، با شبهه‌های دروغین و وسوسه‌های خلاف، پای در حریم محرمات می‌گذارند: مشروب را به نام نبیذ، رشوه را به نام هدیه و ربا را به نام داد و ستد، حلال پنداشته؛ می‌خورند.»

و اینها حوادث تلخ روزگار ماست که بول را به جای معبود می‌پرستند و با نماز و روزه

بر خدای منت گذاشته و انواع محرمات را با تحلیل‌های غلط خود مرتکب می‌شوند.

«إِذَا كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ، وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ، وَ أَمْرَتْ أُمَّتِي بِهِ، وَ نُهِىَ عَنِ الْمَعْرُوفِ، وَ يُنْكَرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛^۴ هنگامی که ستم و تباهی فراوان شود، منکر آشکار گردد، امت من امر به منکر و نهی از معروف کنند، امر به معروف و نهی از منکر را فراموش کنند.»

۱. الغيبة للعلوسی : ۲۰۶؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۳۸؛ الامام المهدي : ۲، ۹۶. بحار الانوار ۵۲: ۱۳۹. ۳. الامام المهدي : ۱۵۸.
۲. الزم الناصب : ۱۸۲ و ۶۴.

«إِذَا صَارَ النَّاسُ سَمَاعِينَ لِلْكَذِبِ، أَكَالِينَ لِلشَّحْتِ، يَسْتَحِلُّونَ الرِّبَا وَالْخَمْرَ وَالْمَقَالَاتِ
وَالطَّرَبِ وَالْمَعَارِفِ؛^۱ هنگامی که مردم به دروغ گوش فرا دهند، حرام و رشوه بخورند،
ربارا جایز بشمارند، شراب و قمار و لهو و لعب را حلال بدانند...»

درست آنچنانکه ما هستیم و در جامعه ما حکم فرماست که حتی مراسم مذهبی نیز با
لهو و لعب آمیخته است!

«إِذَا تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَتَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَتَحَابُّوا عَلَى الْكُذِبِ وَتَبَاغَضُوا
عَلَى الصُّدْقِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَيْظًا وَالْمَطْرُ قَيْظًا؛ هنگامی که مردم برای کارهای
ناشایست با هم همکاری کنند، و در احکام مذهبی از یکدیگر دوری جویند، برای
دروغ همدیگر را دوست بدارند و برای راستگویی از یکدیگر قهر کنند... اگر این ها واقع
شود، فرزندان عاق و الدین می شوند، باران کمتر و در غیر موقع می بارد، لشیمان هر
لحظه زیاد شده و کریمان تعدادشان کم می شود.»

«وَكَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا وَسَلْطِينَةً سِبَاعًا وَأُسَاطَةً أَكْثَالًا وَفُقْرَاوَةٌ أُمُوتَاتٌ؛^۲ اهل
آن زمان همچون گرگ می باشند و پادشاهان آنها همچون درندگان وحشی، طبقه
متوسط آنها مرده خوارند و فقیران آنها همچون مردگان هستند.»

«وَغَارَ الصُّدْقُ وَفَاضَ الْكُذِبُ وَاسْتُعْمِلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَتَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ
صَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا وَالْعُقَافُ عَجَبًا وَلَيْسَ الْإِسْلَامُ لَيْسَ الْقَرُوبُ مَقْلُوبًا؛^۳ راستی و درستی
کمیاب می شود، دروغ همه جا را فرا می گیرد، دوستی و صمیمیت به سر زبانها
اختصاص می یابد و در اعماق دل، همه با یکدیگر خصومت می ورزند، کارهای
نامشروع مایه مباهات شده، عفت و خوشتن داری موجب اعجاب و شگفت می شود،
اسلام وارونه می گردد همانند پوستینی که وارونه پوشیده شود.»

چه کسی از مسلمانان یافت می شود که اسلام را همچون پوستین وارونه نپوشانیده
باشد؟! هر کسی اسلام را به دلخواه تفسیر و تحلیل می کند، قاضی اسلامی در جایگاه
رسول اکرم ﷺ نشسته، احکام و قضاوت های آن حضرت را زیر پا می گذارد، و به جای
تشخیص حق، به سوی رشوه روی می کند و براساس رشوه داوری می کند و از نشستن بر
سر سفره شراب دوری نمی گزیند، رجال دین به جای شب زنده داری، به مجالس شب
نشینی روی می آورند، به جای مطالعه و مباحثه، به فیلم های سینمایی و صفحات

در رساله حضرت
ع. ق. ا. ه. ع.
مجلس
و نظام القادری
مجلس

۱. بشارة الاسلام : ۱۷۵، الزام الناصب : ۱۹۵.
۲. منتخب الأثر : ۴۳۷، بشارة الاسلام : ۲۵، الزام الناصب : ۱۸۲ و ۱۹۵، نهج الفصاحة : ۵۱۹:۲ و نهج البلاغة صبحی صالح : ۱۵۷.
۳. منتخب الأثر : ۴۳۷، نهج البلاغة صبحی صالح : ۱۵۷.

تلویزیون خیره می‌شوند، به جای موشکافی در مشکلات علمی، به بحث و بررسی آثار هنری و شرح حال هنرمندان می‌پردازند، متدینین به ریا و تظاهر پرستش می‌کنند، ثروتمندان از مکیدن خون بی‌نویان سیر نمی‌شوند، مستمندان با یک دنیا کینه و عداوت به ثروتمندان می‌نگرند، و هر طبقه‌ای از طبقات مسلمین، شریعت اسلامی را دگرگون ساخته‌اند همچون پوستینی که وارونه پوشیده شود. اینجاست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«إِذَا انْتَهَكَتِ الْحَارِمُ، وَ اكْتَسَبَتِ الْعَاثِمُ، وَ سُلِّطَ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ، وَ يَقْشُرُ الْكِذْبُ، وَ يَتَبَاهَوْنَ بِاللِّبَاسِ؛^۱ هنگامی که حریم‌ها مورد تجاوز واقع شود، گناهان عملی گردد، اشرار بر نیکان مسلط شوند، دروغ شایع گردد و مردم به جامه‌های خود مباهات کنند.»

«إِذَا كَثُرَ الزُّنَا بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ وَإِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَ النَّقْصِ وَ إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَ الثَّمَارِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا وَإِذَا جَارُوا فِي الْحُكْمِ تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ إِذَا نَقَضُوا الْعُهُودَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَ إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ؛^۲ هنگامی که بعد از من فحشاء و منکر رواج پیدا کند، مرگ‌های ناگهانی فراوان شود و کم فروشی رائج گردد، خداوند آن‌ها را با قحطی و گرسنگی گرفتار سازد. هنگامی که زکات داده نشود، زمین برکت‌های خود را از معدن و میوه و زراعت منع می‌کند. هنگامی که زمامداران ستمگری پیشه کنند، آن‌ها خود بر ظلم و تجاوز همکاری کنند. هنگامی که پیمان‌ها را بشکنند، خداوند دشمن را بر آن‌ها چیره کند. و هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کنند ثروت‌ها در دست اشرار قرار می‌گیرد.»

امروز ثروت مسلمانان در دست اشرار است، اموال نقدی آن‌ها در بانک‌های خارج، طلای سیاه آن‌ها به دست غربی‌ها پالایش شده، در کارگاه‌های آن‌ها تبدیل به اسلحه شده، به دست مسلمانان برگشته، به دست آن‌ها بر سر یکدیگر فرو می‌ریزد. در حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که: «هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر و پیروی نیکان از اهل بیت من، ترک شود، خداوند اشرار را بر آن‌ها مسلط می‌گرداند.» و امروز در همه ممالک اسلامی اشرار بر آن‌ها مسلط شده است و آن، نوعی انتقام حضرت پروردگار به دست بدترین مخلوقات است.

در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام در بیان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آله علیهم السلام

«إِذَا مَشَتْ أُمَّتِي الْمُطَيَّبَاتُ وَخَدَمَتْهُنَّ ابْنَاءُ قَارِسٍ وَالرُّومِ؛^۱ هنگامی که امت من با افتخار

قدم بر می دارند و فرزندان فارس و روم خدمتگزار آنها می شوند.»

امروز امت اسلامی با افتخار قدم بر می دارند و تمام شرق و غرب به خدمت آنها در آمده‌اند و در برابر این خدمت، دو خواسته جزئی از آنها دارند:

۱- دین خود را برای دنیای آنها بفروشند و به مبانی عقیدتی آنها معتقد شوند.

۲- تمام سود و منفعت طلای سیاه یا همان نفت را به دست آنها بسپارند و درآمد

سرشار نفت را به جیب آنها سرازیر کنند تا چرخ اقتصاد آنها بچرخد. با پذیرش این

دو شرط همه شرق و غرب در خدمت آنها هستند و آنها می‌توانند با افتخار و

سرفرازی روی زمین قدم بردارند. ولی هر چه گام‌های خود را محکم بر زمین بزنند هرگز

نمی‌توانند زمین را بشکافند و هر چه گردن‌های خود را استوار بگیرند نمی‌توانند به بلندی

و استواری کوه‌ها باشند. بلکه دشمنان آنها، از شرق و غرب به سوی آنها می‌تازند و

جهان را با این وسعت در دیدگان آنها تنگ می‌نمایند.

«يَكْثُرُ فِيهِمُ الْمَالُ، وَيُعْظَمُ أَصْحَابُ الْمَالِ؛^۲ ثروت در میان آنها فراوان خواهد شد و

ثروتمندان مورد احترام قرار می‌گیرند.»

امروز ثروت کشورهای اسلامی، بانک‌های اروپا و آمریکا را می‌چرخاند و همه منابع

ثروت و معادن زیرزمینی ما در دست آنهاست و ما آنها را به سبب اموالی که از ما به

تاراج برده‌اند، احترام می‌کنیم! آنگاه در مورد آن روز موعود و با شکوه می‌فرماید:

«يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا عَظَّمْتُمْ أَغْنِيَاءَكُمْ وَأَهَنْتُمْ فَقَرَاءَكُمْ... وَرَأَيْتَ الْخَلْقَ فِي الْمَجَالِسِ لَا

يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ؛^۳ و آن زمان وقتی است که ثروتمندان را احترام کنید و مستمندان را

خوار بشمارید، و در محافل و مجالس ببینید که مردم به دنبال ثروتمندان هستند.»

«إِذَا سَادَ الْقَوْمَ قَاسِقُهُمْ وَكَانَ رَعِيمِ الْقَوْمِ أَرْذَلَهُمْ وَأَكْرَمَ الرَّجُلُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَاتَّخَذَتْ

الْقِيَانُ وَالْمَعَارِيفُ وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا فَأَرْتَقِبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحاً حَمْرَاءَ وَزَلْزَلَهُ وَ

مَسْحاً وَقَذْفاً وَآيَاتٍ تَتَابِعُ كِنَظَامِ بَالٍ قَطَعَ سَبْلِكِهِ فَتَتَابِعُ؛^۴ هنگامی که حاکم مردم

شخص فاسق از بین خودشان باشد و رهبر آنها از بین پست‌ترین مردم برگزیده و

انتخاب شود، اشرار از ترس شرارتشان مورد احترام قرار خواهند گرفت، غنا و

موسیقی آشکار می‌شود، و هر ملتی ملت‌های قبلی را لعنت می‌کند، در چنین زمانی

منتظر بادِ سرخ باشید، منتظر زلزله، مسخ، خسف و دیگر نشانه‌های عذاب باشید که

دوران دهان
در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
عصر الحاضر في ظل القائل المهدوي

۱. معانی الأخبار : ۳۰۱، الزام‌النائب : ۲، ۲۱. بحار الانوار : ۵۲، ۲۵۹؛ بشارة الاسلام : ۳۲، الزام‌النائب : ۱۸۲.

۲. الزام‌النائب : ۱۸۴؛ بشارة الاسلام : ۴، ۱۳۴. تحف العقول : ۳۱؛ بشارة الاسلام : ۲۲، ۲۳ و ۲۴، ۲۵۹ و ۲۶۳.

همچون دانه‌های گردن‌بندی که رشته‌اش گسسته شود، یکی پس از دیگری بر شما فرود آید.»

«يَتَجَاهَرُ النَّاسُ بِالْمُنْكَرَاتِ ... فَيُنْفِقُ الْمَالُ لِلْفِنَاءِ؛^۱ مردم به انجام منکرات و زشتی‌ها تظاهر می‌کنند و آن‌ها را آشکارا مرتکب می‌شوند، اموال فراوان برای غنا و موسیقی خرج می‌کنند.»

درست همانند زمان ما که مخارج سرسام‌آوری جهت استادیوم‌های هنری و ایستگاه‌های فرستنده ماهواره و رادیو و تلویزیون و دیگر ابزار و ادوات موسیقی خرج می‌شود.

«سَيَشْرَبُ أَنْاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرَ يُسْمُونَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا وَ يَضْرِبُ عَلَيَّ رُؤُوسَهُمْ بِالْمَعَارِفِ؛^۲ گروهی از امت من نام مشروب را عوض کرده، آن را می‌خورند، و بالای سر آن‌ها ادوات موسیقی زده می‌شود.»

درست مانند کاباره‌ها، کازینوها و دیگر مجالس لهو و لعب و شب‌نشینی، که برنامه‌های رقص، شراب، موسیقی و غنا دایر است و در آن‌ها انواع مشروبات از ویسکی و شامپاین و دیگر مست‌کننده‌ها بدون اینکه نام «خمر» در میان باشد، همچون آب خورده می‌شود و آلات موسیقی بالای سرشان نواخته می‌شود. و این حدیث نیز می‌رساند که فاسقان امت هم‌اکنون در میان ما هستند و روز موعود نزدیک است.

«يَظْهَرُ الْقِمَارُ، وَ يُبَاعُ الشَّرَابُ ظَاهِرًا لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ؛^۳ قمار علنی می‌شود و مشروبات به طور علنی فروخته می‌شود و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند.»

با کمال تأسف در پایتخت‌های ممالک اسلامی آشکارا مجالس شراب و قمار دائر می‌شود و انواع مشروبات الکلی به طور علنی خرید و فروش می‌شود.

«وَ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُحْمَدُ بِصَلَاحِهِ؛^۴ کسی که اموال یتیمان را بخورد به عنوان آدم شایسته و زرتنگ مورد ستایش قرار می‌گیرد.»

«تُقَسَّمُ أَمْوَالُ ذَوِي الْقُرْبَى بِالزُّورِ وَ يُتَقَامَرُ عَلَيْهَا وَ تُشْرَبُ بِهَا الْخُمُورُ؛^۵ اموال خویشاوندان پیامبر ﷺ به زور و باطل خورده می‌شود. با آن اموال شراب می‌خورند و قماربازی می‌کنند.»

در پناه حضرت

۱. بحار الانوار ۵۲ : ۱۲۶۴، بشارة الاسلام : ۲۳ و ۱۳۲، الزام‌النائب : ۱۸۳، ۲. مستند احمد حنبل ۲ : ۴۱۸.
 ۳. منتخب‌الآثر : ۴۳۰، بحار الانوار ۵۲ : ۲۵۷، بشارة الاسلام : ۱۳۲، الزام‌النائب : ۱۸۳.
 ۴. بشارة الاسلام : ۱۳۵، الزام‌النائب : ۱۸۴، بحار الانوار ۵۲ : ۲۶۰.
 ۵. منتخب‌الآثر : ۴۳۱، بحار الانوار ۵۲ : ۲۵۹، بشارة الاسلام : ۱۳۴، الامام‌المهدی : ۲۱۹.

یعنی مردم سهم امام و سادات را نمی‌پردازند و آن‌ها را مثل بقیه اموالشان در مصارف غیر شرعی خرج می‌کنند.

«لَيَأْتِينَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ؛^۱ زمانی خواهد آمد که مردم مست‌کننده‌ها را حلال می‌شمارند، لعنت خدا و آدمیان و فرشتگان - همگی - بر آن‌ها باد.»

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ النَّاسُ فِيهِ ذُنَابًا - فَمَنْ لَمْ يَكُنْ ذُنُوبًا أَكَلَتْهُ الذُّنُوبُ؛^۲ زمانی بر مردم خواهد آمد که نسبت به هم همچون گرگ درنده می‌شوند، هر کس گرگ نباشد گرگ‌ها او را می‌خورند.»

«إِذَا لَيْسَ النَّاسُ جُلُودَ الضَّأْنِ عَلَى قُلُوبِ الذُّنُوبِ وَالذُّنُوبُ أَتَتْهُمُ أُنْتَنُ مِنَ الْجَيْفِ وَأَمْرٌ مِنَ الصَّيْرِ؛^۳ هنگامی که مردم بر روی ظاهر درنده خوی خود جامه‌ی میش بپوشند، دل‌های آن‌ها از مردار، گندیده‌تر و از حنظل تلخ‌تر است.»

«كَلَّمَاهُمْ أَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَقُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمْنِي تَفْرُونَ أَمْ عَلَيَّ تَتَجَرَّءُونَ ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾؛^۴ گفتارشان از عسل شیرین‌تر، دل‌هایشان از حنظل تلخ‌تر است، خداوند هر روز به آن‌ها می‌فرماید: آیا از من فرار می‌کنید؟ یا بر من جرئت می‌کنید؟ آیا خیال کرده‌اید که ما شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟^۵ «إِذَا كَثُرَ الطَّلَاقُ، وَ لَا يُقَامُ حَدٌّ؛^۶ هنگامی که طلاق بسیار می‌شود و حدود الهی اقامه نمی‌شود.»

بعد از حکومت مولای متقیان، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام دیگر حدود الهی اجرا نشد، و اگر در بعضی از مقطع‌های تاریخی حدی اجراء می‌شد طبق میزان و معیارهای الهی اجراء نمی‌شد، دست آفتابه دزد بریده می‌شد ولی با کسی که تمام ثروت یک مملکت را می‌دزدید کاری نداشتند. طلاق نیز در نیمه دوم قرن بیستم به صورت چشمگیری افزایش یافته است، حتی در برخی از مذاهب مسیحی که طلاق مشروعیت نداشت، شیوع و مشروعیت یافته است. و در برخی از کشورها به زن‌ها نیز حق طلاق داده شده است.

«لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ دَخَلَ فِي جُحْرٍ

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام

تقوا الخاطی ظل من

۱. بشارة الاسلام : ۲۰۷۶. تحف العقول : ۳۰۴۴. بحار الانوار : ۵۲ : ۲۶۴؛ الزام‌النائب : ۴ : ۱۸۵. الزام‌النائب : ۱۸۲.
 ۵. سورة مباركة مؤمنون، آیه ۱۱۶. الزام‌النائب : ۱۸۲؛ منتخب‌الأثر : ۴۳۳؛ بشارة الاسلام : ۲۶؛ المهدی : ۱۹۹؛ نور‌الابصار : ۱۷۲.

ضَبَّ لَدَخَلْتُمْ فِيهِ، وَحَتَّى أَنْ أَحَدَهُمْ لَوْ جَامَعَ امْرَأَتَهُ فِي الطَّرِيقِ لَفَعَلْتُمُوهُ؛ آنچه در میان اقوام گذشته واقع شده، مو به مو واقع خواهد شد، از هر راهی که آنها رفته‌اند شما نیز وجب به وجب و قدم به قدم از آن راه خواهید رفت، اگر یکی از آنها به لانه سوسماری وارد شده باشد، شما نیز انجام خواهید داد، اگر یکی از آنها با همسر خود در رهگذر تماس گرفته باشد شما نیز انجام خواهید داد.»

تقلید از اقوام باستانی به عناوین مختلف در میان امت اسلامی رائج شده، فقط بخش اخیر واقع نشده، که در غرب تقریباً به صورت عملی درآمده و با این وضع منابه و محاکاتی که در شرق از غرب آغاز شده، دور نیست که در مشرق زمین نیز چنین حالت بی‌بند و باری پیدا شود! چنانکه در حدیث آمده:

«وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَتَسَافِدُونَ كَمَا تَتَسَافَدُ الْبُهَائِمُ لَا يُنْكِرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا تَخَوُّفًا مِنَ النَّاسِ؛^۲ مردم را می‌بینی که همانند چهارپایان به طور علنی روابط جنسی برقرار می‌کنند و کسی از ترس مردم نمی‌تواند آن را تفسیح کند.»

با کمال تأسف این صفتِ رذیله به عنوان یکی از مظاهر تمدن در غرب آغاز شده، و برخی از مراحل آن به نشانه روشنفکری در مشرق زمین نیز شروع شده است که از نقل نمونه‌های آن قلم شرم دارد ولی جوانان خود باخته‌ایکه پیروی کورکورانه، از غرب را در سرلوحه «خود روشنفکرینی» خویش قرار داده‌اند، از ارتکاب آن شرم ندارند. اینجاست که باید در انتظار فرا رسیدن روزگار سخت و دشواری بود که اثر وضعی این گناهان و نتیجه قطعی ترک امر به معروف و نهی از منکر است که طبق فرموده پیامبر اکرم ﷺ واقع خواهد شد. و امروزه برخی از نشانه‌های آن چون پیمان شکنی، شیوع جنگ و کشتار، و فراگیر شدن اضطراب‌ها و نشوینش‌ها و دیگر حوادث جانکاه آغاز گشته است.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«يُضِيحُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا وَالْفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ مَحْمُودًا؛ کسی که امر به معروف کند خوار می‌شود و کسی که مرتکب گناه شود مورد ستایش قرار می‌گیرد.»
«لَا يَزِدَادُ الْأَمْرَ إِلَّا شِدَّةً وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِذْبَارًا؛^۳ هر روزی که می‌گذرد اوضاع سخت‌تر می‌شود و دنیا بیشتر پست کند.»

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُظَرَّفُ فِيهِ الْفَاجِرُ وَيُقَرَّبُ فِيهِ الْمَاجِنُ وَيُضَعَّفُ فِيهِ

۱. صحیح مسلم ۸: ۵۷، نهج الفصاحة ۲: ۴۷۱، الملاحم و الفتن: ۷۷، ۱۰۷ و ۱۲۲؛ بحار الانوار ۵۳: ۱۴۰.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۲۵۹؛ بشارة الاسلام: ۱۱۲۲؛ منتخب‌الأثر: ۴۳۱؛ الزام‌النائب: ۱۸۴.

۳. منتخب‌الأثر: ۲۸۳ و ۴۲۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۶ و ۲۴۶؛ بشارة الاسلام: ۴۲۳. نهج الفصاحة ۲: ۵۲۸.

الْمُنْصِفُ؛^۱ برای مردم زمانی پیش آید که فاجران مورد احترام قرار گیرند، و ندیمان (دلقک‌ها) مقرب شوند و منصفان زیون گردند.»

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُقْرَبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَلَا يُطْرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَلَا يُضَعَّفُ فِيهِ إِلَّا الْمُنْصِفُ يَعُدُّونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنًّا وَ الْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِعَشُورَةِ الْإِمَاءِ وَإِمَارَةُ الصُّبْيَانِ وَ تَدْبِيرُ الْخِصْيَانِ؛^۲ برای مردم زمانی پیش آید که جز حيله‌گر احترام نشود، به جز آدم فاجر تحلیل نگردد، به جز آدم منصف خوار نشود، تصدق را جریمه پندارند، صله ارحام را با منت انجام دهند و عبادت را برای فخرفروشی به مردم بجا آورند. در چنین زمانی حکومت با مشورت زنان، امارت کودکان و تدبیر خواجه‌گان می‌شود.»

آنگاه وقت آن را چنین بیان می‌کند:

«قِيلَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهَادَةُ الْعَدْلِ وَ اسْتَحَفَّ النَّاسُ بِالِدِّمَاءِ وَ ارْتَكَبَ الزُّنَا وَ أَكَلَ الرِّبَا وَ اتَّقَى الْأَشْرَارُ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ؛^۳ و آن هنگامی است که شهادت دروغ پذیرفته شود و شهادت عادل رد شود، مردم خون را سبک بشمارند، زنا رائج شود، رباخواری معمول گردد، و اشرار از ترس زبانشان مورد احترام باشند.»

«عَلَامَةُ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ وَ أَكَلُوا الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شَيَّدُوا الْبُنْيَانَ وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَحَقُّوا بِالِدِّمَاءِ وَ ظَهَرَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ اسْتَعْمَلُوا الْفُجُورَ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِثْمُ وَ الطُّغْيَانِ؛^۴ نشانه آن هنگامی است که مردم نماز را بمیرانند، امانت را ضایع گردانند، دروغ را جایز بشمارند، رباخواری کنند، رشوه بگیرند، بناها را محکم و مرتفع بسازند، دین را برای دنیا بفروشند، سفیهان را به کار بگیرند، با زن‌ها مشورت کنند، قطع رحم نمایند، از هوای نفس پیروی کنند، خون‌ها را سبک بشمارند، شهادت‌های دروغ آشکار شود، فحشاء معمول گردد، گناه، بهتان و مرز شکنی رائج شود.»

«وَ تَعَامَلُوا بِالرِّبَا، وَ تَظَاهَرُوا بِالزُّنَى... وَ اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ، وَ اتَّبَعُوا الْهَوَى؛^۵ در معاملات ربا بگیرند، به عمل نامشروع تظاهر کنند، دروغ را جایز بشمارند و از هوای نفس پیروی کنند.»

در بیان قائم بالله

میرالطاهر فی ظل نور



۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۶۵. ۲. بشارة الاسلام: ۶۶ منتخب الاثر: ۴۳۷؛ الغيبة للتمتازی: ۱۴۸؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۶۵؛ المهدی: ۱۹۹.

۳. اعلام الوری: ۴۳۱؛ كشف الغمة ۳: ۳۲۴؛ منتخب الاثر: ۴۲۸؛ بشارة الاسلام: ۴۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۲؛ نور الابصار: ۱۷۲؛ مشیر الأحرار:

۲۹۸؛ الزام الناصب: ۱۸۰؛ الامام المهدی: ۴.۲۲۷؛ الزام الناصب: ۱۸۰.

۵. المهدی: ۱۹۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۷؛ بشارة الاسلام: ۴۴؛ الامام المهدی: ۲۱۹؛ الزام الناصب: ۱۸۱.

درست همانند مردم زمان ما.

«إِذَا رَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يَخْدُثُ فِيهِ مِنَ الْبِدْعَةِ وَالشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا كَانَ؛ وَأَنْ هِنْكَامِي اسْتَكِه هِر سَال بِيَشِ از سَال هَاي بِيَشِ، بَدَعْتِ و شَرِ اَحْدَاثِ گَرْدَد.»
 «بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ سِنِينَ خَدَاعَةً يُكَذِّبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَيُصَدِّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَيَقْرَبُ فِيهَا الْمَاجِلُ وَيَنْطِقُ فِيهَا الرُّوَيْبِضَةُ؛^۱ دَرِ اسْتَانَه ظَهْوَرِ قَانِم - عَجَلِ اللّٰهِ تَعَالَى فِرْجَه الشَّرِيفِ - سَال هَاي فَرِيْبِنْدَه اِي اسْت. دَرِ اَن سَال هَا رَا سْتِگُو تَكْذِيبِ مِي شُوْدُو دَرُوغْگُو تَصْدِيقِ مِي شُوْدُو، اَفْرَادِ حَيْلَه گَر مَقْرَبِ و مَحْتَرَمِ مِي شُوْنْدُو، و اشْخَاصِ پَسْتِ و فَاقْدِ صِلَا حَيْتِ سَخْنِگُو مِي گَرْدَنْد.»

آیا این روزها را در پیش رو نداریم؟! مگر در زمان ما دروغگویان مورد تصدیق و راستگویان مورد تکذیب نمی‌باشند؟! مگر مسائل مهم کشوری به دست افراد پست و بی‌صلاحیت نیست؟! مگر افراد نالایق سخنگوی سازمان‌ها و مؤسسه‌های مهم جهان نمی‌باشند؟! مگر جز این است که افراد شایسته و با صلاحیت فراری و منزوی، و افراد بی‌صلاحیت بر سر کار و مقام است؟! آری در جامعه‌ای که افراد با شخصیت مورد هجوم و حمله مردم بی‌خرد و بی‌تمیز باشد انتظار دیگری نیست.

«إِذَا أَخَذَ الْبَاطِلُ مَا أَخَذَهُ وَرَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآكِبَهُ وَهَدَرَ فَنِيْقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُظُوْمٍ وَتَوَآخَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُوْرِ وَتَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَتَحَابَّوْا عَلَى الْكُذِبِ وَتَبَاغَضُوا عَلَى الصُّدُقِ؛^۲ هِنْكَامِي كِه بَا طَلِ پَا بَر جَا شُوْدُو، جِهَالْتِ بَر سَرِيْرِ قَدْرْتِ بَنْشِيْنْدُو، وَ زَنْگِ بَا طَلِ پَسِ از يَكْدَوْرَه سَكُوْتِ بَه صَدَا دَرِ اَيْدِ، مَرْدَمِ بَرَايِ كَار هَايِ نَا شَايَسْتِ دَسْتِ بَر دَارِي بَه يَكْدِي گَر بَدَهَنْدُو، دَر مَوْرِدِ اَمُوْرِ دِيْنِي از يَكْدِي گَر دَوْرِي بَجُوِيْنْدُو، بَرَايِ دَرُوغِ دَوَسْتِي كَنْنْدُو بَه جِهْتِ رَا سْتِگُوِي دَشْمَنِي بُوْر زَنْد.»

تنها زمانی که زنگِ باطل ساکت بود مدّت چهار سال و اندی در عهد خلافت مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام بود و پس از شهادت آن حضرت همواره زنگِ باطل به صدا در آمده و تلاش برای اقامه باطل آغاز شده و همواره ادامه دارد، تا تداوم بخش حکومت علی علیه السلام ظهور کند و باطل را از ریشه و بُن بر کند. ان شاء الله.

«إِذَا كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا وَسَلْطَانِيْنَهُ سِبَاعًا وَأَوْسَاطُهُ أَكْثَالًا وَقُقْرَاؤُهُ أَمْوَآتَا؛^۳ اَهْلِ اَن زَمَانِ گَر گَر، پَا دِشَاهَانِ اَن هَا دَرَنْدَه، مَرْدَمِ مَتَوَسُّطِ اَن هَا خُوْرَنْدَه وَ بِي نُوَايَانِ اَن هَا چُوْن

در پناه حضرت

جسد

القاب المهری

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۵۹؛ منتخب الأثر: ۴۳۱؛ الزام الناصب: ۱۸۴؛ بشارة الاسلام: ۱۳۴.

۲. الغيبة للنعمانی: ۱۴۸؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۴۵؛ الزام الناصب: ۲۳؛ بشارة الاسلام: ۲۷؛ منتخب الأثر: ۴۴۲.

۳. نهج البلاغة صبحی صالح: ۱۵۷؛ منتخب الأثر: ۴۴۷؛ بشارة الاسلام: ۱۷۶؛ الزام الناصب: ۱۹۵.

مردگان افسرده باشند.»

«يَسْتَحِلُّ الْفِثْيَانُ الْمَغَانِيَّ وَ شُرْبَ الْخَمْرِ؛^۱ جوانان غنا و مشروبات را حلال می‌شمارند.»

«...و يَفْتَخِرُونَ بِشُرْبِ الْخُمُورِ، وَ يَضْرِبُونَ فِي الْمَسَاجِدِ بِالْعِيدَانِ وَ الْمَزَامِيرِ، فَلَا يُنْكِرُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ. أَوْلَادُ الْعُلُوجِ يَكُونُونَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ الْأَكْبَرِ، وَ يَزَعِي الْقَوْمَ سُفَهَاوُهُمْ؛^۲ به خوردن شراب افتخار نموده، در مساجد نی و بربط می‌زنند و کسی بر آنها اعتراض نکند، کافرزاده‌ها در آن زمان بزرگ شمرده می‌شوند و سقیهان زمام قوم را بر عهده بگیرند.»

مسجد الاقصی مرکز لهو و لعب شده، کافرزاده‌ها بر سرزمین مقدسی چون فلسطین حکومت می‌کنند، در دیگر مساجد نیز به عناوین مختلف لهو و لعب و موسیقی بخش می‌شود و بدینگونه فرمایش امام بزرگوار تحقق یافته است.

«وَرَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَخْتَكِرُ الطَّعَامَ؛^۳ او می‌بینی که پادشاه مواد غذایی را احتکار می‌کند.»

چنانکه زمامداران امروزی خرید و فروش گندم را به خود اختصاص داده، آن را انبار کرده، طبق موازین خاصی به نانوائی‌ها، قنادی‌ها و غیره توزیع می‌کنند.

«وَ الْفَقِيرُ بَيْنَهُمْ ذَلِيلٌ حَقِيرٌ، وَ الْمُؤْمِنُ ضَعِيفٌ صَغِيرٌ وَ الْعَالِمُ عِنْدَهُمْ وَ ضِعِجٌ، وَ الْفَاسِقُ عِنْدَهُمْ مُكْرَمٌ، وَ الظَّالِمُ عِنْدَهُمْ مُعْظَمٌ، وَ الضَّعِيفُ عِنْدَهُمْ هَالِكٌ، وَ الْقَوِيُّ عِنْدَهُمْ مَالِكٌ؛^۴ آدم مستمند در میان آن‌ها خوار و زیون است، شخص با ایمان در نزد آن‌ها ضعیف و حقیر است، فرد با فضیلت در چشم آن‌ها پست و بی‌مقدار است، ولی در مقابل شخص فاسق محترم و فرد ستمگر مورد تعظیم و احترام است. ضعیف در میان آن‌ها پایمال و قوی در نزد آن‌ها صاحب اختیار است.»

«وَ يَنْطَلُ حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ يُقَالُ: رَأَى فُلَانٌ، وَ زَعَمَ فُلَانٌ، وَ يَتَّخِذُ الْأَرَاءَ وَ الْقِيَاسَ، وَ يُنْبِذُ الْأَثَارَ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تُشْرَبُ الْخُمُورُ وَ تُسْمَى بِغَيْرِ اسْمِهَا وَ يُضْرَبُ عَلَيْهَا بِالْعَرَطِ طَبَّةٍ وَ الْكُوبَةِ وَ الْقَيْنَاتِ وَ الْمَعَارِفِ، وَ تَتَّخِذُ آيَةَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ؛^۵ در آن زمان حدود و قوانین الهی که بر پیامبرش محمد ﷺ نازل کرده، از بین می‌رود، گفته می‌شود: فلانی چنین گفته، رأی فلانی چنین است! تابع آراء و عقاید دیگران می‌شوند و سنت پیامبر ﷺ را ترک می‌کنند، در آن زمان مشروبات به نام‌های دیگر رائج می‌شود، در مجالس شرب، ساز و آواز، نرد و شطرنج، غنا و موسیقی معمول

هدی قائم ﷺ

تقدیر الحاصل

۱. الزام‌النائب: ۲، ۱۹۵. الزام‌النائب: ۳، ۱۸۴. منتخب‌الأثر: ۴۲۸؛ بحار‌الانوار: ۵۲؛ ۲۵۶؛ بشارة‌الاسلام: ۱۳۲؛ الزام‌النائب: ۱۸۳.

۲. الزام‌النائب: ۵، ۱۹۵. بشارة‌الاسلام: ۲۷ و ۷۶.

می‌گردد و ظرف‌های طلا و نقره رواج می‌یابد.»

دیدگانِ نافذ امیرمؤمنان علیه السلام از پشت چهارده قرن فاصله زمانی، عصر ما را دقیقاً مشاهده کرده، مجالسِ رقص و شرب امروز را آنچنانکه امروز معمول است توصیف کرده است! و اینجاست که حجت بر شیعیان آن حضرت تمام است، آن‌ها نباید از شرق و غرب پیروی کنند، آن‌ها نباید به این و آن بگرایند، آن‌ها نباید به یکی از دو بلوک شرق و غرب بپیوندند، آن‌ها نباید تصور کنند که بدون تکیه به یکی از دو ابر قدرت نمی‌توانند روی پای خود بایستند! این ما هستیم که نتوانسته‌ایم مسلمان واقعی باشیم، این مائیم که خود را با تعالیم حیاتبخش اسلام تطبیق نکرده‌ایم. اگر ما مسلمان باشیم و قوانین اقتصادی اسلام را پیاده کنیم دیگر دو بلوک شرق و غرب برای نسل جوان جذبه‌ای نخواهد داشت، زیرا اسلام نیازمندی‌های تمام مستمندان، سالخورده‌گان، زمین‌گیرها و دیگر نیازمندان را منظور کرده، بیست درصد سود خالص ثروتمندان را تحت عنوان «خمس» و قسمتی از ثروت ثابت آن‌ها را تحت عنوان «زکات» به تأمین نیازمندی‌ها اختصاص داده است. اگر این قوانین پیاده شود هرگز نیازمندی در سراسر جهان اسلام یافت نمی‌شود.

«دَخَلَ النَّاسُ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا وَ سَيُخْرَجُونَ مِنْهُ أَفْوَاجًا»^۱ مردم آن سان که دسته دسته وارد اسلام شده‌اند، دسته دسته از دین خدا خارج می‌شوند.»

پیشوای ششم شیعیان در این رابطه می‌فرماید:

«يَخْرُجُ النَّاسُ مِنْ دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا كَمَا دَخَلُوا فِيهِ أَفْوَاجًا»^۲ مردم از دین خدا دسته دسته بیرون می‌روند، آنچنانکه دسته دسته به آن داخل شده‌اند.»

امروز هر بانگی از حلقومی بر می‌آید و مردم را به سوی مکتبی فرا می‌خواند، دسته دسته مردم به سوی او روی می‌آورند و از آئین باستانی خود دست می‌شویند، مگر اینکه به سوی آئین حق دعوت کند، در این صورت توجهی به او و محتوای دعوت او نمی‌شود و به ویژه اگر به سوی امام غائب دعوت کند که مثل او در این زمان مثل حضرت نوح است که هر چه بیشتر دعوت کند مردم بیشتر فرار می‌کنند، از اینجاست که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يَخْرُجُ بَعْدَ أَيَّامٍ، وَ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ: لَا مَهْدِيَّ!»^۳ او هنگامی ظهور می‌کند که مردم دیگر نو می‌شوند و بگویند: مهدی نیست!»

۱. الملاحم والفتن : ۲۰۸. همان مدرک : ۳. ۱۴۴. الحاوی للفتاوی ۲ : ۱۵۲؛ الملاحم والفتن : ۵۰.

پس از نومیدی و بدگمانی مردم، دیگر چه باید کرد؟ مگر می‌توان از مقدرات فرار کرد؟! از تقدیرات الهی کجا باید فرار کرد و به کجا پناه برد؟! امیرمؤمنان که بهتر از همه مردم آخرالزمان را شناخته است چنین می‌فرماید:

«لَقَدْ خَالَطَ الشَّيْطَانُ أُمَّةً مِنْهُمْ... وَوَلَّجَ فِي دِمَائِهِمْ! وَيُوسُوسُ لَهُمْ بِالْإِفْكِ حَتَّى تَزَكَبَ الْفِتْنُ الْأَمْصَارَ، وَيَقُولَ الْمُؤْمِنُ الْمَسْكِينُ الْمُحِبُّ لَنَا: إِنِّي مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ! وَخَيْرُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ مَنْ يَلْزَمُ نَفْسَهُ، وَيَخْتَفِي فِي بَيْتِهِ عَنِ مُخَالَطَةِ النَّاسِ؛ الشَّيْطَانُ فِي ذَرَّةِ ذَرَّةٍ وَجُودٍ وَبَدَنِ شَرِكَةٍ جَسْتَةٍ، بِأَخُونِشَانِ آمِيشْتَةٍ، هَمْرَاهِ خُونِ دَرِ شَرِيَانِهَا وَرِگْهَائِشَانِ حَرَكْتِ مِی‌کَنْد، هَمْوَارَه‌ آن‌ها را به تهمت و افتراء تشویق می‌کند، تافته‌ها افق شهرها را فرا گیرد، مؤمن بی‌نواهی که دوستدار ما باشد می‌گوید: من از مستضعفان هستم، و بهترین مردم در آن روزگار کسی است که مواظب خود باشد و در خانه خود، خویشتن را از معاشرت مردم باز دارد.»

امیدواریم خواننده عزیز با توجه به این حدیث شریف از بهترین مردم روزگار باشد و از فرمان مولایش امیرمؤمنان علیه السلام پیروی کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يَخْرُجُ إِلَّا إِذَا عَضَّ الزَّمَانُ وَجَعًا الْإِخْوَانَ، وَظَلَمَ السُّلْطَانُ؛^۱ او خروج نمی‌کند مگر پس از آنکه شرایط زمانه سخت دشوار شود، برادران ستم کنند و زمامداران ستمگری پیشه سازند.»

«أَنْتِي يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَعْضُ الزَّمَانُ؟ أَنْتِي يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَجْفُ الْإِخْوَانُ؟ أَنْتِي يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَظْلِمِ السُّلْطَانُ؟!^۲ چگونه ممکن است هم اکنون ظاهر شود در حالی که هنوز زمانه سخت نشده (کار به مو نرسیده) برادران ستم نکرده‌اند و سلاطین ستمگری پیشه نساخته‌اند.»

و اینک کار به مو رسیده، برادران ستم پیشه کرده‌اند و سلاطین در خیانت و جنایت حد و مرزی نمی‌شناسند.

«إِذَا ظَهَرَتْ بَيْعَةُ الصَّبِيِّ قَامَ كُلُّ ذِي صَيْصِيَّةٍ بِصَيْصِيَّتِهِ؛^۳ هنگامی که بیعت کودک آشکار شود هر مسلحی اسلحه به دست می‌گیرد.»

و امروز کودکان حکومت می‌کنند و هر صاحب سلاحی، سلاح به دست گرفته، و همه آنچه در احادیث فوق اشاره شده، تحقق یافته است.

دودان دهباب
 در پستگاه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 حضرت الخاظمی ظالم القاتل المهدی علیه السلام

۱. الزام‌الناصب: ۲، ۱۹۷. بشارة الاسلام: ۳، ۱۸۰. منتخب‌الآثر: ۴، ۴۴۱. بحار‌الانوار: ۵۲، ۲۴۴. بشارة الاسلام: ۱۷، الزام‌الناصب: ۱۷۸.

«إِذَا أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُ ذَلِيلًا وَ الْمُنَافِقُ عَزِيزًا وَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ أَذَلَّ مِنَ الْأُمَّةِ؛^۱ هنگامی که مؤمن تحقیر شود و منافق عزیز باشد و فرد با ایمان از کنیز هم خوارتر گردد.»
 «لَا يَخْرُجُ إِلَّا بَعْدَ فِتْنَةٍ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الْمَحَارِمُ كُلُّهَا. ثُمَّ تَأْتِيهِ الْخِلَافَةُ وَ هُوَ قَاعِدٌ فِي بَيْتِهِ وَ هُوَ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ؛^۲ او وقتی ظهور می کند که فتنه ای چنین واقع شود و آن این که همه محرمات الهی جایز شمرده شود، آنگاه خلافت به سمت او می شتابد هنگامی که او در خانه اش (مسجد الحرام) نشسته باشد. و او بهترین اهل زمین است.»

هر چند در پرتو فتنه هایی که تا کنون روی داده به حریم همه محرمات الهی تجاوز شده است ولی در این حدیث فتنه سفیانی منظور است که در تاریخ چنین فتنه ای سابقه نخواهد داشت. با فرا رسیدن این فتنه، همه مردم به دنبال مصلح غیبی می گردند، همه تشنه عدالت می شوند، همه عاشق و شیدای حکومت واحد جهانی می شوند و آنگاه حجت خدا ظاهر می شود و عدالت را در پهنه گیتی گسترده می شود. به امید آن روز.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«يَخْرُجُ حِينَ تَغْيِيرِ الْبِلَادِ وَ ضَعْفِ الْعِبَادِ وَ حِينَ الْيَأْسِ مِنَ الْفَرَجِ؛^۳ او هنگامی ظاهر می شود که شهرها دگرگون شده، بندگان قدرتش را از دست بدهند و مردم از گشایش و فرج ناامید گردند.»

الان هم همه جا دگرگون شده، بندگان خدا خوار و ذلیل گشته و قدرتش را از دست داده اند، غبار ناامیدی بر دل های بسیاری از مردم سنگینی می کند.

«يُؤْذِي الْجَارُ جَارَهُ لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ؛^۴ همسایه به همسایه اش آزار و اذیت می رساند و کسی مانع او نمی شود.»

«وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُوْذِي جَارَهُ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ؛^۵ همسایه را می بینی که همسایه اش را آزار می دهد و همسایه از زبان او وحشت دارد.»

در این زمان هیچ همسایه ای از زبان همسایه اش در امان نیست، زیرا جاسوسی و گزارش دادن به رژیم های ستمگر را عبادت می پندارند، با اینکه صریحاً در قرآن کریم از آن نهی شده است.

«تَنْفُسُ الْقُلُوبِ، وَ تَفْتَلِيءُ الْأَرْضِ جَوْرًا، وَ يَكْثُرُ الْقَتْلُ حَتَّى تَسْحَرْنَ ذَوَاتُ الْأَوْلَادِ، وَ تَفْرَحَ الْعَوَاقِرُ قَبِيْنِ يَدَيْ خُرُوجِهِ بَلْوَى أَيْ بَلْوَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى الْبَاطِلِ، وَ هُوَ اِنْتِقَامٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛^۶ دل ها را قساوت می گیرد، زمین پر از ستم می شود، کشتار به قدری فراوان

در بیان حضرت
 الفاء الهی

۱. بحار الانوار ۵۲ : ۲۵۷؛ الزام الناصب : ۱۸۱؛ منتخب الأثر : ۴۳۴؛ بشارة الاسلام : ۲. ۲۳. بشارة الاسلام : ۳. ۱۲۳. بشارة الاسلام : ۲۷۸.
 ۲. بشارة الاسلام : ۱۳۲؛ بحار الانوار ۵۲ : ۲۶۳؛ منتخب الأثر : ۵. ۲۶۳. الزام الناصب : ۶. ۱۸۳. منتخب الأثر : ۳۴۸؛ بشارة الاسلام : ۱۳۳.

می شود که مادران از آوردنِ اولادِ غمگین می شوند و زنانِ عقیم از نازاییِ خود خوشحال می گردند. در آستانه ظهورِ او فتنه سختی است که برای اهلِ باطل امتحانِ بزرگ و انتقامِ خداوندی است.»

بسیار طبیعی است که به هنگامِ فراوانیِ کشت و کشتار، صاحبانِ فرزند از داشتنِ اولادِ غمگین و محزون می شوند و زن های عقیم تسلی می یابند و از نازاییِ خود خوشحال می باشند.

«إِذَا رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِرًا لَا يَنْهَى عَنْهُ وَ يُعَذِّرُ صَاحِبَهُ، وَ رَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ، وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ ضَامِتًا لَا يُقْبِلُ قَوْلَهُ، وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ يَكْذِبُ وَلَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ فِرْيَتُهُ؛ ا همان وقتی که می بینی شر و بدی آشکار گشته، کسی از آن باز داشته نمی شود، و مردم برای یکدیگر عذر می تراشند. و بینی که مؤمن سکوت اختیار کرده، کسی به سخن او گوش نمی دهد و آن را نمی پذیرد، اما وضعیتی فاسق چنان است که دروغ و تهمت را به هم آمیخته و کسی اعتراض نمی کند.»

«يَكُونُ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ، وَ يَصِيرُ الْمُؤْمِنُ ضَعِيفًا وَ الْمُنَافِقُ عَزِيزًا، وَ الْفَقِيرُ حَقِيرًا، وَ الْعَالِمُ وَضِعًا، وَ الْفَاسِقُ مُكْرَمًا، وَ الظَّالِمُ مُعَظَّمًا؛^۱ ثروتمند از مؤمن گرامی تر می شود، مؤمن زبون، منافق عزیز، فقیر پست، دانشمند بی مقدار، فاسق محترم و ستمگر پرازج می شود.»

«إِذَا صَارَ لِأَهْلِ الزَّمَانِ وَجْهٌ جَمِيلَةٌ وَ ضَمَائِرٌ رَدِيئَةٌ، فَمَنْ رَأَاهُمْ أَعْجَبُوهُ، وَ مَنْ عَامَلَهُمْ ظَلَمُوهُ؛^۲ مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آن ها را ببیند تعجب می کند، ولی چون با آن ها معاشرت کند مورد ستم قرار می گیرد.»

هیچ وقت ظاهری آراسته تر از ظاهر مردم عصر ما و باطنی پوسیده تر از باطن مردم این زمان دیده نشده است. ولی هر کس ظاهر ما را ببیند و حسن ظن پیدا کند به زودی پشیمان می شود و به سختی تاوانِ حسنِ ظنِ خود را می پردازد.

«إِذَا رَأَيْتَ السَّكَرَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ وَ لَا يُشَانُ بِالسُّكْرِ وَ إِذَا سَكَرَ أَكْرَمَ وَ اتَّقَى وَ خِيفَ شَرُّهُ وَ تَرَكَ لَا يُعَاقَبُ وَ يُعَذَّرُ بِسُّكْرِهِ؛^۳ هنگامی که بینی آدم مست برای مردم نماز می گزارد و کسی به مستی او اعتراض نمی کند و آن را عیب نمی شمارد، چون مست شود مردم او را احترام کنند، از شر او هر اسناک باشند ولی او را ترک کنند و به سببِ مست بودنش عذر او را می پذیرند.»

در پناه حضرت مهدی قائم عجل الله فرجه
 دورانِ رهاپ
 خلاصی ظالماتِ اُمم
 در پناه حضرت

۱. منتخب الأثر : ۴۲۹؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۵۶؛ الزام الناصب : ۲، ۱۸۳. بحار الأنوار ۵۲: ۲۶۴؛ بشارة الاسلام : ۱۳۲ و ۷۶.
 ۲. بشارة الاسلام : ۱۷۵؛ الزام الناصب : ۴، ۱۹۴. الزام الناصب : ۱۸۴؛ منتخب الأثر : ۴۳۱؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۶۰؛ بشارة الاسلام : ۱۳۵.
 ۳.

برای فساد اخلاق و تباهی عقیت عمومی چیزی کاراتر از مشروبات الکلی نیست، سطح جامعه را پائین می‌آورد و انسان را در سراشی بی سقوط قرار می‌دهد، چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الْخَمْرُ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ، وَ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ اِخْمَرُ سِرِّ اِغْزَاةٍ هَرِّ گناه و کلید هر بدی است.»

در روایات آمده است:

«خداوند برای هر شری قفلی قرار داده، کلید همه این قفل‌ها شراب است.»

«خداوند با معصیتی بزرگتر از شراب نافرمانی نشده است، زیرا در اثر مشروب خواری انسان نمازش را ترک می‌کند و ندانسته به حریم مادر، خواهر و دخترش هم تجاوز می‌کند!»

تأسف‌بارتر از همه اینکه چنین حوادث شوم و تلخ در عصر ما بسیار اتفاق می‌افتد، و خبرش هم به راحتی در گزارش‌ها و آمارها منعکس می‌شود!

همه می‌دانیم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد شراب ده گروه را لعنت کرده:

۱- کسی که درخت رز برای ساختن مشروب بکارد.

۲- کسی که از درخت آن باغبانی و نگهبانی کند.

۳- کسی که انگور را بفشارد تا آبش گرفته شود.

۴- کسی که آن را بخورد.

۵- کسی که آن را بخوراند (ساقی).

۶- کسی که بار شراب حمل کند.

۷- کسی که بار شراب به سوی او حمل شود.

۸- کسی که آن را بفروشد.

۹- کسی که آن را بخرد.

۱۰- کسی که قیمت آن را بخورد.

با این وصف چگونه ممکن است کسی ادعا کند از امت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، و در

عین حال آن را بخورد، یا در کنار سفره‌ای بنشیند که در آن مشروب خورده می‌شود؟! در رساله حضرت

«وَرَأَيْتَ الْخَمْرَ يَتَدَاوَى بِهَا وَ تُوصَفُ لِلْمَرِيضِ وَ يُسْتَشْفَى بِهَا؟» (دوره آخرالزمان ۱۰

می‌بینی که؟) شراب جنبه دارویی پیدا می‌کند، برای بیماران توصیه می‌شود و بیماران ۱۱

به قصد شفا و بهبودی از آن می نوشند»

«وَرَأَيْتَ الْخُمُورَ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً وَيَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَيُدْعَى إِلَيْهَا؛^۱ و می بینی که مشروب را به طور علنی می نوشند، افرادی که از خدا نمی ترسند بر گرد آن جمع می شوند و دوستانشان را برای خوردن شراب دعوت می کنند.»

«وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمْسِي نَشْوَانَ وَيُضِيحُ سَكَرَانَ وَلَا يَهْتَمُّ بِمَا النَّاسُ فِيهِ؛^۲ مردم آن زمان را می بینی که شب نشسته بوده و صبح مست هستند، و دیگر اهمیتی نمی دهند که دیگران چه حالی دارند.»

«يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رَأَيْتَ النَّاطِرَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِيهِ مِنَ الْإِجْتِهَادِ وَرَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحًا لَمَّا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِينَ مَرِحًا لَمَّا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَسَادِ وَرَأَيْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا؛^۳ و آن هنگامی خواهد بود که بیننده چون مؤمن را ببیند که چگونه به زحمت و مشقت افتاده، به خدا پناه می برد، چون کافران وضع تأسف بار مؤمنین را ببینند شادمان می شوند، و از مشاهده فساد و تباهی جهان در پوست خود نمی گنجد، و می بینی که امر به معروف کننده خوار و بی مقدار است.»

«وَالسُّلْطَانُ يُذِلُّ الْمُؤْمِنَ لِلْكَافِرِ؛^۴ پادشاهان شخص با ایمان را به خاطر کافر خوار می سازند.»

«إِخْتِكَارُ السُّلْطَانِ لِلطَّعَامِ، وَبَخْسُ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ وَالْعَقْشُ، وَشَيْعُ الْمُسْكِرَاتِ، وَشِرَاءُ الْخُمُورِ فِي الْأَسْرَاقِ؛^۵ پادشاهان، مواد غذایی را احتکار می کنند، کم فروشی، تقلب و تزویر رائج می شود، مشروبات شیوع پیدا می کند و در بازارها بصورت علنی فروخته می شود.»

امام صادق علیه السلام در یک حدیث طولانی اهل آخر الزمان را توصیف می کند که فرازهایی را از آن در ادامه می آوریم:

«... وَرَأَيْتَ الْفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ قَوِيًّا مَحْمُودًا... وَرَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعًا وَسَبِيلَ الشَّرِّ مَسْلُوكًا...^۱ وَكَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَكَانَ الرَّبَّ ظَاهِرًا لَا يُعَيَّرُ... وَرَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَرَأَيْتَ الشَّرَابَ تُبَاعُ ظَاهِرًا لَيْسَ عَلَيْهِ مَانِعٌ... وَرَأَيْتَ الشَّرِيفَ يَسْتَذِلُّهُ الَّذِي يُخَافُ سُلْطَانَهُ...^۲ وَرَأَيْتَ الْهَرَجَ قَدْ كَثُرَ... وَرَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ... وَرَأَيْتَ الْآيَاتِ فِي السَّمَاءِ لَا تَفْرَعُ لَهَا أَحَدٌ... وَرَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَرْكِ التَّدْيِينِ بِهِ... وَرَأَيْتَ الْقَضَاءَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا

۱. بشارة الاسلام: ۲، ۲۵. الزام الناصب: ۱۱۸۳، منتخب الأثر: ۴۳۰، بحار الأنوار: ۵۲، ۲۵۸، تحف العقول: ۴۳.

۳. بشارة الاسلام: ۱۳۲، الزام الناصب: ۴، ۱۸۳، منتخب الأثر: ۴۳۰، بحار الأنوار: ۵۲، ۲۵۸.

۵. بحار الأنوار: ۵۲، ۲۵۶، بشارة الاسلام: ۱۳۳، الزام الناصب: ۱۸۳.

أَمَرَ اللَّهُ؛ فاسق را می بینی که در نافرمانی خداوند می کوشد و قدرتمند است، راه های خیر را می بینی که از رهروان خالی است، راه های ناشایست را می بینی که پُر رهرو است، پولدارها از مؤمنین گرامی ترند، رباخواری آشکارا صورت می پذیرد و کسی به رباخور اعتراض نمی کند، قمار علنی شده، شراب به صورت آشکارا عرضه می شود و کسی از آن جلوگیری نمی کند، مردان با فضیلت و با شخصیت را می بینی که افراد پست از ترس نفوذ کلمه آنها، در تحقیر آنها می کوشند، می بینی که هرج و مرج فراوان شده، مردم را می بینی که تابع قدرت شده اند، نشانه های آسمانی را می بینی که ظاهر می شود ولی در دل مردم اثر نمی گذارد، ترک امر به معروف و نهی از منکر و ترک احکام دین در میان مردم همگانی شده است، و می بینی که حاکمان برخلاف حکم خدا داوری می کنند.»

و می بینی که همه این اوضاع محقق شده است.

«لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَغْمُرَ السَّبَاخُ وَ تَتَاكَرَّ الْمَعَارِفُ؛ آو هنگامی ظهور می کند که زمین های بایر آباد می شود و کارهای خیر ناشناخته می ماند.»

بسیاری از زمین های بایر آباد شده، و بسیاری از کارهای خیر ناشایست شده و به جای آنها مسائل و مصالح حزبی مطرح شده، و برخی از بدعت ها جای برخی از سنت ها را گرفته، معروف، منکر شده و منکر معروف گشته است.

«يَكُونُ هَمُّ النَّاسِ بَطُونُهُمْ وَ قُرُوبُهُمْ فَلَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَ لَا بِمَا نَكَحُوا؛ آهم و غم مردم منحصر به تأمین خواسته های شکم و زیر شکم آنها شده، دیگر برایشان مهم نیست که آنچه می خورند حلال است یا حرام؟ و آنچه رابطه برقرار می کنند مشروع است یا نامشروع؟»

دقیقاً اوضاع زمان ما ترسیم شده است!

«وَلَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ شِرَارِ النَّاسِ؛ و آن حادثه پرشکوه برای بدترین مردمان پیش می آید.»

ای مصلح جهانی دیگر منتظر چه هستی؟! مگر تو نیز در حق ما حسن ظن داری و ما را از بدترین مردمان به شمار نمی آوری؟! تو که از اعمال ما آگاهی و ما را بهتر از خود ما می شناسی!

۱. بشارة الاسلام: ۲۳، ۴۴ و ۱۳۱، منتخب الأثر: ۴۲۸، بحار الأنوار: ۵۲، ۱۹۳ و ۲۵۶، الزام الناصب: ۱۸۳.

۲. الزام الناصب: ۱۸۳، بحار الأنوار: ۵۲، ۲۲۸ و ۲۵۸، بشارة الاسلام: ۴۷ و ۱۲۳.

۳. منتخب الأثر: ۴۳۲، بشارة الاسلام: ۱۳۵، الزام الناصب: ۱۸۴، بحار الأنوار: ۵۲، ۲۶۰.

۴. النية للطوسی: ۲۷۶، الکافی: ۱، ۳۳۳، بحار الأنوار: ۵۲، ۹۳، منابع المودة: ۳، ۱۹۰، صحیح بخاری: ۹، ۴۹.

در سینه حضرت
در روز قیامت
در آیه المهدی

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«إِذَا اشْتَدَّتِ الْحَاجَةُ وَالْفَاقَةُ وَانْكَرَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ يَأْتِي الرَّجُلُ أَخَاهُ فِي حَاجَةٍ فَيَلْقَاهُ بِغَيْرِ الْوَجْهِ الَّذِي كَانَ يَلْقَاهُ فِيهِ وَ يُكَلِّمُهُ بِغَيْرِ الْكَلَامِ الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُ: ^۱ هنگامی که نیازها و گرفتاری‌ها فراوان شود، مردم همدیگر را نشناسند، انسان برای رفع نیازش نزد برادرش برود و او را در قیافه دیگری غیر از آنچه هست بیابد و با او با لحن دیگری سخن بگوید.»

از امام باقر علیه السلام و از جناب محمد حنفیه (پسر گرامی امیر مؤمنان علیه السلام) به تعبیر ذیل نقل شده است:

«وَ إِذَا رَأَيْتَ الْحَاجَةَ وَالْفَاقَةَ قَدْ كَثُرْنَا، وَ انْكَرَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، فَصَارَ الرَّجُلُ يَأْتِي أَخَاهُ فَيَسْأَلُهُ الْحَاجَةَ، فَيَنْظُرُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ الْوَجْهِ الَّذِي كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَ يُكَلِّمُهُ بِغَيْرِ اللَّسَانِ الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُ بِهِ، فَانْتَظِرُوا أَمْرَ اللَّهِ: ^۲ هنگامی که نیازها و گرفتاری‌ها و مشکلات فراوان می شود، مردم همدیگر را نشناسند، انسان برای رفع نیاز به برادرش مراجعه می کند، ولی برادرش به غیر آنچه همواره نگاه می کرد به او نگاه کند، و به جز آنچه همواره با او سخن می گفت، با وی سخن بگوید، در چنین زمانی منتظر فرج ما باشید.»

آری وقت آن رسیده است که ما در انتظار فرج قائم آل محمد علیهم السلام لحظه شماری کنیم، دیگر نیازها و نیازمندی‌ها برطرف شده و صلح و صفا و بی نیازی بر گستره گیتی حکمفرما شود و ما خواهیم گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و در انجیل می خوانیم:

«اما این را بدان که در روزهای آخر، زمان‌های سخت پدید خواهد آمد؛ زیرا که مردمان خودپرست خواهند بود و طمّاع و لاف زن و متکبر و بدگو که حرف پدر و مادر را گوش نمی کنند و مطیع آنان نخواهند بود؛ ناسپاس و ناپاک، و بی الفت و کینه توز و غیبت گر و ناپرهیز و بی مروت و منتفر از نیکویی، و خیانت کار و تند مزاج و مغرورند، که خوش گذرانی را بیشتر از خدا دوست می دارند. ظاهر دینداری دارند لیکن در دل و عمل منکر آن هستند.» ^۳ و اینک پس از نقل کلیات، به تفصیل آن‌ها می پردازیم:

ا
ه
در ستاره حضرت مهدی قائم علیه السلام

تقدیر الحاقی مظلومین

۱. بشارة الاسلام: ۱۰۴ و ۱۰۸؛ الزام الناصب: ۱۷۵؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۸۵.

۲. الغيبة للنعمانی: ۱۵۶؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۷۰؛ بشارة الاسلام: ۳۰۱۸۳. رساله دوم پولس رسول به تیموتاؤس، باب سوم بندهای ۱-۵.

الف) سیمای مردان در آخر الزمان

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

«إِذَا كُنْتَ فِي عِشْرِينَ رَجُلًا أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ، فَتَصَفَّحْتَ وَجُوهَهُمْ فَلَمْ تَرَ فِيهِمْ رَجُلًا يُهَابُ فِي اللَّهِ، فَأَعْلَمَ أَنَّ الْأَمْرَ قَدْ قَرُبَ!؛ هنگامی که در میان بیست نفر، کمتر یا بیشتر از مردان باشی و در چهره‌های آن‌ها دقت کنی، و حتی یک نفر هم در میان آن‌ها پیدا نکنی که برای خدا از او بترسند، بدان که امر فرج نزدیک شده است.»

حالا شما در میان ۲۰ نفر، ۲۰۰ نفر و ۲۰۰۰ نفر، یک نفر پیدا کنید که برای خدا از او بترسند، یعنی او کسی باشد که امر به معروف و نهی از منکر کند، نفوذ کلمه داشته باشد، مردم هم احترام او را نگه بدارند و برای خدا از او بترسند و در حضور او مرتکب گناه نشوند! با کمال تأسف چنین فردی در میان صدها و هزارها نفر در عصر ما هم یافت نمی‌شود، کجا رسد که در میان ۲۰ نفر پیدا شود.

امروز همه ترس‌ها از توپ و تفنگ است و احیاناً از پول و مقام. و این بسیار تأسف انگیز است. زیرا مردان، مسئول اهل و عیال خود هستند و مسئولیت اولاد و نواده‌های خود را به عهده دارند. هنگامی که آن‌ها در برابر انحراف جوانان بی تفاوت باشند، اشتباهات فرزندان چشم ببوشند و در تأمین خواسته‌های نفسانی همسرانشان کوشا باشند، خود در گستاخی جوانان سهیم هستند و با بی تفاوتی خود، فرزندانشان را به این روز سیاه انداخته‌اند. هر فساد و تباهی در جامعه باشد، رجال جامعه در برابر آن مسئول هستند، زیرا تنها آن‌ها هستند که وظیفه پرورش افراد جامعه را بر عهده دارند و هرگونه فساد پیدا شود از ضعف تربیتی آن‌ها ناشی می‌شود.

ناگفته پیداست که رسول گرامی اسلامی ﷺ هر چه بگوید، از منطقی وحی سخن می‌گوید، و حتی یک کلمه از خودش سخن نمی‌گوید، چنانکه فرزندان معصوم او نیز هر چه بگویند از جد بزرگوارشان نقل می‌کنند. و اینک به دیگر اوصاف مردان این زمان از زبان پیامبر گرامی اسلامی ﷺ می‌پردازیم:

«مَا تَرَكَ بَعْدِي فِتْنَةٌ أَضَرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ!؛ بعد از عصر من هیچ فتنه‌ای برای

در سیاه مشرب

مردان پیش نمی‌آید که زیانبارتر از فتنه‌ای باشد که از ناحیه زنان به آنان می‌رسد.»

حدیث بعدی این روایت را توضیح می‌دهد:

«هَلَكَتِ الرِّجَالُ حِينَ أَطَاعَتِ النِّسَاءَ!؛^۱ مردانی که از زنان اطاعت کنند هلاک می‌شوند.»

در اینجا نگارنده لزومی نمی‌بیند که از بانوان محترم پوزش بطلبد، زیرا بدیهی است که منظور رسول اکرم ﷺ پیروی مردان از زنان هوسران در زمینه تأمین امیال نفسانی آنهاست، وگرنه زن‌های بافضیلت، خود اسوه و الگوی فرزندان و شریک زندگی همسران می‌باشند. احادیث بعدی نیز این معنی را روشن می‌کند:

«مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي فِتْنَةَ أَخَوَفُ مِنَ النِّسَاءِ وَالْخَمْرِ!؛^۲ در مورد امت خود، از هیچ

فتنه‌ای همچون زن‌ها و مشروبات الکلی نمی‌ترسم.»

«أَخَوَفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِتْنَةَ السَّرَاءِ مِنْ قِبَلِ النِّسَاءِ إِذَا تَسَوَّرْنَ الذَّهَبَ، وَأَتَعَيْنَ الْغَنَى،

وَكَلَّفْنَ الْفَقِيرَ مَا لَا يَجِدُ!؛^۳ بیشترین چیزی که در مورد شما از آن بیمناکم، فتنه پنهانی

زنان است، و آن هنگامی است که غرق در طلا می‌شوند، پولدار را به زحمت

می‌اندازند، و بی پول را به چیزی که قدرت ندارد وادار می‌سازند.»

تعبیر «فتنه سرا» که در این روایت آمده، معانی مختلفی می‌دهد که از آن جمله است:

فتنه جانکاه، فتنه غرور انگیز و فتنه پنهانی، که همه این معانی در مورد زنان صادق است و

نتایج شوم این فتنه را در جامعه خود به شدت احساس می‌کنیم. همین فتنه‌ها، اندیشه و

بینش مردان را از بین برده، به صورت بت‌های رؤیایی مردان در آمده‌اند، که تمام هم و

غمشان تأمین خواسته‌های آنهاست، نه برای اینکه شریک زندگی آنها هستند، بلکه

برای اینکه عروسک و بازیچه‌های آنها هستند! و به تعبیر روشن‌تر، وسیله اشباع غرائز

حیوانی آنهایند!

«يُطِيعُ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ، وَيَغْصِي وَالِدَيْهِ، وَيَسْعَى فِي هَلَاكِ أَخِيهِ، وَيَجْتَوِ جَارَهُ، وَيَقْطَعُ

رَحِمَهُ، وَتَرْتَفِعُ أَصْوَاتُ الْفُجَّارِ!؛^۴ مرد از همسرش اطاعت می‌کند ولی از پدر و مادرش

فرمان نمی‌برد و برای به هلاکت رسانیدن برادرش تلاش می‌کند، به همسایه‌اش ستم

روا می‌دارد و پیوند خویشاوندی را قطع می‌کند و صدای فاجران بلند می‌شوند.»

شاید منظور از بلند شدن صدای فاجران، طنین انداختن صدای خواننده‌ها و نوازنده‌ها

در فضای ممالک اسلامی باشد، و شاید منظور این باشد که دوران، دوران فاجران است و

۱. نهج الفصاحة ۲: ۲۶۳۸. همان: ۳۵۴۰. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۸؛ نهج الفصاحة ۱: ۶۱.

۲. الزام الناصب: ۱۸۱؛ بشارة الاسلام: ۲۲ و ۷۶؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۶۳.

صدای آن‌ها بلند است و دیوار مؤمنان کوتاه.

«يَكُونُ الرَّجُلُ هَمَّهُ بَطْنُهُ، وَقِبْلَتُهُ زَوْجَتُهُ، وَدِينُهُ ذَرَاهِمُهُ؛^۱ اتمام هم و غم یک مرد شکم

او خواهد بود، و قبله‌اش همسرش، و دینش درهم و دینارش!»

آنگاه از فتنه «مخنت» بصورت مستقل بحث کرده و می‌فرماید:

«لَعَنَ اللَّهُ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ، وَالْمَرْأَةُ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ؛^۲ لعنت خداوند بر

کسی که لباس زن به تن می‌کند، و زنی که لباس مرد را می‌پوشد.»

«لَعَنَ اللَّهُ الْمُخْتَنِينَ مِنَ الرِّجَالِ، وَالْمُتَرَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ؛^۳ خداوند لعنت کند مردان

مخنت و زنان مترجل را.»

روایات بعدی مقصود از «مخنت» و «مترجل» را روشن می‌سازد.

«إِذَا أُسْتُغِيلَ الشُّفَهَاءُ، وَشَاوَرُوا النِّسَاءَ؛^۴ هنگامی که سفیهان بر سرکار باشند و زن‌ها

طرف مشورت قرار گیرند.»

آنگاه از مخنت و مترجل صریحاً گفتگو کرده و می‌فرماید:

«إِذَا رَكِبَ الذُّكُورُ الذُّكُورَ، وَالْإِنَاثُ الْإِنَاثَ؛^۵ هنگامی که مردها با مردان در آمیزند و

زن‌ها با یکدیگر!»

«إِذَا اِكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ؛^۶ هنگامی که مردان به مردان اکتفا کنند و

زنان به زنان!»

«تُنَكِّحُ الْأَرْحَامُ وَيُكْتَفَى بِهِنَّ؛^۷ هنگامی که با خویشان در آمیزند و به آن اکتفا کنند!»

«تُنَكِّحُ الْبُهَائِمَ؛^۸ هنگامی که با چهارپایان در آمیزند!»

«إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِيْتَابِ النِّسَاءِ؛^۹ هنگامی که مرد برای آمیزش با زنان مورد

سرزنش قرار بگیرد!

«إِذَا صَارَ الْغُلَامُ يُعْطَى مَا تُعْطَى الْمَرْأَةُ؛ يُعْطَى قَفَاهُ لِمَنْ اِسْتَفَى؛^{۱۰} هنگامی که پسر

همچون یک زن خود را در اختیار مشتری قرار دهد!»

«يَتَسَمَّنُ الرَّجَالُ لِلرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ لِلنِّسَاءِ؛^{۱۱} مردان برای مردان آرایش کنند و زنان

برای زنان!»

«يُرْفُ الرَّجَالُ لِلرِّجَالِ كَمَا تُرْفُ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا؛^{۱۲} مردان با مردان زفاف کنند،

مهدی قائم علیه السلام
در پناه حضرت

مهدی قائم علیه السلام
ظالم القادر المهدی

۱. بشارة الاسلام: ۲، ۱۳۲. نهج الفصاحة ۲: ۴۷۳؛ بشارة الاسلام: ۳، ۲۲۳. نهج الفصاحة ۲: ۴، ۴۷۴. بشارة الاسلام: ۴۴.

۲. كشف الغمة ۳: ۳۲۴؛ منتخب الأثر: ۴۳۵؛ المهدي: ۱۹۹ و ۲۱۹، ۶. منتخب الأثر: ۲۲۵؛ الزام الناصب: ۶۴، ۱۸۲ و ۱۹۵.

۳. الزام الناصب: ۱۸۳؛ بشارة الاسلام: ۱۳۳ و منتخب الأثر: ۸، ۴۲۹؛ منتخب الأثر: ۴۳۰.

۴. بحار الأنوار ۵۲: ۲۵۷؛ منتخب الأثر: ۴۳۰؛ بشارة الاسلام: ۱۳۵-۱۳۱.

۵. الزام الناصب: ۱۸۳؛ منتخب الأثر: ۴۲۹؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۵۷ و ۱۱، ۱۳۵. بحار الأنوار ۵۲: ۲۵۷؛ منتخب الأثر: ۴۲۹؛ بشارة الاسلام: ۱۳۱.

۶. بشارة الاسلام: ۱۷۶؛ الزام الناصب: ۱۲۱ و ۱۹۵.

آنچنانکه عروس با داماد زفاف می‌کند!»

ای پروردگار دانا و توانا! به تو پناه می‌بریم از اینکه دچار آتش خشم تو شویم. ای رسول گرامی اسلام! همه این فجایع شرم آور تحقق یافته، دیگر کسی نمی‌تواند منکر وقوع آن‌ها شود، در صورتی‌که تا عصر ما کسی نمی‌توانست امکان آن را باور کند! آنچه تا دیروز غیر ممکن به نظر می‌رسید، امروز جامعه عمل پوشیده است! با کمال وقاحت، دادگاه دانمارک ازدواج دو پسر با یکدیگر را پذیرفت و سند ازدواج هم صادر کرد! و چند کشور غربی دیگر آن را پذیرفت و مدت‌ها مجلات مزدور اروپا از مزایای ازدواج پسران با یکدیگر سخن گفتند!

این فاجعه تنفر برانگیز که تا نیمه قرن بیستم تحقق نیافته بود و کسی حاضر نبود امکان آن را بپذیرد و با کمال تأسف و تعجب در عصر ما تحقق یافت، در حدیث فوق با صراحت کامل به آن اشاره شده و در احادیث دیگری با تفصیلات بیشتری آمده است، که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

«وَأَمْتَسَطُوا كَمَا تَمْتَسِطُ الْمَرْأَةُ لِرِزْوَجِهَا وَأَعْطُوا الرِّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ وَتُوفِسَ فِي الرِّجْلِ وَتَغَايَرَ عَلَيْهِ الرِّجَالُ وَبَيَّنْدَلُ فِي سَبِيلِهِ النَّفْسَ وَالْأَمَالَ! ^۱ مرد برای مرد موهایش را شانه می‌زند و خود را آرایش می‌کند، همان‌گونه که زن برای همسرش، سر خویش را شانه می‌زند و خود را آرایش می‌کند، مردان برای این کار اجرت می‌گیرند، و گاهی بین افرادی که خواهان اویند رقابت در می‌گیرد و گاهی مرد، ناموس مرد می‌شود و برای او غیرت به خرج می‌دهد و در راه او از بذل جان و مال دریغ نمی‌کند.»

«تَحَلَّى ذُكُورُ أُمَّتِي بِالذَّهَبِ وَ يَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيَنَاجَ وَ يَتَّخِذُونَ جُلُودَ النَّمِرِ فَهَنَّاكَ يَكْتُرُ الْمَطَرُ وَ يَقِلُّ النَّبَاتُ وَ تَكْتُرُ الْهَزَاتُ! ^۲ مردان امت من با طلا آرایش می‌کنند، حریر و دبا می‌پوشند، و از پوست پلنگ برای خود جامه درست می‌کنند، در چنین زمانی باران بسیار می‌بارد ولی خیر و برکت کم می‌شود و زلزله فراوان می‌گردد.»

«تَكُونُ مَعِيشَةُ الرَّجُلِ مِنْ دُبُرِهِ وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا! ^۳ مرد برای تأمین زندگی خود فروشی می‌کند و زن نیز.»

«وَ يُغَارُّ عَلَى الْغُلَمَانِ كَمَا يُغَارُّ عَلَى الْجَارِيَةِ فِي بَيْتِ أَهْلِهَا! ^۴ در آن زمان برای پسر همچون دختری خانه‌دار غیرت ورزیده می‌شود.»

مهدی قائم بالله

مهدی قائم بالله

۱. الزام‌النائب: ۱۸۳، بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۷؛ بشارة الاسلام: ۱۳۳، منتخب‌الأثر: ۴۲۹.

۲. منتخب‌الأثر: ۴۳۱، الزام‌النائب: ۱۸۲؛ بشارة الاسلام: ۲۲ و ۲۶، بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۷؛ بشارة الاسلام: ۱۳۳.

۳. منتخب‌الأثر: ۴۳۳، بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۷؛ الزام‌النائب: ۱۸۲؛ بشارة الاسلام: ۲۶.

«كَأَنَّكَ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ إِذَا ضَيَّعْتَ أُمَّتِي الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعْتَ الشَّهَوَاتِ، وَغَلَّتِ الْأَشْعَارُ، وَكَثُرَ اللَّوَاطُ، وَزُخِرَتْ جُذُرَانُ الدُّورِ وَرُفِعَ بِنَاءُ الْقُصُورِ، وَرَكِبُوا جُلُودَ النُّمُورِ، وَأَكَلُوا الْعَاثُونَ، وَلَبِسُوا الْحُبُورَ، وَصَارَتِ الْمُبَاهَاةُ بِالْمَعْصِيَةِ؛^۱ دنیارا در برابر دیدگانت مجسم کن: هنگامی که امت من نماز را ضایع کنند، از شهوات پیروی کنند، قیمت‌ها بالا رود، همجنس‌بازی شایع شود، دیوارهای منازل تزیین گردد، کاخ‌ها و ساختمان‌ها بلند ساخته شود، بر پوست‌های پلنگان سوار شوند، آنچه بیابند بخورند، زیورآلات بپوشند و معصیت به صورت وسیله‌ای برای مباحات و فخرفروشی در آید.»

در حدیثی از پوشیدن پوست پلنگ صحبت به میان آمده که به صورت رائج عملی شده و در این حدیث نیز از سوار شدن بر پوست پلنگ بحث شده، آن نیز تا حدی عملی شده، در خانه‌ها و در ماشین‌ها روی پوست‌های پلنگ می‌نشینیم، و آنچه از حلال و حرام می‌یابیم می‌خوریم، حتی گوشت‌های منجمد وارداتی از کشورهای غیر اسلامی که در حکم میته است در بازار مسلمانان عرضه می‌شود و سازمان‌های دفاع از حقوق همجنس‌بازان تشکیل می‌گردد، و گناهان، وسیله مباحات و فخرفروشی و نشانه روشنفکری و تمدن شده است.

«سَيَأْتِي مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَالْوَأْنَهَا - وَيَرْكَبُونَ الدَّوَابَّ وَيَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِزَوْجِهَا - وَيَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ النِّسَاءِ وَزِيَهْنَ مِثْلُ زِيِّ الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ - وَهُمْ مُنَافِقُونَ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ - شَارِبُونَ بِالشَّهَوَاتِ لِأَعْبُونَ بِالسَّكَّابِ رَاكِبُونَ الشَّهَوَاتِ - تَارِكُونَ الْجَمَاعَاتِ رَاكِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ مُفْرَطُونَ فِي الْعَدَوَاتِ مِثْلَهُمْ مِثْلُ الدَّقْلَى زَهْرُهَا حَسَنَةٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ كَلَّمَاهُمُ الْحِكْمَةُ وَأَعْمَالُهُمْ دَاءٌ لَا تَقْبَلُ الدَّوَاءَ؛^۲ بعد از من اقوامی می‌آیند که غذاهای بسیار لذیذ و رنگارنگ می‌خورند، بر مرکب‌ها سوار می‌شوند، همچون زنی که برای شوهرش آرایش کند آرایش می‌کنند، همچون زن‌ها خودنمایی می‌کنند، سیمای آن‌ها همچون پادشاهانی طغیانگر است، آن‌ها منافقین امت در آخرالزمان هستند که مشروب می‌خورند، قمار بازی می‌کنند، از خواسته‌های نفس پیروی می‌کنند، نماز جماعت را ترک می‌کنند، به هنگام شب زنده‌داری می‌خوابند، و درباره نماز صبح سستی می‌کنند، مثل آن‌ها مثل درخت «دقلی» است که شکوفه‌ای بسیار زیبا و طعمی بسیار تلخ دارد، گفتارشان حکیمانه و کردارشان بیمارگونه و بیماری‌اشان علاج‌ناپذیر است.»

فرازهای حدیث بسیار روشن است و نیازی به توضیح ندارد، فقط اشاره می‌کنیم که در

۱. الامام المهدي: ۲۱۹؛ منتخب‌الأثر: ۴۳۱؛ بشارة الاسلام: ۲۳؛ الزام‌النائب: ۲۱۸۱. ۲. منتخب‌الأثر: ۴۲۷؛ الزام‌النائب: ۲۱.

این روایت از مرکب‌های آخرالزمان به «دواب» تعبیر آورده شده است که به معنی جنبنده است و شامل همه مرکب‌های عصر حاضر از ماشین و قطار و هواپیما می‌شود، که «ذیب» در لغت به معنای حرکت و سرعت است، و شامل هر جنبنده سریع می‌شود. و اینکه در این بخش بیشتر نمونه‌هایی از کلمات ارزشمند امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌آوریم و از دیگر معصومین کمتر روایت نقل می‌کنیم، به این دلیل است که بیشتر احادیث معصومین دیگر علیهم السلام شبیه فرمایشات جد بزرگوارشان می‌باشد. پیشوای پرهیزکاران مردم آخرالزمان را آنچنان توصیف کرده، که گویا در قرن بیستم زندگی می‌کند و از تمام اسرار مردم این زمان باخبر است. و اینک فرازهایی از سخنان آن بزرگوار:

«وَيَرَى الرَّجُلُ مِنْ زَوْجَتِهِ الْقَيْحَ فَلَا يَنْهَاهَا، وَلَا يَرُدُّهَا عَنْهُ، وَيَأْخُذُ مَا تَأْتِي مِنْ كَدِّ فَرْجِهَا وَمِنْ مُفْسِدِ خَدْرِهَا، حَتَّى لَوْ نُكِحَتْ طُولًا وَعَرْضًا لَمْ يَنْهَاهَا وَلَا يَسْمَعُ مَا وَقَعَ، فَذَلِكَ هُوَ الدِّيُوثُ؛^۱ مرد از همسرش انحرافات جنسی را می‌بیند و اعتراض نمی‌کند، از آنچه از طریق خودفروشی به دست آورده می‌گیرد و می‌خورد، اگر انحراف سراسر وجودش را فراگیرد اعتراض نمی‌کند، به آنچه انجام می‌شود و در حقش گفته می‌شود گوش نمی‌دهد، این چنین شخصی ... است.»

«تُزَوِّجُ الْإِمْرَأَةَ بِالْإِمْرَأَةِ، وَ تُزَفُّ كَمَا تُزَفُّ الْعُرُوشُ إِلَى زَوْجِهَا؛ زن با زن می‌آمیزد و همانند عروس که برای داماد آرایش کند برای یکدیگر آرایش می‌کنند.»
«فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِمْ فَتَنٌ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا؛^۲ هنگامی که چنین شود، فتنه‌هایی برای آنها روی می‌آورد که تاب مقاومت ندارند.»

و اینک نزدیک نیم قرن است که این فتنه‌ها بر ما روی آورده، دیگر خواب آرامی نداریم، توپ‌های دشمن صهیونیستی، ما (شیعیان جنوب لبنان) را از خواب بیدار می‌کند و هستی ما را بر باد می‌دهد.

«إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ، يَغْلَمُ ذَلِكَ وَيُقِيمُ عَلَيْهِ! بَلْ يَكْرِي امْرَأَتَهُ وَ خَادِمَتَهُ وَ جَارِيَتَهُ، وَ يَرْضَى بِالدُّنْيَى مِنْ طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ وَ مَلْدَاتِهِ؛^۳ هنگامی که زن از راه نامشروع پول به دست آورد و مرد از درآمد او استفاده می‌کند و وضع نامطلوب او را می‌داند ولی باز هم با او زندگی می‌کند از زن و کنیز و دخترش را به کرایه بدهد و به لذایذ پست دنیا راضی شود.»

مهدی قائم علیه السلام

وَاللَّامِئَاتِ

۱. الزام‌النائب: ۱۹۵، بشاره‌الاسلام: ۲، ۷۷. همان: ۳، بشاره‌الاسلام: ۷۸.
۲. الزام‌النائب: ۱۸۳، منتخب‌الأثر: ۴۳۰، بحار‌الانوار: ۵۲، ۲۵۷، بشاره‌الاسلام: ۱۳۲.

شرم آور اینکه نمونه‌های آن در عصر ما دیده شده، آن هم نه در میان خانواده‌های فقیر که برای تأمین زندگی مجبور به این کار باشند، بلکه حتی در میان طبقه حاکمه در برخی از کشورها، که مافوق قانون هستند و قانون به خانه‌های آن‌ها راه ندارد!

«وَيُعِزُّ الرَّجُلُ عَلَى صَوْنِ النِّسَاءِ!۱ مرد را برای پوشیده نگه داشتن همسرش سرزنش می‌کنند»

چقدر فراوانند مردان بافضیلتی که برای حجاب و عفت همسرانشان مورد سرزنش قرار می‌گیرند؟! و چقدر فراوانند زنان و دخترانی که بر خلاف علاقه پدر و همسر به حجاب و پوشش اسلامی علاقه‌ای نسبت به آن نشان نمی‌دهند! و چقدر فراوانند مردانی که از طرف مردم سهل‌انگار، به سخت‌گیری نسبت به نوامیسشان متهم شده‌اند و تنها جرمشان این بوده که از همسر و دختر خود خواهش کرده که لباس موقرتری بپوشند! و اگر از آن‌ها خواهش کنند که روسری به سر کنند، در این صورت به ارتجاع و خرافه پرستی متهم می‌شوند!

«يُنْفِقُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَلَا يَنْهَى وَلَا يُؤَخِّدُ عَلَيْهِ، وَيَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛۲ مرد اموال فراوانی در راه‌های غیر مشروع خرج می‌کند و کسی به او اعتراض نمی‌کند، ولی از خرج پولی کم در راه خدا بازداشته می‌شود.»

مسئله‌ای که هماکنون همهٔ بولداران به این مسئله مبتلا هستند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشِيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُشْكِرٍ كَثِيرًا حَزِينًا يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ؛۳ هنگامی که بینی که اگر مردی یک روز گناه بزرگی انجام نداده باشد، از قبیل فحشاء، کم فروشی، کلاهبرداری و نوشیدن شراب، بسیار غمگین و اندوهگین می‌شود که گویا آن روز از عمرش تباه شده است.»

«وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتَهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ؛۴ و می‌بینی که مخارج زندگی افراد از کم فروشی و تقلب تأمین می‌شود.»

از بدشانسی ماست که در عصر ما در میان هر گروه از طبقات مختلف تاجران و کسبه، تعداد بسیار زیادی یافت می‌شود از کسانی که پایهٔ زندگی‌اشان بر تقلب و حقه و خیانت

۱. بشاره الاسلام: ۱۳۳؛ الزام الناصب: ۱۸۳. ۲. بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۶؛ بشاره الاسلام: ۱۳۳؛ الزام الناصب: ۱۸۳.

۳. منتخب الاثر: ۴۳۱؛ الزام الناصب: ۱۸۳؛ بشاره الاسلام: ۱۳۳؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۹. ۴. الزام الناصب: ۱۸۳.

استوار است و زندگی‌اشان از این راه تأمین می‌شود؟!

حضرت در روایتی مفصل‌تر می‌فرماید:

«وَرَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اَكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ ... وَ رَأَيْتَ الرَّجَالَ يَتَسَمَّنُونَ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءَ لِلنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ دُبْرِهِ وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا ... وَ اَعْطُوا الرَّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ وَ تَتَوَفَسَ فِي الرَّجُلِ وَ تَغَايِرَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ ... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِثْيَانِ النِّسَاءِ ... وَ رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَى النَّاسِ حَالًا عِنْدَ الْوَلَدِ ... وَ رَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَ اَطْلُبْ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ النَّجَاةَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِنَّمَا يُنْهَلُهُمْ لِأَمْرِ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَرَقِّبًا وَ اجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ؛ و می‌بینی که گناهان علنی شده، مردان به مردان بستنده کرده، زنان با زنان در آمیخته، مردان برای مردها آرایش کرده، زنان برای زن‌ها خودشان را می‌آرایند، زندگی مرد از خودش تأمین می‌شود، زن نیز از خود فروشی زندگی‌اش را می‌گذراند، افراد، اموال فراوانی در راه تأمین مسائل جنسی می‌پردازند، نسبت به یک مرد نیز همچون یک زن غیرت و حسادت به خرج می‌دهند! مرد برای آمیزش با جنس مخالف سرزنش می‌شود، عاق والدین شدن علنی شده، پدر و مادر در پیش فرزند خوار شمرده می‌شوند و در دیدگاه فرزند، پست‌تر از هر فرد دیگری به شمار می‌آیند... و می‌بینی که نشانه‌های حق از بین می‌رود، در چنین زمانی از خشم خدا بترس و از خدای تبارک و تعالی نجات بطلب، و بدانکه مردم مورد خشم و غضب پروردگار هستند و خداوند به دلایلی به آن‌ها مهلت می‌دهد، منتظر باش، و تلاش کن که خداوند تورا در وضعی برخلاف وضع آن‌ها ببیند.»

و چقدر کم هستند آن‌ها که منتظر و علاقمند نجات و رستگاری‌اند!



دوراندیشان
 در پستانه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در پستانه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 دوراندیشان در پستانه حضرت مهدی قائم علیه السلام

ب) سیمای زنان در آخرالزمان

اما زن!

زنِ آخرالزمان!

همه می‌دانند که اگر زن ارزش والای خود را بشناسد و به وظایف سنگین خود عمل کند، گران‌بهاترین و درخشنده‌ترین ستاره افق زندگی، و پُراج‌ترین گوهر رشته هستی است، که پایه و اساس هر فضیلت است و بدون او رشته خانواده‌ها از هم گسیخته خواهد شد، طومار جامعه در هم می‌پیچد، زیرا زن حلقه اتصال و رمز تداوم نسل بشری است، که آن پاک‌ترین بُعد زندگی است.

اگر زنان یک جامعه از شناخت خویش ناتوان شوند و از راه مستقیم منحرف شوند و به صورت چراگاه هوس‌های مردان هوسران، و ابزار و ارضای تمایلات نفسانی افراد پست و بی‌اعتبار درآیند و از کرامت خدادادی خود تنزل نمایند، چنین جامعه‌ای در سراشیبی سقوط قرار گرفته، به زندگی حیوانی نزدیک شده است.

خداوند زن را گوهر گران‌بهای آفریده که همچون دیگر گوهرها باید به دور از چشم بدان‌دیشان و در پوشش و محل امن باشد، و مایه درخشش کانون خانواده باشد. او نباید آنقدر تنزل کند که زیر نگاه‌های هر رهگذر چشم‌چرانی لگد مال گردد!

هنگامی که مسئله زن در این بخش بازگو می‌شود، فاتحه‌رهای جامعه خوانده می‌شود و دیگر امیدی به نجات نسل آینده از این بلاي خانمانسوز نیست، زیرا زن در عصر ما کرامت خود را فراموش کرده، تنها به زیبایی ظاهر پرداخته، همه هم و غمش رسیدن به آرایش تن و در دام انداختن چند نگاه پست و جلب کردن چند چشم چران هوسران شده است. به کسی که از جمالش گفتگو کند تمایل می‌کند، به کسی که در کمین عفتش سنگر گرفته باشد تسلیم می‌شود، در برابر چند جمله فریبنده و به ظاهر آراسته، زانو می‌زند.

هنگامی که زن این چنین کرامت خود را فراموش کند، برای جامعه هیچ امیدی نمی‌ماند، زیرا حلقه اتصال درهم گسسته، و نصف شیرین جامعه که رمز بقای نسل بشری نیز هست، فاسد گشته و ارزش والای خود را از دست داده است. با فساد این قشر دیگر امیدی به صلاح قشر دیگر نیست که فساد آن‌ها ساری هست و به قشر دیگر نیز

در سوره هود

و

و

و

و

سرایت کرده، جامعه را به فساد می‌کشد. عذر زن امروز در این ابتذال چیست؟ چرا جز به هوس و ولگردی نمی‌اندیشد؟! چرا کرامت و فضیلت خود را فراموش کرده است؟! چرا تلاش او منحصر به این شده که خود را به صورت مرد درآورده؟ مگر با تغییر لباس و پوشیدن جامه مرد، تغییر جنسیت و تغییر ماهیت می‌دهد؟!

مگر زن‌های زمان ما نمی‌دانند که مردها نیازی به این ابتذال زن‌ها ندارند، بلکه نیاز شدیدی به زنی دارند که کرامت خود را فراموش نکرده باشد و بتواند همسر خوبی برای شوهر خود، و مادر خوبی برای فرزندانش و اسوه و الگوی خوبی برای جامعه‌اش باشد. زنی که تمام برجستگی‌های بدنش را در برابر دیدگان نسل چشم چران به نمایش گذاشته، دیگر جذبه‌ای ندارد، زیرا عادی شده، ارزان شده، نیازی به جستجو ندارد، در سر هر کوی و برزن به تعداد فراوان یافت می‌شود، دیگر آن شکوه، هیبت، کشش، کرامت و جذبه زن‌های عقیف را ندارد که دل مرد را تسخیر کند و دیدگان او را جلا دهد و زندگانی او را صفا بخشد و کانون خانواده را گرم کند و رشته اتصال و تداوم نسل بشری را محافظت کند!

وضع رقت‌بار و مبتذل زن در عصر ما چیزی نبود که از نگاه نافذ رسول اکرم ﷺ و اهل بیت طیب و طاهر آن سرور پوشیده بماند، بلکه به سان کسی که با دیدگانی نافذ و قلبی بصیر در پایتخت‌های اروپا و آمریکا گشته باشد، وضع تأثرانگیز زن قرن بیستم را در میان کلمات گرانقدرش تشریح کرده، خطرات ناشی از آن را گوشزد نموده، امت اسلامی را از فرو رفتن در این منجلاب فساد بیم داده است و اینک گوشه‌ای از کلمات دُرر بار آن حضرت و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام:

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ يُؤْمَرُوا بِمَعْرُوفٍ وَ لَمْ يُنْهَوْا عَنِ مُنْكَرٍ قَبِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ فَكَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَتَيْتُمُ الْمُنْكَرَ وَ نَهَيْتُمُ عَنِ الْمَعْرُوفِ قَبِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ! چگونه می‌شود حال شما هنگامی که زن‌های شما فاسد شوند و جوانان شما به فسق و فجور گرایش پیدا کنند، شما نیز به جای امر به معروف، امر به منکر و نهی از

مهدی قائم عجله

مجالس

معروف نمائید، معروف را منکر خیال کرده، منکر را معروف پندارید؟ پرسیدند: آیا چنین وضعی پیش خواهد آمد ای پیامبر اکرم ﷺ؟ فرمود: «آری، و حتی بدتر از آن!» آنگاه در توصیف زن‌های عصر ما که در آستانه ظهور و روزگار‌هایی قرار گرفته‌ایم، چنین می‌فرماید:

«وَشَارَكَ النِّسَاءُ أَرْوَاجَهُنَّ فِي التَّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا؛^۱ هنگامی که زن‌ها برای طمع دنیا در داد و ستد همسرانشان شرکت کنند.»

امروز تجارت زنان بسیار رایج است، برخی به صورت استقلالی و برخی به صورت مشارکت در تجارت همسرانشان به داد و ستد اشتغال دارند.

«يَتَشَبَّهُ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ؛^۲ مردها خود را به صورت زن، و زن‌ها خود را به صورت مرد در می‌آورند.»

اگر ویژگی‌های بدن دختران، همچون ظرافت بدن و برجستگی‌های مختلف آن نبود، بسیاری از دختران امروز با پسران اشتباه می‌شدند!

«لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، وَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ؛^۳ لعنت خدا بر زنانی که خود را به صورت مرد در می‌آورند و مردانی که خود را به صورت زن در می‌آورند.»

زیرا آن‌ها از ناموس خلقت و آئین فطرت بیرون رفته‌اند و نظام آفرینش را زیر پا نهاده، با سرشت خویش در افتاده‌اند.

«إِذَا تَرَيْتِ النِّسَاءَ بِشِيَابِ الرِّجَالِ، وَ سَلِبَ عَنْهُنَّ قِنَاعَ الْحَيَاءِ؛^۴ هنگامی که زن‌ها جامه مرد بپوشند و پوشش حیا از آن‌ها گرفته شود.»

ما از مرحله لباس جنس مخالف پوشیدن گذشته و فاتحه پوشش حیا را خوانده‌ایم، امروز جامه عفت و پوشش حیا نشانه خرافه پرستی و علامت ارتجاع به شمار می‌آید.

«لَعَنَ اللَّهُ الرَّجُلَةَ مِنَ النِّسَاءِ؛^۵ خداوند لعنت کند زنی را که خود را به صورت مرد جلوه می‌دهد.»

این لعنتی که از زبان پیامبر رحمت ﷺ نثار زن معاصر شده، آیا چقدر از زنان عصر ما را شامل می‌شود؟! هنگامی وضع لباس پوشیدن زن معاصر را مشاهده می‌کنیم، با این شلوارهای تنگ، که تمام برجستگی‌های بدن را به نمایش می‌گذارد، و با این کمربندهای

۱. منتخب الأثر: ۴۲۸؛ الزام الناصب: ۱۸۲؛ الامام المهدي: ۲۱۹.

۲. منتخب الأثر: ۴۹۲؛ الزام الناصب: ۱۸۰؛ المحجة البيضاء: ۳: ۴۴۲؛ اعلام الوری: ۴۳۳؛ مشیر الأحرار: ۳: ۲۹۸. نهج الفصاحة: ۲: ۴۷۴.

۳. الزام الناصب: ۱۸۱؛ بحار الأنوار: ۵۲: ۲۶۳؛ بشارة الإسلام: ۵: ۲۳. نهج الفصاحة: ۲: ۴۷۴.

پهن و زمخت که چگونه سفت و سخت به کمر بسته‌اند و با این پاپیون‌ها و ... کمتر می‌توان تشخیص داد که دختر است یا پسر! و بهتر می‌توان تشخیص داد که دائره لعنت از زبان رسول اکرم ﷺ چقدر وسیع است!

رسول اکرم ﷺ در حدیث دیگری در این رابطه می‌فرماید: «هنگامی که کلاه‌های دراز که هم زنان و هم مردان بر سر می‌کنند، ظاهر شود زنا شایع می‌شود.» که منظور همین کلاه‌های مشترک است که دختر و پسر در کشور ما (لبنان) از آن استفاده می‌کنند. دقیقاً این کلمات از براهین قطعی بر نبوت رسول اکرم ﷺ می‌باشد که از مطالبی که مردم عصر نبوت نمی‌توانستند باور کنند سخن گفته، و این گفته‌های متکی به وحی پس از گذشت چهارده قرن تمام، محقق شده است!

در حدیث دیگری از زنان آخرالزمان بحث کرده می‌فرماید:

«هنگامی که زن‌هایی را دیدید که بر سرشان چیزی شبیه کوهان شترهاست، بدانید که نمازشان پذیرفته نمی‌شود.»

این هم دقیقاً تحقق یافته است، زیرا برخی از زن‌ها موهای سرشان را در قسمت پشت سرشان جمع کرده، به صورت کوهان شتر در آورده‌اند، و برخی دیگر کلاهی می‌گذارند که بی‌شبهت به کوهان نمی‌باشد.

در احادیث دیگری تعبیرات واضح‌تری بیان فرموده که منحصرأ با عصر ما تطبیق می‌کند و می‌توان آن را نوید اختراع ماشین دانست، که از آن جمله است:

«سَيَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي رِجَالٌ، يَزْكَبُ نِسَاؤُهُمْ عَلَى سُورِحِ كَأَشْبَاهِ الرِّجَالِ. يَزْكَبُونَ عَلَى الْمَيَاثِرِ حَتَّى يَأْتُوا أَبْوَابَ الْمَسَاجِدِ، نِسَاؤُهُمْ كَأَسِيَاتِ عَارِيَاتٍ، عَلَى رُؤُوسِهِنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْعِجَافِ، لَا يَجِدُنَ رِيحَ الْجَنَّةِ! فَالْقَنُوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مَلْعُونَاتٌ؛^۱ در آخرالزمان و بین امت من مردانی پیدا می‌شوند که زن‌هایشان همچون مردها بر روی زین‌ها سوار می‌شوند، در آن عصر برفراز تشک‌ها سوار می‌شوند و تا در مساجد می‌روند، زنانشان در عین لباس پوشیدن لخت و عور هستند و بر سرشان چیزی همانند کوهان شتران لاغر وجود دارد، عطر بهشت به مشامشان نخواهد رسید. آن‌ها را لعنت کنید که آن‌ها از رحمت خدا به دور هستند.»

واژه «میائر» که در این روایت نورانی به کار رفته، به معنای تشک‌های نرم است که موقع حرکت بر روی آن می‌نشینند، درست مانند صندلی‌های اتومبیل‌های امروزی که به

در رساله حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در بیان عذاب القاذورات
 در بیان عذاب القاذورات

دلیل داشتنِ فنر موقعِ نشستنِ حرکت می‌کنند و موجبِ آسایشِ بیشترِ مسافران می‌شوند.

تعبیرِ حدیثِ برایِ مردمِ زمانِ نبوتِ بسیار لطیف است که می‌فرماید: «روی تشک‌های نرم سوار شده تا در مساجد می‌آیند.» و در عصرِ ما افرادِ فراوانی از کسانی که به خدا و قیامت معتقدند سوارِ اتومبیل‌ها شده تا در مساجد می‌آیند.

تعبیرِ «کاسیاتِ عاریات» نیز در عصرِ ما تحقق یافته است، زیرا «کاسیات» به معنای کسانی است که پوشش دارند و «عاریات» به معنای کسانی است که لخت و عور و بدون لباس هستند که دو معنای متضاد است، ولی در عصرِ ما با پدید آمدن لباس‌های توری و نایلونی این مفهوم نیز تحقق یافته است، و امروز تعدادِ بانوانی که با داشتنِ لباس، تمام بدنشان در معرضِ تماشاگرانِ جلوه‌گر باشد بسیار زیاد است.

در زمانِ ما نیز زنانِ روی‌زین‌ها سوار می‌شوند، زیرا اسب‌سواری یکی از ورزش‌های موردِ علاقهٔ بانوان است، و هنگامِ صبح چنان اشتیاقی برای اسب‌سواری دارند که برای نماز صبح ندارند.

«إِذَا رَكَبَتْ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ فَعَلَيْهِنَّ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ؛ وقتی زنها روی‌زین‌ها سوار می‌شوند، لعنتِ خدا بر این زن‌هایِ اُمّتِ من باد.»

بهترین پاداش این زن‌ها، لعنتِ پیامبر ﷺ است!

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَظْهَرَ ثِيَابُ تَلْبِئُهَا نِسَاءُ كَاسِيَاتٍ عَارِيَاتٍ، وَ تَغْلُوا التُّحُوتُ الْوُغُولُ؛^۲ قیامت برپا نمی‌شود مگر زمانی که لباسی باشد که زنها آن را بپوشند در حالی که عریان به نظر می‌رسند، و بدکاران و نااهلان بر مردم پاک و شریف برتری پیدا کنند.»

امروزه این لباس‌ها از جنس نایلون دوخته می‌شود و اندام زن در آن‌ها پیداست.

پیامبر ﷺ دربارهٔ زنانِ آخرالزمان می‌فرماید:

«وَ تَصِيرُ النِّسَاءُ كَالْبَهْمِ؛ زنان، همچون حیوان می‌شوند.»

زنان در آخرالزمان، خودرای و خیره می‌شوند که هیچ نصیحتی را قبول ندارند و به «بهم» یعنی بره، بزغاله و گوساله‌ای تشبیه می‌شوند که بدون مادر خود به چراگاه می‌روند. «يُزْفَعُ الْعِلْمُ وَ يَظْهَرُ الْجَهْلُ وَ يُشْرَبُ الْخَمْرُ وَ يَسْفُتُ الزَّانَا وَ تَقِلُّ الرِّجَالُ حَتَّى إِنَّ الْخَمْسِينَ امْرَأَةً فِيهِنَّ وَاحِدٌ مِنَ الرِّجَالِ؛^۳ علم برداشته می‌شود، نادانی فراگیر می‌شود،

در پناه حضرت

۵

۶

۷

القلم الهادي

۱. منتخب الاثر: ۴۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۲؛ بشاره الاسلام: ۲۶. ۲. منتخب الاثر: ۴۲۶.

۳. معارج اليقين في اصول الدين: ۳۹۷. ۴. نهج القصاحه: ۲؛ ۵۴۶؛ بشاره الاسلام: ۵؛ الامام المهدي: ۱۲۱؛ منتخب الاثر: ۴۲۵.

زنا و مشروب خواری شایع می گردد، شمار مردها اندک می شود، تا جایی که گاهی میان پنجاه زن یک مرد یافت می شود.»

پیامبر ﷺ درباره نابرابری مرد و زن و ابتدال زن به خاطر جنگ های سختی که رخ می دهد می فرماید:

«حَتَّى تَمُرَّ الْمَرْءُ بِالْقَوْمِ فَيَقُومُ إِلَيْهَا بَعْضُهُمْ فَيَرْفَعُ ذَيْلَهَا كَمَا يَرْفَعُ بِذَنْبِ النَّعْجَةِ؛^۱ وقتی زن از کنار عده ای می گذرد، یکی از آنها بلند می شود و دامن او را بالا می زند، همان طور که دنبه گوسفند را بالا می زنند»

در اینجا تشبیه به گوسفند، نشانه بی تفاوتی در مقابل این عمل زشت است و بی حیایی، نشانه روشنفکری می باشد. در حدیث آمده است: «در آخرالزمان مرد و زن کنار خیابان در می آمیزند، افراد باوقار با بی تفاوتی به آنها می گویند: ای کاش مقداری از راه مردم کنار می رفتید!!» و در اروپا به این صورت است که باید مواظب باشیم به کشور ما راه نیابد.

«وَ إِذَا رَأَيْتِ الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرَّجَالِ! وَ رَأَيْتِ خَيْرَ بَيْتٍ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ؛^۲ وقتی ببینی که زن از هم جنس بازی شوهرش خیر دارد ولی به او اعتراضی نمی کند، و ببینی که در بهترین خانه ها زن را به کار زشت دعوت می کنند»

زن و مرد به بهانه حق آزادی، به کارهای ناشایست یکدیگر اعتراضی نمی کنند! «وَ كَانَ الزَّوْنُ تَفْتَدِحُ بِهِ النِّسَاءُ وَ اللَّيْلُ لَا يُسْتَخْفَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ؛^۳ زن دادن به عنوان یک فضیلت برای زن بازگو می شود، دیگر منتظر شب نمی شوند که تاریکی را بپوشانند، زیرا تا این اندازه بر خدا جرأت پیدا کرده اند»

این جرأت، بسیار ناپسند و شرم آور است.

«إِذَا رَفَعُوا أَلْبَانِیَانَ وَ شَاوَرُوا النُّسْوَانَ، وَ يَكْثُرُ الْإِخْتِلَاطُ؛^۴ وقتی ساختمان ها بلند شود، زن ها مورد مشورت قرار بگیرند و اختلاط زن و مرد، زیاد شود.»

ساختمان های امروزی بسیار مرتفع شده اند، مشورت با زنان در تمام کارها صورت می گیرد، و اختلاط مرد و زن در بیشتر محیط ها رایج شده است.

پیامبر ﷺ در حدیث دیگری می فرماید:

۱. مجمع الزوائد ۷: ۲۷۱، فتح الباری ۱۳: ۷۴.

۲. منتخب الاثر: ۴۳۰، بحار الانوار ۵۲: ۲۵۷، بشارة الاسلام: ۴۴، الزام الناصب: ۱۸۲.

۳. بحار الانوار ۵۲: ۲۵۷، الزام الناصب: ۱۸۶، بشارة الاسلام: ۱۳۴.

۴. بحار الانوار ۵۱: ۷۰ و ۵۲: ۲۲۸، بشارة الاسلام: ۵ و ۲۵، منتخب الاثر: ۴۲۵، الامام المهدی: ۲۱۷، الزام الناصب: ۱۸۰، نور الابصار:

«أَنَّهَا تَوَطَّأَ حَرِيمَهُمْ وَ يَجُورُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَ تَدِيرُ أُمُورَهُمُ النِّسَاءُ؛ به حریم آنها تجاوز می‌شود، در قضاوت به آنها ستم می‌شود و زندگی آنها را زنها اداره می‌کنند.»
تمام این کارها به بهانه آزادی و برابری حقوق زن و مرد انجام می‌گیرد. وقتی زن بیشتر وقت خود را در محیط مختلط به سر می‌برد، چگونه می‌تواند با فکری آسوده، میان نگاه شیطانی انسان‌های ناپاک، امنیت داشته باشد و و همسر و پدر و برادرش او را با خیال راحت رها کنند؟!!

«وَرَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَ تَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهِي وَ تُنْفِقُ عَلَيْهِ مِنْ كَسْبِهَا وَ يَرْضَى بِالذَّنْبِيِّ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ؛ وقتی زن را ببینی که با خشونت با همسرش رفتار می‌کند و کاری برخلاف خواسته شوهرش انجام می‌دهد و از درآمد شخصی خود به شوهرش انفاق می‌کند و شوهرش برای کمترین چیز دنیایی خوشحال می‌شود و کارهای ناپسند همسرش را تحمل می‌کند.»

«عِنْدَهَا إِمَارَاتُ النِّسَاءِ، وَ مُشَاوَرَةُ الْإِمَاءِ، وَ قُعُودُ الصِّبْيَانِ عَلَى السِّنَابِرِ، وَ التَّبَاهِي بِاللِّبَاسِ؛^۱ در آن زمان زنها حکومت می‌کنند، با کنیزان مشورت می‌شود، کودکان روی منبر نشسته، امر و نهی می‌کنند، و با لباس فخر می‌فروشند.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يَحْكُمُ الدَّوْلَةَ الْخِصْيَانُ وَ النِّسْوَانُ وَ تَكُونُ إِمَارَةُ الصِّبْيَانِ وَ الْغُلَّامَانِ؛^۲ زنان و خواجهگان حکومت می‌کنند و کارهای دولتی به دست کودکان و نونهالان اداره می‌شود.»

پیامبر صلی الله علیه و آله این جمله را سه بار تکرار فرمود:

«إِذَا كَانَتْ إِمَارَةُ الصِّبْيَانِ. فَوَاللَّهِ لَتَكُونَنَّ!؛^۳ در آن دوران، حکومت به دست کودکان می‌افتد، به خدا سوگند چنین می‌شود.»

ای پیامبر رحمت! سوگندهای تو کمر انسان را می‌شکند، همان طور که امروزه کودکان همه جا قدرت دارند و در بعضی از کشورهای بزرگ و کوچک جهان زنها حکومت می‌کنند. مردم این‌ها را می‌بینند و از کنار آن به راحتی می‌گذرند.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«يَا لَهَا مِنْ طَامَّةٍ إِذَا حَكَمَتْ فِي الدَّوْلَةِ الْخِصْيَانُ وَ النِّسْوَانُ وَ الشُّوْدَانُ، وَ أَخَذَتْ الْإِمَارَةَ الشُّبَانُ وَ الصِّبْيَانُ، وَ خَرِبَ جَامِعُ الْكُوفَةِ مِنَ الْعُمَرَانِ، وَ انْعَقَدَ الْجِسْرَانُ فَذَلِكَ

مهدی قائم علیه السلام
در پناه حضرت
تقدیر
فی ظلال الفقه المهدی علیه السلام

۱. منتخب الاثر: ۴۳۰؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۵۸؛ بشارة الاسلام: ۱۲۵-۱۲۳؛ الزام الناصب: ۱۸۳.

۲. بشارة الاسلام: ۱۲۵؛ الزام الناصب: ۱۸۲. ۳. الزام الناصب: ۱۷۸؛ بشارة الاسلام: ۷۶. ۴. الملاحم والفتن: ۱۳۱.

الْوَقْتُ زَوَالَ مُلْكِ بَنِي الْعَبَّاسِ، وَظُهُورُ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛^۱ چه حوادث ناگواری اتفاق خواهد افتاد، زمانی که زنان، خواجهگان و سیاهان حکومت می‌کنند، کودکان و نوجوانان حکومت می‌کنند، مسجد جامع کوفه پس از آبادی، خراب می‌شود و دو تا بیل در بغداد ساخته می‌شود، در آن دوران بنی عباس نابود می‌شود و قائم ما اهل بیت ظهور می‌کند.

پیامبر ﷺ نیز می‌فرماید:

«لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ»^۲ گروهی که حکومت آن‌ها به دست زن سپرده شود، هرگز خوشبخت نمی‌شود.

امروزه در بعضی کشورها زن حکومت می‌کند که خوشبخت نیستند، یک زن به نام گلدامایر در کشور فلسطین حکومت می‌کند و به کشورهای دیگر حمله می‌کند، زمین‌های آن‌ها را غصب کرده و امنیت و آرامش منطقه را از بین می‌برد.

«لَا يُقَدِّسُ اللَّهُ أُمَّةً قَادَتْهُمْ امْرَأَةٌ»^۳ مردمی که رهبر آن‌ها یک زن باشد، هرگز پاک نمی‌شوند.

و در آخرین لحظات زندگی فرمود:

«از برادرم جبرئیل پرسیدم: آیا بعد از من به این جهان فرود می‌آیی؟

گفت: آری، ده بار می‌آیم و گوهرهای زمین را با خود می‌برم.

گفتم: چه چیزها را می‌بری؟

گفت: بار اول برکت را از زمین می‌برم.

بار دوم رحمت را از دل بندگان می‌برم.

بار سوم حیا را از زنان می‌برم.

بار چهارم عدالت را از فرمانروایان می‌برم.

بار پنجم محبت را از دل مردمان می‌برم.

بار ششم صبر را از نیازمندان می‌برم.

بار هفتم بخشش را از ثروتمندان می‌برم.

بار هشتم دانش را از دانشمندان می‌برم.

بار نهم قرآن را از دل قاریان می‌برم.

بار دهم ایمان را از دل مؤمنان می‌برم.»

وقتی با دقت، امت اسلامی را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم جبرئیل تا کنون نه چیز

۱. الملاحم والفتن: ۱۶۴؛ الزام الناصب: ۱۷۸. ۲. صحیح البخاری ۵۵: ۹؛ تحف العقول: ۳۰. ۳. همان.

را از زمین برده: برکت، رحمت، حیا، عدالت، محبت، صبر، بخشش، دانش و نور قرآن.

روایات حضرت علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«تَكُونُ النِّسْوَةُ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٍ وَ إِلَى الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ وَ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَاتِ مُشْرِعَاتٌ لِلْمُحَرَّمَاتِ مُسْتَحِلَّاتٌ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ: زن‌ها برهنه می‌باشند، زینت خود را آشکار می‌کنند، و از دین بیرون می‌روند، به فتنه‌ها روی می‌آورند، به طرف شهوت‌ها و لذت‌ها می‌روند، حرام خدا را حلال می‌شمارند و در جهنم باقی می‌مانند.»

همه این نشانه‌ها تحقق پیدا کرده و فقط جاودانگی در جهنم مانده! این‌ها عبرت نمی‌گیرند تا وقتی که مقابل آتش قرار بگیرند، که آن وقت دیگر عذری پذیرفته نمی‌شود و توبه فایده‌ای ندارد، همان طور در قرآن درباره فرعون آمده است که پس از مشاهده نشانه‌های مرگ، توبه کرد ولی در جواب شنید:

﴿السنن وقد عصيت قبل﴾^۲: آیا اکنون؟! مدت درازی نافرمانی کردی؟

از زشتی‌ها دوری کنید و از روزی که تکذیب کنندگان را با دست بسته در آتش می‌اندازند، بترسید:

﴿وَإِذَا الْقَوْمُ مِنهَا مَكَانًا ضِعْفًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا: لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا﴾^۳: وقتی به تنگنای آتش انداخته می‌شوند، در حالی که با زنجیر بسته شده‌اند، در آنجا واویلا می‌خوانند، به آن‌ها گفته می‌شود: امروز یک بار واویلا نگویند و بسیار واویلا بگویند.»

﴿وَذَلِكَ إِذَا تَسَلَّطَنَ النِّسَاءُ وَ سَلَّطَنَ الْإِمَاءُ وَ أُمَرَ الصَّبِيَّانَ: و وقتی که زن‌ها غلبه کنند، کنیزان مسلط شوند و کودکان حکومت کنند.»

﴿إِذَا غَلَبَتِ النِّسَاءُ عَلَى الْمُلْكِ، وَ غَلَبْنَ كُلَّ أَمْرٍ، فَلَا يُؤْتَى إِلَّا مَا لَهُنَّ فِيهِ هَوَى: و وقتی که زن‌ها سلطنت کنند، و بر مردها غلبه کنند، و خواسته‌های آن‌ها اجرا شود.»

امروزه بشر گرفتار این بیماری است و شمشیر حضرت مهدی علیه السلام می‌تواند آن را درمان کند.

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱. منتخب الاثر: ۲۲۶. ۲. سوره مبارکه بونس، آیه ۹۱. ۳. سوره مبارکه فرقان، آیه ۱۲. ۴. بشارة الاسلام: ۴۱، ۴۲، ۷۶. ۵. بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۹؛ بشارة الاسلام: ۱۲۴؛ الزام الناصب: ۱۸۴.

«وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَزَوَّجْنَ بِالنِّسَاءِ، وَرَأَيْتَ مَعِيشَةَ الْمَرْأَةِ مِنْ كَدِّ فَرْجِهَا! وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرِّجَالُ؛ زَنَاهَا مِ بِنِي كِه بَا زَن هَا آمِيزِش مِ كِنِنْد و زَن زَنْدِگِی خُود رَا تَامِین مِ كِنْد و زَنان مَانِنْد مِرْدان جِلْسَاتِی تَشكِیل مِ دِهِنْد.» امروزه زنان بیشتر به مسایل جنسی و تفریحات بیهوده می پردازند و از زندگی خود و همسر و فرزندان دور شده اند.

«إِذَا رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَنْزِلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ؛^۱ هِنْگامِی كِه زَنها رَا بِنِی كِه خُود رَا دَر اِخْتِيار كَافِران مِ كِذارِنْد!»

زنان جاهل و فاسد بیشتر از زنان دانا و پاک می باشند.

«تَضِيعُ طَهْرانُ قُصُورُها كَقُصُورِ الْجَنَّةِ، وَنِسوانُها كَالْحُورِ الْعِینِ، يَتَلَبَّسْنَ بِسِلْباسِ الْكُفَّارِ، وَيَتَزَوِّجْنَ بِنِزَى الْجَبائِرَةِ يَرْكَبْنَ السُّرُوحَ، وَلا يَتَمَكَّنَنَّ لِأَزْواجِهِنَّ! وَلا تَكْفِي مَكَاسِبُ الْأَزْواجِ لَهُنَّ! فِرُوا مِنْها إِلى قَلَّةِ الْجِبالِ وَ مِنْ الْجُحْرِ إِلى الْجُحْرِ كَأَلْتغَلَبِ بِأَشْبالِهِنَّ!؛^۲ كاخ های تِهْران مَانِنْد كاخ های بَهْستِی مِ شُود و زَنها مَانِنْد حُورالْعِین مِ باشِنْد و لِباس بِيگانگان رَا مِ پوشِنْد و خُود رَا بَه شَكْل مَسْتَكْبِران دَر مِی آوَرِنْد، مَرَكَب سِوار مِ شُونْد، بَه هَمسِران خُود تَمَكِین نَمِ كِنِنْد، و دَرآمَد شُوهرانشان بَرای آنها كافی نِست! از این زَنان بَه بالای كُوهها فرار كِنِید و مَانِنْد رُوباهِی كِه بَچَه های خُود رَا بَرداشته و از لانه ای بَه لانه دِیگر فرار مِ كِنْد، فرزندان خُود رَا بَرداشته و از پناهگاهی بَه پناهگاه دِیگر فرار كِنِید!»

گمان می کنم امام صادق علیه السلام خبر داشته که روزی تهران پایتخت ایران می شود و از آن نام برده است.

سپس سفارش می کند از دست این زن ها به بالای کوهها فرار کنند، تا اعتقادات خود را از دست ندهند. سپس خبر می دهد که مرد، زن و کنیزش را در اختیار دیگری می گذارد. امامان دیگر نیز همه این مطالب را نقل کرده اند و ما به همین اختصار کفایت کردیم.

اها
در پستان حضرت مهدی قائم علیه السلام
بیت الخلاص ظل فری

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۵۶، ۲۵۷؛ الزام الناصب: ۱۸۳، ۱۸۴؛ منتخب الاثر: ۴۲۹؛ بشارة الاسلام: ۱۳۱، ۷۶.

دین و قرآن ۲. الكافی: ۲۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۸.

۳. الزام الناصب: ۱۸۳؛ بشارة الاسلام: ۱۳۲ - ۱۳۵؛ منتخب الاثر: ۴۳۰؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۸.

ج) دانشمندان و حاکمان

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر ﷺ می فرماید:

«صِنْفَانِ مِنَ النَّاسِ إِذَا صَلَحَا صَلَحَ النَّاسُ، وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ: الْعُلَمَاءُ، وَ الْأُمَرَاءُ؛^۱ اگر دو گروه از امت من اصلاح شوند، همه مردم اصلاح می شوند، و اگر آن‌ها فاسد باشند، مردم فاسد می شوند؛ آن‌ها دانشمندان و فرمانروایان هستند.»
«شِرَارُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَأْتُونَ الْأُمَرَاءَ، وَ خِيَارُ الْأُمَرَاءِ الَّذِينَ يَأْتُونَ الْعُلَمَاءَ؛^۲ بدترین دانشمندان کسانی هستند که در مقابل حاکمان خوار شوند، و بهترین حاکمان کسانی هستند که به دانشمندان ملحق شوند.»

از رسول اکرم ﷺ پرسیدند که بدترین مردم چه کسانی هستند؟ حضرت ﷺ فرمود:
«الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا؛^۳ دانشمندانی هستند که فاسد شوند.»

اخبار ائمه علیهم السلام، غیب گویی نیست، بلکه بر اساس وحی الهی است و این‌ها را برای هدایت مردم می‌گویند تا با تحقق یافتن هر یک از این رویدادها، حقانیت دین مقدس اسلام پایدار بماند، و امت اسلامی از نابودی دور شود.

این طور نبوده که پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام می‌خواستند از راه غیب‌گویی، مردم را به سوی خود جلب کنند، بلکه افراد از راه دور و نزدیک نزد آن‌ها می‌آمدند تا مفاهیم اسلام را بیشتر درک کنند و ایشان نیز ضمن پاسخ‌گویی به مردم، نشانه‌های آخرالزمان را مطرح می‌کردند تا اعتقادات مردم را محکم‌تر کنند.

امروزه می‌بینیم که احادیث امامان علیهم السلام در جامعه تحقق می‌یابد، گویا زمان امروز را دیده‌اند؛ ولی باز توجه به این احادیث نداریم.

پیامبر ﷺ درباره همه مردم سخن گفته است و نیز دانشمندان آخرالزمان را خطاب قرار داده است و این سخن حق است و همه می‌دانند که با فساد یا اصلاح حاکمان و دانشمندان، مردم فاسد یا اصلاح می‌شوند.

پیامبر ﷺ درباره خطر این دو گروه بسیار سخن گفته‌اند. از جمله:

۱. نهج الفصاحة ۲: ۳۹۳؛ المحجة البيضاء ۱: ۱۵؛ تحف العقول: ۲۲. ۲. المحجة البيضاء ۱: ۱۲۴. ۳. تحف العقول: ۳۱.

«أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَيْمَةً مُضِلِّينَ؛^۱ من از رهبران گمراه درباره امتم می ترسم.»

در اینجا منظور از «رهبران»، دانشمندان و حاکمان است.

«ينزل بامتی فی آخرالزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع ببلاء اشد منه، حتی تضیق علیهم الارض الرحیه، و حتی لا یجد الرجل منهم ملجأ یتجىء الیه من الظلم! فیبعث الله رجلاً من عترتی؛^۲ در آخرالزمان بلاى سختی از طرف حاکمان به امت من وارد می شود، این بلا به قدری سخت می شود که کسی مانند آن را ندیده، و زمین را با این گستردگی در نظر آن ها تنگ نشان می دهد، کسی پناهگاهی پیدا نمی کند که از ظلم حاکمان به آنجا پناه ببرد، در چنین موقعی خداوند مردی را از خاندان من را می فرستد...»

در این روایت به مردم بشارت داده می شود و این بلاها نشانه نزدیک شدن ظهور امام زمان (عج) است.

«إِذَا قَلَّ عِلْمَاؤُكُمْ، وَ ذَهَبَ قُرَاؤُكُمْ، وَ قَطَعْتُمْ زَكَاتَكُمْ، وَ أَظْهَرْتُمْ مُنْكَرَاتِكُمْ، وَ عَلَّتْ أَسْوَآتُكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ، وَ جَعَلْتُمْ الدُّنْيَا فَوْقَ رُؤُوسِكُمْ وَ الْعِلْمَ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ، وَ الْكِذْبَ حَدِيثُكُمْ وَ الْقَبِيحَةَ فَاكِهَاتِكُمْ، وَ الْحَرَامَ غَنِيمَتِكُمْ، وَ لَا يَزُحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرُكُمْ، وَ لَا يُوقَرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَنْزِلُ اللَّغْنَةُ عَلَيْكُمْ وَ يُجْعَلُ بِأَسْكُمْ بَيْنَكُمْ؛^۳ وقتی تعداد دانشمندان کم شود، قاریان از بین بروند، شما زکات را نپردازید، گناهان را آشکارا انجام دهید، صداهای شما در مساجد بلند شود، دنیا را بالای سرتان قرار دهید، دانش را زیر پا بگذارید، دروغ گو شوید، شیرینی مجالستان غیبت باشد، درآمد زندگی را از راه حرام به دست آورید، بزرگترها به کوچکترها رحم نکنند، کوچکترها به بزرگترها احترام نگذارند، در این زمان نفرین بر شما نازل می شود، ترس بین شما پدید می آید و قدرت خود را علیه یکدیگر به کار می گیرید.»

امروزه بیشتر این ها اتفاق افتاده است! مردم دروغگو و دنیاپرست شده اند و علوم خود را در راه غیر درست به کار می برند. خداوند در قرآن می فرماید:

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيَاةً؛^۴ بعد از آن ها عده ای جانشین آن ها شدند که نماز را کوچک شمردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی با هلاک خواهند شد.»

در گمراهی دنیا محو شده ایم و شعله های هلاکت و دوزخ در انتظار ماست که راه

دوران در هاب
 مهدی قائم
 نورسناه حضرت
 تبت الخارص الظالم المهادي

۱. نهج الفصاحه ۲: ۴۷۲. ۲. بشاره الاسلام: ۳۶، ۲۸؛ الامام المهدی: ۱۰۸، ۶۶؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۵؛ المهدی: ۲۰۶.
 ۳. الزام الناصب: ۱۸۰؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۲۶۳؛ بشاره الاسلام: ۲۳؛ الامام المهدی: ۲۱۷. ۴. سورة مبارکه مریم، آیه ۵۹.

نجات نداریم که همیشگی است و باید از آن به خدا پناه ببریم. امروزه دانشمندان دینی بسیار کم شده، قاریان واقعی به کلی از بین رفته، و حافظ قرآن که به دستورات آن عمل کنند، کم شده‌اند و از قرآن فقط خواندن آن به صورت غنا باقی مانده است.

«إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ انْتَقَى الْمَوْتُ خِيَارَ أُمَّتِي كَمَا يَنْتَقِي أَحَدُكُمْ خِيَارَ الرُّطْبِ مِنَ الطَّيِّبِ؛^۱ وقتی ظهور قائم نزدیک شود، بهترین افراد امت می‌میرند، همان طور که شما خرماهای رطب را از یک طبق خرما انتخاب می‌کنید و برمی‌دارید.»
 «إِذَا كَانَتْ أُمْرَاؤُكُمْ شِرَارَ كُمْ، وَأَغْنِيَاؤُكُمْ بُخْلَاءَ كُمْ، وَأُمُورُكُمْ إِلَى نِسَائِكُمْ، فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ مِنْ ظَهْرِهَا؛^۲ وقتی بدترین افراد، حاکم شما باشند، ثروتمندان شما خسیس باشند، و کارهای شما به دست زنان شما باشد، در چنین زمانی زیر زمین بهتر از روی آن است.»

این حدیث اشاره می‌کند که در این زمان مرگ بهتر از زندگی است و اگر به اختیار خویش باشد، قبر را بر قصرهای سر به فلک کشیده ترجیح می‌دهد.

«يُضْبِحُ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ؛^۳ پست‌ترین مردم، رهبر آنان می‌شود.»
 «إِذَا أَسْنَدَ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرُوا السَّاعَةَ؛^۴ وقتی کارها به ناهلان سپرده شود، منتظر فرج باشید.»

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا غَضِبَ عَلَى أُمَّةٍ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا عَذَابَ خَسْفٍ وَلَا مَسْخٍ، غَلَّتْ أَشْعَارُهَا، وَتُحْبَسُ عَنْهَا أَمْطَارُهَا، وَيَلِي عَلَيْهَا شِرَارُهَا؛^۵ وقتی عده‌ای گرفتار خشم خداوند شوند، خداوند آن‌ها را با عذاب‌هایی مثل خسف و مسخ دچار نمی‌کند بلکه قیمت‌ها بالا می‌رود، باران نمی‌بارد و بدترین مردم بر آن‌ها حکومت می‌کند.»

چنان که امروزه می‌بینیم که قیمت‌ها در همه دنیا افزایش یافته، باران بسیار کم می‌بارد اگرچه گاهی سیل به صورت بلا نازل می‌شود و نیز ستمگران در بعضی نقاط زمین حکمرانی می‌کنند.

«إِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي أَعْمَالًا ثَلَاثَةً: زَلَّةَ عَالِمٍ، وَحُكْمَ جَائِرٍ، وَهُوَى مُتَّبِعَاءٍ؛^۶ بعد از خود درباره سه چیز برای امتم می‌ترسم: خطای دانشمندان، ستم حاکمان، پیروی از هوای نفس.»

«سَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أُمَّةٌ يَمْلِكُونَ عَلَيْكُمْ أَرْزَاقَكُمْ، يُحَدِّثُونَكُمْ فَيَكْذِبُونَكُمْ، لَا يَرْضَوْنَ

در پناه حضرت
 نور
 القاء المهدى عليه

۱. نهج الفصاحه ۱: ۴۵. ۲. الامام المهدي: ۲۱۹؛ الزام الناصب: ۱۸۰؛ بشارة الاسلام: ۲۲. ۳. الزام الناصب: ۱۷۸.
 ۴. نهج الفصاحه ۱: ۱۲۵؛ بشارة الاسلام: ۱۲۶؛ تحف العقول: ۴۲. ۵. نهج الفصاحه ۱: ۱۹۴.
 ۶. نهج الفصاحه ۱: ۳۶.

مِنْكُمْ حَتَّى تُحَسِّنُوا قَبِيحَهُمْ، وَ تُصَدِّقُوا كَذِبَهُمْ؛^۱ رهبرانی بر شما مسلط می‌شوند که روزی شما را به دست می‌گیرند، سخنانشان با شما دروغ است، از شما راضی نمی‌شوند مگر وقتی که کارهای نادرست آن‌ها را تشویق کنید و دروغ آنان را حقیقت بدانید.

«سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ يَكْثُرُ الْفُقَرَاءُ، وَيَقِلُّ الْعُلَمَاءُ، وَيَقْبُضُ الْعِلْمُ وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ، ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ زَمَانٌ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ رِجَالٌ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ؛^۲ زمانی می‌آید که تعداد افراد فقیر در میان امت من زیاد می‌شود، دانشمندان کم می‌شود، علم از میان مردم برداشته می‌شود، همه جا هرج و مرج می‌شود، سپس زمانی می‌آید که قاریان قرآن را تلاوت می‌کنند ولی از گلوی آن‌ها بیرون نمی‌آید.»

همان طور که امروزه قرآن خوانده می‌شود ولی درباره آن تفکر نمی‌کنیم، با خواندن آیات رحمت، خشنود نمی‌شویم و با قرائت آیات عذاب، نمی‌ترسیم.

«إِذَا أَبْغَضَ الْمُسْلِمُونَ عُلَمَاءَهُمْ، وَأَظْهَرُوا عِمَارَةَ أَشْوَابِهِمْ، وَتَنَاجَحُوا عَلَى جَنَحِ الدَّرَاهِمِ، زَمَانٌ اللَّهُ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالْقَحْطِ مِنَ الزَّمَانِ، وَجَوْرِ السُّلْطَانِ، وَ الْخِيَانَةِ مِنَ وِلَاةِ الْحُكَّامِ، وَ الصَّوْلَةِ مِنَ الْعَدُوِّ؛^۳ زمانی که مسلمانان با دانشمندان خود بچنگند، بازارهای خود را آباد کنند و برای جمع کردن ثروت ازدواج کنند، خداوند آن‌ها را به چهار بلا گرفتار می‌کند: قحطی، ظلم حاکمان، خیانت فرمانروایان، ترس و وحشت از دشمنان.»

امروزه می‌بینیم که تقریباً این چهار بلا در دنیا اتفاق افتاده است.

امام باقر علیه السلام درباره قاضی‌های اسلامی می‌فرماید:

«مَنْ أَقْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى مِنَ اللَّهِ لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحِقَّةٍ وَزُرُّ مَنْ عَمِلَ بِقُتْيَاهُ؛^۴ هر کس بدون دانش و آگاهی فتوی دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت می‌کنند، و گناه همه کسانی که به فتوای او عمل کنند، بر گردن اوست.»

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این باره می‌فرماید:

«لِسَانُ الْقَاضِي بَيْنَ جَمْرَتَيْنِ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ. فَأَمَّا إِلَى الْجَنَّةِ، وَأَمَّا إِلَى النَّارِ؛^۵ زبان قاضی میان دو شعله آتش قرار گرفته تا میان مردم قضاوت کند، وقتی قضاوت کرد یا به بهشت می‌رود یا به جهنم.»

دودانده‌ها
 مهدی قائم
 در پناه حضرت
 محمد باقر
 علیه السلام
 جلد ۱
 فصل ۵

۱. صحیح مسلم ۵۸: ۸؛ بشارة الاسلام: ۲۳؛ الامام المهدی: ۲۱۷؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۱۲. ۲. همان.
 ۳. بحار الانوار ۵۲: ۲۱۲؛ بشارة الاسلام: ۲۳. ۴. وسائل الشیعه ۱۸: ۹. ۵. وسائل الشیعه ۱۸: ۱۵۷.

در حدیثی دیگر پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«بدترین امت من کسانی هستند که وقتی در مقام قضاوت قرار می‌گیرند، اگر درباره امری شک داشته باشند، مشورت نمی‌کنند، اگر واقعیت را بفهمند، بیش از حد خوشحال می‌شوند و اگر خشمگین شود، با خشونت رفتار می‌کنند.»

و در ادامه می‌فرماید:

«کسی که مطلب زشتی را بنویسد، مانند کسی است که به آن عمل کرده است.»^۱
 «لَسْتُ أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي غَوَاءَ تَقْتُلُهُمْ، وَلَا عَدُوًّا يَجْنَحُهُمْ. وَلَكِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أُمَّةً مُضِلِّينَ إِنْ أَطَاعُوهُمْ فَتَتَوَّهُمْ، وَإِنْ عَصَوْهُمْ قَتَلُوهُمْ»^۲ من درباره امت خود از کشتارهای جنگی می‌ترسم و درباره دشمنی که آن‌ها را نابود کند، فکر نمی‌کنم؛ ولی ترس من درباره آن‌ها از رهبران گمراهی می‌ترسم که اگر از آن‌ها پیروی کنند، آن‌ها را فریب می‌دهند و اگر از آن‌ها نافرمانی کنند، آن‌ها را می‌کشند.»

پیامبر ﷺ فرمود:

«هر چیزی آفتی دارد و آفت این دین، رهبران بد می‌باشند.»^۳

و فرمود:

«وای بر امت من از دانشمندان بد.»^۴

در این حدیث، پیامبر ﷺ درباره دانشمندانی سخن می‌گوید که مردم را به نیکی دعوت می‌کنند ولی خودشان به آن عمل نمی‌کنند.

«سَيَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ يُغْطُونَ الْحِكْمَةَ عَلَى مَنَابِرِهِمْ، فَإِذَا تَزَلُّوا تَزَعَّتْ عَنْهُمْ! وَأَجْسَادُهُمْ شَرٌّ مِنَ الْجِيفِ»^۵ بعد از من رهبرانی می‌آیند که وقتی روی منبر قرار بگیرند سخنان حکمت‌آمیز می‌گویند، وقتی از منبر پایین آمدند، نور حکمت و ایمان از آن‌ها گرفته می‌شود، چنین دانشمندانی از مردار، پست‌تر هستند.»

«يَتَفَقَّهُ أَقْوَامٌ لِغَيْرِ اللَّهِ، وَ طَلَبًا لِلدُّنْيَا وَ الرَّئِاسَةِ. وَ يُوجِّهُ الْقُرْآنُ عَلَى الْأَهْوَاءِ، وَ يَصِيرُ الدِّينُ بِالرَّأْيِ»^۶ عده‌ای برای غیر خدا درس فقه می‌خوانند، فقط برای مقام و ریاست فقهت را می‌پذیرند، قرآن را بر اساس خواسته‌های خود تفسیر می‌کنند، و دین خدا را با نظر خود تفسیر و تحلیل می‌کنند.»

امروزه عده زیادی به خاطر مقام و ریاست به دنبال فقهت می‌روند.

۱. کنز العمال ۶: ۹۳. ۲. نهج الفصاحه ۲: ۴۷۲؛ الزام الناصب: ۱۹۶. ۳. کنز العمال ۱۰: ۱۹۷. ۴. همان.

۵. بشارة الاسلام: ۱۷۶؛ الزام الناصب: ۱۸۵.

۶. منتخب الاثر: ۳۳۰؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۷؛ الزام الناصب: ۱۸۲؛ بشارة الاسلام: ۱۳۴، ۲۶.

«مَا تَعْلَمَ الْعِلْمَ رِيَاءً وَ سُمْعَةً يُرَادُ بِهِ الدُّنْيَا إِلَّا نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ وَ ضَيَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ - وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ هَلَكَ؛^۱ هنگامی که علم برای ریا و تظاهر و به دست آوردن آموخته می شود، خداوند برکاتش را از آن سلب می کند و زندگی چنین اشخاصی در تنگنا می مانند و به خودشان واگذار می شوند و کسی که خداوند او را به خودش واگذارد، هلاک می شود.»

«مَنْ تَعْلَمَ الْعِلْمَ وَ لَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. مَنْ تَعْلَمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا - وَ آتَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِيَّتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ - وَ كَانَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ؛ کسی که علم را بیاموزد و به آن عمل نکند، خداوند او را در روز قیامت به صورت نابینا محسور می نماید. کسی که علم را برای دنیا به دست آورد و محبت دنیا را بر آن ترجیح دهد، گرفتار عذاب الهی می شود و جایگاهش در پایین ترین درجه جهنم است.»

«لَا تَطْلُبُوا الْعِلْمَ لِتَبَاهُوا بِهِ الْعُلَمَاءَ وَ لَا لِتَمَارُوا بِهِ السُّفَهَاءَ وَ لَا لِتَضْرُقُوا بِهِ وُجُوهُ النَّاسِ إِلَيْكُمْ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ فِي النَّارِ؛^۲ هرگز علم را برای افتخار و مباحات به دانشمندان و مجادله با نادانان و جلب توجه مردم یاد نگیرید، کسی که این کار را انجام دهد، در جهنم گرفتار می شود.»

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي فِرْعَوْنٌ، فَتَصِيرُ النَّاسُ إِلَى عُلَمَائِهِمْ فَإِذَا هُمْ قِرَدَةٌ وَ خَنَازِيرٌ، قَدْ عَوْقِبُوا بِنَظِيرِ مَا فَعَلُوا مِنْ تَغْيِيرِ الْحَقِّ عَنْ جِهَتِهِ، وَ تَحْرِيفِ الْكَلَامِ عَنْ مَوَاضِعِهِ؛ مَسَخَ اللَّهُ صُورَهُمْ وَ غَيَّرَ خَلْقَتَهُمْ كَمَا بَدَّلُوا الْحَقَّ بَاطِلًا؛^۳ در میان امت من وحشت و اضطرابی پیش می آید که مردم به دانشمندان خود مراجعه می کنند و آن ها را به صورت بوزینه و خوک می بینند، و این در نتیجه اعمال آن ها است که حق را از مسیر خود منحرف کرده، سخن را از محل خود تغییر داده اند، خداوند نیز برای کیفر آن ها، صورت های آن ها را مسخ کرده، آفرینش آنان را تغییر می دهد، همان طور که آن ها حق را تغییر داده و به صورت باطل در آورده اند.»

به زودی خواهیم دید که دانشمندان فاسق، همه دانش خود را در اختیار ستمگران قرار داده و از گفتار پیامبر ﷺ دور می شوند. اینان بدترین مردم زمین هستند که اگر به مقامی برسند، رشوه می گیرند و اگر از آن مقام برکنار شوند، به صورت ریا عبادت می کنند. آن ها مردم را از خدا دور می کنند و به گمراهی می برند.

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام

محمد الحافظ في ظلال

۱. الزام الناصب: ۱۸۶. ۲. بشارة الاسلام: ۱۳۴. ۳. المحجة البيضاء: ۱: ۱۲۵؛ اختصاص مفيد: ۲۵۱.

۴. بشارة الاسلام: ۱۷۶.

«عَلَمَاؤُهُمْ خَوْنَةٌ فَجَرَةٌ! أَسْرَارُ خَلْقِ اللَّهِ هُمْ وَ أَتْبَاعُهُمْ وَمَنْ يَسَاتِيهِمْ وَيَسَاخُذُ مِنْهُمْ وَيُجِبُّهُمْ وَيُجَالِسُهُمْ وَيُشَاوِرُهُمْ! فَقَهَاؤُهُمْ خَوْنَةٌ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ عَلَى سُنَّتِي وَمِنْهَا جِي وَ شِرَائِعِي... إِنَّهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ، وَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ؛^۱ علمای آنها خیانتکار و فاسق هستند، آنها و پیروان آنها و کسانی که به سوی آنها می آیند و از آنها کسب نور می کنند، و کسانی که آنها را دوست دارند و با آنها می نشینند و مشورت می کنند، بدترین آفریده های روی زمین هستند. فقهای آنها خائن هستند و ادعا می کنند که طبق سنت و روش من عمل می کنند، ولی آنها از من بیزارند و من نیز از آنها بیزارم.»

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أُمَرَاءُ ظَلَمَةٌ، وَ وُزَرَاءُ فَسَقَةٌ، وَ عُرَفَاءُ ظَلَمَةٌ، وَ أَمَنَاءُ خَوْنَةٌ؛^۲ در آخرالزمان حاکمان ظالم، وزیرانی فاسق، عارفانی ستمگر و امانتدارانی خیانتکار هستند.»

«إِذَا ضَارَ الْأُمَرَاءُ فَجَرَةٌ وَ الْوُزَرَاءُ كَذِبَةٌ وَ الْأَعْوَانُ ظَلَمَةٌ وَ ذُوو الرِّئَاسَةِ فَسَقَةٌ؛^۳ هنگامی که حاکمان، ستمکار و وزیران، دروغگو و امانتداران، خیانتکار و یاران، ظالم و رئیس ها، فاسق می شوند.»

طبق این حدیث، آخرالزمان نزدیک است. امروزه سخنرانها زیاد شده اند و علم دانشمندان در راه نادرست استفاده می شود و فتوای نادرست می دهند.

«أَلَا إِنَّ رَحَى الْإِسْلَامِ دَائِرَةٌ قَدُورًا مَعَ الْكِتَابِ حَيْثُ دَار... أَلَا إِنَّ الْكِتَابَ وَ السُّلْطَانَ سَيُفْتَرِقَانِ فَلَا تُفَارِقُوا الْكِتَابَ... أَلَا إِنَّهُ سَيَكُونُ عَلَيْكُمْ أُمَرَاءُ يَقْتَضُونَ لِأَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَقْتَضُونَ لَكُمْ، فَإِنْ عَصَيْتُمُوهُمْ قَتَلُوكُمْ. وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ أَضَلُّوكُمْ... فَاصْنَعُوا كَمَا صَنَعَ أَصْحَابُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ: نَشَرُوا بِالْمَنَاشِيرِ وَ حَمَلُوا عَلَى الْخَشَبِ... مَوْتُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ؛^۴ همانا اسلام مانند آسیابی است که می چرخد و قرآن هم به دنبال آن می چرخد. پس شما هم به دنبال قرآن بچرخید... قرآن و حکومت از هم جدا می شوند... به زودی حاکمانی بر شما حکومت می کنند که آن چه می گویند، خود عمل نمی کنند. اگر از آنها اطاعت نکنید، شما را می کشند و اگر از آنها اطاعت کنید، همراه می شوید... پس با آنها مانند یاران حضرت عیسی عليه السلام رفتار کنید که تسلیم نشدند و کشته شدند. مرگ در راه خدا بهتر از زندگی همراه با گناه است.»

«إِذَا رَأَيْتَ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوَلَاةِ مَنْ يُمْتَدِّحُ بِشَمِّ أَهْلِ الْبَيْتِ - وَمَنْ يُجِبُّهُمْ يُزَوِّرُ وَلَا

۱. الزام الناصب: ۱۸۵.

۲. منتخب الاثر: ۴۳۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۹۳؛ غیبت نعمانی: ۱۳۰؛ الامام المهدي: ۲۱۹؛ الزام الناصب: ۱۸۲.

۳. بحار الانوار: ۵۱: ۷۰ و ۵۲: ۲۲۸؛ بشارة الاسلام: ۴۴، ۲۵، ۵؛ الزام الناصب: ۱۸۰؛ منتخب الاثر: ۴۲۵؛ الامام المهدي: ۲۱۷؛

نور الابصار: ۱۷۲. ۴. كنز العمال: ۱: ۲۱۶.

در رساله حضرت

۵

۶

کتاب

تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ؛^۱ هنگامی که می بینی نزدیک ترین مردم به زمامداران کسانی هستند که به خاطر اهانت به اهل بیت تحسین می شوند، و هر کس دوستدار اهل بیت باشد، سرزنش می شود و شهادت او پذیرفته نمی شود.»

پیامبر ﷺ در حدیث دیگری می فرماید:

«حاکمان آنها و وزیرانشان ظالم می شوند، دانشمندان آنها طمعکار، پارسایان آنها ریاکار، بازرگانان آنها رباخوار، زن های آنها غرق در آرایش و نوجوانان آنها به دنبال بی حیایی هستند، دانشمندان را فقط با لباس زیبا می شناسند و قرآن را فقط با صدای خوش تشخیص می دهند، و خدا را فقط در ماه رمضان می پرستند؛ در چنین زمانی خداوند حاکمی بر آنها مسلط می کند که دانش و حلم و رحم نداشته باشد.»^۲

«ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ زَمَانٌ حَتَّى لَا يُرَى فِيهِ إِلَّا سُلْطَانٌ جَائِرٌ أَوْ غَنِيٌّ بَخِيلٌ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ قَبِيرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ وَقِحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَغْنَاءٌ؛^۳ زمانی می آید که پادشاه ستمگر، ثروتمند بخیل، دانشمند جاه طلب، نیازمند دروغ گو، پیر مرد تبهکار، کودک بی حیا، وزن گستاخ باقی می ماند»

«السَّاعَةَ تَكُونُ عِنْدَ حُبِّهِ الْأَمْرَاءِ وَ مُدَاهِنَةِ الْقُرَّاءِ وَ نِفَاقِ الْعُلَمَاءِ وَإِذَا صَدَقَتْ أُمَّتِي بِالنُّجُومِ وَ كَذَّبَتْ بِالْقَدْرِ ذَلِكَ حِينَ يَتَّخِذُونَ الْأَمَانَةَ مَغْنَمًا وَ الصَّدَقَةَ مَغْرَمًا وَ الْفَاحِشَةَ إِبَاحَةً وَ الْعِبَادَةَ تَكْبِيرًا وَ اسْتِطَالَةَ عَلَى النَّاسِ وَ قَالَ ﷺ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكُونَ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ فَجَرَةٌ وَ زُرَّاءُ خَوْنَةٌ وَ عُرَفَاءُ ظَلَمَةٌ وَ قُرَّاءُ فَسَادَةٌ وَ عِبَادٌ جُهَالٌ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِتْنَةً غَيْرَاءَ مُظْلِمَةً فَيَتَّبِعُونَ فِيهَا كَمَا تَاهَتِ الْيَهُودُ؛^۴ و آن روز بزرگ، روزی است که حاکمان بد می شوند، قاریان سازش کار می شوند، دانشمندان منافق می گردند، مردم سخنان منجمان را می پذیرند و تقدیرات الهی را تکذیب می کنند، و دروغ را مهارت، خیانت به امانت را غنیمت، زکات را جریمه و فحشا را مباح می پندارند و عبادت را به خاطر تکبر و منت بر مردم انجام می دهند؛ در چنین زمانی خداوند آنها را گرفتار فتنه سختی می کند که سرگردان می شوند، همان طور که یهود در سرزمین «تیه» سرگردان شد.»

امروزه عرب به دست صهیونیست، اسیر و سرگردان شده است.

پیامبر ﷺ درباره علمای راستین که در اعتقاد خود محکم هستند، می فرماید:

«زمانی می آید که دانشمندان را مانند دزدان می کشند، ای کاش در آن زمان علما خود را به نادانی بزنند تا جان خود را از قتل، و آبروی خود را از تهمت، حفظ کنند. از خانه های

۱۰
ها
ترجمه حضرت
مهدی قائم علیه السلام

۵

تقریباً الحاضر غل

۱. منتخب الاثر: ۴۳۰؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۵۸؛ الزام الناصب: ۱۸۳؛ بشارة الاسلام: ۱۳۳. ۲. بحار الانوار: ۲۲: ۲۵۴.

۳. الزام الناصب: ۱۸۱؛ بشارة الاسلام: ۲۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۶۳. ۴. المهدي: ۱۹۹؛ الزام الناصب: ۱۸۱؛ بشارة الاسلام: ۲۲ و ۷۶.

خود خارج نشوند، خود را به سادگی بزنند و از حوادث، بی اطلاع باشند!»^۱

در سه سال گذشته، بسیاری از علمای ایران و عراق و لبنان کشته شده‌اند!
 «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْزِعُ الْعِلْمَ بَعْدَ أَنْ أُعْطِيَ كُمُوهُ إِنْتِزَاعًا وَإِنَّمَا يَنْزِعُهُ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ، فَتَبْقَى نَاسٌ جُهَالٌ، يُسْتَقْتُونَ فَيُقْتُونَ بِرَأْيِهِمْ فَيُضِلُّونَ وَ يُضِلُّونَ»^۲ خداوند علم و دانشی که به شما داده از شما نمی‌گیرد، بلکه با مرگ علمای ربانی، این علم از شما گرفته می‌شود و افراد نادان برای شما می‌مانند، از آن‌ها فتوا می‌پرسید و آن‌ها طبق نظر خود برای شما فتوا می‌دهند، آن‌ها گمراه هستند و شما را نیز گمراه می‌کنند.»

دانشمندانی که سالهای بسیار در راه علم تلاش و تحقیق کرده‌اند، از دنیا می‌روند و ما کتاب‌های گران‌بهای آن‌ها را در کتاب‌خانه‌های خود نگه می‌داریم.

«لَأَنَا مِنْ غَيْرِ الدَّجَالِ أَخَوْفَ عَلَيْكُمْ مِنَ الدَّجَالِ! قَقِيلَ: وَمَا ذَاكَ؟! فَقَالَ: أُمَّةٌ مُضِلُّونَ!»^۳
 زیرا من درباره شما از غیر دجال بیشتر می‌ترسم. گفتند: غیر دجال کیست؟! فرمود:
 رهبران گمراه کننده.»

روایات حضرت علی علیه السلام

علی عليه السلام می‌فرماید:

«دو گروه کرم را شکست: دانشمند گستاخ و نادان مقدس‌نما. دانشمند گستاخ با رأی خود فتوا می‌دهد و احکام دین را تغییر می‌دهد و نادان مقدس‌نما با روش نادرست خود مردم را گمراه می‌کند.»^۴

«وَتَبْطُلُ الْأَحْكَامُ، وَ يَخِيطُ الْإِسْلَامُ، وَ تَسْطَهَرُ دَوَّاسَةُ الْأَشْرَارِ، وَ يَحِلُّ الظُّلْمُ بِكُلِّ الْأَمْصَارِ!»^۵ احکام دین تعطیل می‌شود، دین اسلام از بین می‌رود، حکومت ستمگران آغاز می‌شود و همه شهرها و روستاها گرفتار ستم می‌گردد.»

در جهان امروز ستمگران حکومت می‌کنند و مردم گرفتار ترس و وحشت شده‌اند، نسل جوان از دین جدا شده است.

«فَأُولَئِكَ يُدْعَوْنَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ الْأَرْجَاسِ الْأَنْجَاسِ!»^۶ آن‌ها در ملکوت آسمان‌ها پلید نامیده می‌شوند.»

ولی مسلمانان برای به دست آوردن ثروت تلاش می‌کنند و از این تذکرات، عبرت نمی‌گیرند.

«إِنَّهُ لَا يَزَالُ عَدْلُ اللَّهِ مَبْسُوطًا عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مَا لَمْ يَمِلْ قَرَأُوهُمْ إِلَى أَمْرَائِهِمْ وَمَا لَمْ يَزَلْ

۱. روضة الواعظین: ۴۸۵. ۲. تحف العقول: ۲۳؛ نور الأبصار: ۳۵. ۳. المحجة البيضاء: ۱: ۱۲۵. ۴. بتایع الموده: ۲: ۴۱۵. ۵. الزام الناصب: ۱۹۵؛ بشارة الاسلام: ۷۶. ۶. منتخب الاثر: ۴۳۴؛ بشارة الاسلام: ۲۷.

أَبْرَارُهُمْ يَنْهَى فُجَّارَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا ثُمَّ اسْتَنْفَرُوا فَقَالُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ اللَّهُ فِي عَرْشِهِ كَذَّبْتُمْ لَسْتُمْ بِهَا صَادِقِينَ؛^۱ زمانی عدالت خداوند شامل حال این امت می شود که قاریان امت به سوی حاکمان روی نیاورند و خوبان آنها بدان رازگناه نهی کنند. زمانی که قاریان به سوی حاکمان روی آورند و خوبان نهی از منکر نکنند و آنگاه بنشینند و بگویند: لا اله الا الله، خداوند در عرش خود می فرماید: دروغ می گویند و در آن چه می گویند، راستگو نیستید.»

«إِذَا قُلَّ الْقُحَّاءُ الْهَادُونَ وَ كَثُرَ فَقَّهَاءُ الضَّلَالَةِ وَ الْخَوَنَةِ وَ كَثُرَ الشُّعْرَاءُ؛^۲ هنگامی که فقهای هدایتگر کم شوند و فقیهان گمراه و خیانت کار زیاد باشند و شاعران زیاد شوند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَ رَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَ رَأَيْتَ الْخَلَالَ يُحَرَّمُ؛^۳ و می بینی که حرام، حلال شده و حلال، حرام می گردد.»

«وَ تَمِيلُ الْقُحَّاءُ إِلَى الْكُذِبِ، وَ تَمِيلُ الْعُلَمَاءُ إِلَى الرَّيْبِ؛^۴ فقها به دروغ و علما به شک و تردید روی می آورند.»

«وَ قُحَّاهُؤُهُمْ يُفْتَوْنَ بِمَا يَشْتَهَوْنَ، وَ قُضَاتُهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ أَكْثَرُهُمْ يَسْأَلُونَ بِشَهَادَتِهِمْ! مَنْ كَانَ عِنْدَهُ دَرَاهِمُ كَانَ مُوقِرًا مَرْفُوعًا، وَ إِنْ كَانَ مُقْلًا فَهُوَ عِنْدَهُمْ مَوْضُوعٌ؛^۵ فقیهان آن زمان بر اساس هوای نفس خود فتوی می دهند، قاضی های آنها آنچه را که نمی دانند می گویند، و بیشتر آنها گواهی دروغ می دهند؛ کسی که چند درهم پول داشته باشد، برای آنها عزیز و محترم است و کسی که ثروتی نداشته باشد، در نظر آنها پست و ذلیل است.»

امروزه این مسأله رایج شده است.

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَنْتَقِمُ مِنْ أَهْلِ الْفِتْوَى بِمَا لَا يَعْلَمُونَ. فَتَنَسَأَ لَهُمْ وَ لِأَتْبَاعِهِمْ! أَوْ كَانَ الدِّينُ نَاقِصًا فَتَمَمُوهُ أَمْ كَانَ بِهِ عِوَجٌ فَقَوِّمُوهُ، أَمْ هُمْ النَّاسُ بِالْخِلَافِ فَاطَاعُوهُ، أَمْ أَمْرُهُمْ بِالصَّوَابِ فَعَصَوْهُ، أَمْ هُمْ الْمُخْتَارُ فِيمَا أَوْحَى إِلَيْهِ فَذَكَّرُوهُ، أَمْ الدِّينُ لَمْ يَكْمَلْ عَلَى عَهْدِهِ فَكَمَّلُوهُ، أَمْ جَاءَ نَبِيُّ بَعْدَهُ فَاتَّبِعُوهُ؛^۶ هنگامی که قائم ما ظاهر شود، از کسانی که بدون علم فتوی داده اند، انتقام می گیرد. وای بر آنها و پیروان آنها. آیا کمبودی در دین خدا وجود داشت که آنها تکمیل کردند؟! آیا در دین خدا مطلب نادرستی بود که آنها درست کردند؟! آیا مردم می خواستند منحرف شوند که از او پیروی کردند؟! و یا او مردم را به

مهدی قائم علیه السلام

محمد الحارثی رضی الله عنه

۱. غیبت نعمانی: ۱۳۱؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۲۸؛ بشارة الاسلام: ۴۷. ۲. منتخب الاثر: ۴۲۵؛ بحار الانوار: ۵۱، ۷۰؛ بشارة الاسلام: ۵. ۳. بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۷؛ بشارة الاسلام: ۲۳. ۴. الزام الناصب: ۲۰۷. ۵. بشارة الاسلام: ۷۷؛ الزام الناصب: ۱۹۵. ۶. الزام الناصب: ۱۰۸.

راستی و درستی امر کرده و مردم مخالفت می کردند؟ آیا پیامبر ﷺ کمتر از آنچه به او وحی شده بیان کرده که به او یادآوری کرده اند؟ او یا دین در زمان او کامل نبود و اینها تکمیل کردند؟ آیا پیامبری بعد از رسول اکرم ﷺ آمده که از او پیروی کردند؟^۱

اگر به این سخنان توجه شود، دیگر بدعت گذاران، احکام جدیدی را وضع نمی کردند. «إِذَا وَقَعَ الْمَوْتُ فِي الْفُقَهَاءِ، وَوَضَعَتْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ الصَّلَاةَ؛^۱ و آن هنگامی است که فقهای درستکار یکی پس از دیگری می میرند و امت محمد ﷺ نماز را ترک می کنند.» امروز نسل جوان نماز را سبک می شمروند، با این که می دانیم اگر نماز ما قبول نباشد، عبادت های دیگر نیز قبول نمی شود. علم فقه هم کم رنگ می شود و فقیهان به فراموشی سپرده می شوند. چنانکه امیرمؤمنان و پیشوای برهیزکاران حضرت علی علیه السلام در این رابطه می فرماید:

«يَكُونُ إِذَا رَفَعَ الْعِلْمُ وَظَهَرَ الْجَهْلُ وَكَثُرَ الْقُرَاءُ وَقَلَّ الْعُلَمَاءُ؛^۲ او هنگامی ظاهر می شود که علم از بین می رود، گمراهی آشکار می شود، قاریان زیاد می شوند و دانایان اندک.»

«يَتَفَقَّهُ النَّاسُ لِغَيْرِ الدِّينِ وَ يَتَعَلَّمُونَ لِغَيْرِ الْعَمَلِ وَ يَطْلُبُونَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ؛^۳ مردم فقه را یاد می گیرند ولی نه برای دین؛ دانش می اندوزند ولی نه برای عمل؛ با انجام اعمال دینی، دنیا را طلب می کنند.»

«لَا يَقُومُ حَتَّى لَا يُقَسَّمِ مِيرَاثُ، وَ لَا يُفْرَحَ بِغَنِيمَةٍ؛^۴ او ظسهور نمی کند مگر وقتی که ثروت ها به درستی تقسیم نشود و کسی از سود بردن خوشحال نشود.»

امروزه ثروت ها از راه درست تقسیم نمی شود. فتنه ها و جنگ ها باعث شده که از سودها خوشحال نشوند.

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«تَخْلُو الْكُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْرِزُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِنَيْدَةِ يُقَالُ لَهَا قَمٌّ وَ أَهْلِهَا قَائِمُونَ مَقَامَ الْحُجَّةِ؛^۵ در کوفه مؤمنی باقی نمی ماند و علم در آن وجود ندارد، همان طور که مار در لانه خود در هم می پیچد. آنگاه در شهری به نام «قم» ظهور می کند که مردم آن، قائم مقام حجت خدا هستند.»

در زمان ما سخن امام صادق علیه السلام تحقق یافته و علمای شیعه و پیشوایان امت اسلامی

۱. الامام المهدي: ۲۱۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۸؛ الزام الناصب: ۱۹۴؛ بشارة الاسلام: ۷۵ و ۱۳۳. ۲. الزام الناصب: ۶۴.

۳. بشارة الاسلام: ۴۴؛ الزام الناصب: ۱۸۰؛ الامام المهدي: ۲۱۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۸.

۴. صحيح مسلم ۸: ۱۷۷؛ الزام الناصب: ۱۷۸؛ الامام المهدي: ۱۷۸. ۵. بشارة الاسلام: ۸۷.

در این شهر می‌باشند. پیامبر ﷺ نیز شهر قم را ستوده و از آینده درخشان آن سخن گفته است.

هم چنین طبق این حدیث، علم از کوفه و نجف اشرف برداشته می‌شود. و شاید به خاطر ظلم حاکمان و کشته شدن بزرگان دین باشد.

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنَ الْحَدِيدِ لَا تَزَلْ لَهُمُ الْحَوَادِثُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجِبُّونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱
مردی از قم خارج می‌شود و مردم را به سوی حق دعوت می‌کند، گروهی که دل‌هایشان مثل آهن سخت است، دور او جمع می‌شوند، حوادث آن‌ها را نگران نمی‌کند، ناراحت نمی‌شوند و نمی‌ترسند و بر خداوند توکل می‌کنند و عاقبت برای پرهیزکاران است.

شاید این روایت درباره امام خمینی علیه السلام باشد که با توکل بر خدا و کمک مردم توانست رژیم طاغوت را نابود کند و انقلاب اسلامی پیروز شد.

«وَالْقَضَاءُ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ»^۲ قاضی‌ها برخلاف دستورات الهی داوری می‌کنند.

«وَرَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَأْتِمُنُونَ الْخَوَاتَةَ لِلطَّمَعِ»^۳ حاکمان را می‌بینی که با طمع خود خیانتکاران را بر سرکار می‌آورند و آن‌ها را امانتدار امور کشور می‌کنند.

«وَرَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُدْمُ وَيُعَيَّرُ وَطَالِبَ الْحَرَامِ يُمْدَحُ وَيُعَظَّمُ»^۴ و می‌بینی کسی که به دنبال حلال باشد، تحقیر می‌شود و کسی که به دنبال حرام باشد، عزیز می‌شود.

روایات امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ»^۵ هنگامی که علم در میان شما نباشد، از زیر پای خود، منتظر فرج باشید.

(یعنی فرج به صورت ناگهانی اتفاق می‌افتد.)

«وَيَسْبِقُ ذَلِكَ خُرُوجُ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ كُلُّهُمْ يَدْعِي الْإِمَامَةَ لِنَفْسِهِ»
قبل از ظهور قائم، دوازده نفر از فرزندان ابوطالب خروج می‌کنند و هر یک ادعای امامت می‌نمایند.

اکنون نیز علم در میان ما کم شده است و تعداد علمای واقعی کم شده است. و نیز با پیروزی انقلاب ایران، یکی دیگر از نشانه‌های فرج تحقق یافته است.

در سناه حضرت مهدی قائم علیه السلام

میراث الهی در ظل نور

۱. سفینه البحار: ۲، ۴۴۶. ۲. الزم الناصب: ۱۸۴. ۳. همان. ۴. بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۸. ۵. بحار الانوار: ۵۱، ۱۵۵؛ اصول کافی: ۱، ۳۴۱؛ غیبت نعمانی: ۹۸، بشارة الاسلام: ۵، ۳۱.

(د) دین و قرآن

دین و قرآن، در آخرالزمان، غریب و تنها هستند.

پیامبر ﷺ فرموده است:

«قَالَ دِينَ... هَذَا الْغَرِيبُ الْيَوْمَ فِي الْأَرْضِ؛ دین... امروز بر روی زمین، غریب است.»

قرآن کریم در کتابخانه‌های مساجد و منازل خاک می‌خورد. مساجد هم با فرش‌های گرانقیمت و چلچراغ‌ها تزیین شده است ولی از موعظه‌های مؤثر خبری نیست. زمانی قرآن و دین و مساجد برای مردم بود ولی امروزه هر کس طبق نظر خود عمل می‌کند.

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«وَيُوضَعُ الدِّينُ وَ تَرْفَعُ الدُّنْيَا؛ دین کم‌ارزش و دنیا باارزش می‌شود.»

«تَجْتَمِعُ الْأَجْسَادُ وَالْقُلُوبُ مُخْتَلِفَةً وَ دِينَ أَحَدِهِمْ لُغَةً عَلَى لِسَانِهِ؛ اجسام مردم یکجا

جمع می‌شود ولی دل‌های آن‌ها با هم یکی نیست، دین در نظر آن‌ها مانند خوراکی است

که در دهان می‌گردانند و سپس بیرون می‌ریزند.»

«إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأُ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛ اسلام در آغاز غریب بود

و در پایان نیز غریب می‌شود، خوشا به حال آن غریبان.»

«يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ؛ زمانی می‌آید که

اگر کسی از امت من بر دین خود استوار باشد، مانند کسی است که آتش گداخته‌ای را با

دست بگیرد.»

«سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يُسَمَّوْنَ

بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ

فُقَهَاءَ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ؛ زمانی می‌آید که از قرآن فقط

نقش آن و از اسلام فقط نام آن باقی می‌ماند؛ امت من در ظاهر مسلمان نامیده می‌شوند

در حالیکه بیش از همه مردم از اسلام دورند، مساجدشان آباد است ولی از هدایت

خالی می‌باشد، فقیهان آن زمان از همه فقهای زیر آسمان، بدترند؛ فتنه از آن‌ها خارج

۱. الزام الناصب: ۱۸۱. ۲. صحیح مسلم ۱: ۹۰؛ نهج الفصاحه ۱: ۱۲۲؛ الملاحم و الفتن: ۸۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۱.

۳. نهج الفصاحه ۱: ۱۲۲؛ الملاحم و الفتن: ۸۴؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۱؛ صحیح مسلم ۱: ۹۰.

۴. نهج الفصاحه ۲: ۶۲۵؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ غیبت نعمانی: ۱۷۳؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۶۶؛ پنایح الموده ۳: ۱۶۴.

۵. منتخب الاثر: ۴۲۷؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۰؛ الزام الناصب: ۱۴۰.

شده و به سوی آنها باز می‌گردد.»

«...و یأتی علی امتی زمان، لایقی من الإسلام إلا اسمه، ولا من القرآن إلا رسنه، فحیث یأذن الله تعالی بالخروج، فیظهر الله الإسلام به و یجدده. طوبی لمن أحسبه و تبعه، و الویل لمن أبغضه و خالفه؛^۱ زمانی می‌آید که در امت من اسلام فقط با نام آن و قرآن با قرآن نقش آن باقی می‌ماند، در آن زمان خداوند اجازه قیام می‌دهد، پس اسلام را به وسیله او (حضرت مهدی) آشکار و تجدید می‌کند، خوشا به حال کسی که او را دوست داشته باشد و از او پیروی کند، وای به حال کسی که او را دشمن بدارد و بسا او مخالفت کند.»

«یأتی علی الناس زمان، لایسلم لیدی دین دینه إلا من هرب من شاهی إلى شاهی، و من جحر إلى جحر كالتغلب بأشباهه! فإذا كان ذلك لم تنل المعیسة إلا بسخط الله! فإذا كان ذلك كان هلاك الرجل علی یدی زوجته و ولده، فإذا لم یکن له زوجة ولا ولد، كان هلاكه علی یدی أبویه، فإن لم یکن له أبوان كان هلاكه علی یدی قراباته و الجيران! یغیرونه بضیق العین فیورد نفسه الموارد التي تهلك بها نفسه؛^۲ زمانی می‌آید که هیچ یک از امت من دینش سالم نمی‌ماند مگر این که از کوهی به کوهی فرار کنند، مانند رویاهی که بچه‌هایش را برداشته و از لانه‌ای به لانه دیگر می‌رود. در چنین زمانی انسان نمی‌تواند زندگی خود را تأمین کند مگر اینکه خدا را خشمگین کند، در چنین زمانی انسان به دست همسر و فرزندانش هلاک می‌شود، اگر زن و فرزند نداشته باشد به دست پدر و مادرش هلاک می‌شود، اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست نزدیکان و همسایگانش هلاک می‌شود! او را به خاطر تنگدستی سرزنش می‌کنند تا به جاهایی وارد شود که موجب هلاکت او می‌شود.»

«إضاعة الصلوات و إتباع الشهوات، و المیل إلى الأهواء؛^۳ در آن زمان نمازها تباه می‌شود، به دنبال شهوت‌ها رفته، از هوای نفس پیروی می‌کنند.»

«یحج أغنیاء امتی للنزهة و یحج أوساطها للتجارة و یحج فقراؤهم للریاء و السنعة؛^۴ ثروتمندان امت من برای سیاحت به مکه می‌روند و متوسطین آنها برای تجارت و فقرای آنها برای ریا و تظاهر.»

«یکون حج الملوك نزهة و حج الأغنیاء تجارة و حج الفقراء مسألة؛^۵ پادشاهان برای سیاحت و تفریح به مکه می‌روند و ثروتمندان برای تجارت و مستمندان برای گدایی.»

امروز این فرمایش پیامبر تحقق یافته و به وضوح این وقایع را با چشم خود می‌بینیم.

دوران رها ب
 در پناه حضرت
 مهدی قائم
 علیه السلام
 و آله
 و صحبه
 الطاهرین

۱. ینابیع الموده ۳: ۱۰۰. ۲. منتخب الاثر: ۴۳۷؛ کشکول شیخ بهانی: ۵۸۰. ۳. الزام الناصب: ۱۸۲.

۴. منتخب الاثر: ۴۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۲؛ بشارة الاسلام: ۲۶. ۵. جامع الاخبار: ۸۱؛ بشارة الاسلام: ۱۷۶؛ الزام الناصب: ۱۹۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْمَعَارِفُ فِي الْحَرَمَيْنِ وَعَمِلَ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ، لَا يَمْنَعُ مِنْ ذَلِكَ مَانِعٌ وَلَا يَحُولُ دُونَ ذَلِكَ الْعَمَلِ الْقَبِيحِ؛^۱ هنگامی که آلات لهو در حرمین (مکه و مدینه) آشکار شود، و آنچه خدا دوست ندارد در آن جاریج گردد و کسی جلوی آن را نگیرد و هیچ مانعی بر سر راه کارهای ناشایست در آن مکان مقدس نباشد.»

در مکه و مدینه صدای ساز و آواز از صدا و سیمای عربستان شنیده می شود و کسی مانع آن نمی شود!

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الغرباء في الدنيا أربعة: قرآن في جوف ظالم، ومسجد في نادى قوم لا يصلون فيه، ومصحف في بيت لا يقرأ فيه، ورجل صالح مع قوم سوء؛^۲ چهار نفر در دنیا غریب هستند: قرآن در سینه شخص ظالم، مسجد در محله ای که نماز نمی خوانند، قرآن در خانه ای که تلاوت نمی شود، مرد صالح در میان قوم ناصالح.»

«يَمُرُّ الرَّجُلُ بِالْمَسْجِدِ فَلَا يُصَلِّي فِيهِ رَكْعَتَيْنِ؛^۳ مرد وارد مسجد می شود و دو رکعت نماز در آن نمی خواند.»

«مَا سَاءَ عَمَلُ قَوْمٍ إِلَّا زَخَرُوا مَسَاجِدَهُمْ؛^۴ هر قومی که کارهای نادرست انجام دهد، مساجد خود را تزیین می کند.»

«إِذَا اسْتَخَفُّوا بِالْقُرْآنِ وَكَانَتْ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةً بِالْأَذَانِ وَقُلُوبُهُمْ خَالِيَةً مِنَ الْإِيمَانِ بِمَا اسْتَخَفُّوا بِالْقُرْآنِ وَبَلَغَ الْمُؤْمِنُ عَنْهُمْ كُلُّ هَوَانٍ؛^۵ هنگامی که قرآن را سبک بشمارند، مساجدشان با اذان آباد باشد، ولی دل هایشان از ایمان خالی گردد و مؤمن در میان آنها به هر گونه ذلت و خواری گرفتار شود.»

«وَخَلِيَتِ الْمَصَاحِفُ وَزُخِرَتِ الْمَسَاجِدُ وَطَوَّلَتِ الْمَنَابِرُ؛^۶ قرآن ها تزیین می شود، مسجدها آزين بسته می شود و مناره ها بلند می گردد.»

در زمان ما این وقایع تحقق یافته است.

«يُتَّخَذُ الْقُرْآنُ مَرَامِيرًا، وَيُوضَعُ عَلَى الْأَحَانِ الْأَغَانِي، يُقْرَأُ بِلَا خَشْيَةٍ؛^۷ قرآن بانی و بالحن غنا خوانده می شود، و هنگام تلاوت، ترس از خدا ندارند.»

و هم چنین قاریان با لحن غنا قرآن می خوانند و در تلاوت کننده تأثیری نمی گذارد.

۱. الزام الناصب: ۱۸۴؛ منتخب الاثر: ۴۲۹؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۵۸؛ بشارة الاسلام: ۱۳۴. ۲. كز العمال ۱: ۶۱۶.

۳. الملاحم والفتن: ۱۳۱. ۴. نهج الفصاحة: ۲: ۵۲۶؛ بشارة الاسلام: ۱۳۳، ۴۴، ۲۶۵؛ الامام المهدي: ۲۱۷، ۱۲۱؛ منتخب الاثر: ۲۲۵.

۵. بحار الانوار: ۵۲: ۲۶۴؛ الزام الناصب: ۱۸۱؛ بشارة الاسلام: ۲۳. ۶. الزام الناصب: ۱۸۲، ۶۴ و ۱۹۵؛ منتخب الاثر: ۴۲۵.

۷. بشارة الاسلام: ۲۶.

«سَيَجِيءُ قَوْمٌ بَعْدِي يُرْجَعُونَ بِالْقُرْآنِ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ وَالنُّوحِ لَا يُجَاوِزُ حَتَايَرَهُمْ مَفْتُونَةٌ قُلُوبُهُمْ وَقُلُوبُ الَّذِينَ يُعْجِبُهُمْ شَأْنُهُمْ؛^۱ بعد از من گروهی می آیند که قرآن را به صورت غنا و نوحه و مانند راهبان می خوانند و از گلویشان بیرون نمی آید، در دل هایشان کسانی که برای آن ها ارزش دارند، دوست دارند.»

و نیز قرآن فقط در مجالس عزا خوانده می شود.

«لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَكُونَ أَمْرُ الصَّبِيَّانِ، وَ تَضِيعَ حَقُوقُ الرَّحْمَانِ، وَ يُنَغِّنِي بِالْقُرْآنِ؛^۲ قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور نمی کند، مگر این که کارها به دست بچه ها بیفتد، حقوق الهی ضایع گردد و قرآن را به لحن غنا تلاوت کنند.»

«بَادِرُوا بِالْمَوْتِ سِتًّا: إِمَارَةَ السُّفَهَاءِ، وَ كَثْرَةَ الشَّرْطِ، وَ الْإِسْتِخْفَافَ بِالدَّمِ، وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ، وَ نَشَأَ يَتَّخِذُونَ الْقُرْآنَ مَزَامِيرَ، يُقَدِّمُونَ الرَّجُلَ لَيْسَ بِأَفْسَقِهِمْ وَلَا بِأَفْضَلِهِمْ، يُغَنِّيهِمْ غِنَاءً؛^۳ به سوی مرگ بشتابید قبل از آنکه شش حادثه برای شما اتفاق بیفتد: حکومت نادانان، زیاد شدن پلیس، سبک شمردن خون، قطع رابطه خویشاوندی، آغاز تلاوت قرآن با غنا، جلو انداختن کسی که برتری ندارد و همراهی مردم با او.»

«إِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خُلِقَ وَ أُخْدِثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ وُجَّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ؛^۴ هنگامی که می بینی حق از بین رفته و اهل حق رفته اند، قرآن کهنه شده، مطالبی که در قرآن نیست گفته شده و قرآن طبق خواسته ها تفسیر می گردد.»

قرآن بر اساس خواسته های شخصی، تفسیر می شود، بعضی قاریان آیات را اضافه می کنند و با غنا می خوانند تا توجه مردم را جلب کنند.

«فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجَوْرَ قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَ وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خُلِقَ وَ أُخْدِثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ وُجَّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ قَدْ انْكَفَأَ كَمَا يَنْكَفِي الْإِنَاءَ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِرًا لَا يُنْهَى عَنْهُ وَ يُعْذَرُ أَصْحَابُهُ؛^۵ هنگامی که می بینی که حق از بین رفته و اهل حق وجود ندارند، و می بینی که ظلم و ستم همه شهرها را فرا گرفته، و می بینی که قرآن کهنه شده و آنچه در آن نیست بیان می شود و طبق نظر شخصی تفسیر شده، و می بینی که دین مانند آب در ظرف دگرگون می شود و می بینی که بدی آشکار شده و کسی از آن نهی نمی کند و برای بدکاران عذر می تراشند.»

سپس پیامبر ﷺ می فرماید:

۱. اصول کافی ۲: ۱۴۶ کتکول شیخ بهانی: ۲۳۵؛ نور الابصار: ۳۴؛ بشارة الاسلام: ۴۱؛ الزام الناصب: ۱۸۲.
 ۲. الزام الناصب: ۱۷۸. ۳. نهج الفصاحة ۱: ۲۱۶؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۸؛ بشارة الاسلام: ۴۴.
 ۴. الزام الناصب: ۱۸۳؛ منتخب الاثر: ۴۲۸؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۶ و ۲۵۸. ۵. بحار الانوار ۵۲: ۲۶۰.

دوران رهاب
 در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 نور الخافض ظل القادر المهارک

«وَرَأَيْتَ الْمَتَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَىٰ وَلَا يَفْعَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ؛^۱ و می بینی که روی منبر مردم را به نیکی و پرهیزکاری دعوت می کنند، ولی گوینده به آنچه دستور می دهد، عمل نمی کند.»

امروزه نیز در مساجد امر به معروف و نهی از منکر می شود ولی به آن عمل نمی شود. «يُكْفَرُ بِاللَّهِ جَهْرَةً... وَ تُوَخَّرُ الصَّلَوَاتُ، وَ تُشْرَبُ الْقَهَوَاتُ وَ تُشْتَمُّ الْآبَاءُ وَ الْأُمَّهَاتُ؛^۲ آشکارا به خدا کفر می ورزند، نمازها را در آخر وقت می خوانند، مسکرات رایج می گردد و به پدر و مادر دشنام داده می شود.»

«سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ شَيْءٌ أَخْفَىٰ مِنَ الْحَقِّ وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا أَكْثَرَ مِنَ الْكَذِبِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ رَسُولِهِ ﷺ وَ لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ أَبْوَرَ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلِي حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَلَا سِلْعَةٌ أَنْفَقَ بَيْنَاعًا وَلَا أُغْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ لَيْسَ فِي الْعِبَادِ وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ هُوَ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُشْكِرِ؛^۳ بعد از من زمانی می آید که چیزی پنهان تر از حق و آشکارتر از باطل نباشد! چیزی شایع تر از دروغ بر خدا و پیامبر ﷺ پیدا نمی شود! هیچ کالایی ارزان تر از قرآن با تلاوت درست، و گران تر از آن با تفسیر غلط و بی اساس وجود نداشته باشد! در شهرها چیزی زشت تر از معروف و بهتر از منکر جلوه نکند.»

در زمان ما اگر قرآن به طور صحیح و با ترتیل و تجوید درست و بدون غنا و ترجیع خوانده شود، پسندیده نیست! قرآن‌ها با تذهیب پزارزش، کاغذهای گران قیمت و جلد‌های زیبا عرضه می شود! اهل قرآن هم مانند قرآن در میان مردم غریب هستند. «إِذَا بَقِيَ الدِّينُ بَيْنَكُمْ لَفَطًا بِالسِّنِّتِكُمْ؛^۴ هنگامی که قرآن به صورت آهنگ تو خالی درآید که با زبان خود آن را تکرار کنند.»

«إِذَا قَسَتِ الْقُلُوبُ وَ جَمَدَتِ الْعُيُونُ وَ ثَقُلَ الذِّكْرُ عَلَيْهِمْ؛^۵ هنگامی که دلها تاریک و سخت شود، چشم‌ها خشک شود و تلاوت قرآن بر زبان‌ها سخت باشد.»

امروز اشک در چشم‌ها خشک شده و دل‌ها سخت شده است، قرآن را به سختی می خوانند، چرا که آن‌ها را از آن چه دوست دارند، منع می کند!

«... وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقَلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُهُ وَ خَفَّ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ؛^۶ و می بینی که گوش دادن به قرآن برای مردم بسیار سنگین است و گوش دادن به صداهای

۱. الحاوی للفتاویٰ ۲: ۱۴۷؛ الملاحم والفتن: ۶۲؛ بشارة الاسلام: ۷۵. ۲. همان. ۳. بنایح الموده ۳: ۱۰۶ و ۲۰۳.

۴. بشارة الاسلام: ۲۳؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۶۴؛ الزام الناصب: ۱۸۱.

۵. بحار الانوار ۵۲: ۲۵۶؛ بشارة الاسلام: ۲۳ و ۱۳۲؛ الزام الناصب: ۱۸۱.

۶. منتخب الاثر: ۴۳۰؛ بشارة الاسلام: ۱۳۳؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۸؛ الزام الناصب: ۱۸۳.

باطل آسان و شادی آور شده است.»

صوت قرآن یادآور مجالس عزا و صداهای باطل یادآور مجالس شادی آور است.
«وَرَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَرْكِ التَّدْيِينِ
به؛^۱ او می بینی که مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر با هم یکی هستند و
سریچی از دین فراگیر شده و بی دینی میان دانا و نادان مشترک شده است.»

روایات حضرت علی علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«مَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سَكَانُهَا وَ عَمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ
مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا وَ يَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ
عَنْهَا إِلَيْهَا يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَبِي حَلَفْتُ لَأُبْعَثَنَّ عَلَى أَوْلِيكَ فِتْنَةً أَتْرُكُ السَّحْلِيمَ فِيهَا
خَيْرَانِ! در آن روز مساجدشان از نظر ساختمان آباد است و از نظر هدایت خراب است،
ساکنان و بانیان آنها بدترین مردم روی زمین هستند، فتنه از آنها آغاز می شود و
محصیت به سوی آنها پایان می یابد، کسی که از گناه دوری کند، به سوی گناه هدایت
می کنند و هر کس عقب بماند او را به گروه تبهکاران می رسانند. خداوند درباره آنها
فرمود: سوگند به عزت و جلالم، برای آنها فتنه ای می فرستم که عقلای قوم در آن
حیران و سرگردان بمانند.»

و

در سوره حضرت مهدی قائم علیه السلام

از این سوگند به خدا پناه می بریم، فتنه ای که امروز جهان اسلام را فرا گرفته و انسان را سرگردان می کند.

«إِذَا ضَيَعَتْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ الصَّلَوَاتِ، وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَ رُفِعَتِ الصَّلَاةُ مِنَ الْمَسَاجِدِ
بِالْخُصُومَاتِ، وَ جَعَلُوا الْمَسَاجِدَ مَجَالِسَ لِلطُّغَاةِ، فَتَصِيرُ الْوُجُوهُ وَ جُوهَ الْآدَمِيِّينَ، وَ
الْقُلُوبُ قُلُوبَ الشَّيَاطِينِ؛^۲ هنگامی که امت محمد صلی الله علیه و آله نمازها را سبک بشمارند، از
شهوتهای پیروی شود، به خاطر جدال نمازها از مساجد برچیده شود و مساجد، محل
برگزاری جلسات طغیانگرها شود، در آن زمان چهره ها به شکل انسان و دلها شیطانی
می باشد.»

فتنه الحاد في ظل

و درباره نشانه های فرج می فرماید:

«إِذَا كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَ أَمَرَ النَّاسُ بِهِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ كَثُرَ الْقَتْلُ وَ
اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ؛^۳ هنگامی که ظلم و فساد زیاد شود، منکرات آشکار گردد، مردم

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۵۹؛ بشارة الاسلام: ۵ و ۲۳.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۲۵۹؛ الزام الناصب: ۱۸۱؛ بشارة الاسلام: ۲۳؛ نور الابصار: ۱۷۲.

۳. بحار الانوار ۵۲: ۱۹۳ و ۲۵۱؛ بشارة الاسلام: ۲۵ و ۷۶؛ الامام المهدي: ۲۱۷.

یکدیگر را به انجام منکرات تشویق نمایند، و از انجام کارهای درست بازدارند، کشتار زیاد شود و مردم خون را سبک بشمارند.»

«إِذَا اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَاسْتَعْلَنَ الْفُجُورُ وَقَوْلُ الْبُهْتَانِ وَصَدَقَ الْكَاذِبُ وَأَوْثَمِنَ الْخَائِنَ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ وَشَهِدَ الْآخِرُ قَضَاءً لِذِمَامٍ بِغَيْرِ حَقِّ عَرَفَهُ . فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَخَا الْوَخَا! ^۱ هنگامی که دروغ مباح شمرده شود، از هوای نفس پیروی شود، روابط نامشروع آشکار گردد و نعمت رایج شود، دروغگویان راستگو شناخته شوند و خیانتکاران مورد اعتماد قرار بگیرند، شاهدان بدون اینکه کسی شهادت بخواهد شهادت بدهند، و گروهی دیگر برای قراردادی که بسته‌اند بدون اینکه از اصل موضوع خبر داشته باشند، شهادت می‌دهند، در چنین زمانی همه جا آتش می‌بارد.»

«...حَتَّى لَا يَفْتَقِيَ النَّاسُ أُمَّرَ نَبِيِّ وَلَا يَعْتَدُونَ بِعَمَلٍ وَصِيٍّ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ وَلَا يَعْفُونَ عَنْ غَيْبٍ؛ ^۲ دیگر مردم از سنت پیامبر ﷺ پیروی نکنند و سیره امامان معصوم عليهم السلام را دنبال نکنند، به غیب ایمان نیاورند و دست از کارهای ناشایست بر نمی‌دارند.»

امروز اگر از یگانگی خداوند و رسالت پیامبر ﷺ سخن بگوییم: «سرهای خود را به خاطر کبر و غرور برمی‌گردانند» ^۳ سپس با زبان تیز به تو می‌گویند: «انگشت‌های خود را در گوش بگذارند که نشوند، لباسشان را به خود بپیچند و در انکار خود اصرار ورزند و به شدت تکبر نمایند» ولی اگر از امام غایب سخن بگوییم، دیوانه می‌شوند و تو را دیوانه می‌پندارند.

«تَظْهَرُ الْمَلَاهِي وَ يُعْرَبُ بِهَا فَلَا يَجْتَرِي أَحَدٌ عَلَيَّ مَنَعِيهَا؛ ^۴ آلاتِ لهو و لعب در رهگذر مردم آشکارا به کار گرفته می‌شود، مردم عبور می‌کنند و کسی جرئت نمی‌کند که از آن جلوگیری کند.»

از کنار مجالس لهو و لعب رد می‌شویم ولی از آن جلوگیری نمی‌کنیم و اگر کسی اعتراض کند، پاسخ‌های زشت می‌شنود و از انتقاد خود پشیمان می‌شود.

«فَلَا تَرَى إِلَّا دَامًا لِلَّهِ؛ ^۵ سرزنش کننده‌ای نمی‌بینی مگر این که خداوند را سرزنش کند.»

عده‌ای سرزنش می‌کنند ولی خدا را مورد نکوهش قرار می‌دهند! ولی اعمال آن‌ها ضبط می‌شود. خداوند در عذاب آن‌ها عجله نمی‌کند و در روز رستاخیز گفته می‌شود: «امروز تنها به سوی ما آمده‌اید، چنانکه در آغاز شما را آنچنان آفریده بودیم... چگونه

۱. الامام المهدي: ۲۱۹. ۲. بشارة الاسلام: ۶۲. ۳. سورة مباركة منافقون، آية ۵.

۴. منتخب الاثر: ۴۳۰؛ بشارة الاسلام: ۱۳۳ و ۱۳۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۸. ۵. الزام الناصب: ۱۸۲؛ بشارة الاسلام: ۱۷۵.

یاوران و شفاعت کنندة شمارا همراه شما نمی بینیم!»^۱

انسان می میرد و باید در برابر اعمال خود پاسخ گو باشد، یار و مدافعی همراه ندارد: ﴿روزی که اعمال انسان چه خوب و چه بد در برابر دیدگانش حاضر می شود، دوست دارد که ای کاش میان او و آن اعمال فاصله زیادی بود، خداوند شمارا از خودش می ترساند.﴾^۲

ای طغیانگران ناچار می میرید و به سزای اعمال خود می رسید، چنان که می فرماید: ﴿آنچه می گوید می نویسیم و بر عذابش می افزائیم و آنچه می گوید به او به ارث می رسانیم و به سوی ماتک و تنها می آید.﴾^۳

هر قدر که بخواهد سرزنش کند، به زودی متکبران می میرند و حسابرسی می شوند. «إِذَا رَأَيْتَ الْحَرَمَيْنِ يُعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يَرْضَى اللَّهُ وَرَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ عُطِّلَ وَ يُؤَمَّرُ بِتَرْكِهِ وَرَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ^۴؛ هنگامی که ببینی در حرمین (مکه و مدینه) آنچه خدا نمی پسندد انجام می دهند، و حج خانه خدا تعطیل شده، دستور داده می شود که ترک شود، و ببینی که حج و جهاد را برای غیر خداوند انجام می دهند.» «يَكُونُ خَرَابٌ كَنَائِسِ الْيَهُودِ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ^۵؛ کنیسه های یهود در شهرهای مشرکان ویران می شود.»

امروزه در آلمان و آمریکا و کشورهای غربی کنیسه های یهودیان خراب شده است. «هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ! إِذَا خَرَجْتُمْ عَنْ دِينِكُمْ، كَمَا تَخْرُجُ الْمَرْأَةُ عَنْ وَرْكِهَا لِبُعْلِهَا!^۶ هیهات، هیهات، او هنگامی ظهور می کند که شما از دین خود خارج شوید همان طور که زن در برابر شوهرش از خود بیخود می شود.»

زن برای این کار قصد دارد از شوهرش کام بگیرد ولی آن ها که از دین خارج می شوند، فقط با شیطان همراهی می کنند.

امیرمؤمنان در حدیث دیگری می فرماید:

«إِذَا دَرَجَ الدَّارِجُونَ وَ قَلَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ ذَهَبَ الْمُجَلِّثُونَ^۷؛ هنگامی که مُدپرستان به سوی مد بروند، افراد با ایمان کم شوند و همداردهندگان از بین بروند.»

حضرت علی علیه السلام چهارده قرن قبل، کلمه «دارج» را بیان کرده که امروزه درباره «مد» و «مدپرستی» بکار می رود و گویی با چشمان نافذ خود امروز را دیده است.

«... وَ ضِيَعَتِ الصَّلَوَاتُ، وَ عُصِرَتِ السَّمَاوَاتُ، فَحِينَئِذٍ تَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ، وَ الشَّهْرُ

۱. سوره مبارکه انعام، آیه ۹۴. ۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۳۰. ۳. سوره مبارکه مریم، آیه ۷۹ و ۸۰. ۴. بحار الانوار: ۵۲، ۲۵۷ و ۲۵۹؛ الزام الناصب: ۱۸۳؛ بشارة الاسلام: ۱۳۲ و ۱۳۴. ۵. بشارة الاسلام: ۱۳۲. ۶. الملاحم والفتن: ۱۱۸؛ الامام المهدي: ۸۱. ۷. الغيبة طوسی: ۲۲۱.

!

و

در پستگاه حضرت مهدی قائم علیه السلام

محمد الحارثی فی ظلال القاموس

كَالْأُسْبُوعِ، وَ الْأُسْبُوعُ كَالْيَوْمِ، وَ الْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ؛^۱ هنگامی که نمازها از بین برود و آسمانها فشرده شوند، در آن زمان سال مانند ماه، و ماه مانند هفته، و هفته مانند روز، و روز مانند ساعت می شود.»

آسمانها فشرده شده اند و دانش در حال پیشرفت است و ما به راحتی ستاره ها را می بینیم و در عصر وسایل مافوق سرعت هستیم و مسیرها با سرعتی فوق العاده طی می شود.

«لَتُثَلَّثَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدُ اللَّهِ إِلَّا مُسْتَخْفِيًا ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلِكُونَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا؛^۲ زمین پر از ظلم و ستم می شود، تا جایی که کسی نتواند نام خدا را به زبان بیاورد مگر در پنهانی! سپس خداوند گروهی صالح و شایسته می فرستد که زمین را پر از عدل و داد کنند.»

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«يَقِلُّ الْوَرَعُ، وَ يَكْثُرُ الطَّمَعُ، وَ يُرَى الْمُؤْمِنُ صَامِتًا لَا يَقْبَلُ قَوْلَهُ، وَ الْكَاذِبُ يَكْذِبُ وَلَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ، وَ الْفَاسِقُ يُمْتَدِّحُ بِالْفِسْقِ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ؛^۳ پرهیزکاری کم می شود، طمع زیاد می شود، افراد باایمان ساکت می شوند زیرا سخنش پذیرفته نمی شود، دروغگو دورغ می گوید و کسی به او اعتراض نمی کند و سخنش را رد نمی کند؛ فاسق و فاجر را با کارهای ناشایست و نامشروع ستایش می کنند و کسی او را انکار نمی کند.»

«يَتَغَيَّرُ أَهْلُ الزَّمَانِ حَتَّى يُعِيدُوا الْأَوْثَانَ، وَ يُنْتَلَى الْمُؤْمِنُونَ، وَ تَوْلَدُ الشُّكُوكُ فِي الْقُلُوبِ، وَ تُخْلَعُ رِبْقَةُ الدِّينِ مِنَ الْأَعْنَاقِ؛^۴ مردم دگرگون می شوند، بار دیگر بت پرستی رایج می شود، افراد باایمان گرفتار می شوند، دلها دچار شک و تردید می شود، از دین خارج می شوند و رابطه آنها با دین قطع می گردد.»

امروزه اینها هم تحقق یافته و هر کس بتش در سینه اش پنهان است. هر کس چیزی را برای خود بت قرار داده است مثل زن و فرزند و عقیده و....

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَ رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْآيَاتِ يُحَقَّرُونَ وَ يُحْتَفَرُّ مِنْ يُحِبُّهُمْ؛^۵ و می بینی که پیروان ادیان تحقیر می شوند و هر کس شخص باایمانی را دوست داشته باشد، به همین دلیل، تحقیر

۱. الزام الناصب: ۱۹۴؛ بشارة الاسلام: ۷۵. ۲. صحیح مسلم ۱: ۹۱؛ الامام المهدي: ۱۱؛ منتخب الاثر: ۴۸۴؛ بشارة الاسلام: ۴۱.
۳. بحار الانوار: ۵۲؛ ۴۸۴؛ بشارة الاسلام: ۲۳؛ الزام الناصب: ۱۸۱. ۴. بشارة الاسلام: ۱۳۲.

می شود.»

امروزه می بینیم که پیروان همه ادیان تحقیر می شوند و این مسأله فقط مختص مسلمانان نیست.

«وَرَأَيْتَ الْهُدُودَ قَدْ عَطَلَتْ وَعَمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ؛^۱ و می بینی که حدود الهی تعطیل شده

و درباره حدود الهی از هوای نفس پیروی می شود.»

«...وَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَخْرُوضًا مُخْتَفِرًا ذَلِيلًا وَرَأَيْتَ الْبِدْعَ وَالزَّنَا قَدْ ظَهَرَ وَرَأَيْتَ النَّاسَ

يَعْتَدُونَ بِشَاهِدِ الزُّورِ وَرَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَرَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحْرَمُ وَرَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ

وَعَطَلَ الْكِتَابَ وَأَحْكَامَهُ وَرَأَيْتَ اللَّيْلَ لَا يُسْتَخْفَى بِهِ مِنَ السُّجْرَةِ عَلَى اللَّهِ وَرَأَيْتَ

الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ وَرَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُتَّقَى فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

وَ رَأَيْتَ الْوَلَاةَ يُقْرَبُونَ أَهْلَ الْكُفْرِ وَيُبَاعِدُونَ أَهْلَ الْخَيْرِ وَرَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَزْتَشُونَ فِي

الْحُكْمِ وَرَأَيْتَ الْوَلَاةَ قَبَائِلَةَ لِمَنْ زَادَ؛^۲ و می بینی که افراد باایمان، تحقیر و اندوهگین

می شود، بدعت ها آشکار شده، کار نامشروع رواج یافته، مردم به دنیا باطل می روند،

حرف زور می زنند و شهادت دروغ می دهند، حرام را حلال می کنند و حلال را حرام؛

دین را با نظر خود تفسیر می کنند، قرآن و تعالیم آن تعطیل شده، در تاریکی شب به حریم

محرمات الهی تجاوز می کنند و از خدا شرم نمی کنند، مؤمن گناه را می بیند و جز با

قلبش نمی تواند آن را انکار کند. می بینی که ثروت زیادی در راه حرام و جلب خشم

خداوند مصرف می شود، و می بینی که حاکمان، کافران را به خود نزدیک ساخته و

خوبان را از خود دور می کنند، قاضی ها برای داوری رشوه می گیرند و هر کس بیشتر

رشوه بدهد، او برنده می شود و او حقیقت را می گوید.»

«وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُخْتَشِبَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ مُجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغَيْبَةِ وَأَكْلَ لُحُومِ أَهْلِ

الْحَقِّ وَتَوَاصَفُونَ فِيهَا شَرَابَ الْمُسْكِرِ؛^۳ مساجد را می بینی که در آن عده ای که

خدا ترس نیستند در آن جمع می شوند، در مساجد برای غیبت کردن و خوردن گوشت

اهل حق جمع می شوند، در مساجد درباره مشروبات و مسکرات با هم سخن

می گویند.»

«أَوَّلَ مَا تَفْقِدُونَ مِنْ دِينِكُمُ الْخُشُوعَ! يَمُوتُ قَلْبُ الْمَرْءِ كَمَا يَمُوتُ بَدَنُهُ؛^۴ اولین چیزی

که از دین خود از دست می دهید، تواضع است، قلب مرد تاریک می شود و دلش مانند

بدنش می میرد.»

در پستگاه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 دوران هدایت

۱. الزام الناصب: ۱۸۳. ۲. بشارة الاسلام: ۱۳۲؛ منتخب الاثر: ۴۲۹؛ الزام الناصب: ۱۸۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۵۷ و ۲۶۰.

۳. بشارة الاسلام: ۱۳۵؛ منتخب الاثر: ۴۳۱؛ الزام الناصب: ۱۸۴؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۵۹.

۴. المخلاة شيخ بهاني: ۳۱؛ ينابيع المودة: ۳: ۶۴.

آری، ترس خدا از بین می‌رود و به طور آشکار خدا را کوچک می‌شمرند ولی کسی اعتراض نمی‌کند، طمع ثواب و ترس از عذاب، مانع از معصیت نمی‌شود، دلها سخت و تاریک می‌شود و خدا را انکار می‌کنند، زیرا او را نمی‌بینند و می‌گویند چرا گنهکار را عذاب نمی‌کند؟! آنها نمی‌دانند که خداوند مهلت داده تا هر چه می‌توانند انجام دهند و روزی سخت در انتظارشان هست، روزی که مادران از فرزند خود فرار می‌کنند، در آنجا فقط اعمال انسان برایش می‌ماند.

«إِذَا عَلَتْ أَصْوَاتُ الْفَاسِقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ؛^۱ زمانی که صدای فاسقان بلند شود و صدای آنها شنیده شود.»

انسان‌های عاقل هم به سخن انسان‌های فاسق گوش می‌دهند.

«...رَأَيْتَ رِيَّاحَ الْمُنَافِقِينَ وَ أَهْلَ النَّفَاقِ دَائِمَةً وَ رِيَّاحَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تُحَرِّكُ؛^۲ زمانی که می‌بینی پرچم منافقان برافراشته شده است و پرچم اهل حق حرکتی ندارد.»
«يَصِيرُ الْأَذَانُ بِالْأُجْرَةِ، وَ الصَّلَاةُ بِالْأُجْرَةِ؛^۳ اذان با گرفتن مزد، گفته می‌شود، نماز جماعت با مزد، خوانده می‌شود.»

«وَ رَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُومَرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ؛^۴ روی منبرها مردم را به پرهیزکاری دعوت می‌کنند ولی گوینده این مطالب، به گفته‌هایش عمل نمی‌کند.»
«إِذَا كَثُرَتِ الْغَوَايَةُ، وَ قَلَّتِ الْهِدَايَةُ؛^۵ هنگامی که تعداد گمراهان زیاد شود و هدایت کم می‌شود.»

«وَ رَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ لَغَيْرِ اللَّهِ وَ رَأَيْتَ الْمُصَلِّيَ إِنَّمَا يُصَلِّي لِيَرَاهُ النَّاسُ؛^۶ و می‌بینی که حج و جهاد را برای خدا انجام نمی‌دهند و نماز را به خاطر ریا و تظاهر می‌خوانند.»

«وَ از تَدَادَ أَكْثَرِهِمْ عَنِ دِينِهِمْ - وَ خَلَعَهُمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ؛^۷ بیشتر مردم از دین خارج می‌شوند و از اسلام دور می‌شوند.»

روایات امام زمان علیه السلام

حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - درباره نشانه‌های ظهور به ابراهیم بن مهزیار

فرمود:

۱. الامام المهدي: ۲۱۹؛ منتخب الاثر: ۴۲۹.
۲. بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۵۹؛ منتخب الاثر: ۴۳۱؛ بشارة الاسلام: ۱۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۴.
۳. منتخب الاثر: ۴۳۱؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۵۹؛ بشارة الاسلام: ۱۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۴.
۴. بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۵۸؛ الزام الناصب: ۱۸۴؛ بشارة الاسلام: ۱۲۵.
۵. بشارة الاسلام: ۱۴۹؛ الامام المهدي: ۲۲۹.
۶. بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۵۸؛ الزام الناصب: ۱۸۳؛ منتخب الاثر: ۴۳۰.
۷. الغيبة طوسی: ۱۶۹.

در پستانه حضرت
تجدد
القاب
و...

«إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ سَبِيلِ الْكُفَّةِ؛^۱ هنگامی که میان شما و راه کعبه مانع شوند.»
«إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ سَبِيلِ الْكُفَّةِ بِأَقْوَامٍ لَا خَلْقَ لَهُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْهُمْ بَرَاءٌ؛^۲
هنگامی که افرادی که شخصیت باارزشی ندارند، میان شما و کعبه را می بندند، خداوند
از آنها بیزار است و پیامبش نیز از آنها بیزار است.»

امروزه در بعضی از کشورها این مسأله را می بینیم.

تسالونیکي دوم

«هرگز کسی شما را فریب نمی دهد، زیرا تا آن ارتداد اول اتفاق نیفتد و آن مرد گناهکار
یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد، مسیح نخواهد آمد.»^۳

در احادیث بسیاری ذکر شده که سفیانی توسط حضرت عیسی عليه السلام کشته خواهد شد و
حضرت عیسی عليه السلام در حضور حضرت مهدی عليه السلام ظاهر خواهد شد.

الف) مرگ و میر، قحطی و ویرانی

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الآيَاتُ كَحَرَزَاتٍ مَنْظُومَاتٍ فِي سِلْكِ، فَانْقَطَعَ السُّلْكَ، يَشْتَعُ بَعْضُهَا بَعْضًا؛^۴
نشانه های ظهور مانند دانه های تسبیح و یا گردن بند است که اگر رشته آنها پاره شود،
دانه های آن یکی پس از دیگری می ریزد.»

دنیای امروز هم مانند گردن بندی است که دانه هایش یکی پس از دیگری می ریزد،
فتنه ای به دنبال فتنه دیگر رخ می دهد. هر لحظه ممکن است جهان نابود شود که آتش
نابودی آن را صهیونیست ها روشن کرده اند.

«إِنَّ عُمَرََانَ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، خَرَابٌ يَثْرِبُ. وَ خَرَابٌ يَثْرِبُ خُرُوجَ الْمَلْحَمَةِ. وَ خُرُوجَ
الْمَلْحَمَةِ فَتْحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ. وَ فَتْحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ خُرُوجُ الدَّجَالِ؛^۵ با آبادی بیت المقدس،
مدینه خراب می شود و خرابی مدینه باعث جنگی بی امان می شود و به دنبال آن
قسطنطنیه (استانبول) فتح می شود و بعد از فتح قسطنطنیه، دجال خروج می کند.»

مهدی قائم عليه السلام می ریزد.

تعمیر الحرامی در ظل نور

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۲؛ بشاره الاسلام: ۱۷۲؛ منتخب الاثر: ۳۶۴؛ الزام الناصب: ۱۰۸.

۲. بشاره الاسلام: ۱۷۲؛ بحار الانوار ۵۲: ۴۵. ۳. رساله دوم پولس رسول به تسالونیکیان، باب دوم، بندهای ۱۱-۳.

۴. بشاره الاسلام: ۳۳؛ الملاحم والفتن: ۱۰۲. ۵. البیان و التبیان: ۳: ۳۲.

«تَكْتُرُ الْبُؤَاسِيرُ، وَمَوْتُ الْفُجَاءَةِ، وَالْجُذَامُ؛^۱ بُوَاسِيرٍ، مَرِغٌ نَاكِهَانِي وَجُذَامٌ فَرَاوَانٌ مِي شُود.»
 «تَوَقَّعُوا آيَاتِ مُتَوَالِيَاتِ كِنِظَامِ الْخَرْنِ، وَآوَلُ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقِ؛^۲ مُنْتَظَرِ نَشَانِهَائِي پِشْتِ سِرْهَمِ
 مَانِدِ دَانِهَائِي تَسْبِيحِ بَاشِيدِ، كِه اَوَلِينِ نَشَانِه، صَاعِقِهَائِي آسْمَانِي اَسْت.»

در اینجا کلمه «صواعق» به کار رفته، که جمع «صاعقه» است و «صاعقه» در لغت دو معنا دارد: صاعقه آسمانی، مرگ ناگهانی؛ در این حدیث هر دو معنی صحیح است، ولی حدیث دیگری از پیامبر ﷺ بیان شده که در آن واژه «صواعق» به معنی مرگ ناگهانی می باشد:

«وقتی قیامت برپا شود (و یا موقع ظهور قائم) مرگ ناگهانی فراوان می شود، به طوری که وقتی مردم یکدیگر را ملاقات می کنند، می پرسند: امروز چه کسی با مرگ ناگهانی مُرد؟ می گویند: فلانی!»

در زمان ما هم مرگ ناگهانی بسیار رایج شده، چه با بیماری های ناگهانی و چه با خطراتی مثل سیل و زلزله و آتش سوزی و... امروزه صاعقه های آسمانی به صورت موشک های نیرومندی است که هزاران بی گناه را نابود می کند.

«إِذَا تَرَ كُتْمُ السَّنَةِ ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ فَازْتَقَبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحاً حَمْرَاءَ أَوْ خَسْفًا أَوْ مَسْخًا أَوْ ظَهَرَ الْعَدُوُّ عَلَيْكُمْ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛^۳ وقتی که سنت را ترک کنید، بدعت ظاهر می شود، در این زمان منتظر بادهای سرخ، خسف، مسخ و غلبه دشمن باشید، و آنگاه کسی شما را یاری نمی کند.»

در عصر ما اسرائیل و شرق و غرب، بر ممالک اسلامی تسلط یافته اند. بدعت ها ظاهر شده و دین اسلام به دست فراموشی سپرده شده است. ربا، روابط نامشروع، معمول شده است.

روایات امام علی علیه السلام

حضرت علی عليه السلام می فرماید:

«بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَمَوْتُ أبيضٌ وَجَرَادٌ فِي حِينِهِ وَجَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ كَالْوَانِ الدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ؛^۴ هنگام ظهور قائم ... عَجَلِ اللهُ تَعَالَى لِرُجْعَةِ الشَّرِيفِ ... مرگ سرخ و مرگ سفید رخ می دهد، و ملخ های سرخ به رنگ خون در فصل ملخ و در فصل های دیگر می آیند. اما مرگ سرخ، کشت و کشتار است و

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۲۶۹؛ بشارة الاسلام: ۲۴؛ الزام الناصب: ۱۷۸. ۲. الملاحم و الفتن: ۱۰۲. ۳. بشارة الاسلام: ۲۲. ۴. غیبت نعمانی: ۱۴۸؛ اعلام الوری: ۴۲۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۷؛ المهدي: ۱۸۸؛ بشارة الاسلام: ۵۰؛ الزام الناصب: ۱۸۴؛ الامام المهدي: ۲۱۸.

مرگ سفید، طاعون است.

در جهان امروز کشت و کشتار زیاد شده و جنگ جهانی سوم مثل طاعون همه چیز را از بین می برد، و طبق روایات، کسی نجات نمی یابد، مگر این که خداوند بخواهد.

«وَجَرَادٌ يَظْهَرُ فِي أَوَانِهِ وَ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى الرَّزْعِ وَ الْقَلَاتِ وَ قِلَّةُ رَيْحٍ لِمَا يَزْرَعُهُ النَّاسُ؛^۱ ملخ هایی در فصل خود و در فصل های دیگر پیدا می شود، به زمین های کشاورزی و غلات حمله می کنند و محصولات کم می شود.»

«جُوعٌ أَغْبَرٌ، وَ مَوْتُ أَحْمَرٌ؛^۲ اگر سنگی مزمن و مرگ سرخ شایع می شود.»

«وَ لِذَلِكَ آيَاتٌ وَ عَلَامَاتٌ أَوْلَهُنَّ إِخْصَارُ الْكُوفَةِ بِالسَّرْصِدِ وَ السَّخْنَدِقِ؛^۳ ظهور قائم نشانه هایی دارد که اولین نشانه، محاصره کوفه به وسیله نگهبان ها و کانال هاست.»

«... وَ إِنَّا لَخُرُوجِهِ لَعَلَامَاتٌ عَشْرًا؛ أَوْلَاهَا تَخْرِيقُ الزَّوَايَا فِي سِكَكِ الْكُوفَةِ، وَ تَعْطِيلُ الْمَسَاجِدِ، وَ انْقِطَاعُ الْحَاجِّ، وَ حَسْفٌ وَ قَذْفُ بِخُرَاسَانَ، وَ طُلُوعُ الْكُوكَبِ السُّدْنِيِّ، وَ اقْتِرَانُ النُّجُومِ، وَ هَزَجٌ وَ مَرْجٌ وَ قَتْلٌ وَ نَهْبٌ! وَ مِنْ الْعَلَامَةِ إِلَى الْعَلَامَةِ عَجَبٌ! فَإِذَا تَمَّتِ الْعَلَامَاتُ قَامَ قَائِمُنَا قَائِمُ الْحَقِّ ... طُوبَى لِأَهْلِ وَ لَاتِي الدِّينِ يُقْتَلُونَ فِيهِ، وَ يُطْرَدُونَ مِنْ أَجْلِي! هُمْ خُرَّانُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ لَا يَفْرَعُونَ يَوْمَ الْقُرْعِ الْأَكْبَرِ!؛^۴ ظهور قائم ده علامت دارد:

- ۱- گشودن زاویه های کوجه های کوفه (بزرگ شدن معابر و باز کردن کوجه های بن بست)؛ ۲- تعطیل شدن مساجد؛ ۳- بسته شدن راه حج؛ ۴- خسف (زیر آوار رفتن) و بمباران خراسان؛ ۵- طلوع ستاره دنباله دار؛ ۶- تراکم ستارگان؛ ۷- فتنه و فساد؛ ۸- سرگردانی و سردرگمی؛ ۹- کشت و کشتار؛ ۱۰- غارت و چپاول. از هر نشانه ای تا نشانه دیگر شگفتی هاست. وقتی نشانه ها پیدا شد، قائم ما قیام می کند، خوشا به حال اهل ولایت ماکه در راه ماکشته می شوند و به سبب ماکتار زده می شوند، آن ها گنج های خداوند در روی زمین هستند، آن ها در روز قیامت از «قرع اکبر» در امان هستند و نمی ترسند.»

امروزه بیشتر این علایم تحقق یافته مثل توسعه معابر شهرها، تعطیلی مساجد، زلزله... . نشانه های این حدیث، در زمان های مشخص اتفاق افتاده، مثل زلزله طبس، و شکنجه علمای دینی به خاطر مبارزه با طاغوت ها.

«وَ أَمَّا الزُّورَاءُ فَتَخْرَبُ مِنَ الْوَقَائِعِ وَ الْفِتَنِ، وَ أَمَّا وَاسِطُ فَيَطْفِي عَلَيْهَا الْمَاءُ وَ أَدْرِي جَانُ يَهْلِكُ أَهْلُهَا بِالطَّاعُونَ، وَ أَمَّا الْمَوْصِلُ فَيَهْلِكُ أَهْلُهَا مِنَ الْجُوعِ وَ الْعَلَاءِ ... وَ أَمَّا حَلْبُ

دودان در هاب
 در پستگاه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 در سال ۱۳۸۵ هجری قمری

۱. الزام الناصب: ۱۸۵. ۲. بتایع الموده ۳: ۱۱۰؛ بشارة الاسلام: ۷۸. ۳. الزام الناصب: ۱۷۶؛ بشارة الاسلام: ۵۸ و ۲۷۳. ۴. بشارة الاسلام: ۵۸ و ۲۷۳؛ الزام الناصب: ۲۷؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۶۸ و ۵۳: ۹۱۲؛ الامام المهدي: ۲۲۱.

فَتَخْرَبُ مِنَ الصَّوَاعِقِ، وَ تَخْرَبُ دِمَشْقُ مِنْ شِدَّةِ الْقَتْلِ... وَ أَمَا بَيْتُ الْمُقَدَّسِ فَإِنَّهُ مَحْفُوظٌ لِأَنَّ فِيهِ آثَارَ الْأَنْبِيَاءِ؛^۱ بغداد در اثر شورش‌ها و فتنه‌ها نابود می‌شود، عراق با سیل نابود می‌شود، مردم آذربایجان به وسیله طاعون هلاک می‌شوند، مردم موصل از گرسنگی و قحطی می‌میرند، حلب در سوریه بر اثر صاعقه توپ‌ها از بین می‌رود، شهر دمشق در اثر کشت و کشتار ویران می‌شود، و بیت المقدس به احترام نشانه‌های پیامبران حفظ می‌شود.»

منظور از صاعقه‌ها در این حدیث، صاعقه آسمانی است که شاید به توپ و موشک و بمباران‌های آسمانی اشاره می‌کند.

امروزه بغداد در حال نابودی است، خطر آب دجله عراق را تهدید می‌کند، خشم خدا به صورت طاعون در آذربایجان پیدا می‌شود، به خاطر حمله اسرائیل به سوریه و سقوط لبنان، قحطی و گرسنگی در دمشق و موصل و حلب بسیار طبیعی به نظر می‌رسد! روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿ وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^۲ قبل از کیفر بزرگ، با کیفر کوچک آن‌ها را عذاب خواهیم کرد.﴾ فرمود:
 «إِنَّ الْعَذَابَ الْأَدْنَى هُوَ الْقَحْطُ وَ الْجَدْبُ وَ غَلَاءُ السُّعْرِ قَبِيلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِالسَّيْفِ! وَ الْعَذَابُ الْأَكْبَرُ: الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۳ هنگام ظهور قائم علیه السلام، عذاب کوچک، قحطی و خشکسالی و گرانی قیمت‌هاست، و عذاب بزرگ، شمشیر نیز حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در آخر الزمان است.»
 «و مِنْ آيَاتِ ظَهْرِهِ أَنْ يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ...؛^۴ از نشانه‌های ظهور قائم، نزدیک شدن زمان است.»

شاید منظور از نزدیک شدن زمان، گذشت سریع آن باشد که ما به خاطر گرفتاری‌های روزمره از آن غافل شده‌ایم و یا منظور از نزدیک شدن زمان، انجام کارهای بزرگ زمان کوتاه می‌باشد که با وسایل پیشرفته امروزی امکان پذیر شده است، مثل طی شدن مسیرهای طولانی با هواپیما در مدتی کوتاه.

«... وَ أَوَّلُ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقُ، ثُمَّ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، ثُمَّ رِيحٌ دَائِمٌ، وَ صَوْتٌ مِنَ السَّمَاءِ يَمُوتُ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛^۵ اولین نشانه، صاعقه‌ها، سپس باد زرد، بعد باد مداوم، سپس بانگ

۱. الزام الناصب: ۱۷۶، بشارة الاسلام: ۵۸. ۲. سورة مباركة سجده، آیه ۲۱.

۳. منتخب الاثر: ۱۳۰۳، بحار الانوار: ۵۱، ۵۹، ۵۳ و ۵۶، بشارة الاسلام: ۵۷. ۴. مسند احمد حنبل: ۲، ۵۳۰.

۵. الملاحم والفتن: ۱۰۲.

آسمانی است که عده زیادی با آن صیحه از بین می‌روند.»

شاید منظور از صیحه، انفجار انبار اسلحه و مهمات باشد.

«يَجْفُ مَاءُ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَا، وَ يَتَوَقَّفُ النَّخِيلُ عَنِ الثَّمَرِ، وَ تَنْصُبُ عَيْنُ زَعْرِ الْوَاقِعَةِ فِي

الْجَانِبِ الْقَبِيلِيِّ مِنَ الشَّامِ؛ آب دریاچه طبریه در فلسطین خشک می‌شود، درخت‌های

خرما میوه نمی‌دهند، آب چشمه «زعر» در طرف قبیله شام کم می‌شود.»

«يَكُونُ جَفَافُ الْأَنْهَارِ... وَ يَقَعُ السَّقَطُ وَ الْأَفْلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ؛ رودخانه‌ها خشک

می‌شود و قحطی و گرانی سه سال ادامه پیدا می‌کند.»

اسرائیل از آب دریاچه طبریه برای آزمایشات استفاده می‌کند و به این ترتیب به

زودی خشک می‌شود.

«لَا يُخْرِجُ أَهْلَ مِصْرَ مِنْ مِصْرِهِمْ عَدُوٌّ لَهُمْ، وَلَكِنْ يُخْرِجُهُمْ نَيْلُهُمْ هَذَا. يَغُورُ فَلَا تَبْقَى مِنْهُ

قَطْرَةٌ، حَتَّى يَكُونَ فِيهِ الْكُتْبَانُ مِنَ الرَّمْلِ؛ دشمن خارجی باعث خروج مردم مصر از

وطنشان نمی‌شود، بلکه رود نیل آن‌ها را از سرزمینشان بیرون می‌کند، آب آن خشک

می‌شود و حتی یک قطره هم نمی‌ماند و بستر آن به صورت تلی از شن درمی‌آید»

یک حادثه آسمانی یا یک بمب اتمی ممکن است که رود نیل را بخشکاند. شاید از

جای دیگر دوباره بجوشد و از مسیر خود منحرف شود و دیگر وارد کشور مصر نشود.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«وَ خَرَابُ مِصْرَ مِنْ جَفَافِ النَّيْلِ؛ مصر در اثر خشک شدن رود نیل، نابود می‌شود.»

سپس امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَ عِنْدَ ذَلِكَ إِخْتِلَافُ السِّنِينَ، وَ إِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ، وَ قَتْلُ وَ خَلْعُ فِي آخِرِ النَّهَارِ؛ در

زمان ظهور قائم، سال‌ها دگرگون می‌شود، اول صبح حکومتی به قدرت می‌رسد و تا

آخر همان روز کشت و کشتار می‌شود و سقوط می‌کند.»

دگرگون شدن سال‌ها یا به معنی اختلاف سال‌ها به خاطر قحطی و فراوانی است، و یا

به خاطر حوادث عجیبی است که در جهان به وقوع می‌پیوندد، مثل انقلاب‌ها، شورش‌ها،

کودتاها، آتش‌بس‌ها و...

«يَذْهَبُ مُلْكُ السِّنِينَ، وَ يَصِيرُ مُلْكُ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ. قَلِيلٌ: هَلْ يَطُولُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ:

لا؛ دیگر حکومت چند ساله وجود ندارد، بلکه حکومت‌ها چند ماه و یا چند روز

۱. بشارة الاسلام: ۱۹۱، الزام الناصب: ۲۶۱. ۲. بشارة الاسلام: ۵۷ و ۱۹۱. ۳. الملاحم والفتن: ۱۴۶.

۴. بشارة الاسلام: ۲۸. ۵. بحار الأنوار: ۵۲: ۱۱۲، بشارة الاسلام: ۱۵۰.

۶. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۱، بحار الأنوار: ۵۲: ۲۱۰، بشارة الاسلام: ۱۱۲، الامام المهدي: ۲۳۰.

دودان در هاب
 در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 نور الخاقانی

ادامه می‌یابد. گفته شد: آیا این وضع مدت زیادی طول می‌کشد؟ فرمود: نه. «يَنْبِئُ الْفَرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ عَلَى أَرْقَةِ الْكُوفَةِ؛ فَرَاتٌ طَغْيَانٌ مِي كَنْدُ وَبِه كُوجِه‌ه‌ای كُوفِه وارد می‌شود. و پلّی در بغداد در مقابل كُرخ زده می‌شود.»

«عَامَ الْفَتْحِ يَنْبِئُ الْفَرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرْقَةَ الْكُوفَةِ؛^۲ در سال فتح و پیروزی، فرات طغیان می‌کند و به کوجه‌های کوفه وارد می‌شود.»

«إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ لَسَنَّةٌ غَيْدَاةٌ كَثِيرَةٌ الْمَطَرُ؛ تُفْسِدُ فِيهَا الشَّمَارَ وَالشَّرْفِي النَّخْلَ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ؛^۳ در آستانه ظهور قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سال فراوانی و پربارانی است ولی میوه‌ها روی درخت خراب می‌شوند، خرما در روی درخت از بین می‌رود، درباره این نشانه‌ها شک نکنید.»

«السَّنَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا الْمَهْدِيُّ تَمَطَّرُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ مَطْرَةً يُرَى أَثْرُهَا وَبَرَكَتُهَا؛^۴ در سالی که مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور می‌کند، بیست و چهار باران رحمت می‌بارد که اثر و برکت آن در همه جا دیده می‌شود.»

«تُخْتَمُ الْعَلَامَاتُ بِأَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ مَطْرَةً، يُحْيِي اللَّهُ بِهَا الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، إِحْدَاهَا فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ، وَالثَّانِيَّةُ مُدَّةُ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فِي رَجَبٍ يُرَى أَثْرُهَا وَتُعْرَفُ بِرَكَّتِهَا. وَهَذَا مِصْدَاقُ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ: ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾؛^۵ این نشانه‌ها با ۲۴ باران تمام می‌شود که خداوند به وسیله آن‌ها زمین مرده را زنده می‌کند، یکی از آن‌ها در ماه جمادی الثانی می‌بارد و دیگری در ماه رجب که ده روز ادامه می‌یابد و اثر آن همه جا دیده می‌شود و برکت آن در همه جا ظاهر می‌گردد.»

و این مصداق آیه شریفه: ﴿بَدَانِيْدُكُ خِدَاوْنِدُ زَمِيْنِ رَا پَسِ اَز مَرْگَشِ زَنْدِه مِي كَنْدِ﴾. معنی آیه این است که: «خداوند زمین را به وسیله قائم^{الشیخ} اصلاح می‌کند، پس از آنکه به وسیله ستم مردم نابود شده است. ما نشانه‌های قائم را برای شما بیان کرده‌ایم اگر اندیشه کنید.»^۶

«إِذَا آن قِيَامُهُ مُطِرَ النَّاسُ جُمَادَى الْآخِرَةَ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطْرًا لَمْ تَرَ السَّخْلَانِيْنَ مِثْلَهُ فَيُنْبِئُ اللَّهُ بِه لُحُومَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ أَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ وَ كَانِي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُقْبِلِيْنَ مِنْ

۱. المحجة البيضاء ۲: ۳۳۳؛ الامام المهدي: ۲۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ المهدي: ۱۹۶؛ ارشاد مفيد: ۳۳۶؛ الملاحم و الفتن: ۱۶۴؛ بحار الانوار ۵۳: ۸۵؛ بشارة الاسلام: ۱۷۶.
 ۲. ارشاد مفيد: ۳۴۰؛ غيبت شيخ طوسي: ۲۷۴؛ اعلام الوري: ۴۲۹؛ المهدي: ۱۹۴؛ الزام الناصب: ۱۷۸؛ بشارة الاسلام: ۱۲۵؛ الامام المهدي: ۲۳۴. ۳. ارشاد مفيد: ۳۴۰؛ غيبت شيخ طوسي: ۳۷۲؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۱۴؛ اعلام الوري.
 ۴. المحجة البيضاء ۱: ۳۳۳؛ ارشاد مفيد: ۳۳۹؛ منتخب الاثر: ۴۴۳؛ غيبت شيخ طوسي: ۲۶۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۱۲؛ اعلام الوري: ۴۲۹؛ المهدي: ۱۹۷؛ الزام الناصب: ۱۸۴؛ الامام المهدي.
 ۵. سورة مباركة حديد، آية ۱۷. الملاحم و الفتن: ۱۶۴؛ بشارة الاسلام: ۱۷۶؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ المهدي: ۲۳۴.
 ۶. بحار الانوار ۵۱: ۵۳.

در پستانه حضرت

قَبْلِ جُهَيْنَةَ يَنْفُضُونَ شُعُورَهُمْ مِنَ التُّرَابِ؛^۱ وقتی ظهور او نزدیک شود، در ماه جمادی
الثانی و ده روز از ماه رجب باران می بارد که هرگز در تاریخ آفرینش نظیر آن دیده نشده
است. خداوند با این باران گوشت و پوست مؤمنان را در داخل قبرهایشان می رویاند،
گویا با چشم خود می بینم که از طرف جهینه (قبیله ای در مدینه) در حالی که خاک را از
سرو صورتشان پاک می کنند، می آیند.

«وَرَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعُمَرَانِ؛^۲ و می بینی که در همه جهان آبادی ها ویران
می شود.»

روایات امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام می فرماید:

«هُمْ يَنْتَظِرُونَ الْفَرَجَ إِذَا ظَهَرَ الْمَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؛^۳ وقتی آب روی زمین جاری شد،
منتظر رسیدن فرج می شوند.»

منظور از جاری شدن آب روی زمین، طغیان آب فرات و جاری شدن در کوفه است.

ب) آتش سوزی، طوفان و خرابی

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«يَكُونُ نَارٌ وَدُخَانٌ فِي الْمَشْرِقِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛^۴ آتش و دودی در مشرق زمین برمی خیزد
که تا چهل شب ادامه دارد.»

در روایات به همه کشورهای خاوری حجاز، مشرق می گویند.

«يُوشِكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارٌ حَسِيلٌ تُضِيءُ بِهَا أَعْنَاقُ الْإِبِلِ بِبُصْرَى؛^۵ نزدیک است از حسیل،
آتشی برخیزد که گردن شتران بصری را روشن کند.»

«حسیل» نام یکی از دشت های حجاز است و «بصری» منطقه ای در نزدیکی دمشق

است. پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از یاران خود که ساکن حسیل بود، فرمود:

«أَخْرِجْ أَهْلَكَ مِنْهَا، فَإِنَّهُ يَوشِكُ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا نَارٌ تُضِيءُ لَهَا أَعْنَاقُ الْإِبِلِ بِبُصْرَى؛^۶
خانواده ات را از آنجا خارج کن که نزدیک است آتشی از آنجا برخیزد که گردن شتران

مهدی قائم علیه السلام
در پناه حضرت

میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر

۱. ارشاد مفید: ۳۴۲؛ اعلام الوری: ۴۳۲؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۳۷ و ۵۳؛ الزام الناصب: ۱۸۸؛ بشارة الاسلام: ۱۹۴.

۲. الزام الناصب: ۱۸۳. ۳. اختصاص مفید: ۱۰۲. ۴. الملاحم والفتن: ۷۱.

۵. صحیح مسلم: ۸؛ الملاحم والفتن: ۷۰ و ۱۲۷؛ صحیح بخاری: ۵۸؛ ۹. الملاحم والفتن: ۱۳۰.

بصری را روشن می‌کند.»

منظور از این آتش، همان آتش نفت است که در آن جا پیدا شده و دشت و صحرا را روشن کرده است. اگر یکی از جاه‌های نفت منفجر شود، همه دشت و صحرا را تا صدها کیلومتر روشن می‌کند. همان طور که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَسِيلَ وَادٍ مِنْ أَوْدِيَةِ الْحِجَازِ بِالنَّارِ؛^۱ قیامت برپا نمی‌شود تا در یکی از سرزمین‌های حجاز، آتش روشن گردد.»

اگر جسمی که آتش می‌گیرد، مایع باشد، تعبیر «روان» برای آتش مناسب است و نفت نیز جسمی مایع است. امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید:

«تُبْعَثُ نَارٌ عَلَى أَهْلِ الْمَشْرِقِ فَتَخْشُرُهُمْ إِلَى الْمَغْرِبِ، تَبِيْتُ مَعَهُمْ حَيْثُ بَاتُوا، وَ تَقِيلُ مَعَهُمْ حَيْثُ قَالُوا، يَكُونُ لَهُمْ مِنْهَا مَا سَقَطَ وَ تَخْلُفُ، وَ تَسُوقُهُمْ سَوْقَ الْجَمَلِ الْكَسِيرِ؛^۲ آتشی در مشرق زمین روشن می‌شود که آن‌ها را به سوی مغرب زمین روانه می‌کند؛ شب و روز هر کجا باشند، در کنار آن‌هاست، هر چه از آن باقی بماند برای آن‌ها مفید است و آن‌ها را مانند شتر لنگ می‌راند.»

اگر یکی از جاه‌های نفت منفجر شود، مردم حجاز به طرف غرب کشور فرار می‌کنند، ولی شب و روز آتش را در کنار خود احساس خواهند کرد.

شاید منظور از این آتش، اسرائیل باشد که کشورهای مجاور اسلامی شب و روز در آتش تجاوز اسرائیل می‌سوزند.

و شاید منظور از این آتش، آتش جنگ‌های چینی باشد.

امام سجاده علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِذَا مَلَأَ نَجْفَكُمُ السَّيْلُ وَ النَّطْرُ، وَ ظَهَرَتِ النَّارُ بِالْحِجَازِ فِي الْأُحْجَارِ وَ الْمَدَرِ، وَ مَلَكَتْ بَغْدَادَ النَّارُ، فَتَوَقَّعُوا وَ ظَهَرَ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ؛^۳ وقتی شهر نجف را سیل و باران فرا بگیرد و در حجاز از سنگ و گل، آتش برخیزد و قوم تانار، بغداد را تصرف کنند، منتظر ظهور قائم منتظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باشید.»

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِذَا وَقَعَتِ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ، وَ جَرَى الْمَاءُ بِنَجْفِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَهُ؛^۴ وقتی در حجاز آتش روشن می‌شود و آب در نجف جاری می‌گردد، منتظر ظهور او باشید.»

امام سجاده علیه السلام چهارده قرن پیش، سخنی می‌گوید که بعدها حقیقت آن کشف شد و

دور جدید
 مهدی قائم علیه السلام
 در پستان حضرت
 عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. الملاحم والفتن: ۱۳۰. ۲. صحیح مسلم ۸: ۱۷۹؛ الملاحم والفتن: ۱۷۱؛ نور الابصار: ۱۳۲؛ صحیح بخاری ۹: ۵۸. ۳. الملاحم والفتن: ۱۶۴؛ بشارة الاسلام: ۱۷؛ الزام الناصب: ۱۷۸؛ الامام المهدي: ۲۲۲. ۴. الزام الناصب: ۱۷۸.

آن این است که زمانی که سنگ و گِل با نفت آغشته باشد، آتش می‌گیرد!

روایات حضرت علی علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةٌ تُسَجَّلُ السَّمَاءَ وَ خَسْفٌ بِبَغْدَادَ وَ خَسْفٌ بِبَلَدِ الْبَصْرَةِ وَ دِمَاءٌ تُسْفَكُ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ فَنَاءٌ يَفْعُ فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولٌ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ: ۱- قبل از ظهور قائم - عجل الله تعالى فرجه الشريف - مردم از بعضی نشانه‌های آسمانی می‌ترسند: ۱- آتشی که در آسمان روشن می‌شود ۲- سرخی که افق را روشن می‌کند ۳- خسفی که در بغداد ظاهر می‌شود ۴- خسفی که در بصره روی می‌دهد ۵- خون‌هایی که در بصره ریخته می‌شود ۶- خرابی خانه‌های بصره و هلاکت مردم آن ۷- فراگیر شدن ترس و وحشت در همه عراق که آسایش و آرامش را از مردم عراق می‌گیرد.»

حضرت مهدی علیه السلام درباره این آتش به ابراهیم بن مهزیار فرموده است:

«وَ ظَهَرَتِ الْحُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ ثَلَاثًا فِيهَا أُعْمِدَةٌ كَأُعْمِدَةِ اللَّجَيْنِ تَتَلَأَأُ نُورًا: ۲ سه روز سرخی در آسمان روشن می‌شود که در میان آن ستون‌هایی مانند ستون‌های نقره که از خود نور می‌دهد می‌درخشد.»

روایات امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا فِي الْمَشْرِقِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً، فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ: ۳ وقتی سه یا هفت روز آتش در مشرق روشن باشد، منتظر ظهور قائم باشید.»

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا فِي الْمَشْرِقِ يُشْبِهُ الْهَرْدِيَّ الْعَظِيمِ يَرَاهَا أَهْلُ الْأَرْضِ، تَفْعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ، فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ: ۴ وقتی آتش در مشرق روشن شود، شبیه بوقه زعفران است و همه مردم جهان آن را می‌بینند و سه روز یا هفت روز نیز ادامه دارد، در این زمان منتظر ظهور قائم باشید.»

منظور از این آتش، انفجار چاه‌های نفتی حجاز و یا عراق است که خاورمیانه را روشن

دودان دهاب
 در پستگاه حضرت
 مهدی قائم علیه السلام
 نور الحاضر في الظالم المهدوي

۱. ارشاد مفید: ۳۴۰؛ اعلام الوری: ۴۲۹؛ الزام الناصب: ۱۸۴؛ الامام المهدي: ۲۲۹؛ منتخب الاثر: ۴۴۲.

۲. بحار الانوار: ۵۲: ۴۵؛ بشارة الاسلام: ۱۷۲؛ المهدي: ۱۹۶. ۳. الامام المهدي: ۲۲۲؛ المحجة البيضاء: ۴: ۳۴۳.

۴. غیبت نعمانی: ۱۳۴؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۰؛ بشارة الاسلام: ۱۸۵؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ المهدي: ۱۹۶، ۱۸۶.

خواهد کرد و همه مردم آن را از تلویزیون یا وسیله پیشرفته تری می بینند.

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لَيْلِيًا فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَهِيَ قُدَّامُ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ؛^۱ هنگامی که نشانه‌ای بزرگ در آسمان دیده شود و آن آتش بزرگی است که از مشرق پدید می آید و شب‌ها می درخشد، آسایش مردم در آن زمان است، این نشانه در آستانه ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف - و در زمانی کس اتفاق می افتد.»

«وَ حُمْرَةٌ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ تَنْشِيرُ فِي آفَاقِهَا؛^۲ سرخی در آسمان پیدا می شود و جهان را از کران تا کران می پوشاند.»

در برخی از احادیث تعبیر «مشرق» و در برخی دیگر تعبیر «قبله» به کار رفته است، ولی هنگام تحقق، معلوم می شود که هر دو به یک نقطه اشاره می کند، زیرا وقتی معصوم علیه السلام در مدینه با مردم سخن می گوید، تعبیر «مشرق» را به کار می برد، و وقتی امام علیه السلام در کوفه با مردم سخن می گوید، تعبیر «قبله» را به کار می برد.

«عَمُودٌ نَارٍ يَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ، يَرَاهَا أَهْلُ الْأَرْضِ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيَعِدْ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ؛^۳ ستونی آتشی در مشرق آسمان ظاهر می شود که همه مردم آن را می بینند، هر کس آن زمان را درک کند، آذوقه یک سال را برای خانواده اش آماده می کند.»

طبق روایات، میان شعله ور شدن آتش و حوادث تلخ بعدی مثل کشتار و گرانسی و قحطی، حداکثر یک سال طول می کشد و شیعیان را آماده می کنند که غذای خود را تهیه کنند.

امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرموده است:

«آيَةُ الْخَوَارِجِ فِي رَمَضَانَ: عَلَامَةٌ فِي السَّمَاءِ مِنْ بَعْدِهَا اخْتِلَافُ النَّاسِ، فَإِذَا أَدْرَكَتْهَا فَأَكْثَرُ مِنَ الطَّعَامِ؛ نشانه خواران در ماه رمضان این است که نشانه‌ای در آسمان ظاهر می شود که به دنبال آن مردم اختلاف پیدا می کنند؛ وقتی آن زمان را درک کردی، مواد غذایی فراوانی تهیه کن.»

امام باقر علیه السلام نیز به سفارش پدرش، مردم را آگاه می کند که با خروج دجال و سفیانی و

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۱۴۴۰، بشارة الاسلام: ۱۲۲؛ منتخب الاثر: ۴۴۴؛ الامام المهدی: ۲۲۱؛ الزام الناصب: ۱۸۸.
۲. المحجة البيضاء ۴: ۳۴۳. ۳. الملاحم والفتن: ۳۶ و ۱۳۱.

شیوع قحطی و گرسنگی، می‌بایست آذوقه فراهم کنند، هر کس به این سفارش عمل کند، از گرسنگی نجات می‌یابد ولی کسی که این سفارش را نادیده بگیرد، هلاک می‌شود.

ج) خورشید، ماه و ستارگان

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«إِذَا عَقِدَ الْجِسْرُ بِأَرْضِهَا، وَطَلَعَتِ النُّجُومُ ذَاتَ الدَّوَابِّ مِنَ الْمَشْرِقِ، هُنَالِكَ يُقْتَلُ عَلَى جِسْرِهَا كَتَائِبُ؛^۱ وقتی در بغداد پل زده شد، و ستاره‌های دنباله‌دار از مشرق طلوع کرد، در کنار آن پل گروه گروه کشته می‌شوند.»

در زمان این، این پل در مقابل کرخه زده شده، و به زودی گروه گروه در زمان سفیانی در کنار آن کشته خواهند شد.

شاید منظور از ستاره دنباله دار، هواپیماهای جنگی باشد که به دنبال خود دود عظیمی به جای می‌گذارند.

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إِثْنَانِ بَيْنَ يَدَيَّ هَذَا الْأَمْرِ خُسُوفُ الْقَمَرِ لِخَمْسٍ وَكُسُوفُ الشَّمْسِ لِخَمْسٍ عَشْرَةَ وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ عليه السلام إِلَى الْأَرْضِ وَ عِنْدَ ذَلِكَ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُتَجَمِّينِ؛^۲ دو نشانه مهم در آستانه ظهور اتفاق می‌افتد: خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف خورشید در پانزدهم آن ماه، که چنین وضعی از روز آفرینش آدم عليه السلام روی زمین اتفاق نیفتاده است، در آن موقع حساب ستاره‌شناسان بهم می‌خورد.»

«إِنَّ لِمَهْدِيْنَا لَا يَتَيْنِ لَمْ يَكُونَا مُنْذُ خَلَقَ اللهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ: يَنْخَسِفُ الْقَمَرُ لِأَوَّلِ لَيْلَةٍ فِي رَمَضَانَ، وَ تَتَكَسَفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنْهُ. وَ لَمْ يَكُونَا مُنْذُ خَلَقَ اللهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؛^۳ برای ظهور مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دو نشانه است که از روز آفرینش آسمان‌ها و زمین، چنین نشانه‌ای اتفاق نیفتاده است: ماه در شب اول ماه رمضان خسوف می‌کند و خورشید نیز در پانزدهم آن ماه کسوف می‌کند از روزی که خداوند

۱۰
ها
در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. المحجة البيضاء ۴: ۳۴۳، الملاحم والفتن: ۱۶۲؛ بشارة الاسلام: ۶۰.
۲. بحار الأنوار ۵۲: ۲۰۷؛ بشارة الاسلام: ۹۱؛ غیبت نعمانی: ۱۲۵؛ اعلام الوری: ۴۲۹؛ المهدی: ۱۸۷؛ منتخب الاثر: ۴۴۰؛ ارشاد مفید: ۳۲۹؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۲؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۰؛ اسعاف الراغبین: ۱۴۶. ۳. همان.

آسمان‌ها و زمین را آفریده، چنین حادثه‌ای اتفاق نیفتاده است!»

از لحظه آفرینش انسان تا حالا، این چنین حادثه‌ای رخ نداده است!

«آیتانِ تَکُونانِ قَبْلَ قِیامِ القائِمِ، لَمْ یَکونا مُنْذُ هَبَطَ آدمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَی الْأَرْضِ، تَنکِیْفُ الشَّمْسِ فِی النُّصْفِ مِنْ رَمَضانَ، وَ الْقَمَرُ فِی آخِرِهِ؛^۱ دو نشانه قبل از قیام قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - پدید می‌آید که از زمان آفرینش حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ اتفاق نیفتاده

است: خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر ماه رمضان می‌گیرد.»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در این زمینه می‌فرماید:

«وَ کُسُوفُ الشَّمْسِ فِی النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ وَ خُسُوفُ الْقَمَرِ فِی آخِرِهِ عَلَی خِلَافِ الْعَادَاتِ؛^۲ خورشید در پانزدهم رمضان کسوف می‌کند و ماه در آخر ماه رمضان خسوف می‌کند، بر خلاف قانونی که تاکنون بر اساس آن بوده‌اند.»

کسوف و خسوف خورشید و ماه به این صورت، برای همه مردم جهان شگفت آور است.

«تَنکِیْفُ الشَّمْسِ لِخَمْسِ مَضَیِّنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ قَبْلَ قِیامِ القائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۳ ماه در پنجم ماه مبارک رمضان خسوف می‌کند، و این اتفاق در آستانه قیام قائم است.»

«عَلَمَةُ خُرُوجِ المَهْدِيِّ کُسُوفُ الشَّمْسِ فِی شَهْرِ رَمَضانَ فِی لیلِهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَ اَرْبَعَ عَشْرَةَ مِنْهُ؛^۴ نشانه خروج مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - کسوف خورشید در ماه رمضان در شب سیزدهم و چهاردهم آن است!»

طبق معمول، ماه در اواسط ماه و خورشید در اواخر ماه قمری می‌گیرد، ولی این نشانه برخلاف روش معمول می‌باشد.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه شریفه: «خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَلِيمُونَ»^۵ در حالی که چشمانشان فرورفته، خاک ذلت آن‌ها را پوشانیده، آن روزی است که به آن‌ها وعده داده شده» فرمود:

«یَعْنِی یَوْمَ خُرُوجِ القائِمِ؛^۶ منظور، روز خروج قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است.»

و در تفسیر آیه شریفه: «إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آیَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»^۷ اگر بخواهیم برای آن‌ها نشانه‌ای از آسمان می‌فرستیم، پس گردن‌هایشان در برابرش خاضع می‌شود» فرمود:

در پناه حضرت

۵

۶

۷

۸

۱. الامام المهدي: ۲۲۷. ۲. غیت نعمانی: ۱۴۴، الزام الناصب: ۱۸۵، منتخب الاثر: ۲۴۱.
 ۳. منتخب الاثر: ۴۴۱، بشارة الاسلام: ۹۶ و ۱۷۷. ۴. بحار الانوار: ۵۲، ۲۴۲؛ بشارة الاسلام: ۱۲۹. ۵. سورة مباركة قلم، آیه ۲۳.
 ۶. بشارة الاسلام: ۱۲۹؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۲۰. ۷. سورة مباركة شعراء، آیه ۴.

«سَيَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ: رُكُودُ الشَّمْسِ مِنَ الزَّوَالِ إِلَى وَقْتِ الْعَصْرِ حَتَّى يُلَاحِظَ النَّاسُ ذَلِكَ. وَظُهُورُ رَجُلٍ وَوَجْهِهِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ يُعْرَفُ بِحَسْبِهِ وَنَسَبِهِ. وَذَلِكَ فِي زَمَانِ السُّفْيَانِيِّ، وَعِنْدَهَا يَكُونُ بَوَارُهُ وَبَوَارُ قَوْمِهِ؛^۱ به زودی خداوند این نشانه را خواهد فرستاد: خورشید از موقع زوال تا هنگام عصر در وسط آسمان خواهد ماند، همه مردم متوجه این نشانه می شوند، سپس چهره مردی را در قرص خورشید خواهند دید که نام و نشان او را خواهند شناخت. این نشانه بزرگ در زمان سفیانی خواهد بود و در آن هنگام سپاه سفیانی نابود خواهند شد و سفیانی هلاک خواهد شد.»

ابن عباس در تفسیر این آیه می فرماید:

«این آیه درباره ما و بنی امیه نازل شده است، ما بر آن ها حکومت خواهیم کرد و پس از یک فراز و نشیب گردن هایشان در برابر ما خاضع خواهد شد و پس از دوران عزت، خاک ذلت بر چهره هایشان خواهد نشست.»^۲

این نشانه که در زمان سفیانی اتفاق می افتد، یکی از روشن ترین نشانه ها برای معرفی سفیانی است.

در این تفسیر، منظور از حکومت، حکومت مهدی علیه السلام است.

چهره حضرت مسیح علیه السلام در خورشید ظاهر می شود و از آسمان فرود می آید و با حسب و نسبش شناخته می شود، و کسی درباره او شک نمی کند.

مدت ها قبل، ستاره شناسی روسی پیش بینی کرد که در اواخر سال ۱۹۸۲ میلادی فاجعه ای برای خورشید اتفاق می افتد و خورشید از مغرب طلوع خواهد کرد!!

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَكَيْفَ يَطْلُعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمُخْتَوِّمِ؛^۳ آکف دستی که در آسمان ظاهر خواهد شد، از نشانه های حتمی است.»

«وَوَجْهُ وَصَدْرُ يَظْهَرَانِ مِنَ السَّمَاءِ لِلنَّاسِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ؛^۴ صورت و سینه ای در قرص خورشید برای مردم ظاهر می شود.»

منظور از دست در این حدیث، دست نیرومند دانش نیست بلکه دست نیرومندی است که با قدرت خداوند به صورت نشانه ای روشن در آسمان ظاهر خواهد شد و به

۱. ارشاد مفید: ۳۳۸؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۲۰ و ۵۳: ۱۰۹؛ ینابیع الموده ۳: ۱۶۴؛ بشارة الاسلام: ۹۴؛ اعلام الوری: ۴۲۸؛ الملاحم والفتن: ۱۶۴؛ الامام المهدی: ۲۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ المحجة البيضاء: ۴: ۳۲۲. ۲. بحار الانوار ۵۳: ۱۰۹؛ الزام الناصب: ۳۳۸. ۳. بحار الانوار ۵۲: ۲۲۳. ۴. الملاحم والفتن: ۱۶۴.

سوی مهدی علیه السلام اشاره خواهد کرد.

«إِمَارَةٌ ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنْ كَفَّ مِنَ السَّمَاءِ مُدَلَّاةٌ يُنْظَرُ إِلَيْهَا النَّاسُ؛^۱ نشانه آن روز بزرگ، دست نیرومندی است که از آسمان آویزان می‌شود و همه به سوی آن نگاه می‌کنند.»
امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:
«يُظْهَرُ كَفٌّ مِنَ السَّمَاءِ تُشِيرُ: هذا، هذا! آدستی از آسمان ظاهر شده، به سوی او اشاره می‌کند که: این است، این است.»

اشاره به حضرت مهدی علیه السلام دارد. در بعضی روایات، این دست در زمان سفیانی و پس از فتنه‌های گوناگون و صیحه آسمانی، ظاهر می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«يُظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ مَعَ طُلُوعِ النَّجْمِ الْأَخْمَرِ وَ حَرَابِ الزُّورَاءِ وَ هِيَ الرَّيُّ وَ حَسْفِ الْمُرُورَةِ وَ هِيَ بَعْدَ آد؛^۲ مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بعد از غیبتی طولانی، همزمان با طلوع ستاره‌ای سرخ، و نابودی ری و بغداد ظهور می‌کند.»
ری، منطقه‌ای در عراق است.

«طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمَذْنَبِ يُفْرِعُ الْعَرَبَ! وَ هُوَ نَجْمٌ بِالْمَشْرِقِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْقَمَرُ، ثُمَّ يَنْعَطِفُ حَتَّى يَكَادُ يَلْتَقِي طَرْفَاهُ. وَ تَظْهَرُ حُمْرَةٌ فِي السَّمَاءِ، وَ تَنْشُرُ فِي آفَاقِهَا؛^۳ عرب از طلوع ستاره دنباله‌دار می‌ترسد، و آن ستاره‌ای است که در مشرق ظاهر می‌شود و مانند ماه می‌درخشد! سپس دنباله‌اش برمی‌گردد و نزدیک می‌شود که دو سرش به هم برسد! سپس سرخی در آسمان پدید می‌آید و جهان را از کران تا کران فرا می‌گیرد.»

ملت عرب از حوادث سختی که با طلوع ستاره پیش می‌آید، می‌ترسد.
«يَطْلُعُ نَجْمٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، لَهُ ذَنْبٌ يُضِيءُ؛^۴ ستاره‌ای از مشرق طلوع می‌کند که دنباله درخشانی دارد.»

«طُلُوعُ الْكَوْكَبِ ذِي الذَّنْبِ؛ یکی دیگر از نشانه‌ها طلوع ستاره دنباله‌دار است.»
«تَنْكِيسُ الشَّمْسِ بَعْدَ الصَّيْحَةِ فِي رَمَضَانَ، وَ قَبْلَ النَّدَاءِ. يَكُونُ الرُّومُ يَوْمَئِذٍ قُرْبَ سَاحِلِ الْبَحْرِ، عِنْدَ كَهْفِ الْفِتْيَةِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ؛^۵ بعد از صیحه آسمانی و قبل از بانگ آسمانی (به نام مهدی)، خورشید در ماه رمضان کسوف می‌کند. در آن زمان رومیان در نزدیکی ساحل دریا و در منطقه غار اصحاب کهف مستقر می‌شوند، خداوند اصحاب کهف را همراه با سگشان برمی‌انگیزند.»

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۵۱؛ منتخب الاثر: ۴۴۱؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۳۳. ۲. غیبت نعمانی: ۱۳۳.

۳. بشارة الاسلام: ۱۸۹؛ الزام الناصب: ۱۸۸؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۲۶.

۴. بحار الانوار ۵۲: ۲۲۰؛ المحجة البيضاء ۴: ۴۴۳؛ الملاحم والفتن: ۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۲؛ المهدي: ۱۹۶؛ بشارة الاسلام: ۲۵؛ الامام المهدي: ۲۳۲. ۵. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۱؛ المهدي: ۱۸۶. ۶. الملاحم والفتن: ۱۱۱.

۷. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۵ و ۵۳: ۸۵؛ بشارة الاسلام: ۵۹؛ الزام الناصب: ۱۷۷.

در پناه حضرت

طبق این حدیث، هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام یهودی‌ها در فلسطین خواهند بود، زیرا غار اصحاب کهف در کشور اردن است و به رود اردن نزدیک است و امروز برخی از اشغالگران در ساحل غربی رود اردن اقامت دارند.

روایات امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«قَبْلَ ذَلِكَ يَوْمٌ بَيُوحُ؛^۱ قبل از آن، روز بسیار داغی هست.»

و در حدیث دیگری فرموده است:

«قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلُ بَيُوحُ قُلْتُ وَمَا الْبَيُوحُ قَالَ دَائِمٌ لَا يَنْقُتُ؛^۲ قبل از آن امر، کشتار بسیار

داغی هست. پرسیدند: «بیوح» یعنی چه؟ فرمود: کشتار مداومی که سرد نمی‌شود و

شدت آن کم نمی‌شود.»

طبق این روایت، در این جنگ، خون و مقتولان مباح شمرده می‌شوند و به حلال و

حرام فکر نمی‌کنند.

روایات امام مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«...وَ اجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ اسْتَدَارَ بِهِمَا الْكَوَاكِبُ وَ النُّجُومُ؛^۳ خورشید و ماه جمع

می‌شوند و ستارگان ثابت و متحرک را احاطه می‌کنند.»

شاید منظور از جمع شدن خورشید و ماه، قرار گرفتن آن‌ها در یک مسیر در اثر

کسوف و خسوف غیر عادی باشد.

در قرآن کریم نیز این تعبیر آمده است:

«وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ؛^۴ خورشید و ماه جمع می‌شوند.»

ابن عباس می‌گوید:

«قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور نمی‌کند مگر پس از آنکه خورشید نشانه‌ای را از

خود نشان دهد.»^۵

شاید منظور، کسوف خورشید در پانزدهم ماه رمضان و یا ایستادن آن در وسط

۱. بشارة الاسلام: ۱۶۲؛ غیبت نعمانی: ۱۲۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۸۲.

۲. غیبت نعمانی: ۱۲۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۸۲ و ۲۴۲؛ بشارة الاسلام: ۱۶۲. ۳. الزام الناصب: ۱۰۸؛ بشارة الاسلام: ۱۷۳.

۴. سورة مباركة قیامت، آیه ۹.

۵. منتخب الاثر: ۴۴۲؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۱۷؛ المهدی: ۱۸۶؛ بشارة الاسلام: ۱۷۸؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۶؛ الملاحم والفتن: ۶۲؛ الامام

المهدی: ۲۳۲.

آسمان و یا ظاهر شدن چهره یک مرد در قرص خورشید، و یا طلوع خورشید از مغرب باشد، که در احادیث فراوانی بیان شده است، و شاید نشانه‌ای جز اینها باشد.

انجیل متی

در انجیل می‌خوانیم:

«و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک می‌شود و ماه نوری ندارد و ستارگان از آسمان می‌ریزند و قوت‌های افلاک متزلزل می‌گردد. سپس عدالت پسرانسان در آسمان پدید می‌آید و در آن وقت همه طایفه‌ها سینه‌زنی می‌کنند و پسرانسان را می‌بینند که بر ابرهای آسمان با شکوه بزرگی می‌آید.»^۱

پسرانسان، گاهی درباره حضرت عیسی صلی الله علیه و آله و گاهی درباره مصلح آخرالزمان به کار رفته است.

(د) زلزله‌ها و خرابی‌ها

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«... وَ تَكْثُرُ الزَّلَازِلُ؛ زمین لرزه زیاد می‌شود.»

«... ثُمَّ رَجْفَةٌ تَكُونُ بِالشَّامِ تَهْلِكُ فِيهَا مِائَةٌ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ؛^۲ زمین لرزه‌ای در شام اتفاق می‌افتد که صد هزار نفر در اثر آن هلاک می‌شود. خداوند این زمین لرزه را رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران قرار می‌دهد.»

«وَ خَرَابُ الشُّرُكِ مِنَ الصَّوَاعِقِ؛^۳ سرزمین ترک به وسیله صاعقه‌ها ویران می‌شود.»

در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله صاعقه‌های آخرالزمان ذکر شده که شاید آتش‌پاره‌هایی باشد که در جنگال شیاطین جای گرفته و به سوی مردم پرتاب می‌شود!! و شاید موشک‌ها و بمب‌های ویرانگر باشد.

چه شیطانی بدتر از خلبان بی‌رحم که با سنگدلی منطقه‌ای را به خاک و خون می‌کشد. «سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ حَسْفٌ وَقَذْفٌ وَمَسْخٌ؛^۴ در آخرالزمان خسف، قذف و مسخ

۱. انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۲۹ و ۳۰. ۲. بشاره‌الاسلام: ۳۲. ۳. بحیث شیخ طوسی: ۲۷۷؛ الملاحم والفتن: ۵۳.

۴. بشاره‌الاسلام: ۲۸. ۵. نهج الفصاحه ۲: ۲۷۲؛ بتایب الموده ۳: ۱۴۶؛ الملاحم والفتن: ۱۰۲.

اتفاق می افتد.»

خسف: فرو رفتن در زمین و زیر آوار ماندن به وسیله زلزله، سیل، طوفان، موشک، بمباران و جز آن‌ها.

قذف: پرتاب چیزی از مکانی به مکانی (بمباران، سنگباران، موشک های زمین به زمین و امثال آن‌ها).

مسخ: دگرگونی سیرت و صورت چیزی.

«يَكُونُ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةٌ خُسُوفٍ خُسُوفٌ بِالشَّرْقِ وَ خُسُوفٌ بِالمَغْرِبِ وَ خُسُوفٌ بِجَزِيرَةِ العَرَبِ؛^۱ در آن هنگام سه خسف اتفاق می افتد: یکی در مشرق، دیگری در مغرب، و سومی در جزیره العرب.»

خسفی که در جزیره العرب اتفاق می افتد، آخرین خسف است که سپاه سفیانی را در زمین فرو می برد:

«يَعُوذُ عَائِدٌ بِالْبَيْتِ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ جَيْشٌ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ بَيِّدَاءِ المَدِينَةِ خُسِفَ بِهِمْ؛^۲ به خانه خدا پناهنده می شود، سپس لشکر سفیانی به سوی او فرستاده می شود، وقتی به سرزمین بیداء رسیدند، زمین آن‌ها را در خود فرو می برد.»

«جَيْشٌ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ العِرَاقِ فِي طَلَبِ رَجُلٍ مِنَ هَلِ المَدِينَةِ يَنْتَعُهُ اللهُ مِنْهُمْ. فَإِذَا عَلَوْا البَيْدَاءَ مِنْ ذِي الحَلِيفَةِ خُسِفَ بِهِمْ فَلَا يُدْرِكُ أَغْلَاهُمْ أَشْقَلُهُمْ، وَلَا يُدْرِكُ أَشْقَلُهُمْ أَغْلَاهُمْ إِلَى يَوْمِ القِيَامَةِ؛^۳ لشکری از طرف عراق در جستجوی مردی از اهل مدینه بیرون می آید، خداوند او را از شر آن‌ها حفظ می کند، وقتی در ذوالحلیفه به سرزمین بیداء برسند، زمین آن‌ها را در خود فرو می برد، اول و آخر لشکر تا قیامت هرگز به یکدیگر نمی رسند.»

امروزه پرتاب مواد آتش‌زا (قذف) و هلاکت انسان‌ها (خسف) بسیار اتفاق می افتد.

روایات امام باقر علیه السلام

«... وَ خُسُوفٌ بِالْبَيْدَاءِ؛^۴ و خسفی در سرزمین بیداء.»

«جَيْشٌ البَيْدَاءِ يُؤَخِّدُونَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ؛^۵ لشکر بیداء از زیر پایشان گرفتار می شوند.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «سُئِرِهِمْ ۖ اِئْتِنَا فِي الآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ»^۶ نشانه‌های

۱. صحیح مسلم ۸: ۱۷۹، بحار الانوار ۵۱: ۷۰ و ۵۲: ۲۷۸، الزام الناصب: ۶۴، المحجة البيضاء ۴: ۳۲۲، منتخب الاثر: ۴۲۵، بشارة الاسلام ۵: الامام المهدي: ۲۱۷.

۲. الاضداد مفید: ۳۳۶، بحار الانوار ۵۲: ۱۸۶، كشف الغممة ۳: ۳۲۴، المحجة البيضاء ۴: ۳۲۲، صحیح مسلم ۸: ۱۸ و ۱۶۷، الصواعق المحرقة: ۱۶۳، المهدي: ۱۹۳، الامام المهدي: ۵۲. ۳. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۸، الملاحم والفتن: ۶۱.

۴. الامام المهدي: ۲۲۷، الزام الناصب: ۱۸۵. ۵. بحار الانوار ۵۲: ۱۸۶، بشارة الاسلام: ۲۱ و ۱۵۷.

۶. سورة مباركة فصلت، آیه ۵۳.

خود را در وجود آنها و در اطراف آنها نشان می‌دهیم» فرمود:

«يُرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسْخَ وَ يُرِيهِمْ فِي الْأَفَاقِ انْتِقَاصَ الْأَفَاقِ عَلَيْهِمْ فَيَرُونَ قُدْرَةَ اللَّهِ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي الْأَفَاقِ؛^۱ در وجود آنها «مسخ» و در اطراف آنها «خسف» را بر آنها نشان می‌دهیم تا قدرت خدا را در وجود خود و در اطراف خود ببینند و برای آنها روشن شود که او حق است، یعنی بدانند که ظهور قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از سوی پروردگار، حق است و حتماً مردم آن را می‌بینند و چاره‌ای از آن نیست.»
«وَ خَسَفٌ فِي الْحِلَّةِ وَ الْبَصْرَةِ، وَ قَتْلُ كَثِيرِينَ؛^۲ و خسفی در حله و بصره اتفاق می‌افتد و عدة زیادی کشته می‌شوند.»

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق عليه السلام می‌فرماید:

«...إِزْتِفَاعُ رِيحٍ سَوْدَاءَ بِهَا فِي أَوَّلِ النَّهَارِ وَ زَلْزَلَةٌ حَتَّى يَنْخَسِفَ كَثِيرٌ مِنْهَا؛^۳ باد سیاهی اول صبح برمی‌خیزد و سپس زلزله‌ای می‌آید و قسمت‌های زیادی از بغداد نابود می‌شود.»

ه) تغییرات و قذف

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«لَيَبِيْتَنَّ قَوْمٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى طَعَامٍ وَ شَرَابٍ وَ لَهْوٍ، وَ يُصْبِحُونَ وَ قَدْ مُسِخُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا؛^۴ بعضی از این امت، شب بساط غذا و شراب و لهو و لعب را دارند و صبحگاهان به صورت میمون و خوک درمی‌آیند.»

و درباره علمایی که در خدمت طاغوت‌ها هستند، فرمود:

«وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَيُخَسِفَنَّ اللَّهُ بِهِمْ - وَ يَمَسُخُهُمْ قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا؛^۵ سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، خداوند آنها را در زمین فرو می‌برد و آنها را مسخ کرده و به صورت میمون و خوک درمی‌آورد.»

با این سوگند، جای شکی درباره این اتفاق باقی نمی‌ماند. یکی از این گروه طبقه

۱. غیبت نعمانی: ۱۴۳، بحار الانوار: ۵۲، ۲۲۱ و ۵۱، ۶۲؛ بشارة الاسلام: ۱۱۱، الزام الناصب: ۲۸، ارشاد مفید: ۳۳۸، منابع الموده: ۳، ۱۲؛

الامام المهدي: ۵۳. ۲. منتخب الاثر: ۴۲۵، اعلام الوری: ۴۲۹، الملاحم والفتن: ۱۰۲، بشارة الاسلام: ۵۳.

۳. المحجة البيضاء: ۴، ۳۴۳، الزام الناصب: ۱۸۵، بحار الانوار: ۵۲، ۲۲۰، الملاحم والفتن: ۱۶۴، المهدي: ۱۹۵.

دانشمندان درباری است و یکی دیگر اهل لهو و لعب هستند، چنانکه می‌فرماید:

«يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ خُسْفٌ وَقَذْفٌ فِي مَتَخِذِي الْقَيْنَاتِ وَ شَارِبِي الْخُمُورِ.. بَيْنَهُمْ فِي شَرَابٍ وَ خَمْرٍ، وَ ضَرْبٍ مَعَارِفٍ، حَتَّى يُرْسِلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَيْغِدُونَ قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا؛^۱ در میان این امت نیز خسف و قذف اتفاق می‌افتد، گروهی از نوازنده‌ها می‌گساری و نوازندگی می‌کنند که عذاب خدا بر آنها نازل می‌شود و به صورت میمون و خوک در می‌آیند.»

«مِمَّا يَمْضِرُونَ مِضْرًا يُقَالُ لَهُ: الْبَصْرَةُ. فَإِنْ أَنْتَ وَرَدْتَهَا فَإِيَّاكَ وَ مِقْصَفَهَا وَ سُوقَهَا وَ بَابَ سُلْطَانِهَا. فَإِنَّهَا سَيَكُونُ فِيهَا خُسْفٌ وَ مَسْخٌ وَ قَذْفٌ! آيَةٌ ذَلِكَ أَنْ يَمُوتَ الْعَدْلُ، وَ يَفْشُو فِيهَا الْجُورُ وَ شَهَادَةُ الزُّورِ، وَ يَكْثُرُ الزُّنَا؛ بصره از شهرهایی است که بر اساس شهرسازی ساخته شده، اگر وارد آن شهر شدی از کازینوها، فروشگاه‌ها و کاخ‌های آن دور شو که در آنجا خسف و قذف و مسخ اتفاق می‌افتد، و نشانه آن این است که عدالت وجود ندارد، ظلم، شهادت دروغ و روابط نامشروع زیاد است!»

در این روایت، «مقصف» درباره کازینوها، بارها و رستوران‌هایی به کار می‌رود که مشروبات الکلی در آنها عرضه می‌شود.

«لَمْ يَجْرِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ شَيْءٌ إِلَّا وَ يَكُونُ فِي أُمَّتِي مِثْلُهُ حَتَّى الْخُسْفُ وَ الْمَسْخُ وَ الْقَذْفُ؛^۲ در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتد مگر این که در میان امت من نیز مانند آن اتفاق بیفتد، حتی خسف و قذف و مسخ.»

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق عليه السلام می‌فرماید:

«تَهِيحُ رِيحُ الزُّورَاءِ: يُنْكِرُهَا النَّاسُ، فَيَفْزَعُونَ إِلَى عُلَمَائِهِمْ فَيَجِدُونَهُمْ قَدْ مَسِيحُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا، تَسْوَدُّ وُجُوهُهُمْ، وَ تَزْرُقُ عُيُونُهُمْ؛^۳ باد زوراء (طوفان، گردباد، از سوی بغداد، از سوی دجله) به شکلی که تاکنون دیده نشده، می‌وزد؛ مردم به دانشمندان خود پناه می‌برند و آنها را مسخ شده می‌بینند که به صورت میمون و خوک در آمده‌اند، صورتشان سیاه شده و چشم‌هایشان کبود شده است.»

امام صادق عليه السلام در تفسیر آیه شریفه: «وَ كُنْذِقْتَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»^۴

قبل از عذاب بزرگ، آنها را گرفتار عذاب کوچک می‌کنیم.» فرمود:

«أَيُّ خِزْيٍ أَخْزَى يَا أَبَا بَصِيرٍ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَ حِجَالِهِ وَ عَلَى إِخْوَانِهِ وَ سَطَ»

۱. اعلام الوری: ۴۲۸؛ ارشاد مفید: ۳۳۸؛ بشارة الاسلام: ۱۷۶. ۲. بحار الانوار: ۵۳: ۱۳۱. ۳. الملاحم والفتن: ۱۱۷.

۴. سورة مبارکه سجده، آیه ۲۱.

در بیان دودان در هاب
 مهدی قائم
 در پناه حضرت
 محمد الحارثی
 فی ظل القادر المهاری

عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ الْجُيُوبَ عَلَيْهِ وَصَرَخُوا فَيَقُولُ النَّاسُ مَا هَذَا فَيَقَالُ مُسِيخٌ فَلَمَّا السَّاعَةَ فَقُلْتُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام أَوْ بَعْدَهُ قَالَ لَا بَلْ قَبْلَهُ؛^۱ چه ذلت و خواری بالاتر از اینکه انسان در میان خانه و خانواده‌اش در کنار سفره نشسته باشد و ناگهان اهل خانه گریبان چاک کرده، ناله کنند؛ مردم می‌پرسند: چه شده؟ می‌گویند: این فلانی است، همین الان مسیخ شد! ابوبصیر از آن حضرت پرسید: این اتفاقات قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف - روی می‌دهد یا بعد از قیام او؟ فرمود: قبل از قیام او.»

وای، اگر دانشمندی مسیخ شود، چگونه می‌توان آن را تحمل کرد؟!

روایات امام کاظم علیه السلام

امام کاظم عليه السلام می‌فرماید:

«تَكثُرُ الْفِتْنُ فِي آفَاقِ الْأَرْضِ، وَ الْمَسِيخُ فِي أَعْدَاءِ الْحَقِّ؛^۲ فتنه‌ها همه زمین را فرا می‌گیرد و تعداد زیادی از دشمنان حق، مسیخ می‌شوند.»
«... وَ مَسِيخٌ لِقَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْبِدْعِ حَتَّى يَصِيرُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا؛^۳ گروهی از بدعتگزاران مسیخ شده و به صورت میمون و خوک در می‌آیند.»

(و) فریاد و صیحه آسمانی

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرماید:

«أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَطَعَ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ أَتْبَاعَهُمْ، وَ وَلِيَّكُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله وسلم فَالْحَقْوَةُ بِمَكَّةَ، فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ؛^۴ وقتی مهدی قیام کند، منادی آسمانی از آسمان ندا می‌دهد: ای مردم! خداوند دیگر به ستمگران، منافقان و پیروان آنها مهلت نمی‌دهد و بهترین امت محمد صلى الله عليه وآله وسلم را برای رهبری شما انتخاب کرد، خود را در مکه به او برسانید که او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - است.»

«يُظْهَرُ فِي السَّمَاءِ آيَةٌ لِلْبَيْتَيْنِ تَخْلُوانِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛^۵ در شب دوم ماه رمضان نشانه‌ای در آسمان ظاهر می‌شود.»

«فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَمِيرَكُمْ فَلَانٌ وَ ذَلِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ؛^۶ منادی از

۱. غیبت نعمانی: ۱۴۳؛ بحار الأنوار: ۵۲؛ الزام الناصب: ۱۷۷. ۲. ارشاد مفید: ۳۳۸؛ اعلام الوری: ۴۲۸.

۳. الامام المهدي: ۲۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۵.

۴. ارشاد مفید: ۳۳۶؛ الملاحم والفتن: ۱۱۵؛ الحاوی للفتاوی: ۲؛ ۱۶۰؛ اختصاص مفید: ۲۰۸؛ بحار الأنوار: ۵۲؛ ۳۰۴؛ منتخب الاثر: ۴۹۹؛

المهدي: ۱۹۰؛ بشارة السلام: ۱۷۷. ۵. الملاحم والفتن: ۳۵. ۶. بشارة الاسلام: ۱۷۷.

آسمان ندا می دهد: رهبر شما فلاتی است و آن همان مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است.

شاید منظور از این نشانه، کف دستی باشد که در آسمان ظاهر می شود، و منظور از منادی آسمانی، جبرئیل است. ما شک نداریم که با وسایل پیشرفته امروزی صدای او در همه جهان پخش می شود.

«سَيَكُونُ فِي رَمَضَانَ صَوْتٌ، وَ فِي شَوَّالٍ مَعْمَعَةٌ، وَ فِي ذِي الْحِجَّةِ تَحَارُطُ الْقَبَائِلِ، وَ عَلَامَتُهُ أَنْ يُنْهَبَ الْحَاجُّ، وَ تَكُونُ مَلْحَمَةٌ مِنِّي وَ تَكْتُرُ فِيهَا الْقَتْلَى وَ تَسِيلُ فِيهَا الدَّمَاءُ، حَتَّى تَسِيلَ دِمَاؤُهُمْ عَلَى الْجَمْرَةِ؛^۱ ندایی در ماه رمضان شنیده می شود، جنگی در ماه شوال برپا می شود، قبیله ها در ماه ذیحجه با هم می جنگند، و نشانه آن این است که حاجی ها را غارت می کنند و حادثه بزرگی در منی اتفاق می افتد و عده زیادی کشته می شوند و خون ها ریخته می شود و روی جمرات می ریزد.»

روایات حضرت علی علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«أَمَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ إِذْ نَشَأُ نَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ آيَةً تُخْرِجُ الْفِتَاةَ مِنْ خُدْرِهَا وَ تُوقِظُ النَّائِمَ وَ تُفْرِغُ الْيَقْظَانَ؛^۲ آیه نشنیده اید که خداوند در قرآن می فرماید: ﴿اگر بخواهیم برای شما از آسمان نشانه ای می فرستیم﴾^۳ نشانه ای که دختر پرده نشین را می ترساند و از سرا پرده بیرون می فرستد، خوابیده را بیدار می کند و بیدار را می ترساند.»

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَ ذَلَّتْ رَقَبَتُهُ لَهَا؛^۴ در آن روز کسی روی زمین باقی نمی ماند مگر این که مقابل آن نشانه تسلیم شود.»

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيِّ وَ شِيعَتِهِ ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسُ فِي آخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ فُلَانٍ وَ شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَزْتَابُ السُّبُطُلُونَ؛^۵ منادی آسمانی در اول روز ندا می دهد: ای مردم! آگاه باشید که حق با علی و شیعیان

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۱؛ بشارة الاسلام: ۳۴؛ الملاحم والفتن: ۳۳.

۲. غیبت نعمانی: ۱۳۳؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۳۰؛ منتخب الاثر: ۲۲۰؛ بیابح الموده ۳: ۱۰۹؛ بشارة الاسلام: ۴۹؛ الامام المهدی: ۴۵ و ۲۲۰؛ الزام الناصب: ۱۷۷.

۳. سوره ی مبارکه ی شعراء، آیه ی ۴. ۴. الامام المهدی: ۴۸.

۵. منتخب الاثر صفحه ۴۵۷، اعلام الوری صفحه ۴۲۶، الحاوی للفتاوی جلد ۲ صفحه ۱۵۱، بشارة الاسلام صفحه ۸۸، بحار الانوار

جلد ۵۲ صفحه ۲۹۰، الملاحم والفتن صفحه ۴۸ و الزام الناصب صفحه ۱۹۸

دوران رهبان
در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
تتمت الحاشیة فی الظاهر

اوست. شیطان در پایان همان روز صدا می زند: حق با فلانی و پیروان اوست! آنجاست که اهل باطل دچار شک و تردید می شوند.»

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَقْوَامِ النَّاسِ، وَيَشْرَبُونَ حُبَّهُ، وَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ؛^۱ و وقتی منادی آسمانی صدا می زند که حق با آل محمد علیهم السلام است، نام مهدی علیه السلام بر سر زبان ها می افتد و محبت او در دل ها جای می گیرد و دائم او را یاد می کنند و کار دیگری ندارند.»

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«إِذَا نَادَى الْمُنَادِي بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ مِنَ السَّمَاءِ، يَظْهَرُ اسْمُهُ عَلَى أَقْوَامِ النَّاسِ، وَيُسْرُونَ فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ؛^۲ و وقتی منادی آسمانی نام مهدی علیه السلام را بیان می کند، نام او بر سر زبان ها می افتد و همه خوشحال می شوند و جز نام او نام دیگری بر زبان ها جاری نمی گردد.»

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا أَهْلَ الْحَقِّ اجْتَمِعُوا فَيَصِيرُونَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ يُنَادِي مَرَّةً أُخْرَى يَا أَهْلَ الْبَاطِلِ اجْتَمِعُوا فَيَصِيرُونَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ؛^۳ منادی آسمانی ندا می زند: ای اهل حق! جمع شوید. سپس اهل حق در یک جبهه جمع می شوند. منادی صدا می زند: ای اهل باطل! جمع شوید. اهل باطل در یک جبهه جمع می شوند.»

«... ثُمَّ لَا يَسْتَقِيمُ أَمْرُ النَّاسِ عَلَى شَيْءٍ، وَلَا يَكُونُ لَهُمْ جَمَاعَةٌ، حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: عَلَيْكُمْ بِفُلَانٍ، وَتَطَّلِعُ كَفُّ تَشِيرٍ؛^۴ سپس کار مردم هرگز اصلاح نمی شود و هرگز نمی توانند در یک جا جمع شوند، تا وقتی که منادی آسمانی صدا می زند: به سوی فلانی بشتابید و از او دور نشوید. سپس کف دستی در آسمان ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند.»

«يُنَادِي مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْفَجْرِ، مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ: يَا أَهْلَ الْهُدَى اجْتَمِعُوا، وَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ الْمَغْرِبِ، بَعْدَ مَغِيبِ الشَّمْسِ: يَا أَهْلَ الْبَاطِلِ اجْتَمِعُوا؛^۵ در ماه رمضان هنگام صبح، منادی آسمانی از طرف مشرق بانگ می زند: ای اهل هدایت! جمع شوید. بعد از غروب آفتاب منادی دیگری از طرف مغرب صدا می زند: ای اهل باطل! جمع

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۰؛ منتخب الاثر: ۱۶۳؛ بشارة الاسلام: ۱۸۳؛ کشف الغمہ ۳: ۳۲۴؛ الامام المهدی: ۲۲۱؛ المهدی: ۹۶؛ نور الابصار: ۱۷۲؛ الزام الناصب: ۲۵۷. ۲. همان. ۳. غیبت نعمانی: ۱۷۴؛ الامام المهدی: ۳۵. ۴. الملاحم والفتن: ۴۸؛ بشارة الاسلام: ۷۹. ۵. بحار الانوار: ۵۲: ۲۷۵ و ۵۳: ۸۴؛ بشارة الاسلام: ۵۹؛ غیبت نعمانی: ۱۷۱؛ الزام الناصب: ۱۹۹.

شوید.»

ندای دوم با ظاهری آراسته، اشاره به اهل باطل دارد. مثلاً با تعبیری به اسم و صفت
و... اهل باطل اشاره کند.

«يُنزِلُ جِبْرَائِيلُ يَوْمَئِذٍ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْنَ الْمُقَدَّسِ، فَيَصيحُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا: ﴿وَقُلْ جَاءَ
الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾؛ آن روز جبرئیل روی سنگی در بیت
المقدس قرار گرفته، بر مردم جهان ندا می زند: ﴿بگو: حق آمد و باطل از بین رفت، که
باطل نابود شدنی است﴾.»^۲

این ندای جبرئیل غیر از ندای آسمانی است که به صیحه تعبیر شده است.

روایات امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام می فرماید:

«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَمَنْ بِالْمَغْرِبِ؛^۳ منادی
آسمانی به نام مهدی ندا می زند، هر کس در مشرق و مغرب باشد، آن ندا را می شنود.»

امروزه با اختراع وسایل پیشرفته‌ای مثل تلویزیون، این سخن امام حسین علیه السلام برای ما
قابل درک است.

روایات امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيَبَيِّنُ حَيْثُ يَقُولُ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ
قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ
إِلَّا خَضَعَ وَذَلَّتْ رَقَبَتُهُ لَهَا وَبَيَّتَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ عَلَى الْحَقِّ وَهُوَ النَّدَاءُ
الْأَوَّلُ وَبِزْتَابِ يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ؛^۴ به خدا سوگند! این مطلب در کتاب
خدا به روشنی بیان شده، آنجا که می فرماید: «گوش کنید، وقتی منادی از جای نزدیکی
ندا می دهد، آن روز به حق آن صیحه را می شنود، که آن روز، روز قیام است» روی زمین
کسی باقی نمی ماند مگر این که در برابر این ندای آسمانی متواضع شود، خداوند کسانی
را که ایمان آورده‌اند، در ایمانشان استوار و پابرجا می دارد، و این ندای نخستین است.
ولی کسانی که دل بیمار دارند، درباره ندای دوم شک می کنند.»

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

مهدی قائم علیه السلام در محضر

امام سجاد علیه السلام

۱. سوره مبارکه اسراء، آیه ۸۱ ۲. بشارة الاسلام: ۲۲۰؛ الزام الناصب: ۱۹۹.

۳. المهدي: ۱۸۶؛ الامام المهدي: ۲۲۲؛ غیبت نعمانی: ۱۳۴؛ بشارة الاسلام: ۸۵؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۳۰.

۴. بحار الانوار ۵۲: ۳۹۲؛ غیبت نعمانی: ۱۳۸؛ الامام المهدي: ۵۷؛ بتایع الموده ۳: ۱۰۹؛ منتخب الاثر: ۲۲۰.

«فَيَوْمَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ أَلَّا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَشِيعَتِهِ فَإِذَا كَانَ الْعَدُوُّ صَعِدَ إِبْلِيسَ فِي الْهَوَاءِ حَتَّى يَتَوَارَى عَنِ أَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ يُنَادِي أَلَّا إِنَّ الْحَقَّ فِي فَلَانٍ؛^۱ وقتی اهل زمین ندای آسمانی را بشنوند که ندا می دهد: آگاه باشید حق با علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست، همه ایمان می آورند، روز بعد شیطان در هوا بالا می رود و در حالی که مردم او را نمی بینند صدا می زند: آگاه باشید که حق با فلانی است»

بارها این آیه خوانده شده ولی ما تفسیر آن را نفهمیده ایم. فقط امامان معصوم علیهم السلام تفسیر این آیات را می دانند.

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

«يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَالصَّيْحَةُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ، وَ ذَلِكَ يَوْمَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. يَسْمَعُونَ صَوْتًا لَا مِنْ ذِي وَلَا ذِي هُوَ! لَكِنَّهُمْ يَسْمَعُونَ صَوْتًا مَا قَالَهُ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ: بَايَعُوا فَلَانًا بِاسْمِهِ، لَا مِنْ ذِي وَلَا ذِي هُوَ!؛^۲ منادی به نام قائم و نام پدرش ندا می دهد، صیحه در این آیه همان ندای آسمانی است، و آن روز قائم قیام می کند. بانگی را می شنوند که نه از این طرف است و نه از آن طرف، و نه صدای انس و جن است که می گویند: با فلانی بیعت کنید، به طور واضح نام او را می گویند و معلوم نیست که صدا از این طرف است یا آن طرف.»

این صدایی است که همه و با هر زبان و لهجه ای آن را می شنوند. صدای عجیبی است که امام صادق علیه السلام چهارده قرن پیش به روشنی درباره آن سخن گفته است، گویا ایشان این وقایع را برنامه ریزی کرده است.

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«وَجَاءَتْ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَفِي شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا؛^۳ ندایی از آسمان شنیده می شود که می گویند: حق با علی علیه السلام و شیعیان اوست. و آن وقت، زمان قیام قائم ماست.»

«وَ اِخْتَلَفَ أَهْلُ الشَّرْقِ وَ أَهْلُ الْغَرْبِ نَعْمَ وَ أَهْلُ الْقِبْلَةِ وَ يَلْقَى النَّاسَ جَهْدُ شَدِيدٍ مِمَّا يَمُرُّ بِهِمْ مِنَ الْخَوْفِ فَلَا يَزَالُونَ يَتَلَكَّ الْحَالِ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ فَإِذَا نَادَى فَالْتَفَرُّ النَّفَرُ؛^۴ مردم مشرق و مغرب دچار اختلاف می شوند، اهل قبله (مسلمانان) اختلاف

۱. الزام الناصب: ۲۶ و ۱۸۴ و ۲۴۲. ۲. تنبیح الموده: ۳، ۸۴ الملاحم والفتن: ۲۱، بشارة الاسلام: ۹۹. ۳. الامام المهدي: ۲۲۷.

۴. غیبت نعمانی: ۱۳۹؛ ارشاد مفید: ۳۳۷، بحار الانوار: ۵۲، ۲۳۵؛ الملاحم والفتن: ۱۱۴.

پیدا می‌کنند، مردم از ناامنی به شدت رنج می‌برند و روزگار را این طور می‌گذرانند تا این که منادی آسمانی ندا می‌دهد، وقتی بانگ آسمانی را شنیدید، بشتابید، بشتابید.»
 امام باقر علیه السلام بسیار درست و دقیق بیان کرده که امروزه شرق و غرب دچار اختلاف شده‌اند و مسلمانان هم مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند.

«الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرَ اللَّهِ وَهِيَ صَيْحَةُ جِبْرِئِيلَ إِلَى الْحَقِّ؛ ندای آسمانی فقط در ماه رمضان شنیده خواهد شد که ماه رمضان ماه خداست، و آن ندای جبرئیل است که به سوی حق دعوت می‌کند.»

«الصَّيْحَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فَلَا تُشْكُوا فِي ذَلِكَ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَفِي آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي أَلَا إِنَّ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا لِيُشَكَّكَ النَّاسَ وَيُقْتِنَهُمْ فَكَمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ مِنْ شَاكٍ مُتَحَيِّرٍ قَدْ هَوَى فِي النَّارِ! وَعَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْعُدْرَاءُ فِي خُدْرِهَا فَتُحَرِّضُ أَبَاهَا وَأَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ؛ ندای آسمانی در ماه رمضان، در شب جمعه، شب بیست و سوم ماه رمضان شنیده می‌شود و هرگز درباره آن شک نکنید، گوش دهید و اطاعت کنید. و در پایان همان روز صدای شیطان شنیده می‌شود که می‌گوید: فلانی مظلوم کشته شد! با این ندا، ناگهان عده‌ای شک می‌کنند و عده زیادی با این شک وارد آتش می‌شوند. نشانه بانگ جبرئیل این است که به نام مهدی علیه السلام و نام پدرش ندا می‌دهد، دختران پرده‌نشین با شنیدن آن خوشحال می‌شوند و پدران و برادرانشان را تشویق می‌کنند که قیام کنند.»

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«يَكُونُ النَّدَاءُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ لِثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، أَوَّلَ النَّهَارِ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ؛ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَشِيعَتِهِ، تُوقِظُ النَّائِمَ، وَتُقْعِدُ الْقَائِمَ أَوْ تُخْرِجُهُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ. لِأَنَّهَا تُفْرِغُ الْيَقْظَانَ، وَتُخْرِجُ الْعَوَاتِكَ مِنْ خُدُورِهِنَّ، فَتُحَرِّضُ الْعُدْرَاءَ أَبَاهَا وَأَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ؛ ندای آسمانی در شب جمعه، شب بیست و سوم ماه رمضان، اول صبح، بعد از نماز صبح شنیده می‌شود که: آگاه باشید که حق با فلانی پسر فلانی و شیعیان اوست. این بانگ، انسان خواب را بیدار می‌کند، بیدار را وحشت زده می‌کند، کسی که سر پا ایستاده، می‌نشیند و یا به صحن خانه‌اش می‌رود، پرده‌نشینان را وحشت زده از پرده بیرون می‌کند، دختر پرده‌نشین پدر و برادرش را تشویق می‌کند که قیام کنند.»

۱. غیبت نعمانی: ۱۳۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۳۰؛ بشارة الاسلام: ۹۲.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۲۳۰؛ منتخب الاثر: ۴۴۹؛ غیبت نعمانی: ۱۳۴؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۲؛ بشارة الاسلام: ۹۲؛ بنایع الموده ۳: ۶۶.

۳. غیبت نعمانی: ۱۳۴ و ۱۵۶؛ بشارة الاسلام: ۱۵۶؛ الملاحم والفتن: ۱۱۷؛ منتخب الاثر: ۴۵۳.

دوراندیشان
 مهدی قائم
 در پناه حضرت
 خاتم الانبیا
 محمد
 در پناه حضرت
 خاتم المرسلین
 علی

«كَأَنِّي بِهِمْ أَسْرًا مَا يَكُونُونَ وَقَدْ تَوَدُّوا نِدَاءَ يَسْمَعُهُ مَنْ بَعْدَكُمْ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ قُرْبًا؛ گویا با چشم خود می بینم که آن‌ها بسیار خوشحال شده‌اند، آن‌ها صدایی را می شنوند که از دور نیز مانند نزدیک شنیده می شود.»

امروزه با وجود رادیو و تلویزیون، این تعبیر برای ما قابل درک است که صدا از هر فاصله‌ای به یک صورت شنیده شود و امامان ما چهارده قرن پیش در این باره سخن گفته‌اند! گویا چنین روزی را با چشم خود دیده‌اند و تنها ایشان هستند که این چنین عظمتی دارند.

«أَسْكُنُوا مَا سَكَنَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ فَإِنَّ أَمْرَكُمْ لَيْسَ بِهِ حَقَاءُ إِلَّا إِنَّهَا آيَةٌ مِّنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَتْ مِنَ النَّاسِ إِلَّا إِنَّهَا أَضْوَاءٌ مِّنَ الشَّمْسِ لَا يَخْفَى عَلَى بَرٍّ وَلَا فَاجِرٍ أَتَعْرِفُونَ الصُّبْحَ فَإِنَّهُ كَالصُّبْحِ لَيْسَ بِهِ حَقَاءُ؛^۱ تا آسمان و زمین آرام است شما نیز آرام بنشینید، کار شما پوشیده نمی ماند، آگاه باشید که صبحه آسمانی نشانه‌ای از سوی خداوند است، بر مردم پوشیده نمی ماند، آگاه باشید که آن نشانه روشن تر از آفتاب است، بر خوبان و بدان پوشیده نخواهد ماند، آیا صبح را می شناسید؟ آیا کسی درباره صبح دچار تردید می شود؟!»

حرکت آسمان با ندای آسمانی آغاز می شود و حرکت زمین با سپاه سفیانی شروع می شود.

«لَا بُدَّ مِّنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَوْتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَهُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ وَصَوْتٍ مِّنَ الْأَرْضِ فَهُوَ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ؛^۲ به ناچار این دو صبحه قبل از قیام قائم علیه السلام شنیده خواهد شد، یکی از آسمان که صدای جبرئیل امین است، و دیگری از زمین که صدای شیطان لعین است.»

ندای جبرئیل، امیدبخش است و صدای شیطان، ناامیدکننده است.

منصور دوانیقی، خلیفه عباسی می گوید:

«منادی آسمانی از روی ناچاری، نام مردی از فرزندان ابوطالب را ندا می دهد.» سیف بن عمیره از روی چاپلوسی و انکار گفت: شما هم به این موضوع عقیده دارید؟ منصور گفت: سوگند به خداوندی که جانم در دست اوست، آری، من نیز به آن معتقدم. زیرا با دو گوش خود شنیده‌ام. سیف گفت: من هرگز چنین حدیثی نشنیده بودم. منصور گفت: به خدا سوگند، آن حق است، وقتی اتفاق بیفتد، ما اولین کسی هستیم که به آن پاسخ

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۰۸؛ غیبت نعمانی: ۹۴؛ منتخب الاثر: ۴۲۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۸۹؛ بشارة الاسلام: ۱۶۰؛ اعلام الوری: ۴۰۸.
 ۲. غیبت نعمانی: ۱۰۶؛ بشارة الاسلام: ۸۸؛ عیون اخبار الرضا: ۱: ۲۴۲؛ معانی الاخبار: ۲۶۷. ۳. بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۱.

فرستاده حضرت
 قائم
 علیه السلام
 در
 غیبت
 حضرت
 قائم
 علیه السلام
 در
 غیبت
 حضرت
 قائم
 علیه السلام

مثبت خواهیم داد. مگر نه این است که آن ندا به نام مردی از عموزادگان ماست؟! سیف گفت: آیا ندای آسمانی به نام یکی از فرزندان فاطمه زهرا خواهد بود؟ منصور گفت: آری، اگر جز این بود که من آن را از حضرت ابو جعفر علیه السلام شنیده‌ام، هرگز باور نمی‌کردم، حتی اگر همه مردم روی زمین نقل می‌کردند؛ ولی چه کنم که او محمد بن علی علیه السلام است.^۱

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اِخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَخْتُومِ وَ النَّدَاءُ مِنَ الْمَخْتُومِ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمَخْتُومِ؛^۲ اختلاف بنی عباس از نشانه‌های حتمی است. ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی است. قیام قائم از امور حتمی است.»

ممکن است در این حدیث، منظور از بنی عباس، حاکمان بغداد باشند.

«إِنَّ الْقَائِمَ لَا يَقُومُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ، تَسْمَعُ الْفَتَاةُ فِي خِدْرِهَا، وَ يَسْمَعُ أَهْلَ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلَ الْمَغْرِبِ. وَ فِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمِ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَمْتُمْ أَعْنَاقَهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^۳، لَوْ كَانَتْ الصَّيْحَةُ خَاضَعَتْ لَهَا أَعْنَاقُ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ قائم قیام نمی‌کند مگر وقتی منادی آسمانی ندا بدهد و آن ندا را همه اهل مشرق و مغرب می‌شنوند، دختر پرده‌نشین در سرا پرده خود آن را می‌شنود. در این باره آیه‌ای نازل شده است: ﴿اگر بخواهیم برای آن‌ها از آسمان نشانه‌ای می‌فرستیم که گردن‌هایشان در برابر آن خم می‌شود﴾ اگر آن ندای آسمانی شنیده شود، گردن دشمنان خدا در برابر آن تواضع خواهد کرد.^۴

«إِتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْكُنُوا مَا سَكَنْتَ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ؛^۵ از خدا بترسید و تا وقتی که آسمان و زمین آرام است، شما نیز آرام باشید.»

مانند این حدیث از امام رضا علیه السلام هم روایت شده که ایشان آرامش آسمان را به خاطر فرا نرسیدن زمان بانگ آسمانی، و آرامش زمین را به فرا نرسیدن نابودی لشکر سفیانی تفسیر فرموده است.

«إِنَّهَا تَكُونُ صَيْحَةً تَتَّبِعُهَا هَدَّةٌ؛^۶ صیحه‌ای شنیده می‌شود و سپس حادثه‌ای بسیار

۱. الامام المهدي: ۳۵۱؛ ارشاد مفید: ۳۸۵.

۲. منتخب الاثر: ۴۵۸؛ غیبت نعمانی: ۱۳۶؛ بشارة الاسلام: ۱۲۷ و ۱۴۰؛ المهدي: ۲۲۳. ۳. سورة مباركة شعراء، آیه ۴.

۴. غیبت شیخ طوسی: ۱۱۱؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۸۵؛ منتخب الاثر: ۴۵۰؛ غیبت نعمانی: ۱۳۴؛ بشارة الاسلام: ۹۴.

۵. معانی الاخبار: ۲۶۶؛ بشارة الاسلام: ۸۹؛ بحار الانسوار: ۵۲؛ ۱۸۹، ۲۸۹ و ۳۰۵.

۶. الملاحم و الفتن: ۱۱۷؛ الامام المهدي: ۴۸؛ بشارة الاسلام: ۱۲۰.

مهدی قائم علیه السلام
تقریباً خلاص

بزرگ اتفاق می افتد.»

«أَنَّهُ تَكُونُ ثَلَاثَةٌ أَضْوَاتٍ فِي رَجَبِ الْأَوَّلِ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ الثَّانِي أَرْفَتِ الْأَرْفَةَ الثَّلَاثُ يَرَوْنَ بَدَنًا بَارِزًا مَعَ قَرْنِ الشَّمْسِ يُنَادِي أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَانًا بَيْنَ فُلَانٍ حَتَّى يَنْسُبَهُ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ هَلَاكُ الظَّالِمِينَ فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوا فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْتِي الْفَرْجُ وَ يَذْهَبُ غَيْظُ قُلُوبِهِمْ؛^۱ سه بانگ آسمانی در ماه رجب شنیده می شود: ۱- آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمگران بادا ۲- ای گروه مؤمنان! قیامت نزدیک است! ۳- جسم انسانی به خوبی در قرص خورشید دیده می شود که با صدای بلند ندا می دهد: ای مردم! خداوند فلانی، پسر فلانی، ... (سلسله نسب حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را تا حضرت علی علیه السلام بیان می کند) را فرستاد، ظالمان را نابود می کند، از او اطاعت کنید و به دستوراتش گوش دهید. سپس فرج فرا می رسد و خشم از دلها بیرون می رود.»

منکران از دیدن این نشانه‌ها، متعجب می شوند. در این هنگام آیه شریفه: ﴿اگر بخواهیم برای آنها نشانه ای از آسمان فرو می فرستیم﴾ تحقق می یابد. جسمی که در قرص خورشید به روشنی دیده می شود یک معجزه الهی است که قدرت بی پایان خداوند را نشان می دهد.

«الْعَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّيْحَةُ قَبْلَهُ الْآيَةُ فِي رَجَبِ قُلْتُ وَمَا هِيَ قَالَ وَجْهٌ يَطْلُعُ فِي الْقَمَرِ وَ يَدُ بَارِزَةٌ وَ نِدَاءٌ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى يَسْمَعَهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّ أَهْلِ لُغَةٍ بِلُغَتِهِمْ؛^۲ در سالی که ندای آسمانی در آن شنیده می شود، قبل از آن، نشانه‌ای در ماه رجب دیده می شود. گفتند: آن نشانه چیست؟ فرمود: چهره‌ای در قرص ماه دیده می شود، دست و کف دست روشنی در فضا ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند، ندایی از آسمان بلند می شود و همه مردم روی زمین آن را می شنوند، هر کس به زبان خودش آن را می شنود.»

«يَكُونُ فِرْقَةٌ وَ اخْتِلَافٌ حَتَّى يَطْلُعَ كَفٌّ مِنَ السَّمَاءِ، وَ يُنَادِي مُنَادٍ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ؛^۳ اختلاف شدیدی ایجاد می شود و ادامه می یابد تا وقتی که کف دستی در آسمان دیده شود و منادی آسمانی ندا می دهد که رهبر شما فلانی است.»

«وَ وَجْهٌ وَ صَدْرٌ يَظْهَرَانِ مِنَ السَّمَاءِ لِلنَّاسِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ؛^۴ صورت و سینه‌ای در قرص خورشید برای همه ظاهر می شود.»

«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِأَلْسِنَتِهِمْ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ وَ

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۶۸؛ غیبت نعمانی: ۹۴؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۸۹ و ۵۳؛ الزام الناصب: ۱۷۰؛ منتخب الاثر: ۴۲۲؛ الامام المهدي: ۲۱۶؛ بشارة الاسلام: ۱۶۰.
 ۲. بشارة الاسلام: ۱۲۰؛ المحجة البيضاء: ۴، ۳۴۳؛ غیبت نعمانی: ۱۳۳؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۳۳؛ منتخب الاثر: ۴۵۰؛ ارشاد مفید: ۳۳۷.
 ۳. الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۵۱. ۴. الزام الناصب: ۱۸۵.

شیعته؛^۱ متادی آسمانی اول صبح از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید حق با علی علیه السلام و شیعیان اوست. این ندا را هر قومی به زبان خود می شنود.»

امروزه انسان توانسته به کره ماه برود و تصویر آن‌ها در فضا دیده شده. پس دیدن سر و صورتی روی قرص ماه، تعجب آور نیست! در بعضی کنفرانس‌ها می بینیم که افراد با زبان‌های مختلف، از گوشی‌های صندلی خود صدای سخنران را می شنوند! پس شنیدن ندای آسمانی با زبان‌های هر قوم، شگفت آور نیست و نشانه قدرت بی‌کران خداوندی است. معجزات خداوند با عوامل طبیعی قابل مقایسه نیست.

«إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتِ أَصْبَحُوا وَكَانَمَا عَلَى رُءُوسِهِمُ الطَّيْرُ فَإِنْ أَشْكَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَإِنَّ الصَّوْتِ مِنَ السَّمَاءِ لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِمْ إِذَا نُودِيَ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَجَدُّهُ؛^۲ وقتی ندای آسمانی را بشنوند، مانند کسی که بر سرش مرغ نشسته باشد، خشکشان می زند، گردن همه دشمنان خدا در برابر صیحه آسمانی متواضع می شود. اگر درباره چیزی هم شک کنند، درباره صیحه آسمانی هیچ شک نمی کنند که با نام، نام پدر و نام اجداد طاهرین او ندا خواهد داد.»

«فَإِذَا صَلَّيْتُمْ الْفَجْرَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْمَذْكُورِ، فَادْخُلُوا بُيُوتَكُمْ، وَأَغْلِقُوا أَبْوَابَكُمْ، وَسُدُّوا الْكُؤَى، وَدَثُّوا أَنْفُسَكُمْ، وَسُدُّوا آذَانَكُمْ. فَإِذَا أَحْسَسْتُمْ بِالصَّيْحَةِ فَخِرُّوا سُجَّدًا وَقُولُوا: سُبْحَانَ رَبِّنَا الْقُدُّوسِ، فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَجَا. وَمَنْ بَرَزَ لَهَا هَلَكَ؛^۳ وقتی نماز صبح را در آن جمعه خواندید، وارد خانه‌های خود شوید و درها و پنجره‌ها را ببندید، خود را بپوشانید و گوش‌های خود را بگیرید، وقتی صیحه آسمانی را شنیدید به سجده افتاده و بگویید: «پروردگار مقدس ما پاک و منزّه است». هر کس این کار را بکند، نجات می یابد و هر کس در مقابل او بایستد، نابود می شود.»

طبق این روایت، صیحه آسمانی در روز جمعه بیست و سوم ماه مبارک رمضان شنیده می شود. طبق دستوری که داده، آماده باشید تا از لرزش زمین و زمان حفظ شوید و به خاطر این نعمت بزرگ از خدا تشکر کنید. کسی که این روز را درک کند به سعادت می رسد.

«فَلَا يَتَّقِي شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ، وَلَا يَتَّقِي رَاقِدًا إِلَّا اسْتَيْقَظَ، وَلَا قَائِمًا إِلَّا قَعَدَ، وَلَا قَاعِدًا إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، وَهُوَ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ

مهدی قائم

مقام الحاضر في ظل

۱. الامام المهدي: ۲۲۸؛ الزام الناصب: ۱۹۰.

۲. الزام الناصب: ۱۷۶ و ۲۲۶؛ غیبت نعمانی: ۱۳۶ و ۱۵۰؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۲۳؛ بشارة الاسلام: ۱۰۳؛ ینابیع الموده: ۳؛ ۸۱؛ الامام المهدي

۳. الملاحم و الفتن: ۲۲۶. ۳.

الأمین! فَرَحِمَ اللهُ مَنْ سَمِعَ ذَلِكَ الصَّوْتَ فَأَجَابَ! هیچ موجود زنده‌ای نمی‌ماند مگر این که آن ندای آسمانی را می‌شنود، هیچ انسان خوابی نمی‌ماند مگر این که بیدار می‌شود، هیچ ایستاده‌ای نمی‌ماند مگر این که بنشیند و هیچ نشانه‌ای نمی‌ماند مگر این که می‌ایستد، که از شنیدن آن ندای آسمانی این چنین وحشت زده می‌شوند، و آن صدای جبرئیل امین است، خداوند کسی را که این صدا را بشنود و لبیک بگوید، رحمت کند.»

«إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَأَضَاءَتْ صَاحَ صَاحٌ بِالْخَلَائِقِ مِنْ عَيْنِ الشَّمْسِ بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ يُسْمَعُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ هَذَا مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يُسَمِّيهِ بِاسْمِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَكْنِيهِ وَ يَنْسُبُهُ إِلَى أَبِيهِ الْحَسَنِ الْحَادِي عَشَرَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ بِأَيْعُوهُ تَهْتَدُوا وَ لَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ فَتَضِلُّوا فَأَوَّلُ مَنْ يَقْبَلُ يَدَهُ الْمَلَائِكَةُ ثُمَّ الْجِنُّ ثُمَّ النَّقَبَاءُ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ لَا يَبْقَى ذُو أذُنٍ مِنَ الْخَلَائِقِ إِلَّا سَمِعَ ذَلِكَ النَّدَاءَ وَ تَقْبَلُ الْخَلَائِقُ مِنَ الْبَدْوِ وَ الْحَضَرِ وَ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ يُحَدِّثُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ يَسْتَنْهَمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا مَا سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ! ۱ وقتی خورشید بدرخشد و نورافشانی کند، منادی از قرص خورشید به زبان عربی فصیح صدا می‌زند و صدای او را همه اهل زمین و آسمان می‌شنوند که: ای آفریده‌ها! این مهدی آل محمد ﷺ است. او را با نام خود که هم نام جد بزرگوارش رسول اکرم ﷺ است، نام می‌برد و کنیه و نسبش را بیان می‌کند. هیچ موجود زنده‌ای در جهان نمی‌ماند مگر این که آن صدا را می‌شنود و همه مردم در شهر و روستا، خشکی و دریا برای هم بازگو می‌کنند و آنچه را که با گوش خود شنیده‌اند، از یکدیگر می‌پرسند که آن‌ها چگونه شنیده‌اند و چه فهمیده‌اند.»

«عَلَامَتُهَا أَنْ تَكُونَ فِي سَنَةِ كَثِيرَةِ الزَّلَازِلِ وَ الْبُرْدِ! ۲ نشانه صیحه آسمانی آن است که در سالی که سرما و زلزله زیاد می‌شود، اتفاق می‌افتد.»

زراره از امام صادق عليه السلام سؤال کرد: آیا آن ندای آسمانی عمومی است یا خصوصی؟

حضرت پاسخ داد: عمومی است، هر قومی آن را به زبان خود می‌شنود.

زراره با تعجب پرسید: وقتی جبرئیل، قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را با نام و نشان با چنین وضعی ندا می‌دهد، دیگر چه کسی با او مخالفت می‌کند؟ امام صادق عليه السلام در پاسخ فرمود:

«لَا يَدْعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ النَّهَارِ يُشَكِّكُ النَّاسَ! ۳ شیطان آن‌ها را ترک

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۳۰ و ۲۹۰، منتخب الاثر: ۴۲۸، غیبت شیخ طوسی: ۲۷۴، المهدي: ۱۸۶، الامام المهدي: ۲۲۲، بنایح الموده ۳: ۶۶،
بشارة الاسلام: ۱۳۸ و ۱۷۹، الزام الناصب: ۲۱۶، بحار الانوار ۵۳: ۸، بشارة الاسلام: ۲۶۹،
۳. الملاحم والفتن: ۱۱۷، كشف الغممة ۳: ۲۷۳، ۴. بحار الانوار ۵۲: ۲۰۵، منتخب الاثر: ۴۲۹، بشارة الاسلام: ۹۲ و ۱۲۶.



صدای جبرئیل از آسمان است و صدای شیطان از زمین؛ شما از صدای جبرئیل اطاعت کنید، مبادا به صدای شیطان گوش دهید و فریب بخورید! ندای آسمانی حق است، سوگند به خدا، هر کس به زبان خود آن را می شنود، هیچ موجود زنده‌ای باقی نمی ماند مگر این که آن را می شنود.»^۱

احادیث امامان، شک را برطرف می کند و حجت را تمام می کند. در آن روز شیطان همه سعی خود را به کار می برد تا تیرهای پایانی خود را به دل انسان‌های ضعیف بزند. سپس امام صادق علیه السلام درباره شادی مؤمنانی که مدت‌ها انتظار کشیده‌اند، می فرماید: «وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ الْفَرَحَةُ فِي قَبْرِهِ»^۲ افراد باایمان که مُرده‌اند، در قبر شاد و خوشحال می شوند، و او را شادمان می کنند.

روایات امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ»^۳ منادی از آسمان ندا می دهد و همه مردم روی زمین آن را می شنوند که آن‌ها را به سوی قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دعوت می کند و می گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده، از او اطاعت کنید که حق با اوست و مخصوص اوست.

«كَمْ مِنْ حَزَى مُؤْمِنَةٍ وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَيْرَانٌ حَزِينٌ عِنْدَ فَقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ كَأَنِّي بِهِمْ آيِسٌ مَا كَانُوا نُودُوا نِدَاءً يَسْمَعُ مَنْ بَعْدَ كَمَا يَسْمَعُ مَنْ قَرَّبَ يَكُونُ رَحْمَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَعَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ»^۴ چقدر مرد مؤمن و زن مؤمنه، که در دوران غیبت او حیران و نگران و سرگردان می شوند! وقتی بی نهایت ناامید می شوند، ندای آسمانی سر داده می شود که از دور نیز مانند نزدیک شنیده می شود، این بانگ برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذابی سخت خواهد بود.

چقدر هجران را تحمل کنیم و ناامید باشیم؟! آرزو داریم که صدای جبرئیل را در آن روز بشنویم که ظهور آن حجت حق را نوید می دهد. امامان علیهم السلام درباره آن روز بسیار زیبا

۱. غیبت نعمانی: ۱۴۶؛ الزام الناصب: ۱۷۵؛ منتخب الاثر: ۴۲۹؛ الملاحم والفتن: ۱۶۴؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۲۴؛ الامام المهدي: ۲۳۴.
 ۲. غیبت نعمانی: ۱۶۷؛ الزام الناصب: ۲۲۷.
 ۳. منتخب الاثر: ۲۲۰؛ اعلام الوری: ۴۰۸؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۳۲۲؛ الزام الناصب: ۵۳؛ بشارة الاسلام: ۱۶۱؛ الامام المهدي: ۴۹؛ بتایع السوده: ۳؛ ۱۰۹ و ۱۶۴؛ المهدي: ۲۱۰ و ۲۲۵.
 ۴. بشارة الاسلام: ۱۶۰؛ منتخب الاثر: ۴۲۲؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۸؛ غیبت نعمانی: ۹۴؛ الزام الناصب: ۶۸؛ بحار الانوار: ۵۱؛ ۱۵۲ و ۵۲؛ ۲۸۹؛ اعلام الوری: ۴۰۸؛ الامام المهدي: ۲۱۶.

در سوره حضرت



و

و

سخن گفته‌اند و شک را از بین برده‌اند.

انجیل متی

«زیرا این را به شما از کلام خدا می‌گوییم که ماکه زنده و تا آمدن خداوند باقی هستیم، بر مُردگان سبقت نمی‌گیریم. زیرا خداوند با صدا و با آواز بزرگ فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح، اول خواهند برخاست. آنگاه ماکه زنده و باقی هستیم، با ایشان در ابرها رفته خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود.»^۱

این مطالب انجیل با روایات ما منطبق است؛ ندای جبرئیل به آواز بزرگ فرشتگان تعبیر شده و پرواز در آسمان و نزول مسیح علیه السلام نیز در روایات ما آمده است، زنده شدن برخی از مردگان نیز در انجیل آمده است.

«آنگاه نشانه پسر آدم در آسمان دیده می‌شود و آن وقت همه مردم زمین سینه‌زنی می‌کنند و پسر آدم را می‌بینند که بر ابرهای آسمان با شکوه و عظمت بزرگی می‌آید. و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای چهارگانه از همه جهان جمع می‌کنند.»^۲

در این گفتار انجیل نیز، درباره یاران حضرت مهدی علیه السلام مانند احادیث ما سخن گفته شده است و نیز به ندای آسمانی اشاره کرده است.

«فرشته دیگری دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل (نوید) جاودانی را دارد، تا به ساکنان زمین، از هر قبیله و زبان و قومی که هستند، مژده بدهد. و با صدای بلند بگوید: از خدا بترسید و او را ستایش کنید، زیرا که زمان داوری او رسیده است، پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌ها را آفرید، پرستش کنید.»^۳

امام صادق علیه السلام نیز به این‌ها اشاره کرده است. در این گفتار نیز بیان می‌کند که هر قومی با هر زبانی، ندای آسمانی را می‌شنود.

در پناه حضرت
مهدی قائم علیه السلام

مختار الخالصی ظل نور

۱. رساله اول پولس رسول به تسالونیکیان، باب چهارم بندهای ۱۷-۱۵. ۲. انجیل متی، باب ۲۴ بندهای ۳۰ و ۳۱. ۳. مکاشفه یوحنا رسول، باب ۱۴ بندهای ۶ و ۷.

جنگ‌ها، ویرانی‌ها، نابودی‌ها

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«يُنزِلُ عَلَيَّ أُمَّتِي بِلَاءٍ لَمْ يُسْمَعْ بِبِلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ بِهِمُ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ! اِبْر
امت من بلایی نازل می‌شود که سخت‌تر از آن بلا شنیده نشده است، زمین با این همه
وسعت برای آن‌ها تنگ می‌شود!»

در حدیث دیگری فرموده است:

«وقتی قتل و غارت میانِ اُمَّتِ من اتفاق بیفتد، تا روزِ قیامت باقی می‌ماند.»

جنگ‌های زیادی بین امت اسلامی صورت گرفته و کشتار مردم فلسطین توسط
اسرائیل طبق روایات تا ظهور حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ادامه می‌یابد.
در صدر اسلام وقتی یهود مقابل پیامبر ﷺ ایستاد، خداوند آن‌ها را در اطراف جهان
پراکنده کرد، چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ»^۲ او خداوندی
است که کافران اهل کتاب را در اولین برخورد، از خانه‌هایشان بیرون کرد.»

خداوند به وسیله پیامبر ﷺ آن‌ها را پراکنده کرد ولی در کتاب‌های آسمانی قبلی به
آن‌ها وعده داد که آن‌ها را قبل از قیامت، در سرزمین موعود جمع می‌کند. با هجرت
یهودیان از سراسر جهان به سوی سرزمین اشغالی این وعده تحقق می‌یابد. صهیونیست‌ها
مسلمانان را فریب دادند و روز به روز اختلاف بین دولت اسلام بیشتر شد. آغاز این
اختلافات، جنگ مصر و یمن بود که یمن به دو قسمت تقسیم شد. جنگ ایران و عراق،
فتنه‌ای دیگر است.

پیامبر ﷺ از این اختلاف‌ها خبر داده و می‌فرماید:

«سَأَلْتُ اللَّهَ لِأُمَّتِي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَرَدَّ عَلَيَّ وَاحِدَةً. سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يُسَلِّطَ عَلَيْهِمْ
عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ فَأَعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يُهْلِكُمْ غَرَقًا فَأَعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ
بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَرَدَّهَا عَلَيَّ ظَاهِرًا؛^۳ از خداوند برای امت سه حاجت خواستم که دو
حاجتم را پذیرفت و سومی را رد کرد. از او خواستم که دشمن بیگانه‌ای را بر امت من

۱. المهدی: ۲۲۱. ۲. سوره مبارکه حشر، آیه ۲. ۳. صحیح مسلم ۸: ۱۷۲.

در بیان حضرت
ص
پیامبر ﷺ

مسلط نکنند، این حاجتم را پذیرفت. از او خواستم که آن‌ها را در آب غرق نکند، این حاجت را نیز مستجاب فرمود. از او خواستم که بین آن‌ها ترس و عذاب قرار ندهد، این حاجت مرا برآورده نکرد.»

امروزه این سختی‌ها وجود دارد و با ظهور آن منجی، آرامش و آسایش برقرار می‌شود.

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَخْضِبُونَ بِالسَّوَادِ كَحَوَامِلِ الْحَمَامِ لَا يُرِيحُونَ رَأْسَهُنَّ الْجَنَّةَ؛^۱ در آخرالزمان عده‌ای خاک این سرزمین را از خون رنگین می‌کنند و شکم مادران را مانند شکم مرغ می‌شکافند، این قوم هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهند کرد.»

«بَلَاءٌ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ. ثُمَّ لَا يَزِدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا شِدَّةً، وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِدْبَارًا، وَلَا النَّاسَ إِلَّا شُحًّا... وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شِرَارِ الْخَلْقِ؛^۲ بلایی به این امت می‌رسد که مردان آن پناهگاهی پیدا نمی‌کنند که از ستم ستمگران به آنجا پناه ببرند، از آن پس هر روز اوضاع سخت‌تر می‌شود، دنیا بیشتر پشت می‌کند، مردم بخیل‌تر می‌شوند... و قیامت در زمان بدترین مردم برپا می‌شود.»

امروزه در بیشتر کشورهای اسلامی از جمله لبنان، پناهتگاهی در مقابل ظالمان وجود ندارد، مردم آن جا هر روز آواره هستند، سخنانشان پذیرفته نمی‌شود.

«تَكُونُ فِتْنَةٌ بَعْدَهَا فِتْنَةٌ: الْأُولَى فِي الْآخِرَةِ كَثْرَةُ السَّوْطِ يَنْبَغُهَا ذِيَابُ السَّيْفِ... ثُمَّ يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ فِتْنَةٌ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الْمَحَارِمُ كُلُّهَا. ثُمَّ تَأْتِي الْخِلَافَةُ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَهُوَ قَاعِدٌ فِي يَمِينِهِ؛^۳ فتنه‌ای برپا می‌شود و به دنبال آن فتنه‌ای دیگر می‌آید. فتنه اول در مقایسه با فتنه دوم مانند ضربات تازیانه در مقایسه با ضربات لبه تیز شمشیر است! سپس فتنه‌ای به وجود می‌آید که حرام را حلال می‌کند! آنگاه حکومت به دست بهترین مردم روی زمین می‌افتد در حالی که او در خانه‌اش نشسته باشد.»

در این روایت اشاره دارد به این که حضرت مهدی علیه السلام در خانه خدا سکونت دارد که فرمان خدا می‌رسد و او به حکومت می‌رسد.

فتنه دوم، خروج سفیانی است.

«وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ إِخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي الْأَرْضِ وَفِتْنٌ. وَ يُصْبِحُ الزَّمَانُ مُكَلِّحًا مُفْصِحًا، يَشْتَدُّ فِيهِ الْبِلَادُ وَيَنْقَطِعُ فِيهِ الرَّجَاءُ؛ آن روز اختلافات و فتنه‌ها زیاد می‌شود، سختی، قحطی و خشکسالی در همه جا شیوع پیدا می‌کند، شهرها به سختی می‌افتند و همه ناامید

دودانده‌ها
 در سیاه حضرت
 مهدی قائم
 و در سیاه حضرت
 قائم
 و در سیاه حضرت
 قائم

۱. همان. ۲. بنایع الموده ۳: ۹۰، المهدی: ۱۸۹، اسفاه الراغیین: ۱۳۴، الزام الناصب: ۲۵۴. ۳. الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۶.

می شوند.»

سپس کشورهای عربی به استقلال می‌رسند:

«ثُمَّ تَخْلَعُ الْعَرَبُ أَعْتَتَهَا، وَتَتَمَلَّكُ الْبِلَادَ، وَتَخْرُجُ عَنِ سُلْطَانِ الْعَجَمِ؛ سِيسَ عَرَبٍ، حُكُومَتِ مِی كِنْدِ وَكِشُورِهَا رَا زِیْرِ سُلْطَنَةِ خُودِ دَر مِی آوَرْدِ وَ اَز كِسْرُوهِ بَیگَانَه خَارِجِ مِی شُود.»

اکنون ملت عرب با دست یافتن به استقلال خود، از بیگانگان جدا شده و در سرزمین خود حکومت می‌کند.

«سَتَكُونُ فِتْنَةٌ لَا يَهْدَأُ مِنْهَا جَانِبٌ إِلَّا جَاشَ فِيهَا جَانِبٌ، حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ؛^۱ ناچار فتنه‌ای ایجاد می‌شود که هرگاه در نقطه‌ای آرامش پیدا کنند، در نقطه دیگر ناآرامی شروع می‌شود و این چنین ادامه می‌یابد، تا وقتی که منادی آسمان صدا بزند: حاکم شما فلانی است.» (یعنی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف -)

«تَكُونُ فِتْنَةٌ ثُمَّ تَكُونُ جَمَاعَةٌ، ثُمَّ تَكُونُ فِتْنَةٌ ثُمَّ تَكُونُ جَمَاعَةٌ. ثُمَّ فِتْنَةٌ تَعُوجُ فِيهَا عُقُولُ الرِّجَالِ حَتَّى لَا يَكَادُ يَرَى رَجُلٌ عَاقِلًا؛^۲ فتنه‌ای برپا می‌شود و اجتماعی جمع می‌شوند و سپس فتنه‌ای دیگر ایجاد می‌شود و به دنبالش اجتماعی فراهم می‌گردد و سپس فتنه‌ای برپا می‌گردد که تعادل روانی مردان را به هم می‌زند و دیگر هیچ عاقلی باقی نمی‌ماند!»

در زمان ما بیماران روانی در بیمارستان‌ها زیاد شده‌اند و تعداد انسان‌های سالم روز به روز کمتر می‌شود!

«بَيْنَ ذَلِكَ تَبِيعُ أَعْوَجُ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ؛^۳ در آن زمان، بیشتر مردم از راه حق منحرف هستند، آن‌ها از من نیستند و من هم از آن‌ها نیستم.»

باید از هر نادرستی و انحراف به خدا پناه ببریم.

«وَيَحَ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ مُلُوكٍ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَ يُسْخِفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ. فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ يُصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَ يَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ. فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزًا قَصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. وَ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ، لِيُصْلِحَ الْأُمَّةَ بَسْفَدَ قَسَادِهَا؛^۴ وای بر این امت از دست حاکمان ظالم که بندگان خدا را می‌کشند و

۱. المهدی: ۱۹۶؛ بشارة الاسلام: ۱۷۵؛ الامام المهدی: ۲۳۳؛ الزام الناصب: ۱۸۵.
 ۲. منتخب الاثر: ۴۵۱؛ الملاحم والفتن: ۳۸؛ بشارة الاسلام: ۱۷۷؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۲۸ و ۱۵۰.
 ۳. غایة المرام: ۶۷۹؛ الملاحم والفتن: ۸۵؛ الامام المهدی: ۲۹۷؛ ینایع الموده: ۴۸۹.
 ۴. منتخب الاثر: ۱۵۶؛ غیث شیخ طوسی: ۱۱۴؛ ینایع الموده: ۳: ۱۶۴؛ غایة المرام: ۶۶۸.
 ۵. بحار الانوار: ۵۱: ۸۳؛ کشف القمه: ۳: ۲۶۳؛ بشارة الاسلام: ۲۸ و ۲۸۶؛ منتخب الاثر: ۱۴۹؛ ینایع الموده: ۳: ۱۰۹؛ المهدی: ۲۳۰؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۳؛ الامام المهدی: ۶۹؛ غایة المرام: ۷۰۰.

در پناه حضرت

ج

و

می ترسانند، کسانی را به ظاهر از آنها اطاعت می کنند، نمی کشند! انسان با ایمان با زبانش با آنها سازش می کند و با دلش از آنها فرار می کند. خداوند هر وقت بخواهد عظمت و احتشام اسلام را برمی گرداند و همه ستمگران سرکش را نابود می کند که او بر همه کار تواناست. او این امت را پس از هلاکت، اصلاح می کند.»

منظور از این نابودی، سختی هایی است که به خاطر حکومت ظالمان به وجود آمده

است.

«لَتَأْتِيَنَّكُمْ بَعْدِي أَرْبَعُ فِتْنٍ: الْأُولَى تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ، وَ الثَّانِيَةُ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ وَ الْأَمْوَالُ، وَ الثَّالِثَةُ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ وَ الْأَمْوَالُ وَ الْفُرُوجُ، وَ الرَّابِعَةُ صَمَاءُ عَمِيَاءٍ مُطَبَّقَةٌ تَمُورُ مَوْرَ السَّفِينَةِ فِي الْبَحْرِ، حَتَّى لَا يَجِدَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَلْجَأً، تَطِيرُ بِالشَّامِ، وَ تَعْسَى الْعِرَاقَ، وَ تَخِيطُ الْجَزِيرَةَ يَدَاهَا وَ رِجْلَاهَا، يَغْرُكُ الْأَنَامَ الْبَلَاءُ فِيهَا عَزَكَ الْأَدِيمُ، لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَقُولَ فِيهَا: مَهْ، مَهْ! لَا تَعْرِفُونَهَا مِنْ نَاحِيَةٍ إِلَّا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَاحِيَةٍ أُخْرَى؛ بعد از من چهار فتنه برای شما به وجود می آید که در اولین فتنه، خون ها مباح می شود؛ در دومین فتنه، خون ها و ثروت ها مباح می گردد؛ در سومین فتنه، خون ها و ثروت ها و ناموس ها مباح می شود؛ و در چهارمین فتنه آشوبی ایجاد می شود که کور و کر جهان را نگران می کند همان طور که کشتی بزرگ باعث می شود آب های مجاور دگرگون شود، این فتنه شام را در بر می گیرد و عراق را می پوشاند و در جزیره العرب دست و پا می زند، مردم سختی اتفاقات روزگار و فشار آشوب را حس می کنند، همان طور که پوستی که دپاچی می شود، فشار وارده را لمس می کند. کسی نمی تواند یک کلمه سخن بگوید. این فتنه هیچ جا آرام نمی شود مگر این که در نقطه ای دیگر بیداد کند.»

در جهان امروز، فتنه های اول تا سوم را گذرانده ایم و فتنه چهارم هم اتفاق می افتد،

جنگی که همه عراق را پوشانیده، به سوی شامات و جزیره العرب می رود.

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي أَرْبَعُ فِتْنٍ: فَأَلْأُولَى يُصِيبُهُمْ فِيهَا بَلَاءٌ حَتَّى يَقُولَ الْمُؤْمِنُ: هَذِهِ مُهْلِكَتِي. وَ الثَّانِيَةُ حَتَّى يَقُولَ الْمُؤْمِنُ: هَذِهِ مُهْلِكَتِي. وَ الثَّالِثَةُ كُلَّمَا قِيلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتِ الْفِتْنَةُ. وَ الرَّابِعَةُ تُصِيبُهُمْ إِذَا كَانَتِ الْأُمَّةُ مَعَ هَذَا مَرَّةً وَ مَعَ هَذَا مَرَّةً بِإِمَامٍ وَ لَا جَامِعٍ؛ میان امت من چهار فتنه اتفاق می افتد: در فتنه اول، آنقدر بلاهای سختی پیش می آید که انسان با ایمان می گوید: این فتنه مرا نابود می کند؛ در فتنه دوم، انسان با ایمان می گوید: این فتنه حتماً مرا نابود می کند؛ در فتنه سوم، زمانی که فکر می کنند فتنه تمام شده، دوباره ادامه می یابد؛ و فتنه چهارم زمانی اتفاق می افتد که امت من یک روز با این و یک روز با آن

همراه می شوند و رهبر و نظر مشترکی نداشته باشند.»

شاید در جهان امروز، اسرائیل فتنه سوم باشد که هرگز تمام نمی شود و فتنه چهارم این است که امت اسلامی رهبر مشترکی ندارند و هر کشوری با رهبر خود سازش می کند.

در برخی از روایات مدت فتنه چهارم، ۱۸ سال تعیین شده است.^۱

«لَا يَقْتُلُكُمُ الْكُفَّارُ، وَلَكِنْ يَقْتُلُ الْجَارُ جَارَهُ وَيَقْتُلُ الْأَخُ أَخَاهُ وَابْنُ عَمِّهِ! فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: وَهَلْ مَعَهُمْ عَقُولٌ؟!! قَالَ: تُنَزَّعُ عَقُولُ أَكْثَرِ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ، وَيَخْلَفُ لَهُمْ هَبَاءُ مِنَ النَّاسِ، يَحْسَبُ أَكْثَرُهُمْ أَنَّهُ عَلَى شَيْءٍ؛ بَلَكه همسایه، همسایه را می کشد، برادر، برادرش را و پسرعمو، پسرعمویش را می کشد! عده ای از یاران گفتند: مگر آن ها عقل ندارند؟! فرمود: بیشتر آن ها عقلشان از بین رفته است، افراد نادان و ذلیل بر آن ها حکومت می کنند که بیشتر آن ها، فکر می کنند که مقامی دارند.»

در این حدیث، تعبیر زیبایی به کار رفته: اسب سوارانی که به دنبال سراب گرد و غبار هستند و باد این گرد و غبار را به هر طرف که بخواهد می برد. رهبران جهان امروز هم به دنبال ایدئولوژی های مختلف می روند.

«...فَإِذَا قَتَلَ الْخَلِيفَةُ فِي الْعِرَاقِ الرَّجُلَ الْمَرْبُوعَ الْقَامَةَ، الْكَثَّ اللَّحِيَّةَ، الْبِرَّاقَ الثَّنَايَا، فَوَيْلٌ لِلْعِرَاقِ مِنْ أَتْبَاعِهِ الْمُتْرَاقِ؛^۲ وقتی خلیفه عراق مردی چهارشانه را باریش بلند و دندان های براق بکشد، وای به حال عراق به خاطر پیروان گمراه آن خلیفه.»

وقتی حاکم عراق این مرد بزرگ را بکشد، یاران حاکم، مردم عراق را اذیت و آزار می کنند.

«سَتَكُونُ فِتْنَةٌ تَسْتَنْطِفُ الْعَرَبَ، قَتَلَاهَا فِي النَّارِ. اللِّسَانُ فِيهَا أَشَدُّ مِنْ قَتْلِ السَّيْفِ؛^۳ فتنه ای بر پا می شود که عرب را نابود می کند، کشته هایشان به جهنم می روند. در آن فتنه زبان ها تیزتر از شمشیر می شوند. قاتل و مقتول هر دو در آتش هستند.»

فتنه در زمان ما، عرب را نابود کرده و به ذلت کشانده و ناامید شده اند.

«لَا يَخْرُجُ حَتَّى لَا يَبْقَى، قَبْلُ وَلَا إِنْ إِلَّا هَلَكًا؛^۴ قائم قیام نمی کند مگر وقتی که شاهان و شاهزادگان روی زمین نابود شوند.»

نمونه این روایت، نابودی رژیم شاهنشاهی توسط ملت ایران است. پیامبر ﷺ این حقایق را با قاطعیت بیان کرده اند.

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا مَرَجَ الدِّينُ وَظَهَرَتِ الرَّغْبَةُ، وَحُرِقَ الْبَيْتُ الْعَتِيقُ وَشَرَفَ السُّبْيَانُ وَ

۱. بشاره الاسلام: ۳۱. ۲. الملاحم و الفتن: ۱۸ و ۱۲۸. ۳. بشاره الاسلام: ۲۹ و ۱۸۴.

۴. بحار الأنوار: ۵۳؛ ۸۲ بشاره الاسلام: ۶۸. ۵. الحاوی للفتاوی: ۲؛ ۱۵۰؛ الملاحم و الفتن: ۴۷.

در سوره حضرت

اِخْتَلَفَ الْاِخْوَانُ؛^۱ حال شما چگونه است وقتی دین بازیچه می شود، هوس ها آشکار می گردد، خانه خدا می سوزد، ساختمان ها مرتفع می باشد و برادران اختلاف پیدا می کنند.»

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَخْرُجَ اثْنَا عَشَرَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ كُلُّهُمْ يَدْعُو لِنَفْسِهِ؛^۲ قائم قیام نمی کند تا وقتی که دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند که آن ها به سوی خود دعوت می کنند.»

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«يَطْلُعُ قَرْنُ الْجَوْرِ بَعْدِي، فَلَا يَطْلُعُ مِنْ قَرْنِ الْجَوْرِ شَيْءٌ إِلَّا مَاتَ مِنَ الْعَدْلِ مِثْلُهُ، حَتَّى يُولَدُوا لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا الْجَوْرَ وَلَا يَعْمَلُونَ إِلَّا بِهِ. ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَغْطِفُ عَلَى خَلْقِهِ فَيَأْمُرُ قَرْنَ الْعَدْلِ أَنْ يُطْلَعَ رَأْسُهُ فَلَا يَطْلُعُ مِنْ قَرْنِ الْعَدْلِ شَيْءٌ إِلَّا مَاتَ مِنَ الْجَوْرِ مِثْلُهُ، حَتَّى يُولَدَ قَوْمٌ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا الْعَدْلَ، وَلَا يَعْمَلُونَ إِلَّا بِهِ؛^۳ بعد از من شاخ ظلم بلند می شود، هر چه این شاخ بالاتر برود، به همان اندازه عدالت از بین می رود، کار به جایی می رسد که نوزادان وقتی به دنیا می آیند، ستم را می شناسند و به ظلم، عمل می کنند. سپس خداوند به بندگان رحم می کند و فرمان می دهد که شاخ عدالت ظاهر شود، هر چه شاخ عدالت بالاتر برود، به همان اندازه هم ظلم نابود می شود، تا وقتی که هر نوزادی که متولد می شود، جز عدالت نمی شناسد و به عدالت عمل می کند.»

با ظهور مهدی علیه السلام جهانی که پر از ستم شده، از عدالت پر می شود.

«أَحْذَرُكُمْ سَبْعَ فِتْنٍ تَكُونُ بَعْدِي: فِتْنَةٌ تُقْبَلُ مِنَ الْمَدِينَةِ، وَفِتْنَةٌ بِمَكَّةَ، وَفِتْنَةٌ تُقْبَلُ مِنَ الْيَمَنِ، وَفِتْنَةٌ تُقْبَلُ مِنَ الشَّامِ، وَفِتْنَةٌ تُقْبَلُ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَفِتْنَةٌ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَفِتْنَةٌ مِنْ بَطْنِ الشَّامِ وَهِيَ فِتْنَةُ السُّفْيَانِيِّ؛^۴ شمارا از هفت فتنه می ترسانم که بعد از من اتفاق می افتد: فتنه ای از مدینه، فتنه ای در مکه، فتنه ای از یمن، فتنه ای از شام، فتنه ای از شرق، فتنه ای از غرب و فتنه ای از شام که آن فتنه سفیانی است.»

بر اساس روایات، فتنه مدینه، همان فتنه سفیانی است، و فتنه مکه، فتنه منافقینی است که ادعای مهدویت دارند. فتنه یمن، دو قسمت شدن یمن است. فتنه شام، جنگ عرب و یهود است. فتنه مشرق، انقلاب ایران است. فتنه مغرب، فتنه کشور مصر است. فتنه خروج سفیانی را پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده است:

مهدی قائم علیه السلام محضری

مهدی قائم علیه السلام محضری

۱. بشارة الاسلام: ۱۸۰.

۲. غیبت شیخ طوسی: ۲۶۷؛ اعلام الوری: ۴۲۶؛ بحار الانوار: ۵۲؛ الزام الناصب: ۱۸۴؛ بشارة الاسلام: ۱۲۱؛ المهدي: ۱۹۵.

۳. بحار الانوار: ۵۱؛ الملاحم والفتن: ۱۳۲؛ بشارة الاسلام: ۱۹؛ الامام المهدي: ۱۰۴.

۴. الملاحم والفتن: ۱۶؛ الزام الناصب: ۷۶؛ المهدي: ۱۹۳.

«لا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ؛^۱ بعد از من، مواظب باشید کافر نشوید که اگر کافر شوید، گردن هم را می‌زنید.»

اکنون فرقه‌های مختلف اسلامی در برابر هم ایستاده‌اند.

«لا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ فِيكُمْ وَأَنْتُمْ وَوَلَاتُهُ مَا لَمْ تُحْدِثُوا. فَإِذَا فَعَلْتُمْ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَ خَلْقِهِ فَالْتَحَوْكُمْ كَمَا يُلْتَحَى الْقَضِيبُ؛^۲ شما حکومت می‌کنید و حکومت شما همواره ادامه می‌یابد، البته تا وقتی که از سنت پیروی کنید (حکومت می‌کنید). و اگر پیروی نکنید، خداوند ظالمان را بر شما مسلط می‌کند و آن‌ها شما را نابود می‌کنند همان طور که پوست درخت را جدا می‌کنند.»

در عصر ما نیز مسلمانان از سنت سرپیچی می‌کنند، پس ظالمان بر آن‌ها حکومت می‌کنند و قدرت را مثل پوست درخت از آن‌ها می‌گیرند.

«يَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شَرَّ خَلْقِهِ فَيُلْحِقُونَكُمْ كَمَا يُلْحِقَى الْقَضِيبُ؛^۳ خداوند بدترین آفریده‌هایش را بر شما مسلط می‌کند که پوست شما را مانند پوست درخت جدا کنند.»
«لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ بِالْجَارِيَةِ الْحَسَنَاءِ الْجَمِيلَةِ وَيَقُولُ: مَنْ يَشْتَرِي هَذِهِ بِوَزْنِهَا طَعَامًا؟!؛^۴ مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشريف - قیام نمی‌کند مگر زمانی که مردی دست دختر زیبایی را گرفته و در کوچه و بازار می‌گرداند و می‌گوید: چه کسی این دختر را می‌خواهد که در عوض به اندازه وزن او غذا بدهد؟»

«يُمَيِّرُ اللَّهُ أَوْلِيَاءَهُ وَأَصْفِيَاءَهُ، حَتَّى تَطْهَرَ الْأَرْضُ مِنَ الْمُنَافِقِينَ وَالضَّالِّينَ وَأَبْنَاءَ الضَّالِّينَ، وَحَتَّى تَلْتَقَى بِالرَّجُلِ يَوْمَئِذٍ خَمْسُونَ امْرَأَةً هَذِهِ تَقُولُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ اِشْتَرِنِي، وَ هَذِهِ تَقُولُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ آوِنِي؛^۵ خداوند دوستان و برگزیدگانش را انتخاب می‌کند و زمین را از منافقان و گمراهان پاک می‌کند، آن روز پنجاه زن به یک مرد رسیده و از او می‌خواهند که با آن‌ها ازدواج کرده، آن‌ها را پناه بدهد.»

بعد از جنگ‌هایی که منافقان در آن هلاک می‌شوند و برگزیدگان خدا باقی می‌مانند، حوادثی که در این روایت ذکر شده، اتفاق می‌افتد.

«تَكُونُ آيَةٌ فِي رَمَضَانَ، ثُمَّ تَظْهَرُ عِصَابَةٌ فِي شَوَّالٍ، ثُمَّ تَكُونُ مَغَمَّةٌ فِي ذِي الْقَعْدَةِ، ثُمَّ يُسَلَّبُ الْحَاجُّ فِي ذِي الْحِجَّةِ، ثُمَّ تُنْتَهَكُ الْمُحَارِمُ فِي الْمُحَرَّمِ، ثُمَّ يَكُونُ الضَّرْبُ فِي صَفَرٍ، ثُمَّ تَتَنَازَعُ الْقَبَائِلُ فِي شَهْرِ رَبِيعٍ، ثُمَّ الْعَجَبُ الْعَجَبُ بَيْنَ جُمَادَى وَرَجَبٍ! ثُمَّ نَاقَةٌ مُقْبِيَةٌ خَفِيفَةٌ خَيْرٌ مِنْ دَسَكْرَةٍ تَغْلُ مِئَةَ أَلْفٍ؛^۶ نشانه‌ای در ماه رمضان اتفاق می‌افتد،

۱. صحیح مسلم ۱: ۵۸۱ صحیح بخاری ۹: ۵۰ الزام الناصب: ۱۸۶. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۲۲۵ الملاحم والفتن: ۱۰۴ و ۱۶۷.
۳. همان. ۴. الملاحم والفتن: ۴۷. ۵. بشارة الاسلام: ۲۲ الملاحم والفتن: ۱۳۰.
۶. منتخب الاثر: ۴۵۱ الملاحم والفتن: ۳۵، ۵۰، ۱۱۴ و ۱۱۷.

عده‌ای در ماه شوال خروج می‌کنند، هرج و مرج در ماه ذی‌قعدة ایجاد می‌شود، حجاج در ماه ذیحجه غارت می‌شوند، حرمت‌ها در ماه محرم شکسته می‌شود، مهاجرت‌ها در ماه صفر صورت می‌گیرد، جنگهای قبیله‌ای در ماه ربیع اتفاق می‌افتد، سپس همه شگفتی‌ها میان ماه جمادی و رجب است! در آن هنگام یک شتر تندرو بهتر از کاخ مجللی است که صد هزار نفر از آن محافظت می‌کنند.»

در این حدیث، پیامبر ﷺ خطرات را هشدار می‌دهد که در آن زمان انسان به دنبال وسیله تندرویی است تا از خطر فرار کند.

منظور از نشانه ماه رمضان، همان ندای آسمانی است، و گروه آشوبگر در ماه شوال، سپاه سفیانی است. هرج و مرج در ماه ذی‌قعدة، آشوب قرقیسیا و کشتار بغداد، غارت حاجیان در منی، هتک حرمت ماه محرم در مدینه، مهاجرت در ماه صفر و اختلاف طایفه‌ها در آغاز آن نهضت جهانی است.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ! ^۱ همه شگفتی‌ها میان ماه جمادی و رجب است.»

جنگ‌های قبیله‌ای و لشکرکشی‌ها در آن زمان صورت می‌گیرد و سپاه سفیانی نابود می‌شود.

«خَيْرُ أَوْلَادِكُمْ بَعْدَ أَرْبَعٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِئَةِ الْبَنَاتِ، وَ خَيْرُ نِسَائِكُمْ بَعْدَ تِسْعٍ وَ سِتِّينَ الْعَوَاقِرُ، وَ سَنَةٌ ثَمَانٍ وَ سِتِّينَ وَ مِئَةٌ تَقَاضَى دَيْنَكَ، وَ سَنَةٌ تِسْعٍ وَ سِتِّينَ وَ مِئَةٌ إِقْبِضْ دَيْنَكَ. وَ سَنَةٌ تِسْعِينَ الْهَرَجُ وَ الْقَتْلُ! ^۲ بهترین فرزندان شما، صد و پنجاه و چهارمین آن‌ها است که دختر است، و بهترین زنان شما، شصت و نهمین آنهاست؛ در سال ۱۶۸ و ام‌بگیر و در سال ۱۶۹ و ام‌راپس بده، و در سال ۹۰ هجری و مرج و کشتار اتفاق می‌افتد.»

معلوم نیست که این اعداد چه چیز را بیان می‌کنند؟

«إِنَّهَا سَتَكُونُ فِتْنًا الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ، وَ الْقَائِمُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْمَاشِي، وَ الْمَاشِي فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي، مَنْ تَشَرَّفَ لَهَا تَشَرَّفَ، فَمَنْ وَجَدَ فِيهَا مَلْجَأً أَوْ مَعَاذًا فَلْيُعْذِبْهُ.. فَإِذَا وَقَعَتْ فَمَنْ كَانَ لَهُ إِبِلٌ فَلْيَلْحَقْ بِإِبِلِهِ، وَ مَنْ كَانَ لَهُ غَنَمٌ فَلْيَلْحَقْ بِغَنَمِهِ، وَ مَنْ كَانَ لَهُ أَرْضٌ فَلْيَلْحَقْ بِأَرْضِهِ، وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَيْءٌ فَلْيَعْمِدْ إِلَى سَيْفِهِ فَيَكْسِرْهُ بِحَجَرٍ، ثُمَّ لِيَنْجُ إِذَا اسْتَطَاعَ النِّجَاةَ! ^۳ به زودی فتنه‌هایی برپا می‌شود که شخص نشسته کمتر از شخصی که ایستاده، آسیب می‌بیند، و شخصی که ایستاده، کمتر از کسی که راه می‌رود، صدمه

دوران ده‌ه‌ها
 در سپاه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در میان خلافت القائم علیه السلام

۱. ینابیع الموده ۳: ۱۹۳؛ الملاحم والفتن: ۱۲۸. ۲. الملاحم والفتن: ۱۲۸. ۳. صحیح مسلم ۸: ۱۶۸؛ صحیح بخاری ۹: ۵۱.

می بیند، و کسی که آرام گام برمی دارد، کمتر از کسی با عجله می رود، آسیب می بیند؛ هر کس خود را در معرض آن فتنه قرار دهد، گرفتار فتنه می شود. هر کس پناهگاهی پیدا کند، به آنجا پناه ببرد. وقتی آن فتنه صورت گیرد، هر کس شتری دارد، با شتر برود، و هر کس گوسفندی دارد، با گوسفندش برود؛ هر کس زمینی دارد، بر زمینش، و هر کس چیزی ندارد، بر شمشیرش تکیه کند و آن را با سنگ بشکند و هر وقت توانست از مهلکه فرار کند.»

«يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ خَيْرُ مَالِ الْمُسْلِمِ غَنَمًا يَتَّبِعُ بِهَا شَعَفَ الْجِبَالِ وَ مَوَاضِعَ الْقَطْرِ يَفِرُّ بِدِينِهِ مِنَ الْفِتَنِ؛^۱ شاید بهترین ثروت یک مسلمان در آن روز، گوسفندی باشد که آن را به قله کوه بالا می برد و یا به دنبال چراگاهی که باران آمده باشد، می رود و این طور می تواند دین خود را از فتنه حفظ کند.»

«نَاقَةُ مُقْتَبَةِ خَيْرٍ مِنْ دَسَكْرَةَ تَغْلُ مِئَةَ أَلْفٍ؛^۲ شتر سایباندار تندرو از کاخ باشکوهی که برای محافظت، صد هزار نگهبان دارد، بهتر است.»

«الرَّاحِلَةُ بِقِيَّتِهَا يَنْجُو عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُ، خَيْرٌ مِنْ دَسَكْرَةَ تَغْلُ مِئَةَ أَلْفٍ؛^۳ سواری که سایبان داشته باشد و شخص باایمان بتواند با آن از مهلکه فرار کند، بهتر از یک کاخ با صد هزار نگهبان است.»

سوار سایبان دار، اشاره به ماشین دارد که مرکبی سقف دار است. شاید منظور شتر سایبان دار هم باشد. شاید در لحظه فرار بنزین برای ماشین نباشد، پس یک اسب مفیدتر است.

«اعْتَزِلِ الْفِتْنَ كَلِّهَا، وَ لَوْ أَنْ تَعْضَّ بِأَصْلِ شَجَرَةٍ حَتَّى يُدْرِكَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ؛^۴ از هر فتنه ای فرار کن، اگر چه مجبور شوی تا پایان زندگی از ریشه گیاهان تغذیه کنی و به آن حال بمیری!»

می بینیم که فرار از فتنه تا چه حد ضروری شمرده شده حتی اگر برای این کار لازم شود که از گیاهان تغذیه کنیم!

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يَأْتِي الرَّجُلُ الْقَبْرَ فَيَقُولُ: يَا لَيْتَنِي مَكَانَ هَذَا مِنْ شِدَّةِ مَا يَزِي مِنَ الْبَلَاءِ؛^۵ زمانی می آید که مردم در اثر شدت بلاها به قبرستان رفته و در کنار قبری نشسته و می گویند: ای کاش من در این قبر آرامیده بودم.»

«تَكُونُ فِتْنَةٌ يَهْلِكُ فِيهَا النَّاسُ، لَا يَسْتَقِيمُ أَمْرُهُمْ عَلَى أَحَدٍ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ:

۱. صحیح بخاری ۵۳: ۹. ۲. الملاحم والفتن: ۱۳۰. ۳. همان. ۴. صحیح بخاری ۵۲: ۹. ۵. مسند احمد ۲: ۵۳۰. صحیح بخاری ۵۸: ۹. صحیح مسلم ۸: ۱۸۲. نهج الفصاحه ۲: ۵۲۰. بشارة الاسلام: ۳۲.

در پناه حضرت

عَلَيْكُمْ بِفُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ؛^۱ فتنه‌ای بر پا می‌گردد که مردم را نابود می‌کند و دیگر کسی نمی‌تواند آن‌ها را در یک مکان و بر یک محور جمع کند، تا منادی آسمانی از آسمان ندا بدهد: از فلانی پسر فلانی اطاعت کنید.»

سپس درباره آثار آشوب‌های آن زمان می‌فرماید:
«أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ أُعِدَّاءَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْتُمْ آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ؛^۲ آیا نمی‌پسندید که دشمنان شما یکدیگر را بکشند و شما در خانه‌های خود نشسته و در آرامش و امنیت باشید؟»^۳

شبهه این روایت را امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بیان کرده‌اند.
«تَجِيءُ فِتْنَةٌ غَيْرَاءُ مُظْلِمَةٌ، ثُمَّ تَتَّبِعُ الْفِتْنُ بَعْضُهَا بَعْضًا، حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ: الْمَهْدِيُّ. فَإِنْ أَدْرَكَتَهُ فَكُنْ مَعَهُ وَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛^۴ فتنه باعث ایجاد تاریکی می‌شود و سپس فتنه به دنبال فتنه می‌آید تا مردی از اهل بیت من به نام «مهدی» قیام کند. اگر او را درک کردی، با او همراه شو تا هدایت شوی.»
«ثُمَّ يَكُونُ النَّفْثُ وَ النَّفَاثُ؛^۵ سپس حيله و جادوگری اتفاق می‌افتد.»

در زندگی امروز بین انسان‌ها این موارد رایج شده و دنیا برای آن‌ها تنگ می‌شود و چون اسرار محمد صلی الله علیه و آله را درک نمی‌کنند، مستحق این سختی‌ها هستند.
روایات حضرت علی علیه السلام

«إِنَّ مِنَ السَّنِينَ سَنَوَاتٍ جَوَادِعُ، تُجْدَعُ فِيهَا عَطَارِفَةٌ وَ هَرَاقِلَةٌ؛ سال‌های خشکی، تنگی، هرج و مرج پیش می‌آید که در آن سال‌ها پادشاهان با هم می‌جنگند و نابود می‌شوند.»
اکنون هم حاکمان در حال نابودی هستند و بالاخره روزی می‌آید که سلطنت و سلاطین به طور کامل نابود می‌شوند.

«بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرٌ وَ مَوْتُ أَيْبُضٍ ... ثُمَّ يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ أَخْدَاثٌ تَشِيبُ فِيهَا النَّوَاصِي وَ يَسِيرُ الصُّمُّ الصَّلَابُ؛^۶ در آستانه ظهور قائم، مرگ سرخ و مرگ سفید زیاد می‌شود و آنگاه حوادث سختی اتفاق می‌افتد که موها را سفید می‌کند و چیزهای سفت و سخت حرکت می‌کنند.»

منظور از مرگ سرخ، همان مرگ با شمشیر است، و مرگ سفید، مرگ با طاعون است. حرکت چیزهای سخت، در این حدیث، یعنی حرکت تانک و هواپیما و مانند این‌هاست که

۱. الملاحم والفتن: ۱۱۴. ۲. بحار الانوار: ۵۲، ۳۳۵؛ غیبت نعمانی: ۱۶۱؛ بشارة الاسلام: ۲۴۰. ۳. الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۸.

۴. اعلام الوری: ۳۶۴.

۵. بحار الانوار: ۵۱، ۱۵۷ و ۵۲، ۲۱۱؛ غیبت نعمانی: ۹۸؛ بشارة الاسلام: ۵۰، ۸۴ و ۱۶۴؛ منتخب الاثر: ۴۴۱؛ اعلام الوری: ۲۲۷.

از جنس فلزات سخت هستند.

امام جواد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«أَلَا وَ لَوْ ذَابَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ لَقَدْ دَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ وَ كُشِفَ الْغِطَاءُ وَ انْقَضَتِ الْمُدَّةُ وَ أَرَفَ الْوَعْدُ وَ بَدَأَ لَكُمْ التَّجْمُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ أَشْرَقَ لَكُمْ قَمَرٌ كَمِلَ شَهْرُهُ وَ كَثِيلَةٌ تَمُّ: ۱ اگر آنچه در دست دارند، از دست بدهند، امتحان می‌شوند و پرده‌ها کنار می‌رود و عده الهی نزدیک می‌شود و ستاره دنباله دار از مشرق زمین طلوع می‌کند و ماه تابان مانند قرص ماه در شب بدر، ظاهر می‌شود.»

موقتی پرده‌ها کنار برود، یعنی همه نشانه‌ها تحقق می‌یابد و شک از بین می‌رود. «إِنَّ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً مُنْكَسِفَةً لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا الْمُؤْمِنُ النَّوْمَةُ: ۲ بعد از شما فتنه تاریکی صورت می‌گیرد که در آن فتنه، فقط مؤمن گمنام نجات پیدا می‌کند.»

«نومه» یعنی کسی که شناخته نشده و در فتنه نقشی ندارد.

«الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ مِنْ جَمِيعِ أَشْتَاتٍ وَ حَصْدِ نَبَاتٍ وَ هَنَاتٍ وَ أَصْوَاتٍ بَعْدَ أَصْوَاتٍ: ۳ همه اتفاقات عجیب، بین ماه جمادی و رجب است، از جمله: اجتماع پراکنده‌ها، درو گیاهان، و صداها پشت سر صداها.»

منظور از اجتماع پراکنده، احزاب مختلف است. منظور از درو گیاهان، نابودی زمین‌های کشاورزی است. منظور از صداها پشت سر صداها، صدای توپ‌ها، بمب‌ها، هواپیماها و... است.

«جَعَلَ اللَّهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ حَمْسَ فِتْنٍ، فِتْنَةٌ عَامَّةٌ، ثُمَّ فِتْنَةٌ عَامَّةٌ، ثُمَّ فِتْنَةٌ عَامَّةٌ، ثُمَّ فِتْنَةٌ خَاصَّةٌ. ثُمَّ يَجِيءُ فِتْنَةٌ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تُصِيرُ النَّاسَ فِيهَا كَالْبَهَائِمِ: ۴ خداوند میان این امت پنج فتنه قرار داده: فتنه فراگیر، فتنه فراگیر دیگر، فتنه فراگیر سوم، فتنه ویژه، فتنه سیاه که مردم مانند چارپایان می‌شوند.»

منظور از فتنه فراگیر، جنگ‌های جهانی و جنگ اعراب و اسرائیل است. منظور از فتنه ویژه، جنگ داخلی مسلمانان است. منظور از فتنه سیاه، موضع‌گیری مسلمانان در برابر یکدیگر است.

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ی بیان می‌فرماید:

«إِذَا ظَهَرَتْ بِخُرَاسَانَ الرَّزَازِلُ، وَ نَزَلَتْ بِهَمْدَانَ النَّوَازِلُ، فَرَجَعَتْ الْأَرَاغِفُ بِالْعِرَاقِ... وَ

در بیان حضرت
پیغمبر
و
القائم المهدی علیه السلام

۱. بشارة الاسلام: ۶۳. ۲. منتخب الاثر: ۴۳۵؛ بشارة الاسلام: ۵۰؛ غیبت طوسی: ۲۷۹.
۳. بحار الانوار: ۵۳؛ ۵۹؛ الملاحم و الفتن: ۱۱۸؛ منابع الموده: ۳؛ ۱۹۳؛ بشارة الاسلام: ۶۸ و ۱۶۳.
۴. الملاحم و الفتن: ۱۲۹.

شَمَلَ الشَّامَ الْخِلَافُ، وَاخْتَلَفَتْ أَهْلُ الْيَمَنِ عَلَى الْمُلْكِ؛^۱ وقتی در خراسان، زلزله بیاید و در همدان، حوادثی اتفاق بیفتند و نگرانی‌ها در عراق، آرامش را از بین ببرد، و در شام اختلاف رایج شود و اهل یمن بر سر حکومت بچنگند.»

بسیاری از مواردی که در این روایت بیان شده، تا کنون اتفاق افتاده است مثل زلزله طیس، جنگ ایران و عراق.

«إِنِّي مَا ادَّعَيْتُ، وَلَا تَكَلَّمْتُ زُورًا، وَلَا أُتَبِّئُكُمْ إِلَّا بِمَا عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ؛^۲ من هرگز سخنی بیهوده نمی‌گویم و ادعای بیخود ندارم، هر خبری به شما می‌دهم، از رسول اکرم ﷺ شنیده‌ام.»

در حقیقت هم همین طور است و هر چه امام علی (علیه السلام) برای ما بیان می‌کند، از سخنان پیامبر ﷺ است.

و در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَأَنَّ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا؛^۳ هیچ آبادی نیست مگر این که ما ساکنان آن را قبل از قیامت، هلاک خواهیم کرد و یا کیفر خواهیم داد.» فرمود:

«تَخْرُبُ سَمَرْقَنْدُ، وَجَاحُ، وَخَوَارِزْمُ، وَالبَصْرَةُ، وَبَلْخُ مِنَ الْعَرَقِ، وَ الْهِنْدُ مِنْ تَبَّتْ وَ تَبَّتْ مِنَ الصِّينِ، وَكِرْمَانُ وَبَعْضُ الشَّامِ بِسَنَابِكِ الْخَيْلِ وَ الْقَتْلِ، وَ الْيَمَنُ مِنَ الْجَرَادِ وَ السُّلْطَانِ، وَ سِجِسْتَانُ وَ بَعْضُ الشَّامِ بِالزَّيْجِ، وَ شَامَانُ بِالطَّاعُونَ، وَ مَرُوءُ بِالرُّمْلِ، وَ هِرَاةُ بِالْحَيَاتِ، وَ مِصْرُ مِنْ انْقِطَاعِ النَّيْلِ، وَ آذْرَبِيجَانُ بِسَنَابِكِ الْخَيْلِ وَ الصَّوَاعِقِ، وَ بُخَارَى بِالْعَرَقِ وَ الْجُوعِ، وَ بَغْدَادُ يَصِيرُ عَالِيهَا سَافِلَهَا؛^۴ سمرقند، جاح، خوارزم، بصره و بلخ به وسیله سیلاب نابود می‌شوند؛ هند به دست تبتی‌ها، و تبت به دست چینی‌ها نابود می‌شود؛ کرمان و قسمتی از شامات زیر سم اسبها به وسیله کشت و کشتار از بین می‌روند؛ یمن با هجوم ملخ و ظلم حاکمان خراب می‌شود؛ سجستان و قسمت دیگری از شامات به دست زنجی‌ها، شامیان با طاعون، مرو با طوفان، هرات به وسیله مارها، مصر با خشک شدن رود نیل، و آذربایجان با سم اسبها و بمباران‌ها ویران می‌گردند؛ در بخارا گرسنگی و سیلاب رایج می‌شود و بغداد دگرگون می‌شود.»

پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ خَرَابَ الْبَصْرَةِ مِنَ الْعِرَاقِ، وَ خَرَابَ مِصْرَ مِنَ جِنَافِ النَّيْلِ، وَ خَرَابَ مَكَّةَ مِنَ الْحَبَشَةِ، وَ خَرَابَ الْمَدِينَةِ مِنَ النَّيْلِ، وَ خَرَابَ الصِّينِ مِنَ الْجَرَادِ، وَ خَرَابَ الْأَبْلَةِ مِنَ الْحِصَارِ، وَ خَرَابَ فَارَسَ مِنَ الصَّعَالِيكِ مِنَ الدَّيْلَمِ، وَ خَرَابَ الدَّيْلَمِ مِنَ الْأُرْمَنِ، وَ

۱. ا. ه.

ترجمه حضرت مهدی قائم علیه السلام

۲.

تفسیر الخصال فی ظل نور

۳.

خَرَابِ الْأَزْمَنِ مِنَ الْخَزْرِ، وَ خَرَابِ الْخَزْرِ مِنَ التُّرْكِ، وَ خَرَابِ التُّرْكِ مِنَ الصَّوَاعِقِ، وَ خَرَابِ السُّنْدِ مِنَ الْهِنْدِ، وَ خَرَابِ الْهِنْدِ مِنَ الصِّينِ، وَ خَرَابِ الصِّينِ مِنَ الرَّمْلِ، وَ خَرَابِ الْحَبَشَةِ مِنَ الرَّجْفَةِ، وَ خَرَابِ الزُّورَاءِ مِنَ السُّفْيَانِي، وَ خَرَابِ الرُّوحَاءِ مِنَ السَّخْسَفِ، وَ خَرَابِ الْعِرَاقِ مِنَ الْقَحْطِ؛^۱ خرابی بصره از عراق، خرابی مصر از خشک شدن رود نیل، خرابی مکه از حبشه، خرابی مدینه از سیل، خرابی چین از ملخ، خرابی ابله^۲ از حصار، خرابی فارس از دزدان دیلم، خرابی دیلم از ارمنی‌ها، خرابی ارمنستان از خزر، خرابی خزر از ترک‌ها، خرابی ترکستان از صاعقه‌ها، خرابی سند از هند، خرابی هند از چین، خرابی چین از طوفان، خرابی حبشه از زلزله، خرابی بغداد از سفیانی، خرابی روحا از خسف، و خرابی عراق از قحطی می‌باشد.»

منظور از صواعق، صاعقه‌های آسمانی و یا موشک‌هاست.

سپس امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا هُدِمَ مَسْجِدُ بُرَاتَا؛^۳ هنگامی که مسجد براتا ویران شود.»

مسجد براتا از مساجد قدیمی و معروف بغداد است.

«حَجَرًا قَبْلَ أَنْ لَا تَحْجُوا. فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى حَبَشِيٍّ أَصْمَعَ أَقْرَعَ بِيَدِهِ مِعْوَلٌ يَهْدِمُهَا حَجَرًا حَجَرًا؛^۴ به حج خانه خدا بشتابید قبل از آنکه برای حج، ناتوان شوید، گویی با چشم خود می‌بینم که مردی بسیار نیرومند و شجاع از حبشه، کلنگی به دست گرفته، خانه کعبه را ویران می‌کند و سنگ‌های آن را دور می‌اندازد.»

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«كَأَنِّي بِأَصْفَرِ الْقَدَمَيْنِ أَحْمَشُ السَّاقَيْنِ عَلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ يَنْتَعُ النَّاسُ مِنَ الطَّوَافِ حَتَّى يَتَذَعَّرُوا مِنْهُ!.. ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مَنِي فَيَقْتُلُهُ قَتْلَ عَادٍ وَ نَمُودَ وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأُوتَادِ؛^۵ گویی مردی را با چشم خود می‌بینم که با پاهاى زرد و ساق‌های قلمی، در کنار رکن یمنی ایستاده و مردم را از طواف بازمی‌دارد، تا همه بترسند، سپس خداوند مردی را از خاندان من می‌فرستد که او را مانند قوم عاد و نمود و فرعون نابود می‌کند.»
«يُخْرِبُهَا ذُو السُّوَيْقَتَيْنِ مِنَ الْحَبَشَةِ وَ هُوَ أَصْلَعُ أَقْرَعُ؛^۶ مردی بسیار چابک و چالاک به نام ذوالسویقتین از حبشه، کعبه را ویران می‌کند.»

شاید یکی از چپی‌های یمن بعد از کشتار منی، این کار را انجام دهد.

«لَا يَقُومُ حَتَّى يُقْتَلَ الثُّلُثُ، وَ يَمُوتُ الثُّلُثُ، وَ يَبْقَى الثُّلُثُ؛^۷ مهدی قیام نمی‌کند مگر

۱. بشارة الاسلام: ۲۸ و ۴۱. ۲. شهری در نزدیکی دجله. ۳. الملاحم والفتن: ۱۰۶؛ بشارة الاسلام: ۵۷.

۴. الملاحم والفتن: ۱۳۱؛ المخلاه: ۳۱؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۱۸. ۵. بحار الانوار: ۵۱: ۱۴۹؛ الملاحم والفتن: ۷۸.

۶. صحیح مسلم: ۸: ۱۸۳؛ الملاحم والفتن: ۷۸. ۷. منتخب الاثر: ۴۵۳؛ الملاحم والفتن: ۴۶؛ بشارة الاسلام: ۸۰ و ۱۷۵.

وقتی که یک سوم مردم کشته شوند، یک سوم مردم بمیرند و فقط یک سوم آن باقی بماند!»

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ فَقُلْنَا إِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ فَمَنْ يَبْقَى فَقَالَ أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي؟! ۱ ظهور قائم انجام نمی گیرد مگر وقتی که دو سوم مردم از بین بروند! اصحاب عرض کردند: پس چه کسی باقی می ماند؟ فرمود: آیا شما دوست ندارید که جزء یک سوم باقی مانده باشید؟»

«يَكْثُرُ سَفْكُ الدِّمَاءِ، وَ يُقْتَلُ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ سَبْعَةٌ أَوْ مِنْ كُلِّ سَبْعَةِ خَمْسَةٌ. فَيَقُولُ الْجَاهِلُ: مَا لَنَا فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ؟ ۲ خونریزی زیاد می شود و از هر نه نفر، هفت نفر کشته می شود و یا از هر هفت نفر، پنج نفر کشته می شود. تا شخص نادان بگوید: ما نیازی به آل محمد علیهم السلام نداریم!»

این حادثه بعد از جنگ سفیانی اتفاق می افتد.

«يَخْرُجُ سِتُونَ كَذَابًا كُلُّهُمْ يَدَّعِي النُّبُوَّةَ، وَ يَزْعَمُ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ! وَ يَخْرُجُ الْعَبِيدُ عَلَى طَاعَةِ سَادَاتِهِمْ وَ يَقْتُلُونَ مَوَالِيَهُمْ؛ ۳ شصت دروغگو ظاهر می شود که همه ادعای پیامبری می کنند و خود را فرستاده خدا معرفی می کنند، بردگان از اربابان اطاعت نمی کنند و ارباب های خود را می کشند.»

امروزه بسیار پیش می آید که کارگران علیه کارفرمایان اعتراض می کنند.

حضرت علی علیه السلام در خطبه البیان می فرماید:

«... فَعِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ الْعَجَمُ عَلَى الْعَرَبِ، وَ يَمْلِكُونَ الْبَصْرَةَ.. أَلَا يَا وَيْلَ لِبَصْرَةَ مِمَّا يَحِلُّ بِهَا مِنَ الطَّاعُونَ وَ مِنَ الْفِتَنِ يَتَّبِعُ ذَبْعُهَا بَعْضًا! أَلَا يَا وَيْلَ لِفِلَسْطِينَ وَ مَا يَحِلُّ بِهِ مِنَ الْفِتَنِ الَّتِي لَا تُطَاقُ! أَلَا يَا وَيْلَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَ مَا يَحِلُّ بِهَا مِنَ الْفِتَنِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ: الْغَرْبِ وَ الشَّرْقِ وَ الْجَنُوبِ وَ الشَّمَالِ! أَلَا وَ إِنَّهُ تَرَكَبُ النَّاسُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَ تَتَوَاتَبُ عَلَيْهِمُ الْحُرُوبُ الدَّائِمَةُ، وَ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيَهُمْ، وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ؛ ۴ در این زمان، عجم علیه عرب شورش می کند و بصره را اشغال می کند. وای به حال مردم بصره که طاعون و فتنه های زیادی در آن پیدا می شود. وای به حال مردم فلسطین از فتنه های غیر قابل تحملی که در آن اتفاق می افتد! وای به حال مردم دنیا از فتنه های پشت سر هم که در مشرق، مغرب، شمال و جنوب جهان در هر شهر و

۱۰
ها

در پستانه حضرت
مهدی قائم علیه السلام



محمدا
الخلاص
ظلم

۱۵

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۱۳ و ۲۰۷؛ منتخب الاثر: ۴۵۲؛ بشارة الاسلام: ۱۲۳؛ الزام الناصب: ۱۸۱؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۶.

۲. منتخب الاثر: ۴۴۱؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۰۷؛ الملاحم والفتن: ۶۲.

۳. المهدي: ۱۹۵؛ بشارة الاسلام: ۱۰ و ۲۹؛ الزام الناصب: ۱۸۵. ۴. الزام الناصب: ۱۹۶.

منطقه‌ای اتفاق می‌افتد. هر گروهی علیه گروه دیگر شورش می‌کند و جنگ‌های دائمی یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتد. همه این‌ها کيفر اعمال مردم است و پروردگارت هرگز به بندگان ظلم نمی‌کند.»

فتنه‌های فلسطین، صدق این گفتار را می‌رساند.

روایات امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّمَا هُوَ كِنِظَامُ الْخَرْزِ، يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛^۱ وقتی دانه‌های تسبیح یکی پس از دیگری و به دنبال هم می‌آید.»

طبق این روایت، وقایع آخرالزمان، مانند دانه‌های تسبیح به دنبال یکدیگر و با نظم اتفاق می‌افتد.

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشْتِيتٍ فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِيرٍ فِي خَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنِّي الْمَوْتَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً مِنْ عِظَمِ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكَلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا؛^۲ قائم قیام نمی‌کند مگر بعد از نرسی بزرگ، زلزله‌ها، فتنه‌ها و بلاهای فراگیری که بر مردم چیره شود و طاعونی قبل از آن‌ها شایع شود و شمشیر تیزی میان عرب پیدا شود و اختلاف میان مردم بیفتد و امور مذهبی مردم متفاوت شود و حالشان دگرگون گردد و هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند، و آن در اثر طغیان و بی‌حیایی مردم است که به خون یکدیگر تشنه می‌شوند و خون همدیگر را می‌خورند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلٍ؛^۳ شما را به مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم، وقتی اختلاف شدید بین مردم به وجود آید و زلزله‌های

۱. بشارة الاسلام: ۸۶ غیبت نعمانی: ۱۳۹؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۲۵.

۲. غیبت نعمانی: ۱۲۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۱ و ۳۴۸؛ منتخب الاثر: ۴۳۴؛ الزام الناصب: ۱۸۸ و ۲۲۷؛ المهدي: ۱۸۹؛ بشارة الاسلام: ۹۲؛ الامام المهدي: ۲۲۸.

۳. بحار الانوار: ۵۱: ۷۴ و ۵۲: ۳۴۸؛ منتخب الاثر: ۱۴۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۱۱۱؛ كشف الغممة: ۳: ۲۷۳؛ البيان: ۸۴؛ الملاحم والفتن: ۱۲۴؛ بشارة الاسلام: ۱۸؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۲۴؛ الامام المهدي: ۶۲؛ مسند احمد: ۳: ۱۳۷؛ المهدي: ۱۸۷؛ نتائج الموده: ۳: ۱۳۵؛ اسعاف الراغبین: ۱۵۱؛ نور الابصار: ۲۳۰.

سختی اتفاق بیفتد، او قیام می‌کند.»

در عصر ما، مردم در امور دین و دنیا بسیار اختلاف دارند. فتنه‌ها با اشغال فلسطین شروع شده و به لبنان، افغانستان، آفریقا، مناطق شرقی آسیا، و نقاط دیگری کشیده شده. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ نَهَارًا مَآذًا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ^۱؛ بگو: اگر ببینید که عذاب او هنگام شب و یا هنگام روز بر شما نازل شود، مجرمان چه چیزی را از او با عجله می‌خواهند؟» فرمود:

«فَهَذَا عَذَابٌ يَنْزِلُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى قَسَقَةِ أَهْلِ الْقَبِيلَةِ وَ هُمْ يَجْحَدُونَ نُزُولَ الْعَذَابِ عَلَيْهِمْ^۲؛ آن عذابی است که در آخرالزمان بر گهنگاران اهل قبله نازل می‌شود، که آن‌ها منکر نزول عذاب بر خود هستند.»

تا کنون هم به خاطر انحراف مسلمانان از تعالیم اسلام، عذاب گوناگون بر آن‌ها نازل شده ولی آنها متوجه نیستند.

امام باقر علیه السلام درباره نابودی مسجد برائا در عراق می‌فرماید:

«قَادًا فَعَلُوا ذَلِكَ مُنِعُوا الْحَجَّ ثَلَاثَ سِنِينَ وَ اخْتَرَقَتْ خُضْرُهُمْ وَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ السَّفْحِ لَا يَدْخُلُ بِلَدَا إِلَّا أَهْلَكَهُ وَأَهْلَكَ أَهْلَهُ^۳؛ وقتی مسجد برائا را خراب کردند، سه سال از حج محروم می‌شوند و زمین‌های کشاورزی آن‌ها آتش می‌گیرد و خداوند مردی را از بادیه بر آن‌ها مسلط می‌کند. وارد هیچ شهری نمی‌شود مگر این که ساکنان آن‌جا را به سزای اعمالشان برساند.»

شاید این مرد بادیه نشین، کرد عراق باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«يُمْنَعُ الْحَجَّ مِنَ الْعِرَاقِ ثَلَاثَ سِنِينَ^۴؛ عراقی‌ها به مدت سه سال از حج محروم می‌شوند.»

«تَوَقَّعُوا آخِرَ دَوْلَةِ بَنِي الْعَبَّاسِ فَإِنَّ لَهُمْ فِي شِيعَتِنَا لَدَعَاتٍ وَ فِي آخِرِ دَوْلَتِهِمْ عَلَامَاتٌ أَمْضُ مِنَ الْحَرِيقِ الْمُتَّهَبِ^۵؛ در دولت بنی عباس، مواظب خود باشید که حکومت آن‌ها برای شیعیان ما خطر دارد. و در پایان حکومت آن‌ها نشانه‌هایی است که از آتش سوزان شدیدتر است.»

در عصر ما، تعداد زیادی از علمای عراق و لبنان به شهادت رسیدند و و بسیاری از خانواده‌های شیعه، به خاطر شیعه بودن، شکنجه و تبعید شده‌اند.

۱. سوره مبارکه یونس، آیه ۵۰. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۱۸۵، الزام الناصب: ۲۲ و ۱۷۵. ۳. بحار الانوار ۵۲: ۲۱۸.

۴. بحار الانوار ۵۷: ۲۱۸. ۵. اعلام الوری: ۴۲۷؛ بشارة الاسلام: ۱۱۴.

«كَأَنِّي بِجَرَائِدِ شَيْءٍ، تُدْعَى بِأَسْمَاءِ شَيْءٍ، لَا أَرَى لَهُمْ رَشْدًا وَلَا لِدِينِهِمْ صِيَانَةً. كُلَّمَا مَالُوا إِلَى جَانِبٍ إِنْهَدَمَ مِنْهُمْ جَانِبٌ آخَرٌ. يُعَارِضُهُمْ رَجُلٌ طَبْرِيٌّ؛ كُفُوبًا بِأَجْزَامِ خُودِ عَدَايِ مَسْلُوحٍ مِ بَيْنِمِ كِه نَامِ هَايِ مَخْتَلَفِي دَارِنْد، عَقْلِ كَامِلِ وَ اِيْمَانِ سَالِمِ نِدَارِنْد، هِرْگَاهِ بِه يَكِ جَنْبِهِ اَزْ كَارِ خُودِ تُوْجِهِ كِنْنْد، جَانِبِ دِيْگَرِ رَا خِرَابِ مِي كِنْنْد، مَرْدِي اَز «طَبْرِيَه» بَا اَن هَا مَبَارَزِه مِي كِنْد.»

امروزه احزاب و گروه‌های سیاسی مسلح بسیاری وجود دارند. شاید منظور از طبریه، فلسطین اشغالی باشد.

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۲ هِرْ پَرْجَمِي كِه قَبْلِ اَز قِيَامِ قَائِمِ - عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فِرْجِهَ الشَّرِيفِ - بَرَا فِرَاشْتِه شُود، صَاحِبِش طَاغُوتِ اسْتِ كِه بِه جِزِ خُودِ پَر سْتِيْدِه مِي شُود.»

«كُلُّ بَيْعَةٍ قَبْلَ ظُهُورِ الْقَائِمِ عليه السلام قَبِيْعَتُهُ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ خَدِيْعَةٌ؛^۳ هِرْ بِيْعَتِي كِه قَبْلِ اَز ظُهْوَرِ قَائِمِ عليه السلام اَنْجَامِ شُود، بِيْعَتِ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ فَرِيْبِ اسْت.»

«مَنْ يَضْمَنُ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنَ لَهُ الْقَائِمَ ثُمَّ قَالَ إِذَا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ يَجْتَمِعِ النَّاسُ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدٍ وَ لَمْ يَتَّأَهْ هَذَا الْأَمْرُ دُونَ صَاحِبِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛^۴ اِگَر كِسي مَرگِ عَبْدِ اللهِ رَا بَرَايِ مَن تَضْمِيْنِ كِنْد، مَن ظُهْوَرِ قَائِمِ رَا بَرَايِ او تَضْمِيْنِ مِي كِنْم؛ وَ قَتِي عَبْدِ اللهِ بِمِيْرِد، مَرْدَمِ دُوْر كِسي جَمْعِ نَمِي شُوْنْد وَ اِيْنِ كَارِ بَرَايِ كِسي جِزِ صَاحِبِ شَمَا آسَانِ نَمِي شُوْد اَنْ شَاءَ اللهُ.»

طبق این روایت در آستانه ظهور مهدی علیه السلام یکی از بزرگان جهان اسلام به نام عبدالله می‌میرد و در امور مسلمین اختلال پیش می‌آید.

در این دوران، پس از مرگ پادشاه سابق اردن که عبدالله نام داشت، فتنه‌هایی در جهان اسلام پدید آمد و با مرگ او اسرائیل باعث شد اختلافات عمیقی میان مسلمانان ایجاد شود.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: فرج شما کی هست؟ فرمود:

«إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَى سُلْطَانُهُمْ - وَ طَمِعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَسْطَمِعُ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْتَتَهَا وَ رَفَعَ كُلُّ ذِي صِيصِيَةٍ صِيصِيَتَهُ وَ ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَ الْيَمَانِيُّ وَ تَحَرَّكَ

۱. بشارة الاسلام: ۱۷۷. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۱۴۳؛ غیبت نعمانی: ۵۶؛ وسائل الشیعه: ۱۱: ۳۷. ۳. بشارة الاسلام: ۲۶۸.

۴. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۱؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۱۰؛ بشارة الاسلام: ۱۲۲؛ الامام المهدی: ۲۳۰.

الْحَسَنِيُّ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؛^۱ وقتی بین فرزندان عباس اختلاف بیفتد و قدرت آنها کم شود و همه بر آنها تسلط یابند و عرب از آنها اطاعت نکنند و هر کس ابزار جنگی بردارد، سفیانی می آید و یمانی پیدا می شود و حسنی حرکت می کند، صاحب این امر ظهور می کند.»

«وَلَتُرْفَعَنَّ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِي أَيُّ مِنْ أَيِّ قَالَ فَبَكَيْتُ ثُمَّ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ تَصْنَعُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الصُّفَّةِ أَتَرَى هَذِهِ الشَّمْسَ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ لِأَمْرِنَا أُبَيِّنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ؛^۲ دوازده پرچم شبیه هم برافراشته می شود که هر کدام از دیگری تشخیص داده نمی شود؛ برخی از یاران گفتند: پس ما چه کنیم؟! نگاهی به نور آفتاب کرد که از روزنه وارد اطاق شده بود و فرمود: به خدا سوگند، امر ما از این آفتاب روشن تر است.»

«بَيْنَمَا النَّاسُ وَقُوفًا بِعَرَقاتٍ إِذْ أَتَاهُمْ رَاكِبٌ عَلَى نَاقَةٍ دِعْلَبِيَّةٍ يُخْبِرُهُمْ بِمَوْتِ خَلِيفَةِ عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَجُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَفَرَجُ النَّاسِ جَمِيعاً؛^۳ وقتی مردم در عرفات وقوف کرده اند، سواری که با وسیله تک سوار از راه می رسد و مرگ خلیفه ای را خبر می دهد، فرج آل محمد ﷺ و فرج همه مردم در آن زمان است.»

اخیراً تعبیر «ناقله» را برای وسایل نقلیه به کار می برند، در این حدیث امام صادق علیه السلام به زبان امروز تعبیر فرموده است.

«دعلبه» به معنی تیز پرواز است که امروز در مورد موتورهای گازی بکار می رود و در گذشته به اسب های تیز تک چابارها می گفتند.

امام علی علیه السلام نیز شبیه این روایت را بیان می کند:

«هَيْهَاتَ الْغَضَبُ هَيْهَاتَ مَوْتَاتُ فِيهِنَّ مَوْتَاتٌ وَرَاكِبُ الدَّعْلَبِيَّةِ وَمَا رَاكِبُ الدَّعْلَبِيَّةِ مُخْتَلِطٌ جَوْفُهَا بِوَضِينِهَا يُخْبِرُهُمْ بِخَبَرٍ يَقْتُلُونَهُ ثُمَّ الْغَضَبُ عِنْدَ ذَلِكَ؛^۴ آخشم دور باشد؛ مرگهایی که مرگ های دیگر را به دنبال دارد و از هر مرگی مرگ دیگر پدید می آید و مردی سوار بر مرکب تندرو که بافت درونی آن بسیار پیچیده است، خبر می آورد که او را می کشند و سپس خشم ها ایجاد می شود.»

وسائط نقلیه امروزی مثل ماشین و هواپیما و دیگر وسائل موتوری بافتی پیچیده دارند و این معنی درست است. فقط خاندان رسالت می توانند این گونه از آینده سخن بگویند.

!

ها

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام

🌸

بسم الله الرحمن الرحيم
موتور الحاضر في ظل

◆

۱. غیبت شیخ طوسی: ۱۴۳؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۴۱؛ بشارة الاسلام: ۱۳۸؛ المهدی: ۱۹۶.

۲. غیبت نعمانی: ۷۷؛ منتخب الاثر: ۲۵۸؛ غیبت طوسی: ۲۰۵؛ اصول کافی: ۱؛ ۳۳۶؛ بحار الانوار: ۵۱؛ الزام الناصب: ۸۰ و ۱۸۹؛

بشارة الاسلام: ۱۵۱. ۳. غیبت نعمانی: ۱۴۲؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۴۰؛ بشارة الاسلام: ۱۲۲.

۴. غیبت نعمانی: ۱۴۲؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۴۰؛ بشارة الاسلام: ۴۲.

کسی که از این خاندان پیروی کند، سعادت‌مند می‌گردد.

سپس امام صادق علیه السلام کشتار در منی را این طور توصیف می‌کند:

«يَحِجُّ النَّاسُ مَعًا، وَيَعْرِفُونَ مَعًا عَلَى غَيْرِ إِمَامٍ. فَيَبْنِيهِمْ نُزُولُ بِنِي يَأْخُذُهُمْ مِثْلَ الْكَلْبِ، فَتُثَوِّرُ الْقَبَائِلُ فِيمَا بَيْنَهَا حَتَّى تَسِيلَ الْعَقَبَةُ بِالدَّمَاءِ، فَيَفْرَعُونَ، وَيَلْوِذُونَ بِالْكَعْبَةِ وَإِذَا بِالْمَهْدِيِّ مُلْصِقٌ وَجْهَهُ بِهَا يَبْكِي وَدُمُوعُهُ تَسِيلُ. فَيَقُولُونَ: هَلُمَّ وَاسِينَاكَ، فَيَقُولُ: وَيَحْكُمُ، كَمْ مِنْ عَهْدٍ قَدْ نَقَضْتُمُوهُ، وَكَمْ مِنْ دَمٍ قَدْ سَفَكْتُمُوهُ، فَيَبَايِعُ كُرْهًا؛^۱ مردم به حج می‌روند و در عرفات حاضر می‌شوند در حالی که امام علیه السلام را بین خود نمی‌بینند، وقتی در منی فتنه سختی برپا شود و همه طایفه‌ها با هم بجنگند و جمره عقبه خونین شود و همه بترسند و به خانه خدا پناه ببرند، ناگهان حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را می‌بینند که صورتش را به کعبه چسبانده و اشک مبارکش بر صورتش می‌ریزد. عرض می‌کنند: به سوی ما بشتاب که تو را به رهبری خود انتخاب می‌کنیم. می‌فرماید: «وای بر شما! چقدر پیمان بستید و شکستید؟! چقدر خون ناحق ریختید؟! سپس او را به او را مجبور می‌کنند که بیعت را قبول کند و با او مراسم بیعت انجام می‌دهند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز شبیه این روایت را بیان کرده است.

«فَإِنْ أَذَرَ كُتْمُوهُ قَبَايِعُوهُ، فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ فِي الْأَرْضِ، وَالْمَهْدِيُّ فِي السَّمَاءِ؛^۲ اگر او را درک کنید، با او بیعت کنید که او هدایتگر زمین و آسمان است.»
«ثُمَّ تَنْقُضُ الْفِتْنُ حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يُصَلِّي الْمَرْءُ لِرَأَاهِ النَّاسِ! فَسَعَلَيْنَاكُمْ بِأَطْرَافِ الْبِلَادِ، وَسَوَاحِلِ الْبِحَارِ، وَمَوَاطِئِ الْأَوْدِيَةِ، وَالْهَرَبِ الْهَرَبِ؛^۳ آنگاه فتنه‌ها فراگیر می‌شود و دیگر کسی خدا را به یکتایی یاد نمی‌کند! نمازگزار برای مردم نماز می‌گزارد در آن هنگام به دشت‌های دوردست و ساحل دریاها و اطراف صحراها پناه ببرید و از اجتماعات دور شوید.»

امام صادق علیه السلام از خطر بمب‌های اتمی سخن گفته و از ما خواسته به جاهایی مثل اطراف شهرها و ساحل دریاها پناه ببریم که از خطر بمب‌ها در امان باشد.

«بَلَدَةٌ بِالشَّامِ. فَقِيلَ: إِنَّ أَعْمَالَ الشَّامِ مُتَّسِعَةٌ. فَقَالَ: بَلَدَةٌ بِأَعْمَالِ الشَّقِيفِ وَبُيُوتِ وَرُبُوعِ تُعْرَفُ بِسَوَاحِلِ الْبِحَارِ وَأَوْطَانَةِ الْجِبَالِ. قِيلَ هُوَ لَاءِ شِيَعَتِكُمْ؟ فَقَالَ: هُوَ لَاءِ شِيَعَتِنَا حَقًّا، وَهُمْ أَنْصَارُنَا وَإِخْوَانُنَا، وَالْمَوَاسُونَ لِعَرِينِنَا، وَالْحَافِظُونَ لِسِرِّنَا، وَالْأَيَّةُ قُلُوبُهُمْ لَنَا، وَالْقَاسِيَةُ قُلُوبُهُمْ عَلَيَّ أَعْدَانُنَا. وَهُمْ كَسُكَّانِ السَّفِينَةِ فِي حَالِ غَيْبَتِنَا. تَمَحَّلُ الْبِلَادُ دُونَ بِلَادِهِمْ، وَلَا يُصَابُونَ بِالصَّوَاعِقِ. يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَعْرِفُونَ اللَّهَ

حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَ يُسَاوُونَ بَيْنَ إِخْوَانِهِمْ. أُولَئِكَ الْمَحْرُومُونَ، الْمَغْفُورُ لِحَبِيهِمْ وَ مَتَّبِعِهِمْ، وَ ذَكَرَهُمْ وَ أَتَاهُمْ، وَ لِأَسْوَدِهِمْ وَ أَبْيَضِهِمْ، وَ حُرِّهِمْ وَ عَبْدِهِمْ. وَإِنَّ فِيهِمْ رِجَالًا يَنْتَظِرُونَ، وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَنَظِّرِينَ؛ شهری در شام وجود دارد. گفته شد: در شام شهرهای زیادی هست. فرمود: شهری به نام «ارنون» در منطقه شقیف می باشد که در اطراف آن روستاهای زیادی در ساحل دریا و مناطق کوهستانی وجود دارد. گفته شد: آن ها شیعیان شما هستند؟ فرمود: آری آن ها شیعیان حقیقی ما هستند، آن ها یاران و برادران ما هستند. آن ها نزدیکان هستند که اسرار ما را حفظ می کنند. دلهايشان برای ما نرم است و برای دشمنان ما بسیار سخت است. آن ها در زمان غیبت ما مانند سرنشینان کشتی هستند، در همه شهرها خشکسالی می شود، ولی آنجا خشکسالی نمی آید، هرگز صاعقه به آن ها آسیب نمی رساند، آن ها امر به معروف و نهی از منکر می کنند و خدا را به شایستگی می پرستند و میان برادرانشان عدالت را رعایت می کنند، آن ها مورد رحمت الهی هستند، زنده و مرده آن ها آمرزیده است، مرد و زنشان، سیاه و سفیدشان، آزاد و بنده، شامل بخشش الهی است. در میان آن ها مردان منتظر هستند که هر لحظه انتظار فرج ما را می کشند و خداوند منتظران را دوست دارد.»

سرزمینی که امام صادق علیه السلام از آن سخن گفته، جبل عامه در جنوب لبنان است که مرز آن را این گونه است:

از طرف مشرق، یک خط فرضی از قلعه شقیف ارنون تا غرب بنت جبیل.
از طرف مغرب، سواحل دریای مدیترانه از صور تا زهرانی.
از طرف جنوب، یک خط فرضی از جنوب صور تا نزدیکی بنت جبیل.
و از طرف شمال، یک خط فرضی از نبطیه تا زهرانی.

شکر خدا ما هم از این منطقه هستیم. انشاء الله خداوند ما را در ولایت ائمه و انتظار فرج مهدی علیه السلام، ثابت قدم بدارد.

تشبیه مردم جبل عامل به ساکنان کشتی، بیان می کند که همان طور که ساکنان کشتی تحت تأثیر امواج هستند، مردم جبل عامل هم گرفتار حوادث هستند ولی از حوادث آخرالزمان در امان هستند.

«إِذَا رَأَيْتَ الْفِتْنَةَ بِالشَّامِ قَالَمَوْتُ الْمَوْتُ حَتَّى يَتَحَرَّكَ بَنُو الْأَصْفَرِ فَيَسِيرُونَ إِلَى بِلَادِ الْعَرَبِ، فَتَكُونُ بَيْنَهُمُ الْوَقَائِعُ؛^۱ وقتی فتنه در شام ایجاد شود، کشت و کشتار آغاز

می شود تا یهود قیام کنند و به ممالک عربی حمله کنند و آنگاه حوادثی اتفاق می افتد.»
 اکنون در لبنان این کشتار توسط اسرائیل صورت می گیرد.
 «تُظَلُّكُمْ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، لَا يَبْقَى بَيْتٌ مِنْ بُيُوتِ الْمُسْلِمِينَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، إِلَّا دَخَلَتْهُ، لَا يَخْلُصُ مِنْهَا إِلَّا مَنْ اسْتَنْظَلَ بِظِلِّ أَفْنَانٍ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْبَحْرِ. فَلَا سَلْمَ لِلنَّاسِ مِنْ تِلْكَ الْفِتْنَةِ مَوْطِئُ الثَّلَالِ وَالسَّيْفِ وَالْأَنْجَى السَّاحِلُ وَالْحِجَازُ؛^۱ فتنه ای مانند قطعات شب یلدا، افق زندگی شمارا تاریک می کند، خانه ای در شرق و غرب جهان از خانه های امت اسلامی باقی نمی ماند مگر این که این فتنه وارد می شود. کسی از این فتنه سالم نمی ماند مگر این که به درختان ساحل دریا پناهنده شود. محل امن برای فرار از این فتنه، قله های کوه و ساحل دریاست، و امن ترین ساحل، سرزمین حجاز است.»
 طبق این روایت، برای فرار از وقایع آخرالزمان، باید به قله کوه ها و ساحل دریا و جنگل ها پناه برد.

«أَنْجَى النَّاسِ مِنْ فِتْنَةِ الصَّيْلَمِ أَهْلُ السَّاحِلِ وَأَهْلُ الْحِجَازِ؛^۲ سالم ترین مردم از فتنه بزرگ و فراگیر، مردم ساحل و اهل حجاز هستند.»

در این روایت امام صادق علیه السلام، از این فتنه با عنوان «صیلم» تعبیر نموده که در لغت به معنای فاجعه بزرگ و فتنه فراگیر است که شاید فتنه رژیم اسرائیل در فلسطین باشد و یا فتنه های سیاسی و آشوب های حزبی و دیگر درگیری های شرق و غرب که آسایش و آرامش را از مسلمانان سلب کرده است.

فاجعه فراگیر، بمب های اتمی و نیدروژنی است که اثرات آن به قله کوه و ساحل دریا می رسد.

«لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ كَيِّنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ لَنْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛^۳ ناچار قبل از ظهور قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سالی می آید که مردم گرفتار گرسنگی می شوند و وحشت شدیدی از گشت و کشتار، و کمی جان و مال و میوه داشته باشند، همان طور که در کتاب خدا به روشنی آمده است ﴿هَرَأَيْتُمْ شَمَارًا يَتَرَسُّ وَ غَرَسَنِي، وَ كَمَى مَالٍ وَ جَانٍ وَ مَيُوهٍ، امْتِحَانٌ مِي كُنِيْمٍ، بِه صِيْر كُنُنْدِكَا ن بَشَارَتٌ بَدَه.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می فرماید:

۱. الملاحم والفتن: ۳۸؛ بشارة الاسلام: ۱۰۹. ۲. الملاحم والفتن: ۳۸؛ بشارة الاسلام: ۱۰۹.

۳. غیبت نعمانی: ۱۳۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۲۹؛ بشارة الاسلام: ۱۱۸؛ الزام الناصب: ۱۸.

«الْجُوعُ خَاصٌّ وَ عَامٌّ فَأَمَّا الْخَاصُّ مِنَ الْجُوعِ فَبِالْكَوْفَةِ وَ يَخُصُّ اللَّهُ بِهِ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ فَيَهْلِكُهُمْ وَ أَمَّا الْعَامُّ فَبِالشَّامِ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ وَ جُوعٌ مَا أَصَابَهُمْ مِثْلُهُ قَطُّ وَ أَمَّا الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْخَوْفُ فَبَعْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ اگر سنگی دو نوع است: گرسنگی خاص و گرسنگی عام. گرسنگی خاص در کوفه اتفاق می افتد و مخصوص دشمنان آل محمد ﷺ است و آن هارا هلاک می کند. گرسنگی عام در شام اتفاق می افتد و آن هارا آنچنان دچار ترس و گرسنگی می نماید که هرگز مانند آن را ندیده باشند. گرسنگی قبل از قیام قائم ﷺ است، ولی ترس و نگرانی بعد از قیام آن حضرت است.»

طبق این روایت، فتنه سفیانی و شورش های آن، این ترس را به وجود می آورد.

آنگاه امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَعْشَارِ النَّاسِ؛ این امر اتفاق نمی افتد مگر بعد از آن که نه دهم مردم از بین بروند.»

در روایات مختلف، همین تعداد بیان شده است.

روایات امام زمان علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام در نامه ای از ناحیه مقدسه به شیخ مفید علیه السلام می نویسد:

«قَفِ أَمَدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا نَذَرْتَهُ وَ اعْمَلْ فِي تَأْدِيبِهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ بِمَا نَزَسْتَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ نَحْنُ وَ إِنْ كُنَّا تَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي أَرَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَ مَعْرِفَتْنَا بِالزَّلَلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ مَذْجَحَ كَثِيرٍ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعاً وَ تَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ مِنْهُمْ وَ رَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانَتْهُمْ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَّالُهُ وَ ظَاهِرُونَا عَلَى اتِّبَائِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاغَتْ عَلَيْكُمْ يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حُمَّ أَجَلُهُ وَ يُخْمَى عَلَيْهِ مَنْ أَدْرَكَ أَمَلُهُ وَ هِيَ أَمَارَةٌ لِأَرْوَفِ حَرَكْتِنَا وَ مُبَيِّنَةٌ بِأَمْرِنَا وَ نَهْيِنَا وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...؛ آنچه را یادآور می شویم توجه کن، طبق آن عمل کن و به هر کس از افراد مورد اعتماد دسترسی پیدا کنی، مضمون آن را بیان کن. اگر چه مادر جای مخصوصی به دور از جایگاه ظالمان، سکونت داریم - خداوند مصلحت ما و شیعیان ما را در این دیده است که تا هنگامی که حکومت جهان به دست ظالمان است این چنین

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۲۹؛ بشارة الاسلام: ۹۱؛ الزام الناصب: ۱۸؛ غیبت نعمانی: ۱۳۳.

۲. غیبت نعمانی: ۱۴۶؛ الزام الناصب: ۱۷۸؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۴۴؛ بشارة الاسلام: ۱۲۶.

۳. احتجاج طبرسی ۲: ۴۹۸؛ بحار الانوار ۵۳: ۱۷۵؛ الزام الناصب: ۱۳۶؛ الامام المهدی: ۲۶۳؛ مقدمه ارشاد مفید

باشیم - ولی از اخبار شما آگاهیم و چیزی از اخبار شما برای ما پنهان نیست و از گرفتاری‌های شما خبر داریم، این سختی‌ها از زمانی شروع شد که عده‌ای از شما کارهای نادرستی که گذشتگان از آن دور بودند، انجام داده‌اند. آن‌ها پیمانی را که خداوند از آن‌ها گرفته، پشت سر انداختند، گویا از این پیمان هیچ اطلاعی ندارند! ما شما را رها نکرده‌ایم و به یاد شما هستیم، و گرنه دشواری‌ها بر شما وارد می‌شود و دشمنان شما را نابود می‌کنند. از خداوند بزرگ تقوا داشته باشید و ما را برای برطرف کردن ناراحتی‌ها یاری کنید. این فتنه‌ای که هر کس بمیرد، نابود می‌شود و هر کس به آرزوی رسیدن، از فتنه در امان است، نشانه نزدیک شدن نهضت ما و تلاش شما در اجرای اوامر و نواهی ماست. خداوند نور خود را کامل می‌کند، حتی اگر مشرکان خوشحال نشوند. از طریق تقیه، از افکار نادرست و تعصیبات نژادی اموی در امان باشید. من ضمانت می‌کنم کسی که گرفتار این هلاکت نکند، نجات می‌یابد. وقتی ماه جمادی الاول برسد، حادثه‌ای رخ می‌دهد؛ دقت کنید و برای اتفاقات بعدی آماده شوید. به زودی نشانه‌ای بزرگ در آسمان برای شما ظاهر می‌شود و سپس نشانه‌ای بزرگ در زمین پیدا می‌شود و در مشرق، اتفاقاتی سخت رخ می‌دهد که باعث ناراحتی و نگرانی می‌شود. عده‌ای در عراق با کارهای ناشایست خود باعث ایجاد قحطی و کمبود می‌شوند. سپس با نابودی ستمگران، این وضع پایان می‌یابد و نیکوکاران خوشحال می‌شوند. سپس کسانی که به حج می‌روند، به اهداف خود می‌رسند و با موفقیت برمی‌گردند. پس تلاش کنید تا به ما نزدیکتر شوید و از هر چیز که برای ما خوشایند نیست و باعث خشم ما می‌شود دوری کند، که ظهور ما ناگهانی و بدون مقدمه صورت می‌گیرد و توبه سودی ندارد و از چنگال عدالت نمی‌توان فرار کرد. خداوند راه هدایت را به شما نشان بدهد و با رحمت بی‌کران خود شما را مورد توجه و عنایت خود قرار دهد.

امام مهدی علیه السلام سال‌ها قبل درباره حوادث آخرالزمان، توصیه می‌کند که از فتنه‌ها دور شویم و تقیه داشته باشیم.

تورات

«و خداوند می‌گوید که در همه زمین دو سوم می‌میرند، و یک سوم در آن باقی خواهد ماند. و قسمت سوم را از آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل فال گذاشتن نقره، فال خواهم گذاشت و مثل پاک ساختن طلا، ایشان را پاک خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من جواب ایشان را خواهم داد و می‌گویم که ایشان قوم من هستند و ایشان

در پناه حضرت
قال
فی القاموس

خواهند گفت که خدای ما می باشد.»^۱

انجیل لوقا

و در انجیل می خوانیم:

«و در آفتاب و ماه و ستارگان نشانه هایی است و بر زمین به خاطر شوریدن دریا و امواجش، تنگی و نگرانی برای امت ها اتفاق می افتد و دل های مردم از ترس ضعیف خواهد شد.»^۲

فتنه های خارجی

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر ﷺ می فرماید:

«يُوشِكُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ الْأُمَمُ تَدَاعَى الْأَكَلَةِ عَلَى قَصْعَتِهَا وَأَنْتُمْ كَثِيرٌ وَلَكِنَّكُمْ غُثَاءٌ كَغُثَاءِ السَّيْلِ.. وَكَيْتَرَ عَنِ اللَّهِ مِنْ صُدُورٍ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةِ مِنْكُمْ، وَلَيَقْذِفَنَّ فِي قُلُوبِكُمْ الْوَهْنَ، مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةِ الْمَوْتِ؛^۳ نزدیک است که ملت ها برای گرفتن منابع شما به طرف شما بیایند و منابع شما را مثل گوشت قربانی بین خود تقسیم کنند. آن روز تعداد شما بسیار زیاد است ولی مانند خس و خاشاک در روی کف سیل هستید. خداوند هیبت شما را از دل دشمنانتان بیرون می آورد و ضعف و تنبلی را در دل شما می اندازد، به دنیا علاقمند می شوید و از مرگ فرار می کنید.»

و

در سوره حضرت مهدی قائم علیه السلام

در عصر ما ملت ها تلاش می کنند تا به کشورهای اسلامی نزدیک شوند تا منابع آن ها را غارت کنند. امت اسلامی هم دچار اختلاف نظر شده و همه منابع زیرزمینی آن ها غارت می شود و گرفتار نقشه های شیطانی استعمارگران شده اند.

«إِذَا رَأَيْتُمْ أَوَّلَ التُّرُكِ بِالْجَزِيرَةِ فَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى تَهْزِمُوهُمْ، أَوْ يَكْفِيَكُمْ اللَّهُ مَوْتَهُمْ. فَإِنَّهُمْ يَفْضَحُونَ الْحَرَمَ، وَهُوَ عَلَامَةُ خُرُوجِ أَهْلِ الْمَغْرِبِ، وَانْتِقَاضِ مُلْكِهِمْ يَوْمَئِذٍ؛^۴ وقتی اولین سپاه ترک را در جزیره دیدید، با آن ها بجنگید تا آن ها را شکست بدهید، یا خداوند شما را از دست آن ها حفظ کند، وگرنه آن ها به حریم حرم تجاوز می کنند، و آن نشانه خروج اهل مغرب و شکسته شدن عظمت و سلطنت آن ها در آن روزگار است.»

منظور از ترک

منظور از «ترک» قبیله «ترک بن یافث بن نوح» است که امروزه در مغولستان، پنجاب، ترکیه، ترکستان، سیبری، قزوین، افغانستان، هند و برخی از ایالت های روسیه زندگی می کنند. حتی ممالک غربی را نیز شامل می شود که فرآورده های صنعتی خود را

۱. تورات، کتاب زکریای نبی، باب ۱۳ بندهای ۸ و ۹. ۲. انجیل لوقا، باب ۲۱ بندهای ۲۵ و ۲۶.

۳. الملاحم والفتن: ۱۲۹ و ۱۶۶. ۴. الملاحم والفتن: ۳۳.

همراه با انحرافات اخلاقی به سوی کشورهای اسلامی می‌برند و بی بند و باری را به نام آزادی، و بی عفتی را به نام تمدن میان جوانان رایج کرده‌اند. تعبیر تجاوز به حریم حرم، در زمان ما شامل حال یهودیان است که به حریم مسجد اقصی تجاوز کرده‌اند.

«إِذَا أَقْبَلَتْ فِتْنَةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَ فِتْنَةٌ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَ التَّقْوَا، فَبَطَنُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مِنْ ظَهْرِهَا. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا إِلَّا جُحْرَ عَقْرَبٍ فَادْخُلُوا فِيهِ، فَإِنَّهُ يَكُونُ شَرًّا طَوِيلًا؛^۱ وقتی فتنه‌ای از مشرق اتفاق بیفتد و فتنه‌ای از مغرب به وجود آید و این دو فتنه به یکدیگر برسند، در آن زمان درون زمین بهتر از بیرون آن است. اگر پناهگاه دیگری جز لانه عقرب پیدا نکنید به آنجا پناه ببرید که فتنه‌های طولانی پدید خواهد آمد.»

منظور از «درون زمین بهتر از بیرون آن است»، پناه بردن به پناهگاه‌های زیرزمینی است تا بتوان از شر بمب‌ها، موشک‌ها و دیگر خطرات محفوظ ماند. در برخی دیگر از احادیث به قله کوه‌ها اشاره شده، که بعد از پناهگاه زیرزمینی، تنها راه فرار از خطرات، پناه بردن به کوهستان‌ها می‌باشد. اگر انسان با حفظ کرامت انسانی و عقاید پاک اسلامی درون زمین باشد، بهتر از آن است که با شرق و غرب همراه شود.

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الْمَشْرِقِ ثُمَّ مِنَ الْمَغْرِبِ! مَا مِنْ أَهْلِ ذِمَّتِكُمْ قَوْمٌ أَشَدَّ عَلَيْكُمْ فِى تِلْكَ الْبَلَايَا مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِيَّةِ أَصْحَابِ الْمِلْحِ وَالْعُسُولِ. إِنَّ الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَائِهِمْ لَتَطْعَنُ الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ تَقُولُ: أُعْطُوا الْجَزِيَّةَ!؛^۲ پناه می‌برم به خدا از فتنه مشرق و فتنه مغرب، میان هم‌پیمانان شما گروهی نیست که از فتنه شرقی‌ها برای شما خطرناک‌تر باشند که آن‌ها به دنبال نمک و عسل هستند، زن‌های آن‌ها به زنان مسلمان طعنه می‌زنند و از آن‌ها جزیه می‌خواهند!»

در این حدیث از هم‌پیمانان شرقی و غربی سخن گفته شده که منابع ثروت ما را غارت می‌کنند و به اعتقادات ما اهانت می‌کنند.

«لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَجَمَ فَلَيَضْرِبُنَّ أَعْنَاقَكُمْ، وَ لَيَأْكُلُنَّ فَيْئَاكُمْ، وَ لَيَكُونُنَّ أَشَدَّ لَكُمْ يَبْرُونَ؛^۳ امر به معروف کرده، نهی از منکر کنید و گرنه خداوند، اقوام غیر عرب را بر شما مسلط می‌کند، گردن‌های شما را می‌زنند، منابع شما را می‌خورند و مانند شیر خشمگین به شما حمله می‌کنند و هرگز از شما دور نمی‌شوند.»

«يُشْرِعُ التُّرُكُ عَلَى الْفُرَاتِ. فَكَأَنِّي بَدَا إِلَيْهِمُ الْمُعْضَفَرَاتِ يَضْطَفِفْنَ عَلَى نَهْرِ الْفُرَاتِ!؛^۴

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۱۶۲، الملاحم والفتن: ۳۰. ۲. الملاحم والفتن: ۳۰. ۳. الملاحم والفتن: ۳۰. ۴. الملاحم والفتن: ۶۴ و ۷۲.

سپاه ترک به سوی فرات می‌روند، گویی مرکب‌های آن‌ها را می‌بینم که به رنگ زرد ارغوانی است و در کنار رودخانه فرات صف کشیده‌اند.»

در این حدیث، منظور از مرکب زرد ارغوانی، توپ و تانک و دیگر تجهیزات ارتشی است.

«كَأَنِّي بِالتُّرْكِ عَلَى بَرَاذِينَ مُخَذَّمَةٍ الْأَذَانِ، حَتَّى يَرْبِطُوهَا بِشَطِّ الْفُرَاتِ!؛ گویی ترکان را با چشم خود روی یابوهای تیز تک می‌بینم، که در کنار رود فرات آن‌ها را بسته‌اند.»
«مخدمه الاذان» به معنی «گوش بریده» است و در وسائط نقلیه امروزی شکل گوش ساخته نشده و گیرنده صوت ندارد. معنی دیگر آن «سریع السیر» است که بزرگ‌ترین ویژگی این وسائط است.

«لَيَرِدَنَّ التُّرُكُ الْجَزِيرَةَ، حَتَّى تُسْقَى حَيْلُهُمْ مِنَ الْفُرَاتِ. فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الطَّاعُونَ فَيَقْتُلُهُمْ فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ. وَيَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثَلْجًا فِيهَا صِرٌّ وَرِيحٌ وَجَلِيدٌ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ.. فَيَرْجِعُ الْمُسْلِمُونَ إِلَى أَصْحَابِهِمْ فَيَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَهُمْ وَكَفَاكُمُ شَرَّهُمْ! بدون شک سپاه ترک وارد جزیره العرب خواهد شد تا اسب‌هایشان از رود فرات سیراب شوند، سپس خداوند آن‌ها را گرفتار طاعون می‌کند و همه به سبب طاعون می‌میرند و حتی یک نفر از آن‌ها باقی نمی‌ماند. خداوند بر آن‌ها برف و تگرگ همراه با سرمای سوزان و طوفان سخت نازل می‌کند و همه روی زمین می‌افتند. مسلمانان به یکدیگر مزه می‌دهند که خداوند آن‌ها را هلاک کرد و شر آن‌ها را از شما کوتاه نمود.»

این نشانه‌ها در جنگ قرقیسیا رخ داد.

«لِلتُّرْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ لَا يَنْهَتُهُمْ دُونَ الْفُرَاتِ شَيْءٌ دُونَ الْقَطِيعَةِ، أَصْحَابُ مُلَاحِمِهِمْ وَ قَرْسَانَ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ قَيْسُ عَيْلَانَ، فَتَشْتَأُصِلُهُمْ. لَا تُرْكُ بَعْدَهَا!؛ ترک‌ها دو جنبش دارند که در یکی از آن‌ها فقط کشتار میان آن‌ها و رود فرات فاصله می‌اندازد. جنگ جو و تک سوار در آن روز «قیس عیلان» است، ترک‌ها آن روز چنان نابود می‌شوند که دیگر ترکی روی زمین باقی نمی‌ماند.»

پیامبر ﷺ به تسلط ترک‌ها در زمان ما اشاره می‌کند، سپس پیروزی قیس عیلان (مصر و هم پیمانان او) بر اسرائیل و نابودی آن‌هاست.

در جنگ جهانی که بین شرق و غرب یعنی روسیه، سبیری، اروپای شرقی، قاره‌های آمریکا و اقیانوسیه و غرب و جنوب آفریقا اتفاق می‌افتد، ترک‌ها باقی نمی‌مانند. شاید بمب‌های اتمی و تیدروژنی آن‌ها را نابود کند.

۱۰

در سپاه حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱۱

بوم الحارثی ظل

♦

«لِلتُّرْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ فِيهَا خَرَابُ آذْرِبَيْجَانَ وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ يُخَيِّفُونَ ذَوَاتِ الْحِجَالِ فَيَنْصُرُ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ. فِيهِمْ ذَنْبُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ؛ ترك‌ها دو جنبش دارند که در یکی از آنها آذربایجان ویران می‌شود و در دیگری وارد جزیره‌العرب می‌شوند و زنان را می‌ترسانند. خداوند مسلمانان را پیروز می‌کند که کشتار بزرگ الهی در آن روز است.»

جنبش اول در زمان ما و هنگام اشغال آذربایجان توسط روس انجام گرفت و نشانه‌های جنبش دوم آشکار خواهد شد.

«سَتُؤَخَذُ أُمَّتِي أَخْذَ الْأُمَّةِ قَبْلَهَا: شَبْرًا بِشَبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ. حَتَّى لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبِّ لَا تَبْعَتْهُمْ؛ گرفتاری‌های امت‌های گذشته، شما را هم گرفتار می‌کند، اگر آنها به لانه سوسماری وارد شده‌اند، شما نیز بی شک وارد خواهید شد.»

این حدیث این چنین هم آمده است:

«لَتَبْعَنَّ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ شَبْرًا بِشَبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ حَتَّى لَوْ دَخَلُوا فِي جُحْرِ ضَبِّ لَا تَبْعَتْهُمْ؛^۱ قدم به قدم، بر جای پای امت‌های گذشته پا خواهید گذاشت، و جب به جب، ذراع به ذراع، مو به مو؛ حتی اگر آنها به لانه سوسماری رفته باشند، شما نیز خواهید رفت.»

امروزه کشورهای اسلامی در دام استعمارگران گرفتار می‌شوند و مسلمانان فرصت‌ها را غنیمت نمی‌دانند ولی دشمن از فرصت‌ها به خوبی استفاده می‌کند و تا وقتی غافل باشیم، فرار از لانه‌ای به لانه دیگر فایده ندارد. عده زیادی از مسلمانان از دین خارج شده‌اند و به دشمنان فرصت می‌دهند تا امت‌های اسلامی را استثمار کنند.

«إِذَا اسْتَكَارَتْ عَلَيْكُمْ الرُّومُ وَ التُّرْكُ وَ جَهَّزَتِ الْجُيُوشُ ثُمَّ يَتَخَالَفُ التُّرْكُ وَ الرُّومُ وَ تَكْتُرُ الْحُرُوبُ؛^۲ وقتی ترک‌ها و رومی‌ها علیه شما بسیج شوند و سپاه تشکیل دهند، آنگاه ترک و روم با یکدیگر نبرد می‌کنند و جنگ‌های بسیار اتفاق می‌افتد.»

امروزه روم که همان یهود است، سرزمین مسلمانان را اشغال کرده است. دشمنان دیگر هم از شرق و غرب به کشورهای اسلامی حمله می‌کنند و هر یک به نوعی برای غارت منابع اقتصادی مسلمانان همکاری می‌کنند.

امروز رژیم اشغالگر قدس از طرف آمریکا و جنایتکاران دیگر حمایت می‌شود ولی روزی می‌آید که حتی یک نفر یهودی روی زمین باقی نمی‌ماند، چنانکه در قرآن آمده:

۱. الملاحم والفتن: ۳۲، ۶۹، ۷۲ و ۷۴. ۲. بحار الانوار: ۵۳: ۱۴۰؛ صحیح مسلم: ۵۷: ۸. ۳. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۸؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۰۸؛ بشارة الاسلام: ۱۷۶.

در ستاره حضرت

بَنِي الْأَصْفَرِ فَيَغْدُرُونَ فَيَأْتُونَكُمْ تَحْتَ ثَمَانِينَ غَايَةً؛^۱ در آستانه ظهور خود را برای شش
 حادثه آماده کن: کشت و کشتار؛ فتح بیت المقدس؛ دو کشتار دیگر که شما را مانند
 گوسفند سر ببرند؛ فتنه‌ای که به هر خانه‌ای از امت عرب وارد می‌شود؛ پیمان صلحی
 میان شما و نژاد زرد که شما را فریب می‌دهند و با هشتاد پرچم با شما می‌جنگند.
 «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيَلْبِنَنَّ أُمَّتِي قَوْمٌ، إِذَا تَكَلَّمُوا قَسَلَوْهُمْ، وَإِنْ سَكَتُوا انْتَبَاحَوْهُمْ.
 لَيَسْتَأْتِرُنَّ بِنَفْسِهِمْ، وَلَيَطَّأَنَّ حُرْمَتَهُمْ، وَلَيَسْفِكَنَّ دِمَاءَهُمْ، وَلَيَمْلَأَنَّ قُلُوبَهُمْ دَغْلًا وَرُغْبًا،
 فَلَا تَرَاهُمْ إِلَّا خَائِفِينَ وَجِلِينَ مَرْعُوبِينَ! عِنْدَهَا يَجِيءُ قَوْمٌ مِّنَ الْمَشْرِقِ وَقَوْمٌ مِّنَ
 الْمَغْرِبِ يَلُونَ أُمَّتِي فَالْوَيْلُ لِمَنْ لَضَعَفَاءِ أُمَّتِي مِنْهُمْ، وَالْوَيْلُ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ لَا يَزْحَمُونَ صَغِيرًا
 وَلَا يُوقِرُونَ كَبِيرًا، وَلَا يَتَجَاوُونَ عَنْ شَيْءٍ. جُثَّتْهُمُ جُثَّتُ الْأَدَمِيِّينَ، وَقُلُوبُهُمْ قُلُوبُ
 الشَّيَاطِينِ؛^۲ سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، افرادی امور امت را در دست
 می‌گیرند که اگر مردم حرف بزنند، آن‌ها را می‌کشند، اگر ساکت شوند، همه چیز آن‌ها را
 مباح می‌شمارند، ثروت آن‌ها را غارت می‌کنند، به حریم آن‌ها تجاوز می‌کنند، خون
 آن‌ها را می‌ریزند، و دل آن‌ها را با ترس و وحشت پُر می‌کنند. آن‌ها را ترسان و لرزان
 می‌بینی، در وجود آن‌ها فقط ترس و اضطراب می‌بینی. در آن زمان، عده‌ای از شرق و
 عده‌ای از غرب آمده و امور آن‌ها را به دست می‌گیرند؛ آن روزوای برضعیفان امت! چرا
 که آن‌ها بر کودکان رحم نمی‌کنند و به بزرگ‌ترها احترام نمی‌گذارند و از چیزی
 چشم‌پوشی نمی‌کنند. چهره آن‌ها چهره آدمیان است و دل آن‌ها دل شیاطین می‌باشد.
 این سخنان را تنها بهترین آفریده‌ها و از آن چه به آن‌ها وحی شده، بیان می‌کنند.
 امروزه بسیاری از این وقایع اتفاق افتاده و اموال مسلمانان غارت شده و خون آن‌ها مباح
 شمرده می‌شود.

«تَنْزِيلُ الثُّرُكُ الْجَزِيرَةِ، وَ تَنْزِيلُ الرُّومِ فِلسطین؛^۳ ترک وارد حیره می‌شود و روم در
 فلسطین ساکن می‌شود.»

در عصر ما فلسطین توسط یهود اشغال شده است.

«هَلْ سَمِعْتُمْ بِمَدِينَةٍ جَانِبِ مِنْهَا فِي الْبَحْرِ؟. قالوا: نعم.. قال لا تقوم الساعة حتى يغزوها
 سبعون ألفاً من بني إسحاق؛^۴ آیا شهری را شنیده‌اید که یک کناره آن دریاست؟ گفتند:
 آری. فرمود: قیامت برپا نمی‌شود مگر این که هفتاد هزار نفر از فرزندان اسحاق
 (اسرائیل) در آنجا بجنگند.»

۱. الزام الناصب: ۲۲۵؛ بشاره الاسلام: ۳۵. ۲. منتخب الاثر: ۴۲۳؛ بشاره الاسلام: ۲۵.

۳. اختصاص مفید: ۲۵۵؛ الزام الناصب: ۱۸۲؛ المحجة البيضاء: ۲؛ ۳۴۳؛ المهدي: ۱۹۶؛ بشاره الاسلام: ۱۰۲ و ۱۷۵.

۴. صحیح مسلم: ۸؛ ۱۸۷.

نام این شهر در یک روایت «عکا»^۱ و در روایتی دیگر «ایله» آمده است. در قرآن کریم آمده است:

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا؛ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا؛ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا؛ فرزندانش اسرائیل را در کتاب تورات آگاه کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد و برتر خواهید شد، برتری بزرگی؛ وقتی زمان یکی از آن دو برسد، بندگانی از ما برای شما فرستاده می‌شود که آن‌ها که نیروی زیادی دارند، میان شهرها می‌گردند و آن وعده، حتمی و امکان‌پذیر بود؛ پس شما را بر آن‌ها مسلط می‌کنیم و شما را با اموال و فرزندان کمک کردیم و تعداد شما بیشتر از دشمنان است.﴾

خداوند خواسته که بنی اسرائیل دو بار در زمین ظلم می‌کنند و مردم که ناراضی هستند، در صدد انتقام برمی‌آیند. در زمان ظلم اول، خداوند مردانی نیرومند بر آن‌ها مسلط می‌کند که آن‌ها نابود می‌کنند و حرمت خانه‌هایشان را نگه نمی‌دارند و آن‌ها را اسیر و ذلیل و وحشت زده می‌کنند و سال‌های طولانی از سرزمین خود آواره می‌کنند. این وعده حتمی خداوند در زمان شخصی به نام بُخْتَنْصِر اتفاق افتاده است که آن‌ها را نابود و اسیر کرد. اما دوباره در عصر ما یهود قدرتمند شده و فلسطین را اشغال کرده است. یهود با کمک آمریکا روز به روز بر ظلم خود در فلسطین می‌افزاید.

﴿وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا؛^۲ پس از آن به بنی اسرائیل گفتیم: در آن سرزمین ساکن شوید، وقتی وعده بعدی محقق شود، شما را با هم می‌آوریم.﴾

اکنون سالیان طولانی است که یهود در فلسطین ساکن شده و با هم نابود خواهند شد و در آخرالزمان مهدی علیه السلام با عدالت خود، آن‌ها را از بین می‌برد.

﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا؛^۳ وقتی وعده آخر برسد، تا چهره‌های شما را غمناک کنند و وارد مسجد الاقصی شوند، همان‌طور که بار اول وارد شدند، و به هر چیز برسند، آن را به شدت نابود کنند.﴾

۱. عکا یکی از شهرهای فلسطین اشغالی در ساحل دریای مدیترانه است. ایله یا ایلات، یکی از شهرهای بندری اردن در کرانه دریای سرخ و در شمال عقبه است. ۲. سوره مبارکه اسراء، آیات ۴-۶. ۳. سوره مبارکه اسراء، آیه ۱۰۴. ۴. سوره مبارکه اسراء، آیه ۷.

دوران در هاب
در ستاره حضرت
مهدی قائم علیه السلام
تتمت الحاشیة فی الظاهر المأثور

اکنون یهود در مسجد الاقصی جمع شده‌اند و همه چیز را نابود می‌کنند و به مقدسات احترام نمی‌گذارند. عده‌ای از مفسران می‌گویند وعده دوم، در زمان بختنصر است ولی آیات آن را رد می‌کند، زیرا آیات اول سوره اسراء با نظام خاصی مراحل تسلسلی قوم اسرائیل را آورده، که با گذشت زمان، تحقق یافته است و شکی در آن نیست که حوادث عهد بختنصر با وعده اول الهی منطبق است و دومین مرحله آن در زمان ما به وقوع می‌پیوندد که در آخر سوره اسراء وعده داده شده که آن‌ها در یک جا جمع می‌شوند و هلاک می‌گردند.

طبق آیات، این وعده‌ها مربوط به بعد از صدر اسلام می‌باشد، و نیز فقط داستان یهود در گذشته را بیان نمی‌کند، بلکه آینده را مطرح می‌کند که در زمان ما تحقق می‌یابد و اگر در این آیات سوره اسراء توجه کنیم، می‌فهمیم که این تحقق این وعده‌ها حتمی است. در تورات نیز درباره این وعده و نابودی اسرائیل آمده است:

«خداوند به او گفت: از میان شهر، یعنی اورشلیم عبور کن و بر پیشانی کسانی که به خاطر زشتی‌هایشان ناله می‌کنند، نشانی بگذار. و به آنان از طرف من گفت: به دنبال او از شهر عبور کنید و نابود کنید و با مهربانی نگاه نکنید و رحم نکنید. پیران و جوانان و کودکان و زنان را بکشید، اما به هر کس که این نشان را دارد، نزدیک نشوید و از قدس من شروع کنید... وقتی ایشان می‌کشتند و من باقی مانده بودم، به سجده رفتم و استغاثه نمودم و گفتم: ای خداوند بیهوده، آیا وقتی بر اورشلیم خشمگین شوی، بنی اسرائیل را هلاک می‌کنی. او جواب داد: گناه بنی اسرائیل و یهود بسیار بزرگ است و در زمین کشتار و ظلم کرده‌اند... پس با چشم مهربانی به آن‌ها نگاه نمی‌کنم و من رحم نخواهم فرمود، بلکه مانند خودشان با آن‌ها رفتار خواهم کرد.»^۱

طبق این متن، با بنی اسرائیل مانند خودشان رفتار خواهد شد؛ آن‌ها به پیر و کودک و زن، رحم نکردند و به آنها نیز رحم نخواهد شد و نابود خواهند شد.

«يَسْتَخِدِمُ الْمُشْرِكُونَ الْمُسْلِمِينَ وَيَبْعُونَهُمْ فِي الْأَمْصَارِ، وَلَا يَتَحَاشَى لِدَلِكَ بَسْرًا وَلَا فَاجِرًا وَلَا يَزَالُ ذَلِكَ الْبَلَاءُ عَلَى أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ حَتَّى إِذَا يَسْأَوُا وَقَنَطُوا وَأَسَاؤُ الظَّنِّ أَلَّا يُفْرَجَ عَنْهُمْ، إِذْ بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَطْيَبِ عَشْرَتِي وَأَبْرَارِ ذُرِّيَّتِي، عَدْلًا مُبَارَكًا زَكِيًّا، لَا يُغَادِرُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ وَالْقُرْآنَ وَالْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَيُذِلُّ بِهِ الشُّرْكَ وَأَهْلَهُ، يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذْوٍ لَا يَغْتَرُّ بِقَرَابَةٍ، وَلَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ، وَلَا يَقْرَعُ أَحَدًا فَنِي

در سوره حضرت
فا...
فی الظن القادر الملهو
عنه

۱. تورات، کتاب حزقیال نبی، باب ۹ بندهای ۱۰-۴.

وَلَا يَتَّبِعُهُ بِسَوَاطِئِ إِلَّا فِي حَدِّ يَمْخُؤُا اللَّهُ بِهِ الْبِدْعَ كُلَّهَا، وَيُمِيتُ الْفِتْنَ كُلَّهَا. يَفْتَحُ اللَّهُ بِهِ بَابَ حَقِّ، وَيُغْلِقُ بِهِ بَابَ كُلِّ بَاطِلٍ، يَرُدُّ بِهِ سَبِيَّ الْمُسْلِمِينَ حَيْثُ كَانُوا؛^۱ اشرکان، مسلمانان را به خدمت گرفتند، آن‌ها را در شهرها خرید و فروش می‌کنند و کسی از افراد شایسته و ناشایسته، اعتراض نمی‌کند! مردم آن زمان این گونه گرفتار خواهند بود تا این که ناامید شوند و تصور کنند که دیگر خداوند، گرفتاری آن‌ها را برطرف نخواهد فرمود! سپس خداوند مردی را از بهترین فرزندان و پاک‌ترین خاندان من می‌فرستد که عدل و برکت و پاکی را در همه جا اجرا می‌کند، از کوچک‌ترین ظلمی نمی‌گذرد، خداوند به وسیله او دین و قرآن و اهل ایمان را عزیز می‌کند و شرک و اهل شرک را ذلیل می‌گرداند، او دقیقاً فرمان خدا را اجرا می‌کند، با کسی حساب خویشاوندی ندارد، سنگی روی سنگ نمی‌گذارد، در دولت او کسی تازیانه نمی‌خورد مگر به اندازه حد شرعی؛ خداوند به وسیله او بدعت‌ها را نابود می‌کند و فتنه‌ها را خاموش می‌کند و حقیقت را روشن می‌کند و باطل را نابود می‌کند؛ به وسیله او اسیران اسلامی را در هر کجا که باشند آزاد می‌گرداند.

- مهدی عجل الله فرجه می‌آید و اسیران را آزاد می‌کند و گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند. کسانی که از دیار خود، تبعید شده‌اند به وطن برمی‌گردند و از عدالت او بهره‌مند می‌شوند. پیامبر ص این حوادث را خبر داده که تاکنون اکثر آن‌ها تحقق یافته است. در زمان ما وعده قرآن کریم و احادیث پیامبر ص تحقق یافت و رومی‌ها بر بیشتر شام تسلط یافتند. «يَكُونُ اخْتِلَافٌ صِنْفَيْنِ مِنَ الْعَجَمِ فِي لَفْظَةِ كَلِمَةِ (عَدْلٍ) وَسَفْكَ دِمَائٍ كَثِيرَةٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ، وَقَتْلُ أَلُوفِ الْأَلُوفِ، أَدْ تَقْتَلُ الْفِتْنَانِ مَقْتَلَةً عَظِيمَةً وَدَعْوَتُهُمَا وَاحِدَةٌ؛^۲ دو گروه از عجم درباره «عدل» اختلاف پیدا می‌شود و خون‌های بسیاری در آن جنگ ریخته می‌شود و هزاران هزار انسان کشته می‌شوند، زیرا جنگ بسیار سختی میان آن‌ها روی می‌دهد در حالی که هر دو گروه یک ادعا دارند و یکدیگر را به سوی یک هدف دعوت می‌کنند.»
- در زمان ما، دولت‌های شرقی و غربی به سوی عدالت دعوت می‌کنند، ولی هر کدام از آن‌ها طبق نظر خود عدالت را می‌خواهند. این اختلاف نظر آن‌ها در نهایت، آتشی برپا می‌کند که زمین را نابود می‌سازد. عده زیادی در سخنرانی‌ها و اجتماعات درباره عدالت صحبت می‌کنند که پیامبر ص سال‌ها قبل در این باره سخن گفته است. امروزه همه

مهدی قائم عجل الله فرجه

۱. الملاحم والفتن: ۱۰۸.
 ۲. صحیح مسلم ۸: ۱۷۰؛ مسند احمد ۲: ۵۲۰؛ المسحجة البيضاء ۲: ۳۴۳؛ الامام المهدی: ۲۳۵؛ الزام الناصب: ۲۲ و ۱۴۵؛ بشارة الاسلام: ۵ و ۳۱؛ الملاحم والفتن: ۱۶۴.

دولت‌ها ادعای اجرای عدالت را دارند ولی با حيله و نیرنگ برای اجرای عدالت با مخالفین خود می‌جنگند ولی در برابر اسرائیل ساکت هستند و از آن‌ها حمایت می‌کنند.

«سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ، مِنْهَا فِتْنَةُ الْإِجْلَاءِ، يَكُونُ فِيهَا هَرَبٌ وَ ضَرْبٌ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهَا فِتْنٌ أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ فِتْنَةٌ كُلَّمَا قِيلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتْ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا دَخَلَتْهُ وَسِلْمٌ إِلَّا صَكَّتْهُ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي، الْفِتْنَةُ الرَّابِعَةُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ عَامًا؛^۱ بعد از من فتنه‌هایی اتفاق می‌افتد که یکی از آن‌ها فتنه دورشدن از وطن است؛ در این فتنه فرارها و درگیری‌ها روی می‌دهد و سپس فتنه شدیدتری پدید می‌آید؛ سپس فتنه‌ای اتفاق می‌افتد که هر وقت بگویند فتنه تمام شد، باز هم ادامه می‌یابد تا جایی که دود آن به هر خانه‌ای وارد شود و همه راه‌های صلح را ببندد، تا زمانی که مردی از خاندان من قیام کند؛ فتنه چهارم هیجده سال طول می‌کشد.»

شاید در این حدیث، به فتنه اسرائیل و اشغال فلسطین و آوارگی مردم و فتنه‌های بعدی اسرائیل اشاره شده باشد.

بعد از اشغال فلسطین، فتنه‌های دیگری اتفاق افتاد که در هر خانه‌ای بخصوص در لبنان وارد شد و شاید ما فتنه چهارم را می‌گذرانیم که در سال ۱۹۶۷ میلادی شروع شده و شاید در سال ۱۹۸۵ میلادی تمام شود.

«بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الرُّومِ أَرْبَعُ هُدُنٍ يَوْمَ الرَّابِعَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ آلِ هِرَقْلَ يَدُومُ سَبْعَ سِنِينَ ثُمَّ يَكُونُ إِمَامَ النَّاسِ الْمَهْدِيُّ؛^۲ در میان شما و روم چهار پیمان صلح امضا می‌شود که پیمان چهارم به دست مردی از اهل هرقل^۳ صورت می‌گیرد و هفت سال ادامه می‌یابد، سپس مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فرمانروای مردم می‌شود.»

شاید منظور از پیمان چهارم، پیمان کمپ دیوید باشد که توسط رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا، بین مصر و اسرائیل بسته شد و به یاری خدا پس از هفت سال این پیمان تمام خواهد شد و اسرائیل نابود خواهد گردید و دولت مهدی^{علیه السلام} آغاز خواهد شد. خداوند شر جنایتکاران را به خودشان برمی‌گرداند. همان طور که به حضرت داود^{علیه السلام} فرمود:

﴿أَيُّ بِنْدِهِمْ! تَوَمَّنِي خَوَامِي وَمَنْ مِي خَوَامِي، سِرَانَجَامِ أَنْجَه مَن مِي خَوَامِي تَحَقَّقْ مِي يَابِدُ.﴾

۱. منتخب الاثر: ۴۴۲؛ المهدي: ۱۸۹؛ الامام المهدي: ۱۰۷؛ الملاحم والفتن: ۱۸؛ بشارة الاسلام
 ۲. كشف الغمہ: ۳، ۲۶۰ و ۲۷۷؛ البيان: ۹۵؛ بشارة الاسلام: ۲۸۳؛ الحاوي للفتاوى: ۲، ۱۳۶؛ الزام الناصب: ۵۲؛ نتائج الموده: ۳، ۱۰۸.
 ۳. هرقل، شهری در روم است.

«بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ سِنِينَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ إِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ قَالَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي؛^۱ میان شما و روم هفت سال می‌گذرد. گفته شد: ای رسول خدا! در آن زمان امام مردم کیست؟ فرمود: مهدی از فرزندان من.»

ان شاء الله مهدی علیه السلام هفت سال بعد از قرار داد کمپ دیوید، ظهور می‌کند. «يَكِيدُ الرُّومُ لِأَهْلِ الشَّامِ، وَيَجْمَعُونَ لَهُمْ جَمْعًا عَظِيمًا، وَتَكُونُ مَسْئَلَةً عَظِيمَةً يَوْمَ الْفَتْحِ؛^۲ رومیان اهل شام را فریب می‌دهند و سپاه بزرگی برای آن‌ها جمع می‌شود و در روز پیروزی، جنگ سختی صورت می‌گیرد.»

در روز اشغال بیت المقدس جنگ سختی صورت گرفت. «يُوشِكُ لِأَهْلِ الشَّامِ أَنْ لَا يُجْنَى إِلَيْهِمْ دِينَارٌ وَلَا مُدٌّ، وَذَلِكَ مِنْ قِبَلِ الرُّومِ؛^۳ ممکن است مردم شام درآمد و محصولی نداشته باشند و این از طرف رومی‌ها خواهد بود.» مردم شهرهای مرزی مثل شام، پس از جنگ اعراب و اسرائیل، دیگر نمی‌توانند به کشاورزی و دامپروری بپردازند و دولت‌های دیگر به آن‌ها کمک می‌کنند.

«عَدُوٌّ يَجْمَعُونَ لِأَهْلِ الشَّامِ، يَجْمَعُ لَهُمْ أَهْلَ الْإِسْلَامِ. فَقِيلَ لَهُ: الرُّومُ تَعْنِي؟ قَالَ نَعَمْ، ثُمَّ قَالَ: وَيَكُونُ عِنْدَ ذَلِكَ الْقِتَالِ رِدَّةٌ شَدِيدَةٌ؛^۴ دشمنی سخت برای مردم شام صف آرایی می‌کند که همه ملت اسلامی برای مقابله با آن‌ها گرد می‌آیند. گفته شد: مراد شما رومیان (یهود) است، فرمود: آری. سپس فرمود: در آن هنگام جنگی در می‌گیرد و بیشتر جوانان از اسلام بر می‌گردند.»

اکنون اسرائیل لشکری بزرگ جمع کرده و دولت‌های اسلامی نیز با امکانات خود در مقابل آن‌ها ایستادند و جنگ سختی بین آن‌ها روی داد و جوانان زیادی از اسلام دور شدند.

«مَلَأَ حِمُّ النَّاسِ خَمْسُ: قَدْ مَضَتْ إِثْنَتَانِ، وَثَلَاثٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ: مَلْحَمَةُ التُّرْكِ، وَمَلْحَمَةُ الرُّومِ، وَمَلْحَمَةُ الدَّجَالِ؛^۵ اتفاقات بزرگ جهان پنج تاست که دو تای آن اتفاق افتاده و سه تای آن که در این امت اتفاق می‌افتد: حادثه ترک، حادثه روم و حادثه دجال.»

حادثه ترک، در قرقیسیا انجام می‌گیرد. حادثه روم (اسرائیل) و سفیانی به دست حضرت مهدی علیه السلام انجام می‌پذیرد.

لشکر امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بسیار بزرگ است که از حجاز به یهودیان حمله

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام دوران دهرها
 در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱. البیان: ۹۵؛ کشف الغمہ: ۳: ۲۶۰؛ بشارة الاسلام: ۲۸۲؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۱۰، ۷۵؛ بشارة الاسلام: ۲۹۲؛ الزام الناصب: ۵۲.

۲. کشف الغمہ: ۳: ۲۷۲؛ صحیح مسلم: ۸: ۱۷۷؛ البیان: ۹۳؛ الملاحم والفتن: ۷۵ و ۱۱۰؛ بشارة الاسلام: ۲۹۲؛ الزام الناصب: ۵۲.

۳. همان. ۴. صحیح مسلم: ۸: ۱۷۷؛ الزام الناصب: ۱۷۸. ۵. الملاحم والفتن: ۶۹.

می‌کنند و پس از نابودی آن‌ها در فلسطین، قسطنطنیه را فتح می‌کنند.

در قرآن کریم تاریخچهٔ یهود از آغاز تا پایان، در سورهٔ روم آمده است:

﴿غَلَبَتِ الرُّومُ؛ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ؛^۱ رومیان در نزدیک‌ترین

زمین شکست خوردند، و آن‌ها پس از مغلوب شدنشان، به زودی غالب می‌شوند.﴾

منظور از نزدیک‌ترین زمین، نواحی شام است که نزدیک‌ترین نقطه به سرزمین روم و

سرزمین پارس است.

یهودیان از مسلمانان شکست خوردند و در صدر اسلام نیز سپاه مهاجر و انصار به

فرماندهی پیامبر ﷺ آن‌ها را شکست داد.

ولی طبق این آیه، به دنبال این شکست، مسلط می‌شوند، مثل غلبهٔ رومی‌ها بر

پارسیان، و یهودیان بر مسلمانان. یهودیان، مسلمانان را از سرزمینشان بیرون کرده‌اند و

بر آن‌ها مسلط شده‌اند و یهودیان دیگر را به سرزمین اشغالی که همان «ادنی الارض»

است دعوت می‌کنند.

در قرآن کریم، این اجتماع مجدد یهود در سرزمین موعود، «بضع سنین» تعبیر شده

است که این تعبیر از چهل تا هشتاد سال را شامل می‌شود. سپس می‌فرماید:

﴿فِي بضع سنينَ لِلّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ﴾^۲ «قبلاً و بعداً فرمان، برای خداست.»

یعنی این مدت زمان از قبل از مغلوب شدن یهود و بعد از بازگشت آن‌ها به سرزمین

موعود می‌باشد تا مسلمانان ادب شوند تا زمانی که مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور

کند، مسلمانان خوشحال شوند:

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ؛ بَنَصَرَ اللَّهُ؛^۳ در آن روز مؤمنان، به یاری خدا شاد می‌شوند.﴾

روزی که یهودیان و هم‌پیمانان آن‌ها شکست بخورند، حکومت عدل تحقق یافته است

و مسلمانان خوشحال می‌شوند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام؛^۴ آن روز مؤمنان شاد می‌شوند و زمان قیام قائم است.»

پیامبر ﷺ دربارهٔ نابودی یهود می‌فرماید:

«سَوْفَ تَرَوْنَ جِبَالًا تَزُولُ قَبْلَ حَقِّ الصَّيْحَةِ. لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَدُلَّ الْحَجَرُ عَلَى

الْيَهُودِيِّ فَيَقُولَ الْحَجَرُ؛ يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا مَا تَبْتَغِي؛^۵ به زودی می‌بینید که قبل از آن ندای

۱. سوره مبارکه روم، آیات ۲ و ۳. ۲. سوره مبارکه روم، آیه ۴. ۳. سوره مبارکه روم، آیات ۴. ۴. الزام الناصب: ۲۷.

۵. همان: ۲۷.

آسمانی، کوه‌ها از جای کنده می‌شوند، قیامت برپا نمی‌شود مگر سنگ از مخفی‌گاه یهودیان خبر دهد و بگوید: ای بنده خدا! چیزی را که جستجو می‌کنی، اینجا است! با ظهور مهدی علیه السلام دیگر یهودیان کاری نمی‌توانند بکنند و پناهگاه آن‌ها فاش می‌شود و به قدرت خداوند، سنگ‌ها سخن می‌گویند و مخفی‌گاه آن‌ها را نشان می‌دهند و نابود می‌شوند. خداوندی که روز قیامت همه چیز را به سخن می‌آورد، در روز موعود نیز مخفی‌گاه دشمن را آشکار می‌کند.

«سَأَلْتُ لَأُمَّتِي أَنْ لَا يُسَلِّطَ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ فَأَغْطَانِيهَا»^۱ درباره امت از خدا خواستم که دشمن خارجی را بر آن‌ها مسلط نگرداند و خداوند این دعایم را مستجاب کرد.»

طبق این روایت، هیچ‌گاه دشمن خارجی نمی‌تواند بر امت اسلامی چیره شود و یهود نمی‌تواند مدت زیادی در سرزمین مسلمانان بماند.

«إِنَّ الْقَائِمَ لَا يَظْهَرُ حَتَّى تَمْلِكَ الْكُفَّارُ الْأَنْهَارَ الْخَمْسَةَ: سِيحُونَ، وَجِيحُونَ، وَفِرَاتَ، وَدِجْلَةَ، وَالتَّيْلَ، فَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ أَهْلَ بَيْتِهِ عَلَى الضَّلَالِ، فَلَا تَرْفَعُ لَهُ رَايَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲ قائم قیام نمی‌کند مگر پس از آن‌که کافران پنج رودخانه را تصرف کنند: سیحون، جیحون، فرات، دجله و نیل. سپس خداوند یاران خود را برگمراهان پیروز می‌گرداند و دیگر پرچم آنان تا قیامت برافراشته نمی‌شود.»

این رودخانه‌ها اکنون در دست کفار و غربی‌هاست.

چین با کشورهای اسلامی مثل مصر روابط سیاسی و تجاری برقرار می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در احادیث به رابطه یاجوج و ماجوج اشاره کرده و نیز از ورود چین و ماچین در عصر مبادلات بین المللی و خروج آن‌ها از حالت انزوا خبر می‌دهد. جنگی بین چین و ویتنام بر سر کامبوج آغاز شد که چینی‌ها برای اولین بار از مرزهای خود خارج شدند و به یک کشور همسایه حمله کردند.

کلمه «ینتشر» در حدیث، به جمعیت زیاد چین اشاره دارد.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ»^۳ وقتی یاجوج و ماجوج گشوده شوند و از هر بلندی، پایین بیایند.»

!

ه

مهدی قائم علیه السلام در پناه حضورها

ه

مختار الخاضع ظل من

♦

اکنون چینی‌ها با افکارشان در همه جای دنیا هستند و در مغز جوان‌های اسلامی نیز وارد شده‌اند. و ممکن است حدیث «بنی قنطوره» تحقق پیدا کند که:

«يُوشِكُ أَنْ يُطَوَّى مَلِكُ الْعَرَبِ. يُطَوِّبُهُ بَنُو قَنْطُورَا، قَوْمٌ عِرَاضُ الْوُجُوهِ، فُطُسُ الْأَنْوَابِ، صِفَارُ الْأَعْيُنِ، كَانَ وَجُوهُهُمْ الْمَجَانُ الْمَطْرَقَةُ، يَنْتَعِلُونَ الشَّعْرَةَ. يَنْزِلُونَ قَرِيبَةَ قَرِيبَةٍ مِنَ الْأَرْضِ الْعَرَبِ، بَلْ هِيَ مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ يُقَالُ لَهَا: جِبَانَةُ اللَّوْنِ، فَيُقَاتِلُهُمُ الْعَرَبُ قِتَالًا شَدِيدًا، فَيَقُولُ التُّرْكُ: إِذْقَعُوا إِلَيْنَا إِخْوَانَنَا مِنَ الْعَجَمِ وَلَا نُقَاتِلِكُمْ، فَيَقُولُ الْعَرَبُ لِلْمَوَالِي: الْحَقُّوَا يَا إِخْوَانِكُمْ، فَيَقُولُ الْمَوَالِي: وَيَحْكُمُ، إِلَى الْكُفْرِ بَعْدَ الْإِسْلَامِ!؟ ثُمَّ تُقَاتِلُهُمُ الْمَوَالِي قِتَالًا شَدِيدًا، فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُمْ مُخْبِرٌ. وَيَجِيءُ الْمَوَالِي بِالْغَنَائِمِ، فَيَقُولُ الْعَرَبُ لِلْمَوَالِي: أَعْطُونَا مِمَّا غَنِمْتُمْ، فَيَقُولُونَ: لَا تُغْطِيكُمْ وَقَدْ خَذَلْتُمُونَا! نزدیک است که عرب به دست «بنی قنطوره» نابود شود. بنی قنطوره قومی هستند با صورت‌های پهن، بینی‌های فرورفته و چشمان کوچک، صورت‌هایشان مانند سپرهای آهنین است. کفش‌های مویی می‌پوشند و در محلی در نزدیکی سرزمین عرب، که از زمین‌های عربی است ساکن می‌شوند که به آنجا «وادی لون» گفته می‌شود. عرب‌ها سخت با آن‌ها می‌جنگند. ترک‌ها می‌گویند: برادران عجم ما را به ما پس بدهید ما با شما نمی‌جنگیم. عرب‌ها به «موالی» می‌گویند: به برادران خود ملحق شوید. آن‌ها می‌گویند: وای بر شما! آیا پس از اسلام، کافر شویم؟! سپس موالی با آن‌ها می‌جنگند و آن‌ها را شکست می‌دهند و خبررسان از آن‌ها باقی نمی‌ماند. موالی با غنیمت‌های زیادی برمی‌گردند. عرب‌ها به موالی می‌گویند: از غنایم به ما هم بدهید. آن‌ها می‌گویند: چیزی به شما نمی‌دهیم زیرا شما ما را تنها گذاشتید و به ما کمک نکردید.»

در کتاب‌های لغت، قنطوره را همان کنیز حضرت ابراهیم عليه السلام بیان می‌کنند که ترک‌ها از نسل او هستند. ولی عده‌ای آن را سودانی می‌دانند.

در روایت فوق، شکل ظاهری آن‌ها با ترک‌ها مطابقت دارد. صورت پهن، دماغ فرو رفته و چشمان ریز و پوست زرد مایل به سرخ که ترس از خدا در صورتشان وجود ندارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر از آن‌ها بیم داده می‌فرماید:

«يُوشِكُ بَنُو قَنْطُورَا أَنْ يَخْرُجُوا بِكُمْ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ!؟» نزدیک است که بنو قنطوره شما را از سرزمین‌های خود از خاک عراق بیرون کنند.»

ممکن است هنگام هجوم ترک‌ها به عراق این مطلب تحقق یافته باشد و عده‌ای از

مردم عراق از سرزمین‌های خود فرار کرده باشند، همان طور که در بصره اتفاق افتاد.
و در حدیثی دیگر آمده است:

«يُوشِكُ بَنُو قَنْطُورِ ابْنِ كِنَكْرٍ يَخْرُجُونَ فَيَسُوقُونَ أَهْلَ خُرَّاسَانَ سَوْقًا عَنيفًا حَتَّى يُوْرِدُوا خَيْوَلَهُمْ نَهْرَ الْأَبْلَةِ؛^۱ نزدیک است بنوقنطوره پسر کنکر خروج کنند و اهل خراسان را به شدت فراری دهند تا آن‌ها را به رود بصره وارد کنند.»

ممکن است در نقل حدیث اشتباهی شده باشد و منظور این باشد که: «نزدیک است که بنوقنطوره از «کنکر» خروج کنند و ...».

کنکر، منطقه‌ای بین همدان و کرمانشاه است و آثار باستانی فراوان دارد. در حدیثی دیگر گفته شده بنی قنطوره از مشرق زمین می‌آیند:

«لَيَسُوقَنَّ بَنُو قَنْطُورِ الْمُسْلِمِينَ، وَتُزْبَطَنَّ خَيْوَلُهُمْ بِنَخْلِ خُوخَا قُرْبَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَيُشْرَبُونَ مِنْ فُرْصِ الثُّرَاتِ وَ لَيَسُوقَنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ، قَادِمِينَ مِنْ خُرَّاسَانَ وَ سِجِسْتَانَ سَوْقًا عَنيفًا، فَهُمْ شِرَارُ سُلَيْبِ الرَّحْمَةِ مِنْ قُلُوبِهِمْ، فَيَقْتُلُونَ وَ يَأْسِرُونَ بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَ الْكُوفَةِ؛^۲ بنوقنطوره مسلمانان را دنبال می‌کنند و اسب‌های خود را به نخل‌های خوخوا نزدیک مسجد کوفه می‌بندند که از آب‌سخورهای فرات می‌نوشند. بنوقنطوره که از خراسان و سجستان می‌آیند، مردم عراق را به شدت فراری می‌دهند. آن‌ها افراد شروری هستند که در دل‌هایشان رحم ندارند، در میان حیره و کوفه به هر کس برسند او را می‌کشند و اسیر می‌کنند.»

این جنگ به سوریه و لبنان و فلسطین و کرانه‌های دریای مدیترانه و دریای سرخ می‌رسد.

«تَأْتِي فِتْنَةٌ تُدْعَى الْحَالِقَةَ، تَخْلُقُ الدِّينَ، يَهْلِكُ فِيهَا صَرِيحُ الْعَرَبِ، وَ صَالِحُ الْمَوَالِي، وَ أَصْحَابُ الْكُفْرِ، وَ الْفُقَهَاءُ، وَ تَنْجَلِي عَنْ أَقْلٍ مِنْ الْقَلِيلِ؛^۳ فتنه‌ای ویرانگر اتفاق می‌افتد که به آن فتنه ریشه‌کن می‌گویند، دین را نابود می‌کند، عرب اصیل، صالحان از موالیان، فقها و کفار در این فتنه کشته می‌شوند و فقط تعداد کمی از این فتنه نجات می‌یابند.»

شاید این فتنه همان فتنه بنوقنطوره باشد، که احتمالاً با جنگ جهانی سوم هم زمان خواهد بود.

«حالقه» از ریشه «حَلَقَ» به معنی تراشیدن است که انسان‌ها را درو می‌کند و چیزی باقی را نمی‌گذارد. در فتنه چپی‌های چینی، سر را می‌تراشیدند.

دوراندیشان مهدی قائم علیه السلام در پستان حضرت

۱. الملاحم والفتن: ۷۲. ۲. الملاحم والفتن: ۴۶، ۶۹، ۷۳ و ۱۰۳. ۳. الملاحم والفتن: ۲۹.

«إِذَا سَمِعْتُمْ بِنَاسٍ يَأْتُونَ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، أُولَى دَهَاءٍ، يَعْجَبُ النَّاسُ مِنْ زِيَّتِهِمْ، فَقَدْ أَضَلَّتْكُمْ السَّاعَةُ؛^۱ وَتَمَّ شَنِيدُ عَدَايَ مِنْ مَشْرِقٍ مِثْلَ مَا هُوَ بِهَا هَوَّاشٌ هَسْتَنْدُ وَ مَرْدَمِ از ظَاهِرِ آن‌ها تَعَجَّبُ مِثْلَ مَا هُوَ بِهَا هَوَّاشٌ هَسْتَنْدُ، بِدَانِيدِ كِه لِحِظَّةِ مَوْعُودِ (ظَهْرُورِ) نَزْدِيكِ اسْت.»

با ورود بنوقنطور، جنگ جهانی شروع می‌شود و بعد از آن فرج فرا می‌رسد.
«يُنْصَبُونَ رَايَاتٍ أَوْلَاهَا نَضْرٌ، وَ آخِرُهَا كُفْرٌ. يَتَّبِعُهُمْ حُثَالَةُ الْعَرَبِ وَ سَفَلَةُ السَّمَوَالِي وَ الْعَبِيدُ الْأَبْيَاقُ، رَقَوًا مِنَ الْآفَاقِ، سِيْمَاهُمْ السَّوَادُ، وَ دِينُهُمُ الشُّرْكُ، وَ أَكْثَرُهُمُ الْخُدَاعُ؛^۲ پَرچَم‌هایی برافراشته می‌شود که آغازش پیروی و پایانش کفر است، اراذل عرب و اوباش عجم از آن‌ها پیروی می‌کنند و بردگان فراری با آن‌ها همراه می‌شوند و از حدود نجاوز می‌کنند. صورت‌هایشان سیاه، دینشان شرک و بیشتر آن‌ها فریبکارند.»

«يَسُوقُ أُمَّتِي قَوْمَ عِرَاضِ الْوُجُوهِ، صِفَارُ الْأَعْيُنِ، كَأَنَّ وُجُوهُهُمْ الْجَحْفُ، حَتَّى يُلْحِقُوهُمْ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. أَمَّا السَّائِقَةُ الْأُولَى فَيَنْجُو مَنْ هَرَبَ مِنْهُمْ، وَ أَمَّا الثَّانِيَّةُ فَيَهْلِكُ بَعْضٌ وَ يَنْجُو بَعْضٌ، وَ أَمَّا الثَّالِثَةُ فَيُضْطَلَمُونَ كُلُّهُمْ، مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ عَلَى يَدِ التُّرْكِ.. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ هُمْ؟ قَالَ: التُّرْكُ. أَمَّا الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتُرَبِّطَنَّ خِيُولَهُمْ إِلَى سَوَارِي مَسْجِدِ الْمُسْلِمِينَ؛^۳ گسروهی که صورت‌های پهن و چشمان ریز و صورت‌های ناراحت دارند، امت مرا دنبال می‌کنند و به جزیره‌العرب بر می‌گردانند. این حمله و فرار سه بار اتفاق می‌افتد. بار اول هر کس فرار کند، نجات می‌یابد؛ بار دوم عده‌ای نجات می‌یابند و عده‌ای هلاک می‌شوند؛ بار سوم همه نابود می‌شوند. گفته شد: یا رسول الله! آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: آن‌ها ترک هستند. سوگند به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، اسب‌های خود را داخل مساجد مسلمین در بهترین مکان مساجد می‌بندند.»

اصطلام یعنی نابود شدن در جنگ بر اثر بمب و موشک است.

جحف به شن‌هایی گفته می‌شود که پس از سیل در بستر رودخانه باقی می‌ماند و این

اصطلاح، درباره‌ی چهره‌های زرد و موج‌دار آن‌ها بیان شده است.

«فَيَقْتَرِقُونَ ثَلَاثَ فِرَاقٍ: فِرَاقَةٌ تَمَكُّتُ، وَ فِرَاقَةٌ تَلْحَقُ بِأَبَائِهَا مَنَابِتَ الشَّيْحِ وَ الْقَيْصُومِ، وَ فِرَاقَةٌ تَلْحَقُ بِالشَّامِ وَ هِيَ خَيْرُ الْفِرَاقِ؛^۴ سه گروه می‌شوند: عده‌ای باقی می‌مانند، عده‌ای در زمین‌های شام و قيصوم^۵ به پدران خود ملحق می‌شوند و عده‌ای به شام فرار می‌کنند که این‌ها بهترین دسته سه گروه‌اند.»

دورن در به
تربسناه حضرت
مهدی قائم الله

محمد الخارفي ظلنا لله
عنه

۱. الملاحم والفتن: ۲۸. ۲. الملاحم والفتن: ۲۸. ۳. الملاحم والفتن: ۷۳، ۴۶ و ۱۰۳؛ مستند احمد ۲: ۵۳۰.

۴. الملاحم والفتن: ۷۳. ۵. گیاه معطر دارویی.

این گروه از طرف بصره و کویت و دیگر شهرهای شرقی خاورمیانه به سوی شام می آیند.

«يَأْتِي بَنُو قَنْطُورَا الْبَصْرَةَ، حَتَّى يُنْزِلُوا بِنَهْرِ دِجْلَةَ فَيَفْتَرِقُ النَّاسُ ثَلَاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ تَلْحَقُ بِأَصْلِهَا وَفِرْقَةٌ تَأْخُذُ عَلَى نَفْسِهَا وَتَكْفُرُ، وَفِرْقَةٌ يَسْجَعُونَ ذَرَارِيهِمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ فَيَقَاتِلُونَ، فِتْلَاهُمْ شُهَدَاءٌ، يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَ يَلْحَقُونَ بِالشَّامِ .. وَ أَمَارَةٌ ذَلِكَ إِذَا طَبَّقَتِ الْأَرْضَ إِمَارَةٌ الشُّفَهَاءِ؛^۱ بنوقنطره وارد بصره می شوند، در کنار رود دجله فرود می آیند، مردم سه گروه می شوند: گروهی به پدران خود ملحق می شوند، گروهی به گرفتار می شوند و کافر می گردند، و گروهی خانواده های خود را می کنند و به جنگ می پردازند. کشته هایشان شهید است، خداوند به آنها آسایش می دهد و آنها خود را به شام می رسانند، در آن موقع در همه زمین حکومت به دست ناصالحان است.»

اکنون هم جهان در دست جنایتکاران است و مردم سه گروه هستند: گروهی از ظلم آنها فرار می کنند، گروهی به سوی آنها می آیند و گروهی با آنها می جنگند.

«لِلْمُسْلِمِينَ عَدُوٌّ، وَجُوهُهُمْ كَالْجُحْفِ، وَ عِيُونُهُمْ كَالْوَزْغِ، لَهُمْ وَقْعَةٌ بَيْنَ دِجْلَةَ وَالْفُرَاتِ، حَتَّى يَكُونَ الْجَوْزُ أَوَّلَ النَّهَارِ بِمِئَةِ دِينَارٍ إِلَى الشَّامِ، ثُمَّ يَزِيدُ آخِرَ النَّهَارِ!!^۲ مسلمانان دشمنانی دارند که صورت هایشان مانند شن های مسیل، و چشم هایشان مانند قوریانگه است، آنها میان دجله و فرات جنگ سختی دارند که هزینه عبور و فرار به شام، هنگام صبح، صد دینار و شب بیشتر از صد دینار می باشد.»

پیامبر ﷺ به روشنی همه چیز را برای امتش بیان کرده و راه درست را نشان داده، اگر به سخنانش گوش دهند و از او اطاعت کنند.

روایات حضرت علی علیه السلام

امام علی عليه السلام می فرماید:

«إِذَا انْسَابَ عَلَيْكُمْ التُّرْكُ، وَ مَاتَ خَلِيفَتُكُمْ الَّذِي يَجْمَعُ الْأَمْوَالَ، وَ يُسْتَخْلَفُ مِنْ بَعْدِهِ رَجُلٌ ضَعِيفٌ يُخْلَعُ بَعْدَ سَنَتَيْنِ مِنْ بَيْعَتِهِ؛^۳ وقتی ترک ها به شما حمله کنند و حاکم ثروت اندوزتان بمیرد و مرد ناصالحی جانشین او شود که پس از دو سال، از خلافت برکنار شود.»

امروز بیگانگان به ما حمله می کنند. پس از جنگ جهانی، آخرین خلیفه ای که در ظاهر خلافت را حفظ می کرد و در استانبول از خلافت برکنار شد و دیگر خلیفه ای نماند که

در پستانه حضرت مهدی قائم علیه السلام
 دوراد دهباب
 نور الخراسانی
 ظالمات المهدی

۱. بشارة الاسلام: ۲۹؛ الملاحم والفتن: ۷۳، ۱۰۳، ۱۴۰. ۲. الملاحم والفتن: ۷۳. ۳. الامام المهدی: ۹۶؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۹؛ بشارة الاسلام: ۱۸۳؛ الملاحم والفتن: ۴۷.

ثروت‌اندوزی کند و ثروت مسلمانان را شرق و غرب غارت می‌کنند.

امام علی علیه السلام درباره نابودی اسلام توسط یهود می‌فرماید:

«فَيَأْخُذُ الرُّومُ مَا أَخَذَ مِنْهَا وَ تَزْدَادُ، وَ تَأْخُذُ التُّرْكَ مَا أَخَذَ مِنْهَا؛ رومی‌ها آنچه از آن‌ها گرفته شده، پس می‌گیرند و مقداری هم اضافه می‌گیرند. از ترک‌ها هم آنچه گرفته شده پس می‌گیرند.»

دولت‌های صرب آلبانی، اسپانیا و بسیاری از دولت‌های آفریقایی نابود شده‌اند و اسرائیل فلسطین و مصر و اردن و سوریه را اشغال کرده است.

احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام بسیار روشن و دقیق این مطالب را بیان کرده و نشان می‌دهد که این روایات از منبع وحی سرچشمه گرفته است.

امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَ أَمَدَدْنَاهُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاهُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا؛^۱ شمارا با اموال و فرزندان یاری کردیم و تعداد شما را بیشتر قرار دادیم﴾ به قسمتی از فتنه‌های شرق و غرب اشاره می‌فرماید:

«تَشْفُرُ بِذَيْلِهَا فِتْنَةٌ شَرْقِيَّةٌ تَطَّأُ بِخَطَامِهَا بَعْدَ مَوْتِهَا وَ حَيَاتِهَا، وَ تَشُبُّ فِي الْحَطَبِ الْجَزَلُ فِي غَرْبِي الْأَرْضِ، رَافِعَةٌ ذَيْلُهَا تَدْعُو بِهَا وَيَلْهَا لِرَحْلَةٍ؛^۲ فتنه‌ای بسیار بزرگ در شرق پدید می‌آورد و با منقارش در زمان زنده بودن و بعد از مرگ بر زمین می‌زند و در غرب بر تپه‌های هیزم آتش می‌زند و سپس دامنش را بلند کرده، واویلا می‌گوید.»

با گذشت هزاران سال، افکار صهیونیستی زنده شده و مدت‌ها باقی می‌ماند و شرق و غرب را گرفتار فتنه می‌کند.

حطب جزل، به تپه‌ای از هیزم خشک گفته می‌شود که با جرقه‌ای، جهان را می‌سوزاند. اسرائیل پس از ایجاد فتنه، از شرق و غرب کمک می‌خواهد و واویلا می‌گوید و برای جلب توجه آمریکا به دروغ می‌گوید که اگر عرب پیروز شوند، آن‌ها را در آتش خشم خود خواهند سوزاند و به دریا می‌اندازند.

آن‌ها می‌خواهند صهیونیست را به اسرائیل آورند و دولت یهودی ایجاد کنند. تا وقتی که این غاصبان به مردم ظلم می‌کنند و جنگ به راه می‌اندازند، خداوند به آن‌ها بقای طولانی نمی‌دهد. چنانکه می‌فرماید:

﴿كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ

۱. همان. ۲. سوره مبارکه اسراء، آیه ۶.

۳. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۲ و ۵۳: ۸۲؛ بشارة الاسلام: ۵۸ و ۶۸؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۷.

قریبه حضرت
ص
القائم المهدی

الْمُفْسِدِينَ؛^۱ هر گاه آتش جنگ را بر افروختند، خداوند آن را خاموش کرد.^۲
 «وَيَلُّ لِلْعَرَبِ مِنْ مُخَالَفَةِ الْأَثْرَاكِ، وَوَيْلٌ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ إِذَا تَحَمَّلَ أَهْلُهَا السُّبْدَانَ، وَعَبِيرَ
 بَنُو قَنْطُورَاءَ سَيِّحَانَ وَشَرِبُوا مَاءَ دَجَلَدَ، وَهَمَّوْا بِقَضِيبِ الْبَصْرَةِ وَالْأَبْلَةَ. وَأَيُّمُ اللَّهِ لَتَغْرَقَنَّ
 بِلَدَّتِكُمْ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى جَامِعِهَا كَجَوْجُؤِ سَفِينَةٍ أَوْ نَعَامَةٍ جَائِمَةٍ؛^۳ وای بر عرب به
 خاطر مخالفت با ترک. وای بر امت محمد ﷺ وقتی که شهرنشینی را تحمل می کنند و
 بنی قنطوره از رود سیحان عبور می کنند، و از آب دجله می خورند و به سوی بصره و
 ابله^۴ حمله می کنند. سوگند به خدا که این شهر شما (بصره) زیر امواج دریا غرق خواهد
 شد. گویی با چشم خود می بینم که همه شهر غرق شده و مسجد شما مانند دکل کشتی
 سر از آب بیرون آورده و یا مانند شتر مرغی روی بستر آب تکیه داده است.»^۳
 «إِذَا قَتَلَ مُلُوكَ بَنِي الْعَبَّاسِ أَصْحَابُ الرَّمِيِّ عَنِ الْأَقْوَابِ بُوْجُوهٍ كَالْتُرَاسِ؛^۴ وقتی خلفای
 بنی عباس را تیر اندازی با صورت های گرد مانند سپر بکشند.»

«صورت های مانند سپر» درباره چینی ها است و شاید در این حدیث، غلبه چین بر
 عراق و اطراف آن مطرح باشد. در زمان ما به جای کمان و تیر از توپ سبک و سنگین و
 موشک انداز زمین به زمین، و زمین به هوا و غیره استفاده می شود.

«كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا كَانُوا جُوهَهُمُ الْمَجَانُ الْمُطْرَقَةُ الْمُطْرَقَةُ يَلْبَسُونَ السَّرَقَ وَالْذِيَّاجَ وَ
 يَغْتَقِبُونَ الْخَيْلَ الْعِتَاقَ وَ يَكُونُ هُنَاكَ اسْتِحْرَارٌ قَتْلٌ حَتَّى يَمْشِيَ الْمَجْرُوحُ عَلَى الْمَقْتُولِ وَ
 يَكُونُ الْمُفْلِتُ أَقْلٌ مِنَ الْمَأْسُورِ وَ لَيْسَ هُوَ بِعِلْمٍ غَيْبٍ ذَلِكَ فَعَلِمَ عَلَّمَهُ اللَّهُ نَبِيَّهُ ﷺ
 فَعَلَّمَنِيهِ وَ دَعَا لِي بِأَنْ يَعْينَهُ صَدْرِي وَ تَضَطَّمَ عَلَيْهِ جَوَانِحِي؛^۵ گویی چینی ها را با چشم
 خود می بینم که چهره های آنها مانند سپرهای است که پوست بر روی آن کشیده
 باشند، لباس های حریر و دیا می پوشند و بر اسب های بسیار زیبایی سوار می شوند. در
 آنجا جنگی سخت اتفاق می افتد، و فراریان کمتر از اسیران خواهند بود. یکی از یاران
 گفت: حتما به شما علم غیب داده شده است. فرمود: ای برادر کلبی! این غیب نیست،
 این دانشی است که آن را خدای تبارک و تعالی به پیامبرش یاد داده است و او به من یاد
 داده و برای من دعا کرده که سینه ام گنجینه این علوم باشد و دلم این دانشها را بپذیرد.»
 قسطاً حضرت علی عليه السلام و فرزندان بزرگوارش از طریق وحی اسرار رسالت را
 فرا گرفته اند و آنها را حفظ کرده و برای اهلش نقل کرده اند. آنها همه حقیقت را گفته اند،

در مهبلی قائم

مهدی قائم

مهدی قائم

۱. سوره مبارکه مائده، آیه ۶۴.

۲. ابله، شهر بزرگی در شرق بصره است. وسعت ابله از بصره بیشتر بوده و به خاطر کشتی سازی شهرت دارد. دانشنامه ایران و اسلام

۳. ۲۷۸: ۲. آخرین فراز حدیث در خطبه سیزدهم نهج البلاغه آمده است.

۴. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۵؛ بشارة الاسلام: ۲۱ و ۲۱۳. ۵. نهج البلاغه صبحی صالح: ۱۸۶؛ بیابح الموده ۳: ۱۹۳.

خداوند به آنها جزای خیر بدهد.

«إِذَا افْتَرَقَ بَنُو قَنْطُورَاءَ عَلَى اخْتِلَافٍ، وَ آلَ بِهِمُ الْوَجَلُ إِلَى الْمَصَافِ، أُنْتَحِنُوا بِالرَّجْفِ وَ انْكَشَفَ لِلْأَنَامِ عَلَى مُضْمَرِهِمْ؛^۱ وقتی میان بنی قنطوره اختلاف ایجاد شود و آنها به خاطر ترس بجنبند، در آن هنگام، زلزله ای می آید و درون آنها برای همه آشکار می گردد.»

در این حدیث مزده می دهد که دشمنان نابود می شوند و پیروزی فرا می رسد. این اختلاف از زمان حمله به بیتنام شروع شد.

«ثُمَّ يَطْهَرُ قَوْمٌ صِغَارًا لَا يُؤْبَهُ لَهُمْ، قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ أَصْحَابُ الدَّوْلَةِ، لَا يَقُونَ بِعَهْدٍ وَلَا مِيثَاقٍ، يَدْعُونَ الْحَقَّ وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهِ. أَسْمَاؤُهُمُ الْكُنَى، وَ تَسْبَهُمُ الْفِرْي، شُعُورُهُمْ مُرْخَاةٌ كَشُعُورِ النَّسَاءِ حَتَّى يَخْتَلِفُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ، ثُمَّ يُؤْتِي اللَّهُ الْحَقَّ مَنْ يَشَاءُ؛^۲ سپس قوم کوچکی پیدا می شوند که به آنها توجه نمی شود، ولی دلشان مانند آهن سخت است، حکومت را در دست می گیرند و به هیچ عهد و پیمانی وفا نمی کنند، ادعای حق می کنند ولی اهل حق نیستند، نام آنها به صورت نام خانوادگی است و نسبشان دروغ است. موهای آنها مانند زلف زنان بر شانتهایشان آویزان است. با هم اختلاف پیدا می کنند و سپس خداوند حق را به کسی که اراده کرده است می دهد.»

آری، خداوند حق را به صاحبش می دهد و فرمان را به مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - عطا می کند.

سپس حضرت علی عليه السلام درباره خود فرموده است:

«هرگز درباره من شک نکنید که سخن بیهوده نگفتم و هر چه رسول خدا به من یاد داد، می گویم.»^۳

درباره حوادث آن زمان می فرماید:

«وَ أَيْنَ الْمَقَرُّ عِنْدَ ظُهُورِ الْعِلْجِ شَلْعِينَ الْمِيلِ الْكَالِحِ، وَ مَعَهُمُ الْكَزْكَدَنُ وَ الْفَيْلُ، وَ يُتَّبَطُونَ الظُّهُورَ، وَ يُفْزَعُونَ الشُّعُورَ. وَ سَيُحِيطُ بِبِلَادِ الْإِرَمِ فِي أَحَدِ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ أَشَدَّ الْعَذَابِ مِنْ بَنِي حَامٍ. ثُمَّ يَأْمُرُ الْعِلْجُ أَنْ يُخْرَبَ بَيْتُ الْمُقَدَّسِ، فَإِذَا أَدْعَنَ لِأَمْرِهِ، وَ سَارَ بِعَشْكَرِهِ، وَ أَهَالَ بِهِمُ الزَّمَانَ فِي الرَّمْلَةِ، وَ شَمَلَهُمُ الشَّمَالُ بِالذَّلَّةِ، فَيُهْلِكُونَ عَن آخِرِهِمْ هَلْعًا؛^۴ هنگام آمدن شعلین که کافر و بداخلاق است، به کجا فرار کنیم؟ او فیل و کرکدن را با خود همراه می آورد و بر پشت زین ها محکم می مانند و مرزها را ناامن می کنند و در یکی از ماه های حرام، سرزمین ارم از سوی بنی حام گرفتار عذاب می شود. سپس «علج»

۱. الزام الناصب: ۲۰۴. ۲. البلدان: ۳۶۵. ۳. الملاحم والفتن: ۲۸. ۴. الزام الناصب: ۲۰۵.

فرمان می دهد که بیت المقدس را خراب کنند. وقتی تجهیزات نظامی آماده می شود و سپاه از فرمان او اطاعت می کنند و به سوی بیت المقدس می روند، به خواست خدا آن ها ریگزار می روند و در آنجا سرگردان می شوند تا باد خزان آن ها را خوار و ذلیل کند و همه آن ها تا نفر آخر، به شدت نابود می شوند.»

شاید «علج شلعین» نام یکی از فرماندهان آن ها باشد که زشت و بد اخلاق است و دندان های جلویی او پیدا است. فیل و کرکدن هم به جنگنده ها و موشک اندازها اشاره دارد. منظور از سرزمین ارم، سرزمین شام است.

بنی حام نیز مردم آفریقا، مصر و مراکش هستند که با فلسطین می جنگند و بیت المقدس را از دست یهود نجات می دهند و به سوی دمشق می روند.

«يَخْرُجُ إِذَا تَلَا حَمَتِ الشُّدَادُ... وَوَبَلَ الرَّذَاذُ، وَعَجَبَتِ الْفَلَاةُ.. وَظَهَرَتِ الْأَفَاطِسُ وَفُحِمُ الْمَلَايِسُ. فَيَكْدَحُونَ الْجَزَائِرَ، وَيَمْلِكُونَ السَّرَائِرَ، وَيَهْتَكُونَ الْحَرَائِرَ، وَيَجْتُونَ كِيسَانَ وَيُخْرِبُونَ خُرَاسَانَ، فَيَهْدِمُونَ الْحُصُونَ، وَيُخْرِجُونَ السَّمْصُونَ، وَيَفْتَحُونَ الْعِرَاقَ وَيُشِيرُونَ النِّفَاقَ بِدَمٍ يُرَاقُ!؛^۱ وقتی قائم قیام می کند، حوادث خونین پشت سر هم اتفاق می افتد، شبانه روز رگبار می بارد، دشت و صحرا پر از هیاهو می شود، مرگ های ناگهانی زیاد می شود و لباس مشک می شود، به هر وسیله ای باشد جزایر را اشغال می کنند، حرمسراها را تصرف می کنند، حرمت ها از بین می رود، فریب و نیرنگ زیاد می شود، خراسان خراب می شود، قلعه های محکم فرو می ریزد و پناهندگان را خارج می کنند و عراق را فتح می کنند و با خونریزی، نفاق ایجاد می کنند.»

«کیسان» در لغت به معنی اهل نیرنگ می باشد. در اینجا شاید منظور، افغان ها باشند که آن سوی خراسان هستند.

این حوادث زمانی است که شهرها همه ساعت بمباران می شود و خمپاره ها بر سر مردم می ریزد و همه جا ناله و فریاد شنیده می شود و لباس مشک می شود، چینی ها با لباس مشک می شود و تجهیزات مدرن نظامی حمله می کنند و حاکمان می ترسند؛ مثل جنگ ویتنام که سازمان ملل آن ها را محکوم کرد و شوروی سابق هم به خاطر حمله به افغانستان محکوم شد ولی چه سود؟!^۱

«سَيُحِيطُ بِالزُّورَاءِ عِلْجٌ مِنْ بَنِي قَنْطُورَاءَ، بِأَشْرَارٍ قَدْ سُلِبَتِ الرَّحْمَةُ مِنْ قُلُوبِهِمْ، فَيَذَبْحُونَ الْأَبْنَاءَ وَيَسْتَحِلُّونَ النِّسَاءَ.. وَيُلُ لِلزُّورَاءِ مِنْ بَنِي قَنْطُورَاءِ! لَكَأَنِّي أَشَاهِدُ دِمَاءَ

مهدی قائم علیه السلام

موسى بن جعفر

الْفُرُوجِ بِدِمَائِهِ أَصْحَابِ الشُّرُوجِ؟! وَ تُحْرِقُ نَارُهُمُ الشَّامَ، فَوَاهَا لِحَلْبٍ مِنْ حِصَارِهِمْ.. وَ يَهْدِمُونَ حُصُونَ الشَّامَاتِ وَلَا يَبْقَى إِلَّا دِمَشْقُ وَ نَوَاحِيهَا، وَ تَرَاقُ الدِّمَاءُ بِمَشَارِفِهَا وَ أَعَالِيهَا.. ثُمَّ يَدْخُلُونَ بَعْلَبَكَّ بِالْأَمَانِ، وَ تَحُلُّ الْبَلَايَا فِي أَنْحَاءِ لُبْنَانَ. فَكَمْ مِنْ قَتِيلٍ فِي الْقَفْرِ، وَ كَمْ مِنْ أَسِيرٍ ذَلِيلٍ بِجَانِبِ النَّهْرِ! فَهَنَّاكَ تَسْمَعُ الْإِعْوَالَ وَ تَصْحَبُ الْأَهْوَالَ.. فَإِذَا آتَاهُمُ الْحَيْنُ الْأَوْجَرُ، وَ ثَبَّ عَلَيْهِمُ الْعَدُوُّ الْأَقْطَرُ، وَ هُوَ رَابِعُ الْعُلُوجِ الْمُتَقَرِّ.. فَيسوقُهُمْ سَوْقَ الْهَجَانِ، وَ يُنَكِّصُ شَيَاطِينَهُمْ فِي أَرْضِ كَنْعَانَ وَ يَقْتُلُ جُيُوشَهُمُ الْعَصْفُ، وَ يَحِلُّ بِجَمْعِهِمُ التَّلْفُ! ثُمَّ يَظْهَرُ الْجَرِيُّ الْهَالِكُ مِنَ الْبَصْرَةِ بِشِرْذِمَةِ عَرَبٍ مِنْ بَنِي عُمَيْرَةَ يَقْدِمُهُمْ إِلَى الشَّامِ، فَيَبَايَعُهُ عَلَى الْخَدْيَعَةِ الْأَرْغَشِ وَ سَيَصْحَبُهُ فِي السَّيْرِ إِلَى عَوْطِيهِ فَمَا أَسْرَعَ مَا يُسَلِّمُهُ بَعْدَ وَرْطَتِهِ.. ثُمَّ يَأْمُرُ الْجَرِيُّ أَنْ يَرُومَ الْعِرَاقَ، فَسَيُذْرِكُهُ الْهَلَاكُ بِالْأَنْبَارِ، وَ يَحِلُّ بِأَهْلِهِ التَّلْفُ! كَافِرِي أَزْ بَنِي قَنْطُورَةَ بِسَپَاهِيَانِ بِي رَحِمِ، بِبَغْدَادِ رَا مَحَاصِرَهُ مِي كَنْدَد، كُودَكَانِ رَا سَرِ مِي بَرَنْد وَ بَه زَنَانِ تَجَاوِزِ مِي كَنْدَد. وای بر بغداد از بنی قنظوره، گویا با چشم خود می بینم که حریم زنها در زیر پای سواران سپاه لگدمال شده و شام در آتش می سوزد. وای به حال حلب از محاصره آنان، شهرهای شام زیر پایشان لگدمال می شود و از شام فقط دمشق و نواحی آن باقی می ماند و دشت و صحرا از خون مردم رنگین می شود. سپس با ایجاد امنیت، وارد بعلبک می شوند و در همه نواحی لبنان حوادث خونبار اتفاق می افتد. جسد کشته شدگان روی زمین در دشت و صحرا باقی می ماند! چقدر اسیر با ذلت در کنار رود نگهداری می شود! ناله و فریاد گوش فلک را کر می کند و ترس و وحشت و خطر همه جا را فرا می گیرد. وقتی زمان نابودی شان برسد، دشمنی بسیار بزرگ بر آن ها چیره می شود که چهارمین سپاه مجهز و نشاندار کفار است. سپس آن ها را مانند گله خر حرکت می دهند و شیطان هایشان را در سرزمین بیت المقدس و ادار به عقب نشینی می کنند و سپاهیانش به وسیله طوفان نابود می شوند و از بین می روند. سپس مردی شجاع با عده ای اندک از عرب از قبیله بنی عمره از بصره حرکت می کند و به سوی شام می آید، در این مسیر مردی فرصت طلب با نیرنگ با او بیعت می کند و تا شام با او همراه می شود و در زمان کوتاهی از گرفتاری نجات می یابد و به سوی عراق می رود ولی در انبار هلاک می شود و اطرافیان او هم نابود می شوند.»

«وَ أَكْثَرُ الْعَلَامَاتِ بَنُو قَنْطُورَا، وَ مُلْكُهُمُ الْعِرَاقُ وَ اطْرَافَ الشَّامِ؛^۱ بيشترین نشانه های (قیام قائم)، حمله بنی قنظوره و تسلط آن ها بر عراق و شام است.»

«فَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْأَرْغَشِ قَدْ هَلَكَ، وَ وَلَدِهِ الْحَدَثِ الْأَبْرَصِ وَ قَدْ مَلَكَ، فَلَا تَطُولُ مُدَّتُهُ أَكْثَرَ مِنْ سَاعَةٍ. وَ يُقْتَلُ مُدْرَبُ الْجَمِيلِ الْأَخْمَرِ، بَعْدَ أَنْ يُسَجَّنَ الْأَسْمَرَ، عِنْدَ وُصُولِ

در پستان حضرت

۵

جسد

الله

تعبیرات دیگر در این خطبه، قابل فهم برای ما نیست که زمان ظهور فهمیده می‌شود.

روایات امام زمان علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«كَيْفَ حَالُ الْأَشْخَاصِ الَّذِينَ يُبَاشِرُونَ الْكُفَّارَ، وَيَتَوَدَّدُونَ نَهْمَهُمْ وَيُجَالِسُونَ نَهْمَهُمْ، وَيَتَكَلَّمُونَ بِلُغَاتِهِمْ، وَيُكَثِّرُونَ سَوَادَهُمْ، وَيَكُونُونَ سَبَبًا لِزَيْدَادِ شَوْكِهِمْ! كَسَانِي كَمَا بَاكَفَارِ هِمْرَاهِي مِي كَنْنَد، چگونگی خواهند بود، با آن‌ها دوست می‌شوند، با آن‌ها نشست و برخاست می‌کنند، با زبان آن‌ها سخن می‌گویند، سیاهی آن‌ها زیاد می‌شود و باعث عظمت آن‌ها و زیاد شدن تعداد نفرات آن‌ها می‌شود؟!»

کسانی که در ظاهر مسلمان هستند ولی در خدمت دشمنان اسلام هستند، و در صف آن‌ها قرار می‌گیرند و بر عظمت آن‌ها می‌افزایند.

سپس امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا﴾^۱ چه کسی ظالم‌تر از کسی است که نگذارد در مساجد خداوند، نام او یاد شود و برای خرابی مساجد تلاش کند؟ می‌فرماید:

«هُمُ الرُّومُ كَانُوا ظَاهِرًا وَبُخْتَنَصَرَ عَلَى خَرَابِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ. أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ: فَلَيْسَ فِي الْأَرْضِ رُومِيٌّ يَدْخُلُهُ إِلَّا وَهُوَ خَائِفٌ أَنْ يُضْرَبَ عُنُقُهُ، أَوْ قَدْ أَخِيفَ بِأَدَاءِ الْجَزِيَّةِ. لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ: أَمَّا خِزْيُهُمْ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ الْمَهْدِيُّ وَفُتِحَتِ الْقُسْطَنْطِينِيَّةُ قَتَلَهُمْ، فَذَلِكَ الْخِزْيُ، وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛^۲ آن‌ها نباید رومی‌ها هستند که به بختنصر برای خراب کردن بیت المقدس کمک کردند. آن‌ها نباید وارد مساجد الهی شوند مگر با ترس و لرز؛ آن روز هیچ رومی وارد بیت المقدس نمی‌شود مگر با ترس این که گردش از بدنش جدا شود و یا از او جزیه گرفته شود. آن‌ها در دنیا خوار و ذلیل می‌باشند. ذلت آن‌ها در دنیا، همان کشته شدن به دست حضرت مهدی علیه السلام در قیام اوست که هنگام فتح قسطنطنیه می‌باشد، و آن‌ها در آخرت گرفتار عذابی بزرگ می‌شوند.» طبق این حدیث، رومی‌ها همان یهودی‌ها هستند. اکنون اسرائیل بیت المقدس را اشغال کرده و یهودی نمی‌تواند بدون ترس وارد آن شود. صهیونیست‌ها می‌خواهند مسجد الاقصی را آتش بزنند تا هیکل سلیمان علیه السلام را بیرون آورند. جنگ را آغاز کرده‌اند و مسلمانان را در صف نماز در مساجد می‌کشند و نمی‌خواهند خداوند را عبادت کنند ولی شب و روز را با ترس سپری می‌کنند.

تعبیر و گفتار قطعی امام صادق علیه السلام امروزه برای ما روشن است که این سخنان را از

در سینه حضرت
علیه السلام
در قیام اوست
در دنیا خوار و ذلیل می‌باشند
در آخرت گرفتار عذابی بزرگ می‌شوند

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۱۴. ۲. الحاوی للفقاری ۲: ۱۲۳.

پیامبر ﷺ روایت می‌کند و روز به روز نشانه‌های ظهور برای ما روشن می‌شود.
«تُقَاتِلُونَ قَوْمًا دُفَّتِ الْأَنْوَابُ، صِغَارَ الْأَعْيُنِ!؛^۱ با گروهی می‌جنگند که بسیار مغرور هستند و چشمان بسیار ریز دارند.»
چینی‌ها دماغ پهن و چشمان ریز دارند.

امام صادق علیه السلام این حقایق را به طور دقیق بیان می‌کند و به زودی با پیدایش بنی قنطوره نیز حقایق زیادی روشن می‌شود؛ آن‌ها کشورها را فتح می‌کنند و در همه جا تسلط می‌یابند و زرد بوستان را می‌کشند و عراق را اشغال می‌کنند و در دولت اسلامی حکومت می‌کنند و ادیان آسمانی را نابود می‌کنند و عقاید اسلامی به صورت تعصبات قومی، و اعتقادات مذهبی یهود و نصاری نیز به صورت تعصبات خشک درمی‌آید.
در چنین زمانی امام غائب، ظهور می‌کند و کافران را نابود می‌سازد و دین را زنده می‌کند.

امام صادق علیه السلام نشانه‌های آخر را این گونه می‌فرماید:

- «الْفَرَجُ كُلُّهُ هَذَاكَ الْقَلَانِيُّ مِنْ بَيْتِ الْعَبَّاسِ؛^۲ وقتی فلانی از بنی عباس هلاک شود، فرج کامل می‌شود.»

شاید فلانی یکی از ظالمانی است که در بغداد حکومت می‌کند و ویژگی‌هایی دارد که او را از بقیه جنایتکاران جدا می‌سازد و همه متوجه می‌شوند که این حدیث اشاره به او می‌کند.

روایات امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام در نامه‌ای به علی بن مهزیار از ناحیه مقدسه می‌نویسد:

- «إِنَّهُ إِذَا قُدَّ الصِّينِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ وَ سَارَ الْعَبَّاسِيُّ وَ بُوِيَ السُّفْيَانِيُّ يُؤَدِّنُ لِيَوْلِي اللَّهِ؛^۳ وقتی مرد چینی ناپدید شود، مراکشی قیام می‌کند، عباسی می‌رود و با سفیانی بیعت می‌کند، به ولی خدا اجازه ظهور داده می‌شود...»

شاید این مرد چینی، کسی است که همه او را می‌شناسند مانند چانگ کای چک و مائوتسه تونگ که ناپدید شدن آن‌ها در جهان بسیار مشخص بود و یکی از نشانه‌های نزدیک شدن ظهور است.

علی بن مهزیار وقتی به حضور امام زمان علیه السلام تشریف یافت، از آن حضرت چنین شنید:
«يَا ابْنَ مَهْزِيَارَ أَلَا أَنْبَأُكَ؟ إِنَّهُ إِذَا قُدَّ الصِّينِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ وَ سَارَ النِّعْمَانِيُّ وَ بُرِيعَ

۱. مستند احمد ۲: ۵۳۰. ۲. غیبت نعمانی: ۱۳۷؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۳۴؛ بشارة الاسلام: ۱۲۰. ۳. بحار الانوار ۵۳: ۱۰۴.

السُّفْيَانِيُّ يُؤَدِّنُ لَوْلِيِّ اللَّهِ فَأَخْرَجُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمُرْوَةِ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا؛^۱
 ای پسر مهزیار! آیا به تو بگویم؟! وقتی آن مرد چینی ناپدید شود، مغربی حرکت
 می‌کند، نعمانی می‌رود و سفیانی حکومت می‌کند، به ولی خدا اجازه ظهور داده
 می‌شود. آنگاه با سیصد و سیزده نفر از یارانم، از میان صفا و مروه ظهور می‌کنم.»

شاید در این روایت، «نعمانی» به جای «یمانی» نقل شده است.

انجیل متی

«اینک خانه شما برای شما خراب گذاشته می‌شود.»^۲

منظور از خانه، بیت المقدس و هیکل حضرت سلیمان است که به دست یسختنصر
 ویران گردید.

«پس، از درخت انجیر عبرت بگیرید که وقتی شاخه‌اش نازک شده و برگ می‌دهد،
 می‌فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز مانند این را می‌بینید، بفهمید که
 نزدیک بلکه پشت در است... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاعی ندارد، حتی
 ملائکه آسمان... ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود... در ساعتی که فکر نمی‌کنید
 پسر انسان می‌آید.»^۳

منظور از درخت انجیر، قوم بنی اسرائیل است که جاودانه نیستند و در حال فرسودگی

هستند.

زکریا

«اینک روز خدا می‌آید و غنیمت تو در میان تو تقسیم خواهد شد. همه امت‌ها را علیه
 اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را غارت
 خواهند نمود و زن‌ها را بی‌عصمت خواهند کرد و نصف اهل شهر اسیر خواهند شد و
 بقیه قوم از شهر دور خواهند شد... آن یک روز معروف خداوند خواهد بود... و یهود بر
 زمین حکومت خواهد کرد.»^۴

شاید این متن، اشاره به آزادی قدس در سال‌های گذشته است و ان شاء الله جهاد دوم
 هم صورت می‌گیرد.

«و این بلایی خواهد بود که خداوند بر آن‌هایی که با اورشلیم می‌جنگند وارد خواهد
 کرد. گوشت ایشان در حالی که روی پایشان ایستاده‌اند کم می‌شود و چشمشان در جدقه
 گداخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کوتاه خواهد شد.»^۵

۱. بشارة الاسلام: ۱۷۴؛ بحار الانوار: ۵۳: ۱۰۴. ۲. انجیل متی، باب ۲۳ بند ۳۸. ۳. انجیل متی، باب ۲۴ بندهای ۳۲-۳۵.

۴. تورات، کتاب زکریای نبی، باب ۱۴ بندهای ۹-۱. ۵. تورات، کتاب زکریای نبی، باب ۱۴ بند ۱۲.

این کم شدن گوشت، یا یک امر معنوی است و یا به وسیله جنگ اتمی و به کار بردن مواد شیمیایی اتفاق می‌افتد و حضرت مسیح علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله قبلاً به آن اشاره کرده‌اند.

«آنگاه همه امت‌ها را جمع کرده به شهر یهوشافاط^۱ خواهم آورد و در آنجا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش محاکمه خواهم نمود، زیرا که ایشان را در میان امت‌ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم کرده‌اند.»^۲

«در امت‌ها برانگیخته شوند و به منطقه یهوشافاط می‌آیند، زیرا که من در آنجا خواهم نشست، تا برای همه امت‌هایی که در اطراف آن هستند قضاوت کنم.»^۳

رؤیا

«و ایشان را به جایی که آن را در زبان عبرانی، هر مجدون می‌گویند، آوردند.»^۴

طبق این گفته، جنگ اسرائیل در «مجدون»^۵ خواهد بود.

حزقیال

«شیطان از زندان خود نجات می‌یابد و امت‌هایی را که در چهار گوشه جهان هستند یعنی یاجوج و ماجوج را گمراه کند، و ایشان را برای جنگ جمع کند که تعداد آن‌ها به اندازه ریگ دریاست و بر پهنای زمین بالا می‌روند و لشکر مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند، سپس آتش از طرف خدا از آسمان نازل شد و ایشان را در بر گرفت.»

شهر محبوب، شهر قدس، و آتشی که نازل می‌شود، مواد آتش زاست و یا شاید صاعقه آسمانی است.

«و اما تو ای پسر انسان! خداوند یهوه چنین می‌فرماید: به مرغان و به همه حیوانات از هر جنسی باشند، بگو جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما قربانی می‌نمایم، جمع شوید. قربانی بزرگی بر کوه‌های اسرائیل است تا گوشت بخورید و خون بنوشید. گوشت ظالمان را خواهید خورد و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید.»^۶

سپس می‌گوید که منطقه عابریم را برای دفن اجساد یاجوج و ماجوج اختصاص خواهد داد و هفت ماه دفن اجسادشان طول خواهد کشید، تا زمین از ناپاکان خالی شود. سپس می‌گوید:

«در آن روزی که یاجوج به سرزمین اسرائیل می‌آید، همانا شدت خشم من را خواهد

۱. صحرایی در نزدیکی بیت المقدس که اکنون به آن قدرون می‌گویند. ۲. تورات، کتاب یونیل نبی، باب ۳ بندهای ۲ و ۳.

۳. همان، بند ۱۲. ۴. انجیل، مکاشفه یوحنا، رسول، باب ۱۶ بند ۱۶.

۵. مجدون، محلی در فلسطین اشغالی در شرق حیفا می‌باشد. ۶. تورات، کتاب حزقیال نبی باب ۳۹ بندهای ۱۷ و ۱۸.

دید... ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که روی زمین می‌خزند و همه مردم جهان، در حضور من خواهند لرزید.»^۱

در قرآن هم آمده است:

﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا﴾^۲ وقتی وعده آخر فرا برسد، شما را با هم می‌آوریم.»

«پس تو ای پسر انسان! برای یاجوج رهبری کن و بگو: خداوند می‌فرماید: ای جوج! ریش، روش، مائک و توبال، من با تو مخالفم. تو را برمی‌گردانم و رهبری می‌کنم و تو را از سمت شمال بر کوه‌های اسرائیل خواهم آورد. کمان تو را از دست چپت انداخته و تیرهای تو را از دست راست می‌اندازم. و تو و همه یارانت که همراه تو هستید، روی کوه‌های اسرائیل خواهید افتاد.»^۳ در روایات اسلامی نیز همین گونه درباره خروج یاجوج و ماجوج سخن گفته شده است.

«ولی اکنون آسمان و زمین برای آتش نگه داشته شده و تا قیامت که مردم گناهکار هلاک می‌شوند، حفظ می‌شود. ولی ای دوستان! این یک چیز از شما پنهان نمی‌ماند که یک روز نزد خدا مانند هزار سال است و هزار سال مانند یک روز. عده‌ای گمان می‌کنند که وعده خداوند تاخیر می‌افتد، بلکه تحمل می‌کند تا کسی هلاک نشود و همه توبه کنند. ولی روز خداوند مانند دزد (به طور ناگهانی) خواهد آمد که در آن روز، آسمان‌ها با صدای مهیبی از بین می‌روند و زمین و هر چه در آن هست، می‌سوزد. همه اینها پراکنده می‌شوند و شما چه طور در هر آیین و دینی باقی می‌مانید؟ منتظر روز خدا باشید و برای آمدنش عجول باشید که در آن روز آسمان‌ها پراکنده می‌شوند و همه چیز گداخته خواهد شد. ولی بر اساس وعده او، منتظر آسمان‌های جدید و زمین جدید هستیم که در آن‌ها عدالت برقرار خواهد بود.»^۴

این مطالب اشاره به جنگ‌های سخت عصر ما با آن سلاح‌های مخرب دارد و تعبیراتی مثل: «صدای مهیب»، «عناصر سوخته شده» و «گداخته شدن» توپ‌ها و موشک‌پراکنی و نابودی هواپیماها در فضا، دقیقاً منطبق است.

نگه داشتن زمین برای آتش، انفجار چاه‌های نفتی را بیان می‌کند که هر ماده‌ای را می‌سوزاند و آتش بزرگی بر پا می‌کند.

در پستگاه حضرت
فا...
و...
الف...
الم...
ال...
ال...

۱. همان مدرک، باب ۳۸ بندهای ۲۰-۱۸. ۲. سوره مبارکه اسراء، آیه ۱۰۴.

۳. تورات، کتاب حزقیال نبی، باب ۳۹ بندهای ۴-۱. ۴. انجیل، رساله دوم پطرس رسول، باب سوم بندهای ۱۳-۷.

انقلاب ها و شورش ها

الف) اصبه و ابقع

روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام)

«إِذَا هَلَكَ عِلْجُ بِالشَّامِ... فَإِذَا قَامَ الْعِلْجُ الْأَضْهَبُ وَعَسَرَ عَلَيْهِ الْقَلْبُ، لَمْ يَلْبِثْ حَتَّى يُقْتَلَ. فَهُنَاكَ الْمُلْكُ إِلَى التُّرْكِ.. وَ يَحِلُّ بِالشَّامِ الْعِلْجُ، وَ تَكْثُرُ الْوَقَائِعُ، وَ تَقُومُ الْحَرْبُ عَلَى قَدَمٍ وَ سَاقٍ؛ أَوْ قَتْلُ كَافِرٍ فِي شَامٍ هَلَاكٌ شَدِيدٌ، أَصْهَبُ كَافِرٌ قِيَامٌ مِي كُنْدُ وَ تَسْلُطُ بِر مَرْكَزٍ بِرَايِ أَوْ سَخْتٌ مِي شُودُ وَ طُولِي نَمِي كَشْدَكِه أَوْ هَم كَشْتِه مِي شُودُ وَ حُكُومَتٌ بِه تَرْكٌ مِي رَسْدُ وَ دَر شَامِ گِرَانِي پيدا مِي شُودُ وَ حُودَاثِ پِشْتِ سِر هَم اِتْفَاقٌ مِي اِفْتِدُ وَ قَدَمٌ بِه قَدَمٌ جَنگِ صُورَتٌ مِي گِیرد.»

مرکز، همان دمشق است که اصبه کافر^۲ در آنجا هلاک می شود و در این زمان یهود نمی تواند بر شام مسلط شود و رهبرشان کشته می شود. بیگانگان به حکومت می رسند که ثروت کشورهای اسلامی و عربی را غارت می کنند.

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«فَبِأَنَّ كَانَ كَذَلِكَ، أَقْبَلْتُ عَلَيْهِمْ فِتْنًا لَا قَبِيلَ لَهُمْ بِهَا! أَلَا وَإِنَّ أَوْلَهَا الْهَجْرِيَّ، وَ الْعَطْرُ فِي، وَ الرَّقْطِيُّ، وَ آخِرَهَا السُّفْيَانِيُّ وَ الشَّامِيُّ؛^۳ أَوْ قَتْلُ فِي حُودَاثِ اِتْفَاقِ يَفْتَدُ، فِتْنِهَائِي رُوي مِي دَهْدَكِه هَرْگِز نَمِي تِوَانِنْدُ بَا آن مِقَابِلِه كِنْتِنْدُ، آگَاه بَاشِيْدَكِه اِغَازِ آن فِتْنِهَائِي هَجْرِي، عَطْرُ فِي، رُقْطِي، وَ آخِرِ آن فِتْنِهَائِي سَفْيَانِي وَ شَامِي اِسْت.»

«هجری» همان یمانی است، و «رقطی» کسی است که لباس رنگین بپوشد که ابقع^۴ است، و درباره «عطرفی» نمی توان سخن گفت.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«وَإِنَّ أَهْلَ الشَّامِ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتِ السُّفْيَانِي وَ الْأَضْهَبِ وَ الْأَبْقَعِ؛^۵ دَرِ آن زَمَانِ، سِه پَرچَمِ دَرِ شَامِ بِرِاَفْرَاشْتِه مِي شُودَكِه پَرچَمِ هَائِي سَفْيَانِي، اَصْهَبِ وَ اِبْقَعِ

۱. الزام الناصب: ۲۰۴.

۲. اصبه در لغت به معنی شتر سرخ مو، شتر سفیدی که با سرخی آمیخته، و نام چشمه‌ای بین بصره و بحرین و به معنی دشمن است و به رومی‌ها هم به خاطر رنگ چیره و دشمنی با اسلام گفته می‌شود. لسان العرب، اقرب المورِد و مجمع البحرین.

۳. المهدي: ۱۹۴؛ الزام الناصب: ۱۹۵؛ بشارة الاسلام: ۷۸.

۴. ابقع در لغت به چیز سیاه و سفید و بخصوص به کلاغ سیاهی که با سفیدی آمیخته باشد و به هر شخص زشت که لباس وصله دار و رنگارنگ بپوشد گفته می‌شود. ۵. ارشاد مفید: ۳۳۸؛ المهدي: ۱۹۶؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۱۲، ۲۲۲ و ۲۳۷.

است و مردم شام زیر این سه پرچم می‌جنگند.»

طبق این روایت، اصهب و ابقع هم زمان با سفیانی خروج می‌کنند و در این زمان، ظهور مهدی علیه السلام نزدیک خواهد بود. سفیانی چهارده ماه باقی می‌ماند.

طبق روایات ابقع در مصر و هنگام دیده شدن ستاره دنباله دار و کسوف خورشید و خسوف ماه خروج خواهد کرد که در این زمان، ظهور نزدیک خواهد بود. و نیز در روایات آمده که اصهب زمانی که فتنه‌ها شدت یابد و حوادث زیاد شود، قیام می‌کند.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ شَرَّ الْأَضْهَبِ الْأَبْرَصِ! فَقِيلَ: وَمَا الْأَضْهَبُ؟ قَالَ الْأَبْقَعُ. فَقِيلَ وَمَا الْأَبْقَعُ؟ فَقَالَ الْأَبْرَصُ... وَاتَّقِ السُّفْيَانِيَّ، وَاتَّقِ الشُّذَّاذَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ! ^۱ از شر اصهب ابرص دور شو. از امام پرسیدند: اصهب کیست؟ فرمود: ابقع. پرسیدند: ابقع کیست؟ فرمود: ابرص. سپس فرمود: از شر سفیانی هم دوری کن و از شر عده‌ای از آل محمد که مقدس نما هستند دوری کن.»

در این حدیث اصهب و ابقع، یک نفر معرفی شده ولی احادیث دیگر آن‌ها را دو نفر می‌دانند. سفارش که به دنبال اصهب و ابقع و سفیانی و شواذ آل محمد نروید و با آن‌ها همراه نشوید.

شواذ آل محمد صلی الله علیه و آله، افراد فرصت طلبی هستند که با اهل بیت نسبت دارند ولی می‌خواهند حکومت را به دست آورند و با ادعای دروغ، افراد مذهبی را به طرف خود جذب می‌کنند.

امام رضا علیه السلام درباره فتنه‌ها می‌فرماید:

«مِنْ عِلْمَاتِهِ أَنْ يَكُونَ خَرَابُ الشَّامِ حِينَ إلتِقَاءِ الرِّايَاتِ الثَّلَاثِ فِيهَا: الْأَبْقَعُ، وَ الْأَضْهَبُ، وَ السُّفْيَانِيُّ؛ ^۲ از نشانه‌های ظهور آن حضرت، خراب شدن شام با حمله سه لشکر در زیر پرچم‌های سفیانی و اصهب و ابقع است.»

امروزه شام در حال خراب شدن است. قسمتی از جولان، فلسطین، اردن و لبنان توسط اسرائیل اشغال شده است. شاید پرچم اصهب بالای بیت المقدس است و پرچم‌های ابقع و سفیانی هم بر بالای آن افراشته خواهد شد و شام زیر پاهایشان خراب

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۶۹، المهدی: ۱۹۸؛ بشارة الاسلام: ۱۰۸.

۲. غیبت نعمانی: ۱۲۳؛ اعلام الوری: ۴۲۸؛ الزام الناصب: ۱۸۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۳۷؛ بشارة الاسلام: ۱۷۵، ۹۴ و ۱۹۲؛ الامام المهدی:

می‌شود و فرج نزدیک می‌شود.

یکی از یاران امام رضا علیه السلام، ایشان را امام قائم و صاحب شمشیر در آخرالزمان می‌دانست و می‌خواست در این باره از امام رضا علیه السلام سؤال کند. قبل از این که او بپرسد، امام رضا علیه السلام به او فرمود:

«قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ وَالْمَرْوَانِيُّ وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَكَيْفَ يَقُولُ هَذَا هَذَا؛ اقبل از آن که قائم ظهور کند، باید سفیانی قیام کند، یمانی قیام کند، مروانی قیام کند، شعیب بن صالح قیام کند. پس چگونه می‌گویی که این (امام رضا علیه السلام) همان قائم است.»

منظور امام رضا علیه السلام این بود که تا کنون هیچ کدام از این قیام‌ها صورت نگرفته که قائم علیه السلام ظهور کند.

امامان علیهم السلام پرسش‌های مردم را قبل از مطرح شدن، پاسخ می‌دادند و اشکالات آن‌ها را برطرف می‌کردند. کسانی که از پذیرش ولایت این امامان علیهم السلام سرپیچی کرده‌اند، در قیامت چه پاسخی دارند؟

امامان علیهم السلام در این باره می‌فرمایند:

«فَأُولُ أَرْضِ تَخْرَبُ أَرْضَ الشَّامِ ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتٍ رَايَةَ الْأَضْهَبِ وَرَايَةَ الْأَبْقَعِ وَرَايَةَ السُّفْيَانِيِّ فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُونَ فَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَمَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَضْهَبَ؛ اولین سرزمینی که در آن قیام و کشتار صورت می‌گیرد، سرزمین شام است که سه لشکر در آن با هم می‌جنگند: اَضْهَب و اَبْقَع و سفیانی. این سه لشکر با هم می‌جنگند تا سفیانی با اَبْقَع درگیر می‌شود و او و سپاهیان‌ش را به قتل می‌رساند، سپس اَبْقَع را نیز از بین می‌برد.»

شام اکنون در خطر این حوادث است و هر لحظه ممکن است اعراب و اسرائیل بجنگند و جنگ جهانی سوم اتفاق بیفتد.

اوضاع کنونی خاورمیانه و نابرابری نیروهای سوریه و اسرائیل، معلوم نمی‌کند که روزی سوریه از دست اسرائیل نجات یابد و اسرائیل با آن همه تجهیزات و امکانات، نابود شود.

«إِذَا دَارَتْ رَحَى بَنِي الْعَبَّاسِ، وَرَبَطَ أَصْحَابُ الرَّايَاتِ خِيُولَهُمْ بِرَيْتُونِ الشَّامِ، يُهْلِكُ

مهدی قائم علیه السلام

تورات الحرام

۱. غیبت نعمانی: ۱۳۳؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۳۳؛ بشارة الاسلام: ۱۵۹؛ منتخب الاثر: ۴۴۱.
۲. غیبت نعمانی: ۱۴۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۳۷؛ بشارة الاسلام: ۱۰۲؛ الامام المهدی: ۲۲۴.

اللَّهُ لَهُمُ الْأَضْهَبَ وَيَقْتُلُهُ وِ عَامَّةَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَي أَيْدِيهِمْ.. وَيَجْلِسُ ابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ عَلَي مَنبَرِ دِمَشْقٍ؛^۱ وقتی آسیاب بنی عباس بچرخد و پرچمداران پرچم‌های خود را روی درختان زیتون شام آویزان کنند، خداوند اصبه را نابود می‌کند و همه سپاهیان را به دست آن‌ها نابود می‌شوند و سپس پسر هند جگرخوار بالای منبر دمشق می‌نشیند.^۲
این روایت، پیروزی سفیانی بر اصبه را بعد از جنگ‌های عراق، خبر می‌دهد.

(ب) مغربی و مصری

پیامبر گرامی ﷺ فرمود:

«وقتی خلافت در سرزمین مقدس نازل شود، بدانید که بلاهای بزرگ و فاجعه‌های وسیع اتفاق می‌افتد و ساعت برای مردم نزدیک‌تر از دست من نسبت به سرم می‌باشد.»
در این روایت، خلافت سفیانی را مطرح می‌کند و سرزمین مقدس، فلسطین است. قتل و غارتی که جنایتکاران انجام می‌دهند، بلاهای بزرگ است و منظور از ساعت، فرج آل محمد ﷺ است.

پس قبل از ظهور قائم ﷺ، فلسطین فتح می‌شود و شهر قدس و کرانه غربی رود اردن از دست اسرائیل آزاد می‌شود و یهودیان در محور عکا - حیفا محاصره می‌شوند تا حضرت مهدی ﷺ ظهور کند و آن‌ها را نابود کند.
در این باره امامان علیهم السلام فرموده‌اند:

«عَلَامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ الْوَيْةُ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ، عَلَيْهَا رَجُلٌ أُعْرِجٌ مِنْ كَسْنَدَةَ؛^۳ نشانه ظهور حضرت مهدی ﷺ پرچم‌هایی است که از مغرب به فرماندهی مرد لنگی از کنده برافراشته می‌شود.»

«مِنْ عَلَامَاتِهِ نَفْرُ أَهْلِ الْمَغْرِبِ إِلَى مِصْرَ. وَ تِلْكَ إِسَارَةُ السُّفْيَانِيِّ؛^۴ از نشانه‌های او مهاجرت غربی‌ها به سوی مصر است و آن در زمان سفیانی انجام می‌شود.»

لیبی که یک کشور غربی است، خواست که با مصر یکی شود و با وجود تلاش بسیار، به نتیجه نرسید. مهاجرت دیگر، به صورت مسلحانه و از مرزهای شرقی است تا در جنگ شام شرکت نمایند. امام صادق علیهما السلام در این باره می‌فرماید:

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۱. ۲. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۴.

۳. بشارة الاسلام: ۱۷۷ و ۱۸۳؛ الامام المهدی: ۲۳۲؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۰؛ الملاحم والفتن: ۴۷.

مریسته حضرت

«قَبْلَ الْقَائِمِ تَتَحَرَّكُ حَزْبٌ وَقَيْسٌ؛^۱ قَبْلَ از قِيَامِ قائم علیه السلام، حَرْبٌ وَقَيْسٌ حَرَكْتُ مِي كُنْد.»
 حرب، بنی امیه و همان سفیانی است و قیس، مغرب در شمال آفریقا است و نشانه اش اختلاف بین دولت های عربی است.

«دُخُولُ رَايَاتِ قَيْسٍ وَ الْعَرَبِ إِلَى مِصْرَ؛^۲ پَرچَم های قیس و عرب وارد مصر می شوند.»
 قیس، اهل مغرب است که عرب های آفریقا هستند و به همین دلیل لفظ «عرب» هم در حدیث آمده است و گرنه مردم مصر هم عرب هستند، دیگر لزومی نداشت برای هجوم قوم عرب بر یک کشور عرب، قید عرب آورده شود.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«عَلَامَةُ خُرُوجِهِ تَخْتَلِفُ ثَلَاثُ رَايَاتٍ: رَايَةٌ مِنَ الْعَرَبِ، فَيَاوِيْلَ لِمِصْرَ وَ مَا يَحِلُّ بِهَا مِنْهُمْ. وَ رَايَةٌ مِنَ الْبَحْرَيْنِ، مِنْ جَزِيرَةِ آرَالٍ مِنْ أَرْضِ فَارِسٍ. وَ رَايَةٌ مِنَ الشَّامِ، فَتَدُومُ الْفِتْنَةُ بَيْنَهُمْ سَنَةً؛^۳ نَشَانَةُ خُرُوجِ او جَنگ سه لشکر است: جَنگ لشکری از عرب؛ وای به حال مردم مصر از حوادثی که به دست این لشکر بر آنها وارد می شود. جَنگ لشکری از بحرین از جزیره آرال از سرزمین فارس؛ جَنگ لشکری از شام که یک سال میان آنها طول می کشد.»

«وَ ظُهُورُ الْمُغْرِبِيِّ بِمِصْرَ وَ تَمَلُّكُهُ لِلشَّامَاتِ؛^۴ مغربی بر مصر مسلط می شود و شام را به تصرف خود در می آورد.»

او پرچمدار قیس است.

«وَ يَخْرُجُ الْبَزْبِرِيُّ إِلَى سُرَّةِ الشَّامِ؛^۵ قوم بربر به سوی سرزمین شام خروج می کنند.»
 «عَلَامَةُ وَقْعَةِ الْمَدِينَةِ إِذَا أَقْبَلَ أَمِيرُ مِصْرَ؛^۶ نَشَانَةُ واقعه مدینه، روی آوردن فرمانروای مصر است.»

«يُقْبَلُ الْبَزْبِرِيُّ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ، عَلَى الْبَرَادِينِ الشُّبْرِ، حَتَّى يَنْزِلُوا مِصْرَ.. وَ يَخْرُجُ أَهْلُ الْمَغْرِبِ إِلَى مِصْرَ.. فَإِذَا دَخَلُوا فَتِلْكَ إِمَارَةُ السُّفْيَانِيِّ؛^۷ سپاه بربر با پرچم های زرد سوار بر یابوهای نیرومند و فراوان، به مصر وارد می شوند و اهل مغرب نیز به سوی مصر حرکت می کنند؛ وقتی وارد مصر شوند، سفیانی به حکومت می رسد.»

در روایت دیگری از امیر مؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام آمده است:

۱. غیبت نعمانی: ۱۴۸؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۴۵؛ بشارة الاسلام

۲. الزام الناصب: ۱۸۵؛ ارشاد مفید: ۳۴۰؛ بشارة الاسلام: ۱۷۵؛ المحجة البيضاء: ۴: ۳۴۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۲۰؛ الامام المهدي: ۱۹۶؛ الامام المهدي: ۲۳۴. ۳. الزام الناصب: ۱۹۸.

۴. المحجة البيضاء: ۴: ۳۴۲؛ المهدي: ۱۹۶؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ الامام المهدي: ۲۳۳. ۵. الملاحم والفتن: ۲۷.

۶. الملاحم والفتن: ۲۷. ۷. بشارة الاسلام: ۱۸۶؛ الامام المهدي: ۹۶؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۹.

«إِذَا اخْتَلَفَ رُمَحَانِ بِالشَّامِ لَمْ تَنْجَلِ إِلَّا عَنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ قَبِيلَ وَمَا هِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ رَجْفَةٌ تَكُونُ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا أَكْثَرُ مِنْ مِائَةِ أَلْفٍ يَجْعَلُهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا إِلَى أَصْحَابِ الْجَزْعِ الَّذِينَ الشُّهْبِ الْمَخْذُوفَةِ وَالرَّايَاتِ الصُّفْرِ تُقْبِلُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَحُلَّ بِالشَّامِ وَذَلِكَ عِنْدَ الْجَزْعِ الْأَكْبَرِ وَالْمَوْتِ الْأَحْمَرِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خَسْفَ قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى دِمَشْقَ يُقَالُ لَهَا حَرِشًا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ ابْنُ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي حَتَّى يَسْتَوِيَ عَلَى مِنْبَرِ دِمَشْقَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ^۱؛ وقتی دو لشکر در شام بجنگند، یکی از نشانه‌های بزرگ الهی ظاهر می‌شود که زلزله شام است که بیش از صد هزار نفر در شام هلاک می‌شوند. این حادثه برای مؤمنان، رحمت و برای کافران، عذاب است. وقتی این حادثه اتفاق بیفتد، منتظر پرچم‌های زرد و سپاهیان سبک‌بال و یابوسوار باشید که از سوی مغرب می‌آیند و وارد شام می‌شوند و مرگ سرخ و نگرانی بزرگ فرا می‌رسد. وقتی این مرگ و نگرانی اتفاق بیفتد، منتظر خرابی یکی از روستاهای شام به نام «خرشنا» باشید. هنگامی که خرشنا نابود شود، منتظر خروج سفیانی پسر هند جگر خوار از سرزمین خشک باشید تا بالای منبر دمشق برود؛ وقتی سفیانی بالای منبر قرار گرفت، منتظر ظهور مهدی عجل الله فرجه باشید.»

دو لشکر عربی و یهودی در شام می‌جنگند و میان سپاه راست غربی و سپاه چپ شرقی در سرزمین شام جنگ ادامه دارد و بخصوص در خاورمیانه و در مناطق نفت خیز، این جنگ بیشتر دیده می‌شود که هر حرکتی در این زمینه اتفاق بیفتد، یکی دیگر از نشانه‌های راستگویی پیامبر ص و امامان ع می‌باشد. اقوام دیگر نمی‌توانند این طور دقیق پیشگویی کنند.

بربرها، غربی‌ها هستند که با پرچم‌های زرد به سوی مصر و از آنجا به سوی شام حمله خواهند کرد. در احادیث گفته شده باید به نکات زیر توجه کرد:

۱. زلزله سخت شام که ممکن است زلزله طبیعی و به فرمان الهی باشد و یا با بمب‌های اتمی اسرائیل باشد.
۲. نگرانی‌های لشکریان به یابوهای سبک‌بال تعبیر شده است و اسب و شتر گفته نیست. چگونه می‌توان هزاران یابو با شکل و رنگ یکسان برای این لشکر در نظر گرفت.
۳. در بعضی از روایات، «شهب» درباره یابوها گفته شده که یکرنگ بودن آن‌ها را بیان

۱. غیبت نعمانی: ۱۶۳؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۷؛ بحار الانوار: ۲۱۴، ۲۱۷؛ بشارة الاسلام: ۵۵ و ۱۰۶.

می‌کند، و در برخی دیگر «بُتر» تعبیر شده که بی‌دم بودن آن‌ها را بیان می‌کند و در برخی «سُبر» تعبیر شده که فراوان بودن و صاحب ابزار اکتشافی بودن آن‌ها را می‌رساند و طبق معنای دیگر کلمه پرواز کردن در اوج آسمان را با بال‌های دراز می‌رساند و از طرفی «مخذوفه» تعبیر شده که به معنی مرکب تیزپاست که به خاطر سرعت زیاد، سنگریزه‌ها از زیر پاهایش پرتاب می‌شود و گوش ندارد. این اوصاف برای هواپیماهای تیزپرواز و موشک‌انداز است.

۴. نگرانی بزرگ و مرگ و میر در این احادیث، اشاره به جنگ جهانی سوم دارد که جهان را نابود می‌کند.

امامان علیهم‌السلام این سخنان پربار و معارف را برای ما بیان کرده‌اند و تعبیرهای زیبا به کار برده‌اند که امروزه برای ما تحقق می‌یابد.

«إِذَا دَخَلَتِ الرَّايَاتُ الصُّفْرُ مِصْرَ فَعَلَبُوا عَلَيْهَا، وَقَعَدُوا عَلَى مِثْبَرِهَا فَلْيَحْفِرْ أَهْلُ الشَّامِ أَشْرَاباً لَهُمْ فِي الْأَرْضِ، فَإِنَّهُ الْبَلَاءُ! وَإِذَا يَلْفَكَ أَنَّهُمْ نَزَلُوا بِالشَّامِ، وَهِيَ السُّرَّةُ، فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلْتَمِسَ سُلْماً فِي السَّمَاءِ أَوْ نَقْعاً فِي الْأَرْضِ فَأَفْعَلْ: فَإِذَا أَقْبَلَتِ الرَّايَاتُ الشُّوْدُ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالرَّايَاتُ الصُّفْرُ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَالتَّقَتْ فِي سُرَّةِ الشَّامِ، فَهُنَاكَ الْبَلَاءُ، وَبَطْنُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مِنْ ظَهْرِهَا! أَوْ قَتَى بِرِجْمِ هَيْ زَرْدٍ وَارِدٍ مِصْرَ بِشَوْنَدٍ وَبِرِ سِرْزَمِينِ مِصْرَ تَسْلُطُ يَابِنْدُ وَبِهَ قَدْرَتِ بَرَسِنْدٍ، مَرْدَمِ شَامِ دَرِ زَمِينِ بَرَايِ خُودِ تُونَلِ وَبِنَاهِگَاةِ اِبْجَادِ مِی‌کَنْنَدُکَه‌ اَزِ اِبْنِ بَلَايِ بَزْرَگِ دَرِ اِمَانِ بَاشِنْدُ. تُو هَمِ وَقْتِی بَاخْبِرِ شَدِی‌ کَه‌ اَن‌ هَا دَرِ شَامِ وَارِدِ شُدِه‌ اِنْدُ وَبِیَابانِ هَايِ شَامِ رَا پَرِ کَرْدِه‌ اِنْدُ، اِگَرِ بَتُوَانِی نَرْدِ بَانِی پِیْدَاکُنِی‌ کَه‌ دَرِ آسْمَانِ بَالَا بَرُوی، حَتْمَا اِبْنِ کَارِ رَا اِنْجَامِ بَدِه‌، وَ اِگَرِ نَمِی‌ تُوَانِی، تُو نَلِی‌ دَرِ زَمِينِ اِبْجَادِ کُنْ. وَقْتِی بِرِجْمِ هَايِ سِیَاهِ اَزِ مَشْرِقِ وَبِرِجْمِ هَايِ زَرْدِ اَزِ مَغْرِبِ حَرِکَتِ کَنْنَدُ وَدَرِ شَامِ بِهَ هَمِ بَرَسِنْدُ، اَن‌ رُوْزِ، رُوْزِ بِلَا وَگِرْفَتَارِی‌ اِسْتِ، وَ دَرِ اَن‌ رُوْزِ زِیْرِ زَمِينِ بَهْتَرِ اَزِ رُوْیِ زَمِينِ اِسْتِ.»

امامان علیهم‌السلام ما چهارده قرن قبل، از کندن تونل و پناهگاه در زیر زمین خبر می‌دهند تا از بمباران‌های هوایی و امواج انفجارها در امان باشند و اگر قدرت داشته باشند با هواپیماها خود را از منطقه خطر دور کنند. حال آن که وقتی این احادیث را روایت کرده‌اند، هیچ کس نتوانسته بود در آسمان پرواز کند تا نیاز به کندن تونل و پناهگاه باشد! کسانی که به این هشدارها و پندها گوش کنند، و فرصت را غنیمت شمرند، از خطرات

تربسته حضرت مهدی قائم علیه‌السلام



توضیح مختصر



جنگ در شام حفظ می‌شوند.

هیچ کس نمی‌تواند بگوید که پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام در مکتبی درس خوانده‌اند و یا از کسی کلمه‌ای آموخته‌اند! بلکه همه علوم به آن‌ها برمی‌گردد و همه حقایق از علوم آل محمد ﷺ سرچشمه گرفته است. حقیقت را گفته‌اند که:

«نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا، وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا؛^۱ ما تربیت شدگان و پرورش یافتگان پروردگار خود هستیم و آفریده‌های دیگر، پرورش یافتگان ما هستند.»

کسی که پرورش یافته آن بزرگواران باشد و از آن‌ها اطاعت کند، نجات می‌یابد و هر کس از آن‌ها اطاعت نکند، از حقیقت دور شده و هلاک می‌شود.

«إِذَا بَلَغَتِ الرَّايَاتُ الصُّفْرَ مِصْرَ، فَاهْرَبْ فِي الْأَرْضِ جُهْدَكَ هَرَبًا. وَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّهُمْ نَزَلُوا الشَّامَ فَهَنَّاكَ الْبَلَاءُ؛^۲ وقتی پرچم‌های زرد به مصر برسد، با تمام قدرت از منطقه فرار کن، و وقتی آن‌ها وارد شام بشوند، زمان نزول بلا رسیده است.»

وقتی سپاه مغرب بر مصر تسلط یافت و به سوی شام آمد، باید به فکر فرار از منطقه بود و قبل از این که به وسیله آن‌ها نابود شویم، باید فرار کنیم یا در تونل و پناهگاه پنهان شویم. ظاهراً لشکر مغرب به بغداد هم خواهند رفت و در تخریب و کشتار عراق دست دارند. در انجیل آمده که بغداد توسط قرقیسیا نابود می‌شود و کشته‌های آن‌ها غذای پرندگان و حیوانات می‌شوند که در کتاب‌های آسمانی و روایات اسلامی با عنوان «سفره عام الهی از گوشت ظالمان برای حیوانات و پرندگان» نام برده شده است.

سپس امام علی عليه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِذَا رَكَزَتْ رَايَاتُ قَيْسٍ بِمِصْرَ وَرَايَاتُ كِنْدَةَ بِخُرَّاسَانَ؛^۳ وقتی پرچم‌های قیس در مصر و پرچم‌های کنده در خراسان برافراشته شود.»

یعنی پرچم‌های قیس به سوی مشرق و پرچم‌های کنده به سوی مغرب حرکت می‌کند.

«إِذَا دَهَمَكُمُ رَايَاتُ بَنِي كِنْدَةَ مَعَ عُمَالٍ مِنْ عَقَبَةِ مِنَ الشَّامِ؛^۴ وقتی پرچم‌های بنی‌کنده با سپاهیان گردنه شام به سوی شما می‌آیند.»

منظور از سپاه شام، سپاه سفیانی است که قبل از حرکت سپاه اسلام از مکه و مدینه، در شام مستقر می‌شوند.

در سپاه حضرت
قدس سره
السلام
علیه

۱. غیبت شیخ طوسی: ۱۷۳؛ وسائل الشیعه ۱۶: ۱۶۱، حدیث هفتم. ۲. الملاحم والفتن: ۳۰؛ بشارة الاسلام: ۱۰۹. ۳. ارشاد مفید: ۳۴۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۲؛ بحار الانوار: ۵۲؛ اعلام الوری: ۴۲۹؛ بشارة الاسلام: ۱۵۸ و ۱۷۵؛ الامام المهدي: ۲۳۰؛ الزام الناصب: ۱۸۴. ۴. الزام الناصب: ۲۱۳.

«وَرُودُ خَيْلٍ مِنْ قِبَلِ الْمَغْرِبِ حَتَّى تُرْبَطَ بِفِنَاءِ الْحَيْرَةِ وَاقْتِبَالُ رَايَاتٍ سُودٍ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ بَعْدَ تَرْكِيزِ رَايَاتِ كُنْدَةَ فِيهَا؛^۱ اسب‌هایی از سوی مغرب می‌آیند تا در اطراف حیره فرود آیند و پس از آنکه پرچم‌های کنده در آن برافراشته شد، پرچم‌های سیاهی از سوی خراسان حرکت می‌کنند.»

«خیل» در لغت به معنی اسب است و در این احادیث، به سواران تیزپا گفته می‌شود که در آن روز افراد و تجهیزات سپاه را جابجا می‌کنند. اگر به معنی لغوی آن به کار می‌رفت، باید از شتر و اسب و... نام می‌بردیم ولی فصاحت این روایات به اندازه‌ای بالاست که اگر می‌خواست، از این الفاظ استفاده می‌کرد.

منظور از پرچم‌های سیاه، لشکر بزرگ سید خراسانی است که برای دفاع از شیعیان عراق در برابر سپاه سفیانی و دیگر نیروهای مهاجم از خراسان حرکت می‌کند و حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را یاری می‌کند و با او بیعت می‌کند.

«إِذَا قَامَ أَمِيرُ الْأَمْرَاءِ فِي مِصْرَ وَجُهَّزَتِ الْأَلُوفُ وَصُفَّتِ الصُّفُوفُ؛^۲ وقتی امیر امیران در مصر قیام کند و صف‌ها فشرده شود و هزاران سپاهی جمع شود...»

اکنون مصر بسیار تلاش می‌کند تا سپاهی بزرگ با بهترین سلاح‌ها فراهم کند. مخالفین آن‌ها نیز آماده مبارزه هستند. شرق و غرب هم به این دو گروه سلاح می‌دهند. «قَتَلَ أَهْلَ مِصْرَ أَمِيرَهُمْ وَخَرَابَ الشَّامَ وَدُخُولَ رَايَاتِ قَيْسٍ وَ الْعَرَبِ إِلَى مِصْرَ وَ تَرْكِيزَهَا فِيهَا؛^۳ وقتی مردم مصر حاکم خود را بکشند و پرچم‌های قیس و عرب وارد مصر شوند و در آن متمرکز شوند.»

ممکن است حاکم مصر، انورسادات باشد که مدتی پیش کشته شد.

«يُقْتَلُ قَبْلَ ظَهْرِ الْقَائِمِ مَلِكُ الشَّامِ، وَ مَلِكُ مِصْرَ، وَ يُسَبِّحُ أَهْلُ قَبَائِلَ مِنْ مِصْرَ؛^۴ قبل از ظهور قائم، حاکم شام و مصر کشته می‌شوند و گروه‌هایی از مردم مصر اسیر می‌شوند.»

ظاهراً این دو کشتار، قبل از جنگ‌های سخت شام اتفاق می‌افتد.

«عَلَيَّةُ الْعَبِيدِ عَلَى بِلَادِ السَّادَاتِ؛^۵ بندگان بر سرزمین اربابان خود مسلط می‌شوند.»
«خُرُوجُ الْعَبِيدِ عَنِ طَاعَةِ سَادَاتِهِمْ وَ قَتْلُهُمْ مَوَالِيَهُمْ؛^۶ بردگان علیه ارباب‌های خود قیام می‌کنند و آن‌ها را می‌کشند.»

در عصر ما این شورش و قیام در هر جایی دیده می‌شود، بین کارگر و کارفرما، شاگرد

در سپاه حضرت مهدی قائم علیه السلام

میرالاحرار ظل فر

۱. بشارة الاسلام: ۴۹ و ۱۷۶؛ الزام الناصب: ۱۷۹. ۲. بشارة الاسلام: ۴۹ و ۱۷۶؛ الزام الناصب: ۱۷۹.

۳. المهدي: ۱۹۶؛ بشارة الاسلام: ۱۷۵ و ۱۹۲؛ الامام المهدي: ۲۳۳؛ الزام الناصب: ۱۸۵.

۴. الملاحم والفتن: ۴۰؛ بشارة الاسلام: ۱۸۵. ۵. بشارة الاسلام: ۱۷۶؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ الامام المهدي: ۲۳۴. ۶. همان.

و استاد، فرزند و پدر و...

«إِذَا مَلَكَ رَجُلُ الشَّامِ، وَ آخِرُ مِصْرَ، فَأَقْتَلَ الشَّامِيَّ وَ الْمِصْرِيَّ، وَ سَبَى أَهْلَ الشَّامِ قِبَائِلَ مِنْ مِصْرَ. وَ أَقْبَلَ رَجُلٌ مِنَ الْمَشْرِقِ بِرَايَاتِ سُودٍ صِغَارٍ قَبْلَ صَاحِبِ الشَّامِ، فَهُوَ الَّذِي يُؤَدِّي الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ؛^۱ وَ قَتَى مَرْدِي حَاكِمَ شَامٍ شُوْد وَ دِيْغَرِي بِرِ مِصْرَ حُكُومَتِ كُنْدِ، شَامِي وَ مِصْرِي بِا هَمِ مِي جَنگَنْد وَ مَرْدَمِ شَامِ قَبِيلَه‌هَائِي اَز مِصْرَ رَا اسير مِي كُنْد وَ مَرْدِي اَز خِرَاسَانِ بِا پَرچَم‌هَائِي سِيَاهِ كُوجَكِي بِه سُوِي شَامِ حَرَكَتِ مِي كُنْد. اُو هَمَانِ شَخْصِي اسْتِ كِه زَمِينَه رَا بِرَايِ اطَاعَتِ اَز حَضْرَتِ مَهْدِي عليه السلام فَرَاهَمِ مِي كُنْد.»

منظور از شامی، سفیانی و یا یکی از فرماندهان ارتش سفیانی است که به سوی عراق حرکت می‌کند. منظور از شکست دادن سپاه سفیانی توسط سید خراسانی، جنگ سختی است که بعد از کشتار بغداد و کوفه میان آن‌ها اتفاق می‌افتد.

«أَمَّا صَاحِبُ الْمَغْرِبِ فَيَسِيرُ، فَيَقْتُلُ الرُّجَالَ وَ يَسْبِي النِّسَاءَ، ثُمَّ يَرْجِعُ بِقَيْسِ بَغْدَةَ التَّقَائِهِ بِجَيْشِ السُّفْيَانِي فِي قَرْقِيسِيَا، فَيَنْزِلُ السُّفْيَانِي فِي الْجَزِيرَةِ، وَ يَسْبِقُ السُّفْيَانِي إِلَيْهَا، فَيَحُورُّ السُّفْيَانِي مَا جَمَعُوا؛^۲ اُنْ مَرْدِ مَغْرِبِي حَرَكَتِ مِي كُنْد وَ دَر رَاهِ هَر چِه مَرْدِ بَسِينْدِ، مِي كَشْد وَ هَر چِه زَنِ بَسِينْدِ، اسير مِي كُنْد. پَسِ اَز بِر خُورْدِ بِا سِيَاهِ سَفِيَانِي دَر قَرْقِيسِيَا، بِا قَيْسِ بِر مِي گَرْدَد. سَفِيَانِي دَر جَزِيرَه مَسْتَقِر مِي شُود وَ يَمَانِي بِه سُوِي اُو حَرَكَتِ مِي كُنْد. سَفِيَانِي، هَر چِه دَارَنْد اَز اُنْ هَا مِي گِيرَد.»

«... وَ غَلْبَةُ الْهِنْدِ عَلَى السُّنْدِ، وَ غَلْبَةُ الْقُبْطِ عَلَى اطْرَافِ مِصْرَ، وَ غَلْبَةُ الْأَنْدَلُسِ عَلَى اطْرَافِ أَفْرِيْقِيَا، وَ غَلْبَةُ الْحَبَشَةِ عَلَى الْيَمَنِ، وَ غَلْبَةُ التُّرْكِ عَلَى اطْرَافِ خُرَاسَانَ، وَ غَلْبَةُ الرُّومِ عَلَى الشَّامِ، وَ غَلْبَةُ أَهْلِ أَرْمِينِيَّةِ، وَ صُرَاخُ صَارِخٍ بِالْعِرَاقِ، وَ هَتْكُ الْحِجَابِ، وَ اقْتِضَاضُ الْعُدْرَاءِ؛^۳ اُنْ هِنْدِ بِر سِنْدِ، پِيرُوزِي قُبْطِ بِر اطْرَافِ مِصْرَ، پِيرُوزِي اَنْدَلُسِ بِر اطْرَافِ أَفْرِيْقَا، پِيرُوزِي حَبْشَه بِر يَمَنِ، پِيرُوزِي تُرْكِ بِر اطْرَافِ خِرَاسَانَ، رُومِي هَا بِر شَامِ، وَ نِيْز اَرْمَنِسْتَانَ پِيرُوزِ مِي شُونْد وَ نَالَه‌هَائِي نَالَه كُنْدگانِ دَر عِرَاقِ وَ بِي عَقْتِي زَنَانِ وَ تَجَاوُزِ بِه حَرِيمِ دَخْتِرَانِ صُورَتِ مِي گِيرَد.»

نمی‌دانیم به شیوایی سخن امام علی عليه السلام توجه کنیم یا به عمق معانی، یا به زیبایی گفتار و یا به آگاهی بالا.

اکنون هند بر سند چیره شده و منظور از «قبط»، نصاری مصر و سودان و اتیوپی است که در مصر زندگی بسیار خوبی دارند و در جنوب سودان و در بخشی از کشور چاد و در

۱. الملاحم والفتن: ۳۳. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۲۰۸؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۸؛ بشارة الاسلام: ۱۷۸ و ۱۹۲.

۳. بشارة الاسلام: ۴۲؛ الملاحم والفتن: ۱۶۴.

همه کشور اتیوپی حکومت می‌کنند.

در گذشته اندلس بر اطراف آفریقا چیره شده و هم اکنون انقلابیون پولیساریو بر آن تسلط دارند. انقلابیون پولیساریو به دست دشمنان اسلام برای نابودی اسلام در صحرا به وجود آمده‌اند، مانند انقلابیون دیگر در دیگر مناطق زمین.

در جنگ اتیوپی، حبشه بر یمن غلبه کرد، و کماندوهای کوبا به بهانه گسترش عدالت در زمین، جنایات زیادی در صومالی مرتکب شدند.

در جنگ‌های روسیه، ترکان بر اطراف خراسان غلبه کردند و حرم مطهر امام رضا علیه السلام مورد اصابت توپ قرار گرفت. در عصر ما با اشغال آذربایجان، افغانستان این اتفاق افتاده است.

در عصر ما روم بر شام غلبه کرده و تجاوزات اسرائیل بر سوریه و اشغال جولان و کرانه‌های رود اردن و سرزمین مقدس فلسطین دیده می‌شود.

مدت هاست ارمنی‌ها با ترک‌ها می‌جنگند و احتمالاً در آینده بر شرق ترکیه مسلط می‌شوند.

در جنگ ایران و عراق که شرق و غرب آن را به راه انداخت، ناله ناله کنندگان و خانواده‌های آسیب دیده بلند بود.

بسیار روشن است که این خطبه نیز مانند خطبه‌های دیگر امام علی علیه السلام، شعر و سجع نیست، بلکه حقایقی است که بسیار زیبا بیان شده است.

ج) عوف سلمی

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

«يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ عَوْفُ السَّلْمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيتَ وَ قَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقَ؛ اقبل از خروج آن حضرت، مردی به نام «عوف سلمی» در الجزیره^۱ خروج می‌کند، در تکریت^۲ سکونت می‌کند و در مسجد دمشق کشته می‌شود.»

۱. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۰؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۱۳؛ الامام المهدي: ۲۲۲؛ بشارة الاسلام: ۸۶.

۲. الجزیره منطقه‌ای در شمال سوریه میان دو رودخانه معروف فرات و دجله است.

۳. تکریت، شهری در عراق در کنار دجله، در شمال سامراست که در زمان عباسی به سبب قلعه‌اش شهرت داشت، در گذشته زادگاه صلاح الدین ایوبی جلال بود، و در حال زادگاه جلال قادمیه است. این شهر در سال ۱۳۹۴ میلادی توسط تیمور لنگ ویران شده است.

در بعضی کتاب‌ها به جای «تکریت»، «کریت» و «کویت» نیز آمده است. این مرد همراه عده‌ای از عرب‌ها و زنجی‌ها از جنوب، وارد مصر می‌شود و آن جا را خراب می‌کند.

این خرابی بصره، غیر از آن خرابی بصره است که در قرن سوم هجری توسط صاحب زنج صورت گرفته و ابن ابی الحدید آن را نشانه ظهور می‌دانسته.^۱ اکنون ۱۱۵۰ سال از آن خرابی گذشته ولی هنوز ظهور صورت نگرفته ولی این خرابی مصر که در روایات بیان شده، نشانه نزدیک شدن ظهور است.

پیامبر ﷺ در این باره به جعفر بن ابی طالب فرمود:

«وَ خَرَابُ الْبَصْرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ يَتَّبِعُهُ الزُّنُوجُ؛^۲ یکی از فرزندان تو بصره را خراب می‌کند که زنجی‌ها از او اطاعت می‌کنند.»

اولین بار در زمان بنی عباس در فتنه‌های صاحب زنج بصره خراب شد ولی در حدیث دیگر، تعبیر «عند» به کار رفته و روشن است که هنگام قیام حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- بصره خراب خواهد شد. تاریخچه خرابی بصره در قرن سوم در تاریخ خاورشناس معروف «بروکلمان» بیان می‌کند که خرابی صاحب زنج غیر از خرابی موعود در نزدیکی ظهور است.^۳

چگونه است که خرابی اول بصره را یکی از فرزندان پیامبر ﷺ از نسل جناب زید انجام می‌دهد و ویرانی آخر را عوف سلمی از نسل جعفر طیار انجام می‌دهد. در این خرابی دوم، بصره کاملاً ویران می‌شود و از عراق عبور می‌کند و به دمشق می‌رود و در مسجد شام کشته می‌شود. ولی صاحب زنج وارد دمشق نشد.

«عَلَبَةُ الْعَبِيدِ عَلَى بِلَادِ الشَّامِ؛^۴ غلامان بر شام مسلط می‌شوند.»

حضرت علی عليه السلام می‌فرماید:

«وَيَحْكُ يَا بَصْرَةَ مِنْ جَيْشٍ لَا رَهَجَ لَهُ وَلَا حِسَّ فِتْنَةٍ يَكُونُ بِهَا إِخْرَابُ مَنَازِلَ وَ خَرَابُ دِيَارٍ وَ انْتِهَاكُ أَمْوَالٍ وَ سِبَاءُ نِسَاءٍ؛^۵ ای بصره! ای بر تو از سپاهی غیباری ندارد و احساس هم ندارد، ولی فتنه‌ای بر پا می‌کند که خانه‌ها را خراب می‌کند، آبادی‌ها را نابود می‌سازد، ثروت‌ها را غارت می‌برد و زن‌ها را اسیر می‌کند.»

در پناه حضرت
القائم الموعود

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۲: ۳۱۵.

۲. بحار الانوار ۵۱: ۷۰ و ۵۲: ۲۷۸؛ بشاره الاسلام: ۵ و ۴۹؛ الامام المهدي: ۲۱۷؛ منتخب الاثر: ۴۲۵؛ الزم الناصب: ۶۴.

۳. تاریخ الشعوب الاسلاميه ۲: ۵۵. ۴. الملاحم والفتن: ۱۶۴؛ بشاره الاسلام: ۱۷۶. ۵. بشاره الاسلام: ۵۷.

«كَانِي بِهِ وَقَدْ سَارَ بِالْجَيْشِ الَّذِي لَا يَكُونُ لَهُ عُبَارٌ وَلَا لَجَبٌ وَلَا قَعْقَعَةٌ لُجْمٌ وَلَا حَمْحَمَةٌ خَيْلٌ يُثِيرُونَ الْأَرْضَ بِأَقْدَامِهِمْ كَأَنَّهَا أَقْدَامُ النَّعَامِ وَيَسْلُ لِسِكِّكُمْ السَّعَامِرَةَ وَالذُّورِ الْمَرْخَرَفَةَ الَّتِي لَهَا أُجْنَحَةٌ كَأُجْنَحَةِ النَّسُورِ وَخَرَاطِيمٌ كَخَرَاطِيمِ الْقَيْلَةِ مِنْ أَوْلِيكَ الَّذِينَ لَا يُنْدَبُ قَتِيلُهُمْ وَلَا يُفْقَدُ غَايِبُهُمْ؛ گویی با چشم خود او را می بینم که با سپاهی خواهد آمد که غباری بر پا نمی کند، بانگ ترسناکی ندارد، آواز لگام و شیهه اسبی شنیده نمی شود. با گام های خود زمین را می لرزانند، گویی پای شترمرغان است. وای بر خیابان های آباد شما و خانه های آراسته شما که مانند کرسکس بسال دارد و مانند فیل خرطوم. از آن ها کسانی هستند که بر کشته های شان گریه نمی کنند و از مفقودالائرهاشان سراغ نمی گیرند.»

چنین سپاهی با این خصوصیات چیست؟ سپاهیان آخرالزمان با هواپیما و نفربر می آیند و اسبی ندارند که شیهه کند. آیا در فتنه صاحب زنج، صدای افسار و شیهه اسب شنیده نمی شد؟! پس حتماً منظور از این خرابی بصره، خرابی صاحب زنج نیست، بلکه خرابی عوف سلمی در آستانه ظهور است.

«الْبَصْرَةَ! وَإِنَّهَا لِأَقْرَبِ الْأَرْضِ خَرَابًا وَأَخْسَنُهَا تُرَابًا وَأَشَدُّهَا عَذَابًا وَإِنْ لَكُمْ يَا أَهْلَ الْبَصْرَةَ وَمَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرَى مِنَ الْمَاءِ لِيَوْمًا عَظِيمًا بَلَاؤُهُ وَإِنِّي لَأَعْلَمُ مَوْضِعَ مُنْفَجَرِهِ مِنْ قَرْيَتِكُمْ هَذِهِ ثُمَّ أُمُورٌ قَبْلَ ذَلِكَ تَذَهْمُكُمْ عَظِيمَةً أَخْفَيْتُ عَنْكُمْ وَعَلِمْنَاهَا فَمَنْ خَرَجَ عَنْهَا عِنْدَ دُؤُورِ غَرْقِهَا فَبِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ سَبَقَتْ لَهُ وَمَنْ بَقِيَ فِيهَا غَيْرَ مُرَابِطٍ بِهَا فَبِذَنْبِهِ وَمَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ؛ بصره برای خرابی، نزدیک تر از همه جا است، خاکش از همه جا سخت تر است، بیشتر در خطر عذاب الهی است. ای مردم بصره و ای ساکنان آبادی های اطراف بصره! آگاه باشید که روز سخت و بلای دردناکی از آب در انتظار شماست، من می دانم که این آب از کجای شهر شما بیرون خواهد آمد، قبل از آن نیز حوادث سختی برای شما اتفاق می افتد که شما آن را نمی دانید ولی ما آگاهی داریم. وقتی زمان انفجار آن برسد، هرکس زودتر از آنجا خارج شود، رحمت خدا شامل او می شود و هرکس بدون وابستگی در آن جا بماند، به سزای گناهانش می رسد و خداوند هرگز به بندگانش ظلم نمی کند.»

این خرابی با خارج شدن آب از خاک، اتفاق می افتد و با فتنه صاحب زنج در یازده قرن پیش ارتباطی ندارد.

«يَا أَهْلَ الْبَصْرَةَ أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ وَدِينُكُمْ نِفَاقٌ وَمَاؤُكُمْ زُعَاقٌ بِلَادِكُمْ أَنْتُمْ بِلَادِ اللَّهِ تُزِبُهُ وَ

مهدی قائم علیه السلام

تذکره الخصال

أَبْعَدَهَا مِنَ السَّمَاءِ بِهَا تِسْعَةُ أَعْشَارِ الشَّرِّ الْمُحْتَبَسِ فِيهَا بِذَنْبِهِ وَالْخَارِجُ مِنْهَا بِعَفْوِ اللَّهِ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى قَرْيَتِكُمْ هَذِهِ وَقَدْ طَبَّقَهَا الْمَاءُ حَتَّى مَا يُرَى مِنْهَا إِلَّا شُرْفُ الْمَسْجِدِ كَأَنَّهُ جَوْجُؤُ طَيْرٍ فِي لُجَّةٍ بَحْرٍ فَإِذَا هُمْ رَأَوْا الْبَصْرَةَ قَدْ تَحَوَّلَتْ أَخْصَاصُهَا دُورًا وَآجَامُهَا قُصُورًا فَالْهَرَبُ الْهَرَبُ فَإِنَّهُ لَا بَصْرَةَ لَكُمْ بَعْدَ الْيَوْمِ؛^۱ ای اهل بصره! اخلافتان تغییر کرده و دینتان دورویی شده، آبتان تلخ، خاک کشورتان از هر خاکی گنبدیده تر، و از آسمان دورتر است، نه دهم بدی ها در شهر شماست، کسی که در آن گرفتار شود، به خاطر گناهانش است و هر کس از آن نجات یابد، به خاطر رحمت و برکات پروردگار است. گویی با چشم خود می بینم که شهر شما را آب گرفته است. از ساختمان های شهر فقط گنبد مسجدتان دیده می شود که مانند سینه مرغی در اقیانوس بی کران شناور به نظر می رسد. وقتی خاک بصره تبدیل به کاخ شده و باغ های اطراف آن تبدیل به قصر شده، بدانید که عمر بصره به پایان رسیده و دیگر بصره ای وجود نخواهد داشت.»

علوم آسمان و زمین، نزد پیامبر ﷺ می باشد و توسط راویان احادیث به ما رسیده و ما درباره آن ها شک نمی کنیم.

خوشا به حال کسانی که گوش می دهند و اطاعت می کنند و هدایت هم می شوند. کسی که از آن ها پیروی نکند، گمراه می شود.

«إِذَا خَرِبَتِ الْبَصْرَةُ وَقَامَ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ؛^۲ وقتی بصره خراب شود و امیر امران قیام کند.»
«وَ خَرَابُ الْبَصْرَةِ بِالزُّنْجِ؛^۳ خرابی به وسیله زنجی هاست.»

(د) یمانی

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

رسول اکرم ﷺ می فرماید:

«خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ السُّفْيَانِيَّ وَالْخُرَّاسَانِيَّ وَالْيَمَانِيَّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا رَأْيَةٌ أَهْدَى مِنْ رَأْيَةِ الْيَمَانِيَّ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ؛^۴ سه پرچم در یک سال، یک ماه و یک روز خروج می کنند: سفیانی، خراسانی، یمانی. پرچم یمانی از همه خالص تر است، که به سوی حق دعوت می کند.»

امام صادق عليه السلام می فرماید:

۱. الزام الناصب: ۲۴۲؛ الملاحم و الفتن: ۱۰۲؛ بشارة الاسلام: ۷۱. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۲۳۶. ۳. الزام الناصب: ۵۳. ۴. ارشاد مفید: ۳۳۹؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۱۰؛ بشارة الاسلام: ۱۸۱.

«خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ، بِالْيَمَنِ؛^۱ مردی از فرزندان عمویم زید در یمن خروج می‌کند.»

بنابراین یمانی از فرزندان زید بن علی بن الحسین علیه السلام می‌باشد. در حدیث دیگری آمده است: «يَخْرُجُ مَلِكٌ فِي صَنْعَاءِ الْيَمَنِ اسْمُهُ حُسَيْنٌ أَوْ حَسَنٌ؛^۲ پادشاهی در صنعای یمن به نام حسن یا حسین خروج می‌کند.»

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«يَكُونُ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَخُرُوجُ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ؛^۳ سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می‌کنند.»

«خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخِرَاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ وَفِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَنِظَامُ كَنْظَامِ الْخَرَزِيِّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا فَيَكُونُ الْبَأْسُ مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَيَلْ لِمَنْ نَاوَاهُمْ وَلا يَسُ فِي الرَّايَاتِ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةُ هُدَى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَّمَ بَيْعَ السَّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَكُلُّ مُسْلِمٍ إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةُ هُدَى وَلا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِي عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ؛ سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می‌کنند. خروج اینها مانند دانه‌های گردن بند به دنبال هم می‌باشد. به هر طرف نگاه کنی، ترس و وحشت و نگرانی خواهد بود. وای به حال کسی که با آنها بجنگد. پرچم یمانی نسبت به بقیه پرچم‌ها خالص تر است و هدایت می‌کند و شمارا به سوی صاحبان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کند، فروش اسلحه را برای مردم دیگر حرام می‌کند. وقتی او خروج کند، به سوی او برو که پرچم او پرچم هدایت است.^۴ و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که در برابر او بایستد، هر کس بایستد، به دوزخ می‌رود، زیرا او به سوی حق و راه درست دعوت می‌کند.»^۵

پس خروج یمانی با انقلاب‌های دیگر منطقه همراه است. امام علیه السلام هم فرمان می‌دهد که با یمانی همراه شویم.

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

در پستگاه حضرت مهدی قائم علیه السلام

مجلس الامامین ظل نور

۱. نور الابصار: ۱۷۲؛ بشارة الاسلام: ۱۷۵. ۲. بشارة الاسلام: ۱۸۷.

۳. الزام الناصب: ۶۷؛ بشارة الاسلام: ۱۰۰؛ الامام المهدي: ۲۲۷؛ مشير الاحزان: ۲۹۸. ۴. وسائل الشيعة ۱۱: ۴۱-۳۵.

۵. غيبت نعماني: ۱۳۵؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۱۰ و ۲۳۲؛ منتخب الاثر: ۴۵۶؛ غيبت شيخ طوسي: ۲۷۱؛ اعلام الوری: ۲۲۹؛ الزام الناصب:

۱۸۴؛ بشارة الاسلام: ۹۳؛ الامام المهدي: ۲۳۰.

«خَمْسُ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ الْيَمَانِيِّ وَالسُّفْيَانِيِّ وَالْمُنَادِي يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخَسْفٌ بِالْيَمِينِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ؛^۱ قبل از قیام قائم، پنج نشانه وجود دارد: خروج یمانی، خروج سفیانی، نداء آسمانی، خسف سرزمین بیداء، قتل نفس زکیه.»
خروج یمانی یکی از نشانه‌های روشنی است که ۱۴ ماه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام فاصله دارد.

«يُوشِكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارٌ بِالْيَمَنِ، تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الشَّامِ؛^۲ به زودی آتشی از یمن خارج می‌شود و مردم را به سوی شام می‌خواند.»
جنگ و شمشیر، مردم را به جنگ با سفیانی دعوت می‌کند و در نزدیکی شام با سپاه خراسانی برخورد می‌کند که او نیز برای نبرد با سفیانی و برای کمک به یمانی بیرون آمده است. سپس هر دو سپاه با سپاه سفیانی روبرو می‌شوند. شش هزار سال قبل، در کتاب‌های آسمانی از این جنگ صحبت شده است.

«تَلْتَقِي فِي الشَّامِ ثَلَاثُ رَايَاتٍ: رَايَةُ السُّفْيَانِيِّ، وَ رَايَةُ الْيَمَانِيِّ، وَ رَايَةُ الْخُرَّاسَانِيِّ. أَهْدَاهَا رَايَةُ الْيَمَانِيِّ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ؛^۳ سه پرچم در شام با هم روبرو می‌شوند: پرچم سفیانی، پرچم یمانی و پرچم خراسانی؛ پرچم یمانی از همه بهتر و هدایت‌گر است و به سوی حق دعوت می‌کند.»

پس از خرابی مصر و بغداد و شام، و بعد از شکست سپاه سفیانی در عراق از سپاه خراسانی، و بعد از بیعت حضرت مهدی علیه السلام این پرچم‌ها با هم برخورد دارند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله درباره سپاه خراسانی می‌فرماید:
«فَتَخْرُجُ رَايَةُ هُدَى مِنَ الْكُوفَةِ فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ لَا يَقِلُّتُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ وَ يَسْتَقْدُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبِيِّ وَالْغَنَائِمِ؛^۴ پرچم هدایت از کوفه خارج می‌شود و آن سپاه را دنبال می‌کنند و همه آن‌ها را نابود می‌نمایند و حتی خبررسانی را از آن‌ها باقی نمی‌گذارند و آنچه در دست آن‌هاست غارت می‌کنند و اسیر می‌گیرند.»

پرچم هدایت، همان پرچم سید خراسانی است و سپاه، همان سپاه سفیانی است که سپاه سید خراسانی آن را دنبال می‌کند و نابود می‌گرداند.

«الْيَمَانِيُّ يَتَوَلَّى عَلِيًّا الْيَمَانِيَّ وَالسُّفْيَانِيُّ كَفَرَسِي رِهَانَ؛^۵ یمانی از شیعیان امیر مؤمنان است، خروج یمانی و سفیانی مانند دو اسب مسابقه، در یک زمان و به دنبال هم است.»

۱. منتخب الاثر: ۴۳۹؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۷؛ الامام المهدی: ۲۲۸؛ بشارة الاسلام: ۱۱۹؛ المهدی: ۱۹۱.

۲. الملاحم والفتن: ۷۱؛ البیان: ۷۷. ۳. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۱؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۱۰؛ بشارة الاسلام: ۱۲۱؛ الامام المهدی: ۲۳۰.

۴. بحار الانوار: ۵۲؛ ۱۸۶. ۵. غیبت نعمانی: ۱۶۳؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۷۵؛ الزام الناصب: ۱۸۰.

ترجمه حضرت

ه) هاشمی و خراسانی

۱. هاشمی

او قریشی، هاشمی و حسینی است که قبل از مرگ نفس زکیه در مکه، و هم‌زمان با حضور سپاه سفیانی در عراق، و هم‌زمان با ورود سپاه خراسانی از راه قصر شیرین و خانقین به عراق، به شهادت می‌رسد.

سید هاشمی، فرد بزرگواری است که پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام او را ستایش نموده‌اند. او را با عنوان سید هاشمی می‌خوانیم تا از سید خراسانی شناخته شود. سید هاشمی قبل از بیعت کشته می‌شود، در حالیکه سید خراسانی حدود یک ماه بعد با حضرت مهدی علیه‌السلام بیعت می‌کند.

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«كَأَنِّي بِالْحُسَيْنِيِّ وَالْحُسَيْنِيِّ وَقَدْ قَادَاهَا فَيَسْلُمُهَا إِلَى الْحُسَيْنِيِّ فَيُبَايِعُونَهُ؛ گویی دو سید حسنی و حسینی را با چشم خود می‌بینم که هر دو پرچم هدایت را برافراشته می‌کنند، و سید حسینی آن را به امام مهدی علیه‌السلام تسلیم می‌کند و خودش با او بیعت می‌کند.»

بنابراین سید هاشمی و سید خراسانی پرچم هدایت را از شرق ایران برافراشته می‌کنند، سید هاشمی کشته می‌شود و سید خراسانی با سپاهیان با حضرت مهدی علیه‌السلام بیعت می‌کند.

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ النَّاسَ رَجُلٌ مِّنَ الْمَوْلَى يُقَالُ لَهُ: جَهْجَاهُ؛ ظهور قائم صورت نمی‌گیرد مگر وقتی که مردی بر موالی (ایرانیان) مسلط شود که به او شاهنشاه گفته می‌شود.»

به مسلمانان غیر عرب، موالی می‌گویند و گویا در این حدیث، ایرانیان منظور می‌باشد. «جهجاه» به معنی شاهنشاه است که از القاب طاغوت گذشته یعنی رضاخان و اطرافیان در ایران بود و اسلام را از زندگی مردم دور می‌کردند.

پیامبر ﷺ که یک فرد درس‌نخوانده است، چه زیبا دربارهٔ حوادث آینده پیشگویی

۱. هاشمی
در سپاه حضرت مهدی قائم علیه‌السلام

مجالس حضرت زین العابدین علیه‌السلام

کرده که اکنون تحقق می‌یابد.

«يُقْتَلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ إِثْنُ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ. ثُمَّ تَجِيءُ الرَّاياتُ السُّودِ فَيَقْتُلُونَهُمْ قِتْلًا لَمْ يُقْتَلْ قَوْمٌ مِثْلَهُ! ثُمَّ يَجِيءُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ؛^۱ در کنار گنج شما سه لشکر می‌جنگند که فرماندهان آن‌ها از فرزندان خلفا هستند، سپس پرچم‌های سیاه می‌آیند و آن‌ها را طوری نابود می‌کنند که در هیچ قومی اتفاق نیفتاده است. سپس جانشین خدا حضرت مهدی می‌آید.»

سید هاشمی یکی از فرزندان خلیفه بلا فصل پیامبر ﷺ می‌باشد.

«يُقْتَلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ ثُمَّ يَجِيءُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ؛^۲ در کنار گنج شما سه نفر کشته می‌شوند و سپس مهدی ﷺ، جانشین خدا می‌آید.»

روایات حضرت علی علیه السلام

امیر مؤمنان ﷺ می‌فرماید:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَرَاءِ النَّهْرِ يُقَالُ لَهُ: الْحَارِثُ، عَلَى مُقَدَّمَتِهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: الْمَنْصُورُ، يُوْطَىءُ وَيُمْكَنُ لَأَلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَكَنَتْ قُرَيْشٌ لِرَسُولِ اللَّهِ. يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ نُصْرَتُهُ وَاجَابَتُهُ؛^۳ مردی از ماوراء النهر خروج می‌کند که به او «حارث» می‌گویند. مردی به نام «منصور» سپاه او را رهبری می‌کند، که برای آل محمد ﷺ امکانات را فراهم می‌آورند، همان‌طور که قریش برای پیامبر ﷺ امکانات را فراهم کردند. پیروزی و اجابت دعوت او بر هر مؤمنی لازم است.»

شاید منظور از حارث، سید هاشمی و منظور از منصور، شعیب بن صالح باشد که در

برخی روایات بیان شده که سید هاشمی نزدیک ظهور، در عراق کشته می‌شود.

«وَقَتْلُ رَجُلٍ هَاشِمِيٍّ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ، فِي سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ. وَذِيحِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْعَقَامِ؛^۴ مردی هاشمی با هفتاد نفر از بندگان شایسته خدا در پشت کوفه کشته می‌شود و نفس زکیه در میان رکن و مقام قربانی می‌شود.»

شاید این هفتاد نفر از بزرگان نجف اشرف باشند و شاید میان آن‌ها بزرگان ایرانی هم باشد.

«وَيَكُونُ قَتْلُ سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ، وَ عَلَى رَأْسِهِمْ رَجُلٌ عَظِيمُ الْقَدْرِ، يُحْرِقُهُ وَيَذُرُّ

در سپاه حضرت

۱. بحار الانوار ۵۱: ۵۳ عقد الدرر: ۵۸.

۲. بشارة الاسلام: ۳۰، ۲۸۶، ۲۹۰ و ۲۹۶؛ كشف الغممة ۳: ۲۶۳ و ۲۷۷؛ بتایع الموده ۳: ۱۶۶؛ المهدي: ۲۰۷؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۷؛

البيان: ۱۰۱؛ الزام الناصب: ۲۶۰. ۳. بتایع الموده ۳: ۱۷۷؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۶.

۴. بحار الانوار ۵۲: ۲۲۰ و ۲۷۳ و ۵۳؛ ۱۲: ۵۲؛ المهدي: ۱۹۶؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۲؛ بشارة الاسلام: ۱۷۵، ۵۸؛ الامام المهدي: ۲۳۳.

رَمَادُهُ فِي الْهَوَاءِ بَيْنَ جَلُولَاءَ وَ خَانِقِينَ، بَعْدَ أَنْ يَقْتُلَ فِي الْكُوفَةِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ! هفتاد نفر از مردان شایسته کشته می شوند که در رأس آنها مرد و الامقامی است که سفیانی او را می سوزاند و خاکستر جسد او را میان جلولا و خانقین بر باد می دهد. سپس چهار هزار نفر را در کوفه می کشد.

مرد و الامقام، همان سید هاشمی است.

طبق این روایت، بعد از حمله سفیانی، سپاه ایران از مرز بصره - خانقین وارد عراق می شوند.

«وَاللَّهِ لَكَانِي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَعْمَالِهِمْ وَمَا يَلْقَى السُّجَّارُ مِنْهُمْ وَالْأَعْرَابُ الْجُفَاءُ يُسَلِّطُهُمُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِمَا رَحِمَهُ فَيَقْتُلُونَهُمْ هَزْجًا عَلَى مَدِيْنَتِهِمْ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَالْبَحْرِيَّةِ جَزَاءَ بِمَا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ»^۱ به خدا سوگند، من آنها را با چشم خود می بینم و رفتار آنها را دنبال می کنم که اعراب پست و جنایت کار از دست آنها چه می کشند؟! خداوند آنها را بر این اعراب مسلط می کند که آنها را در شهر خودشان در کنار رودخانه فرات در آب و خشکی بکشند و به سزای اعمالشان برسانند که پروردگارت هرگز به بندگان ظلم نمی کند.

پس دومین سپاه ایرانی از راه بصره وارد عراق می شوند که راه دریایی عراق مخصوص آن می باشد و ظالمان عراقی در دریا و خشکی توسط سپاهیان ایرانی به سزای اعمال خود خواهند رسید.

«يَقُومُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ وَاحِدٌ هَاشِمِيٌّ بِجِيلَانَ، وَ يُعِينُهُ الْمَشْرِقِيُّ. وَ يَأْتِي إِلَى الْبَصْرَةِ فَيُخْرِبُهَا، وَ يَأْتِي إِلَى الْكُوفَةِ فَيَغْمُرُهَا. فَيَغْزِمُ السُّفْيَانِيُّ عَلَى قِتَالِهِ وَ يَهُمُّ مَعَ عَسَاكِرِهِ بِإِسْتِصَالِهِ»^۲ قبل از قیام سفیانی، یک سید هاشمی از گیلان خروج می کند و سید خراسانی او را یاری می کند، پس به سوی بصره می رود و آن جا را خراب می کند و به سوی کوفه حرکت می کند و آن را آباد می کند. سپس سفیانی برای نبرد با او آماده می شود و با سپاهیان برای نابودی او حرکت می کند.

بر این اساس، سید هاشمی دعوت به حق را آغاز می کند که از گیلان خروج می کند و سید خراسانی او را یاری می کند، سپس از طریق بصره وارد عراق شده و در کوفه مستقر می شود و سید خراسانی که قبلاً از طریق شمال شرقی وارد عراق شده، به او کمک می کند. در زمانی که حضرت علی عليه السلام این روایت را بیان می کنند، در گیلان دین مجوس رواج

۱. الارشاد: ۲، ۳۶۹؛ کشف الغمہ: ۳، ۲۵۵. ۲. غیبت نعمانی: ۱۲۶؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۳۲؛ بشارة الاسلام: ۹۳؛ الزام الناصب: ۱۸۱.

۳. الزام الناصب: ۱۸۱.

مهدی قائم عليه السلام
کفر

داشته ولی آن حضرت به زیبایی از آینده خبر می‌دهد که این قوم به دین اسلام گرایش پیدا می‌کنند و بعضی از سادات حسنی و حسینی در آنجا خواهند بود و یکی از آنها از آنجا خروج کرده و به سوی عراق حرکت می‌کند. علی علیه السلام این حقایق را از پیامبر صلی الله علیه و آله آموخته است که او نیز از وحی فرا گرفته است. فقط امیرالمؤمنین علیه السلام می‌تواند این گفتار را بیان کند که اولین کسی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد.

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي أَهْلِ الْكُوفَةِ فِي ضَعْفَاءَ فَيَقْتُلُهُ أَمِيرُ جَيْشِ الشُّفْيَانِيِّ بَيْنَ الْحِيرَةِ وَالْكَوْفَةِ؛ أَيْكِي از ایرانیان ساکن در کوفه با گروهی از مستضعفان خروج می‌کند و فرمانده سپاه سفیانی او را میان حیره و کوفه می‌کشد.»

حتماً او از شیعیان کوفه است که با عده‌ای از مستضعفان با سپاه سفیانی می‌جنگد و کشته می‌شود.

روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«... وَ نَارٌ تَظْهَرُ مِنْ أَذْرَبِيجَانَ؛ آتشی از آذربایجان آشکار می‌شود.»

این آتش زمان اشغال آذربایجان توسط روس‌ها از این سرزمین بلند می‌شود. شاید منظور آتشی باشد که از طالقان که در مجاورت آذربایجان است توسط یاران حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برپا می‌شود.

«يَبْعَثُ بَعْثًا إِلَى الْكُوفَةِ، فَيَصَابُ أَنَا مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ قَتْلًا وَ صَلْبًا. وَ تُقْبَلُ رَايَةٌ مِنْ خُرَاسَانَ حَتَّى تَنْزِلَ دِجْلَةَ، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنَ الْمَوَالِي ضَعِيفٌ قَيْصَابٌ هُوَ وَ مَنْ تَبِعَهُ فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ؛^۲ سفیانی لشکری آراسته به سوی کوفه می‌فرستد، آنجا با گروهی از شیعیان روبرو می‌شوند و آنها را می‌کشند و به دار می‌آویزند. سپس پرچم سید خراسانی از سوی خراسان حرکت می‌کند و در کنار دجله برافراشته می‌شود، و مرد ناتوانی از ایرانیان خروج می‌کند که خود و پیروانش در پشت کوفه کشته می‌شوند.»

منظور از ناتوان، کم بودن افراد و تجهیزات نظامی در برابر سپاه سفیانی است.

«يَخْرُجُ قَبْلَ الْمَهْدِيِّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فِي الْمَشْرِقِ، وَ يَحْمِلُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ

أَشْهُرٍ يُقْتَلُ وَيُعْتَلُّ، وَيَتَوَجَّهُ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ فَلَا يَبْلُغُهُ حَتَّى يَمُوتَ؛^۱ قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام مردی از اهل بیت او از مشرق خروج می‌کند و هشت ماه شمشیر می‌زند و هر کجا می‌رسد می‌کشد و مثله می‌کند و به سوی بیت المقدس می‌رود که هنوز به آنجا نرسیده، می‌میرد.»

۲. خراسانی

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَايَاتٌ سَوْدٌ، تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ، وَيُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ؛^۲ پرچم‌های سیاهی در مشرق زمین برافراشته می‌شود که با مردی از فرزندان ابوسفیان می‌جنگد و زمینه حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می‌کند.»
«...وَرُودُ الرَّاياتِ السَّوَدِ مِنْ خُرَّاسَانَ، حَتَّى تَنْزِلَ سَاحِلَ دِجْلَةَ؛^۳ پرچم‌های سیاهی از خراسان حرکت می‌کند و در کنار دجله فرود می‌آید.»

«تَنْزِيلُ الرَّاياتِ السَّوَدِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَّاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بُعِثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ؛^۴ پرچم‌های سیاهی که از خراسان می‌آید در کوفه فرود می‌آید. وقتی مهدی علیه السلام ظهور کند، این پرچم‌ها برای بیعت به حضور آن حضرت می‌آیند.»

«تَخْرُجُ رَايَاتُ سَوْدٍ صِغَارٌ تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ، يُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ، عَلَى مُقَدِّمَتِهِمْ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ يُقَالُ لَهُ: تَمِيمُ بْنُ صَالِحٍ؛^۵ پرچم‌های سیاه کوچکی برافراشته می‌شود که با مردی از فرزندان ابوسفیان می‌جنگد و زمینه را برای اطاعت از حضرت مهدی علیه السلام فراهم می‌کند. جلوی این پرچم‌ها مردی به نام تميم بن صالح حرکت می‌کند.»

این مرد با سپاه سفیانی می‌جنگد و سپس به بیت المقدس فرار می‌کند و به حضور

حضرت مهدی علیه السلام می‌رسد و بیعت می‌کند و فرمانده لشکر آن حضرت می‌شود.

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السَّوَدَ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَّاسَانَ فَاتَّوْهَبَا وَ لَوْ خَبِرْنَا عَلَى التَّلْحِ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ؛^۶ وقتی ببینید پرچم‌های سیاه از طرف خراسان حرکت می‌کند، به سوی آن‌ها بروید حتی اگر می‌بایست سینه خیز از روی برف‌ها عبور کنید، چرا که

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۲ و ۱۴۶؛ الملاحم والفتن: ۵۳. ۲. الملاحم والفتن: ۴۴؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۱.

۳. بشارة الاسلام: ۱۷۵، ۱۸۶ و ۹۷؛ الزام الناصب: ۱۸۵؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۲؛ الامام المهدي: ۲۳۳.

۴. الملاحم والفتن: ۴۴؛ الزام الناصب: ۱۸۸؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۶۷؛ المحجة البيضاء ۴: ۳۴۳؛ الامام المهدي: ۲۳۳؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۹ و ۱۴۵.

۵. بشارة الاسلام: ۲۱۲ و ۱۸۴؛ المهدي: ۱۹۰.

۶. بحار الانوار ۵۱: ۱۲؛ كشف الغممة ۳: ۲۶۲؛ البیان: ۱۷؛ الصواعق المحرقة: ۱۶۳؛ الملاحم والفتن: ۴۲؛ بشارة الاسلام: ۲۸۵؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۳؛ ینایع الموده ۳: ۸۸ و ۱۶۶؛ المهدي: ۲۱۲؛ الزام الناصب: ۱۰۰.

ا
ها

در سپاه حضرت
مهدی قائم علیه السلام

۵

قَدَّمَ الْحَارِثِي ظَلَّ مُرَدًّا

♦

حضرت مهدی علیه السلام جانشین خدا بین آنهاست.

وقتی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در مدینه باشد، این پرچم‌ها حرکت می‌کنند. حضرت مهدی علیه السلام در میان آن لشکر است و و با آنهاست.

«تَجِيءُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ فَمَنْ سَمِعَ بِهِمْ فَلْيَأْتِهِمْ قَلْبِيَا بِهِمْ؛^۱ پرچم‌های سیاهی از طرف مشرق حرکت می‌کنند که دل‌های آهنی دارند، هر کس آن را شنید، به سویش بشتابد و با آن بیعت کند.»

«تَخْرُجُ رَايَاتُ مِنَ الْمَشْرِقِ، يَقُودُهَا رَجُلٌ مِنْ تَمِيمٍ يُقَالُ لَهُ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ قَيْسْتَنْفِذُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ سَبِيِّ أَهْلِ الْكُوفَةِ، وَ يَقْتُلُهُمْ؛^۲ پرچم‌هایی از مشرق می‌آید که مردی از قبیله تميم به نام شعيب بن صالح آن‌ها را رهبری می‌کند، اسیران کوفه را از آن‌ها می‌گیرد و می‌کشد.»

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ يُوطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ؛^۳ عده‌ای از مشرق خروج می‌کنند و زمینه را برای رهبری حضرت مهدی علیه السلام آماده می‌کنند.»

شاید این عده، سپاه سید خراسانی باشد.

«تَخْرُجُ رَايَاتٌ مِنْ خُرَّاسَانَ سَوْدًا، فَلَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ فِي أَيْلِيَاءَ؛^۴ پرچم‌های سیاهی از خراسان حرکت می‌کنند که چیزی نمی‌تواند جلوی حرکت آن‌ها را بگیرد، تا در ایلیا فرود می‌آید و مستقر می‌شود.»

این پرچم‌ها مخالفین را نابود می‌کنند و در نهایت در فلسطین برافراشته می‌شود. بیت المقدس از جهت این که حرم الهی است، ایلیا نامیده می‌شود که «ایل» به معنی خداست. «يَخْرُجُ بِقَرْوِينَ رَجُلٌ اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ يُسْرِعُ النَّاسَ إِلَى طَاعَتِهِ الْمُشْرِكُ وَالْمُؤْمِنُ يَخْلَأُ الْجِبَالَ خَوْفًا؛^۵ مردی از قزوین خروج می‌کند که با یکی از پیامبران هم نام است، مشرک و مؤمن از او اطاعت می‌کنند، کوه‌ها پُر از ترس می‌شود.»

«يُوشِكُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنْ لَا يُجِبِي إِلَيْهِمْ قَفِيزٌ وَلَا دِرْهَمٌ قُلْنَا مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ قَالَ مِنْ قِبَلِ الْعَجَمِ يَمْنَعُونَ ذَلِكَ؛^۶ شاید حتی یک قفیز گندم و یک درهم پول به مردم عراق نرسد. پرسیدند: چطور ممکن است؟ فرمود: عجم‌ها از آن جلوگیری می‌کنند.»

«يُوشِكُ أَنْ تُغْلَا أَيْدِيكُمْ مِنَ الْعَجَمِ. ثُمَّ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ أُسْدًا لَا يَفِرُونَ فَيَقْتُلُونَ مُقَاتِلَتَكُمْ وَلَا

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۳. ۲. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۰.

۳. كشف الغمه ۳: ۲۶۷؛ منتخب الاثر ۳: ۳۰۴؛ بشارة الاسلام ۲۹۰؛ البيان ۶۸؛ الزام الناصب ۲۵۳؛ الصواعق المحرقة ۱۶۲؛ الملاحم والفتن ۴۳؛ ينابيع الموده ۳: ۹۱. ۴. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۷؛ الملاحم والفتن ۴۳.

۵. بحار الانوار ۵۲: ۴۱۳؛ الزام الناصب ۸۱.

۶. بشارة الاسلام ۲۹۶؛ الزام الناصب ۵۲ و ۲۵۶؛ صحيح مسلم ۸: ۱۸۵؛ الملاحم والفتن ۷۵؛ غاية المرام ۷۰۳.

يَا كُلُّونَ فَيَأْكُمُ: ^۱ ممکن است که عجم در مقابل شما زیاد شود، ولی خداوند آن‌ها را مردان قوی قرار می‌دهد که از شما فرار نمی‌کنند و با شجاعت با شما می‌جنگند و به اموال شما طمع ندارند.»

در این روایت، عجم، ایرانیانی هستند که در محضر سید خراسانی با سپاه سفیانی می‌جنگند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَتَضْرِبَنَّكُمْ الْأَعْجِمُ عَلَى هَذَا الدِّينِ عَوْدًا، كَمَا ضَرَبْتُمُوهُمْ عَلَيْهِ بَدْءًا! لَيَمْلَأَنَّ اللَّهُ أَيْدِيَكُمْ مِنَ الْأَعْجِمِ! لَيَصِيرُنَّ أَسْدًا لَا يَفْرُونَ، فَلَيَضْرِبُنَّ أَعْنَاقَكُمْ، وَ لَيَغْلِبَنَّكُمْ عَلَى قَتْنِكُمْ! ^۲ به زودی عجم‌ها با شما خواهند جنگید تا شما را به دین برگردانند، همان‌طور که در ابتدا هم برای پذیرش اسلام با آن‌ها جنگیدید. خداوند تعداد زیادی از آن‌ها را مقابل شما قرار می‌دهد و آن‌ها مردان قوی می‌شوند که هرگز از شما فرار نمی‌کنند و گردن‌های شما را می‌زنند و ثروت‌های شما را تصرف می‌کنند.»

بنابراین، سپاه سید خراسانی با عرب‌های متعصب می‌جنگند تا زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام را فراهم کنند. کشورهای عربی که از اسلام برگشته‌اند، با ایران که اسلام را اجرا می‌کند، می‌جنگند.

«يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِي بَلَاءً حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ، مَنْ نَصَرَهَا نَصَرَهُ اللَّهُ، وَ مَنْ حَذَلَهَا حَذَلَهُ اللَّهُ، حَتَّى يَأْتُوا رَجُلًا اسْمُهُ كَاسِمِي فَيُؤَلُّونَهُ أَمْرَهُمْ فَيُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِنِصْرِهِ: ^۳ اهل بیت من گرفتار بلاهای سختی می‌شوند و سپس خداوند پرچم‌های سیاهی را از مشرق می‌فرستد، هر کس به آن‌ها کمک کند، به خدا کمک کرده است و هر کس آن‌ها را ذلیل کند، خدا را ذلیل کرده است. این پرچم‌ها برافراشته می‌شوند تا با مردی که هم‌نام من است بیعت کنند و او را رهبر خود کنند و خدا نیز او را تأیید می‌کند.»

در این روایت، به پرچم خراسانی که شعیب بن صالح پرچم‌دار آن است اشاره شده که جنگ از ایران آغاز می‌شود و از راه عراق و سوریه، به سوی بیت المقدس می‌رود. و نیز در این حدیث، سید خراسانی، محمد نام دارد.

«...إِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالتَّمِيمِيِّ، فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْ جَهَةِ الْمَشْرِقِ، وَ هُوَ صَاحِبُ رَايَةِ الْمَهْدِيِّ: ^۴ وقتی آن را دیدید، به سوی جوان تمیمی بروید که او از طرف مشرق می‌آید و او پرچم‌دار حضرت مهدی علیه السلام است.»

در این حدیث، تمیمی همان شعیب بن صالح است که اولین بار در کوه‌های طالقان

مهدی قائم علیه السلام
او پرچم‌دار است

۱. الملاحم والفتن: ۱۱۰ و ۷۵ و ۱۵۱. ۲. کتاب سلیم بن قیس: ۲۸۵؛ بحار الانوار: ۳۳: ۲۶۴. ۳. الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۳۰؛ الامام المهدی: ۶۴. ۴. همان.

صدایش شنیده می‌شود.

«مَلِكُ بَنِي الْعَبَّاسِ يُسْرُ لَا عُسْرَ فِيهِ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِمُ التُّرْكُ وَالدَّيْلَمُ وَالسُّنْدُ وَالْهِنْدُ وَالْبَرْبَرُ لَنْ يُزِيلُوهُ وَلَا يَزَالُونَ فِي غَضَارَةٍ مِنْ مُلْكِهِمْ حَتَّى يَشِدَّ عَنْهُمْ مَوَالِيهِمْ وَأَصْحَابُ دَوْلَتِهِمْ وَيُسَلِّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عِلْجًا يَخْرُجُ مِنْ حَيْثُ بَدَأَ مُلْكُهُمْ لَا يَمُرُّ بِمَدِينَةٍ إِلَّا فَتَحَهَا وَلَا تَرْفَعُ لَهُ رَايَةٌ إِلَّا هَدَّهَا وَلَا نِعْمَةٌ إِلَّا أَرَاهَا الْوَيْلُ لِمَنْ نَاوَاهُ فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يَنْظُرَ وَ يَدْفَعَ بِظَفَرِهِ إِلَى رَجُلٍ مِنْ عَشْرَتِي يَقُولُ بِالْحَقِّ وَ يَفْعَلُ بِهِ؛^۱ حکومت بنی عباس سخت است و آرامش ندارد، اگر قوم ترک و دیلم و هند و سند و بربر جمع شوند، نمی‌توانند آن‌ها را نابود کنند، آن‌ها در آسایش و آرامش زندگی می‌کنند تا عده‌ای از بزرگان و پرچم‌دارانشان از آن‌ها سرپیچی کنند. سپس خداوند مرد نیرومند عجمی را بر آن‌ها مسلط می‌کند. او از منطقه‌ای که سلطنت آن‌ها از آنجا آغاز شده است، (یعنی از خراسان) می‌آید و وارد شهری نمی‌شود مگر این که آن‌ها را فتح کند. پرچمی علیه او برافراشته نمی‌شود مگر این که نابود می‌شود، صدایی علیه او بلند نمی‌شود مگر این که آن‌ها را نابود می‌کند، وای بر کسی که با او مخالفت کند. او جلو می‌رود و پیشروی می‌کند و هر روز پیروزی جدیدی به دست می‌آورد تا همه پیروزی‌هایش را به مردی از خاندان من تقدیم کند که به سوی حق دعوت می‌کند و به آن عمل می‌کند.»

محمد حنفیه فرزند حضرت علی عليه السلام در این باره می‌فرماید:

«حکومت آن‌ها هیچ خیری ندارد، آن‌ها با خشونت رفتار می‌کنند و نرمش نشان نمی‌دهند، به بیگانگان نزدیک می‌شوند و نزدیکان را از خود دور می‌کنند. وقتی تصور کنند که از عذاب الهی در امان هستند، ندایی بر آن‌ها زده می‌شود که خیرسانی از آن‌ها باقی نمی‌ماند و جمعی دور آن‌ها جمع نمی‌شود.»^۲

سپس می‌فرماید:

«بنی عباس مدت زیادی حکومت می‌کنند، وقتی به امنیت و آسایش رسیدند و تصور کردند که دیگر حکومت آن‌ها نابود نمی‌شود، برای آن‌ها بانگ زده می‌شود که دیگر کسی برای آن‌ها نمی‌ماند که آن‌ها را دور هم جمع کند و برای آن‌ها سخنرانی کند و این معنی کلام خداوند است که می‌فرماید: «وقتی زمین زیبایی داشته باشد و آراسته شود و اهل زمین گمان کنند که بر آن توانا هستند، فرمان ما در شبی یا روزی می‌رسد، سپس آن‌ها را نابود کردیم، گویا دیروز خود را بی‌نیاز نمی‌دید. این آیات خود را برای کسانی که نمی‌اندیشند، بیان می‌کنیم.»^۳ سپس سوگند یاد کرد که این آیه درباره آن‌ها نازل شده است.»^۴

۱. غیث نعمانی: ۱۱۳۲؛ بشارة الاسلام: ۴۷، ۷۹، ۱۰۵ و ۱۹۲؛ المهدي: ۲۸؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۷۰؛ الملاحم والفتن: ۲۹.

۲. بشارة الاسلام: ۱۸۰؛ الزام الناصب: ۸۰. ۳. سورة مباركة يونس، آیه ۲۲.

سپس ادامه می دهد:

«بنی عباس آنقدر حکومت می کنند که مردم از هر خیری ناامید می شوند و مدت زیادی در جامعه فساد وجود دارد و سپس مهدی علیه السلام ظهور می کند.»^۵

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«... ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَيْهِمْ فِتْيَانٌ مِنْ مَجَالِهِمْ (عَلَيْهِمْ رَجُلٌ) يُقَالُ لَهُ: صَالِحٌ ... فَتَكُونُ الدَّائِرَةُ عَلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ ثُمَّ تَنْتَهِي إِلَى الْمَدِينَةِ فَتَقْتُلُ الرِّجَالَ وَتَبْقَرُ بَطُونَ النِّسَاءِ. فَإِذَا حَضَرَ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالشَّوَاهِقِ وَخَلْفِ الدُّرُوبِ. وَإِنَّمَا ذَلِكَ حَقْلُ امْرَأَةٍ ثُمَّ يُسْقِلُ الرَّجُلُ التَّمِيمِيُّ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ بِالزَّايَةِ السَّوَادِ الْمَهْدِيَّةِ بِنَصْرِ اللَّهِ، وَكَلِمَتُهُ حَقٌّ، حَتَّى يُسَابِعَ الْمَهْدِيَّ؛^۶ جوانی به نام صالح از منطقه خودشان به سوی آنها و علیه آنها خروج می کند، اهل کوفه محاصره می شوند، و سپس به سوی مدینه می روند. مردان را می کشد و شکم زنان را پاره می کند. وقتی این فتنه ایجاد شود، شما به سوی کوهها فرار کنید و در پشت درهای بسته خود را پنهان کنید. مدت حکومت او به اندازه دوره بارداری، نه ماه است. سپس این مرد تمیمی، شعیب بن صالح که خداوند بر سرزمینش باران رحمتش را می ریزد با پرچم سیاه مهدوی، با یاری خدا و دعوت حق جلو می رود تا به حضور حضرت مهدی علیه السلام برسد و با او بیعت کند.»

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به جعفر طیار برادر امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«يَا جَعْفَرُ أَلَا أَبَشْرُكَ قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ كَانَ جَبْرَيْلُ عِنْدِي أَنِفًا فَأَخْبَرَنِي أَنَّ الَّذِي يَدْفَعُهَا إِلَى الْقَائِمِ هُوَ مِنْ دُرِّيَّتِكَ أَتَدْرِي مَنْ هُوَ قَالَ لَا قَالَ ذَلِكَ الَّذِي وَجْهُهُ كَالدِّينَارِ وَأَسْنَانُهُ كَالْمِنْشَارِ وَسَيْفُهُ كَحَرِيقِ النَّارِ يَدْخُلُ الْجَبَلَ ذَلِيلًا وَيَخْرُجُ مِنْهُ عَزِيزًا؛^۷ ای جعفر آیا به تو مرده ای بدهم؟ گفت: بله ای رسول خدا! فرمود: کسی که پرچم را به قائم علیه السلام می دهد، مردی از فرزندان تو می باشد. می دانی او کیست؟ گفت: نه. فرمود: صورتش مانند سکه گرد و گلگون، دندان هایش مانند دانه های شانه، منظم و براق است. شمشیرش مانند شعله های آتش تیز و خانمانسوز است. با ذلت به کوه پناه می برد و با عظمت فراوان از آن پایین می آید.»

در این حدیث منظور، یکی از کوه های طالقان است که رهبر این قیام، از دست حاکمان ظالم به آنجا فرار می کند و از آنجا به طور مخفیانه، یارانش را راهنمایی می کند تا وقتی که جوانان طالقان زمینه را آماده کردند، قیام می کنند. رهبر نهضت، از فرزندان جعفر طیار

مهدی قائم علیه السلام مضمون

تفسیر الملاحم

۴. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۰؛ غیبت نعمانی: ۱۵۶؛ بشارة الاسلام: ۱۸۰ و ۳۲۰؛ الزام الناصب: ۸۰. ۵. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۷۵. ۶. الملاحم والفتن: ۱۱۲ و ۴۱. ۷. غیبت نعمانی: ۱۳۰؛ بشارة الاسلام: ۹؛ الزام الناصب: ۵۵.

خواهد بود و یا طبق روایات دیگر، از فرزندان امام حسین علیه السلام است که شاید نسبش از طریق مادر به جعفر بن ابی طالب و از طرف پدر به امام حسین علیه السلام می‌رسد.

«يُخْرِبُ جَيْشَ الشُّفِيَانِيَّ بَغْدَادَ، ثُمَّ يَنْحَدِرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيُخْرِقُونَ مَا حَوْلَهَا. ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ مَعَهُمُ السَّبَايَا وَالْغَنَائِمُ. فَتَخْرُجُ رَايَةٌ هُدًى مِنَ الْكُوفَةِ فَيَقْتُلُونَهُمْ، لَا يَقْلِتُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ، وَ يَسْتَنْقِدُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّنِيِّ وَالْغَنَائِمِ؛^۱ سپاه سفیانی بغداد را نابود می‌کنند و به سوی کوفه حرکت می‌کنند و اطراف کوفه را به آتش می‌کشند و به سوی شام می‌روند و اسرار و غنائم جنگی را با خود می‌برند. سپس پرچم هدایتگر خراسانی از کوفه حرکت می‌کند و سپاه سفیانی را نابود می‌سازد و یک نفر هم برای خبررسانی باقی نمی‌ماند و اسیران و غنائم را از آن‌ها پس می‌گیرند.»

«إِذَا بَلَغَ الشُّفِيَانِيُّ الْكُوفَةَ، وَقَتَلَ أَغْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَقَتَلَ رَجُلًا مِنْ مُسَمِّيهِمْ، خَرَجَ الْمَهْدِيُّ عَلَى لِيَوَائِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ؛^۲ وقتی سپاه سفیانی وارد کوفه شوند و دوستان آل محمد علیه السلام را بکشند و مردی از بزرگان آن‌ها را بکشند، حضرت مهدی علیه السلام خروج می‌کند و شعیب بن صالح پرچمدار اوست.»

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَ تَشْرِيداً وَ تَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ مَعَهُمْ رَايَاتُ سُودٍ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَمَّا يُعْطَوْنَهُ فَيَقَاتِلُونَ وَ يُنْصَرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَمَّا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قَسْطاً كَمَا مَلَأُهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَ لَوْ حَبُوا عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ؛^۳ ما خانواده‌ای هستیم که خداوند به جای دنیا، آخرت را برای ما برگزیده است. اهل بیت من بعد از من به بلاها، تبعیدها و دوری از وطن گرفتار می‌شوند، تا این که عده‌ای از خراسان با پرچم‌های سیاه حرکت می‌کنند و خیر و صلاح می‌خواهند، به آن‌ها داده نمی‌شود، می‌جنگند و پیروز می‌شوند و به آنچه می‌خواستند می‌رسند ولی آن‌ها را قبول نمی‌کنند بلکه به مردی از خاندان من می‌سپارند که او جهان را وقتی که پر از ظلم و ستم شده است، پر از عدل و داد می‌کند. بدانید که هر کس آن‌ها را درک کند، به سوی آن‌ها برود حتی اگر مجبور باشد سینه خیز از روی برف‌ها برود، که او مهدی است.»

طبق این روایت، این سپاه به سوی حضرت مهدی علیه السلام می‌رود و او را یاری می‌کند. ما

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۹؛ الزام الناصب: ۱۸۸؛ بشارة الاسلام: ۲۱ و ۲۷۷.

۲. بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۰۸؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۱؛ الملاحم والفتن: ۴۴؛ بشارة الاسلام: ۱۷۷.

۳. کشف الغمہ: ۳؛ ۲۶۸؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۴۳ و ۵۱؛ ۸۳؛ بشارة الاسلام: ۳۴، ۲۸۵؛ بیان: ۶۹؛ منتخب الاثر: ۱۵۲؛ ذخائر العقبی: ۱۷؛ الامام المهدی: ۶۷ و ۲۹۶؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۲۷؛ الملاحم والفتن: ۴۲؛ نتائج الموده: ۳؛ ۸۹؛ البلدان: ۳۶۸؛ غیبت نعمانی: ۱۲۵.

منتظر این گروه هستیم تا بیایند و حق را بگیرند و به قائم علیه السلام تقدیم کنند.

«... وَ سَيُصِيبُ أَهْلَ بَيْتِي قَتْلٌ وَ تَطْرِيدٌ وَ تَشْرِيدٌ فِي الْبِلَادِ، حَتَّى يُتِيحَ اللَّهُ لَنَا رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ مَنْ يَهْزُهَا هَزًّا، وَ مَنْ يُشَاقُّهَا يُشَاقُّ! ثُمَّ يَخْرُجُ لَهُمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي إِسْمُهُ كَاشِمِي، وَ خُلُقُهُ كَخُلُقِي، تَتَوَّبُ إِلَيْهِ كَمَا تَتَوَّبُ الطَّيْرُ إِلَى أَوْكَارِهَا؛ أَهْلَ بَيْتٍ مِنْ غَرَفَتَارِ قَتْلٍ وَ تَبْعِيدٍ مِنْ وَطَنِ مَيِّ شُونَ، تَا خَدَاوَنَدِ پَرچَمِي رَا از مَشْرِقِ بَرَايِ مَا بَفَرَسْتَدِ كِه هَر كَسِ دَر بَرَابَرِ آن بَايَسْتَدِ، نَابُودِ مَي شُودِ وَ هَر كَسِ بَا آن بَجَنگَدِ، شَكَسْتِ مَي خُورِدِ وَ بَه دَنبَالِ آن مَرْدِي از اهل بَيْتِ مَنْ خُورَجِ مَي كَنَدِ كِه نَامِ وَ رَفْتَارِشِ هَمَانَدِ مَنْ اسْتِ، اَمْتِ مَنْ بَه سُوِيَشِ مَي رُوندِ، هَمَانِ طُورِ كِه پَرَنگَانِ بَه لَانِهَ هَايِ خُودِ مَي رُوندِ.»

در این جا به پرچم سید خراسانی اشاره شده است که هر کس زیر آن قرار گیرد، پیروز می شود و هر کس با آن مقابله کند، نابود می شود و با ذلت و خواری می میرد. این پرچم پیروز به حضرت مهدی علیه السلام تقدیم می شود.

روایات حضرت علی علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ أَلِيمٍ»^۲ در میان آن‌ها عده‌ای اختلاف پیدا کردند، وای بر کسانی که ظلم کنند که گرفتار عذاب سخت می شوند.» فرمود:

«إِنْتظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثِ اخْتِلَافِ أَهْلِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ الرَّايَاتِ السُّودِ مِنْ خُرَاسَانَ وَ الْفُرْعَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛^۳ با دیدن سه نشانه، منتظر فرج باشید: اختلاف بی شامیان، حرکت پرچم‌های سیاه از خراسان، صیحه آسمانی در ماه رمضان.»

منظور از شامیان، لبنان و فلسطین می باشد و اختلاف میان مردم شام و فلسطین و لبنان در زمان ما وجود دارد و لبنان در حال سقوط است.

«إِذَا وَقَعَتِ الْمَلَاحِمُ، بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنَ الْمَوَالِي، أَكْرَمَ الْعَرَبِ فُرْسَانًا، وَ أَجْوَدِهِمْ سِلَاحًا، يُؤَيِّدُ اللَّهُ بِهِمُ الدِّينَ؛^۴ وقتی نشانه‌های ظهور برسد، خداوند یکی از شیعیان ایرانی را انتخاب می کند که گرامی ترین اسب سوار عرب است و بهترین اسلحه را دارد. خداوند به وسیله او دین را یاری می کند.»

این مرد ایرانی و عرب عرب هاشمی است.

«وَ تَحَرَّكَتْ عَسَاكِرُ خُرَاسَانَ، وَ تَبِعَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ مِنْ بَطْنِ الطَّالِقَانِ، وَ بُوِيَغَ

در سینه حضرت مهدی قائم علیه السلام



میر الخالصی ظل الله فیهم



۱. منتخب الاثر: ۱۷۰. ۲. سوره مبارکه زخرف، آیه ۶۵. ۳. غیبت نعمانی: ۱۳۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۲۹ و ۲۸۵؛ الامام المهدی: ۴۵ و ۲۲۱؛ منتخب الاثر: ۲۲۰؛ بشارة الاسلام: ۴۰۹؛ بنایع الموده: ۳: ۱۰۹؛ المهدی: ۹. ۴. بشارة الاسلام: ۲۹.

لِسَيِّدِ مُوسَى بِخُوزِ سْتَانَ، وَ عَقِدَتِ الرَّايَةَ لِقَنَاةِ كُرْدَانَ وَ تَغَلَّبَتِ الْعَرَبُ عَلَى بِلَادِ الْأَرْمَنِ وَ السَّقْلَابِ، وَ أَدْعَنَ هِرَقْلُ لِبَطَارِقَةِ سُفْيَانَ؛ سپاهیان خراسان حرکت می‌کنند، شعیب بن صالح تمیمی در طالقان به آن‌ها ملحق می‌شود، در خوزستان با یک سید موسوی بیعت می‌کند، پرچمی برای چماقداران کرد فراهم می‌شود، عرب‌ها بر سرزمین ارمنی‌ها و سقلوب غلبه می‌کنند و هرقل مقابل رهبران سفیانی تسلیم می‌شود.»

اکنون کردها جنبش‌هایی داشته‌اند و ما منتظر این نشانه‌ها هستیم.

«...فَعِنْدَهَا تَتَوَاتَرُ الْهَدَاثُ وَ الزَّلَازِلُ، وَ تُقْبَلُ الرَّايَاتُ مِنْ شَاطِئِ جَيْحُونَ إِلَى بِلَادِ بَابِلَ الْأَيَّامِ وَيُنَالُ لِمَدَائِنِكُمْ وَ أَمْصَارِكُمْ مِنْ طُغَاةٍ يَظْهَرُونَ فَيَعْدُبُونَكُمْ إِذَا قَضَى مَنْ قَضَى مِنَ الْجَبَابِرَةِ الَّذِينَ لَمْ يُحْسِنُوا سِيَاسَةَ الْمُسْلِمِينَ؛^۱ در آن زمان، غرش رعد‌ها و زلزله‌ها یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتد و پرچم‌هایی از کنار رود جیحون حرکت می‌کنند و به سوی عراق می‌رود. وای به حال شهرهای شما از طاغوت‌هایی که حاکمان ظالم شما که سیاست مسلمانان را نمی‌دانند و نابود می‌کنند.»

«...وَ خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ؛ مردی از فرزندان حسین بن علی علیه السلام خروج می‌کند.»

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مِنَ الْمَشْرِقِ، لَوْ اسْتَقْبَلَتْهُ الْجِبَالُ لَهَدَمَهَا وَ اتَّخَذَ فِيهَا طَرِيقًا؛^۲ مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام از مشرق خروج می‌کند که اگر باکوه‌ها رو برو شود، کوه را می‌شکند و برای خود راهی باز می‌کند.»

«تُقْبَلُ رَايَاتٌ مِنْ شَرْقِي الْأَرْضِ غَيْرِ مُغَلَّمَةٍ لَيْسَتْ بِقُطْنٍ وَ لَا كَتَّانٍ وَ لَا حَرِيرٍ مَخْتُومٍ فِي رَأْسِ الْقَنَاةِ بِخَاتَمِ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ يَسُوقُهَا رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ تَظْهَرُ بِالْمَشْرِقِ وَ تُوجَدُ رِيحُهَا بِالْمَغْرِبِ كَالْمِسْكِ الْأَذْفَرِ؛^۳ پرچم‌هایی بدون نام و نشان از مشرق زمین برافراشته می‌شود که از جنس پنبه و کاغذ و ابریشم نیست، آن‌ها را بر سر نیزه‌ها می‌زنند و نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر آن‌ها نوشته می‌شود، و رهبر آن‌ها مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله است. وقتی از مشرق پرواز می‌کند، عطر آن‌ها در مغرب بهتر از مشک و عنبر به مشام می‌رسد.»

پرواز کردن، اشاره به سرعت بالا برای انتقال اطلاعات در زمان ماست.

«يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهَا شَهْرًا حَتَّى يَنْزِلُوا بِالْكَوْفَةِ طَالِبِينَ بِدِمَاءِ آبَائِهِمْ. فَبَيْنَاهُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ خَيْلُ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَاسَانِيِّ يَسْتَبِقَانِ كَأَنَّهُمَا قَرَسَا رِهَانَ؛ شُعْتُ عُبْرُ جُرْدُ، أَصْلَابُ

در بیان حضرت

۱. الزام الناصب: ۲۱۳؛ بشارة الاسلام: ۷۳. ۲. الزام الناصب: ۲۱۳. ۳. الزام الناصب: ۶۴؛ بشارة الاسلام: ۵ و ۱۰۳؛ الملاحم والفتن: ۶۸؛ الامام المهدي: ۲۱۷. ۴. الزام الناصب: ۲۵۸.

نواصی و اقداح، إذا یضرب أحدہم برجلہ باکیۃ فیقول: لاخیر فی مجلسنا بعد یومنا هذا، اللہم انا التائبون.. و ہم الأبدال الذی وصفہم اللہ تعالیٰ فی کتابہ العزیز: ﴿إِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ التَّوَّابِیْنَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِیْنَ﴾^۱ و نظراًؤہم من آلِ مُحَمَّد، فیسیرونَ إلی النُّخِیْلَةِ بِأَعْلَامِ هُدًی، و ینادی یومئذٍ مُنَادٍ السَّمَاءِ فِی شَہْرِ رَمَضَانَ، فِیَکُونُ مَجْمَعُ النَّاسِ کُلُّہُمْ بِالْفَارُوقِ، فِیَقْتُلُ یَوْمَئِذٍ مَا بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ ثَلَاثَةَ آلَافٍ أَلْفٍ یَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فِیَوْمَئِذٍ تَأْوِیلُ ہذہ الآیہ: ﴿فَمَا زَالَتْ تَسْلُکَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِیْدًا خِمْدِیْنَ﴾^۲ تا یک ماه در مسیر آن‌ها ترس و وحشت است تا وقتی کہ وارد کوفہ می‌شوند و خون اجداد خود را مطالبہ می‌کنند. در آن هنگام کہ مشغول کشت و کشتار ظالمانہ خود هستند، دو لشکر آزادی‌بخش یمانی و خراسانی مانند دو اسب مسابقہ پشت سر ہم در حالی کہ غبار راہ بر سر و صورتشان نشسته و تجهیزات زیادی ندارند ولی با ارادہ‌های محکم و تیرہای فولادی وارد می‌شوند. در آن هنگام یکی از آن‌ها در حالی کہ قطرات اشک در چشمانش حلقہ زده، با پای خود بر زمین می‌زند و می‌گوید: دیگر صبر کردن فایده ندارد، ما بہ سوی پروردگار خود برمی‌گردیم.

- ◆ این‌ها همان ابدال هستند کہ خداوند در قرآن دربارهٔ آن‌ها می‌فرماید: ﴿خداوند توبہ‌کنندگان را دوست دارد و پاکان را دوست دارد﴾. چنین کسانی فقط در آل محمد ﷺ هستند. سپس بہ سوی نخیلہ (نجف اشرف) حرکت می‌کنند و پرچم‌های ہدایت را با خود حمل می‌کنند. آن روز صبحۂ آسمانی بلند می‌شود و ندای موعود رمضان شنیدہ می‌شود و مردم در فاروق جمع می‌شوند و در جہان سه میلیون نفر کشته می‌شوند و آیہ شریفہ: ﴿ہمیشہ این طور ادعا می‌کردند، تا این کہ آن‌ها را درو کردہ و خاموش کردیم﴾ تحقق می‌یابد.

نخیلہ و فاروق، اطراف نجف اشرف هستند.

امام باقر علیہ السلام در این بارہ می‌فرماید:

﴿فَیَخْرُجُ بِالْمَوَالِیِ وَ ضَعْفَاءِ النَّاسِ فِیَسِیْرُونَ إلی النُّخِیْلَةِ بِأَعْلَامِ هُدًی فِیَکُونُ مَجْمَعُ النَّاسِ جَمِیعًا فِی الْأَرْضِ کُلِّهَا بِالْفَارُوقِ فِیَقْتُلُ یَوْمَئِذٍ...﴾^۳ شیعیان ایرانی و مستضعف خروج می‌کنند و با پرچم‌های ہدایت بہ سوی نخیلہ می‌روند. آن روز مردم در فاروق جمع می‌شوند و سه میلیون نفر در جہان کشته می‌شود.

﴿الْوَيْلُ لِشِیْعَةِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْحَزْبِ الَّتِی سَنَحَ بَیْنَ نَهَاوْنَدَ وَ الدِّیْنَوْرَ تَسْلُکَ حَزْبُ صَعَالِکِ شِیْعَةٍ عَلَیْ یَقْدُمُهُمْ رَجُلٌ مِنْ هَذَا نَ اسْمُهُ عَلَی اسْمِ النَّبِیِّ ص مَنَعُوهُ

۱. سوره مبارکہ بقرہ، آیه ۲۲۲. ۲. سوره مبارکہ انبیاء، آیه ۱۵.

۳. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۴ و ۵۳: ۸۳ الزام الناصب: ۱۷۷، بشارة الاسلام: ۵۹. ۴. همان.

مهدی قائم

مهدی قائم

مَوْصُوفٌ بِاعْتِدَالِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ نَضَارَةِ اللَّوْنِ لَهُ فِي صَوْتِهِ ضِجْجٌ وَ فِي أَشْفَارِهِ وَ طَفٌّ وَ فِي عُنُقِهِ سَطَعٌ أَفْرَقُ الشَّعْرِ مُفْلِحُ الثَّنَائِيَا عَلَى فَرَسِهِ كَبْدَرٌ تَعَامٌ إِذَا تَجَلَّى عِنْدَ الظَّلَامِ يَسِيرُ بِعِصَابَةٍ خَيْرٍ عِصَابَةٍ أَوْتٌ وَ تَقَرَّبَتْ وَ دَانَتْ لِلَّهِ بِدَيْنٍ تِلْكَ الْأَبْطَالِ مِنَ الْعَرَبِ الَّذِينَ يَلْحَقُونَ حَزْبَ الْكَرْبِيهَةِ وَ الدَّبْرَةَ يَوْمَئِذٍ عَلَى الْأَعْدَاءِ إِنَّ لِلْعَدُوِّ يَوْمَ ذَلِكَ الصَّيْلَمَ وَ الْإِسْتِثْصَالَ؛^۱ وای بر پیروان بنی عباس از جنگی که از نهاوند و دینور شروع می شود. این جنگ، جنگ ضعیفان شیعه علی علیه السلام است که رهبر آنها مردی از همدان که هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله است حرکت می کند که اندامی موزون، اخلاقی زیبا و چهره‌ای شاداب و خوش رو، لب فرورفته، گردن راست و کشیده، موی سر از هم جدا، دندان‌های فاصله‌دار دارد. وقتی روی اسب قرار بگیرد، گویی شبیه ماه شب چهارده است که ابرها را از افق پاک می کند. با سپاهیان حرکت می کند که از همه جدا شده و به دین حق ملحق شده‌اند. این‌ها قهرمانانی هستند که جنگ سختی را با عرب‌ها شروع می کنند. آن روز برای دشمنان، روز بسیار سختی است که نابود می شوند و از روی زمین ریشه کن می گردند.»

شاید سید خراسانی مدتی در همدان می ماند و یا با جوان تمیمی در همدان ملاقات می کند. سید خراسانی هم نام محمد است.

از امام علی علیه السلام پرسیدند هنگام فتنه‌ها و بلاها به کجا پناه ببریم؟ حضرت فرمودند:

«أَسْلَمُ الْمَوَاضِعُ يَوْمَئِذٍ أَرْضُ الْجَبَلِ فَإِذَا اضْطَرَبَتْ خُرَاسَانُ وَ وَقَعَتِ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ جُرْجَانَ وَ طَبْرِسْتَانَ وَ خَرَبَتْ سِجِسْتَانَ فَأَسْلَمُ الْمَوَاضِعُ يَوْمَئِذٍ قَصَبَةُ قُمْ تِلْكَ السِّلْدَةُ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَا وَ أُمَا وَ جَدَا وَ جَدَّةً وَ عَمًّا وَ عَمَّةً تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى الرَّهْرَاءَ بِهَا مَوْضِعُ قَدَمِ جَبْرِئِيلَ وَ هُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي تَبَعَ مِنْهُ الْمَاءُ الَّذِي مَنْ شَرِبَ مِنْهُ أَمِنَ مِنَ الدَّاءِ وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ عُجْنُ الطِّينِ الَّذِي عَمِلَ مِنْهُ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ وَ مِنْهُ يَغْتَسِلُ الرَّضَلَاءُ^۲ وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعُ يَخْرُجُ كُنُشُ إِبْرَاهِيمَ وَ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ؛^۳

امن ترین مکان در آن روز کوهستان است، هنگامی که در خراسان اضطراب فراگیر شود و گرگان و طبرستان با هم بجنگند و سجستان شورش کنند، در آن روز بهترین جای شهرستان «قم» است که یاران بهترین مردم از نظر پدر و مادر و جد و جده و عم (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) از آنجا قیام می کند. در این شهر پرنور و شکوفای جای پای جبرئیل است و آن مکانی است که از آنجا آبی بیرون زده است که هر کس از آن بخورد، در برابر هر بیماری حفظ می شود. و این همان آبی است که با آن، جسم مرغ ساخته شد

در پناه حضرت

۱. غیبت نعمانی: ۱۷۲، بحار الانوار: ۵۲: ۳۷۷؛ بشارة الاسلام: ۳۸؛ الزم الناصب: ۱۷۹.

۲. البلدان: ۳۶۲؛ بشارة الاسلام: ۴۹؛ الملاحم والفتن: ۱۱۲.

(و به دست حضرت عیسی علیه السلام روح در آن دمیده شد)، و آبی است که حضرت رضی علیه السلام در آن غسل می کند و این آبی است که قوچ ابراهیم علیه السلام و عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام از آن جا بیرون آمده است.

در این حدیث، امام علی علیه السلام خبر می دهد که امام رضی علیه السلام وارد این شهر مقدس می شود و در آن غسل می کند. دو قرن بعد، امام رضی علیه السلام هنگام سفر به خراسان در این شهر یک شب خوابید و از آب این شهر غسل کرد و سپس خواهرش حضرت معصومه علیه السلام برای دیدار آن حضرت به سوی خراسان حرکت کرد که در نزدیکی قم بیمار شد و به این شهر آورده شد و در این شهر رحلت کرد و به خاک سپرده شد.

«عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا؛ إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ؛^۱ خداوند اسرار پیدا و پنهان را می داند و کسی را از غیب خود آگاه نمی کند مگر پیامبری که او را شایسته این کار بداند.» خداوند همه اسرارش را به پیامبر صلی الله علیه و آله سپرده و ایشان نیز به حضرت علی علیه السلام داده است. این بیانات امام علی علیه السلام قرن ها بعد تحقق یافته است.

امام علی علیه السلام برای محفوظ ماندن در برابر حوادث آن زمان می فرماید:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السُّودَ فَالْزَمُوا الْأَرْضَ، وَلَا تُحَرِّكُوا أَرْيَادِكُمْ وَلَا أَرْجُلَكُمْ.. ثُمَّ يَظْهَرُ قَوْمٌ صِغَارٌ لَا يُؤْبَهُ لَهُمْ؛^۲ وقتی پرچم های سیاه حرکت کنند، به زمین بچسبید و دست و پای خود را تکان ندهید تا گروهی که مورد توجه نیستند، خروج کنند.»

«إِنْ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَا جَ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبُكْمِ وَكُفَيْتُمْ مَثْوَنَةَ الطَّلَبِ وَالتَّعَسُّفِ وَتَبَدَّثُمْ الثَّقَلُ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْتَاقِ؛^۳ اگر از مردی پیروی کنید که از مشرق می آید، شما را با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت می کند و از گمراهی نجات می یابید و لازم نیست پرس و جو کنید، و وظیفه سنگینی را از گردن خود بر می دارید.»

سید خراسانی مردم را به سوی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت می کند و از گمراهی نجات می دهد و مهدی آل محمد علیهم السلام دیگر لازم نیست پرس و جو کنند و آن ها را به سوی مهدی علیه السلام راهنمایی می کند و با او بیعت می کند و لشکرش با ایشان همراه می شود.

«لَا بُدَّ مِنْ رَحَى تَطْحَنُ فَإِذَا قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا وَ تَبَسَّتْ عَلَى سَاقِهَا بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهَا عَبْدًا عَسْفًا خَامِلًا أَضْلُهُ يَكُونُ النَّصْرُ مَعَهُ أَصْحَابُهُ الطَّوِيلَةُ شُعُورُهُمْ أَصْحَابُ السَّبَالِ سُودٌ تِيَابُهُمْ أَصْحَابُ رَايَاتٍ سُودٍ وَيَلُ لِمَنْ نَاوَاهُمْ يُسَلِّطُهُمُ اللَّهُ عَلَى الْأَعْرَابِ فَيَقْتُلُونَهُمْ

۱. ه

مهدی قائم علیه السلام در سینه حضرت

۲. ه

بومرغ الحرام ظل من

♦

هَزَجًا هَزَجًا؛ ناچار باید آسیابی حرکت کند، وقتی این آسیاب کار کند و پایه‌هایشان محکم شود، خداوند مرد بزرگ و گمنامی می‌فرستد که بر همه جا غلبه می‌کند، یارانش ریش‌های بلند و سبیل‌های پایین آمده دارند که با پرچم‌های سیاه حرکت می‌کنند. وای به حال کسی که با آنها بجنگد. خداوند آنها را بر سپاه عرب مسلط می‌فرماید، که بدون ترس، آنها را می‌کشند.»

درباره جنایات سپاه سفیانی در بغداد می‌فرماید:

«يَدْخُلُ مَدِينَةَ الزُّورَاءِ، فَكَمْ مِنْ قَتِيلٍ وَ قَتِيلَةٍ، وَ مَالٍ مُنْتَهَبٍ، وَ فَرْجٍ مُسْتَحَلٍّ! رَجِمَ اللَّهُ مَنْ أَوْى نِسَاءَ بَنِي هَاشِمٍ يَوْمَئِذٍ وَ هُنَّ حُرْمَتِي.. فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ فِتْيَانٌ مِنْ مَجَالِهِمْ، عَلَيْهِمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ صَالِحٌ، فَتَكُونُ الدَّائِرَةُ عَلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ؛^۱ وارد شهر بغداد می‌شود، چقدر انسان کشته می‌شود؟ اموال مردم غارت می‌شود، به حریم زن‌ها تجاوز می‌شود؟! خداوند کسی را که در آن روز به زنان بنی‌هاشم پناه بدهد، رحمت کند که آنها ناموس من هستند. آن روز جوانمردانی قیام می‌کنند که رهبر آنها صالح نام دارد، آن روز، برای اهل کوفه، روز سخت و طاقت فرسا خواهد بود.»

در آن روز سپاه صالح وارد کوفه می‌شوند و سپاه سفیانی را نابود می‌کنند.

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لِيَكُونَنَّ ذَلِكَ وَ كَأَنِّي أَسْمَعُ صَهِيلَ خَيْلِهِمْ وَ طَمَظْمَةَ رِجَالِهِمْ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَيَذُوبَنَّ مَا فِي أَيْدِيهِمْ بَعْدَ الْعُلُوِّ وَ التَّمْكِينِ فِي الْبِلَادِ كَمَا تَذُوبُ الْأَيَّةُ عَلَى النَّارِ؛^۲ سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، حتما این حوادث اتفاق خواهد افتاد، گویی من با گوش خود رجزخوانی سپاهیان و شیهه اسپانشان را می‌شنوم. به خدا سوگند، وقتی دو سپاه بجنگند و شهرها تصرف شود، آنچه در دست سفیانی‌ها باشد نابود می‌شود، آنچنان که فلزات در آتش ذوب می‌شود.»

حضرت علی عليه السلام با اطمینان کامل، برای سخنان خود سوگند یاد می‌کند و بسیار روشن

سخن گفته که گویی آینده را با چشم خود دیده است.

«إِذَا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ، بَعَثَ فِي طَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ وَ يَخْرُجُ أَهْلُ خُرَاسَانَ فِي طَلَبِ الْمَهْدِيِّ. فَيَلْتَقِي هُوَ وَ أَلْهَا شِمِيٌّ بِرَايَاتِ سُوْدٍ، عَلَى مُقَدَّمَتِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، فَيَلْتَقِي هُوَ وَ السُّفْيَانِيُّ بِبَابِ إِضْطَخْرِ، فَيَكُونُ بَيْنَهُمْ مَلْحَمَةٌ عَظِيمَةٌ، فَتَظْهَرُ الرَّايَاتُ السُّودُ وَ تَهْرَبُ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَمَنَّى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ وَ يَطْلُبُونَهُ، فَيَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ وَ مَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ بَعْدَ أَنْ يَبْئَسَ النَّاسُ مِنْ خُرُوجِهِ لِمَا طَالَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَلَاءِ. وَ يَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَ يَظْهَرُ لِلنَّاسِ: أَيُّهَا النَّاسُ: أَلْحَ الْبَلَاءُ بِأُمَّةٍ

۱. غیبت نعمانی: ۱۳۶؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۲؛ بشاره الاسلام: ۹۳؛ الزام الناصب: ۱۸۸. ۲. الملاحم والفتن: ۱۱۲.

۳. بشاره الاسلام: ۶۳.

محمد ﷺ و بِأَهْلِ بَيْتِهِ خَاصَّةً، وَقَدْ قَهَرْنَا وَبُعِيَ عَلَيْنَا؛^۱ وقتی سپاه سفیانی به سوی کوفه می‌آید، سفیانی گروهی را به دنبال اهل خراسان می‌فرستد که برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام کرده‌اند. سپاه سفیانی با سپاه سید خراسانی در دوازده اصطخر روبرو می‌شود که مردی به نام شعیب بن صالح پرچم‌دار خراسانی‌هاست و پرچم‌های سیاهی در دست دارند. یا هم می‌جنگند و سرانجام صاحبان پرچم‌های سیاه پیروز می‌شوند و سپاه سفیانی فرار می‌کنند. در آن زمان، مردم بیشتر میل دارند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را ببینند و به دنبال او هستند. وقتی مردم از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ناامید می‌شوند و اتفاقات زیادی رخ داده است، او در مکه ظهور می‌کند و پرچم رسول اکرم ﷺ را در دست می‌گیرد. وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، دو رکعت نماز می‌گزارد و می‌فرماید: آگاه باشید ای مردم! بلاها بر امت محمد ﷺ نازل شد و بخصوص اهل بیت ما گرفتار بلاهای زیادی شد. ما مظلوم شدیم، به ما بسیار ظلم کردند...»

سپاه سید خراسانی، جنگ سختی در منطقه اصطخر در نزدیکی شیراز و پایتخت دولت ساسانی و شهر مقدس ایشان دارند و سپس به سوی عراق حرکت می‌کنند و پیروزمندانه وارد کوفه می‌شوند.

«...فَإِذَا كَثُرُوا قَتَنَافِسُوا فَقَتَلُوا قَتِيلَهُمْ، بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَقْوَامًا مِنَ الْمَشْرِقِ، فَقَتَلَهُمْ بَدَدًا وَأَخْصَاهُمْ عَدَدًا؛^۲ وقتی تعداد سپاهیان زیاد شود، و انسان‌های بسیاری را بکشند، خداوند سپاهی را از طرف مشرق می‌فرستد که بر آنها حمله کنند و آنها را نابود کنند و یک نفر هم از آنها زنده باقی نگذارند.»

این درگیری بعد از کشتن سفیانی‌ها در بغداد و کوفه، و کشتن سیدی بزرگ از خاندان امام حسن مجتبی عجل الله تعالی فرجه در خانقین است.

«يَرْبِطُ أَصْحَابُ الرِّايَاتِ السُّودِ خَيْلَهُمْ بِرَيْتُونِ الشَّامِ؛^۳ سپاهیان خراسانی که با پرچم‌های سیاه می‌آیند، اسب‌های خود را به ریتون‌های شام می‌بندند.»

سپاهیان خراسانی وارد شام می‌شوند و وسایل نقلیه خود را زیر درخت‌های زیتون نگه می‌دارند تا خستگی بگیرند و برای جنگ دیگر آماده شوند.

«ثُمَّ يَخْرُجُ الْفَتَى الصَّبِيحُ مِنْ نَحْوِ الدَّيْلَمِ وَقَرْوِينَ، يُنَادِي بِنُصْرَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَيَصِيحُ بِصَوْتٍ فَصِيحٍ: يَا آلَ مُحَمَّدٍ أَجِيبُوا الْمَلْهُوفِ! فَتَجِيبُهُ كُنُوزُ الطَّالِقَانِ، كُنُوزُ أَيُّ كُنُوزٍ! لَيْسَتْ مِنْ فِضَّةٍ وَلَا ذَهَبٍ، بَلْ هِيَ رِجَالُ كَرْبُرِ الْحَدِيدِ!...؛^۴ سپس جوانی خوش اندام از

!

ها

مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه در سپاه حضرت

ه

مقتل الحارث بن عازب

♦

۱. الملاحم والفتن: ۵۱، بشارة الاسلام: ۱۸۴، الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۲۱. ۲. الملاحم والفتن: ۲۵ و ۱۲۵. ۳. بشارة الاسلام: ۱۸۶، الملاحم والفتن: ۴۴، الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۲۱. ۴. بحار الانوار: ۵۳: ۱۵ و ۱۳۵، بشارة الاسلام: ۱۴۳ و ۲۷۳، الزام الناصب: ۲۰۱ و ۲۱۸، الملاحم والفتن: ۴۲ و ۱۲۲.

اطراف قزوین و دیلم برای یاری آل محمد علیهم السلام قیام می‌کند و با صدای فصیح و بیانی زیبا پیروان آل محمد علیهم السلام را فرا می‌خواند که ای آل محمد! ندای مظلوم و ستم‌دیده را پاسخ دهید. گنج‌های طالقان به او پاسخ مثبت می‌دهند. چه گنج‌ها و گنجینه‌هایی؟! این‌ها از طلا و نقره نیستند، بلکه مردانی محکم هستند که بر یابوهای ابلق سوارند و سلاح‌های کوچکی دارند. علاقه زیادی برای جهاد دارند و جست و خیز می‌کنند و خود را به سپاه دشمن می‌زنند، می‌جنگند و پیروز می‌شوند. فرمانده آن‌ها مردی از قبیله تمیم به نام «شعیب بن صالح» است. بزرگ و کوچک آن‌ها شمشیر به دست گرفته و می‌جنگند. سید حسنی که صورتش مانند ماه درخشان است، در این جنگ با ظالمان می‌جنگد تا وارد کوفه شود و کوفه را مرکز فرماندهی خود قرار می‌دهد. سپس به او خبر می‌رسد که حضرت مهدی علیه السلام ظهور فرموده است. سپاهیان از او می‌پرسند: این شخصیت بزرگواری که وارد صحنه می‌شود، چه کسی است؟ جناب سید حسنی که خوب می‌داند که او حضرت مهدی علیه السلام است می‌گوید: ما را به نزد او ببرید، ببینیم که او کیست و چه می‌خواهد؟! با چهار هزار سپاهی که قرآن به گردن آویخته‌اند و لباس‌های موین پوشیده‌اند و شمشیرهای خود را حمایل کرده‌اند، حرکت می‌کند و در نزدیکی سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام می‌ایستد و می‌گوید: از این‌ها بپرسید که رهبرشان کیست و چه می‌خواهد؟ برخی از سپاهیان به سپاه حضرت مهدی علیه السلام نزدیک می‌شوند و می‌پرسند: خداوند شما را زنده نگه دارد، شما کیستید و چه می‌خواهید؟ آن‌ها می‌گویند: او مهدی علیه السلام است و ما یاران مهدی هستیم. سید حسنی می‌فرماید: مرا نزد آن حضرت ببرید. در میان دو سپاه سید حسنی به پیشگاه حضرت مهدی علیه السلام شرفیاب می‌شود و عرض می‌کند: «اگر شما حضرت مهدی هستید، عصا و انگشتر و برده، زره و عمامه سحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که جاست؟» حضرت مهدی علیه السلام همه این‌ها را به او می‌دهد. سید حسنی عرض می‌کند: «از شما می‌خواهم که عصای رسول خدا را روی این سنگ بکارید و از خدا بخواهید که سبز شود!» سپس حضرت مهدی علیه السلام آن عصا را روی آن سنگ می‌کارد و سبز می‌شود و برگ در می‌آورد. سید حسنی با صدای بلند تکبیر می‌گوید که: ای فرزند پیامبر! دستت را بده تا با تو بیعت کنم. پس با همه سپاهیان با آن حضرت بیعت می‌کند.»

هراوه، عصای پیامبر صلی الله علیه و آله، و فاضل، زره مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله است که هرگز کسی جز پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نبوشیده حتی جانشینان آن حضرت. در برخی منابع، منظور از یابوها، شتر «عضباء»، استر «دلدل»، اسب‌های «یربوع» و «براق» و مرکب «یعفور» است که پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را سوار شده‌اند. سید حسنی به خاطر اتمام حجت با لشکر، درخواست

در سپاه حضرت

۵

۶

۱۰۱

۱۰۲

معجزه می‌کند و گرنه ایشان از یاران خاص حضرت مهدی روحی نداء می‌باشد.

روایات امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

«يَخْرُجُ بِالرَّيِّ رَجُلٌ رُبْعَةٌ أَسْمَرٌ، مَوْلَى ابْنِي تَمِيمٍ، كَوْسَجٌ يُقَالُ لَهُ: شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، فِي أَرْبَعَةِ آلَافٍ، يَكُونُ مُقَدِّمَةً لِلْمَهْدِيِّ، لَا يَلْقَاهُ أَحَدٌ إِلَّا قَتَلَهُ؛ أَمْرُدِي گندمگون، چهارشانه و بدون ریش، به نام شعیب بن صالح با چهار هزار نفر از ری قیام می‌کند که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، هر کس در برابر او بایستد، کشته می‌شود.»

روایات امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا اخْتَلَفَ بَنُو فُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَانْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَيْسَ فَرَجُكُمْ إِلَّا فِي اخْتِلَافِ بَنِي فُلَانٍ فَإِذَا اخْتَلَفُوا فَتَوَقَّعُوا الصَّيْحَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ طَمَعَ النَّاسُ فِيهِمْ، وَ اخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَ كَانَ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ، وَ يَتَشَتَّتُ أَمْرُهُمْ، وَ يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْخُرَاسَانِيُّ، هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ، يَسْتَبِقَانِ إِلَى الْكُوفَةِ كَفَرَسِيِّ رِهَانٍ، هَذَا مِنْ هُنَا، وَ هَذَا مِنْ هُنَا، حَتَّى يَكُونَ هَلَاكُ بَنِي فُلَانٍ عَلَى أَيْدِيهِمَا .. أَمَا إِنَّهُمَا لَا يُسْبِقِيَانِ أَحَدًا؛ وقتی فرزندان فلانی اختلاف پیدا کردند، فرج نزدیک است. فرج شما بستگی به اختلاف آن‌ها دارد. وقتی نشانه‌های اختلاف ظاهر شد، منتظر ندای آسمانی در ماه رمضان باشید. وقتی ندا شنیده شد، مردم بر آن‌ها طمع می‌کنند و سفیانی قیام می‌کند و پراکنده می‌شود و سید خراسانی علیه آن‌ها خروج می‌کند، خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب به سوی کوفه می‌روند و هر دو مانند دو اسب مسابقه به دنبال هم وارد کوفه می‌شوند؛ فرزندان فلانی به دست آن‌ها کشته می‌شوند و سپاهیان سفیانی و خراسانی احدی از آن‌ها را زنده نمی‌گذارند.»

مهدی قائم علیه السلام حضرت

و

«إِنَّ ذَهَابَ مُلْكِ بَنِي فُلَانٍ كَقِصْعِ الْفَخَّارِ وَ كَرَجُلٍ كَانَتْ فِي يَدِهِ فَخَّارَةٌ وَ هُوَ يَمْشِي إِذْ سَقَطَتْ مِنْ يَدِهِ وَ هُوَ سَاهٍ عَنْهَا فَانْكَسَرَتْ فَقَالَ حِينَ سَقَطَتْ هَاهُ شِبْهُ الْفَرْعِ فَذَهَابَ مُلْكِهِمْ هَكَذَا أَغْفَلَ مَا كَانُوا عَنْ ذَهَابِهِ! أَخَذُهُمْ بَغْتَةً؛ کشته شدن فرزندان فلانی مانند شکستن کوزه است و مانند کسی است که کوزه‌ای را در دست گرفته و راه می‌رود و از کوزه غافل است؛ ناگهان کوزه می‌افتد و می‌شکند و با وحشت و تعجب می‌گوید: ای وای! نابودی سلطنت آن‌ها مانند افتادن کوزه و شکستن آن است در حالی که آن‌ها در

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۹، الملاحم والفتن: ۴۲.

۲. غیبت نعمانی: ۱۳۵؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۳۱؛ الامام المهدی: ۲۲۳؛ المهدی: ۱۹۶؛ بشارة الاسلام: ۹۲.

۳. غیبت نعمانی: ۱۳۶؛ بحار الانوار: ۵۲؛ ۲۳۲؛ بشارة الاسلام: ۹۳.

خواب غفلت هستند و ناگهان متوجه می شوند که سلطنت نابود شده است.»
 «تَخْرُجُ رَايَاتُ سُودٍ يُقَاتِلُ السُّفْيَانِيَّ فِيهِمْ شَابٌّ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، وَجَهَةٌ كَدَائِرَةِ الْقَمَرِ، فِي كَفِّهِ الْيُسْرَى خَالٌ، عَلَى مُقَدَّمَتِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ الَّذِي قَلَانُسُ جَيْشِهِ سُودٌ وَ ثِيَابُهُمْ بَيْضٌ. يَهْزِمُونَ السُّفْيَانِيَّ وَ يَتَقَدَّمُونَ إِلَى الْغَرْبِ حَتَّى يَنْزِلُوا بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، وَ يَهَيِّتُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ .. وَ يَكُونُ بَيْنَ خُرُوجِهِ وَ بَيْنَ أَنْ يُسَلَّمَ الْأَمْرَ لِلْمَهْدِيِّ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ شَهْرًا!؛^۱ پرچم‌های سیاهی برای جنگ با سفیانی حرکت می‌کند که میان آن‌ها جوانی از بنی هاشم با صورتی مثل ماه می‌باشد و دست چپش خالی است؛ جلوی این سپاه، شعیب بن صالح تمیمی است که کلاه سپاهیانش سیاه و لباس هایشان سفید است. سپاه سفیانی را شکست می‌دهند و به سوی مغرب می‌روند تا به بیت المقدس می‌رسند و زمینه ظهور قائم عجل الله فرجه را فراهم می‌کنند.»

«كَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَاذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ؛^۲ گویی عده‌ای را با چشم خود می‌بینم که از مشرق قیام کرده‌اند و در جستجوی حق هستند ولی به آن‌ها داده نمی‌شود. سپس شمشیرهای خود را حمایل می‌کنند، بنابراین هر چه بخواهند، به آن‌ها داده می‌شود. ولی آن را نمی‌پذیرند و قیام می‌کنند و پرچم‌های خود را به دست حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌سپارند. کشته‌هایشان شهید است.»

«كَأَنِّي بَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكِ الْعَامِرِيِّ عَلَيْهِ عِمَامَةٌ سَوْدَاءٌ وَ ذَوَابِتُهَا بَيْنَ كَتِفَيْهِ مُضْعِدًا فِي لِحْفِ الْجَبَلِ بَيْنَ يَدَيَّ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي أَرْبَعَةِ آلَافٍ مُكَبَّرُونَ وَ مُكْسَرُونَ؛^۳ گویی عبدالله بن شریک عامری را با چشم خود می‌بینم که دستاری سیاه بر سر دارد و تحت الحنک‌هایش را میان دو کتفش آویزان کرده، در دامنه کوه جلوی قائم ۷ با چهار هزار سلحشور از کوه بالا می‌رود، تکبیر می‌گویند و حمله می‌کنند.»

در انجیل هم درباره زنده شدن مردگان برای یاری حضرت عیسی عجل الله فرجه در آخرالزمان آمده است.

حضرت علی عجل الله فرجه در این باره می‌فرماید:
 «وَأَمْوَاتٌ يُنْشَرُونَ مِنَ الْقُبُورِ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى الدُّنْيَا فَيَسْتَعَارِفُونَ فِيهَا؛^۴ مرده‌ها از قبرها بیرون می‌آیند و زنده می‌شوند و یکدیگر را می‌شناسند.»

روایات امام صادق علیه السلام

۱. بشارة الاسلام: ۱۸۵؛ الملاحم والفتن: ۴۱. ۲. الزام الناصب: ۱۸۸. ۳. بحار الانوار: ۵۳: ۷۶. ۴. الامام المهدی: ۲۳۴.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«...فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ رَايَاتٌ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ تَطْوِي الْمَنَازِلَ طَيِّبًا حَيْثَاءَ وَمَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي أَهْلِ الْكُوفَةِ فِي ضُعْفَاءَ فَيَقْتُلُهُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ بَيْنَ الْحِيرَةِ وَالْكَوْفَةِ؛^۱ در آن زمان، پرچم های هدایت از خراسان بیرون آمده و با سرعت شهرها را رد می کند و تعدادی از یاران قائم علیه السلام میان آن ها خواهد بود. سپس مردی از شیعیان غیر عرب با عده ای از مستضعفان از کوفه بیرون می آیند که سپاهیان سفیانی او را میان حیره و کوفه می کشند.»

سپس درباره شعیب می فرماید:

«غَلَامٌ حَدَّثَ السَّنَّ، أَسْمَرَ أَضْفَرُ، خَفِيفُ اللَّحْيَةِ كَوْسَجٌ لَا يَلْقَى أَحَدًا إِلَّا قَتَلَهُ! وَ لَوْ قَاتَلَ الْجِبَالَ لَهَدَّهَا حَتَّى يَنْزِلَ أَيْلِيَاءَ! وَ يَكُونُ عَلَى لِوَاءِ الْمَهْدِيِّ؛^{۱۱} جوانی نورس با چهره ای گندم گون، بدون ریش است؛ هر کس مقابل او بایستد، کشته می شود. اگر با کوه ها بجنگد، آن ها را از جا درمی آورد تا وارد سرزمین قدس شود، او پرچم دار حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.»

شعیب، فلسطین را تصرف می کند و در یکی از شهرهای فلسطین به نام ایلیا وارد می شود و طبق روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کردیم، به بندر «ایلات» هم می رود و مدت ها در محضر حضرت مهدی علیه السلام - عجل الله تعالی فرجه الشریف - شمشیر می زند.

«يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدٍ؛^{۱۱۱} شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند.»

قبلاً گفتیم او از ری خروج می کند و در این جا گفته شده که از سمرقند خروج می کند؛ شاید از سمرقند خروج می کند و به ری می رسد و عده زیادی با او همراه می شوند. یا این که شاید در ری به دنیا آمده باشد و از سمرقند خروج کند و یا بالعکس.

«فَإِذَا انْقَرَضَ مُلْكُهُمْ أَتَاكَ اللَّهُ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ بِرَجُلٍ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُشِيرُ بِالسُّنِّيِّ وَ يَفْعَلُ بِالْمَهْدِيِّ وَ لَا يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرَّشَا وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُهُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ ثُمَّ يَأْتِينَا الْغَلِيظُ الْقَصْرَةَ ذُو الْخَالِ وَ الشَّامَتَيْنِ الْقَائِدُ الْعَادِلُ الْحَافِظُ لِمَا اسْتَوْدَعَ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا؛^{۱۱۱۱} وقتی حکومت بنی فلان پایان یافت، خداوند به خاطر یکی از ما اهل بیت بر آل محمد صلی الله علیه و آله منت می گذارد که با تقوی باشند و براساس هدایت رفتار می کند و در کارهایش رشوه نمی گیرد. به خدا سوگند نام خود و نام پدرش را می دانم. سپس به

۱۰۸

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱۰۹

تذکره الملاحم والفتن

۱۱۰

۱. المهدی: ۱۹۴؛ بشارة الاسلام: ۵۵؛ غیبت نعمانی: ۱۴۹؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۳۷.

۱۱. الملاحم والفتن: ۴۳ و ۵۷ و ۶۸؛ الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۴۲؛ المهدی: ۱۹۰.

۱۱۱. بحار الانوار: ۵۲، ۲۱۳؛ بشارة الاسلام: ۸۶؛ الامام المهدی: ۲۲۲. ۱۱۱۱. بشارة الاسلام: ۱۴۱.

زمانی که امام صادق علیه السلام این روایت را بیان کرده، قسمت‌هایی از ایران مجوسیت رایج بود، ولی امام علیه السلام می‌فرماید که حکومت ما میان آن‌هاست.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوَ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ بِرِجْمِهَا رَافِقًا بِفَقْطِهَا بِدَسْتِ صَاحِبِ الْأَمْرِ - عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فَرَجَهُ الشَّرِيفَ -
می‌دهند، کشته‌هایشان شهید است. اگر من آن روز را درک کنم، جانم را برای صاحب این امر حفظ می‌کنم.»

روایات امام زمان علیه السلام

علی بن مهزیار که خدمت امام مهدی علیه السلام مشرف شده بود، نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

«... وَ يَخْرُجُ الشَّرُوسِيُّ مِنْ إِزْمِينِيَّةَ وَ آذْرَبِيْجَانَ يُرِيدُ وَرَاءَ الرَّيِّ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ الْمُتَلَاحِمَ بِالْجَبَلِ الْأَخْمَرَ لَزِيْقُ جِبَالِ طَالْقَانَ فَتَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَرْوَزِيِّ وَقَعَةٌ صَيْلَمَانِيَّةٌ يَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَ يَهْرَمُ مِنْهَا الْكَبِيرُ وَ يَظْهَرُ الْقَتْلُ بَيْنَهُمَا فَعِنْدَهَا تَوَقَّعُوا خُرُوجَهُ بِالزُّوْرَاءِ بَعْدَ أَنْ يَبْعَثَ إِلَيْهَا بِجَيْشٍ مُؤَلَّفٍ مِنْ مِثَّةٍ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ مُقَاتِلٍ. فَيَقْتُلُ عَلَى جِسْرِهَا سَبْعِينَ أَلْفًا فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، فَيَجْرِي دِجْلَةُ مَاءً أَحْمَرَ بِالدَّمِ وَ مِنْ تَتْنِ الْأَجْسَادِ، وَ يُقْتَضُ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا مِنَ الْأَبْكَارِ. ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَ النَّجْفَ فِي وَقَعَةٍ تَذْهَلُ فِيهَا الْعُقُولُ! وَ يَأْتِي بَعْدَهَا الْفَرَجُ وَ يَكُونُ بَوَارُ الْفِتَنِ فَلَمَّا يَلْبَثُ بِهَا حَتَّى يُوَافِيَ مَاهَانَ ثُمَّ يُوَافِيَ وَاسِطَ الْعِرَاقِ فَتَقِيمُ بِهَا سَنَةٌ أَوْ دُونَهَا ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى كُوفَانَ فَتَكُونُ بَيْنَهُمْ وَقَعَةٌ مِنَ النَّجْفِ إِلَى الْحَيْرَةِ إِلَى الْقَرِيِّ فَعِنْدَهَا يَكُونُ بَوَارُ الْفِتَنِ وَ عَلَى اللَّهِ حَصَادُ الْبَاقِيْنَ؛^۱ شروسى از ارمنستان و آذربایجان حرکت کرده، به سوى رى و کوه‌هاى سیاہ و سرخ چسبيده به کوه‌هاى طالقان حرکت می‌کند. میان او و مروزی جنگ سختی اتفاق می‌افتد که جوانان پیر می‌شوند و پیران می‌میرند و کشته‌هاى زیادى بر جای می‌ماند. در آن زمان، منتظر خروج سفیانی از بغداد باشید که سپاه صد و سی هزار نفر به آن طرف می‌فرستد و به مدت سه روز، هفتاد هزار نفر در نزدیکی پل بغداد کشته می‌شوند و آب دجله خونین می‌شود و بوى تعفن اجساد فضای شهر را آلوده می‌کند. به حریم دوازده هزار دختر تجاوز می‌شود. سپس وارد کوفه و نجف می‌شود و حادثه‌اى رخ می‌دهد که عقل‌ها وحشت می‌کنند. به دنبال آن فرج می‌رسد و زمان نابودى دشمنان و آرامش فتنه‌ها می‌باشد. طولی نمی‌کشد که به ماهان می‌رسد و سپس وارد واسط در عراق می‌شود و مدت یک سال یا کمتر در آنجا

!

و

مهدی قائم علیه السلام در سپاه حضرت

۵

تتمت الحرام وظل القائم

۱۵

♦

۱. بحار الانوار ۵۲: ۴۵؛ کمال الدین صدوق: ۴۶۹؛ بشارة الاسلام: ۱۷۲؛ الزام الناصب: ۲۲.

می ماند و به سوی کوفه حرکت می کند، در آنجا جنگ سختی میان حیره و نجف اتفاق می افتد و هر دو گروه نابود می شوند و گروه های دیگر را نیز خداوند نابود می کند.»

شروسی از شهری به نام «اشروسه» از آذربایجان شوروی بین سیحون و سمرقند خروج می کند. امام باقر و یا امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«وَتَكُونُ حَرْبٌ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فَتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ وَاذْرَبِيَّجَانِ، حَيْثُ يَخْرُجُ الشَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْمِينِيَّةٍ يُرِيدُ الْعِرَاقَ وَايْرَانَ، فَتَكُونُ بَيْنَهُ وَايْرَانَ مَرَّزِيٍّ وَقَعَّةً صَيْلَمَانِيَّةً يُقْتَلُ فِيهَا أَلُوفٌ وَاَلُوفٌ، كُلُّ يَفِيضُ عَلَى سَيْفٍ مُحَلِّيٍّ، تَخْفُقُ عَلَيْهِ رَايَاتُ سُودٍ. تَلْكَ هِيَ حَرْبٌ يَنْتَشِرُ فِيهَا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَاَلطَّاعُونَ الْأَكْبَرُ؛^۱ وقتی شروسی از ارمنستان به سوی ایران و عراق حرکت کند، جنگی بین بنی عباس و سپاه ارمنستان و آذربایجان رخ می دهد و شروسی و مروزی نیز جنگ سختی با هم دارند که هزاران هزار نفر در آن کشته می شوند. در این جنگ که پرچم های سیاه برافراشته می شود، مرگ سرخ و بیماری طاعون بسیار شایع می شود.»

و. قتل نفس زکیه و کشتن پسر عمویش

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ. فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، فَأَتَى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ فَزَقَوْهُ كَمَا تُزَفُّ الْعَرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عُرْسِهَا؛^۲ مهدی علیه السلام قیام نمی کند تا نفس زکیه کشته شود. وقتی نفس زکیه کشته شد، اهل آسمان و زمین از آن ها خشمگین می شوند؛ سپس مهدی علیه السلام ظهور می کند و مردم اطراف او جمع می شوند، همان گونه که در شب زفاف اطراف عروس جمع می شوند.»

نفس زکیه لقب یک جوان هاشمی از آل محمد صلی الله علیه و آله است که میان قوم خود مقام والایی دارد؛ او در آغاز جنبش سفیانی به مدینه می آید و دومین گروه از لشکر سفیانی که برای جنگ با سپاه حضرت مهدی علیه السلام - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به مدینه می آیند، او را به شهادت می رسانند. وقتی سپاه سفیانی مردم حجاز را می کشند و خانه هایشان را ویران می کنند و به حریم زنان و دختران تجاوز می کنند، نفس زکیه به مکه می رود و در آنجا ندای دادخواهی و دعوت به سوی آل محمد صلی الله علیه و آله سر می دهد. روز ۲۵ ذیحجه او را میان رکن و مقام مظلومانه قربانی می کنند. خداوند به ظالمان مهلت نمی دهد که در شهر حرام

در سپاه حضرت

ظالمین المهدی علیه السلام

۱. البلدان: ۳۲۲؛ الزام الناصب: ۱۸۸؛ بشارة الاسلام: ۱۸۹.

۲. الحاروی للفنای: ۲: ۱۳۵؛ بشارة الاسلام: ۱۸۳؛ الملاحم والفتن: ۱۱۳ و ۱۲۸.

و در ماه حرام و در خانه خدا، خون حرام ریخته‌اند. سپس در مدت پانزده روز قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام آغاز می‌شود.

حضرت علی علیه السلام درباره علت قربانی شدن نفس زکیه می‌فرماید: او در مدینه به سوی حق و حقیقت دعوت می‌کند، وقتی آنجا نیز ناامن می‌شود و به مکه فرار می‌کند، صدای خود را برای دعوت به سوی حق و حقیقت بلند می‌کند. بنابراین نفس زکیه به فرمان حضرت مهدی علیه السلام به مکه می‌آید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«يَقُولُ الْقَائِمُ عليه السلام لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمِ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي وَ لَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأُخْتِجَ عَلَيْهِمْ؛ قَائِمٌ عليه السلام بِهِ يَارَانِ خُودِ مِي فَرَمَايِد: اهل مکه مرا نمی‌خواهند ولی من کسی را به سوی آن‌ها می‌فرستم تا حجت را بر آن‌ها تمام کنم، آنچنان که برای مثل من شایسته است.»

سپس به یکی از یاران خود می‌فرماید: به سوی مکه برو و به اهل مکه بگو: ای اهل مکه! من از سوی فلانی به سوی شما فرستاده شده‌ام. او به شما می‌فرماید:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سُلَالَةُ النَّبِيِّنَ وَ إِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَ اضْطَهَدْنَا وَ قَهَرْنَا وَ ابْتَرْنَا مِمَّا حَقَّنَا مِنْذُ قَبْضِ نَبِيِّنَا إِلَيْهِ يَوْمِنَا هَذَا فَسَخْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَانصُرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمْنَا هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتُوا إِلَيْهِ قَدْ بَحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ هِيَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ؛^۲ ما اهل بیت نبوت و معدن رسالت و خلافت هستیم، ما خاندان پیامبر و سلالة پیامبرانیم. ما مورد ظلم و ستم واقع شدیم، از روزی که پیامبر رحلت کرد، حق ما را غضب کردند و تا به امروز در دست غاصبان است. ما از شما کمک می‌خواهیم، ما را یاری کنید. وقتی پیام آن حضرت را ابلاغ می‌کند او را می‌گیرند و میان رکن و مقام او را قربانی می‌کنند، که او همان نفس زکیه است.»

سپس وجدان مردم بیدار می‌شود و حضرت مهدی علیه السلام را جستجو می‌کنند تا با او بیعت کنند و این جنایت را محکوم نمایند. بین زمان قربانی نفس زکیه و آغاز قیام حضرت مهدی علیه السلام، ۱۵ روز فاصله است که او در ۲۵ ذیحجه به شهادت می‌رسد و قیام آن حضرت در دهم محرم اتفاق می‌افتد. بار دیگر جبرئیل ندا می‌دهد و همه را دعوت می‌کند. این ندا و آن ندایی که در ماه رمضان بلند شده بود، شک و تردید را از بین می‌برد و دل‌ها را به سوی مهدی علیه السلام می‌کشاند.

روایات حضرت علی علیه السلام

مهدی قائم علیه السلام

۲

بشار الانوار

۱

«الْمَذْبُوحُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛^۱ از نشانه‌های ظهور، کشته شدن او (نفس زکیه) میان رکن و مقام است.»

«لَا يُظْهَرُ اللَّهُ الْأَرْضَ مِنَ الظَّالِمِينَ حَتَّى يُسْفِكَ الدَّمَ الْحَرَامَ؛^۲ خداوند زمین را از وجود ستمگران پاک نمی‌کند مگر وقتی که خون حرام ریخته شود.»

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِآخِرِ مُلْكِ بَنِي فُلَانٍ قُلْنَا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قَتَلَ نَفْسَ حَرَامٍ فِي يَوْمٍ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ عَنْ قَوْمٍ مِنْ قُرَيْشٍ وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأ النَّسَمَةَ مَا لَهُمْ مُلْكٌ بَعْدَهُ غَيْرَ خَمْسِ عَشْرَةَ لَيْلَةً؛^۳ آیا با شما درباره پایان حکومت بنی فلان (بنی امیه) سخن بگویم؟ گفتند: آری. فرمود: ریختن خون حرام، در روز حرام، در شهر حرام، از قبیله‌ای از قریش. سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، بعد از آن بیش از پانزده روز حکومت نخواهند کرد.»

«حَتَّى إِذَا جُهِزَتِ الْأَلُوفُ وَصُفَّتِ الصُّفُوفُ وَقَتَلَ الْكَبِشُ الْخُرُوفَ هُنَاكَ يَقُومُ الْآخِرُ وَ يَتُورُ النَّائِرُ وَيَهْلِكُ الْكَافِرُ وَيَنْهَضُ الْيَمَانِيُّ لِمَحَارِبِهِ السَّفِيَانِيُّ ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْمَأْمُولُ وَالْإِمَامُ الْمَجْهُولُ لَهُ الشَّرْفُ وَالْفَضْلُ يَظْهَرُ بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ فِي دَرِيَسَيْنِ بَالِيَيْنِ يَظْهَرُ عَلَى الثَّقَلَيْنِ وَلَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ دَمَيْنِ؛^۴ وقتی صفاها فشرده شد و هزاران جنگجو برای جنگ آماده شدند، قوچ بره را کشت، دیگری قیام کرد و انتقامش را گرفت و کافر نابود شد و یمانی برای جنگ با سفیانی قیام کرد، امام قائم که همه در انتظار ظهورش هستند، ظهور می‌کند و آن امام غائبی که مقامی والا دارد، قیام می‌نماید... میان دو رکن مسجدالحرام با دو لباس ساده و کهنه، براساس قرآن و سنت، برای جهانیان ظاهر می‌شود و از دو خون که روی زمین ریخته شده، نمی‌گذرد.»

شاید منظور از قوچ، سفیانی و منظور از بره، سید هاشمی باشد و منظور از قیام دیگر، انقلاب‌های جهانی است؛ انتقام‌گیرنده، افرادی هستند که از اوضاع آشفته استفاده کرده و برای خونخواهی قیام می‌کنند. منظور از دو خون، یکی خون امام حسین علیه السلام و دیگری خون نفس زکیه است که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، در مسجدالحرام به زمین ریخته می‌شود. منظور از دو لباس ساده و کهنه، لباس تقوی و لباس زهد است که در جنگ حق و باطل بسیار نیرومند است.

روایات امام باقر علیه السلام

۱. الزام الناصب: ۱۷۶. ۲. غیبت نعمانی: ۱۴۶؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۳۶؛ بشارة الاسلام: ۴۹.

۳. غیبت نعمانی: ۱۴۶؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۳۴؛ بشارة الاسلام: ۴۸ و ۱۰۴؛ الزام الناصب: ۱۷۷.

۴. بحار الأنوار ۵۲: ۲۳۶؛ بشارة الاسلام: ۴۹؛ الزام الناصب: ۱۸۸.

در پستان حضرت

«وَقُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ؛^۱ جوانی از آل محمد علیه السلام میان رکن و مقام کشته می شود که نامش محمد فرزند حسن نفس زکیه است.»

«لَا يَزَالُ الْقَوْمُ فِي فُسْحَةٍ مِنْ مُلْكِهِمْ مَا لَمْ يُصِيبُوا مِنَّا دَمًا حَرَامًا فَإِذَا أَصَابُوا ذَلِكَ الدَّمِ قَبَطُنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَهُمْ مِنْ ظَهْرِهَا فَيَوْمَئِذٍ لَا يَكُونُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ نَاصِرٌ وَلَا فِي السَّمَاءِ عَاذِرٌ! فَإِذَا أَصَبْتُمْ ذَلِكَ الدَّمِ الْحَرَامِ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِهِ أُعْوَرَ - وَ لَيْسَ بِأَعْوَرَ مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ - يَكُونُ اسْتِئْصَالَكُمْ عَلَى يَدَيْهِ وَ أَيْدِي أَصْحَابِهِ؛^۲ تا زمانی که این مردم خونی را به ناحق از ما نریخته اند، قدرت دارند، ولی وقتی آن خون حرام را ریختند دیگر زیر زمین برای آن ها بهتر از روی زمین است. آن روز، روی زمین یاوری ندارند و در آسمان عذری از آن ها پذیرفته نیست. وقتی خون حرامی از ما بریزند، خداوند بنده بی نام و نشان و نفوذناپذیری را بر آن ها مسلط می کند که همه آن ها را نابود می کند.»

منظور از قوم، بنی امیه است و منظور از خون حرام، خون نفس زکیه است و منظور از مرد نفوذناپذیر، یکی از انقلابیون آن روز است که به نظر ما شعیب بن صالح است که صورتی زرد و بی مو دارد و هیچ کس نمی تواند او را از انجام وظیفه بازدارد.

«مَا أَشْكَلَ عَلَيْكُمْ قَلَمٌ يُشْكَلُ عَلَيْكُمْ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ رَأَيْتُهُ وَ سِلَاحُهُ وَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛^۳ اگر درباره هر چیزی شک داشتید، ولی پیمان پیامبر صلی الله علیه و آله، پرچم و شمشیر و نفس زکیه از خاندان سالار شهیدان بر شما پوشیده نخواهد بود.»

نفس زکیه را نشانه ظهور معرفی کرده است. زیرا او نامش محمد است، اسم پدرش حسن است، خودش از خاندان امام حسین علیه السلام است و میان رکن و مقام قربانی می شود. اگر افراد دیگری هم در مسجدالحرام کشته شوند، نام و نشان او را ندارند و یا در جایی غیر از رکن و مقام و یا به گونه ای غیر از ذبح کشته خواهد شد.

«وَ عِنْدَ ذَلِكَ تُقْتَلُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ فِي مَكَّةَ، وَ أَخُوهُ فِي الْمَدِينَةِ ضَيْعَةً؛^۴ در آن زمان، نفس زکیه در مکه و برادرش در مدینه کشته می شوند.»

سفیانی با هر کس که نام محمد و علی و حسن و حسین و مانند آن ها را دارد، دشمن است، بخصوص که از آل محمد علیه السلام و از یاران مهدی علیه السلام باشد.

مهدی قائم علیه السلام
مکه

۱. الامام المهدي: ۲۲۷؛ بشارة الاسلام: ۱۰۰؛ مشير الاحزان: ۲۹۸.
۲. منتخب الاثر: ۴۵۵؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۱۷؛ بشارة الاسلام: ۱۰۵.
۳. غيبت نعماني: ۱۵۱؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۲۳؛ بشارة الاسلام: ۱۰۳.
۴. بحار الانوار: ۵۲: ۲۰۸؛ غيبت شيخ طوسي: ۲۷۹؛ الحاوي للفتاوى: ۱۵۱: ۲.

«ثُمَّ يَكْتُبُ السُّفْيَانِيُّ إِلَى الَّذِي دَخَلَ الْكُوفَةَ بِخَيْلِهِ، بَعْدَ مَا يَفْرِكُهَا عَزَّكَ الْأَدِيمِ بِأَمْرِهِ بِالْمَسِيرِ إِلَى الْحِجَازِ، فَيَسِيرُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَضَعُ السَّيْفَ فِي قُرَيْشٍ، فَيَقْتُلُ مِنْهُمْ وَمِنْ الْأَنْصَارِ أَرْبَعَةَ رَجُلٍ، وَيَبْقُرُ الْبُطُونَ، وَيَذْبَحُ الْوِلْدَانَ، وَيَقْتُلُ أَخَوَيْنِ مِنْ قُرَيْشٍ: رَجُلًا وَأُخْتَهُ، يُقَالُ لَهُمَا: مُحَمَّدٌ وَفَاطِمَةُ، وَيَضْلُبُهُمَا عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ بِالْمَدِينَةِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْرَبُ الْمَهْدِيُّ وَالْمُسْتَنْصِرُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ، فَيَبْتَغِي بَطْلِبُهُمَا وَقَدْ لَحِقَا بِحَرَمِ اللَّهِ وَأَمْنِهِ؛^۱ سپس سفیانی برای فرمانده سپاه کوفه می نویسد که به سوی حجاز حرکت کند. او خاک کوفه را با خون مردمانش رنگین می کند و سپس به سوی مدینه حرکت می کند و چهار صد نفر از قریش و انصار را می کشد و شکم هارا پاره می کند و کودکان را سر می برد و مردی از قریش به نام محمد و خواهرش را به نام فاطمه می کشد و بیرون مسجد مدینه آنها را به دار می آویزد. در آن هنگام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و مستنصر از مدینه فرار می کنند و به سوی مکه می روند. فرمانده سپاه سفیانی آنها را دنبال می کند ولی قبل از آن که به آنها برسد، آنها وارد حرم امن الهی می شوند.»

عرك الاديم، یعنی آنقدر خون روی خاک کوفه ریخته می شود که رنگین می شود و مثل گِل و خمیر می شود. منظور از مستنصر، نفس زکیه است که در آخرین سخنرانی خود مردم را به یاری آل محمد ﷺ دعوت می کند و به همین سبب مستنصر نامیده می شود. «و يَبْتَغِي بَطْلِبُهُمَا وَقَدْ لَحِقَا بِحَرَمِ اللَّهِ وَأَمْنِهِ؛^۱ و يَهْرَبُ الْمَهْدِيُّ وَالْمُسْتَنْصِرُ وَيُؤْخَذُ آلُ مُحَمَّدٍ صَغِيرُهُمْ وَكَبِيرُهُمْ لَا يُتْرَكُ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَّا حَبْسًا. وَيَسْخَرُجُ الْجَيْشُ فِي طَلَبِ الرَّجُلَيْنِ بِالرَّغْمِ مِنْ أَنَّهُمَا فِي حَرَمِ اللَّهِ وَأَمْنِهِ، وَأَنَّهُ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا. وَيَفْرَأُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ فِي الْبَرَارِيِّ خَوْفًا وَذَعْرًا وَطَلَبًا لِلْمَهْدِيِّ؛^۲ سپاهی را به سوی مدینه می فرستد که در آنجا مردی را می کشند و سپس حضرت مهدی عليه السلام و مستنصر به مکه فرار می کنند و آل محمد از کوچک و بزرگ، دستگیر و زندانی می شوند. سپس سپاه سفیانی به دنبال مهدی و مستنصر می روند و آنها را جستجو می کنند، در حالی که آنها در حرم امن الهی هستند و هر کس وارد حرم شود، باید در امان باشد. مردم مدینه از ترس و وحشت به صحرا و بیابان فرار می کنند و به جستجوی حضرت مهدی عليه السلام می پردازند.»

روایات امام صادق علیه السلام

«مَا بَقِيَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْعَرَبِ إِلَّا الذَّبْحُ؛^۳ میان ما و عرب، جز ذبح فاصله ای نمانده است.» طبق فرموده امام صادق عليه السلام، کسانی که ذبح می کنند، عرب تعبیر شده اند، زیرا

قریبه سپاه حضرت



و

و

۱. الملاحم والفتن: ۴۵؛ بشارة الاسلام: ۳۹. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۳۷۱؛ الملاحم والفتن: ۴۵. ۳. غیبت نعمانی: ۱۲۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۳۴۹؛ الزام الناصب: ۲۲۹.

مسلمان نیستند و به خاطر قومیت، این کارها را می‌کنند.

«وَذَبِحُ رَجُلٍ هَاشِمِيٍّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛^۱ مردی از بنی هاشم، میان رکن و مقام قربانی می‌شود.»

«لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ ... فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَقَّعُ الْفَرَجَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛^۲ حتماً مردی در مدینه کشته می‌شود. پرسیدند: آیا سپاه سفیانی او را می‌کشد؟ فرمود: نه، بلکه سپاهیان فلاتی (بنی عباس) او را می‌کشند. وقتی او را بی‌گناه به قتل می‌رسانند، خداوند دیگر به آن‌ها مهلت نمی‌دهد. سپس فرمود: در آن زمان، منتظر فرج باشید.»

این مرد هاشمی که بی‌گناه کشته می‌شود، پسر عموی نفس زکیه است که در مسجد الحرام کشته می‌شود.

«يُقْتَلُ الْمَظْلُومُ بِبَثْرِبَ، وَيُقْتَلُ ابْنُ عَمِّهِ فِي الْحَرَمِ بِمَكَّةَ؛^۳ آن مرد مظلوم در مدینه کشته می‌شود و پسر عمویش در مکه و در حرم امن خدا کشته می‌شود.»

آن مرد مظلوم که «محمد» نام دارد به دست عراقی‌ها کشته می‌شود و خواهرش فاطمه نیز کشته می‌شود و جنازه هر دو در نزدیکی مسجد پیامبر ﷺ به دار آویخته می‌شود.

«وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَخْتُومِ؛^۴ کشته شدن نفس زکیه از نشانه‌های قطعی است.»
 «... إِذَا ظَهَرَ الشَّامِيُّ وَتَحَرَّكَ الْحَسَنِيُّ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِثَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِلَ مَكَّةَ فَيَطَّلِعُ عَلَى ذَلِكَ بَعْضُ مَوَالِيهِ فَيَأْتِي الْحَسَنِيَّ فَيُخْبِرُهُ الْخَبَرَ فَيَنْتَدِرُ الْحَسَنِيُّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَثْبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَيَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِيِّ فَيُظَهَرُ عِنْدَ ذَلِكَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَيُبَايِعُهُ النَّاسُ؛^۵ وقتی سفیانی خروج کند و سید حسنی قیام کند و حضرت مهدی ﷺ با ودایع رسول اکرم ﷺ از مدینه به سوی مکه تشریف ببرد و در حرم الهی بماند، برخی از یارانش آگاه می‌شوند و به سوی سید حسنی می‌روند و او را آگاه می‌سازند و سید حسنی تصمیم می‌گیرد که قیام کند. سپس مردم مکه به او حمله می‌کنند و او را می‌کشند و سرش را به شام می‌فرستند. در آن زمان، صاحب این امر ظهور می‌کند و مردم با او بیعت می‌کنند.»

در اینجا منظور از سید حسنی، سید هاشمی است که در آستانه ظهور کشته می‌شود و اما آن سید حسنی که با سپاهیانش به خدمت حضرت مهدی ﷺ می‌روند و با او بیعت

در سینه حضرت مهدی قائم علیه السلام

منها الخ لادى ظل

۱. الزام الناصب: ۱۸۵.

۲. کافی: ۱، بحار الأنوار: ۵۲، ۱۴۷؛ غیبت نعمانی: ۸۶، بشارة الاسلام: ۱۱۷؛ منتخب الاثر: ۵۰۱؛ الزام الناصب: ۸۰؛ كشف الغمه: ۳.

۳. ۱۳۲۴ اعلام الوری: ۲۰۶، ۳. بشارة الاسلام: ۱۸۷، ۴. الامام المهدی: ۲۲۸.

۵. غیبت نعمانی: ۱۴۴؛ بشارة الاسلام: ۱۳۹؛ بحار الأنوار: ۵۲، ۳۸ و ۲۴۱ و ۳۰۱.

می‌کنند و بعد از ظهور، مقام والایی پیدا می‌کنند، غیر از این است.
 «لَيْسَ بَيْنَ الْقَائِمِ وَقَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ سِوَى خَمْسِ عَشْرَةَ لَيْلَةً!»^۱ بین قائم و کشته شدن
 نفس زکیه، فقط پانزده روز فاصله است.»

نفس زکیه نامش محمد و نام پدرش حسن است و از خاندان امام حسین علیه السلام می‌باشد
 و پیامبر صلی الله علیه و آله او را نفس زکیه نامیده است و به عنوان یکی از بهترین نشانه‌های پیامبری
 است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله او را با نام و لقب و نام پدر و محل قربانی خبر داده است، قبل از آن
 که خودش و پدرش به دنیا بیاید، تقریباً ۵۰ نسل قبل از ولادتش از همه خصوصیاتش
 خبر داده است.

«فَإِذَا كَانَ الْيَوْمَ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، يُقْتَلُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ظُلْمًا. وَفِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ يَخْرُجُ الْحُجَّةُ صلی الله علیه و آله؛^۲ وقتی روز بیست و پنجم
 ذیحجه برسد، نفس زکیه میان رکن و مقام کشته می‌شود و در روز دهم محرم حضرت
 حجت صلی الله علیه و آله قیام می‌کند.»

بعد از این واقعه، خدا بر قاتلین نفس زکیه خشم می‌گیرد و پانزده روز بعد، مهدی علیه السلام
 قیام می‌کند.

روایات امام زمان علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام در توقیعی که به شیخ مفید می‌نویسد، می‌فرماید:

«وَ آيَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْنَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعْظَمِ مِنْ رِجْسٍ مُنَافِقٍ مُدْتَمِّمٍ مُسْتَحِلٍّ
 لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ يَعْمِدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَلَا يَبْلُغُ بِذَلِكَ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ لِأَنَّهَا
 مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالِدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُخَجَّبُ عَنْ مَلِكِ السَّمَاءِ فَلْتَطْمِئِنَّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا
 الْقُلُوبُ وَ لِيَتَّقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَ إِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخَطُوبُ وَ السَّعَابَةُ بِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ
 سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمُنْهَيَّ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ؛^۳ در این فتنه و آشوب،
 نشانه‌ای از انقلاب ما وجود دارد و آن حادثه‌ای است که در حرم امن خدا توسط منافق
 جنایت‌کار روی می‌دهد که خون حرام را می‌ریزد و مؤمنان را فریب می‌دهد ولی به
 هدف اصلی خود نمی‌رسد، زیرا پشت ما آن‌ها را دغا می‌کنیم که هرگز از درگاه خدای
 آسمان دور نشوند، دل‌های دوستان ما امیدوار می‌شود. اگر چه حوادث سختی اتفاق
 می‌افتد، ولی عاقبت، با لطف خدا، سرانجام خوبی خواهد داشت، تا وقتی که مؤمنان

در پناه حضرت
 قائم
 القام المهدی صلی الله علیه و آله

۱. منتخب الاثر: ۲۳۹ و ۴۵۶؛ ارشاد مفید: ۳۳۹؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۱؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۰۳؛ اعلام‌الوری: ۲۲۷؛ الامام‌المهدی:

۲۳۰؛ بشارة‌الاسلام: ۱۲۸. ۲. الزام‌الناصب: ۱۹۰.

۳. احتجاج طبرسی ۲: ۴۹۹؛ بحار الانوار ۵۳: ۱۷۶؛ الزام‌الناصب: ۱۳۶؛ ارشاد مفید: ۵.

از گناهان دوری کنند.»

ما منتظر می‌مانیم تا آن پنج نشانه اتفاق بیفتد تا دیگر کسی دچار شک و تردید نشود.
«قَلَّا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛^۱ نساچار باید جوانی از آل محمد علیه السلام میان رکن و مقام کشته شود.»

ز. سفیانی

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«سَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ وَمِنْ بَعْدِ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ وَمِنْ بَعْدِ الْأُمَرَاءِ مُلُوكٌ جَبَابِرَةٌ ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛^۲ بعد از من جانشینانی می‌آیند، بعد از آن‌ها حاکمانی خواهد بود و بعد از آن‌ها پادشاهان ظالمی خواهند آمد و سپس مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد.»

در این حدیث نیز یکی از نشانه‌های نبوت پیامبر علیه السلام که خداوند از علوم خود به او خبر داده است، می‌باشد. ولی با وجود این حدیث، بعد از رحلت پیامبر علیه السلام، جانشین او خانه نشین شد و عده‌ای به ناحق حاکم مردم شدند و حق اهل بیت را غصب کردند و خود را امیر مسلمانان نامیدند. بعد از امویان و عباسیان، پادشاهان ظالم مثل عثمانی‌ها آمدند و حکومت کردند. این حوادث اتفاق افتاده و به زودی حضرت مهدی علیه السلام نیز قیام خواهد کرد.

در این حدیث، پیامبر علیه السلام لفظ «ثُمَّ» را به کار برده که یعنی مدت زیادی طول می‌کشد تا قائم علیه السلام قیام کند.

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«يَقَعُ خُرُوجُهُ بَعْدَ تَدَابُرٍ وَ اخْتِلَافٍ بَيْنَ أُمَرَاءِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ لَا يَنْتَهِي، إِلْسَى أَنْ يَصِيرَ الْأَمْرُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ؛^۳ بعد از جنگ سختی که بین عرب و عجم روی داد، آن حضرت قیام می‌کند و این اختلاف‌ها تمام نمی‌شود مگر این که مردی از فرزندان ابی سفیان به قدرت برسد.»

«ثُمَّ يَقَعُ التَّدَابُرُ وَالْإِخْتِلَافُ بَيْنَ أُمَرَاءِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، فَلَا يَزَالُونَ يَسْتَخْتَلِفُونَ إِلْسَى أَنْ يَصِيرَ الْأَمْرُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ؛^۴ میان حاکمان عرب و عجم اختلاف و جنگ

دوراندیشان
 مهدی قائم
 در پستان حضرت
 محمد الحارثی ظالم
 ۵۷۱

۱. بشارة الاسلام: ۱۰۰، نور الابصار: ۱۷۲.
 ۲. الصواعق المحرقة: ۱۶۴، الملاحم والفتن: ۲۱، بحار الانوار: ۵۲، ۱۴، غایة المرام: ۷۰۰، کشف الغمہ: ۳، ۲۶۴، البیان: ۹۹، الزام الناصب: ۵۲، المهدی: ۸۸، بشارة الاسلام: ۲۸۸، نور الابصار: ۱۷۱، الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۳۴.
 ۳. الامام المهدی: ۲۲۰، بشارة الاسلام: ۶۶.
 ۴. بشارة الاسلام: ۱۹۱، الامام المهدی: ۲۲۰.

سختی روی می دهد تا مردی از ابي سفیان به حکومت برسد.»

در جنگ ایران و عراق، بیشتر ممالک عربی از رژیم عراق حمایت می کنند.

«يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: السُّفْيَانِيُّ فِي عَمَقِ دِمَشْقٍ، وَ عَامَّةٌ مَنِ يَتَّبَعُهُ مِنْ كَلْبٍ. فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ، وَيَقْتُلُ الصُّبْيَانَ. فَيَجْتَمِعُ لَهُمْ قَيْسٌ فَيَقْتُلُهَا حَتَّى لَا يَمْنَعُ ذَنْبَ تَلْعَةٍ، وَ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَمِ، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ جُنْدِهِ. فَيَسِيرُ حَتَّى إِذَا جَاءَ بَيْنِدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ حُسِفَ بِهِمْ، فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ إِلَّا الْمُخْبِرُ؛^۱ مردی از دمشق خروج می کند که به او سفیانی می گویند و یارانش از نژاد کلب هستند. خون های زیادی ریخته می شود و شکم زنان شکافته می شود و کودکان را سر می برند. تیره قیس (مصری ها و مراکشی ها) در برابر او قیام می کنند و همه آن ها را می کشتند و کسی نمی تواند از خودش دفاع کند. سپس مردی از خاندان من در حرم خروج می کند. این خبر به سفیانی می رسد. سفیانی سپاهی برای مقابله با او می فرستد. وقتی سپاهیان به سرزمین بیداء می رسند، زمین آن ها را در کام خود فرو می برد که حتی خبررسانی هم باقی نمی ماند.»

«إِذَا حَادَ أَمِيرُ الشَّامِ عَنِ الْحَقِّ، فَكَأَنِّي بِقَيْسٍ لَا يَمْنَعُ ذَنْبَ تَلْعَةٍ. فَعِنْدَ ذَلِكَ قَرَجُ الْأُمَّةِ؛^۲ وقتی پادشاه شام از راه حق منحرف شود، گویا با چشم خود می بینم که قبیله قیس نمی توانند از خود دفاع کنند. در آن زمان، قرج امت نزدیک است.»

«إِذَا حَادَ السُّفْيَانِيُّ عَنِ الْحَقِّ، وَ مَالَ عَنِ جَادَةِ الدِّينِ، تَقُومُ لَهُ قَيْسٌ مِنْ مِصْرَ فَيَتَّصِرُ عَلَى جَيْشِهَا الَّذِي تُرْسِلُهُ لِقِتَالِهِ؛^۳ وقتی سفیانی گمراه شود و از مسیر دین منحرف شود، قبیله قیس از مصر قیام می کنند و با سپاه سفیانی می جنگند.»

در این روایت، منظور از قیس، قبیله ای از مصر است.

«... فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ فِي قَوْرِ ذَلِكَ حَتَّى يَنْزِلَ دِمَشْقَ؛^۴ در آن زمان، ناگهان سفیانی از بیابان خشک و سوزان قیام می کند و وارد دمشق می شود.»

منظور از بیابان خشک و سوزان، منطقه سنگلاخی در شرق فلسطین و غرب اردن و جنوب غربی دمشق می باشد که از سنگ های آنجا سنگ آسیاب درست می کنند. خانواده سفیانی در آن منطقه زندگی می کنند و نام او عثمان بن عنبسه از قبیله کلب و از خاندان ابوسفیان است.

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۸۶؛ بشارة الاسلام: ۲۱ و ۱۰۶ و ۲۷۶؛ الامام المهدي: ۲۲۳؛ الزام الناصب: ۱۷۹؛ منتخب الاثر: ۴۵۸؛ الملاحم و الفتن: ۱۲۳؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۳. ۲. الملاحم والفتن: ۱۶۱. ۳. منتخب الاثر: ۴۶۵.
۴. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۳۴؛ بشارة الاسلام: ۸۶ و ۱۰۶.

در پناه حضرت

منظور از مرکز، دمشق است که صهیونیست‌ها به آن جا حمله می‌کنند.
 «... وَ يُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ؛^۱ سپاهی از شام برای مقابله با آن حضرت فرستاده می‌شود که در سرزمین بیداء، میان مکه و مدینه در زمین فرو می‌رود.»

«يَكُونُ قَبْلَهُ بِأَيَّامٍ وَقَعَةَ بِالْمَدِينَةَ، تَغْرُقُ فِيهَا أَحْجَارُ الزَّيْتِ بِالْبَحْرِ، مَا الْحَرَّةُ عِنْدَهَا إِلَّا كَضْرِبَةِ سَوْطٍ! فَيَنْتَحِي الْجَيْشُ عَنِ الْمَدِينَةِ قَدْرَ بَرِيدَيْنِ، ثُمَّ يُبَايِعُ لِلْمَهْدِيِّ؛^۲ قبل از آن، در مدینه اتفاقی می‌افتد که احجار الزیت خونین می‌شود و وزیر اجساد پنهان می‌گردد، و واقعه حرّه در مقابل آن یک ضربه است. سپس سپاه سفیانی به فاصله دو منزل که از مدینه دور شوند، با مهدی عليه السلام بیعت می‌کنند.»

احجار الزیت نام منطقه‌ای در مدینه است و حرّه یک حادثه بزرگی است که یزید بن معاویه یک سال بعد از واقعه عاشورا در مدینه انجام داد و جان و مال و ناموس مردم را سه روز برای لشکریان مباح کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فاجعه سفیانی را با آن مقایسه می‌کند و می‌فرماید: «فاجعة حرّه در برابر جنایاتی که سفیانی انجام خواهد داد، مانند ضربه تازیانه است!» امام باقر عليه السلام در این باره می‌فرماید:

«...أَمَّا مَنْ يَهْرَبُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَيَلْحَقُ بِهِمُ الْجَيْشُ، وَ يُدْرِكُهُمْ وَ يَذْبَحُهُمْ عِنْدَ أَحْجَارِ الزَّيْتِ! کسی که از آل محمد صلی الله علیه و آله فرار کند، سپاه سفیانی او را دستگیر کرده در احجار الزیت می‌کشند.»

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز حادثه حرّه اتفاق نیفتاده بود و پنجاه سال بعد صورت می‌گیرد. ولی ایشان با صراحت درباره آن سخن گفته و نام آن را بیان کرده است. این سخنان، وحی الهی است که از زبان مبارک ایشان بیان شده است.

«...يَحُلُّ الْجَيْشُ الثَّانِي بِالْمَدِينَةِ فَيَنْتَهُبُونَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بِلَيَالِيهَا؛^۳ دومین سپاه سفیانی وارد مدینه می‌شوند و سه شبانه روز در آنجا قتل و غارت می‌کنند.»

«مَعَ بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ مُضْرُ وَ مَعَ السُّفْيَانِيِّ أَخْوَالُهُ مِنْ كَلْبٍ فَيُظْهِرُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ مَعَهُ عَلَى بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ حَتَّى يَقْتُلُوا قَتْلًا لَمْ يَقْتُلْهُ شَيْءٌ قَطُّ وَ يَحْضُرُ رَجُلٌ بِدِمَشَقَ فَيُقْتَلُ هُوَ وَ مَنْ مَعَهُ قَتْلًا لَمْ يَقْتُلْهُ شَيْءٌ قَطُّ وَ هُوَ مِنْ بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ وَ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ وَ يَظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ مَعَهُ حَتَّى لَا يَكُونَ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ شِيَعَتُهُمْ فَيُبْعَثُ بَعْثًا

۱. الامام المهدي: ۷۱. ۲. بشارة الاسلام: ۳۰ و ۱۸۴؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۳، الملاحم والفتن: ۴۶. ۳. بشارة الاسلام: ۱۱۶. ۴. بحار الانوار: ۵۲، ۱۸۶؛ منتخب الاثر: ۴۵۶؛ بشارة الاسلام: ۲۱ و ۲۲۰؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۰؛ الزام الناصب: ۱۹۹.

در سپاه حضرت
 قتل
 القاموس المحمدی

إِلَى الْكُوفَةِ فَيَصَابُ بِأُنَاسٍ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ بِالْكُوفَةِ قَتْلًا وَصَلْبًا؛ قَبِيلَةُ مُضَرَ بِبَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ وَقَبِيلَةُ كَلْبٍ بِسَفْيَانِي قِيَامٍ مِي كَنْدُو بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ رَا شَكْسْت مِي دَهَنْد. هر کس وارد دمشق شود، با یارانش کشته می شود و این است معنی آیه شریفه: ﴿احزاب با هم اختلاف پیدا می کنند، وای بر آن ها در روز بزرگ!﴾ سفیانی و سپاهیانش پیروز می شوند و تلاش می کنند آل محمد ﷺ و شیعیان را نابود کنند. سپس سپاهی به کوفه می فرستد، گروهی از شیعیان کشته می شوند و یا به دار آویخته می شوند.

«الْمَلْحَمَةُ الْكُبْرَى، وَفَتْحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ، وَخُرُوجُ الدَّجَالِ فِي سَبْعَةِ أَشْهُرٍ؛^۱ جَنگِ سَخْتِي صُورْتِ مِي گيرد، قُسطنطيه فتح مِي شود و دجال در هفت ماه خروج مِي كند.»

جنگ سخت، جنگ فرقیسیا می باشد که در آستانه ظهور حضرت مهدی عليه السلام در شمال سوریه رخ می دهد.

قُسطنطيه به دست حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و به فرمان آن حضرت فتح مِي شود.

«هُمُ يَوْمَئِذٍ عَلَى رِدَّةٍ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْحَمْرَ حَلَالٌ؛^۲ مردم آن از دین اسلام دور می شوند و شراب را حلال می دانند.»

روایات حضرت علی علیه السلام

«هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ حَتَّى يَأْتِي أَرْضاً ذَاتَ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ فَيَسْتَوِي عَلَى مَنبَرِهَا؛^۳ او از فرزندان ابوسفیان است، به سرزمین آرامش و آسایش وارد می شود و روی منبر آن تکیه می زند.»

یعنی در دمشق حکومت می کند.

«وَ يَخْرُجُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَيُصْعَدُ مَنبَرَ دِمَشْقَ، وَ هُوَ أَوَّلُ مَنبَرٍ يَصْعَدُهُ. ثُمَّ يَخْطُبُ وَ يَأْمُرُهُمْ بِالْجِهَادِ، وَ يُبَايِعُهُمْ عَلَى أَنَّهُمْ لَا يُخَالِقُونَ أَمْرَهُ رِضْوَةً أَمْ كَسْرِهِ؛^۴ روز جمعه خروج می کند و بالای منبر دمشق قرار می گیرد و آن نخستین منبری است که او بالا می رود. سپس خطبه می خواند و دستور جهاد می دهد و از آن ها بیعت می گیرد که هرگز با او مخالفت نکنند هر چند بر اساس میل آن ها نباشد.»

«ثُمَّ يُذَرِّكُهَا إِبْنُ حَرْبٍ فِي ذَلِكَ الْعَامِ، حَتَّى يَثْبُتَ بِالشَّامِ؛^۵ پسر حرب در آن سال او را درک می کند تا از شام خروج کند.»

قبل از جنگ صفین، حضرت علی عليه السلام نامه ای به معاویه نوشته است:

۱. الزام الناصب: ۱۷۶؛ بحار الأنوار: ۵۲: ۲۲۲؛ بشارة الاسلام: ۱۰۲. ۲. منتخب الاثر: ۴۵۶؛ الملاحم والفتن: ۱۲۴.

۳. الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۶۰. ۴. بحار الأنوار: ۵۲: ۲۰۵. ۵. بحار الأنوار: ۵۲: ۲۰۵.

۶. بشارة الاسلام: ۴۶؛ الزام الناصب: ۲۰۴.

دودان دهباب
 در پستان حضرت مهدی قائم عليه السلام
 يوم الحاخاخا في ظل نمر

«... وَأَنَّ رَجُلًا مِنْ وَلَدِكَ مَشُومٌ مَلْعُونٌ جَلْفٌ جَافٌ مَنكُوسٌ الْقَلْبِ فَظٌّ غَلِيظٌ قَدْ نَزَعَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ أَخْوَالُهُ مِنْ كَلْبٍ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَلَوْ شِئْتُ لَسَمَّيْتُهُ وَوَصَفْتُهُ وَابْنُ كَمْ هُوَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَسْرِقُونَ فِيهَا فِي الْقَتْلِ وَالْفَوَاحِشِ وَيَهْرَبُ مِنْهُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي زَكِيٌّ نَقِيٌّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَإِنِّي لَأَعْرِفُ اسْمَهُ وَابْنُ كَمْ هُوَ يَوْمَئِذٍ وَعَلَامَتُهُ وَهُوَ مِنْ وَلَدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ وَيَقْتُلُ صَاحِبَ ذَلِكَ الْجَيْشِ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي زَكِيًّا بَرِيًّا عِنْدَ أَحْجَارِ الزَّيْتِ؛ گویا با چشم خود مردی جنایت‌کار و ملعون، پلید، خشن و بداخلاق از نسل تورا می‌بینم که خداوند رحمت و مروت را از دلش برده است. مادرش از قبیله کلب است. اگر بخواهی نام و نشان و سن و سالش را بگویم، سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد که در آن شهر، کشتار و غارت و فحشای فراوان انجام می‌دهند و مردی پاک از نسل من از میان آن‌ها فرار می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید، همان طور که پر از ظلم و ستم شده است. او را نیز با نام و نشان و سن و سال می‌شناسم، که او از نسل پسر حسین علیه السلام است. صاحب این سپاه (سفیانی) مرد پاک و بی‌گناهی را از فرزندان من در احجار الزیت می‌کشد.»

قبلاً گفتیم که او محمّد نام دارد و همراه خواهرش فاطمه در مدینه کشته می‌شود. اگر تصور کنیم که اهل بیت علیهم السلام مانند مردم عادی هستند، از درک حقایق و عظمت آن بزرگواران، غافل شده‌ایم که با وحی در ارتباط هستند. آنها نسبت به آفریده‌های دیگر، مانند دو خط موازی هستند که هیچ وقت به هم نمی‌رسند و کسی نمی‌تواند آن‌ها را کامل بشناسد. اگر کسی بتواند با تعلیمات اهل بیت علیهم السلام، آن‌ها را بشناسد، پس می‌فهمد که آن‌ها با خدا ارتباط دارند و سخنانشان از وحی الهی سرچشمه گرفته و پذیرای قضای الهی هستند. دلایل سخنان ما این است:

- * در روایات این تعبیر به کار رفته است: «گویا با چشم خود می‌بینم».
- * در روایات از کلمات تأکید استفاده شده است.
- * در روایات، سوگند و قسم بیان شده است.
- * موضوعات روایات کاملاً روشن است، و نام و نشان و تفصیلات در آن نیست و همان‌طور که گفته شده، اتفاق می‌افتد.
- * اتفاقاتی که در آینده اتفاق خواهد افتاد را با تمام خصوصیات بیان می‌کنند، همان‌طور که حوادث گذشته را به روشنی بیان کرده‌اند.

دوازدهم
 مهدی قائم عجله الله فرجه
 در پناه حضرت
 محمد صلی الله علیه و آله
 و آل علیهم السلام
 و ائمه عجله الله فرجهم
 و صلوات اللهم صل على محمد و آل محمد

«مطالب روایات با یقین کامل مطرح شده و هرگز شکی در آن نیست. دلایل دیگری نیز هست که سخنان آن‌ها از وحی الهی سرچشمه گرفته و پیامبر ﷺ از جبرئیل امین نقل کرده است و جانشینان او نیز از آن حضرت نقل کرده‌اند. اگر این احادیث تحریف نمی‌شد، اطلاعات بیشتری به دست ما می‌رسید و حقیقت مثل روز برای ما روشن بود و اختلاف بین مسلمانان پیدا نمی‌شد و همه از یک دستور اطاعت می‌کردند و تعصبات و گرایش‌های قومی وجود نداشت.

در خطبه‌ای دیگر از امام علی علیه السلام آمده است:

«... وَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ بِرَايَةِ حَمْرَاءِ أَمِيرِهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي كَلْبٍ وَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ عَنَانَ مِنْ خَيْلِ السُّفْيَانِيِّ يَتَوَجَّهُ إِلَى مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ أَمِيرَهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ يُقَالُ لَهُ خُزَيْمَةُ أَطْمَسُ الْعَيْنِ الشَّعَالِ عَلَى عَيْنِهِ ظَفْرَةٌ غَلِيظَةٌ - يَتَمَثَّلُ بِالرَّجَالِ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَدِينَةَ فِي دَارٍ يُقَالُ لَهَا دَارُ أَبِي الْحَسَنِ الْأُمَوِيِّ وَ يَبْعَثُ خَيْلًا فِي طَلَبِ رَجُلٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَدْ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ نَاسٌ مِنَ الشَّيْعَةِ يَعُودُ إِلَى مَكَّةَ أَمِيرَهَا رَجُلٌ مِنْ غَطَفَانَ إِذَا تَوَسَّطَ الْقَاعَ الْأَبْيَضَ خُسِفَ بِهِمْ فَلَا يَنْجُو إِلَّا رَجُلٌ يُحَوَّلُ اللَّهُ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاهُ لِيُنْذِرَهُمْ وَ يَكُونَ آيَةً لِمَنْ خَلَفَهُمْ؛ سَفْيَانِي بَاپَرچَم سَرخ خُرُوجِ مِي كَنْد، فَرْمَانْدَه سِپَاهِش مَرْدِي از قَبِيلَه كَلْبِ اسْت وَ دَوازده هزار جنگجوی سواره از سپاه سفیانی بخ فرماندهی مردی از بنی امیه به نام خزیمه به سوی مدینه اعزام می‌شوند. چشم چپ خزیمه نایبناست و سفیدی ضخیمی روی مردمک را پوشانیده است. مردان را مشله می‌کند و سپاهش بر نمی‌گردد تا وارد مدینه شود و در خانه ابی الحسن اموی فرود می‌آید. سپس گروهی از سپاهیان را به دنبال مردی از اهل بیت می‌فرستد که عده‌ای از شیعیان در اطراف او جمع شده‌اند. سپس مدینه را به قصد مکه ترک می‌کند. وقتی وسط بیابان سپید برسد، در کام زمین فرو می‌روند. فقط دو نفر خبررسان برای عبرت دیگران باقی می‌مانند که خداوند صورت‌های آن‌ها را به پشت گردنشان بر می‌گرداند، تا نشانه‌ای از آن حادثه بزرگ باشند.»

«وَاللَّهُ لَا يَزَالُونَ، حَتَّى لَا يَدْعُوا مُحَرَّمًا إِلَّا اسْتَحَلَّوهُ، وَلَا عَقْدًا إِلَّا أَحَلَّوهُ، وَ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا دَخَلَهُ ظَلْمُهُمْ وَ نَبَا بِهِ سَوْءٌ رَغِيْبُهُمْ! وَ حَتَّى يَقُومَ بَاكِيَانِ: بَاكِ يَبْكِي لِدِينِهِ، وَ بَاكِ يَبْكِي لِذُنْيَاهُ؛» به خدا سوگند سپاه سفیانی به جنایات خود ادامه می‌دهند تا محرمات را حلال کنند، پیمان‌ها از بین برود، خانه‌های گلی یا سنگی باقی نماند و

دوازدهمین باب
 در بیان صفات حضرت مهدی قائم علیه السلام
 در پناه حضرت

۱. نهج البلاغه ۱: ۱۹۴ و ۲: ۲۲؛ ابن ابی الحدید ۱: ۱۹۳.
 ۲. الزم الناصب: ۱۷۶؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۷۳ و ۵۲: ۵۲؛ بشارة الاسلام: ۵۸ و ۱۰۲.

دامنه ظلم و ستمشان به آن وارد شود و مردم به خاطر حکومت بد آن‌ها، نگران و ناامن می‌شوند. مردم اشک حسرت می‌ریزند، بعضی به خاطر از بین رفتن دینشان و عده‌ای به خاطر نابودی دنیایشان.»

طبق این روایت، سفیانی قوانین مذهبی و احکام دینی را نابود می‌کند و گروهی برای دین و عده‌ای به خاطر زندگی سختی که دارند گریه می‌کنند.

«... حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا تَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةً أَخْلَافُهَا حُلُورًا رَضَاعُهَا عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا أَلَا وَفِي غَدِّ وَ سَيَاتِي غَدُّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ يَا خُدُّ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا ... كَأَنِّي بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَ فَحَصَّ بِرَايَاتِهِ فِي ضَوَاحِي كُوفَانَ فَعَطَفَ عَلَيْهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ وَ فَرَشَ الْأَرْضَ بِالرُّءُوسِ قَدْ فَغَرَّتْ فَاعْرَثَتْ وَ ثَقُلَتْ فِي الْأَرْضِ وَ طَأْتَهُ بَعِيدَ الْجَوْلَةِ عَظِيمِ الصَّوَلَةِ . وَ اللَّهُ لَيَشْرُدَنَّكُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا قَلِيلٌ كَأَلْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ؛^۱ زمانی می‌آید که شما به طور ناگهانی با هم می‌جنگید و مانند شیر خشمگین هستید، مانند شتری که با پستان‌های پرشیر روی آورد که دوشیدن آن شیرین و عاقبت آن بسیار تلخ است. آگاه باشید که فردایی که شما آن را نمی‌دانید، به زودی فرا می‌رسد. حاکمی بر آن‌ها حکومت می‌کند که عده‌ای از غیر خودشان را برای شکنجه و کارهای زشت اجیر کنند ... گویا او را با چشم خود می‌بینم که مانند حیوانی در شام نمره می‌کشد و پرچم‌هایش را در اطراف کوفه برافراشته می‌کند. سپس مانند شتر خشمگین که دوشنده خود را به دندان می‌برد، به آن روی می‌آورد و زمین را با سرهای کشتگان می‌پوشاند. دهانش باز، قدم‌های سنگین، جولانش بزرگ است. به خدا سوگند که شما در اطراف جهان پراکنده می‌کند و از شما فقط تعداد کمی مانند سرمه‌ای در چشم باقی می‌ماند.»

سپس درباره جنایت‌های فجیع و خونریزی‌های شجاعانه‌ای که مرتکب می‌شود، می‌فرماید:

«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَبْقَرَ بِرِجْلِهَا فِتْنَةُ شَرْقِيَّةٍ تَطَأُ فِي خُطَامِهَا بَعْدَ مَوْتِهَا وَ حَيَاتِهَا، وَ تَشْبُ نَارٌ بِالْحَطَبِ الْجَزَلِ مِنْ غَرْبِي الْأَرْضِ، مَلْعُونٌ نَاعِقُهَا وَ مَوْلَاهَا وَ قَائِدُهَا وَ سَائِقُهَا وَ الْمُتَحَرِّزُ فِيهَا! فَكَمْ عِنْدَهَا مِنْ رَافِعَةٍ ذَيْلُهَا تَدْعُو بِهَا وَيْلُهَا! لَا مَأْوَى لَهَا يُكْتَبُهَا وَلَا أَحَدٌ يَرْحَمُهَا!^۲ از من سؤال کنید، قبل از آن که فتنه‌ای از مشرق زمین برخیزد که با پای خود زمین را بشکافد و با متقار خود همه جا را سوراخ کند، و نشانه‌های آن پس از مرگش نیز از بین نرود. هیزم فراوانی از مغرب زمین جمع می‌شود و شعله‌های آن همه جا را به

در پستان حضرت
ی قائم علیه

محمد
ظلال القادر المهدی

۱. نهج البلاغه عبده ۲: ۲۲؛ منتخب الاثر: ۴۴۱؛ الامام المهدي: ۸۶.

۲. بحار الانوار ۵۱: ۵۷ و ۲۷۲: ۵۳ و ۸۲: الملاحم والفتن: ۸۶؛ الزام الناصب: ۱۷۶؛ بشارة الاسلام: ۸۵.

خاکستر می‌کشد. فریادگر، صاحب، رهبر، ساریبان و یارانش همه از رحمت خدا دورند. به بسیاری از دامن‌های پاک تجاوز می‌شود و بسیار ندای او ییلا شنیده می‌شود. کسی به آن‌ها پناه نمی‌دهد و به آن‌ها رحم نمی‌کند.»

«أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَمَّا نَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ قَبْلَ أَنْ تَشْفَرَ بِرِجْلِهَا فِتْنَةً تَطَأُ فِي خِطَامِهَا وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا! آگاه باشید ای مردم! از من سؤال کنید، قبل از آن‌که از میان شما بروم، که من راه‌های آسمان‌ها را بهتر از از راه‌های زمین می‌شناسم. از من سؤال کنید، قبل از آن‌که فتنه‌ای رخ دهد و خواب را از چشم مردم بگیرد.»

«أَلَا يَا وَيْلَ لِكُوفَانِكُمْ هَذِهِ وَ مَا يَجِلُّ فِيهَا مِنَ السُّفْيَانِي! يَخْلِكُ حَرِيمَكُمْ، وَ يَذْبَحُ أَطْفَالَكُمْ، وَ يَهْتِكُ نِسَاءَكُمْ! فَكَأَنِّي بِهِمْ قَدْ قَتَلُوا أَقْوَامًا تَخَافُ النَّاسُ أَصْوَاتَهُمْ وَ تَخَافُ شَرَّهُمْ! ثُمَّ يَأْتِي الزُّورَاءُ الظَّالِمِ أَهْلِهَا، فَيَحُولُ اللَّهُ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ أَهْلِهَا، فَمَا أَكْثَرَ طُغْيَانُهَا وَ أَغْلَبَ سُلْطَانُهَا! أَلَا يَا وَيْلَ بَغْدَادَ مِنَ الرَّيِّ مِنْ مَوْتٍ وَ قَتْلِ وَ خَوْفٍ يَشْمَلُ أَهْلَ الْعِرَاقِ إِذَا حَلَّ بَيْنَهُمُ السَّيْفُ! آ وای به حال این کوفه از دست سفیانی! چه جنایاتی در آن انجام می‌دهد، به حریم شما تجاوز می‌کند، کودکان شما را سر می‌برد و به ناموس‌های شما تجاوز می‌کند. گویا با چشم خود می‌بینم که مردان بزرگی را کشته‌اند که مردم از صدای آن‌ها می‌ترسیدند و از هیبت آن‌ها وحشت داشتند. سپس به بغداد توجه می‌کند که مردم آن جا بسیار ستمگرند. سپس خداوند میان او و بغداد فاصله می‌اندازد؛ آه، چقدر جنایت‌کار و نابودکننده است. بدا به حال بغداد از ری! مرگ و میر و کشت و کشتار و وحشت و اضطراب فراوان می‌شود و وقتی شمشیر میان مردم عراق، حکمفرما شود، همه مردم عراق را ترس فرا می‌گیرد.»

«فَيَجِيئُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ، وَ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَغْرِبِ. فَيَقْتُلُ بِالزُّورَاءِ سَبْعِينَ أَلْفًا، وَ يَبْقَرُ ثَلَاثِينَ امْرَأَةً حَامِلًا! وَ يَخْرُجُ الْجَيْشُ إِلَى كُوفَانِكُمْ هَذِهِ، فَكَمْ مِنْ بَاكِ وَ بَاكِتَةٍ، فَيَقْتُلُ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ.. وَ أَمَّا جَيْشُ الْمَدِينَةِ فَإِنَّهُ إِذَا تَوَسَّطَ الْبَيْدَاءَ صَاحَ بِهِ جِبْرَائِيلُ صَوْتًا عَظِيمًا فَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ وَ حَسَفَ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ، وَ يَكُونُ آخِرَ الْجَيْشِ رَجُلَانِ أَحَدُهُمَا بَشِيرٌ وَ الْآخَرُ نَذِيرٌ. فَيَصِيحُ بِهِمَا جِبْرَائِيلُ فَيَحُولُ اللَّهُ وَ جُهَنِيمَا إِلَى الْقَفَا. وَ يَرْجِعُ نَذِيرٌ إِلَى السُّفْيَانِي وَ يُخْبِرُهُ بِمَا أَصَابَ الْجَيْشَ؛ سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد و سپاه دیگری نیز به سوی مغرب می‌فرستد. در بغداد هفتاد هزار نفر را می‌کشد و شکم سیصد زن حامله را می‌شکافد و سپاهی را به سوی کوفه می‌فرستد و زن و مرد را گریان می‌کند»

يَضْرِبُونَ دِمَشْقَ لَا يَصُدُّهُمْ عَنْهَا صَادٌ وَهِيَ إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ؛ سپاه صد و سی هزار نفری سقیانی به سوی کوفه می‌رود، در روحا و فاروق فرود می‌آیند و در جایگاه مریم و عیسی علیهما السلام در قادسیه فرود می‌آیند و هشتاد هزار نفرشان حرکت می‌کنند و در مقام حضرت هود علیه السلام در نخيله (وادی السلام نجف) فرود می‌آیند و در روز عید قربان فرماندهی از بغداد با لشکری پنج هزار نفری به سوی آنها حرکت می‌کند و هفتاد هزار نفر در کنار پل فرات کشته می‌شوند و سه روز مردم از آب فرات که خون آلود و متعفن خواهد بود، استفاده نمی‌کنند. هزار دختر از کوفه اسیر گرفته می‌شوند و سوار کجاوه‌ها شده و به سوی نجف اشرف برده می‌شوند. سپس صد هزار نفر مشرک و منافق از بغداد به سوی دمشق حرکت می‌کنند و به هیچ مانعی برخورد نمی‌کنند تا وارد دمشق شوند و مانند ساختمان‌هایی هستند که ستون‌های محکم دارند.»

«لَا يَقُومُ الْقَائِمُ حَتَّى تُفْقَأَ عَيْنُ الدُّنْيَا وَ تَظْهَرَ الْخُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ وَ تِلْكَ دُمُوعُ حَمَلَةِ الْعَرْشِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَ حَتَّى يَظْهَرَ فِيهِمْ قَوْمٌ لَا خَلْقَ لَهُمْ يَدْعُونَ لِوَلَدِي وَ هُمْ بِرَأْيِ مَنْ وَ لَدِي تِلْكَ عِصَابَةٌ رَدِيئَةٌ لَا خَلْقَ لَهُمْ عَلَى الْأَشْرَارِ مُسَلِّطَةٌ وَ لِلجَبَابِرَةِ مُفْتَنَةٌ وَ لِلْمَلُوكِ مُبِيرَةٌ يَظْهَرُ فِي سَوَادِ الْكُوفَةِ يَقْدُمُهُمْ رَجُلٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ وَ الْقَلْبِ رَثُّ الدِّينِ لَا خَلْقَ لَهُ مُهَجَّنٌ زَنِيمٌ عَتَلٌ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الْعَوَاهِرِ مِنَ الْأُمَّهَاتِ مِنْ شَرِّ نَسْلِ لَا سَقَاهَا اللَّهُ الْمَطْرَ فِي سَنَةِ إِظْهَارِ غَيْبَةِ الْمُتَغَيَّبِ مِنْ وَ لَدِي صَاحِبِ الرَّايَةِ الْخَمْرَاءِ وَ الْعَلَمِ الْأَخْضَرِ أَيُّ يَوْمٍ لِلْمُخْتَبِينَ بَيْنَ الْأَنْبَارِ وَ هِيَ ذَلِكَ يَوْمٌ فِيهِ صَنَلِمُ الْأَكْرَادِ وَ الشَّرَاةِ وَ خَرَابُ دَارِ الْفَرَاغَةِ وَ مَسْكَنِ الْجَبَابِرَةِ وَ مَاوَى الْوَلَاةِ الظُّلْمَةِ وَ أُمَّ الْبِلَاءِ وَ أُخْتِ الْعَارِ تِلْكَ وَ رَبِّ عَلِيٍّ يَا عَمَرَ بْنَ سَعْدٍ بَغْدَادُ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْعِصَاةِ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ بَنِي قُلَانِ الْخَوَنَةِ الَّذِينَ يَقْتُلُونَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وَ لَدِي وَ لَا يُرَاقِبُونَ فِيهِمْ ذِمَّتِي وَ لَا يَخَافُونَ اللَّهَ فِيمَا يَفْعَلُونَهُ بِحُرْمَتِي إِنَّ لِي فِي الْعَبَّاسِ يَوْمًا كَيَوْمِ الطُّمُوحِ وَ لَهُمْ فِيهِ صَرْخَةٌ كَصَرْخَةِ الْحُبْلَى؛ قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر وقتی که چشم دنیا در آورده شود و سرخی در آسمان دیده شود، که آنها اشک‌های خونبار حاملان عرش است که برای مردم روی زمین می‌بارد. سپس عده‌ای بر شما مسلط می‌شوند که هیچ ارزشی ندارند، آنها به نام پسر (مهدی) بر شما حکومت می‌کنند در حالی که از او بیزارند. سپس عده کمی که بر ظالمان چیره می‌شوند و جنایت‌کاران را فریب می‌دهند و پادشاهان را نابود می‌کنند. در دشت کوفه ظاهر می‌شوند و مردی تیره رنگ و سیاه‌دل فرمانده آنها می‌شود که بی‌دین، بدذات، سرکش و ذلیل است، و از خاندان ظالمان در خانواده‌ای آلوده تربیت شده و در

۱۰
ه
مهدی قائم علیه السلام
در پناه حضرت

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۳ و ۵۳: ۵۳؛ بشارة الاسلام: ۵۸؛ الزام الناصب: ۱۷۶.
۲. غیبت نعمانی: ۷۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۲۶؛ بشارة الاسلام: ۴۸؛ الزام الناصب: ۱۷۹.

آغوش‌های ناپاکان بزرگ شده است. پرچم‌های سرخ و سبز حمل می‌کند و میان انبار و هیت (مرکز عراق) روز بسیار سختی برای مردم آن منطقه می‌گذرد. در آن روز، کردها و آشوبگران شمشیر می‌کشند و شهر فرعون‌ها و اقامتگاه ظالمان خراب می‌شود که آنجا جایگاه ظالمان، مادر فتنه‌ها و صاحب زشتی‌هاست، که آنجا سوگند به خدا همان شهر بغداد است. وای به حال سرکشان بنی‌امیه و بنی‌عباس که مردان پاک خاندانم را می‌کشند و پیمان مرا درباره آن‌ها رعایت نمی‌کنند و در رفتار زشت خود، مرا احترام نمی‌کنند... بنی‌عباس روز بسیار سختی دارند که طوفان‌ها آن‌ها را احاطه می‌کند و مانند زنی که از درد زایمان بنالد، ناله می‌کنند و فریاد می‌زنند.»

«... لَيْسَ فِيهَا مَنَارٌ هُدًى وَلَا عَلَمٌ يُرَى نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مِنْهَا بِمَنْجَاةٍ وَكُنَّا فِيهَا بِدُعَاةٍ ثُمَّ يُفَرِّجُهَا اللَّهُ عَنْكُمْ كَتَفْرِيجِ الْأَدِيمِ بِعَنْ يَسْؤُمُهُمْ خَسْفًا وَيَسْؤُقُهُمْ عُسْفًا وَيَسْقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُصَبَّرَةٍ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ وَلَا يُحْلِسُهُمْ إِلَّا الْخَوْفَ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَدُّ قُرَيْشٌ بِالدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لَوْ يَرَوْنِي مَقَامًا وَاحِدًا وَلَوْ قَدَرِ جَزْرٍ جَزُورٍ لِأَقْبَلِ مِنْهُمْ مَا أَطْلُبُ الْيَوْمَ بَعْضَهُ فَلَا يُعْطُونَنِي؛^۱ در آن روز مشعل هدایت و پرچم آشکاری نیست، ما اهل بیت از شر آن روز در امان هستیم ولی دعوت آشکار نداریم. سپس خداوند این فتنه را نابود می‌کند، مانند نمد در زیر پا فروکش می‌کند و شمارا فرج و گشایش می‌بخشد توسط کسی که سپاهیانش نابود می‌شود و تیرهای غضب و جام‌های خشم خدا بر آن‌ها فرو می‌ریزد، او (قائم) جز شمشیر نمی‌دهد و جز وحشت و اضطراب بر آن‌ها غلبه نمی‌کند. آن روز قریش آرزو می‌کند که هر چه در دنیا وجود دارد، برای آن‌ها باشد و آن‌ها بدهند و یک بار مرا ببینند حتی در مدت کوتاهی به اندازه زمان کشتن یک شتر، و از آن‌ها چیزی را که امروز یک مقدارش را از آن‌ها می‌خواهم و آن‌ها نمی‌دهند، قبول کنم.»

در آن روز که حق گم شده، قریش آرزو می‌کند که امام علی علیه السلام مدت زمانی حتی کوتاه، میان آن‌ها باشد و شر ستمگران را از آن‌ها دور کند و به هر شرطی که حاضر باشد از آن‌ها بیعت بگیرد.

«فِي شَهْرِ صَفَرٍ سَتَظْهَرُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ جَلِيَّةٌ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلُهَا بِالسَّوِيَّةِ وَيَخْذُثُ فِي أَرْضِ الْمَشْرِقِ مَا يَحْزُنُ وَيَقْلِقُ وَيَغْلِبُ مِنْ بَعْدِ عَلِيِّ الْعِرَاقِ طَوَائِفُ عَنِ الْإِسْلَامِ مُرَاقٍ يَضِيقُ بِسُوءِ فِعَالِهِمْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْزَاقِ ثُمَّ تَنْفَرُجُ الْعُمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ بِيَوَارِ طَاغُوتٍ مِنَ الْأَشْرَارِ يُسْرُّ بِهَلَاكِهِ الْمُتَّقُونَ؛ در ماه صفر نشانه بسیار روشنی از آسمان ظاهر می‌شود و نشانه دیگری نیز در زمین آشکار می‌شود و در مشرق زمین حادثه ترسناکی اتفاق

می افتد که باعث وحشت و نگرانی می شود، و عده ای از خدا بی خبر بر عراق حکومت می کنند که اسلام را قبول ندارند. سپس این غم و اندوه با نابود شدن بزرگ طاغوت زمان از بین می رود و پرهیزکاران با شنیدن خبر نابودی او، خوشحال می شوند.

ظاهر شدن کف دست در آسمان، نشانه روشن آسمانی است.

عده ای مثل رژیم عراق که با خدا ارتباط ندارند، بر عراق حکومت می کنند، و به مکتبی غیر از اسلام، روی آورده اند.

«مَنْ قَاتَلَنَا آخِرَ الزَّمَانِ فَكَأَنَّمَا قَاتَلَنَا مَعَ الدَّجَالِ؛ کسی که در آخر الزمان با ما بجنگد، مانند کسی است که زیر پرچم دجال با ما جنگیده است.»

سفیانی در آن روز با اسلام می جنگد.

امیر مؤمنان علیه السلام برخی از جنایات سفیانی را در خطبه ای شرح می دهد:

«لَمْ يَزَلِ السُّفْيَانِيُّ يَقْتُلُ مَنْ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ جَعْفَرٌ وَ مُوسَى، وَ فَاطِمَةَ وَ زَيْنَبُ وَ مَرْيَمُ وَ خَدِيجَةَ وَ سُكَيْنَةَ وَ رُقَيْيَةَ، حَتَّى وَ بُغْضًا لِأَلِ مُحَمَّدٍ؛ هر کس نام های محمد، علی، حسن، حسین، جعفر، موسی، فاطمه، زینب، مریم، خدیجه، سکینه و رقیه را داشته باشد، سفیانی به خاطر دشمنی با آل محمد علیهم السلام، آن ها را می کشد.»

وَ يَبْتِغِرُ بَطْنَ امْرَأَةٍ حُبْلَى بِالطَّرِيقِ بِغَيْرِ ذَنْبٍ فَيَسْقُطُ جَنِينُهَا؛^۱ شکم زنان حامله و بی گناه را در کوچه و بازار پاره می کنند و جنین های آن ها سقط می شود.»

«فَيَوْمَئِذٍ لَا يَبْقَى لَهُمْ فِي السَّمَاءِ عَاذِرٌ وَلَا فِي الْأَرْضِ نَاصِرٌ أَصْفَيْتُمْ بِالْأَمْرِ غَيْرَ أَهْلِهِ وَ أَوْزَدْتُمُوهُ غَيْرَ مَوْرِدِهِ وَ سَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْ ظَلَمَ مَا كَلَّا بِمَا كَلَّ وَ مَشْرَبًا بِمَشْرَبٍ! فَأَقْسِمُ ثُمَّ أَقْسِمُ لَنَنْخَمَنَّهَا أُمِّيَّةً مِنْ بَعْدِي كَمَا تُلْفِظُ النُّحَامَةُ ثُمَّ لَا تَذُوقُهَا وَ لَا تَتَطَعَّمُ تَطَعَّمُ بِطَعْمِهَا أَبَدًا مَا كَرَّ الْجَدِيدَانِ؛^۲ آن روز برای آن ها شفیمی در آسمان و یابوری در زمین باقی نمی ماند. حکومت به نااهلان سپردید و آن را از مسیر خود خارج کردید. هر کس لقمه ای از حرام خورده یا جرعه ای از حرام نوشیده باشد، خداوند از او انتقام می گیرد. به خدا سوگند، به خدا قسم، بنی امیه آنچنان حکومت را آلوده می کنند که مانند اخلاط سر و سینه دور انداخته می شود و دیگر کسی طعم آن را نمی چشد و مزه آن را نمی فهمد، تا روزگار همین طور بگذرد.»

روایات امام سجاد علیه السلام

۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۳۵. ۲. بشارة الاسلام: ۲۱۹؛ الزام الناصب: ۱۹۹. ۳. الزام الناصب: ۱۹۹.

۴. نهج البلاغه ۲: ۵۴. منتخب الاثر: ۴۵۵؛ بشارة الاسلام: ۲۲۰.

مهدی قائم علیه السلام

«إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَأَمْرُ السُّفْيَانِيِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَلَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسُفْيَانِيٍّ»^۱ امر قائم علیه السلام از امور حتمی خداوند است. امر سفیانی از امور حتمی خداوند است. هرگز قیام قائم علیه السلام بدون خروج سفیانی نخواهد بود.

امام سجاد علیه السلام وقوع این امور را حتمی می‌داند و شک ندارد و هیچ مصلحتی وجود ندارد که خداوند به خاطرش، از این اتفاقات جلوگیری کند. این‌ها مثل مرگ، تقدیر الهی است و عوض نمی‌شود و ناچار و بدون شک اتفاق می‌افتد. مثل خورشید و ماه که به فرمان خدا می‌درخشند. سفیانی نیز حتماً در روز معین خروج می‌کند و با خواست خود، این جنایات را انجام می‌دهد. این حوادث قطعی است مانند حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده است. وعده خداوند حتماً محقق می‌شود.

«فَإِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِكَ»^۲ وقتی سفیانی خروج کند، حضرت مهدی علیه السلام مخفی می‌شود تا بعد از نابودی او ظاهر شود.

روایات امام باقر علیه السلام

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا حتماً سفیانی خروج می‌کند؟ فرمود:

«نَعَمْ وَالنَّدَاءُ مِنَ الْمَحْتَمِ وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا مَحْتَمٌ وَاجْتِنَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي الدَّوْلَةِ مَحْتَمٌ وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ مَحْتَمٌ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ مَحْتَمٌ»^۳ آری خروج سفیانی، ندای آسمانی قطعی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، درگیری بنی عباس بر سر حکومت حتمی است، قتل نفس زکیه حتمی است و خروج قائم آل محمد علیه السلام حتمی است.

طلوع خورشید از مغرب، اشاره به ظهور امام زمان علیه السلام دارد.

«يَكُونُ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْإِمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ مِنْ شَهْرِ رَجَبٍ مِنْ تِلْكَ السَّنَةِ»^۴ خروج سفیانی، یمانی و خراسانی، در یک روز و یک ماه و یک سال خواهد بود. هر سه در یک روز از ماه رجب در یک سال خروج خواهند کرد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ»^۵ فرمود: «إِنَّهُمَا أَجَلَانِ أَجَلٌ مَحْتَمٌ وَلَا يَكُونُ غَيْرَهُ أَجَلٌ مَوْقُوفٌ لِلَّهِ فِيهِ الْمَشِيئَةُ لِأَنَّ اللَّهَ إِذَا أَمَرَ السُّفْيَانِيَّ مِنَ الْمَحْتَمِ»^۶ این‌جا دو اجل است، یکی اجل حتمی، که همان انجام می‌شود و هرگز غیر از آن اتفاق نمی‌افتد؛ و دیگری اجلی که به خواست خدا بستگی دارد. به خدا سوگند که خروج سفیانی حتمی است.

۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۸۲. ۲. بشارة الاسلام: ۸۶. ۳. الزام الناصب: ۱۸۴. ۴. غیبت نعمانی: ۱۶۱.

۵. سوره مبارکه النعام، آیه ۲. ۶. الغیبة النعمانی: ۱۶۱.

«السُّفْيَانِيُّ وَالْقَائِمُ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ»^۱ سفیانی و حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در یک سال خروج می کنند.

خروج سفیانی در ماه رجب و صیحه آسمانی در ماه رمضان و قیام مهدی علیه السلام در روز عاشورا در یک سال آغاز می شوند.

«إِذَا سَمِعْتُمْ بِاخْتِلَافِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَالْهَرَبُ مِنَ الشَّامِ فَإِنَّ الْقَتْلَ بِهَا وَالْفِتْنَةَ»^۲ وقتی شنیدید که اهل شام دچار اختلاف شده اند، از شام فرار کنید که فتنه و کشتار در شام خواهد بود.

امروزه در در فلسطین و لبنان اختلاف وجود دارد.

«تَكُونُ فِتْنَةٌ بِالشَّامِ كَأَنَّ أَوْلَهَا لِعَبِّ الصُّبْيَانِ!»^۳ ثمَّ لَا يَسْتَقِيمُ أَمْرُ النَّاسِ عَلَيَّ شَيْءٍ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ»^۴ در شام فتنه هایی هست که گویا ابتدای آن، بازیچه کودکان است، سپس دیگر مردم آرامش ندارند تا وقتی که ندای آسمانی شنیده شود.

این فتنه در لبنان آغاز شده و حدود سی سال است که دولت اسرائیل در مقابل

ماست و با شمشیر امام زمان علیه السلام بر طرف می شود.

«لَا يَطْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ الشَّامَ فِتْنَةً يَطْلُبُونَ الْمَخْرَجَ مِنْهَا فَلَا يَجِدُونَهُ وَ يَكُونُ قَتْلُ بَيْنِ الْكُوفَةِ وَ الْحِيرَةِ قَتْلَاهُمْ عَلَيَّ سَوَاءً»^۵ وقتی قائم علیه السلام ظهور می کند، همه شامات و خانه های آن جا را فتنه فرا می گیرد و همه به دنبال راه فرار هستند و آن را پیدا نمی کنند، و کشتاری سخت میان حیره و کوفه اتفاق می افتد که هر دو طرف به یک اندازه آسیب می بینند.

اکنون لبنان گرفتار این فتنه شده و راه فراری ندارد. غرب و شرق هم این راه را پیدا

نکردند.

«يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ يَوْمَ جُمُعَةٍ، فَيُضَعَدُ مِنْبَرٌ دِمَشْقَ، وَيُبَايِعُ النَّاسَ عَلَيَّ أَنْ لَا يُخَالِفُوا أَمْرَهُ رِضْوَةً أَمْ كَرْهًا. ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْغَوَاطِ فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ خَمْسُونَ أَلْفَ مُقَاتِلٍ. ثُمَّ تَخْتَلِفُ الرَّايَاتُ الثَّلَاثُ: فَرَايَةُ الثُّرَيَّا وَ الْعَجَمِ وَ هِيَ سَوْدَاءُ، وَ رَايَةُ لِبْنِي الْعَبَّاسِ صَفْرَاءُ، وَ رَايَةُ السُّفْيَانِيِّ حُمْرَاءُ. فَيَغْلِبُهُمُ السُّفْيَانِيُّ بَعْدَ أَنْ يَقْتُلَ مِنْهُمْ سِتِينَ أَلْفًا وَ يَسِيرُ إِلَى حُمْصَ فَإِلَى الْقُرَاتِ مُرُورًا بِالرَّقَّةِ وَ سَبَأَ»^۶ سفیانی در روز جمعه خروج می کند و بر فراز دمشق قرار می گیرد، و از مردم بیعت می گیرد که هرگز با او مخالفت نکنند، چه بخواهند یا نخواهند.

۱۰۹

در سینه حضرت مهدی قائم علیه السلام

۱۱۰

یوم الظاهر فی ظل

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۲۴۰؛ بشارة الاسلام: ۹۷؛ الزام الناصب: ۱۸۰.

۲. بحار الأنوار ۵۲: ۲۷۱؛ بشارة الاسلام: ۱۰۹؛ الزام الناصب: ۱۸۰.

۳. الملاحم والفتن: ۴۸؛ بشارة الاسلام: ۱۰۱؛ الامام المهدي: ۲۳۲؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۵۰.

۴. غیبت نعمانی: ۱۴۵؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۷۱؛ بشارة الاسلام: ۱۰۱. ۵. بشارة الاسلام: ۱۹۲.

سپس به سوی غوطه حرکت می‌کند و پنجاه هزار جنگجو در اطراف او جمع می‌شوند، سپس سه پرچم برافراشته می‌شود: پرچم ترک‌ها و عجم‌ها که پرچم سیاه است؛ پرچم بنی‌عباس که پرچم زرد است؛ پرچم سفیانی که پرچم سرخ است. سفیانی شصت هزار نفر از آن‌ها را می‌کشد و بر آن‌ها مسلط می‌شود، سپس به سوی حمص می‌رود و از فرات عبور می‌کند و عازم رقه و سبأ می‌شود.»

رقه شهری در شمال سوریه است، سبأ شهری در یمن است. بنابراین احتمال ندارد که بخواهد به سبأ برود، شاید منظور از «سبأ» مردم سبأ باشد که همراه یمانی برای جنگ با سفیانی آمده‌اند و در نزدیکی «رقه» با سپاه او برخورد می‌کند. پس سفیانی از فرات عبور می‌کند تا به رقه برود و با مردم سبأ بجنگد.

«لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْرُجَ خَارِجٌ مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ يَمْلِكُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ كَحَمَلِ الْمَرْأَةِ وَ لَا يَكُونُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ وُلْدِ الشَّيْخِ فَتَسِيرُ حَتَّى يَقْتُلَ بَطْنَ النَّجْفِ فَوَاللَّهِ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى رِمَاحِهِمْ وَ سُيُوفِهِمْ وَ أُمْتِعَتِهِمْ إِلَى حَائِطٍ مِنْ حَيْطَانِ النَّجْفِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَ يُسْتَشْهَدُ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ؛^۱ امر فرج محقق نمی‌شود مگر وقتی که یکی از آل ابی سفیان خروج کند و نه ماه حکومت کند؛ ناچار او باید از نسل این پیرمرد باشد، حرکت می‌کند تا در نجف اشرف کشتار کند. به خدا سوگند گویی با چشم خود می‌بینم که در روز دوشنبه نیزه‌ها، شمشیرها و دیگر سلاح جنگی خود را بر دیوار نجف تکیه داده‌اند و در روز چهارشنبه خون‌ها جاری می‌گردد.»

پیرمرد، ابوسفیان است که به بت‌ها قسم خورد که بهشت و دوزخی وجود ندارد (العیاذ بالله). سفیانی هم با این اعتقاد به نجف اشرف حمله می‌کند و صحرای نجف را با خون شیعیان و دوستان اهل بیت رنگین می‌سازد.

«قُدُومَ رَايَاتٍ خُضْرٍ مُصَبَّغَاتٍ مِنْ مِصْرَ إِلَى الشَّامِ تُهْدِي إِلَى ابْنِ صَاحِبِ الْوَصِيَّاتِ؛^۲ پرچم‌هایی سبز و رنگین از مصر به سوی شام حرکت می‌کند و در شام به فرزند صاحب وصیت‌ها هدیه می‌دهند.»

پسر صاحب وصیت‌ها، سفیانی است که از نسل ابوسفیان است و ابوسفیان صاحب وصیت معروف است که گفت: «ای بنی‌امیه! خلافت را به دست آورید و مانند توب به یکدیگر حواله کنید و از دست ندهید، سوگند به آنچه ابوسفیان به آن سوگند می‌خورد، بهشت و دوزخی وجود ندارد!»

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۱؛ ارشاد مفید: ۳۴۰؛ منتخب الاثر: ۴۵۵؛ بتایح الموده ۳: ۸۲؛ بشارة الاسلام: ۱۲۴۵۱.

۲. بشارة الاسلام: ۱۵۸؛ الزام الناصب: ۱۸۴.

بنی امیه هم به وصیت او عمل کردند و سفیانی هم این کار را می‌کند.
 «أَنْتِي لَكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْبَانِيُّ يَخْرُجُ بِأَرْضِ كُوفَانَ يَتَّبِعُ كَمَا يَسْبَعُ
 الْمَاءُ فَيَقْتُلُ وَفَدَكُمْ فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ وَخُرُوجَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ؛^۱ چگونه ممکن
 است سفیانی بدون شیببانی خروج کند، شیببانی از سرزمین کوفه خروج می‌کند و
 مانند آب حرکت می‌کند و کسان شمارا می‌کشد. وقتی او خروج کند، منتظر خروج
 سفیانی باشید و بعد منتظر ظهور مهدی عجل الله فرجه باشید.»

منظور از «شیببانی»، طغیان آب فرات از این منطقه است که خانه‌های کوفه و
 اطراف آن را فرا می‌گیرد ولی به نظر می‌رسد که آن رمز یکی از ظالمان باشد که بر عراق
 حکومت می‌کند و شیعیان را می‌کشد.

«إِذَا خَالَفَ التُّرُكُ الرُّومَ وَكَثُرَتِ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ وَ يُنَادِي مُنَادٍ عَلَى سُورِ دِمَشْقَ
 وَيَلُ لَأَزِمُ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ؛^۲ وقتی ترک و روم دچار اختلاف شوند و جنگ‌های
 فراوانی اتفاق بیفتد، منادی بر دروازه دمشق ندا می‌دهد: ای وای، از شری که نزدیک
 است.»

«وَيَلُ لِبَطْعَةِ الْعَرَبِ مِنْ أَمْرِ قَدِ اقْتَرَبَ؛^۳ وای بر طاغوت‌های عرب از حادثه‌ای که
 نزدیک است.»

«يَتَخَالَفُ التُّرُكُ وَالرُّومُ وَتَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ وَ يُنَادِي مُنَادٍ عَنِ سُورِ دِمَشْقَ وَيَلُ
 لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ؛^۴ رومی‌ها و ترک‌ها دچار اختلاف می‌شوند و جنگ‌های
 فراوانی اتفاق می‌افتد و منادی در دمشق ندا می‌دهد: وای بر ساکنان زمین از شری که
 نزدیک است.»

وقتی اسرائیل (روم) و ترک‌ها با هم درگیر شوند، بسیاری از مناطق گرفتار جنگ
 می‌شوند و مسلمانان جهان را نگران و مضطرب می‌کند.

«تَوَقَّعُوا الصَّوْتَ يَا تَيْبِكُمْ بَغْتَةً مِنْ قِبَلِ دِمَشْقَ فِيهِ لَكُمْ فَرَجٌ عَظِيمٌ يَجِيئُكُمُ الصَّوْتُ مِنْ
 نَاحِيَةِ دِمَشْقَ بِالنَّحْيِ؛^۵ منتظر صدای سفیانی باشید که ناگهان از دمشق شنیده می‌شود،
 در این بانگ، فرج عظیمی برای شماست، زیرا که این بانگ، پیروزی بزرگی را به شما
 نوید می‌دهد.»

در روایات، رسانه‌های گروهی به «بانگ» تعبیر شده است.

امت اسلامی به ملیت می‌اندیشند و از اسلام دور شده‌اند و فقط از آن نام می‌برند. بر

۱. غیبت نعمانی: ۱۶۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۵۰؛ بشارة الاسلام: ۱۰۷؛ اصول کافی: ۱: ۳۷۰. ۲. بحار الانوار: ۵۲: ۱۱۴.

۳. الزام الناصب: ۷۸ و ۱۸۸. ۴. غیبت شیخ طوسی: ۱۶۸ و ۲۷۸؛ منتخب الاثر: ۴۵۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۰۸؛ بشارة الاسلام: ۱۷۷.

۵. غیبت نعمانی: ۱۴۹؛ بشارة الاسلام: ۱۰۱؛ الزام الناصب: ۱۷۸؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۹۸.

این اساس، در احادیث، به جای «امت اسلامی»، واژه «عرب» به کار می‌رود. سپس امام باقر علیه السلام نشانه‌های بانگ سفیانی از دمشق را این گونه بیان می‌کند: «الزَّمِ الْأَرْضَ لَا تُحَرِّكَنَّ يَدَكَ وَلَا رِجْلَكَ أَبَدًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ أَذْكُرُهَا لَكَ فِي سَنَةِ ۱» از روی زمین بلند نشو و دست و پایت را تکان مده، تا نشانه‌هایی را که برایت می‌شمارم تحقق پیدا کنند که همه در مدت یک سال تحقق می‌پذیرد.»

آن نشانه‌ها این است:

«... وَ تَرَى مُنَادِيًا يُنَادِي بِدِمَشْقَ وَ حُسَيْفَ بَقْرِيَّةٍ مِنْ قُرَاهَا وَ يَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِهَا فَإِذَا رَأَيْتَ التُّرْكَ جَارُواهَا فَأَقْبَلَتِ التُّرْكَ حَتَّى نَزَلَتِ الْجَزِيرَةَ وَ أَقْبَلَتِ الرُّومُ حَتَّى نَزَلَتِ الرَّمْلَةَ وَ هِيَ سَنَةٌ اخْتِلَافٍ فِي كُلِّ أَرْضٍ مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ؛^۲ می‌بینی که منادی از دمشق ندا می‌دهد، در یکی از دهات آن ویرانی اتفاق می‌افتد، قسمتی از مسجد آن نابود می‌شود، وقتی ترک‌ها از آن جا عبور کنند و در جزیره فرود آمدند و رومی‌ها هم در آن جا فرود آمدند... آن سال، سال اختلاف است، در همه سرزمین‌های عربی اختلاف ایجاد می‌شود.»

اکنون اختلاف در همه سرزمین‌های عرب وجود دارد و ترک‌ها از شرق و غرب، و یهودیان نیز در رمله به ما هجوم آورده‌اند.

امام باقر علیه السلام درباره مسجد اموی می‌فرماید:

«... إِمَارَةُ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ أَنْ يَخْضَلَ حَسْفُ بَغْرَبِيِّ مَسْجِدِ دِمَشْقٍ حَتَّى يَخِرَّ حَائِطُ الْمَسْجِدِ، وَ رَجْفَةٌ، وَ تُحْسَفُ قَرْيَةٌ فِي جَنُوبِ دِمَشْقٍ تُسَمَّى: الْجَابِيَّةُ؛ وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ يَتْرُكَ الشَّامَ الْمَغْرِبِيُّ بِرَأْيَاتِهِ؛^۳ نشانه خروج سفیانی این است که سمت غربی مسجد دمشق خراب می‌شود و دیوار مسجد می‌ریزد و زلزله‌ای ایجاد می‌شود و روستایی به نام «جاییه» در جنوب دمشق نابود می‌شود. این حادثه پس از خروج مغربی و سپاهیان از شام اتفاق می‌افتد.»

«وَ يَجِيئُكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقَ بِالْفَتْحِ وَ تُحْسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَّةَ وَ تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقَ الْأَيْمَنِ وَ مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ وَ يَغْفُبُهَا هَرَجُ الرُّومِ؛^۴ صدایی از دمشق می‌آید و پیروزی را مژده می‌دهد؛ روستایی از در شام به

در سوره حضرت
جند
القاب
و القاب

۱. المهدی: ۱۹۴؛ الزام الناصب: ۱۹.
۲. الزام الناصب: ۱۷۵؛ اعلام الوری: ۴۲۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۶۴؛ الامام المهدی: ۲۲۳؛ غیبت نعمانی: ۱۴۹؛ اختصاص مفید: ۲۵۵؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۱۲.
۳. اختصاص مفید: ۲۵۵؛ غیبت نعمانی: ۱۴۹؛ الزام الناصب: ۱۷۵؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۸؛ منتخب الاثر: ۴۵۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۰۸؛ الملاحم والفتن: ۱۶۴؛ بشارة الاسلام: ۱۶۴؛ المهدی: ۹۶؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۴۰.
۴. غیبت شیخ طوسی: ۲۶۹؛ ارشاد مفید: ۳۳۸؛ اختصاص مفید: ۲۵۵؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۷.

نام «جاییه» نابود می‌شود، قسمتی از دیوار سمت راست مسجد جامع دمشق خراب می‌شود و آشوبگری از میان رومی‌ها خروج می‌کند که عده زیادی کشته می‌شوند.»
بر این اساس، اسرائیل به خاطر توسعه طلبی، نقشه‌های دیگری در سر دارد ولی نابود می‌شود.

«... وَ بَعْدَ دُخُولِهِ إِلَى دِمَشْقٍ يَهْرَبُ مِنْهَا أَوْلَادُ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ، فَيَطْلُبُهُمْ، وَيُرْدُهُمْ مَلِكُ الرُّومِ إِلَيْهِ، فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ عَلَى الدَّرَجِ الشَّرْقِيِّ فِي جَامِعِ دِمَشْقٍ فَلَا يُنْكِرُ ذَلِكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ؛^۱ بعد از ورود او به دمشق، فرزندان پیامبر ﷺ به قسطنطنیه فرار می‌کنند. سفیانی از حاکم روم آن‌ها را می‌خواهد و حاکم روم آن‌ها را تحویل می‌دهد و سفیانی آن‌ها را در پله‌های شرقی مسجد گردن می‌زند و کسی به او اعتراض نمی‌کند.»
«يُقْبَلُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُتَّصِرًا وَهُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ؛^۲ سفیانی پیرومندانه از روم برمی‌گردد و به قدرت می‌رسد.»

سفیانی بر یهود فلسطین و کشورهای اردن و سوریه غلبه می‌کند و به سوی عراق برمی‌گردد تا با حضرت مهدی عجل الله فرجه بجنگد.

«يَأْتِي مِنْ بِلَادِ الرُّومِ فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ؛^۳ وقتی سفیانی از سرزمین روم برمی‌گردد، صلیب به گردن می‌آویزد.»

طبق این روایت، سفیانی با صلیبیون پیمان بسته است نه این که صلیب به گردن داشته باشد.

امام باقر عجل الله فرجه درباره قرقیسیا^۴ می‌فرماید:

«أَمَّا إِنَّهُ سَيَكُونُ بِهَا وَقْعَةٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلَهَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَكُونُ مِثْلَهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ مَادِبَةً لِلطَّيْرِ تَشْبَعُ مِنْهَا سِبَاعُ الْأَرْضِ وَطُيُورُ السَّمَاءِ يُهْلِكُ فِيهَا قَيْسٌ وَلَا يَدْعِي لَهَا دَاعِيَةٌ؛^۵ در قرقیسیا حادثه‌ای اتفاق می‌افتد که هرگز از اول آفرینش جهان این گونه اتفاق نیفتاده بود و تا روزی که زمین و آسمان‌ها وجود دارد، چنین حادثه‌ای روی نخواهد داد. آنجا سفره گسترده الهی پهن می‌شود، و حیوانات و پرندگان گوشت ظالمان را می‌خورند؛ مرغان هوا و درندگان صحرا از آن می‌خورند و سیر می‌شوند. در این حادثه قیس (مصری و مغربی) کشته می‌شود و کسی اعتراض نمی‌کند.»

در پستان حضرت مهدی قائم عجل الله فرجه

در پستان حضرت مهدی قائم عجل الله فرجه

۱. الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۶۰؛ الزام الناصب: ۱۹۹. ۲. بشارة الاسلام: ۱۷۹؛ منتخب الاثر: ۴۵۵؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۸.

۳. بحار الانوار: ۵۲، ۳۷۷؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۸؛ منتخب الاثر: ۴۵۵.

۴. قرقیسیا شهری در شمال سوریه است که بین فرات و رودخانه خابور قرار دارد. معجم البلدان: ۷، ۵۹؛ مجمع البحرین: ۴، ۹۶.

۵. بحار الانوار: ۵۲، ۳۳۷. ۵. بشارة الاسلام: ۱۰۳؛ الامام المهدی: ۳۴۴.

«إِنَّ لَوْلِدِ الْعَبَّاسِ وَالْمَرْوَانِيِّ لَوْفَعَةَ بَقَرِيسَا يَشِيبُ فِيهَا الْغُلَامُ الْحَزَّوْرُ وَيَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ النَّضْرَ وَيُوحِي إِلَى طَيْرِ السَّمَاءِ وَ سِبَاعِ الْأَرْضِ اشْبَعِي مِنْ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ ثُمَّ يَخْرُجُ الشَّقِيَانِي؛ ابْنِ عَبَّاسٍ وَبَنِي مَرْوَانَ كَرَفَتَارِ حَادِثَةُ خُونِينَ دَرِ «قَرِيسِيَا» مِي شُونْدَكِه جَوَانِ مَقَاوِمِ رَا پِيرِ مِي كَنْد. خِدَاوَنْدِ اَز اَن هَا حِمَايَتِ نَمِي كَنْد وَ بِه مَرْغَانِ هَوَاوِ دَرَنْدِگَانِ صَحْرَا فَرْمَانِ مِي دَهْدِ كِه اَز گوشتِ ظالمانِ بخورند تا سير شوند، سپس سفیانی خروج می کند.»

«يُقْتَلُ الرَّجَالُ إِلَّا شَامِيًّا وَ لَكِنَّ الْوَيْلَ لِمَنْ كَانَ فِي اطْرَافِهَا مَاذَا يَمُرُّ عَلَيْهِمْ مِنْ أَدَى بِهِمْ وَ تُشَبَّى بِهَا رِجَالٌ وَ نِسَاءٌ وَ أَحْسَنُهُمْ حَالًا مَنْ يَغَيِّرُ الْفَرَاتَ وَ الْخُرُوجُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الْبَقَاءِ فِيهَا سَاعَةٌ وَاحِدَةٌ مِنْ نَهَارٍ! اَمَّا مَنْ يُؤْخَذُ مِنْهُمْ فَلَيْسَ عَلَيْهِمْ بَأْسٌ اَمَّا اِنَّهُمْ سَيُنْقِذُهُمْ اَقْوَامٌ مَا لَهُمْ عِنْدَ اَهْلِ الْكُوفَةِ يَوْمَئِذٍ قَدْرًا! اَمَّا لَا يَجُوزُونَ بِهِمُ الْكُوفَةَ؛^۲ همه مردان آن جز یک نفر شامی کشته می شوند، وای به حال کسانی که در اطراف آن (کوفه) باشند، چقدر اذیت می شوند. مردانشان و زنانشان اسیر می شوند، بهترین آن ها از نظر وضع زندگی کسی است که از فرات بگذرد و از منطقه فرار کند، فرار کردن از آنجا از یک ساعت ماندن در آن بهتر است. کسانی که اسیر شوند، ترسی ندارند، چراکه عده ای آن ها را نجات می دهند که مردم کوفه هیچ ارزشی برای آن ها قایل نیستند و آنها را از کوفه دور نمی برند.»

سپاه سفیانی به وسیله سپاه سید خراسانی نابود می شود و اسیران و غنائم جنگی از آن ها گرفته می شود.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَغْنَا فَلَاقَاتٍ وَ اُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»^۳ ای کاش ببینی زمانی را که می ترسند و دیگر را فراری نیست و از مکانی نزدیک دستگیر می شوند) می فرماید:

«مِنَ الصَّوْتِ، وَ ذَلِكَ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ مِنَ السَّمَاءِ! مِنْ تَحْتِ اَقْدَامِهِمْ، خُسِيفَ بِهِمْ. وَ ذَلِكَ عَلَيَّ بَعْدَ بَرِيدَيْنِ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمُتَوَرِّةِ بَيْنَ الْحِمَا وَ مَرَّ. فَاِذَا كَانَ الْجَيْشُ بِالْبَيْدَاءِ، يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْهُ فِي طَلَبِ نَاقَةٍ لَهُ، ثُمَّ يَرْجِعُ فَلَا يَرَى مِنْ رُفَاقِهِ اَحَدًا، وَلَا يُحِسُّ بِهِمْ. وَ هُوَ الَّذِي يُحَدِّثُ النَّاسَ عَنْهُمْ»^۴ منظور از صوت، صیحه آسمانی است که ندای جبرئیل است که از آسمان بانگ می زند و از پایشان در زمین فرو می روند. منظور از مکان

۱. الغيبة نعمانی: ۱۶۳، بحار الانوار ۵۲: ۲۵۱، بشارة الاسلام: ۱۰۷. ۲. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۱، بشارة الاسلام: ۱۰۹.

۳. سورة مباركة سبأ، آیه ۵۱.

۴. غيبة نعمانی: ۶۳، البيان: ۷۳، الامام المهدي: ۵۳، بشارة الاسلام: ۱۹۲، منتخب الاثر: ۴۵۶، بحار الانوار ۵۲: ۱۸۱، الملاحم والفتن:

نزدیک، وقتی دو منزل مانده به مدینه نزدیک شوند، میان «حما» و «مر» در سرزمین «بیدا» نابود می شوند. مردی از سپاه جدا می شود و به دنبال شترش می رود، وقتی برمی گردد، هیچ یک از افراد سپاه را پیدا نمی کند. و او خبر این حادثه را به مردم می دهد.»

در بعضی احادیث گفته شده که دو نفر از سپاه باقی می مانند که یک نفر به شام می رود و این واقعه را به مردم خبر می دهد؛ دیگری به مکه می رود و به امام مهدی علیه السلام خبر می دهد.

«و يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا عَلَى سُنَّةِ مُوسَى خَائِفًا يَتَرَقَّبُ حَتَّى يَقْدَمَ مَكَّةَ وَ يَقْبَلُ الْجَيْشُ حَتَّى إِذَا نَزَلُوا الْبَيْدَاءَ وَ هُوَ جَيْشُ الْهَمَلَاتِ خُسِفَ بِهِمْ فَلَمَّا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا مُخْبِرًا؛ مهدي علیه السلام مانند حضرت موسی علیه السلام نگران و ترسان از مدینه خارج می شود و به سوی مکه می رود و سپاه سفیانی حرکت می کنند تا به سرزمین بیداء می رسند و نابود می شوند. فقط یک خبررسان باقی می ماند.»

«...إِنَّهُ لَا يَنْجُو سِوَى اثْنَيْنِ مِنْ قَبِيلَةِ جُهَيْنَةَ. وَ هَذَانِ الْإِثْنَانِ يُخْبِرَانِ النَّاسَ عَنْ قِصَّةِ الْخُسْفِ، وَ اسْمَاهُمَا: بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ؛ فقط دو نفر از قبیله جهینه باقی می ماند که برای مردم درباره نابودی سپاه خبر می برد، یکی از آن دو بشیر و دیگری نذیر است.»

ابن عباس در این باره می گوید:

«وقتی به سرزمین بیداء برسند، در شب مهتابی وارد این سرزمین می شوند، چوپانی آن ها را می بیند و می گوید: وای به حال مردم مکه از دست این سپاه! چه خواهند کشید؟! برمی گردد که به گوسفندهای خود سر بزند، وقتی به سوی آن ها برگردد، کسی از آن ها را پیدا نمی کند که همه در کام زمین فرو می روند. با خود می گوید: سبحان الله! چگونه ممکن است در مدت خیلی کمی از این بیابان رفته باشند؟! به محل اتراق آن ها می آید و لباسی می بیند که نصفش روی زمین است و نصف دیگرش در زمین فرو رفته است. پس می فهمد که در زمین فرو رفته اند. سپس به سوی صاحب مکه (حضرت مهدی علیه السلام) می شتابد و به او خبر می دهد که سپاه سفیانی در زمین فرو رفته است. مهدی علیه السلام می فرماید: الحمد لله، این همان نشانه ای است که درباره آن سخن می گفتید. سپس به سوی شام حرکت می کنند.»^۲

این چوپان، کسی غیر از بشیر و نذیر است.

مهدی قائم علیه السلام

۵

۱

۲

۳

۱. الزام الناصب: ۱۷۶؛ غیبت نعمانی: ۱۵۰؛ بشارة الاسلام: ۲؛ صحیح مسلم ۸: ۱۶۸؛ المهدي: ۱۹۲؛ اسعاف الراغبین: ۱۵۰.
 ۲. بشارة الاسلام: ۱۹۲؛ منتخب الاثر: ۴۵۶؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۴؛ الامام المهدي: ۵۱؛ بتایع الموده ۳: ۶۶؛ الزام الناصب: ۱۹۰.
 ۳. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۴؛ بشارة الاسلام: ۱۸۴.

امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا نَزَّلْنَا مُّصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا﴾^۱ ای کسانی که صاحب کتاب هستید! به آنچه نازل کرده ایم ایمان بیاورید، زیرا تصدیق کننده، کسی است که نزد شماست، قبل از آن که صورت‌هایی را نابود کنیم و آن‌ها را به پشت سرشان برگردانیم^۲ می‌فرماید:

«لَا يُقَلِّتُ مِنْ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْهَالِكِينَ فِي خَسْفِ الْبَيْدَاءِ سِوَى ثَلَاثَةِ نَفَرٍ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهَهُمْ فِي أَقْفِيَّتِهِمْ، وَ ذَلِكَ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ علیه السلام؛^۳ از سپاه سفیانی فقط سه نفر باقی می‌مانند که در سرزمین بیداء در زمین فرو می‌روند و صورت‌هایشان به پشت سرشان برگردانده می‌شود و در آن زمان، مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام می‌کند.»
و درباره آیه شریفه ﴿وَقَالُوا ءَامَنَّا بِهِ وَاتَىٰ لَهُمُ التَّنَاقُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾^۴ و قد كفروا به من قبل و يقذفون بالغيب من مكان بعيد^۵ آن‌ها گفتند که ایمان آوردیم ولی چگونه ممکن است که از راه دور استفاده ببریم^۶ فرمود:

«إِنَّهُمْ طَلَبُوا الْمَهْدِيَّ علیه السلام مِنْ حَيْثُ لَا يُتَال؛^۷ آن‌ها از راهی که نتیجه ندارد به دنبال مهدی علیه السلام رفتند.»

و در تفسیر آیه شریفه ﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ﴾^۸ بگو او می‌تواند از بالا بر شما عذاب نازل کند یا از زیر پای شما یا به صورت دسته‌های پراکنده، شما را با هم می‌آمیزد و هر کدام از شما به وسیله دیگری، طعم جنگ را می‌چشد^۹ فرمود:

«عذابی که از بالای سر نازل می‌شود، صیحه آسمانی است؛ عذابی که از زیر پا می‌آید، نابودی بیداء می‌باشد؛ پراکنده شدن، همان اختلاف مردم در دین و امور مذهبی است؛ چشیدن زیان‌های یکدیگر، کشت و کشتار میان اهل قبیله است.»^{۱۰}

در این زمان، نفس زکیه کشته می‌شود و امام مهدی علیه السلام به مکه می‌آید و ندای جبرئیل، بیداء را نابود می‌کند.

«وَ يَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ؛^{۱۱} سپاه سفیانی در سرزمین بیداء وارد می‌شوند، سپس منادی آسمانی ندا می‌دهد: ای سرزمین بیداء! این جمعیت را نابود کن. سپس همه در زمین فرو می‌روند.»

۱. سوره مبارکه نساء، آیه ۲۷.

۲. غیبت نعمانی: ۱۵۰؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۸؛ تنبیح الموده: ۳: ۷۶؛ بشاره الاسلام: ۱۰۲؛ الامام المهدي: ۳۶؛ الزام الناصب: ۱۹ و ۱۷۵.

۳. سوره مبارکه سبأ، آیه ۵۲. ۴. سوره مبارکه سبأ، آیه ۵۲. ۵. بحار الانوار: ۵۲: ۱۸۷. ۶. سوره مبارکه انعام، آیه ۶۵.

۷. بحار الانوار: ۵۲: ۱۸۱؛ بشاره الاسلام: ۱۰۰؛ الزام الناصب: ۱۷۵؛ الامام المهدي: ۴۰؛ المهدي: ۱۹۴.

۸. بحار الانوار: ۵۲: ۲۳۸؛ المهدي: ۱۹۴؛ بشاره الاسلام: ۲۱.

در سپاه حضرت

۵

۶

۷

طبق روایات، همه این وقایع اتفاق می افتد و با ضربه بال جبرئیل، سپاه سفیانی در زمین فرو می روند.

امام باقر علیه السلام درباره حمله سپاه حضرت مهدی علیه السلام به سپاه سفیانی می فرماید:

«يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ بِمِئَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا فَيَنْزِلُ بِحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ. وَ يَسِيرُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ علیه السلام ثُمَّ يُوَاقِعُهُ هُنَاكَ. وَ لَا تَكُونُ سَاعَةٌ حَتَّى يُهْلِكَ اللَّهُ أَصْحَابَهُ وَ لَا يَبْقَى إِلَّا هُوَ وَ خَدَّهُ. فَيَأْخُذُهُ الْمَهْدِيُّ علیه السلام فَيَذْبَحُهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا مُدَلَّاةٌ عَلَى بَحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ، ثُمَّ يَمْلِكُ مَدِينَةَ دِمَشْقَ؛ أَسْفِيَانِي بِأَصْدٍ وَ هَفْتَادٍ هَزَارٍ جَنَاجِو حَرَكَتِ مِي كُنْدٍ وَ دَرَكْنَارِ دَرِيَاچَه طَبْرِيه فَرُودِ مِي آيِدُ وَ حَضْرَتِ مَهْدِي علیه السلام بِه سَوِي اَوْ حَرَكَتِ مِي كُنْدٍ وَ دَرَكْنَارِ دَرِيَاچَه طَبْرِيه بِرِ اَوْ هَجُومِ مِي اَوْرُدُ وَ دَرَكْمَتْرَ اَزِ يَكِ سَاعَتِ هَمَه سِيَاهَشِ نَابُودِ مِي شُونَدِ وَ فِقْطِ سَفِيَانِي بَاقِي مِي مَانَدِ. سِپَسِ مَهْدِي علیه السلام اَوْ رَا دَسْتِگِيرِ مِي كُنْدِ وَ دَرَكْنَارِ دَرِيَاچَه طَبْرِيه دَرِ زِيَرِ دَرِخْتِي كِه شَاخَه هَايِشِ رُويِ دَرِيَاچَه كَسْتَرَدِه شُدِه، سِرِ مِي بُرْدُ وَ سِپَسِ شَامِ رَا تَصْرَفِ مِي كُنْدِ.»

روایات امام صادق علیه السلام

«إِنَّا وَ آلُ أَبِي سُفْيَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ وَ قَالُوا كَذَبَ اللَّهُ قَاتَلَ أَبُو سُفْيَانَ رَسُولَ اللَّهِ صلوات الله عليه وآله وَ قَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ قَاتَلَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام وَ السُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ علیه السلام؛^۱ مَا وَ قَوْمِ ابْنِ سَفْيَانَ، دُو خَانْدَانِي هَسْتِيمِ كِه هَمُوارِه بَا يَكْدِيگَرِ جَنگِيدِيم، مَا مِي كَفْتِيم: خِدا رَا سَتِ كَفْتِه اَسْتِ وَ اَن هَا مِي كَفْتِنَد: خِدا دَرُوعِ كَفْتِه اَسْت! اَبُوسَفْيَانَ بَا پِيامبر صلوات الله عليه وآله جَنگِيدِ، مَعَاوِيَه بَا حَضْرَتِ عَلِي علیه السلام جَنگِيدِ، يَزِيدُ بَا اِمَامِ حُسَيْنِ علیه السلام جَنگِيدِ وَ سَفْيَانِي نِيَزِ بَا حَضْرَتِ قَائِمِ علیه السلام مِي جَنگِيدِ.»

«إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَخْتُومِ وَ خُرُوجَهُ فِي رَجَبٍ يَأْتِي أَرْضَ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ فَيَسْتَوِي عَلَى مَنبَرِهَا؛^۲ اَخْرُوجِ سَفْيَانِي حَتْمِي اَسْتِ وَ دَرِ مَاهِ رَجَبِ خِوَاهَدِ بُوَدِ، بِه سِرْزَمِينِ اَرَامِ وَ اَرَدِ مِي شُودُ وَ رُويِ مَنبَرِ اَن (دِمَشق) قَرَارِ مِي گِيرَدِ.»

«يَخْرُجُ مِنْ بَنِي صَخْرِ، فَيَبْدُلُ الرَّايَاتِ السُّودَ بِالْحُمْرِ؛ اَزِ مِيانِ طَايِفَه صَخَرِ خُرُوجِ مِي كُنْدِ وَ پَرچَمِ هَايِ سِيَاهِ رَا بِه پَرچَمِ هَايِ سِرْخِ تَبْدِيلِ مِي كُنْدِ.»

نام ابوسفیان، صخر است.

«...هُوَ أَحْمَرُ أَشَقَرُ أَرْزَقُ. ضَخْمُ الْهَامَةِ، رُبْعَةٌ، حَسِينُ الْوَجْهِ، فِي وَجْهِهِ اثْرُ الْجُدْرِي. إِذَا

۱. بشارة الاسلام: ۴۶ و ۱۹۲ و ۲۷۷: الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۰: الزام الناصب: ۲۰۱.

۲. معانی الاخبار: ۳۳۶: بحار الانوار ۵۲: ۱۹۰: الزام الناصب: ۱۸۰.

۳. بحار الانوار ۵۲: ۲۰۴: منتخب الاثر: ۴۵۷: بشارة الاسلام: ۱۱۹: الامام المهدي: ۲۲۸: الزام الناصب: ۱۷۹.

دوازدهم در بیان حضرت مهدی قائم علیه السلام در پناه حضرت
 نورالهدی علیه السلام فی ظل القامر

رَأَيْتُهُ حَسِبْتَهُ أَعْوَرَ وَ مَا هُوَ بِأَعْوَرَ لَأَنَّ فِي عَيْنِهِ نُكْتَةً بِيَاضٍ. وَ هُوَ مِنْ أَخْبَثِ النَّاسِ لِأَنَّهُ لَمْ يَعْْبُدِ اللَّهَ قَطُّ، وَ لَمْ يَرِ مَكَّةَ قَطُّ، وَ لَا الْمَدِينَةَ قَطُّ؛^۱ او چهره‌ای سرخ، چشم‌های زاغ، و موهای زرد دارد. سری بزرگ و کتف‌هایی چهارشانه و پهن دارد. صورتش درشت و خشن است و آثار آبله در آن است. وقتی او را ببینی، تصور می‌کنی که کور است، ولی کور نیست بلکه در مردمک او نقطه سفیدی وجود دارد. او زشت‌ترین آفریده روی زمین است که لحظه‌ای خدا را عبادت نکرده است، و مکه و مدینه را هرگز ندیده است.

«لَا تَرَوْنَ مَا تُحِبُّونَ حَتَّى يَخْتَلِفَ بَيْنَ قُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَإِذَا اخْتَلَفُوا طَمَعَ النَّاسُ وَ تَفَرَّقَتِ الْكَلِمَةُ وَ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ؛^۲ آنچه دوست دارید، اتفاق نمی‌افتد، مگر وقتی که بنی عباس اختلاف پیدا کنند. وقتی اختلاف ایجاد شد، مردم از این فرصت استفاده کرده و چشم طمع به حکومت دارند. سپس سفیانی خروج می‌کند.»

«لَا يَكُونُ ذَلِكَ يَعْنِي ظُهُورَهُ حَتَّى يَخْتَلِفَ وَ لِدُ قُلَانٍ وَ تَضِيقَ الْحَلْقَةَ وَ يَظْهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَ يَشْتَدُّ الْبَلَاءُ وَ يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتُ وَ قَتْلٌ وَ يَلْجَأُونَ مِنْهُ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛^۳ این امر واقع نمی‌شود مگر وقتی که بنی فلانی در میان خود شمشیر بکشند و حلقه تنگ‌تر می‌شود و سفیانی خروج می‌کند و بلاها و کشتارها همه جا را فرا می‌گیرد، مردم به حرم امن خدا و رسول خدا پناه می‌برند.»

«لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءٍ يَشْتَدُّ فِيهَا الْبَلَاءُ وَ يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتُ وَ قَتْلٌ يَلْجَأُونَ فِيهِ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ ﷺ؛^۴ ناچار فتنه‌ای سخت اتفاق می‌افتد که بلاها بسیار شدت می‌یابد و همه مردم کشته می‌شوند. مردم به حرم خدا و حرم پیامبر خدا پناه می‌برند.»

منظور از این فتنه، فتنه سفیانی است و منظور از حرمین، مکه و مدینه است که حضرت مهدی عجل الله فرجه با عده‌ای از یارانش به حرمین شریفین پناه می‌برند تا قیامشان را آغاز نمایند.

«يَخْرُجُ مَعَ سَبْعَةِ نَفَرٍ، مَعَ أَحَدِهِمْ لُؤَاءٌ مَعْقُودٌ، يُعْرِفُونَ بِالنَّصْرِ، يَسِيرُونَ عَلَى ثَلَاثِينَ مَيْلًا لَا يَرَى ذَلِكَ الْعَلَمَ أَحَدًا إِلَّا أَنْهَزَمَ؛^۵ سفیانی یا هفت نفر حرکت می‌کند، که یکی از آنها پرچم درهم پیچیده دارد که نشانه شکست‌ناپذیری است. سی میل راه می‌روند و هر کس آن پرچم را می‌بیند، تسلیم می‌شود.»

فاصله جایگاه سفیانی تا دمشق، سی میل است.

۱. بحار الانوار ۵۲: ۴۰۶؛ غیبت نعمانی: ۱۶۴؛ منتخب الاثر: ۴۵۸؛ اعلام الوری: ۴۲۸؛ الزام الناصب: ۱۷۹؛ بشاره الاسلام: ۱۰۶؛ اسعاف الراغبین: ۱۳۸. ۲. بشاره الاسلام: ۱۳۸؛ منتخب الاثر: ۲۵۲؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۶۴. ۳. کشف الغم ۳: ۳۱۹؛ منتخب الاثر: ۲۵۲؛ اعلام الوری: ۴۱۶؛ بحار الانوار ۵۲: ۱۵۷ و ۳۶۵؛ ۴. بشاره الاسلام: ۱۴۴. ۵. الزام الناصب: ۱۸۸.

«حِينَ يَقْتَرِبُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ دِمَشْقٍ يَهْرَبُ حَاكِمُهَا، وَتَجْتَمِعُ إِلَيْهِ قَبَائِلُ الْعَرَبِ، وَيَخْرُجُ الرَّبِيعِيُّ وَالْجُرْهُمِيُّ وَالْأَضْهَبِيُّ وَغَيْرُهُمْ مِنْ أَهْلِ الْفِتَنِ وَالشَّعْبِ، فَيَغْلِبُ السُّفْيَانِيُّ مَنْ يُحَارِبُهُ مِنْهُمْ وَيَسْتَوْلِي عَلَى الشَّامِ؛^۱ وَفَتَى سَفْيَانِي بِهِ دِمَشْقُ نَزْدِيكَ شُود، حَاكِمِ دِمَشْقِ فِرَارِ مِي كَنْد، وَقَبَائِلِ عَرَبِ دُورِ اَوْ جَمْعِ مِي شُونَد. رَبِيعِي، جِرْهَمِي، اَصْهَبِ وَدِيْغَرِ شُورِ شِگْرَانِ اَهْلِ فِتْنَه، عَلَيْهِ اَوْ قِيَامِ مِي كَنْد وَلِي سَفْيَانِي بِرِ هَمَهْ اَنْ هَا غَلْبَه مِي كَنْد وَبِرِ شَامِ تَسْلَطِ مِي يَابَد.»

«يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ بِالشَّامِ فَيَتَقَادُ لَهُ أَهْلُ الشَّامِ إِلَّا طَوَائِفَ مِنَ الْمُقِيمِينَ عَلَى الْحَقِّ يَعْصِمُهُمُ اللَّهُ مِنَ الْخُرُوجِ مَعَهُ؛^۲ سَفْيَانِي وَارِدِ شَامِ مِي شُود وَبِرِ اَنْجَا مَسْلَطِ مِي شُود وَبِرِ مَرْدَمِ شَامِ تَسْلِيمِ اَوْ مِي شُونَد، فَقَطِ عَدَهْ كَمِي اَزِ كَسَانِي كَسِه دَرِ دِيْنِ حَقِّ ثَابِتِ قَدَمِ مَانْدَه اَنْد، خَدَاوَنْد اَنْ هَا رَا اَزِ تَسْلِيمِ شَدْنِ دَرِ بَرَابَرِ سَفْيَانِي حَفِظِ مِي فَرْمَايَد.»

«السُّفْيَانِيُّ لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي رَجَبٍ؛^۳ اَنْ اَچَارِ سَفْيَانِي خُرُوجِ مِي كَنْد، خُرُوجِ اَوْ دَرِ مَاهِ رَجَبِ خَوَاهِدِ بُوَد.»

یکی از یاران امام صادق علیه السلام سؤال کرد: وقتی سفیانی خروج کند، ما چه کنیم؟ حضرت فرمود: در آن زمان، به سوی ما بشتابید.

«لَا تَبْرَحِ الْأَرْضَ يَا فَضْلُ حَتَّى يَخْرُجَ السُّفْيَانِيُّ - فَإِذَا خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فَأَجِيبُوا إِلَيْنَا - يَقُولُهَا ثَلَاثًا وَهُوَ مِنَ الْمَحْتُمِ؛^۴ تَا سَفْيَانِي خُرُوجِ نَكْرَدَه، اَزِ جَايِ خُودِ تَكَانِ نَخُورِيْد. وَفَتَى سَفْيَانِي خُرُوجِ كَرْد، دَعْوَتِ مَارَا اِجَابَتِ كَنْيِد. اَيْنِ تَعْبِيْرَا سَه بَارِ فَرْمُودِ كِه خُرُوجِ اَوْ اَزِ نَشَانَه اَيِ حَتْمِي اَسْت.»

در روایات آمده که قبل از خروج سفیانی، هیچ حرکتی انجام نشود تا وقتی که ندای جبرئیل شنیده شود و آن گاه برای بستن پیمان با امام مهدی علیه السلام به سوی او بروید.

«الزَّمْ بَيْتَكَ وَكُنْ جَلْسًا مِنْ أَخْلَاسِهِ وَاسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ فَإِذَا بَلَغَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَتَوَّ عَلَيَّ رَجْلِكَ وَقَبْلِ ذَلِكَ ثَلَاثُ رَايَاتٍ رَايَةٌ حَسْبِيَّةٌ وَرَايَةٌ أُمَوِيَّةٌ وَرَايَةٌ قَيْسِيَّةٌ فَبَيْنَاهُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ إِذْ قَدْ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فَيَحْضُدُهُمْ حَضْدَ الزَّرْعِ مَا رَأَيْتَ مِثْلَهُ قَطُّ؛^۵ مَانْدِ يَكِي اَزِ گَلِيْمِ هَايِ خَانَه اَت، دَرِ خَانَه خُودِ بَنْشِيْن. تَا وَفَتَى شَبِ وَرُوزِ سَاكِنِ هَسْتَنْد، تُو هَمِ اَرَامِ بَاش. وَفَتَى شَنْبِيْدِي كِه سَفْيَانِي خُرُوجِ كَرْدَه، بَه سُوِي مَا بَشْتَابِ، حَتِّي اَگَرِ مَجْبُورِ بَاشِي بَا پَايِ پِيَادَه وَ سِيْنَه خِيْزِ بِيَايِي.»

«قبل از خروج سفیانی، سه پرچم برافراشته می شود: پرچم حسینی، پرچم امویان،

دودان دهاب
 تریسناه حضرت
 مهدی قائم
 نور الحلال فی ظلال القادر المهدی

۱. الزام الناصب: ۱۸۸. ۲. غیبت نعمانی: ۱۶۳؛ بشارة الاسلام: ۵۱.

۳. بشارة الاسلام: ۱۴۰؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۴۹؛ غیبت نعمانی: ۱۶۲. ۴. بحار الانوار: ۵۲: ۲۴۹ و ۲۶۶.

۵. الزام الناصب: ۱۸۰؛ بشارة الاسلام: ۱۴۲؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۷۰.

پرچم قیسیه. در این زمان، سفیانی قیام می‌کند و همه آن‌ها را نابود می‌کند که تاکنون این گونه اتفاقی نیفتاده است.^۱

پرچم حسینی، پرچم یمانی است و پرچم اموی، پرچم ابقع است و پرچم قیسی، پرچم مصری و مغربی است.

«فَمَا تَمُدُّونَ أَعْيُنَكُمْ فَمَا تَسْتَعْجِلُونَ أَلَسْتُمْ آمِنِينَ أَلَيْسَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ فَيَقْضِي حَوَائِجَهُ ثُمَّ يَرْجِعُ لَمْ يُخْتَطَفْ إِنْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ لِيُؤْخَذَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فَتُقَطَّعُ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ وَيُضَلَّبُ عَلَى جُدُوعِ النَّخْلِ وَيُنْشَرُ بِالْمِنْشَارِ ثُمَّ لَا يَفْدُو ذَنْبَ نَفْسِهِ؛^۲ آن چه در انتظارش هستید، به زودی فرا می‌رسد، چرا عجله می‌کنید؟ مگر امنیت ندارید؟! در آن زمان، هرکس برای رفع احتیاجش از خانه خارج شود، شاید سالم به خانه برنگردد. در آن زمان، شخص را می‌گیرند، دست و پایش را قطع می‌کنند، از درخت‌های خرما آویزان می‌کنند و باره سرش را از گردنش جدا می‌کنند و همه اینها سزای عمل خودش می‌باشد.»

سپس این آیات را تلاوت فرمود:

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛ آیا گمان می‌کنید که وارد بهشت می‌شوید در حالی که به گرفتاری‌های امت‌های قبل از خود گرفتار نشده‌اید؟! آن‌ها با سختی‌ها مواجه شدند، آنقدر متزلزل شدند که پیامبران و کسانی که به آن‌ها ایمان آورده‌اند، گفتند: خداوند چه موقع ما را یاری می‌کند؟! آگاه باش که یاری خدا نزدیک است.»

امروزه در لبنان این حوادث اتفاق می‌افتد. کسی که از خانه بیرون می‌رود، دیگر باز نمی‌گردد. ممکن است دزدیده شود، مثله شود، به سیاهچال برود و... در کشورهای دیگر نیز اتفاق می‌افتد و همه می‌خواهند از هم انتقام بگیرند. این حوادث، نتیجه اعمال آنهاست. چرا که از دین بریده‌اند و مانند لاشخورها که به مُردار حمله می‌کنند، هر گناهی را انجام می‌دهند.

«خَيْرُ الْمَسَاكِينِ مَكَّةَ وَبَيْتَ الْمُقَدِّسِ؛^۳ بهترین مکان‌ها، مکه و بیت‌المقدس است.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«خَيْرُ الْمَسَاكِينِ يَوْمَئِذٍ بَيْتُ الْمُقَدِّسِ لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَتَمَنَّى أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ

۱. بحار الانوار: ۵۲، ۲۷۱؛ بشارة الاسلام: ۱۴۲. ۲. غیبت شیخ طوسی: ۲۷۶. ۳. سورة مباركة بقره، آیه ۲۱۲.

۴. منتخب الاثر: ۴۲۸؛ غیبت نعمانی: ۱۶۱؛ بشارة الاسلام: ۱۰۹.

سُكَّانِهِ؛ بهترین مکان‌ها در آن روز، بیت‌المقدس است. زمانی می‌آید که هر کسی آرزو می‌کند که ای کاش ساکن آنجا می‌بود.»

این زمان، زمان سفیانی است.

«مُنَادٍ يُنَادِي فِي دِمَشْقٍ بَعْدَ أَنْ يَنْزِلَهَا التُّرْكُ وَيُجَاوِزُونَهَا إِلَى الْجَزِيرَةِ وَعَلَى رَأْسِهِمْ خَاقَانُ الْأَثْرَالِ، يَتَّبِعُهُمُ الرُّومُ الظَّوَاهِرُ بِالرَّايَاتِ وَالصُّلْبِ، وَلَا يَزَالُ النَّاسُ كَذَلِكَ حَتَّى يُقْرَعَ الرَّأْسُ؛^۱ پس از آنکه ترک‌ها وارد دمشق شوند و از آنجا به سوی جزیره بروند، و خاقان ترکها در رأس آنها باشد، رومی‌ها با پرچم‌های برافراشته و صلیب‌های آویخته آنها را دنبال می‌کنند، در آن زمان، منادی در دمشق ندا می‌دهد و مردم در ترس و نگرانی باقی می‌مانند تا سرهایشان از تنشان جدا شود.»

همه این حوادث اتفاق افتاده و فقط این مانده که قدرت‌های شرق و غرب برای حمایت از یهودیان و غارت نفت، به عراق حمله کنند و سرها از تن‌ها جدا شود.

«يَمُرُّ جَيْشُ السَّفِيَانِيِّ الْمَتَوَجِّهِ إِلَى الْعِرَاقِ بِقَرْقِيسَا فَيَكُونُ قِتَالٌ بَيْنَ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدِ اللَّهِ فَيَرْجِعُ الْمَغْرِبِيُّ إِلَى الْجَزِيرَةِ بَعْدَ أَنْ يُقْتَلَ مِنَ الطَّرَفَيْنِ مِنْهُ أَلْفٌ.. ثُمَّ يُتَابِعُ الْجَيْشُ السَّفِيَانِيُّ سَيْرَهُ، فَيَسْبِقُ الْيَمَانِيَّ إِلَى الْعِرَاقِ، فَيَمُرُّ فِي بَغْدَادَ فَتَرْتَفِعُ فِيهَا رِيحٌ سَوْدَاءٌ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ، وَ يُصِيبُهَا زَلْزَالٌ حَتَّى يَنْخَسِفَ كَثِيرٌ مِنْهَا، وَ حَتَّى تَنْخَسِفَ مِنَ الرَّجَسَةِ وَ تَنْخَسِفَ الْبَصْرَةُ وَ تَحْرُبُ؛^۲ سپاه سفیانی در مسیر حرکت به سوی عراق، وارد قرقیسیا می‌شود و در آنجا عبدالله با عبدالله می‌جنگد و پس از آنکه صد هزار نفر از طرفین کشته شوند، مغربی به سوی جزیره برمی‌گردد، سپس سپاه سفیانی راه او را دنبال می‌کند، و قبل از یمانی وارد عراق می‌شود و به شهر بغداد می‌رود. اول صبح باد سیاهی در بغداد می‌وزد و به دنبال آن زلزله‌هایی اتفاق می‌افتد تا بسیاری از آنها در زمین فروروند و حله و بصره هم نابود شوند.»

انفجار چاه‌های نفتی و آتش سوزی‌ها، باد سیاه را به وجود می‌آورد، و بمباران‌ها و موشک‌ها و یا صاعقه آسمانی ایجاد زلزله می‌کند.

عبدالله نام فرماندهان دو سپاه مغربی و مصری است و شاید یکی از آنها نام یکی از فرماندهان لشکر سفیانی باشد.

«تُبْنِي مَدِينَةً مِمَّا يَلِي الْمَشْرِقَ يَكُونُ فِيهَا وَقْعَةٌ لَمْ يَسْمَعْ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمِثْلِهَا، ثُمَّ تَنْجَلِي هِيَ وَالْوَقْعَةُ الَّتِي فِي الشَّامِ عَنْ أَرْبَعِمِئَةِ أَلْفٍ قَتِيلًا. ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي إِثْرِ

در سپاه حضرت مهدی قائم علیه السلام
عبدالاحد بن ظالم

۱. بشارةالاسلام: ۴۴، الزام الناصب: ۱۸۰، الامام المهدي: ۲۱۹.

۲. المحجة البيضاء: ۴، ۳۴۳، غيبة شيخ طوسي: ۲۷۹، الملاحم والفتن: ۲۹، بشارةالاسلام: ۱۷۷، بحار الانوار: ۵۲، ۲۲۰.

۳. غيبة شيخ طوسي: ۲۷۹، الملاحم والفتن: ۲۹، المحجة البيضاء: ۴، ۳۴۳.

ذَلِكَ لَا تُرَدُّ لَهُ رَأْيَةٌ؛^۱ شهری در مشرق ساخته می شود که در آن حوادثی اتفاق می افتد که هرگز مردم تا آن زمان نشنیده اند. سپس آن حادثه و یک حادثه دیگر که در شام اتفاق می افتد، مجموعاً چهار صد هزار نفر کشته می شوند و به دنبال آن حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- ظهور می کند و هرگز سپاهش شکست نمی خورد.»

امیر مؤمنان (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«يُنشئ مَدِينَةً يُقَالُ لَهَا الزُّورَاءُ بَيْنَ دِجْلَةَ وَ دُجَيْلٍ وَ الْفُرَاتِ فَلَوْ رَأَيْتُمُوهَا مُشِيدَةً بِالْحِصِّ وَ الْأَجْرِ مَزْخَرَفَةً بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ اللَّازُورِدِ وَ الْمَرْمَرِ وَ الرُّخَامِ وَ أَبْوَابِ الْعَاجِ وَ الْخَيْمِ وَ الْقَبَابِ وَ السَّتَارَاتِ وَ تَوَالَتْ عَلَيْهَا مُلْكُ بَنِي شَيْصَبَانَ أَرْبَعَةً وَ عِشْرُونَ مَلِكًا؛^۲ شهری به نام «زوراء» (بغدا) میان دجله و دجیل و فرات ساخته می شود. ای کاش آن را می دیدند که با گنج و آجر محکم می شود و با طلا و نقره و لاجورد و مرمر و درهای عاج و آبنوس و چادرها و پرده ها و گنبدها تزئین می گردد و بیست و چهار پادشاه از پادشاهان بنی شیصبان بر آن حکومت می کنند.»

«... وَ تُبْنَى مَدِينَةٌ يُقَالُ لَهَا الزُّورَاءُ، بَيْنَ دِجْلَةَ وَ الْفُرَاتِ. مَلْعُونٌ مَن بَنَاهَا وَ سَكَنَهَا. مِنْهَا تَخْرُجُ طِينَةُ الْجَبَّارِينَ. تُعَلَى فِيهَا الْقُصُورُ، وَ تُسَدُّ السُّتُورُ، وَ يَسْتَعْمَلُونَ بِالسُّجُورِ؛^۳ شهری به نام زوراء (بغداد) در میان دجله و فرات ساخته می شود، بنیانگزارش ملعون است و ساکنانش از رحمت خدا دور هستند، رفتار ظالمان از آن دیده می شود، کاخ های بلندی در آن ساخته می شود که پرده های قیمتی بر آن آویزان می کنند و انواع گناهان در آن انجام می شود.»

مؤسس اول که بنیانگزار آن شهر می باشد، دستور ساختن آن را صادر کرده است. در زمانی که حضرت علی (علیه السلام) این روایت را بیان کرده اند، بغداد فقط شنزار و سنگلاخی بوده و کسی در آن جا زندگی نمی کرده. گویی امام علی (علیه السلام) به وضوح این زمان را می دیده و یا در این زمان زندگی کرده است و وضعیت امروز بغداد را دقیق بیان می کند. این علوم الهی فقط در اختیار ائمه (علیهم السلام) قرار می گیرد.

امام صادق (علیه السلام) درباره جنگ فرقیسیا می فرماید:

«إِنَّ لِلَّهِ مَائِدَةً وَ فِي غَيْرِ هَذِهِ الرَّوَايَةِ مَادِيَةٌ بِفَرَقِيسِيَاءَ يَطَّلِعُ مُطَّلِعٌ مِنَ السَّمَاءِ فَيَنَادِي يَا طَيْرَ السَّمَاءِ يَا سِبَاعَ الْأَرْضِ هَلُمُّوا إِلَيَّ الشَّبَعِ مِنْ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ؛^۴ خداوند سفره ای بزرگ در فرقیسیا می گستراند که منادی آسمانی ندا می دهد: ای پرندگان آسمان و ای

۱. بشارة الاسلام: ۵۶. ۲. بشارة الاسلام: ۷۳. ۳. همان.

۴. غیبت نعمانی: ۱۴۸، بحار الانوار: ۵۲، ۲۴۵، الزام الناصب: ۱۸۹.

امام صادق علیه السلام به عده‌ای از عراقی‌ها فرمود:

«إِذَا خَرَجَ الشُّفْيَانِيُّ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَيْنَا وَجَيْشًا إِلَيْكُمْ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَاتُّوْنَا عَلَى صَعْبٍ وَ ذُلُولٍ؛^۱ وقتی سفیانی خروج کند، لشکری را به سوی شما می‌فرستد و لشکری را به سوی ما؛ وقتی این نشانه تحقق پیدا کند، با هر وسیله‌ای که می‌توانید به سوی ما بشتابید.»

«وَ يُؤْخَذُ آلُ مُحَمَّدٍ صَغِيرُهُمْ وَ كَبِيرُهُمْ لَا يُتْرَكُ مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا حَبِيسٌ؛^۲ آل محمد علیهم السلام از بزرگ و کوچک دستگیر و زندانی می‌شوند، حتی یک نفر هم باقی نمی‌ماند.»

«يَبْعَثُ الشُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمُرُ بِقَتْلِ كُلِّ مَنْ كَانَ فِيهَا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ. فَيُقْتَلُونَ وَ يَفْرُونَ هَارِبِينَ إِلَى الْبَرَارِيِّ وَ الْجِبَالِ حَتَّى يَظْهَرَ الْمَهْدِيُّ علیه السلام؛^۳ سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد و دستور می‌دهد که هر کس از بنی‌هاشم در آنجا باشد بکشند، بنی‌هاشم کشته می‌شوند و به کوه و صحرا فرار می‌کنند تا مهدی علیه السلام ظهور کند.»

«وَ يَبْعَثُ الشُّفْيَانِيُّ عَسْكَرًا إِلَى الْمَدِينَةِ، فَيُخْرِبُونَهَا، وَ يَهْدِمُونَ الْقَبْرَ الشَّرِيفَ، وَ تَرُوثُ بِغَالِهِمْ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ؛^۴ سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد و آن را خراب می‌کند و قبر شریف را ویران می‌سازد و شتران خود را به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می‌کند.»

«يَعْمُدُ الْمَهْدِيُّ إِلَى حِجَى مَكَّةَ وَ ظِلِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ؛^۵ حضرت مهدی علیه السلام به مکه می‌رود تا در پناه مکه و خانه خدا در امان باشد.»

«وَ يُنِيلُ لِلزُّورَاءِ مِنَ الرَّايَاتِ الصُّفْرِ وَ رايَاتِ الْمَغْرِبِ وَ رايَةِ الشُّفْيَانِيِّ؛^۶ وای بر بغداد از پرچم‌های زرد و پرچم‌های مغربی و پرچم‌های سفیانی!»

«تَكُونُ الزُّورَاءُ مَحَلَّ عَذَابِ اللَّهِ وَ غَضَبِهِ تُخْرِبُهَا الْفِتْنُ وَ تَتْرُكُهَا جَمَاءَ قَالُوا نِيلُ لَهَا وَ لِمَنْ بِهَا كُلُّ الْوَيْلِ مِنَ الرَّايَاتِ الصُّفْرِ وَ رايَاتِ الْمَغْرِبِ وَ مَنْ يَجْلِبُ الْجَزِيرَةَ وَ مِنَ الرَّايَاتِ الَّتِي تَسِيرُ إِلَيْهَا مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ وَ اللَّهُ لَيُنزِلَنَّ بِهَا مِنْ صُوفِ الْعَذَابِ مَا نَزَلَ بِسَائِرِ الْأُمَمِ الْمُتَمَرِّدَةِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ وَ لَيُنزِلَنَّ بِهَا مِنَ الْعَذَابِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ بِمِثْلِهِ وَ لَا يَكُونُ طُوقَانُ أَهْلِهَا إِلَّا بِالسَّيْفِ قَالُوا نِيلُ لِمَنْ اتَّخَذَ بِهَا مَسْكَنًا فَإِنَّ الْمُقِيمَ بِهَا يَبْقَى لِشِقَاتِهِ وَ الْخَارِجَ مِنْهَا بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَيَبْقَى مِنْ أَهْلِهَا فِي الدُّنْيَا حَتَّى يُقَالَ إِنَّهَا هِيَ الدُّنْيَا وَ إِنَّ دُورَهَا وَ قُصُورَهَا هِيَ الْجَنَّةُ وَ إِنَّ بَنَاتِهَا هُنَّ الْحُورُ الْعِينُ وَ إِنَّ وُلْدَانَهُمْ الْوِلْدَانُ وَ لَيَطْنَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْسِمِ رِزْقَ الْعِبَادِ إِلَّا بِهَا وَ لَيُظْهَرَنَّ فِيهَا مِنَ الْأَمْرَاءِ

۱. غیبت نعمانی: ۱۶۴؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۵۳؛ بشارة الاسلام: ۱۴۰ و ۱۹۲. ۲. الزام الناصب: ۱۷۶.

۳. الملاحم والفتن: ۴۶؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۴۳؛ بحار الانوار ۵۲: ۳۰۱. ۴. الزام الناصب: ۱۹۰. ۵. المهدي: ۲۰۹.

۶. الملاحم والفتن: ۱۰۹؛ بشارة الاسلام: ۱۴۳؛ الزام الناصب: ۲۱۸؛ بحار الانوار ۵۳: ۱۴.

عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ ﷺ وَالْحُكْمِ بِغَيْرِ كِتَابِهِ وَمِنْ شَهَادَاتِ الزُّورِ وَشُرْبِ الْخُمُورِ وَ
 إِثْتَانِ الْفُجُورِ وَ أَكْلِ السُّخْتِ وَ سَفْكِ الدَّمَاءِ مَا لَا يَكُونُ فِي الدُّنْيَا كُلِّهَا إِلَّا دُونَهُ ثُمَّ
 لِيُخْرِبَهَا اللَّهُ بِتِلْكَ الْفِتَنِ وَ تِلْكَ الرَّايَاتِ حَتَّى لَيَمُرَّ عَلَيْهَا الْعَارُ فَيَقُولُ هَاهُنَا كَانَتْ
 الزُّورَاءُ؛^۱ بغداد گرفتار خشم خدا می شود، فتنه ها آنجا را خراب می کند و به تل خاکستر
 تبدیل می کند، وای بر آن ها و ساکنانش از پرچم های دیگری که از دور و نزدیک به آن سو
 می آیند. به خدا سوگند، عذاب های گوناگون بر آنجا نازل می شود که چنین عذابی را نه
 گوشی شنیده و نه چشمی دیده است. آن ها از شمشیر می ترسند. وای بر کسی که در آنجا
 زندگی کند، هر کس در آنجا بماند، سزای اعمال خودش را می بیند و هر کس از آن جا
 بیرون برود، از رحمت خدا دور است. به خدا سوگند، بغداد گاهی به قدری آباد می شود
 که هر کس آن را ببیند، می گوید: دنیا همین است و بس، و خانه های آن همان بهشت است
 و دختران آن حورالعین و پسران آن غلامان بهشتی هستند. و گمان می کنند خداوند همه
 روزی ها را در آنجا قرار داده است. ولی در مقابل این کار، به خدا خدا و پیامبر ﷺ
 تهمت می زنند، شهادت دروغ، نوشیدن شراب، فحشا و فساد، معاملات نامشروع،
 خونریزی و ... بسیار فراوان می شود که به تنهایی بیش از همه دنیا در آنجا گناه می شود!!
 سپس خداوند با این فتنه ها و با این پرچم ها آنجا را ویران می کند به طوری که رهگذران
 با تعجب می گویند: آیا اینجا بغداد بود؟!»

گویا امام صادق علیه السلام دوازده قرن قبل، بغداد امروزی را با چشم خود دیده و تمام این
 وقایع را لمس کرده است. در حالی که آن روز بغداد، فقط یک صحرای سوزان و بیابان
 بی آب و علفی بیش نبوده و کسی آن جا زندگی نمی کرده است. این علوم را فقط ائمه علیهم السلام
 می دانند که از علوم الهی سرچشمه گرفته است و از طریق وحی دریافت کرده اند. امام
 صادق علیه السلام نیز این اخبار را از اجدا معصومش و از پیامبر صلی الله علیه و آله دریافت کرده است.
 «وَ تَتَعَطَّلُ الْمَسَاجِدُ مِنَ الْمُصَلِّينَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»^۲ در مدت چهل روز، نمازگزاران به
 مسجد نمی روند.»

در آن زمان، شهرهای عراق دچار خفقان است.

«تَكُونُ وَقْعَةٌ بِالزُّورَاءِ. قِيلَ: وَمَا الزُّورَاءُ؟. قَالَ: مَدِينَةٌ بِالْمَشْرِقِ بَيْنَ أَنْهَارٍ، يَسْكُنُهَا
 شِرَارُ خَلْقِ اللَّهِ وَ جَبَابِرَةٌ مِنْ أُمَّتِي. تُقَذَفُ بِأَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ مِنَ الْعَذَابِ: بِالسَّيْفِ، وَ خَنْفٍ،
 وَ قَذْفٍ، وَ مَسْخِ؛^۳ حاده ای در بغداد اتفاق می افتد. پرسیدند: بغداد چیست؟ فرمود:

دوران در هاب
 تریستاه حضرت
 مهدی قائم
 تهنیت الحاخاش ظل العاقل

۱. بحار الانوار ۵۳: ۱۴؛ بشارة الاسلام: ۲۳؛ الزام الناصب: ۲۱۸.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۳ و ۵۳: ۸۲؛ بشارة الاسلام: ۵۸؛ الزام الناصب: ۱۷۶. ۳. الحادی للفتاوی ۲: ۱۵۹.

گرانبهایی را در وسط راه می بیند و از شدت ترس، آن را بر نمی دارد.»
 «ثُمَّ تَنْخَسِفُ الْبَصْرَةَ وَ تَخْرِبُ، وَ يَعْمُ الْعِرَاقَ خَوْفٌ شَدِيدٌ لَا يَكُونُ مَعَهُ قَرَارٌ، وَ يَسْقَعُ
 الْمَوْتُ الذَّرِيْعُ بَعْدَ أَنْ يَدْخُلَ جَيْشُهُ إِلَى بَغْدَادَ فَيُيَبِّحُهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ يَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتِّينَ
 أَلْفًا وَ يُخْرِِبُ دَوْرَهَا، ثُمَّ يَقِيمُ بِهَا ثَمَانِي عَشْرَةَ لَيْلَةً فَيَقْسِمُ أَمْوَالَهَا، وَ يَكُونُ أَسْلَمُ مَكَانٍ
 فِيهَا الْكَرْخُ؛ سِيسَ بَصْرَةَ نَابُودٌ مِي شُودُ وَ هَمَّةُ عِرَاقٍ رَا وَ حَشْتِ بَسِيَارِ شَدِيدِي فِرَا
 مِي گيرد که هیچ کس آسایش و آرامش ندارد، وقتی سپاه او وارد بغداد شود، کشتار بسیار
 فجيعی می شود، سه روز همه چیز را مباح اعلام می کند، شصت هزار نفر (و به روایتی
 هفتاد هزار) از مردم بغداد کشته می شوند و خانه هایشان خراب می گردد. هيجده روز در
 آنجا می مانند، ثروت های مردم را میان سپاهیانش تقسیم می کند. در آن روز امن ترین
 مکان در بغداد، کرخ می باشد.»

«حُجُّوا قَبْلَ أَنْ لَا تَحُجُّوا حُجُّوا قَبْلَ أَنْ يَمْنَعَ الْبَرُّ جَانِبَهُ حُجُّوا قَبْلَ هَدْمِ مَسْجِدِ الْعِرَاقَيْنِ
 بَيْنَ نَخْلِ وَ أَنْهَارِ حُجُّوا قَبْلَ أَنْ تُقَطَّعَ سِدْرَةٌ بِالزُّوْرَاءِ نَبَتْ عَلَى عَسَلِ عُرُوقِ النَّخْلَةِ الَّتِي
 اجْتَنَّتْ مِنْهَا مَرْيَمُ ٱلْإِسْلَامَ رُطْبًا جَنِيًّا فَعِنْدَ ذَلِكَ تُمْنَعُونَ الْحَجَّ وَ تَنْقُصُ السَّمَارُ وَ تُجَدِّبُ
 الْبِلَادُ وَ تُبْتَلُونَ بِغَلَاءِ الْأَسْعَارِ وَ جَوْرِ السُّلْطَانِ وَ يَظْهَرُ فِيكُمْ الظُّلْمُ وَ الْعُدْوَانُ - مَعَ الْبِلَاءِ
 وَ الْوَبَاءِ وَ الْجُوعِ وَ تَظْلُمُ الْفِتْنِ مِنْ جَمِيعِ الْأَقَاكِ قَوْلٌ لَكُمْ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ إِذَا جَاءَتْكُمْ
 الرِّايَاتُ مِنْ خُرَاسَانَ وَ وَيْلٌ لِأَهْلِ الرِّيِّ مِنَ التُّرْكِ وَ وَيْلٌ لِأَهْلِ الْعِرَاقِ مِنْ أَهْلِ الرِّيِّ وَ
 وَيْلٌ لَهُمْ ثُمَّ وَيْلٌ لَهُمْ مِنَ اللَّطِّ الَّذِينَ آذَانُهُمْ كَأَذَانِ الْفَأْرِ صَغَرًا لِبَاسُهُمُ الْحَدِيدُ كَلَامُهُمْ
 كَكَلَامِ الشَّيَاطِينِ صَغَارُ الْحَدَقِ مُرْدُ جُرْدٍ اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِمْ أُولَئِكَ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى
 أَيْدِيهِمُ الدِّينَ وَ يَكُونُونَ سَبِيًّا لِأَمْرِنَا؛ به حج خانه خدا بروید قبل از آن که «برجانبیه»^۱
 مانع حج شما شود؛ به حج بروید قبل از آن که مسجدی در عراق نابود شود و نخلستان
 خراب گردد؛ به حج بروید قبل از آن که درخت سدري در بغداد قطع شود و روی
 ریشه های نخلی بیفتد که حضرت مریم عليها السلام از آن خرماي تازه چیده بود. در آن زمان،
 نمی گذارند که به حج بروید و میوه ها کم می شود و بلاها زیاد می گردد، قیمت ها گران و
 ظلم پادشاه زیاد می شود، همه شما گرفتار ظلم، گرسنگی، وبا و فتنه های مختلف
 می شوید. وای بر شما ای اهل عراق! وقتی پرچم هایی از خراسان به سوی شما
 برافراشته شود. وای بر اهل ری از ترک ها! وای بر اهل عراق از مردم ری! هزاران وای بر
 آن ها. وای بر آن ها از سپاهیان خوش اندام و شجاعی که گوش های آن ها مثل گوش موش
 است، لباسشان زرد و محکم است، سخنانشان مثل سخنان شیاطین است، چشم های

در سپاه حضرت
 مهدی قائم عليه السلام



توضیح: در این کتاب
 از کلمات و عبارات
 مختلف استفاده شده است
 که در این بخش به آن
 اشاره شده است.



۱. الملاحم والفتن: ۴۱؛ منتخب الاثر: ۴۲۵؛ اعلام الوری: ۴۲۹؛ المهدي: ۱۹۷. ۲. بشارة الاسلام: ۱۵۰. ۳. گروهی از رومی ها.

ریز و صورت‌های بی‌مو دارند. از شر آن‌ها به خدا پناه می‌برم، که خداوند به وسیله آن‌ها، ظهور امر ما را آسان می‌کند و پیروزی نزدیک می‌شود.»
 شاید آن درخت سدر، هنگام ساختن پل روی دجله، قطع شده باشد. در این حدیث، به چینی‌ها و شرق دور اشاره شده که فجایعی را در بغداد ایجاد می‌کنند که زمینه ظهور را فراهم می‌کنند.

«إِذَا اسْتَوَى السُّفْيَانِيُّ عَلَى الْكُورِ الْخَمْسِ دِمَشْقُ حِمصُ وَ حَلَبُ وَ الْأُرْدُنُّ وَ قِنْسَرِينُ
 فَعُدُّوا لَهُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ^۱ وَ قَتَى سَفْيَانِي بِرِ بَنِي مَنطِقَه: دِمَشْق، حِمص، حَلَب، اُردن و
 قنسرین مسلط شود، نه ماه طول می‌کشد.»

در برخی منابع، به جای اردن، فلسطین بیان شده است.

«السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمَخْتُومِ وَ خُرُوجُهُ مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا سِتَّةَ
 أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا فَإِذَا مَلَكَ الْكُورَ الْخَمْسَ مَلَكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ لَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا يَوْمًا؛^۲
 خروج سفیانی حتمی است و خروج او در ماه رجب است. از آغاز خروج تا پایان
 عمرش پانزده ماه طول می‌کشد، شش ماه می‌جنگد، وقتی بر مناطق پنج‌گانه تسلط پیدا
 کرد، نه ماه حکومت می‌کند، حتی یک روز هم بیشتر نمی‌شود.»

در این روایت به صراحت می‌گوید که حکومت سفیانی، نه ماه طول می‌کشد و حتی
 یک روز هم بیشتر نمی‌شود و شش ماه هم می‌جنگد.

«يَرْكَبُ الْأَرْضَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ يَسُومُ النَّاسَ فِيهَا سُوءَ الْعَذَابِ، فَوَيْلٌ لِمِصْرَ، وَ وَيْلٌ
 لِلرُّوْرَاءِ وَ الْوَيْلُ لِلْكُوفَةِ وَ وَاسِطَ؛^۳ مدت نه ماه حکومت می‌کند، مردم را با
 سخت‌ترین شکل شکنجه می‌کند. وای به حال مصر، وای به حال بغداد، وای به حال
 کوفه و واسط.»

«مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا سِتَّةَ أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا ثُمَّ يَمْلِكُ تِسْعَةَ
 أَشْهُرٍ لَا تَزِيدُ يَوْمًا؛ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَلَيْنَا؛^۴ از اولین روزی که خروج می‌کند تا روزی که
 حکومت می‌کند، شش ماه طول می‌کشد. سپس نه ماه حکومت می‌کند و حتی یک روز
 هم بیشتر نمی‌شود. وقتی این امر تحقق یافت، به سوی ما بشتابید.»

«فِي سُؤَالٍ يَسْأَلُ أَمْرَ الْقَوْمِ وَ فِي ذِي الْقَعْدَةِ يَقْعُدُونَ وَ ذُو الْحِجَّةِ شَهْرُ الدِّمِّ وَ فِي مُحَرَّمٍ
 يُحَرِّمُ الْحَلَالَ وَ يُحِلُّ الْحَرَامَ وَ فِي صَفَرٍ وَ رَبِيعٍ خِزْيٌ عَظِيمٌ وَ فِي جُمَادَى الْفَتْحُ مِنْ أَوْلَاهَا

۱. غیبت نعمانی: ۱۶۳؛ بشارة الاسلام: ۱۲۲؛ الزام الناصب: ۱۸۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۷۳؛ بحار الانوار: ۵۲: ۲۰۶.
 ۲. غیبت نعمانی: ۱۶۰؛ بحار الانوار: ۵۲: ۴۴۸؛ منتخب الاثر: ۴۵۷؛ بشارة الاسلام: ۹۷.
 ۳. الملاحم والفتن: ۱۰۹؛ بشارة الاسلام: ۱۲۳؛ الزام الناصب: ۲۱۸. ۴. بحار الانوار: ۵۲: ۲۴۸؛ غیبت نعمانی: ۱۶۲.

در پناه حضرت
 محمد
 صلوات

بر مردم حر ن

إِلَى آخِرِهَا؛^۱ در ماه شوال انقلابها آغاز می شود، در ماه ذی قعدة به قدرت می رسد، در ماه ذی حجة کشت و کشتار می کند، در ماه محرم حلالها را حرام و حرامها را حلال می کند، در ماههای صفر و ربیع فجایع بزرگ همراه با ذلت بزرگ اتفاق می افتد، در ماههای جمادی، فتح و پیروزی است.»

سلام بر امام صادق علیه السلام که حوادث آینده را به طور صریح بیان کرده و در تحقق آنها اطمینان دارد و شیعیان مخلصش نیز در آنها شک نمی کنند.

«إِذَا هُدِمَ حَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مِنْ مُؤَخَّرِهِ مِمَّا يَلِي دَارَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالَ مُلْكِ السَّفِيَانِي أَمَا إِنْ هَادِمَهُ لَا يَبْنِيهِ؛^۲ وقتی دیوار مسجد کوفه از طرف خانه عبدالله بن مسعود خراب شود، در آن زمان، حکومت سفیانی تمام می شود. آگاه باش که خراب کننده آن، آن را نمی سازد.»

این اسرار الهی است که خداوند به پیامبران آموخته است.

روایات امام کاظم علیه السلام

«أَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ يَا جَابِرُ وَلَمَّا تَكَثَّرَ الْقَتْلَى بَيْنَ الْحِيرَةِ وَالْكُوفَةِ؛^۳ چگونه ممکن است زمان ظهور برسد در حالی که هنوز آن کشت و کشتار گسترده در میان کوفه و حیره اتفاق نیفتاده است؟»

طبق روایات، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون خروج سفیانی صورت

نمی گیرد. سفیانی خروج می کند و بین کوفه و حیره کشتار راه می اندازد و سپس قائم علیه السلام قیام می کند.

روایات امام رضا علیه السلام

عدهای از شیعیان گمان کردند که با قبول ولایت عهدی از طرف امام رضا علیه السلام، حکومت بنی عباس تمام شد و خلافت به آل محمد صلی الله علیه و آله می رسد و امام رضا علیه السلام، همان قائم است. یکی از اصحاب عرض کرد: مردم می گویند که سفیانی رفت و حکومت بنی عباس هم تمام شد. امام رضا علیه السلام فرمود:

«كَذَّبُوا إِنَّ السَّفِيَانِي لَيَقُومُ وَإِنَّ سُلْطَانَهُمْ لَقَائِمٌ؛^۴ دروغ می گویند. سفیانی هنوز قیام نکرده و حکومت آنها هنوز ادامه دارد.»

۱. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۲، بشارة الاسلام: ۱۴۲.

۲. غیبت نعمانی: ۱۴۷، الزام الناصب: ۱۸۴، بحار الانوار ۵۲: ۲۱۰، غیبت شیخ طوسی: ۲۷۱، ارشاد مفید: ۳۳۹، المهدی: ۱۹۶، بشارة الاسلام: ۱۲۱، الامام المهدی: ۲۳۳.

۳. ارشاد مفید: ۳۳۹، غیبت شیخ طوسی: ۲۷۱، بحار الانوار ۵۲: ۲۰۹، الامام المهدی: ۲۳۳.

۴. غیبت نعمانی: ۱۶۲، بحار الانوار ۵۲: ۲۵۱، بشارة الاسلام: ۱۶۲.

مهدی قائم علیه السلام حضرت

و الخلاص

«إِنَّ الشُّفْيَانِيَّ يُذْبِحُ عَلَى بَلَاطَةِ بَابِ ائِيلِيَاءَ؛^۱ سَفْيَانِي رَوَى تَخْتَهُ سَنَگِي دَر دَرَوَازَةُ ائِيلِيَا
سَر بَرِيدَهُ مِي شُود.»

دروازه ایلیا منطقه‌ای در کرانه دریاچه طبریه است و شاید همان ورودی فلسطین باشد که راه ایلیا از آنجا آغاز می‌شود.

«إِنَّهُ يُذْبِحُ عَلَى الصَّفَا الْمُتَعَرِّضَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ عِنْدَ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي بَطْنِ الْوَادِي عَلَى طَرْفِ دَرَجِ طُورِ زَيْنَا الْمُقَنْطَرَةِ. عَلَيْهَا يُذْبِحُ كَمَا تُذْبِحُ الشَّاةُ. فَالْخَائِبُ مَنْ خَابَ يَوْمَ كَلْبٍ، حَتَّى تُبَاعَ الْمَرْأَةُ بِشَمَانِيَّةٍ دَرَاهِمًا؛^۲ سَفْيَانِي رَوَى صَخْرَةَ ائِيلِيَا كَمَا فِي نَزْدِيكِي كَنِيسَةِ ائِيلِيَا فِي صَحْرَا فِي طَرْفِ بَلَهَائِي بَلِ طُورِ زَيْتُونِ بِي هِنَا كَذَا شَتَّ شُدَّ، مَانَنْدُ كُوسْفَنْدُ قَرْبَانِي مِي شُود. مَحْرُومُ كَسِي اِسْتَكَا اَز غَنَائِمِ رُوزِ كَلْبٍ مَحْرُومُ شُود، يَكُ زَنِّ بِي هَشْتِ دَر هَمِّ فَرُوحْتَهُ مِي شُود.»

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«فِي ذَلِكَ الْعَهْدِ يُقْتَلُ خَلِيفَةُ مَالَهُ فِي السَّمَاءِ عَادِرٌ وَلَا فِي الْأَرْضِ نَاصِرٌ؛^۳ دَر اَن زَمَانِ، خَلِيفَةُ ائِيلِيَا كُشْتَهُ مِي شُود كِه دَر اَسْمَانِ كَسِي عَذْرَا اَوْ رَا قَبُولِ نَمِي كَنْدُ و دَر زَمِينِ كَسِي اَز اَوْ حَمَايَتِ نَمِي كَنْد.»

روایات امام زمان علیه السلام

امام مهدی علیه السلام در توقیع شریفی که به ابراهیم بن مهزیار صادر فرموده، در پاسخ شکایت‌های او از ظلم حاکمان می‌نویسند:

«قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفِكُونَ كَانِي بِالْقَوْمِ وَقَدْ قَتَلُوا فِي دِيَارِهِمْ وَأَخَذَهُمْ أَمْرٌ رَيْبُهُمْ لَيْلًا أَوْ نَهَارًا؛^۴ خُدَاوَنْد اَن هَا رَا بَكُشْتِد، چَقْدَر نَادَانِ هَسْتَنْد، گُویی بَا چَشْمِ خُودِ اَن هَا رَا مِي بِنَسْمِ كِه دَر سَر زَمِينِ خُودِ كُشْتَهُ مِي شُوند و فَرْمَانِ پَرُور دِگَارْتِ دَر شَبِّ و رُوزِ بِي اَن هَا رَسِيدَهُ اِسْت.»

انجیل یوحنا

«فرشته ششم ندا داد که ناگهان آوازی از میان چهار شاخ قربانی طلایی که در حضور خداست شنیدم. به آن فرشته ششم که ندا سر داد، می‌گوید: آن چهار فرشته را که بر رود بزرگ فرات بسته‌اند، آزاد کن. آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین آماده شده‌اند تا این که یک سوم مردم را بکشند، آزاد می‌شوند.»^۵

«و تعداد سربازان سواره، دویست هزار بود که تعداد ایشان را شنیدم ... از این سه بلا

۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۴. ۲. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۴۹؛ بشارة الاسلام: ۲۷۲.

۳. منتخب الاثر: ۴۵۵؛ بحار الانوار ۵۲: ۲۴۰؛ بشارة الاسلام: ۱۷۹. ۴. بشارة الاسلام: ۱۷۲.

۵. انجیل، مکاشفه یوحنا، بخش نهم، بندهای ۱۵-۱۴.

دوران در هاب
در بندهای حضرت
مهدی قائم علیه السلام
بشارة الاسلام
۱۷۲

یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان بیرون می‌آید، یک سوم مردم نابود می‌شوند.^۱ او دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که با صدای بلند، همه مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند، صدا می‌زند و می‌گوید: بیایید و برای مهمانی بزرگ خدا آماده شوید. تا گوشت پادشاهان و گوشت فرماندهان و گوشت ظالمان و گوشت اسب‌ها و سواران آنها و گوشت همه را چه آزاد و چه غلام، چه کوچک و چه بزرگ را بخورند.^۲

این متن با روایات اسلامی مطابقت دارد که از مهمانی خدا برای پرندگان و حیوانات صحبت کرده است. فرشته‌ای که در آفتاب می‌ایستد، ظاهر شدن صورت انسان در خورشید است که قبلاً گفته شد.

بنابراین لشکر حضرت مهدی علیه السلام از فلسطین شرقی به عراق می‌آید، در کرانه‌های دریاچه طبریه با سپاه سفیانی روبرو می‌شوند که از عراق برمی‌گردند. دو سپاه با هم می‌جنگند که سفیانی شکست می‌خورد و همه سپاهیانش بدون استثنای کشته می‌شوند و فقط خودش می‌ماند. یکی از یاران امام مهدی علیه السلام به نام صیاح با گروهی از سپاهیان بر او حمله می‌کند و او را دستگیر می‌کنند و به محضر امام مهدی علیه السلام می‌آورند. وقتی او را می‌آورند که امام در حال خواندن نماز عشا هستند. نمازشان را کوتاه می‌کنند و به طرف او برمی‌گردند. سفیانی می‌گوید: «ای پسر عموا! مرا آزاد کن و برای خودت نگهدار تا یکی از یاران تو باشم.» حضرت مهدی علیه السلام به اصحاب خود می‌فرماید: «درباره او و سخنانش چه می‌گویید؟» همه می‌گویند: به خدا سوگند، فقط به کشتن او راضی هستیم؛ او عده زیادی را کشته است و به جان و مال و ناموس مردم تجاوز کرده است و حالا بخشش می‌خواهد!!

حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: هر کار می‌خواهید انجام دهید.

گروهی از یاران او را می‌گیرند و روی سنگی در کرانه دریاچه طبریه می‌خوابانند و مانند گوسفند او را قربانی می‌کنند. با کشتن او فتنه‌ها تمام می‌شود.

ح. دجال

برخی از صفاتی که درباره دجال در احادیث وارد شده، مثل کور بودن یک چشم و بیرون آمدن آن مانند دانه عناب و... مورد قبول نیست. روایات پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دجال قابل اطمینان است ولی نمی‌شود منظور از دجال چه کسی است. شاید اشاره به یکی از

مهدی قائم علیه السلام
در سپاه حضرت

۱

۲

۳

القائم المهدی علیه السلام

♦

رهبران یهودی دارد که همیشه در حال جنگ است و هر بلایی بخواهد بر سر مردم می آورد.

دجال از ماده «دجل» است و معنی آن: دروغگو، حقه باز و ریا کار است.

طبق احادیث دجال زمانی خروج می کند که حضرت مهدی علیه السلام بر سفیانی پیروز شده و وارد عراق شود، استانبول را فتح کرده، به فلسطین بیاید و به سوی عکا برود تا از این راه مصر و کشورهای آفریقایی را فتح فرماید.

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«مَنْ قَاتَلَنِي فِي الْأُولَىٰ وَ قَاتَلَ أَهْلَ بَيْتِي فِي الثَّانِيَةِ خَشَرَهُ اللَّهُ فِي الثَّلَاثَةِ مَعَ الدَّجَالِ؛

کسی که در ابتدا با من بجنگد و بعد هم با اهل بیت بجنگد، بار سوم خداوند او را با دجال محشور می کند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بار اول، برای رسالت جنگید و بار دوم، برای ارجاع حق به اهل بیت علیهم السلام و

بار سوم، سفیانی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می جنگد. خداوند هر سه را با دجال محشور می فرماید.

«يَخْرُجُ الدَّجَالُ مِنْ سِجِسْتَانَ؛^۱ دجال از سجستان خروج می کند.»

«إِنَّهُ يَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا يَهُودَاءُ وَ هِيَ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى أَصْفَهَانَ وَ بُلْدَةٌ

مِنْ بُلْدَانِ الْأَكَايِرَةِ، تَحْتَهُ جِمَارٌ أَقْمَرٌ، وَ هُوَ مَطْمُوسٌ الْعَيْنِ مَكْسُورُ الظُّفْرِ وَ النَّظَرِ، وَ

يَخْرُجُ مِنْهُ الْحَيَاتُ وَ هُوَ مَخْدُودٌ بِالظُّهْرِ، قَدْ صَوَّرَ كُلُّ سِلَاحٍ فِي يَدَيْهِ حَتَّى الرُّمْحُ وَ

الْقَوْسِ، يَخُوضُ الْبِحَارَ إِلَى الْكَعْبِ. وَ هُوَ قَصِيرُ الْقَامَةِ، كَهْلٌ، مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ: كَافِرٌ؛^۲

دجال از یکی از دهکده های اصفهان به نام یهودا خروج می کند، که آنجا از شهرهای

سلاطین ایرانی است و بر مرکبی سوار می شود که بسیار زشت است، چشمش کور

است، ناخن و استخوان پیشانی اش شکستگی دارد، مارها از بدنش بیرون می آیند،

پشتش قوز دارد، هر سلاحی حتی نیزه و کمان را در دست خود کج می کند، تا سینه در

دریا فرو می رود، کوتاه قد و کهنسال است و در میان دو چشمش نوشته شده: کافر.»

«يَمُكُّ أَبُو الدَّجَالِ ثَلَاثِينَ عَامًا لَا يُولَدُ لَهُ وَ لِرِوَجَتِهِ وَ لَدُّ ثُمَّ يُولَدُ لَهُمَا غُلَامٌ أَعْوَرٌ

أَخْرَسٌ، تَنَامُ عَيْنَاهُ وَ لَا يَنَامُ قَلْبُهُ. أَبُوهُ طَوِيلٌ كَثِيرُ اللَّحْمِ، كَانَ أَنْفُهُ مَنقَارًا، وَ أُمُّهُ إِمْرَأَةٌ

فَرْضَاخِيَّةٌ طَوِيلَةُ الْيَدَيْنِ؛^۳ پدر دجال سی سال زندگی می کند ولی صاحب فرزند

نمی شود، سپس پسری کور و لنگ به او داده می شود، که چشمانش می خوابد و دلش

مهدی قائم علیه السلام



مهدی قائم علیه السلام

مهدی قائم علیه السلام

۱. منتخب الاثر: ۱۲۲۵، الزام الناصب: ۱۶۴، الامام المهدي: ۱۲۱۷، بحار الانوار: ۵۲: ۲۲۲، بشارة الاسلام: ۵.

۲. صحيح مسلم: ۸: ۱۹۳، الزام الناصب: ۲۰۲ و ۲۲۸، ۳. الزام الناصب: ۷۳.

نمی خوابد، پدرش دراز قد و چاق است، دماغش مثل منقار است، مادرش زنی باشکم بزرگ و دست‌های دراز است.»

«بَيْنَ يَدَيْهِ ثَلَاثُ سَنَوَاتٍ: سَنَةٌ تُنْسِكُ السَّمَاءُ فِيهَا ثُلُثَ قَطْرِهَا، وَالْأَرْضُ ثُلُثَ نَبَاتِهَا، وَ سَنَةٌ تُنْسِكُ فِيهَا السَّمَاءُ ثُلُثِي قَطْرِهَا، وَالْأَرْضُ ثُلُثِي نَبَاتِهَا. وَ سَنَةٌ تُنْسِكُ فِيهَا السَّمَاءُ قَطْرَهَا كُلَّهُ، وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا كُلَّهُ، فَلَا يَبْقَى دَاتٌ ظَلْفٍ وَلَا دَاتٌ خِرْسٍ مِنَ الْبَهَائِمِ إِلَّا هَلَكَ. وَإِنَّ مِنْ أَشَدِّ فِتْنِهِ أَنْ يَأْتِيَ الْأَعْرَابِيَّ يَقُولُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَخْبَيْتُ لَكَ إِبْلَكَ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنِّي رَبُّكَ؟. فَيَقُولُ: بَلَى. فَيَمْتَلُ لَهُ نَحْوُ إِبْلِهِ كَأَحْسَنِ مَا يَكُونُ ضُرُوعًا وَأَعْظَمِيهِ أَسْنِمَةً! وَ يَأْتِي الرَّجُلَ قَدْ مَاتَ أَخُوهُ وَ مَاتَ أَبُوهُ فَيَقُولُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَخْبَيْتُ أَبَاكَ وَ أَخَاكَ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنِّي رَبُّكَ؟. فَيَقُولُ: بَلَى. فَيَمْتَلُ الشَّيَاطِينُ نَحْوَ أَبِيهِ أَوْ أَخِيهِ!»^۱ در آستانه خروج سفیانی، سه سال خشکسالی می‌آید: در سال اول، آسمان دو سوم بارانش را می‌فرستد و زمین دو سوم محصولش را می‌دهد. در سال دوم، آسمان یک سوم بارانش را می‌فرستد و زمین دو سوم محصولش را می‌دهد. در سال سوم، آسمان بارانی نمی‌فرستد و زمین محصولی نمی‌دهد. حیوانات سم‌دار و وزوزکننده از بین می‌روند. زشت‌ترین فتنه‌های او این است که نزد بادیه‌نشین می‌رود و می‌گوید: اگر شتر تو را زنده کنم، باور می‌کنی که من پروردگار تو هستم؟ می‌گوید: آری. سپس در برابر چشمانش، شترش را به بهترین شکل زنده می‌کند که با پستان‌های بسیار بزرگ و کوهان بسیار بلند دیده می‌شود! به کسی که پدرش یا برادرش مرده است می‌گوید: اگر پدرت و برادرت را زنده کنم، باور می‌کنی که من پروردگار تو هستم؟ می‌گوید: آری. سپس شیطان‌ها را به صورت پدر و برادر او در می‌آورد!!

«الْدَّجَالُ يُبْصِرُ بِأَخْرَى، طَوِيلُ الْقَامَةِ، أَرْزَقُ الْعَيْنَيْنِ، أَعْمَشُ، بِوَجْهِهِ أَثَرُ الْجُدْرِي، أَبْخَرُ الْقَمَّ كَبِيرُ الْأَسْنَانِ، مُقَلَّبُ الْأَطْفَرِ، أَجْدَرُ الْجِسْمِ لَا شَعْرَ فِي جَسَدِهِ، مُتَنَقِّعُ الرَّأْسِ، طَوِيلُ الْعُنُقِ، شَانِيءٌ أَصَابِعُهُ تَصِلُ حَدَّ كَفِّهِ. كَلَامُهُ لَهُ دَوِيٌّ، عَالِي الْأَكْتَابِ، طَارِحُ الْجَبْهَةِ، فِي إِحْدَى عَيْنَيْهِ عَيْبٌ، لِخَيْتِهِ بِشَاخَيْنِ تَصِلُ سُرَّتَهُ. عَبُوسٌ، شَرُوسٌ؛^۲ دجال با یک چشمش می‌بیند ولی با چشم دیگرش نمی‌بیند، قد بلند و چشمانی زاغ دارد که از آن‌ها آب می‌ریزد، صورتش آبله رو است و دهانش بوی بد می‌دهد، دندان‌هایش درشت است و ناخن‌هایش خمیده است. بدنش آبله دار و بی‌مو است، در سرش نشانه شکستگی دارد، گردنش دراز، اخلاقش زشت و انگشتانش بسیار بلند است که از وسط‌های کف دستش بیرون می‌آید، صدایش طنین دار، شانه‌هایش بلند

۱. الزام الناصب: ۱۸۱.

۲. الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۷۱، صحیح بخاری: ۹: ۶۰، صحیح مسلم: ۸: ۱۹۵، الزام الناصب: ۷۴، بشاره‌الاسلام: ۲۷۴.

و پیشانی اش پهن است، یکی از چشم‌هایش نابیناست. ریشش به سینه‌اش رسیده، مردی بد اخلاق و زشت است، روی مرکبی سوار است که خودش سرخ و پاهایش سبز است و میان دو گوشش بیست میل است!! سرش مانند کوهی بلند و پشتش متناسب با آن است. قدم‌هایش بیست میل است!! روی پیشانی‌اش دو سطر نوشته شده که هر مؤمنی آن را می‌خواند و هر کافری آن را تکذیب می‌کند. نوشته شده: هر کس از تو پیروی کند، بدبخت است و هر کس از تو جدا شود، خوشبخت است.

بیشتر لکشریانش از یهودیان و زنازادگان است. در طرف راست او کوهی سبز و در طرف چپش کوهی سیاه است که همراه او راه می‌روند و با او می‌ایستند. می‌گوید: این بهشت من است و این یکی جهنم من. هر کس از من پیروی کند، او را به بهشت می‌برم و هر کس نافرمانی کند، او را با شمشیر عذاب خود ادب می‌کنم.

«أَلَا أُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا عَنِ الدَّجَالِ مَا حَدَّثَ بِهِ نَبِيٌّ قَوْمَهُ؟ إِنَّهُ أَعْوَرٌ، وَإِنَّهُ يَجِيءُ مَعَهُ بِمِثْلِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ. وَإِنِّي أَنْذَرُكُمْ كَمَا أَنْذَرَ بِهِ نُوْحٌ قَوْمَهُ.. تَعْلَمُونَ أَنَّهُ أَعْوَرٌ، وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِأَعْوَرَ! آيا دربارهٔ دجال حدیثی بگویم که هیچ پیامبری به قوم خود نگفته است؟ یک چشم او نابیناست، و چیزی مانند بهشت و جهنم با خود حمل می‌کند، من شما را از او می‌ترسانم همان طور که حضرت نوح علیه السلام قومش را بیم داد. من شما را از او بیم می‌دهم و همه پیامبران از او بر حذر داشته‌اند. ولی من به شما چیزی می‌گویم که هیچ پیامبری به قوم خود نگفته است: می‌دانید که او نابیناست و خداوند نابینا نیست. دجال تا نزدیکی مدینه می‌آید و آنگاه سه زلزله در مدینه اتفاق می‌افتد، پس هر کافر و منافقی از شهر بیرون می‌رود و وحشت از دجال وارد مدینه نمی‌شود. آن روز مدینه هفت دروازه دارد، که هر کدام دو فرشته نگهبان دارد. چشم راست او نابیناست و مانند یک دانه عناب است.»

در این حدیث، اضطراب و نگرانی هست و نمی‌تواند سخن یک مرد شایسته باشد. در روایات دیگری آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز از فتنهٔ دجال به خدا پناه می‌برد و به یارانش می‌فرمود:

«إِنَّ مَعَهُ نَارًا وَ نُورًا. فَنَارُهُ مَاءٌ بَارِدٌ، وَ مَأْوُهُ نَارٌ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَقَعْ فِي الدِّي يَزِي أُنْهَاهَا نَارٌ، فَإِنَّهُ عَذَابٌ بَارِدٌ! همراه او آتش و نوری هست، آتش او آب خنک است و آب او آتش است. هر کس از شما شیعیان آن زمان را درک کند، خود را به آنچه که آتش به نظر می‌رسد، می‌اندازد که آنچه آتش تصور شود، آب گوارایی است!!»

دوران دهاب
در پناه حضرت
مهدی قائم
مومنان

این مطلب دور از واقعیت است و گمان نمی‌کنم که پیامبر ﷺ این تعبیر را فرموده باشد.

«الدَّجَالُ رَجُلٌ ضَخْمٌ عَرِيضٌ، لَيْسَ مَا بَيْنَ خَلْقِ آدَمَ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ خَلْقٌ أَكْبَرَ مِنْهُ؛^۱ دجال مردی درشت و چاق است و میان آفریده‌های خدا از حضرت آدم ﷺ تا پایان جهان، کسی بزرگ‌تر از او نیست.»

«إِنَّهُ لَمْ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ، مُنْذُ ذَرَأَ اللَّهُ ذُرِّيَّةَ آدَمَ، أَعْظَمَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ!.. وَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا حَذَرَ أُمَّتَهُ الدَّجَالَ، وَأَنَا آخِرُ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَمِ، وَهُوَ خَارِجٌ فِيكُمْ لَا مَحَالَةَ؛^۲ از روزی که خداوند فرزندان حضرت آدم ﷺ را آفریده است، فتنه‌ای بالاتر از فتنه دجال نیست. خداوند پیامبری نفرستاده مگر این که امت خود را از فتنه دجال بیم داده است. من آخرین پیامبر و شما آخرین امت هستید، بی‌شک او میان شما خروج خواهد کرد.»

«مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَانذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ الْأَعْوَرَ الْكَذَّابَ؛^۳ هیچ پیامبری نیست مگر این که امتش را از دجال دروغگوی نابینا بیم داده است.»

«أَيُّهَا النَّاسُ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَخَّرَهُ إِلَى يَوْمِكُمْ هَذَا فَمَهْمَا تَشَابَهَ عَلَيْكُمْ مِنْ أَمْرِهِ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ إِنَّهُ يَخْرُجُ عَلَى حِمَارٍ عَرَضٌ مَا بَيْنَ أُذُنَيْهِ مِيلٌ يَخْرُجُ وَمَعَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ وَجَبَلٌ مِنْ خُبْرٍ وَنَهْرٌ مِنْ مَاءٍ أَكْثَرُ أَتْبَاعِهِ الْيَهُودُ وَالنِّسَاءُ وَالْأَعْرَابُ يَدْخُلُ آفَاقَ الْأَرْضِ كُلِّهَا إِلَّا مَكَّةَ وَلا بَيْتِيهَا وَالسَّمْدِيَّةَ وَلا بَيْتِيهَا فَإِنَّهُمَا مُحَرَّمَتَانِ عَلَيْهِ؛^۴ ای مردم! خداوند پیامبری را نفرستاده مگر این که قوم خود را از دجال بیم داده است و خداوند او را برای زمان شما نگه داشته است. اگر درباره کارهای او شک دارید، بدانید که خدای شما کور نیست. او روی مرکبی می‌آید که بین دو گوشش یک میل فاصله است. او خروج می‌کند در حالی که بهشت و جهنم را با خود همراه دارد و کوهی از نان و رودخانه‌ای از آب را با خود می‌آورد. بیشترین پیروانش، از یهود و زنان و بادیه‌نشینان است؛ به همه جای جهان وارد می‌شود به جز مکه و اطراف آن، و مدینه و اطراف آن. زیرا مکه و مدینه بر او حرام است.»

«مِنَ الْمُحَرَّمِ عَلَى الدَّجَالِ أَنْ يَدْخُلَ بَقَابَ الْمَدِينَةِ لِأَنَّهَا تَنْفِي الْخَبَثَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ وَ لِأَنَّهَا لَا يَقْرَبُهَا الطَّاعُونَ وَ لا الدَّجَالَ؛^۵ از چیزهایی که بر دجال حرام است: ورود به راه‌های کوهستانی مدینه، که آنجا سرزمین مقدس است و مثل ذوب

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام
فی ظلال القرآن

۱. الزام الناصب: ۷۴؛ الحاوی للفتاوی: ۲: ۱۷۱؛ صحیح بخاری: ۹: ۶۰. ۲. المهدي: ۱۹۲؛ الزام الناصب: ۷۴؛ صحیح بخاری: ۹: ۶۰. ۳. الزام الناصب: ۷۴؛ صحیح بخاری: ۹: ۶۰. ۴. صحیح بخاری: ۹: ۶۱؛ صحیح مسلم: ۴: ۱۲۰؛ منابع الموده: ۳: ۱۶۵؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۹۴؛ منتخب الانوار: ۴۶۰؛ البیان: ۱۰۴؛ کشف الغم: ۳: ۲۶۰؛ الزام الناصب: ۷۴. ۵. همان: ۱۲.

شدن آهن در کوره آهنگری، زشتی را نابود می‌کند. آنجا سرزمینی است که طاعون و دجال بر آنجا وارد نمی‌شود.»

وقتی دجال به مدینه نزدیک شود، مدینه می‌لرزد.

«لَا يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ رُغْبُ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ. وَ لَهَا يَوْمَئِذٍ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ، لِكُلِّ بَابٍ مَلَكَانٍ؛ وَ حَشَّتْ مِنْ دَجَالٍ، وَ ارْدَ مَدِينَةَ نَمِي شُود. أَنْ رُوز، مَدِينَةَ سَهْ دَرُوزَه دَارِدُ وَ هَر كَسَامِ دُو فَرَشْتَه نَگَهَبَان دَارِد.»

«عَلَى نِقَابِ الْمَدِينَةِ مَلَائِكَةٌ لَا يَدْخُلُهَا الطَّاعُونَ وَ لَا الدَّجَالُ؛ بَرَاهَاي كُوهِسْتَانِي مَدِينَةَ فَرَشْتَاگان نَگَهَبَان هَسْتَنْد كِه طَاعُون وَ دَجَال وَ ارْد آن هَا نَشُونَد.»

«يَأْتِي وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْهِ أَنْ يَدْخُلَ نِقَابَ الْمَدِينَةِ فَيَنْتَهِي إِلَى بَعْضِ السَّبَاحِ الَّتِي تَلِي الْمَدِينَةَ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ يَوْمَئِذٍ رَجُلٌ هُوَ خَيْرُ النَّاسِ أَوْ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ فَيَقُولُ أَشْهَدُ أَنَّكَ الدَّجَالُ الَّذِي حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَدِيثَهُ فَيَقُولُ الدَّجَالُ أَرَأَيْتُمْ إِنْ قَتَلْتُ هَذَا ثُمَّ أَخْبَيْتَهُ أَ تَشْكُرُونَ فِي الْأَمْرِ فَيَقُولُونَ لَا قَالَ فَيَقْتُلُهُ ثُمَّ يُخَيِّبُهُ فَيَقُولُ جِئِن يُخَيِّبِهِ وَ اللَّهُ مَا كُنْتُ فِيكَ قَطُّ أَشَدَّ بَصِيرَةً مِنِّي الْآنَ قَالَ فَيُرِيدُ الدَّجَالُ أَنْ يَقْتُلَهُ فَلَمَّا يُسَلِّطُ عَلَيْهِ؛^۳ بَر دَجَال حَرَامِ اسْت كِه وَ ارْد رَاهَاي كُوهِسْتَانِي مَدِينَةَ شُود، بِنَابِرَايِن بَه وَ ادي هَاي نَزْدِيكِ آن مِي آيِد، دَر آنجَا مَرْدِي از بَهْتَرِيِن مَرْدَم بَه سُوِي او خَارِج مِي شُود وَ مِي گُوِيْد: مَن گُوَاهِي مِي دَهْم كِه تُو دَجَال هَسْتِي. دَجَال مِي گُوِيْد: مَن اِگَر اِيِن مَرْد رَا بَكْشَم وَ سَبَس زَنْدَه كَنَم، آيَا دَر بَارَه اِيِن اَمْر بَا ز هَم شَك مِي كَنِيْد؟ اِ مَرْدَم مِي گُوِيْنْد: نَه. پَس او رَا مِي كَشْد وَ سَبَس زَنْدَه مِي كَنْد. وَ قْتِي او رَا زَنْدَه مِي كَنْد، او مِي گُوِيْد: هَر كَز عَقِيْدَه مَن نَسَبْت بَه شَمَا تَغْيِيْر نَكْرَدَه، قَبْلًا هَم هَمِيِن طُور تُو رَا مِي شَنَاخْتَم كِه الْاِن مِي شَنَاَسَم. دَجَال تَصْمِيْم مِي گِيْرِد كِه بَار دِيْگَر او رَا بَكْشَد، و لي خُدَاوَنْد دِيْگَر او رَا مَسْلَط نَمِي كَنْد.»

شاید آن مرد، حضرت خضر عليه السلام باشد.

روزی که جهان بشریت از فتنه دجال رهائی یابد «روز رهایی» نامیده می‌شود.

«وَ لَيَهِيْطَنَّ الدَّجَالُ حَوْلَ كِرْمَانٍ، فِي قَوْمٍ يَلْبَسُونَ الطَّيَالِسَةَ وَ يَنْتَعِلُونَ الشُّغْرَةَ؛^۴ دَجَال بَا گَرُوَهِي كِه سَبَز يَهُود وَ كَفَش مَوِيْن مِي پُوشَنْد، دَر اَطْرَافِ كِرْمَانِ فَرُود مِي آيِد.»
«يَهِيْطُ الدَّجَالُ كُلَّ قَرْيَةٍ عَامِرَةٍ فِي الدُّنْيَا اَثْنَاءَ الْمُدَّةِ الَّتِي يَسِيْحُهَا فِي الْأَرْضِ؛^۵ دَر مَدْتِي كِه دَجَال رُوي زَمِيْن گَرْدَش مِي كَنْد، بَه هَمَه شَهْرَهَايِ اَبَاد وَ ارْد مِي شُود.»

در پناه حضرت مهدی قائم عليه السلام

۱. الملاحم والفتن: ۱۴۶؛ بشارة الاسلام: ۱۵ و ۲۹۵؛ منتخب الاثر: ۴۶۰؛ ينابيع الموده: ۳: ۱۶۵؛ صحيح مسلم ۴: ۱۲۰؛ كشف الغمه ۳: ۲۶۰. ۲. الزام الناصب: ۱۸۱ و ۲۶۱؛ صحيح بخاری ۹: ۶۱؛ البيان: ۱۰۴. ۳. منتخب الاثر: ۴۶۱؛ صحيح مسلم ۸: ۱۹۹؛ الزام الناصب: ۸۵؛ نور الابصار: ۱۶۹؛ صحيح بخاری ۹: ۶۰. ۴. الملاحم والفتن: ۶۹؛ الزام الناصب: ۲۶۱؛ بشارة الاسلام: ۴۵. ۵. بشارة الاسلام: ۴۵؛ الملاحم والفتن: ۱۲۶؛ الزام الناصب: ۲۶۱.

«يَتَّبِعُهُ سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الْأَثْرَاكِ وَالْيَهُودِ وَأَوْلَادِ الزَّنَا. وَالْمُذْمِنُونَ عَلَى الْخَمْرِ وَالْمُغْتَوُونَ وَأَصْحَابُ اللَّهْوِ وَالْأَعْرَابِ، وَالنِّسَاءُ. وَهُوَ يَمُرُّ بِالْخِزْيَةِ فَيَقُولُ لَهَا: أَخْرِجِي كُنُوزَكَ، فَتَتَّبِعُهُ كُنُوزُهَا! هفتاد هزار ترک، یهود، زنازاده، خواننده، نوزانده، بادیه نشین و زن از او اطاعت می کنند. به هر خرابه ای برسد می گوید: گنج هایت را آشکار کن. پس هر گنجی دارد، آشکار می شود.»

«الدَّجَالُ رَجُلٌ عَرِيضٌ، عَيْنُهُ الْيُمْنَى مَطْمُوسَةٌ، وَالْيُسْرَى كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ، بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ: كَافِرٌ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ. يَخْرُجُ وَيَدَّعِي أَنَّهُ الرَّبُّ وَلَا يَسْمَعُهُ أَحَدٌ إِلَّا تَبِعَهُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ، فَيَقُولُ: هَذِهِ جَنَّتِي لِمَنْ سَجَّ لِي، وَمَنْ أَبِي أَدْخَلْتُهُ النَّارَ؛^۱ دجال مرد چاقی هست، چشم راستش معیوب است، چشم چپش مانند ستاره می درخشد. هر کس صدایش را بشنود، از او پیروی می کند به جز کسانی که خداوند آن ها را نگه دارد. بهشت و دوزخ خواهد داشت که خواهد گفت: این بهشت من، برای کسانی است که مرا سجده کنند، و این جهنم من برای کسانی است که از سجده کردن به من، خودداری کنند.»

«عِنْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ تَهَبُّ رِيحٌ عَادٍ، وَتُسْمَعُ صَيْحَةُ قَوْمٍ صَالِحٍ، وَيَكُونُ مَسْخُ كَمَسْخِ أَصْحَابِ الرَّسِّ. وَهُوَ يَخْرُجُ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا: دَارِسٌ. يَخْرُجُ عَلَى حِمَارٍ، مَطْمُوسِ الْعَيْنِ، مَكْسُورِ الظُّفْرِ، يَخُوضُ الْبِحَارَ إِلَى كَفْبَةٍ. يَدْخُلُ كُلُّ بَلَدٍ إِلَّا أَرْبَعَ مَدُنٍ: مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَالْقُدْسَ وَطَرَسُوسَ. وَيَنْزِلُ عِيسَى عليه السلام وَيَكُونُ قَتْلُهُ عَلَى يَدَيْهِ بِحَرْبَةٍ يُنْزِلُهَا مَعَهُ، وَيَكُونُ تَجَوُّلُهُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعِينَ يَوْمًا: يَوْمٌ كَسَنَةٍ، وَيَوْمٌ كَشَهْرِ، وَيَوْمٌ كَجُمُعَةٍ، وَسَائِرُ أَيَّامِهِ كَأَيَّامِ النَّاسِ وَيَقْتُلُهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ بَابِ لُدٍّ؛^۲ وقتی دجال خروج کند، طوفانی مثل طوفان قوم عاد، و بانگی مثل بانگ قوم صالح، و نابودی مثل نابودی اصحاب رس اتفاق می افتد. وی از مشرق از دهکده ای به نام «دارس» خروج می کند، بر مرکبی نابینا و سم شکسته سوار می شود که تا سینه در آب فرو می رود. به هر شهری وارد می شود به جز چهار شهر: مکه و مدینه و قدس و طرسوس. سپس حضرت عیسی عليه السلام نزول می کند و دجال به دست او کشته می شود با وسیله ای که با خودش موقع نزول می آورد. دجال مدت چهل روز در زمین گردش می کند که یک روز از آن مثل یک سال و یک روزش مثل یک ماه و دیگر روزهایش مثل روزهای معمولی است. حضرت عیسی عليه السلام او را در باب لُد (در فلسطین) می کشد.»

در بیان حضرت
القا المهدی علیه السلام

۱. الزام الناصب: ۲۰۲ و ۲۶۱؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۹۴؛ الملاحم والفتن: ۶۶.
۲. صحیح بخاری: ۹: ۶۰؛ بتایع الموده: ۳: ۶۶؛ بشارة الاسلام: ۲۲۸؛ صحیح مسلم: ۸: ۱۹۸؛ کشف الغمه: ۳: ۲۷۴.
۳. بتایع الموده: ۳: ۱۳۶؛ بشارة الاسلام: ۲۷۴؛ الزام الناصب: ۲۲۸؛ صحیح مسلم: ۸: ۱۹۸؛ کشف الغمه: ۳: ۲۷۴.

يُنَادِي بِصَوْتٍ عَالٍ يُسْمَعُ بَيْنَ الْخَافِقِينَ وَيَبْلُغُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَيَقُولُ: إِلَيَّ يَا أَوْلِيَاءِي. أَنَا الَّذِي خَلَقَ قَسْوَى، وَقَدَّرَ فَهْدَى، أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى! هَذِهِ جَنَّةٌ لِمَن سَجَدَ لِي، وَمَن أَبِي أَدْخَلْتُهُ النَّارَ! كَذَبَ عَدُوُّ اللَّهِ، إِنَّهُ أَعْوَرٌ، وَرَبُّكُمْ لَسَيِّسٌ بِأَعْوَرَ!^۱ از شهر اصفهان، از دهکده‌ای به نام «یهودیه» خروج می‌کند که چشم راستش میوب و چشم دیگرش مانند ستاره صبح بر پیشانی‌اش می‌درخشد. انگار در چشم چپش زالوی آغشته با خون است. میان دو چشمش نوشته شده: «کافر». هر باسواد و بی‌سوادی آن را می‌خواند. وارد دریاها می‌شود و بر روی دریا حرکت می‌کند و دوکوه از دود در برابرش حرکت می‌کند و کوه سفیدی در پشت سرش که مردم گمان می‌کنند که خوراکی است. در سال قطعی خروج می‌کند و بر مرکبی سرخ به طول هفتاد ذراع سوار می‌شود. قدم‌هایش به اندازه یک میل است، زمین در زیر پاهایش درنوردیده می‌شود. از روی آب عبور می‌کند و آن آب خشک می‌شود. با صدای بلند باتگ می‌زند که همه شرق و غرب می‌شنود: ای دوستان و علاقمندان! به سوی من بشتابید که من همان آفریدگاری هستم که جهان را آفرید و کامل کرد و هدایت نمود. من پروردگار بلندمرتبه شما هستم، این بهشت من است برای کسی که مرا سجده کند و هر کس را که نافرمانی کند به دوزخ می‌برم! دشمن خدا دروغ می‌گوید، او کور است و خداوند کور نیست.»

امام صادق علیه السلام فرموده است که او در دهه اول ماه رجب خروج می‌کند.

خدای پاک و پاکیزه و بی‌نیاز است و همتا ندارد، فرزندی ندارد و فرزند کسی نیست. او در زمان و مکان محدود نمی‌شود و ماده نیست که تجسم شود. ولی کافران، خدا را غیر از این تصور می‌کنند و در نادانی و گمراهی به سر می‌برند.

«أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَعْصِ الزَّمَانُ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَجْهَرُوا الْإِخْوَانُ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَنْظِمِ السُّلْطَانُ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَقُمْ الزَّنْدِيقُ مِنْ قَرْوِينَ قَبْهِتِكَ سُتُورَهَا وَيُكْفَرُ صُدُورَهَا وَيُغَيِّرُ سُورَهَا وَيَذْهَبَ بِبَهْجَتِهَا مَنْ قَرَّ مِنْهُ أَدْرَكَهُ وَمَنْ حَارَبَهُ قَتَلَهُ وَمَنْ اعْتَرَلَهُ افْتَقَرَ وَمَنْ تَابَعَهُ كَفَرَ حَتَّى يَقُومَ بَاكِيَانِ بَاكِ يَبْكِي عَلَيَّ دِينِهِ وَبَاكِ يَبْكِي عَلَيَّ دُنْيَاهُ!»^۲ چگونه ممکن است مهدی ظهور کند در حالی که هنوز روزگار سخت نشده است؟ چگونه ممکن است در حالی که هنوز دوستان و برادران ظلمی نکرده‌اند؟ چگونه ممکن است در حالی که هنوز پادشاهی ستم نکرده است؟ چگونه ممکن است در حالی که هنوز زندیق از قزوین خروج نکرده است تا پرده‌ها را بدرود و بزرگان را کافر بنامد و حدود را تغییر دهد و طراوت آن را از بین ببرد؟ هر کس از او فرار کند، او را

۱. الصواعق المحرقة: ۱۶۵؛ بحار الانوار: ۵۲، ۱۹۳؛ الزام الناصب: ۱۸۰؛ بشارة الاسلام: ۴۴؛ الملاحم والفتن: ۷۷.

۲. غیبت شیخ طوسی: ۲۶۹؛ منتخب الاثر: ۴۲۱؛ بحار الانوار: ۵۲، ۲۱۲؛ بشارة الاسلام: ۶۵؛ الامام المهدي: ۲۳۱؛ ینایع الموده: ۳، ۶۶.

در پناه حضرت
علیه السلام
السلام
علیه السلام

می‌گیرد. هر کس با او بجنگد، او را می‌کشد. هر کس از او دوری کند، افتخاری کسب می‌کند. هر کس از او اطاعت کند، کافر می‌شود. سپس مردم به دو دسته گریان تقسیم می‌شوند، دسته‌ای برای دینش گریه می‌کند و دسته دیگر برای دنیايش.

مکان خروج دجال در روایات به طور دقیق مشخص نشده است.

«أَلَا وَإِنَّ أَكْثَرَ أَتْبَاعِهِ يَوْمَئِذٍ أَوْلَادُ الزَّوْنِ وَأَصْحَابُ الطَّيَالِسَةِ الْخُضْرِ يَقْتُلُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالشَّامِ عَلَى عَقَبَةٍ تُعْرَفُ بِعَقَبَةِ أَفِيْقٍ لثَلَاثِ سَاعَاتٍ مَضَتْ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ عَلَى يَدِ مَنْ يُصَلِّي الْمَسِيْحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلَقَهُ؛^۱ آگاه باشید که بیشتر یارانش فرزندان نامشروع و اصحاب سبزپوش یهودیان می‌باشند. خداوند او را در گردنه «افیق» به دست کسی که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می‌خواند، سه ساعت گذشته از روز جمعه نابود می‌کند.»

«افیق» دهکده‌ای در فلسطین بین حوران و غوربیسان در نزدیکی شهر «لد» می‌باشد.

«يَبْرُزُ الدَّجَالُ وَمَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ يَهُودِيٍّ كُلُّهُمْ ذُو سِلَاحٍ مُخَلَّاةٍ. فَإِذَا نَظَرَ الدَّجَالُ إِلَى عِيسَى ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرِّصَاصُ فِي النَّارِ ثُمَّ يُوَلِّي هَارِبًا، فَيَقُولُ عِيسَى: إِنَّ لِي فِيكَ ضَرْبَةٌ لَنْ تَفُوتَنِي بِهَا، فَيُدْرِكُهُ فَيَقْتُلُهُ، فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ يَتَوَازَى بِهِ يَهُودِيٌّ إِلَّا أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَا حَجَرَ وَلَا دَابَّةً إِلَّا قَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ الْمُسْلِمِ، هَذَا يَهُودِيٌّ فَاقْتُلْهُ، إِلَّا الْفَرَقْدَ فَإِنَّهَا مِنْ شَجَرِهِمْ فَلَا تَنْطِقُ؛^۲ دجال با هفتاد هزار یهودی خروج می‌کند که همه آن‌ها کاملاً مسلح هستند. وقتی دجال به حضرت عیسی علیه السلام نگاه کند، ذوب می‌شود آن گونه که سرب در آتش ذوب می‌شود. سپس به او پشت کرده و فرار می‌کند. حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: من به تو ضربه‌ای می‌زنم که هرگز از دست من خلاص نمی‌شوی. پس به او می‌رسد و او را با شمشیر می‌کشد. دیگر چیزی از آفریده‌های خدا پیدا نمی‌شود که یهودیان در زیر آن مخفی شوند مگر این که به خواست خدا به حرف درآمده و می‌گوید: ای مسلمان! اینجا یک نفر یهودی هست، او را بکش. هر سنگی و هر جنینده‌ای مخفیگاه آن‌ها را بیان می‌کند، جز «غرقده» که از درختان آن‌هاست و حرف نمی‌زند.»

در زمان حکومت مهدی علیه السلام یک نفر یهودی روی زمین نمی‌ماند و اگر در دل سنگی

مخفی شود، آن سنگ سخن می‌گوید: ای بنده خدا! در دل من یهودی هست، مرا بشکاف و آن را درآور.

در حضور مهدی قائم علیه السلام

در الحاضر

۱. الزام الناصب: ۱۸۰؛ بشارة الاسلام: ۲۵؛ منتخب الاثر: ۲۲۸؛ بحار الانوار: ۵۲: ۱۹۴.

۲. كشف الغممة: ۳: ۲۷۳؛ بشارة الاسلام: ۲۷۵؛ الزام الناصب: ۲۰۲؛ صحيح مسلم: ۸: ۲۹۶؛ الملاحم والفتن: ۶۶.

دجال رمز یکی از رهبران گروه‌های گمراه است که با لشکریان مسلح ظلم می‌کند و فکر می‌کند که نابود نمی‌شود. اما حضرت مهدی علیه السلام او را از پای درمی‌آورد.

روایات امام باقر علیه السلام

«الدَّجَالُ يَخْرُجُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مِنْ مَدِينَةِ خُرَاسَانَ ثُمَّ يَهْبِطُ حَدَرَ كِرْمَانَ فِي ثَمَانِينَ أَلْفًا، وَأَتْبَاعُهُ كَأَنَّ وَجُوهُهُمْ الْمَجَانُ الْمُطْرَقَةُ؛^۱ دجال از طرف مشرق از شهر خراسان خروج می‌کند، سپس با هشتاد هزار نفر به جلگه کرمان می‌آید، صورت لشکریانش مانند سپرهایی است که پوست روی آن کشیده باشند.»

بنابراین عده‌ای از سپاهیان از چین و خاور دور هستند.

روزی یک نفر خراسانی خدمت امام باقر علیه السلام رسید. امام فرمود:

«يَا خُرَاسَانِي تُعْرِفُ وَادِي كَذَا وَكَذَا قَالَ نَعَمْ قَالَ لَمْ تُعْرِفْ صَدْعًا فِي الْوَادِي مِنْ صِفَتِهِ كَذَا وَكَذَا قَالَ نَعَمْ قَالَ مِنْ ذَلِكَ يَخْرُجُ الدَّجَالُ؛^۲ ای خراسانی آیا چنین منطقه‌ای را می‌شناسی؟ گفت: آری. فرمود: آیا در آنجا قبیله‌ای با این خصوصیات می‌شناسی؟ گفت: آری. فرمود: دجال از آن‌ها خروج می‌کند.»

«يَخْرُجُ بَعْدَ جُفَافِ مَاءِ بَحِيرَةِ طَبْرِتَيْهَ؛^۳ دجال پس از خشک شدن دریاچه طبریه خروج می‌کند.»

اگر دریاچه طبریه خشک شود، یکی از نشانه‌های درستی سخن پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود که در آن زمان که این دریاچه پرآب بوده از آن خبر داده است.

روایات امام صادق علیه السلام

«يَضْرُحُ بِصَوْتٍ يَسْمَعُهُ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ: هَذِهِ جَنَّتِي لِمَنْ سَجَدَ لِي، وَمَنْ أَبَى أَدْخَلْتُهُ النَّارَ؛^۴ دجال صدا می‌زند که این بهشت من است برای کسی که به من سجده کند. هر کس خودداری کند، او را به جهنم می‌برم. این فریاد را همه انس و جن می‌شنوند.»

امروزه از طریق میکروفن یا بلندگو می‌توان صدا را به گوش همه جهانیان رساند. «... وَهُوَ يُعْطَى مَنْ يَقْرَأُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَيَتَّبَعُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ سَبْعُونَ أَلْفًا، وَيَتَّبَعُهُ أَسْوَأُ النَّاسِ؛^۵ هر کس از او اطاعت کند، به او انفاق می‌کند. بنابراین هفتاد هزار نفر از بیچاره‌ترین مردمان از اصفهان از او پیروی می‌کنند.»

«الْقَائِمُ يَقْتُلُ الدَّجَالَ وَ يَصْلِيهِ عَلَى كَنَاسَةِ الْكُوفَةِ؛ قائم علیه السلام دجال را می‌کشد و او را در کناسه کوفه دار می‌زند.»

۱. الملاحم والفتن: ۱۲۶. ۲. بحار الأنوار: ۵۲: ۱۹۰. ۳. الزام الناصب: ۲۶۱. ۴. الزام الناصب: ۲۶۱.

۵. نتائج الموده: ۳: ۶۶، منتخب الآثار: ۴۸۰.

پس دجال در عراق کشته می شود.

«يَوْمُ النَّيْرُوزِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَيُظْفِرُهُ اللَّهُ تَعَالَى بِالدَّجَالِ فَيُضِلُّهُ عَلَى كُنَاسَةِ الْكُوفَةِ؛ رَوْزِ نَوْرُوزِ رَوْزِي اسْتِ كِه خَدَاوَنْدِ دَرِ آن رَوْزِ قَائِمِ اَهْلِ بَيْتِ وَ آخِرِينَ وَ لِي اَمْرًا بَرِ دَجَالِ پِي رَوْزِ مِي كَنْدِ وَ اَوْرَا دَرِ كُنَاسَةِ كُوفِه دَارِ مِي زَنْدِ.»
«يَقْتُلُهُ صَاحِبُ الْأَمْرِ لثَلَاثِ سَاعَاتٍ مَضَتْ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ؛ صَاحِبِ الْأَمْرِ اَوْرَا سَه سَاعَتِ از صَبِيحِ جُمُعَه گزشته هَلَاكِ مِي كَنْدِ.»

خدا می داند که کدام یک از این احادیث جعلی است و کدام واقعی؟

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

«مَنْ كَذَّبَ بِالدَّجَالِ فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ؛^۱ هَر كَسِ دَجَالِ رَا اِنْكَارِ كَنْدِ، كَافِرِ مِي شُودِ وَ هَر كَسِ مَهْدِي رَا اِنْكَارِ كَنْدِ، كَافِرِ مِي شُودِ.»

تسالونیکي دوم

در انجیل آمده است:

«زیرا این انصاف است که خدا عذاب کنندگان شما را عذاب دهد. و شما را که عذاب می کشید با مراحمت بخشد. وقتی عیسی عليه السلام خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود.»^۲

«و آن ازدها را که قدرت به وحش داه بود پرستش کردند و وحش را سجده کرده و گفتند: چه کسی مثل وحش است و چه کسی با او بتواند بجنگد.»^۳

«و معجزات بزرگی اتفاق می افتد تا آتش را نیز از آسمان در حضور مردم به زمین فرود آورد. و ساکنان زمین را گمراه کند.»^۴

«و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز به حکومت نرسیده اند. بلکه یک ساعت با وحش مانند پادشاهان قدرت پیدا می کنند. این ها هم نظر هستند و نیروی خود را به وحش می دهند.»^۵

«و فرشته را که در آفتاب ایستاده بود، دیدم که با صدای بلند همه مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند، صدا کرده و می گوید: بیاید و در مهمانی بزرگ خدا حاضر شوید تا گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت ظالمان و گوشت اسب ها و سواران آن ها و گوشت همه، چه آزاد و چه غلام، چه کوچک و چه بزرگ را بخورید. دیدم وحش

مهدی قائم عليه السلام در حضور

بهار الانوار

۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۸؛ بشارة الاسلام: ۱۹۳. ۲. الحاوی للفتاوی ۲: ۱۶۱.

۳. انجیل، رساله دوم پولس رسول به تسالونیکیان، باب اول بندهای ۶ و ۷.

۴. انجیل، مکاشفه یوحنا رسول، باب سیزدهم، بند ۲. ۵. انجیل، مکاشفه یوحنا، باب سیزدهم، بندهای ۱۳ و ۱۲.

۶. انجیل، مکاشفه یوحنا، باب هفدهم، بندهای ۱۲ و ۱۳.

و پادشاهان زمین و لشکرهای ایشان را که جمع شده بودند تا با اسب سوار و لشکر او بجنگند. دجال پیامبر دروغی که با او همراه است را دستگیر می‌کند. پیامبری که آیات را تحریف کرده و کسانی که از دجال اطاعت کرده‌اند، گمراه کرده است و این دو نفر، زنده در دریاچه طبریه انداخته می‌شوند و بقیه با شمشیری که از دهان اسب سوار بیرون می‌آمد کشته شدند و همه پرنندگان از گوشت آنها سیر می‌شوند.^۱

طبق این مطلب، دجال همان سفیانی است که لشکریانش در کنار دریاچه طبریه کشته می‌شوند و خودش هم کنار دریاچه طبریه کشته می‌شود و جنگ حق و باطل تمام می‌شود و باطل نابود می‌گردد. منظور از مرکب عجیب او، همان ناوهای جنگی امروز باشد که دهها فروند هواپیما می‌تواند روی آنها سوار شود.

فهرست اعلام

ابوالحسن اموی: ۵۷۷	آبتین: ۱۳۴
ابوالحسن سمري: ۱۶۰، ۱۶۲	آدم <small>عليه السلام</small> : ۸۲، ۹۸، ۱۵۴، ۳۱۹، ۴۵۱، ۶۱۲
ابوحمزہ: ۳۴۸	آيت الله خويي: ۳۱۸
ابوراجح حمامي: ۸۵	ابان بن تغلب: ۳۵۳
ابوسفیان: ۵۴۵، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۸۶، ۵۹۳	ابراهيم <small>عليه السلام</small> : ۲۷، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۴۰
ابوطالب <small>عليه السلام</small> : ۱۰۸، ۴۲۹، ۴۶۶	۲۶۹، ۲۹۸، ۳۱۹، ۳۵۱، ۵۱۰، ۵۵۵
ابوغانم: ۸۰	ابراهيم بن محمد تبريزي: ۸۴
ابولهيب: ۳۲۰	ابراهيم بن مهزيار: ۸۸، ۹۰، ۱۷۱، ۲۴۰
ابونصر: ۸۰	۴۴۹، ۶۰۷
احمد بن اسحاق: ۵۶، ۶۹، ۸۲، ۱۴۶، ۱۵۲	ابرس: ۵۲۶
۱۸۰، ۲۰۹	ابقع: ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۹۶، ۵۹۷
احمد بن عبدالله هاشمي: ۸۵	ابلق: ۲۵۳، ۵۵۸
ادريس <small>عليه السلام</small> : ۱۰۸، ۱۱۰، ۳۱۰	ابليس: ۲۰۹، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۷۰
ازدي: ۸۸	ابن ابی الحديد: ۴۱، ۷۶، ۱۸۹، ۲۳۷، ۲۴۴
اسرافيل: ۲۵۷	۳۱۶، ۳۱۸، ۵۷۷
اسماعيل <small>عليه السلام</small> : ۲۵۸، ۳۱۹، ۳۵۱	ابن حجر: ۶۶
اصهيب: ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۷۳، ۵۹۵، ۵۹۹	ابن عباس: ۵۴، ۱۸۰، ۳۲۵، ۳۳۹، ۴۵۳
افرايم: ۳۰۱	۴۵۵، ۵۹۱
امام علي بن ابی طالب <small>عليه السلام</small> : ۵۹، ۲۲۲، ۲۳۴	ابن عربي: ۶۶
۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۷، ۴۶۴، ۵۹۳	ابوالاديان: ۸۵
امام حسن مجتبي <small>عليه السلام</small> : ۳۳، ۹۶، ۱۳۵، ۲۱۸	ابواسحاق: ۸۹، ۹۰، ۱۷۱
۳۲۶، ۳۵۷، ۳۵۹	ابوايوب انصاري: ۷۱
امام حسين <small>عليه السلام</small> : ۳۲، ۳۹، ۴۲، ۴۲، ۴۸، ۵۵	ابوبصير: ۱۷۶، ۱۹۸، ۲۱۷، ۲۲۷، ۴۶۰
۶۲، ۹۵، ۱۰۴، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۱۸، ۲۳۷	ابوبکير: ۲۹۰
۲۷۳، ۳۳۱، ۴۴۹، ۴۶۳، ۴۸۸، ۵۵۰، ۵۵۲	ابوالجارود: ۱۰۰، ۱۹۷
۵۶۶، ۵۷۰، ۵۷۶، ۵۹۳	ابوالحسن اصفهاني: ۸۵

۴۷۲، ۴۶۷، ۴۵۴، ۴۲۹، ۳۹۹، ۳۶۰، ۳۴۷	امام سجاده <small>علیه السلام</small> : ۳۲، ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۹۶، ۹۸
۶۰۵، ۵۵۴، ۵۳۶	۱۱۶، ۱۹۴، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۵۵، ۴۴۸
امام جواد <small>علیه السلام</small> : ۵۱، ۶۸، ۷۲، ۱۷۱، ۱۷۹	۴۶۳، ۵۳۵، ۵۸۴
۴۸۴، ۳۸۰، ۲۱۸	امام باقر <small>علیه السلام</small> : ۱۴، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۴۳، ۴۵، ۶۳
امام هادی <small>علیه السلام</small> : ۵۲، ۷۱، ۸۵، ۹۷، ۲۰۹	۹۷، ۹۹، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۹۱، ۱۹۵
۴۴۷، ۳۶۰، ۳۴۸	۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۹
امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> : ۸۶، ۹۲، ۹۸	۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۶۰
۱۷۹، ۱۵۳، ۱۴۶، ۱۴۰، ۱۳۶، ۱۰۴	۲۶۸، ۲۸۵، ۲۹۸، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۲۱
امام زمان <small>علیه السلام</small> : ۵۳، ۷۸، ۸۳، ۱۰۵، ۱۱۵	۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۴۳، ۳۵۹
۱۲۲، ۱۲۴، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۷۹، ۱۸۰	۳۶۴، ۳۸۰، ۳۹۳، ۳۹۹، ۴۲۱، ۴۲۸، ۴۵۱
۲۰۳، ۲۱۴، ۲۳۰، ۲۳۷، ۲۴۹، ۲۹۴، ۴۱۹	۴۵۷، ۴۶۴، ۴۸۳، ۴۸۸، ۴۹۴، ۵۲۶، ۵۳۹
۵۸۴، ۵۲۱، ۵۱۹	۵۴۴، ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۷۴، ۵۸۴، ۵۸۹، ۵۹۳
امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> : ۳۸، ۹۵، ۱۸۵، ۲۷۳	۶۱۸
۳۰۵، ۳۱۵، ۳۴۷، ۳۵۸، ۴۰۵، ۵۴۴	امام صادق <small>علیه السلام</small> : ۱۷، ۲۹، ۳۹، ۴۲، ۴۸، ۵۳
ام شریک: ۲۲۷	۵۹، ۶۱، ۶۶، ۷۶، ۹۶، ۱۰۲، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۲۱
امین: ۵۵، ۱۵۸، ۳۰۰، ۳۰۹، ۳۷۲، ۴۶۶	۱۴۲، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۲
۵۷۷، ۴۷۰	۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۳
انور سادات: ۵۳۳	۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۸، ۲۶۷
ایوب <small>علیه السلام</small> : ۷۲، ۱۲۸، ۱۴۰	۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۶، ۲۹۵، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۳۶
بالفور: ۲۴۱	۳۴۲، ۳۵۲، ۳۶۵، ۳۸۰، ۳۹۲، ۴۰۶، ۴۱۴
بخاری: ۳۸، ۵۴، ۲۳۷، ۲۹۶، ۳۷۷، ۳۹۸	۴۲۷، ۴۳۲، ۴۴۴، ۴۵۳، ۴۶۱، ۴۷۰، ۴۷۹
۴۱۵، ۴۲۷، ۴۸۰، ۴۸۵، ۶۱۰	۴۸۳، ۴۹۲، ۵۰۸، ۵۲۰، ۵۲۸، ۵۳۸، ۵۴۴
برادران یوسف: ۱۱۹، ۱۵۸	۵۶۱، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۱۶
بُرَاق: ۵۵۸	امام کاظم <small>علیه السلام</small> : ۴۲، ۵۰، ۸۷، ۱۰۳، ۱۷۸
برخیا: ۲۱۴، ۱۷۳	۲۳۲، ۲۸۹، ۴۶۰
بروکلمان: ۵۳۶	امام رضا <small>علیه السلام</small> : ۵۰، ۶۵، ۶۹، ۹۴، ۱۰۳، ۱۱۲
بشر بن سلیمان: ۷۱	۱۲۰، ۱۷۴، ۲۰۹، ۲۲۴، ۲۵۳، ۲۹۰، ۳۰۹

سوره . . .

سوره

حسین بن روح نوبختی: ۸۷، ۱۰۷، ۱۵۹	بشیر: ۲۴۸، ۵۷۹، ۵۹۱
حکیمه خاتون: ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۶، ۷۹	بلال: ۹۲
حملاها: ۲۸۶	بلقیس: ۲۱۴، ۳۵۱، ۳۷۴
خاقان: ۵۹۷	بیوراسب: ۱۳۴
خضر <small>علیه السلام</small> : ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۳۰	پسر مازیار: ۹۰
۶۱۳، ۳۵۳، ۲۸۸، ۲۰۹، ۱۶۶، ۱۳۴	پسر مریم: ۲۹۷
داود <small>علیه السلام</small> : ۱۱۳، ۲۶۸، ۳۴۵، ۵۰۶	پسر نوح: ۱۷، ۹۷، ۱۵۸
دجال: ۱۰، ۱۲۶، ۱۳۳، ۲۹۷، ۳۰۳، ۴۲۶	ترک بن یافت: ۴۹۷
۴۴۱، ۴۵۰، ۵۰۷، ۵۷۵، ۵۸۳، ۶۰۸، ۶۱۰	تمیم بن صالح: ۵۴۵
۶۱۹	تیمور لنگ: ۵۳۵
دلدل: ۵۵۸	ثقفی: ۲۳۱، ۲۳۲
دومغ: ۱۳۴	جابر بن عبدالله انصاری: ۳۶، ۱۱۴، ۱۳۷، ۶۱۹
ذوالشویقین: ۴۸۶	جبرئیل امین: ۵۵، ۳۷۲، ۴۶۶، ۵۷۷
ذوالقرنین: ۱۳۴، ۱۴۹، ۲۵۴، ۲۵۵	جرهمی: ۵۹۵
راشد اسدآبادی: ۸۵	جعفر طیار: ۴۳، ۵۳۶، ۵۴۹
ربیع: ۵۹۵	جعفر کذاب: ۵۸، ۶۹، ۸۵، ۹۷
رُقطی: ۵۲۵	چینی: ۱۸۹، ۲۹۴، ۴۴۸، ۴۸۵، ۵۰۱، ۵۱۵
روح القدس: ۲۹۲	۶۰۴، ۵۲۱
ریان بن دومغ: ۱۳۴	حارث: ۵۴۲
زبیر: ۷۰	حجر بن عدی: ۲۶۶
زراره: ۴۷۰	حرب: ۲۵۰، ۴۲۹، ۵۱۴، ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۵۳
زلیخا: ۱۲۷	۶۱۴، ۵۷۵، ۵۶۴
سالار شهیدان: ۵۶۷	حزیمه: ۵۷۷
سَدیر: ۳۲۸	حسن بن حسین عسکری: ۸۲
سعید بن جبیر: ۲۴۴	حسنى = سید خراسانی: ۱۰، ۳۲، ۲۷۱
سعیده: ۳۶۰	۲۷۸، ۴۹۱، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۸، ۵۶۹، ۵۹۵
سفیانی: ۱۰، ۱۶۱، ۱۷۸، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۳۴	

شیخ مفید: ۱۲۴، ۱۶۳، ۲۹۴، ۴۹۵، ۵۷۰	۲۴۸، ۲۵۱، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۹۹
شیصبانی: ۵۸۷	۳۶۴، ۳۷۲، ۳۹۴، ۴۴۱، ۴۵۰، ۴۵۳، ۴۶۶
شیطان: ۲۸، ۴۵، ۷۲، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۴۸	۴۷۵، ۴۸۱، ۴۸۷، ۵۰۷، ۵۲۱، ۵۲۵، ۵۳۰
۲۰۹، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۲، ۴۱۴، ۴۳۵، ۴۳۷	۵۲۸، ۵۴۵، ۵۵۰، ۵۵۶، ۵۶۰، ۵۶۴، ۵۷۲
۴۵۶، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۱، ۴۹۷، ۵۱۸، ۵۲۳	۵۷۹، ۵۸۳، ۵۹۳، ۶۰۴
۵۶۷	سلمان: ۲۲۰
صاحب زنج: ۱۱۰، ۵۳۶	سَلیم بن قیس: ۳۵۷، ۵۷۶
صالح <small>رضی اللہ عنہ</small> : ۱۴۸	سَلیمان <small>رضی اللہ عنہ</small> : ۲۱۴، ۲۶۸، ۳۵۱، ۳۷۳، ۵۲۰
صخر: ۳۶۰، ۵۹۳	۵۵۵
صقیل: ۷۰	سَمُری: ۱۶۰، ۱۶۲
صلاح الدین ایوبی: ۵۳۵	سید حسنی: ۱۰، ۲۷۱، ۲۷۸، ۵۴۱، ۵۵۸
صیاح: ۲۵۰، ۶۰۸	۵۶۹
ضخاک: ۱۳۴	سید حسینی: ۲۷۰، ۵۴۱
طالوت: ۲۱۵، ۲۱۹	سید خراسانی: ۱۰، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۴۰، ۵۴۴
ظریف: ۸۰، ۳۳۵	۵۴۷، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۹۰
عبدالله بن سلیمان: ۳۰۳	سید موسوی: ۵۵۲
عبدالله بن شریک عامری: ۵۶۰	سید هاشمی: ۵۴۱، ۵۴۳، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۹۹
عبدالله بن صالح: ۸۸	سیف بن عمره: ۴۶۶
عبدالمطلب: ۳۳، ۵۶، ۱۷۵	سیماء: ۸۷
عثمان بن سعید: ۷۸، ۱۵۲	شامی: ۴۱۵، ۵۲۵، ۵۳۴، ۵۵۱، ۵۶۹، ۵۹۰
عزیر: ۱۲۶، ۱۴۹	شروسی: ۵۶۳
عزیز مصر: ۱۳۴	شعیب بن صالح: ۱۰، ۲۶۹، ۲۹۰، ۵۱۹
عَضباء: ۵۵۸	۵۲۷، ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰، ۵۵۶، ۵۶۰، ۵۶۷
عَطْرِقی: ۵۲۵	شلعین: ۵۱۶، ۵۱۷
عِلج شلعین: ۵۱۶	شمعون: ۷۰
علی بن ابراهیم ازدی: ۸۸	شهربانو: ۴۸
علی بن قدامه: ۶۲	شیخ بهائی: ۱۱۷، ۱۸۲، ۴۳۱، ۴۳۹

کعب الاحبار: ۵۴، ۶۶، ۲۹۵	علی بن محمد سمري: ۱۶۰، ۱۶۲
کمسليما: ۲۸۶	علی دواني: ۵۶
گلداماير: ۴۱۵	عمران (پدر مريم): ۴۹، ۶۵، ۱۰۰، ۲۴۲
لاوی بن برخيا: ۱۷۲	عمر بن خطاب: ۴۰
لقمان: ۱۶۸، ۱۲۹	عمرو (سفیر اول): ۴۰
لوط: ۱۲، ۲۷، ۹۰، ۱۶۹، ۲۵۱	عمرو دوم: ۹۲
مائوتسه تونگ: ۵۲۱	عوج بن عناق: ۱۳۴
مادر حضرت ابراهيم: ۱۴۷	عوف سلمی: ۵۲۵، ۵۲۶
مادر حضرت مهدي: ۷۷	عیسی بن مهدي: ۸۴
مادر حضرت موسی: ۱۴۷	عیسی <small>عليه السلام</small> : ۲۵، ۳۴، ۶۷، ۷۰، ۷۹، ۱۱۵
مادر مريم: ۴۹، ۱۰۰	۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۴، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۶۸، ۲۹۵
مأمون عباسی: ۶۰۶	۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۵۲، ۴۲۴، ۴۴۱، ۴۵۶
محمد بن ابراهيم بن مهزيار: ۹۱	۵۵۴، ۵۶۰، ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۱۷
محمد بن ادريس: ۸۷	فاطمه زهرا <small>عليها السلام</small> : ۷۱، ۷۲
محمد بن اسماعيل: ۸۷	فرعون: ۲۴، ۲۷، ۷۶، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۴۷
محمد بن الحسن (نفس زکيه): ۵۶۶	۲۵۱، ۲۵۲، ۴۱۶، ۴۸۶، ۵۸۱
محمد بن عثمان (سفیر دوم): ۹۲، ۱۰۵	فريدون: ۱۳۴
۱۲۴، ۱۵۶، ۱۵۹	فضل بن يسار: ۱۷۴
محمد بن مسلم: ۱۷۷، ۱۷۸	قابيل: ۹۷، ۹۸
محمد حنفيه: ۳۹۹، ۵۴۸	قرسيطا: ۱۷۳
مخزومی: ۲۳۱، ۲۳۲	قنطوره: ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۱
مراکشی: ۵۲۱، ۵۷۲	قيس عيلان: ۴۹۹
مروانی: ۵۲۷، ۵۸۹	قيصر: ۷۰، ۳۷۳
مروزی: ۴۱۴	کاشف الغطاء: ۳۶۹
مريم: ۴۹، ۶۶، ۲۸۱، ۲۹۵، ۲۹۷، ۴۱۹، ۴۲۴	کافور: ۷۱
۴۳۷، ۵۸۰، ۶۰۳، ۶۱۴، ۶۱۷	کامل بن ابراهيم: ۸۱، ۸۵
مستنصر: ۵۶۸	کامل سليمان: ۹، ۳۰

۱. ه

در پناه حضرت مهدي قائم عليه السلام

۱۵

بومر الحاضر ظل نور

۱۵

۱۵

نوح <small>عليه السلام</small> : ۲۷، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۹۴، ۳۱۹، ۶۱۱	مسیح <small>عليه السلام</small> : ۱۷۳، ۳۰۳، ۴۵۳، ۴۷۳، ۵۲۳
وثر: ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۶۰، ۲۶۲	مصری: ۵۲۸، ۵۳۴، ۵۷۲، ۵۸۹، ۵۹۶، ۵۹۷
وثيره: ۲۶۳	معاویه: ۴۳، ۱۹۴، ۲۶۶، ۵۷۴، ۵۹۳
هابیل: ۹۷، ۹۸	معتضد عباسی: ۱۵۷، ۵۳
هارون: ۱۰۹، ۱۲۳، ۲۳۹	معمد عباسی: ۱۵۷
هامان: ۷۶	معصومه <small>عليها السلام</small> : ۵۵۵
هجرى: ۲۳۱	مغلی بن خنيس: ۲۴۶، ۳۵۷، ۳۵۸
هشام بن عبدالملك: ۳۰۶	مغربی: ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۹، ۵۳۴، ۵۸۸، ۵۸۹
هود <small>عليه السلام</small> : ۵۸۰	۵۹۵، ۵۹۹
یحیی <small>عليه السلام</small> : ۷۹	مقتدر عباسی: ۱۵۷
يزبوع: ۵۵۸	مکتفی عباسی: ۱۵۷
يزدجرد: ۴۸	مليخا: ۲۸۶
يزيد بن معاويه: ۴۳، ۵۷۴	منصور: ۵۹، ۲۵۵، ۵۱۹، ۵۴۲
يشوعا: ۷۰	منصور دوانیقی: ۴۶۶
يعفور: ۵۵۸	موسی <small>عليه السلام</small> : ۶۷، ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۹۶، ۱۰۰
يعقوب <small>عليه السلام</small> : ۱۱۸، ۱۲۸، ۲۵۱	۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۴۶
يعقوب بن منقوش: ۸۴	۱۷۴، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۶۱، ۲۷۹، ۲۹۰، ۵۵۴
يسمانی: ۱۹، ۳۳۴، ۴۵۶، ۴۹۰، ۵۲۵، ۵۳۴	۵۹۱
۵۳۸، ۵۴۰، ۵۵۳، ۵۶۶، ۵۷۳، ۵۸۴، ۵۹۵	مولای متقیان: ۳۷۳، ۳۸۷، ۳۹۰
يهوه: ۵۰۴، ۵۲۳	میکائیل: ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۹۰
يوحنا: ۳۰۰، ۳۰۳، ۳۶۲، ۴۷۳، ۵۲۳، ۶۰۷	نرجس خاتون: ۵۱، ۵۸، ۷۰، ۷۳، ۷۵، ۱۵۱
۶۱۹	نسیم خادم: ۸۷
يوسف <small>عليه السلام</small> : ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۹	نصر بن دهمان: ۱۲۶
۱۵۸	نفس زکیه: ۳۶۴، ۵۴۰، ۵۴۲، ۵۶۴، ۵۶۸
يوشع بن نون: ۳۵۶	۵۷۰، ۵۸۴، ۵۹۲
يونس <small>عليه السلام</small> : ۶۳، ۱۳۰، ۱۴۱	نمرود: ۲۷، ۹۷، ۱۰۲، ۱۱۵
	نوبختی: ۸۵، ۱۰۷، ۱۵۹

فهرست آیات

		سورة حمد
۳۹۹		۱ - الحمد لله رب العالمين
		سورة بقره
۵۹۶، ۱۶۵		۲۱۴ - أم حسيبتم أن تدخلوا الجنة
۱۷۷		۱۵۵ - ولنبلوكم يعني المؤمنين
۱۸۴		۲ - هدى للمتقين الذين
۲۰۶		۱۵۷ - صلوات من ربهم و
۲۱۶		۱۴۸ - أين ما تكونوا يأت
۲۸۷		۱۹۳ - وقتلوهم حتى لا تكون
۲۵۱		۱۲۸ - ربنا و جعلنا مسلمين
۳۵۱		۱۳۳ - قالوا نعبد إلهك
۵۲۰		۱۱۴ - ومن أظلم ممن منع
۵۵۲		۲۲۲ - إن الله يحب التوابين و
		سورة آل عمران
۲۸		۹ - إن الله لا يخلف
۱۳۷		۱۴۱ - ولیمحص الله الذين
۱۹۵		۲۰۰ - يأتئها الذين ءامنوا اصبروا
۲۰۸		۱۴۲ - ولما يعلم الله الذين جاهدوا
۲۵۱، ۲۹۰		۸۲ - وله أسلم من في السموات
۲۵۰		۱۹ - إن الدين عند الله الإسلام
۲۵۱		۵۲ - نحن أنصار الله ءآمتنا
۲۵۱		۸۴ - لا نفرق بين أحد منهم
۴۳۷		۳۰ - يوم تجد كل نفس ما عملت
۵۰۱		۵۵ - إذ قال الله يعيسى إني متوفيك
۵۰۱		۵۶ - فآما الذين كفروا فأعد لهم
۵۰۱		۱۱۲ - ضربت عليهم الذلة

ا . هـ

در پناه حضرت مهدی قائم علیه السلام

هـ

يوم الحاخاش ظان

هـ

هـ

سورة نساء

- ١٢٣ - ٥٤ - أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ
 ١٥٤ - ٥٩ - يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا
 ٢٩٨ - ١٥٩ - وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنُوا
 ٥٩١ - ٤٧ - يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَاتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا

سورة مائدة

- ١٦ - ١٠٥ - يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ
 ١٠٦ - ١٠١ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا
 ١١١ - ٥ - وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ
 ٢٢٧، ٢٢٠ - ٥٤ - يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ
 ٥١٤ - ٦٤ - كَلِّمُوا أَوْ قَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَافًا

سورة انعام

- ١٢٨، ٢٣ - ١٠٣ - لَا تُدْرِكُهُ الْآبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ
 ٢٦ - ١٠ - وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِنْ
 ٢٤٧، ٦٩ - ١١٥ - وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ
 ٢٢٧ - ٨٩ - فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّ لِآءٍ فَقَدْ
 ٢٨١ - ١٥٨ - يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ ءَايَاتِ رَبِّكَ
 ٤٢٧ - ٩٤ - وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرْدَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ
 ٥٨٤ - ٢ - ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ
 ٥٩٢ - ٦٥ - قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ

سورة اعراف

- ٤٥ - ١٥٧ - يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ
 ١٣٢ - ١٧٩ - وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا
 ١٣٥ - ٧١ - فَانظُرُوا إِلَىٰ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ
 ١٦٨ - ١٨٧ - قُلْ إِنَّمَا عَلَّمْتُهَا عِنْدَ
 ١٦٨ - ٩ - الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ
 ٣٥٩، ٣٠٦، ١٩٠ - ١٢٨ - وَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ

ربنا هـ

هـ

هـ

هـ

القائلون

	سورة انفال
۱۲۳	۲۳ - وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا
	سورة توبه
۴۷	۴۲ - لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا
۵۸	۳۳ - وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
۲۰۸	۱۶ - أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا
۲۷۴، ۲۴۴	۳۴ - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
۲۴۷	۱۰۵ - وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ
	سورة يونس
۳۱، ۱۶	۵۳ - وَيَسْتَنْتَهِمُونَكَ أَحَقُّ هُوَ
۲۵۱	۲۴ - حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ
۴۱۶	۹۱ - الشَّنَّ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ
۴۷۱	۳۵ - أَلَمْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
۴۸۹	۵۰ - قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ
۵۶۲، ۵۴۸	۲۴ - إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
	سورة هود
۳۶۰، ۲۶۱، ۵۹	۸۶ - بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ
۹۷	۴۵ - قَالَ نُوحٌ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي
۲۲۵	۸ - وَلَسْنَا آخِرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ
	سورة يوسف
۱۰۲	۱۰۰ - حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ
۱۱۸	۸۸ - هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ
	سورة رعد
۳۶۳	۳۹ - يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ
	سورة ابراهيم
۲۷۴	۵ - وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ
۲۹۲	۲۴ - ۲۵ - كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا

٣١٤	٤٨ - يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ
٣١٦	٤٤ - وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمْ
٣٤٠	٤٥ - وَسَكَنْتُمْ فِي مَسْكِنِ الَّذِينَ
	سورة حجر
٣٤٥	٧٥ - إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
	سورة نحل
٤٧	٨ - وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ
١٠٠	٦٨ - وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ
١٢٨	٤ - خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ
٢٦٤	٤٥ - أَقَامِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا الشَّيْثَاتِ
٢٧٦	١ - أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا
٣٣٦	٨٩ - وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ
	سورة اسراء
٤٦٣، ٢٥٥، ٤٨	٨١ - جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ
١٧٠	١٣ - وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ
٥٢٤، ٢٤١	١٠٤ - فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ
٢٥١	٦ - ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ
٢٧٩	٥ - بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا
٤٨٥	٦٠ - وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ
٥٠٣	٤ - وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي
٥٠٣	٧ - فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ
	سورة مريم
٧٦	١٢ - يَنْبِئُخْبِي خُذِ الْكِتَابَ
٢٨١	٧٥ - حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ
٤١٩	٥٩ - فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا
٤٣٧	٧٩ - كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ
	سورة طه

١٢٢

٣٩ - أَنْ أَقْدِ فِيهِ فِي التَّابُوتِ

١٢٢

١٣ - وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ

٢٢٢

١٣٥ - فَسَتَعَلِّمُونَ مَنِ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ

٣١٤

١٠٥ - وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ

سورة انبياء

٢٦٦

١٢ - ١٥ - يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

٣٢٦، ٣٠٥

١٠٥ - وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

٥٠٩

٩٦ - حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ

٥٥٣

١٥ - فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ

سورة حج

٢٧٢

٣٩ - أُذِنَ لِلَّذِينَ يُعْتَزِلُونَ بَأَنَّهُمْ

٣١٤

١ - يَنَاقُيْهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ

٣٢٩

٤١ - الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّسَهُمْ فِي الْأَرْضِ

٣٤٩

٥٦ - الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

٣٥١

٧٨ - مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ

سورة مؤمنون

١٢٧

١٢ - وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلْسَلَةٍ

٣٧٦

١١٥ - أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ

٣٨٧

١١٧ - وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ

سورة نور

١٥٥

٣٩ - وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَسُ لَهُمْ كَسْرَابٍ

٣١٥

٥٥ - وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ

سورة فرقان

١٤

٢٧ - يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى

٤١٦

١٣ - وَإِذَا الْقُورَاءُ مِنْهَا مَكَاناً

سورة شعراء

٢٥٧

٢١ - فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْكُمْ

١٠٥

مهدى قائم عليه السلام
درستان حضرت

٥٥

مجالس

١٤

٤٦١	٤ - إِنَّ تَشَاءُ نُنزِّلْ عَلَيْهِمْ
	سورة نمل
١٣٣	٦ - وَأَنْتَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ
٢٥٨	٦٢ - أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا
٢٥١	٣١ - وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ
٢٥١	٤٤ - وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ
	سورة قصص
٣١٦ ، ٢٣٦ ، ٧٦	٥ - وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى
١٢٢	٦٨ - وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
٢٥٩	٨٣ - وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
	سورة عنكبوت
٢٦	٥ - مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ
٢٠٨	١ - أَلَمْ أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتَرَكُوا
	سورة روم
٥٠٨ ، ٢٧٧	٥ - يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ؛ بِنَصْرِ اللَّهِ
٥٠٨	١ - غُلِبَتِ الرُّومُ؛ فِي آدْنَى الْأَرْضِ
	سورة لقمان
١٤٥	٢٠ - نِعْمَةٌ ظَهِرَةٌ وَبَاطِنَةٌ
١٦٨	٢٤ - إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ
	سورة سجده
٢٩٥	٢٨ - ٣٠ - وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ
٢٤٤	٢١ - وَلَنَذِقَنَّهْمِ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى
	سورة احزاب
٢٤٤ ، ١٦٩	٦٣ - وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا
	سورة سبأ
٥٩٢ ، ٢٦٢	٥٢ - ٥٤ - وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا فَلَاقَتِ
	سورة صافات

۱۳۰

۱۲۳ - فَلَوْلَا أَنَّهُ وَكَانَ مِنَ الْمُسْتَجِيبِينَ

سورة ص

۱۶۸

۵۵ - هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيِينَ لَشَرَّ مَثَابٍ

سورة زمر

۲۷۵

۷۴ - الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا

سورة مؤمن

۵۱

۲۸۶ - إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ

سورة فصلت

۴۵۷

۵۳ - سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ

سورة شوری

۱۶۸

۱۸ - يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

۲۶۷

۴۱ - ۴۲ - وَلَمَنْ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ

۳۵۸

۲۰ - مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ

سورة زخرف

۳۵۹

۶۱ - وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ

۵۵۱

۶۵ - فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ قَوْلًا

سورة احقاف

۳۱۲

۲۵ - فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا

سورة محمد ﷺ

۱۶۸

۱۸ - فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ

سورة فتح

۱۹۸

۲۵ - لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ

۲۷۶

۱۰ - إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا

سورة ذاریات

۳۵۱

۳۶ - فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ

سورة قمر

۱۶۸

۱ - اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ

	سورة حديد	
١٩٤	١٩ - وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ	
٤٤٦ ، ٣٣٩	١٧ - اِعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِي الْاَرْضَ	
	سورة حشر	
٢٧٤ ، ٢٤١	٢ - هُوَ الَّذِي اَخْرَجَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا	
	سورة صف	
٢٨٩	٨ - وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ	
	سورة منافقون	
٢٣٦	٥ - وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ	
	سورة طلاق	
٢٩١	٣ - وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ فَهُوَ	
	سورة ملك	
١٦٦	٣٠ - قُلْ هُوَ الرَّحْمٰنُ ءَامَنًا	
	سورة حاقة	
٢٨٨	٢٤ - كُلُوْا وَاشْرَبُوْا هَنِئًْا	
	سورة معارج	
٢٦٠	١ - سَاَلْ سَاۗئِلٌ بِعَذَابٍ وَّاقِعٍ	
٢٧٧	٤٢ - خٰنِثِئَةً اَبۡصَرۡنٰهُمۡ تَرۡهَقۡهُمۡ ذَلٰلَةٌ	
	سورة جن	
٥٥٥ ، ١٤٤	٢٥ - ٢٧ - عَلٰىمِ الْغَيْۢبِ فَلَا يُظۡهِرُ عَلٰى	
٢٢٢	٢٤ - حَتّٰىۤ اِذَا رَاۗوۡا مَا يُوۡعَدُوۡنَ	
	سورة قيامت	
١٢٧	٣٧ - اَلَمْ يَكُ نُطۡفَاةً مِّنۡ مَّنۡىۤ يُّمۡنٰى	
٤٥٥	٩ - وَجُمِعَ الشَّمۡسُ وَالْقَمَرُ	
	سورة انسان	
٨١	٣٠ - وَمَا تَشَاۗءُوۡنَ اِلَّا اَنۡ	
	سورة مرسلات	

سورة حشر

٥

٦

٩

١٠

فهرست - ت

۱۲۸	۲۰ - ۲۱ - أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ
۱۳۲	۲۳ - فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدِيرُونَ
	سورة نازعات
۱۶۸	۴۲ - يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ
۳۱۴	۳۶ - وَيُبْرِزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى
۳۱۴	۶ - ۸ - يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ
	سورة تكوير
۱۴۴	۱۵ - ۱۶ - فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ
	سورة طارق
۱۱۱	۱۷ - فَمَهَلِ الْكٰفِرِينَ أَمَهَلُهُمْ رُوبِدَا
۲۶۱	۳۹ - فَمَهَلِ الْكٰفِرِينَ أَمَهَلُهُمْ رُوبِدَا
	سورة تين
۱۲۷	۴ - لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

منابع

- القرآن الكريم.
الكتاب المقدس، العهد القديم، العهد الجديد.
الاختصاص، شيخ مفيد، چاپ ايران، ١٣٧٩ هـ
الارشاد، شيخ مفيد، چاپ تهران، ١٣٥٨ هـ
الزام الناصب في اثبات الحجّة الغائب، شيخ علي يزدي حائري، چاپ تهران، ١٣٥١ هـ
اسعاف الراغبين في سيرة المصطفى و اهل بيته الطاهرين، شيخ محمد صبان حاشيه بر كتاب
نور الابصار، چاپ مصر، ١٣٨٠ هـ
الاعلاق النفسية، احمد بن عمر بن رستم، چاپ ليون، ١٨٩١ م.
اعلام الوري باعلام الهدى، طبرسي، چاپ ايران، ١٣٣٨ هـ
الامام المهدي، علي محمد علي دخيل، چاپ نجف.
امل الامل، شيخ حرّ عاملي، چاپ بغداد، ١٣٨٥ هـ
بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسي، چاپ تهران، ١٣٨٥ هـ
بشارة الاسلام، سيد مصطفى كاظمي، چاپ نجف، ١٣٨٢ هـ
البلدان ابن فقيه، چاپ ليون، ١٣٠٢ هـ
البيان والتبيين، جاحظ، چاپ مصر، ١٣٦٦ هـ
البيان في اخبار صاحب الزمان، گنجي شافعي، چاپ نجف، ١٣٢٤ هـ و ١٣٦٢ هـ
تاريخ سني ملوك الله و الانبياء، حمزة بن حسن اصبهاني، چاپ بيروت، ١٣٨٢ هـ و ١٩٦٢ م.
تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علي حرّاني، چاپ بيروت، ١٩٦٩ هـ
تقويم البلدان، ابوالفداء، چاپ پاریس، ١٨٤٠ م.
الحاوي للفتاوى، سيوطي، چاپ مصر، ١٩٥٩ م.
جامع احاديث شيعه، طباطبائي بروجردي، چاپ تهران، ١٣٨٠ هـ
جامع الاخبار، سبزواري، چاپ ايران، ١٣٨٢ هـ
جنة المأوى، ميرزا حسين نوري، چاپ ايران، ١٣٨٥ هـ
حقائق ايمان، شيخ يوسف فقيه.
حضارة العرب، مصطفى رافعي، چاپ بيروت، ١٩٨٠ م.

- ذخائر العقبي في مناقب ذوى القربى، احمد بن عبدالله طبرى، چاپ مصر، ١٣٥٦ هـ
- سفينة بحار الانوار، ماده قمم، چاپ نجف، ١٣٥٥ هـ
- شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، چاپ مصر، ١٣٢٩ هـ
- صحيح بخارى، چاپ مصر، ١٣٧٢ هـ
- صحيح مسلم، چاپ مصر، ١٣٨٤ هـ
- صواعق المحرقة، ابن حجر، چاپ مصر، ١٣٧٥ هـ
- عيون اخبار الرضا عليه السلام، شيخ صدوق، چاپ نجف، ١٣٩٠ هـ و ١٩٧٠ م.
- الغية، شيخ طوسى، چاپ نجف، ١٣٥٧ هـ و چاپ تهران، ١٣٨٥ هـ
- الغية، نعمانى.
- الفصول المهمة، ابن صباغ، چاپ نجف، ١٩٥٠ م.
- القطره من بحار النبى و العتره، سيد احمد مستنيط، چاپ نجف، ١٣٧٥ هـ و ١٩٥٨ م.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، چاپ ايران، ١٣٨٨ هـ
- الكامل، ابن اثير جزرى، چاپ مصر، ١٣٠٣ هـ
- كتاب الفتن، سليلى، چاپ نجف، ١٣٨٢ هـ و ١٩٦٣ م.
- كشكول، شيخ بهائى عاملى.
- الكنى و الالقاب، شيخ عباس قمى، چاپ نجف، ١٣٧٦ هـ و ١٩٥٦ م.
- كشف الغمه فى معرفة الائمه، محمد بن عيسى اربلى، چاپ ايران، ١٣٨٢ هـ
- لمعان الانوار، ابى الحسن نجفى مرندى، چاپ ايران، ١٣٤٠ هـ
- مثير الاحزان، شيخ يوسف جواهرى، چاپ نجف، ١٣٧٣ هـ
- مجمع البحرين، چاپ نجف، ١٣٨١ هـ
- المحجة البيضاء، محمد بن مرتضى كاشانى، چاپ ايران، ١٣٤٠ هـ
- المخلاة، بهائى عاملى.
- مسند احمد بن حنبل.
- مشتهى كل الامم، القس عبدالله صانع، چاپ بيروت، ١٩٥٧ م.
- معانى الاخبار، شيخ صدوق، چاپ ايران، ١٣٧٩ هـ
- معجم البلدان، ياقوت حموى، چاپ مصر، ١٣٢٤ هـ و ١٩٠٦ م.

معاج لغة و ادب مختلفة.

الملاحم و الفتن، ابن طاووس، چاپ نجف، ١٣٨٢ هـ و ١٩٦٣ م.

منتخب الاثر في الامام الثاني عشر، لطف الله صافي، چاپ تهران، ١٣٧٣ هـ

المهدي، سيد صدرالدين صدر، چاپ ايران، ١٣٥٨ هـ

موجز تواريخ اهل البيت، محمد شيخ طاهر السماوي، چاپ نجف، ١٣٨٥ هـ

نخبة الدهر في عجائب البر و البحر، محمد بن ابي طالب الانصاري، چاپ لبيزغ، ١٩٢٣ م.

نهج البلاغه، چاپ بيروت، مكتبة اهلبيه.

نهج الفصاحة، چاپ ايران، ١٣٤١ هـ

نوايب الدهور في علائم الظهور، محمد حسن مهاجري جرقوثي، چاپ تهران، ١٣٨٣ هـ

نور الابصار في مناقب آل النبي المختار، سيد مؤمن شيلنجي، چاپ مصر، ١٣٨٠ هـ

نور الانوار، ابي الحسن مرندي، چاپ ايران، ١٣٢٨ هـ

وسائل الشيعة، شيخ حرّ عاملي، چاپ بيروت، ١٣٩١ هـ

وفاة العسكري، شيخ حسين بحراني، چاپ نجف، ١٣٩٣ هـ

ينابيع المودة، قندوزي، چاپ استانبول، ١٣٠١ هـ